

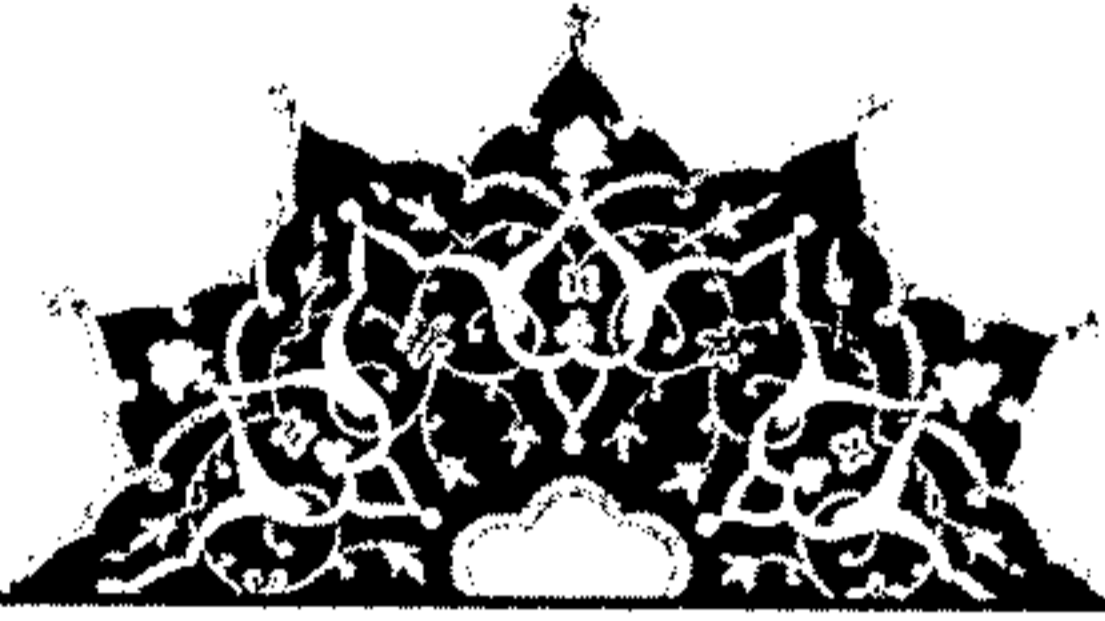


آیات الکریمہ فی ما نزل فی بقیۃ اللہ فی الارضین

بقیۃ اللہ در آیات قرآنی

مہند علی اصغر اکبر





بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

آيات الكريم في ما نزل

في البقية الله

في الارضين

تأليف

على اصغر اكبرى

◆ سرشناسه : اکبری ، علی اصغر ، ۱۳۲۸
عنوان وپدیدآور : آیات الکریم فی ما نزل فی بقیه اللہ فی الارضین / مولف : علی اصغر اکبری
مشخصات نشر : تهران : علی اصغر اکبری ، ۱۳۸۵
مشخصات ظاهری : ۶۸۲ ص
شابک : ۹۶۴-۰۶-۲۰۶۹-۹
یادداشت : فیپا
یادداشت : کتابنامه بصورت زیرنویس
موضوع : مهدویت - جنبه های قرآنی
موضوع : محمد بن حسن (عج) ، امام دوازدهم ، ۲۵۵ ق ، -- جنبه های قرآنی .
رده بندی کنگره : ۷ الف ۸۶ م / BP1۰۴
رده بندی دیویی : ۲۹۷/۱۵۹
شماره کتابخانه ملی : ۲۲۴۴۶ - ۸۵ م

آیات الکریم فی ما نزل فی بقیه اللہ فی الارضین

مؤلف : مهندس علی اصغر اکبری

ناشر : مؤلف

تیراژ : ۳۰۰۰ جلد

نوبت چاپ : اول - تابستان ۸۶

لیتوگرافی ، چاپ و صحافی : چاپ احمدی

شابک : ISBN : 964 - 06-9206-9

قیمت سلفون : ۸۵۰۰۰ ریال

قیمت شومیز : ۷۰۰۰۰ ریال

اهداء

پروردگارا دستم تهی است، اما رحمت تو وسیع است، این اثر
ناچیزی است، اما تو خود فرموده‌ای که از رحمت واسعه‌ای تو ناامید
نشوم پس برای این اثر کوچک امید ثواب بزرگ دارم که به واسطه
عظمای فیض خودت حضرت حجة بن الحسن العسكري روحی
فداه ثواب عنایت فرمائی.

به روح پدرم حاج رضا بن محمد بن رضا ابن ملا علی اکبر و به روح
مادرم فاطمه بنت موسی بنت شیخ اسماعیل، هدیه کنم.
شاید قطره‌ای از دریای حقوقشان را ادا کرده باشم.

علی اصغر اکبری

مقدمه

قسمت اول

یکی از راههایی که می شود به وسیله آن رضایت خداوند متعال و رسول خدا ﷺ و امیرالمؤمنین و ائمه طاهرين ﷺ را به دست آورد، تبلیغ کردن درباره ولی عصر (عج) است که بدین وسیله هم رضایت آن حضرت به دست می آید و هم می شود به ایشان نزدیک شد و این عمل خیر دنیا و آخرت را نصیب انسان خواهد کرد و سبب حل مشکلات و معضلات دنیا و آخرت انسان خواهد شد. این تبلیغات هم می تواند لسانی باشد و به وسیله سخنوری و گویندگی مردم را نسبت به آن حضرت آگاه ساخت یعنی زمینه سازی برای ظهور باشد و هم می تواند قلمی باشد یعنی می توان آثاری را در زمینه مهدویت و قائمیت نوشت و این راه را خود آن بزرگواران به ما آموخته اند. لذا از صدر اسلام و قبل از تولد امام زمان (عج) ما می بینیم بزرگان اسلام در این زمینه تلاش می کنند و با زبان و قلم، مردم را به آینده اسلام و وجود اقدس امام زمان (عج) آگاه می سازند مثلاً:

۱. ابواسحاق ابراهیم بن صالح انماطی که یکی از اصحاب امام باقر ﷺ است، در ضمن کتاب های فراوانی که در زمینه اسلام و تشیع می نویسد، یک کتاب به نام «کتاب الغیبة» نوشته است. این کتاب در زمینه مهدویت و قائمیت است و یکصد سال قبل از تولد امام زمان (عج) نوشته شده است.^(۱)
۲. ابوالفضل عباس بن هاشم ناشری معروف به «عُبَیس» از اصحاب حضرت

۱. مراجعه کنید به رجال شیخ طوسی، ص ۱۰۴، و فهرست شیخ طوسی، ص ۳۰، رجال نجاشی، ص ۱۵، رجال ابن داود، ص ۳۲، نوشته آیت الله العظمی خوئی.

رضاء عليه السلام کتابی در زمینه مهدویت به نام «کتاب الغیبة» نوشته است. این کتاب نیز دهها سال قبل از تولد امام زمان (عج) نوشته شده است.^(۱)

۳. علی بن حسن بن علی بن فضال از اصحاب امام هادی و حضرت ابا محمد حسن بن علی العسکری علیه السلام است. تألیفات ایشان بیش از ۳۰ اثر است که دو جلد آن درباره امام زمان (عج) است. یکی به نام «کتاب الغیبة» و دیگری به نام «کتاب الملاحم».^(۲)

۴. حسن بن علی بن فضال، پدر علی بن حسن بن علی بن فضال کتابی دارد به نام «الملاحم» که درباره علائم ظهور است.^(۳)

۵. ابو الحسن علی بن حسن بن محمد طائی جرمی از اصحاب حضرت کاظم علیه السلام کتابی دارد به نام «کتاب الغیبة».^(۴)

۶. ابو الحسن علی بن محمد بن علی سواق کتابی نوشته است به نام «کتاب الغیبة» این کتاب نیز پیش از تولد آن حضرت نوشته شده است.^(۵)

۷. ابو الحسن علی بن عمر اعراج قبل از تولد امام زمان (عج) «کتاب الغیبة» را نوشته است.^(۶)

۸. ابو علی حسن بن محمد بن سماعه از اصحاب امام کاظم علیه السلام است. کتابی نوشته است به نام «کتاب الغیبة».^(۷)

۹. حسن بن علی بن ابی حمزه بطائنی پدرش علی بن ابی حمزه از اصحاب حضرت کاظم علیه السلام بوده است. ایشان پنج کتاب در مورد امام زمان (عج) و غیبت و رجعت می نویسد و آنها عبارتند از:

(۱) کتاب الغیبة.

۱. رجال شیخ طوسی، ص ۳۸۴؛ رجال نجاشی، ص ۲۸۰.

۲. رجال شیخ طوسی، ص ۴۱۹ و ۴۳۳؛ فهرست شیخ طوسی، ص ۱۲۲؛ رجال نجاشی، ص ۲۵۷.

۳. رجال نجاشی، ص ۳۶.

۴. رجال شیخ طوسی، ص ۳۵۷؛ رجال نجاشی، ص ۲۵۵.

۵. رجال نجاشی، ص ۲۵۹. ۶. رجال نجاشی، ص ۲۵۶.

۷. رجال نجاشی، ص ۴۱؛ فهرست شیخ طوسی، ص ۸۱.

(۲) کتاب الرجعة.

(۳) کتاب القائم الصغیر.

(۴) کتاب القائم الکبیر.

(۵) کتاب الملاحم.

این بزرگواران پنج کتاب را نیم قرن قبل از تولد امام زمان (عج) نوشته‌اند.^(۱)

۱۰. ابو سعید عبّاد بن یعقوب رواجنی سال وفات ایشان سال ۲۵۰ (ه ق) است.

کتابی نوشته است به نام «اخبار المهدی». نویسنده، کتاب را پنج سال قبل از تولد امام زمان (عج) نوشته است و شیخ طوسی و دیگر علمای رجال شیعه ایشان را سنی مذهب می‌دانند. محققین می‌گویند: رواجنی قبل از تولد امام زمان (عج) از دنیا رفته است و به آن حضرت عشق می‌ورزیده است حتی برای خود سپر و شمشیری تهیه کرده بود و آن را بالای سرش می‌آویخت و می‌گفت: «اگر دوران ظهور را درک کنم از مستشهدین در رکابش باشم.»

ذهبی که از علمای اهل سنت است می‌گوید: «مطرز» به او گفت: این شمشیر و سپر

برای چیست؟ او می‌گوید: «مها کرده‌ام تا در رکاب مهدی (عج) بجنگم.»^(۲)

۱۱. عبدالله بن جعفر حمیری از اصحاب امام حسن عسکری علیه السلام است. ایشان چهار

کتاب درباره امام زمان (عج) نوشته است:

(۱) قرب الاسناد الی صاحب الامر.

(۲) الغیبة و الحیرة.

(۳) الغیبة و مسائله.

(۴) الفترة و الحیرة.

ایشان از معمرین بوده است. رجالیون آورده‌اند که وی سال ۲۹۰ (ه ق) در کوفه

۱. رجال نجاشی، ص ۳۷؛ معجم رجال حدیث مجلد ۵، ص ۱۴.

۲. البداية و النهایة، مجلد ۱۱، ص ۷؛ تهذیب التهذیب، مجلد ۳، ص ۷۵؛ فهرست شیخ طوسی،

ص ۱۴۹؛ الیقین، ص ۲۷۱؛ رجال ابن داود، ص ۲۹۲؛ معجم المؤلفین، مجلد ۵، ص ۵۷؛ الذریعة،

مجلد ۱، ص ۲۵۲.

بوده است. (۱)

۱۲. علی بن مهزیار اهوازی از اصحاب امام رضا و امام جواد و امام هادی علیهم السلام بوده است. وی از طرف ائمه طاهرین وکالت و نمایندگی داشته است. از ایشان سی و سه جلد کتاب باقی مانده است که دو مجلد آن درباره حضرت مهدی (عج) است:

(۱) کتاب القائم.

(۲) الملاحم.

ایشان تا سال ۲۲۶ (ه ق) زنده بوده است. معلوم نیست که امام عسکری علیه السلام را درک کرده است یا خیر. (۲)

۱۳. ابراهیم بن اسحاق احمري از اصحاب حضرت عسکری علیه السلام می باشد. کتابی نوشته است به نام «کتاب الغیبة». (۳)

۱۴. ابو علی حسن بن احمد صفار از اصحاب حضرت رضا علیه السلام بوده است. کتابی دارد به نام «دلائل خروج القائم». (۴)

۱۵. ابو العنبر محمد بن اسحاق بن ابراهیم کوفی از علمای اهل سنت بوده است. کتابی دارد به نام «صاحب الزمان». سال وفاتش ۲۷۵ (ه ق) بوده است. (۵) وی از ادبای معروف عصر عباسیان و از ندیمان متوکل بوده است.

۱۶. فضل بن شاذان از اصحاب چهار امام بوده است. اول علی بن موسی الرضا دوم حضرت محمد بن علی الجواد سوم علی بن محمد النقی چهارم ابا محمد حسن بن علی العسکری صلوات الله علیهم اجمعین. وی از هر چهار امام حدیث نقل می کند.

۱. رجال نجاشی، ص ۲۱۹؛ فهرست طوسی، ص ۱۳۲.

۲. رجال شیخ طوسی، ص ۳۸۱ و ۴۰۳ و ۴۱۷؛ رجال علامه، ص ۹۲؛ رجال کشی، ص ۵۴۹؛ رجال نجاشی، ص ۲۵۳.

۳. رجال نجاشی، ص ۱۹؛ معجم رجال الحدیث، مجلد ۱، ص ۲۰۵.

۴. رجال نجاشی، ص ۱۹؛ معجم رجال الحدیث، مجلد ۵، ص ۱۱۱؛ قاموس الرجال، مجلد ۳، ص ۳۵۵.

۵. فهرست ابن ندیم، ص ۲۲۳؛ معجم الادباء، مجلد ۱۸، ص ۱۱.

ایشان حدود صد و هشتاد جلد کتاب نوشته است که شش مجلدش درباره امام زمان (عج) است:

(۱) کتاب الغیبة.

(۲) کتاب القائم.

(۳) کتاب الملاحم.

(۴) اثبات الرجعة.

(۵) کتاب حذو النعل بالنعل.

(۶) کتاب التنبيه من الحيرة و التيه.

این شش کتاب مخصوص امام زمان علیه السلام است اما در کتابهای دیگرش نیز به حضرت اشاراتی دارد و یقیناً او این کتابها را قبل از تولد امام زمان (عج) نوشته است.^(۱) به هر حال اینها قسمتی از آثاری بود که علما و دانشمندان قبل از تولد حضرت نوشته‌اند و بعد از تولد ایشان نیز دانشمندان زیادی در این زمینه کتابهای فراوانی نوشته‌اند و همه در این فکر بوده‌اند که با آثار خود، اولاً رضایت امام زمان علیه السلام را جلب کنند و ثانیاً بدین وسیله به آن حضرت نزدیک شوند.

اینجانب در طول زندگیم بر این اساس کتابهای زیر را نگاشته‌ام:

۱. انقلاب جهانی امام مهدی (عج).

۲. امام مهدی نقطه مشترک وحدت اسلامی.

۳. مهدی، موعود ادیان.

۴. حج با امیر الحاج.

و این کتاب یعنی «آیات الکریم فی ما نزل فی البقیة الله فی الارضین». البته خود می‌دانم که بضاعت علمی و دانشی ندارم اما چه کنم که می‌خواهم من هم در صف محبین و شیعیان و دوستان آن حضرت باشم.

۱. رجال کشی، ص ۵۴۲؛ رجال ابن داود، ص ۱۵۱؛ تنقیح المقال، مجلد ۲، ص ۱۰؛ معجم رجال الحدیث، مجلد ۱۳، ص ۲۹۳.

قسمت دوم

از سال ۱۳۵۰ (ه ش) در این فکر بودم تا آیاتی که درباره حضرت بقیة الله فی الارضین در قرآن موجود است، گردآوری نمایم. سپس به تفاسیر شیعه و سنی مراجعه کرده و کتابی مستقل در این زمینه بنویسم. در ضمن تحقیقاتم ابتدا به کتاب «المحجّة فی ما نزل فی القائم الحجة» تألیف علامه جلیل القدر آیت الله سید هاشم البحرانی و سپس به کتاب «المهدی فی القرآن» نوشته علامه صادق الحسینی شیرازی برخوردم. پیش خود گفتم این بزرگواران زحمت کشیده و در این زمینه تألیف کرده‌اند. پس دیگر لزومی ندارد من نیز کتابی بنویسم. اما برای خودم باز از کتب مختلف یادداشت برداری می‌کردم. مشاهده کردم یادداشت‌های من به حدود سیصد آیه رسیده است درحالیکه مرحوم آیت الله سید هاشم بحرانی صد و سی و دو آیه و علامه صادق حسینی شیرازی صد و پنجاه و سه آیه نقل کرده‌اند. البته کتاب «المهدی فی القرآن» به صورت بسیار مختصر نوشته شده است. پس لازم دیدم تحقیقات دیگر نویسندگان را تکمیل نمایم. لذا با استفاده از تحقیقات این بزرگواران و تلاش و کوشش فراوان در کتب و تفاسیر شیعه و سنی کتاب «آیات الکریم فی ما نزل فی بقیة الله فی الارضین» را نوشتم. در این کتاب اینجانب دویست و پنجاه و هفت آیه را با تفسیر آورده‌ام و انشاء الله در چاپهای بعدی هر سیصد آیه را خواهم آورد.

مجدداً این نکته را تذکر می‌دهم و از علما و دانشمندان و محققین می‌خواهم که هرگاه در یک زمینه کتابی را دیدند، نگویند در این زمینه کتابی تألیف شده است بلکه کمر همت بسته و در تکمیل آن کتابی دیگر تألیف نمایند. لذا از علما و دانشمندان و محققین می‌خواهم در این زمینه بیشتر تحقیق نمایند که به مطالب بیشتری برخورد خواهند کرد.

قسمت سوم

یا ابن الحسن العسکری، روح و جان و تمام وجودم لبریز از عشق شماست و من با تمام وجودم به شما عشق می‌ورزم و این عشق است که به من سرور و نشاط و امید

آیات الکریم فی ما نزل

زندگی کردن می بخشد. شما نیک می دانید که بردن نام مقدس برای من لذتبخش است زیرا از حب شدید درونی من نسبت به شما سرچشمه می گیرد. لذا همیشه نامت را بر زبان دارم و اسمت را می برم و بردن اسمت به من لذت می بخشد. پس هم آوردن نامت بر زبانم و هم شنیدن نامت برایم لذتبخش است و این عشق را نمی توانم مخفی کنم. در کلامم، در افعال و اعمالم، در دعاها و راز و نیازم و در قنوت نمازم... هویدا است. در قنوت نمازم فقط شما را دعا می کنم. فقط تعجیل در ظهور شما را می خواهم.

محبوبم، محبت شما کیمیایی است که مس وجود را طلا می کند. اکسیر اعظمی است که آتش به جان می اندازد. دم مسیحایی است که بیمار را شفا داده و جانهای مرده را حیات دوباره می بخشد.

بنمای رخ که خلقی واله شوند و حیران
از حسرت دهانت جانها به لب رسیده
بگشای تربتم را بعد از وفات و بنگر
باز هم تکرار می کنم و این ورد زبانم است:

بگشای تربتم را بعد از وفات و بنگر
دردانه امیرالمؤمنین، نازدانه فاطمه زهرا، خوشا به حال کسانی که همیشه با شما
زندگی می کنند و همیشه به یاد شما هستند و قلب آنها جایگاه شماست. خوشا به حال
کسانی که برای رضایت شما به خودسازی و دیگر سازی و زمینه سازی برای ظهورت
می پردازند.

محبوب من زندگی بدون شما زندگی نیست. زندگی بدون اعتقاد به شما زندگی
حیوانی است. زندگی مرده و بی فروغ و بی سرور و بی نشاط است. هر کس به شما
اعتقاد دارد، زندگی واقعی دارد. او با نشاط است و زندگیش پر سرور و بسیار با شکوه و
زیباست و هر کس به شما اعتقاد نداشته باشد، زندگی حیوانی دارد. زندگیش پر از
ظلمت است. او فکر می کند که زندگی انسانی دارد اما زندگیش حیوانی است.

پسر زهرا، اگر با بیان قاصرم برای شما سخن می‌گویم و اگر با قلم ناتوانم در وصف و مدح شما می‌نویسم و اگر با ضعف علمیم تلاش و کوشش‌م را فقط و فقط برای شما گذارده‌ام، همه بهانه است. بهانه جلب رضایت شما. بهانه خشنودی شما، بهانه ای که شما از من راضی شوید که راضی شدن شما راضی شدن خداوند متعال است.

تهران - سه شنبه ۲۷ رجب سال ۱۴۲۷ هجری قمری

برابر با ۳۱ مرداد سال ۱۳۸۵ هجری شمسی

علی اصغر اکبری

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱۷	حجة ابن الحسن <small>علیه السلام</small> صراط مستقیم است.
۲۰	غیبت امام زمان (عج) از مصادیق ایمان به غیب است.
۲۹	ائمه اطهار و امام زمان <small>علیه السلام</small> اسماء الله هستند.
۳۰	شرط تکامل ایمان، ایمان به امام زمان <small>علیه السلام</small> است.
۳۳	باید به خداوند و رسولش و ائمه طاهرین <small>علیهم السلام</small> ایمان داشته باشیم.
۳۴	امام زمان (عج) بر کل انسان‌ها شاهد است.
۳۶	اصحاب قائم (عج) ۳۱۳ نفر هستند.
۵۶	امتحان مؤمنین قبل از قیام امام زمان (عج).
۵۹	در قیام قائم آل محمد (عج) همه فتنه‌ها از بین می‌رود.
۶۱	اصحاب امام زمان (عج) امتحان خواهند شد.
۶۲	مدینه فاضله در کل جهان فقط در عصر مهدویت صورت می‌گیرد.
۶۴	حکمت شناخت امام در حال حاضر شناخت امام زمان است.
۶۶	صحبت از مهدی <small>علیه السلام</small> در معراج رسول خدا <small>صلی الله علیه و آله و سلم</small> .
۶۸	مهدی موعود (عج) یکی از برگزیدگان آل محمد است.
۷۱	در حکومت حضرت مهدی (عج) اهل آسمان‌ها و زمین تسلیم امر الهی می‌شوند.
۷۴	قائم آل محمد (عج) با شمشیر قیام می‌کند و دشمنان خداوند را نابود می‌سازد.
۷۷	در عصر مهدویت همه اهل زمین مؤمنند.
۸۰	شعار مسلمین قبل از قیامت: إصبروا - و صابروا - و رابطوا
۸۲	علایم قبل از ظهور از جمله خروج سفیانی.
۸۴	حضرت ولی امر حجة بن الحسن (عج) از اولی الامر است.
۸۹	بقیه الله (عج) حَسَنٌ أَوْلَیْکَ رَفِیقاً می‌باشد.
۹۲	نصر و پیروزی حتمی در زمان حضرت قائم (عج) است.
۹۵	اهل کتاب در ظهور امام زمان به آن حضرت ایمان می‌آورند.
۹۷	در قیام حضرت قائم (عج) کفار مایوس می‌شوند.

- اولین امام، امیرالمؤمنین و آخرین آنها، امام زمان علیه السلام است. ۹۸
- مسیحیان به یاری مهدی علیه السلام قیام می کنند. ۱۰۰
- خداوند ولی عصر را حفظ می کند. ۱۰۳
- قبل از قیامت کبری، قیام حجة بن الحسن حتمی است. ۱۰۷
- ده علامت مهم قبل از قیام قائم (عج). ۱۱۴
- سلطنت قائم (عج) به همه سلطنت ها خاتمه می دهد. ۱۱۶
- اصحاب امام عصر (عج) مورد تأیید خداوند هستند. ۱۱۷
- امام زمان (عج) در حال حاضر کلمه ربک است. ۱۱۸
- امام عصر (عج) حجت بالغه خداوند است. ۱۲۱
- حضرت مهدی موعود علیه السلام صراط مستقیم خداوند است. ۱۲۲
- حضرت قائم (عج) «طالب بدم المقتول بکربلا» می باشد. ۱۲۴
- در ظهور ولی عصر (عج) آیات الهی ظاهر می شود. ۱۲۶
- ظهور امام زمان (عج) در حروف رمز یا حروف مقطعه قرآن است. ۱۳۱
- هر کس امام زمان (عج) را ببیند باید بگوید «الحمد لله الذی هدانا لهذا و کنا یهتدی». ۱۳۳
- یکی از مجوزهای ورود به بهشت، معرفت اهل بیت و امام زمان علیه السلام است. ۱۳۴
- امیرالمؤمنین و ائمه طاهرین و در حال حاضر امام زمان علیه السلام اعراف هستند. ۱۳۷
- بسیاری از آیات قرآن با ظهور امام زمان تأویل می شود. ۱۳۹
- خداوند هم در انتظار یا منتظرین است. ۱۴۰
- سرانجام سلطنت زمین از آن رسول خدا و ائمه طاهرین و امام زمان علیه السلام ۱۴۱
- است. ۱۴۱
- در انجیل نام رسول خدا صلی الله علیه و آله و امام قائم (عج) آمده است. ۱۴۳
- مهم ترین رجعت کنندگان در زمان ظهور قائم آل محمد (عج). ۱۴۶
- رسول خدا و ائمه طاهرین و امام زمان علیه السلام اسماء الله هستند. ۱۴۸
- ائمه طاهرین «أمة یهدون بالحق» می باشند و در حال حاضر امام زمان علیه السلام عهده دار این مقام است. ۱۵۰
- وقت قیام قائم علیه السلام عندالله است و کسی نمی داند. ۱۵۲
- خداوند امام زمان علیه السلام را به سه وسیله یاری می کند؛ ملائکه، مؤمنین و رعب. ۱۵۳
- به دنبال غیر امام زمان علیه السلام رفتن «فتنه» است. ۱۵۵
- ائمه طاهرین کلمات الله و امام زمان کلمه الله است. ۱۵۶

- ۱۵۸ وجود حضرت بقية الله الاعظم (عج) امانت الهی در نزد ماست.
- ۱۶۰ حضرت امام زمان (عج) از اولیاء الله است.
- ۱۶۱ در عصر مهدویت دین خداوند بر همه جا حاکم می شود.
- ۱۷۱ نزدیک ترین «ذی القربی» به رسول خدا ﷺ، امام زمان است.
- ۱۷۳ امامت بعد از سید الشهداء علیه السلام در نسل ایشان است.
- ۱۷۵ در حال حاضر امام زمان (عج) امین وحی خداوند است.
- ۱۷۸ قائم آل محمد (عج) مجاهد واقعی الی الله است.
- ۱۸۰ قائم موعود (عج) نور الله است.
- ۱۸۱ امام مهدی (عج) اسلام را جهانی خواهد کرد.
- ۱۸۷ امامان و خلفا بعد از رسول خدا ﷺ دوازده نفرند و امام زمان علیه السلام دوازدهمین آن هاست.
- ۱۹۴ در زمان ولی عصر (عج) مسلمانان با هم علیه کفر متحد می شوند.
- ۱۹۶ هر کس با امام زمان (عج) باشد با صادقین است.
- ۲۰۰ خداوند با منتظران است.
- ۲۰۲ تحولات در زمان امام زمان (عج) بنیادی است.
- ۲۰۴ قبل از ظهور قائم آل محمد (عج)، منادی از آسمان به هدایت مردم می پردازد.
- ۲۰۸ پیروان قائم آل محمد (عج) از اولیاء الله هستند.
- ۲۱۱ قرآن، اصحاب امام زمان (عج) را امت معدوده می داند.
- ۲۱۹ کسانی که وجود امام زمان علیه السلام را منکر شده اند عمر خود را فنا کرده اند.
- ۲۲۱ حضرت لوط نبی به امام زمان (عج) پناه می برد و یکی از نام های امام زمان «قوه» است.
- ۲۲۴ وجود اقدس امام زمان علیه السلام برای مؤمنین خیر است و یکی از نام های آن حضرت بقية الله است.
- ۲۲۷ خداوند هم با منتظران است.
- ۲۲۹ حکومت امام زمان (عج)، حکومت بنی هاشم است.
- ۲۳۰ منکران قرآن در حکومت امام زمان علیه السلام جایی ندارند.
- ۲۳۱ ائمه طاهرين علیهم السلام و امام زمان (عج) امر کننده به معروف و نهی کننده از منکرند.
- ۲۳۳ رسول خدا ﷺ، ائمه طاهرين علیهم السلام و در حال حاضر امام زمان علیه السلام مردم را به خداوند می خوانند.
- ۲۳۶ خداوند به وسیله مهدی (عج) مسلمین را یاری خواهد کرد.
- ۲۳۹ امام زمان (عج)، هادی عصر و زمان.
- ۲۵۰ چند نشانه قبل از ظهور ولی عصر علیه السلام.

- ۲۵۲ بهترین صلۀ رحم وصل شدن به امام زمان علیه السلام است.
- ۲۵۴ حضرت بقیة الله (عج) بهترین مصداق «تطمئن القلوب» است.
- ۲۵۵ امروز امام زمان علیه السلام مصداق «و من عنده علم الكتاب» است.
- ۲۵۷ روز قیام قائم از ایام الله است.
- ۲۵۹ وجود اقدس ولی عصر علیه السلام از شجره طیبه است.
- ۲۶۳ هر کس امام زمان علیه السلام را دوست بدارد و از ایشان تبعیت کند، از رسول خدا صلی الله علیه و آله است.
- ۲۶۵ ظهور امام زمان (عج) آغاز وعده انبیاء الهی است.
- ۲۶۸ یکی از خانه‌های (مساکن) امام زمان (عج) پشت مسجد سهله است.
- ۲۶۹ امام زمان (عج) مکر بنی العباس و همه طاغوتیان را خنثی می‌کند.
- ۲۷۱ ظهور قائم آل محمد علیه السلام «یوم الوقت المعلوم» است و شیطان به دست ایشان گردن زده می‌شود.
- ۲۷۱ امام زمان علیه السلام از متوسمین و از مطلعین اسرار الهی است.
- ۲۷۴ امام زمان علیه السلام «سبع مثنی و القرآن العظیم» است.
- ۲۷۸ حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله مأمور به معرفی امامان و حجة بن الحسن العسکری علیه السلام بودند.
- ۲۸۱ قبل از قیام امام زمان (عج) جبرائیل فریاد می‌زند: «أتی امرالله فلا تستعجلوه».
- ۲۸۴ امام زمان علیه السلام از «علامات» است که به وسیله آن راهنمایی می‌شوند.
- ۲۸۷ خروج سفیانی یکی از علامات ظهور است.
- ۲۹۱ در حال حاضر امام زمان مصداق واقعی «اهل ذکر» است.
- ۲۹۷ سفیانی در سرزمین بیداء در زمین فرو خواهد رفت.
- ۳۰۱ پیروزی واقعی به دست قائم آل محمد علیه السلام است.
- ۳۰۵ پیروزی واقعی مسلمین در زمان قائم آل محمد (عج) است.
- ۳۱۴ قرآن مردم را به سوی قائم آل محمد (عج) هدایت می‌کند.
- ۳۱۵ «طائره» افتخار ولایت ولی عصر (عج) برگردن ماست.
- ۳۱۷ قائم آل محمد (عج) «ولی دم» سیدالشهدا علیه السلام است.
- ۳۲۲ در قیامت ما را با امام زمان (عج) می‌خوانند.
- ۳۲۹ قائم آل محمد (عج) حق است.
- ۳۳۳ اصحاب کهف همراه امام زمان (عج) هستند.
- ۳۳۴ معرفت امامان و در حال حاضر ولی عصر (عج) عمل صالح است.
- ۳۳۵

- یکی از علایم ظهور، اختلاف احزاب است. ۳۳۷
- هر کس به سوی قائم آل محمد، هدایت شود خداوند بر این هدایت می افزاید. ۳۳۹
- شرط شفاعت، ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام و امامان معصوم و در حال حاضر ولایت امام زمان (عج) است. ۳۴۳
- مودت و محبت امیرالمؤمنین علیه السلام و اهل بیت علیهم السلام و قائم آل محمد علیه السلام در قلوب، فطری است. ۳۴۴
- قیام امام قائم (عج) در علم و قدرت الهی است. ۳۴۷
- قائم آل محمد (عج) تذکر و یادآوری نوینی پدید می آورد. ۳۴۸
- شرط غفارت خداوند در توبه، ولاء اهل بیت و حجة بن الحسن (عج) است. ۳۴۹
- یکی از شروطهای اولی العزم شدن پیامبران الهی اقرار به ولایت چهارده معصوم علیهم السلام، مخصوصاً امام زمان (عج) است. ۳۵۳
- ایمان به امام زمان (عج) سبب خوشبختی دنیا و آخرت می شود. ۳۵۶
- قائم آل محمد (عج) «صراط السوی» یا صراط مستقیم است. ۳۵۹
- در حکومت قائم آل محمد (عج) جنایت کاران در امان نخواهند بود. ۳۶۱
- مهدی (عج) هفتمین فرزند از نسل امام محمد باقر علیه السلام است. ۳۶۶
- ولایت اهل بیت علیهم السلام و ولی عصر (عج)، بهشت است، بلکه از بهشت بهتر است. ۳۶۸
- در زبور داوود علیه السلام به مهدی (عج) بشارت داده شده است. ۳۷۰
- رجعت با ظهور مهدی علیه السلام شروع می شود. ۳۷۴
- شیعیان و یاران حضرت ولی عصر (عج) «مخبتین» هستند. ۳۷۷
- بزرگترین مدافع حضرت بقیة الله الاعظم، خدای عزوجل است. ۳۷۹
- نصرت نهایی اسلام به دست ولی عصر (عج) است. ۳۸۰
- قائم آل محمد صلی الله علیه و آله کل جهان را تسخیر می کند. ۳۸۲
- کافران در ظهور قائم آل محمد (عج) در عذاب هستند. ۳۸۵
- مهدی (عج) منتقم حقیقی است. ۳۸۶
- ثبات کل عالم، به اذن الله، به وسیله امام زمان (عج) است. ۳۹۰
- در حال حاضر امام زمان علیه السلام بهترین عبد صالح خداوند است. ۳۹۲
- صراط امام زمان صراط مستقیم است. ۳۹۶
- ظهور ولی عصر علیه السلام با صدای آسمانی همراه است و در آن ظهور، مؤمنین برادر واقعی یکدیگر هستند. ۳۹۸
- حضرت قائم (عج) فضل و رحمت خداوند است. ۴۰۰
- «یهدی الله لنوره من یشاء» حضرت قائم مهدی (عج) است. ۴۰۲

- ۴۰۴ در بیوت ائمه طاهرین و بیت ولی عصر (عج) نام خداوند بلند است.
- ۴۰۶ خداوند به ظهور قائم آل محمد (عج) و خلافت او وعده داده است.
- ۴۱۵ امام زمان (عج) یکی از ساعات است.
- ۴۱۸ در ظهور امام زمان (عج) فقط خداوند عبادت خواهد شد.
- ۴۲۰ امام زمان روشنی چشم رسول خدا ﷺ است.
- ۴۲۲ در ظهور حضرت ولی عصر (عج) گردنکشان تسلیم آن حضرت می شوند.
- ۴۳۱ ظهور قائم آل محمد ﷺ برای ظالمان عذاب است.
- ۴۳۲ اطاعت قائم آل محمد ﷺ، اطاعت رسول خدا ﷺ است.
- ۴۳۶ مضطر حقیقی حضرت صاحب الزمان (عج) است.
- ۴۴۳ علامات ظهور قائم آل محمد (عج) خروج دجال و نزول حضرت مسیح ﷺ از آسمان است.
- ۴۴۵ در ظهور ولی عصر (عج) از هر امتی گروهی رجعت می کنند.
- ۴۴۶ «حسنه» ولایت و محبت اهل بیت و ولی عصر ﷺ است و «سیئه» انکار آنهاست.
- ۴۵۰ اراده خداوند براین قرار گرفته است تا مهدی (عج) و یارانش را خلیفه الله فی الارض گرداند.
- ۴۵۷ در ظهور قائم آل محمد ﷺ از ظالمان انتقام گرفته می شود.
- ۴۵۸ حضرت بقیة الله الاعظم (عج) قول خداوند هستند.
- ۴۶۱ بزرگترین صابر حضرت ولی عصر (عج) است.
- ۴۶۳ بهترین پدر برای امت ولی عصر (عج) است.
- ۴۶۵ قائم آل محمد ﷺ به وسیله خداوند یاری می شود.
- ۴۶۶ امروزه علم قرآن را خداوند در سینه امام زمان ﷺ قرار داده است.
- ۴۷۱ اهل بیت و امام زمان (عج) سبیل الله هستند.
- ۴۷۳ مؤمنان در قبورشان به ظهور ولی عصر (عج) شادمان می شوند.
- ۴۷۵ خداوند درباره ظهور امام عصر (عج) خلف وعده نمی کند.
- ۴۷۷ امامت ائمه طاهرین و بقیه الله الاعظم: فطری است.
- ۴۸۱ امام زمان (عج) نعمت باطنی خداوند است.
- ۴۸۳ امامان معصوم ﷺ و در حال حاضر حضرت مهدی (عج) عروة الوثقی هستند.
- ۴۸۵ ائمه طاهرین ﷺ و در حال حاضر امام زمان کلمات الله هستند.
- ۴۸۷ در ظهور امام زمان (عج) کافران عذابی سخت خواهند داشت.
- ۴۸۹ امامان و رهبران پس از رسول خدا باید از اولاد حضرت فاطمه سلام الله علیها باشند.

- روز فتح بزرگ، قیام قائم آل محمد (عج) است..... ۴۹۲
- هر کس می خواهد بداند که ایمان دارد به قلبش مراجعه کند که چقدر ائمه علیهم السلام و امام زمان (عج) را دوست دارد..... ۴۹۴
- مردان الهی منتظران واقعی هستند..... ۴۹۷
- قائم آل محمد (عج) از «اهل بیت» است..... ۴۹۹
- قائم آل محمد (عج) در صلوات با رسول خدا صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام شریک است..... ۵۱۰
- ائمه طاهرین و امام زمان علیه السلام «قریه های مبارک» هستند و مراجع تقلید و علمای اعلام «قریه های ظاهر» هستند..... ۵۲۰
- امامان و امام زمان شفاعت کنندگان هستند به اذن الله..... ۵۲۳
- یکی از علایم ظهور، خروج سفیانی است..... ۵۲۵
- عزت مخصوص خداوند است و امام زمان (عج) معز المومنین است..... ۵۳۳
- «سابق بالخیرات» امام است، «مقتصد» عارف به حق امام است و «ظالم لنفسه» شیعه ای است که معرفت کامل امام را ندارد..... ۵۳۵
- حضرت ابراهیم از شیعیان حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام و ائمه معصومین علیهم السلام و امام زمان (عج) است..... ۵۳۹
- حضرت امام زمان (عج) از «آل یس» است..... ۵۴۲
- یکی از مصادیق «نبا عظیم» یا خبر بزرگ امام قائم (عج) است..... ۵۴۸
- به شیطان تا ظهور امام زمان (عج) مهلت داده شده است..... ۵۴۹
- سرانجام ندای آمدن مهدی علیه السلام را خواهید شنید..... ۵۵۲
- اهل بیت علیهم السلام و در حال حاضر امام زمان (عج) ... دانایانند و شیعیان صاحبان خردند..... ۵۵۴
- خداوند به شیعیان بشارت ظهور را می دهد..... ۵۵۷
- ائمه طاهرین و امام زمان علیه السلام رحمت خداوند هستند..... ۵۶۰
- رسول خدا صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام و ائمه طاهرین علیهم السلام فی جنب الله هستند..... ۵۶۳
- در زمان قائم آل محمد علیه السلام زمین به نور رب روشن می شود..... ۵۶۵
- ملائکه خادمان محبین اهل بیت علیهم السلام و محبین امام زمان (عج) هستند..... ۵۶۸
- قبل از قیام امام زمان (عج) عده ای مسخ می شوند..... ۵۷۲
- شیعیانی که به وظایف خود عمل نکنند به شمشیر امام زمان (عج) عذاب می شوند..... ۵۷۳
- مسلمانان واقعی در مسیر الله در ولایت ثابت قدمند..... ۵۷۴
- در هنگام ظهور قائم آل محمد علیه السلام آیات الهی در حقانیت آن حضرت در آفاق و انفس ظاهر می شود..... ۵۷۶

- در حرف مقطع جمعسق، (س) سیادت و بزرگی مهدی (عج) و (ق) نزول عیسی علیه السلام از آسمان است... ۵۷۹
- یکی از مصادیق «الساعة» قیام قائم آل محمد (عج) است. ۵۸۱
- منکران مهدی موعود علیه السلام زیانکار و در گمراهی هستند. ۵۸۲
- هر کس ولایت نداشته باشد در ظهور حضرت مهدی (عج) نصیبی ندارد. ۵۸۴
- قائم آل محمد علیه السلام دشمن سرسخت ظالمین است. ۵۸۷
- دوست داشتن امام زمان (عج) وظیفه ماست و این حکم قرآن است. ۵۸۸
- دوستی آل محمد و دوستی قائم آل محمد علیه السلام حسنه قرآن است. ۵۹۲
- خداوند به وسیله قائم آل محمد علیه السلام کلماتش را برقرار می سازد. ۵۹۵
- قائم آل محمد علیه السلام منتقم حقیقی است. ۵۹۸
- قیام قائم آل محمد علیه السلام اول ذلت ظالمین است. ۶۰۰
- مهدی موعود (عج) از فرزندان سید الشهداء حسین بن علی علیه السلام است. ۶۰۱
- پس از قیام قائم آل محمد (عج) حضرت عیسی علیه السلام نزول می کند. ۶۰۷
- قیام قائم آل محمد (عج) ناگهانی است. ۶۰۹
- قرآن در شب قدر به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم القا گردید و آن حضرت به امیرالمؤمنین علیه السلام القا فرمودند و هم اکنون به امام زمان علیه السلام القا می شود. ۶۱۰
- دخان و نزول عیسی علیه السلام و دجال و خروج آتش از یمن از علایم حتمی ظهور است. ۶۱۵
- سه روز شیرین برای مؤمنین عبارت است از: روز قیام مهدی علیه السلام، روز رجعت، روز قیامت ائمه طاهرین و در حال حاضر امام زمان: کتاب ناطق هستند. ۶۱۹
- نشانه هایی از قبل از ظهور ۶۲۰
- در حکومت امام زمان (عج) انسان های ناخالص به هلاکت خواهند رسید. ۶۲۷
- در زمان حکومت قائم آل محمد (عج) اسلام، جهانی می شود و امنیت سراسر جهان را فرا خواهد گرفت. ۶۳۰
- در هنگام ظهور قائم آل محمد (عج) صیحه آسمانی و ندای منادی به نام آن بزرگوار شنیده می شود. ۶۳۴
- ظهور قائم آل محمد (عج) حق است. ۶۳۷
- شناخت امام زمان (عج) بر هر فردی واجب است. ۶۳۹
- در هنگام ظهور قائم آل محمد علیه السلام روح مقدس رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و امیرالمؤمنین علیه السلام همراه با جبرئیل به کوه حراء فرود می آیند و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ۶۴۲
- صحیفه ای می فرماید و امیرالمؤمنین علیه السلام می نویسد. ۶۴۲
- سرانجام ائمه طاهرین و امام زمان علیه السلام به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم ملحق خواهند شد. ۶۴۴

- ۶۴۵ ظهور مهدی علیه السلام همان ساعه است و حتمی است.
- قبل از قیام قائم آل محمد علیهم السلام صبحه آسمانی مردم را به ایشان می خواند و روز بعد صبحه شیطانی مردم را به گمراهی فرا می خواند. ۶۵۰
- ۶۵۲ محبت امام زمان و ائمه طاهرین علیهم السلام سبب می شود که انسان در بهشت با آنها باشد.
- ۶۵۵ ائمه طاهرین و امام زمان علیه السلام وجه الله هستند.
- ۶۵۸ در زمان امام زمان (عج) مجرمان از صورت هایشان شناخته می شوند.
- ۶۶۲ السابقون رسول خدا صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام و امامان از نسل ایشان هستند.
- ۶۶۴ در روز قیامت یاران مهدی با او حرکت می کنند.
- ۶۶۶ قبل از قیام قائم موعود (عج) قساوت و سختی، قلوب را فرا خواهد گرفت.
- ۶۶۸ در ظهور امام زمان (عج) زمین مرده، زنده می شود و برکاتش را به مردم ارزانی خواهد داشت.
- هر کس منتظر ظهور امام زمان علیه السلام باشد و بمیرد مانند کسی است که در حضور امام زمان علیه السلام به شهادت رسیده است. ۶۷۲
- ۶۷۵ خداوند به محبین اهل بیت علیهم السلام و امام زمان علیه السلام نور مخصوصی عطاء می فرماید.
- ۶۷۷ یاران امام زمان علیه السلام متقین و حزب الله هستند.
- ۶۷۹ خداوند، پیامبر و امامان و امام زمان علیه السلام را تربیت کرد، به بهترین تربیت.
- ۶۸۵ مؤمنین واقعی در فراز و نشیب زندگی هرگز مأیوس نمی شوند تا امام زمان علیه السلام قیام کند.
- ۶۸۷ امامت، نوراست و در زمان امام زمان (عج) کامل می گردد.
- ۶۹۷ پیروزی قائم آل محمد به امر الهی حتمی است و هرگز در انقلاب ایشان شکست وجود ندارد.
- ۷۰۰ در ظهور امام زمان (عج)، اسلام بر همه ادیان ظفر می یابد.
- ۷۰۴ فضل واقعی خداوند ائمه طاهرین علیهم السلام و در حال حاضر امام زمان (عج) است.
- ۷۰۶ رسول خدا صلی الله علیه و آله و ائمه طاهرین علیهم السلام و امام زمان (عج) نور هستند.
- ۷۰۹ رسول خدا صلی الله علیه و آله، ذکر است و اهل بیت و امام زمان علیه السلام اهل ذکر هستند.
- ۷۱۰ امام زمان علیه السلام ماء معین است و از این ماء «و جعلنا من الماء کل شیء حی» است.
- ۷۱۷ در ظهور قائم آل محمد از ظالمین دفع بلا نمی شود.
- ۷۱۹ در قیام قائم آل محمد (عج) همه مؤمنین آن حضرت را تصدیق می کنند.
- ۷۲۰ در ظهور قائم آل محمد کافران خوار و ذلیل خواهند شد.
- کسانی که ولایت امیرالمؤمنین و ائمه طاهرین و امام زمان (عج) را داشته باشند خداوند آنها را به وسیله علم الهی سیراب خواهد کرد. ۷۲۱

- در زمان امام زمان علیه السلام دشمنان دین، ضعیف و تعدادشان کم می شود..... ۷۲۳
- رسول خدا صلوات الله علیه عالم به غیب باذن الله است و ائمه طاهرین و امام زمان علیه السلام با واسطه رسول خدا صلی الله علیه و آله غیب می دانند..... ۷۲۶
- در هنگام ظهور امام زمان (عج) صدایی در آسمان و زمین بلند می شود..... ۷۲۷
- شیطان، معاند و دشمن امامان و امام زمان (عج) است و به غیر راه ایشان می خواند..... ۷۳۰
- امام زمان (عج) عذاب پس از عذاب بر شیطان وارد خواهد کرد..... ۷۳۱
- قیام قائم آل محمد علیه السلام بر ایمان مؤمنین می افزاید و لرزه بر اندام کفار می اندازد..... ۷۳۳
- شیعیان و یاران امام زمان اصحاب یمین هستند..... ۷۳۷
- ائمه طاهرین و امام زمان علیه السلام از شیعیان نشان شفاعت خواهند فرمود..... ۷۳۸
- امام زمان ستاره ای است که پنهان می شود سپس به اذن الله ظاهر می گردد..... ۷۳۹
- مشرکین زمان قائم آل محمد همان بهانه هائی را می آورند که مشرکین زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله برای آن حضرت می آوردند..... ۷۴۴
- خداوند سیر سنت های انبیاء گذشته را درباره قائم آل محمد (عج) اجرا می کند..... ۷۴۵
- امامان بُرج های آسمان هستند و امام زمان (عج) آخرین این بُرج هاست..... ۷۴۶
- کافران در مقابل رسول خدا و امیرالمؤمنین و فاطمه زهرا علیها السلام مکر و حيله (کید) ورزیدند و خداوند متعال به وسیله قائم آل محمد (عج) مکر و حيله (کید) خواهد کرد..... ۷۴۸
- در قیام قائم موعود علیه السلام، چهره های ستمگران ترسناک و ذلیل می گردد..... ۷۵۰
- در ظهور مهدی موعود شب تار زمان به روز روشن ظهور مبدل می شود..... ۷۵۱
- قیام قائم آل محمد علیه السلام مانند روز روشنی است که تاریکی و ظلمت را از بین می برد..... ۷۵۲
- قیام قائم آل محمد (عج) جهان تاریک را روشن می سازد..... ۷۵۶
- شب قدر شب تقدیر ولایت امیرالمؤمنین و ائمه طاهرین و امام زمان علیه السلام است..... ۷۵۸
- سلام بر صبح قیام قائم آل محمد (عج)..... ۷۵۹
- امام زمان (عج) اسلام را استوار می کند..... ۷۶۲
- خداوند با کلمه «والعصر» به عصر طلایی ظهور قائم آل محمد (عج) سوگند می خورد..... ۷۶۳

آیه اول

● حجة ابن الحسن علیه السلام صراط مستقیم است.

خداوند در سوره فاتحه الكتاب آیه ۶، می فرماید:

﴿أَهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ﴾

خداوندا، ما را به راه راست هدایت فرما.

(۱) حاکم حسکانی، که مذهبش حنفی است و قاضی و محدث اهل سنت

می باشد، در کتاب شواهد التنزیل صفحه ۵۱ حدیث ۸۶، می گوید:

خبر داد ما را پدرم حاکم ابو محمد عبدالله بن احمد، از ابو جعفر عمر بن احمد بن

ثمان...، از ابی بریده درباره قول خداوند: ﴿أَهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ﴾ قال صراط

محمد و آله: آن راه راست راه محمد و آل محمد است.

(۲) حاکم حسکانی حنفی در شواهد التنزیل صفحه ۵۱ حدیث ۸۷، می گوید:

خبر داد ما را عقیل بن حسین قسوی...، از ابن عباس در فرمایش خداوند: ﴿أَهْدِنَا

الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ﴾ قال: قولوا معاشر العباد ارشدنا الى حب النبي و اهل بيته؛ یعنی،

بگویند ای بندگان خدا، (خداوندا) ما را به دوستی نبی و اهل بیت علیهم السلام او رهنمون فرما.

(۳) حاکم حسکانی در شواهد التنزیل صفحه ۵۲ حدیث ۸۹، می گوید:

خبر داد ما را ابو جعفر، از محمد بن علی علوی...، از مفضل، از جابر بن یزید، از

ابی زبیر و از جابر بن عبدالله گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: «خداوند قرار داد علی،

همسرش و پسرانش را حجت های خود بر آفریده های خویش و ایشان درهای علم در

امت من می باشند. اگر کسی به ایشان هدایت شد، به راه راست راه یافته است.»

همان طوری که ملاحظه می فرمایید خداوند در آیه مذکور اشاره دارد به اینکه همه

هدایت ها در نزد اوست حتی، هدایت رسولش و امامان معصوم علیهم السلام اما، اراده خداوند

بر این قرار گرفته است که اگر بندگان بخوانند با او ارتباط برقرار کنند، باید راهی صحیح و مستقیم پیش گیرند همان طوری که خود ذات اقدس الهی در سوره فاتحة الكتاب به بندگان می آموزد که بگویند: «خداوندا، ما را به راه راست هدایت فرما.» حال سؤال می شود این راه راست چه راهی است؟ احادیث فوق به این پرسش پاسخ می گویند:

۱. صراط محمد و آله صلی الله علیه و آله

۲. حب النبی و اهل بینه صلی الله علیه و آله

۳. امیرالمؤمنین علیه السلام، همسر و فرزندان علیهم السلام که حجت های خداوند هستند صراط مستقیم حق می باشند و امروزه بر روی کره زمین این حجت مستقیم خداوند، حضرت حجة بن الحسن العسکری (عج) است. زیرا، ما یقین داریم که ایشان از آل محمد صلی الله علیه و آله و اهل بیت رسول صلی الله علیه و آله و از فرزندان حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام و حضرت فاطمه زهرا علیها السلام می باشد.

(۴) در کتاب معانی الاخبار صفحه ۳۲ و ترجمه معانی الاخبار صفحه ۲۹ حدیث ۱، آمده است:

حدَّثنا احمد بن الحسن القطان، قال: حدَّثنا عبدالرحمن بن محمد الحسینی قال اخبرنا ابو جعفر احمد بن عیسی بن ابی مریم العجلی، قال حدَّثنا محمد بن احمد بن عبدالله بن زیاد العرزمی قال: حدَّثنا علی بن حاتم المنقری عن مفضل بن عمر قال: سألت ابا عبدالله علیه السلام عن الصراط. فقال: هو الطريق الی معرفة الله عزوجل و هما الصراطان: صراط فی الدنيا و صراط فی الآخرة و اما الصراط الذی فی الدنيا فهو الامام المفترض الطاعة، من عرفه فی الدنيا واقتدی بهداه مرَّ علی الصراط الذی هو جسر جهنم فی الآخرة و من لم يعرفه فی الدنيا زلت قدمه عن الصراط فی الآخرة فتردی فی نار جهنم.

مفضل بن عمر گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم صراط چیست؟ ایشان فرمودند: راهی به سوی شناختن خدای بزرگ است و صراط دو گونه است:

۱. صراط در این سرا

۲. صراط در آن سرا

اما، صراط دنیا امام می باشد که فرمانبرداری از او واجب است. هر که در دنیا او را شناخت و رهنمودهای او را به کار بست، در آخرت از صراط که پلی است بر روی جهنم خواهد گذشت و هر کس در اینجا امام خود را شناخت هنگام گذشتن از صراط آخرت گامش خواهد لغزید و در آتش دوزخ خواهد افتاد.

(۵) در کتاب مناقب ابن شهر آشوب مجلد ۳ صفحه ۷۳ و در تفسیر الثعلبی و کتاب ابن شاهین، عن رجاله، عن مسلم بن حیان، عن بریده فی قول الله: ﴿أَهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ﴾ قال: صراط محمد و آله.

کتاب منظور از صراط، محمد ﷺ و آل اوست.

(۶) در کتاب معانی الاخبار شیخ صدوق مجلد ۱ صفحه ۷۶ حدیث ۵، آمده است: حدّثنا ابی الله قال: حدّثنا علی بن ابراهیم بن هاشم، عن ابيه، عن محمد بن سنان، عن المفضل بن عمر قال: حدّثنی ثابت الثمالی، عن سیّد العابدین علی بن الحسین علیهما السلام قال: لیس بین الله و بین حجّته حجابٌ فالله دون حجّته ستر، نحن ابواب الله و نحن الصراط المستقیم و نحن عیبة علمه و نحن تراجمه و حیه و نحن ارکان توحیده و نحن موضع سرّه.

ثابت ثمالی گوید: سید و سالار عبادت کنندگان، حضرت علی بن الحسین علیهما السلام فرمود: میان خدا و حجت او (که امام هر زمان است) حجاب و مانعی وجود ندارد. پس، خداوند پیش روی حجت خود پوششی نیفکنده است. ماییم درهای علم خداوند، راه مستقیم و کانون علم او و بازگو کننده و شرح دهنده وحی او و استوانه های اصلی کاخ توحیدش و جایگاه راز نهانی او هستیم.

بار دیگر احادیث فوق را مرور نمایید. صراط مستقیم چنین تفسیر شده است:

در بعضی از احادیث صراط مستقیم را محمد و آل محمد می دانند، در بعضی دوستی اهل بیت شمرده اند و در بعضی دیگر منظور از صراط مستقیم «امام مفترض الطاعة» آمده است.

از مجموع این احادیث در حال حاضر فقط این نتیجه را می توان گرفت که صراط مستقیم حضرت بقیه الله الاعظم حجة بن الحسن العسکری علیهما السلام می باشد.

آیه دوم

● غیبت امام زمان (عج) از مصادیق ایمان به غیب است.

خداوند در سوره بقره آیات ۲ و ۳ می فرماید:

﴿ذٰلِكَ الْكِتٰبُ لَا رَيْبَ فِيْهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِيْنَ * الَّذِيْنَ يُؤْمِنُوْنَ بِالْغَيْبِ وَ
يُقِيْمُوْنَ الصَّلٰةَ وَ مِمَّا رَزَقْنٰهُمْ يُنْفِقُوْنَ﴾

این همان کتابی است که در آن هیچ گونه شک و تردیدی نیست و وسیله هدایت است
برای متقین (متقین با این کتاب هدایت می شوند) و آنانند که به غیب ایمان می آورند و
نماز به پا می دارند و از آنچه روزیشان کردیم انفاق می کنند.

آیات فوق و آیات پس از آن، حکایت از این دارد که قرآن هادی متقین است و
خداوند در این آیات شش صفت از صفات متقین را بیان می فرماید که از جمله آن‌ها
ایمان به غیب است که خداوند آن را اولین صفت متقین می شمرد.

غیب چیست؟

به هر چیزی که پنهان و نهفته از حس باشد غیب گفته می شود و یا به بیان دیگر به
هر چیز پوشیده و پنهان غیب می گویند. ارباب لغت گفته اند: «الغیب کلّ ما غابَ عَنْكَ»؛
مثلاً، در قرآن کریم سوره بقره آیه ۳۳، خداوند می فرماید: ﴿إِنِّيْ أَعْلَمُ الْغَيْبَ السَّمٰوٰتِ
وَ الْأَرْضِ﴾ من نهان و غیب آسمان‌ها و زمین را می دانم. و نیز در سوره هود آیه ۴۹،
آمده است: ﴿تِلْكَ مِنْ أُنْبَآءِ الْغَيْبِ تُوحِيْهَا إِلَيْكَ﴾.

و آن از اخبار غیب و پنهان است که به تو وحی و اعلام می کنم.

پس می توان گفت که غیب ضد شهود و حضور است و امور غیبی یعنی اموری که به
واسطه قوانین ظاهری ادراک نشود و از نظر پنهان است و ایمان به غیب یعنی ایمان به
اموری که از راه حواس ظاهری یافت نشود بلکه با درون آدمی ارتباط دارد و فطری
است و انسان در عالم ذر اولی به آن‌ها ایمان آورده است.

مصادیق غیب

- اگر در اسلام دقت کنیم، مصادیق غیبی زیاد است. مانند:
۱. ذات اقدس الهی که غیب است و ایمان به او فطری است.
 ۲. وجود مقدس حضرت خاتم الانبیاء ﷺ که برای ما در حال حاضر غیب است ولی ایمان به وی فطری است و با استدلال عقلی روشن می شود.
 ۳. ایمان به ملائکه که ملائکه الله غایب می باشند.
 ۴. ایمان به قیامت، معاد، عالم برزخ، وادی السلام، برهوت، سؤال و جواب در قبر، فشار قبر، ایمان به برانگیخته شدن، صراط و میزان و جهنم و بهشت و... که همه از مصادیق غیب هستند.
 ۵. ایمان به یازده امام از امیرالمؤمنین علیه السلام تا امام حسن عسکری علیه السلام که همه از نظر ظاهری برای ما غیب هستند.
 ۶. وجود اقدس بقیه الله الاعظم حجة بن الحسن العسکری علیه السلام که در دوران غیبت غایب از نظرها می باشد.
- پس، این آیه همه این مصادیق را شامل می شود و به زبان دیگر می توان گفت: ایمان به غیب، ایمان به جمیع عقاید حقه می باشد.
- * امام زمان (عج) یکی از مصادیق غیب هستند.
- ۱) در کتاب ینابیع المودة نوشته خواجه کلان قندوزی حنفی صفحه ۴۴۳ و ۴۴۲، به نقل از کتاب مناقب احمد خوارزمی، حنفی آورده است:
- عن جابر بن عبدالله انصاری... قال رسول الله: ... طوبی للصابرین فی غیبتہ طوبی للمتقین علی محبتهم اولئک الذین وصفهم الله فی کتابه و قال: ﴿هُدًى لِّلْمُتَّقِیْنَ * الَّذِیْنَ یُؤْمِنُونَ بِالْغَیْبِ﴾ رسول خدا صلی الله علیه و آله در ضمن حدیث مفصلی که شرح آن را در زیر می آوریم می فرمایند:
- ... خوشا به حال کسانی که در غیبت امام زمان (عج) صابرند و خوشا به حال متقین

که در محبت ایشانند. این ها کسانی هستند که خداوند در قرآن کریم آنان را چنین وصف می کند: ﴿هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ * الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ﴾.

شرح حدیث فوق

در کتاب ینابیع المودة صفحه ۴۴۲، آمده است که در کتاب مناقب از واثله بن اصقع بن فرخاب از جابر بن عبد الله انصاری روایت شده که گوید: جندل بن جنادة بن جبیر الیهودی خدمت رسول خدا ﷺ مشرف شد و عرضه داشت: یا محمد، بفرما برای من از آنچه برای خداوند نیست و از آنچه در نزد خداوند نیست و از آنچه که آن را خداوند نمی داند. رسول خدا ﷺ فرمودند:

اما آنچه برای خداوند نیست شریک است که خداوند شریک ندارد و آنچه در نزد خداوند نیست ظلم و ستم است که بر بندگان خود روا ندارد. اما، چیزی که خداوند نمی داند گفتار شما جماعت یهود است که عزیر را پسر خدا می دانید. خداوند او را فرزند خود نمی داند بلکه، عزیر مخلوق اوست. آن گاه جندل گفت:

«اشهد ان لا اله الا الله وانك رسول الله حقاً و صدقاً»

سپس، جندل گفت: من شب گذشته حضرت موسی علیه السلام را در خواب دیدم. ایشان به من فرمودند: ای جندل، برو و مسلمان شو به دست خاتم الانبیاء ﷺ و تمسک جوی به اوصیا و جانشینان بعد از او علیهم السلام.

حال به من بفرمایید اوصیای پس از شما کیستند تا من به آنها گرویده و به دامان آنان چنگ زنم؟

رسول خدا ﷺ فرمودند:

أوصیائی الاثنا عشر قال جندل هكذا وجدناهم فی التوراة و قال: یا رسول الله، سمّهم لی فقال أولهم سید الاوصیاء ابوالائمة علیّ ثم ابناه الحسن و الحسین فاستمسک بهم ولا یغرّک جهل الجاهلین فاذا وله علیّ بن الحسین زین العابدین یقسی الله علیک و یكون آخر زادک من الدنيا شربة لبن تشربه. فقال جندل وجدنا فی التوراة و فی کتب الانبیاء علیهم السلام ایلیا و

شبراً و شبیراً فهذه اسم علی و الحسن و الحسین فمن بعد الحسین وما اسامیهم قال اذا انقضت مدة الحسین فالامام ابنه علی و یلقب بزین العابدین فبعده ابنه محمد یلقب بالباقر فبعده ابنه جعفر یدعی بالصادق فبعده ابنه موسی یدعی بالكاظم فبعده ابنه علی یدعی بالرضا فبعده ابنه محمد یدعی بالتقی والزکی فبعده ابنه علی یدعی بالنقی والهادی فبعده ابنه الحسن یدعی بالعسکری.

رسول خدا ﷺ فرمودند: اوصیا و جانشینان بعد از من دوازده نفر هستند. جندل گفت: آن را من در تورات یافته‌ام اما یا رسول الله، نام ایشان را بفرمایید. حضرت فرمودند: اول ایشان سید اوصیاء، پدر امامان، علی علیه السلام است و پس از او فرزندانش حسن علیه السلام و حسین علیه السلام. پس به ایشان متمسک شو و مواظب باش از مردم جاهل و نادان فریب نخوری. ای جندل، تو در زمان علی بن الحسین از دنیا خواهی رفت و آخرین غذایی که می‌خوری شربتی از شیر است. جندل گفت: در تورات و در کتب انبیا علیهم السلام نام‌های ایلیا، شبر و شبیر آمده که نام علی علیه السلام، حسن علیه السلام و حسین علیه السلام باشد. آن‌گاه جندل پرسید: بعد از حسین علیه السلام امام کیست و چه نام دارد؟

حضرت فرمودند: پس از، حسین علیه السلام فرزند او علی علیه السلام ملقب به زین العابدین است و پس از او امام محمد علیه السلام است ملقب به باقر و بعد از ایشان جعفر علیه السلام ملقب به صادق سپس پسرش موسی علیه السلام که کاظم خوانده می‌شود و بعد از او فرزندش علی علیه السلام که ملقب به رضا است. پس از او فرزندش محمد علیه السلام که تقی زکی خوانده می‌شود و بعد از او فرزندش علی علیه السلام که ملقب به نقی و هادی است. پس از ایشان فرزندش حسن که عسکری خوانده می‌شود.

فبعده ابنه محمد یدعی بالمهدی والقائم والحجة فیغیب ثم یخرج فاذا خرج یملأ الارض قسطاً و عدلاً كما ملئت جوراً و ظلماً طوبی للصابرین فی غیبة طوبی للمتقین علی محبتهم اولئک الذین وصفهم الله فی کتابه و قال: ﴿هُدًى لِّلْمُتَّقِینَ * الَّذِینَ یُؤْمِنُونَ بِالْغَیْبِ﴾ ثم قال الله تعالی ﴿اُولَئِکَ حِزْبُ اللَّهِ الْاِیْنِ حِزْبُ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾ فقال جندل الحمد لله و قفنی بمعرفتهم ثم عاش الی ان کانت ولادة علی بن الحسین فخرج الی الطائف و مرض

و شرب لبناً و قال اخبرنی رسول الله ﷺ أن يكون آخر زادی من الدنيا شربة لبن و مات و دفن بالطائف بالموضع المعروف بالكوزارة .

پس از او فرزندش محمد ﷺ که مهدی، قائم و حجت خوانده می شود، غایب خواهد شد تا زمانی که، بیرون آید و زمین را که پر از ظلم و جور شده، پر از عدل و داد کند. خوشا به حال صابران در غیبتش خوشا به حال کسانی که او را دوست می دارند. آن‌ها اشخاصی هستند که خداوند در وصفشان در کتاب خود فرموده است:

﴿هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ * الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ﴾ .

و نیز خداوند در وصف آنان فرموده است:

﴿أُولَئِكَ حِزْبُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾ .

آن‌گاه جندل گفت: سپاس خدای را که من را به شناخت آنان موفق ساخت. او تا زمان امام زین العابدین ﷺ زنده بود. سپس، به طائف رفت و در آنجا بیمار شد و شربت از شیر نوشید و گفت: رسول خدا ﷺ به من خبر داده بود که آخرین غذای تو از دنیا شیر می باشد و آن‌گاه از دنیا رفت. او را در طائف در محله‌ای معروف به «کوزاره» دفن کردند.

(۲) در کتاب تفسیر الکبیر و مفاتیح الغیب (مشهور به تفسیر امام فخر رازی) مجلد ۲ صفحه ۳۱، آمده است:

قال بعض الشيعة: المراد بالغيب المهدي المنتظر الذي وعد الله تعالى به في القرآن والخبر أما القرآن فقوله ﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ﴾ و أما الخبر فقوله ﷺ: «لولم يبق من الدنيا الا يوم واحد لطول الله ذلك اليوم حتى يخرج رجل من اهل بيتي يواطى اسمه اسمي وكنيته كنيته يملأ الارض عدلاً و قسطاً كما ملئت جوراً و ظلماً» واعلم أن تخصيص المطلق من غير الدليل باطل.

امام فخر رازی در اینجا می گوید: شیعیان می گویند مراد از غیب (مهدی منتظر) عجب است. او کسی است که خداوند به وجودش در قرآن وعده داده است و

نیز از احادیث آن را استدلال می‌کنند.

در اینجا امام فخر رازی می‌گوید: شیعه در اثبات اینکه مراد از غیب، مهدی منتظر است، آیه ۵۵ از سوره نور را می‌آورد که خداوند می‌فرماید: (خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و اعمال نیکو انجام دهند، وعده داده است که سرانجام آنان را خلیفه، حاکم و جانشین خویش بر روی کره زمین می‌گرداند همان طوری که قبل از ایشان کسانی خلیفه شدند.) آنگاه می‌گوید: اما حدیث و خبر، قول پیامبر ﷺ است که فرمودند: «اگر باقی نماند از عمر دنیا مگر یک روز، خداوند آن روز را طولانی می‌گرداند تا مردی از اهل بیت من خروج نماید. اسم او اسم من و کنیه او کنیه من است. خداوند به وسیله او زمین را پر از عدل و داد می‌کند همان طوری که پر از ظلم و جور شده است.» و مطلب دیگر اینکه شیعه نمی‌گوید که منظور از «غیب» فقط غیبت ولی عصر است.

امام فخر رازی دو دلیل از زبان شیعیان آورد که منظور از غیب، حضرت ولی عصر (عج) است. ما در اینجا از امام فخر رازی این سؤال را می‌پرسیم اینکه خداوند می‌فرماید: ﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ﴾ آیا مسلمانان در زمان خلفای بنی امیه و یا بنی العباس و یا سایر حکومت‌ها خلیفه روی زمین شده‌اند؟ پاسخ منفی است. فقط در زمان مهدی موعود (عج) است که ایشان خلیفه الله فی الارض خواهند شد و آیات زیادی در قرآن در این زمینه آمده است که باید روزی بیاید که همه کره زمین مسلمان شوند و بر روی کره زمین حکومت اسلامی برپا شود و شرکی باقی نماند. آیا واقعاً این مطالب را فقط شیعه می‌گوید و اهل سنت به آن اعتقاد ندارند؟^۱

اما در مورد دلیل دوم امام فخر رازی که حدیثی از رسول خدا ﷺ آورده است، این پرسش مطرح می‌شود که آیا این حدیث را فقط شیعه از پیامبر اکرم نقل کرده است؟

۱. در جای خود در تفسیر این آیه اثبات خواهیم کرد که اهل سنت این آیه را در وصف حضرت ولی عصر (عج) می‌دانند.

ما از امام فخر رازی سؤال می‌کنیم که آیا ابوداود سجستانی در مجلد ۲ صفحه ۲۰۷ از کتاب صحیح (سنن) خود در قسمت کتاب المهدی این حدیث را نیاورده است؟ و ابی داود یک کتاب از صحیح (سنن) خود را به نام «کتاب المهدی» قرار نداده است و در آنجا نیاورده است؟

قال رسول الله: «لو لم يبقَ مِنَ الدَّهْرِ إِلَّا يَوْمٌ لَبِثَ اللهُ رَجُلًا مِّنْ أَهْلِ بَيْتِي يَمْلَأُهَا عَدْلًا كَمَا مُلِئْتُ جَوْرًا»

این حدیث را فقط شیعیان بیان نکرده‌اند بلکه:

- * امام احمد حنبل این حدیث را در مسندش مجلد ۱ صفحه ۳۷۶ آورده است.
- * سبط بن جوزی حنفی در تذکرة الخواص الامة صفحه ۳۷۷ آن را نقل کرده است.
- * ابن ماجه در صحیح (سنن) خود آن را آورده است.
- * ترمذی این حدیث را در صحیحش (سنن) در مجلد ۴ صفحه ۴۳۸ آورده است.
- * شبلنجی شافعی آن را در کتاب نور الانصار باب ۲ صفحه ۱۵۴ آورده است.
- * حافظ سلیمان بن ابراهیم قندوزی حنفی در ینابیع المودة در قسمت‌های مختلف از جمله در صفحات ۴۲۳ و ۴۲۹ آورده است.
- * حاکم نیشابوری در کتاب مستدرک الصحیحین در مجلد ۴ صفحه ۴۶۵ آن را آورده است.

(۳) در تفسیر الدر المنثور فی التفسیر المأثور نوشته امام عبدالرحمن جلال الدین السیوطی مجلد اول صفحه ۶۴، آمده است:

وأخرج عبد بن حميد و ابن جرير عن قتادة في قوله: ﴿الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ﴾ قال: آمنوا بالبعث بعد الموت، والحساب، والجنة والنار، و صدقوا بموعود الله الذي وعد في هذا القرآن.

توجه می‌فرمایید که ایشان درباره غیب می‌فرماید: برانگیخته شدن پس از مرگ، حساب، بهشت و جهنم... از مصادیق غیب هستند و نیز می‌گویند از جمله مصادیق غیب: (تصدیق نمودن قرآن، موعودی را که از جانب خداوند در قرآن به آن وعده داده شده است.)

(۴) در تفسیر المیزان مجلد ۱ صفحه ۴۴ و کتاب آیات الولاية صفحه ۱۸ و کتاب کمال الدین مجلد ۲ صفحه ۳۴۰ باب ۳۳، آمده است:

عن الصادق عليه السلام فی قوله تعالى: ﴿الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ﴾ قال: من آمن بقيام القائم عليه السلام إنه حق.

از امام صادق عليه السلام درباره آیه مذکور نقل شده است که آن حضرت فرمودند: آن‌ها کسانی هستند که ایمان به حقانیت قیام قائم عليه السلام بیاورند.

(۵) در کتاب کمال الدین مجلد ۲ صفحه ۳۴۰ باب ۳۳ حدیث ۲۰، آمده است: حدثنا علي بن احمد بن محمد... الدقاق رضي الله عنه قال: حدثنا احمد بن ابي عبدالله الكوفي قال: حدثنا موسى بن عمران النخعي، عن عمه الحسين بن يزيد، عن علي بن ابي حمزة، عن يحيى بن ابي القاسم قال: سألت الصادق عليه السلام عن قول الله عز وجل: ﴿الْم * ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ * الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ﴾ فقال: المتقون شيعة علي عليه السلام والغيب فهو الحجة الغائب و شاهد ذلك قول الله عز وجل: ﴿وَيَقُولُونَ لَوْلَا أُنزِلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِنْ رَبِّهِ فَقُلْ إِنَّمَا الْغَيْبُ لِلَّهِ فَانْتظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِينَ﴾.

ابن بابویه گوید: حدیث گفت ما را علی بن احمد بن محمد دقاق رضي الله عنه وی گفت: حدیث آورد ما را محمد [احمد] بن ابی عبدالله کوفی، که گفت: حدیث آورد ما را موسی بن عمران نخعی از عمویش، حسین بن یزید، از علی بن ابی حمزه از یحیی بن [ابی] القاسم که گفت: از امام صادق عليه السلام درباره فرموده خدای عزوجل «الم. این کتاب که هیچ تردیدی در آن نیست، روشنگر راه پرهیزکاران است. آنان که به غیب ایمان آوردند.» پرسیدم. حضرت فرمودند: متقیان شیعیان علی عليه السلام هستند و غیب همان حجت غایب است و شاهد آن، فرموده خدای تعالی است: «و (کافران) گویند چرا آیتی از پروردگارش بر او نازل نمی شود؟ بگو همانا غیب مخصوص خداست. پس، منتظر باشید که ما نیز از منتظران هستیم.»

(۶) در کتاب کفایة الاثر صفحه ۶۰ و کتاب المحجة فی ما انزل فی القائم الحجة صفحه ۳۷ و کتاب کمال الدین، آمده است:

و عنه بإسناده عن جابر بن عبدالله الأنصاري، عن رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم في حديث يذكر فيه الأئمة الأثني عشر وهم القائم عليه السلام قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: طوبى للصابرين في غيبته، طوبى

للمقیمین علی محبتهم اولئک من وصفهم الله فی کتابه فقال: ﴿الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ﴾ ثم قال: ﴿أُولَئِكَ حِزْبُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾.

و از او (ابن بابویه) است که: به سند خود از جابر بن عبدالله انصاری از رسول خدا ﷺ در حدیثی که امامان دوازده گانه و در میان آنان قائم علیه را یاد کرده چنین آمده: [جابر] گوید: رسول خدا ﷺ فرمود: خوشا به حال صبرکنندگان در زمان غیبت او، خوشا به حال کسانی که بر محبتشان پا برجا می مانند، آن هائیکه خداوند در کتاب خویش چنین وصفشان فرموده: «آنان که به غیب ایمان آورند.» سپس، فرمود: «آنان حزب خدایند. آگاه باشید که حزب خداوند پیروزند.»

(۷) عنه: قال: حدثنا محمد بن موسى بن المتوكل رضی اللہ عنہ قال: حدثنا محمد بن يحيى العطار قال: حدثنا احمد بن محمد بن عيسى، عن عمر بن عبد العزيز، عن غير واحد من اصحابنا، عن داوود بن كثير الرقي عن ابي عبد الله عليه السلام في قول الله عز وجل: ﴿الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ﴾ قال: مَنْ آمَنَ [اَقْرًا] بقيام القائم، انه حق.

و از او (ابن بابویه) است که گوید: حدیث آورد ما را محمد بن متوکل رضی اللہ عنہ گوید: حدیث گفت ما را محمد بن يحيى عطار، وی گفت: حدیث آورد ما را احمد بن محمد بن عيسى از عمر بن عبد العزيز، از چند تن از اصحابمان، از داوود بن كثير رقی از حضرت ابي عبدالله امام صادق عليه السلام درباره فرمایش خداوند عزوجل: «آنان که به غیب ایمان آورند» فرمود: یعنی، هر کس ایمان آورد (اقرار کند) که قیام قائم (عج) حق است.

آیه سوم

● ائمه اطهار و امام زمان علیه السلام اسماء الله هستند.

خداوند در سوره بقره آیه ۳۱، می فرماید:

﴿وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا﴾

و خداوند همه نامها را به آدم آموخت.

* در تفسیر صافی مجلد ۱ صفحه ۷۶ حضرت آیت الله العظمی فیض کاشانی

آورده است:

و عن مولانا الصادق علیه السلام: نحن و الله الاسماء الحسنی التي لا يقبل الله من العباد عملاً الا بمعرفة.

از امام صادق علیه السلام روایت شده است که حضرت فرمودند: قسم به خداوند ما اسماء الحسنی هستیم و خداوند از هیچ بندهای عملی را قبول نمی نماید مگر، آنکه آن بنده به مقام ما آشنا باشد.

چرا که اگر بندهای به مقام آنان آشنا گردد، آنان خداوند را به او معرفی کرده و حقاً می شناسانند. همان گونه که ملاحظه می فرمایید ائمه طاهرین و در حال حاضر وجود اقدس امام زمان (عج) اسماء الله می باشند و خداوند هیچ عملی را از بندگان نمی پذیرد مگر آنکه آن بنده در حال حاضر به مقام شامخ حضرت ولی عصر (عج) آشنا شود.

در زیارت جامعه کبیره می خوانیم:

«مَنْ أَرَادَ اللَّهُ بِدَاءِ بَعْضِكُمْ وَمَنْ وَحَّدَهُ قَبْلَ عَنَّا وَمَنْ قَصَدَهُ تَوَجَّهَ بِكُمْ... بِكُمْ فَتَحَ اللَّهُ وَ بِكُمْ يَخْتِمُ وَ بِكُمْ يُنَزِّلُ الْغَيْثَ...».

هر کس که اراده خداشناسی و اشتیاق به خدا در دل یافت، به پیروی شما یافت و هر که خدا را به یگانگی شناخت، به تعلیم شما پذیرفت و هر کس خدا طلب گردید، توجه به شما گردید... خداوند به شما افتتاح عالم نمود و به شما نیز ختم کتاب آفرینش فرمود و به واسطه شما خداوند بر ما باران رحمت نازل کرد....

آیه چهارم

● شرط تکامل ایمان، ایمان به امام زمان علیه السلام است.

خداوند در سوره بقره آیه ۱۲۴، می فرماید:

﴿وَإِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا
قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ﴾

(یاد آر هنگامی که) خداوند ابراهیم را به کلماتی امتحان نمود و ابراهیم از همه آن امتحانات موفق بیرون آمد. آن گاه خداوند، فرمود: ای ابراهیم، من تو را برای خلق امام قرار دادم. ابراهیم گفت: خداوند، آیا آن را به فرزندان من نیز می دهی؟ خداوند فرمود: عهد ما به ظالمین تعلق نمی گیرد.

(۱) در کتاب مناقب احمد خوارزمی حنفی و کتاب ینابیع المودة از خواجه کلان قندوزی حنفی صفحه ۹۷، آمده است:

عن المفضل قال: سئلت جعفر الصادق علیه السلام عن قوله عزوجل: ﴿وَإِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ﴾ قال هي الكلمات التي تلقاها آدم من ربه فتاب عليه و هو انه قال: يا رب اسئلك بحق محمد و علي و فاطمه و الحسن و الحسين الاتبت علي، فتاب الله عليه انه هو التواب الرحيم. فقلت له يا ابن رسول الله فما يعنى بقوله (فأتتمهن) قال: يعنى أتمهن الى القائم المهدي اثنا عشر اماماً تسعة من ولد الحسين عليه السلام.

مفضل گفت: از امام صادق علیه السلام درباره تفسیر و بیان این آیه سؤال کردم: «یاد آر، هنگامی را که خداوند ابراهیم علیه السلام را به کلماتی امتحان نمود و ابراهیم علیه السلام از همه آن امتحانات موفق بیرون آمد.» حضرت فرمودند: آن کلماتی که آدم علیه السلام از خداوند متعال آموخت و بر زبان جاری کرد (خداوند ابراهیم علیه السلام را به همان کلمات امتحان نمود.) آن گاه آدم علیه السلام انابه و توبه نمود و خداوند توبه اش را پذیرفت. آن کلمات این است که آدم عرضه داشت: خدایا از تو می خواهم به حق محمد صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام و فاطمه علیه السلام و حسن علیه السلام و حسین علیه السلام توبه مرا قبول فرما. خداوند توبه اش را قبول فرمود که خدا بسیار توبه پذیر و مهربان است. راوی می گوید: عرضه داشتم یا بن رسول الله مقصود از

«فَأْتَمَّهْنَ» در آیه کریمه چیست؟ حضرت فرمودند: آن جناب تمام کرد آن‌ها را تا قائم مهدی (عج) که همه آنان دوازده نفرند و نه نفر آنان از اولاد حسین علیه السلام هستند (و نهمین آنان که آخرین آن‌هاست و امامت به او تمام می‌شود، مهدی است).
نکته قابل توجه اینجاست که:

ایمان کامل که قرآن از آن به «فَأْتَمَّهْنَ» یاد می‌کند، ایمان حضرت ابراهیم به رسول خدا صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام و حضرات ائمه از نسل حضرت امیر و حضرت زهرا علیهما السلام تا حضرت بقیة الله الاعظم امام زمان (عج) می‌باشد و کسی که تمام مراتب ایمان را داشته باشد. اما، به امام زمان مؤمن نباشد، ایمانش ناقص است و آن را به اتمام نرسانیده است.

(۲) این حدیث را شیخ صدوق رحمه الله علیه در کتاب کمال الدین باب ۳۳ مجلد ۲ حدیث ۲۸، آورده است:

حدثنا علی بن محمد بن احمد رضا قال حدثنا حمزة بن القسم العلوی العباسی قال حدثنا جعفر بن مالک الفزاری قال حدثنا محمد بن الحسین بن زید الزیات قال حدثنا محمد بن زیاد الازدی عن المفضل بن عمر عن الصادق جعفر بن محمد علیه السلام قال سألته عن قول الله عزوجل: «وَإِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ» قال: هي الكلمات التي تلقاها آدم من ربه فتاب الله عليه، هو انه قال اسئلك بحق محمد و علی و فاطمه والحسن والحسين الاتبت علی فتاب الله عليه انه هو التواب الرحيم. فقلت له یا بن رسول الله فاخبرنی عن قول الله عزوجل: «وَجَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقْبِهِ» یعنی بذلك الامامة جعلها الله تعالى فی عقب الحسين الى يوم القيامة. قال فقلت یا بن رسول الله فكيف صارت الامامة فی ولد الحسين دون الحسن علیه السلام وهما جميعاً ولدا رسول الله صلی الله علیه و آله و سبطاه و سيد الشباب اهل الجنة؟ فقال علیه السلام: إن موسى وهرون كانا نبیین مرسلین و اخوین فجعل الله عزوجل النبوة فی صلب هرون و دون صلب موسى علیه السلام و لم یکن لأحد ان یقول لم جعل الله ذلك و أما الامامة فخلافة الله فی أرضه و لیس لأحد أن یقول لم جعله الله فی صلیب الحسين دون صلیب الحسن علیه السلام لأن الله تبارک و تعالی هو الحکیم فی افعاله لا یسئل عما یفعل و هم یسئلون.

مفضل بن عمر گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم که منظور از کلمات در آیه «آن‌گاه که

ابراهیم را پروردگارش به کلماتی آزمود» چیست؟ حضرت فرمودند: همان کلماتی است که آدم از خدا دریافت نمود همانا او گفت: به حق محمد، علی، فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام از تو می خواهم که توبه مرا بپذیری. خدا توبه اش را پذیرفت. به راستی که او بسیار توبه پذیر و مهربان است. عرض کردم یابن رسول الله این چه معنی دارد که می فرماید: «و کلمه باقیه را در پشتش قرار داد.»؟ فرمودند: یعنی، اشاره به امامت دارد که خدای تعالی تا روز قیامت در پشت امام حسین (ع) قرار داد. مفضل گوید: عرض کردم. یابن رسول الله چگونه امامت اختصاص به فرزندان حسین علیه السلام یافت نه حسن علیه السلام با آنکه آنان هر دو فرزندان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و دو سبط و دو سید جوانان اهل بهشت هستند؟ حضرت فرمودند: به راستی موسی علیه السلام و هارون هر دو پیغمبر مرسل و برادر بودند و خدا نبوت را به صلب هارون اختصاص داد نه صلب موسی علیه السلام و کسی را نرسد که گوید چرا خدا چنین کرد؟ امامت نیز خلافت خدا در زمین است و کسی را نرسد که گوید چرا خدا آن را در صلب حسین نهاد نه در صلب حسن علیه السلام. زیرا خداوند در کارهای خود حکمت اندیش است و از آنچه کند مؤاخذه نشود و آن هایند که مسئولند.

آیه پنجم

● باید به خداوند و رسولش و ائمه طاهرین علیهم السلام ایمان داشته باشیم.

خداوند در سوره بقره آیه ۱۳۶، می فرماید:

﴿قُولُوا آمَنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْنَا﴾

بگوئید به خدای یکتا و آنچه بر ما نزول یافته ایمان آوردیم.

* در تفسیر عیاشی مجلد ۱ صفحه ۶۲ و در تفسیر برهان مجلد ۱ صفحه ۱۵۷، به

نقل از کافی، آمده است:

محمد بن یعقوب، عن محمد بن یحیی، عن احمد بن محمد، عن الحسن بن محبوب، عن محمد بن النعمان، عن سلام، عن ابی جعفر علیه السلام فی قوله تعالی: ﴿قُولُوا آمَنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْنَا﴾ قال انما عنی بذلك علیاً و فاطمة و الحسن و الحسین و جرت بعدهم فی الائمة علیهم السلام.

از امام باقر علیه السلام در تفسیر این آیه: «بگوئید به خدای یکتا و آنچه به ما نزول یافته ایمان آوردیم.» آمده است که: منظور علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام است و بعد از ایشان درباره سایر امامان جاری می شود. (و روی سخن با آنهاست که ما می دانیم آخرین امامی که ما برای دستیابی به کمال ایمان باید به وی ایمان داشته باشیم، وجود اقدس امام ثانی عشر حضرت حجة بن الحسن العسکری علیه السلام است.)

آیه ششم

● امام زمان (عج) بر کل انسان‌ها شاهد است.

در سوره بقره آیه ۱۴۳، آمده است:

﴿وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا﴾

به این گونه ما شما را امتی وسط و عادل قرار دادیم که شما بر همه انسان‌ها شاهد و گواه باشید و رسول خدا ﷺ نیز گواه بر شما باشد.

(۱) در اصول کافی مجلد ۱ صفحه ۲۷۰ باب «فی إن الائمة شهداء الله عزوجل علی خلقه» حدیث ۱، آمده است:

علی بن محمد، عن سهل بن زیاد، عن یعقوب بن یزید، عن زیاد القندی، عن سماعة قال: قال ابو عبد الله ﷺ فی قول الله عزوجل: ﴿فَكَيْفَ إِذَا جِئْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ بِشَهِيدٍ وَجِئْنَا بِكَ عَلَى هَؤُلَاءِ شَهِيدًا﴾ قال نزلت فی امة محمد ﷺ خاصة، فی كل قرن منهم امام منا شاهد عليهم و محمد ﷺ شاهد علينا.

امام صادق ﷺ راجع به فرمایش خداوند: «پس، چطور باشد زمانی که از هر امتی گواهی آوریم و تو را بر آن‌ها گواه آوریم.» فرمود: تنها درباره امت محمد ﷺ نازل شده، در هر قرنی امامی از ما بر ایشان گواه و ناظر است و محمد ﷺ گواه و ناظر بر ماست. (برگفتار و کردار ایشان ناظر است و روز قیامت نزد خدا گواهی دهد. پس، مواظب باشید و تقوا پیشه کنید که گواهان شما عادل و مقبولند.)

(۲) در اصول کافی مجلد ۱ صفحه ۲۷۰ حدیث ۲، آمده است:

الحسین بن محمد، عن معلى بن محمد، عن الحسن بن علی الوشاء، عن احمد بن عائد، عن عمر بن أذينة، عن برید العجلی قال: سألت ابا عبد الله ﷺ عن قول الله عزوجل: ﴿وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ﴾ قال: نحن الائمة الوسطی و نحن شهداء الله علی خلقه و حججه فی أرضه.

برید عجلی گوید: از امام صادق ﷺ درباره قول خدای عزوجل: «و این چنین شما را

امت میانه (عادل) قرار دادیم تا بر مردم گواه باشید و پیامبر بر شما گواه باشد.» پرسیدم. فرمودند: ماییم امت میانه و ما گواهان خداوند بر خلقش و حجت‌های او در زمینش هستیم.

(۳) در اصول کافی مجلد ۱ صفحه ۲۷۱ حدیث ۴، آمده است:

علی بن ابراهیم، عن ابیه، عن محمد بن اَبی عمیر، عن ابن اُذینة، عن برید العجلی قال: قلت لأبی جعفر علیه السلام قول الله تبارک و تعالی: ﴿وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا﴾ قال: نحن الامّة الوسط و نحن شهداء الله تبارک و تعالی علی خلقه و حججه فی أرضه.

برید عجللی گوید: از امام باقر علیه السلام درباره قول خدای تبارک و تعالی: «و این چنین شما را امت میانه قرار دادیم تا بر مردم گواه باشید و پیامبر بر شما گواه باشد.» پرسیدم. فرمودند: ماییم امت میانه و ما گواهان خداوند تبارک و تعالی بر خلقش و حجت‌های او در زمینش هستیم.

پس باید بر طبق این آیه همیشه حجتی از جانب خداوند بر بشر گواه باشد و در عصر حاضر این حجت، حضرت ولی عصر حجة بن الحسن العسکری (عج) می باشد.

آیه هفتم

اصحاب قائم (عج) ۳۱۳ نفر هستند.

خداوند در سوره بقره آیه ۱۴۸، می فرماید:

﴿فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ أَيْنَمَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعاً﴾

پس در خیرات بر یکدیگر سبقت گیرید. هر کجا که باشید، خداوند همه شما را در یک نقطه جمع خواهد کرد.

این آیه در وصف اصحاب قائم (عج) است که آن‌ها در یک روز به امر الهی و با فرمان امام زمان علیه السلام در مسجد الحرام گرد خواهند آمد و انقلاب جهانی خود را همراه با فرمانده بزرگوارشان حضرت حجت بن الحسن العسکری (عج) شروع خواهند کرد و چه زیبا و باشکوه است آن روز.

(۱) در ینابیع الموده تألیف خواجه کلان قندوزی حنفی صفحه ۴۲۱ باب ۷۱، آمده است:

عن ابی خالد الکابلی عن الامام جعفر الصادق علیه السلام فی قول الله عزوجل: ﴿فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ أَيْنَمَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعاً﴾ قال یعنی اصحاب القائم الثلاثمائة و بضع عشر و هم والله الامة المعدودة یجتمعون فی ساعة واحدة کقزع الخریف.

ابی خالد کابلی نقل می کند از امام صادق علیه السلام درباره فرموده خداوند «در اعمال خیر سبقت بگیرد. هر کجا که باشید، خداوند همه شما را در یک نقطه جمع می کند.» آن حضرت فرمودند: مقصود سیصد و ده و اندی نفر از اصحاب قائم (عج) هستند. به خدا سوگند آن‌ها «امت معدوده» هستند، آن امت پاک و انتخاب شده و آن‌ها در یک مکان جمع می شوند و اطراف آن حضرت را احاطه می کنند مانند ابرهای پراکنده پاییزی (که یکباره در یک نقطه جمع می شوند).

(۲) ابو جعفر محمد بن جریر طبری که در اهل سنت مشهور است، مفسری است که تفسیر «جامع البیان عن تأویل آی القرآن» را نوشته و مورخی است که «تاریخ الامم و الملوک» را به رشته تحریر در آورده است. ایشان چهره‌ای جهانی دارد. کتابی دارد

به نام دلائل الإمامة، در صفحه ۳۰۷ تا ۳۲۰ این کتاب در مسند فاطمه علیها السلام ۳۱۳ را نام می‌برد، همراه با نام شهرهایشان که این‌ها در زمان قائم آل محمد (عج) از یاران آن حضرت هستند:

۱. از طازیند شرقی یک نفر

۲. از صامغان (طبرستان) دو نفر.

۳. از فراغنه (یکی از شهرهای ماوراء النهر) یک نفر

۴. از ترمذ (از شهر بنی‌اسد) دو نفر

۵. از دیلم چهار نفر

۶. از مرو رود (از شهرهای خراسان) دو نفر

۷. از مرو دوازده نفر

۸. از بیروت نه نفر

۹. از طوس پنج نفر

۱۰. از قریات دو نفر

۱۱. از سجستان سه نفر

۱۲. [از طالقان ۲۴ نفر]

۱۳. [از جبل‌الغره هشت نفر]

۱۴. از نیشابور هیجده نفر

۱۵. از هرات دوازده نفر

۱۶. از یوسنج چهار نفر

۱۷. از ری هفت نفر

۱۸. از طبرستان هفت [نه] نفر

۱۹. از قم هیجده نفر

۲۰. از قدس دو نفر

۲۱. از جرجان دوازده نفر

۲۲. از رقه سه نفر

۲۳. از رافقه دو نفر

۲۴. از حلب سه نفر
 ۲۵. از سلمیه پنج نفر
 ۲۶. از دمشق دو نفر
 ۲۷. از فلسطین یک نفر
 ۲۸. از بعلبک یک نفر
 ۲۹. از أسوان یک نفر
 ۳۰. از فسطاط چهار نفر
 ۳۱. از قیروان آفریقا دو نفر
 ۳۲. از کرمان سه نفر
 ۳۳. از قزوین دو نفر
 ۳۴. از همدان چهار نفر
 ۳۵. از موقان (آذربایجان) یک نفر
 ۳۶. از بدو یک نفر
 ۳۷. از خللاط یک نفر
 ۳۸. از حایروان سه نفر
 ۳۹. از نسوی یک نفر
 ۴۰. از سنجان (موصل) چهار نفر
 ۴۱. از قالی قلا (ارمنستان) یک نفر
 ۴۲. از سَمِیْسَاط (کنار رود فرات) یک نفر
 ۴۳. از نصیبین (الجزایر) یک نفر
 ۴۴. از شهر موصل یک نفر
 ۴۵. از باریق (نزدیک کوفه) دو نفر
 ۴۶. از رُهاء (شهر بین موصل و شام) یک نفر
 ۴۷. از حرّان دو نفر
 ۴۸. از باغه (شهری از اسپانیا) یک نفر
 ۴۹. از قابس (شهری از طرابلس) یک نفر

۵۰. از صنعاء دو نفر
 ۵۱. از قبه (در بحرین) یک نفر
 ۵۲. از شهر طرابلس دو نفر
 ۵۳. از قُلُوم دو نفر
 ۵۴. از عبثه یک نفر
 ۵۵. از وادی القرئی یک نفر
 ۵۶. از خیبر یک نفر
 ۵۷. از بداء یک نفر
 ۵۸. از جار (نزدیک مدینه) یک نفر
 ۵۹. از کوفه چهارده نفر
 ۶۰. از شهر مدینه دو نفر
 ۶۱. از تربذه یک نفر
 ۶۲. از حیون یک نفر
 ۶۳. از کوش (کوئار) یک نفر
 ۶۴. از طهنی (طهر) یک نفر
 ۶۵. از بیرم یک نفر
 ۶۶. از اهواز دو نفر
 ۶۷. از اصطخر (استان فارس) دو نفر
 ۶۸. از مولیان یک نفر [دو نفر]
 ۶۹. از دُبیله یک نفر
 ۷۰. از صیدائیل یک نفر
 ۷۱. از مدائن هشت نفر
 ۷۲. از عکبرا (از شهرهای عراق) یک نفر
 ۷۳. از حلوان (سرپل ذهاب) دو نفر
 ۷۴. از بصره سه نفر
 ۷۵. اصحاب کهف هفت نفر

۷۶. دو تاجری که از (عانه به) انطاکیه می روند و غلامشان که سه تن می باشند

۷۷. مسلمانانی که به روم پناهنده شدند که یازده تن می باشند

۷۸. آن دو نفری که در سرندیب منزل می کنند

۷۹. از سمند چهار نفر

۸۰. در سلاط مردی که از روی مرکبش مفقود می شود؛ یک نفر

۸۱. از شیراز یا سیراف یک نفر

۸۲. آن دو مردی که از دره به سروانیه فرار می کنند

۸۳. مردی که در صقلیه منزل می گیرد

۸۴. از یخشب یک نفر

۸۵. آنکه از عشیره اش فرار می کند؛ یک نفر

۸۶. آنکه با کتاب خدا با ناصبی ها بحث می کند؛ یک نفر

۸۷. از سرخس یک نفر

که مجموع آنان سیصد و سیزده نفر می شود و اسامی آنان را نیز طبری آورده است.

(۳) در کتاب غیبت نعمانی تألیف محمد بن ابراهیم نعمانی باب بیستم صفحه

۳۱۲ و ۳۱۳ حدیث ۳، آمده است:

اخبرنا احمد بن محمد بن سعید بن عقده قال: حدثنا علی بن الحسن التیملی قال حدثنا

الحسن و محمد ابنا علی بن یوسف، عن سعدان بن مسلم عن رجل عن المفضل بن عمر قال:

قال ابو عبدالله علیه السلام: إذا أذن الامام دعا الله باسمه العبرانی فاتیحت له صحابته الثلاثمائة وثلاثة

عشر قزع كقزع الخریف فهم اصحاب الألوية منهم من یفقد من فراشه لیلاً فیصبح بمكة و

منهم من یری یسیر فی السحاب نهاراً یعرف باسمه و اسم ابيه و حلیته و نسبه، قلت: جعلت

فداك ابيهم أعظم ایماناً، قال: الذی یسیر فی السحاب نهاراً و هم المفقودون و فیهم نزلت هذه

الآية: ﴿أَيْنَمَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعاً﴾.

مفضل بن عمر می گوید: امام صادق علیه السلام فرمودند: هنگامی که امام اذن داده شود،

خداوند را به نام عبرانش می خواند. پس یارانش سیصد و سیزده نفر برای او آماده

می شوند. آنان پرچمدارانند. بعضی از آنان شبانگاه از بسترش مفقود می شود و بامداد

در مکه است و بعضی که به نام خود، پدر، خصوصیات و نسبشان معروف هستند،

دیده می شود که روز روشن در میان ابر حرکت می کنند. عرض کردم: فدایت شوم کدام یک از اینان ایمانشان بیشتر است؟ فرمودند: کسی که در میان ابر در روز حرکت می کند. همگی آنان یکباره (از میان مردم) گم می شوند و این آیه درباره آنان نازل شده است: «هر کجا که باشید، خداوند همه شما را در یک نقطه جمع خواهد کرد.»

(۴) در کتاب غیبت نعمانی باب ۱۳ صفحه ۲۴۱ حدیث ۳۶، آمده است:

حدثنا احمد بن محمد بن سعید قال حدثنا حمید بن زیاد قال حدثنا علی بن الصباح قال حدثنا ابو علی الحسن بن محمد الحضرمی قال حدثنا جعفر بن محمد سماعة عن ابراهیم بن عبد الحمید عن اسحاق بن عبد العزیز عن ابی عبد الله علیه السلام، فی قوله تعالی: «وَلَسِنَّ اُخْرُنَا عَنْهُمْ الْعَذَابَ اِلَى اُمَّةٍ مَّعْدُوْدَةٍ» قال: العذاب خروج القائم علیه السلام و الامّة المعدودة عدة اهل بدر و اصحابه.

احمد بن محمد بن سعید، گفت: حمید بن زیاد ما را حدیث کرد، او گفت: حدیث کرد ما را علی بن الصباح، گفت: حدیث کرد ما را ابو علی الحسن بن محمد الحضرمی، او گفت: حدیث کرد ما را جعفر بن محمد سماعة از ابراهیم بن عبد الحمید از اسحاق بن عبد العزیز از ابی عبدالله، امام صادق علیه السلام در بیان آیه شریفه: «و اگر ما عذاب را از آن منکران معاد تا وقت معین به تعویق اندازیم» حضرت فرمودند: عذاب؛ یعنی، خروج قائم علیه السلام و گروه شمرده شده (أمة معدودة، تعداد اهل بدر)، که می دانیم تعداد لشکریان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در جنگ بدر سیصد و سیزده نفر بوده است.

(۵) در کتاب غیبت نعمانی نوشته محمد بن ابراهیم نعمانی باب ۱۴ صفحه ۲۷۹ تا ۲۸۲ حدیث ۶۷، از امام باقر علیه السلام در حدیثی طویل نشانه های حضرت قائم (عج) را بیان می فرماید و در قسمتی از این حدیث این چنین آمده است:

قال: فیجمع الله علیه أصحابه ثلاثمائة و ثلاثة عشر رجلاً ویجمعهم الله له علی غیر میعاد قزعا کقزع الخریف و هی یا جابر الآیة التي ذکرها الله فی کتابه: «أَيْنَمَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعاً» فیبايعونه بين الركن و المقام و معه من رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم قد توارثته الأبناء عن الآباء. امام باقر علیه السلام فرمودند: پس، خداوند سیصد و سیزده نفر یاران آن حضرت (مهدی علیه السلام) را بر او گرد می آورد؛ همچون پاره های ابر پاییز که به هم می پیوندند. ای جابر این همان آیه ای است که خداوند در قرآنش فرموده است: «هر جا که باشید،

خداوند همه شما را گرد می آورد.» پس، در میان رکن و مقام با او بیعت می کنند و وصیت نامه ای از رسول خدا ﷺ همراه او خواهد بود که به فرزندان از پدرانشان دست به دست به ارث رسیده است.

(۶) در کتاب غیبت نعمانی باب بیستم صفحه ۳۱۳ حدیث ۴، آمده است:

اخبرنا عبد الواحد بن عبدالله بن یونس قال: حدثنا محمد بن جعفر القرشي قال حدثنا محمد بن الحسين بن أبي الخطاب عن محمد بن سنان عن ضريس عن أبي خالد الكابلي عن علي بن الحسين - أو عن محمد بن علي - أنه قال: الفقهاء قوم يفقدون من فرسهم فيصبحون بمكة و هو قول الله عزوجل: ﴿أَيْنَمَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعاً﴾ و هم اصحاب القائم عليه السلام.

خبر داد ما را عبد الواحد بن عبدالله بن یونس گفت: حدیث کرد ما را محمد بن جعفر القرشی گفت: حدیث کرد ما را محمد بن الحسین بن ابی الخطاب از محمد بن سنان از ضریس از ابی خالد الکابلی از علی بن الحسین (امام چهارم علیه السلام) و یا از محمد بن علی (امام باقر علیه السلام) که فرمودند: گمشدگان گروهی هستند که از بسترهایشان گم می شوند و صبح در مکه خواهند بود و آن است قول خدا: «هر کجا که باشید، خداوند همه شما را در یک نقطه جمع خواهد کرد.» و آنان یاران قائمند.

(۷) در کتاب کمال الدین و تمام النعمة نوشته شیخ صدوق (ابن بابویه قمی) مجلد ۲ باب ۵۷ صفحه ۶۵۴ حدیث ۲۱، آمده است:

حدثنا احمد بن محمد بن يحيى العطار عليه السلام قال: حدثنا أبي عن محمد بن الحسين بن أبي الخطاب عن محمد بن سنان عن أبي خالد القمط عن ضريس عن أبي خالد الكابلي عن سيد العابدين علي بن الحسين عليه السلام قال: المفقودون عن فرسهم ثلاثمائة و ثلاثة عشر رجلاً عدّة اهل بدر فيصبحون بمكة و هو قول الله عزوجل: ﴿أَيْنَمَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعاً﴾ و هم اصحاب القائم عليه السلام.

(۸) در کتاب کمال الدین و تمام النعمة نوشته شیخ صدوق علیه السلام (ابن بابویه قمی) مجلد ۲ باب ۵۸ صفحه ۶۷۲ حدیث ۲۴، آمده است:

حدثنا محمد بن علي ماجيلويه عليه السلام قال: حدثنا عمي محمد بن ابي القاسم عن احمد بن ابي عبدالله الكوفي عن ابيه عن محمد بن سنان عن المفضل بن عمر قال: قال ابو عبدالله عليه السلام: لقد

نزلت هذه الآیة فی المفتقدین من اصحاب القائم علیه السلام قوله عزوجل: ﴿أَيْنَمَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعاً﴾ إنيهم ليفتقدون عن فرشهم ليلاً فيصبحون بمكة و بعضهم يسير في السحاب يعرف باسمه و اسم ابيه و حليته و نسبه. قال: قلت: جعلت فداك أيهم أعظم ايماناً، قال: الذي يسير في السحاب نهراً.

مفضل بن عمر می گوید: امام صادق علیه السلام فرمودند: این آیه درباره آن دسته از اصحاب قائم است که مفقود می شوند: «هر کجا که باشید، خداوند شما را در یک نقطه جمع می کند.» آنان شبانگاه از بسترشان مفقود می شوند و بامداد در مکه خواهند بود و بعضی که به نام خود، پدر، خصوصیات و نسبشان معروف هستند روز روشن در میان ابر حرکت می کنند. عرض کردم: فدایت شوم کدام یک از اینان ایمانشان بیشتر است؟ فرمودند: کسی که در میان ابر در روز حرکت می کند.

(۹) در تفسیر علی بن ابراهیم قمی مجلد ۲ صفحه ۲۰۵ و کتاب المحجة فیما نزل فی القائم الحجة نوشته علامه بزرگوار سید هاشم بحرانی صفحات ۱۸ و ۱۹، آمده است:

علی بن ابراهیم فی تفسیره قال حدثنی ابي عن ابن ابي عمير عن منصور بن يوسف عن ابي خالد کابلی قال: قال ابو جعفر علیه السلام: والله حقه، ثم يقول: يا ايها الناس من يحاجني في الله فأنا اولى بالله ايها الناس من يحاجني في آدم فأنا اولى بادم ايها الناس من يحاجني في نوح فأنا اولى بنوح ايها الناس من يحاجني في ابراهيم فأنا اولى بابراهيم ايها الناس من يحاجني في موسى فأنا اولى بموسى ايها الناس من يحاجني في عيسى فأنا اولى بعيسى ايها الناس من يحاجني في رسول الله [محمد صلى الله عليه وآله وسلم] فأنا اولى برسول الله ايها الناس من يحاجني في كتاب الله فأنا اولى بكتاب الله، ثم ينتهي الى المقام فيصلى ركعتين و ينشد الله حقه، ثم قال ابو جعفر علیه السلام: هو و الله [المضطر في كتاب الله في] قوله: ﴿أَمَّنْ يُجِيبُ الْمَضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ وَيَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ﴾ فيكون اول من يبایعه جبرئیل ثم الثلاث مائة و الثلاثة عشر رجلاً، فمن كان ابتلى بالمسير وافی [و افاه] و من لم يتل بالمسير فقد من فراشه [عن فراشه، و هو قول امیر المؤمنین علیه السلام: هم المفقودون عن فرشهم] و ذلك قول الله: ﴿فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ أَيْنَمَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعاً﴾ قال: الخیرات، الولاية، و قال فی موضع آخر: ﴿وَلَئِنْ أَخْرْنَا عَنْهُمْ الْعَذَابَ إِلَى أُمَّةٍ مَعْدُودَةٍ﴾ و هم اصحاب القائم علیه السلام

يجتمعون [والله] إليه في ساعة واحدة، فاذا جاء إلى البیداء يخرج إليه جيش السفیانی فیأمر الله الارض فتأخذ اقدامهم و هو قوله: ﴿وَلَوْ تَرَىٰ إِذِ فَرَغُوا فَلَاقُوا قَوْمًا مِّنْ مَّكَانٍ قَرِيبٍ﴾ و قالوا آمنا به (یعنی بالقائم من آل محمد ﷺ) ﴿وَإِنِّي لَهُمُ التَّنَاوُسُ مِنْ مَّكَانٍ بَعِيدٍ﴾ [الی قوله] ﴿وَحِيلَ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ مَا يَشْتَهُونَ﴾ [«یعنی ألا یعدّبوا»] ﴿كَمَا فُعِلَ بِأَشْيَاعِهِمْ مِنْ قَبْلُ﴾ یعنی من كان قبلهم من المكذبین [الذین] هلکوا.

علی بن ابراهیم در تفسیرش گوید: حدیث آورد مرا پدرم از ابن ابی عمیر از منصور بن یونس از ابو خالد کابلی که گفت: امام باقر ﷺ فرمودند: قسم به خدا، گویی قائم ﷺ را می نگرم در حالی که به حجر الاسود تکیه زده، حق خویش را از خداوند می خواهد. آن گاه می گوید: ای مردم هر کس درباره خدا با من بحث کند، پس، بداند که من نزدیک ترین افراد به خداوند هستم. ای مردم هر کس درباره آدم ﷺ با من بحث کند پس بداند که من نزدیک ترین افراد به آدم ﷺ هستم. ای مردم هر کس درباره نوح ﷺ با من بحث کند، پس، بداند که من نزدیک ترین افراد به نوح ﷺ هستم. ای مردم هر کس درباره ابراهیم ﷺ با من بحث کند، پس، بداند که من نزدیک ترین افراد به ابراهیم ﷺ هستم. ای مردم هر کس درباره موسی ﷺ با من بحث کند، پس، بداند که من نزدیک ترین افراد به موسی ﷺ هستم. ای مردم هر کس درباره عیسی ﷺ با من بحث کند، پس، بداند که من نزدیک ترین افراد به عیسی ﷺ هستم. ای مردم هر کس درباره رسول خدا ﷺ با من بحث کند، پس، بداند که من نزدیک ترین افراد به رسول خداوند ﷺ هستم. حضرت محمد ﷺ ای مردم هر کس درباره کتاب خدا با من بحث کند، پس، بداند که من نزدیک ترین افراد به کتاب خداوند هستم. سپس به مقام ابراهیم ﷺ خواهد رفت، دو رکعت نماز می گذارد و حش را از خداوند طلب می کند. آن گاه حضرت باقر ﷺ فرمودند: به خدا سوگند [اوست آن مضطری که در کتاب خدا یاد شده در] او فرموده: «چه کسی دعای مضطر ناچار را به اجابت می رساند و رنج و ناراحتی را برطرف می سازد و شما را جانشینان زمین قرار می دهد؟» پس نخستین کسی که با او بیعت کند جبرئیل است. سپس آن سیصد و سیزده نفر بیعت کنند و هر کدام از ایشان پیش از آن هنگام، بیرون از منزل بوده به مقصد (به آن حضرت) خواهد پیوست و هر کس که در سفر نبوده از بستر خوابش مفقود خواهد شد [و همین است فرموده

امیرالمؤمنین علیه السلام: آنان مفقودشدگان از خوابگاه‌هایشان هستند. [و آن فرموده خداوند «پس به کارهای نیک پیشی گیرید. هرکجا که باشید، خداوند همه شما را گرد خواهد آورد.» فرمود: خیرات، ولایت است. و خداوند در جای دیگر فرموده: «و چنانچه عذاب را از آنان تا هنگام معینی (افراد معدودی) به تعویق اندازیم.» و ایشان اصحاب قائم علیه السلام هستند. به خدا سوگند در یک ساعت واحد نزد او جمع می‌شوند. پس چون به بیدار بیاید، لشکر سفیانی به سوی خروج کند که خداوند امر فرماید زمین را و زمین پاهایشان را می‌گیرد و این است [معنای] فرموده خداوند «و اگر (ای رسول ما) ببینی کافران را هنگامی که هراسانند پس چیزی از عذابشان فوت و زایل نشود و از جایگاه نزدیکی گرفته شوند.» و گویند به او ایمان آوردیم. «به قائم آل محمد علیه السلام» و با این همه دوری کی توانند به آن مقام نایل شوند؟ [تا آنجا که فرموده: «] و میان آنها و آرزوهایشان جدایی و مباینت افتاد. «یعنی اینکه عذاب شوند.» همچنان که نسبت به همکیشان آنها پیشتر چنین شد. «کسانی که پیش از ایشان بودند از تکذیب کنندگانی که هلاک گشتند.»

(۱۰) در کتاب روضه کافی صفحه ۳۱۳ و کتاب المحجة فی ما نزل فی القائم الحجة نوشته سید هاشم بحرانی به نقل از کافی از محمدبن یعقوب کلینی، آمده است:

محمدبن یعقوب عن علی بن ابراهیم عن ابيه عن ابن ابی عمیر عن منصور بن یونس عن اسماعیل بن جابر عن ابی خالد عن ابی عبدالله [عن ابی جعفر] علیه السلام فی قول الله عزوجل: ﴿فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ﴾ قال: الخیرات: الولاية، وقوله تبارک و تعالی: ﴿أَيْنَمَا تَكُونُوا يُاتِي بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعاً﴾ (اصحاب القائم علیه السلام) الثلاثمائة والبضعة عشر [رجلاً] قال: وهم والله الامة المعدودة قال: يجتمعون والله فی ساعة واحدة قزع كقزع الخریف.

محمدبن یعقوب از علی بن ابراهیم از پدرش از ابن ابی عمیر از منصور بن یونس از اسماعیل بن جابر از ابی خالد از ابی عبدالله، امام صادق [از ابی جعفر، امام باقر علیه السلام] روایت کرده درباره فرموده خداوند عزوجل: «پس به کارهای نیک پیشی گیرید.» فرمود: خیرات، ولایت است. و فرموده خدای تعالی: «و هرکجا که باشید خداوند همه شما را گرد خواهد آورد.» منظور اصحاب قائم علیه السلام سیصد و ده و چند [مرد] هستند. فرمود: و

به خدا سوگند امت معدوده ایشانند. آن گاه فرمود: به خدا سوگند همچون ابرهای پاییزی پی در پی در یک ساعت جمع خواهند شد.

(۱۱) در تفسیر عیاشی مجلد ۱ صفحه ۶۵ و در کتاب المحجة فی ما نزل فی القائم الحجة نوشته سید هاشم بحرانی صفحات ۲۲ تا ۲۵، آمده است:

باسناده عن جابر الجعفی عن ابی جعفر علیه السلام یقول: الزم الارض، لا تحرك [ن] یدک و لا رجلک ابدأً حتی ترى علامات اذکرها لک فی سنة و ترى منادياً ینادی بدمشق و خسف بقرية من قراها و تسقط طائفة من مسجدها فاذا [رأیت] الترتک جاوز [و]ها فاقبلت الترتک حتی نزلت الجزيرة و اقبلت الروم حتی نزلت الرملة و هی سنة اختلاف فی کل ارض من ارض العرب و ان اهل الشام یختلفون عند ذلك علی ثلاث رایات: الأصهب، والأبقع والسفیانی، مع بنی ذنب الحمار مضر و مع السفیانی أخواله [بن] کلب فیظهر السفیانی و من معه علی بنی ذنب الحمار حتی یقتلوا قتلاً لم یقتله شیء قط و یحضر رجل بدمشق فیقتل هو و من معه قتلاً لم یقتله شیء قط و هو [من] بنی ذنب الحمار و هی الآیة التي یقول الله تبارک و تعالی: «فاختلف الأحزاب من بينهم فویل للذین کفروا من مشهد یوم عظیم» و ینظر السفیانی و من معه حتی لا ینکون همه الا آل محمد علیهم السلام و شیعتهم فیبعث و الله بعثنا الی الکوفة فیصاب باناس من شیعة آل محمد بالکوفة قتلاً و صلباً و تقبل رایة من خراسان حتی تنزل ساحل الدجلة ینخرج من الموالی ضعیف و من تبعه فیصاب بظهر الکوفة و ینبعث بعثاً الی المدينة فیقتل بها رجلاً و یفر (یهرب) المهدی و المنصور منها و یؤخذ آل محمد علیهم السلام صغیرهم و کبیرهم لا ینترک منهم احد الا حبس و ینخرج الجیش فی طلب الرجلین و ینخرج [المهدی] منها علی سنة موسی خائفاً ینترقب حتی ینقدم مکه و ینقبل الجیش حتی اذا نزل [وا] البیداء و هو جیش الهلاک خسف بهم فلا یفلت منهم الا مخبر فیقوم القائم بین الرکن و المقام فیصلی و ینصرف و معه وزیره فیقول: یا ایها الناس انا نستنصر الله علی من ظلمنا و سلب حقنا من یحاجنا فی الله فأنا اولی بالله من یحاجنا فی آدم فأنا اولی الناس بآدم من یحاجنا فی نوح فأنا اولی الناس بنوح و من یحاجنا فی ابراهیم فأنا اولی الناس بابراهیم و من یحاجنا فی محمد صلی الله علیه و آله و سلم فأنا اولی الناس بالنیین و من یحاجنا فی کتاب الله فنحن اولی الناس بکتاب الله، انا اشهد و کل مسلم الیوم انا قد ظلمنا و طردنا و بغی علینا و أخرجنا من دیارنا و اموالنا و اهلینا و قهرنا الا انا نستنصر الله الیوم و کل

مسلم و يجيء والله ثلاثمائة و بضعة عشر رجلاً فيهم خمسون امرأة يجتمعون بمكة على غير ميعاد قزعا كقزع الخريف يتبع بعضهم بعضا و هي الآية التي قال الله تعالى: ﴿أَيْنَمَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعاً إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ فيقول رجل من آل محمد عليه السلام: و هي القرية الظالمى اهلها ثم يخرج من مكة هو و من معه الثلاثمائة و بضعة عشر يباعدونه بين الركن و المقام و معه عهد النبي صلى الله عليه وسلم و رايته و سلاحه و وزيره معه فينادى المنادى بمكة باسمه و امره من السماء حتى يسمعه اهل الارض كلهم اسمه اسم نبي ما أشكل عليكم فلم يشكل عليكم عهد نبي الله صلى الله عليه وسلم و رايته و سلاحه و النفس الزكية من ولد الحسين عليه السلام فان اشكل عليكم هذا فلا يشكل عليكم الصوت من السماء باسمه و امره و شذاذ من آل محمد صلى الله عليه وسلم فان لآل محمد راية و غيرهم على رايات [و لغيرهم رايات] فالزم الارض و لا تتبع منهم رجلاً ابداً حتى ترى رجلاً من ولد الحسين عليه السلام معه عهد النبي الله و رايته و سلاحه، فان عهد نبي الله صار عند علي بن الحسين ثم صار عند محمد بن علي عليه السلام و يفعل الله ما يشاء فالزم هؤلاء ابداً و اياك و من ذكرت لك فاذا خرج رجل منهم معه ثلاثمائة و بضعة عشر رجلاً و معه راية رسول الله صلى الله عليه وسلم عامداً الى المدينة حتى يمرّ بالبيداء حتى يقول: هذا مكان القوم الذين يخسف بهم و هي الآية التي قال الله عزوجل: ﴿أَفَأَمِنَ الَّذِينَ مَكَرُوا السَّيِّئَاتِ أَنْ يَخْسِفَ اللَّهُ بِهِمُ الْأَرْضَ أَوْ يَأْتِيَهُمُ الْعَذَابُ مِنْ حَيْثُ لَا يَشْعُرُونَ * أَوْ يَأْخُذَهُمْ فِي تَقْلِبِهِمْ فَمَا هُمْ بِمُعْجِزِينَ﴾ فاذا قدم المدينة اخرج محمد [بن] الشجرى على سنة يوسف، ثم يأتى الكوفة فيطيل فيها المكث ماشاء الله ان يمكث حتى يظهر عليها ثم يسير حتى يأتى العذراء هو و من معه و قد لحق به ناس كثير و السفيناني يؤمئذ بوادى الرملة حتى التلقوا وهو [و هم] يوم الأبدال يخرج اناس كانوا مع السفيناني من شيعة آل محمد عليه السلام و يخرج ناس كانوا مع محمد صلى الله عليه وسلم الى السفيناني فهم من شيعة حتى يلحقوا بهم و يخرج كل ناس الى رايتهم و هو يوم الأبدال قال امير المومنين عليه السلام: و يقتل يؤمئذ السفيناني و من معه حتى لا يترك منهم مخبر، والخائب يؤمئذ من خاب من غنيمة كلب، ثم يقبل الى الكوفة فيكون منزله بها، فلا يترك عبداً مسلماً إلا اشتراه و اعتقه و لا غارماً إلا قضا دينه و لا مظلمة لاحد من الناس إلا ردّها و لا يقتل منهم عبداً الا اذى عنه دية مسلمة الى اهله و لا يقتل قتيل الا قضا عنه دينه و الحق عياله في العطاء حتى يملا الارض قسطاً و عدلاً كما ملئت ظلماً و جوراً و عدواناً، ويسكن هو و اهل بيته الرحبة، و الرحبة انما كانت مسكن نوح و هي ارض طيبة [ولا يسكن

رجل من آل محمد ﷺ و لا یقتل الأبارض طيبة زاکیة [فهم الاوصیاء الطیبون].
 عیاشی به سند خود از جابر جعفی از حضرت باقر علیه السلام آورده که آن حضرت فرمودند: خانه نشین باش و البته ابداً دست و پایی مکن تا نشانه‌هایی را که برایت یاد می‌کنم در یک سال ببینی و بانگ زنده‌ای را ببینی که در دمشق ندا کند و فرو رفتنی در یکی از آبادی‌های آن، و قسمتی از مسجد آن فرو خواهد ریخت. پس هرگاه دیدی ترک‌ها از آن گذشتند و پیشروی کردند تا اینکه در جزیره فرود آمدند و رومیان پیش آمدند تا در رمله فرود آمدند و آن سالی است که در هر یک از سرزمین‌های عرب اختلاف خواهد بود و به راستی که اهل شام در آن هنگام بر سه پرچم اختلاف کنند اصبه، ابقع و سفیانی با بنی ذنب الحمار از قبیله مضر اختلاف می‌کنند. دایسی‌های سفیانی که همراهش هستند از قبیله کلب خواهند بود. پس سفیانی و هم‌دستانش بر بنی ذنب الحمار پیروز خواهند شد و چنان کشته شوند که هیچ کشته‌ای به مانند آن نبوده است و مردی که از بنی ذنب الحمار است به دمشق می‌آید. پس او و همراهانش طوری کشته می‌شوند که کسی را آن‌طور نکشته باشند و این است معنی آیه‌ای که خدای متعال می‌فرماید: «حزب‌ها از میان خود اختلاف کردند. پس وای بر کافران از دیدن روزی بزرگ» و سفیانی و هم‌دستانش آشکار می‌شوند و به طوری است که مقصودی جز کشتن آل محمد علیهم السلام و شیعیانشان ندارند. پس به خدا سوگند لشکری به کوفه می‌فرستد و عده‌ای از شیعیان آل محمد را در کوفه می‌کشد و به دار می‌آویزد و پرچمی از خراسان می‌آید تا اینکه در ساحل رودخانه دجله مستقر می‌شود. مرد ضعیفی از شیعیان با پیروانش [برای سرکوبی سفیانی] خروج می‌کند، پس در بیرون کوفه مغلوب می‌گردد. [سفیانی] لشکری را به مدینه می‌فرستد، پس مردی را در آنجا می‌کشد و مهدی و منصور از آنجا کوچ می‌کنند و کوچک و بزرگ فرزندان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دستگیر می‌شوند و همکیشان به زندان می‌افتند و لشکر در پی آن دو تن (مهدی و منصور) بیرون می‌رود. و [مهدی علیه السلام] به سان موسی [که از مصر گریخت] هراسان و نگران از مدینه بیرون می‌رود تا به مکه می‌رسد و لشکر هم در پی او می‌روند و چون در بیداء - که لشکر هلاکت است - منزل کنند، به زمین فرو روند و جز یک تن که خبرشان را می‌برد هیچ‌کدام جان سالم به در نمی‌برند. پس قائم علیه السلام بین رکن و مقام به پا خیزد و

نماز می گذارد و در حالی که وزیرش با اوست، روی برمی گرداند و می گوید: ای مردم! ما خداوند را به یاری می طلبیم بر هر کسی که به ما ظلم کرده و حقمان را ربوده است. هر که درباره خداوند با ما بحث دارد پس بداند که من سزاوارترین افراد به خداوند هستم و هر کس درباره آدم با ما بحث دارد بداند که من از همه نزدیک ترم و هر که درباره نوح گفتگو دارد پس من به نوح از همه نزدیک ترم و هر کس درباره ابراهیم بحث دارد من از تمامی مردم به ابراهیم نزدیک تر هستم و هر که به نام محمد ﷺ با ما بحث دارد پس من از همه مردم به محمد ﷺ نزدیک تر هستم و هر که در مورد پیغمبران با ما گفتگو دارد، من از همه مردم به پیغمبران نزدیک تر هستم و هر که درباره کتاب خدا با ما گفتگو دارد بداند که ما از تمامی افراد به کتاب خدا نزدیک تر هستیم من [ما] و هر مسلمانی امروز گواهی دهیم که همانا بر ما ظلم شده و آواره مان نموده اند و بر ما ستم کرده اند و از خانه و وطن و اموال و خاندان مان بیرون راندند و مقهور ساختند. مگر اینکه امروز از خداوند یاری می خواهیم و هر مسلمانی را به یاری می خوانیم و به خدا سوگند سیصد و سیزده مرد که پنجاه زن نیز در میان آنهاست، بدون وعده قبلی خواهند آمد و همچون ابرهای پاییزی پی در پی در مکه جمع می شوند و این است آیه خداوند که می فرماید: «هر جا که باشید، خداوند همه شما را گرد خواهد آورد. محققاً او بر هر چیز تواناست.» پس مردی از آل محمد ﷺ می گوید: این است آن آبادی ایی که اهلش ستم پیشه اند. سپس، او با آن سیصد و ده و چند نفر که بین رکن و مقام با او بیعت می کنند، در حالی که عهد پیامبر و پرچم و سلاح آن حضرت با اوست، با وزیرش از مکه بیرون می آیند و در مکه نام و فرمان آن جناب از سوی آسمان ندا می شود به طوری که تمامی اهل زمین آن را می شنوند. اسم او اسم پیامبر است. هر چه بر شما مشکل شود، پیمان پیغمبر ﷺ، پرچم و سلاحش و نفس زکیه از فرزندان حسین علیّه بر شما مشتبه نخواهد شد و چنانچه این امر بر شما مشتبه بماند، آن صدای آسمانی به نام و فرمان او و معدودی از فرزندان محمد ﷺ [که به عنوان برپایی عدل و داد و تشکیل دولت حق خروج می کنند] بر شما پوشیده نخواهد ماند زیرا آل محمد ﷺ را پرچم و دولت معینی است و دیگران به پرچم هایی وابسته می شوند [دیگران دولت هایی دارند] پس خانه نشین باش و از هیچ کدام از اینان ابداً پیروی مکن تا اینکه مردی از فرزندان

حسین علیه السلام را بنگری که پیمان پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله و پرچم و سلاح او همراه وی است. زیرا عهد و پیمان پیغمبر خدا به علی بن الحسین علیه السلام رسید. سپس، به محمد بن علی [خود آن حضرت] رسید و [بعد از این] خدا آنچه را بخواهد انجام می دهد. پس، همیشه با اینان باش و از آنهایی که برایت یاد کردم جداً پرهیز. پس، هرگاه مردی از ایشان که سیصد و سیزده نفر با وی بود و پرچم رسول خدا صلی الله علیه و آله را همراه داشت به پانخاست و عازم مدینه شد [با او همراهی کن] و چون از بیابان بیداء بگذرد می گوید: اینجا، جای کسانی است که به زمین فرو خواهند شد و این است آیه ای که خداوند عزوجل فرموده: «آیا کسانی که مرتکب زشتی می شوند ایمن هستند از اینکه خدا آنان را در زمین فرو برد یا بدون اینکه متوجه باشند عذاب بر آنها فرارسد یا هنگامی که سرگرم رفت و آمدها هستند به ناگاه آنان را به مؤاخذه سخت بگیرد و آنان نتوانند بر قدرت حق غالب آیند؟» و هنگامی که وارد مدینه شود محمد [بن] شجری را همچون یوسف از زندان آزاد سازد. سپس، به سوی کوفه می رود و مدتی طولانی - هر قدر که خدا خواهد - در آنجا می ماند تا اینکه بر آن غالب می شود. آن گاه در حالی که مردمان بسیاری به آن حضرت ملحق شده باشند، با همراهانش به سوی عذراء کوچ می کند. سفیانی در آن موقع در وادی رمله است که دو لشکر با هم برخورد می کنند و آن روز تغییر و تبدیل است. جمعی از شیعیان آل محمد علیهم السلام که با سفیانی بوده اند، از آنها جدا می شوند و عده ای که با آل محمد علیهم السلام بوده اند، به سوی سفیانی بیرون می روند. آنان از پیروان سفیانی هستند بنابراین به آنها می پیوندند و هر مردمی به سوی پرچم خودشان رو می کنند و آن، روز تبدیل است. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: و آن روز، سفیانی و همراهانش کشته می شوند به طوری که خبرآورنده ای هم از آنان باقی نخواهد ماند و زیان بار در آن روز کسی است که از غنیمت قبیله کلب بی بهره باشد. سپس آن حضرت به کوفه می آید و منزلش در آنجا خواهد بود و هیچ برده مسلمان را وانگذازد مگر اینکه، آن را بخرد و آزاد کند و هیچ بدهکاری را مگر اینکه قرضش را ادا کند و هر کس مظلومه ای نسبت به کسی از مردمان داشته باشد، آن را مسترد می دارد و هیچ بنده ای از آنها کشته نشود مگر اینکه دیه کامل او را به خاندانش می پردازد و از هر مقتولی وامش را ادا می کند و به وضع عائله اش رسیدگی می نماید تا اینکه زمین را پر از قسط و عدل می سازد

همچنان که آکنده از ظلم و تجاوز شده باشد و خود و خاندانش در رحبه سکونت خواهند کرد و رحبه، محل سکونت نوح بوده و سرزمین پاکیزه‌ای است [و هیچ یک از آل محمد ﷺ جز در سرزمین پاکیزه سکونت نکنند و کشته نشوند] که آنان اوصیای پاکیزه پیغمبرند.

(١٢) در کتاب اختصاص شیخ مفید صفحه ٢٥٦ و کتاب المحججه فيما نزل في القائم الحجة صفحة ٥٣ تا ٥٨، آمده است:

عن عمرو بن ابي المقدام عن جابر الجعفي قال: قال لي ابو جعفر ﷺ: يا جابر ائزم الارض و لا تحرك يداً و لا رجلاً حتى ترى علامات اذكرها لك ان ادركتها، اولها اختلاف ولد فلان، و ما ادراك تدرك ذلك، ولكن حدث به بعدى و منادٍ ينادى من السماء و يجيئك الصوت من ناحية دمشق بالفتح و يخسف بقرية من قرى الشام تسمى الجابية، و تسقط طائفة من مسجد دمشق الأيمن، و مارقة تمرق من ناحية الترك و يعقبها من حالة [مرج] الروم و يستقبل اخوان الترك حتى ينزلوا الجزيرة و يستقبل م [ا] رقة الروم حتى تنزل الرملة، فتلك السنة يا جابر فيها اختلاف كثير في كل ارض [من] ناحية المغرب، فاول ارض المغرب تخرب الشام يختلفون عند ذلك على ثلاث رايات، راية الأصهب و راية الأبقع و راية السفيناني، فيلقى السفيناني الأبقع، فيقتتلون فيقتله و من معه، و يقتل الأصهب ثم لا يكون همّه الا الإقبال نحو العراق و يمرّ جيشه بقرقيسا فيقتلون بها مائة ألف رجل من الجبارين، و يبعث السفيناني [جيشاً] الى الكوفة، و عدّتهم سبعون الف رجل، فيصيون من [أهل] الكوفة قتلاً و صلباً و سبياً، فبيناهم كذلك اذ اقبلت رايات من ناحية خراسان تطوى المنازل طياً حثيثاً و معهم نفر [من] اصحاب القائم ﷺ و خرج رجل من موالى اهل الكوفة فيقتله امير جيش السفيناني بين الحيرة و الكوفة و يبعث السفيناني بعثاً الى المدينة فيفر [فينفر] الى مكة، فبلغ امير جيش السفيناني ان المهدي ﷺ قد خرج من المدينة فيبعث جيشاً على اثره فلا يدركه حتى يدخل مكة خائفاً يترقب على سنة موسى بن عمران صلوات الله عليه. و ينزل امير جيش السفيناني البيداء، فينادى منادٍ [من السماء] يا بيداء ابيدى القوم، فيخسف بهم البيداء فلا يفلت منهم الا ثلاثة يحول الله وجوههم في اقفيتهم و هم من كلب و فيهم نزلت هذه الآية: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ آمِنُوا بِمَا نَزَّلْنَا مُصَدِّقًا لِمَا مَعَكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَطْمِسَ وُجُوهًا فَنَرُدَّهَا عَلَىٰ أَدْبَارِهَا﴾ الآية قال و القائم يومئذ بمكة قد اسند ظهره الى البيت الحرام مستجيراً به

ینادی [یا ایها الناس] أنا نستنصر الله و من اجابنا من الناس، فإننا أهل بیت نبیکم، و نحن اولی الناس بالله و بمحمد ﷺ، فمن حاجنی فی آدم فأننا اولی الناس بآدم ﷺ و من حاجنی فی نوح فأننا اولی الناس بنوح ﷺ و من حاجنی فی ابراهیم فأننا اولی الناس بابراهیم ﷺ و من حاجنی فی محمد ﷺ فأننا اولی الناس بالنسبیین فأننا اولی الناس بالنسبیین، أليس الله يقول فی محکم کتابه: ﴿إِنَّ اللَّهَ أَصْطَفَىٰ آدَمَ وَنُوحًا وَآلَ إِبْرَاهِيمَ وَآلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ * ذُرِّيَّةً بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ﴾ فأننا بقية من آدم و [اذ] خيرة من نوح و مصطفى من ابراهیم و صفوة من محمد ﷺ، الا و من حاجنی فی کتاب الله فانا اولی الناس بکتاب الله، الا و من حاجنی فی سنة رسول الله و سيرته فانا اولی الناس بسنة رسول الله و سيرته، فأنشد [ت] الله من سمع کلامی اليوم لما ابلاغه الشاهد منکم الغائب و اسألکم بحق الله و حق رسوله [و حقی] فإن لی علیکم حق القربی برسول الله ﷺ لما أعنتمونا و منعتمونا ممن يظلمنا، فقد أخفنا و ظلمنا و طردنا من ديارنا و ابنائنا و بُغی علينا و دُفَعنا عن حقنا و آثر علينا اهل الباطل، [ف] الله الله فينا لا تخذلونا و انصرونا ينصرکم الله، فيجمع الله له اصحابه ثلاثمائة و ثلاثة عشر رجلاً، فيجمعهم الله على غير ميعاد قزع كقزع الخريف، و هي يا جابر الآیة التي ذكرها الله: ﴿أَيْنَمَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعاً إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ فيايعونه بين الركن و المقام و معه عهد من رسول الله ﷺ قد توارثه الابناء عن الآباء.

و القائم ﷺ يا جابر [رجل] من ولد الحسين [بن علی] ﷺ يصلح الله [له] امره فی ليلة (واحدة) فما اشكل على الناس من ذلك يا جابر، لا يشكل عليهم ولادته من رسول الله ﷺ و وراثته العلماء عالماً بعد عالم، فإن اشكل عليهم اذا نودي باسمه و اسم ابيه [واسم] أمه.

از عمرو بن ابی المقدام از جابر جعفی آورده که گفت: حضرت باقر ﷺ به من فرمود: بر جای بنشین و هیچ دست و پای مکن تا آن گاه که علامت هایی را که برایت یاد می کنم ببینی. اگر آن زمان را درک کنی، نخستین آن ها اختلاف فرزندان فلان است و من نمی بینم که تو به آن روزگار برسی ولی پس از من این حدیث را بگویی. [و دیگر از علامت ها] منادی است که از آسمان ندا می کند و صدا از ناحیه دمشق بلند می شود و نوید پیروزی می دهد و در یکی از آبادی های شام که جابیه نام دارد، فرورفتگی پدید

می آید و بخشی از سمت راست مسجد دمشق فرو می ریزد و گروهی از ترک ها شورش می نمایند و در پی آن، اوضاع روم آشفته می شود و برادران ترک پیش می آیند تا اینکه در جزیره، فرود می آیند و شورشیان روم پیشروی نموده و در رمله منزل می گیرند.

ای جابر، در آن سال در هر سرزمینی از ناحیه غرب اختلاف بسیار خواهد بود. پس نخستین سرزمینی که از ناحیه غرب خراب می شود، شام است. در آن هنگام بر سه پرچم اختلاف می نمایند، پرچمی سرخ و سفید و پرچم دیگر سیاه و سفید و پرچم سفیانی. پس، سفیانی با پرچم سیاه و سفید برخورد می کند و باهم به مقاتله و نبرد می پردازند. آن پرچم دار و تمام همراهانش را به قتل می رساند. سپس صاحب پرچم سرخ و سفید را به قتل می رساند. آن گاه، جز این هدفی ندارد که به سوی عراق پیشروی کند و لشکریانش از قرقیسا می گذرند که صد هزار تن از سرکشان و ستمگران در آنجا به هلاکت می رسند و سفیانی لشکری به سوی کوفه می فرستد که تعداد آن ها هفتاد هزار مرد جنگی است. پس، آن ها به کشتن و دارزدن و اسیرکردن اهل کوفه می پردازند و در همین اثنا که سرگرم این فجایع هستند، پرچم هایی از ناحیه خراسان پیش می آید که به سرعت منزل ها را پشت سر می گذارند. با ایشان، چند تن از اصحاب حضرت قائم علیه السلام هستند و مردی از موالی اهل کوفه خروج می کند که فرمانده لشکر سفیانی او را بین حیره و کوفه به قتل می رساند. آن گاه، سفیانی عده ای را به مدینه می فرستد. پس، حضرت مهدی علیه السلام از آنجا به سوی مکه می رود. (کوچ می کند). به فرمانده لشکر سفیانی خبر می رسد که حضرت مهدی علیه السلام از مدینه بیرون رفته، سپاهی در پی آن بزرگوار روانه می سازد که به او نمی رسد تا اینکه آن حضرت با ترس و هراس همچون موسی بن عمران علیه السلام داخل مکه می شود و فرمانده سپاهیان سفیانی در بیابان بیداء فرود می آید. پس منادی از سوی آسمان بانگ می زند: ای بیداء این گروه را نابود کن. زمین بیداء آن ها را در کام خود فرو می برد و جز سه تن کسی از آن ها باقی نمی ماند. خداوند صورت های آن سه تن را به پشت برمی گرداند و آنان از قبیله کلب می باشند و درباره شان این آیه نازل شده: «ای کسانی که کتاب آسمانی به شما داده شده به آنچه ما

نازل کردیم، که آنچه نزد خود دارید را تصدیق می‌کند، ایمان آرید پیش از آنکه صورت‌هایی را تغییر دهیم و آن‌ها را به پشت برگردانیم» آن‌گاه حضرت فرمودند: و قائم علیه السلام در آن روز در مکه است، به بیت‌الله الحرام تکیه زده و به آن پناهنده شده و ندا می‌کند: [ای مردم] ما از خداوند و هر کس از مردم که دعوتمان را اجابت کند یاری می‌خواهیم که ما خاندان پیغمبر شماییم و ما سزاوارترین و نزدیک‌ترین مردم به خدا و رسولش هستیم. پس هر کس درباره آدم علیه السلام با من بحث دارد بداند که من از همه به آدم علیه السلام نزدیک‌تر هستم و هر که درباره نوح علیه السلام گفتگو دارد پس من به نوح علیه السلام از همه نزدیک‌تر هستم و هر کس درباره ابراهیم علیه السلام بحث دارد من از تمامی مردم به ابراهیم علیه السلام نزدیک‌تر هستم و هر که به نام محمد صلی الله علیه و آله و سلم با من بحث دارد پس من از همه مردم به محمد صلی الله علیه و آله و سلم نزدیک‌تر هستم و هر که در مورد پیغمبران با من احتجاج دارد، من از همه مردم به پیغمبران سزاوارترم. مگر نه این است که خداوند در کتاب محکم خویش می‌فرماید: «همانا خداوند آدم و نوح و آل ابراهیم و آل عمران را بر جهانیان برتری داد، ذریه‌ای که بعضی از بعضی دیگر پدید آمدند و خداوند شنوا و داناست.» و من بازمانده آدم علیه السلام و ذخیره نوح علیه السلام و برگزیده‌ای از ابراهیم علیه السلام و عصاره‌ای از محمد صلی الله علیه و آله و سلم هستم. آگاه باشید! هر کس درباره کتاب خدا با من بحث کند پس، بداند که من از همه مردم به کتاب خدا نزدیک‌تر هستم. هر کس در مورد سنت و سیرت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم با من بحث دارد بداند که من از تمامی مردم به سنت و سیرت پیامبر خدا نزدیک‌تر هستم. هر کس سختم را امروز شنید او را به خدا سوگند می‌دهم که حاضرانتان به غایبانتان برسانند و شما را به حق خدا و حق رسولش [و حق خودم] سوگند می‌دهم - که مرا بر شما خویشاوندی به رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم است - که ما را یاری دهید و ظلم‌کنندگان به حق ما را از ما دور سازید که همانا ما [خاندان پیامبر] ترسانیده شده‌ایم و بر ما ظلم گردیده و از شهر و دیار و فرزندانمان آواره گشته‌ایم. به ما تعدی شده و ما را از حق خویش دور ساخته‌اند و اهل باطل را بر ما مقدم داشتند. پس، خدا را خدا را درباره ما که خوارمان مسازید و یاریمان کنید که خداوند یاریتان خواهد کرد.

آن‌گاه، خداوند سیصد و سیزده مرد اصحابش را برایش جمع خواهد ساخت که بدون قرار قبلی همچون قطعه‌های ابر پاییزی آن‌ها را گرد می‌آورد و این است ای جابر، معنی آیه‌ای که خداوند می‌فرماید: «هرجا که باشید خداوند همه شما را گرد خواهد آورد. محققاً خدا بر همه چیز، تواناست.» پس بین رکن و مقام با او بیعت می‌کنند و عهدنامه‌ای از رسول خدا ﷺ با اوست که فرزندان [پیغمبر] آن را از پدرانشان به ارث برده‌اند. ای جابر و قائم علیه السلام مردی از فرزندان حسین [ابن علی] علیه السلام است. خداوند کار او را در یک شب برایش اصلاح می‌فرماید. پس ای جابر، هر چه بر مردم مشکل شود، اینکه او از فرزندان رسول خدا ﷺ و وارث علماست - عالمی پس از عالم دیگر - بر آن‌ها مشکل و مشتبه نشود و اگر همه این‌ها بر آنان دشوار گردد، آن بانگ از سوی آسمان برایشان مشتبه نخواهد شد. آن‌گاه که به نام او و نام پدرش و [نام] مادرش بانگ زده شود.

آیه هشتم

● امتحان مؤمنین قبل از قیام امام زمان (عج)

انسان همواره؛ یعنی، در هر لحظه، هر دقیقه، هر ساعت، هر روز، هر هفته، هر ماه و هر سال در حال امتحان شدن است. به ویژه امتحانات الهی که قبل از قیام قائم آل محمد علیه السلام از بندگان گرفته می شود. چنانچه در سوره بقره آیات ۱۵۵ و ۱۵۷، می خوانیم:

﴿وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ... أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِّن رَّبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ﴾

یقیناً، شما را می آزماییم و با ابتلا به بلا شما را آزمایش می کنیم به چیزی از ترس و خوف و خشک سالی (که نتیجه آن گرسنگی است) و کاهش و نقص در مالها و جانها و ثمرات شما و بشارت بده به صابران... (صابران) آنانند که برایشان از جانب پروردگارشان صلوات و درود و رحمت است و آنان هدایت شدگانند.

قبل از ظهور امام زمان علیه السلام مؤمنین امتحان می شوند و این آیه قسمتی از این امتحانات الهی را مشخص می کند.

(۱) در کتاب ینابیع المودة نوشته خواجه کلان قندوزی حنفی صفحه ۴۲۱، چنین آمده است:

و فی سورة البقرة: ﴿وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ... أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِّن رَّبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ﴾ عن محمد بن مسلم عن جعفر الصادق علیه السلام قال ان قدام قیام القائم علیه السلام علامات بلوی من الله للمؤمنین قلت و ما هی قال هذه الآية قال تعالی ﴿وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ﴾ من تلقهم بالاسقام و الجوع بغلاء اسعارهم و نقص من الأموال بالقحط و الأنفس بموت ذایع و الثمرات بعدم المطر و بشر الصابرين عند ذلك ثم

قال یا محمد هذا تأویله و ما یعلم تأویله الا الله والراسخون فی العلم و نحن الراسخون فی العلم.

محمد بن مسلم از جعفر صادق علیه السلام نقل می کند که آن حضرت فرمودند: قبل از قیام قائم نشانه هایی است از جانب خدا برای مؤمنین و آن ابتلا به بلاست. عرض کردم: یا بن رسول الله، آن بلوا و امتحان کدام است؟ حضرت فرمودند: این آیه «شما را آزمایش می کنیم به چیزی از ترس» و الجوع یا گرسنگی به سبب گرانی نرخ ها و نقص در اموال، یعنی، کمی در مال و ثروت به وسیله قحطی، نقص در انفس (مرگ و میر شایع)، نقص در ثمرات به سبب نیامدن باران و بشارت بده به صابران در این وقت. آن گاه فرمودند: ای محمد بن مسلم، این گفتار، تأویل این آیه شریفه است: تأویل آن را فقط خدا و راسخان در علم می دانند. و ما راسخان در علم هستیم.

(۲) ابو جعفر محمد بن جریر طبری مفسر، محقق و مورخ بزرگ اهل سنت در کتاب دلائل الامامة صفحه ۲۵۹ در مسند فاطمه، آورده است:

اخبرنی ابوالحسین محمد بن هارون قال حدثنی ابی قال حدثنا علی محمد بن همّام قال حدثنا عبدالله بن جعفر الحمیری قال حدثنا احمد بن هلال قال حدثنی الحسن بن محبوب عن علی بن رثاب و ابویوب الخزاز، عن محمد بن مسلم عن ابی عبدالله علیه السلام قال: ان لقیام قائمنا علامات... سنة تجوع فیها الناس و یصیبهم خوف شدید من القتل و نقص من الاموال و الانفس و الثمرات و ان ذلك فی کتاب الله ثم تلا هذه الآية: «وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ».

حسن بن محبوب از ابن رثاب و سرانجام از محمد بن مسلم و ایشان از حضرت صادق علیه السلام روایت می کند که: پیش از قیام قائم (عج) سالی که در آن گرسنگی کشند و ترس شدید از جهت کشتار به آنها می رسد و کمبود در اموال و جان و ثمرات آنها خواهد بود و این است همان فرموده خداوند «یقیناً شما را می آزمایشیم و با ابتلا به بلا. شما را آزمایش می کنیم به چیزی از ترس خوف، خشک سالی (که نتیجه آن گرسنگی است)، کاهش و نقص در مالها، جانها و ثمرات شما و بشارت بده به صابران.»

(۳) حدثنا ابی رضی اللہ عنہ قال حدثنا عبداللہ بن جعفر الحمیری عن احمد بن ہلال، عن الحسن بن محبوب، عن ابی ایوب الخزاز والعلاء بن زرین عن محمد بن مسلم قال سمعت ابا عبداللہ رضی اللہ عنہ يقول:

إن تدام القائم علامات یكون من اللہ عزوجل للمؤمنین قلت و ما هی جعلنی اللہ فداک قال ذلک قول اللہ عزوجل و لنبلونکم یعنی المؤمنین قبل خروج القائم رضی اللہ عنہ ﴿بِشْئٍ مِنْ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ﴾ قال ﴿وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِنَ الْخَوْفِ﴾ من ملوک بنی فلان فی آخر سلطانتهم و الجوع بغلاء اسعارهم و نقص من الاموال قال فساد التجارات و قلة الفضل و نقص من الانفس قال موت ذریع و نقص من الثمرات لقله ریح ما یزرع و بشر الصابریں عند ذلک بتعجیل خروج القائم رضی اللہ عنہ ثم قال لی یا محمد، هذا تأویله ان اللہ تعالیٰ یقول و ما یعلم تأویله الا اللہ والرّاسخون فی العلم.

محمد بن مسلم می گوید: از امام ششم رضی اللہ عنہ شنیدم که می فرمودند: پیش از آمدن قائم رضی اللہ عنہ نشانه هایی از طرف خدای عزوجل برای مؤمنان عیان شود. عرض کردم: خدا مرا به قربانت کند، آن نشانه ها چیست؟ فرمودند: آن فرموده خداوند است که همانا شما را گرفتار کنیم مقصود از آن، مؤمنان است پیش از ظهور قائم رضی اللہ عنہ به چیزی از ترس و گرسنگی و نقصان مال و جان و ثمرات و مزده بده صابران را. می فرماید شما را گرفتار کنیم به ترس از یاد پادشاهان بنی فلان در آخر سلطنت آنها و گرسنگی به واسطه گرانی نرخها، نقصان اموال به واسطه کسادی تجارت، کمی سود و نقصان نفوس به واسطه مرگ و میر فراوان، نقصان ثمرات به واسطه کمی برداشت محصولات زراعتی و مزده بده صابران را در این موقع به تعجیل ظهور قائم رضی اللہ عنہ. سپس، فرمود: ای محمد، این است تأویل آن آیه که خداوند می فرماید: تأویل آن را جز خدا و راسخان در علم کسی نمی داند.

آیه نهم

● در قیام قائم آل محمد (عج) همه فتنه‌ها از بین می‌رود.

بشر همواره به امید آن روزی به سر می‌برد که دیگر در جهان فتنه، جنگ، خونریزی، شرک، بت‌پرستی، نفاق و دورویی نباشد و این تنها بعد از انقلاب جهانی قائم آل محمد (عج) محقق می‌شود.

خداوند در سوره بقره آیه ۱۹۳، می‌فرماید:

﴿وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ فَإِنِ انْتَهَوْا فَلَا عُدْوَانَ إِلَّا عَلَى الظَّالِمِينَ﴾

با آنان جهاد و نبرد و مبارزه کنید تا فتنه و آشوبی باقی نماند و دین از آن خداوند گردد (و همه دین الهی را بپذیرند). پس، اگر دست برداشتند همانا ستمی نیست مگر بر ستمکاران.

البته، این آیه در سوره انفال آیه ۳۸ نیز آمده است و خبر از زمانی می‌دهد که دیگر فتنه و آشوبی باقی نخواهد ماند و همه مردم، مسلمان و موحد خواهند شد.
* در کتاب ینابیع المودة نوشته خواجه کلان قندوزی حنفی صفحه ۴۲۳، چنین آمده است:

و عن محمد بن مسلم قال قلت للباقر عليه السلام ما تأويل قوله تعالى في الانفال: ﴿وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ﴾ قال: لم يجى تأويل هذه الآية فاذا جاء تأويلها يقتل المشركون حتى يوحدهم الله عزوجل و حتى لا يكون شرك و ذلك في قیام قائمنا.

حافظ قندوزی حنفی از محمد بن مسلم (یکی از اصحاب حضرت باقر عليه السلام) نقل می‌کند که آن حضرت فرمودند: تأویل قول خداوند متعال در سوره انفال: «با آنان جهاد و نبرد و مبارزه کنید تا فتنه و آشوبی باقی نماند و دین از آن خداوند گردد (و همه، دین

الهی را بپذیرند.)» چیست؟ حضرت فرمودند: تأویل این آیه هنوز نیامده است. زمانی که تأویل آن بیاید، با همه مشرکان جنگ و مبارزه خواهد شد تا وقتی که آنها موحد شوند و توحید خداوند عزوجل را بپذیرند و دیگر شرکی باقی نماند و این در قیام قائم (عج) ما خواهد بود.

و ما با امید به آن روزی به سر می‌بریم که قائم آل محمد (عج) قیام کند و فتنه‌ها را ریشه کن سازد و دیگر فتنه‌ای باقی نماند. «انشاء الله»

آیه دهم

● اصحاب امام زمان (عج) امتحان خواهند شد.

خداوند در سوره بقره آیه ۲۴۹، می فرماید:

﴿إِنَّ اللَّهَ مُبْتَلِيكُمْ بِنَهَرٍ﴾

همانا خداوند شما را به نهر آبی آزمایش می کند.

* در کتاب المحججه فیما نزل فی القائم الحجة نوشته سید هاشم بحرانی صفحه

۳۶۲، آمده است:

محمد بن ابراهیم نعمانی فی الغیبة: حدثنا علی بن الحسین قال: حدثنا محمد بن یحیی العطار عن محمد بن حسان الرازی عن محمد بن علی الكوفی قال: حدثنا عبد الرحمن بن ابی هاشم عن علی بن حمزة عن ابی بصیر عن ابی عبد الله علیه السلام قال: إن اصحاب طالوت ایتلوا بالنهر الذی قال الله تعالی: ﴿مُبْتَلِيكُمْ بِنَهَرٍ﴾ و إن اصحاب القائم علیه السلام یبتلون بمثل ذلك.

محمد بن ابراهیم نعمانی در کتاب الغیبه گوید: علی بن الحسین گفت محمد بن یحیی العطار از محمد بن حسان الرازی از محمد بن علی الكوفی گفت: عبد الرحمن بن ابی هاشم از علی بن حمزة از ابی بصیر ما را حدیث کرد از ابی عبد الله، امام صادق علیه السلام که فرمودند: اصحاب طالوت به نهر آبی آزمایش شدند که قرآن می فرماید: «همانا خداوند شما را به نهر آبی آزمایش می کند.» به راستی که اصحاب قائم علیه السلام نیز به مانند آن مبتلا و آزمایش خواهند شد.

آیه یازدهم

● مدینه فاضله در کل جهان فقط در عصر مهدویت صورت می گیرد.

خداوند در سوره بقره آیه ۲۶۱، می فرماید:

﴿مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلَ فِي كُلِّ سُنبُلَةٍ مِئَةٌ حَبَّةٌ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ﴾

مثل کسانی که اموالشان را در راه خداوند انفاق می کنند مثل یک دانه ای است که (آن را بکارند)، هفت خوشه برداشت کنند و در هر خوشه صد دانه باشد (یک دانه هفتصد دانه شود) و خداوند از این مقدار نیز بر هر که بخواهد بیفزاید. چه خداوند را رحمت بی انتهاست و او بر همه چیز مسلط است و بر آن علم دارد.

* حافظ جمال الدین المقدسی السلمی دمشقی (معروف به حافظ جمال الدین

دمشقی) در کتاب نفیس و معروف عقد الدرر صفحه ۵۰۵، می فرماید:

عن علی بن ابی طالب علیه السلام فی وصف الامام (المهدی) قال: فیبعث المهدي الى امرائه بسائر الامصار: بالعدل بين الناس... ويذهب الشر و يبقى الخير، يزرع مداً يخرج سبعمائة مد كما قال الله تعالى: ﴿مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ﴾.

امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام در وصف امام مهدی (عج) فرمودند: پس مهدی علیه السلام اصحاب و انصارش را به شهرها می فرستد و به آنها می فرماید که میان مردم به عدل رفتار کنند... (و در زمان ایشان) شر و فساد ریشه کن می شود و خیر و صلاح جایگزین آن می گردد. (در زمان مهدی (عج)) یک مد (ده سیر) تخم کاشته می شود و هفتصد مد برداشت می گردد همان گونه که خداوند متعال فرموده است: «مثل یک دانه ای است که (آن را بکارند)، هفت خوشه برداشت کنند و در هر خوشه صد دانه باشد (یک دانه هفتصد دانه شود).»

بار دیگر حدیث فوق را مطالعه فرمایید. حضرت حجة بن الحسن العسکری (عج) حکومتی تشکیل خواهد داد که:

اولاً کارگزاران آن حکومت و امرا و فرماندهانش به امر رهبریت، به عدل رفتار می‌کنند.

ثانیاً دیگر در روی کره زمین شر و فساد ریشه کن خواهد شد.

ثالثاً اساس آن حکومت بر اساس خیر و صلاح آن امت است.

رابعاً برکات آن قدر زیاد می‌شود که اگر یک مد گندم بکارند هفتصد مد برداشت می‌کنند.

آیه دوازدهم

● حکمت شناخت امام در حال حاضر شناخت امام زمان است.

خداوند در سوره بقره آیه ۲۶۹، می فرماید:

﴿يُؤْتِي الْحِكْمَةَ مَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ﴾

خداوند حکمت را به هر که خواهد دهد و هر که را به حکمت رساند، به او خیر فراوانی داده است و جز خردمندان، اندرز نگیرند.

* در کتاب کافی و در تفسیر عیاشی در ذیل آیه مبارکه آمده است:

فی الکافی و العیاشی عن الصادق علیه السلام فی هذه الآية قال طاعة الله و معرفة الامام و ایضاً عنه علیه السلام معرفة الامام و اجتناب الكبائر التي اوجب الله عليها النار.

از امام صادق علیه السلام نقل شده که حکمت، طاعت خدا و معرفت امام است و نیز از آن حضرت روایت شده که منظور، معرفت امام و پرهیز از گناهان کبیره‌ای است که آتش را برگناه کار واجب می‌کند.

پس، یعنی، معنای حکمت، معرفت امام است. البته این مطلب در آیات، احادیث و روایات دیگر نیز آمده است. مثلاً، حضرت صادق علیه السلام تأکید می‌فرمایند که ما در غیبت امام زمان (عج) زیاد این دعا را بخوانیم: (کمال الدین شیخ صدوق رحمته الله)

اللهم عرفني نفسك فإنك إن لم تعرفني نفسك لم أعرف نبيك

اللهم عرفني رسولك فإنك إن لم تعرفني رسولك لم أعرف حجتك

اللهم عرفني حجتك فإنك إن لم تعرفني حجتك ضللت عن ديني

اللهم لا تمتني ميتة جاهلية و لا تزغ قلبي بعد إذ هديتني

خداوندا، خودت را به من بشناسان چرا که اگر خودت را به من شناسانی من هرگز نمی‌توانم نبی تو را بشناسم.

خداوندا، رسولت را به من بشناسان که اگر رسولت را به من شناسانی، من هرگز

نمی توانم حجت تو را بشناسم.

خداوندا، حجت را به من بشناسان چرا که اگر حجت خود را به من شناسانی، من در دینم گمراه می شوم.

خداوندا، من را نمیران به مردن جاهلیت و زمانی که مرا هدایت فرمودی، قلب مرا از هدایت برمگردان.

پس، معرفت خداوند و رسولش و نیز معرفت و شناخت امام به دست خود خداوند است که او باید به ما بشناساند و اگر خداوند آن را به ما شناساند، این حکمت است و امروز امام زنده و امام حق و خلیفة الله فی الارض حضرت حجة بن الحسن العسکری (عج) است که به هر کس بشناساند، به او حکمت عنایت فرموده است. پس، منظور از حکمت در آیه شریفه ﴿يُؤْتِي الْحِكْمَةَ مَنْ يَشَاءُ﴾ معرفت امام است و به هر کس که این حکمت داده شود، به خیر کثیر رسیده است.

آیه سیزدهم

● صحبت از مهدی علیه السلام در معراج رسول خدا صلی الله علیه و آله.

خداوند در سوره بقره آیه ۲۸۵، می فرماید:

﴿أَمَّنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ آمَنَ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ
وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ﴾

رسول خدا به آنچه خدا بر او نازل کرد ایمان آورده و مؤمنان نیز همه به خدا و فرشتگان
خدا و کتب و پیغمبران خدا ایمان آوردند.

* در کتاب فرائد السمطين نوشته شيخ الاسلام الحموي شافعي مجلد ۲ صفحه
۳۱۹ حديث ۵۷۱ و موفق بن احمد خوارزمي حنفي در كتاب مقتل الحسين مجلد ۱
فصل ۷ صفحه ۹۶ و حافظ قندوزي حنفي در ينابيع المودة باب ۹۳ صفحه ۴۸۷،
آمده است:

ابی سلیمان یکی از خدمتگزاران رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل می کند که حضرت فرمودند:
سمعت رسول الله يقول: ليلة اسرى بي الى السماء قال لي الجليل جل جلاله: ﴿أَمَّنَ الرَّسُولُ
بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ﴾ فقلت: «والمؤمنون» قال: صدقت قال: يا محمد، اني اطلعت الى اهل
الارض اطلاعة فاخترتك منهم فشقت لك اسماً من اسمائى فلا اذكر فى موضع الا ذكرت
معى فانا المحمود و انت محمد ثم اطلعت الثانية فاخترت منهم على فسمية يا سمى يا محمد
خلقتك و خلقت علياً و فاطمة و الحسن و الحسين و الائمة من ولد الحسين من نورى و
عرضت ولايتكم على اهل السموات و الارض فمن قبلها كان عندى من المؤمنين و من
جحدها كان عندى من الكافرين. يا محمد، لو ان عبداً من عبدي عبدنى حتى ينقطع او يصير
كالشن البالى ثم جائنى جاهداً لولا يتكم ما غفرت له يا محمد تحت ان تراهم قلت نعم يا
رب قال لى انظر لى الى يمين العرش فنظرت فاذا على و فاطمه و الحسن و الحسين و على بن
الحسين و محمد بن على و جعفر بن محمد و موسى بن جعفر و على بن موسى و محمد بن على
و على بن محمد و الحسن بن على و محمد المهدى بن الحسن كانه كوكب درى بينهم و قال يا

محمد هولا، حججی علی عبادی و هم اوصیائک و المهدی منهم الثامن قاتل عترتک و عزتی و جلالی انه المنتقم من اعدائی و الممد لاولیائی.

ابی سلیمان می گوید: شنیدم از رسول خدا ﷺ که فرمودند: شبی که من به سوی آسمان سیر داده شدم (در شب معراج) خداوند جل جلاله فرمودند: «رسول خدا به آنچه خدا بر او نازل کرد ایمان آورده» من عرضه داشتم: «و مؤمنان نیز ایمان آورده اند.» ندا رسید درست گفتم، یا محمد ﷺ، من توجه به سوی اهل زمین کردم و تو را از میان همه انسانها برگزیدم و اسمی از اسماء خودم را برای تو مشتق نمودم. من در هیچ موضع و محلی یاد نمی شوم مگر اینکه تو با من ذکر و یاد می شوی، من محمودم و تو محمدی ﷺ. باز به زمین توجه کردم این بار از میان اهل زمین علی ﷺ را برگزیدم. پس، او را به نام خویش نامیدم. ای محمد ﷺ خلق کردم تو را و علی ﷺ و فاطمه ﷺ و حسن ﷺ و حسین ﷺ و امامان از فرزندان حسین ﷺ را از نور خودم و ولایت شما را به اهل آسمانها و زمین عرضه داشتم. هر کس پذیرفت، او نزد من از مؤمنین است و هر که ولایت شما را نپذیرفت، از کفار است.

ای محمد ﷺ، اگر بندگان من تا آنجا که نفس دارند مرا عبادت کنند، (که همچون سنگهایی که خرد می شود) به ریگ و شن تبدیل گردند و به سوی من آیند و مرا قبول کنند اما ولایت شما را منکر شوند، آنها مشمول آمرزش من نخواهند شد. ای محمد، دوست داری اینها را ببینی؟ عرضه داشتم بلی. خداوند فرمود: نظر کن به سوی عرش. ناگاه دیدم علی ﷺ و فاطمه ﷺ و حسن ﷺ و حسین ﷺ و علی بن الحسین ﷺ و محمد بن علی ﷺ و جعفر بن محمد ﷺ و موسی بن جعفر ﷺ و علی بن موسی ﷺ و محمد بن علی ﷺ و علی بن محمد ﷺ و الحسن بن علی ﷺ و محمد المهدی ﷺ بن الحسن (عج) گویا او ستاره درخشانده ای بود میان ایشان. خداوند فرمود: ای محمد ﷺ ایشان حجج من هستند بر بندگانم و ایشان اوصیای تو هستند و مهدی ﷺ از ایشان است که انتقام خون اینها را (از قاتلان شان) می گیرد. به عزت و جلالم که اوست انتقام گیرنده از دشمنان من و مدد دهند به اولیای من.

آیه چهاردهم

● مهدی موعود (عج) یکی از برگزیدگان آل محمد است.

خداوند در سوره آل عمران آیات ۳۳ و ۳۴، می فرماید:

﴿إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ آدَمَ وَنُوحًا وَآلَ إِبْرَاهِيمَ وَآلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ * ذُرِّيَّةً بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ﴾

خداوند آدم و نوح و خاندان ابراهیم و خاندان عمران را از اهل جهان برگزید. نسل ابراهیم و عمران، بعضی از آنها از بعضی دیگر است و خدا شنوا و داناست.

(۱) در کتاب شواهد التنزیل نوشته حاکم حسکانی از علمای قرن پنجم هجری قمری صفحه ۱۰۴، آمده است:

ما را خبر داد ابوبکر پسر ابوالحسن حافظ می گوید عمر پسر علی بن مالک، وی می گوید احمد بن حسن از ابی حصین پسر مخارق از اعمش از شقیق؛ ما را خبر داد او گفت: در قرآنی که به خط عبدالله بن مسعود بود خواندم: ﴿إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ آدَمَ وَنُوحًا وَآلَ إِبْرَاهِيمَ وَآلَ عِمْرَانَ (و آل محمد) عَلَى الْعَالَمِينَ﴾ خداوند آدم علیه السلام و نوح علیه السلام و خاندان ابراهیم علیه السلام و خاندان عمران علیه السلام (و خاندان محمد صلی الله علیه و آله و سلم) را از اهل جهان برگزید.

(۲) در همان کتاب و همان صفحه، حدیث ۶، حاکم می گوید:

ما نیز این روایت را از سبئی از ابن عقده از احمد پسر هشیم پسر ابونعیم خبر می دهیم (احمد می گوید) خبر داد ما را ابوجناده سلولی از اعمش به همان خبر.

(۳) در کتاب غایة المرام باب ۱۳ صفحه ۱۳۸، آمده است:

ثعلبی در تفسیرش می گوید: نقل حدیث نمود برای ما ابو محمد عبدالله بن قاضی... برای ما ابو عباد سلولی از اعمش از ابی وائل گفت: خواندم در قرآنی که به خط عبدالله بن مسعود بود: ﴿إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ آدَمَ وَنُوحًا وَآلَ إِبْرَاهِيمَ وَآلَ عِمْرَانَ (و آل محمد) عَلَى الْعَالَمِينَ﴾.

در شواهد التنزیل این حدیث به چند طریق دیگر نیز بیان شده است. پس آل محمد که دوازده معصومند، برگزیدگان خداوند هستند و در حال حاضر وجود اقدس بقیة الله الاعظم آخرین فرزند از سلسله عصمت و طهارت از آل محمد علیهم السلام می باشد.

(۴) در کتاب عیون الاخبار الرضا مجلد ۲ صفحه ۱۸۷، آمده است:

فی العیون فی حدیث الرضا علیه السلام مع المأمون: فقال المأمون: هل فضل الله العترة علی سائر الناس؟ فقال ابوالحسن: ان الله ابان فضل العترة علی سائر الناس فی محکم کتابه. فقال له المأمون: أين ذلك من کتاب الله؟ فقال له الرضا علیه السلام: فی قوله: ﴿إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ آدَمَ وَنُوحًا وَآلَ إِبْرَاهِيمَ وَآلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ * ذُرِّيَّةً بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ﴾.

در حدیث حضرت رضا علیه السلام با مأمون نقل شده که مأمون به حضرت گفت: آیا خدا عترت را بر سایر مردم فضیلت بخشیده است؟ حضرت فرمودند: خداوند فضیلت عترت پیامبر صلی الله علیه و آله را در محکم کتابش آشکار فرموده. مأمون گفت: در کجای قرآن؟ فرمود: در این آیه: «خداوند آدم و نوح و خاندان ابراهیم و خاندان عمران را از اهل جهان برگزید. نسل ابراهیم و عمران، بعضی از آنها از بعضی دیگر است.»

(۵) در تفسیر عیاشی مجلد ۱ صفحه ۱۶۸، آمده است:

و فی تفسیر العیاشی عن الباقر علیه السلام: انه تلا هذه الآية فقال: نحن منهم و نحن بقیة تلك العترة.

از امام باقر علیه السلام نقل شده که حضرت این آیه را تلاوت فرمود و سپس فرمود: ما هم از آنان هستیم و ما باقیمانندگان از آن عترتیم.

(۶) در کتاب معانی الاخبار صفحه ۹۴، آمده است:

عن ابی بصیر قال: قلت لابی عبدالله علیه السلام: من آل محمد صلی الله علیه و آله؟ قال: ذریته. فقلت: اهل بینه؟ قال: الائمة الاوصیاء. فقلت: من عترته؟ قال: اصحاب العباء. فقلت: من امته؟ قال: المومنون الذین صدقوا بما جاء به من عند الله عزوجل، المتمسكون بالثقلین الذین امروا بالتمسک بهما: کتاب الله عزوجل و عترته اهل بینه الذین اذهب الله عنهم الرجس و طهرهم تطهیرا و هما الخلیفتان علی الامة بعده صلی الله علیه و آله.

ابی بصیر می گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم آل محمد چه کسانی هستند؟ فرمود: ذریه او می باشند. گفتم اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله کدامند؟ فرمود: امامان و جانشینان آن حضرت. عرض کردم منظور از عترت چه کسانی هستند؟ فرمود: (پنج تن) اصحاب عبا. گفتم: امت پیامبر کدامند؟ فرمود: مؤمنینی که آنچه از جانب پروردگار آمده تصدیق کنند و به تقلین که امر به تمسک جستن آنها شده بگردند؛ یعنی، کتاب خدای بزرگ و عترت اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و البته، همان اهل بیته که آیه تطهیر در شأنشان نازل شده. آری قرآن و عترت دو جانشین رسول خدا صلی الله علیه و آله پس از وی می باشند.

(۷) در معانی الاخبار صفحه ۹۴، آمده است:

عن عبدالله بن میسره قال: قلت لابی عبدالله علیه السلام: انا نقول اللهم صل علی محمد و آل محمد. فیقول قوم: نحن آل محمد. فقال: انما آل محمد من حرم الله عزوجل علی محمد نکاحه.

از عبدالله بن میسره نقل شده که به حضرت صادق گفتم: ما می گوئیم اللهم صل علی محمد و آل محمد. عده ای می گویند که ما آل محمد هستیم. حضرت فرمود: آل محمد کسانی هستند که خداوند ازدواج با آنها را برای حضرت محمد صلی الله علیه و آله حرام کرده است.

آیه پانزدهم

● در حکومت حضرت مهدی (عج) اهل آسمان‌ها و زمین تسلیم امر الهی می‌شوند.

زندگی کردن در زمان امام زمان (عج) بسیار زیباست زیرا در آن زمان همه موجودات سماوی و ارضی تسلیم امر خداوندند و چون تسلیم امر خدا هستند، آرامش و صلح همه جا را فرا می‌گیرد و بر کل جهان یک قانون حاکم می‌شود و آن هم قانون خداوند که به دست با کفایت ولی عصر (عج) اجرا می‌گردد. چنان‌که در سوره آل عمران آیه ۸۳، آمده است:

﴿أَفَغَيْرَ دِينِ اللَّهِ يَبْغُونَ وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعاً وَكَرْهاً
وَإِلَيْهِ يُرْجَعُونَ﴾

آیا جز دین خدای را می‌جویند، در حالی که هر آنکه در آسمان‌ها و زمین است، در مقابل او تسلیم خواهند شد و چه بخواهند و چه نخواهند اسلام را خواهند آورد و همه بازگشت‌ها به سوی اوست.

این آیه خبر می‌دهد زمانی فرا خواهد رسید که هستی چه با اجبار و چه با اختیار همه در مقابل ذات اقدس الهی تسلیم خواهند شد و هم از نظر تکوین و هم از نظر تشریح تسلیم امر خداوند می‌شوند؛ یعنی، جماد و نبات و حیوان و انسان همه تسلیم امر و نهی خداوند خواهند شد و این در زمان حکومت الهی ولی عصر (عج) خواهد بود.

(۱) در کتاب ینابیع المودة باب ۷۱ صفحه ۴۲۱، چنین آمده است:

و عن رفاعة بن موسى قال سمعت جعفر الصادق عليه السلام يقول في قوله تعالى في سورة آل عمران: ﴿وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعاً وَكَرْهاً﴾ قال إذا قام القائم المهدي لا يبقى ارض الا نودي فيها شهادة ان لا اله الا الله وان محمداً رسول الله.

حافظ قندوزی حنفی می‌گوید: رفاعه بن موسی از امام صادق عليه السلام نقل می‌کند در مورد قول خداوند: «در مقابل او تسلیم خواهند شد و چه بخواهند و چه نخواهند

اسلام را خواهند آورد» حضرت فرمودند: هنگامی که مهدی قائم قیام نماید، هیچ نقطه‌ای از زمین نمی‌ماند مگر اینکه شهادت به یگانگی خداوند و رسالت پیامبر ﷺ خواهند داد.

پس، در زمان مهدی موعود همه مسلمان خواهند شد و حضرت امیرالمؤمنین ﷺ در معنای اسلام فرموده‌اند: «الاسلام هو التسليم» اسلام؛ یعنی، تسلیم بودن (در مقابل امر و نهی خدا و در مقابل قدرت الهی)

(۲) در تفسیر عیاشی مجلد ۱ صفحه ۱۸۳، آمده است:

باسناده عن رفاعه بن موسی، قال سمعت ابا عبد الله ﷺ يقول: ﴿وَلَهُ أُسْلِمَ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعاً وَكَرْهاً وَإِلَيْهِ يُرْجَعُونَ﴾ قال: اذا قام القائم ﷺ لا تبقى ارض الا نودی فیها بشهادة ان لا اله الا الله و ان محمداً رسول الله ﷺ .

عیاشی به سند خود از رفاعه بن موسی آورده گوید شنیدم امام صادق ﷺ می‌فرمود: «در مقابل او تسلیم خواهند شد و چه بخواهند و چه نخواهند اسلام را خواهند آورد» حضرت فرمودند: هنگامی که مهدی قائم قیام نماید، هیچ نقطه‌ای از زمین نمی‌ماند مگر اینکه شهادت به یگانگی خداوند و رسالت پیامبر ﷺ خواهد داد و بر این کلمات ندا کند.

(۳) در همان کتاب و همان مجلد و صفحه، عیاشی به سند خود از ابی‌بکیر نقل می‌کند:

عن ابی‌بکیر قال: سألت ابا الحسن ﷺ عن قوله: ﴿وَلَهُ أُسْلِمَ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعاً وَكَرْهاً وَإِلَيْهِ يُرْجَعُونَ﴾ قال: انزلت فی القائم ﷺ اذا خرج بالیهود و النصارى و الصابئین و الزنادقة و اهل الردة و الکفار فی شرق الارض و غربها فعرض علیهم الإسلام، فمن اسلم طوعاً أمره بالصلاة و الزکوة و ما یؤمر به المسلم و یجب لله علیه، و من لم یسلم ضرب عنقه، حتی لا یبقى فی المشارق و المغرب احد الا وحّد الله. قلت جعلت فداک ان الخلق اکثر من ذلك... فقال: ان الله إذا اراد امرأ قلل الكثير و کثر القلیل.

ابی‌بکیر می‌گوید از حضرت ابالحسن ﷺ درباره فرموده خداوند پرسیدم: «در مقابل

او تسلیم خواهند شد و چه بخواهند و چه نخواهند اسلام خواهند آورد.» فرمود این آیه درباره قائم علیه السلام نازل شده، هرگاه به پاخیزد، بر یهود، نصارا، صابئین، زنادقه، اهل ارتداد و کفار در شرق و غرب زمین، اسلام را عرضه کند. پس هر آنکه از روی میل و رغبت و به دلخواه مسلمان شود، او را به نماز و زکات و سایر کارهایی که یک مسلمان باید انجام دهد و برای خداوند بر او واجب است، امر فرماید و هر کس اسلام را نپذیرد، گردنش را می زند تا آنجا که در مشارق و مغارب زمین، هیچ کس نماند جز اینکه توحید خدا گوید. عرضه داشتم فدایت کردم خلائق بیش از آنند! فرمود: همانا خدا اگر چیزی را بخواهد، بسیار را اندک و اندک را بسیار گرداند.

(۴) در تفسیر عیاشی مجلد ۲ صفحه ۶۰، آمده است:

العیاشی عن عبد الأعلى الحلبي عن ابي جعفر علیه السلام فی حدیث طویل یذکر فیہ امر القائم علیه السلام إذا خرج، قال: و لا تبقى [ارض] فی الارض قرية الا نودی فیها بشهادة ان لا اله الا الله [وحدہ لا شریک له] و ان محمداً رسول صلی الله علیه و آله و هو قوله [تعالی]: ﴿وَلَهُ اسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعاً وَكَرْهاً وَإِلَيْهِ يُرْجَعُونَ﴾ و لا یقبل صاحب هذا الامر الجزية كما قبلها رسول الله صلی الله علیه و آله و هو قول الله: ﴿وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةً وَيَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ﴾.

عیاشی به سند خود از عبد الاعلی حلبی از حضرت باقر علیه السلام در حدیث طولانی آورده که در آن برنامه حضرت قائم (عج) را چون به پاخیزد یاد کرده و فرموده: و روی زمین هیچ [سرزمینی] آبادی ای باقی نمی ماند مگر اینکه در آن گواهی دادن به اینکه هیچ معبود حقی جز الله نیست [یکتا است که هیچ شریکی ندارد] و اینکه محمداً صلی الله علیه و آله فرستاده خداست بانگ زده شود و این است [معنی] فرموده خدای [تعالی]: «در مقابل او تسلیم خواهند شد و چه بخواهند و چه نخواهند اسلام را خواهند آورد.» و صاحب این امر چنانکه رسول خدا صلی الله علیه و آله جزیه را می پذیرفت، آن را نمی پذیرد و این فرموده خداوند است که: «و با آنان نبرد کنید تا دیگر فتنه و فساد بر جای نماند و آیین همه دین خدا گردد.»

آیه شانزدهم

● قائم آل محمد (عج) با شمشیر قیام می کند و دشمنان خداوند را نابود می سازد.

خداوند در سوره آل عمران آیه ۸۵، می فرماید:

﴿وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ﴾

هر کس غیر از اسلام دینی اختیار کند هرگز از وی پذیرفته نیست و او در آخرت از زیانکاران است.

* در کتاب کمال الدین باب ۵۱ در خطبه مفصلی از امیرالمؤمنین علیه السلام درباره دجال و علایم آخر الزمان و علایم ظهور، چنین آمده است:

هو (النبي) صلی الله علیه و آله صادق فی جميع اقواله مصیب فی جميع احواله و لا یصح ایمان عبد حتی لا یجد فی نفسه حرجاً مما قضی و یسلم له فی جميع الامور تسليماً و لا یخالطه شک و لا ارتياب و هذا هو الاسلام و الاسلام هو الاستسلام و الاتقياد و من یبتغ غیر الاسلام دیناً فلن یقبل منه و هو فی الآخرة من الخاسرين و من اعجب العجایب أن مخالفنا یروون ان عیسی بن مریم علیه السلام مرّ بأرض کربلا فرأى عدة من الطباء هناك مجتمعة فاقبلت إليه و هی تبکی و انه جلس و جلس الحواریین فبکی و بکی الحواریون و هم لا یدرون لم جلس و لم بکی فقالوا یا روح الله و کلمته ما بیکیک؟ قال أتعلمون ای ارض هذه؟ قالوا لا قال هذه ارض یقتل فیها فرخ الرسول أحمد و فرخ الحرة الطاهرة البتول شبيهة أُمی و یلحد فیها اطیب من المسک لأنها طينة الفرخ المستشهد و هكذا یكون طينة الانبياء و اولاد الانبياء فهذه الطبا تکلمنی و تقول انها ترعى فی هذه الارض شوقاً الی تربة الفرخ المستشهد المبارک و زعمت أنها امنة فی هذه الارض ثم ضرب بیده الی بعر تلك الطبا فشمها فقال اللهم ابقها ابدًا حتی یشمها ابوه فتكون له عزاء و سلوة و انها بقییت علی ایام امیرالمؤمنین علیه السلام حتی شمها و بکی و اخبر

بقصتها لما مر بکربلا فیصدقون بانّ بعز تلك الظباء تبقى زیادة علی خمسائة سنة لمتغیره الازمان و الامطار و الرياح و مرور الايام و اللیالی و الشمس علیه و لا یصدقون بان القائم من آل محمد صلی الله علیه و آله یبقی حتی یرج بالسیف فیبیر اعداء الله عزوجل و یرظهر دین الله مع الاخبار الواردة عن النبی و الائمة صلوات الله علیهم بالنص علیه باسمه و نسبه و غیبة المدة الطویلة و جرى سنن الاولین فیہ بالتعمیر هل هذا الاعناد و جحود للحق نعوذ بالله من الخذلان سیاق هذا الخبر علی جهته فی نطقه و لفظه.

پیامبر صلی الله علیه و آله در همه گفتارش راستگوست و در همه اصولش درست است و ایمان هیچ بنده ای درست نباشد تا در دل خود تردیدی و حرجی نسبت به آنچه پیغمبر قضاوت کند راه دهد و در همه امور به درستی تسلیم او باشد و شک و تردید نداشته باشد. اسلام، این است. اسلام، قبول و انقیاد است. هر کس جز اسلام دینی بجوید از او پذیرفته نیست و در آخرت از زیانکاران است و از اعجب عجایب که مخالفین ما روایت کرده اند این است که عیسی بن مریم علیه السلام به زمین کربلا عبور کرد. دید جمعی آهو در آنجا جمع شده اند. به سوی آنها رفت. آن آهوان می گریستند. او نیز با حواریون خود نشست و گریست و آن ها نمی دانستند که چرا عیسی علیه السلام آنجا نشست و چرا گریست. عرض کردند: ای روح و کلمه خداوند، چه باعث گریه شماست؟ فرمود: می دانید اینجا چه سرزمینی است؟ گفتند: نه نمی دانیم. فرمود: اینجا زمینی است که سبط رسول احمد صلی الله علیه و آله و جگر گوشه طاهره بتول علیها السلام همانند مادرم کشته می شود و در تربتی خوشبوتر از مشک به خاک سپرده می شود زیرا آن تربت سبط شهید است و تربت پیغمبران هم چنین است. این آهوان با من سخن گویند که ما از شوق تربت سبط مبارک و شهید در این زمین می چریم و به عقیده خود اینجا هر درنده و صیادی در امن هستند. سپس، پشک یکی از آن آهوان را برداشت و بوید و فرمود: بار خدایا آن را همیشه باقی دار تا پدرش آن را بوید و برای او تسلیت و دل آرامی باشد و آن پشک تا روزگار امیرالمؤمنین علیه السلام به جا ماند و آن را بوید و گریست و چون به کربلا عبور کرد

داستان آن را نقل نمود، باور کنند که مشک آن آهوان بیش از پانصد سال می ماند و گذشت زمان و باد و باران و گذشت ایام و لیالی و تابش آفتاب آن را تغییر نمی دهد و باور ندارند که قائم آل محمد علیه السلام می ماند تا با شمشیر ظهور کند و دشمنان خدای عزوجل را نابود سازد و دین خدا را آشکار کند با همه اخباری که از پیغمبر و ائمه علیهم السلام در نص بر او به نام و نسب و غیبت طولانی وارد شده است و در اینکه روش گذشتگان از نظر طول عمر در او جاری شده است، این جز عناد و انکار حق چیز دیگری هست؟

آیه هفدهم

● در عصر مهدویت همه اهل زمین مؤمنند.

خداوند در سوره آل عمران آیه ۱۴۱، می فرماید:

﴿وَلِيُمَحِّصَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَيَمْحَقَ الْكَافِرِينَ﴾

و برای اینکه خداوند متعال اهل ایمان را تصفیه نماید کافران را نابود و محو سازد.

این آیه از زمانی صحبت می کند که اهل ایمان تصفیه می شوند و کافران نابود می گردند و در آن زمان دیگر کافر و مشرکی نخواهد ماند و این بشارت فقط در زمان امام زمان علیه السلام به وقوع می پیوندد.

مفسرین در شأن نزول این آیه و آیات قبل از آن گفته اند که این آیات در جنگ احد نازل شده است و این آیات تجزیه و تحلیل جنگ احد است، زیرا متأسفانه در جنگ احد مسلمین شکست سختی خوردند و مسلمانانی چون حمزه سیدالشهداء عموی رسول خدا و مصعب بن عمیر، این یار با وفای پیامبر و حنظلة غسیل الملائکه و بزرگوارانی چون عبدالله بن جحش همراه با هفتاد و شش مسلمان دیگر به شهادت رسیدند. علت شکست جنگ احد نافرمانی و عدم انضباط نظامی جمعی از سربازان اسلام بوده است. در این جنگ مسلمانان علاوه بر شکست جانی و مالی، شکست روحی شدیدی خورده بودند. در اینجا برای اینکه خداوند به مسلمین تسلی روحی دهد و روحیه آنان را قوی کند، بزرگترین بشارت را به آنان می دهد. بشارتی که روزی فرا خواهد رسید که کفار نابود خواهند شد و مسلمانان و مؤمنین واقعی در روی زمین به راحتی زندگی خواهند کرد و آن ظهور اعلا حضرت قدر قدرت قوی شوکت بلند همت کیهان مکننت بقیة الله الاعظم (عج) خواهد بود.

البته، نظیر این بشارت را ما برای امت های قبل از اسلام نیز داریم که هرگاه شکست می خوردند و روحیه آنها ضعیف می شد، خداوند به آنها بشارت یک انقلاب الهی را

می داد که کفار نابود شوند و اهل ایمان، حاکمان زمین خواهند شد.

(۱) حافظ الحموینی شافعی در کتاب فرائد السمطین مجلد ۲ و ابن خلدون در کتاب مقدمه ابن خلدون صفحه ۲۶۹ و حافظ نور الدین علی بن ابی بکر هیشمی در کتاب مجمع الفوائد و منبع الفوائد مجلد ۷ صفحه ۳۱۷ و حافظ نادره الفلک محمد نطنزی در کتاب الیقین و خواجه کلان قندوزی حنفی در ینابیع الموده، آورده اند:

ان علیاً وصیبی و من ولده (القائم) المنتظر الذی یملاً به الارض قسطاً و عدلاً كما ملئت جوراً و ظلماً والذی بعثنی بالحق بشیراً و نذیراً ان الثابتین علی القول بامامته فی زمان غیبتہ لأعز من الکبریت الأحمر؛ فقام الیه جابر بن عبدالله الانصاری فقال: یا رسول الله و للقاء من ولدک غیبة؟ قال ﷺ ای و ربی ﴿وَلِيُمَحِّصَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَيَمْحَقَ الْكَافِرِينَ﴾ یا جابر، ان هذا الامر من امر الله و سرّ من سر الله من سرعته مطوية عن عباده فاياك والشك فان الشك في امر الله عزوجل كفر.

به درستی که علی علیه السلام وصیبی و جانشین من است و از فرزندان اوست آن قائم منتظر (عج) که به وسیله او زمین پر از عدل و داد می شود همان طوری که پر از ظلم و جور شده بود. قسم به آن کسی که مرا به حق مبعوث کرده است (خداوند متعال) تا برای نیکان بشارت دهنده و برای بدان ترساننده باشم، کسانی که در زمان امامت او ثابت و استوار بمانند و در دوران غیبتش اعتقادی محکم داشته باشند، آن ها از کبریت احمر گران قدرتر و عزیزترند.

آن گاه، جابر بن عبدالله انصاری برمی خیزد و می گوید: یا رسول الله مگر برای قائم از فرزندان شما غیبتی خواهد بود؟ حضرت فرمودند: آری، قسم به پروردگارم (در زمان او) خداوند آنان را که ایمان آورده اند تصفیه می کند و کافران را نابود می سازد. ای جابر، به درستی که این امری است از امور خداوند و سری است از اسرار الهی و از رازهایی است که علت آن بر بندگان پنهان و پوشیده است. پس بر حذر باش از شک و تردید که همانا شک و تردید در آن شک در امر خداوندی است و هر کس در امر خداوند شک و

تردید کند، کافر است.

(۲) در تفسیر نور الثقلین مجلد ۱ صفحه ۳۹۵ و در کتاب کمال الدین و تمام النعمة شیخ صدوق مجلد ۲ صفحه ۲۸۸، آمده است که شیخ صدوق به سند خودش از ابن عباس نقل می‌کند:

... ابن عباس قال: قال رسول الله ﷺ: ان علی بن أبی طالب ﷺ امام امتی و خلیفتی علیها من بعدی و من ولده القائم المنتظر (عج) الذی یملاً الله به الارض عدلاً و قسطاً کما ملئت جوراً و ظلماً و الذی بعثنی بالحق بشیراً و نذیراً ان الثابتین علی القول به فی زمان غیبتہ لاعز من الکبریت الاحمر، فقام الیه جابر بن عبد الله الانصاری فقال: یا رسول الله و للقائم من ولدک غیبة؟ قال ﷺ: ای و ربی ﴿وَلِيْمَحْصَ اللّٰهُ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَيَمْحَقَ الْكٰفِرِيْنَ﴾ یا جابر، ان هذا الامر من امر الله و سرّ من سرّ الله مطوی عن عباد الله، فایاک و الشک فیہ فان الشک فی امر الله عزوجل کفر.

آیه هجدهم

● شعار مسلمین قبل از قیامت: اِصْبِرُوا - وَصَابِرُوا - وَرَابِطُوا

قبل از قیام امام زمان علیه السلام مسلمین باید در مقابل ناملازمات زندگی صابر باشند و در مقابل فتنه‌های دشمنان مقاوم و استوار و محکم بایستند و تلاش کنند با امام زمان ارتباط برقرار سازند که اگر همه با امام زمان (عج) مرتبط شوند، خودشان نیز با هم ارتباط خواهند داشت و در عصر ظهور، وجود اقدس ولی عصر محور اتحاد و وحدت جهانیان خواهد بود.

خداوند در سوره آل عمران آیه ۲۰۰، می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، صابر باشید و مقاومت کنید و مرابط باشید و در خود ملکه تقوا ایجاد کنید، باشد که رستگار شوید.

در این آیه، خداوند از مؤمنین سه چیز می‌خواهد:

* صابر بودن و مقاومت داشتن

* ارتباط داشتن و مرابط بودن

* در خود ملکه تقوا ایجاد کردن

(۱) در کتاب ینابیع المودة اثر خواجه کلان قندوزی حنفی صفحه ۴۲۱، آمده

است:

فی سورة الانفال: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا﴾ قال اصبروا علی اداء الفرائض و صابروا علی اذیة عدوکم و رابطوا امامکم المهدی المنتظر.

حافظ قندوزی حنفی از امام باقر علیه السلام درباره قول خداوند: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا﴾ نقل می‌کند که حضرت فرمودند: صابر و مقاوم و استوار و محکم باشید در برآوردن فرایض و واجبات و انجام اعمال مذهبی خود و استقامت

ورزید در مقابل اذیت و آزار دشمنانتان (و سعی و تلاش نمایند تا همیشه)، با امامتان مهدی منتظر (عج) ارتباط داشته باشید.

(۲) در شواهد التنزیل نوشته حاکم حسکانی (حنفی مذهب) از علمای قرن پنجم، آیه ۲۶ صفحه ۱۲۲، آمده است:

... از ابن عباس در تفسیرش گفت: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا﴾ پرهیزید از خلاف دوستی علی بن ابی طالب علیه السلام و اولادش که این دوستی عین «رابطوا» و ربط و بستگی است که در آیه به آن اشاره شده است.

(۳) محمد بن ابراهیم النعمانی در کتاب الغیبة، آورده است:

قال اخبرنا علی بن احمد (النیدیحی) عن عبیدالله بن موسی (العلوی العباسی) عن هارون بن مسلم عن القاسم بن عروة عن برید بن معاویه العجلی عن ابی جعفر محمد بن علی الباقر علیه السلام فی قوله عزوجل: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا﴾ فقال: إصبروا علی اداء الفرائض و صابروا عدوكم و رابطوا امامكم (المنتظر).

خبر داد ما را علی بن احمد (نیدیحی) از عبیدالله بن موسی (علوی عباسی) از هارون بن مسلم از قاسم بن عروة از برید بن معاویه عجلی از ابی جعفر محمد بن علی الباقر علیه السلام درباره فرموده خدای عزوجل: «ای کسانی که ایمان آورده اید، صابر باشید و مقاومت کنید و مرابط باشید.» فرمود: صبر کنید بر ادای فرایض و در مقابل دشمنانتان پایداری کنید و با امامتان (که انتظارش را می کشید) مرابطه نمایید.

(۴) و زواه الشیخ المفید فی الغیبة: بإسناده عن برید بن معاویه العجلی عن ابی جعفر علیه السلام.

و شیخ مفید این حدیث را در کتاب غیبت به سند خویش از برید بن معاویه عجلی از حضرت باقر علیه السلام روایت نموده است.

روایات درباره اینکه این آیه درباره امام زمان (عج) و امامان شیعه است، بسیار زیاد است و سید بحرانی رحمته الله آن را در تفسیر برهان آورده است.

آیه نوزدهم

● علایم قبل از ظهور از جمله خروج سفیانی.

خداوند در سوره نساء آیه ۴۷، می فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَلْكِتَابَ آمِنُوا بِمَا نَزَّلْنَا مُصَدِّقًا لِمَا مَعَكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَطْمِسَ وُجُوهَ فَنَرُدَّهَا عَلَىٰ أَدْبَارِهَا﴾

ای کسانی که به شما کتاب داده شده است، ایمان آورید به آنچه به شما نازل کردیم و تصدیق کننده است آنچه با شماست، پیش از آنکه ما روی ها را واژگون کنیم و بر پشت هایشان برگردانیم.

(۱) در ینابیع الموده باب ۷۱ صفحه ۴۲۱، آمده است:

و عن جابر الجعفی عن محمد الباقر علیه السلام فی قوله تعالی: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَلْكِتَابَ آمِنُوا بِمَا نَزَّلْنَا مُصَدِّقًا لِمَا مَعَكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَطْمِسَ وُجُوهَ فَنَرُدَّهَا عَلَىٰ أَدْبَارِهَا﴾ قال لا یفلت من جيش السفیانی الهالکین فی خسف البیداء الا ثلاثة نفر یحول الله وجوههم فی اقیهم و ذلك عند قیام القائم المهدی علیه السلام.

حافظ قندوزی حنفی از امام باقر علیه السلام درباره فرموده خداوند «ای کسانی که به شما کتاب داده شده است، ایمان آورید به آنچه به شما نازل کردیم و تصدیق کننده است آنچه با شماست، پیش از آنکه ما روی ها را واژگون کنیم و بر پشت هایشان برگردانیم.» فرمودند: از سپاه سفیانی که در خسف بیداء هلاک شده اند، جز سه تن که خداوند چهره های آنان را به پشت می گرداند کسی رهایی نیابد و این به هنگام قیام (قائم مهدی (عج)) است که روی خواهد داد.

یک وجه تأویل این آیه درباره علایم قبل از ظهور مهدی موعود (عج) است که قبل از قیام صاحب الزمان (عج) اولاً قلوب سخت می شود. ثانیاً زمین پر از ظلم و جور می گردد و ثالثاً صیحه ای بین آسمان و زمین شنیده خواهد شد. رابعاً شخصی به نام سفیانی قیام خواهد کرد و خونریزی فراوانی خواهد نمود و قتل و غارت خواهد کرد.

سرانجام به زمینی بین مکه و مدینه به نام بیداء می آید و همه یارانش کشته می شوند. فقط سه تن باقی می مانند که بروند به مردم این شکست را اطلاع دهند.

(۲) در تفسیر اثنی عشری مجلد ۲ صفحه ۴۵۷، آمده است:

در تفسیر گوید: دست و پا و شکم و پشت آنها بر مواضع خود ثابت باشند و صورت آنها در پشت سر بود و این هیئت است در غایت زشتی و رسوایی و تعبیر به این صورت یا در آخرالزمان باشد یا در آخرت.

(۳) در تفسیر نور الثقلین مجلد ۱ صفحه ۴۸۵، آمده است:

فی تفسیر العیاشی عن جابر الجعفی قال: قال لی ابو جعفر علیه السلام فی حدیث له طویل: یا جابر اول الارض المغرب تخرب ارض الشام یختلفون عند ذلك علی رایات ثلاث رایة الا صهب و رایة الابقع و رایة السفیانی فیلقى السفیانی الابقع فیقتله و من معه و رایة الا صهب، ثم لا ینکون لهم هم الا الاقبال نحو العراق و من حبس بقرقیسا^۱ لا فیقتلون بها مائة الف من الجبارین و ینبعث السفیانی جیشاً الی الکوفة و عدّتهم سبعون الفاً فیصیبون من اهل من ناحیة خراسان تطوی المنازل طیاً حیثیاً و معهم نفر من اصحاب القائم علیه السلام ینخرج رجل من موالی اهل الکوفة و ینبعث السفیانی بعثاً الی المدینة فیفر المهدی منها الی مکه فیبلغ امیر جیش السفیانی ان المهدی قد خرج من المدینة فیبعث جیشاً علی اثره فلا یدرکه حتی یدخل مکه خائفاً یترقب علی سنة موسی بن عمران علیه السلام قال و ینزل جیش امیر السفیانی البیداء فینادی مناد من السماء یا بیدا بیدی بالقوم فیخسف بهم البیداء فلا یفلت منهم الا ثلثة نفر، یحوّل الله وجوههم فی اقفیتهم و هم من کلب و فیهم انزلت: ﴿یا ایُّها الذین اوتوا الکتاب آمنوا بما انزلنا علی عبدنا﴾ یعنی القائم ﴿من قبل ان نطمس وجوهاً فنزدها علی ادبارها﴾

۱. قرقیسا شهر و بلدی است در اطراف رود فرات و به قرقیسا بن طهمورث نامیده می شود.

آیه بیستم

● حضرت ولی امر حجة بن الحسن (عج) از اولی الامر است.

خداوند در سوره نساء آیه ۵۹، می فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ﴾

ای کسانی که ایمان آورده‌اید از خداوند اطاعت کنید و از پیامبر و اولی الامر یا صاحبان

امر خویش اطاعت نمایید.

(۱) در فرائد السمطين اثر حافظ الحموی شافعی در حدیثی مشهور به نام حدیث

«مناشدة» (که این لفظ به معنای قسم دادن یا سوگند دادن است. چون در این حدیث

چندگونه قسم دادن بیان شده، به آن حدیث مناشدة گویند.)

به نقل از سلیم بن قیس هلالی آمده است که امیرالمؤمنین علی علیه السلام در عهد

عثمان بن عفان، خلیفه سوم، دویست تن از صحابه و تابعین را جمع کردند و آنها را

سوگند دادند و در قسمتی از آن چنین فرمودند:

انشدکم الله أتعلمون حیث نزلت: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ

وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ﴾ قال الناس: أخاصة فی بعض المومنین ام عامة لجمعهم؟ فأمر الله

عز وجل نبيه صلی الله علیه و آله و سلم أن يعلمهم ولایة امرهم وأن یفسر لهم من الولاية ما فسر لهم من صلواتهم و

زکوتهم و حجهم (إلی أن قال:...) «هم» علی أخی و وزیري و وارثي و وصيي و خلیفتي فی

امتی ولی کل مؤمن من بعدي، ثم ابني الحسن ثم الحسين ثم تسعة من ولد الحسين واحداً

واحداً القرآن معهم و هم مع القرآن، لا یفارقونه و لا یفارقهم حتی یردوا علی الحوض فقالوا

كلهم: نعم قد سمعنا ذلك و شهدنا كما قلت سواء.

شما را به خداوند سوگند می دهم آیا شما می دانید آن زمانی را که این آیه نازل شد:

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید از خداوند اطاعت کنید و از پیامبر و اولی الامر یا صاحبان

امر خویش اطاعت نمایید.» مردم به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم گفتند: یا رسول الله، آیا این آیه

مخصوص بعضی از مؤمنان است یا همه مؤمنان را شامل می شود؟ پس خداوند

پیامبرش را فرمان داد که اولیای امر ایشان را به آنها بشناساند همچنانکه نماز و زکات و حج را برای آنان تفسیر نموده است (همانطور امامان و ولایت را نیز برای آنان تفسیر کند)... تا آنجا که می فرماید: آیا شما به یاد دارید که رسول خدا ﷺ فرمود اولیای امر من عبارتند از: علی علیه السلام برادر و وزیر و یار و پشتیبانم و وارثم و وصیم و خلیفهام در میان امتم که او ولی هر مؤمنی است پس از من، پس از او فرزندان حسن علیه السلام و سپس حسین علیه السلام و سپس نه تن از فرزندان حسین علیه السلام، یکی پس از دیگری (امام و اولی الامر) خواهند بود و قرآن از آنها جدا نمی شود (هر کجا این دوازده نفر باشند، قرآن آنجاست.) تا آنکه در کنار حوض کوثر، بر من وارد گردند.

پس، در این هنگام همه آن دو بیست نفر که حضرت امیر علیه السلام آنان را سوگند داده بود، گفتند: آری ما این حدیث را از رسول خدا ﷺ همان گونه که شما فرموده اید شنیده ایم و شاهد بوده ایم.

پس، اولی الامر دوازده نفرند. اول، حضرت امیر المؤمنین علیه السلام دوم، امام حسن مجتبی علیه السلام سوم، حضرت امام حسین علیه السلام و آنگاه نه تن از فرزندان امام حسین علیه السلام که نهمین آنها مهدی (عج) است و این مطلب در کتب اهل سنت زیاد آمده است؛ مثلاً، (۲) محمد صالح الحسین الترمذی در المناقب مرتضویه باب ۲ صفحه ۱۳۹ و عبدالله بسمل در ارجع المطالب فی مناقب اسدالله الغالب صفحه ۴۳۲ و موفق بن احمد خوارزمی حنفی در مقتل الحسین مجلد ۱ صفحه ۱۴۶ فصل ۷ و حافظ قندوزی حنفی در ینابیع المودة باب ۵۴ صفحه ۱۶۸، آورده اند:

« عن سلیم بن قیس الهلالی رضی الله عنه عن سلمان الفارسی رضی الله عنه قال دخلت علی النبی ﷺ فاذا الحسین بن علی علی فخدیه و هو یقبل خدیه و یلثم فاه و یقول: انت سید ابن سید اخوسید و انت امام ابن امام اخو امام و انت حجة ابن حجة و انت ابو حجج تسعة تاسعهم قائمهم.

سلیم بن قیس رضی الله عنه از سلمان رضی الله عنه نقل می کند که خدمت رسول خدا ﷺ بودم. دیدم حسین بن علی علیه السلام روی زانوی آن حضرت نشسته است. حضرت چشمها و دهان سیدالشهدا را بوسیدند. آنگاه فرمودند: ای حسین، تو آقا، فرزند آقا و برادر آقا

می باشی. تو امام، فرزند امام و برادر امامی. تو حجت، فرزند حجت و برادر حجت هستی. تو پدر حجت های نه گانه هستی که نهمین آنها قائم بر آنها خواهد بود.

(۳) در مسند امام احمد حنبل و کتاب کشف الیقین، آمده است:

قال النبی ﷺ: للحسین هذا ابنتی امام اخوام ابوالائمة تسعة تاسعهم قائمهم.

رسول خدا ﷺ درباره حسین ﷺ فرمودند: این فرزند من، امام برادر امام است و پدر امامان نه گانه است که نهمین آنها قائم بر آنها می باشد.

(۴) البته شیخ الاسلام حافظ الحموی شافعی در فرائد السمطین مجلد ۲ صفحه ۳۱۹ حدیث ۵۷۱ و موفق بن احمد خوارزمی حنفی در مقتل الحسین مجلد ۱ صفحه ۹۶ و حافظ قندوزی حنفی در ینابیع المودة باب ۹۳ صفحه ۴۸۷ اسامی کل «اولی الامر» را می آورند و ما حدیث آن را ذیل آیه ۲۸ سوره بقره آورده ایم.

(۵) شیخ الاسلام حافظ الحموی شافعی در فرائد السمطین مجلد ۲ صفحه ۱۳۳ حدیث ۴۳۱ و مجلد ۲ صفحه ۳۲۱ حدیث ۵۷۲ اولی الامر را چنین معرفی می کند: علی بن ابی طالب و حسن بن علی و حسین بن علی و علی بن الحسین و محمد بن علی الباقر و جعفر بن محمد الصادق و موسی بن جعفر الکاظم و علی بن موسی الرضا و محمد بن علی الجواد و علی بن محمد الهادی و الحسن بن علی العسکری و محمد بن الحسن المهدی قائم المنتظر ﷺ.

(۶) ابن بابویه قال: حدثنا غیر واحد من اصحابنا قالوا: حدثنا محمد بن همام عن جعفر بن محمد بن مالک الفزاری عن [الفزاری قال حدثنا] الحسن بن محمد بن سماعة عن احمد بن الح [ارث] [قال حدثنی] المفضل بن عمر عن یونس بن ظبیان عن جابر بن یزید الجعفی قال:

سمعت جابر بن عبد الله الانصاری يقول: لما انزل الله عزوجل علی نبيه محمد ﷺ: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ﴾ قلت: يا رسول الله عرفنا الله ورسوله، فمن اولوا الامر الذين قرن الله طاعتهم بطاعتك؟

فقال عليه الصلاة والسلام: هم خلفائي يا جابر وائمة المسلمين [من بعدى] اولهم

علی بن ابی طالب علیه السلام ثم الحسن علیه السلام ثم الحسین علیه السلام ثم علی بن الحسین علیه السلام ثم محمد بن علی علیه السلام المعروف فی التوراة بالباقر علیه السلام، ستدرکه یا جابر فاذا لقیتہ فاقراءه منی السلام ثم الصادق جعفر بن محمد علیه السلام ثم موسی علیه السلام بن جعفر علیه السلام ثم علی بن موسی علیه السلام ثم محمد بن علی علیه السلام ثم علی بن محمد علیه السلام ثم الحسن بن علی علیه السلام ثم سمی و کنی حجة الله فی ارضه و بقیته فی عبادہ ابن الحسن بن علی (عج).

ذاک الذی یفتح الله تعالی ذکره [به] مشارق الارض [و مغاربها علی یدیه] ذاک الذی ینیب عن شیعتہ و اولیائه غیبة لا ینبث فیها علی القول بامامته الا من امتحن الله قلبه للایمان. قال جابر فقلت له: یا رسول الله فهل یقع شیعتہ الانتفاع به فی غیبتہ؟ فقال علیه الصلاة و السلام: ای و الذی بعثنی بالنبوة انهم ینتفعون بنوره، و ینتفعون بولایتہ فی غیبتہ کانتفاع الناس بالشمس و ان تجلها سحاب. یا جابر هذا من مکنون سر الله و مخزون علمه فاکتمه الا من اهله.

ابن بابویه گوید: چندین نفر از اصحابمان برایمان حدیث آوردند و گفتند: حدیث آورد برایمان محمد بن همام از جعفر بن محمد بن مالک الفزاری، او گفت: برای ما حدیث آورد حسن بن محمد بن سماعة از احمد بن حارث او گفت: برای ما حدیث آورد مفضل بن عمر از یونس بن ظبیان از جابر بن یزید جعفی، گوید: شنیدم از جابر بن عبد الله انصاری: هنگامی که خداوند عزوجل بر پیامبرش حضرت محمد صلی الله علیه و آله این آیه را نازل کرد: «ای کسانی که ایمان آورده اید، از خداوند اطاعت کنید و از پیامبر و اولی الامر یا صاحبان امر خویش اطاعت نمایید.» عرض کردم یا رسول الله، خدا و رسولش را شناختیم. اولوالامر که خداوند طاعتشان را به طاعت شما مقرون ساخته چه کسانی هستند؟ آن حضرت فرمودند: آنان خلفای من هستند و امامان مسلمین پس از من می باشند. اولشان علی بن ابی طالب علیه السلام سپس حسن علیه السلام سپس حسین علیه السلام سپس علی بن الحسین علیه السلام سپس محمد بن علی علیه السلام که در تورات به باقر معروف است و توای جابر، او را درک خواهی کرد. پس هرگاه، او را ملاقات کردی، سلام مرا به او برسان. سپس، جعفر بن محمد علیه السلام و سپس موسی بن جعفر علیه السلام سپس علی بن موسی علیه السلام سپس

محمد بن علی علیه السلام سپس علی بن محمد علیه السلام و پس از وی حسن بن علی علیه السلام و سپس هم نام و هم کنیه ام حجت خدا در زمین و بقیه الله در بندگانش فرزند حسن بن علی علیه السلام، آنکه خدای تعالی «به او» مشارق و مغارب زمین را فتح خواهد کرد. آنکه از شیعیان و دوستانش غیبتی خواهد داشت که در زمان غیبتش کسی بر اعتقاد به امامت ثابت نمی ماند مگر آنکه خداوند دلش را برای ایمان آزمایش کرده باشد. جابر گوید: عرضه داشتم یا رسول الله آیا برای شیعیانش نفعی از او در زمان غیبت هست؟ فرمودند: آری، سوگند به آنکه مرا به پیغمبری مبعوث ساخت، آن‌ها در عصر غیبت به نور او روشنایی می‌گیرند و به ولایت او نفع می‌برند. همچنان‌که مردم از نور خورشید سود می‌برند هر چند که ابری آن را بپوشاند. ای جابر، این از مکنون سر الهی و مخزون علم اوست. آن را جز از اهلش مخفی بدار.

آیه بیست و یکم

● بقیة الله (عج) حَسُنَ أَوْلَئِكَ رَفِيقًا می باشد.

خداوند در سوره نساء آیه ۶۹، می فرماید:

﴿وَمَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا﴾

و کسانی که اطاعت کنند از خداوند و از رسول خدا ﷺ آنها با کسانی هستند که خداوند به آنها لطف و عنایت زیادی فرموده است؛ یعنی، با پیامبران و صدیقین و شهدا و صالحین و حسن اولئک رفیقا هستند.

(۱) در شواهد التنزیل نوشته حاکم حسکانی حنفی صفحه ۱۳۴ (آیه ۳۱)، چنین

آمده است:

خبر داد ما را ابوسعید بن علی حبری و ابوبکر محمد بن عبدالعزیز جودی، هر دو گفتند: خبر داد ما را ابوسعید عبدالله بن محمد رازی، او گفت: برای ابوالحسن بن علی مهرویه قزوینی همان روایت را در جامع خواند و خودم در سال ۳۰۹ هجری قمری شنیدم گفت: نقل حدیث نمود برای ما ابواحمد داود بن سلیمان گفت: نقل حدیث نمود برای ما علی بن موسی علیه السلام فرمود: خبر داد ما را پدرم از پدرش جعفر علیه السلام از پدرش محمد و او از پدرش علی و او از پدرش حسین و او از پدرش علی بن ابی طالب علیه السلام نقل کرد که رسول خدا ﷺ در این آیه شریفه: ﴿فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ﴾ فرمودند: «مِنَ النَّبِيِّينَ» از پیامبران محمد صلی الله علیه و آله «وَالصِّدِّيقِينَ» از صدیقین علی بن ابی طالب علیه السلام «وَالشُّهَدَاءِ» از شهدا حمزه «وَالصَّالِحِينَ» از صالحین حسن و حسین علیه السلام ﴿وَحَسُنَ أَوْلَئِكَ رَفِيقًا﴾ و ایشان از حیث رفاقت، خوب رفقای هستند. فرمودند: منظور قائم از آل محمد علیهم السلام است.

(۲) در شواهد التنزیل نوشته حاکم حسکانی حنفی صفحه ۱۳۵ (آیه ۳۱) حدیث ۲۰۸، آمده است:

خبر داد ما را محمد بن عبدالله بن عبیدالله... خبر داد ما را عمرو پسر ثابت از علی بن حزور از اصبع بن نباته گفت: ابن عباس این آیه را خواند پس گفت: از نبیین محمد ﷺ و از صدیقین علی بن ابی طالب ﷺ و از شهدا حمزه ﷺ و جعفر ﷺ و از صالحین حسن ﷺ و حسین ﷺ و ﴿وَحَسُنَ أَوْلَئِكَ رَفِیقًا﴾ مهدی ﷺ در زمان خودش می باشد.

(۳) در شواهد التنزیل نوشته حاکم حسکانی حنفی صفحه ۱۳۶ (آیه ۳۱) حدیث ۲۰۹، آمده است:

اخرج الحافظ الحسکانی (الحنفی) قال اخبرنا ابوالعباس الفرغانی (بسند المذکور) عن حذیفة بن الیمان قال: دخلت علی النبی ﷺ ذات یوم و قد نزلت علیه هذه الآیة: ﴿فَأَوْلَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أَوْلَئِكَ رَفِیقًا﴾ فأقراؤها، فقلت یا نبی الله فداک ابی و أمی من هؤلاء؟ انی اجد الله بهم حفیاً (أی: مکتراً من المدح و الثناء) قال ﷺ یا حذیفة انا (من النبیین) الذین انعم الله علیهم، انا اولهم فی النبوة و آخرهم فی البعث و من (الصدیقین) علی بن ابی طالب و لما بعثنی الله عزوجل برسالته کان اول من صدق بی، ثم من (الشهداء) حمزه و جعفر و من (الصالحین) الحسن و الحسین سیدا شباب اهل الجنة و (حَسُنَ أَوْلَئِكَ رَفِیقًا) المهدی فی زمانه.

خبر داد ما را ابوالعباس فرغانی از ابوالفضل شیبانی... از سعید بن جبیر از سعد بن حذیفة از پدرش حذیفة بن یمان گفت: روزی بر پیامبر درآمدم و این آیه نازل شده بود: «آن‌ها با کسانی هستند که خداوند به آن‌ها لطف و عنایت زیادی فرموده است؛ یعنی، با پیامبران و صدیقین و شهدا و صالحین و حسن اولئک رفیقا هستند.» پس، رسول خدا ﷺ آیه را برای من خواند. گفتم: ای پیامبر خدا، پدر و مادرم فدایت باد. این‌ها چه کسانی هستند که من خدا را به آن‌ها مهربان می یابم؟

فرمود: ای حذیفه، از پیامبرانی که خداوند بر ایشان نعمت فرموده است، من در نبوت نخستین آنان و در رسالت آخرین آنانم و از صدیقین، علی بن ابی طالب علیه السلام است. چون خداوند مرا به رسالت خودش برگزید، علی علیه السلام نخستین کسی بود که مرا تصدیق نمود. از شهدا حمزه و جعفر طیار و از صالحین حسن علیه السلام و حسین علیه السلام دو آقای جوانان بهشت هستند و (حسن اولئک رفیقاً) مهدی علیه السلام در زمان خودش می باشد.

(۴) علی بن ابراهیم فی تفسیره المنسوب للصادق علیه السلام، قال:

النبیین رسول الله، و الصدیقین علی علیه السلام، و الشهداء الحسن و الحسین علیه السلام، و الصالحین الائمة علیهم السلام، و حسن اولئک رفیقاً القائم من آل محمد علیهم الصلاة والسلام.

علی بن ابراهیم در تفسیرش که منسوب به امام صادق علیه السلام است، گوید:

فرمود: (النبیین) رسول خدا صلی الله علیه و آله است. (و الصدیقین) علی علیه السلام و (الشهداء) حسن و حسین علیه السلام و (الصالحین) ائمه علیهم السلام می باشند و (حسن اولئک رفیقاً: نیکو رفیقان) قائم از آل محمد صلی الله علیه و آله است.

آیه بیست و دوم

● نصر و پیروزی حتمی در زمان حضرت قائم (عج) است.

خداوند در سوره نساء آیه ۷۷، می فرماید:

﴿الْم تَرَىٰ إِلَىٰ الَّذِينَ قِيلَ لَهُمْ كُفُّوا أَيْدِيَكُمْ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ فَلَمَّا كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقِتَالُ إِذَا فَرِيقٌ مِنْهُمْ يَخْشَوْنَ النَّاسَ كَخَشْيَةِ اللَّهِ أَوْ أَشَدَّ خَشْيَةً وَقَالُوا رَبَّنَا لِمَ كَتَبْتَ عَلَيْنَا الْقِتَالَ لَوْلَا أَخَّرْتَنَا إِلَىٰ أَجَلٍ قَرِيبٍ قُلْ مَتَاعُ الدُّنْيَا قَلِيلٌ وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ لِمَنِ اتَّقَىٰ وَلَا تُظْلَمُونَ فَتِيلًا﴾

آیا ندیدی (و در شگفت نمی شوی) از کسانی که به آن‌ها گفته شد (در حال حاضر و فعلاً حکم جهاد نیامده است) و شما با کسی مبارزه نکنید و فعلاً (به خودسازی مشغول شوید) نماز را به پا دارید و زکات (اموال خود را) بپردازید. (ولی آن‌ها ناراحت بودند که چرا حکم جهاد داده نمی شود) اما هنگامی که حکم جهاد آمد و به آن‌ها گفته شد جهاد کنید عده‌ای از آنان از مردم می ترسیدند همان طوری که از خدا می ترسند. بلکه، از مردم بیشتر از خدا می ترسند و گفتند: خداوندا، چرا جهاد را بر ما مقرر کردی؟ و چرا این فرمان را برای ما کمی به تأخیر نینداختی؟ (ای پیامبر) به آن‌ها بگو سرمایه زندگی دنیا بسیار ناچیز است اما برای متقین زندگی آخرت بهتر است و کوچک‌ترین ستمی به شما نخواهد شد.

(۱) در روضه کافی صفحه ۳۳۰ و تفسیر نورالثقلین مجلد ۱ صفحه ۵۱۸، آمده

است:

محمد بن یحیی عن احمد بن محمد، عن محمد بن سنان، عن ابی الصباح بن عبدالحمید، عن محمد مسلم، عن ابی جعفر علیه السلام قال: والله للذی صنعه الحسن بن علی علیه السلام کان خیراً لهذه الامة مما طلعت علیه الشمس فوالله لقد نزلت هذه الآیة ﴿الْم تَرَىٰ إِلَىٰ الَّذِينَ قِيلَ لَهُمْ كُفُّوا أَيْدِيَكُمْ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ﴾ انما هی طاعة الامام و طلبوا القتال ﴿فَلَمَّا كُتِبَ

عَلَيْهِمُ الْقِتَالُ» مع الحسین علیه السلام «وَقَالُوا رَبَّنَا لِمَ كَتَبْتَ عَلَيْنَا الْقِتَالَ لَوْلَا أَخَّرْتَنَا إِلَىٰ أَجَلٍ قَرِيبٍ» نُجِب دَعْوَتِكَ وَنَتَّبِع الرِّسْلَ ارَادُوا تَأْخِيرَ ذَلِكَ إِلَى الْقَائِمِ علیه السلام.

محمّد بن مسلم از امام باقر علیه السلام روایت می کند که آن حضرت فرمودند: به خداوند سوگند آنچه که امام حسن مجتبی علیه السلام برای این امت انجام داد (ارزشش) بیشتر است از آنچه که خورشید به آن می تابد و به خدا سوگند این آیه درباره او نازل شده است که خداوند می فرماید: «آیا نمی بینید و آیا نمی اندیشید و آیا در شگفت نمی شوید به آنان که به ایشان گفته شد در حال حاضر دست از جهاد بردارید و نماز به پا دارید و زکات بپردازید» همانا این اطاعت از امام است ولی آنها اصرار داشتند که فرمان جنگ و جهاد به آنان داده شود. اما هنگامی که جنگ و مبارزه در رکاب سیدالشهدا حسین بن علی علیه السلام بر آنان واجب شد، گفتند: خداوند! چرا حکم جهاد را بر ما واجب فرمودی؟ چه می شد که عمر ما را تا هنگام اجل مهلت می دادی؟ ما دعوت تو را اجابت نموده و از رسولان پیروی کنیم. منظور آنان این بود که این حکم تا قیام قائم (عج) به تأخیر افتد. (چه می شد که حکم جهاد را تا زمان حضرت قائم علیه السلام به تأخیر می انداختی.)

(۲) در تفسیر عیاشی مجلد ۱ صفحه ۲۵۷ و تفسیر نورالثقلین مجلد ۱ صفحه ۵۱۹، به نقل از تفسیر عیاشی آمده است:

عن ادریس مولى لعبدالله بن جعفر عن ابي عبدالله علیه السلام فی تفسیر هذه الآیة «أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ قِيلَ لَهُمْ كُفُّوا أَيْدِيَكُمْ» مع الحسن «وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ فَلَمَّا كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقِتَالُ» مع الحسين «وَقَالُوا رَبَّنَا لِمَ كَتَبْتَ عَلَيْنَا الْقِتَالَ لَوْلَا أَخَّرْتَنَا إِلَىٰ أَجَلٍ قَرِيبٍ» إلى خروج القائم علیه السلام فإن معه النصر والظفر «قُلْ مَتَاعُ الدُّنْيَا قَلِيلٌ وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ لِمَنِ اتَّقَىٰ وَلَا تُظْلَمُونَ فَتِيلًا».

ادریس غلام آزاد شده عبدالله بن جعفر از امام صادق علیه السلام در تفسیر این آیه که «آیا نمی بینید به آنان که گفته شد فعلاً جنگ نکنید» با امام حسن علیه السلام «و نماز را به پا دارید و

زکات مال خود را پردازید اما زمانی که دستور جنگ به آنان صادر شد» به امام حسین علیه السلام «گفتند: چرا حکم قتال و جنگ را بر ما واجب کردی؟ چه می شد که عمر ما را تا هنگام اجل قریب مهلت می دادی» تا خروج حضرت قائم علیه السلام. زیرا نصرت و پیروزی با آنان است. خداوند منان فرمود: «بگو کالای دنیا اندک و ناچیز است و آخرت برای آنکه تقوا پیشه کند بهتر است.»

اگر توجه به انتهای حدیث کنید ملاحظه خواهید کرد که آنها گفتند: فان معهن النصر و الظفر؛ یعنی، نصرت و پیروزی در خروج قائم آل محمد (عج) حتمی است. از این حدیث می توان نتیجه گرفت که:

اولاً قبل از تولد حضرت قائم موعود، اطلاعات مردم درباره مهدی علیه السلام زیاد بوده است و آگاهی نسبت به آن حضرت داشته اند که این اصالت مهدویت را می رساند.

ثانیاً می دانستند که نصر و پیروزی حتمی، در زمان آن بزرگوار است.

آیة بیست و سوم

● اهل کتاب در ظهور امام زمان به آن حضرت ایمان می آورند.

خداوند در سوره نساء آیة ۱۵۹، می فرماید:

﴿وَإِنْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ إِلَّا لِيُؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكُونُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا﴾

و نیست از اهل کتاب جز آنکه ایمان آورد بدو قبل از مرگش و روز قیامت بر آنان گواه خواهد بود.

(۱) در کتاب ینابیع المودة باب ۷۱ صفحه ۴۲۲، آمده است:

و عن محمد بن مسلم عن محمد الباقر عليه السلام في قوله تعالى ﴿وَإِنْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ إِلَّا لِيُؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكُونُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا﴾ قال ان عيسى عليه السلام ينزل قبل يوم القيامة الى الدنيا فلا يبقى اهل ملة يهودى و لا غيره الا آمنوا به قبل موتهم و يصلى عيسى خلف المهدي عليه السلام.

محمد بن مسلم از حضرت باقر عليه السلام درباره این آیه:

«و نیست از اهل کتاب جز آنکه ایمان آورد بدو قبل از مرگش و روز قیامت بر آنان گواه خواهد بود.» نقل می کند که حضرت فرمودند: همانا عیسی عليه السلام قبل از قیامت فرود می آید به دنیا. پس، پیروان هیچ دینی چه یهودی چه غیر یهودی باقی نمی ماند مگر اینکه پیش از مرگش به او (مهدی عليه السلام) ایمان می آورد و عیسی عليه السلام پشت سر مهدی نماز به جا می آورد.

(۲) نظیر این حدیث را حافظ علامه ابن صباغ مالکی در فصل ۱۲ کتاب فصول المهمة آورده است:

علی بن ابراهیم قال حدثنی ابی عن القاسم بن محمد عن سلیمان بن داود المنقری عن ابی حمزة عن شهر بن جوشب قال لی الحجاج (یا شهر) آیة فی کتاب اللہ قد اعتینی فقلت: ایها

الامیر آیه آیه هی؟ فقال قوله: ﴿وَإِنْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ إِلَّا لِيُؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ﴾ والله انی لآمر بالیهودی و النصرانی فیضرب عنقه ثم ارمقه بعینی فی اراه یحرک شفیتہ حتی یخمد فقلت: اصلح الله الامر لیس علی ما [ت] اولت قال: کیف هو؟ قلت: ان عیسی علیه السلام ینزل قبل یوم القیامة الی الدنیا فلا یتقی اهل ملة یهودی و لا غیره [نصرانی] الا آمن به قبل موته و یتصلی خلف المهدی (عج). قال: و یحک... انی لک هذا و من این جئت [به]؟ فقلت حدثنی به محمد بن علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب علیه السلام فقال: جئت بها و الله من عین صافیة.

علی بن ابراهیم گوید: حدیث گفت مرا پدرم از قاسم بن محمد از سلیمان بن داود المنقری از ابی حمزة از شهر بن جوشب که گفت: حجاج به من گفت: (ای شهر) آیه ای در کتاب خدا هست که در آن مانده ام، گفتم ای امیر، کدام آیه است؟ گفت: فرموده خداوند «و نیست از اهل کتاب جز آنکه ایمان آورد بدو قبل از مرگش و روز قیامت بر آنان گواه خواهد بود.» به خدا سوگند من دستور می دهم یهودی و نصرانی را گردن زنند. سپس، چشم بر او می دوزم و نمی بینم لب هایش را حرکت دهد تا اینکه بی حرکت گردد. گفتم: خداوند حال امیر را اصلاح نماید چنانکه تاویل کرده است، نیست. گفت: چگونه است؟ گفتم همانا عیسی علیه السلام پیش از روز قیامت به دنیا فرود می آید، پس اصلاً هیچ، آیین یهودی و غیر آن [نصرانی] باقی نمی ماند مگر آنکه پیش از مردنش به او ایمان آورد و پشت سر حضرت مهدی علیه السلام نماز می گذارد. گفت وای بر تو. این را از کجا می گویی و از کجا آورده ای؟ من گفتم: این را محمد بن علی بن حسین بن علی بن ابی طالب علیه السلام برایم حدیث فرمود. گفت: به خدا سوگند آن را از چشمه زلالی آورده ای.

آیه بیست و چهارم:

● در قیام حضرت قائم (عج) کفار مایوس می‌شوند.

خداوند در سوره مائده آیه ۳، می‌فرماید:

﴿الْيَوْمَ يَنْسَى الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِ﴾

امروز آنان که کفر ورزیده‌اند از دین شما مایوس شدند [و از اینکه بتوانند بر آن صدمه‌ای برسانند ناامید گشتند] پس شما از آنان بیمناک نباشید و از من بترسید.

* در تفسیر عیاشی مجلد ۱ صفحه ۲۹۲، آمده است:

العیاشی عن عمرو بن شمر عن جابر قال: قال ابو جعفر عليه السلام فی هذه الآیة ﴿الْيَوْمَ يَنْسَى الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِ﴾ یوم یقوم القائم عليه السلام یئس بنو امیة فهم الذین کفروا یئسوا من آل محمد عليه السلام.

عیاشی از عمرو بن شمر از جابر آورده است که گفت: حضرت باقر عليه السلام درباره این آیه «امروز آنان که کفر ورزیده‌اند از دین شما مایوس شدند [و از اینکه بتوانند بر آن صدمه‌ای برسانند ناامید گشتند] پس شما از آنان بیمناک نباشید و از من بترسید.» فرمود: روزی که امام قائم عليه السلام قیام کند بنی‌امیه مایوس شوند که آن‌ها ایند کسانی که کافر شدند، از آل محمد عليه السلام مایوس شوند.

اگر در تفسیر این آیه به تفاسیر مراجعه کنید مشاهده خواهید کرد که، کفار یک جا در گذشته مایوس شده‌اند و یک بار در آینده مایوس خواهند شد و هر دو در رابطه با امامت است. اولین بار روز غدیر خم در سرزمین جحفه می‌باشد که رسول خدا صلی الله علیه و آله حضرت امیرالمؤمنین عليه السلام را به یک صد و بیست هزار نفر به عنوان جانشین و خلیفه بعد از خود معرفی کردند که در آن روز کفار مایوس شدند. اما بار دومی که کفار به یأس کلی می‌رسند، روز قیام قائم (عج) است که در حدیث فوق آمده است: «یوم یقوم القائم عليه السلام یئس بنو امیة» و در آن روز دیگر حکومت عدل الهی و واقعی اسلام با رهبریت آن حضرت برپا می‌گردد و دشمنان دیگر مایوس خواهند شد.

آیه بیست و پنجم

● اولین امام، امیرالمؤمنین و آخرین آن‌ها، امام زمان علیه السلام است.

خداوند در سوره مائده آیه ۱۲، می‌فرماید:

﴿وَلَقَدْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَبَعَثْنَا مِنْهُمُ اثْنَيْ عَشَرَ نَقِيبًا﴾

و همانا به تحقیق خداوند عهد و پیمان گرفت از بنی اسرائیل و از میان ایشان دوازده نقیب یا رهبر و پیشوا را برانگیخت.

در احادیث و روایات به طور متواتر آمده است که امامان و اوصیا و خلفا و جانشینان بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم دوازده نفرند، به تعداد دوازده نقیب بنی اسرائیل و به تعداد دوازده خواری حضرت مسیح علیه السلام و به تعداد دوازده پسر حضرت یعقوب علیه السلام و دوازده هیئت حضرت موسی علیه السلام؛ مثلاً،

(۱) در مسند امام احمد حنبل مجلد ۱ صفحه ۳۹۸، آمده است:

یکی از مسلمانان صدر اسلام به نام مسروق می‌گوید ما نزد عبدالله بن مسعود نشسته بودیم و او برایمان قرآن می‌خواند. مردی به او گفت: یا ابا عبد الرحمن هل سألتم رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم کم یملک هذه منه قدمت العرق قبلک ثم قال: نعم و لقد سألتنا رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فقال: اثني عشر كعدة تُقباء بنی اسرائیل.

مسروق می‌گوید: به ابن مسعود گفتم آیا شما از پیامبر سؤال نکردید که تعداد رهبران و خلفاء بعد از آن حضرت چند نفرند؟ ابن مسعود گفت: ما از ایشان پرسیدیم و ایشان فرمودند: تعداد (امامان و جانشینان و خلفا بعد از من) دوازده نفرند به تعداد نقیبان بنی اسرائیل.

(۲) در کتاب مناقب خوارزمی نوشته حافظ موفق بن احمد حنفی معروف به اخطب خوارزمی، آمده است:

فی حدیث الاعمش عن الحسین بن علی علیه السلام قال فاخبرنی یا رسول الله هل یكون بعدک نبی؟ فقال: لا انا خاتم النبیین لکن یكون بعدی أئمة قوامون بالقسط بعدد تُقباء بنی اسرائیل.

اعمش از حسین بن علی نقل می‌کند که گفته شد به رسول خدا ﷺ که آیا بعد از شما پیامبری خواهد بود؟ حضرت فرمودند: خیر، بعد از من نبی نمی‌آید چون من خاتم النبیین هستم اما پس از من دوازده امام هستند که هر کدام برپاکننده عدل و داد می‌باشند و تعداد آنها به تعداد نقبای بنی اسرائیل است.

(۳) در کتاب ینابیع المودة صفحه ۲۵۸، آمده است: ایشان در این صفحه باب دهم کتاب المودة القربی میر سید علی بن شهاب الهمدانی را می‌آورد و در پنجمین حدیث آورده است:

عن سلیم بن قیس الهمدانی عن سلمان الفارسی رضی الله عنه قال دخلت علی النبی صلی الله علیه و آله فاذا بالحسین علیه السلام علی فخذیه و هو یقبل عینی و یقبل فاه و یقول انت سید بن سید و انت امام بن امام و انت حجة بن حجة و انت ابو حجج تسعة تاسعهم قائمهم.

سلمان فارسی می‌گوید: وارد شدم بر رسول خدا ﷺ و حسین علیه السلام روی زانوی آن حضرت نشسته بود و حضرت چشمان و دهان حسین علیه السلام را می‌بوسید و می‌فرمود: تو آقای و فرزند آقای. تو امام و جانشین و فرزند امام و جانشین هستی. تو حجتی و فرزند حجت هستی. تو پدر حجج نه گانه هستی که نهمین آنها قائم بر ایشان است.

(۴) حافظ شیخ الاسلام ابراهیم الحموی شافعی در کتاب فرائد السمطین مجلد ۲ صفحه ۳۱۳ حدیث ۵۶۴، می‌گوید:

قال رسول الله: انا سید المرسلین و علی بن ابی طالب سید الوصیین و ان اوصیائی بعدی اثنی عشر أولهم علی بن ابی طالب و آخرهم القائم.

رسول خدا ﷺ فرمودند: من آقا و سید و بزرگ انبیاء مرسل هستم و علی بن ابی طالب سید و آقای اوصیا است. همانا اوصیا و جانشینان من که بعد از من می‌آیند دوازده نفرند. اول آنان علی بن ابی طالب و آخر آنها قائم موعود (عج) است.

پس امامان و خلفای بعد از رسول خدا ﷺ دوازده نفر هستند به تعداد نقبای بنی اسرائیل که اولین آنها امیرالمؤمنین علی علیه السلام و آخرین آنها حضرت قائم آل محمد حجة بن الحسن العسکری علیه السلام است.

آیه بیست و ششم:

● مسیحیان به یاری مهدی علیه السلام قیام می کنند.

خداوند در سوره مائده آیه ۱۴، می فرماید:

﴿قَالُوا إِنَّا نَصَارَى أَخَذْنَا مِيثَاقَهُمْ فَنَسُوا حَظًّا مِمَّا ذُكِّرُوا بِهِ﴾

از کسانی که گفتند ما نصرانی (و از امت مسیح بن مریم) هستیم، پیمان گرفتیم اما آن‌ها پیمان خود را فراموش کردند و بهره‌ای را که ما به آن‌ها یادآوری کرده بودیم، فراموش نمودند (و به این بهره متذکر نشدند).

(۱) در کتاب ینابیع الموده نوشته خواجه کلان قندوزی حنفی صفحه ۴۲۲ باب ۷۱، آمده است:

و عن ابی ربیع الشامی عن جعفر الصادق علیه السلام فی قوله تعالی ﴿وَمِنَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّا نَصَارَى أَخَذْنَا مِيثَاقَهُمْ فَنَسُوا حَظًّا مِمَّا ذُكِّرُوا بِهِ﴾ فی المائدة قال سیدکرون ذلک الحظو سیخرج مع القائم علیه السلام هنا عصابة منهم.

ابی ربیع شامی از حضرت صادق علیه السلام درباره این آیه «از کسانی که گفتند ما نصرانی (و از امت مسیح بن مریم علیه السلام) هستیم، پیمان گرفتیم اما آن‌ها پیمان خود را فراموش کردند و بهره‌ای را که ما به آن‌ها یادآوری کرده بودیم، فراموش نمودند.» فرمودند: به زودی آن‌ها؛ یعنی، مسیحیان این بهره را به یاد خواهند آورد و عده‌ای از آن‌ها هنگامی که قائم موعود (عج) قیام می کند، قیام خواهند کرد.

این مسأله که حضرت مسیح (و ما قتلوا و ما صلبوا) نه کشته شده است و نه به صلیب کشیده شده است، مورد اتفاق شیعه و سنی است و باز این مسأله را فریقین قبول دارند که در زمان ظهور قائم موعود (عج)، حضرت مسیح علیه السلام خدمت امام زمان علیه السلام می رسد و پشت سر آن حضرت نماز می خواند.

(۲) مثلاً در کتاب «تذکرة الخواص الامة» نوشته سبط بن جوزی حنفی صفحه ۳۷۷، آمده است:

قال السدی: یجتمع المهدي و عیسی بن مریم فیجیء وقت الصلوة فیقول المهدي لعیسی: تقدم، فیقول عیسی: انت اولی بالصلوة فیصلی عیسی ورائه مأموماً.

سدی از پیامبر ﷺ نقل می کند که: مهدی (عج) و عیسی بن مریم ﷺ در یک محل با یکدیگر قرار خواهند گرفت و هنگامی که وقت نماز می شود حضرت مهدی ﷺ به حضرت عیسی ﷺ می فرماید: شما امام جماعت شوید. حضرت عیسی ﷺ در جواب می فرماید: شما در این باره بر من اولی هستید بر آنکه امام جماعت شوید. سپس، حضرت مسیح ﷺ پشت سر حضرت مهدی ﷺ می ایستد و به ایشان اقتدا می کند و به صورت مأموم نماز می خواند.

(۳) در کتاب منتخب کنز العمال نوشته متقی هندی مجلد ۶ صفحه ۳۰ و کتاب البیان فی اخبار المهدي صاحب الزمان نوشته حافظ گنجی شافعی و کتاب المهدي نوشته حافظ ابونعیم، آمده است: قال رسول الله: منّا الذی یصلی عیسی من خلفه.

رسول خدا ﷺ فرمودند: از ماست (مهدی ﷺ)، کسی که عیسی ﷺ پشت سر او نماز می خواند.

(۴) محمد بن یعقوب: عن علی بن ابراهیم عن اسماعیل بن محمد المکی عن علی بن الحسن عن عمرو بن عثمان عن الحسين بن خالد عن من ذكره عن ابی الربیع الشامی قال:

قال لی ابو عبد الله ﷺ: لا تشته من السودان احداً، فان كان فلا بد فمن النوبة فانهم من الذین قال الله عزوجل ﴿قَالُوا إِنَّا نَصَارَى أَخَذْنَا مِيثَاقَهُمْ فَنَسُوا حَظًّا مِمَّا ذُكِّرُوا بِهِ﴾ [اما انهم] سیدکرون ذلك الحظ و سیخرج مع القائم ﷺ منا عصابة منهم و لا تنکحوا من الاکراد احداً فانهم جنس من الجن کشف عنهم الغطاء.

محمّد بن یعقوب از علی بن ابراهیم از اسماعیل بن محمّد المکی از علی بن الحسن از عمرو بن عثمان از الحسین بن خالد از کسی که او را یاد کرد از ابی الربیع الشامی روایت کرده که گفت: حضرت ابو عبدالله امام صادق علیه السلام به من فرمود: از سودان کسی را خریداری مکن و چنانچه ناگزیر شدی از نوبه بگیر که ایشان از کسانی هستند که خدای عزوجل فرموده «از کسانی که گفتند ما نصرانی (و از امت مسیح بن مریم) هستیم، پیمان گرفتیم اما آن‌ها پیمان خود را فراموش کردند و بهره‌ای را که ما به آن‌ها یادآوری کرده بودیم، فراموش نمودند.» و همانا ایشان آن نصیب و بهره را به یاد خواهند آورد و جمعی از ایشان با قائم علیه السلام از ما خروج خواهند کرد و از اکراد کسی را نکاح نکنید که گونه‌ای از جن هستند که پرده از رویشان برداشته شده است.

آیه بیست و هفتم

● خداوند ولی عصر را حفظ می کند.

خداوند در سوره مائده آیه ۵۴، می فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٍ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ﴾

ای کسانی که ایمان آورده اید، هر کس از شما مرتد شود (و از دین خویش دست بردارد، به خداوند هیچ زیانی نمی رساند) و به زودی خداوند گروهی را می آورد که آنان را دوست می دارد و آنها نیز خداوند را دوست می دارند، آنها بر مؤمنین (فخر نمی فروشند) و فروتن هستند. اما بر کافران سخت می گیرند. آنها در راه خداوند جهاد می کنند. از ملامت ملامت کنندگان و از سرزنش سرزنش کنندگان باکی ندارند و این فضل خداوند است که به هر کس بخواهد آن را عطا می فرماید و خداوند بخشنده و داناست.

(۱) در کتاب ینابیع المودة باب ۷۱ صفحه ۴۳۶، آمده است:

و عن سليمان بن هارون العجلي قال سمعت جعفر الصادق عليه السلام ان صاحب هذا الامر يعني القائم المهدي محفوظ لو ذهب الناس جميعاً أتى الله باصحابه وهم الذين قال الله فيهم ﴿فَإِنْ يَكْفُرْ بِهَا هُنَّ لِأَيْ فَقَدْ وَكَلْنَا بِهَا قَوْمًا لَيَسُوا بِهَا بِكَافِرِينَ﴾^۱ وهم الذين قال الله فيهم ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٍ عَلَى الْكَافِرِينَ﴾.

سلیمان بن هارون عجلی می گوید: شنیدم از امام صادق علیه السلام که صاحب این امر؛ یعنی، قائم المهدی (عج) محفوظ است. (و خداوند او را حفظ می کند) اگرچه همه مردم از بین بروند (چنان که خداوند تعالی فرموده است): ﴿فَإِنْ يَكْفُرْ بِهَا هُنَّوْلَاءِ فَقَدْ وَكَلْنَا بِهَا قَوْمًا لَيَسُؤُوا بِهَا الْكَافِرِينَ﴾ می آورد خداوند اصحاب آن حضرت را و ایشان کسانی هستند که در این آیه نام برده شدند.

(۲) محمد بن ابراهیم: المعروف بابن ابی زینب النعمانی فی کتاب الغیبة قال:

اخبرنا احمد بن محمد بن سعید بن عقده قال حدثنا الحسن بن علی [علی بن الحسن] بن فضال قال حدثنا محمد بن عمرو و محمد بن الولید قال حدثنا محمد بن حمزة و محمد بن سعید قالا حدثنا حماد بن عثمان عن سلیمان بن هارون العجلی قال سمعت ابا عبد الله يقول [قال ابو عبد الله علیه السلام] ان صاحب هذا الامر محفوظ له [اصحابه] و لو ذهب الناس جميعاً اتی الله باصحابه و هم الذین قال الله عزوجل: ﴿فَإِنْ يَكْفُرْ بِهَا هُنَّوْلَاءِ فَقَدْ وَكَلْنَا بِهَا قَوْمًا لَيَسُؤُوا بِهَا الْكَافِرِينَ﴾^۱ و هم الذین قال الله فیهم ﴿فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٍ عَلَى الْكَافِرِينَ﴾^۲

محمد بن ابراهیم معروف به ابن ابی زینب نعمانی در کتاب الغیبة گوید: خبر داد احمد بن محمد بن سعید بن عقده از حسن بن علی [علی بن حسن] بن فضال، او از محمد بن عمرو و محمد بن ولید، او از محمد بن حمزة و محمد بن سعید، آنان از حماد بن عثمان از سلیمان بن هارون عجلی گفت: شنیدم حضرت صادق علیه السلام می فرمود: همانا [اصحاب و یاران] صاحب این امر برایش محفوظ اند و اگر همه مردم از بین بروند، خداوند یارانش را خواهد آورد و ایشانند که خداوند عزوجل فرموده: «پس اگر قوم به آن کفر ورزند همانا ما قومی را که هرگز به آن کافر نشوند بر آن برگماریم» و ایشانند که خداوند فرموده «و به زودی خداوند گروهی را می آورد که آنان را دوست می دارد و

۱. سورة انعام، آیه ۸۹.

۲. الغیبة، صف ۱۷۰.

آن‌ها نیز خداوند را دوست می‌دارند آن‌ها بر مؤمنین (فخر نمی‌فروشند) و فروتن هستند. اما بر کافران سخت می‌گیرند.»

(۳) در تفسیر عیاشی مجلد ۱ صفحه ۳۲۶، آمده است:

العیاشی: باسناده عن سلیمان بن هارون قال: قلت له ان بعض هؤلاء العجلية يقول [العجلية يزعمون] ان سيف رسول الله ﷺ عند عبد الله بن الحسن!... فقال والله ما رآه ولا ابوه بواحدة من يمينه، الا ان يكون رآه ابوه عند الحسين عليه السلام و ان صاحب هذا الامر محفوظ له، فلا تذهبن يميناً ولا شمالاً، فإن الامر والله واضح، والله لو ان اهل السماء و الارض اجتمعوا على ان يخولوا هذا الامر من موضعه الذي وضعه الله فيه ما استطاعوا و لو ان الناس كفروا جميعاً حتى لا يبقى احد لجااء الله لهذا الامر بأهل يكو [نوا] من اهله، ثم قال: اما تسمع الله يقول: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَزِدْكُمْ مِنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٍ عَلَى الْكَافِرِينَ﴾ حتى فرغ من الآية و قال في آية اخرى: ﴿فَإِنْ يَكْفُرْ بِهَا هُنَّ لِأَوْلَاءِ فَقَدْ وَكَّلْنَا بِهَا قَوْماً لَيْسُوا بِهَا بِكَافِرِينَ﴾ ثم قال: ان [اهل] هذه الآية هم اهل تلك الآية.

عیاشی به سند خود از سلیمان بن هارون آورده که گوید: به آن جناب عرضه داشتم بعضی از این عجلیان می‌گویند [می‌پندارند] که شمشیر رسول خدا صلی الله علیه و آله نزد عبدالله بن حسن است! فرمود: به خدا سوگند نه او و نه پدرش به هیچ‌یک از دو چشمشان آن را ندیده‌اند. مگر اینکه پدرش آن را نزد حسین عليه السلام دیده باشد و البته برای صاحب این امر محفوظ است. پس، مبادا به راست و چپ روی آوری که به خدا سوگند امر روشن است. به خدا قسم اگر اهل آسمان و زمین هم دست شوند که این امر را از جایگاهی که خداوند آن را در وی قرار داده برطرف سازند، نخواهند توانست و چنانچه همه مردم کفر ورزند تا جایی که هیچ کس باقی نماند، همانا خداوند برای این امر کسانی را خواهد آورد که از شایستگان آن باشند. سپس، فرمود آیا نمی‌شنوی که خداوند می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، هر کس از شما مرتد شود (و از دین

خویش دست بردارد، به خداوند هیچ زیانی نمی‌رساند) و به زودی خداوند گروهی را می‌آورد که آنان را دوست می‌دارد و آنها نیز خداوند را دوست می‌دارند آنها بر مؤمنین (فخر نمی‌فروشند) و فروتن هستند. اما بر کافران سخت می‌گیرند.» تا آخر آیه را تلاوت فرمود و در آیه دیگری فرموده: «پس، اگر قوم به آن کفر ورزند همانا ما قومی را که هرگز به آن کافر نشوند بر آن برگماریم» پس آن حضرت فرمود: همانا [اهل] این آیه همان اهل آن آیه می‌باشند.

آیه بیست و هشتم:

● قبل از قیامت کبری، قیام حجة بن الحسن حتمی است.

خداوند در سوره انعام آیه ۳۱، می فرماید:

﴿قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِلِقَاءِ اللَّهِ حَتَّىٰ إِذَا جَاءَتْهُمْ السَّاعَةُ بَغْتَةً قَالُوا يَا حَسْرَتَنَا عَلَىٰ مَا فَرَّطْنَا فِيهَا وَهُمْ يَحْمِلُونَ أَوْزَارَهُمْ عَلَىٰ ظُهُورِهِمْ أَلَا سَاءَ مَا يَزِرُونَ﴾

ضرر و زیان کردند کسانی که لقای خداوند را تکذیب نمودند تا زمانی که ناگهان ساعت بر ایشان فرا رسید. آن‌ها گفتند یا حسرتنا بر آنچه که ما در آن کوتاهی کردیم و آنان بارهای گناهان خود را بر پشت‌های خویش کشند و چه زشت است آنچه آن‌ها بر دوش دارند.

در این آیه جمله ﴿جَاءَتْهُمْ السَّاعَةُ بَغْتَةً﴾ حایز اهمیت است (که ناگهان ساعت بر ایشان فرا رسید) به قیامت از آن جهت «ساعة» گفته می‌شود که یک‌باره فرا خواهد رسید. لذا عده‌ای گفته‌اند ما دو قیامت یا دو «ساعة» داریم. یکی قیامت و «ساعة» صغری و دیگری قیامت و «ساعة» کبری.

قیامت صغری ظهور امام زمان علیه السلام است که یک‌باره فرا می‌رسد و قیامت کبری همان قیامتی است که در آن صراط و میزان و بهشت و جهنم است. برای واضح شدن مطلب در این مورد احادیثی می‌آوریم:

(۱) در مسند امام احمد حنبل مجلد ۱ صفحه ۳۷۷ حدیث ۲۵ و همان مجلد صفحه ۴۳۰ حدیث ۱۲، آمده است:

عن ابن مسعود قال رسول الله صلى الله عليه وآله: لا تنقضي الايام و لا يذهب الدهر حتى يملك العرب رجل من اهل بيتي يواطئ اسمي.

ابن مسعود می‌گوید: رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمودند: روزگاران و ایام به پایان نمی‌رسد

مگر اینکه یکی از فرزندان من که نام او نام من است، بر ملت عرب حکومت و فرمانروایی نماید.

(۲) در مسند امام احمد حنبل مجلد ۱ صفحه ۳۷۶ حدیث ۱۱، آمده است:

عن رسول الله ﷺ : لا تقوم الساعة حتى يلي رجل من اهل بيتي يواطئ اسمه اسمي.

رسول خدا ﷺ فرمودند: رستاخیز بر پا نمی شود مگر اینکه مردی از اهل بیت ﷺ من ظاهر گردد و قیام کند که اسم او اسم من است.

(۳) در مسند امام احمد حنبل صفحه ۱۷ حدیث ۳، آمده است:

عن ابي سعيد قال قال رسول الله ﷺ : لا تقوم الساعة حتى يملك رجل من اهل بيتي

اجلى اقبى يملأ الارض عدلا كما ملئت قبله ظلما يكون سبع سنين.

ابی سعید خدری می گوید: رسول خدا ﷺ فرمودند: قیامت بر پا نخواهد شد تا اینکه مردی از خانواده من (بر جهان) حکومت و فرمانروایی کند. (از مشخصات او این است که) پیشانی‌اش گشاده باشد و بینی‌اش قلمی است. او عدالت را بر کل کره زمین می گستراند، همان گونه که قبل از او پر از ظلم و جور شده بود و مدت سلطنت او ۷ سال خواهد بود.

(۴) در تفسیر سیوطی، آمده است:

و اخرج البخاری عن ابي هريره ان اعرابياً سأل رسول الله ﷺ فقال: متى الساعة؟

فقال ﷺ : اذا ضيقت الامانة فانتظر الساعة. قال: يا رسول الله كيف اضاعتها؟ قال: اذا وسد الامر الى غير اهله فانتظر الساعة.

حافظ عبدالرحمن سیوطی در تفسیر الدر المنثور می گوید: بخاری از ابوهریره

روایت کرده است که بادیه نشینی از پیامبر ﷺ پرسید ساعت کی است؟ حضرت فرمودند: هنگامی که امانت ضایع گردد. هر وقت دیدی امانت ضایع شد منتظر ساعت باش. اعرابی گفت: یا رسول الله چگونه امانت ضایع خواهد شد؟ حضرت فرمودند: آن زمانی که کار به کسانی که اهلیت ندارند داده می شود و آن‌ها شایستگی آن را ندارند.

پس در آن هنگام در انتظار ساعت یا قیامت باش.

(۵) در کتاب تحف العقول صفحه ۵۹، آمده است:

قال رسول الله من اشراط الساعة كثر القراء و قلة الفقهاء و كثرة الامراء و قلة الامناء و كثرة المطر و قلة النبات.

رسول خدا ﷺ فرمودند: از علایم «ساعت» و آخرالزمان زیاد شدن باسوادها و کم شدن مجتهدها و زیاد شدن اولیای امور و کم شدن امین‌ها و زیاد شدن باران و کم شدن گیاهان می‌باشد.

(۶) در کتاب ارشاد القلوب دیلمی باب ۱۶ «فی اشراط الساعة»، آمده است:

خطب رسول الله فقام اليه رجل و قال يا رسول الله متى الساعة. فقال ما المسئول باعلم بها من السائل، لا تأتيكم الا بغتة، فقال فاعلمنا اشراطها فقال لا تقوم الساعة حتى تفيض العلم و تكثر الزلزال و تكثر الفتن و يكثر الهرج و المرج و تكثر فيكم الالهواء و يخرب العامر و يعمر الخراب و يكون خسف بالمشرق و خسف بالمغرب و خسف بجزيرة العرب و قطع الشمس من مغربها و تخرج الدابة و يظهر الدجال و ينتشر يأجوج و مأجوج و ينزل عيسى بن مريم فهناك تأتي ریح من جهة اليمن الين من الحرير فلا قدح احداً فيه مثقال ذرة من الايمان الا قبضة.

رسول خدا ﷺ خطبه‌ای خوانده و بعد از آن فرمودند: صادق‌ترین گفتارها کتاب خداست و بهترین راهنمایی‌ها راهنمایی خداست و بدترین امور کارهای نوظهور است و هر بدعتی (آیین اختراعی) گمراهی است. مردی برخاست. عرض کرد یا رسول الله، ساعت و موقع ظهور کی می‌شود؟ آن حضرت فرمودند: پرسش شده (خود رسول خدا ﷺ) از پرسش‌کننده در این باره عالم‌تر نمی‌باشد (پیامبر می‌خواسته بگوید نمی‌دانم). اما علایم ظهور را چنین بیان می‌فرمایند: ساعت نرسد مگر آنکه ناگهانی باشد. بعد سؤال‌کننده می‌گوید: ای رسول خدا، علایم و آثار ساعت و ظهور را بیان بفرمایید. حضرت می‌فرمایند: ساعت فرا نمی‌رسد مگر آنکه بساط علم دین برچیده

شود و زلزله و فتنه و آشوب و هرج و مرج و هوای نفس زیاد گردد و آبادی ویران و ویرانی آباد گردد. در شرق و غرب و جزیره العرب در زمین فرو می رود و خورشید از مغرب طلوع کند و دابة الارض خروج کند و دجال ظهور نماید و یاجوج و ماجوج پراکنده شوند و عیسی بن مریم علیه السلام فرود آید. در آن موقع بادی نرم تر از حریر از سمت یمن بیاید. هر کس را که به قدر ذره ای ایمان داشته باشد می گیرد.

(الی ان قال الرواء) فقالوا فمتی یکون یا رسول الله قال اذا داهن قرائکم امرائکم و عظمت اغنیاء و اهنتم فقرائکم و ظهر فیکم الغناء و فشا فیکم الزنا و علا النباء و تغنیم بالقرآن و ظهر اهل الباطل اهل الحق و قال الامر بالمعروف و النهی عن المنکر و اضعیت الصلوات و اتبعت الشهوات و میل مع الهوی و قدم امراء الجور فکانوا خونة و الوزراء فقه و ظهر الحرص فی القراء و النفاق فی العلماء فعتد ذلك نزل البلاء مع انه ما تقدست امة لا ینتصر لضعیفها من قویها.

(تا اینکه راوی گفت:) عرض کردم یا رسول الله اینها چه وقت واقع می شود؟ حضرت فرمودند: وقتی که گویندگان با اولیاء امور بسازند و ثروتمندان را احترام نمایند و به فقرا اهانت کنند و آواز شهوت انگیز در بین شما رواج پیدا کند و زنا زیاد شود و ساختمانها بلند گردد و قرآن را با صوت غنا بخوانند و اهل باطل بر اهل حق غالب شوند و امر به معروف و نهی از منکر کم شود و نمازها ضایع گردد و از شهوات پیروی کنند و به هوای نفس مایل شوند. فرماندهان ستمگر پیش افتند. پس، فرماندهان، خائن و وزرا فاسق باشند و حرص در قراء و نفاق در علما پیدا شود. در آن موقع بلا بر ایشان نازل شود. علاوه بر این اجتماعی که داد ضعیف را از قوی نستاند اصلاح نخواهد شد.

تزخرف المساجد. تذهب المصاحف و تعلی المنابر و تكثر الصفوف و ترفع الضججات فی المساجد و تجتمع الاجساد و الالسن مختلفه و دین احدهم لعقه علی لسانه ان اعطی شکر و ان منع کفر لا یرجمون صغیراً و لا یوقرون کبیراً یرجمون انفسهم توطئی حریمهم و یجورون فی حکمهم یرحمهم العبیر و تملکهم الصبیان و تدبر امورهم النساء تتحلی

الذکور بالذهب و الفضة و یلبسون الحریر و الدیباچ و یسبون الجوارى و یقطعون الارحام، یحیفون السبیل و ینصبون العشارین و یجاهدون المسلمین و یسالمون الکافرین فهناک تکثر المطر و یقل النبات و تکثر النهارات و تقل العلماء و تکثر الامراء و تقل الامناء.

مساجد زینت شود و قرآن‌ها طلاکاری گردد. بر منبرها بالا روند. صف‌ها زیاد شود و ضجه و شیون در مساجد بلند گردد. بدن‌ها مجتمع و زبان‌ها مختلف، دین آن‌ها اظهار زبانی است. حقیقت ندارد. اگر به او عطا شود شکر کند و گرنه کفران نماید. نه به صغیر رحم کنند و نه به کبیر احترام کنند. آن‌ها خود خواهند و به ناموسشان تجاوز شود. در صدور حکم، ظلم و ستم نمایند. عبیر و بنده‌ها بر مردم حکومت نمایند و اختیارشان به دست بچه‌ها افتد و امورشان به تدبیر زن‌ها باشد. مردها به طلا و نقره خود را زینت کنند و لباس حریر و ابریشم بپوشند. دخترها را بربایند و قطع رحم کنند و راهزنی نمایند و مأمورین برای گرفتن مالیات‌ها قرار دهند. با مسلمان‌ها بجنگند و با کافرها بسازند. در آن زمان باران زیاد بیارد ولی گیاه کم روید و زن‌های رقاصه و خواننده و هرزه زیاد گردد. علما کم شوند و اولیای امور بسیار ولی امین کم باشد.

(۷) در کتاب ارشاد دیلمی، آمده است:

قال رسول الله ﷺ: و الذی نفسی بیده لا تقوم الساعة حتی یکون علیکم امراء فجرة و وزراء خونة و عرفاء ظلمه و قراء نفسه و عباد جهال، یفتح الله علیهم فتنة غرباء مظلم فیتهون فیها کما تاهت اليهود فح ینقص الاسلام عروة عروة حتی یکال الله الله.

رسول خدا ﷺ فرمودند: سوگند به آن کسی که جانم در دست اوست «ساعت» نشود تا اینکه اولیای امور فاجر و وزراء خائن و کارآگاه‌های ظالم بر شما مسلط شوند و قاری‌ها فاسق و عبادت‌کنندگان نادان باشند. خداوند آن‌ها را چنان در فتنه تیره و تاری افکند که مانند یهود حیران و سرگردان بمانند. در آن موقع از اساس اسلام دسته دسته کاسته گردد تا اینکه صدای الله‌های مسلمانان بلند شود.

(۸) در کتاب مختصر تذکره شعرانی صفحه ۱۴۲، آمده است:

عن رسول الله ﷺ: لا تقوم الساعة حتى تكون التسليم على الخاصة دون العامة و حتى تفشوا التجارة و تعيب المرأة زوجها على التجارة حتى تقطع الارحام و يفسوا الظلم.

رسول خدا ﷺ فرمودند: «ساعت» نشود (و انقلاب جهانی مهدی (عج) برپا نگردد) مگر وقتی که سلام کردن بر یک عده مخصوص باشد نه تمام مردم و داد و ستد رواج یابد و زن در خرید و فروش عیب جویی کند و قطع رحم شود و ظلم و تعدی شیوع پیدا کند.

(۹) در کتاب مختصر تذکره شعرانی صفحه ۱۱۳، آمده است:

فی حدیث مسلم ان رسول الله قال لا تقوم الساعة حتى تكون الفتن لقطع الليل المظلم یصبح الرجل مؤمناً و یمسی کافراً و یمسی مؤمناً و یصبح کافراً یبیع و فیه بعرض من الدنیا. در حدیث مسلم است که رسول خدا ﷺ فرمودند: «ساعت» نشود مگر آنکه فتنه چون پاره های شب تار پیدا شود که مرد صبح مؤمن باشد و شب کافر شود و شب مؤمن باشد و صبح کافر شود و دین خود را به مال دنیا بفروشد.

(۱۰) در تفسیر علی بن ابراهیم قمی (علی بن ابراهیم بن هاشم ابوالحسن قمی) صفحه ۶۲۷، آمده است:

عن عبدالله بن عباس قال حججنا مع رسول الله حجة الوداع فاخة بحلقة باب الكعبة ثم اقبل علينا بوجهه فقال الا اخبركم باشرط الساعة و كان ادنى الناس يومئذ منه سلمان رحمة الله. فقال: بلى يا رسول الله. فقال ان من اشراط القيمة اضاءة الصلوات و اتباع الشهوات و الميل مع الاهواء و تعظیم اصحاب المال و بیع الدین بالدنیا فعندها بذاب قلب المؤمن فی جوفه كما ینذوب الملح فی الماء مما یری من المنکر فلا یستطیع ان یریة قال سلمان و ان هذا الکائن یا رسول الله؟ قال ای و الذی نفسى بیده.

ابن عباس گوید: حجة الوداع را با رسول خدا ﷺ به جا آوردیم. آن گاه پیغمبر ﷺ حلقه در کعبه را گرفت و روی به ما نموده فرمود: آیا خبر ندهم شما را به علایم ساعت؟ در آن موقع نزدیک ترین مردم به رسول خدا ﷺ سلمان فارسی بود. عرض کرد: بلی یا

رسول الله، حضرت فرمودند: از علایم آخرالزمان نمازها را ضایع گزاردن و از شهوتها پیروی کردن و به هوا و هوس مایل شدن و ثروتمندان را احترام کردن و دین را به دنیا فروختن است. پس، آن موقع مؤمن از اعمال ناشایسته‌ای که مشاهده می‌کند و نمی‌تواند تغییر دهد دلش، مانند، نمک آب می‌شود. سلمان عرض کرد: یا رسول الله، این‌طور خواهد شد؟ حضرت فرمودند: قسم به آن کسی که جانم در دست قدرت اوست، آری خواهد شد.

یا سلمان عندها امراء جوره و وزراء فسقه و عرفاء ظلمه و امناء خونة فقال سلمان و ان هذا الکائن یا رسول الله؟ قال ای و الذی نفسی بیده.

ای سلمان، در آن زمان امرای ستمکار و وزرای تبه‌کار و کارآگاه‌ها به ناحق گزارش دهند و امین‌ها خائن باشند. سلمان عرض کرد: یا رسول الله، این هم خواهد شد؟ حضرت فرمودند: قسم به آن کسی که جانم در دست قدرت اوست، آری خواهد شد. یا سلمان ان عندها یکون المنکر معروفاً و المعروف منکراً و یؤمن الخائن و یخون الامین و بصدق الکاذب و یکذب الصادق قال سلمان و ان هذا الکائن یا رسول الله؟ قال ای و الذی نفسی بیده.

ای سلمان، در آن زمان کارهای زشت را خوب و خائن را امین و امین را خائن و دروغگو را راستگو و راستگو را دروغگو قرار دهند. سلمان عرض کرد: یا رسول الله، این هم خواهد شد؟ حضرت فرمودند: قسم به آن کسی که جانم در دست قدرت اوست، آری خواهد شد.

یا سلمان فعندها امارة النساء و مشاورة الاماء و قعود الصبیان علی المنابره و یکون الکذب طوفاً و الزکوة معرماً و الفیئى مغنماً و یجفو الرجل والديه و ینبر صدیقه و یطلع الکوکب المذنب. قال سلمان و ان هذا الکائن یا رسول الله؟ قال ای و الذی نفسی بیده.

آیه بیست و نهم

● ده علامت مهم قبل از قیام قائم (عج).

خداوند در سوره انعام آیه ۴۰، می فرماید:

﴿قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَتَاكُمْ عَذَابُ اللَّهِ أَوْ أَتَتْكُمْ السَّاعَةُ أَغَيْرَ اللَّهِ تَدْعُونَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ﴾

بگو: به من بگویید اگر عذاب خداوند بر شما فرا رسد و یا ساعه شما را فراگیرد، آیا (در آن وقت) غیر خداوند را می خوانید؟ اگر راستگو هستید.

در این آیه بحث از «ساعه» است. این ساعه هم می تواند قیامت کبری باشد و هم ظهور امام زمان علیه السلام که در هر دو گناهکاران و افراد بی ایمان و کج اندیش عذاب خواهند کشید قبلاً بیان شد که به ظهور امام زمان علیه السلام قیامت صغری و به رستاخیز بزرگ قیامت کبری می گویند.

(۱) در تفسیر الدر المنثور فی التفسیر المأثور نوشته حافظ الامام عبدالرحمن سیوطی شافعی صفحه ۳۹۵ مجلد سوم، چنین آمده است:

واخرج ابن ابی شیبہ و احمد و ابوداود و الترمذی و النسائی و ابن ماجه و ابن مردويه و البيهقي في البعث عن حذيفة بن اسيد قال: اشرف علينا رسول الله صلی الله علیه و آله من علية ونحن نتذاكر فقال ماذا تذكرون؟ قلنا نتذاكر الساعة. قال: فانها لا تقوم حتى تروا قبلها عشر آيات، الدخان والدجال و عيسى بن مريم و ياجوج و ماجوج و الدابة و طلوع الشمس من مغربها و ثلاثة خسوف خسف بالمشرق و خسف بالمغرب و خسف بجزيرة العرب و آخر ذلك نار تخرج من قعر عدن او اليمن.

توجه می فرمایید که حافظ امام عبدالرحمن سیوطی شافعی از ابن ابی شیبہ و امام احمد حنبل و ابوداود (صاحب صحیح) و ترمذی (صاحب صحیح) نقل می کند که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: ساعه برپا نمی شود مگر اینکه ده علامت قبل از آن خواهد بود:

۱. الدخان.
۲. الدجال (خروج دجال)
۳. (نزول) عیسی بن مریم علیه السلام
۴. یاجوج و ماجوج
۵. الدابة (بیرون آمدن دابة الارض)
۶. طلوع خورشید از جای غروبش یا مغرب
۷. ایجاد خسف در شرق
۸. ایجاد خسف در غرب
۹. ایجاد خسف در جزیره العرب
۱۰. خروج آتش از عدن یا یمن

توجه می فرمایید که این ده علامت همه قبل از ظهور قائم موعود (عج) است. پس، در بعضی از آیات که «ساعة» آمده است، یک مصداق ساعت قیام قائم موعود (عج) است و قیام امام زمان (عج) قیامت صغری است. البته، تمام این علامات می تواند نزدیک شدن قیامت کبری را نیز بشارت دهد زیرا ظهور امام زمان علیه السلام با تمام این خصوصیات همه بیانگر مقدمه قیامت کبری است.

آیه سی ام

● سلطنت قائم (عج) به همه سلطنت‌ها خاتمه می‌دهد.

خداوند در سوره انعام آیه ۴۴، می‌فرماید:

﴿فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ فَتَحْنَا عَلَيْهِمْ أَبْوَابَ كُلِّ شَيْءٍ حَتَّىٰ إِذَا فَرِحُوا بِمَا أُوتُوا أَخَذْنَاهُمْ بَغْتَةً فَإِذَا هُمْ مُبْلِسُونَ﴾

زمانی که (اندرزها سودی نبخشید) و همه نصیحت‌ها را فراموش نمودند، ما درهای همه چیز از نعمت‌های (خودمان) را بر روی آن‌ها گشودیم تا آن‌ها کاملاً خوشحال شدند و به آن‌ها دل بستند (اما) ناگهان آن‌ها را گرفتیم (و سخت مجازاتشان کردیم و به کیفر اعمالشان رسانیدیم) در این هنگام همه مأیوس شدند (و درهای امید بر روی آن‌ها بسته شد)

(۱) در تفسیر صافی صفحه ۱۷۳، آمده است:

عن الباقر علیه السلام ﴿فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ﴾ یعنی فلما ترکوا ولایة علی بن ابی طالب علیه السلام و قد امروا بها ﴿فَتَحْنَا عَلَيْهِمْ أَبْوَابَ كُلِّ شَيْءٍ﴾ دولت‌هم فی الدنیا و ما بسط لهم فیها ﴿أَخَذْنَاهُمْ بَغْتَةً﴾ یعنی بذلک قیام القائم صلوات الله علیه حتی کانهم لم یکن لهم سلطان قط.

از امام باقر علیه السلام روایت شده که ﴿فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ﴾ یعنی زمانی که ترک کردند ولایت علی بن ابی طالب علیه السلام را درهای همه چیز را بر آن‌ها گشودیم تا به دولت و سلطنت وسیع خویش در دنیا نائل گردند. اما ناگهان آن‌ها را گرفتیم؛ یعنی، توسط قیام حضرت قائم (عج) به گونه‌ای که اصلاً برای آن‌ها سلطنت و مقامی در دنیا نبوده است.

(۲) قال محمد بن علی الباقر علیه السلام: اذا قام القائم ذهب دولت الباطل.

حضرت باقر علیه السلام فرمودند: زمانی که قائم (عج) قیام کند همه دولت‌های باطل کنار می‌روند.

آیه سی و یکم

● اصحاب امام عصر (عج) مورد تأیید خداوند هستند.

/ خداوند در سوره انعام آیه ۸۹، می فرماید:

﴿... فَإِنْ يَكْفُرْ بِهَا هُنَّ لِأَنَّهَا قَوْمٌ لَّيْسُوا بِهَا بِكَافِرِينَ﴾

... پس اگر اینان کافر شوند (و کفر بورزند و حقایق را بپوشانند) همانا قومی را

(می آوریم) و بدان می گماریم که آنها بدان کافر نیستند.

* در کتاب ینابیع المودة نوشته خواجه کلان قندوزی حنفی باب ۷۱ صفحه ۴۲۲،

آمده است:

و عن سليمان بن هارون العجلي قال سمعت جعفر الصادق عليه السلام ان صاحب هذا الامر يعني القائم المهدي محفوظ لو ذهب الناس جميعاً أتى الله باصحابه وهم الذين قال الله فيهم ﴿فَإِنْ يَكْفُرْ بِهَا هُنَّ لِأَنَّهَا قَوْمٌ لَّيْسُوا بِهَا بِكَافِرِينَ﴾ و هم الذين قال الله فيهم ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٍ عَلَى الْكَافِرِينَ﴾^۱

سليمان بن هارون عجلي می گوید: شنیدم از امام صادق عليه السلام که صاحب این امر یعنی قائم المهدي محفوظ است. (و خداوند او را حفظ می کند) اگرچه همه مردم از بین بروند (چنان که خداوند تعالی فرموده است): «فَإِنْ يَكْفُرْ بِهَا هُنَّ لِأَنَّهَا قَوْمٌ لَّيْسُوا بِهَا بِكَافِرِينَ» خداوند اصحاب آن حضرت را می آورد و ایشان کسانی هستند که در این آیه نام برده شدند و باز اینها کسانی هستند که خداوند در قرآن درباره آنها می فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده اید، هر کس از شما مرتد شود (و از دین خویش دست بردارد، به خداوند هیچ زیانی نمی رساند) و به زودی خداوند گروهی را می آورد که آنان را دوست می دارد و آنها نیز خداوند را دوست می دارند آنها بر مؤمنین (فخر نمی فروشند) و فروتن هستند. اما بر کافران سخت می گیرند.»

آیه سی و دوم

● امام زمان (عج) در حال حاضر کلمه رَبِّک است.

در هر زمانی (حجة الهی) «کلمه رب» و یا «کلمه الله» است که اگر این حجت نباشد، «لو لا الحجة لساخت الارض باهلها» و این حجت باید همیشه باشد که می فرمایند: «الحجة قبل الخلق و الحجة مع الخلق و الحجة بعد الخلق» و در حال حاضر این حجت وجود اقدس اعلی حضرت بقیه الله الاعظم امام زمان (عج) است.

خداوند در سوره انعام آیه ۱۱۵، می فرماید:

﴿وَتَمَّتْ كَلِمَةُ رَبِّكَ صِدْقًا وَعَدْلًا لَا مُبَدَّلَ لِكَلِمَاتِهِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ﴾

تمام و کامل شد کلمه پروردگارت بر اساس صدق و راستی و عدالت که دیگر تبدیل کننده ای برای کلمات او نیست و او شنوا و داناست.

* در کتاب ینابیع المودة نوشته خواجه کلان قندوزی حنفی باب ۸۲ صفحه ۴۶۲،

آمده است:

و عن الحسين بن حمدان الحضیبی عن هارون بن مسلم و سعدان جعفر جميعاً سمعوا عدة من المشايخ الثقات الذين كانوا مجاورين للامامين سيدنا علي الهادي و ابي محمد الحسن العسكري قالوا سمعناهما يقولان ان الله تبارك و تعالی اذا اراد ان يخلق الامام انزل قطرة من ماء الجنة في ماء المزن فتسقط في ثمار الارض و بقلتها فياكلها ابو الامام و تكونت نطفته منها فاذا استقرت النطفة في الرحم فيمضي لها اربعة اشهر يسمع الصوت و كتب على عضده ﴿وَتَمَّتْ كَلِمَةُ رَبِّكَ صِدْقًا وَعَدْلًا لَا مُبَدَّلَ لِكَلِمَاتِهِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ﴾ فاذا ولد قام بامر الله و رفع له عمود من نور ينظر منه الخلايق و اعمالهم و سرائرهم و العمود نصبت بين عينه حيث تولى و نظرو قالوا قال ابو محمد الحسن العسكري قصة هبة عمة نرجس له نحو ما تقدم.

حسین بن حمدان الحضیبی از هارون بن مسلم و سعدان بصری و او از محمد بن

احمد بغدادی و او از احمد بن اسحاق و او از سهل بن زیاد و او از عبدالله بن جعفر و همگی شنیده‌اند از مشایخ و بزرگان ثقه که آن‌ها مجاور بودند با دو امام؛ یعنی، امام هادی علیه السلام و امام عسکری علیه السلام، گفتند: شنیدیم که آن دو بزرگوار می‌فرمودند: خداوند زمانی که اراده کند امامی را خلق نماید قطره‌ای از آب بهشت را در آبی می‌ریزد که آن آب از ابری (پاک گرفته شده است) و آن آب را در میوه‌ها و سبزی‌های (پاک می‌ریزد) سپس، پدر امام از آن آب می‌خورد (و آن آب و آن قطره بهشتی) سرانجام به نطفه تبدیل می‌شود و در رحمی (پاک) قرار می‌گیرد که پس از چهار ماه صدای طفل از درون رحم مادر شنیده می‌شود و بر بازوی او نوشته می‌شود: ﴿و تَمَّتْ كَلِمَةُ رَبِّكَ صِدْقًا وَ عَدْلًا لَا مُبَدَّلَ لِكَلِمَاتِهِ وَ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ﴾ و زمانی که امام متولد شود به امر الهی می‌ایستد و عمودی از نور بین دو چشم او ظاهر می‌شود که به وسیله آن نور، خلائق و اعمالشان و (ظاهر) و باطنشان را می‌بیند و هر چیز را که بخواهد و نظر کند (ظاهر و باطن) آن را می‌بیند. گفته‌اند ابو محمد امام عسکری علیه السلام فرموده قصه بخشش عمه آن حضرت نرجس علیها السلام را به او از قبیل نصب و ظاهر شدن عمود نور است. در قرآن یکی «کلمة رب» آمده است مانند همین آیه و در جایی مثل سوره توبه آیه ۴۰ «کلمة الله» آمده است که می‌فرماید: «کلمة الله هی العلیا» سؤال می‌شود که منظور از کلمة رب و کلمة الله چیست؟ برای پاسخ به این سؤال باید به آیه ۱۷۱ از سوره نساء توجه شود که خداوند می‌فرماید: ﴿إِنَّمَا الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ رَسُولُ اللَّهِ وَ كَلِمَتُهُ أَلْقَاهَا إِلَى مَرْيَمَ﴾. ما کلمه را به مریم علیها السلام القا کردیم. این کلمه حجت الهی عیسی بن مریم علیه السلام است. پس از آنچه که گفتیم می‌توانیم نتیجه بگیریم «کلمة رب» و «کلمة الله» هم می‌تواند گفتار و آیات الهی باشد و هم می‌تواند قرآن باشد و هم می‌تواند حجة الهی باشد که انبیا و اوصیا و اولیای الهی کلمة رب و کلمة الله هستند و حدیث بالا همین مطلب را تبیین فرموده است. در اخبار زیادی بالغ بر بیش از ده حدیث داریم که این آیه شریفه بین دو چشم هر امامی یا بر عضد هر امامی و یا مابین کتفین امام، علی‌الافتلاف

الاخبار نوشته شده و نیز در اخبار بسیاری در باب زیارات و خطب و غیر اینها اطلاق کلمات الله بر ائمه علیهم السلام شده: «نحن الكلمات التامات» و این آیه شریفه شامل جمیع اطلاق می شود زیرا به جمیع اطلاقات صدق می کند. اما قرآن که در آن چیزی فروگذار نشده است و نقصانی در او نیست و دین مقدس الهی اسلام از هر جهت تام و تمام و اتم از تمام ادیان است و اما هر عصری و زمانی از انبیا و حجج از آدم تا حضرت بقیه الله (عج)، خالی نبوده و نخواهد بود. (لو خلت الارض عن الحجة لساخت باهلها و لماجت باهلها)

آیه سی و سوم

● امام عصر (عج) حجت بالغه خداوند است.

خداوند در سوره انعام آیه ۱۴۹، می فرماید:

﴿قُلْ فَلِلَّهِ الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ﴾

(ای پیامبر) بگو برای خداوند است حجة بالغه.

(۱) در تفسیر صافی مجلد ۱ صفحه ۵۵۵ به نقل از اصول کافی در ذیل تفسیر این آیه، آمده است:

و فی الکافی عن کاظم علیه السلام ان الله علی الناس حجتین حجة ظاهرة و حجة باطنة فاما الظاهرة فالرسل و الانبیاء و الائمة و اما الباطنة فالعقول و عن الباقر علیه السلام نحن الحجة البالغة علی من دون السماء و فوق الارض و العیاشی عنه علیه السلام مثله.

حضرت کاظم علیه السلام فرمودند: خداوند برای مردم دو حجت قرار داده است؛ یکی حجت ظاهر و آشکار و دیگری حجت باطنی و مخفی. اما، حجت ظاهر و آشکار انبیا و رسل و امامان هستند و اما حجت باطنی و مخفی عقول انسانها است.

حضرت باقر علیه السلام می فرمایند: ما (امامان) حجت بالغه خداوند بر همه آسمانها و زمین هستیم و در تفسیر عیاشی نظیر همین حدیث آمده است.

(۲) در آیات الولاية صفحه ۱۱۸، آمده است:

عن الباقر علیه السلام: نحن الحجة البالغة علی من دون السماء و فوق الارض.

حضرت باقر علیه السلام می فرمایند: ما (امامان) حجت بالغه خداوند بر همه آسمانها و زمین هستیم.

آیه سی و چهارم

● حضرت مهدی موعود علیه السلام صراط مستقیم خداوند است.

خداوند در سوره انعام آیه ۱۵۳، می فرماید:

﴿وَ أَنْ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَ لَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ﴾

این راه من مستقیم است. پس پیرو آن شوید و به راه های دیگر مروید که شما را از راه وی پراکنده کند.

(۱) در کتاب آیات الولاية صفحه ۱۱۸، آمده است:

عن النبي صلی الله علیه و آله فی خطبة الغدير:

معاشر الناس، ان الله قد امرني و نهانی و قد امرت علیاً و نهیته، فعلم الامر و النهی من ربه عزوجل، فاسمعوا لامره تسلموا، اطيعوه تهتدوا و انتهوا النهیه ترشدوا و صيروا الی مراده و لا تتفرق بكم السبل عن سبيله. معاشر الناس انا صراط الله المستقیم الذی امرکم باتباعه ثم علی من بعدي ثم ولدي من صلبه ائمة يهدون الی الحق و به يعدلون ثم قراء الحمد لله رب العالمین. رسول الله صلی الله علیه و آله در خطبه غدير فرمودند:

ای مردم، همان طور که خداوند یک سلسله امر و نهی را به من داده، به علی بن ابی طالب نیز این سلسله امر و نهی را داده است. علی علیه السلام کاملاً به امر و نهی الهی آگاه است. بنابراین، امر او را بشنوید و تسلیم او شوید و وی را اطاعت کنید تا هدایت گردید. از آنچه شما را نهی می کند اجتناب نمایید تا در نتیجه، ارشاد شوید و بکوشید بر وفق مراد او عمل کنید و به راه های گوناگون نروید جز راه علی بن ابی طالب علیه السلام. ای مردم، من صراط مستقیم خدا هستم که در قرآن خداوند شما را امر به پیروی از آن نموده و بعد از من علی علیه السلام و سپس امامان از نسل اویند که شما را به سوی حق هدایت می کنند. سپس، حضرت فرمود: الحمد لله رب العالمین.

(۲) در کتاب آیات الولاية صفحه ۱۱۹، آمده است:

و فی العیاشی عن الباقر علیه السلام انه قال لیرید العجلی اتدری ما یعنی بصراطی مستقیما قال قلت لا قال و لایة علی و الاوصیاء علیهم السلام قال و تدری ما یعنی و لا تتبعوا السبل قال قلت لا قال و لایة فلان و فلان و الله قال و تدری ما یعنی، فتفرق بکم عن سبیلہ قال قلت: لا قال یعنی، سبیل علی علیه السلام.

امام باقر علیه السلام به برید عجلی فرمودند: آیا معنای «صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا» را می دانی؟ برید گفت: عرض کردم خیر. فرمود: صراط مستقیم ولایت علی علیه السلام و امامان بعد از اوست. سپس فرمود: آیا معنای «وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ» را می دانی؟ عرض کردم: خیر. فرمود: به خدا سوگند منظور ولایت فلان و فلان است. فرمود: آیا معنای «فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ» را می دانی؟ عرض کردم: خیر. فرمود: یعنی، راه علی علیه السلام.

(۳) در کتاب آیات الولاية صفحه ۱۱۹، آمده است:

و فی تفسیر القمی، اخبرنا الحسن بن علی عن ابيه، عن الحسين بن سعيد، عن محمد بن سنان، عن ابي خالد القماط، عن ابي بصير، عن ابي جعفر علیه السلام فی قوله: «وَأَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ» قال: نحن السبيل فمن ابي فهذه السبل فقد كفر.

حسن بن علی از پدرش، از حسین بن سعید، از محمد بن سنان، از ابی خالد قماط، از ابی بصیر از ابی جعفر امام باقر علیه السلام روایت کرده که آن حضرت در ذیل آیه «این راه من مستقیم است. پس، پیرو آن شوید و به راه‌های دیگر مروید که شما را از راه وی پراکنده کند.» فرمود: ماییم این راه که خدا فرموده و هر که زیر بار آن نرود باید بداند که راه‌های دیگر سبب کفر او می شود.

پس، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و سیزده معصوم دیگر صراط مستقیم هستند که انسان را به خداوند وصل می کنند. هم اکنون حضرت بقیة الله الاعظم (عج) صراط مستقیم خداوند است و هر کس پیرو ایشان باشد در صراط مستقیم حرکت می کند و هر که در این صراط نباشد، در صراط مستقیم نیست.

آیه سی و پنجم

● حضرت قائم (عج) «طالب بدم المقتول بکربلا» می باشد.

خداوند در سوره انعام آیه ۱۶۴، می فرماید:

﴿وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ﴾

هیچ کس بارگناه دیگری را (بر دوش) بر نخواهد داشت.

(۱) در کتاب ینابیع الموده باب ۷۱ صفحه ۴۲۴، آمده است:

عن عبد السلام بن صالح الهروی قال: قلت لعلی الرضا بن موسی الکاظم علیه السلام: یا بن رسول الله، ما تقول فی حدیث روی جدک جعفر الصادق علیه السلام انه قال اذا قام قائمنا المهدي قتل ذراری قتلة الحسین علیه السلام بفعال ابائهم. فقال هو ذلك قلت فقول الله عزوجل: ﴿وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ﴾ ما معناه؟ فقال: صدق الله فی جميع اقواله لكن ذراری قتلة الحسین علیه السلام یرضون و یفتخرون بفعال ابائهم و من رضی شیئاً کمن فعله و لو ان رجلاً قتل فی المشرق فرضی بقتله رجل فی المغرب لکان شریک القاتل.

از عبد السلام هروی که او گوید: خدمت حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام عرض کردم یا بن رسول الله، شما چه می فرمایید در حدیثی که روایت شده از جد شما امام صادق علیه السلام که فرمودند: هنگامی که قائم قیام کند، تمام فرزندان و ذراری کشندگان امام حسین علیه السلام را به سبب کردار بد پدرانشان خواهد کشت. حضرت فرمودند: این حدیث درست است و جد ما فرمودند. عرض کردم: پس معنای قول خداوند که می فرماید: «هیچ کس بارگناه دیگری را (بر دوش) بر نخواهد داشت.» چه می شود؟ حضرت علیه السلام فرمودند: خداوند متعال تمام و کامل فرمودند و صدق الله. آن گاه حضرت فرمودند: فرزندان و ذرار قاتلان حسین علیه السلام که به اعمال پدرانشان راضی بودند و نیز به اعمال آبا و اجدادشان افتخار می کردند آن ها را قائم علیه السلام می کشد.

آن کس که راضی باشد به اعمال قومی، مثل آن است که آن عمل را به جای آورده

باشد. اگر مردی در مشرق کشته شود و مرد دیگری در مغرب از این عمل او راضی باشد و خشنود شود، او شریک قاتل شمرده می شود.

(۲) در بحار الانوار نوشته علامه بزرگوار مجلسی مجلد ۱۰ صفحه ۱۵۰، آمده است:

القائم منّا اذا قام طلب بئار الحسین علیه السلام.

قائم موعود (عج) از ماست و هنگامی که قیام کند او طالب خون سیدالشهدا حسین بن علی علیه السلام است.

(۳) در کتاب دلائل الامامة طبری صفحه ۲۳۹، آمده است:

و من قتل مظلوماً فقد جعلنا لولیه سلطاناً فلا یسرف فی القتل.

حضرت باقر علیه السلام فرمودند: درباره آیه بالا، هر کس مظلوم کشته شود، خداوند برای ولی دم او حاکمیت حق قرار داده است. حضرت علیه السلام فرمودند: مقصود از «من قتل مظلوماً» حسین بن علی علیه السلام است که مظلوم کشته شد و ما اولیای او هستیم. چون قائم ما قیام کند، در طلب انتقام خون حسین علیه السلام برمی آید... مقتول حسین علیه السلام است و ولی او قائم (عج) است.

(۴) در کتاب مصباح المتعجد و کتاب مفاتیح الجنان، آمده است:

حضرت باقر علیه السلام فرمودند: در روز عاشورا به یکدیگر این گونه تعزیت و تسلیت بگویید:

اعظم الله اجورنا بمصابنا بالحسین علیه السلام و جعلنا و ایاکم من الطالبین بئاره مع ولیه الامام المهدی من آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم.

خداوند اجر ما و شما را در مصیبت حسین علیه السلام بزرگ گرداند و ما و شما را از کسانی قرار دهد که به همراه ولیش امام مهدی از آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم طلب خون آن حضرت کرده، به خون خواهی او برخیزیم.

آیه سی و ششم

● در ظهور ولی عصر (عج) آیات الهی ظاهر می شود.

خداوند در سوره انعام آیه ۱۵۸، می فرماید:

﴿هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ تَأْتِيَهُمُ الْمَلَائِكَةُ أَوْ يَأْتِيَ رَبُّكَ أَوْ يَأْتِيَ بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ يَوْمَ يَأْتِي بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيْمَانِهَا خَيْرًا قُلِ انْتَضِرُوا إِنَّا مُنْتَظِرُونَ﴾

روزی که بعضی از نشانه‌ها و معجزات و آیات پروردگارت بیاید، کسی را که پیش از آن ایمان نیاورده و یا در ایمانش خیری کسب نکرده است، ایمان او سودی برایش نخواهد داشت. بگو منتظر باشید. ما نیز از منتظران هستیم.

(۱) در تفسیر الدر المنثور نوشته حافظ امام عبد الرحمن السیوطی (شافعی) مجلد ۳ صفحه ۳۸۹، آمده است:

اخرج احمد و عبد بن حمید فی سنده و الترمذی و ابویعلی و ابن ابی حاتم و ابوالشیخ و ابن مردویه عن ابی سعید الخدری عن النبی فی قوله: ﴿يَوْمَ يَأْتِي بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ﴾ قال: طلوع الشمس من مغربها.

امام احمد حنبل در مسندش و ترمذی و دیگران از ابی سعید خدری و او از رسول خدا ﷺ نقل می کند درباره این آیه «روزی که بعضی از نشانه‌ها و معجزات و آیات پروردگارت بیاید.» حضرت فرمودند: آن روز، روزی است که خورشید (بر خلاف همیشه) از غرب طلوع خواهد کرد.

(۲) در تفسیر الدر المنثور نوشته حافظ امام عبد الرحمن السیوطی (شافعی) مجلد ۳ صفحه ۳۸۹، در ذیل همین آیه نظیر این حدیث را که پیامبر ﷺ فرمودند: «طلوع الشمس من مغربها»، در بیش از ده مورد، نقل می کند.

(۳) در تفسیر الدر المنثور نوشته حافظ امام عبد الرحمن السیوطی (شافعی)

مجلد ۳ صفحه ۳۸۹، آمده است:

اخرج عبد بن حمید و عبد الرزاق و احمد و البخاری و مسلم و ابوداود و النسائی و ابن ماجه و ابن المنذر و ابوالشیخ و ابن مردویه و البیهقی فی البعث عن ابی هریره قال: قال رسول الله ﷺ: لا تقوم الساعة حتی تطلع الشمس من مغربها فاذا طلعت وراها الناس آمنوا اجمعون فذلک حین لا ینفع نفساً ایمانها ثم قراء الآیة.

بخاری و مسلم و ابوداود و نسائی و ابن ماجه و ابن المنذر و ابوالشیخ و ابن مردویه و بیهقی از ابوهریره نقل می کنند که حضرت رسول ﷺ فرمودند: ساعة بر پا نمی شود تا زمانی که خورشید از مغرب طلوع کند و زمانی که چنین شود و مردم خورشید را بالای سر خود می بینند، همه ایمان می آورند و بعد از این آیه و این نشانه که مردم دیدند، اگر ایمان نیاورند دیگر ایمان آنها سودی ندارد.

ما می دانیم که قبل از قیامت این نظام مادی دنیا از هم می پاشد و نابود می شود چنان که در سوره تکویر از آیات ۱ به بعد آمده است:

﴿إِذَا الشَّمْسُ كُوِّرَتْ ○ وَ إِذَا النُّجُومُ انْكَدَرَتْ ○ وَ إِذَا الْجِبَالُ سُيِّرَتْ ○ وَ إِذَا الْعِشَارُ عُطِّلَتْ ○ وَ إِذَا الْوُحُوشُ حُشِرَتْ ○ وَ إِذَا الْبِحَارُ سُجِّرَتْ ○ وَ إِذَا النُّفُوسُ زُوِّجَتْ...﴾.

هنگامی که آفتاب تابان تاریک شود و ستارگان درخشان آسمان تیره و تار شوند و زمانی که کوه ها از جای خود جدا شده و پرت می شوند و زمانی که شتران عشار خود را زمین می گذارند و زمانی که وحوش محشور می شوند و آن گاه که دریاها آتش می گیرند...

پس دیگر در قیامت، خورشید این دنیا وجود ندارد که از مغرب طلوع کند و مردم ببینند و ایمان بیاورند. برای اینکه کاملاً مشخص شود که در آیه و حدیث مذکور منظور از «ساعة» ظهور مهدی (عج) است، به حدیث زیر توجه فرمایید:

(۴) در تفسیر الدر المنثور نوشته حافظ امام عبد الرحمن السیوطی (شافعی) مجلد ۳ صفحه ۳۸۹، آمده است:

واخرج ابن ابی شیبہ و احمد و عبد بن حمید و مسلم و الترمذی و ابن جریر و ابن مردویه

و البیهقی عن ابی ہریرہ. عن النبی ﷺ قال: ثلاث اذا خرجت ﴿ لا ینفَعُ نفساً ایمانها لم تَکُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلِ ﴾ الدجال و الدابة و طلوع الشمس من مغربها.

ابن ابی شیبہ و امام احمد حنبل و عبد بن حمید و مسلم نیشابوری (صاحب صحیح) و ترمذی (صاحب صحیح) و ابن جریر و ابن مردویہ و بیہقی از ابی ہریرہ از پیامبر ﷺ نقل می کنند: زمانی آیات خداوند ظاهر می شود که سه علامت در آن است:

اول خروج دجال

دوم دابة الارض

سوم طلوع خورشید از مغرب

همه این ها از علامات ظهور مهدی موعود (عج) است.

(۵) به هر حال سیوطی در الدر المنثور از صفحه ۳۸۸ تا ۴۰۱، احادیثی را در ذیل این آیه می آورد و نشانه هایی نقل می کند که شیعه و سنی همه معتقدند این نشانه ها قبل از قیام قائم موعود ﷺ است، نظیر:

۱. طلوع الشمس من مغربها

۲. الدجال

۳. الدابة

۴. الدخان

۵. دابة الارض

۶. خویصة احدکم و امرالعامه

۷. فینزعون الی المساجد

۸. فضج الناس ضجة واحدة

۹. یأجوج و مأجوج

۱۰. الصور

۱۱. نزول عیسی بن مریم ﷺ

۱۲. ثلاثة خسوف (خسوف بالمشرق و خسوف بالمغرب و خسوف بجزيرة العرب)

۱۳. نار تخرج من قعر عدن او الیمن

همه می دانند که این علایم قبل از قیام قائم موعود علیه السلام به وقوع می پیوندد. این نکته قابل ذکر است که آیات قرآنی دارای ظاهر و باطن و تأویل و تنزیل و... است. آیات قرآنی مصادیق مختلفی دارد و مصادیق آن را هم رسول خدا صلی الله علیه و آله و ائمه طاهرین علیهم السلام مشخص می کنند. ما منکر این نکته نیستیم که این آیه درباره قیامت کبری نیز هست، زیرا یکی از علایم قیامت کبری ظهور مهدی موعود است، اما علایم فوق قبل از قیام قائم است و یا به زبان دیگر علایم فوق، علایم ظهور قیامت صغری است. (۶) صاحب کتاب ینابیع المودة، باب ۸۸، این کتاب را ذکر احادیث وارده در طلوع خورشید از مغرب اختصاص داده و در صفحه ۴۷۶ این کتاب آورده است:

ابوهریره: رفعه لا تقوم الساعة حتی تطلع الشمس من مغربها فاذا طلعت آمن الناس کلهم اجمعون فیؤمئذ ﴿ لا ینفع نفساً ایمانها لم تکن آمنت من قبل او کسبت فی ایمانها خیراً ﴾ للشیخین و ابی داود.

حافظ قندوزی حنفی از ابوهریره نقل می کند که گفت: ساعت پیش نخواهد آمد تا زمانی که خورشید از محل غروب خود طلوع کند. پس زمانی که چنین شد، مردم همه ایمان می آورند و در آن روز کسی که قبلش ایمان نیاورده است، دیگر ایمانش سودی برایش نمی دهد. آن گاه مؤلف می گوید: للشیخین و ابی داود؛ یعنی، این روایت را شیخین؛ یعنی، بخاری و مسلم (صاحبان صحیح) و ابی داود (صاحب صحیح) نقل کرده اند.

(۷) صاحب ینابیع المودة علیه السلام در صفحه ۴۲۲، این کتاب آورده است:

و عن علی بن رباب عن جعفر الصادق علیه السلام فی قوله تعالی: ﴿ یوم یتبئی بعض آیات ربک لا ینفع نفساً ایمانها لم تکن آمنت من قبل او کسبت فی ایمانها خیراً قل انتظروا انا منتظرون ﴾ قال: الایات الائمة من اهل البیت وبعض آیات ربک القائم المنتظر علیه السلام فلا ینفع نفساً ایمانها لم تکن آمنت من قبل عند قیامة بالسیف و ان آمنتم بمن تقدمه من آباءه علیهم السلام.

علی بن رباب از امام جعفر صادق علیه السلام درباره این فرموده خداوند «روزی که بعضی از

نشانه‌ها و معجزات و آیات پروردگارت بیاید، کسی که پیش از آن ایمان نیاورده و یا در ایمانش خیری کسب نکرده است، ایمان او سودی برایش نخواهد داشت. بگو منتظر باشید. ما نیز از منتظران هستیم.» آورده است که منظور از آیات، ائمه از اهل بیت هستند و منظور از «بعض آیات ربک» قائم منتظر علیه السلام است. زمان قیام آن امام، که با شمشیر قیام می‌کند، ایمان آن‌هایی که پیش از قیام او ایمان نیاورده‌اند فایده نمی‌بخشد، گرچه به امامان قبل از او ایمان آورده باشند.

(۸) حدثنا المظفر بن جعفر بن المظفر العمري السمرقندي رضا قال حدثنا محمد بن جعفر بن مسعود و حيدر بن محمد بن نعيم السمرقندي، جميعاً، عن محمد بن عيسى، عن يونس بن عبد الرحمن، عن علي بن ابي حمزة، عن ابي بصير قال: قال الصادق جعفر عليه السلام في قول الله عز وجل: «يَوْمَ يَأْتِي بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيْمَانِهَا خَيْرًا»؛ یعنی، خروج القائم المنتظر منّا. ثم قال عليه السلام: يا ابا بصير، طوبى لشيعة قائمنا المنتظرين لظهوره في غيبته و المطيعين له في ظهوره. اولئك اولياء الله الذين لا خوف عليهم و لا هم يحزنون.

امام صادق عليه السلام در تفسیر قول خداوند «روزی که بعضی از نشانه‌ها و معجزات و آیات پروردگارت بیاید، کسی را که پیش از آن ایمان نیاورده یا در ایمانش خیری کسب نکرده است، ایمان او سودی برایش نخواهد داشت.» فرمودند: مقصود خروج قائم منتظر (عج) از ماست. سپس، فرمودند: ای ابابصیر، خوشا به حال شیعیان قائم (عج) ما که در حال غیبتش انتظار ظهورش را دارند و در حال ظهورش او را فرمانبردارند. آنانند دوستان خدا که نه ترسی دارند و نه اندوهگین می‌شوند.

آیه سی و هفتم

● ظهور امام زمان (عج) در حروف رمزی حروف مقطعة قرآن است.

خداوند در سورة اعراف آیه ۱، می فرماید:

﴿المص﴾

المص (حروف مقطعة قرآن یا حروف نورانی، حروفی است که دنیایی از اسرار در آن نهفته است.)

* در تفسیر عیاشی مجلد ۲ صفحه ۳، آمده است:

العیاشی بإسناده عن خثیمة عن ابی لبید المخزومی قال: قال ابو جعفر علیه السلام: یا ابالبید، انه یملك من ولد العباس اثنا عشر یقتل بعد الثامن منهم اربعة فتصیب احدهم الذبحة فتدبحه فئة قصيرة اعمارهم، قليلة مدّتهم، خبیثة سیرتهم، منهم الفویسق الملقب بالهادی و الناطق و الغاوی.

یا ابالبید انّ فی حروف [القرآن] المقطعة لعلماً جمّاً، ان الله تبارک و تعالی انزل: [الم ذلك الكتاب] فقام محمّد صلی الله علیه و آله و سلم حتی ظهر نوره و ثبت کلمته و وُلد یوم ولد و قد مضی من الالف السابع مائة سنة و ثلاث سنین ثم قال: و تبیانہ فی کتاب الله فی الحروف المقطعة اذا عددتها من غیر تکرار و لیس من حروف المقطعة حرف ینقضی [ال] ایام الا و قائم من بنی هاشم عند القضاء.

ثم [قال]: الالف واحد واللام ثلاثون و المیم اربعون والصاد تسعون فذلك مائة و إحدى و ستون، ثم کان بدو خروج الحسین بن علی علیه السلام [الم الله] فلما بلغت مدّته قام قائم وُلد العباس عند [المص] و یقوم قائمنا عند انقضائها بالراء، فافهم ذلك و عه و کتمه.

عیاشی به سند خود از خثیمة از ابولبید مخزومی آورده که گفت: امام باقر علیه السلام فرمودند: ای ابولبید، همانا از فرزندان عباس دوازده تن زمامدار می شوند که پس از هشتمین تن آنها چهار تن کشته خواهند شد. پس یکی از ایشان را سر می برند. گروهی

که عمرشان کوتاه، مدت زمامداریشان اندک و شیوه‌شان پلید می‌باشد، از جمله آن‌ها آن فاستمی است که ملقب به هادی است و ناطق و غاوی.

ای ابولبید، همانا در حروف مقطعه [قرآن] علم بسیاری هست. همانا خدای تبارک و تعالی نازل فرموده: [الم ذلک الکتاب] پس، حضرت محمد ﷺ به پا خاست تا اینکه نورش آشکار شد و سخنش در دل‌ها نشست و روز ولادتش ۱۰۳ از هزاره هفتم گذشته بود.

سپس، فرمود: و نشانه این در کتاب خداوند در حروف مقطعه است، هرگاه آن‌ها را بدون تکرار شماره کنی. هیچ‌یک از حروف مقطعه نیست مگر اینکه چون مدتش بگذرد یکی از فرزندان هاشم پس از گذشت آن به پا خواهد خاست.

سپس فرمود: الف یکی و لام سی و میم چهل و صاد نود و (جمع) آن ۱۶۱ می‌شود. آن‌گاه آغاز خروج حسین بن علی علیه السلام: [الم الله] بود و چون مدتش به آخر رسید قائم از فرزندان عباس هنگام [المص] قیام کند و قائم ما هنگام منقضی شدن آن در «الر» به پا خواهد خاست. پس این را بفهم و خوب تدبر و حفظ کن و آن را از (نا اهل) مخفی بدار.

آیه سی و هشتم

● هر کس امام زمان (عج) را ببیند باید بگوید «الحمد لله الذی هدانا لهذا و کنا یهتدی».

خداوند در سوره اعراف آیه ۴۳، می فرماید:

﴿وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ﴾

ستایش خدایی را که ما را به این (نعمت) رهبری کرد که اگر خدایمان ما را رهبری نکرده بود، هدایت نمی شویم.

* در تفسیر صافی مجلد ۱ صفحه ۱۹۳ و کتاب آیات الولاية صفحه ۱۲۳، آمده است:

عن الصادق عليه السلام فی هذه الآية: اذا كان يوم القيامة دعى بالنبي صلى الله عليه وآله و بامير المؤمنين عليه السلام و بالائمة عليها السلام فينصبون للناس فاذا راتهم شيعتهم ﴿وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ﴾.

از حضرت صادق عليه السلام در تفسیر این آیه روایت شده که فرمودند: هنگامی که قیامت برپا می شود، رسول خدا صلى الله عليه وآله و امیرالمؤمنین عليه السلام و امامان عليهم السلام به صحنه قیامت دعوت می شوند. همین که چشم شیعیان آن بزرگواران به آنها می افتد همگی می گویند: ستایش خدایی را که ما را به این (نعمت) رهبری کرد که اگر خدایمان ما را رهبری نکرده بود، هدایت نمی شویم.

همان طوری که ملاحظه می فرمایید ذکر ﴿وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ﴾ ذکر شیعیان واقعی در قیامت است، آن گاه که چشم آنها به پیامبر صلى الله عليه وآله و امیرالمؤمنین عليه السلام و یازده امام از فرزندان امیرالمؤمنین عليه السلام می افتد برای سپاس از درگاه الهی این ذکر را می گویند. ما باید از خداوند بخواهیم که از شیعیان واقعی اهل بیت باشیم و در حال حاضر این مقصود حاصل نمی شود مگر اینکه از شیعیان و دوستان و محبین واقعی امام زمان (عج) باشیم.

آیه سی و نهم

● یکی از مجوزهای ورود به بهشت، معرفت اهل بیت و امام زمان علیه السلام است. خداوند در سوره اعراف آیه ۴۶، می فرماید:

﴿وَبَيْنَهُمَا حِجَابٌ وَعَلَى الْأَعْرَافِ رِجَالٌ يَعْرِفُونَ كُلًّا بِسِيمَاهُمْ وَنَادُوا أَصْحَابَ الْجَنَّةِ أَنْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ لَمْ يَدْخُلُوهَا وَهُمْ يَطْمَعُونَ﴾

میان جهنمیان و بهشتیان حائلی است و بالای آن مردمانند که همه را به علائمشان می شناسند و اهل بهشت ندا دهند که سلام بر شما. اینان به بهشت درنیامده اند اما علاقه و طمع دارند که وارد بهشت شوند.

(۱) در کتاب مجمع البیان مجلد ۴ صفحه ۴۲۳، آمده است:

قال ابو جعفر الباقر علیه السلام: لا يدخل الجنة الا من عرفهم و عرفوه و لا يدخل النار الا من انكرهم و انكروه.

امام باقر علیه السلام فرمودند: آنها آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم هستند که هر کس آنها را بشناسد و آنها او را بشناسند وارد بهشت می شود و هر کس آنها را منکر باشد و آنها منکر وی باشند داخل دوزخ می شود.

(۲) در کتاب المیزان مجلد ۸ صفحه ۱۴۷، آمده است:

عن ابی بصیر عن ابی عبد الله علیه السلام: ﴿وَعَلَى الْأَعْرَافِ رِجَالٌ يَعْرِفُونَ كُلًّا بِسِيمَاهُمْ﴾، قال: نحن الاعراف من عرفنا فم آله الى الجنة و من انكرنا فم آله الى النار.

ابابصیر از امام صادق علیه السلام روایت کرده در تفسیر آیه ﴿وَعَلَى الْأَعْرَافِ رِجَالٌ يَعْرِفُونَ كُلًّا بِسِيمَاهُمْ﴾ فرموده: ما اصحاب اعراف هستیم. چرا که هر کس ما را بشناسد، بازگشتش به سوی بهشت و هر که ما را انکار کند سرانجام کارش به سوی دوزخ خواهد بود.

(۳) در تفسیر صافی نوشته ملا محسن فیض کاشانی در ذیل آیه مذکور صفحه ۱۹۳، آمده است:

و فی الکافی عن امیرالمؤمنین علیه السلام فی هذه الآیة نحن علی الاعراف تعرف انصارنا بسیماهم و نحن الاعراف الذی لا یعرف الله عزوجل الا بسبیل معرفتنا و نحن الاعراف یوقفنا الله عزوجل یوم القیامة بین الجنة و النار.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تفسیر این آیه فرمودند: ما بر اعراف هستیم که یاران خود را به سیمایشان می شناسیم و ما هستیم اعرافی که توسط معرفت ما خداوند شناخته خواهد شد و ما هستیم اعرافی که خداوند ما را بین بهشت و جهنم متوقف می سازد.

(۴) در تفسیر صافی صفحه ۱۹۳، آمده است:

عن الباقر علیه السلام : الرجال هم الائمة من آل محمد صلی الله علیه و آله و الاعراف صراط بین الجنة و النار. فمن شفح له الائمة منا من المؤمنین المذنبین نجا و من لم یشفعوا له هوی فیہ.

امام باقر علیه السلام فرمودند: منظور از رجال در آیه، ائمه از آل محمد صلی الله علیه و آله هستند و منظور از اعراف پل و راه بین بهشت و جهنم است. هر کس شفاعت ما شامل حالش شود نجات خواهد یافت و هر کس را ما شفاعت نکنیم در آتش دوزخ خواهد افتاد.

(۵) در تفسیر صافی صفحه ۱۹۳، آمده است:

عن سلمان قال سمعت رسول الله صلی الله علیه و آله یقول لعلی علیه السلام اکثر من عشر مرّات یا علی انک و الاوصیاء من بعدک اعرف بین الجنة و النار و لا یدخل الجنة الا من عرفکم و عرفتموه و لا یدخل النار الا من انکرکم و انکرتموه.

سلمان فارسی می گوید متجاوز از ده بار از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیده که به علی علیه السلام خطاب فرموده: به درستی که تو و جانشینان بعد از تو اعرف بین بهشت و جهنم هستید. هر کس شما را بشناسد و شما او را بشناسید وارد بهشت می شود و هر که شما را نشناسد و انکار کند و شما او را نشناسید، داخل دوزخ می شود.

توجه می فرمایید که رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرمایند: تو و جانشینان تو بر اعراف

هستید و امیرالمؤمنین علیه السلام می فرمایند: «نحن علی الاعراف» امام باقر علیه السلام می فرمایند: «الرجال هم الائمة من آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم و الاعراف صراط بین الجنة و النار».

پس قبل از بهشت، اعراف است و در اینجا ائمه طاهرین قرار دارند. کسانی وارد بهشت می شوند که اینها را بشناسند و ما در حال حاضر وظیفه داریم که اینها را خوب بشناسیم. مخصوصاً حضرت صاحب الزمان (عج) را که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم درباره ایشان فرمودند:

«من مات ولم يعرف امام زمانه مات میتة الجاهلية مات میتة الكفر و النفاق.»

آیه جهلم

● امیرالمؤمنین و ائمة طاهرین و در حال حاضر امام زمان علیه السلام اعراف هستند.

خداوند در سوره اعراف آیه ۴۸، می فرماید:

﴿ وَ نَادَىٰ أَصْحَابُ الْأَعْرَافِ رِجَالًا يَعْرِفُونَہُمْ بِسِيمَاهُمْ قَالُوا مَا أَغْنَىٰ عَنْكُمْ جَمْعُكُمْ وَ مَا كُنْتُمْ تَسْتَكْبِرُونَ ﴾

و اصحاب و یاران اعراف ندا دادند کسانی را که به سیمایشان می شناسند و گفتند: جمعتان و استکبارتان شما را بی نیاز نکرد.

* حافظ قندوزی حنفی در کتاب ینابیع المودة، می گوید:

عن سلمان الفارسی رضی اللہ عنہ قال سمعت رسول الله صلی اللہ علیہ وسلم يقول لعلي رضی اللہ عنہ اكثر من عشر مرّات: يا علي انك و الاوصياء من ولدك اعراف بين الجنة و النار و لا يدخل الجنة الا من عرفكم و عرفتموه و لا يدخل النار الا من انكرکم و انكرتموه.

سلمان فارسی رضی اللہ عنہ می گوید متجاوز از ده بار از رسول خدا صلی اللہ علیہ وسلم شنیده که به علی رضی اللہ عنہ خطاب فرموده: به درستی که تو و جانشینان بعد از تو که همه از فرزندان من هستند، اعراف بین بهشت و جهنم هستید. هر کس شما را بشناسد و شما او را بشناسید (به عنوان شیعیان خودتان) وارد بهشت می شود و هر که شما را نشناسد و انکار کند و شما او را نشناسید (به پیروی از خود) داخل دوزخ می شود. در این حدیث امیرالمؤمنین علی رضی اللہ عنہ و اوصیاء ایشان که همه از اولاد رسول خدا صلی اللہ علیہ وسلم هستند و تعدادشان دوازده نفر است، همه بر اعراف بین بهشت و جهنم هستند و امام مهدی (عج) دوازدهمین نفر از آنها است که خداوند انشاء الله قلب مقدس این بزرگوار را از ما راضی گرداند و از خداوند بخواهد به ما معرفت عنایت فرماید که حضرت صادق رضی اللہ عنہ می فرمایند: اللهم

عرفنى نفسك فانك ان لم تعرفنى نفسك لم أعرف نبيك. اللهم عرفنى رسولك فانك ان لم تعرفنى رسولك لم اعرف حجتك. اللهم عرفنى حجتك فانك ان لم تعرفنى حجتك ضللتُ عن دينى. اللهم لا تمتنى ميتة الجاهلية ولا تزغ قلبى بعد إذ هدَيْتَنى.^١

١. كمال الدين شيخ صدوق، اصول كافي.

آیه چهل و یکم

● بسیاری از آیات قرآن با ظهور امام زمان تأویل می‌شود.

خداوند در سوره اعراف آیه ۵۳، می‌فرماید:

﴿هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا تَأْوِيلَهُ يَوْمَ يَأْتِي تَأْوِيلَهُ﴾

آیا (کافران) انتظار می‌کشند تا تأویل (آیاتی که منکر آن بودند) فرا رسد؟ منتظر تأویل آیات و تحقق آن روز موعود هستند؟ روزی که در آن آیات الهی تأویل شود فرا خواهد رسید.

* در تفسیر برهان مجلد ۲ صفحه ۲۳ و تفسیر عیاشی مجلد ۱ صفحه ۲۳۵ و کتاب المحججه فی ما انزل فی القائم الحجة صفحه ۱۲۹، آمده است:

علی بن ابراهیم فی تفسیره المنسوب الی الصادق علیه السلام قال فهو من الآيات التي تأويلها بعد تنزيلها [قال] قال: ذلك في [يوم] القائم عليه السلام و يوم القيامة: «يقول الذين نسوه من قبل» ای ترکوه: «قد جاءت رُسُلُ رَبِّنَا بِالْحَقِّ فَهَلْ لَنَا مِنْ شُفْعَاءٍ فَيَشْفَعُوا لَنَا» قال: قال هذا يوم القيامة: «او نُردِّ فنعمل غير الذي كُنَّا نعمل قد خسروا انفسهم و اضلّ عنهم» أي بطل عنهم «ما كانوا يفترون».

علی بن ابراهیم در تفسیر خود که منسوب به امام صادق علیه السلام است آورده که فرمود: این از آیاتی است که تأویل آن‌ها بعد از تنزیلش می‌باشد [گوید] فرمود: آن در [دوران] حضرت قائم علیه السلام است و روز قیامت «آنان که از پیش آن را فراموش کرده‌اند» یعنی ترک گفته‌اند. [گویند] همانا رسولان پروردگاران حق را برایمان بیان داشتند [ای کاش مخالفت نمی‌کردیم] یا آیا [امروز] شفیعانی داریم که به شفاعت ما برخیزند؟» گوید: فرمود: این روز قیامت است: «[آنان گویند] ای کاش بار دیگر به دنیا باز می‌گشتیم که غیر از اعمال زشتی که می‌کردیم اعمال خوبی انجام دهیم. به راستی که کافران به خود زیان کرده‌اند و از ایشان گم شد»؛ یعنی، باطل شد «آنچه را که در دنیا افترا می‌زدند».

توجه بفرمایید که انسان مؤمن و متقی و باهوش سعی می‌کند قبل از قیام قائم موعود (عج) او را بشناسد که این شناسایی موجب فلاح و رستگاری اوست.

آیه چهل و دوم

● خداوند هم در انتظار با منتظرین است.

خداوند در سوره اعراف آیه ۷۱، می فرماید:

﴿فَانْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنتَظِرِينَ﴾

انتظار (ظهور مهدی را) بکشید که من هم با شما از منتظرین هستم.

(۱) در تفسیر برهان مجلد ۲ صفحه ۲۳ و کتاب کمال الدین مجلد ۲ باب ۵۹ صفحه ۳۵۸، آمده است:

العیاشی عن احمد بن محمد عن ابی الحسن الرضا علیه السلام قال سمعته یقول ما احسن الصبر و انتظار الفرج أما سمعت قول الله عزوجل ﴿وَازْتَقِبُوا إِنِّي مَعَكُمْ رَقِيبٌ﴾ ﴿فَانْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنتَظِرِينَ﴾.

عیاشی نقل می کند از احمد بن محمد و... از ابی الحسن الرضا علیه السلام که فرمودند: چقدر صبر و انتظار فرج خوب است. آیا نشنیده ای که خداوند می فرماید: «انتظار کشید که من با شما از منتظرین هستم و شما صبر کنید زیرا فرج در ناامیدی می آید و هر آینه کسانی که پیش از شما بودند، از شما صابرتر بودند.»

(۲) در کتاب کمال الدین مجلد ۲ باب ۵۹ صفحه ۳۵۸ حدیث ۴ آمده است:

عن محمد بن عبد الحمید عن محمد بن فضیل عن ابی الحسن الرضا علیه السلام قال سألته عن الفرج قال ان الله عزوجل یقول ﴿فَانْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنتَظِرِينَ﴾

محمد بن فضیل می گوید از حضرت رضا علیه السلام از فرج و ظهور (امام زمان علیه السلام) پرسش کردم. حضرت فرمودند: همانا خداوند عزوجل فرموده است: «انتظار کشید که من با شما از منتظرین هستم.»

آیه چهل و سوم

● سرانجام سلطنت زمین از آن رسول خدا و ائمه طاهرین و امام زمان علیه السلام است.

خداوند در سوره اعراف آیه ۱۲۸، می فرماید:

﴿قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ اسْتَعِينُوا بِاللَّهِ وَاصْبِرُوا إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ﴾

حضرت موسی علیه السلام به قوم خود فرمود: (ای قوم) از خداوند یاری بخواهید و صبر کنید. به درستی که زمین از آن خداست. او به هر کس از بندگانش که بخواهد آن را واگذار خواهد کرد و سرانجام (زمین) از آن متقین خواهد بود.

(۱) در کتاب کافی مجلد ۲ صفحه ۲۶۶، آمده است:

محمد بن یعقوب باسناده عن احمد بن محمد [بن عیسی]، عن ابن محبوب، عن هشام بن سالم، عن ابی خالد الکابلی، عن ابی جعفر علیه السلام قال: وجدنا فی کتاب علی علیه السلام: «إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ» أنا و اهل بیتی الذین اورثنا [الله] الارض و نحن المتقون و الارض کلها لنا فمن احیا ارضاً من المسلمین فلیعمرها و لیؤدّ خراجها الی الامام من اهل بیتی و له ما اکل منها [فان ترکها او اخرجها و اخذها رجل من المسلمین من بعده فاعمرها و احیایها فهو احق بها من الذی ترکها یؤدی خراجها الی الامام من اهل بیتی و له ما یأکل منها] حتی یشهر القائم علیه السلام فی اهل بیتی بالسیف فیحویها و یمنعها و یخرجهم منها کما حواها رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و منعها الا من کان فی ایدی شیعتنا، یقاتعهم علی ما فی ایدیهم و یترک الارض فی ایدیهم.

محمد بن یعقوب به سند خود از احمد بن محمد [بن عیسی]، از ابن محبوب، از هشام بن سالم، از ابی خالد کابلی، از ابی جعفر امام باقر علیه السلام آورده که فرمودند: در کتاب حضرت علی علیه السلام یافتیم [فرمود]: «به درستی که زمین از آن خداست. او به هر کس از

بندگانش که بخواهد آن را واگذار خواهد کرد و سرانجام (زمین) از آن متقین خواهد بود. « من و خاندانم هستیم، آنان که [خداوند] زمین را به ما واگذارده و ماییم متقیان و همه زمین برای ماست. پس، هر که از مسلمانان زمینی را احیا نمود باید آن را معمور بدارد و خراج آن را به امام از اهل بیت من بپردازد و هر چه از آن برداشت نماید برای او خواهد بود [پس چنانچه آن را رها سازد یا خراب کند و مردی از مسلمانان پس از [اعراض] او، آن را بگیرد و معمور بدارد و احیا سازد، نسبت به آن زمین شایسته‌تر از کسی است که آن را ترک گفته باشد. خراجش را به امام از خاندان من بپردازد و آنچه از آن به دست می‌آورد از آن او خواهد بود تا آن‌گاه که قائم علیه السلام از خاندانم با شمشیر به پا خیزد. پس آن زمین‌ها را تصرف نماید و از متصرفین جلوگیری کند و آن‌ها را از آن زمین‌ها اخراج نماید. همچنان‌که رسول خدا صلی الله علیه و آله زمین‌ها را تصرف فرمود و از متصرفین جلوگیری کرد مگر زمین‌هایی که در اختیار شیعیان ما باشد که [حضرت قائم علیه السلام] با خود ایشان قرارداد بندد و زمین را در دستشان باقی گذارد.

(۲) در تفسیر عیاشی مجلد ۲ صفحه ۲۵، آمده است:

و رواه العیاشی فی تفسیره بإسناده عن ابی خالد الکابلی عن ابی جعفر علیه السلام.

عیاشی نیز این مطلب را در تفسیر خود از ابو خالد کابلی از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده است.

آیه جهل و چهارم

● در انجیل نام رسول خدا ﷺ و امام قائم (عج) آمده است.

خداوند در سوره اعراف آیه ۱۵۷، می فرماید:

﴿الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ فَاَلَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾

آنان که پیروی کنند از رسول و پیامبر امی [حضرت محمد ﷺ] در تورات و انجیلی که نزد آنان است [نام او و اوصافش] نگاشته یابند [که آن رسول] آن‌ها را امر به معروف و نهی از منکر خواهد کرد و چیزهای پاکیزه را برایشان حلال و پلیدی‌ها را حرام می‌گرداند و بار سنگین و غل و زنجیرهایی که بر گردنشان بود، از آن‌ها برگیرد. پس کسانی که ایمان آورند و او را گرامی داشته و یاری نموده و از آن نوری که همراه وی نازل گشت پیروی کردند، آنان همان رستگارانند.

* در اصول کافی مجلد ۱ صفحه ۴۲۹، آمده است:

محمد بن یعقوب عن عدة من اصحابنا عن احمد بن محمد بن ابی نصر عن حماد بن عثمان عن ابی عبیده الحذاء قال سألت ابا جعفر عليه السلام عن الاستطاعة و قول الناس. قال و تلا هذه الآية ﴿وَلَا يَزَالُونَ مُخْتَلِفِينَ ۝ إِلَّا مَنْ رَحِمَ رَبُّكَ وَلِذَلِكَ خَلَقَهُمْ﴾ يا ابا عبیده، الناس مختلفون فی اصابة القول و كلهم هالك قال: قلت قوله ﴿إِلَّا مَنْ رَحِمَ﴾ قال عليه السلام: هم شيعتنا و لرحمته خلقهم و هو قوله: ﴿وَلِذَلِكَ خَلَقَهُمْ﴾ يقول عزوجل بطاعة الامام الرحمة التي يقول ﴿وَرَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ﴾ يقول علم الامام و وسع علمه الذي هو من علمه: ﴿كُلُّ شَيْءٍ﴾ هو شيعتنا. ثم قال: ﴿فَسَاكُنْتُمْهَا الَّذِينَ يَتَّقُونَ﴾: یعنی، ولایة غیر الامام و طاعته

ثم قال: ﴿يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ﴾؛ یعنی، النبی ﷺ و الوصی و القائم ﷺ ﴿يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ﴾ اذا قام و ﴿وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ﴾ و المنکر من انکر فضل الامام و جحده ﴿وَ يُجِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ﴾ اخذ العلم من اهله ﴿وَ يُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ﴾ و الخبائث قول من خالف ﴿وَ يَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ﴾ و هی الذنوب التي كانوا فيها قبل معرفتهم فضل الامام ﴿وَ الْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ﴾ و الاغلال ما كانوا يقولون مما لم يكونوا امروا به من ترك فضل الامام. فلما عرفوا فضل الامام وضع عنهم إصرهم و الإصر الذن [و] ب و هی الآصار، ثم نسبهم فقال: ﴿فَالَّذِينَ آمَنُوا بِهِ﴾؛ یعنی، بالامام ﴿وَ عَزَّوهُ وَ نَصَرُوهُ وَ اتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾؛ یعنی، الذين اجتنبوا الجبت و الطاغوت ان يعبدوها و الجبت و الطاغوت فلان و فلان و العبادة طاعة الناس لهم ثم قال: ﴿وَ أَنْبِئُوا إِلَى رَبِّكُمْ وَ أَسْلِمُوا لَهُ مِنْ قَبْلِ﴾ ثم جزاهم فقال: ﴿لَهُمُ الْبَشْرَى فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ فِي الْآخِرَةِ﴾ و الامام يبشرهم بقيام القائم ﷺ و بظهوره و بقتل اعدائهم و بالنجاة في الآخرة و الورود على محمد ﷺ و الصادقين على الحوض.

محمد بن يعقوب از عدهای از اصحابمان از احمد بن محمد بن محمد بن ابی نصر از حماد بن عثمان از ابی عبیده حذاء آورده که گفت: از حضرت باقر علیه السلام درباره استطاعت و سخنان مردم پرسیدم. آن حضرت در حالی که این آیه را تلاوت کرد «مردم همواره (از لحاظ عقیده) مختلف خواهند بود مگر آن را که پروردگار تو رحم فرماید [و به راه حق هدایت کند] و برای همین آنان را آفرید.» فرمود: ای ابو عبیده، مردم در رسیدن به قول [حق] در اختلافند و همگی در معرض هلاکند. راوی گوید عرضه داشتم فرموده خداوند «مگر آن را که پروردگار تو رحم فرماید» آن حضرت فرمود: آنان شیعیان مایند و برای رحمت [خاص] خود ایشان را آفریده و همین است که فرموده «و برای همین آنان را آفرید» خدای عزوجل می فرماید: برای اطاعت امام آن رحمتی که فرموده «و رحمت من همه چیز را فرا گرفته» منظور خداوند علم امام است که از علم خداوند سرچشمه می گیرد و «همه چیز» را فرا گرفته، ایشان شیعیان مایند. سپس، [امام باقر علیه السلام] فرمود: «[آن رحمت] را برای کسانی که پرهیز می کنند خواهم نوشت»؛ یعنی، از ولایت و اطاعت غیر امام

پرهیز می کنند. سپس، فرمود: او «را نزد خود در تورات و انجیل نوشته می یابند» منظور از «او» پیغمبر ﷺ و وصی و قائم ﷺ می باشد. «آنان را به معروف امر می کند» هرگاه به پا خیزد «و از منکر ایشان را باز می دارد» و منکر کسی است که برتری و فضیلت امام را انکار نماید و رد کند «و چیزهای پاکیزه را برایشان حلال می نماید» [یعنی] گرفتن علم از اهل آن «و پلیدی ها را بر آنان حرام می دارد» [پلیدی ها] گفتار مخالفین است. و بار سنگین را از گردنشان برگیرد «و آن گناہانی است که پیش از شناخت فضیلت امام در آن ها بودند» و غل و زنجیرهایی که بر آن ها بود «و غل ها همان حرف هایی است که بر زبان می راندند در ترک فضیلت امام، در صورتی که به آن امر نشده بودند. پس، چون فضل امام را شناختند بارشان را از دوششان کنار گذاشت و «اصر» همان گناه است و گناہان بارهای سنگینند. آن گاه خداوند آنان را معرفی کرد و فرمود: «آنان که به او ایمان آوردند»؛ یعنی، به امام «و او را گرمی داشته و یاری نموده و از آن نوری که همراه وی نازل گشت پیروی کردند، آنان همان رستگارانند»؛ یعنی، کسانی که دوری گزیدند از عبادت جبت و طاغوت و منظور از جبت و طاغوت فلان و فلان است و عبادت، همان اطاعت مردم از ایشان می باشد. سپس، فرمود: «و به درگاه خداوند توبه و انابه کنید و تسلیم امر او شوید (پیش از آنکه...)» سپس، ایشان را پاداش داده و فرماید: «برای آنان مزدگانی و بشارت در زندگی دنیا و آخرت خواهد بود» و امام آنان را به قیام حضرت قائم ﷺ و ظهور او و کشته شدن دشمنانشان و نجات در آخرت و وارد شدن بر حضرت محمد ﷺ و امامان راستین ﷺ کنار حوض [کوثر] بشارت می دهد.

آیه چهل و پنجم

● مهم‌ترین رجعت‌کنندگان در زمان ظهور قائم آل محمد (عج)

هنگامی که امام زمان (عج) در مسجد الحرام قیام می‌فرمایند، عده‌ای از مؤمنین به حضرت موسی و هفت تن از اصحاب کهف و یوشع بن نون وصی حضرت موسی علیه السلام و مؤمن آل فرعون و سلمان و ابودجانه انصاری و مالک اشتر و مقداد بن اسود رجعت می‌کنند.

خداوند در سوره اعراف آیه ۱۵۹، می‌فرماید:

﴿وَمِنْ قَوْمِ مُوسَى أُمَّةٌ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ﴾

و جماعتی از قوم موسی عده‌ای را به حق هدایت می‌نمایند و به آن باز می‌گردند.

(۱) در کتاب دلائل الامامة صفحه ۲۴۷، آمده است:

ابوجعفر محمد بن جریر طبری فی کتابه قال: حدثني ابو عبد الله الحسين بن عبد الله الخرقی قال [حدثنا ابو محمد هارون بن موسی، قال حدثني ابو علي محمد بن همام] قال: حدثنا جعفر بن محمد بن مالک، قال: حدثنا اسحاق بن محمد الصیرفی، عن اسحاق [محمد] بن ابراهیم الغزالی، قال حدثني عمران الزعفرانی، عن المفضل بن عمر قال:

قال ابو عبد الله عليه السلام: اذا ظهر القائم عليه السلام من ظهر هذا البيت بعث الله معه سبعة و عشرين رجلاً، منهم اربعة عشر رجلاً من قوم موسی و هم الذين قال [الله تعالی]: ﴿وَمِنْ قَوْمِ مُوسَى أُمَّةٌ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ﴾ و اصحاب الكهف سبعة و المقداد و جابر الانصاری و مؤمن [آل] فرعون و یوشع بن نون وصی موسی.

ابوجعفر محمد بن جریر طبری در کتابش گوید: برای من حدیث گفت ابو عبد الله حسین بن عبد الله خرقی، او گفت: [حدیث کرد ما را ابو محمد هارون بن موسی، او گفت حدیث کرد ما را ابو علی محمد بن همام] از جعفر بن محمد بن مالک، او از اسحاق بن محمد صیرفی از اسحاق [محمد] بن ابراهیم غزالی، وی از عمران زعفرانی، از مفضل بن عمر که گفت:

امام صادق علیه السلام فرمودند: هرگاه قائم علیه السلام از پشت این بیت (خانه کعبه) ظاهر شود، خداوند با او ۲۷ مرد برانگیزد. آن‌ها چهارده تن از قوم موسی هستند و ایشانند که [خدای تعالی] فرموده: «و جماعتی از قوم موسی عده ای را به حق هدایت می‌نمایند و به آن باز می‌گردند.» و اصحاب کهف هفت تن و مقداد و جابر انصاری و مؤمن [آل فرعون] و یوشع بن نون وصی موسی.

(۲) در کتاب روضة الواعظین صفحه ۲۲۸، آمده است:

ابن الفارسی فی روضة الواعظین: قال الصادق علیه السلام یخرج [ال] لقائم علیه السلام من ظهر الکعبة سبعة و عشرون رجلاً، [خمسة عشر] من قوم موسی الذین کانوا یهدون بالحق و به یعدلون و سبعة من اصحاب الکهف و یوشع بن نون و سلمان و ابودجانه الانصاری و المقداد [بن الاسود] و مالک الاشر فیکونون بین یدیه انصاراً و حکاماً.

ابن فارسی در روضة الواعظین آورده که امام صادق علیه السلام فرمودند: برای [یاری] حضرت قائم علیه السلام از پشت کعبه بیست و هفت مرد بیرون می‌آیند [پانزده تن] از قوم موسی آنان که به حق هدایت می‌کرده و به آن باز می‌گشتند و هفت نفر از اصحاب کهف و یوشع بن نون و سلمان و ابودجانه انصاری و مقداد [بن الاسود] و مالک اشتر. پس، در پیشگاه آن حضرت یاران و حاکمانی خواهند بود.

(۳) در تفسیر عیاشی مجلد ۲ صفحه ۳۲، آمده است:

والذی رواه العیاشی فی تفسیره بإسناده عن المفضل بن عمر، عن ابی عبدالله علیه السلام قال: اذا قام قائم آل محمد علیه السلام استخرج من ظهر الکعبة سبعة و عشرين رجلاً، خمسة عشر من قوم موسی الذین یقضون بالحق و به یعدلون و سبعة من اصحاب الکهف و یوشع وصی موسی و مؤمن آل فرعون و سلمان الفارسی و ابادجانه الانصاری و مالک الاشر.

عیاشی در تفسیر خود آن را به سند خود از مفضل بن عمر، از امام صادق علیه السلام روایت کرده که فرمودند: هرگاه، قائم آل محمد علیه السلام به پا خیزد، از پشت کعبه ۲۷ مرد را بیرون می‌آورد؛ پانزده تن از قوم موسی، آنان که به حق قضاوت نموده و به آن باز می‌گردند، هفت تن از اصحاب کهف، یوشع وصی حضرت موسی علیه السلام، مؤمن آل فرعون، سلمان فارسی، ابودجانه انصاری و مالک اشتر.

آیه چهل و ششم

● رسول خدا و ائمه طاهرین و امام زمان علیه السلام اسماء الله هستند.

خداوند در سوره اعراف آیه ۱۸۰، می فرماید:

﴿وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ فَادْعُوهُ بِهَا وَذَرُوا الَّذِينَ يُلْحِدُونَ فِي أَسْمَائِهِ
سَيُجْزَوْنَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾

خداوند را نام‌های بسیار نیکویی است. شما وی را بدان نام‌ها بخوانید و کسانی که در نام‌های وی کجروی می‌کنند، شما آن‌ها را واگذارید و آن‌ها به‌زودی سزای اعمال (بدشان) را خواهند دید.

(۱) در تفسیر صافی مجلد ۱ صفحه ۶۲۸، آمده است:

قال ابو عبد الله عليه السلام: نحن والله الاسماء الحسنی الذي لا يقبل من احد طاعة الا بمعرفتنا قال فادعوه بها.

اما صادق عليه السلام فرمودند: به خدا سوگند ما بی‌م اسماء حسناى الهی که بدون معرفت ما از احدی عبادت قبول نگردهد. بنابراین، خداوند را با اسماء حسنايش (که ما باشیم) بخوانید.

(۲) در تفسیر صافی مجلد ۱ صفحه ۶۲۸ و کتاب اختصاص شیخ مفید صفحه ۲۵۲، آمده است:

و العیاشی عن الرضا عليه السلام قال: اذا نزلت بكم شدة فاستعينوا بنا على الله و هو قول الله ﴿وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ فَادْعُوهُ بِهَا﴾.

در تفسیر عیاشی حضرت رضا عليه السلام فرمودند: هرگاه، گرفتاری‌ها و مشکلات شدید به شما روی آورد، با واسطه قرار دادن ما خداوند را بخوانید. چنان‌که خداوند می فرماید: «خداوند را نام‌های بسیار نیکویی است. شما وی را به آن نام‌ها بخوانید.»

ما معتقدیم که همه چیز از آن خداوند است. همه قدرت‌ها همه نیروها، همه

عظمت‌ها، همه شکوه‌ها و جلال‌ها... همه متعلق به اوست و او بر اساس رحمت و فیض خویش به بندگان، هر چه بخواهد و هر قدر که بخواهد، می‌بخشد و بندگان هر چه دارند از اوست و خودشان به خودی خود هیچ چیز ندارند.

خداوند عده‌ای را بسیار قوی عظمت و باشکوه خلق کرده است. چیزهایی به آن‌ها داده است که به دیگران نداده است تا این‌ها واسطه بین خودش و همه مخلوقاتش باشند. این واسطه‌ها رسول خدا ﷺ و ائمه طاهرین و در حال حاضر امام زمان (عج) هستند. این‌ها اسماء الله می‌باشند و این مقام را ذات اقدس الهی به آن‌ها تفویض فرموده است. خداوند کلامش را در دهان ایشان گذاشته و با دهان این‌ها با بشر صحبت می‌کند. این‌ها آینه تجلی خداوند هستند و خود خداوند ایشان را اسماء الله نامیده است. این‌ها «مثل» خداوند نیستند، زیرا «لیس کمِثله شیء» است؛ یعنی هیچ چیز مثل او نیست، بلکه این‌ها «مَثَل» خداوند هستند: «أنتم المَثَلُ الأعلى».

اگر این‌ها اسماء الله گشته‌اند، خود خداوند آنان را اسماء الله کرده است.

ما همه شیران ولی شیر عَلم	حمله‌مان از باد باشد دم به دم
حمله‌مان از باد و ناپیداست باد	جان فدای آنکه ناپیداست باد

آیه چهل و هفتم

● ائمة طاهرین «أمة يهدون بالحق» می باشند و در حال حاضر امام زمان علیه السلام عهده دار این مقام است.

خداوند در سوره اعراف آیه ۱۸۱، می فرماید:

﴿وَمِمَّنْ خَلَقْنَا أُمَّةً يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ﴾

و از کسانی که آفریدیم (و از مخلوقاتی که خلق کردیم) گروهی هستند که مردم را به حق راهنمایی و هدایت می نمایند و به حق حکومت عادلانه می نمایند و به حق مردم را تعدیل می نمایند.

(۱) در کتاب شواهد التنزیل نوشته حاکم حسکانی صفحه ۱۷۲ آیه ۴۲، آمده است:

خبر داد ما را عقیل بن حسن... ابوبکر محمد بن سلیمان عطاردی در بصره، ابوبکر گوید: خبر داد ما را ابومعاویه از اعمش و از مجاهد، از ابن عباس در فرموده خداوند عزوجل: ﴿وَمِمَّنْ خَلَقْنَا أُمَّةً يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ﴾ رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: ﴿وَمِمَّنْ خَلَقْنَا أُمَّةً﴾ و از کسانی که خلق کردیم امتی یا گروهی را، منظور از گروه؛ یعنی، از گروه محمد، معلم در خیرات قرار دادیم. معلم در خیرات علی بن ابی طالب علیه السلام است. ﴿يَهْدُونَ بِالْحَقِّ﴾ مردمان را به حق هدایت می نمایند؛ یعنی، ای محمد، اگر پس از تو مردمان را به حق می خوانند ﴿وَبِهِ يَعْدِلُونَ﴾ و مردم بعد از تو از خلافت حقه علی روی برمی گردانند.

منظور از امت در آیه «نشانه و علمدار خیر» است. نظیر آن در آیه ﴿إِنَّ إِبْرَاهِيمَ كَانَ أُمَّةً﴾ پرچمدار خیر و نشان دهنده خیر و معلم امور نیک آمده است.

(۲) در کتاب شواهد التنزیل نوشته حاکم حسکانی صفحه ۱۷۲، در حدیثی دیگر، آمده است:

در کتاب فهم القرآن از امام جعفر صادق علیه السلام در معنی فرموده خداوند متعال: ﴿وَمِمَّنْ خَلَقْنَا أُمَّةً يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ﴾ فرمودند: این آیه برای آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم است، زیرا آن‌ها راهنمای به حق و دلایل حق و معدل به حق و موصل به آخرین مرتبه تقرب به ساحت قدس حق هستند. همچنین یافتیم این حدیث را به خط ابی سعد این دوست در دفترش.

(۳) در تفسیر الدر المنثور نوشته حافظ عبد الرحمن سیوطی مجلد ۳ صفحه ۶۱۷، آمده است:

واخرج ابن ابی حاتم عن الربیع فی قوله ﴿وَمِمَّنْ خَلَقْنَا أُمَّةً يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ﴾ قال: قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: ان من امتی قوماً علی الحق حتی ینزل عیسی بن مریم متی ما نزل.

در این حدیث پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در ذیل آیه ﴿وَمِمَّنْ خَلَقْنَا أُمَّةً يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ﴾ می فرمایند: همانا از میان امت من تا نزول عیسی علیه السلام قومی هستند که مردم را به حق دعوت می کنند و در احادیث دیگر آمده است این امت، آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم هستند و ما می دانیم که حضرت مسیح علیه السلام در زمان قائم آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم از آسمان نازل می گردد. پس، از مجموعه این احادیث می توان نتیجه گرفت که ﴿أُمَّةً يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ﴾ آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه بعد از رسول خدا هستند که به حق حکم خواهند کرد و به حق حکومت عدل بر پا خواهند نمود. در حال حاضر نیز وجود اقدس حضرت حجة بن الحسن العسکری (عج) دارای این مأموریت الهی است، همان طور که خداوند می فرماید: ﴿یهدی الله بنوره من یشاء﴾ و او نور خداوند است.

آیه چهل و هشتم

● وقت قیام قائم علیه السلام عندالله است و کسی نمی داند.

این حدیث مشهور است که فرموده اند: هر کس برای قیام قائم موعود وقت تعیین کند دروغگوست و قیام قائم موعود به طور ناگهانی «بغتة» بر پا می شود.

خداوند در سوره اعراف آیه ۱۸۷، می فرماید:

﴿يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَاهَا قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ رَبِّي لَا يُجَلِّيهَا لِوَقْتِهَا إِلَّا هُوَ ثَقُلَتْ فِي السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ لَا تَأْتِيكُمُ إِلَّا بَغْتَةً يَسْأَلُونَكَ كَأَنَّكَ حَفِيٌّ عَنْهَا قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ اللَّهِ وَ لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ﴾

از تو درباره ساعت می پرسند که زمان آن چه موقعی است و کی واقع می شود. بگو (ای پیامبر): جز این نیست که آگاهی از آن نزد پروردگارم است و کسی جز او آن را در وقت خویش آشکار نمی کند و آن بر اهل آسمانها و زمین بسیار عظیم و سنگین است و نمی آید بر شما مگر به طور ناگهانی (بغتة)

✽ حافظ قندوزی حنفی در کتاب ینابیع المودة، آمده است:

قال: روی المفضل بن عمر عن الصادق علیه السلام انه قال: ساعة قیام القائم علیه السلام قریب.

مفضل بن عمر از حضرت صادق علیه السلام نقل می کند که فرمودند: منظور از «ساعة» قیام قائم موعود علیه السلام است.

همان طوری که قبلاً گفتیم، در آیات الهی و احادیث نبوی دو قیامت یا دو «ساعة» مطرح است: اول قیامت صغری دوم قیامت کبری. قیامت صغری قیام قائم آل محمد علیهم السلام است و قیامت کبری همان قیامت موعود است که پس از بر هم خوردن این نظام ظاهری بر پا می شود که جز خداوند کس دیگری وقت هر دو قیامت را نمی داند؛ یعنی، وقت قیام قائم علیه السلام را فقط خدا می داند و هر دو قیامت ناگهان بر پا می شوند و قیام مهدی موعود (عج) نیز این گونه است.

آیه چهل و نهم

● خداوند امام زمان علیه السلام را به سه وسیله یاری می کند؛ ملائکه، مؤمنین و رعب.

خداوند در سوره انفال آیه ۵، می فرماید:

﴿كَمَا أَخْرَجَكَ رَبُّكَ مِنْ بَيْتِكَ بِالْحَقِّ وَإِنَّ فَرِيقًا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ لَكَارِهُونَ﴾

چنانچه خداوند تو را از خانه خود به حق بیرون آورد و گروهی از مؤمنان سخت رأی خلاف و

کراهت اظهار کردند. پیرو امر خداوند باش و از خلق اندیشه مدار.

* در کتاب غیبت نعمانی صفحه ۱۹۸ حدیث ۹، آمده است:

علی بن احمد... عن عبد الرحمن بن کثیر، عن ابي عبد الله علیه السلام فی قول الله عزوجل ﴿أَتَى أَمْرُ اللَّهِ فَلَا تَسْتَعْجِلُوهُ﴾^۱ قال هو امرنا امر الله عزوجل أن لا تستعجل به حتی یؤیده (الله) بثلاثة (اخبار) الملائكة و المؤمنین و الرعب و خروجه علیه السلام کخروج رسول الله صلی الله علیه و آله و ذلك قوله تعالی ﴿كَمَا أَخْرَجَكَ رَبُّكَ مِنْ بَيْتِكَ بِالْحَقِّ﴾.

علی بن احمد از عبدالله بن موسی علوی نقل می کند... و او از عبد الرحمن بن کثیر و او از ابي عبدالله، امام صادق علیه السلام که آن حضرت در تفسیر آیه شریفه ﴿أَتَى أَمْرُ اللَّهِ فَلَا تَسْتَعْجِلُوهُ﴾، «امر خداوند فرا رسید، پس در شتابش نباشید.»

فرمود: امر خدا همان امر ماست (قیام قائم آل محمد علیهم السلام) که خداوند عزوجل فرموده است که در این باره عجله و شتاب نشود تا آنکه خداوند او را (امام زمان علیه السلام را) به سه وسیله یاری فرماید: (اول) فرشتگان، (دوم) مؤمنین و (سوم) رعب خروج آن حضرت علیه السلام مانند خروج رسول خدا صلی الله علیه و آله است، آنجا که خداوند می فرماید: «چنانچه خداوند تو را از خانه خود به حق بیرون آورد و گروهی از مؤمنان سخت رأی خلاف و کراهت اظهار کردند. پیرو امر خداوند باش و از خلق اندیشه مدار.»

اگر در آیه دقت شود:

اولاً «امر» و کار امام زمان (عج) کار خداوند است: «هو أمرنا أمر الله».

ثانياً خداوند امام زمان را به سه وسیله یاری می‌کند: ملائکه، مؤمنین واقعی و اصحاب آن حضرت، رعب و ترسی که در دل کفار ایجاد می‌شود.

آیه پنجاهم

● به دنبال غیر امام زمان علیه السلام رفتن «فتنه» است.

خداوند در سوره انفال آیه ۲۵، می فرماید:

﴿وَأَتَّقُوا فِتْنَةً لَا تُصِيبَنَّ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْكُمْ خَاصَّةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ﴾

از فتنه‌ای که فقط به ستمگران شما نمی‌رسد بترسید و بدانید که خداوند سنگین مجازات می‌کند.

(۱) در کتاب عیاشی مجلد ۲ صفحه ۵۳ و در تفسیر صافی مجلد ۱ صفحه ۶۵۶ آمده است:

و فی العیاشی عن الصادق علیه السلام فی هذه الآیة، قال: اصابت الناس فتنه بعد ما قبض الله نبيه صلی الله علیه و آله و سلم حتی ترکوا علیاً علیه السلام و بایعوا غیره و هی الفتنه التي فتنوا بها و قد امرهم رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم باتباع علی علیه السلام و الاوصیاء من آل محمد صلوات الله علیهم اجمعین.

از امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه روایت شده آمده است که فرمود: بعد از رحلت حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم مردم گرفتار فتنه شدند و علی بن ابی طالب علیه السلام را ترک کردند و به غیر او روی آوردند. این فتنه‌ای بود که به آن مبتلا گردیدند و حال آنکه رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم به آنها امر کرده بود تا از علی علیه السلام و امامان بعد از او آل محمد علیهم السلام پیروی کنند.

(۲) در کتاب مجمع البیان مجلد ۴ صفحه ۵۳۴، آمده است:

عن الحاکم باسناده عن قتاده، عن سعید بن المسيب، عن ابن عباس قال: لما نزلت هذه الآیة: ﴿وَأَتَّقُوا فِتْنَةً﴾ قال النبی صلی الله علیه و آله و سلم: من ظلم علیاً مقعدی هذا بعد وفاتی فکانما جحد نبوتی و نبوة الانبیاء من قبلی.

از ابن عباس روایت شده است که وقتی این آیه نازل شد «از فتنه بترسید»، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: هر کس پس از وفات من به علی علیه السلام ظلم کند، گویا نبوت من و انبیاء پیشین را انکار کرده است.

آیه پنجاه و یکم

● ائمة طاهرين كلمات الله و امام زمان كلمة الله است.

خداوند در سورة انفال آیه ۷، می فرماید:

﴿وَيُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُحِقَّ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ وَيَقْطَعَ دَابِرَ الْكَافِرِينَ﴾

و خداوند می خواهد که حق را به وسیله کلماتش ثابت گرداند و ریشه کافران را از بیخ و بن برکند.

(۱) در تفسیر صافی مجلد ۱ صفحه ۶۳۹ و تفسیر برهان مجلد ۲ صفحه ۶۸، آمده است:

فقال علي بن ابراهيم القمي الكلمات الائمة عليهم السلام.

علي بن ابراهيم قمي گفت: كلمات امامان عليهم السلام هستند.

(۲) در تفسیر عیاشی مجلد ۲ صفحه ۵۰، آمده است:

العیاشی عن جابر قال: سألت ابا جعفر عليه السلام عن تفسیر هذه الآية في قول الله عز وجل: ﴿وَيُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُحِقَّ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ وَيَقْطَعَ دَابِرَ الْكَافِرِينَ﴾ قال ابو جعفر عليه السلام: تفسیرها فی الباطن یرید الله فانه شیء یریده و لم یفعله بعد و اما قوله ﴿يُحِقُّ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ﴾ فانه یعنی، یحق حق آل محمد و اما قوله ﴿بِكَلِمَاتِهِ﴾ قال: كلمته فی الباطن، علی هو كلمة الله فی الباطن و اما قوله ﴿وَيَقْطَعَ دَابِرَ الْكَافِرِينَ﴾ فهم بنو امیة، هم الكافرون یقطع الله دابرهم و اما قوله ﴿لِيُحِقَّ الْحَقَّ﴾ فانه یعنی لیحق حق آل محمد عليهم السلام حين یقوم القائم عليه السلام و اما قوله ﴿وَيُبْطِلُ الْبَاطِلَ﴾ یعنی القائم عليه السلام، فاذا قام یبطل باطل بنی امیة و ذلك قوله ﴿لِيُحِقَّ الْحَقَّ وَ يُبْطِلَ الْبَاطِلَ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُجْرِمُونَ﴾.

عیاشی به سند خود از جابر آورده که گفت: از حضرت باقر عليه السلام راجع به تفسیر این آیه پرسیدم که خدای عزوجل فرموده: «و خداوند می خواهد که حق را به وسیله کلماتش ثابت گرداند و ریشه کافران را از بیخ و بن برکند.» حضرت فرمودند: تفسیرش

آن است که در باطن، خدا چنین می خواهد. زیرا، این چیزی است که آن را می خواهد و هنوز به انجام نرسانده اما منظور از قول خداوند؛ «حق را به وسیله کلماتش ثابت گرداند.» منظور، احقاق حق آل محمد ﷺ می باشد و این که فرموده «به وسیله کلماتش» حضرت فرمود: کلمات او در باطن و علی ﷺ همان کلمه خداوند در باطن است. اما مقصود از قول خداوند: «و ریشه کافران را از بیخ و بن برکنند.» اینان بنی امیه هستند. آن هایند کافران، خداوند دنباله آنان را قطع خواهد کرد و اینکه فرمود: «تا حق را تحقق بخشد»؛ یعنی، حق آل محمد ﷺ را تحقق بخشد، هنگامی که حضرت قائم ﷺ قیام می کند و اما قول خداوند «و باطل را محو و نابود می سازد»؛ یعنی، حضرت قائم ﷺ باطل می سازد که چون قیام کند، باطل بنی امیه را از بین خواهد برد و این است معنی قول خداوند «تا حق را پایدار و محقق نماید و باطل را محو و نابود سازد، هر چند که مجرمان را ناخوش آید.»

آیه پنجاه و دوم

● وجود حضرت بقیة الله الاعظم (عج) امانت الهی در نزد ماست.

خداوند در سوره انفال آیه ۲۷، می فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَخُونُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ وَتَخُونُوا أَمَانَاتِكُمْ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ﴾

ای کسانی که ایمان آورده اید، به خداوند و به رسول خدا خیانت نکنید و خیانت نکنید در امانت‌هایی (که در اختیارتان می‌گذارند).

در این آیه اندیشه کنید که چه اماناتی خداوند و رسولش در اختیار ما گذاشته‌اند؛ مثلاً، جسم و جان ما اماناتی است که خداوند در اختیار ما قرار داده است. این همه نعمت‌ها، نعمت بینایی، شنوایی و... همه امانات است. قرآن کریم نیز از امانات است و از همه این‌ها بالاتر در حال حاضر ولی عصر (عج) امانتی است که خداوند او را نعمت بسیار بزرگ و امانت برای ما قرار داده است که باید در این امانت خیانت نکنیم.

* در کتاب شواهد التنزیل نوشته حاکم حسکانی حنفی صفحه ۱۷۳ آیه ۴۳، آمده

است:

حاکم می‌گوید: در عتیق روایت شده از یونس بن بکار و او از پدرش و او از حضرت ابی جعفر محمد بن علی الباقر علیه السلام روایت کرده است که آن حضرت فرمودند: خداوند بزرگ فرموده است: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَخُونُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ وَتَخُونُوا أَمَانَاتِكُمْ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ فِي آلِ مُحَمَّدٍ﴾: ای کسانی که ایمان آورده اید، به خداوند و به رسول خدا خیانت نکنید و خیانت نکنید در امانت‌هایتان (که خدا و رسولش و بندگان در اختیارتان می‌گذارند) در آل محمد و شما می‌دانید.

این حدیث، آل محمد را امانت در نزد ما می‌داند که ما باید در حفظ و حراست از آنها کوشا باشیم و در حال حاضر هیچ کس به عنوان آل محمد از ولی عصر اولی نیست و ولی عصر (عج) نزدیک‌ترین فرزند رسول خدا از آل محمد علیهم‌السلام است و در این عالم ناسوت هیچ کس نزدیک‌تر از امام زمان به آن حضرت نمی‌باشد و این بزرگوار امانت خداوند و امانت رسولش در نزد ماست.

آیه پنجاه و سوم

● حضرت امام زمان (عج) از اولیاء الله است.

خداوند در سوره انفال آیه ۳۴، می فرماید:

﴿وَمَا كَانُوا أَوْلِيَاءَهُ إِنْ أَوْلِيَاؤُهُ إِلَّا الْمُتَّقُونَ﴾

نبودند آن‌ها دوستان و اولیای خداوند، همانا اولیا و دوست او نیستند مگر متقین.

* در کتاب شواهد التنزیل نوشته حاکم حسکانی حنفی صفحه ۱۸۶ آیه ۴۷، آمده

است:

حاکم می گوید: خبر داد ما را منصور بن حسین از محمد بن جعفر، از ابراهیم بن اسحاق و او از قاسم بن یزید موصلی و او از ابی علی و او از ابی هارون و وی از انس بن مالک و او از رسول خدا ﷺ نقل می کند که حضرت در ذیل این آیه فرمودند: ﴿وَمَا كَانُوا أَوْلِيَاءَهُ إِنْ أَوْلِيَاؤُهُ إِلَّا الْمُتَّقُونَ﴾ آل محمد تمامی ایشان متقین هستند. اینکه آل محمد گفته می شود، منظور ائمه اثنی عشر است که همه آل محمد هستند و حضرت صاحب الزمان از این دوازده نفرند و ایشان از متقین است و قبلاً، این آیه را مطرح کردیم که خداوند می فرماید: ﴿إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ﴾ که گفتیم این آیه درباره ولی عصر (عج) است.

آیه پنجاه و چهارم

● در عصر مهدویت دین خداوند بر همه جا حاکم می شود.

خداوند در سوره انفال آیه ۳۹، می فرماید:

﴿وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَ يَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ فَإِنِ انْتَهَوْا فَإِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ بَصِيرٌ﴾

و مبارزه و جنگ و جهاد کنید تا هیچ فتنه‌ای باقی نماند و دین فقط برای خداوند باشد. پس اگر دست برداشتند، خداوند به آنچه می کنند بصیر و بیناست.

(۱) در کتاب ینابیع المودة نوشته حافظ قندوزی حنفی صفحه ۴۲۳، آمده است: و عن محمد بن مسلم قال: قلت للباقر عليه السلام ما تأويل قوله تعالى في الانفال ﴿وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَ يَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ فَإِنِ انْتَهَوْا فَإِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ بَصِيرٌ﴾ قال: يجيء تأويل هذه الآية فإذا جاء تأويلها يقتل المشركون حتى يوحدوا الله عزوجل و حتى لا يكون شرك و ذلك في قيام قائمنا.

حافظ قندوزی حنفی از محمد بن مسلم روایت کرده است که به خدمت امام باقر عليه السلام عرض کردم تأویل این آیه سوره انفال است که خداوند عزوجل می فرماید: «و مبارزه و جنگ و جهاد کنید تا هیچ فتنه‌ای باقی نماند و دین فقط برای خداوند باشد.» چیست؟ حضرت فرمودند: تأویل این آیه هنوز نیامده است. پس هنگامی که تأویل آن بیاید، با مشرکان پیکار خواهد شد تا زمانی که توحید خداوند را بپذیرند و مشرکی دیگر باقی نماند و این در قیام قائم ما خواهد بود.

(۲) در تفسیر مجمع البیان مجلد ۴ صفحه ۵۴۳، آمده است:

الطبرسی فی مجمع البیان قال روی زرارة و غيره عن ابي عبد الله عليه السلام [انه] قال: لم يجيء تأويل هذه الآية و لو قد قام قائمنا بعد سيريه من يدرك [ه] ما يكون من تأويل هذه الآية ليلغن دین محمد ما بلغ الليل حتى لا يكون [م] شرك على ظهر الارض.

شیخ طبرسی در مجمع البیان گوید: زراره و غیر او روایت کرده اند که حضرت صادق علیه السلام فرمودند: هنوز تأویل این آیه نیامده و چنانچه قائم ما به پا خیزد، هر کس آن زمان را درک کند، آنچه از تأویل این آیه انجام می شود را خواهد دید. همانا دین حضرت محمد صلی الله علیه و آله تا هر کجا که شب رسیده خواهد رسید تا آنجا که هیچ مشرکی بر روی زمین نخواهد ماند.

(۳) در تفسیر عیاشی مجلد ۲ صفحه ۵۶ تا ۶۱، آمده است:

العیاشی باسناده عن عبد الاعلی الحلبی قال: قال ابو جعفر علیه السلام یكون بصاحب هذا الامر غیبة فی بعض [هذه] الشعاب ثم اوماً ییده الی ناحية ذی طوی، حتی اذا کان قبل خروجه بلبلتین انتهى المولی الذی یكون بین یدیه حتی یلقى بعض اصحابه فیقول کم انتم ههنا؟ فیقولون: و الله لو یاوی بنا الجبال لا ویناها معه ثم یأتیهم من القابد [ة] فیقول: [لهم] اشیروا الی ذوی شأنکم [اسنانکم خ ل] و اخیارکم عشرة [عشیره] فیشیرون له [الیهم] فینطلق بهم حتی یأتون صاحبهم و یعدهم الی اللیلة الی تلیها. ثم قال ابو جعفر علیه السلام: [و الله] لکأنی انظر الیه و قد اسند ظهره الی الحجر ثم ینشد الله حقه، ثم یقول: یا ایها الناس، من یحاجنی فی الله فأنا اولی [الناس] بالله و من یحاجنی فی آدم فأنا اولی [الناس] بآدم. یا ایها الناس، من یحاجنی فی نوح فأنا اولی [الناس] بنوح. یا ایها الناس، من یحاجنی فی ابراهیم فأنا اولی بابراهیم. یا ایها الناس، من یحاجنی فی موسی فأنا اولی بموسی. یا ایها الناس، من یحاجنی فی عیسی فأنا اولی [الناس] بعیسی. یا ایها الناس، من یحاجنی فی محمد فأنا اولی [الناس] بمحمد صلی الله علیه و آله. یا ایها الناس، من یحاجنی فی کتاب الله فأنا اولی [الناس] بکتاب الله. ثم ینتهی الی المقام فیصلی عنده رکعتین ثم ینشد الله حقه. قال ابو جعفر علیه السلام هو و الله المضطرّ فی کتاب الله و هو قول الله: ﴿أَمَّنْ یُجِیبُ الْمَضْطَّرَّ إِذَا دَعَاهُ وَ یُکْشِفُ السُّوءَ وَ یَجْعَلُکُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ﴾ و جبرئیل علی المیزاب فی صورة طائر ایض فیكون اول خلق الله ینایعه جبرئیل و ینایعه الثلاثمائة و البضعة عشر رجلاً. قال: قال ابو جعفر علیه السلام: فمن ابتلی فی المسیر وافاه فی تلك الساعة و من لم یتل بالمسیر فقد عن فراشه ثم قال: هو و الله قول علی بن ابی طالب علیه السلام «المفقودون عن فرشهم» و هو قول الله ﴿فَاسْتَبِقُوا الْخَیْرَاتِ اَیْنَمَا تَکُونُوا

يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعاً» اصحاب القائم عليه السلام الثلاثمائة و بضعة عشر رجلاً، قال: هم والله الامة المعدودة التي قال الله في كتابه ﴿وَلَيُنْزِلُنَا عَنْهُمْ الْعَذَابَ إِلَى أُمَّةٍ مَعْدُودَةٍ﴾ قال: يجمعون في ساعة واحدة قزع كقزع الخريف، فيصبح بمكة فيدعوا الناس الى كتاب الله و سنة نبيه فيجيبه نفر يسير و يستعمل على مكة ثم يسير فيبلغه انه قد قتل عامله فيرجع اليهم فيقتل المقاتلة لا يزيد على ذلك شيئاً يعنى السبى، ثم ينطلق فيدعوا الناس الى كتاب الله و سنة نبيه عليه السلام و ابوالائمة لعلى بن ابى طالب عليه السلام و البراءة من عدوه و لا يسمى احداً حتى ينتهى الى البيداء فيخرج اليه جيش السفينانى فيأمر الله الارض فتأخذهم من تحت اقدامهم و هو قول الله ﴿وَلَوْ تَرَى إِذْ فَزِعُوا فَلَا فَوْتَ وَ أَخَذُوا مِنْ مَكَانٍ قَرِيبٍ ۝ وَ قَالُوا آمَنَّا بِهِ﴾ يعنى بقائم آل محمّد ﴿وَ قَدْ كَفَرُوا بِهِ﴾ يعنى بقائم آل محمّد الى آخر السورة فلا يبقى منهم الا رجلان يقال لهما وتر و وتير [ه] من مراد، وجوههما فى اقفيتهما يمشيان القهقرى يخبران الناس بما قفل باصحابهما ثم يدخل المدينة فتغيب عنهم عند ذلك قريش و هو قول على بن ابى طالب «والله لو ردت انّ عندنا [لودت قريش انّ عندها] موقفاً واحداً جزر جزور بكلمة ملكت و كلما طلعت عليه الشمس او غربت ثم لحدث حدثاً فاذا هو فعل ذلك قالت قريش اخرجوا بنا الى هذه الطاغية فوالله [ان] لو كان محمّد عليه السلام ما فعل و لو كان علويّاً ما فعل و لو كان فاطمياً ما فعل فيمنحه الله اکتافهم فيقتل المقاتلة و ليجا الدرّية. ثم ينطلق حتى ينزل الشقرة فيلقاهم حتى قتلوا عامله [فيبلغه انهم قد قتلوا عامله] فيرجع اليهم فيقتلهم مقتلة ليس قتل الحرة اليها شيء، ثم ينطلق يدعوا الناس الى كتاب الله و سنة نبيه و الولاية لعلى بن ابى طالب عليه السلام و البراءة من عدوه حتى اذا بلغ الثعلبية قام اليه رجل من صلب ابيه و هو من اشد الناس بيدنه و اشجعهم بقلبه ما خلا صاحب هذا الامر فيقول: يا هذا ما تصنع؟ فوالله انك لتجفل الناس اجفال النعم.. افبعهد من رسول الله عليه السلام ام بماذا؟.. فيقول المولى الذى ولى البيعة: و الله لتسكتنّ او لا ضربنّ الذى فيه عيناك، فيقول له القائم عليه السلام: اسكت يا فلان، اى و الله انّ معى عهداً من رسول الله عليه السلام هات لى يا فلان العيبة و الطبقة و الزنفليجة، فيأتيه بها فيقره العهد من رسول الله عليه السلام فيقول: جعلنى الله فداك! اعطنى راسك اقبله فيعطيه راسه فيقبله [فيقبل] بين عينيه ثم يقول: جعلنى الله فداك جدّد لنا بيعة، فيجدد لهم بيعته.

قال ابو جعفر عليه السلام : لكأنى انظر اليهم مصعدين من نجف الكوفة الثلاثمائة و البضعة عشر رجلاً، كان قلوبهم زبر الحديد، جبرئيل عن عينيه و ميكائيل عن يساره، يسير الرعب امامه شهراً امدّه الله بخمسة آلاف من الملائكة مسؤمين حتى اذا سعد النجف قال لاصحابه: تعبدوا ليلىتكم هذه، فيبيتون بين راع و ساجد يتضرعون الى الله، حتى اذا اصبح قال: خذوا بنا طريق النخيلة و على الكوفة جند مجند قلت: جند مجند؟ قال اى و الله حتى ينتهى الى مسجد ابراهيم عليه السلام بالنخيلة فيصلى ركعتين فيخرج اليهم من كان بالكوفة من مرجئها و غيرهم من جيش السفينانى فيقول لاصحابه استطردوا لهم ثم يقول كروا عليهم، قال ابو جعفر عليه السلام : و لا يجوز والله الخندق منهم مجنه.

ثم يدخل الكوفة فلا يبقى مؤمن الا كان فيها او حن اليها، و هو قول امير المؤمنين عليه السلام ثم يقول لاصحابه سيروا الى هذا الطاغية فيدعوه الى كتاب الله و سنة نبيه، فيعطيه السفينانى من البيعة مسلماً، فيقول له كلب و هم اخواله: ما هذا ما صنعت و الله ما نبايعك على هذا ابداً فيقول ما اصنع؟ فيقولون استقتله، فيستقتله ثم يقول له القائم عليه السلام خذ حذرک فانى اديت اليك و انا مقاتلك، فيصبح فيق [ا] تلهم، فيمنحه الله اکتافهم و يأتى [و ياخذ] السفينانى اسيراً فينطلق به و يذبحه بيده ثم يرسل جريد فيل الى الروم فيستحضرون بقية بنى امية فاذا انتهوا الى الروم قالوا: اخرجوا الينا اهل ملتنا عندكم فيابون و يقولون و الله لا تفعل فتقول الجريدة: و الله لو امرنا لقاتلناكم ثم ينطلقون الى صاحبهم فيعرضون ذلك عليه، فيقول: انطلقوا فاخرجوا اليهم اصحابهم فان هؤلاء قد اتوا بسطان [عظيم] و هو قول الله ﴿فَلَمَّا أَحْسَسُوا بِأَسْنَانِ إِذَا هُمْ مِنْهَا يَرْكُضُونَ ۝ لَا تَرْكُضُوا وَ أَرْجِعُوا إِلَىٰ مَا أُتْرِفْتُمْ فِيهِ وَ مَسَاكِينِكُمْ لَعَلَّكُمْ تُسْأَلُونَ﴾ قال: يعنى الكنوز التى كنتم تكتزون ﴿يَا وَيْلَنَا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ﴾ فما زالت تلك دعواهم حتى جعلناهم حصيداً خامدين» لا يبقى منهم مخبر.

ثم يرجع الى الكوفة فيبعث الثلاثمائة و البضعة عشر رجلاً الى الآفاق كلها فيمسح بين اکتافهم و على صدورهم فلا يتعايون فى قضاء و لا تبقى [ارض] فى الارض قرية الا نودى فيها شهادة ان لا اله الا الله وحده لا شريك له و ان محمداً صلى الله عليه و آله و سلم رسول الله و هو قوله ﴿وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ طَوْعاً وَ كَرْهاً وَ إِلَيْهِ يُرْجَعُونَ﴾ و لا يقبل صاحب

هذا الامر الجزیة كما قبلها رسول الله ﷺ و هو قول الله ﴿وَ قَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةً وَ
يَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ﴾ قال ابو جعفر عليه السلام: يقاتلون و الله حتى يوحد الله و لا يشرك به شيئاً و
حتى تخرج العجوز الضعيفة من المشرق تريد المغرب و لا ينهاها احد و يخرج الله من
الارض بذرها و ينزل من السماء قطرها و يخرج الناس خراجهم على رقابهم الى المهدي عليه السلام
و يوسع الله على شيعتنا و لولا ما ينجز لهم من السعادة لبغوا فتنةً [فبيننا] صاحب هذا الامر قد
حكم ببعض الاحكام و تكلم ببعض السنن اذ خرجت [خارجة] من المسجد يريدون
الخروج عليه فيقول لاصحابه انطلقوا فتلحقوا بهم في التمارين فيأتون بهم أسرى ليأمر بهم
فيذبحون و هو آخر خارجة تخرج على قائم آل محمد عليه السلام.

عیاشی به سند خود از عبدالاعلیٰ حلبی آورده که گفت: حضرت ابو جعفر امام
باقر عليه السلام فرمودند:

به ناچار صاحب این امر را در یکی از این دره‌ها غیبتی خواهد بود - و با دست خود
به سوی ذی طوی اشاره فرمود - تا آن‌گاه که دو شب، به خروجش مانده خدمتکار
مخصوصش می‌آید و بعضی از اصحاب آن حضرت را می‌بیند و می‌پرسد: شما در
اینجا چند نفرید؟ می‌گویند: حدود چهل مرد، می‌گوید: اگر صاحب خویش را ببینید
چگونه خواهید بود؟ گویند: به خدا سوگند اگر دستور دهد که کوه‌ها را از جای برکنیم
خواهیم کند [اگر فرمان دهد به سوی کوه‌ها روی بریم در خدمت آن حضرت روی
خواهیم نمود].

سپس، فردای آن شب به نزدشان می‌آید و می‌گوید: از بزرگان و نیکان خودتان ده تن
را تعیین نمایید. آن‌ها را تعیین می‌کنند. پس او ایشان را با خود می‌برد تا اینکه به
خدمت صاحبشان شرف‌یاب می‌شوند و برای فردای آن شب به ایشان وعده می‌دهد.
آن‌گاه حضرت ابو جعفر عليه السلام فرمود: [به خدا سوگند] گویا او را می‌بینم در حالی که به
حجر تکیه داده و خداوند را به حق خودش قسم می‌دهد. سپس، می‌گوید: ای مردم،
هر کس درباره‌ی خداوند با من بحث کند [بداند که] من از همه [مردم] به خداوند
سزاوارترم و هر کس درباره‌ی آدم با من بحث کند [بداند که] من از همه [مردم] به آدم

سزاوارترم، ای مردم هر کس درباره نوح با من بحث کند من از همه به نوح نزدیکترم، ای مردم هر کس درباره ابراهیم با من بحث کند [بداند که] من از همه به ابراهیم علیه السلام نزدیکترم. ای مردم، هر کس درباره موسی با من بحث دارد [بداند که] من از همه به موسی علیه السلام نزدیکترم. ای مردم هر کس درباره عیسی با من بحث دارد [بداند که] من از همه به عیسی علیه السلام نزدیکترم. ای مردم هر کس درباره حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم با من بحث دارد [بداند که] من از همه به محمد صلی الله علیه و آله و سلم نزدیکترم. ای مردم هر کس درباره کتاب خدا با من بحث دارد [بداند که] من از همه به کتاب خدا سزاوارترم.

سپس، به مقام تشریف می برد و در آنجا دو رکعت نماز می گذارد. آن گاه خداوند را به حق خودش می خواند. آن گاه امام باقر علیه السلام فرمود: به خدا سوگند اوست همان مضطری که خداوند درباره اش می فرماید: «آیا کیست آنکه به مضطر پاسخ دهد و بدی را از میان بردارد و شما را جانشینان روی زمین قرار دهد؟» و جبرئیل بر ناودان به صورت پرنده سفیدی قرار دارد. پس، نخستین خلق خدا که با او بیعت خواهد کرد جبرئیل است و آن ۳۱۳ مرد با او بیعت می کنند. راوی گوید: حضرت باقر علیه السلام فرمودند: پس هر آنکه پیش از آن هنگام بیرون از خانه بوده در آن ساعت به آن حضرت خواهد رسید و هر آنکه دچار سفر نبوده از رختخوابش مفقود می شود. سپس فرمود: این است به خدا سوگند فرموده علی علیه السلام: «مفقود شوندگان از رختخواب هایشان» و این است معنی قول خداوند «پس به کارهای نیک سبقت و پیشی گیرید. هر کجا باشید خداوند همه شما را خواهد آورد.» اصحاب حضرت قائم علیه السلام آن سیصد و ده و چند مرد، فرمود: آنها هستند که به خدا سوگند آن امت معدوده ای که خداوند در کتابش فرموده: «و چنانچه عذاب را از آنان تا هنگام معینی [افراد معدودی] به تعویق اندازیم» فرمود: در یک ساعت جمع خواهند شد، همچون قطره های ابر پاییزی، پس آن جناب در مکه صبح خواهد کرد و مردم را به کتاب خدا و سنت پیغمبرش دعوت می نماید که افراد کمی دعوتش را اجابت می کنند و بر مکه کسی را می گمارد. سپس، از آنجا کوچ می نماید. به او گزارش می رسد که عاملش را به قتل رسانده اند، پس به سوی آنان باز

می‌گردد و قاتلان را می‌کشد و بر کشتن چیزی نمی‌افزاید، یعنی، بر اسارت کسی اقدام نمی‌کند.

آن‌گاه رهسپار شده و مردم را به کتاب خدا و سنت پیغمبر ﷺ و ولایت علی بن ابی طالب ﷺ و بیزاری از دشمنش دعوت می‌کند و نام کسی را نمی‌برد تا اینکه به بیداء می‌رسد که ارتش سفیانی به مقابله با آن حضرت بیرون می‌آیند. پس، خداوند به زمین امر می‌فرماید که آن‌ها را از زیر پاهایشان بگیر و این است [معنی] قول خداوند: «و چنانچه کافران را ببینی که هراسان هستند، پس هیچ از عذابشان فوت و زایل نشود و از جایگاه نزدیکی گرفته شوند و گویند به او ایمان آوردیم»؛ یعنی، به قائم آل محمد ﷺ تا آخر سوره.

پس، کسی از آن‌ها باقی نمی‌ماند مگر دو مرد که به آن‌ها وتر و وتیر [ه] گفته می‌شود از قبیله مراد، صورت‌هایشان در پشتشان است که به عقب راه می‌روند. به مردم خبر می‌دهند که چه بر سر همراهانشان آمد. سپس، آن حضرت به مدینه داخل می‌شود که در آن هنگام قریش از سپاهیان آن جناب گریخته و پنهان می‌گردند و این است معنی قول علی بن ابی طالب ﷺ که فرموده: «به خدا سوگند دوست دارم [قریش در آن هنگام دوست دارند و آرزو می‌کنند] که تمام اموال و دارایی‌هایشان و همه آنچه خورشید بر آن می‌تابد (همه دنیا) را بدهند و مخفیگاهی بگیرند که به قدر سر بریدن شتر در آن پنهان شوند. سپس، آن جناب حادثه‌ای پدید می‌آورد که در این وقت قریش گویند: بیا بید تا بر این سرکش خروج نمایم که به خدا سوگند اگر این از اولاد حضرت محمد ﷺ بود، این کار را نمی‌کرد و اگر از فرزندان علی ﷺ هم بود این کار را نمی‌کرد و اگر از اولاد حضرت فاطمه ﷺ بود چنین عملی انجام نمی‌داد. آن‌گاه با آن بزرگوار می‌جنگند که خداوند او را بر ایشان پیروز می‌گرداند که جنگجویانشان را می‌کشد و ذریه‌شان را به اسارت درمی‌آورد. بعد از آنجا بیرون می‌رود تا اینکه در شقره فرود می‌آید (شقره یکی از نقاط حجاز است). در آنجا خبر می‌رسد که گماشته آن حضرت در مدینه به قتل رسیده [آن‌ها او را کشته‌اند] پس برمی‌گردد و آنچنان کشتاری نسبت به

آنان می‌کند که واقعه حرّه در برابر آن ناچیز می‌نماید. سپس، در حالی که مردم را به کتاب خدا و سنت پیغمبر او و ولایت علی بن ابی طالب علیه السلام و بیزاری از دشمنش فرا می‌خواند، از آنجا بیرون رفته تا به ثعلبیه می‌رسد. (ثعلبیه از منزلگاه‌های بین راه مکه تا کوفه است.)

در آنجا، مردی از بستگان نزدیک او - که از صلب پدرش می‌باشد - و به استثنای صاحب این امر از همه مردمان نیرومندتر و قوی‌دل‌تر است، به پا می‌خیزد و به آن جناب عرضه می‌دارد: ای مرد، چه می‌کنی؟ تو داری مردم را فراری می‌دهی، آیا این کارها با عهدنامه‌ای از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است یا خیر؟ پس، آن خدمتکاری که متصدی امر بیعت است بر او بانگ می‌زند که: در جایث بنشین و گرنه سر از بدنت جدا می‌کنم. ولی حضرت قائم علیه السلام به او می‌فرماید: فلانی، ساکت باش. آری به خدا سوگند عهدنامه‌ای از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم همراه من است. [بعد صدا می‌زند]: فلانی آن خورجین یا کیف را به نزدیکم بیاور. پس آن را می‌آورند و عهدنامه را به نظر آن شخص می‌رساند. در این موقع آن مرد عرضه می‌کند: خداوند مرا فدای تو گرداند. سر مبارکت را نزدیک بیاور تا بر آن بوسه زنم. پس آن جناب سر مبارک خویش را پیش می‌آورد و آن مرد پیشانی حضرتش را می‌بوسد. سپس، می‌گوید: خداوند مرا فدای تو سازد. بار دیگر از ما بیعت بگیر که آن حضرت بیعت خود را تجدید می‌کند.

امام باقر علیه السلام فرمود: گویی آنان را می‌نگرم که بر فراز نجف کوفه بالا می‌آیند، سیصد و ده و چند مرد، انگار دل‌هایشان پاره‌های آهن است. جبرئیل از سمت راستش، میکائیل از سمت چپش و رعب به مسافت یک ماه پیش رو و یک ماه پشت سر آن حضرت می‌باشد. خداوند او را به وسیله پنج هزار فرشته نشاندار مدد می‌دهد تا وقتی که به نجف می‌رسد، به اصحابش می‌فرماید: امشب را به عبادت بگذرانید. پس ایشان آن شب را بین رکوع و سجود و تضرع به درگاه خداوند به صبح می‌آورند. صبحگاهان حضرت دستور می‌دهد: راه نخيله را پیش گیرید، در حالی که در کوفه ارتش مجهز [اطراف کوفه خندق عمیق] هست. راوی پرسید: ارتش مجهز؟ [خندق عمیق؟]

فرمود: آری به خدا سوگند، پس آن حضرت به سوی نخيله توجه می‌کند تا در نخيله به مسجد ابراهیم علیه السلام می‌رسد. در آن دو رکعت نماز می‌گذارد. در آن هنگام سپاهیان سنیانی از مرجئه و غیر آنها از کوفه خروج می‌کنند که آن حضرت به اصحاب خود فرماید: بر آنها حمله کنید. سپس، فرماید: با آنها بجنگید.

امام باقر علیه السلام فرمود: به خدا سوگند احدی از آنان از خندق نمی‌گذرد که خبر ببرد. سپس، آن حضرت داخل کوفه می‌شود، پس هیچ مؤمنی باقی نمی‌ماند مگر اینکه در آنجا باشد یا شوق آن را در سر دارد و این قول امیرالمؤمنین علیه السلام است. سپس، به اصحاب خویش فرماید: برای [نابودی] این طاغوت، یعنی، سنیانی بسیج شوید و او را به کتاب خدا و سنت پیغمبر دعوت می‌کند. سنیانی ابتدا به تسلیم و صلح قول می‌دهد ولی قبیله کلب که دایی‌های او هستند، به او می‌گویند: این چه کاری بود به خدا قسم که ما به هیچ وجه بر این کار با تو بیعت نمی‌کنیم. می‌گوید: چه کار کنیم؟ گویند: با او؛ یعنی، امام قائم علیه السلام جنگ کن. پس، او برای جنگیدن با آن حضرت می‌رود. آن جناب او را نصیحت می‌کند و می‌فرماید: [از عاقبت کارت] بترس. من آنچه شرط بلاغ بود به تو گفتم و [اینک] با تو می‌جنگم. پس، فردای آن روز امام علیه السلام با آنان جنگ می‌کند و خداوند عالم او را بر آنان غالب می‌سازد و سنیانی اسیر می‌گردد که آن جناب او را با دست خود سر می‌برد.

بعد از آن قسمتی از سپاهیان سواره خود را به روم می‌فرستد که بازماندگان از بنی امیه را طلب نمایند و چون ایشان به روم رسند به اهل آنجا گویند: هم‌کیشان ما را که نزد شما پیدا کنید ولی آنها از این کار خودداری می‌ورزند و می‌گویند: به خدا چنین کاری نمی‌کنیم. سپاهیان گویند: به خدا اگر مأمور بودیم با شما می‌جنگیدیم. آن‌گاه به نزد صاحبشان بازمی‌گردند و جریان را به عرض می‌رسانند. آن حضرت فرماید: بروید با ایشان بجنگید تا بنی امیه را از ایشان بگیرید. پس، بزرگ رومیان گوید: بروید بنی امیه را به دست ایشان بسپارید که با قدرت تمام آمده‌اند و این است [معنی] قول خداوند: «پس چون عذاب ما را احساس نمودند از آن گریزان شدند، نگریزید و به آنچه از

خوش گذرانی‌ها و لذت‌ها و مساکن بوده‌اید باز گردید.»؛ یعنی، گنجینه‌هایی که انباشته می‌کردید [در آن هنگام ستمکاران] گفتند وای بر ما که سخت ظالم و ستمکار بودیم. پس، همواره این سخن بر زبانشان بود تا اینکه همچون کشته از درو شده‌ای آنان را خاموش کردیم [و به کام مرگ فرو بردیم] که هیچ خبر دهنده‌ای از آنان باقی نماند. سپس آن حضرت به کوفه باز می‌گردد و آن سیصد و ده و چند نفر را به تمامی جاها می‌فرستد. پس بین شانه‌ها و بر روی سینه‌های ایشان دست می‌کشد که در هیچ حکمی درمانده و عاجز نمی‌شوند و هیچ آبادی بر پهنه زمین نماند مگر اینکه در آن بانگ شهادت به لا اله الا الله لا شریک له و انّ محمداً رسول الله ﷺ بلند باشد و این است معنی قول خداوند: «و هر آنکه در آسمان‌ها و زمین است خواه و ناخواه مطیع فرمان خداست و به سوی او بازگردانده خواهد شد.»

و صاحب این امر جزیه را نمی‌پذیرد آنچنان‌که رسول خدا ﷺ قبول فرمود و این است که خداوند فرموده: «و با کافران قتال کنید تا هیچ فتنه‌ای باقی نماند و آیین همه خداپرستی شود.» امام باقر علیه السلام فرمود: به خدا سوگند جنگ خواهند کرد تا اینکه توحید خدا برقرار شود و هیچ‌گونه به او شرک نورزند و تا آنجا که حتی پیرزن ضعیف هم از شرق به سوی مغرب رود و کسی از او جلوگیری نمی‌نماید و خداوند [در آن روزگار تمامی] بذرهای زمین را می‌رویاند و باران آسمان را [به طور کامل] فرو می‌ریزد و مردم خراجشان را برگردن نهاده و به پیشگاه حضرت مهدی علیه السلام می‌برند و خداوند بر شیعیانمان وسعت می‌دهد [به طوری که] چنان‌چه سعادت و نیکبختی آنان را در نیابد طغیان کنند. پس در همان حال که صاحب این امر بعضی از احکام را صادر فرماید و برخی از سنت‌ها را باز گوید، گروهی از مسجد بیرون می‌روند و در پی خروج و سرکشی علیه آن حضرت بر می‌آیند که آن جناب به اصحاب خود امر فرماید به مقابله آنان بروند. در تمارین به آنان می‌رسند، اسیرشان کرده و به خدمت آن حضرت می‌برند. دستور می‌دهد آنان را می‌کشند و این آخرین گروهی است که بر قائم آل محمد علیه السلام خروج می‌کند.

آیه پنجاه و پنجم

● نزدیکترین «ذی القربی» به رسول خدا ﷺ، امام زمان است.

خداوند در سوره انفال آیه ۴۱، می فرماید:

﴿وَاعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَ لِلرَّسُولِ وَ لِذِي الْقُرْبَىٰ وَ
الْيَتَامَىٰ وَ الْمَسَاكِينِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ﴾

بدانید که هر چه غنیمت گیرید یک پنجم آن از خدا و پیغمبر و خویشان او و یتیمان و مسکینان و به راه ماندگان است.

(۱) در کتاب اصول کافی مجلد ۱ صفحه ۵۳۹، آمده است:

عن محمد بن مسلم عن ابي جعفر عليه السلام في قول الله تعالى: ﴿وَاعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَ لِلرَّسُولِ وَ لِذِي الْقُرْبَىٰ﴾ قال: هم قرابة رسول الله عليه السلام و الخمس لله و للرسول و لنا.

محمد بن مسلم از امام باقر عليه السلام در تفسیر آیه و خمس روایت می کند که منظور از ذی القربی در آیه نزدیکان رسول الله عليه السلام است و خمس متعلق به خدا و رسول و ما اهل بیت می باشد.

(۲) در کتاب المیزان مجلد ۹ صفحه ۱۰۵، آمده است:

عن زكريابن مالك الجعفي عن ابي عبدالله عليه السلام انه سئل عن قول الله: ﴿وَاعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَ لِلرَّسُولِ وَ لِذِي الْقُرْبَىٰ وَ الْيَتَامَىٰ وَ الْمَسَاكِينِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ﴾ فقال: خمس الله عزوجل للامام و خمس الرسول للامام و خمس ذی القربی لقرابه الرسول للامام و الیتامی آل الرسول و المساکین منهم و ابناء السبیل منهم فلا يخرج منهم ای غیرهم.

زکریابن مالک جعفی از ابي عبدالله امام صادق عليه السلام روایت کرده که: شخصی از آن حضرت از معنای آیه «بدانید که هر چه غنیمت گیرید یک پنجم آن از خدا و پیغمبر و خویشان او و یتیمان و مسکینان و به راه ماندگان است.» سؤال کرد. حضرت فرمود:

خمس خدای عزوجل و خمس رسول و خمس ذی القربی که به ملاک خویشاوندی رسول می برد همه برای امام است و اما یتیمان و مسکینان و درماندگان در سفر از ذی القربی، سهم هیچ یک از ایشان به غیر ایشان داده نمی شود.

(۳) در کتاب وسائل الشیعه مجلد ۴ صفحه ۳۷۵، آمده است:

عن احمد بن المثنی عن محمد بن زید الطبری قال: کتب رجل من تجار فارس من بعض موالی ابوالحسن الرضا علیه السلام یسأله الإذن فی الخمس فکتب الیه:

بسم الله الرحمن الرحیم ان الله واسع الکریم، ضمن علی العمل الثواب و علی الضیق الهم، لا یحل مال الا من وجه احله الله، ان الخمس عوننا علی دیننا و علی عیالنا و علی موالینا.

احمد بن مثنی از محمد بن زید طبری گفت: مردی از تجار فارس و از موالیان امام رضا علیه السلام از حضرت کسب تکلیف نمود که امام اجازه مصرف خمس را به او بدهند. امام رضا علیه السلام برای وی نوشتند:

به نام خداوند بخشنده مهربان، خداوند صاحب کرامت و وسعت نظر است. او برای هر عملی ثوابی قرار داده و در تنگناها راه حل معین نموده، بنابراین، هیچ مالی حلال نیست مگر آنکه خداوند آن را حلال فرموده باشد. بدان که خمس آن، مال و ثروتی است که باید برای کمک به آیین ما و عیالات و دوستان ما اهل بیت مصرف گردد.

(۴) در تفسیر صافی صفحه ۲۲۱، آمده است:

و فی التهذیب عن امیرالمؤمنین علیه السلام: نحن و الله عنی بذی القربی الذین قرنهم الله بنفسه و برسوله فقال: ﴿فَأَنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَ لِلرَّسُولِ وَ لِذِي الْقُرْبَىٰ وَ الْيَتَامَىٰ وَ الْمَسَاكِينِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ﴾ منا خاصة قال و لم یجعل لنا فی سهم الصدقه نصیبا اکرم الله نبیه و اکرمنا ان یطعمنا اوساخ ایدی الناس.

در کتاب تهذیب از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت شده که فرمود: قسم به خدا که منظور از ذی القربی که خداوند در کنار خود و رسولش قرار داده ما هستیم. سپس، فرمود: خداوند از سهم صدقه چیزی را برای ما جایز ندانست، اما پیامبر و ما را از بسیاری از اموال مردم بهره مند نمود.

آیه پنجاه و ششم

● امامت بعد از سید الشهداء علیه السلام در نسل ایشان است.

خداوند در سوره انفال آیه ۷۵، می فرماید:

﴿وَأُولُوا الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ﴾

و خویشاوندان در کتاب خدا (در کار میراث) به یکدیگر سزاوارترند که خدا به همه چیز داناست.

(۱) در کتاب صافی صفحه ۲۲۵، آمده است:

عن الصادق علیه السلام: لا تعود الامامة فی اخوین بعد الحسن و الحسین علیهما السلام ابدا انما جرت من علی بن الحسین علیهما السلام كما قال الله ﴿وَأُولُوا الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ﴾ فلا یكون بعد علی بن الحسین علیهما السلام الا فی الاعقاب و اعقاب الاعقاب.

از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمودند: بعد از امام حسن و امام حسین علیهما السلام امامت در (هیچ) دو برادر (دیگری) واقع نشد. بعد از حسین بن علی علیهما السلام امامت به امام سجاد، علی بن الحسین علیهما السلام منتقل گردید. همان طور که پروردگار می فرماید: «و خویشاوندان در کتاب خدا (در کار میراث) به یکدیگر سزاوارترند» و بعد از علی بن الحسین علیهما السلام امامت نسل به نسل استمرار پیدا کرد.

پس، امامت نسل در نسل است تا نهمین نسل امام حسین علیه السلام، که هم اکنون قائم آل محمد (عج) عهده دار این مقام عظمی می باشد.

(۲) در کتاب کفایة الاثر و منتخب الاثر باب دهم فصل دوم صفحه ۲۰۴، آمده است:

قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: (القائم) هو الامام التاسع من صلب الحسین علیه السلام.

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: (قائم) او امام نهم است از صلب امام حسین علیه السلام.

(۳) در کتاب کفایة الاثر و منتخب الاثر صفحه ۲۰۴، آمده است:

قال رسول الله ﷺ : هو التاسع من صلب الحسين عليه السلام .

رسول خدا ﷺ فرمودند: (قائم) او امام نهم است از پشت امام حسین عليه السلام .

(۴) در کتاب کفایة الاثر و منتخب الاثر صفحه ۲۰۴ و ۲۰۵، آمده است:

قال رسول الله ﷺ : يا عمّار، اعلم ان الله تبارك و تعالى عهد اليّ انه يخرج من صلب

الحسين ائمة تسعة و التاسع من ولده يغيب عنهم .

رسول خدا ﷺ به عمار فرمودند: ای عمار. بدان عهد خداوند بر این قرار گرفته

است که نه امام از صلب امام حسین عليه السلام باشند و نهمین آنها (مهدی است که) غایب

می شود.

(۵) در کتاب کفایة الاثر صفحه ۲۰۵، آمده است:

قال الحسين بن علي عليه السلام : منّا اثني عشر أولهم امير المؤمنين علي بن ابي طالب و آخرهم

التاسع من ولدي و هو القائم بالحق .

حضرت سید الشهداء عليه السلام فرمودند: دوازده امام از ما هستند. اول آنها امیرالمؤمنین

علی بن ابی طالب عليه السلام است و آخر آنها قائم به حق است که او نهمین فرزند من است.

صاحب منتخب الاثر می فرماید که ۱۴۸ حدیث موجود است که در آن ذکر شده که

حضرت مهدی موعود (عج) نهمین فرزند امام حسین عليه السلام است.

آیه پنجاه وهفتم

● در حال حاضر امام زمان (عج) امین وحی خداوند است.

خداوند در سوره توبه آیه ۳، می فرماید:

﴿وَ أذَانٌ مِّنَ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ إِلَى النَّاسِ يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ أَنَّ اللَّهَ بَرِيءٌ مِّنَ الْمُشْرِكِينَ﴾

واعلام است از خداوند و رسولش بر همه مردم، در روز حج اکبر که خداوند بیزار است از مشرکین.

(۱) در مسند امام احمد حنبل مجلد ۱ صفحه ۲ و در مسند ابی بکر، آمده است: عن ابی بکر ان النبی ﷺ بعثه ببراءة لاهل مكة لا يحج بعد العام مشرك ولا يطوف بالبيت عريان ولا يدخل الجنة الا نفس مسلمة من كان بينه وبين رسول الله ﷺ مدة فاجله الى مدته الله بريء من المشركين ورسوله قال: فسار بها اثلاثا ثم قال لعلي عليه السلام الحقه فرد علي ابابكر بلغها انت قال ففعل قال: فلما قدم علي النبي ﷺ ابوبكر بكى قال: يا رسول الله، حدث في شي قال: ما حدث فيك الاخير ولكن امرت ان لا يبلغه الا انا او رجل مني.

ابی بکر می گوید: پیامبر مرا مأمور کرد تا سوره براءت را به مکه ببرم و برای آنان تلاوت کنم و این مطالب را به گوش آنها برسانم که بعد از امسال مشرکین نباید دور خانه خداوند طواف نمایند، و افراد عریان اجازه ندارند دور خانه خداوند طواف نمایند و غیر از مسلمانان کس دیگری وارد بهشت نخواهد شد، و افرادی که با رسول خدا ﷺ پیمان بسته‌اند آن عهد و پیمان به قوت خودش باقی است، تا مدت آن پایان پذیرد ﴿اللَّهُ بَرِيءٌ مِّنَ الْمُشْرِكِينَ وَ رَسُولُهُ﴾ خداوند و رسولش از مشرکان بیزارند، و در پایان رسول خدا ﷺ فرمودند: این مطالب را سه بار برای آنها تکرار کن (من سوره براءت را گرفتم و رفتم) بعد از رفتن من رسول خدا ﷺ به علی دستور داد که خود را به

او رسانیده و سوره را از او بگیر و خودت این مأموریت را انجام بده، امیرالمؤمنین علی علیه السلام این چنین کردند و خود را به ابی بکر رسانید و سوره برائت را از او گرفت و ابوبکر با نگرانی خاصی مراجعت کرده «ابوبکر بکی» درحالی که گریه می کرد به رسول خدا صلی الله علیه و آله گفت: یا رسول الله جریان بدی اتفاق افتاد (چرا مرا برگردانیدی؟) رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: من مأموریت داشتم این کار را یا خودم انجام دهم و یا مردی از خاندان من که از اهل بیت من باشد انجام دهد، «ولکن امرت أن لا یبلغه الا انا ورجل منی» به من امر شده یا خودم و یا شخصی از خودم این کار را انجام دهد.

(۲) حاکم حسکانی حنفی در کتاب شواهد التنزیل صفحه ۱۹۷ (آیه ۵۱ حدیث ۳۰۷) آورده است:

حاکم حسکانی می گوید: خبرداد ما را ابو عبد الرحمن محمد بن احمد... از حکیم بن جبیر از علی بن الحسین علیه السلام: هر آینه برای علی بن ابی طالب علیه السلام نام هایی است در قرآن مجید که مردمان نمی دانند (که نام اوست) گفتم و آن کدام است؟ فرمودند: ﴿وَأَذَانٌ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ﴾ به خداوند سوگند که علی اذان روز حج اکبر است. به هر حال در این احادیث رسول خدا صلی الله علیه و آله به ابی بکر می فرمایند: (... و لکن امرت أن لا یبلغه الا انا ورجل منی) به من امر شده است که این کار را خودم و یا کسی از من انجام دهد.

(۳) حاکم حسکانی و دیگران روایت های مختلفی نقل کرده اند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند به من امر شده است که این ابلاغ را یا خود انجام دهم «الا انا» و یا مردی از اهل بیتم «رجل من اهل بیتی».

در اینجا صحبت از ابلاغ ساده نیست، چون اگر ابلاغ ساده بود ابی بکر انجام می داد. اینجا صحبت از امین وحی است، کسی باید سوره برائت را ببرد که امین وحی باشد و آن علی است و بعد از او یازده فرزند آن بزرگوار هستند که همه امین وحی هستند، و اینکه رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرمایند: «من اهل بیتی» اشاره به یازده امام از نسل

امیرالمؤمنین علی علیه السلام است که آخرین آنها حضرت حجة بن الحسن العسکری (عج) است.

(۴) در کتاب تفسیر عیاشی مجلد ۲ صفحه ۷۶، آمده است:

العیاشی: عن جابر، عن [جعفر بن محمد] و ابی جعفر علیه السلام فی قوله عزّوجلّ ﴿وَ اذَانٌ مِّنَ اللّٰهِ وَ رَسُوْلِهِٗ اِلٰى النَّاسِ یَوْمَ الْحَجِّ الْأَکْبَرِ﴾ قال: خروج القائم (عج) و اذان دعوتہ الی نفسه.

عیاشی از جابر، از [حضرت جعفر بن محمد] و حضرت ابو جعفر باقر علیه السلام آورده راجع به قول خدای عزوجل «و در بزرگترین روز حج و از سوی خداوند و رسول او به مردم اعلام می دارند.» فرمودند: خروج حضرت قائم (عج) [و اعلام] دعوت به خودش می باشد.

آیه پنجاه و هشتم

● قائم آل محمد (عج) مجاهد واقعی الی الله است.

خداوند در سوره توبه آیه ۱۶، می فرماید:

﴿أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُتْرَكُوا وَلَمَّا يَعْلَمِ اللَّهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا مِنْكُمْ وَلَمْ يَتَّخِذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلَا رَسُولِهِ وَلَا الْمُؤْمِنِينَ وَلِيجَةً وَاللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ﴾

آیا فکر می کنید که رها شوید، در حالی که هنوز خداوند کسانی را که از شما در راه خداوند جهاد کرده اند، و برای خود غیر از خداوند و رسولش و مؤمنین ولی و دوستی قرار ندادند، از دیگران متمایز نساخته است، و خداوند خبیر و آگاه است و می داند آنچه شما می کنید.

* حافظ شیخ الاسلام ابراهیم بن محمد الحموینی از سلیم بن قیس الهمدانی در حدیث مفصل از امیرالمؤمنین علی علیه السلام در حدیث «مناشدة» نقل می کند که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام دو بیست نفر از صحابه را سوگند می دهند و می فرمایند:

... انشدکم الله الا تعلمون حیث نزلت ﴿وَلَمْ يَتَّخِذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلَا رَسُولِهِ وَلَا الْمُؤْمِنِينَ وَلِيجَةً﴾ قال الناس: أخاصة فی بعض المؤمنین ام عامة لحسیعهم، فامر الله بینہ ان یعلمهم، ولاة امرهم، وأن یفسر لهم من الولاية ما فسر لهم من صلاتهم و زکوتهم و حجهم... فقال ابوبکر و عمر فقالا: یا رسول الله، هذه الایات خاصة فی علی؟ قال علیه السلام: بلی فیہ و فی اوصیائی الی یوم القیامة. قالا: یا رسول الله، بینهم لنا؟ قال علیه السلام: علی اخی و وزیر و وارثی و وصی و خلیفتی فی امتی و ولی کل مؤمن من بعدی، ثم ابنی الحسن، ثم الحسین، ثم تسعة من ولد ابنی الحسین واحدا بعد واحد.

شما را به خداوند سوگند می دهم آیا نمی دانید آن زمانی که آیه ﴿وَلَمْ يَتَّخِذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلَا رَسُولِهِ وَلَا الْمُؤْمِنِينَ وَلِيجَةً﴾ نازل شد مردم گفتند: آیا این آیه

مخصوص بعضی از مؤمنین است یا درباره همه مؤمنین نازل شده است؟ پس، خداوند پیامبرش را امر فرمود که اولیای امرشان را به آنان بشناساند، همان طوری که نماز و روزه و حج را برایشان بیان فرموده و تفسیر کرده‌اند. (رهبریت، ولایت و امامت مرا نیز برای آن‌ها تفسیر کند)... پس ابوبکر و عمر برخاستند و گفتند: ای رسول خدا ﷺ، این آیات به طور خاص در مورد علی علیه السلام نازل شده است؟ آن حضرت فرمودند: آری، در شأن اوصیای من تا روز قیامت (بیان شده است)، عمر و ابوبکر گفتند: ای رسول خدا، آن‌ها را به ما معرفی کن. حضرت صلی الله علیه و آله فرمودند: علی علیه السلام برادرم و وزیرم و وارثم و وصی ام و خلیفه ام در میان امتم و ولی هر مؤمنی پس از من. سپس، فرزندم حسن علیه السلام، و بعد فرزندم حسین علیه السلام و سپس نه نفر از فرزندان حسین، یکی پس از دیگری، (امام و رهبر و خلیفه) خواهند بود.

همان طوری که در آیات گذشته گفته‌ایم امامان دوازده نفرند و دوازدهمین آن‌ها حضرت حجة بن الحسن العسکری (عج) است که برای خداوند قیام می‌کند و برای خداوند جهاد می‌نماید. این امت هرگز رها شده نیستند و به حکم آیه ﴿إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ﴾ همیشه هادی دارند و در عصر حاضر هادی حضرت ولی عصر (عج) می‌باشد.

آیه پنجاه و نهم

● قائم موعود (عج) نورالله است.

خداوند در سوره توبه آیه ۳۲، می فرماید:

﴿يُرِيدُونَ أَنْ يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَيَأْبَى اللَّهُ إِلَّا أَنْ يُتِمَّ نُورَهُ وَلَوْ
كَرِهَ الْكَافِرُونَ﴾

(کافران) می خواهند نور خدا را با گفتار خویش خاموش کنند و خدا نمی خواهد جز

آنکه نور خویش را آشکار کند و هر چند که کافران کراهت داشته باشند.

* در تفسیر صافی مجلد ۱ صفحه ۲۳۰، آمده است:

فی الاکمال عن الصادق عليه السلام و قد ذکر شق و فرعون بطون الحوامل فی طلب موسی کذلک بنوامیه و بنو العباس لما ان وقفوا علی ان زوال ملک الامراء و الجبابره منهم علی يد القائم ناصبونا العداوه و وضعوا سیوفهم فی قتل اهل بیت رسول الله صلی الله علیه و آله و اباده نسله طمعانهم فی الوصول الی قتل القائم (عج) فابی الله ان یکشف امره لواحد فی الظلمه الا ان یتم نوره ولو کره المشرکون.

از امام صادق عليه السلام روایت شده که فرمودند: همان طور که فرعون برای به دست آوردن موسی شکم زنان باردار را درید تا موسی را از بین ببرد، بنی امیه و بنی عباس در پی از بین بردن حضرت قائم آل محمد (عج) بودند زیرا این را می دانستند که نابودی ستمگران و زورمندان به دست ایشان است. بنی امیه و بنی عباس همه دشمنی و عداوتشان نسبت به ما و کشیدن شمشیر به روی اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و کشتن آنها به این منظور بود که در میان اهل بیت رسول الله صلی الله علیه و آله قائم موعود (عج) را بکشند تا آنچه درباره آن حضرت شنیده بودند واقع نگردد، اما خداوند امر او را به احدی از ستمگران فاش نفرمود: ﴿إِلَّا أَنْ يُتِمَّ نُورَهُ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ﴾ جز آنکه نورش را کامل کند اگر چه مشرکان کراهت داشته باشند.

آیه شصتم

● امام مهدی (عج) اسلام را جهانی خواهد کرد.

خداوند در سوره توبه آیه ۳۳، می فرماید:

﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَ دِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ
وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ﴾

و اوست (خداوندی) که رسول خودش را با هدایت و دین حق فرستاد تا او را بر تمامی ادیان چیره گرداند، اگر چه مشرکان کراهت داشته باشند (و خوششان نیاید).

در این آیه کریمه خداوند تبارک و تعالی ابتدا هدف از فرستاده شدن رسول گرامی اسلام ﷺ را بیان می فرماید، سپس، به دین اسلام اشاره می فرماید که: دینی الهی است و این دین الهی بر حق است و این دین حق می تواند نجات بشریت را برعهده گیرد. و سپس، به این نکته مهم اشاره می شود که این دین باید در سطح جهان استقرار یابد و انسان ها را به وحدت و یگانگی واقعی برساند. و به طور کلی از آیه بالا چند نتیجه مهم گرفته می شود:

اولا رسول خدا ﷺ از طرف خداوند مأمور است تا همه جهان را هدایت کند.

ثانیا: دین او یعنی اسلام دین حق و حقیقت است که می تواند جهان را از تمام مشکلات برهاند و انسان را به سعادت دنیوی و اخروی برساند.

ثالثا: این دین باید جهانی شود و روزی فرا خواهد رسید که همه جهان مسلمان خواهند شد، اگر چه مشرکان کراهت داشته باشند و نخواهند.

ما می دانیم که این وعده الهی؛ یعنی، وحدت ادیان و یکی شدن جهان بینی و ایدئولوژی در سطح جهان و مسلمان شدن همه عالم در زمان رسول خدا ﷺ و خلفا راشدین و بقیه خلفا بعد از آنها... تا به حال به وقوع نپیوسته است و ما می دانیم که در زمان یازده ائمه شیعه از امیرالمؤمنین علی علیه السلام تا حضرت امام حسن عسکری علیه السلام تا به

حال به وقوع نپیوسته است و اسلام، جهانی نگردیده است. در اینجا این سؤالات مطرح می شود که: آیا اسلام می بایست در زمان رسول خدا ﷺ جهانی می شد و آیا بعد از رسول خدا ﷺ این وعده باید به وقوع بپیوندد؟ مسأله بعد اینکه مسلمان شدن جهانیان به چه صورت خواهد بود؟

(۱) در کتاب ینابیع الموده نوشته خواجه کلان قندوزی حنفی باب ۷۱ صفحه ۴۲۳ آمده است:

و عن ابی بصیر و عن سماعة هما عن جعفر الصادق عليه السلام فی قوله تعالى: ﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَ دِينَ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ﴾ قال: والله ما یجی تأویلها حتی یرج القائم المهدي (عج) فاذا خرج القائم لم یبق مشرك الا کره خروجه ولا یبقی کافرا لا قتل حتی لو کان کافر فی بطن صخرة قالت یا مؤمن فی بطنی کافر فاکسرنی و اقتله.

و از ابی بصیر و سماعه هر دو از امام صادق عليه السلام فرموده: به خداوند سوگند که تأویل این آیه صدق نمی کند تا بیرون آید مهدی قائم (و خروج و انقلاب نماید). زمانی که او ظاهر شود، هیچ مشرکی باقی نخواهد ماند. مگر آنکه کراهت دارد قیام و انقلاب او، (هیچ مشرکی از انقلاب او رضایت ندارد) و هیچ مشرکی باقی نمی ماند مگر آنکه (در مصاف با او) کشته می شود تا جایی که کافر در شکم سنگ سختی باشد آن سنگ به مؤمن، می گوید: ای مؤمن در شکم من کافری مخفی شده است بیا و مرا بشکن و او را به قتل برسان.

البته، این آیه در دو سوره دیگری در سوره صف آیه ۹ و دیگری در سوره فتح، آمده است. طبق این آیه:

اول رسول خدا ﷺ از طرف خداوند مأمور است تا همه جهانیان را هدایت نماید، و تنها دینی که برای همه بشریت آمده است همین دین است.

دوم دین او که اسلام باشد دین حق و حقیقت است که می تواند جهان را از تمام مشکلات برهاند و انسان را به کمال و انسانیت برساند.

سوم این دین باید جهانی شود و تمام جمعیت زمین یک روز مسلمان شوند، اگر چه مشرکین نخواهند.

چهارم این وعده الهی؛ یعنی، وحدت ادیان و یکی شدن جهان بینی و ایدئولوژی بشریت در زمان رسول خدا ﷺ و امیرالمؤمنین علیؑ و... به وقوع نپیوسته است، و اسلام جهانی نشده است در اینجا این سؤال پیش می آید که اسلام چه زمانی جهانی خواهد شد؟

(۲) فی کتاب صحیح ابن ماجه جزء الثانی فی ابواب الفتن فی باب خروج المهدی، کتاب البیان فی اخبار صاحب الزمان (حافظ گنجی شافعی)، کتاب منتخب کنز العمال مجلد ۶ صفحه ۲۹ (متقی هندی) و کتاب ینابیع المودة صفحه ۴۳۷ (خواجه کلان قندوزی حنفی):

و عن عبدالله بن الحارث بن جزء الزبیدی قال: قال رسول الله ﷺ يخرج الناس من اهل المشرق و المغرب فیوطنون للمهدی عینی سلطانه.

از عبد الله بن حارث بن جزء زبیدی نقل شده است که رسول خدا ﷺ فرمودند: اهل مشرق و مغرب عالم برای ملاقات با مهدی بیرون می آیند و همه سلطنت او را قبول می کنند.

(۳) در تاریخ ابن عساکر صفحه ۶۲، صواعق المحرقة نوشته ابن هجر شافعی و ینابیع المودة صفحه ۴۳۳، آمده است:

و عن علیؑ عنه قال: اذا قام القائم آل محمد ﷺ جمع الله له اهل المشرق و اهل المغرب فیجتمعون کمی یجتمع فزع الخریف.

از علیؑ آمده است که آن حضرت فرمودند: زمان قیام قائم آل محمد ﷺ خداوند جمع می کند همه مردم شرق و غرب عالم را به دور او مانند جمع شدن پاره های ابر در فصل پاییز.

(۴) در کتاب تفسیر برهان مجلد ۲ صفحه ۱۲۱، آمده است:

عن ابی بصیر، قال ابو عبد الله ﷺ فی قوله عزوجل ﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَ

دینِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ ﴿﴾ فقال ما نزل تأويلها بعدو لا ينزل تأويلها حتى يخرج القائم فاذا خرج القائم لم يبق كافر بالله و لا مشرك بالامام الاكره خروجه حتى لو كان كافر في بطن صخره قالت: يا مؤمن، في بطنى كافر فاكسرنى واقتله.

از ابى بصير روايت شده كه گفتم: حضرت صادق عليه السلام در تفسير آيه ﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَ دِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ﴾ فرمود: هنوز تأويل اين آيه نازل نشده و نخواهد شد تا آنكه حضرت قائم (عج) خروج كند، وقتى او خروج كرد ديگر هيچ كافر به خدا و منكر امامى نمى ماند مگر اينكه از خروج آن جناب ناراحت مى شود (زيرا آن جناب عرصه را بر آنان چنان تنگ مى گيرد كه راه گريزى نمى يابند) حتى اگر كافرى در دل سنگى پنهان شود، آن سنگ مى گويد اى مؤمن، در شكم من كافرى پنهان شده مرا بشكن و او را بيرون بياور و به قتل برسان.

(۵) در تفسير برهان مجلد ۲ صفحه ۱۲۱، آمده است:

عن سماعه، عن ابى عبدالله عليه السلام: ﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَ دِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ﴾ قال اذا خرج القائم لم يبق مشرك بالله العظيم و لا كافر الاكره خروجه.

از سماعه از امام صادق عليه السلام نقل شده در بيان اين آيه ﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَ دِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ﴾ فرمودند: هنگامى كه حضرت قائم (عج) خروج مى نمايد هيچ مشرك به خدا و هيچ كافرى باقى نمى ماند مگر اينكه از خروج آن جناب ناراحت مى شود.

(۶) در كتاب مجمع البيان مجلد ۵ صفحه ۲۵، آمده است:

وقال ابو جعفر عليه السلام ان ذلك يكون عند خروج المهدي من آل محمد عليهم السلام فلا يبقى احد الا اقر بمحمد.

امام محمد باقر عليه السلام فرمودند: اين جريان در زمان ظهور حضرت مهدى (عج) از آل محمد عليهم السلام است كه احدى روى زمين باقى نمى ماند، مگر آنكه به نبوت محمد عليه السلام اعتراف كند.

(۷) در کتاب تفسیر صافی صفحه ۲۳۰، آمده است:

و فی الکافی عن الکاظم علیه السلام فی هذه الایة هو الذی امر رسوله صلی الله علیه و آله بالولایة لوصیه و الولایة هی دین الحق لیظهره علی جمیع الادیان عند قیام القائم (عج) و الله و لایة القائم و لو کره الکافرون بولایة علی علیه السلام.

از امام موسی کاظم علیه السلام در بیان این آیه روایت شده که فرمودند: خداوند امر کرد رسولش را به ولایت وصیش علی بن ابی طالب علیه السلام و البته ولایت همان دین است تا هنگامی که قیام حضرت مهدی (عج) بر جمیع ادیان غالب آید و خداست کامل کننده ولایت قائم اگر چه کافران از ولایت علی علیه السلام کراهت داشته باشند.

(۸) در کتاب تفسیر صافی صفحه ۲۳۰، آمده است:

عن امیرالمؤمنین علیه السلام و غاب صاحب هذا الامر بایضاح الغدر له فی ذلک لاشتمال الفتنة علی قلوب حتی یکون اقرب الناس الیه اشد هم عداوه و عند ذلک یؤیده الله بجنود لم تروها و یتظهر دین نبیه علی یدیه علی الدین کله و لو کره المشرکون.

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام درباره حضرت مهدی (عج) می فرماید: صاحب الامر غائب شد زیرا که خدعه و نیرنگ های مردم به آن حضرت از حد گذشت، آن ها نسبت به ایشان به قدری کینه و عداوت در دل می گیرند که نزدیک ترین افراد به آن حضرت دشمن ترین خواهد بود. در این هنگام خداوند با لشکریان مخفی و غیبی خود او را یاری می کند تا دین جدش رسول خدا صلی الله علیه و آله را به دست با کفایت خویش بر همه ادیان جهان غلبه دهد اگر چه مشرکان کراهت داشته باشند.

(۹) در کتاب تفسیر صافی صفحه ۲۳۱، آمده است:

و عن امیرالمؤمنین علی علیه السلام انه قال اظهر ذلک بعد قالوا: نعم. قال: کلا فوالذی نفسی بیده حتی لا یبقی قریة الا و ننادی بشهادة ان لا اله الا الله و محمد رسول الله صلی الله علیه و آله بکرة و عشیا. امیرالمؤمنین علیه السلام در تفسیر «لِیُظْهِرَهُ عَلَی الدِّینِ کُلِّهِ» می فرمود: این ظهور در هنگامی است که و عده ای به عنوان تصدیق ظاهری به امام علیه السلام می گویند پذیرفتیم، ولی خطاب می شوند، ساکت باشید. به آن خدایی که جان علی در دست اوست در آن

هنگام هیچ روستایی و سرزمینی باقی نمی ماند مگر آنکه ندای «اشهد ان لا اله الا الله و محمد رسول الله ﷺ» هر صبح و شام در آن طنین انداز شود.

(۱۰) در کتاب مجمع البیان مجلد ۵ صفحه ۲۵، آمده است:

وقال المقداد بن الاسود سمعت رسول الله ﷺ يقول لا يبقى على الارض بيت مدر ولا وبر الا ادخله الله كلمة الاسلام اما بعز عزيز و اما بذل ذليل اما يعزهم فيجعلهم الله من اهله فيعزوا به و اما يذلهم فيدينون له.

مقداد بن اسود گوید: شنیدم از رسول خدا ﷺ که می فرمود: هیچ خانه گلی و موئی بر روی زمین به جا نماند جز آنکه کلمه اسلام در آن داخل گردد، یا با عزت و یا با خواری، یا اینکه اسلام آنان را عزیز گرداند و خدا آنان را اهل این دین گرداند و در نتیجه، به وسیله آن عزیز گردند یا خوارشان گرداند به خواری تحت اطاعت اسلام در آیند.

آیه شصت و یکم

● امامان و خلفا بعد از رسول خدا ﷺ دوازده نفرند و امام زمان ﷺ دوازدهمین آن‌هاست.

خداوند در سوره توبه آیه ۳۶، می‌فرماید:

﴿إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا فِي كِتَابِ اللَّهِ يَوْمَ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ مِنْهَا أَرْبَعَةٌ حُرْمٌ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ فَلَا تَظْلِمُوا فِيهِنَّ أَنْفُسَكُمْ...﴾

شماره ماه‌ها نزد خداوند دوازده ماه است، در مکتوب خدا آن روز که آسمان‌ها و زمین را بیافرید از آن جمله چهارماه حرام است، این طریقه درست است در این ماه‌ها به خودتان ستم مکنید.

(۱) در کتاب تفسیر برهان مجلد ۲ صفحه ۱۲۳، آمده است:

عن داود بن کثیر قال: قال جعفر بن محمد عليه السلام: انّ عدة الشهور عند الله اثني عشر شهراً في كتاب الله يوم خلق السموات والارض منها اربعة حرّم ذلك الدين القيم، اميرالمؤمنين علي بن ابي طالب، الحسن بن علي، الحسين بن علي، علي بن الحسين، محمد بن علي، جعفر بن محمد، موسى بن جعفر، علي بن موسى، محمد بن علي، علي بن محمد، الحسن بن علي، الخلف الحجّة.

داود بن کثیر از امام صادق عليه السلام روایت کرده است که فرمود: منظور از ﴿إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ﴾ امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب، حسن بن علی، حسین بن علی، علی بن حسین، محمد بن علی، جعفر بن محمد، موسی بن جعفر، علی بن موسی، محمد بن علی، علی بن محمد، حسن بن علی، امام عصر حضرت مهدی عليه السلام (این‌ها دوازده ماه مکتوب خداوند هستند) است.

(۲) در کتاب بحار الانوار، کتاب الاختصاص شیخ صدوق و کتاب منتخب الاثر

صفحة ۶۰ از قول رسول خدا ﷺ در بیان امامان بعد از خودشان حضرت می فرمایند:
اولئك أوليا الله حقاً وخلفايي صدقاً عدة الشهور وهي اثني عشر شهراً وعدتهم
عدة تقباء موسى بن عمران... اولهم علي وآخرهم المهدي.

یعنی، اولیا حق خداوند و جانشینان و خلفاء صدق من هستند که عده آنها به تعداد
ماه های سال است و آن دوازده ماه است و آنها دوازده نفر هستند به تعداد نقباء
بنی اسرائیل... اول آنها علی است و آخر آنها مهدی می باشد.

(۳) در کتاب غیبت نعمانی باب چهارم حدیث ۱۷ صفحه ۸۶، آمده است:

اخبرنا علی بن الحسین قال: حدثنا محمد بن يحيى العطار، قال: حدثنا محمد بن
حسان الرازي، عن محمد بن علي الكوفي، عن ابراهيم بن محمد بن يوسف، عن محمد بن
عيسى، عن عبد الرزاق، عن محمد سنان، عن فضل الرّسان، عن ابي حمزة الثمالي قال: و
كنت عند ابي جعفر محمد بن علي الباقر عليه السلام ذات يوم فلما تفرق من كان عنده قال لي: يا
اباحمزه، من المحتوم الذي لا تبديل له عند الله قيام قائمنا، فمن شكّ فيما أقول لقي الله
(سبحانه) و هو به كافر وله جاحد ثم قال: بابي وامي المسمي باسمي و المكني بكنيتي، السابع
من بعدى بابي من يملأ الارض عدلا و قسطا كما ملئت ظلما و جورا، ثم قال: يا اباحمزه، من
أدرکه فلم يسلم له فما سلم لمحمد صلى الله عليه وآله و علي عليه السلام و قد حرّم الله عليه الجنة و مأواه النار و
بئس مثوى الظالمين.

و اوضح من هذا بحمد الله و أنور و أبين و أزهر لمن هداه الله و أحسن اليه قول الله عزّ وجلّ
في محكم كتابه ﴿إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا فِي كِتَابِ اللَّهِ يَوْمَ خَلَقَ
السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ مِنْهَا أَرْبَعَةٌ حُرْمٌ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ فَلَا تَظْلِمُوا فِيهِنَّ أَنْفُسَكُمْ﴾
و معرفة الشهور المحرم و صفر و ربيع و ما بعده و الحرم منها هي رجب و ذوالقعدة و ذوالحجة
و المحرم لا تكون دينا قيما لأن اليهود و النصارى و المجوس و سائر الملل و الناس جميعا
من الموافقين و المخالفين يعرفون هذه الشهور و يعدونى بأسمائها و انما هم الائمة عليهم السلام و
القوامون بدين الله و الحرم منها امير المؤمنين علي الذي اشتق الله تعالى له اسماً من اسمه
العلي كمي اشتق برسوله صلى الله عليه وآله اسما من اسمه المحمود و ثلاثة من ولده أسماؤهم علي،

علی بن الحسین و علی بن موسی و علی بن محمد، فصار لهذا الاسم المشتق من اسم الله عزوجل حرمة به و صلوات الله علی محمد و آله المکرمین المحترمین به.

خبر داد ما را علی بن حسین و او گفت: حدیث کرد ما را احمد بن یحیی عطار او گفت: حدیث کرد ما را محمد بن حسان رازی از محمد بن علی کوفی و او از ابراهیم بن محمد بن یوسف و او از محمد بن عیسی و او از عبد الزراق و او از محمد بن سنان و او از فضل رسان و او از ابو حمزه ثمالی که گفت: روزی در محضر ابی جعفر محمد بن علی امام باقر علیه السلام بودیم چون حاضرین پراکنده شدند مرا فرمودند: ای اباحمزه، از کارهای حتمی که تغییر و تبدیلی در نزد خداوند نخواهد یافت قیام قائم (عج) است. هر کس در این که می گویم شک کند با حالتی که کافر است و خداوند سبحان را انکار می کند او را ملاقات خواهد کرد. سپس، فرمودند: پدر و مادرم به فدای کسی که هم نام من و هم کنیه با من است. هفتمین نفر بعد از من، پدرم به قربانش که زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد، همان طوری که از ظلم و جور پر شده باشد. سپس فرمودند: ای اباحمزه، کسی که او را درک کند و تسلیم او نشود تسلیم حضرت محمد صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام هم نشده است و خداوند بهشت را بر او حرام کرده است و جایگاه او آتش جهنم است و چه بد جایگاهی برای ستمکاران است.

سپاس خداوندی را که از همه این روایات روشن تر و واضح تر و درخشان تر برای کسی که خدا هدایتش کرده و درباره او احسان فرموده است. آیه **﴿إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا فِي كِتَابِ اللَّهِ يَوْمَ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ مِنْهَا أَرْبَعَةٌ حُرْمٌ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ فَلَا تَظْلِمُوا فِيهِنَّ أَنْفُسَكُمْ﴾** همانا شماره ماهها نزد خداوند دوازده ماه است. در کتاب خداوند از روزی که آسمانها و زمین را خلق کرده است، چهار ماه از آنها حرام اند و آن زمینی که محکم است همین است، بر خود در آنها ستم مکنید.

و شناختن ماههای محرم و صفر و ربیع و ماههای بعدی و ماههای حرام که رجب و ذی القعدة و ذی الحجه و محرم است که دین محکم نمی تواند باشد زیرا یهود و نصاری

و مجوس و سایر ادیان و همه مردم، از موافق و مخالف این ماهها را می شناسند و آنها را به نام می شمارند بلکه آنان امامان اند و برپادارندگان دین خداوند هستند و محترم ترین آنان یکی امرالمؤمنین علی علیه السلام است که خداوند نام او را از نام خود؛ یعنی، علی مشتق کرد همچنان که برای رسول خودش صلی الله علیه و آله نامی از نام خود، محمود مشتق کرد و سه نفر دیگر از فرزندان او که نام هایشان علی است؛ یعنی، علی بن الحسین و علی بن موسی و علی بن محمد و احترام این نامها از آن رو است که آنان مشتق از نام خداوند است، درودهای خداوند بر محمد و فرزندان او که به خاطر انتساب به او عزیز و محترم اند.

(۴) در کتاب غیبت نعمانی باب ۴ صفحه ۸۷ حدیث ۱۸، آمده است:

أخبرنا سلامة بن محمد قال حدثنا ابوالحسن علي بن معروف بالحاجي قال حدثنا حمزة بن القاسم العلوي العباسي الرازي قال: حدثنا جعفر بن محمد الحسنی قال حدثنا عبيد بن كثير قال حدثنا ابواحمد ابو موسى الاسدي عن داود بن كثير الرقي، قال: دخلت ابي عبدالله جعفر بن محمد عليه السلام بالمدينة فقال لي: ما الذي أبطاك يا داود عناً؟ فقلت: حاجة عرضيت بالكوفة، فقال: من خلقت بها؟ فقلت: جعلت فداك خلقت بها عمك زيدا تركته راكبا على فرس متقلد سيفاً ينادى بأعليصوته سلوني قبل ان تفقدوني، فبين جوانحي علم جم قد عرفت الناسخ من المنسوخ والمثاني والقرآن العظيم واني العلم بين الله وبينكم، فقال لي: يا داود، لقد ذهبت بك المذاهب ثم نادى يا سماعة بن مهران ايتني بسلة الرطب فأياه بسلة فيها رطب، فتناول منها رطبة فأكلها، واستخراج النواة من فيه فغرسها في الارض، ففلقت و أبتت و أطلعت و أغدقت، فضرب بيده الى بسرة من عذق فستقها واستخرج منها رقاً أبيض ففضّه و رفعه الى و قال: اقرأه فقرأته و اذا فيه سطران، السطر الاول «لا اله الا الله، محمد رسول الله» والثاني «إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا فِي كِتَابِ اللَّهِ يَوْمَ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ مِنْهَا أَرْبَعَةٌ حُرْمٌ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ فَلَا تَظْلِمُوا فِيهِنَّ أَنْفُسَكُمْ» اميرالمؤمنين علي بن ابي طالب، الحسن بن علي، الحسين بن علي، علي بن

الحسین، محمد بن علی، جعفر بن محمد، موسی بن جعفر، علی بن موسی، محمد بن علی، علی بن محمد، الحسن بن علی، الخلف الحجة. ثم قال: یا داود، أتدری متی کتب هذا فی هذا؟ قلت الله اعلم ورسوله وأنتم، فقال: قبل ان یخلق الله آدم بالفی عام.

خبر داد ما را سلامه بن محمد او گفت: حدیث کرد ما را ابوالحسن علی بن عمر معروف به حاجی او گفت: حدیث کرد ما را حمزة بن قاسم علوی عباسی رازی او گفت: حدیث کرد ما را جعفر بن محمد حسنی او گفت: حدیث کرد ما را عبید بن کثیر او گفت حدیث کرد ما را ابواحمد بن موسی اسدی از داود، رقی، داود رقی می گوید: در مدینه خدمت ابی عبدالله جعفر بن محمد علیه السلام رسیدم مرا فرمودند: ای داود، خیلی وقت است نزد ما نیامده ای؟ عرض کردم در کوفه کاری برایم پیش آمده بود، حضرت فرمودند: وقتی از کوفه بیرون آمدی چه کسی آنجا بود؟ عرض کردم جانم فدای شما شود وقتی از کوفه بیرون می آمدم عموی شما زید را دیدم که سوار بر اسبی بود و قرآنی به گردنش انداخته بود و با صدای بلند فریاد می زد «سلونی قبل ان تفقدونی» از من هر چه می خواهید برسید، قبل از اینکه مرا از دست بدهید که در اندرون سینه من دانش فراوانی است من ناسخ را از منسوخ شناخته ام و قرآن عظیم را می دانم و منم آن نشانه ای که در میان خداوند و شما هستم.

سپس، حضرت فرمودند: ای داود، تو خودت را به این و آن باختی، سپس صدا زد ای سماعه بن مهران، یک ظرف خرما می تازه بیاور، سماعه ظرفی را که خرما می تازه در آن بود آورد، حضرت یک دانه از آن خرما را برداشتند و میل فرمودند و هسته آن را از دهان خود بیرون آوردند و در زمین کاشتند. زمین فوراً شکافته شد و هسته خرما از زمین روید و طلع داد و خرما شد. حضرت دست زدند و یک دانه خرما می نارس از خوشه چیدند و آن را شکافتند و از میانش پوست نازک و سفیدی بیرون آوردند و باز کردند و به دست من دادند و فرمودند: بخوانش. خواندم و دیدم دو سطر نوشته شده است:

سطر اول «لا اله الا الله»

سَطْر دَوْم ﴿إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا فِي كِتَابِ اللَّهِ يَوْمَ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ مِنْهَا أَرْبَعَةٌ حُرْمٌ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ﴾ امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب، الحسن بن علی، الحسین بن علی، علی بن الحسین، محمد بن علی، جعفر بن محمد، موسی بن جعفر، علی بن موسی، محمد بن علی، علی بن محمد، الحسن بن علی، الخلف الحجّة .

سپس فرمودند: ای داود، آیا می دانی این نوشته چه زمانی نگاشته شده است؟ گفتم: خداوند و رسولش بهتر می دانند. فرمودند: دو هزار سال پیش از آنکه آدم آفریده شود.

(۵) در کتاب منتخب الاثر فصل ۱ باب ۸ صفحه ۱۳۷، آمده است:

غیبة الشيخ جابر الجعفی قال: سئلت ابا جعفر عليه السلام ان تأويل قول الله عز وجل: ﴿إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا فِي كِتَابِ اللَّهِ يَوْمَ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ مِنْهَا أَرْبَعَةٌ حُرْمٌ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ فَلَا تَظْلِمُوا فِيهِنَّ أَنْفُسَكُمْ﴾ قال فتتفسر سيدي الصعداء ثم قال يا جابر اما «السنة» فهي جدی رسول الله صلى الله عليه وآله و شهورها اثني عشر شهراً فهو امیرالمؤمنین انی والی ابني جعفر و ابنه موسی و ابنه علی و ابنه محمد و ابنه علی و الی ابنه الحسن و الی ابنه محمد الهادی المهدي اثنا عشر اماما حجج الله فی خلقه و امانه علی و حیه و علمه و الأربعة الحرم الذين هم الدين القيم أربعة منهم يخرجون باسم واحد علی امیرالمؤمنین و ابی علی بن الحسین و علی بن موسی الرضا و علی بن محمد فالأقرار بهؤلاء هو الدين القيم و لا تظلموا فيهن أنفسكم أي قولوا جميعا تهتدوا.

جابر بن جعفی نخعی می گوید: سؤال کردم از ابا جعفر محمد بن علی الباقر عليه السلام درباره تفسیر تأویل این آیه که فرموده خداوند متعال است: ﴿إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا فِي كِتَابِ اللَّهِ يَوْمَ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ مِنْهَا أَرْبَعَةٌ حُرْمٌ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ فَلَا تَظْلِمُوا فِيهِنَّ أَنْفُسَكُمْ﴾ حضرت فرمودند: ای جابر، اما «السنة» سال، جد من رسول خدا صلى الله عليه وآله است و ماههای آن که دوازده ماه است عبارت است از:

امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب، امام حسن و امام حسین، علی بن الحسین و من و فرزندم جعفر و فرزند او موسی و فرزند او علی و فرزند او محمد و فرزند او علی و فرزند او حسن و فرزند او محمد الهادی المهدی «اثنا عشر اماما» دوازده امام، دوازده حجت خدا بر خلق و امینان وحی و علم خداوند هستند. چهار نفر از اینها محترم هستند و ایشان دین قیم خداوند هستند و این چهار نفر دارای یک اسم واحد هستند و آنها عبارتند از علی امیرالمؤمنین علیه السلام و پدرم علی بن الحسین علیه السلام و علی بن موسی الرضا علیه السلام و علی بن محمد علیه السلام، اقرار کردن به اینها اقرار بر دین پا برجاست، درباره اینها به خودتان ظلم مکنید؛ یعنی، به وسیله آنها هدایت می شوید.

آیه شصت و دوم

● در زمان ولی عصر (عج) مسلمانان با هم علیه کفر متحد می‌شوند.

خداوند در سوره توبه آیه ۳۶، می‌فرماید:

﴿... وَ قَاتِلُوا الْمُشْرِكِينَ كَافَّةً كَمَا يُقَاتِلُونَكُمْ كَافَّةً وَ أَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ﴾

همه با هم و با اتفاق مبارزه و جهاد کنید با مشرکان، همان‌گونه که آن‌ها با هم و با اتفاق با شما مبارزه می‌کنند و بدانید خداوند (همیشه) با متقین است.

(۱) در کتاب ینابیع المودة صفحه ۴۲۳، آمده است:

و عن زرارة قال سئل الباقر عليه السلام عن قول الله تعالى ﴿... وَ قَاتِلُوا الْمُشْرِكِينَ كَافَّةً كَمَا يُقَاتِلُونَكُمْ كَافَّةً وَ أَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ﴾ قال: لم يجى تأويل هذه الآية و اذا قام قائمنا بعد يرى من يدرکه ما يكون من تأويل هذه الآية و ليبلغن دين محمد عليه السلام ما بلغ ليل و النهار حتى لا يكون شرك على ظهر الارض كمي قال الله عزوجل.

زراره می‌گوید: از حضرت امام محمد باقر عليه السلام سؤال کردند درباره این فرموده خداوند متعال: «همه با هم و با اتفاق مبارزه و جهاد کنید با مشرکان، همان‌گونه که آن‌ها با هم و با اتفاق با شما مبارزه می‌کنند» حضرت فرمودند: زمان تأویل این آیه نرسیده است و هنگامی که قائم ما قیام کند تأویل این آیه می‌رسد و کسی که آن بزرگوار را ببیند او تأویل این آیه را درک خواهد کرد. در آن زمان است که دین محمد عليه السلام به آنجا می‌رسد (که همه به آن ایمان می‌آورند) و در آن زمان شب و روزی نمی‌گذرد مگر اینکه دیگر مشرکی در روی زمین پیدا نخواهد شد و این است معنی فرموده خداوند متعال.

نتیجه‌ای که از این آیه و روایت می‌گیریم این است که:

اول تأویل این آیه در زمان ظهور امام زمان (عج) است.

دوم در آن زمان همه مسلمانان با هم علیه کفار متحد و متفق خواهند شد.

سوم در آن عصر دیگر مشرکی روی زمین نخواهد ماند.

چهارم دین رسول خدا ﷺ بر همه ادیان دیگر ظفر پیدا خواهد کرد.

۲) نظیر حدیث فوق در بحار الانوار، تفسیر عیاشی و منتخب الاثر فصل ۲ صفحه

۲۹۴ باب ۳۵ حدیث ۷، هم آمده است.

آیه شصت و سوم

● هر کس با امام زمان (عج) باشد با صادقین است.

خداوند در سوره توبه آیه ۱۱۹، می فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ﴾

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، تقوی پیشه کنید و با راستگویان باشید.

حاکم حسکانی حنفی از علمای قرن پنجم هجری قمری در کتاب شواهد التنزیل صفحه ۲۲۴، در ذیل این آیه هشت حدیث می آورد که صادقین چه کسانی هستند که مسلمین می بایست با آنها باشند.

در حدیث اول می فرماید صادقین محمد ﷺ و علی ﷺ هستند و در حدیث دوم می گوید صادقین علی بن ابی طالب ﷺ است و در حدیث سوم می گوید صادقین علی ﷺ و شیعیان علی و حزب علی بن ابی طالب ﷺ هستند.

حدیث چهارم چنین است: حاکم حسکانی گوید که نقل حدیث کرد ما را علی بن عباس مقانعی از جعفر بن محمد بن حسن از احمد بن صبیح اسدی از مفضل بن صالح از جابر از ابی جعفر محمد بن علی الباقر ﷺ در فرمایش خداوند ﴿وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ﴾، با راستگویان باشید، فرمودند: با آل محمد ﷺ باشید.

در حدیث پنجم و ششم نیز می فرماید که با علی بن ابی طالب ﷺ باشید. در حدیث هفتم می فرماید:... عن ابن عباس فی قول الله تعالی: ﴿اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ﴾ صادقین علی ﷺ واصحاب علی هستند.

و در حدیث هشتم آورده است حاکم حسکانی می گوید: خبر داد ما را عقیل... از نافع از عبدالله بن عمر در مورد فرموده خداوند ﴿اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ﴾ با راستگویان باشید؛ یعنی، با محمد ﷺ و اهل بیت محمد ﷺ باشید.

از مجموعه این احادیث نتیجه می گیریم که منظور آیه از «صادقین» رسول خدا ﷺ

و امیرالمؤمنین علیه السلام و اهل بیت و آل رسول خدا صلی الله علیه و آله هستند و امروزه بر روی کره زمین هیچ کس به رسول خدا نزدیک تر از حجة بن الحسن العسکری (عج) نیست و ما اگر بخواهیم مؤمن واقعی باشیم، باید با او باشیم و هر کس با آن حضرت باشد از صادقین است.

(۱) در تفسیر برهان مجلد ۲ صفحه ۱۷۰، آمده است:

عن ابی نصر، عن ابی الحسن الرضا علیه السلام قال: سئلته عن قوله الله عزوجل ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ كُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ﴾ قال الصادقون هم الائمة بطاعتهم.
ابن ابی نصر می گوید از قول امام رضا علیه السلام درباره این آیه سؤال کردم ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ كُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ﴾ فرمود: مقصود از صادقون ائمه هستند که باید اطاعتشان نمود.

(۲) در تفسیر برهان مجلد ۲ صفحه ۱۷۰، آمده است:

عن جابر، عن ابی جعفر علیه السلام فی قوله: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ كُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ﴾ قال مع علی بن ابی طالب علیه السلام.

جابر از امام باقر علیه السلام نقل می کند که درباره آیه شریفه ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ كُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ﴾ فرمودند: با علی بن ابی طالب باشید.

(۳) در تفسیر برهان مجلد ۲ صفحه ۱۷۰، آمده است:

عن ابی عبدالله علیه السلام فی قوله ﴿وَ كُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ﴾ قال مع آل محمد صلی الله علیه و آله.
امام صادق علیه السلام در تفسیر کلام خدا ﴿وَ كُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ﴾ فرمود با آل محمد صلی الله علیه و آله باشید.

(۴) در تفسیر برهان مجلد ۲، صفحه ۱۷۰، آمده است:

روی عن النبی صلی الله علیه و آله سئل عن الصادق ههنا؟ فقال هم علی و فاطمة و حسن و حسین و ذریتهم الطاهرون الی یوم القيامة.

از رسول خدا صلی الله علیه و آله از صادقین سؤال شد، فرمودند: صادقین علی و فاطمه و حسن و حسین و ذریه طاهرین او علیهم السلام هستند تا روز قیامت.

(۵) در تفسیر صافی صفحه ۲۴۳، آمده است:

و فی الاکمال عن امیرالمؤمنین علیه السلام انه قال فی جمع المهاجرین و الانصار ایام خلافة عثمان اسالکم باللہ اتعملون انه لما نزلت هذه الایة. قال سلمان: یا رسول اللہ: عامه هذه الایة ام خاصه فقال المأمورون فعامه المؤمنین امروا بذلك و اما الصادقین فخاصه لاخی و اوصیایی من بعده حتی الی یوم القیامة قالوا اللهم نعم.

از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت شده که در جمع مهاجرین و انصار در هنگام خلافت عثمان خطاب به آنان فرمود: شما را به خدا قسم می‌دهم آیا می‌دانید که این آیه درباره چه کسی نازل شده «و کونوا مع الصادقین»؟ سلمان به رسول خدا صلی الله علیه و آله عرض کرد این آیه عمومیت دارد یا مربوط به افراد خاصی می‌باشد؟ حضرت فرمودند: کسانی که مأمورند، در آیه عامه مؤمنین هستند، ولی صادقون مخصوص برادران و جانشینان بعد او تا روز قیامت است. همگی در پاسخ علی علیه السلام گفتند: آری چنین است.

(۶) در کتاب اصول کافی مجلد ۱ صفحه ۲۰۸، آمده است:

عن ابی جعفر علیه السلام قال: قال رسول الله صلی الله علیه و آله: من احب ان یحیی حباة تشبه حیاة الانبیاء و یموت میتة تشبه میتة الشهداء و یسکن الجنان الی غرسها الرحمن فلیتول علیا و لیوال ولیه ولیقتد بالائمه من بعده فانهم عترتی خلقوا من طینتی. اللهم، ارزقهم فهمی و علمی و ویل للمخالفین لهم من امتی. اللهم، لا تنلهم شفاعتی.

از امام باقر علیه السلام روایت شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر کس دوست دارد زندگی و حیاتش به زندگی انبیا شبیه باشد و مرگش همانند مرگ شهدا و جایگاهش در آخرت در بهشت آن چنان باشد که خداوند آن را غرس نموده، باید علاقه‌مند به علی علیه السلام و دوستان او باشد و به امامان بعد از او اقتدا کند زیرا که آن‌ها عترت من هستند، آن‌ها از طینت و سرشت من خلق شده‌اند. خداوند، فهم و علم مرا به آن امامان تفضل فرما پس وای بر مخالفین ایشان از امت من. پروردگارا شفاعت مرا شامل حالشان مگردان.

(۷) در کتاب اصول کافی مجلد ۱ صفحه ۲۰۸، آمده است:

عن رسول الله صلی الله علیه و آله: و ان الروح و الراحة و الفلاح و العون و الجناح و البركة و الکرامة و

المغفرة و المعافاة و اليسر و البشرى و الرضوان و القرب و النصر و التمکن و الرجاء و المحبة من الله عزوجل لمن تولى علیاً و انتم به و برى من عدوه و سلم لفضله و للاوصیاء من بعده حقا علی ان ادخلهم فی شفاعتی و حق علی ربی تبارک و تعالی ان یتجیب لی فیهم.

از رسول الله ﷺ روایت شده که فرمود: روح، راحتی، رستگاری، اعانت، پیروزی، برکت، کرامت، مغفرت، عافیت، آسانی، بشارت، رضوان، تقرب، یاری، تمکن، امید و محبت از خداوند بزرگ «همه و همه» در سایه تولای علی بن ابی طالب علیه السلام و اقتدا به آن حضرت و تبری و نفرت از دشمنان اوست و نیز پذیرفتن فضائل او و جانشینان بعد از او. بر من رسول الله ﷺ سزاوار است که از این افراد شفاعت کنم و سزاوار است که خداوند شفاعت من را درباره (دوستان علی و اولادش) قبول نماید.

از مجموعه احادیث می توانیم نتیجه بگیریم که صادقین رسول خدا ﷺ و امیرالمؤمنین علیه السلام و امامان از فرزندان آن حضرت هستند، و آخرین این امامان در حال حاضر حضرت حجة بن الحسن العسکری (عج) است که هر کس با او باشد روح، راحتی، رستگاری، اعانت، پیروزی، برکت، کرامت، مغفرت، عافیت، آسانی، بشارت، رضوان، تقرب، یاری، تمکن، امید و محبت از آن او خواهد بود.

آیه شصت و چهارم

● خداوند با منتظران است.

خداوند در سوره یونس آیه ۲۰، می فرماید:

﴿وَيَقُولُونَ لَوْلَا أُنزِلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِنْ رَبِّهِ فَقُلْ إِنَّمَا الْغَيْبُ لِلَّهِ فَانْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِينَ﴾

و می گویند چرا آیتی از طرف پروردگارش بر او نازل نشود، پس بگو جز این نیست که غیب از آن خداست پس شما منتظر باشید، همانا من نیز با شما از منتظرانم.

(۱) خواجه کلان قندوزی حنفی در کتاب ینابیع المودة صفحة ۴۲۳، آورده است:

و عن يحيى بن ابوالقاسم قال، قال جعفر بن الصادق عليه السلام في قوله تعالى في سورة يونس ﴿وَيَقُولُونَ لَوْلَا أُنزِلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِنْ رَبِّهِ فَقُلْ إِنَّمَا الْغَيْبُ لِلَّهِ فَانْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِينَ﴾ قال: الغيب في هذه الآية هو الحجة القائم (عج).

یحیی بن ابوالقاسم می گوید حضرت جعفر صادق عليه السلام فرمودند: در مورد این که فرموده خداوند متعالی است در سوره یونس «و می گویند چرا آیتی از طرف پروردگارش بر او نازل نشود، پس بگو جز این نیست که غیب از آن خداست. پس شما منتظر باشید، همانا من نیز با شما از منتظرانم.» غیب در این آیه مبارکه حجة القائم (عج) است.

از این آیه و این روایت چنین می توانیم نتیجه بگیریم:

اول اینکه می فرمایند ﴿إِنَّمَا الْغَيْبُ لِلَّهِ﴾ این غیب وجود اقدس حضرت قائم مطلق / حجة بن الحسن العسکری (عج) است.

دوم خداوند می فرمایند همه منتظر ظهور او باشید که من هم با شما از منتظرانم، پس مسلمان واقعی یک منتظر واقعی است و این دستور خداوند متعال است.

سوم در این آیه و این حدیث منظور از آیات ائمه طاهرین هستند که وجود آنها

بزرگ‌ترین آیات و معجزات الهی است و منظور از «آیه» وجود اقدس امام زمان (عج) است.

(۲) در کتاب کمال الدین مجلد ۲ صفحه ۳۴۰ باب ۳۳ حدیث ۲۰ و کتاب المحجة صفحه ۱۶۹، آمده است:

ابن بابویه قال: حدثنا علی بن احمد [بن محمد] الدقاق رضی الله عنه، قال: حدثنا محمد بن ابی الکوفی، قال: حدثنا موسی بن عمران النخعی، عن عمه الحسین بن یزید، عن علی بن ابی حمزه، عن یحیی بن القاسم، قال: سألت الصادق رضی الله عنه عن قول الله عزوجل ﴿الْمَ ۝ ذَٰلِكَ ۝ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ ۝ الَّذِيْنَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ...﴾ فقال: المتقون شيعة علي رضی الله عنه، و الغيب [فَ] هو الحجة القائم [الغائب] و شاهد ذلك قول الله عزوجل: ﴿وَ يَقُولُونَ لَوْلَا أُنزِلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِنْ رَبِّهِ فَقُلْ إِنَّمَا الْغَيْبُ لِيَّهِ فَانْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنتَظِرِينَ﴾.

ابن بابویه گوید: حدیثمان داد علی بن احمد [بن محمد] دقاق رضی الله عنه گوید: حدیثمان آورد محمد بن ابی عبدالله کوفی، گوید: حدیثمان داد موسی بن عمران نخعی، از عمویش حسین بن یزید، از علی بن ابی حمزه، از یحیی بن القاسم که گفت: از امام صادق رضی الله عنه درباره فرموده خدای عزوجل: «الم ۝ ذلک ۝ الکتب ۝ لا ریب فیہ هدی للمتقین ۝ الذین یؤمنون بالغیب...» فرمود: متقیان، هدایتگر متقیان است ۝ کسانی که به غیب ایمان آورند. پرسیدم، فرمود: متقیان، شیعیان علی رضی الله عنه هستند و غیب همان حجت قائم (عج) [غائب] می‌باشد و شاهد بر این است فرموده خداوند عزوجل: و [«کافران» گویند چرا آیتی از پروردگارش بر او نازل نمی‌شود، پس بگو همانا غیب مخصوص خداوند است، پس منتظر باشید که من از منتظران هستم»].

آیه شصت و ششم

● قبل از ظهور قائم آل محمد (عج)، منادی از آسمان به هدایت مردم می‌پردازد.

خداوند در سوره یونس آیه ۳۵، می‌فرماید:

﴿قُلْ هَلْ مِنْ شُرَكَائِكُمْ مَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ قُلِ اللَّهُ يَهْدِي لِلْحَقِّ أَفَمَنْ يَهْدِي
إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يَتَّبَعَ أَمَّنْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يُهْدَىٰ فَمَا لَكُمْ كَيْفَ
تَحْكُمُونَ﴾

ای رسول خدا ﷺ، بگو: آیا هیچ کدام از شرکاء شما (مشرکان) کسی را به راه حق هدایت می‌کند، بگو فقط خدا است که به حق هدایت می‌فرماید (حال سؤال می‌کنیم) آیا کسی که به حق هدایت می‌کند سزاوار پیروزی است یا کسی که نمی‌تواند هدایت کند؟ مگر آنکه خودش هدایت شود، پس شما را چه شده است و چگونه قضاوت باطل می‌کنید!

(۱) در کتاب روضه کافی مجلد ۲ صفحه ۷، آمده است:

ابوعلی الاشعری عن محمد بن عبد الجبار، عن ابن فضال و الحجال جميعا عن ثعلبه، عن عبد الرحمن بن مسلمة الجريري قال: قلت لأبي عبد الله عليه السلام يوبخونا و يكذبونا، أنا نقول: إنَّ صيحتين تكونان، يقولون: من اين تعرف المحقة من المطلبة اذا كانتا؟ قال فماذا تردون عليهم؟ قلت: ما نرد عليهم شيئاً، قال: قولوا: يصدق بها اذا كانت من كان يؤمن بها من قبل، ان الله عز وجل يقول: ﴿أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يَتَّبَعَ أَمَّنْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يُهْدَىٰ فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ﴾.

عبد الرحمن بن مسلمة جریری می‌گوید: به امام صادق عليه السلام عرض کردم: دشمنان (و مخالفین شیعه) ما را سرزنش کرده و دروغگو می‌پندارند، ما می‌گوییم: دو فریاد آسمانی خواهد بود، گویند: وقتی دو فریاد هر دو از آسمان باشد چگونه فریاد حق از باطل شناخته شود؟ حضرت فرمودند: شما چه پاسخی به آن‌ها دادید؟ عرض کردم: ما

پاسخی نداریم که به آن‌ها بگوییم. فرمودند: به آن‌ها بگویید هنگامی که آن فریاد بلند شود هر کس پیش از آن فریاد ایمان بدان آورده و آن را باور و تصدیق کند خدای عزوجل می‌فرماید: «آیا کسی که به سوی حق هدایت می‌کند شایسته‌تر است که پیرویش کنند یا آن کسی که هدایت نمی‌کند جز آنکه خود هدایت شود، پس شما را چه شده، چگونه قضاوت می‌کنید؟»

(۲) در کتاب روضة کافی مجلد ۲ صفحه ۷ حدیث ۲۵۳، آمده است:

عنه، عن محمد، عن ابن فضال، و الحجال: عن داود بن فرقد قال: سمع رجل من العجلية هذا الحديث قوله: ينادي مناداً لا ان فلان بن فلان وشيعته هم الفائزون اول النهار وينادي آخر النهار الا ان عثمان وشيعته هم الفائزون، قال: و ينادي اول النهار منادي آخر النهار فقال الرجل: فما يدرينا ايها الصادق من الكتاب؟ فقال: يصدقه عليها من كان يؤمن بها قبل ان ينادي، ان الله عزوجل يقول: ﴿أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يَتَّبَعَ أَمَّنْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يَهْدِي...﴾.

داود بن فرقد گوید: مردی از عجلیه این حدیث را شنید که گویند: در هنگام ظهور، در اول روز منادی ندا کند: آگاه باشید که فلان فرزند و فلان پیروانش رستگارانند، و در آخر روز منادی دیگر ندا کند: آگاه باشید که عثمان و پیروانش رستگارانند. آن مرد عجلی گفت: در این صورت ما نمی‌دانیم که کدام راستگو و کدام دروغگو است؟ حضرت در پاسخ فرمودند: تصدیق کند آن را (و راستگویان را از دروغگویان بشناسد) آن کس که پیش از این ندا بدان ایمان دارد، همانا خدای عزوجل می‌فرماید: «آیا کسی که به سوی حق هدایت می‌کند شایسته‌تر است که پیرویش کنند یا آن کسی که هدایت نمی‌کند جز آنکه خود هدایت شود، پس شما را چه شد، چگونه قضاوت می‌کنید؟»

(۳) در کتاب کمال الدین مجلد ۲ صفحه ۶۵۰ باب ۵۷ حدیث ۴، آمده است:

حدثنا محمد بن الحسن بن احمد بن الوليد رضي الله عنه قال: حدثنا الحسين بن الحسن بن ابان، عن الحسين بن سعيد، عن النضر بن سويد، عن يحيى الحلبي، عن الحارث بن المغيرة البصري،

عن میمون البان، قال: کنت عند ابی جعفر علیه السلام فی فسطاطه فرفع جانب الفسطاط فقال: ان امرنا فد کان ابین من هذه الشمس، ثم قال: ینادی مناد السماء فلان بن فلان هو الامام باسمه، وینادی ابلیس لعنة الله من الارض کما نادى برسول الله صلی الله علیه و آله لیلۃ العقبۃ.

میمون البان گوید من در خیمه امام پنجم نشسته بودم، دامن خیمه را بالا زد و فرمود امر ما از این آفتاب روشن تر است، سپس، فرمودند: منادی از طرف آسمان فریاد کند که امام فلان پسر فلان است و نام او را ببرد و منادی ابلیس از زمین همان را ندا کند که در شب عقبه به رسول خدا صلی الله علیه و آله ندا کرد.

(۴) در کتاب کمال الدین و تمام النعمة مجلد ۲ صفحه ۶۵۰ باب ۵۷ حدیث ۸، آمده است:

حدثنا ابی عليه السلام قال: حدثنا سعد بن عبدالله قال: حدثنا محمد بن الحسين بن ابی الخطاب، عن جعفر بن بشیر، عن هشام بن سالم، عن زرارة، عن ابی عبدالله علیه السلام قال: ینادی مناد باسم القائم (عج) قلت: خاص او عام؟ قال: عام یسمع کل قوم بلسانهم، قلت: فمن یخالف القائم (عج) و قد نودی باسمه؟ قال: لا یدعهم ابلیس حتی ینادی فی آخر اللیل یشکک الناس.

زراره گوید: امام ششم فرمودند: یک منادی به نام امام قائم فریاد می کشد، گفتم: ندای خصوصی است یا عمومی؟ فرمود: عمومی، هر ملتی به زبان خود آن را می شنود، گفتم در حالی که به نام او دعوت شود کیست که با قائم مخالفت کند؟ فرمودند: ابلیس آن ها را نمی گذارد در آخر شب فریاد می کشد که مردم دچار تردید می شوند.

(۵) در کتاب کمال الدین مجلد ۲ صفحه ۶۵۲ باب ۵۷ حدیث ۱۳، آمده است:

حدثنا محمد بن علی ماجیلویه رضی الله عنه، عن عمه محمد بن ابی القاسم، عن محمد بن علی الکوفی، عن ایبه، عن ابی المغراء، عن المعلى بن خنیس، عن ابی عبدالله علیه السلام قال: صوت جبرئیل من السماء، و صوت ابلیس من الارض، فاتبعوا الصوت الاول، وایاکم والا خیر ان تفتنوا به.

امام ششم علیه السلام فرمودند: آواز جبرئیل از آسمان است و آواز ابلیس از زمین. آواز نخست را پیروی کنید و از آواز اخیر بپرهیزید مبادا بدان فریفته شوید.

پس، توجه بفرمایید قبل از ظهور قائم آل محمد (عج) دو فریاد و یا دو ندا به گوش خواهد رسید، یکی ندایی است که از آسمان بلند می شود، و همه کره زمین از هر طایفه و از هر قبیله آن را می شنوند، و مؤمنین به وسیله این ندا هدایت می شوند، دومین ندا از طرف ابلیس از زمین است که برای ضلالت مردم ندا در می دهد که عده ای را به گمراهی می کشاند و اینها از علایم قبل از ظهور حضرت قائم آل محمد (عج) است.

آیه شصت و هفتم

● پیروان قائم آل محمد (عج) از اولیاء الله هستند.

خداوند در سوره یونس آیات ۶۲ و ۶۳ و ۶۴، می فرماید:

﴿الْإِنِّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ۝ الَّذِينَ آمَنُوا وَ كَانُوا يَتَّقُونَ ۝ لَهُمُ الْبُشْرَىٰ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ فِي الْآخِرَةِ لَا تَبْدِيلَ لِكَلِمَاتِ اللَّهِ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ﴾

آگاه باشید که دوستان خدا هرگز هیچ ترس و اندوهی ندارند ۰ کسانی که ایمان آوردند و خدا ترس هستند ۰ و برای آن‌ها بشارت است هم در زندگی دنیا و هم در زندگی آخرت و برای کلمات خدا تغییری نیست که این پیروزی بزرگ است.

(۱) در کتاب تفسیر صافی مجلد ۱ صفحه ۷۵۷، آمده است:

و فی الاکمال عن الصادق طوبی شیعة قائمنا المنتظرین لظهوره فی غیبتة و المطیعین له فی ظهوره اولئک اولیاء الله الذین لا خوف علیهم ولا هم یحزنون.

امام صادق علیه السلام می فرمایند: خوشا به حال شیعیان قائم ما که منتظر ظهور او در غیبت او هستند و پس از ظهورش و در هنگام ظهورش مطیع، (او امر او هستند) این‌ها اولیای خداوند هستند که هیچ ترس و وحشتی ندارند.

(۲) در کتاب تفسیر صافی مجلد ۱ صفحه ۷۵۷ و اصول کافی مجلد ۳ صفحه ۳۳۳

باب «والایمان و الکفر» حدیث ۲۲۹۵، آمده است:

و فی الکافی عن الصادق علیه السلام، عن النبی صلی الله علیه و آله: من عرف الله و عظمه منع فاه من الکلام و بطنه عن الطعام و عفی نفسه بالصیام و القیام قالوا بابائنا و امهاتنا یا رسول الله هؤلاء اولیاء الله قال ان اولیاء الله سکتوا فکان سکوتهم ذکراً و نظروا فکان نظرهم عبرة و نطقوا فکان نطقهم حکمة و مشوا فکان مشیهم بین الناس برکة لو لا الاجل التي کتبت علیهم لم تقر ارواحهم فی اجسادهم خوفاً من العذاب و شوقاً الی الثواب.

رسول خدا ﷺ فرمودند: هر کس خداوند را شناخت و به عظمت او پی برد، زبانش را از سخن گفتن نگاه می دارد (کم حرف می زند) و شکمش را از طعام باز می دارد، (کم می خورد و هر چیزی را هم نمی خورد) و نفسش را با روزه داری و قیام (برپایی نماز) ریاضت می دهد روزها روزه است و شبها عبادت می کند، اصحاب گفتند یا رسول الله، پدر و مادرم فدای شما باد آیا اینها اولیاء خدا هستند، حضرت فرمودند: اولیاء خداوند خاموشی می گزینند و خاموشی آنها نیز ذکر است، نگریستن آنها عبرت (گرفتن است) و سخن گفتن آنها حکمت است، در میان مردم راه می روند و راه رفتن آنها برکت است. اگر خداوند برای آنها مرگ و اجل تعیین شده در روز معین مشخص نکرده بود، از خوف خداوند و شوق ثواب او جان می دادند و قالب تهی می کردند.

(۳) در کتاب تفسیر صافی مجلد ۱ صفحه ۷۵۸، آمده است:

و فی کلامی عن الباقر علیه السلام فی هذه الایة یبشرهم بقیام القائم و بظهوره و بقتل اعدائهم و بالنجاة فی الاخرة و الورد علی محمد و آله الصادقین علی الحوض.

از مجموعه این آیات می توان نتیجه گرفت که اصحاب و انصار و یاران و پیروان مهدی (عج) از اولیا الله هستند و دارای خصوصیات زیر می باشند:

الف قبل از ظهورش، از منتظران هستند و منتظر ظهورش می باشند.

ب پس از ظهورش، از مطیعان و اطاعت کنندگان او امر او هستند.

ج آنها به جز از خداوند از هیچ کس ترس و وحشتی ندارند.

د آنها زبانشان در اختیارشان است و کمتر سخن می گویند.

ه آنها شکمشان در اختیارشان است، کم می خورند و هر چیزی را نمی خورند.

و نفس و روحشان را به وسیله روزه می سازند.

ز و باز به وسیله نماز و قیام شبانه (نماز شب) خودسازی می کنند.

ح خاموشی آنها ذکر است.

ط نگاه کردن آنها عبرت است.

ی سخن گفتن آنها حکمت است.
ک در میان مردم راه می روند و راه رفتن آنها برکت است.
ل اگر اجل حتمی خداوند نبود از وحشت عذاب سگته می کردند.
م اگر اجل حتمی خداوند نبود از شوق ثواب خداوند جان می دادند.

آیه شصت و هشتم

● قرآن، اصحاب امام زمان (عج) را امت معدوده می‌داند.

خداوند در سوره هود آیه ۸، می‌فرماید:

﴿وَلَئِنْ أَخْرْنَا عَنْهُمْ الْعَذَابَ إِلَىٰ أُمَّةٍ مَّعْدُودَةٍ لَّيَقُولُنَّ مَا يَحْبِسُهُ إِلَّا يَوْمَ يَأْتِيهِمْ لَيْسَ مَصْرُوفًا عَنْهُمْ وَحَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِءُونَ﴾

و اگر عذاب را از ایشان تا زمان امت معدوده (یاران امام زمان) به تأخیر اندازیم هر آینه می‌گویند: چه چیزی آن را باز می‌دارد؟ آگاه باشید آن زمان که (عذاب برای) ایشان فرا برسد، (دیگر) از آن‌ها گردانده نخواهد شد، و آنچه را که (آنها) به استهزا می‌گرفتند حتماً بر آنان احاطه خواهد کرد.

در این آیه شریفه صحبت از عذابی شده است که این عذاب را خداوند تا زمان (امت معدوده) به عقب می‌اندازد، و آنگاه عذاب، مشرکین و کافرین را فرا خواهد گرفت، سؤال می‌شود این امت معدوده چه کسانی هستند که تا زمان آن‌ها این عذاب به تأخیر می‌افتد و این‌ها چه مقام و منزلتی دارند؟

(۱) در کتاب ینابیع المودة صفحه ۴۲۴، آمده است:

وعن الباقر عليه السلام و الصادق عليه السلام قوله تعالى: ﴿وَلَئِنْ أَخْرْنَا عَنْهُمْ الْعَذَابَ إِلَىٰ أُمَّةٍ مَّعْدُودَةٍ﴾ قالوا ان الامة المعدودة هم اصحاب المهدي في آخر الزمان ثلثمائة و ثلاث عشر رجلاً كعدد اهل بدر يجمعون في ساعته واحدة كمي يجمع فزع الخريف.

حافظ سلیمان بن ابراهیم قندوزی حنفی از امام باقر و امام صادق عليه السلام نقل می‌کند که آن دو بزرگوار درباره این قول خداوند که می‌فرماید: «و اگر عذاب را از ایشان تا زمان امت معدوده به تأخیر اندازیم» فرمودند: ان الامة المعدودة هم اصحاب المهدي في آخر الزمان: این امت معدوده یا این امت شمرده شده اصحاب مهدی در آخر الزمان هستند که تعداد آن‌ها ۳۱۳ نفر است، به تعداد اصحاب در جنگ بدر، که این‌ها در یک

لحظه واحد، جمع می شوند (به گرد مهدی (عج)) همچنانکه ابرهای پاییزی در یک زمان و با سرعت در یک نقطه جمع می گردند.

(۲) در کتاب الغیبة نعمانی صفحه ۱۲۷، آمده است:

محمّد بن ابراهیم النعمانی: قال: اخبرنا احمد بن محمد بن سعید قال: حدثنا حمید بن زیاد قال: حدثنا علی بن الصباح قال: حدثنا [ابو علی الحسن بن محمد الحضرمی قال: حدثنا] جعفر بن محمد، عن ابراهیم بن عبد الحمید، عن اسحاق بن عبد العزیز، عن ابی عبد الله علیه السلام فی قوله: ﴿وَلَئِنْ أَخْرْنَا عَنْهُمْ الْعَذَابَ إِلَىٰ أُمَّةٍ مَّعْدُودَةٍ﴾ قال: العذاب الخروج القائم (عج) و الامة المعدودة اهل بدر و اصحابه.

محمّد بن ابراهیم نعمانی گوید: احمد بن محمد بن سعید خبرمان داد، گفت: حمید بن زیاد حدیثمان داد، گفت: علی بن الصباح حدیثمان داد، گفت: [ابو علی بن محمد حضرمی حدیثمان داد، گفت: جعفر بن محمد حدیثمان داد، از ابراهیم بن عبد الحمید، از اسحاق بن عبد العزیز، از حضرت ابو عبد الله امام صادق علیه السلام که درباره قول خداوند: «و چنانچه عذاب را تا هنگام معینی [افراد معدودی] تأخیر اندازیم، گویند چه موجب تأخیر عذاب شده است؟] فرمودند: عذاب خروج حضرت قائم (عج) است، و امت معدوده، اهل بدر و اصحاب او می باشند.

(۳) در کتاب تفسیر قمی مجلد ۱ صفحه ۳۲۳، آمده است:

علی بن ابراهیم: قال: اخبرنا احمد بن ادريس قال: حدثنا احمد بن محمد، عن علی بن الحکم، عن سیف، عن حسان، عن هشام بن عمار، عن ایبه، وکان من اصحاب علی علیه السلام، عن علی صلوات الله علیه فی قوله [تعالی]: ﴿وَلَئِنْ أَخْرْنَا عَنْهُمْ الْعَذَابَ إِلَىٰ أُمَّةٍ مَّعْدُودَةٍ لَيَقُولُنَّ مَا يَحْبِسُهُ﴾ قال: الامة المعدودة اصحاب القائم الثلاثمائة و البضعة عشر.

علی بن ابراهیم: گوید: احمد بن ادريس خبرمان داد، گفت: احمد بن محمد حدیثمان داد، از علی بن الحکم، از سیف، از حسان، از هشام بن عمار، از پدرش که از اصحاب امیرالمؤمنین علی علیه السلام بوده از حضرت علی صلوات الله علیه درباره قول خدای [تعالی]: «و چنانچه عذاب را تا هنگام معینی [افراد معدودی] تأخیر اندازیم،

گویند چه موجب تأخیر عذاب شده است؟» امت معدوده اصحاب حضرت قائم (عج) می باشند آن سیصد و ده و چند نفر.

(۴) در کتاب روضه کافی صفحه ۳۱۳، آمده است:

محمد بن یعقوب: عن علی بن ابراهیم عن ابیه عن ابن ابی عمیر، عن منصور بن یونس، عن اسماعیل بن جابر، عن ابی خالد، عن ابی عبدالله [ابی جعفر] علیه السلام فی قول الله عز وجل: ﴿فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ اَیْنَمَا تَكُونُوا یَاتِ بِكُمْ اللهُ جَمِیْعاً﴾ [قال: الخیرات: الولاية و قوله تبرک و تعالی: ﴿اَیْنَمَا تَكُونُوا یَاتِ بِكُمْ اللهُ جَمِیْعاً﴾؛ یعنی، اصحاب القائم (عج) ثلاثمائة و البضعة عشر [رجلاً]، قال: وهم والله الامة المعدودة، قال: یجتمعون والله فی ساعة واحدة فزع کفزع الخریف].

محمد بن یعقوب: روایت کرده از علی بن ابراهیم، از پدرش، از ابن ابی عمیر، از منصور بن ادریس، از اسماعیل بن جابر، از ابو خالد، از حضرت ابی عبدالله امام صادق [ابو جعفر امام باقر] علیه السلام که راجع به گفتار خدای عزوجل: «پس به کارهای نیک سبقت و پیشی بگیرید، هر کجا باشید خداوند د [همه شما را] خواهد آورد»؛ یعنی، اصحاب حضرت قائم (عج) آن سیصد و ده و چند [مرد]. فرمودند: به خدا سوگند آنها ایند امت معدوده. فرمودند: به خدا سوگند در یک ساعت پیاپی جمع خواهند شد همچون ابرهای پاییزی.

(۵) در کتاب تفسیر قمی مجلد ۲ صفحه ۲۰۵، آمده است:

عن علی بن ابراهیم قال: حدثنی ابی، عن ابن ابی عمیر، عن منصور بن یونس، عن ابی خالد الکابلی قال: قال ابو جعفر علیه السلام: والله لکأنی أنظر الی القائم (عج) وقد اسند ظهره الی الحجر، ثم ینشد الله حقه، ثم یقول: یا ایها الناس فی یحاجنی فی الله، فانا اولی بالله، ایها الناس من یحاجنی فی آدم، فانا اولی بادم، یا ایها الناس من یحاجنی فی نوح، فانا اولی بنوح، ایها الناس من یحاجنی فی ابراهیم، فانا اولی بابراهیم، ایها الناس من یحاجنی فی موسی، فانا اولی بموسی، ایها الناس من یحاجنی فی عیسی، فانا اولی (الناس) بعیسی، ایها الناس من یحاجنی فی [رسول الله] فانا اولی [برسول الله] صلوات الله علیهم اجمعین، ایها الناس من

ی حاجنی فی کتاب الله، فانا اولی بکتاب الله، ثم ینتھی الی المقام فیصلی رکعتین و ینشد الله حقہ. ثم قال ابو جعفر علیه السلام: هو والله [المضطر فی کتاب الله] فی قوله: ﴿أَمَّنْ يُجِيبُ الْمَضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَ يَكْشِفُ السُّوءَ وَ يَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ﴾ فیکون اول من ینبایعه جبرائیل ثم الثلاثمائة و الثلاثة عشر رجلاً، فمن کان ابتلی بالمسیر و افاه، و من لم یتل بالمسیر فقد من [عن] فراشه، وهو قول امیر المؤمنین علیه السلام: هم المنقودون من [عن] فرشهم، و ذلك قول الله عزوجل: ﴿فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ أُنِمَّا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعاً﴾ قال: الخیرات الولاية. و قال فی موضع آخر: ﴿وَلَئِنْ أَخْرْنَا عَنْهُمُ الْعَذَابَ إِلَيَّ أُمَّةٍ مَّغْدُودَةٍ﴾ و هم اصحاب القائم (عج) یجتمعون [والله] الیه فی ساعة واحدة فاذا جاء الی البیداء ینخرج الیه جيش السفیانی، فیأمر الله الارض فتأخذ اقدمهم، وهو قوله: ﴿وَلَوْ تَرَىٰ إِذْ فَزِعُوا فَلَا فَوْتَ وَ أَخِذُوا مِنْ مَّكَانٍ قَرِيبٍ ۝ وَ قَالُوا آمَنَّا بِهِ﴾؛ یعنی، بالقائم من آل محمد علیه السلام ﴿وَآتَىٰ لَهُمُ التَّنَاوُسَ مِنْ مَّكَانٍ بَعِيدٍ﴾ [الی قوله]: ﴿وَ حِيلَ بَيْنَهُمْ وَ بَيْنَ مَا يَشْتَهُونَ﴾؛ یعنی، [الآ یعذبوا] ﴿كَمَا فَعَلَ بِأَشْيَاعِهِمْ مِنْ قَبْلُ﴾ [من قبل؛ یعنی، من کان قبلهم من المكذبین هلكوا.

علی بن ابراهیم گوید: پدرم برایم حدیث گفت، از ابن ابی عمیر، از منصور بن یونس، از ابو خالد کابلی که گفت: حضرت ابو جعفر امام باقر علیه السلام فرمودند: گوئی به خدا سوگند قائم (عج) را می نگرم در حالی که به حجر الاسود تکیه زده، سپس خویش را از خداوند می خواهد، آن گاه می گوید: ای مردم، هر کس درباره خداوند با من بحث کند پس [بداند که] من نزدیک ترین افراد به خداوند هستم، ای مردم، هر کس درباره آدم با من بحث کند پس من نزدیک ترین کسان به آدم هستم، ای مردم، هر کس با من درباره نوح بحث نماید پس من نزدیک ترین افراد به نوح می باشم، ای مردم، هر کس درباره ابراهیم با من بحث کند پس [بداند که] من نزدیک ترین اشخاص به ابراهیم هستم، ای مردم، هر کس درباره موسی با من بحث کند پس منم نزدیک ترین کسان به موسی، ای مردم، هر آنکه درباره عیسی با من بحث کند پس من نزدیک ترین [افراد] به عیسی می باشم، ای مردم، هر کس با من درباره [رسول خدا] بحث نماید پس من نزدیک ترین افراد به رسول خدا

صلوات الله علیهم اجمعین می باشم، ای مردم، هر کس درباره کتاب خدا با من بحث کند پس منم نزدیک ترین کسان به کتاب خداوند. سپس به مقام ابراهیم خواهد رفت، دو رکعت نماز می گذارد و حقیقتش را از خداوند طلب می نماید.

آن گاه حضرت ابو جعفر امام باقر علیه السلام فرمودند: اوست به خدا سوگند [آن مضطری که در کتاب خدا یاد شده] در فرموده او: «آیا چه کسی دعای مضطر ناچار را به اجابت می رساند و شما را جانشینان زمین قرار می دهد» پس نخستین کسی که با او بیعت کند جبرئیل است، سپس، آن سی صد و سیزده مرد [بیعت می کنند]، پس هر کدام از ایشان پیش از آن هنگام از منزلش بیرون بوده، به مقصد خواهد پیوست، و هر کدام دچار سفر نبوده از بستر خوابش مفقود خواهد شد، و همین است فرموده امیرالمؤمنین علیه السلام: آنانند مفقود شدگان از خوابگاه هایشان، و آن فرموده خداوند عزوجل است: «پس به کارهای نیک سبقت و پیشی بگیرید، هر کجا باشید خداوند همه شما را خواهد آورد.» فرمودند: خیرات: ولایت است. و [خداوند] در جای دیگر فرموده: «و چنانچه عذاب را تا هنگام معینی [به دست افراد معدودی] به تعویق اندازیم...» و ایشان اصحاب قائم (عج) هستند، [به خدا سوگند] در یک ساعت نزد او جمع می شوند، پس چون به بیدار بیاید لشکر سفیانی به سویش خروج کند، که خداوند امر فرماید زمین پاهایشان را می گیرد، و این است [معنی] فرموده خداوند «و اگر [ای رسول] ببینی کافران را هنگامی که هراسانند، پس هیچ از عذابشان فوت و زایل نشود و از جایگاه نزدیکی گرفته شوند، و گویند به او ایمان آوردیم» یعنی به قائم آل محمد علیه السلام، «و با این همه دوری می توانند به آن مقام نائل شوند» تا آنجا که فرموده: «و میان آنها و آرزوهایشان جدایی افتاد»؛ یعنی اینکه عذاب نشوند، «همچنان که نسبت به همکیشان آنها پیش تر چنین شد»؛ یعنی، کسانی که پیش از ایشان بودند از تکذیب کنندگانی که هلاک گشتند.

(۶) در کتاب تفسیر عیاشی مجلد ۲ صفحه ۱۴۰، آمده است:

العیاشی: بالسناد عن ابان بن ابی مسافر، عن ابی عبد الله علیه السلام فی قول الله: ﴿وَلَئِنْ أَخْرْنَا

عَنْهُمْ الْعَذَابَ إِلَى أُمَّةٍ مَعْدُودَةٍ﴾ یعنی عده کعده بدر: ﴿لَيَقُولُنَّ مَا يَحْبِسُهُ أَلَّا يَوْمَ يَأْتِيهِمْ لَيْسَ مَصْرُوفًا عَنْهُمْ﴾ قال العذاب.

عیاشی به سند خود از ابان بن ابی مسافر، از حضرت ابو عبدالله امام صادق علیه السلام آورده، درباره قول خداوند: «وچنانچه عذاب را تا [دوران] افراد معدودی به تعویق اندازیم...» که یعنی: عده‌ای همچون تعداد اهل بدر، «آنها گویند چه چیزی موجب تأخیر عذاب گشته، آگاه باشند که چون آن هنگام فرا رسد از آنان به هیچ وجه دور نخواهد شد فرمودند: یعنی عذاب.

(۷) در کتاب تفسیر عیاشی مجلد ۲ صفحه ۱۴۰، آمده است:

عنه: بالسناده عن عبد الاعلی الجعی قال: قال ابو جعفر علیه السلام: اصحاب القائم علیه السلام الثلاثمائة والبضعة عشر رجلاً هم والله الامة المعدودة التي قال فی کتابه: ﴿وَلَيُنَّ أَخْرُنَا عَنْهُمْ الْعَذَابَ إِلَى أُمَّةٍ مَعْدُودَةٍ﴾ قال: يجتمعون له فی ساعة واحدة فزعاً كفزع الخریف.

و از اوست که به سند خود از عبد الاعلی جعی آورده که گفت: حضرت ابو جعفر امام باقر علیه السلام فرمودند: اصحاب حضرت قائم علیه السلام آن سیصد وده و چند مرد همان هابند به خدا سوگند امت معدوده‌ای که خداوند در کتاب خود فرموده: «وچنانچه عذاب را تا هنگام معینی [افراد معدودی] به تأخیر اندازیم.» فرمودند: در یک ساعت برایش جمع می‌شوند همچون ابرهای پاییزی.

(۸) در کتاب تفسیر عیاشی مجلد ۲ صفحه ۱۴۰، آمده است:

وعنه: بالسناده عن الحسين، عن الخراز، عن ابی عبدالله علیه السلام ﴿وَلَيُنَّ أَخْرُنَا عَنْهُمْ الْعَذَابَ إِلَى أُمَّةٍ مَعْدُودَةٍ﴾ قال هو القائم واصحابه.

و از اوست به سند خود از حسین، از خراز، از حضرت ابی عبدالله امام صادق علیه السلام آورده [که درباره فرموده خداوند]: «وچنانچه عذاب را تا هنگام معینی [افراد معدودی] به تأخیر اندازیم.» فرمودند: او قائم و اصحابش می‌باشند.

(۹) در کتاب مجمع البیان مجلد ۵ صفحه ۱۴۴، آمده است:

ابوعلی طبرسی: فی مجمع البیان قیل انّ الامة المعدودة هم اصحاب المهدی فی آخر الزمان ثلاثمائة و بضعة عشر رجلاً کعدة اهل بدر یجتمعون فی ساعة واحدة کما یجتمع فزع الخریف، قال: وهو المروئی عن ابی جعفر و ابی عبد الله علیهما السلام.

ابوعلی طبرسی در مجمع البیان گوید: امت معدوده همان اصحاب حضرت مهدی علیه السلام در آخر الزمان می باشند، سی صد و ده و چند مرد، همچون تعداد اهل بدر در یک ساعت جمع می شوند همچنانکه قطعه های ابر پاییزی جمع می شوند. وی افزود: و همین معنی از حضرت ابو جعفر و حضرت ابو عبد الله علیهما السلام روایت گردیده است.

(۱۰) در کتاب تأویل الآیات الظاهرة صفحه ۲۲۳، آمده است:

حماد بن عیسی عن حریر قال: روی بعض اصحابنا عن ابی عبد الله علیه السلام فی قوله تعالی: ﴿وَلَئِنْ أَخْرْنَا عَنْهُمْ الْعَذَابَ إِلَىٰ أُمَّةٍ مَّعْدُودَةٍ﴾ قال: العذاب هو القائم علیه السلام وهو عذاب علی أعدائه، والامة المعدودة هم الذین یقومون معه بعدد اهل بدر.

شرف الدین نجفی گوید: و مؤید این است آنچه محمد بن جمهور از حماد بن عیسی از حریر روایت نموده که گفت: بعضی از اصحابمان از حضرت ابی عبد الله امام صادق علیه السلام روایت کرده اند درباره قول خدای تعالی:

«وچنانچه عذاب را تا هنگام معینی [افراد معدودی] به تأخیر اندازیم» فرمودند: عذاب همان حضرت قائم علیه السلام است و او عذاب بر دشمنانش می باشد، و امت معدوده آنانند که با وی بپاخیزند به عدد اهل بدر».

(۱۱) در کتاب تفسیر قمی مجلد ۱ صفحه ۳۲۲، آمده است:

علی بن ابراهیم: فی تفسیره المنسوب الی الصادق علیه السلام فی قوله تعالی: ﴿وَلَئِنْ أَخْرْنَا عَنْهُمْ الْعَذَابَ إِلَىٰ أُمَّةٍ مَّعْدُودَةٍ﴾ قال: قال انّ متعناهم فی هذه الدنیا الی خروج القائم علیه السلام فردّهم و نعدّ بهم: ﴿لَیَقُولُنَّ مَا یَحْبِسُهُ ان یقولوا لن لا یقوم﴾ ای یقولون امّا لا یقوم القائم علیه السلام ولا یرج علی حدّ الاستهزاء فقال الله: ﴿أَلَا یَوْمَ یَأْتِيهِمْ لَیْسَ مَصْرُوفًا عَنْهُمْ وَحَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ یَسْتَهْزِءُونَ﴾.

علی بن ابراهیم: در تفسیرش که منسوب به امام صادق علیه السلام است در مورد قول خدای تعالی: «وچنانچه عذاب را تا هنگام معینی [افراد معدودی] به تأخیر اندازیم، گوید: چنانچه در این دنیا آنان را تا خروج حضرت قائم علیه السلام بهره مند سازیم، پس از آن آنها را باز می‌گردانیم و عذابشان می‌کنیم، و آنها گویند: «چه چیزی عذاب را باز داشته؟» یعنی، از روی تمسخر و استهزاء گویند که حضرت قائم علیه السلام قیام نخواهد کرد و خروج نخواهد داشت. پس خداوند فرمود: «آگاه باشند روزی که عذاب فرارسد، دیگر از آنان بازگردانده نخواهد شد و آنچه را که استهزاء می‌کردند گرفتارش شوند.»

آیه شصت و نهم

● کسانی که وجود امام زمان علیه السلام را منکر شده‌اند عمر خود را فنا کرده‌اند.

خداوند در سوره هود آیه ۲۱، می‌فرماید:

﴿أُولَئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ وَ ضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ﴾

آنان کسانی هستند که نفس‌های خود را زیان‌کار ساختند و دروغ بسته و هر تدبیری در

راه دنیا کردند همه محو و نابود شد.

در این آیه درباره کسانی صحبت شده است که درباره امام زمان (عج) شک و تردید دارند در حالی که وجود اقدس ولی عصر (عج) اظهر من الشمس است، ایشان در شب جمعه ۱۵ شعبان سال ۲۶۰ (ه ق) در شهر سامره به دنیا آمدند، و در سال ۲۶۹ (ه ق) پس از شهادت امام حسن عسکری به امامت رسیدند، و دارای دو غیبت هستند غیبت صغری که از سال ۲۶۰ (ه ق) تا سال ۳۲۹ (ه ق) طول کشید و در این مدت چهار نایب خاص داشتند، و غیبت کبری ایشان از سال ۳۲۹ (ه ق) شروع شده است و هم اکنون که سال ۱۴۲۸ (ه ق) است آن بزرگوار ۱۱۷۳ سال از عمر مبارکش می‌گذرد و ایشان در حال حیات هستند. عده زیادی در این مدت خدمت حضرت رسیدند و هم اکنون نیز عده‌ای خدمتش می‌رسند، ایشان ما بین مردم رفت و آمد دارند، در جلسات شرکت می‌کنند و... اما متأسفانه عده‌ای معدود درباره ایشان شک و تردید دارند که این آیه درباره آنهاست.

* در کتاب ینابیع المودة نوشته خواجه کلان قندوزی حنفی صفحه ۴۲۸، آمده

است:

عن المفضل عن الصادق علیه السلام قال ساعة قیام القائم علیه السلام قلت ما معنی الا ان الذین یمارون فی الساعة لفی ضلال بعید قال یقولون متی ولد ومن راه واین هو ومتی یظهر کل ذلک شکا

فی قضائه و قدرته «أُولَئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ» فی الحیوة الدنیا والآخره.

مفضل بن عمر روایت می کند از حضرت صادق و حضرت باقر علیهما السلام که می گوید ما بین دو بزرگوار عرض کردم، درباره ساعت و زمان قیام قائم (عج) حضرت فرمودند: شکاکان و کسانی که تردید دارند درباره امام زمان (عج) می گویند: او کی به دنیا آمده است؟ چه کسی او را دیده است؟ اصلاً او کجاست؟ او کی ظهور خواهد کرد؟ آنها همه این سخنان را می گویند زیرا در قضای الهی (و قدرت خداوند) شک دارند. سپس، این آیه را تلاوت فرمودند: «آنان کسانی هستند که خود را زیان کار ساختند.» در دنیا و آخرت.

آیه هفتادم

● حضرت لوط نبی به امام زمان (عج) پناه می برد و یکی از نام های امام زمان «قوه» است.

خداوند در سوره هود آیه ۸۰، می فرماید:

﴿قَالَ لَوْ أَنِّي لِي بِكُمْ قُوَّةٌ أَوْ آوِي إِلَىٰ رُكْنٍ شَدِيدٍ﴾

و حضرت لوط علیه السلام فرمودند: ای کاش مرا آن قدرت قوه (الهی می بود) و یا اینکه قوم و یاران پر توانی (داشتم) و به آنها پناه می بردم.

در شأن نزول این آیه آمده است: زمانی که حضرت لوط علیه السلام سرسختی و جهالت و حماقت قوم خود را دید، که به هیچ صراطی مستقیم نمی شدند، و او را آزار و اذیت می کردند، فریاد برآورد: ﴿قَالَ لَوْ أَنِّي لِي بِكُمْ قُوَّةٌ أَوْ آوِي إِلَىٰ رُكْنٍ شَدِيدٍ﴾ ای کاش من در میان شما «قوة» یا آن نیروی الهی را می داشتم و ای کاش آن «رکن شدید» الهی می بود و من به او پناه می بردم، در احادیث و روایات آمده است که منظور از «قوة» یا آن نیروی الهی حضرت قائم آل محمد (عج) است و منظور از «رکن شدید» یاران مقاوم و سرسخت آن بزرگوار می باشد که آن حضرت را یاری خواهند فرمود.

(۱) در کتاب ینابیع المودة نوشته خواجه کلان قندوزی حنفی صفحه ۴۲۴، آمده است:

وعف ابابصیر قال، قال جعفر الصادق علیه السلام ما كان قول لوط علیه السلام «لقوة»، ﴿قَالَ لَوْ أَنِّي لِي بِكُمْ قُوَّةٌ أَوْ آوِي إِلَىٰ رُكْنٍ شَدِيدٍ﴾ الا تمنيا «لقوة». القائم المهدي و «شدة» اصحابه وهم الركن الشديد فان الرجل منهم يعطى قوة اربعين رجلاً و ان قلب رجل منهم اشد من زبر الحديد، لو مروا بالجبال الحديد لقد كدكت لا يكفون سيوفهم حتى يرضى الله عز وجل.

ابابصیر می گوید حضرت صادق علیه السلام فرمودند: حضرت لوط علیه السلام در گفتارش در آیه ﴿قَالَ لَوْ أَنِّي لِي بِكُمْ قُوَّةٌ أَوْ آوِي إِلَىٰ رُكْنٍ شَدِيدٍ﴾ نبود مگر اینکه تمنا می فرمودند و

آرزو می داشتند که آن قوه الهی می بود، و آن قوه الهی که منظور لوط علیه السلام بود قائم آل محمد (عج) بود (لقوة القائم المهدی و «شدّة») یا آن توان سخت منظور اصحاب و یاران مهدی موعود است که دارای قدرت و قوه بسیار سختی بودند، و آنان رکن شدید بودند چرا که به هر کدام آن‌ها نیرو و توان چهل مرد (قدرتمند) داده می شود، و قلوب آن‌ها سخت تر از پاره‌های آهن است (که هرگز متزلزل نمی شود) و اگر آن‌ها بر کوه‌های آهنین بگذرند (آن کوهها از صلابت) آن‌ها از هم بپاشند (آن مردان بزرگ) شمشیرهایشان را تا آن زمان که خداوند راضی نگردد در نیام نخواهند کرد.

(۲) در کتاب ینایع المودة صفحة ۴۲۴، آمده است:

و عن صالح بن سعد عن الصادق علیه السلام فی هذه الآية قال: «قوة» القائم علیه السلام «و الرکن الشدید» اصحابه ثلثمائة و ثلاثة عشر رجلاً.

صالح بن سعد از حضرت امام صادق علیه السلام روایت می کند که آن حضرت درباره این آیه فرمودند: «قوة» یا آن نیروی «الهی» حضرت قائم علیه السلام است و منظور از «والرکن الشدید» اصحاب و یاران آن حضرت هستند که تعداد ایشان سیصد و سیزده مرد است. در یکی از تفاسیر دیدم که چنین نوشته شده بود: این روایت ممکن است عجیب به نظر برسد که چگونه می توان باور کرد که لوط پیامبر علیه السلام در عصر خویش آرزوی ظهور چنین شخصیتی با چنین یارانی را کرده باشد. ولی آشنایان با احادیث و روایات که در تفسیر آیات قرآنی وارد شده اند تاکنون این درس را به ما داده اند که غالباً یک قانون کلی در چهره یک مصداق روشن بیان می کند. در واقع لوط علیه السلام آرزو می کرده است که ای کاش مردانی مصمم با قدرت روحی و جسمانی کافی برای تشکیل یک حکومت الهی همانند مردانی که حکومت جهانی عصر قیام مهدی را تشکیل می دهند، در اختیار می داشت تا قیام کند و با تکیه بر قدرت الهی با فساد و انحرافات زمان خویش مبارزه نماید، و این گونه افراد خیره سر و بی شرم را درهم بکوبد. حضرت لوط از ظهور ولی عصر (عج) و یاران بزرگوارش باخبر بوده است.

(۳) در کتاب تفسیر برهان مجلد ۲ صفحه ۲۲۸ حدیث ۸، آمده است:

و عنه و قال حدثنی محمد بن جعفر، قال حدثنا محمد بن احمد، عن محمد بن الحسین، عن موسی بن سعدان، عن عبدالله بن ابی القاسم، عن صالح، عن ابی عبدالله علیه السلام، قال فی قوله قوة قال القائم و الرکن الشدید ثلثمائة و ثلاثة عشر اصحابه.

در تفسیر برهان از محمد بن جعفر و او از محمد بن احمد و او از محمد بن حسین و او از موسی بن سعدان و او از عبدالله بن قاسم و او از صالح و او از حضرت صادق علیه السلام نقل می کند که آن حضرت درباره این آیه فرمودند منظور از «قوة» قائم آل محمد است و «رکن شدید» سیصد و سیزده تن از یاران و اصحاب او خواهند بود.

(۴) در کتاب کمال الدین مجلد ۲ صفحه ۳۹۰، آمده است:

حدثنا جعفر بن محمد بن مسروق علیه السلام قال حدثنا الحسین بن محمد بن عامر بن عمه عبدالله بن عامر عن محمد بن ابی عمیر عن علی بن ابی حمزه عن ابی بصیر قال، قال ابو عبدالله علیه السلام ما کان قول لوط علیه السلام لقومه.

«لَوْ أَنَّ لِي بِكُمْ قُوَّةً أَوْ آوِي إِلَى رُكْنٍ شَدِيدٍ» الا تمنیا لقوة القائم علیه السلام و لا ذکر رکن الا شدة اصحابه و ان الرجل منهم يعطى قوة اربعین رجلاً و ان قلبه لاشد من زبر الحديد و لو مروا بجبال الحديد لقطعوها لا يكفون سيوفهم حتى يرضى الله عزّوجلّ.

ابو بصیر گوید امام ششم فرمود گفتار لوط به قومش «و کاش من در برابر شما توانایی داشتم تا به سوی رکن شدیدی مأوی داشتم» مقصودش جز این نبود که نیروی قائم را آرزو داشت و رکن شدید، یاران او هستند یک مرد آن ها نیروی چهل مرد را دارد و دلش از کوه آهن محکم تر است و اگر به کوه های آهن بگذرند آن را ببرند و شمشیر باز نگیرند تا خدای عزّوجلّ خشنود شود.

آیه هفتاد و یکم

● وجود اقدس امام زمان علیه السلام برای مؤمنین خیر است و یکی از نام‌های آن حضرت بقیة الله است.

خداوند در سوره هود آیه ۸۶، می‌فرماید:

﴿بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ وَمَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِحَفِيظٍ﴾

بقیة الله خیر است برای شما اگر مؤمن هستید.

حضرت مهدی (عج) براساس خصوصیات و برنامه و رسالت الهی که دارد دارای حدود دو بیست نام است. از جمله آن‌ها بقیة الله است که خداوند در قرآن کریم این نام را به این بزرگوار داده است.

(۱) عالم شافعی سید مؤمن شبلنجی در کتاب نورالابصار صفحه ۱۷۲، در ذیل حدیثی طویل، آورده است:

عن ابی جعفر علیه السلام قال فی حدیث طویل ذکره، وفیه:

فاذا خرج (المهدی) اسند ظهره الی الکعبة و اجتمع الیه ثلاثمائة و ثلاثة عشر رجلاً من اتباعه، فاول ما ینطق به هذه الآیة ﴿بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾ ثم یقول: انا بقیة الله، و خلیفة و حجتہ علیکم، فلا یسلم علیه أحد الا قال: «السلام علیک یا بقیة الله فی الارض».

حضرت امام محمد باقر علیه السلام در ضمن حدیثی طولانی یادآور شده‌اند، هنگامی که مهدی موعود قیام و انقلاب نماید، پشت مبارکش را به دیوار کعبه می‌گذارد (مابین رکن و مقام) و به دور او جمع می‌شوند سیصد و سیزده مرد (قدرتمند) که از او تبعیت می‌کنند و یاران و انصار آن بزرگوار هستند، و اول چیزی که می‌فرمایند این آیه مبارکه است:

﴿بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ وَمَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِحَفِيظٍ﴾ بقیة الله خیر است

برای شما اگر از مؤمنین باشید.

آن‌گاه آن حضرت می‌فرمایند، من «بقیة الله» و خلیفة الله و حجة الله بر همه شما هستم و هیچ کس نیست که (بر او بگذرد) مگر این که این‌گونه سلام کند و بگوید:

«السلام علیک یا بقیة الله فی الارض»

(۲) علامه ابن صباغ مالکی مصری در کتاب فصول المهمة باب ۱۲، و عده‌ای دیگر از علمای اهل سنت این حدیث را آورده‌اند.

(۳) در کتاب کمال الدین مجلد ۱ صفحه ۳۳۱ حدیث ۱۶، آمده است:

حدثنا محمد بن محمد بن عصام رضی الله عنه قال: حدثنا محمد بن یعقوب کلینی قال: حدثنا القاسم بن العلا قال: حدثنی اسماعیل بن علی القزوینی قال: حدثنی علی بن اسماعیل، عن عاصم بن حمید الحناط عن محمد بن مسلم الثقفی قال: سمعت ابا جعفر محمد بن علی الباقر رضی الله عنه يقول، القائم منا منصور بالرعب مؤید بالنصر تطوی له الارض و تظهر له الكنوز، ینبع سلطانہ المغرب و المشرق، و ینبع الله عزوجل به دینہ علی الدین کله و لو کره المشرکون، فلا ینقی فی الارض خراب الا قد عمر، و ینزل روح الله عیسی بن مریم فیصلی خلفه، قال، قلت: یا بن رسول الله متى لیخرج قائمکم؟ قال: اذا تشبه الرجال بالنساء و النساء بالرجال و اکتفی الرجال بالرجال و النساء بالنساء و ركب ذوات الفروج السروج، قبلت شهادات الزور، و ردّت شهادات العدول، و استخف الناس بالدماء و ارتکاب الزنا و أكل الرباء، و اتقی الاشرار مخافة سنتهم، و خروج السفیانی من الشام، و الیمانی من الیمن، و خسف بالبیداء، و قتل غلام من آل محمد رضی الله عنه بین الرکن و المقام، اسمه محمد بن الحسن النفس الزکیة، و جاءت صیحة من السماء بأن الحق فیہ و فی شیعتہ، فعند ذلك خروج قائمنا، فاذا خرج أسند ظهره الی الکعبة، و اجتمع الیه ثلاثمائة و ثلاثة عشر رجلاً و اول ما ینطق به هذه الآیة ﴿بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾ ثم يقول: انا بقیة الله فی ارضه و خلیفته و حجته علیکم فلا سلم علیه مسلم الا قال: السّلام علیک یا بقیة الله فی ارضه، فاذا اجتمع الیه العقد و هو عشرة آلاف رجل خرج، فلا ینقی فی الارض معبود دون الله عزوجل من صنم [و وثن] و غیره الا وقعت فیہ نار فاحترق و ذلك بعد غیبتہ طویلة لیعلم الله من یطیعه بالغیب و یؤمن به.

محمد بن محمد بن عصام ما را روایت کرد از محمد بن یعقوب کلینی روایت کرد از قاسم بن العلا و گفت اسماعیل بن علی قزوینی و گفت روایت کرد مرا علی بن اسماعیل از عاصم بن حمید حناط از محمد بن مسلم ثقفی از امام پنجم ابو جعفر محمد بن علی شنیدم می فرمودند: قائم ما به ترس در دل دشمنان یاری شده است و به یاری حق تأیید شده است، زمین برایش در نور دیده شود و گنجها برایش آشکار گردد و تسلطش، مشرق و مغرب را فرا گیرد و خدای عزوجل دین خود را بر همه دینها پیروز کند و اگرچه مشرکان را بد آید، در زمین ویرانه ای نماند جز آنکه آباد گردد و خدا روح الله عیسی بن مریم را فرود آورد تا دنبال او نماز بخواند. گوید عرض کردم یا بن رسول الله کی قائم شما خروج کند؟ فرمودند: آن گاه که مردان مانند زنان شوند و زنان مانند مردان، مردان به مردان اکتفا کنند و زنان به زنان و صاحبان فرج بر زبیرسرجها سوار شوند و گواهان دروغ پذیرفته شود و گواهان عادل و درست مردود شوند. مردم خونریزی را سبک بشمارند و زنا و ربا را حلال دانند و اشرار از ترس زبانشان مورد پرهیز باشند و سفیانی از شام خروج کند و یمانی از یمن، در بیداء خسف واقع شود و جوانی نوری از خاندان محمد صلی الله علیه و آله میان رکن و مقام کشته شود که نامش محمد بن حسن نفس زکیه باشد و یک فریاد از آسمان برآید که حق با او و شیعیان او است. در این هنگام است خروج قائم ما، چون ظاهر شود تکیه به خانه کعبه دهد و سیصد و سیزده مرد گرد او فراهم شوند و اول سخنش این آیه باشد «بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ وَمَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِحَفِيظٍ» سپس، گوید من بقية الله و حجت خدا و خلیفه او هستم بر شما و هیچ مؤمنی نباشد مگر آنکه به این لفظ او را سلام دهد «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ» و چون پیمانها بسته شود. ۱۰ هزار مرد باشد، برای او فراهم شود، خروج کند و در زمین معبودی جز خدای عزوجل نماند از صنم و وثن جز آن مگر آنکه آتش گیرد و بسوزد و این بعد از یک غیبت طولانی باشد، برای آنکه خداوند بداند چه کسی در غیبت، او را اطاعت کند و به او ایمان آورد.

آیه هفتاد و دوم

● خداوند هم با منتظران است.

خداوند در سوره هود آیه ۹۳، می فرماید:

﴿وَيَا قَوْمِ أَعْمَلُوا عَلَيَّ مَكَانَتِكُمْ إِنِّي عَامِلٌ سَوْفَ تَعْلَمُونَ مَنْ يَأْتِيهِ عَذَابٌ يُخْزِيهِ وَمَنْ هُوَ كَاذِبٌ وَأَرْتَقِبُوا إِنِّي مَعَكُمْ رَقِيبٌ﴾

(حضرت شعیب علیه السلام به قومش فرمود:) باز ای قوم، شما هر کاری می توانید انجام دهید. من هم هر چه که وظیفه دارم انجام می دهم، به زودی شما خواهید دانست که عذاب ذلت و خواری بر کدام یک از من و شما خواهد آمد و مابین من و شما دروغگو کیست پس شما منتظر باشید که من هم منتظرم.

(۱) در کتاب کمال الدین مجلد ۲ صفحه ۳۵۸ باب ۵۹ حدیث ۴، آمده است:

عن محمد بن عبد الحمید عن محمد بن فضیل عن ابی الحسن الرضا علیه السلام قال سألته عن الفرغ قال ان الله عزوجل يقول انتظروا وانی معکم من المنتظرین.

محمد بن فضیل گوید از ابی الحسن الرضا علیه السلام در مورد فرج پرسش کردم، فرمودند: به راستی خدای عزوجل می فرماید در انتظار باشید به درستی که من هم با شما منتظر هستم.

(۲) در کتاب کمال الدین مجلد ۲ صفحه ۳۵۸ باب ۵۹ حدیث ۵، آمده است:

عن محمد بن مسعود قال حدثنی ابوصالح خلف بن حامد الكنجدی قال حدثنا سهل بن زیاد قال حدثنی محمد بن الحسین عن احمد بن محمد بن ابی نصر قال، قال الرضا علیه السلام ما احسن الصبر و انتظار الفرغ اما سمعت قول الله عزوجل ﴿وَأَرْتَقِبُوا إِنِّي مَعَكُمْ رَقِيبٌ﴾ فانتظروا انی معکم من المنتظرین فعلیکم بالصبر فانه انما یجیء الفرغ علی الیأس و قد کان الذین من قبلکم اصبر منکم.

احمد بن محمد بن ابی نصر گوید امام رضا علیه السلام فرمودند: چقدر صبر و انتظار فرج

خوب است، آیا نشنیدی فرموده خدای عزوجل را (در سوره هود آیه ۹۳) «انتظار برید که من هم با شما انتظار برنده‌ام» بر شما باد که صبر کنید زیرا فرج در نومییدی می‌آید و هر آینه کسانی که پیش از شما بودند از شما صابرتر بودند.

(۳) در کتاب کمال الدین مجلد ۲ باب ۵۹ صفحه ۳۵۸ حدیث ۶، آمده است:
 محمد بن الحسن بن احمد الولید رضی الله عنه قال حدثنا محمد بن الحسن الصفار عن احمد بن محمد بن عیسی عن القاسم بن یحیی عن جده الحسین بن راشد عن ابی بصیر و محمد بن مسلم عن ابی عبدالله عن آباءه عن امیر المؤمنین علیه السلام قال: المنتظر لامرنا کالمتشحط بدمه فی سبیل الله.

امام ششم از گفته پدرانش از امیر المؤمنین علی علیه السلام روایت کرده است که فرمودند: منتظر امر ما مانند کسی است که در جهاد در راه خدا به خون خود بغلطد.

آیة هفتاد و سوم

● حکومت امام زمان (عج)، حکومت بنی هاشم است.

خداوند در سورة هود آیة ۱۰۹، می فرماید:

﴿وَإِنَّا لَمُوقِفُوهُمْ نَصِيبُهُمْ غَيْرَ مَنْقُوصٍ﴾

و کامل کننده ایم و یا وفا کننده ایم فایده و بهره و نصیب ایشان را بدون کمی و کاستی.

* حاکم حسکانی حنفی در کتاب شواهد التنزیل صفحه ۲۴۳، می گوید:

فرات بن ابراهیم گفت: نقل حدیث کرد مرا جعفر پسر محمد فزاری جعفر می گوید:

نقل حدیث کرد مرا عیار از نصرین مزاحم، از محمد بن مروان کلبی از ابی صالح از

ابی صالح از ابن عباس در مورد فرموده خداوند متعال: ﴿... وَإِنَّا لَمُوقِفُوهُمْ نَصِيبُهُمْ

غَيْرَ مَنْقُوصٍ﴾؛ یعنی، بنی هاشم وفا می نمایند، یا بنی هاشم وفا کننده هستند، و از

برای بنی هاشم سلطنتی است که سلطنت ایشان را خداوند واهب العطا یا واجب

فرموده و آن سلطنت را بدون کم و کاستی قرار داده است و ابن عباس گفت: «و هو ستون

مائة و سنة» می باشد؛ یعنی، این حکومت ۶۰۱ سال طول می کشد. البته حکومت بنی

هاشم همان حکومت قائم آل محمد (عج) است که ما از خداوند می خواهیم چشمان

ما را به آن حکومت روشن و قلبمان را مسرور فرماید.

آیه هفتاد و چهارم

● منکران قرآن در حکومت امام زمان علیه السلام جایی ندارند.

خداوند در سوره هود آیه ۱۱۰، می فرماید:

﴿لَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ فَاخْتَلَفَ فِيهِ﴾

و به راستی که ما کتاب را بر موسی فرستادیم، آن گاه درباره آن اختلاف کردند.

* در کتاب روضه کافی مجلد ۲ صفحه ۱۱۰ حدیث ۴۳۲، آمده است:

علی بن محمد، عن علی بن العباس، عن الحسن بن عبد الرحمن، عن عاصم بن حمید، عن ابی حمزه، عن ابی جعفر علیه السلام و فی قوله عزوجل: ﴿لَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ فَاخْتَلَفَ فِيهِ﴾ قال: اختلفوا كما اختلف هذه الامة فی الكتاب و سیختلفون فی الكتاب الذی مع القائم الذی یأتیهم به حتی ینکره ناس کثیر فیکدمهم فیضرب اعناقهم.

و در گفتار خدای عزوجل: «به راستی به موسی کتاب دادیم و در آن اختلاف روی داد.» فرمود: اختلاف کردند چنانچه این امت در قرآن اختلاف کردند، محققاً در کتابی هم که با حضرت قائم (عج) است و برای آنها بیاورد اختلاف خواهند کرد، بدان حد که، جمع زیادی آن را انکار کنند و آن حضرت آنها را (که منکر شده اند) پیش دارد و گردنشان را بزند.

آیه هفتاد و پنجم

● ائمة طاهرین علیهم السلام و امام زمان (عج) امر کننده به معروف و نهی کننده از منکرند.

خداوند در سوره هود آیه ۱۱۶، می فرماید:

﴿فَلَوْلَا كَانَ مِنَ الْقُرُونِ مِنْ قَبْلِكُمْ أُولُو بَقِيَّةٍ يَنْهَوْنَ عَنِ الْفَسَادِ فِي الْأَرْضِ إِلَّا قَلِيلًا مِمَّنْ أَنْجَيْنَا مِنْهُمْ وَاتَّبَعَ الَّذِينَ ظَلَمُوا مَا أُتْرِفُوا فِيهِ وَكَانُوا مُجْرِمِينَ﴾

پس چرا نبودند از قرون گذشته و پیش از شما بازماندگانی که نهی کنند از فساد و تباه کاری در روی زمین «الآ قلیلاً»، مگر عده کمی از آنان که نجات دادیم از ایشان (اما متأسفانه) ستم کاران را پیروی کردند و مترفین را پیروی کردند (که در لهو و لعب بگذرانند) و از مجرمین و بزه کاران شدند.

(۱) حاکم حسکانی حنفی در کتاب شواهد التنزیل صفحه ۲۴۴، چنین آورده است:

حاکم حسکانی گوید: ابوالقاسم عبد الرحمن بن محمد حسنی خبر داد از فرات بن ابراهیم کوفی و او گفت خبر داد به من جعفر بن محمد فزاری از عباد و از حسین بن حماد، از پدرش، از زیاد مدنی، از زید بن علی بن الحسین علیه السلام در فرموده خداوند متعال: ﴿فَلَوْلَا كَانَ مِنَ الْقُرُونِ مِنْ قَبْلِكُمْ أُولُو بَقِيَّةٍ يَنْهَوْنَ عَنِ الْفَسَادِ فِي الْأَرْضِ﴾ پس چرا (امت ها و گروه های) پیش از شما از زمان های گذشته، صاحبان خرد (واندیشه و ایمان) نبودند تا از فساد و گناه در روی زمین بازدارند؟ فرمود: این آیه درباره ما اهل بیت نازل شده است (که صاحبان خرد و ایمان هستیم و نهی از منکر از فساد می کنیم).

خداوند عالم در این آیه شریفه می فرماید: «چرا افراد پیش از شما از امت های گذشته، صاحبان خرد و اندیشه و ایمان نبودند تا از منکرات و خرابی ها در زمین نهی

نمایند و از پایمال شدن احکام الهی جلوگیری کنند احکام الهی پایمال گردد و جلوی گسترش ظلم را بگیرند؛ تنها عده‌ای اندک بودند که نهی از منکر و ظلم و فساد نمودند، بنابراین، آن عده اندک را از عذاب‌هایی که بر اقوام گذشته چون عاد، ثمود، فرعون، نوح، لوط و شعیب و... فرستادیم نجات دادیم.

اهل بیت پیامبر ﷺ همگی از آن‌هایی هستند که صاحبان ایمان و خرد و اندیشه‌اند و در زمین نهی از منکر و ظلم و فساد می‌نمایند، بنابراین، همگی آن‌ها اهل نجات هستند. از اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام، هم اکنون حضرت مهدی موعود حجة بن الحسن العسکری (عج) عهده‌دار این مقام است.

(۲) سبط ابن جوزی حنفی در تذکرة الخواص الامة صفحة ۳۷۷، آورده است:
قال رسول الله ﷺ: يخرج في آخر الزمان رجل من ولدي، اسمه كاسمي وكنيته كنيته، يملأ الارض عدلاً كما ملئت جوراً، فذلك هو المهدي.

رسول خدا ﷺ فرمودند: در آخر الزمان مردی از فرزندان من که اسم او مانند اسم من و کنیه او مانند کنیه من است قیام می‌کند او زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد، همان‌طور که از ظلم جور پر شده بود، او همان مهدی موعود (عج) است.

(۳) در صحیح ابن ماجه، صحیح ابی داوود مجلد ۲ صفحه ۲۰۷ (کتاب المهدي)، صحیح حافظ ترمذی، کتاب ینابیع المودة خواجه کلان قندوزی حنفی صفحه ۱۵۴، مسند امام احمد حنبل و کتاب نور الابصار صفحه ۱۵۴ باب ۲ نوشته خواجه شبلنجی شافعی، چنین آمده است:

قال رسول الله ﷺ: لو لم يبق من الدهر الا يوم، لبعث الله رجلاً من اهل بيتي يملأها عدلاً كما ملئت جوراً.

اگر نماند از عمر دنیا مگر یک روز، خداوند در آن روز مردی از اهل بیت و خانواده من را برانگیزد، زمین را پر از عدل و داد می‌کند، همان‌طور که از ظلم و جور پر شده بود.

آیه هفتاد و ششم

● رسول خدا ﷺ، انمه طاهرین ﷺ و در حال حاضر امام زمان ﷺ مردم را به خداوند می خوانند.

خداوند در سوره یوسف آیه ۱۰۸، می فرماید:

﴿قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُوا إِلَى اللَّهِ عَلَىٰ بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي﴾

بگو این راه من است که از روی بصیرت و آگاهی و روشنایی به سوی الله می خوانم.
(خواننده به سوی خداوند منم و هر کس تبعیت من نصیبش شده باشد نیز خواننده است.)

(۱) در کتاب شواهد التنزیل صفحه ۲۴۸، آمده است:

حاکم حسکانی می گوید که فرات نقل کرد از احمد بن قاسم و او از محمد بن ابی عمر بن عرب حسین و محمد بن حفص بن راشد که این دو نفر گفتند: خبر داد ما را شاذان طحان از کهمش بن حسن از سلم حذاء از زید بن علی بن الحسین ﷺ که فرمودند: رسول خدا ﷺ در فرمایش خداوند متعال: ﴿قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُوا إِلَى اللَّهِ عَلَىٰ بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي﴾ فرمودند: از اهل بیت من همیشه می خواند به سوی آنچه من به آن می خوانم، یکی پس از دیگری (پس همیشه یکی از اهل بیت من امام خواهد بود؛ همان طوری که من مردمان را به سوی خداوند می خوانم، او نیز به سوی خداوند می خواند).

البته، حافظ حسکانی حنفی دو دسته از احادیث را می آورد، یک دسته احادیثی که در آن آمده است این حدیث در شأن امیرالمؤمنین ﷺ و یازده فرزند گرامی آن بزرگوار است یا در شأن اهل بیت رسول خدا است و در احادیث دسته دوم احادیثی که در آن آمده است هم امیرالمؤمنین ﷺ و هم امام زمان (عج) از اهل بیت هستند؛ مثلاً، ما در باره امام زمان ﷺ داریم:

(۲) در ینابیع الموده صفحه ۴۳۲، آمده است:

و عن عایشه، عن النبی ﷺ أنه قال: المهدي رجل من عترتي يقاتل على سنتي كمي قاتلت انا على الوحي.

عایشه نقل می کند که رسول خدا ﷺ فرمودند: مهدی مردی است از عترت و خانواده من که برای (برپایی) سنت من مبارزه می کند همان طوری که من برای (برپایی) وحی مبارزه می کردم.

پس، رسول خدا ﷺ مردم را برای برپایی وحی به سوی خداوند می خواند و مهدی مردم را به همان سنت و روش رسول خدا ﷺ می خواند.

(۳) در کتاب ینابیع الموده صفحه ۴۲۱، آمده است:

قال: اذا قام القائم المهدي لا يبقى الارض الا نودی فيها شهادة ان لا اله الا الله وان محمداً رسول الله ﷺ.

در زمان ظهور قائم آل محمد ﷺ باقی نمی ماند هیچ نقطه ای از زمین مگر آنکه در آن ها ندا می دهند و یا شهادت میدهند به «لا اله الا الله» و «محمداً رسول الله ﷺ».

(۴) در تفسیر برهان مجلد ۲ صفحه ۲۷۴، آمده است:

محمد بن يعقوب، عن عدة اصحابنا، عن سهل بن زياد، عن يحيى بن المبارك، عن عبد الله بن جبلة، عن سماعة، عن ابي بصير، و اسحق بن عمار، عن ابي عبد الله عليه السلام في قول الله عز وجل: ﴿وَمَا يُؤْمِنُ أَكْثَرُهُمْ بِاللَّهِ إِلَّا وَهُمْ مُشْرِكُونَ﴾ قال: يطبع الشيطان من حيث لا يعلم فيشرك.

(۵) در تفسیر برهان مجلد ۲ صفحه ۲۷۵ حدیث ۸، آمده است:

عن سلام بن المستنير، عن ابي جعفر عليه السلام ﴿قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُوا إِلَى اللَّهِ عَلَىٰ بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي...﴾ قال: ذلك رسول الله ﷺ و على الاوصيا من بعدهما.

حضرت امام محمد باقر عليه السلام درباره این آیه، «خواننده به سوی خداوند» را رسول خدا ﷺ و اوصیا و امامان بعد از آن حضرت می دانند.

(٦) در تفسير برهان مجلد ٢ صفحة ٢٧٥ حديث ٧، آمده است:

على بن اسباط، عن ابي الحسن الثاني قال: قلت: جعلت فداك، انهم يقولون في حادثة سنك؟ قال: ليس شيء يقولون ان الله يقول: ﴿قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي اَدْعُوا إِلَى اللّهِ عَلَىٰ بَصِيرَةٍ اَنَا وَ مَنْ اتَّبَعَنِي﴾، فوالله ما كان اتبعه الا عليّ و هو ابن تسع (سبع خ) سين وانا ابن تسع (سبع خ) سنين و ما عسى ان يقولوا، ثم قال: كانت امارات فيها و قبلها اقوام الطريقان في العاقبة هو الظاهر مختلف هو رأس اليقين ان الله تعالى يقول: ﴿فَلَا وَ رَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يُحَكِّمُوكَ فِي مَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي اَنْفُسِهِمْ حَرَجًا مِّمَّا قَضَيْتَ وَ يُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا﴾.

آیه هفتاد و هفتم

● خداوند به وسیله مهدی (عج) مسلمین را یاری خواهد کرد.

خداوند در سوره یوسف آیه ۱۱۰، می فرماید:

﴿حَتَّىٰ إِذَا اسْتَيْأَسَ الرُّسُلُ وَظَنُّوا أَنَّهُمْ قَدْ كُذِّبُوا جَاءَهُمْ نَصْرُنَا فَنُجِّيَ مَنْ نَشَاءُ وَلَا يُرَدُّ بَأْسُنَا عَنِ الْقَوْمِ الْمُجْرِمِينَ﴾

تا زمانی که رسولان و فرستادگان ما امیدوار گردیدند (از نصرت خداوند) و مردم گمان کردند که آن‌ها دروغ گفته‌اند (اما یک باره) نصرت ما بر این‌ها بیاید، پس هر کس را که خواستیم نجات یافت و عذاب ما از قوم گناه کاران بازگردانده نمی‌شود.

آیه از زمانی صحبت می‌کند که اهل ایمان در فشار به سر می‌برند و نصرت خداوند نیز بر آن‌ها نرسیده است و عده زیادی منحرف شده‌اند و می‌گویند رسولان خداوند دروغ می‌گویند تا این‌که یکبار، نصرت خداوند بر آن‌ها می‌رسد. این نصرت سبب می‌شود که دشمنان خداوند ذلیل و پست شوند و اولیائش به عزت و شکوه و جلال برسند، همان‌طور که در دعای ندبه آمده است: **این معز الاولیاء و مذل الاعداء، کجاست عزت دهنده اولیا و دوستان خدا و کجاست ذلیل کننده کافران و اعداء و دشمنان‌اش؟**

(۱) شیخ سلیمان بن ابراهیم قندوزی حنفی در **ینایع المودة**، آورده است:

عن امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام قال: ما یجیء نصر الله حتی تکونوا أهون علی الناس من المیتة و هو قول ربی عزوجل فی کتابه فی سوره یوسف: ﴿حَتَّىٰ إِذَا اسْتَيْأَسَ الرُّسُلُ وَظَنُّوا أَنَّهُمْ قَدْ كُذِّبُوا جَاءَهُمْ نَصْرُنَا﴾ و ذلک عند قیام قائمنا المهدی (عج).

از امیر المؤمنین علی که فرمودند: نصرت خداوند نخواهد آمد تا آن زمانی که نزد مردم از مرده ضعیف‌تر و مستمندتر باشید و آن قول خداوند عزوجل است که در کتاب

خویش وعده می دهد: ﴿حَتَّىٰ إِذَا اسْتَيْأَسَ الرُّسُلُ وَظَنُّوا أَنَّهُمْ قَدْ كُذِّبُوا جَاءَهُمْ نَصْرُنَا﴾ و آن تا زمان قیام قائم ما مهدی (عج) است. پس مسلمانان تا قبل از قیام، دردها و مشقت‌ها خواهند داشت تا مهدی موعود قیام کند و آن‌ها را یاری نماید.

(۲) در کتاب دلائل الامامة صفحه ۲۵۱ نوشته محمدبن جریر الطبری، مفسر و مورخ بزرگ اهل سنت، آمده است:

محمدبن جریر طبری فی باب وجوب معرفة القائم علیه السلام و انه لا بد ان یکون من کتابه مسند فاطمة علیها السلام باسناده، عن ابی علی النہاوندی قال: حدّثنا القاشانی (یعنی، محمدبن احمد الکاشانی) قال: حدّثنا محمدبن سلیمان قال: حدّثنا علی بن سیف قال: حدّثنی الی عن المفضل بن عمر، عن ابی عبد الله علیه السلام قال: جاء رجل الی امیر المؤمنین علیه السلام فشکی الیه طول دولة الجور فقال له امیر المؤمنین علیه السلام: و الله (لا یکون) ما تأملون حتی یهلك المبتلون و یضمحلّ الجاهلون و یأمن المتّقون و قلیل ما یکون حتی لا یکون لاحدکم موضع قدمه و حتی تكونوا علی الناس اھون من المیتة عند صاحبها، فبینا انتم كذلك اذ جاء نصر الله و الفتح، و هو قول ربی عزّوجلّ فی کتابه: ﴿حَتَّىٰ إِذَا اسْتَيْأَسَ الرُّسُلُ وَظَنُّوا أَنَّهُمْ قَدْ كُذِّبُوا جَاءَهُمْ نَصْرُنَا﴾.

محمدبن جریر طبری در باب وجوب معرفت حضرت قائم علیه السلام و اینکه حتماً خواهد آمد، در کتاب «مسند فاطمه علیها السلام» سند خود از ابوعلی نہاوندی آورده که گفت: قاشانی (یعنی محمدبن احمد کاشانی) حدیثمان داد، گوید: محمدبن سلیمان برایمان حدیث آورد، وی گفت: علی بن سیف حدیثمان داد و او گفت: پدرم از مفضل بن عمر برایم حدیث گفت از حضرت ابو عبد الله امام صادق علیه السلام که فرمود: مردی به محضر امام علی امیر المؤمنین علیه السلام شرفیاب شد و از طولانی شدن دولت جور و ستم به آن جناب شکایت کرد. امیر المؤمنین علیه السلام به او فرمود: به خدا سوگند آنچه آرزویش را دارید نخواهد شد، تا اینکه، باطل جویان هلاک شوند و جاهلان از بین بروند و متقیان که اندک هستند، در امان گردند تا جاییکه احدی از شما جای پایی برای خودش نخواهد

یافت و تا آنجا که شما در نظر مردم، از مردار در چشم صاحبش نیز، بی ارزش تر خواهید شد. پس همان طور که شما در آن حال هستید، ناگهان از جانب خداوند پیروزی بیاید و این است (معنی) فرموده پروردگار من، عزوجل، در کتابش: تا آنجا که رسولان مأیوس شدند و گمان کردند (حتی افراد اندک مؤمن نیز) به آنان دروغ گفته‌اند، در آنجا یاری ما به سراغشان آمد.

ان شاء الله این نصرت کامل در زمان حضرت بقیة الله الاعظم ارواحنا فداه است.

آیه هفتاد و هشتم

● امام زمان (عج)، هادی عصر و زمان

خداوند در سوره رعد آیه ۷، می فرماید:

﴿وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِنْ رَبِّهِ إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَ لِ كُلِّ قَوْمٍ هَادٍ﴾

(ای رسول خدا) تو تنها ترساننده‌ای و برای هر امت و قوم و گروهی هادی می‌باشی.

(۱) ثعلبی، که یکی از علمای اهل سنت است، در تفسیرش آورده است:

وقتی این آیه نازل شد، رسول خدا ﷺ فرمودند: یا علی، منذر منم و بعد از من

برای این امت هادی خواهد بود و آن هادی تو هستی و بعد از تو فرزندان حسن علیه السلام

هادی این امت است و بعد از حسن علیه السلام فرزند دیگر حسین علیه السلام هادی و هدایت کننده

این امت است و بعد از حسین، علی بن الحسین علیه السلام هادی خواهد بود و... و سرانجام

حضرت حجة بن الحسن العسکری علیه السلام هدایت این مردم را به عهده خواهد گرفت.

(۲) حاکم ابوالقاسم عبید الله بن احمد بن محمد بن حسان قشیری عامری

نیشابوری. حنفی مذهب، در کتاب شواهد التنزیل از صفحه ۲۵۱ تا ۲۵۹، نوزده

حدیث می‌آورد که همه دلالت بر این دارد که در این آیه «منذر»، رسول خدا ﷺ

است و «هاد» بعد از رسول خدا ﷺ، امیرالمؤمنین علی علیه السلام است؛ مثلاً در حدیث،

به نقل از مجاهد، چنین آورده است:

حاکم حسان قشیری گوید: خبر داد ما را سید ابومنصور حسینی (ابومنصور)، خبر داد ما

را پسر مانی حبری، خبر داد ما را حسن بن علی بن قاسم از عبد الوهاب بن مجاهد (و

عبد الوهاب بن مجاهد خبر می‌دهد) از پدرش مجاهد که خداوند عزوجل فرمودند:

﴿إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَ لِ كُلِّ قَوْمٍ هَادٍ﴾.

﴿إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ﴾ برای هر امتی منذر و ترساننده است که خود رسول خدا ﷺ

است. ﴿وَ لِ كُلِّ قَوْمٍ هَادٍ﴾ برای هر امتی پس از پیامبرش هادی است رسول خدا ﷺ

يدك لا قبلها فاعطاه يده فقبلها، ثم بكى. ثم قال له ابو عبد الله عليه السلام: ما يبكيك يا شيخ؟ فقال: جعلت فلاك، اقامت على قائمكم منذ مائة سنة اقول هذا الشهر وهذه السنة وقد كبر سنى و رق جلدى و دقة عظمى و اقترب اجلى و لا ارى فيكم ما احب اريكم مقتولين مشردين و ارى اعداكم يطرون بالاجنحة و كيف لا ابكى فدمعت عينا ابى عبد الله عليه السلام ثم قال: يا شيخ، ان ابقاك الله حتى ترى قائمنا كنت فى السنام الاعلى و ان حلت بك المنية جئت يوم القيامة مع ثقل محمد عليه السلام و نحن ثقله فقال: انى مخلف فيكم الثقيلين فتمسكوا بهما لن تضلوا كتاب الله و عترتى اهل بيتى. فقال الشيخ: لا ابالى بعد ما سمعت هذا الخبر، ثم قال: يا شيخ، اعلم ان قائمنا يخرج من صلب الحسن العسكرى و الحسن يخرج من صلب على و على يخرج من صلب محمد و محمد يخرج من صلب على و على يخرج من صلب موسى ابنى هذا و اشار الى ابنه موسى و هذا خرج من صلبى نحن اثنا عشر كلنا معصومون مطهرون. فقال الشيخ: يا سيدى، بعضكم افضل من بعض؟ فقال: لا نحن فى الفضل سواء و لكن بعضنا اعلم من بعض، ثم قال: يا شيخ، و الله لو لم يبق من الدنيا يوم واحد لطول الله ذلك اليوم حتى يخرج قائمنا اهل البيت الا ان شيعتنا يقعون فى فتنة و حيرة فى غيبته هناك يثبت الله على هذه المخلصين اللهم، اعنهم على ذلك.

(١٠) در تفسير برهان مجلد ٢ صفحه ٢٧٩ حديث ٢، آمده است:

عنه قال: حدثنا على بن الحسن بن محمد، قال حدثنا عتبة بن عبدالله الحمصى بمكة قراءة عليه سنة ثمانين و ثلثمائة، قال حدثنا على بن موسى الغطغانى، قال: حدثنا احمد بن يوسف الحمصى، قال حدثنى محمد بن عكاشة، قال حدثنا حسين بن زيد بن عبد على قال حدثنا عبدالله بن الحسن، عن ابيه، عن الحسن، قال خطب رسول الله صلى الله عليه وسلم يوماً فقال بعدما حمد الله و اثنى عليه معاشر الناس كانى ادعى فاجيب و انى تارك فيكم الثقيلين كتاب الله و عترتى اهل بيتى اما ان تمسكتم بهما لن تضلوا فتعلموا منهم و لا تعلموهم فانهم اعلم فيكم لا تخلو الارض منهم و لو خالت اذاً لانساخت باهلها ثم قال: اللهم انى اعلم ان العلم لا يبيد و لا ينقطع و انك لا تخلقى الارض من حجة لك على خلقك ظاهر ليس بالحطاع او خائف مغمود كى لا تبطل حجتك و لا تضل اولياؤك بعد اذ هديتهم اولئك الاقلون عدداً

الاعظمون قدراً عند الله فلما نزل عن منبره قلت له يا رسول الله، ما انت الحجة على الخلق كلهم؟ قال: يا حسن، ان الله يقول ﴿إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَ لِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ﴾ فانا المنذر و على الهادي قلت: يا رسول الله، قولك ان الارض لا تخلو من حجة؟ قال: نعم، على هو الحجة و الامام بعدى و انت الامام و الحجة بعده و الحسين الامام و الحجة و الخليفة بعدك و لقد نبأني اللطيف الخبير ان يخرج من صلب الحسين ولد يقال له على سمي جده فاذا مضى الحسين قام بعده على ابنه و هو الامام و الحجة بعد ابيه و يخرج الله من صلب على ولداً سمي و اشبه الناس بى علمه علمى و حكمه حكمى و هو الامام و الحجة بعد ابيه و يخرج الله تعالى من صلب محمد ﷺ مولوداً يقال له جعفر اصدق الناس قولاً و فعلاً و هو الامام و الحجة بعد ابيه و يخرج الله تعالى فى صلب جعفر مولوداً يقال له موسى سمي موسى بن عمران اشد الناس تعبداً فهو الامام و الحجة بعد ابيه و يخرج الله من صلب موسى ولداً يقال له على معدن علم الله و موضع حكمه و هو الامام و الحجة بعد ابيه و يخرج الله من صلب على مولوداً يقال له محمد فهو الامام و الحجة بعد ابيه و يخرج الله من صلب محمد ولداً يقال له على و هو الامام و الحجة بعد ابيه و يخرج الله من صلب على مولوداً يقال له: الحسن فهو الامام و الحجة بعد ابيه و يخرج الله من صلب الحسن القائم امام شيعته و منقذ اوليائه يغيب حتى لا يرى يرجع عن امره قوم و يثبت عليه آخرون ﴿وَيَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْوَعْدُ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ﴾ و لو لم يكن من الدنيا الا يوم واحد لطول الله عزوجل ذلك اليوم حتى يخرج قائمنا فيملا الارض قسطاً و عدلاً كما ملئت ظلماً و جوراً فلا يخلو الارض منكم اعطاكم الله علمى و فهمى و لقد دعوت الله تبارك و تعالى ان يجعل العلم و الفقه فى عقبى و عقب عقبى و زرعى و زرع زرعى.

(١١) در كتاب اصول كافى مجلد ١ صفحه ٢٧٢ و كتاب تفسير برهان مجلد ٢ صفحه ٢٨٠ حديث ٣، آمده است:

عدة من اصحابنا عن احمد بن محمد، عن الحسين بن سعيد، عن النضر بن سويد و فضالة بن ايوب، عن موسى بن بكر، عن الفضيل قال: سئلت ابا عبد الله عليه السلام، عن قول الله عزوجل ﴿وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ﴾ فقال: كل امام هاد للقرن الذى هو فيهم.

فضیل گوید: از امام صادق علیه السلام راجع به قول خداوند که می فرماید: ﴿وَ لِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ﴾ (برای هر امت و گروهی هادی و رهبری است.) سؤال کردم. حضرت فرمودند: هر امامی رهبر است، در زمانی که میان مردم است.

(۱۲) در کتاب اصول کافی مجلد ۱ صفحه ۲۷۲ و کتاب تفسیر برهان مجلد ۲ صفحه ۲۸۰ حدیث ۴، آمده است:

عن علی بن ابراهیم، عن ابیه، عن محمد بن ابی عمیر، عن ابن اذینة، عن برید العجلی، عن ابی جعفر علیه السلام فی قول الله عزوجل: ﴿إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَ لِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ﴾ فقال رسول الله صلی الله علیه و آله: المنذر و لكل زمان منّا هاد یهدیهم الی ما جاء به نبی الله، ثم الهداة من بعده علی ثم الاوصیاء واحد بعد واحد.

محمد بن یعقوب کلینی از علی بن ابراهیم قمی،... از برید عجللی می گوید: از امام محمد باقر علیه السلام درباره فرموده خداوند عزوجل: «همانا تو بیم دهنده ای و برای هر گروهی رهبر و امام است.» پرسیدم. فرمودند: رسول خدا صلی الله علیه و آله منذر و بیم دهنده است و در هر زمانی یکی از ما اهل بیت، هادی و رهبر است و مردم را به آنچه که بر پیامبر صلی الله علیه و آله از طرف خداوند نازل شده است، هدایت می کند و رهبران پس از پیامبر صلی الله علیه و آله، ابتدا علی علیه السلام است و بعد از ایشان اوصیاء او علیهم السلام یکی بعد از دیگری.

(۱۳) در کتاب آیات الولاية صفحه ۱۷۷ حدیث ۷، آمده است:

عن یونس بن یعقوب قال: کان عند ابی عبدالله الصادق علیه السلام جماعة من اصحابه فیهم هشام بن الحکم، حمران بن اعین، مؤمن الطاق، هشام بن سالم و الطیار و جماعه فی اصحابه فیهم هشام بن الحکم رضی الله عنه و هو شاب فقال ابو عبدالله علیه السلام: یا هشام، قال: لبيك یا بن رسول الله، قال: الا تحدثنی کیف صنعت بعمر بن عبید و کیف سألته؟ قال هشام رضی الله عنه: جعلت فداک یا بن رسول الله، انی اجلک و استحيیک و لا يعمل لسانی بین یدیک، فقال ابو عبدالله الصادق علیه السلام: یا هشام اذا امرتکم بشیء فافعلوه، قال هشام: بلغنی ما کام فیہ عمرو بن عبید و جلوسه فی مسجد البصره، و عظم ذلک علی، فخرجت الیه و دخلت البصره فی یوم الجمعة فاتیت مسجد البصره فاذا انا بحلقة کبیره و اذا انا بعمر بن عبید علیه شمله سوداء متزر بها من

صوف و شمله مرتد بها، و الناس یسالونه، فاستفرجت الناس فافرجوا لی، ثم قعدت فی آخر القوم علی رکبتی ثم قلت: ایها العالم، انا رجل غریب تاذن لی فاسالک عن مسئلته؟ قال (هشام): فقال: نعم، قال (هشام): قلت له: الکی عین؟ قال: یا بنی ای شیء هذا من السئوال؟ فقلت: هكذا مسألتی، فقال: یا بنی سل و ان کانت مسألتهک حمقا. قال: فقلت: اجبنی فیها. قال: فقال لی: سل، فقلت: الکی عین؟ قال: نعم، قال (هشام): قلت: فما ترى بها؟ قال: الالوان و الاشخاص. قال: فقلت: الکی انف؟ قال: نعم. قال: قلت: فما تصنع بها؟ قال: اتشمم بها الرائحة، قال: قلت: الکی فم؟ قال: نعم، قلت: و ما تصنع به؟ قال: اعرف به طعم الاشیاء. قال: قلت: الکی لسان؟ قال: نعم، قلت: و ما تصنع به؟ قال: اتکلم به، قال: قلت: الکی اذن؟ قال: نعم. قلت: و ما تصنع بها؟ قال: اسمع بها الاصوات، قال: قلت: الکی ید؟ قال: نعم، قلت: و ما تصنع بها؟ قال: ابطش بها و اعرف بها اللین من الخشن قال: قلت: الکی رجلان؟ قال: نعم، قلت: ما تصنع بهما؟ قال: انتقل بهما من مکان الی مکان، قال: قلت: الکی قلب؟ قال: نعم، قلت: و ما تصنع به؟ قال: امیز به کل ماورد علی هذه الجوارح، قال: افلیس فی هذه الجوارح غنی عن قلب؟ قال: لا، قلت: و کیف ذلک و هی صحیحته سلیمه قال: یا بنی ان الجوارح اذا شکت فی شیء شمته اوراته او ذاقته او سمعته او لمسته ردتہ الی القلب فتیقن الیقین و یبطل الشک.

قال: فقلت: انما اقام الله القلب لشک الجوارح؟ قال: نعم قال: قلت: فلا بد من القلب و الا لم یستقم الجوارح؟ قال: نعم، قال: قلت: یا ابا مروان ان الله تعالی ذکره لم یترک جوارحک حتی جعل لها اماماً یصحح لها الصحیح و یتقن ما شک فیہ و یترک هذا الخلق کلهم فی حیرتهم و شکهم و اختلافهم لا یقیم لهم اماماً یردون الیهم شکهم و حیرتهم و یقیم لک اماماً لجوارحک ترد الیه حیرتک و شکک؟

قال: فسکت و لم یقل شیئا.

یونس بن یعقوب گفت: من و عده ای از اصحاب امام جعفر صادق علیه السلام از قبیل هشام بن الحکم، حمران بن اعین، مؤمن طاق، هشام بن سالم و طیار و خلاصه جمعی از یاران آن بزرگوار و از جمله هشام بن الحکم که نوجوانی بود در محضر امام علیه السلام بودیم. امام صادق علیه السلام خطاب به هشام فرمود: یا هشام، گفت: لبیک ای فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله

فرمود: آیا برای من داستان مناظرات را با عمرو بن عبید بیان نمی‌کنی و آیا نمی‌گویی که چه سوالاتی از او کرده‌ای؟ هشام گفت: فدایت شوم ای پسر رسول خدا ﷺ، من در مقابل شما و در برابر عظمت مقام شما حیا می‌کنم و قادر نیستم چیزی بگویم. آن‌گاه حضرت صادق علیه السلام فرمود: یا هشام، هنگامی که ما شما را به چیزی امر می‌کنیم، انجام دهید. عرض کرد: روز جمعه وارد بصره شدم. به مسجد رفتم. عمرو بن عبید در مسجد نشسته بود و گروه زیادی گرد او حلقه زده بودند و از او پرسشهایی می‌کردند. من در آخر جمعیت، میان آن‌ها نشستم. هر کس سؤالی می‌کرد. من نیز به عمرو رو کرده، گفتم: ای دانشمند! من اهل این شهر نیستم، اجازه می‌دهی سؤالی مطرح کنم؟ گفت: هر چه می‌خواهی بپرس. گفتم: آیا چشم داری؟ گفت: مگر نمی‌بینی چشم دارم، این چه سؤالی است؟ گفتم: پرسش‌های من همین‌گونه است. گفت: بپرس، گرچه پرسش‌هایت احمقانه است. گفتم: آیا چشم داری؟ گفت: دارم. گفتم: با آن چه می‌کنی؟ گفت: با آن دیدنی‌ها را می‌بینم و رنگ و نوع آن‌ها را تشخیص می‌دهم. گفتم: آیا شامه و حس بویایی داری؟ گفت: آری. گفتم: با آن چه کار می‌کنی؟ گفت: با آن بوها را استشمام کرده، بوی خوب را از بد تشخیص می‌دهم. گفتم: آیا زبان هم داری؟ گفت: دارم. گفتم: با آن چه می‌کنی؟ گفت: با آن طعم و مزه چیزها را تشخیص می‌دهم. گفت، گفتم: آیا زبان داری؟ گفت، بله. گفتم: با آن چه کاری انجام می‌دهی؟ گفت: با آن سخن می‌گویم. گفتم: آیا گوش هم داری؟ گفت: دارم. گفتم: با آن چه می‌کنی؟ گفت: صداها را می‌شنوم و از هم تمیز می‌دهم. گفتم: آیا دست داری؟ گفت: دارم. گفتم: با آن‌ها چه می‌کنی؟ گفت: با آن‌ها زبری و نرمی چیزها را تشخیص می‌دهم. گفتم: آیا پا داری؟ گفت: دارم. گفتم: با آن‌ها چه می‌کنی؟ گفت: با آن‌ها از مکانی به مکان دیگر می‌روم. گفتم: آیا جز از این‌ها قلب هم داری؟ گفت: دارم. گفتم: با آن چه می‌کنی؟ گفت: اگر دیگر اعضاء و جوارح من دچار شک و تردید شوند، قلب شک و تردید آن‌ها را برطرف می‌سازد، زیرا روشن است که گاهی حواس پنج‌گانه انسان به اشتباه می‌افتد و برای برطرف کردن اشتباه‌های آن‌ها به قلب مراجعه می‌نمایم تا آن‌ها را از اشتباه بیرون آورم.

هشام می گوید: هنگامی که عمرو این را گفت، من هم گفته او را تایید کردم و گفتم: آری، خدای متعال برای راهنمایی اعضا و جوارح و حواس انسان و رفع اشتباه و خطای آنها «قلب» را آفریده است. ای دانشمند! آیا صحیح است بگوئیم خدایی که چشم و گوش و دیگر اعضای انسان را بدون راهنما نگذاشته، چنین خدای حکیم و مهربانی، مسلمانان را پس از رسول اکرم ﷺ بدون راهنما و امام گذارده تا در نتیجه، مردم در شک و تردید و اختلاف ها بمانند و به انحراف و نابودی کشیده شوند؟ آیا هیچ فکر و اندیشه سالمی این مطلب را قبول می کند؟

در اینجا بود که عمرو بن عبید ساکت شد و دیگر هیچ نگفت.

(۱۴) در اصول کافی مجلد ۱ صفحه ۲۷۲، علامه بزرگوار محمد بن یعقوب

کلینی می گوید:

الحسین بن محمد الاشعری، عن معلى بن محمد، عن محمد بن جمهور، عن محمد بن اسماعیل عن سعدان، عن ابی بصیر قال: قلت لأبی عبد الله عليه السلام: ﴿إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَ لِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ﴾، فقال رسول الله صلى الله عليه وآله: المنذر و علی الهادی یا ابا محمد هل من هاد الیوم؟ قلت: بلی جعلت فداک، مازال منکم هاد بعد هاد حتی دفعت الیک، فقال: رحمک الله یا ابا محمد، لو کانت اذا نزلت آیه علی رجل ثم مات ذلك الرجل، فأتت الآیه، مات الكتاب و لکنه حی یجری فیمن بقی کمیه جری فیمن مضی.

ابو بصیر می گوید به امام صادق عليه السلام عرض کردم درباره آیه ﴿إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَ لِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ﴾. حضرت فرمودند: «منذر» و بیم دهنده رسول خدا صلى الله عليه وآله است و رهبر و هادی علی است. ای ابو محمد، آیا امروز رهبری هست؟ عرض کردم، فدایت شوم، همیشه از شما خانواده رهبری پس از رهبر دیگری بوده تا به شما رسیده است. فرمودند: خدایت تو را رحمت کند ای ابا محمد، اگر چنین بود که چون آیه ای درباره مردی نازل می شد و آن مرد می مرد، آیه هم از بین می رفت (و مصداق دیگری نداشت)، که قرآن مرده بود، ولی قرآن همیشه زنده است و بر بازماندگان منطبق می شود، چنانچه بر گذشتگان منطبق می شد.

(۱۵) شیخ الاسلام الحموینی در کتاب فرائد السمطین از ابوهریره مسلمی چنین نقل می‌کند:

ان المراد بالهادی علی علیه السلام.

شیخ الاسلام الحموینی می‌گوید مراد از هاد علی علیه السلام است.

(۱۶) در اصول کافی مجلد ۱ صفحه ۲۷۳، علامه بزرگوار محمدبن یعقوب کلینی می‌فرمایند:

محمدبن یحیی عن احمدبن محمد، عن الحسن بن سعید، عن صفوان، عن منصور، عن عبدالرحیم القصیر، عن ابی جعفر علیه السلام فی قول الله تبارک و تعالی: «إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَ لِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ» فقال: رسول الله صلی الله علیه و آله المنذر و علی علیه السلام الهادی أما والله ما ذهبت منا و ما زالت فینا الی الساعة.

قصیر می‌گوید: از امام باقر علیه السلام درباره این فرموده خداوند «همانا تویی بیم دهنده و برای هر قومی رهبری است.»، سؤال کردم. حضرت علیه السلام فرمودند: رسول خدا صلی الله علیه و آله منذر و بیم دهنده هستند و علی علیه السلام هادی و رهبر است. به خداوند سوگند که مقام هدایت و رهبریت از میان ما خانواده نرفته و تا کنون هم در میان ماست.

در تفسیر این آیه شریف، مجموعه روایاتی داریم که بنابر مضمون آن، به دو دسته تقسیم می‌شوند:

دسته اول: روایاتی هستند که در آن رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرمایند من منذر هستم و علی علیه السلام هادی است.

دسته دوم: روایاتی هستند که در آن رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده‌اند، منذر منم و بعد از من علی علیه السلام و یازده فرزندش، یکی پس از دیگری، هادی خواهند بود؛ نظیر روایت تفسیر ثعلبی و روایاتی که دیگران نقل کرده‌اند. این روایات حضرت مهدی موعود (عج) را دوازدهمین هادی معرفی می‌کنند.

پس همیشه باید بر روی کره زمین رهبر و هادی باشد که:

اولاً او رهبری الهی باشد.

ثانیاً از فرزندان امیرالمؤمنین علیه السلام باشد.

ثالثاً او فردی عادی نباشد، بلکه تالی رسول خدا صلی الله علیه و آله باشد.

رابعاً در ابتدای خلقت بشر، خداوند این وعده را به بشریت داده است که برای هدایت بشر. همیشه، هادی بفرستد. خداوند در سوره بقره آیه ۳۸ می فرماید:

﴿قُلْنَا اهْبِطُوا مِنْهَا جَمِيعاً فَإِمَّا يَأْتِيَنَّكُمْ مِنِّي هُدًى فَمَنْ تَبِعَ هُدَايَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾.

خداوند می فرماید: همه فرود آید تا آن گاه که از جانب من راهنمایی برای شما آید، پس هر کس پیروی او کند، هرگز بیمناک و اندوهگین نخواهد شد.

نظیر این آیه در سوره اعراف و سوره طه نیز آمده است که خداوند داستان آدم و حوا و بیرون شدن آنها را از بهشت، به خاطر وسوسه های شیطان، مطرح می کند و سپس می فرماید: ما برای راهنمایی شما هادیانی می فرستیم.

پس باید همیشه هادی زنده برای بشر باشد.

و شیعه و سنی و همه فرق اسلامی قبول دارند که امروزه هادی، وجود اقدس اعلی حضرت بقیة الله الاعظم ارواحنا فداء می باشد.

آیه هفتاد و نهم

● چند نشانه قبل از ظهور ولی عصر علیه السلام

خداوند در سوره رعد آیه ۱۳، می فرماید:

﴿ وَهُوَ شَدِيدُ الْمِحَالِ ﴾

و اوست خداوند سخت انتقام گیرنده.

* در کتاب الغیبه صفحه ۲۷۸، آمده است:

محمد بن ابراهیم النعمانی فی الغیبه: اخبرنا احمد بن محمد بن سعید قال: حدثنا علی بن الحسن التیملی من کتابه فی رجب سنة سبع و سبعین و مأتین، قال: حدثنا محمد بن عمر بن یزید بیاع السابری و محمد بن الولید بن خالد الخزاز جميعاً، قالوا: حدثنا حماد بن عثمان، عن عبدالله بن سنان قال: حدثني محمد بن ابراهيم بن ابي البلاد، قال: حدثنا ابي عن ابيه، عن الاصبع بن نباته قال: سمعت علياً عليه السلام يقول: ان بين يدي القائم عليه السلام سنين خداعة، يكذب فيها الصادق و يصدق فيها الكاذب و يقرب فيها الماحل. و في حديث: و ينطق فيا الرويبيضة فقلت: و ما الرويبيضة و ما الماحل؟ قال: او ما تقرؤن القرآن قوله: ﴿ وَهُوَ شَدِيدُ الْمِحَالِ ﴾. قال: يريد المكر، فقلت و ما الماحل؟ قال: يريد المكار.

محمد بن ابراهیم نعمانی در کتاب الغیبه گوید: احمد بن محمد بن سعید خبرمان داد، وی گفت: علی بن الحسن تیملی از کتابش برایمان حدیث گفت در ماه رجب سال دویست و هفتاد و هفت، گوید: محمد بن عمر بن یزید سابری فروش و محمد بن الولید بن خالد خزاز، هر دو، برایمان حدیث گفتند که حماد بن عثمان از عبدالله بن سنان برایمان حدیث آورد، وی گفت: محمد بن ابراهیم بن ابی البلاد حدیثم داد و گفت: پدرم از پدرش از اصبع بن نباته برایمان حدیث یاد کرد که گفت: شنیدم حضرت علی علیه السلام می فرمود: پیشاپیش [ظهور] حضرت قائم علیه السلام سال های فریبنده ای خواهد بود که راستگو در آن دروغگو و دروغگو در آن راستگو پنداشته شود و شخص «ماحل» در آن

زمان مقرب گردد و در حدیثی آمده که «روبیضه» در آن به سخن درآید. راوی گوید: پس گفتم: روییضه چیست و ماحل کدام است؟ فرمود: آیا قرآن نمی خوانید که خداوند می فرماید: «اوست خداوند سخت انتقام گیرنده.»، یعنی، مکر خداوند شدید است. عرض کردم: ماحل چیست؟ فرمود: مقصودش حيله گر است.

در این حدیث شریف علائم قبل از ظهور در زبان حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام این گونه بیان می شود.

۱. امت اسلامی قبل از ظهور سال های فریبنده ای در پیش دارند.
۲. در آن سال ها، راستگویان را دروغگو می پندارند.
۳. دروغگویان را راستگو می خوانند.
۴. ماحل و حيله گر در آن زمان مقرب می شود.

آیه هشتادم

● بهترین صله رحم وصل شدن به امام زمان علیه السلام است.

خداوند در سوره رعد آیه ۲۱، می فرماید:

﴿وَالَّذِينَ يَصِلُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ وَيَخَافُونَ سُوءَ الْحِسَابِ﴾

و کسانی که آنچه را خدا به پیوستن آن فرمان داده پیوسته دارند و از خدای خویش بترسند و از سختی حساب بیم دارند.

(۱) در تفسیر برهان مجلد ۲ صفحه ۲۸۸، آمده است:

عن ابی بصیر، عن ابی عبد الله علیه السلام قال سمعته يقول: ان الرحم معلقة بالعرش تقول: اللهم، صل من وصلني و اقطع من قطعني و هي رحم آل محمد علیهم السلام و هو قول الله عزوجل: ﴿وَالَّذِينَ يَصِلُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ وَيَخَافُونَ سُوءَ الْحِسَابِ﴾ و رحم کل ذی رحم.

ابی بصیر از امام صادق علیه السلام نقل می کند: از حضرت شنیدم که می فرمود: رحم معلق به عرش الهی است و می گوید: پروردگارا، صله کن با هر که به من صله می کند و قطع کن با هر که با من قطع می کند و این رحم آل محمد علیهم السلام و رحم هر صاحب رحمی است، چنان که پروردگار فرمود: ﴿وَالَّذِينَ يَصِلُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ﴾.

(۲) در تفسیر صافی صفحه ۲۸۳، آمده است:

و فی الکافی عن الصادق علیه السلام نزلت فی رحم آل محمد علیهم السلام و قد تكون فی قرابتک ثم فلا تكونن ممن يقول للشی انه فی شی واحد.

از امام صادق علیه السلام نقل شده که این آیه هم درباره رحم آل محمد علیهم السلام نازل شده و هم درباره اقربای شما. سپس فرمود: از آن ها نباشید که می گویند فقط در یک چیز نازل شده است.

(۳) در تفسیر عیاشی مجلد ۲ صفحه ۲۰۸، آمده است:

و فی العیاشی عن عمر بن مریم قال: سألت ابا عبد الله عليه السلام عن قول الله: ﴿وَالَّذِينَ يَصِلُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ﴾، قال: من ذلك صلة الرحم و غاية تأويلها صلتك ايانا.
از عمر بن مریم روایت شده که گفت: از امام صادق عليه السلام از آیه ﴿وَالَّذِينَ يَصِلُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ﴾ سؤال کردم، فرمود: یکی از معانیش صلة رحم است، ولی، نهایت درجه و کامل ترین مصادیق آن این است که با ما پیوند داشته باشی.

(۴) در تفسیر برهان مجلد ۲ صفحه ۲۹۰، آمده است:

ابن شهر آشوب، عن محمد بن الفضیل، عن موسى بن جعفر عليه السلام فی قوله تعالى: ﴿وَالَّذِينَ يَصِلُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ﴾ قال هی رحم آل محمد عليهم السلام.

ابن شهر آشوب از محمد بن فضیل، از موسی بن جعفر عليه السلام نقل کرده که در تفسیر کلام خدا: ﴿وَالَّذِينَ يَصِلُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ﴾ فرمود: مقصود، رحم آل محمد عليهم السلام است.

همان طوری که ملاحظه می فرمایید، وصل شدن به محمد صلى الله عليه وآله و آل محمد عليهم السلام بهترین رحم است و هم اکنون حضرت قائم عليه السلام آخرین امام از ائمه اثنی عشر است که وصل به ایشان بهترین صلة رحم است.

آیه هشتاد و یکم

● حضرت بقیه الله (عج) بهترین مصداق «تطمئن القلوب» است.

خداوند در سوره رعد آیه ۲۸، می فرماید:

﴿الَّذِينَ آمَنُوا وَ تَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ﴾

همان کسانی که ایمان دارند و دل هایشان به یاد کردن خداوند آرام می گیرد. بدانید که دل ها به یاد خدا آرام می گیرد.

(۱) در تفسیر المیزان مجلد ۱۱ صفحه ۴۰۴، آمده است:

فی تفسیر العیاشی عن ابن عباس انه قال لرسول الله ﷺ: ﴿الَّذِينَ آمَنُوا وَ تَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ﴾، ثم قال لی: اتدری یا بن ام سلیم من هم؟ قلت: من هم یا رسول؟ قال: نحن اهل البيت و شیعتنا.

در تفسیر عیاشی روایت کرده از ابن عباس که نزد رسول خدا ﷺ آیه ﴿الَّذِينَ آمَنُوا وَ تَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ﴾ را تلاوت کردم، حضرت فرمود: ای پسر ام سلیم، هیچ می دانی اینان چه کسانی هستند؟ عرض کردم: چه کسانی هستند، یا رسول الله؟ فرمودند: ما اهل بیت و شیعیان مان هستیم.

(۲) در کتاب الدر المنثور سیوطی مجلد ۴ صفحه ۵۸، آمده است:

اخرج ابن مردویه عن علی عن رسول الله ﷺ لما نزلت هذه الآیه: ﴿أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ﴾ قال: ذاک من احب الله و رسوله و احب اهل بیتی صادقاً غیر کاذب و احب المؤمنین شاهداً و غائباً. الا بذكر الله يتحابون.

ابن مردویه از علی بن ابی طالب رضی الله عنه، از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کرده که فرمود: وقتی این آیه نازل شد حضرت فرمودند: این ها کسانی هستند که خدا و رسولش و اهل بیت رسولش را به راستی، نه به دروغ، دوست بدانند و مؤمنین شاهد و غایبشان را دوست بدانند. آری به یاد خداست که یکدیگر را دوست می دارند.

■ آیه هشتاد و دوم

● امروز امام زمان علیه السلام مصداق «و من عنده علم الكتاب» است.

خداوند در سوره رعد آیه ۴۳، می فرماید:

﴿وَ يَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَسْتَ مُرْسَلًا قُلْ كَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَ بَيْنَكُمْ وَ مَنْ

عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ﴾

کافران می گویند که تو پیامبر نیستی، بگو کافی است گواه و شاهد بودن خداوند میان من و شما

و(شاهد و گواه) بودن کسی که «علم الكتاب»، علم همه کتب آسمانی، در نزد اوست.

(۱) در کتاب بحار الانوار مجلد ۲۳ صفحه ۱۹۱، آمده است:

عن الصادق علیه السلام فی قوله: ﴿وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ﴾ قال: ايانا عنی و علی اولنا و

افضلنا و خیرنا بعد النبی صلی الله علیه و آله.

از امام صادق علیه السلام در تفسیر کلام خدا: ﴿وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ﴾ فرمود: مقصود ما

هستیم و البته علی بن ابی طالب علیه السلام اولین نفر آنها و افضل و شایسته ترین ما بعد

رسول الله صلی الله علیه و آله است.

(۲) در مجمع البیان مجلد ۶ صفحه ۳۰۱، آمده است:

عن ابی جعفر و ابی عبدالله علیهما السلام ان المراد به علی بن ابی طالب علیه السلام و ائمة الهدی علیهم السلام.

از امام باقر و امام صادق علیهما السلام روایت شده که مراد از ﴿وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ﴾،

علی بن ابی طالب علیه السلام و امامان و رهبران هدایت هستند.

(۳) باز در کتاب مجمع البیان مجلد ۶ صفحه ۳۰۱، آمده است:

عن عبدالله بن کثیر، عن الصادق علیه السلام انه وضع یده علی صدره ثم قال: عندنا والله علم

الكتاب کلا.

از عبدالله بن کثیر از امام صادق علیه السلام روایت شده که حضرت دست بر سینه خود

گذاشت و فرمود: قسم به خدا که تمامی علم کتاب نزد ما اهل بیت است.

(۴) و فی المعانی باسناده عن خلف بن عطیه العوفی عن ابی سعید الخدری قال: سألت رسول الله ﷺ عن قول الله جل ثناؤه: «قال الذي علم كتاب» قال: ذاك وصي اخي سليمان بن داود فقلت له: يا رسول الله، فقول الله: «قُلْ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيداً بَيْنِي وَ بَيْنَكُمْ وَ مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ» قال: ذاك اخي علي بن ابي طالب عليه السلام.

در معانی به سند خود از خلف بن عطیه عوفی از ابی سعید خدری روایت کرده که گفت: من از رسول خدا صلی الله علیه و آله از معنای گفتار خدای عزوجل که فرموده: «قال الذي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ»، پرسش نمودم، فرمود: او جانشین برادر من سلیمان ابن داود بود، گفتم: یا رسول الله صلی الله علیه و آله، در آیه «قُلْ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيداً بَيْنِي وَ بَيْنَكُمْ وَ مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ» منظور کیست؟ فرمود: او بردارم علی بن ابی طالب عليه السلام است.

پس، مصداق واقعی «وَ مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ» که خداوند علوم مختلف قرآنی را در آنها قرار داده است و علوم اولین و آخرین در آنهاست، چهارده معصوم هستند و در حال حاضر، مصداق این آیه، وجود اقدس حضرت قائم آل محمد (عج) است.

آیه هشتاد و سوم

● روز قیام قائم از ایام الله است.

خداوند در سوره ابراهیم آیه ۵، می فرماید:

﴿وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا أَنْ أَخْرِجْ قَوْمَكَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَذَكِّرْهُمْ بِأَيَّامِ اللَّهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ﴾

و بتحقیق ما موسی را با آیات خویش فرستادیم تا قوم خود را از ظلمت‌ها و تاریکی‌ها خارج کرده و آن‌ها را به سوی نور هدایت نماید و داخل در نور کند و آنان را «به ایام الله» یا روزهای خداوند یادآور شود. همانا در این، برای صابری و شاکرین نشانه‌ها و آیاتی است.

ما طبق احادیث معراجیه معتقدیم که تمام انبیاء به سه کلمه قوم خود را دعوت و راهنمایی می کردند. اول لا اله الا الله، دوم محمد رسول الله و سوم علی ولی الله و باز در آیه آمده است ﴿أَخْرِجْ قَوْمَكَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ﴾. باز نور؛ یعنی، سه کلمه است و خروج از محور این سه کلمه ظلمت است. و ما در قرآن کریم سوره نور آیه ۳۵ داریم: ﴿يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ﴾ خداوند هدایت می کند با نورش هر کس را که بخواهد، این «نور» ائمه طاهرین علیهم السلام هستند و در حال حاضر وجود مقدس ولی عصر (عج) است.

باز در آیه آمده است: ﴿وَذَكِّرْهُمْ بِأَيَّامِ اللَّهِ﴾ آنان را به ایام الله یا روزهای خداوند یادآور شو. این مطالب برای همه انبیاء الهی بوده است و در اینجا خطاب به موسی علیه السلام. حال باید ببینیم ایام الله چیست؟

(۱) حافظ سلیمان بن ابراهیم قندوزی حنفی در کتاب ینابیع المودة صفحه ۴۲۴، آورده است:

عن مثنی الحنطاط عن الباقر علیه السلام و الصادق علیه السلام فی قوله تعالی، فی سوره ابراهیم: ﴿و

ذَكَرَهُمْ بِأَيَّامِ اللَّهِ قال: ایام الله ثلاثة يوم «يوم يقوم القائم عليه السلام» و «يوم الكربة» و «يوم القيامة».

مثنی الحنط از حضرت امام محمد باقر علیه السلام و حضرت امام صادق علیه السلام درباره قول خداوند متعال در سوره ابراهیم که فرموده است: ﴿وَذَكَرَهُمْ بِأَيَّامِ اللَّهِ﴾، روزهای خداوند را به قوم خود یادآوری کن و تذکر بده، فرمودند: ایام الله یا روزهای خداوند سه روز است: «روزی که قائم (عج) قیام می کند»، «روز کربه یا روز رجعت» و «روز قیامت».

(۲) در خصال شیخ صدوق صفحه ۱۲۲ باب الثلاثة حدیث ۷۵، آمده است:

حدثنا احمد بن محمد بن يحيى العطاد رضي الله عنه قال: حدثنا سعد بن عبد الله قال: حدثني يعقوب بن يزيد، عن محمد بن الحسن الميثمي، عن مثنى الحنط قال: سمعت ابا جعفر عليه السلام قال: ایام الله عزوجل ثلاثة: يوم يقوم القائم (عج) و يوم الكربة و يوم القيامة.

مثنی الحنط گوید: شنیدم از امام باقر علیه السلام که می فرمود: روزهای خدای عزوجل سه روز است: روزی که حضرت قائم (عج) قیام کند، روز رجعت و روز رستاخیز.

(۳) در کتاب معانی الاخبار مجلد ۲ باب ۴۰۹ صفحه ۳۵۸، آمده است:

حدثنا ابي عليه السلام قال: حدثنا عبد الله بن جعفر الحميري قال: حدثنا ابراهيم بن هاشم، عن محمد بن ابي عمير، عن مثنى الحنط، عن جعفر بن محمد، عن ابيه عليه السلام قال: ایام الله عزوجل ثلاثة: يوم يقوم القائم و يوم الكربة و يوم القيامة.

مثنی الحنط گوید: امام صادق به نقل از پدر بزرگوارش علیه السلام فرمود: روزهای مخصوص خداوند عزوجل سه روز است: روزی که قائم آل محمد (عج) قیام کند، روزی که بازگشت به دنیا آغاز گردد و روز قیامت.

آیه هشتاد و چهارم

● وجود اقدس ولی عصر علیه السلام از شجره طیبه است.

خداوند در سوره ابراهیم آیات ۲۴ و ۲۵، می فرماید:

﴿الْم تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَضَلُّهَا ثَابِتٌ
وَفَزَعُهَا فِي السَّمَاءِ ۝ تُؤْتِي أُكْلَهَا كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّهَا وَيَضْرِبُ اللَّهُ
الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ﴾

آیا ندیدی چگونه خداوند کلمه پاک و طیب را به درختی پاک و طیب مثال می زند که تنه آن درخت ثابت و استوار است و شاخه های آن سر بر آسمان برکشیده است و میوه هایش را هر وقت (همیشه) به اذن پروردگارش می دهد.

۱) حاکم حسکانی حنفی در کتاب شواهد التنزیل مجلد ۱ صفحه ۳۳ (عربی) و ترجمه فارسی صفحه ۲۶۴ آورده است:

اخرج الحاكم الحسکانی قال أخبرنا ابو عبدالله الشیرازی بسنده المذكور، عن سلام الخثعمی قال: دخلت علی ابی جعفر محمد بن علی فقلت: یا بن رسول الله، قول الله تعالی: ﴿أَضَلُّهَا ثَابِتٌ وَ فَزَعُهَا فِي السَّمَاءِ﴾ قال یا سلام الشجرة محمد و الفرع علی امیر المؤمنین و الثمر الحسن و الحسین و الغصن فاطمة و شعب ذلك الغصن الائمة من ولد فاطمة.

وارد شدم بر حضرت امام محمد باقر علیه السلام، سپس گفتم: ای پسر رسول خدا، خداوند متعال می فرماید ﴿أَضَلُّهَا ثَابِتٌ وَ فَزَعُهَا فِي السَّمَاءِ﴾، یعنی چه؟ حضرت فرمودند: ای سلام آن شجر یا آن درخت محمد صلی الله علیه و آله است و «فرعها» (شاخه آن) امیر المؤمنین علیه السلام است و ثمره و میوه آن درخت حسن و حسین علیهما السلام هستند و غصن یا شاخه روئیده از اولین شاخه منشعب از تنه درخت، فاطمه علیها السلام است و شاخه های این غصن امامانی هستند که همه از اولاد فاطمه می باشند و برگ آن درخت شیعیان و دوستان ما اهل بیت هستند. پس هرگاه یکی از شیعیان ما از دنیا برود، یک برگ از این

درخت می‌ریزد و هر گاه برای دوستان ما اولادی متولد گردد، به جای آن برگ افتاده، برگی سبز می‌شود.

پس گفتم: ای پسر رسول خدا ﷺ، فرموده خداوند متعال که می‌فرمایند: «تُؤْتِي أَكْلَهَا كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّهَا» چه معنی دارد؟ حضرت فرمودند: امامان فتوا می‌دهند شیعیان‌شان را در حلال و حرام، در هر حج و عمره.

پس «غصن» یا شاخه‌های این درخت یازده تن از اولاد فاطمه علیها السلام هستند که روایات و فرمایشات این بزرگواران میوه این درخت است. خوشا به حال آن کسانی که همیشه از میوه‌های این درخت تناول می‌کنند، و دوازدهمین از اولاد فاطمه که حجة الله و بقية الله است، وجود اقدس اعلی حضرت بقية الله الاعظم حجة بن الحسن العسکری (عج) است.

(۲) در اصول کافی مجلد ۲ صفحه ۳۰۳ حدیث ۱۱۵۹، آمده است و در تفسیر برهان مجلد ۲ صفحه ۳۱۰ حدیث شماره ۱، آمده است:

محمد بن یعقوب، عدة من اصحابنا، عن احمد بن محمد، عن علی بن شعیب، عن ابیه، عن عمرو بن حریث، قال سئلت ابا عبد الله علیه السلام عن قول الله: «كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ». قال: فقال رسول الله صلی الله علیه و آله: انا اصلها و امیر المؤمنین فرعها و الأمة من ذریتهما اغصانها و علم الأئمة ثمرتها و شیعتهم المؤمنون ورقها هل فی هذا فضل؟ قال: قلت: لا والله، قال: والله، ان المؤمن لیولد فتورق ورقة فیها و ان المؤمن لیموت فتسقط ورقة منها. عمرو بن حریث می‌گوید: قول خداوند متعال را: «مانند درخت پاکی که ریشه‌اش برجا و شاخه‌اش سر بر آسمان کشیده» از امام صادق علیه السلام پرسیدم، حضرت فرمودند: رسول خدا صلی الله علیه و آله اصل و ریشه آن درخت است و امیر المؤمنین علیه السلام فرع و تنه آن و امامان از نسل آن‌ها شاخه‌های آن و علم امامان میوه آن و شیعیان مؤمن ایشان برگ‌های آن است، آیا در آن درخت، چیز زیاد دیگری هست؟ عرض کردم: نه به خدا، حضرت علیه السلام فرمودند: به خدا که چون مؤمنی متولد شود، برگی در آن درخت پیدا می‌شود و چون مؤمنی می‌میرد، برگی از آن درخت می‌افتد.

(٣) در تفسير برهان مجلد ٢ صفحه ٣١٠ حديث شماره ٢، آمده است:

محمد بن الحسن الصفار، عن الحسن بن موسى الخشاب، عن عمرو بن عثمان، عن محمد بن غدافر، عن ابي حمزة الثمالي، عن ابي جعفر عليه السلام قال: سئلته عن قول الله تبارك و تعالي: ﴿كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَ فَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ ۝ تُؤْتِي أُكْلَهَا كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّهَا﴾ قال رسول الله صلى الله عليه وآله انا اصلها وامير المؤمنين عليه السلام فرعها و الائمة اغصانها و علمنا ثمرها و شيعتنا ورقها. يا ابا حمزة، هل ترى في هذا فضلا؟ قال: لا فقال: يا ابا حمزة، والله ان المولود ليولد من شيعتنا فتورق ورقة منها و ان المؤمن ليموت فتسقط ورقة منها.

(٤) در تفسير برهان مجلد ٢ صفحه ٣١٠ حديث شماره ٣، آمده است:

عنه، عن يعقوب بن يزيد، عن الحسن بن محبوب، عن الاحول، عن سلام بن المستنير، قال سئلت ابا جعفر عليه السلام عن قول الله تبارك و تعالي: ﴿كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَ فَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ ۝ تُؤْتِي أُكْلَهَا كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّهَا﴾ قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: اصل الشجرة من بنى هاشم و فرعها على عليه السلام و غصن الشجرة فاطمة عليها السلام و اغصانها الائمة عليهم السلام و ورقها الشيعة و ان الرجل منهم ليموت فتسقط ورقة و ان المولود منهم ليولد فتورق ورقة قال: قلت له: جعلت فداك، قوله: ﴿تُؤْتِي أُكْلَهَا كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّهَا﴾ قال: هو ما يخرج من الامام من الحلال و الحرام في كل سنته الى شيعته.

(٥) در تفسير برهان مجلد ٢ صفحه ٣١٠ حديث شماره ٤، آمده است:

و عنه عن احمد بن محمد، عن الحسن بن سعيد، عن المفضل بن صالح، عن محمد الحلبي، عن ابي عبدالله عليه السلام في قول الله تبارك و تعالي: ﴿أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَ فَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ ۝ تُؤْتِي أُكْلَهَا كُلَّ حِينٍ﴾ قال: النبي و الائمة هم الاصل الثابت و الفرع الولاية لمن دخل فيها.

(٦) در تفسير برهان مجلد ٢ صفحه ٣١١ حديث شماره ٥، آمده است:

ابن بابويه قال: حدثنا محمد بن ابراهيم بن اسحاق عليه السلام، قال: حدثنا عبدالعزيز بن يحيى، قال: حدثنا عبدالله بن محمد بن الضبي، قال: حدثنا محمد بن هلال، قال: حدثنا نائل بن بختيخ، قال: حدثنا عمرو بن شمر عن جابر الجعفي، قال: سئلت ابا جعفر عليه السلام عن قول الله عزوجل:

﴿طَيِّبَةَ كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَضَلُّهَا ثَابِتٌ وَفَزَعُهَا فِي السَّمَاءِ ۝ تُؤْتِي أَكْلَهَا كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّهَا﴾ قال: اما الشجرة فرسول الله ﷺ و فرعها على ﷺ و غصن الشجرة فاطمة بنت رسول الله ﷺ و ثمرها اولادها ﷺ و ورقها شيعتنا، ثم قال ﷺ: ان المؤمن من شيعتنا ليموت فتسقط من الشجرة ورقة و ان المولود من شيعتنا ليولد فتورق الشجرة ورقة.

(٧) در تفسير برهان مجلد ٢ صفحه ٣١١ حديث شماره ٦، آمده است:

عنه قال حدثنا جماعة من اصحابنا، قالوا: حدثنا محمد بن همام، قال: حدثنا جعفر بن محمد بن مالك الفزارى، قال: حدثني جعفر بن اسماعيل الهاشمي، قال: سمعت خالي محمد بن علي يرويه، عن عبدالرحمن بن حماد، عن عمر بن صالح بن السابري قال: سئلت ابا عبد الله ﷺ عن هذه الاية: ﴿أَضَلُّهَا ثَابِتٌ وَفَزَعُهَا فِي السَّمَاءِ﴾ قال: اصلها رسول الله ﷺ و فرعها امير المؤمنين ﷺ و الحسن و الحسين ﷺ ثمرها وتسعة من ولد الحسين اغصانها و الشيعة ورقها. والله، ان الرجل منهم ليموت فتسقط ورقة من تلك الشجرة. قلت قوله تعالى: ﴿تُؤْتِي أَكْلَهَا كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّهَا﴾ قال: ما يخرج من علم الامام اليكم في كل سنة من حج و عمرة.

آیة ہشتاد و پنجم

● ہر کس امام زمان علیہ السلام را دوست بدارد و از ایشان تبعیت کند، از رسول خدا صلی اللہ علیہ وسلم است.

خداوند در سورہ ابراہیم آیہ ۳۶، می فرماید:

﴿فَمَنْ تَبِعَنِي فَإِنَّهُ مِنِّي وَ مَنْ عَصَانِي فَإِنَّكَ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾

پس ہر کس از من تبعیت و پیروی نماید (منی) از من است و ہر کس کہ عصیان می کند، تو آمرزنده و رحیم هستی.

(۱) در تفسیر عیاشی مجلد ۲ صفحہ ۲۳۱، آمدہ است:

فی تفسیر العیاشی عن ابی عبیدہ عن ابی عبد اللہ علیہ السلام قال: من احبنا فهو منا اهل البيت فقلت: جعلت فداك منكم؟ قال: منا والله، اما سمعت قول الله و هو قول ابراهيم علیہ السلام: ﴿فَمَنْ تَبِعَنِي فَإِنَّهُ مِنِّي﴾.

از ابی عبیدہ از امام صادق علیہ السلام روایت شدہ کہ فرمود: ہر کہ ما را دوست بدارد، او از ما اهل بیت است. پرسیدم: فدایت شوم، آیا از شما است؟ فرمود: بہ خدا قسم از ما است، مگر کلام خدای را نشنیدہ ای کہ از ابراہیم علیہ السلام حکایت می کند کہ فرمود: ﴿فَمَنْ تَبِعَنِي فَإِنَّهُ مِنِّي﴾، ہر کس از من تبعیت کند او از من است.

(۲) در تفسیر عیاشی مجلد ۲ صفحہ ۲۳۱، آمدہ است:

وفی العیاشی ایضا عن محمد الحلبي عن ابی عبد اللہ علیہ السلام قال: من اتقى الله منكم واصلح فهو منا اهل البيت قال: منكم اهل البيت. قال: منا اهل البيت؟ قال فيها ابراهيم: ﴿فَمَنْ تَبِعَنِي فَإِنَّهُ مِنِّي﴾. قال عمرو بن يزيد: قلت له: من آل محمد صلی اللہ علیہ وسلم؟ قال: ای والله من آل محمد صلی اللہ علیہ وسلم، ای والله من انفسهم، اما تسمع قول الله تعالى: ﴿إِنَّ أَوْلَى النَّاسِ بِإِبْرَاهِيمَ لِلَّذِينَ اتَّبَعُوهُ﴾ و قول ابراهيم علیہ السلام: ﴿فَمَنْ تَبِعَنِي فَإِنَّهُ مِنِّي﴾.

از محمد حلبی از امام صادق علیہ السلام روایت شدہ کہ فرمود: ہر کدام از شما از خدا

بترسد و عمل صالح انجام دهد او از ما اهل بیت است، راوی پرسید: از شما اهل بیت است؟ فرمود: آری، از ما اهل بیت است که ابراهیم علیه السلام در این باره فرموده است: ﴿فَمَنْ تَبِعَنِي فَإِنَّهُ مِنِّي﴾. عمر بن یزید پرسید: آیا چنین کسی از آل محمد صلی الله علیه و آله است؟ فرمود: آری به خدا سوگند از آل محمد صلی الله علیه و آله است، آری به خدا قسم از خود آل محمد صلی الله علیه و آله است، مگر نشنیده‌ای کلام خدا را که فرموده: ﴿إِنَّ أَوْلَى النَّاسِ بِإِبْرَاهِيمَ لَلَّذِينَ اتَّبَعُوهُ﴾، نزدیک‌ترین مردم به ابراهیم آن‌ها هستند که وی را متابعت می‌کنند.

(۳) در تفسیر عیاشی مجلد ۲ صفحه ۲۳۱، آمده است:

عن مالک بن عطیه، عن ابی حمزه قال: دخل سعد بن عبد الملك وکان ابو جعفر علیه السلام سمیه الخیر و هو من ولد عبدالعزیز بن مروان علی ابن ابی جعفر علیه السلام فبینا ینشج کما ینشج السناء قال: فقال له ابو جعفر علیه السلام: ما یبکیک یا سعد؟ قال: و کیف لا ابکی و انا من الشجرة الملعونة فی القرآن، فقال له: لست منهم، انت اموی منا اهل البیت، اما سمعت قول الله عزوجل یحکی عن ابراهیم: ﴿فَمَنْ تَبِعَنِي فَإِنَّهُ مِنِّي﴾.

مالک بن عطیه از ابی حمزه نقل می‌کند که گفت سعد بن عبد الملك که امام باقر علیه السلام وی را سعد الخیر می‌نامید و از فرزندان عبدالعزیز بن مروان بود، به محضر امام باقر علیه السلام شرفیاب شد در حالی که مانند زنان گریه می‌کرد. امام علیه السلام به او فرمود: چه چیز باعث گریه کردن تو شده؟ گفت: چگونه نگریم حال آن‌که من از شجره ملعونه که در قرآن عنوان شده، می‌باشم. حضرت فرمودند: تو از آن‌ها نیستی، تو اموی هستی که از اهل بیت می‌باشی. آیا کلام خدا را که از ابراهیم علیه السلام حکایت می‌کند نشنیده‌ای که: ﴿فَمَنْ تَبِعَنِي فَإِنَّهُ مِنِّي﴾.

آیه هشتاد و ششم

● ظهور امام زمان (عج) آغاز وعده انبیاء الهی است.

خداوند در سوره ابراهیم آیه ۴۴، می فرماید:

﴿وَأَنْذِرِ النَّاسَ يَوْمَ يَأْتِيهِمُ الْعَذَابُ فَيَقُولُ الَّذِينَ ظَلَمُوا رَبَّنَا أَخِّرْنَا إِلَىٰ أَجَلٍ قَرِيبٍ نُّجِبْ دَعْوَتَكَ وَتَتَّبِعِ الرَّسُولَ أَوْ لَمْ تَكُونُوا أَقْسَمْتُمْ مِّنْ قَبْلُ مَا لَكُمْ مِّنْ زَوَالٍ﴾

بترسان مردم را از روزی که عذاب فرا می رسد و آگاهشان ساز که ستمکاران خواهند گفت: پروردگارا، به تأخیر افکن تا دعوت تو را اجابت کنیم و پیرو رسولان تو شویم. به آن ها گفته شود آیا شما بارها سوگند یاد نمی کردید که ما را ابداً زوال و هلاکت نخواهد بود؟

(۱) در روضه کافی مجلد ۲ صفحه ۱۶۶ حدیث ۵۰۶، آمده است:

محمد بن یحیی، عن احمد بن محمد، عن محمد بن سنان، عن ابی الصباح ابن عبد الحمید، عن محمد بن مسلم، عن ابی جعفر علیه السلام قال: والله للذی صنعہ الحسن بن علی علیه السلام کان خیر لهذه الامة مما طلعت علیه الشمس والله لقد نزلت هذه الایة: ﴿أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ قِيلَ لَهُمْ كُفُّوا أَيْدِيَكُمْ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ﴾ انما هی طاعة الامام و طلبوا القتال فلما كتب عليهم القتال مع الحسين علیه السلام قالوا: ربنا لم کتبت، علينا القتال لولا اخرتنا الیه اجل قریب نجب دعوتک و نتبع الرسول ارادوا تاخیر ذلك الی القائم علیه السلام.

محمد بن مسلم از امام باقر علیه السلام روایت کرده که فرمود: به خدا سوگند آن کاری که حسن بن علی علیه السلام کرد (از صلح با معاویه، سودش)، برای این امت بهتر بود از آنچه خورشید بر آن بتابد. به خدا سوگند این آیه که نازل شده «آیا ندیدی آن کسانی را که به

آن‌ها گفته شده بود دست (از جنگ) بردارید) و نماز را به پا دارید و زکات بدهید.» مقصود از آن‌ها تنها اطاعت و فرمانبرداری از امام است ولی (در مورد امام حسن علیه السلام که مردم را به صلح و سازش دعوت کرد، بر آن‌ها گوش نداده و) طالب جنگ شدند و چون در مورد امام حسین علیه السلام (در زمان آن حضرت) جنگ بر آن‌ها مقرر شد، گفتند: «پروردگارا، چرا پیکار و جنگ را بر ما مقرر داشتی؟ چرا ما را تا مدتی نزدیک مهلت ندادی تا دعوت را بپذیریم و از رسولان پیروی کنیم...» و مقصودشان تأخیر آن تا زمان ظهور حضرت قائم علیه السلام است.

(۲) در تفسیر عیاشی مجلد ۱ صفحه ۲۵۸، آمده است:

العیاشی باسناده عن محمد بن مسلم، عن ابي جعفر علیه السلام قال: والله الذي صنعه الحسن بن علي علیه السلام كان خيراً بهذه الامة مما طلعت عليه الشمس، والله فيه نزلت هذه الاية: ﴿الْم تَر إِلَى الَّذِينَ قِيلَ لَهُمْ كُفُّوا أَيْدِيَكُمْ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ﴾ انما هي طاعة الامام فطلبوا القتال، فلما كتب عليهم القتال مع الحسين علیه السلام قالوا: «ربنا لم كتبت علينا القتال لولا اخرتنا الى اجل قريب» و قوله: «ربنا اخرنا الى اجل قريب نجب دعوتك و نتبع الرسل» ارادوا تاخير ذلك الى القائم علیه السلام.

عیاشی به سند خود از محمد بن مسلم از حضرت ابو جعفر امام باقر علیه السلام آورده که آن جناب فرمود: به خدا سوگند آن‌چه را حسن بن علی علیه السلام انجام داد، از آن‌چه خورشید بر آن طلوع کرده (یعنی از همه دنیا) برای این امت بهتر بود. به خدا قسم درباره او این آیه نازل شد: «آیا نمی‌نگری کسانی را که به ایشان گفته شده از جنگ، به طور موقت، دست نگه دارید و به وظیفه اقامه نماز و زکات پردازید.»، همانا این اطاعت از امام است و آن‌ها اصرار داشتند که فرمان جنگ به آنان داده شود، پس، چون قتال در راه خدا در رکاب امام حسین علیه السلام برایشان نوشته و فرض شد گفتند: «پروردگارا تا اجلی نزدیک ما را به تأخیر انداز تا دعوت تو را اجابت کنیم و از رسولان پیروی نمائیم.»، منظورشان به

تأخیر افتادن آن حکم تا هنگام قیام حضرت قائم علیه السلام است.

عزیزانی که این کتاب را مطالعه می فرمایید، بدانید یکی از موفقیت‌هایی که خداوند به مردم عصر ما عنایت فرموده این است که ما در عصر مهدویت، عصر امامت حضرت بقیة الله الاعظم (عج) متولد شده‌ایم و تحت توجهات این امام عزیز قرار داریم. خوشا به حال کسانی که در این عصر توجهات خاصه امام زمان (عج) را به خود جلب می‌کنند و خوشا به حال کسانی که خدمت این بزرگوار می‌رسند و خوشا به حال کسانی که در عصر ظهور زنده هستند. انشاء الله این توفیقات خاصه نصیب همه ما بشود، آمین.

آیه هشتاد و هفتم

● یکی از خانه‌های (مساکن) امام زمان (عج) پشت مسجد سهله است.

خداوند در سوره ابراهیم آیه ۴۵، می‌فرماید:

﴿وَسَكَنْتُمْ فِي مَسَاكِنِ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ﴾

و در منازل و مساکن ظالمان و ستمگران (پیش از خودتان) مسکن و منزل گزیدید.

* در تفسیر عیاشی، مجلد ۲ صفحه ۲۳۵، آمده است:

العیاشی باسناده عن سعد بن عمر، عن غیر واحدٍ ممّن حضر ابا عبد الله عليه السلام، و رجلٌ يقول قد ثبت دار صالح و دار عیسی بن علی ذکر دور العباسیین، فقال رجل: اراها الله خراباً او خربها بایدینا، فقال له ابو عبد الله عليه السلام: لا تقل هكذا، بل یكون مساکن القائم و اصحابه؛ اما سمعت الله عزوجل يقول: ﴿وَسَكَنْتُمْ فِي مَسَاكِنِ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ﴾.

عیاشی به سند خود از سعد بن عمر، از چند نفر از کسانی که در محضر امام ابو عبد الله جعفر صادق عليه السلام شرفیاب بوده‌اند روایت کرده که مردی در آن مجلس (با تأسف) می‌گفت: خانه صالح و عیسی بن علی بر جای مانده - و از خانه‌های عباسیان یاد کرد - مردی دیگر گفت: خداوند آن خانه‌ها را در حال خرابی به ما بنمایاند یا آن‌ها را به دست ما خراب کند. حضرت ابو عبد الله صادق عليه السلام به او فرمود: چنین سخنی مگوی، بلکه این‌ها مساکن حضرت قائم (عج) و اصحابش خواهد شد؛ آیا نشنیده‌ای که خدای عزوجل می‌فرماید: «و در منازل و مساکن ستمگران پیش از خودتان مسکن گرفتید»؟ منظور از این منازل، منزلهایی است که شخصی نیست و متعلق به عموم است. مثل کاخ‌ها و منازلی که حکام جائز از آن‌ها استفاده می‌کنند. بعد از ظهور امام عصر (عج)، این منازل در اختیار امام زمان و اصحابش قرار خواهد گرفت که از این‌ها بهترین استفاده را خواهند کرد.

آیه هشتاد و هشتم

● امام زمان (عج) مکر بنی العباس و همه طاغوتیان را خنثی می کند.

خداند در سوره ابراهیم آیه ۴۶، می فرماید:

﴿وَإِنْ كَانَ مَكْرَهُمْ لِتَزُولَ مِنْهُ الْجِبَالُ﴾

هر چند که با فکر خود کوه ها را از جای برکنند.

(۱) در تفسیر عیاشی مجلد ۲ صفحه ۲۳۵، آمده است:

العیاشی باسناده عن جمیل بن دراج، قال: سمعت ابا عبد الله علیه السلام يقول: ﴿وَإِنْ كَانَ

مَكْرَهُمْ لِتَزُولَ مِنْهُ الْجِبَالُ﴾ و ان مکر بنی العباس بالقائم علیه السلام لتزول منه قلوب الرجال.

عیاشی به سند خود از جمیل بن دراج آورده که گفت: شنیدم حضرت ابو عبدالله،

امام صادق علیه السلام می فرمود: «هر چند که با مکر خود کوه ها را از جای برکنند» و به درستی

که از مکر بنی العباس نسبت به قائم علیه السلام، دل های مردان از جای کنده می شود.

(۲) در تفسیر عیاشی مجلد ۲ صفحه ۲۳۵، آمده است:

الشیخ فی مجالسه قال: اخبرنا الحسين بن ابراهیم القزوینی قال: اخبرنا [حدثنا]

ابو عبدالله محمد بن وهبان قال: حدثنا ابوالقاسم علی بن حبشی قال: حدثنا ابوالفضل

العباس بن محمد بن الحسين قال: حدثنا ابی قال: حدثنا صفوان بن یحیی، عن الحسين بن

ابی غندر، عن ابی بصیر قال: سمعت ابا عبد الله علیه السلام يقول: اتقوا الله و علیکم بالطاعة لائمتکم،

قولوا ما یقولون و اصمتوا عما صمتوا، فانکم فی سلطان من قال الله تعالی: ﴿وَإِنْ كَانَ

مَكْرَهُمْ لِتَزُولَ مِنْهُ الْجِبَالُ﴾ (یعنی بذک ولد العباس) فاتقوا الله فانکم فی هدنة [هذه]

صلوا فی عشایرهم و اشهدوا جنازتهم و ادوا الامانة الیهم و علیکم بحج هذا البیت فادمنوه،

فان فی ادمانکم الحج دفع مکاره الدنيا عنکم و احوال یوم القیامة.

شیخ طوسی رحمته الله در مجالس خود گوید: حسین بن ابراهیم قزوینی ما را خبر داد،

گفت: ابو عبدالله محمد بن وهبان خبرمان [حدیثمان] داد، گفت: ابوالقاسم علی بن

حبشی حدیثمان داد، وی گفت: ابوالفضل عباس بن محمد بن الحسین حدیثمان داد، وی گفت: پدرم برایمان حدیث آورد، گفت: صفوان بن یحیی، از حسن بن ابی غندر، از ابوبصیر حدیثمان داد، گفت: شنیدم حضرت ابو عبدالله صادق علیه السلام می فرمود: تقوا پیشه کنید [و از عذاب خداوند پرهیزید] و بر شما باد اطاعت و فرمانبرداری از امامانتان، آنچه می گویند شما نیز همان را بگویید و از آنچه لب بستند خاموش بمانید، زیرا شما [امروزه] تحت تسلط کسانی هستید که خدای تعالی فرموده: «هر چند کوه‌ها را با مکر خود از جای برکنند» (منظور آن حضرت «بنی العباس» می باشد). پس تقوا و خدا ترسی پیشه سازید که شما در حال هُذنه [تقیه و احتیاط] هستید. در اجتماعات آنها (مخالفین) نماز بگذارید و در مراسم [تشییع و تدفین] جنازه‌هایشان شرکت کنید و امانت را به ایشان ادا نمایید. بر شما باد که حج این خانه را انجام دهید و صحنه‌های هول انگیز روز قیامت از شما خواهد بود.

این حدیث برنامه‌هایی از زمان غیبت را مطرح می‌کند که منتظرین واقعی به وسیله آن می‌توانند چنین خودسازی نمایند.

آیه هشتاد و نهم

● ظهور قائم آل محمد علیه السلام «یوم الوقت المعلوم» است و شیطان به دست ایشان گردن زده می شود.

خداوند در سوره الحجر آیه ۳۶ تا ۳۸، می فرماید:

﴿قَالَ رَبِّ فَأَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمٍ يُبْعَثُونَ ۝ قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ ۝ إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ﴾

(این آیه درباره رانده شدن شیطان از درگاه الهی است، پس از اینکه شیطان از درگاه الهی رانده می شود می گوید) پروردگارا به من مهلت بده تا روز مبعوث شدن. (خداوند در جواب می فرماید) همانا تو را مهلت دادم و تو از مهلت داده شدگانی تا (یوم الوقت المعلوم) روز وقت معلوم.

پس به شیطان تا روز وقت معلوم مهلت داده شده است، حال سؤال می شود این روز، چه روزی است؟

(۱) در کتاب دلائل الامامه صفحه ۲۴۰، آمده است:

ابو جعفر جریر الطبری قال: اخبرني ابو الحسن علي العلوي قال: حدثنا المظفر بن جعفر بن المظفر العلوي قال: حدثنا جعفر بن محمد بن مسعود عن ابيه، عن علي بن الحسن بن فضال قال: حدثني (ثنا) العباس بن عامر عن وهب بن جميع، مولى اسحاق بن عمّار، قال: سألت أبا عبد الله عليه السلام عن ابلّيس قوله ﴿قَالَ رَبِّ فَأَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمٍ يُبْعَثُونَ ۝ قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ ۝ إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ﴾ ای یوم هو؟ [قال یا وهب] اتحسب انه یوم یبعث الله تعالی الناس؟ [لا] ولكن الله عزوجل انظره الی یوم یبعث الله عزوجل قائمنا. فاذا بعث الله عزوجل قائمنا فیاخذ بناصیة و یضرب عنقه فذلک یوم الوقت المعلوم.

ابو جعفر محمد بن جریر طبری، مفسر و محدث و مورخ بزرگ اهل سنت، چنین نقل می کند: خبر داد به من ابو الحسن علی و خبر داد به او ابو جعفر... خبر داد وهب بن

جمیع آزاد شده اسحاق بن عمّار که گفت: از حضرت صادق علیه السلام درباره گفته ابلیس که گفت: «پروردگارا، به من مهلت بده تا روزی که خلائق برانگیخته می شوند.»، خداوند فرمود: «البته تو از مهلت داده شدگانی تا به روز و هنگام معین و معلوم». پرسیدم که روز وقت معلوم چه روزی است؟ حضرت فرمودند: وقت معلوم روز قیام قائم آل محمد علیه السلام است. هرگاه خداوند قائم ما را برانگیزد، در مسجد کوفه، ابلیس می آید در حالی که بر زانوهایش راه می رود و می گوید: ای وای از این روزگار، آن گاه قائم آل محمد (عج) از پیشانی می گیرد و گردنش را می زند، آن هنگام روز وقت معلوم است که مدت او به پایان می رسد (و شیطان به دست قائم آل محمد (عج) کشته می شود).
(۲) محمد بن ابراهیم الحموینی شافعی در کتاب فرائد السمطین مجلد ۲، می گوید:

عن حسن بن خالد قال: قال علی بن موسی الرضا علیه السلام: «إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ» وَ هُوَ يَوْمُ خُرُوجِ قَائِمِنَا. فَقِيلَ لَهُ: يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ وَ مِنْ الْقَائِمِ مِنْكُمْ أَهْلُ الْبَيْتِ؟ قَالَ: الرَّابِعُ مِنْ وَلَدِي ابْنِ سَيِّدَةِ الْأَمَاءِ، يَطْهَرُ اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ مِنْ كُلِّ جُورٍ وَ يَقْدِسُهَا مِنْ كُلِّ جَرْمٍ وَ ظَلَمٍ.

دانشمند شافعی محمد بن ابراهیم الحموینی به اسناد مذکورش از حسن بن خالد روایت می کند که فرمودند: علی بن موسی الرضا علیه السلام در ضمن حدیثی درباره «إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ»، که روز وقت معلوم چه روزی است، فرمودند: آن روز، روز قیام قائم ما است. آن گاه از آن حضرت پرسیدند: یا بن رسول الله، قائم شما اهل بیت کیست؟ حضرت علیه السلام فرمودند: او چهارمین نفر از اولاد من و فرزند سرور کنیزان (عالم) می باشد، خداوند توسط او زمین را از هر جور و ستمی پاک می کند و از هر جرم و ظلمی منزه می سازد.

البته ما در مبحث رجعت روایاتی داریم که شیطان به وسیله رسول خدا صلی الله علیه و آله به قتل می رسد. این روایات با هم تناقض ندارد، زیرا در زمان رجعت، شیطان هم رجعت کرده و به دست رسول خدا صلی الله علیه و آله کشته می شود.

(۳) در کتاب تفسیر برهان مجلد ۲ صفحه ۳۴۳ حدیث شماره ۶، آمده است:

عن وهب بن جميع موسى اسحاق بن عمّار قال: سئلت ابا عبد الله عليه السلام عن قول ابليس: ﴿ رَبِّ فَأَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمٍ يُبْعَثُونَ ﴾ قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ ﴿ إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ ﴾، قال له وهب: جعلت فداك، ای يوم هو؟ قال: يا وهب، اتحسب انه يوم يبعث الله فيه الناس ان الله انظره الى يوم يبعث فيه قائمنا فاذا بعث الله قائمنا كان في مسجد الكوفة و جاء ابليس حتى يحبثو بين يديه على ركبتيه فيقول: ياويله. في هذا اليوم فياخذ بناصيته فيضرب عنقه فذلك اليوم الوقت المعلوم.

وهب می گوید: از حضرت صادق عليه السلام درباره این آیه سؤال کردم که ابليس می گوید: «پروردگارا به من مهلت بده تا روز برانگیخته شدن. خداوند می فرماید: تو از وقت داده شدگان هستی تا روز وقت معلوم.» وهب می گوید: آقای من، جانم فدای شما شود، این روز چه روزی است؟ حضرت فرمودند: ای وهب، می پنداری که آن روز، روز قیامت است که خداوند همه را برمی انگیزد؟ ای وهب بنگر و مواظب باش روزی را که قائم عليه السلام قیام می کند. در مسجد کوفه ابليس می آید در حالی که روی دو پای خود راه می رود، حضرت موهای جلوی سر او را می گیرد و گردنش را می زند؛ آن روز، روز قیامت وقت معلوم است (که شیطان به دست قائم آل محمد (عج) کشته می شود).

(۴) در کتاب تفسیر برهان مجلد ۲ صفحه ۳۴۳ حدیث شماره ۷، آمده است:

شرف الدين النجفي بحذف الاسناد مرفوعاً الى وهب بن جميع عن ابي عبد الله عليه السلام قال: سئلته عن ابليس و قوله: ﴿ قَالَ رَبِّ فَأَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمٍ يُبْعَثُونَ ﴾ قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ ﴿ إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ ﴾ ای يوم هو؟ قال: يا وهب، اتحسب انه يوم يبعث الله فيه الناس؟ ولكن الله عز وجل انظره ای يوم يبعث قائمنا فياخذ بناصيته و يضرب عنقه فذلك اليوم هو الوقت المعلوم.

آیه نودم

● امام زمان علیه السلام از متوسمین و از مطلعین اسرار الهی است.

خداوند در سوره حجر آیه ۷۵، می فرماید:

﴿إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِّلْمُتَوَسِّمِينَ﴾

به درستی که در این داستان نشانه‌هایی برای افراد فهیم و با فراست و مطلع از اسرار الهی است.

خداوند در این سوره، ابتدا داستان‌هایی از گذشته نقل می‌کند؛ داستانی از حضرت ابراهیم علیه السلام و حضرت لوط پیامبر آن‌گاه می فرماید:

به درستی که در این داستان‌ها نشانه‌هایی برای افراد فهیم و با فراست و مطلع از اسرار الهی است.

(۱) حاکم حسکانی حنفی در شواهد التنزیل صفحه ۲۸۳، در ذیل داستانی مفصل از حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام، چنین نقل می‌کند:

﴿إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِّلْمُتَوَسِّمِينَ﴾

رسول خدا صلی الله علیه و آله اولین متوسم و نخستین فرد با فراست و فهیم است و پس از ایشان متوسم و فهیم و با فراست من هستم و پس از من ائمه و امامان از فرزندان من می‌باشند.

(۲) حاکم حسکانی حنفی در شواهد التنزیل صفحات ۲۸۳ و ۲۸۴ چنین نقل می‌کند:

حاکم حسکانی گوید: ابونصر عیاشی گفت: ما را ابوالعباس پسر مغیره نقل حدیث کرد که (ابوالعباس گوید) نقل حدیث کرد ما را فضل شاذان از پسر ابی عمیر، از حماد، از خرم و ربیع، از محمد بن مسلم و از ابی جعفر امام محمد باقر علیه السلام در فرموده خداوند متعال: ﴿إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِّلْمُتَوَسِّمِينَ﴾ فرمود: (ایشان صاحبان فراست و فهم و اطلاع به اسرار الهی هستند.) و منظور از متوسمین، امامان و جانشینان رسول خدا صلی الله علیه و آله

هستند و رسول خدا ﷺ فرمودند: مواظب فراست مؤمن باشید که او به نور خداوند می‌نگرد (و می‌فهمد و فهیم است).

همان‌طوری که از آیه و احادیث مشخص می‌شود، منظور از متوسمین، حضرت رسول خدا ﷺ و حضرت امیرالمؤمنین علی ﷺ و امامان جانشین آن‌ها ﷺ هستند. در حال حاضر سمبل متوسمین و مطلع به اسرار الهی حضرت بقیة الله الاعظم (عج) می‌باشد که جانم فدایش شود (که ناقابل است).

(۳) در اختصاص صفحه ۳۰۲، آمده است:

عن ابی بکر بن محمد الحضرمی، عن ابی جعفر ﷺ قال: سمعته یقول: انه لیس من مخلوق الا بین عینیه مکتوب مؤمن او کافر، ذلک محجوب عنکم و لیس بمحجوب عن الائمة من آل محمد ﷺ، ثم لیس یدخل علیهم احد الا عرفوه مؤمن او کافر، ثم تلا هذه الایة: ﴿إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لآیَاتٍ لِّلْمُتَوَسِّمِينَ﴾ فهم المتوسمون.

از ابی بکر بن محمد حضرمی از امام باقر ﷺ روایت کرده که فرمود: هیچ مخلوقی نیست مگر آنکه بین دو چشمش نوشته شده «مؤمن» یا «کافر» این نوشته از شما پنهان است، ولی از نظر امامان از آل محمد ﷺ پنهان نیست، بنابراین هیچ‌کس بر ایشان وارد نمی‌شود، مگر آنکه از همان برخورد اول او را می‌شناسند که مؤمن است یا کافر. آن‌گاه این آیه را تلاوت فرمود: ﴿إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لآیَاتٍ لِّلْمُتَوَسِّمِينَ﴾، سپس فرمودند: مقصود از متوسمین همین نشاندارانند.

(۴) باز در کتاب اختصاص صفحه ۳۰۲، آمده است:

قال امیر المؤمنین ﷺ: ... فکان رسول الله ﷺ المتوسم، ثم انا من بعده و الائمة من ذریتی هم المتوسمون.

امیر المؤمنین ﷺ فرمود: متوسم رسول الله ﷺ، سپس من بعد از او هستم و همچنین امامان از ذریه من جزء متوسمون می‌باشند.

(۵) عبد الرحمن بن کثیر نقل می‌کند:

عن عبد الرحمن بن کثیر قال: حججت مع ابی عبد الله ﷺ فانی معه فی بعض الطريق اذ

صعد علی جبل فنظر الی الناس فقال: ما اکثر الضجیج؟ فقال: له داود بن کثیر الرقی: یا بن رسول الله، هل یتجیب الله دعا الجمیع الذی اری؟ فقال: ویحک یا ابا سلیمان، ان الله لا یغفران یشرک به ان الجاحد لولایه علی علیه السلام کعابد وثن، فقلت له: جعلت فداک، هل تعرضون محبیکم من مبغضیکم؟ فقال: ویحک یا ابا سلیمان، انه لیس من عبد یولد الا کتب بین عینیه مؤمن او کافر وان الرجل لیدخل الینا یتولانا و یتبرء من عدونا فیری مکتوبا بین عینیه مؤمن قال الله عزوجل: ﴿إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِّلْمُتَوَسِّمِينَ﴾ فنحن نعرف عددنا من ولینا.

از عبد الرحمن بن کثیر روایت شده که گفت: با امام صادق علیه السلام همسفر حج بودم. در مسیرهایی که با هم می رفتیم، امام کوهی را بالا، رفت و از آن بالا مشرف بر جمعیت، مشغول نظاره حجاج شد، آن گاه فرمود: چقدر ضجه و شیون کننده زیادند! در این بین، داود بن کثیر الرقی عرض کرد: ای پسر رسول خدا صلی الله علیه و آله، آیا خداوند دعای همه این مردم را که مشاهده می نمایید، مستجاب خواهد کرد؟ فرمود: وای بر تو ای ابا سلیمان، به تحقیق خداوند نمی بخشد گناه شرک را، هر کس منکر ولایت علی علیه السلام باشد، در حکم عابد مشرک است. عرض کردم: فدایت شوم، آیا دوستان خود را از دشمنانتان تشخیص می دهید؟ فرمود: وای بر تو ای ابا سلیمان، به تحقیق هیچ بنده ای متولد نمی شود مگر آن که بر پیشانی اش نوشته مؤمن یا کافر. هر کس در زمره ما و دوستان ما باشد و از دشمنان ما تبری جوید، دیده می شود که در پیشانی اش مؤمن نوشته شده، چنان که پروردگار می فرماید: ﴿إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِّلْمُتَوَسِّمِينَ﴾. آری، ما هستیم که دشمنانمان را از دوستانمان تشخیص می دهیم.

(۶) در اصول کافی مجلد ۱ صفحه ۲۱۸، آمده است:

عن محمد بن مسلم، عن ابي جعفر علیه السلام فی قوله الله عزوجل: ﴿إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِّلْمُتَوَسِّمِينَ﴾ قال: هم الاثمه علیهم السلام، قال رسول الله صلی الله علیه و آله: اتوا فراسه المؤمن فانه ينظر بنور الله عزوجل فی قول الله تعالی: ﴿إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِّلْمُتَوَسِّمِينَ﴾.

از محمد بن مسلم، از امام باقر علیه السلام در تفسیر کلام خدا: ﴿إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِّلْمُتَوَسِّمِينَ﴾ روایت می کند که فرمود: مقصود، امامان علیهم السلام می باشند. رسول خدا صلی الله علیه و آله

فرمودند: بهر اسید از هوشیاری و زیرکی مؤمن زیرا که او با نور خداوندی بر مسائل نظر می‌کند، همان‌طور که در کلام خدا آمده: ﴿إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِّلْمُتَوَسِّمِينَ﴾.

(۷) در اصول کافی مجلد ۱ صفحه ۲۱۸، آمده است:

عن يحيى بن ابراهيم قال: حدثني اسباط بن سالم قال: كنت عند ابي عبد الله، فدخل عليه رجل في اهل هيت، فقال له: اصلحك الله ما تقول في قول الله عز وجل: ﴿إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِّلْمُتَوَسِّمِينَ﴾؟ قال: نحن المتوسمون و السبيل فينا مقيم.

يحيى بن ابراهيم می‌گوید: اسباط بن سالم حدیث کرد که ما در محضر امام صادق علیه السلام بودیم. مردی از ساکنین «هیت» وارد شد و خطاب به حضرت گفت: شما درباره این کلام خدا: ﴿إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِّلْمُتَوَسِّمِينَ﴾ چه می‌فرمایید؟ فرمود: منظور از متوسمون ما ییم و البته راه ما پایدار خواهد بود.

(۸) در کتاب تفسیر برهان مجلد ۲ صفحه ۳۵۱، آمده است:

ابن الفارسی، فی روضة الواعظین قال الصادق علیه السلام اذا قام قائم آل محمد (عج) حکم بین الناس بحکم داود لا یحتاج الی بینة یلهمه تعالی فی حکم بعلمه و یخبر کل قوم بما استبطنوه و یرف ولیه من عدده بالتوسم قال الله تعالی ﴿إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِّلْمُتَوَسِّمِينَ﴾ و انها لسبیل مقیم.

حضرت صادق علیه السلام فرمودند: هنگامی که قائم آل محمد (عج) قیام نماید ما بین مردم حکم کند، مانند حکم کردن حضرت داود. او احتیاج ندارد تا برایش دلائلی از خارج محکمه بیاورند. ایشان به علم خودش برای همه اقوام حکم می‌کند. او دوست را از دشمن می‌شناسد، (حکم به باطن می‌کند) چنان‌که خداوند می‌فرماید: ﴿إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِّلْمُتَوَسِّمِينَ﴾.

آیه نود و یکم

● امام زمان علیه السلام «سبع مثنی و القرآن العظیم» است.

خداوند در سوره حجر آیه ۸۷، می فرماید:

﴿وَلَقَدْ آتَيْنَاكَ سَبْعًا مِّنَ الْمَثَانِي وَالْقُرْآنَ الْعَظِيمَ﴾

(ای پیامبر) و ما سبع مثنی و قرآن عظیم را بر تو فرستادیم.

(۱) در تفسیر عیاشی مجلد ۲ صفحه ۲۵۰ و تفسیر برهان مجلد ۲ صفحه ۳۵۴

حدیث ۸، آمده است:

عیاشی باسناده عن یونس بن عبدالرحمن، عن من رفعه قال: سالت ابا عبد الله علیه السلام عن قول الله تعالی: ﴿وَلَقَدْ آتَيْنَاكَ سَبْعًا مِّنَ الْمَثَانِي وَالْقُرْآنَ الْعَظِيمَ﴾ قال: ان ظاهرها الحمد و باطنها ولد الولد و السابع منها القائم علیه السلام.

عیاشی به سند خود از یونس بن عبدالرحمن، از کسی که آن را مرفوع نموده آورده است که گفت: از حضرت ابو عبدالله امام جعفر صادق علیه السلام درباره قول خداوند: «(ای پیامبر) و ما هفت آیت مثنی و قرآن عظیم را بر تو فرستادیم.» پرسیدم، فرمود: «ظاهر آن سوره حمد است و باطن آن فرزند فرزند و هفتمین آن‌ها حضرت قائم علیه السلام است.»

(۲) در تفسیر عیاشی مجلد ۲ صفحه ۲۵۰ و تفسیر برهان مجلد ۲ صفحه ۳۵۴

حدیث ۱۰، آمده است:

وعنه باسناده عن القاسم بن عروة، عن ابي جعفر علیه السلام فی قول الله عزوجل: ﴿وَلَقَدْ آتَيْنَاكَ سَبْعًا مِّنَ الْمَثَانِي وَالْقُرْآنَ الْعَظِيمَ﴾ قال: سبعة من الائمة [ائمة] و القائم علیه السلام.

و از اوست (عیاشی) به سند خود از قاسم بن عروة، از حضرت ابو جعفر باقر علیه السلام که درباره قول خدای عزوجل: «(ای پیامبر) و ما هفت آیه مثنی و قرآن عظیم را بر تو

فرستادیم.»، فرمود: هفت تن از امامان و قائم علیه السلام [که هفتمین آنها قائم علیه السلام است].
 (۳) در تفسیر عیاشی مجلد ۲ صفحه ۲۵۰ و تفسیر برهان مجلد ۲ صفحه ۳۵۴
 حدیث ۹، آمده است:

و عنه باسناده قال حسان العابد [عامری]: سألت ابا جعفر علیه السلام عن قول الله: ﴿وَلَقَدْ آتَيْنَاكَ
 سَبْعًا مِنَ الْمَثَانِي وَالْقُرْآنَ الْعَظِيمَ﴾ قال: ليس هكذا تنزِيلها. إنما هي ﴿وَلَقَدْ آتَيْنَاكَ
 سَبْعًا مِنَ الْمَثَانِي وَالْقُرْآنَ الْعَظِيمَ﴾، نحن هم ﴿وَلَقَدْ آتَيْنَاكَ الْعَظِيمَ﴾، ولد الولد.

و از اوست به سند خود آورده، گوید: حسان عابد [عامری] گفت: از حضرت
 ابو جعفر امام باقر علیه السلام راجع به قول خداوند: «(ای پیامبر) ما هفت آیت مثنی و قرآن
 عظیم را بر تو فرستادیم.» پرسیدم. فرمود: همانا تنزیل آیه چنین است: «و ما هفت آیه
 مثنی بر تو فرستادیم». ماییم آن مثنی؛ «و قرآن عظیم»، فرزند فرزند است.

همان طوری که از مجموعه احادیث بالا استنباط می شود، قرآن کریم یک تنزیل
 دارد و یک تأویل که تنزیلش برای عوام است.

(۴) در بحار الانوار مجلد ۹۲ صفحه ۱۰۳ حدیث ۷۸ و کتاب میزان الحکمة مجلد
 ۸ صفحه ۹۴، آمده است:

قال الصادق علیه السلام: كتاب الله عزوجل على اربعة اشياء على «العبارة» و «الاشارة» و
 «اللطف» و «الحقايق»؛ فالعبارة للعوام و الاشارة للخواص و اللطائف للاولياء و الحقايق
 للانباء.

حضرت صادق علیه السلام فرمودند: کتاب خداوند عزوجل بر چهار وجه نازل شده است؛
 بر «عبارات»، «اشارات»، «لطائف» و «حقایق»؛ عباراتش برای عوام است، اشاراتش
 برای خواص است، لطائفش برای اولیا است و حقایقش برای انبیا است.

حال سؤال می شود چه کسی می داند عبارات و اشارات و لطائف و حقایق قرآن
 چیست و کدامند؟ خود قرآن در سوره رعد آیه ۴۳، می فرماید:

﴿كَفَى بِاللَّهِ شَهِيداً بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ﴾ پس کسی می داند که «و من عنده علم الكتاب» باشد؛ یعنی، کسی که علم کتاب در نزد اوست.

حال سؤال می شود سبع مثانی و القرآن العظیم چیست؟

در تفسیر عیاشی و تفسیر برهان: ان ظاهرها الحمد ولد الولد و السابع منها القائم علیها.

فرزند فرزند هفتمین آنها قائم آل محمد است.

باز در تفسیر عیاشی و تفسیر برهان آمده است: لیس هكذا تنزیلها. انما هی و لقد آتیناک سبعاً المثانی نحن هم، و القرآن العظیم ولد الولد.

آیه نود و دوم

● حضرت رسول خدا ﷺ مأمور به معرفی امامان و حجة بن الحسن العسکری علیه السلام بودند.

خداوند در سوره حجر آیه ۹۲، می فرماید:

﴿فَوَرَبِّكَ لَنَسْأَلَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ ۝ عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ ۝ فَاصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ وَ
أَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ﴾

پس به پروردگارت سوگند هر آینه از همه ایشان سؤال و پرسش و بازخواست خواهی
کرد. از ایشان سؤال می شود، پس تو به پاخیز به آنچه که به تو دستور داده شده است.
در این آیات ابتدا خداوند می فرماید: از همه سؤال خواهد شد. سپس، به رسول
خدا ﷺ می فرماید: به آن چیزی که به تو دستور داده شده است قیام کن و انجام بده.

۱) حاکم حسکانی حنفی در شواهد التنزیل صفحات ۲۸۴ و ۲۸۵ می نویسد:
خبر داد ما را عقیل و عقیل می گوید خبر داد ما را علی و علی از محمد بن عبیدالله...
از سفیان و او از سدی درباره فرموده خداوند متعال: ﴿فَوَرَبِّكَ لَنَسْأَلَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ﴾
گفت: از ولایت علی علیه السلام (سؤال و بازخواست و پرسش خواهد شد) ﴿عَمَّا كَانُوا
يَعْمَلُونَ﴾ از ایشان درباره اعمالشان در دنیا و پیروی نکردن از دستور پیامبر صلی الله علیه و آله در
مورد ولایت علی علیه السلام و همچنین مخالفت با علی سؤال می گردد.

سپس خداوند فرمودند: ﴿فَاصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ﴾ پس به پاخیز به آنچه دستور داده
شده، سدی گوید: ابوصالح گفت: ابن عباس گوید: خداوند به پیامبرش دستور فرمود
که قرآن را آشکار فرماید و برتری های اهل بیتش را نیز، همان طور که قرآن را آشکار
می فرماید، ظاهر سازد.

حضرت مهدی حجة بن الحسن العسکری (عج) یکی از اهل بیت علیهم السلام است که
رسول خدا صلی الله علیه و آله بهترین تعریفها را درباره ایشان می فرماید و مقام و مرتبه و منزلت

ایشان را تذکر داده‌اند. این احادیث به وفور و به طور متواتر در کتب اهل سنت موجود است. مثلاً:

شیخ الاسلام حمیدی در «الجمع بین الصحیحین» و متقی هندی در کتاب «کنز العمال» و زمخشری در «ربیع الابرار» و امام احمد حنبل در «مسند» و شعرانی مصری شافعی در کتاب «الیواقیت و الجواهر» و ده‌ها کتاب دیگر نقل کرده‌اند:
قال رسول الله ﷺ: ... من مات و لم يعرف امام زمانه مات میتة الجاهلیة، میتة الکفر و النفاق.»

هر کس بمیرد و امام زمانش را نشناسد (مانند کسی است که در زمان جاهلیت مرده است و او در کفر و نفاق مرده است).

(۲) در فرائد السمطین نوشته شیخ الاسلام حموینی شافعی صفحه ۴۴۸ و ینایع المودة صفحه ۴۹۴ و کتاب الیقین، آمده است:

قال رسول الله ﷺ: انّ علیاً امام امتی من بعدی و من ولده القائم المنتظر.

رسول خدا ﷺ فرمودند: همانا بعد از من (یعنی بلافاصله بعد از من) علی علیه السلام امام خواهد بود و قائم منتظر (عج) از فرزندان اوست.

(۳) علی بن شهاب همدانی شافعی در کتاب مودة القربی باب ۵۶ مودة دهم صفحه ۲۵۸ و شیخ الاسلام الحموینی شافعی در کتاب فرائد السمطین مجلد ۲ صفحه ۳۱۳ حدیث ۵۶۴ آورده‌اند:

قال رسول الله ﷺ: انا سید المرسلین و علی بن ابی طالب سید الوصین و انّ اوصیاء لی بعدی اثنی عشر، اولهم علی بن ابی طالب و آخرهم القائم.

علی بن ابی طالب سید اوصیا است و همانا اوصیا بعد از من دوازده نفرند، اول آنها علی بن ابی طالب علیه السلام و آخر آنها قائم منتظر (عج) است.

(۴) در کتاب فرائد السمطین نوشته الحموینی شافعی، کتاب عرف الوردی فی اخبار المهدی نوشته حافظ جلال الدین عبدالرحمن سیوطی، کتاب البرهان فی علامات المهدی آخر الزمان نوشته علاء الدین متقی هندی و ینایع المودة باب ۷۸

صفحة ۴۴۸ نوشته حافظ قندوزی حنفی، آمده است:

من انکر خروج المهدی فقد کفر بما انزل علی محمد ﷺ.

رسول خدا ﷺ فرمودند: هر کس خروج مهدی (عج) را منکر شود، به تحقیق کافر

شده بر آنچه که بر رسول خدا ﷺ نازل شده است.

(۵) در صحیح ابی داود مجلد ۴ حدیث ۲۸۴ صفحه ۲۰۷، آمده است:

عن ام سلمه قالت: سمعتُ رسول الله ﷺ : يقول المهدی من عترتی من ولد فاطمه.

ام سلمه می گوید: شنیدم از رسول خدا ﷺ که آن حضرت فرمودند: مهدی از

عترت و از خانواده من است و او از اولاد فاطمه سلام الله علیها است.

به هر حال رسول خدا به مأموریتش درباره مهدی (عج) به نحو احسن عمل

فرمودند و خداوند ان شاء الله ما را هم به انجام وظایفمان یاری فرماید تا کوتاهی نکنیم و

امام زمان (عج) را به جهانیان بشناسانیم که از افضل اعمال است.

آیه نود و سوم

● قبل از قیام امام زمان (عج) جبرائیل فریاد می‌زند: «أَتَىٰ أَمْرًا لِلَّهِ فَلَا تَسْتَعْجِلُوهُ».

خداوند در سوره نحل آیه ۱، می‌فرماید:

﴿أَتَىٰ أَمْرٌ لِلَّهِ فَلَا تَسْتَعْجِلُوهُ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ﴾

امروز فرمان خداوند آمد. پس عجله و شتاب نکنید و آن را زور شمارید و منزه و پاک و برتر است او از آنچه به او شرک می‌ورزند.

(۱) ابو جعفر محمد بن جریر طبری، مفسر و محدث و مورخ بزرگ اهل سنت، در کتاب دلائل الامامه صفحه ۲۵۲، می‌گوید:

قال اخبرني ابوالمفضل محمد بن عبدالله قال: اخبرنا محمد بن همام... عن ابن ابان، عن ابیه، عن ابی عبدالله علیه السلام قال: اذا اراد الله قیام القائم علیه السلام بعث جبرائیل فی صورة طایر ایض فیضع احدی رجلیه علی الکعبه و الاخری علی بیت المقدس، ثم ینادی باعلیٰ صوته: ﴿أَتَىٰ أَمْرٌ لِلَّهِ فَلَا تَسْتَعْجِلُوهُ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ﴾ قال: فیحضر القائم علیه السلام فیصلی عند مقام ابراهیم علیه السلام رکعتین ثم ینصرف و حوالبه اصحابه و هم ثلاثمائة و ثلاثة عشر رجلاً ان فیهم لمن یسری من فراشه لیلاً فیخرج و معه الحجر فیلقیه فتعشب الارض.

ابو جعفر محمد بن جریر طبری می‌گوید: خبر داد ابوالمفضل محمد بن عبدالله گفت: محمد بن همام خبرمان داد گفت: جعفر بن محمد بن مالک، از علی بن یونس خزاز، از اسماعیل بن عمر بن ابان، از پدرش، از حضرت ابی عبدالله امام صادق علیه السلام که فرمودند: هرگاه خداوند اراده فرماید و بخواهد که قائم علیه السلام قیام کند، جبرئیل را به شکل پرنده سفیدی می‌فرستد. پس، او یک پای بر خانه کعبه و پای دیگر بر بیت المقدس می‌گذارد. سپس با صدای بلند بانگ می‌زند: ﴿أَتَىٰ أَمْرٌ لِلَّهِ فَلَا تَسْتَعْجِلُوهُ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ﴾ امر الهی آمد، پس آن را زور شمارید. حضرت صادق علیه السلام

فرمودند: پس حضرت قائم علیه السلام حاضر می شود و در مقام ابراهیم دو رکعت نماز می گذارد، سپس در حالی که در پیرامون ایشان اصحابش که ۳۱۳ نفر هستند، باشند. - به درستی که اصحاب او کسانی هستند که شبانه از رختخواب خود هجرت می کنند (طی الارض می نمایند) پس بیرون می روند. سنگی مخصوص است که چون آن را بیفکند از زمین گیاه می روید.

(۲) در کمال الدین و تمام النعمة مجلد ۲ صفحه ۳۸۷، آمده است:

حدثنا محمد بن الحسن بن احمد بن الوليد رحمة الله قال: حدثنا محمد بن الحسن الصفار عن يعقوب بن يزيد، عن محمد بن ابي عمر، عن ابان بن عثمان، عن ابان بن تغلب قال، قال ابو عبد الله عليه السلام: اول من يبائع القائم عليه السلام جبرئيل عليه السلام ينزل في صورة طير ابيض فيبايعه ثم يضع رجلاً على بيت الله الحرام و رجلاً على بيت المقدس، ثم ينادى بصوت ذلق تسمعه الخلائق: ﴿أَتَى أَمْرُ اللَّهِ فَلَا تَسْتَعْجِلُوهُ﴾.

امام ششم فرمود: نخستین کسی که با قائم علیه السلام بیعت کند جبرئیل باشد. به صورت پرنده سفیدی فرود آید و با او بیعت کند. سپس، یک پای خود را بر مسجد الحرام گذارد و پای دیگر را بر بیت المقدس و به آواز رسایی که همه مردم می شنوند، فریاد کند: ﴿أَتَى أَمْرُ اللَّهِ فَلَا تَسْتَعْجِلُوهُ سُبْحَانَهُ وَ تَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ﴾، امر خدا آمد در آن شتاب نکنید.

(۳) در غیبت نعمانی صفحه ۱۹۸ حدیث ۹، آمده است:

على بن احمد، عن عبید الله بن موسى العلوی، قال: حدثنا علی بن الحسن عن علی بن حسان، عن عبد الرحمن بن كثير، عن ابي عبد الله عليه السلام في قول الله عزوجل: ﴿أَتَى أَمْرُ اللَّهِ فَلَا تَسْتَعْجِلُوهُ سُبْحَانَهُ وَ تَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ﴾ قال: هو امرنا، امر الله عزوجل ان لا تستعجل به حتى يؤيده [الله] بثلاثة [اجناد]: الملائكة و المؤمنين و الرعب و خروجه عليه السلام كخروج رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم، و ذلك قوله تعالى: ﴿كَمَا أَخْرَجَكَ رَبُّكَ مِنْ بَيْتِكَ بِالْحَقِّ﴾.

(۴) در کتاب الغیبة صفحه ۱۹۸، آمده است:

و رواه العیاشی باسناده عن ابان بن تغلب، عن ابی عبدالله علیه السلام: انّ اول من بیاع القائم علیه السلام جبرائیل علیه السلام ينزل علیه فی صورة طیر ابيض فیبايعه و ساق الحدیث الی آخره.

عیاشی آن را روایت کرده به سند خود از ابان بن تغلب، از حضرت ابی عبدالله صادق علیه السلام که فرمودند: نخستین کسی که با قائم علیه السلام بیعت می کند جبرائیل علیه السلام است، به صورت پرنده سفیدی بر آن حضرت فرود می آید، پس با آن جناب بیعت می نماید، و حدیث را تا به آخر آورده است. آن گاه عیاشی در دنباله حدیث گفته: و در روایت دیگری از ابان از حضرت ابو جعفر باقر علیه السلام آمده است.

آیه نود و چهارم

● امام زمان علیه السلام از «علامات» است که به وسیله آن راهنمایی می‌شوند.

خداوند در سوره نحل آیه ۱۶، می‌فرماید:

﴿وَعَلَامَاتٍ وَبِالنَّجْمِ هُمْ يَهْتَدُونَ﴾

و ایشان (به وسیله) علامات و نشانه‌ها و (به وسیله) نجم و ستاره هدایت و راهنمایی می‌شوند.

(۱) در کتاب شواهد التنزیل صفحه ۲۸۶ حدیث ۴۵۴، آمده است:

حاکم حسکانی می‌گوید: فرات بن ابراهیم کوفی گفت: از حسین بن سعید، از هشام ابن یونس، از حیان بن سریر، از سالم، از ابان بن تغلب که ایشان گفت: به حضرت ابی جعفر محمد بن علی الباقر علیه السلام گفتم: (منظور خداوند از این آیه چیست؟) ﴿وَعَلَامَاتٍ وَبِالنَّجْمِ هُمْ يَهْتَدُونَ﴾، «و ایشان به وسیله علامات و نشانه‌ها و به وسیله نجم و ستاره هدایت و راهنمایی می‌شوند». حضرت فرمودند: در این آیه (منظور از نجم محمد صلی الله علیه و آله است و منظور از علامات و نشانه‌ها، جانشینان و خلفا (و امامان) آن حضرت می‌باشند.

پس طبق این حدیث منظور از «علامات»، امامان اثنی عشر و جانشینان آن حضرت هستند. در حال حاضر، وجود اقدس ولی عصر (عج) از علامات خداوندی است که مردم به وسیله آن راهنمایی می‌شوند، فیض خداوند به وسیله او به بشر می‌رسد و بشر به وسیله این علامات به سوی خداوند هدایت می‌گردد.

(۲) در اصول کافی مجلد ۱ صفحه ۲۹۶ باب «الائمة علیهم السلام هم العلامات...»، آمده

است:

الحسین بن محمد الاشعری، عن معلی بن محمد، عن ابی داوود المسترق قال: حدثنا

داوود الحصاص قال: سمعت ابا عبد الله عليه السلام يقول: «وَعَلَامَاتٍ وَبِالنَّجْمِ هُمْ يَهْتَدُونَ» قال: النجم رسول الله صلى الله عليه وآله والعلامات هم الائمة عليهم السلام.

داوود حصاص گوید: از امام صادق عليه السلام راجع به آیه ۱۶ از سوره نحل: «وعلاماتی گذاشت و به وسیله ستاره هدایت شوند.» پرسیدم. فرمود: ستاره رسول خدا صلى الله عليه وآله است و علامات ائمه عليهم السلام می باشند.

(۳) در اصول کافی مجلد ۱ صفحه ۲۹۶ حدیث ۲ باب «الائمة عليهم السلام هم العلامات...»، آمده است:

الحسین بن محمد، عن معلى بن محمد، عن الوشاء، عن اسباط بن سالم قال: سأل الهيثم ابا عبد الله عليه السلام وانا عنده عن قول الله عزوجل: «وَعَلَامَاتٍ وَبِالنَّجْمِ هُمْ يَهْتَدُونَ» فقال عليه السلام: رسول الله صلى الله عليه وآله النجم والعلامات هم الائمة عليهم السلام.

هیثم از امام صادق عليه السلام راجع به قول خدای عزوجل: «وعلاماتی گذاشت و به وسیله ستاره هدایت شوند.» پرسیدم. امام عليه السلام فرمودند: رسول خدا صلى الله عليه وآله ستاره است و ائمه عليهم السلام علامتند.

(۴) در منتخب الاثر باب ۸ صفحه ۱۰۰ حدیث ۳، آمده است:

كفاية الاثر، محمد بن عبد الله بن المطلب و احمد بن محمد بن عبيد الله بن الحسن بن عياش الجوهري، عن محمد بن لاحق اليماني، عن ادريس بن زياد السبيعي، عن اسرائيل بن يونس بن ابي اسحق السبيعي، عن جعفر بن زبير، عن القاسم بن سليمان، عن سلمان الفارسي قال: خطبنا رسول الله صلى الله عليه وآله فقال: معاشر الناس، اني راحل عنكم عن قريب و منطلق الى المغيب اوصيكم في عترتي خيراً و اياكم و البدع فان كل بدعة ضلالة و كل ضلالة و اهلها في النار. معاشر الناس، من افتقد الشمس فليتمسك بالقمر و من افتقد القمر فليتمسك بالفرقدين و من افتقد الفرقدين فليتمسك (فاذا فقدتم الفرقدين فتمسكوا نخ) بالنجوم الزاهرة بعدى اقول قولي هذا و استغفر الله لي و لكم قال فلما نزل عن منبره (المنبر نخ) تبعته حتى دخل بيت عايشة. فدخلت عليه و قلت: بابي انت و امي يا رسول الله، سمعتك

تقول إذا افتقدتم الشمس فتمسکوا بالقمر و إذا افتقدتم القمر فتمسکوا بالفرقدين و اذا افتقدتم الفرقدين فتمسکوا بالزاهرة فما الشمس و ما القمر و ما الفرقدان و ما النجوم الزاهرة فقال اما الشمس فانا و اما القمر فعلى عليه السلام و اذا افتقدتمونى فتمسکوا به بعدى و اما الفرقدان فالحسن و الحسين عليهما السلام فاذا افتقدتم القمر فتمسکوا بهما و اما النجوم الزاهرة فالنخ (نخ) لائمة التسعة من صلب الحسين عليه السلام و التاسع مهدیهم ثم قال: انهم هم الاوصياء و الخلفاء بعدى ائمة ابرار عدد اسباط يعقوب عليه السلام و حواری عيسى عليه السلام. قلت: فسمهم لى يا رسول الله. قال: اولهم و سيدهم على بن ابى طالب عليه السلام و سبطاى (و نخ)، بعدهما زين العابدين على بن الحسين عليهما السلام و بعده محمد بن على باقر علم النبیین و الصادق جعفر بن محمد و ابنه الكاظم سمي موسى بن عمران و الذى يقتل بأرض خراسان (غربة ابنه نخ) على، ثم ابنه محمد و الصادقان على و الحسن و الحجة القائم المنتظر فى غيبته. فانهم عترتى من دمی و لحمى علمهم علمى و حكمهم حكمى من آذانى فيهم فلا اناله الله تعالى شفاعتى.

سلمان فارسى رضي الله عنه مى گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله در آخرین خطبه زندگیشان فرمودند: ای مردم، من به زودی از بین شما رحلت خواهم کرد. پس بشنوید و به هر کس که غایب است برسانید. من وصیت مى کنم شما را بر عترتم که آن ها برای شما خیر هستند و بپرهیزید از هر گونه بدعت که همه بدعت ها گمراهی است و همه گمراهی ها و اهل آن در آتش (جهنم) قرار خواهند گرفت.

سلمان رضي الله عنه مى گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله از منبر پایین آمدند و من با او آمدم. ایشان داخل خانه عایشه شدند، من هم با ایشان داخل شدم و به ایشان گفتم: یا رسول الله، پدر و مادرم فدای شما شود. من شنیدم که شما فرمودید: هنگامی که خورشید از بین شما رفت به ماه تمسک جوئید و هنگامی که ماه از بین شما رفت به فرقدين چنگ بزنید و هنگامی که فرقدين از بین شما رفت به بقیه ستاره ها چنگ بزنید، منظور از این ها چه بود؟ حضرت صلی الله علیه و آله فرمودند: اما خورشید من هستم و ماه «قمر» على عليه السلام است. زمانی که من از بین شما رفتم به او چنگ بزنید. بعد از من. اما، فرقدان حسن و حسین عليهما السلام

هستند، هنگامی که ماه رفت به آنها چنگ بزنید و اما ستاره‌های روشن، آنها اوصیا و خلفای بعد از من هستند. آنها امامان نیکوکار که تعدادشان به اندازه فرزندان یعقوب علیه السلام (دوازده پسر) و حواریون حضرت عیسی علیه السلام (دوازده حواری) هستند. گفتم: یا رسول الله، نام‌های آنها را بیان فرمایید. حضرت صلی الله علیه و آله فرمودند: اول آنها و آقای آنها علی بن ابی طالب علیه السلام است و بعد از او دو پسرش (حسن علیه السلام و حسین علیه السلام) هستند. بعد از این دو نفر، زین العابدین علی بن الحسین علیه السلام است و بعد از او محمد بن علی باقر علم النبیین است و بعد از او جعفر بن محمد صادق است و بعد از او فرزندش کاظم است که او را به اسم موسی بن عمران می خوانند و بعد از او پسر اوست که به نام علی است و در سرزمین خراسان او را به قتل می رسانند (در حال غربت). بعد از او پسرش محمد است. بعد از او علی (هادی) است. پس از او حسن (عسکری) است و بعد از او حجة قائم منتظر است که او غیبت دارد. اینها عترت و خانواده من هستند. آنها از خون من و از گوشت من هستند. علم آنها، علم من است. حکم آنها، حکم من است. هر کس اینها را بیازارد، شفاعت من شامل حالش نمی شود.

آیة نود و پنجم

● خروج سفیانی یکی از علامات ظهور است.

خداوند در سورة نحل آیة ۳۸، می فرماید:

﴿وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَا يَبْعَثُ اللَّهُ مَنْ يَمُوتُ بَلَىٰ وَعْدًا عَلَيْهِ حَقًّا
وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ﴾

و آنان با مبالغه و تاکید به خداوند سوگند یاد کنند که خداوند هرگز کسی را که بمیرد زنده نخواهد کرد. بلی البته وعده الهی حق است، ولیکن بیشتر مردمان نمی دانند.

(۱) ابوجعفر محمد بن جریر طبری (مفسر، محدث و مورخ بزرگ اهل سنت) در کتاب دلائل الامامه صفحه ۲۴۸، می گوید:

اخبرنی ابوالحسن علی بن عبدالله هبة الله قال: حدثنا ابوجعفر محمد بن جریر طبری عن فضیل بن یسار قال: قلت لأبی عبدالله: خرج السفیانی ما تأمرنی؟ قال: اذا كان ذلك كتبت اليك قلت: اعلمنی آیة کتابک (کیف اعلم انه کتابک) قال: اکتب اليک بعلامة كذا وكذا وقرأ آیة من القرآن. قال: فقلت لفضیل: ما تلك الآیة؟ قال: ما حدثت بها احداً غیر برید العجلی. قال زرارہ: انا احدثک بها هی: ﴿وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَا يَبْعَثُ اللَّهُ مَنْ يَمُوتُ بَلَىٰ وَعْدًا عَلَيْهِ حَقًّا﴾. قال: فسكت الفضیل ولم يقل لا ولا نعم.

ابوجعفر محمد بن جریر طبری گوید: ابوالحسن علی بن عبدالله هبة الله خبر کرد، گفت ابوجعفر محمد بن علی بن الحسین ابن موسی بابویه قمی خبر داد و گفت: پدرم از سعد بن عبدالله برای ما نقل کرد و او گفت: یعقوب بن یزید برایمان حدیث آورد گفت: محمد بن ابی عمیر، از عمر بن اذینه، از فضیل بن یسار گفت: به حضرت ابی عبدالله جعفر بن محمد الصادق علیه السلام گفتم چنانچه سفیانی خروج کند شما به من چه دستوری می دهید؟ حضرت علیه السلام فرمودند: هرگاه چنین شد، برای تو خواهم نوشت. عرض کردم: نشانه نامه خود را برایم بگویید (که من بدانم آن نامه از جانب شماست). حضرت علیه السلام

فرمودند: فلان علامت و فلان نشانه را برای تو خواهم نوشت و آن‌گاه حضرت آیه‌ای از قرآن خواندند. به فضیل گفتم: آن آیه چیست؟ گفت: آن را جز برید عجللی به هیچ‌کس دیگر نگفته‌ام، ولی زراره رضی الله عنه به من گفت: من برایت می‌گویم آن آیه کدام است. آیه ﴿وَ أَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَا يَبْعَثُ اللَّهُ مَنْ يَمُوتُ بَلَىٰ وَعْدًا عَلَيْهِ حَقًّا﴾ «و آنان با مبالغه و تأکید به خداوند سوگند یاد کنند که خداوند هرگز کسی را که بمیرد، پس از مرگ زنده، نخواهد کرد. بلی و البته وعده الهی حق است.» و فضیل ساکت ماند و آری و نه نگفت.

(۲) در کتاب روضه کافی صفحه ۵۰، آمده است:

محمد بن یعقوب بالسناده عن سهل، عن محمد، عن ابی بصیر قال: قلت لأبی عبد الله عليه السلام (قوله تبارک و تعالی): ﴿وَ أَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَا يَبْعَثُ اللَّهُ مَنْ يَمُوتُ بَلَىٰ وَعْدًا عَلَيْهِ حَقًّا وَ لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ﴾ قال: فقال لی: یا ابا بصیر، ما تقول فی هذه الآیة؟ قال: قلت: انّ المشرکین یزعمون و یحلفون لرسول الله صلى الله عليه وآله انّ الله لا یبعث الموتی. قال: فقال: تبأ لمن قال هذا [سهلهم] هل كان المشرکون یحلفون بالله ام باللات و العزی؟ قال قلت: جعلت فداک، فاوجدنیه، قال فقال: یا ابا بصیر، یوقد قام قائمنا بعث الله الیه قوماً من شیعتنا تباع سیوفهم علی عوا تقهم فیبلغ ذلك قوماً من شیعتنا لم یموتوا فیقولون بعث فلان و فلان من قبورهم مع القائم (عج)، فإی [ی] بلغ ذلك قوماً من عدونا، فیقولون: یا معشر الشیعة: ما اکذبکم؟ هذه دولتکم و انتم تقولون فیها الکذب، لا والله ما عاش هؤلاء ولا یعیشون الی یوم القيامة، قال: فحکی الله قولهم [فقال]: ﴿وَ أَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَا يَبْعَثُ اللَّهُ مَنْ يَمُوتُ﴾.

محمد بن یعقوب به سند خود از سهل، از محمد، از پدرش، از ابوبصیر روایت کرده که گفت: به حضرت ابو عبدالله صادق عليه السلام عرضه داشتم: اینکه خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید: «و آنان با مبالغه و تأکید به خداوند سوگند یاد کنند که خداوند هرگز کسی را که بمیرد زنده نخواهد کرد، بلی البته وعده الهی حق است ولیکن بیشتر مردمان نمی‌دانند.» منظور چیست؟ فرمود: ای ابوبصیر، در این باره چه می‌گویی (چه

می‌گویند؟ عرض کردم: مشرکین می‌پندارند و سوگند می‌خورند برای رسول اکرم ﷺ که خداوند هرگز مردگان را زنده نخواهد کرد. حضرت ﷺ فرمودند: مرگ بر کسی که چنین سخنی می‌گوید، از آن‌ها پیرس که آیا مشرکین به الله قسم می‌خورند یا به لات و عزی؟ ابوبصیر می‌گوید گفتم: فدایت شوم، پس برایم (معنی آیه را) بیان فرما. فرمود: ای ابوبصیر، هنگامی که قائم ما (عج) به پاخیزد، خداوند گروهی از شیعیان ما را برای او برانگیزد و زنده کند که گیره‌های شمشیرهایشان بر روی شانه‌هایشان است، چون این خبر به قومی از شیعیان ما که نمرده باشند، برسد، به یکدیگر گویند: فلان و فلان از قبرهایشان برانگیخته شدند و آن‌ها با قائم (عج) هستند. این سخن به گوش گروهی از دشمنان ما برسد، آن‌ها گویند: ای گروه شیعیان، چقدر دروغگو هستید! این دولت و حکومت شماست و شما دروغ می‌گویید! نه والله، این‌ها که شما می‌گویید زنده نشده و نخواهند شد تا روز قیامت، پس خداوند گفتار آن‌ها را حکایت کرده (می‌فرماید): «و آنان با مبالغه و تأکید به خداوند سوگند یاد کنند که خداوند هرگز کسی را که بمیرد، زنده نخواهد کرد.»

(۳) در کتاب تفسیر عیاشی مجلد ۲ صفحه ۲۵۹، آمده است:

و رواه العیاشی بالسناد عن ابی بصیر، عن ابی عبدالله ﷺ فی قوله: ﴿وَ أَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَا يَبْعَثُ اللَّهُ مَنْ يَمُوتُ﴾ قال: ما یقولون فیها؟ قلت: یزعمون انّ المشرکین کانوا یحلفون لرسول الله ﷺ انّ الله لا یبعث الموتی، قال: تبّا لمن قال: هذا ویلهم هل کان المشرکین یحلفون بالله ام باللات و العزی؟ قلت: جعلت فداک، فأوجدنیہ اعرفه، قال: لو قام قائمنا بعث الله الیه قوماً من شیعتنا قبایع سیوفهم علی عواتقهم ف [ی] بلغ ذلك قوما من شیعتنا لم یموتوا فیقولون بعث فلان و فلان من قبورهم مع القائم (عج)، فبلغ ذلك قوما من اعدائنا فیقولون: یا معشر الشیعة، ما اکذبکم؟ هذه دولتکم و انتم تکذبون فیها، لا والله، عاشوا و لا یعیشون، الی یوم القیامة، فحکی الله قولهم: ﴿وَ أَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ﴾.

عیاشی آن را به سند خود از ابوبصیر، از حضرت ابی عبدالله امام صادق ﷺ روایت کرده که درباره فرموده خداوند «و آنان با مبالغه و تأکید به خداوند سوگند یاد کنند که

خداوند هرگز کسی را که بمیرد زنده نخواهد کرد»، فرمودند: درباره آن چه می‌گویند؟ عرضه داشتم: می‌پندارند که مشرکین برای رسول خدا ﷺ سوگند یاد می‌کردند که خداوند مردگان را زنده نخواهد ساخت، (امام صادق علیه السلام) فرمودند: مرگ بر آنکه چنین بگوید. وای بر آن‌ها. آیا مشرکین به الله سوگند یاد می‌نمودند یا به «لات» و «عزی»؟ عرض کردم: فدایت گردم، پس آن را برایم روشن ساز تا بشناسم. فرمود: چون قائم (عج) به پاخیزد، خداوند قومی از شیعیانمان را برخواهد انگیخت که گیره‌های شمشیرهایشان بر روی شانه‌هایشان است، پس این خبر به گروهی از شیعیانمان که نمرده‌اند، می‌رسد تا به یکدیگر گویند: فلاتی و فلاتی از قبرهایشان برانگیخته شدند و ایشان با حضرت قائم (عج) هستند. چون این سخن به گوش گروهی از دشمنانمان برسد، آن‌ها گویند: ای گروه شیعیان، شما چقدر دروغگو هستید! این دولت و حکومت شماست و دروغ می‌گویند! نه والله، این‌ها که شما می‌گویید، زنده نشده و نخواهند شد تا روز قیامت. پس خداوند گفتار آن‌ها را حکایت فرموده که: «و آنان با مبالغه و تأکید به خداوند سوگند یاد کنند.»

(۴) در کتاب تفسیر عیاشی مجلد ۲ صفحه ۲۵۹، آمده است:

عنه بالسناد عن (ابی) عبدالله صالح بن میثم قال: سألت أبا جعفر علیه السلام عن قوله: «وله أسلم من في السموات و الارض طوعاً و كرها» قال: ذلك (حين يقول على علیه السلام: انا اولی الناس) بهذه الآية: «وَ أَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَا يَبْعَثُ اللَّهُ مَنْ يَمُوتُ بَلَىٰ وَ غَدَاً عَلَيْهِ حَقًّا [وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ] لِيُبَيِّنَ لَهُمُ الَّذِي يُخْتَلَفُونَ فِيهِ وَ لِيَعْلَمَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّهُمْ كَانُوا كَاذِبِينَ».

و از اوست که به سند خود از (ابو) عبدالله صالح بن میثم روایت کرده که گفت: از حضرت ابو جعفر امام محمد باقر علیه السلام درباره فرموده خداوند (متعال): «و حال آنکه هر که در آسمان‌ها و زمین است، خواه و ناخواه، تسلیم او شده است»، پرسیدم. فرمود: آن (هنگامی است که حضرت علی علیه السلام فرماید: من شایسته‌ترین افراد) به این آیه هستم: «و آنان با مبالغه و تأکید به خداوند سوگند یاد کنند که خداوند هرگز کسی را که بمیرد

زنده نخواهد کرد، بلی البتہ وعده الہی حق است [اما بیشتر مردمان نمی دانند] تا برایشان آنچه را که در آن اختلاف می کردند بیان سازد و کافران کاملاً به دروغگویی خودشان پی ببرند.

(۵) در کتاب تفسیر عیاشی مجلد ۲ صفحه ۲۵۹، آمده است:

عنه بالسناد عن سيرين قال: كنت عند ابي عبد الله عليه السلام اذ قال: ما يقول الناس في هذه الآية: ﴿وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَا يَنْبَغُ اللَّهُ مَنْ يَمُوتُ﴾؟ قال: يقولون لا قيامة ولا بعث ولا نشورا، فقال: كذبوا والله، انما ذلك اذا قام القائم (عج) وكرّ معه المكرون، فقال اهل خلافتكم: قد ظهرت دولتكم يا معشر الشيعة وهذا من كذبكم تقولون رجع فلان وفلان وفلان، لا والله لا يبعث الله من يموت، الا ترى انه قال (انهم قالوا): ﴿وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ﴾ كان المشركون اشدّ تعظيماً باللات والعزى من ان يُقسموا بغيرها، فقال الله عزوجل: ﴿بلى وعداً عليه حقاً و لكن أكثر الناس لا يعلمون ○ لبيّن لهم الذي يخلفون فيه و ليعلم الذين كفروا انهم كانوا كاذبين ○ انما قولنا لشيء إذا اردناه ان نقول له كن فيكون﴾.

و از اوست به سند خود از سيرين آورده که گفت: در محضر امام ابو عبد الله صادق عليه السلام شرفیاب بودم که آن جناب پرسید: مردم درباره این آیه: ﴿و آنان با مبالغه و تأکید به خداوند سوگند یاد کنند که خداوند هرگز کسی را که بمیرد زنده نخواهد کرد.﴾ چه می گویند؟ گفته شد: (یعنی اینکه کافران) می گویند: نه قیامتی هست و نه برانگیخته شدنی و نه نشری. فرمود: به خدا سوگند دروغ گویند. همانا این وقتی است که قائم (عج) به پاخیزد و آنان که اهل رجعت باشند، به خدمت آن حضرت بشتابند. مخالفان شما خواهند گفت: ای گروه شیعیان، دولت شما آشکار شد و این از دروغ های شماست که می گوید فلان و فلان و فلان باز گشته اند، نه قسم به خدا که خداوند کسی را که مُرد به این دنیا باز نخواهد آورد. آیا نمی نگری که او فرمود (آنان گفتند): ﴿و آنان با مبالغه و تأکید به خداوند سوگند یاد کنند.﴾ چون مشرکان بیشترین تعظیم و احترامشان به لات و عزى اختصاص داشت، بیش از اینکه به غیر آنها سوگند یاد کنند. پس،

خدای عزوجل فرمود: «بلی، البته وعده الهی حق است تا برای آنان بیان سازد آنچه را که در آن اختلاف می کنند، تا آنان که کفر ورزیده اند بدانند که دروغگو بوده اند؛ همانا ما به امر نافذمان هرگاه چیزی را اراده کنیم گوئیم موجود باش، همان لحظه موجود خواهد شد.»

(۶) در کتاب دلائل الامامة صفحه ۲۴۸، آمده است:

العیاشی بالسناده عن الفضیل قال: قلت لابی عبدالله علیه السلام: آیه کتابک؟ قال: اکتب بعلامه کذا و کذا و قرأ آیه من القرآن، قلت لفضیل: و ما تلك الآیه؟ قال: ما حدثت بها احداً غیر برید. قال زرارة: انا احدثک بها: ﴿وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَا يَبْعَثُ اللَّهُ مَنْ يَمُوتُ بَلَىٰ وَعْدًا عَلَيْهِ حَقًّا وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ﴾ قال: فسکت الفضیل ولم یقل لا ولا نعم.

عیاشی به سند خود از فضیل آورده که گفت: به حضرت ابی عبدالله علیه السلام عرضه داشتم: نشانی نامه تان چیست؟ فرمود: فلان علامت را خواهم نوشت و آیه ای از قرآن را خواند. راوی گوید: به فضیل گفتم: آن آیه چیست؟ گفت: آن را جز به برید نگفتم. زراره گفت: من برایت می گویم: «و آنان با مبالغه و تأکید به خداوند سوگند یاد کنند که خداوند هرگز کسی را که بمیرد زنده نخواهد کرد، بلی البته وعده الهی حق است، و لیکن بیشتر مردم نمی دانند.» فضیل ساکت ماند و هیچ پاسخ نداد.

آیه نود و ششم

● در حال حاضر امام زمان مصداق واقعی «اهل ذکر» است.

خداوند در سوره نحل آیه ۴۳، می فرماید:

﴿وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ إِلَّا رِجَالًا نُوْحِي إِلَيْهِمْ فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾

و ما قبل از تو هیچ مردانی را نفرستادیم مگر اینکه با آنان وحی می فرستادیم، پس از اهل ذکر سؤال کنید و بپرسید، اگر نمی دانید.

(۱) حافظ حسکانی در این زمینه در کتاب شواهد التنزیل از صفحه ۲۸۹ تا ۲۹۲ هشت روایت آورده که «اهل ذکر» ابنا و خلفا و امامان (امیرالمؤمنین و یازده فرزند ایشان از فاطمه زهرا علیها السلام که همه از ابناء رسول الله صلی الله علیه و آله می باشند) هستند؛ برای نمونه، روایت ۴۶۶ از صفحه ۲۹۲ را می آوریم:

حاکم حسکانی می گوید: خبرداد ما را ابوالعباس فرغانی از ابوالفضل شیبانی، از ابوزید محمدبن احمدبن سلام اسدی در مراغه، از سری بن خزیمه رازی، از منصوربن ابی مویره، از محمدبن مروان، از سدی از فضیل بن یسار، از ابی جعفر علیه السلام در مورد فرموده خداوند متعال: ﴿فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾ فرمود: منظور (از اهل ذکر) امامان از ذریه و عترت رسول خدا صلی الله علیه و آله هستند و آیه: ﴿أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَيْكَ الذِّكْرَ﴾ (سوره طلاق آیه ۱۰)، خداوند به سوی شما ذکر را فرستاد که رسول (محمد) باشد و اهل بیت علیهم السلام «اهل ذکر» می باشند، تلاوت فرمود.

مطابق آیه شریفه، در حال حاضر وجود اقدس امام زمان (عج) عظیم ترین مصداق «اهل ذکر» است.

(۲) در اصول کافی باب «ان اهل الذکر...» مجلد ۱ صفحه ۳۰۳ حدیث ۱، آمده است:

الحسین بن محمد، عن معلى بن محمد، عن الوشاء، عن عبدالله بن عجلان، عن ابی جعفر علیه السلام فی قول الله عزوجل: ﴿فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾ قال رسول الله صلی الله علیه و آله: الذکر انا و الأئمة اهل الذکر و قوله عزوجل: ﴿وَإِنَّهُ لَذِكْرٌ لَّكَ وَ لِقَوْمِكَ وَ لَسَوْفَ تُسْأَلُونَ﴾ قال ابو جعفر علیه السلام: نحن قومه و نحن المستولون.

امام باقر علیه السلام راجع به قول خدای عزوجل (سوره نحل آیه ۴۳): «اگر خودتان نمی دانید از اهل ذکر پرسید» از قول پیغمبر صلی الله علیه و آله می فرماید: مقصود از ذکر من هستم و امامان اهل ذکر می باشند و راجع به قول خدای عزوجل (سوره زحرف آیه ۴۴) «همانا قرآن برای تو و قوم تو ذکر است و به زودی از آن بازخواست می شوید.» خود امام فرمود: ماییم قوم او و ماییم بازخواست شدگان. (سؤال شوندگان) (۳) در اصول کافی مجلد ۱ باب «ان اهل الذکر الذین...» صفحه ۳۰۴ حدیث ۲، آمده است:

الحسین بن محمد، عن معلى بن محمد، عن محمد بن اورمة، عن علی بن حسان، عن عمه عبدالرحمن بن کثیر قال: قلت لابی عبدالله علیه السلام: ﴿فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾ قال: الذکر محمد صلی الله علیه و آله و نحن اهله المستولون. قال: قلت: قوله: ﴿وَإِنَّهُ لَذِكْرٌ لَّكَ وَ لِقَوْمِكَ وَ لَسَوْفَ تُسْأَلُونَ﴾ قال: ایانا عنی و نحن اهل الذکر و نحن المستولون.

ابن کثیر گوید: از امام صادق علیه السلام آیه «اگر خودتان نمی دانید، از اهل ذکر پرسید» را پرسیدم، فرمود: مقصود از ذکر محمد صلی الله علیه و آله است و ما اهل او هستیم که پرسیده می شویم. به حضرت عرض کردم: خدای تعالی می فرماید: «قرآن ذکر است برای تو و قوم تو و به زودی از آن پرسیده می شوید.» فرمود: تنها ما را قصد کرده، ماییم اهل ذکر و ماییم پرسش شوندگان.

(۴) در اصول کافی مجلد ۱ باب «ان اهل الذکر الذین...» صفحه ۳۰۴ حدیث ۳، آمده است:

الحسین بن محمد، عن معلى بن محمد، عن الوشاء قال: سألت الرضا علیه السلام فقلت له: جعلت فداک، ﴿فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾ فقال: نحن اهل الذکر و نحن المستولون؛

قلت: فأنتم المستولون و نحن السائلون؟ قال: نعم. قلت: حقاً علينا أن نسألكم؟ قال: نعم. قلت: حقاً عليكم أم تجیبونا؟ قال: لا، ذاك إلینا إن شئنا فعلینا و إن شئنا لم تفعل؛ اما تسمع قول الله تبارک و تعالی: ﴿هَذَا عَطَاؤُنَا فَامْنُنْ أَوْ أَمْسِكْ بِغَيْرِ حِسَابٍ﴾.

و شاء گوید به حضرت رضا علیه السلام عرض کردم: قربانت کردم، «اگر نمی دانید از اهل ذکر بپرسید» یعنی چه؟ فرمود: ماییم اهل ذکر و ماییم پرسش شوندهگان؛ عرض کردم: شما پرسش شونده و ما پرسش کننده ایم؟ فرمود: آری. عرض کردم، بر ماست که از شما بپرسیم؟ فرمود: آری. عرض کردم: بر شماست که پاسخ دهید؟ فرمود: نه، اختیار با ماست، اگر خواستیم پاسخ دهیم و اگر نخواستیم پاسخ ندهیم؛ مگر نمی شنوی قول خدای تبارک و تعالی را: (سوره ص آیه ۲۹) «این است بخشش بی حساب ما، خواهی ببخش یا نگهدار.»

(۵) در اصول کافی مجلد ۱ صفحه ۳۰۵ حدیث ۴، آمده است:

عدة من اصحابنا، عن احمد بن محمد، عن الحسين بن سعد، عن النضر بن سويد، عن عاصم بن حميد، عن ابي بصير، عن ابي عبد الله عليه السلام في قول الله عز وجل: ﴿وَإِنَّهُ لَذِكْرٌ لَكَ وَ لِقَوْمِكَ وَ لَسَوْفَ تُسْأَلُونَ﴾ فرسول الله عليه السلام الذكر و اهل بيته عليهم السلام المستولون و هم اهل الذكر.

و باز امام صادق عليه السلام درباره آیه (۴۴ سوره زحرف) فرمود: رسول خدا عليه السلام ذکر است و اهل بیتش عليهم السلام پرسش شوندهگان و اهل ذکر باشند.

(۶) در اصول کافی مجلد ۱ صفحه ۳۰۵ حدیث ۵، آمده است:

احمد بن محمد، عن الحسين بن سعد، عن حماد، عن ربعي، عن الفضيل، عن ابي عبد الله عليه السلام في قول الله تبارک و تعالی: ﴿وَإِنَّهُ لَذِكْرٌ لَكَ وَ لِقَوْمِكَ وَ لَسَوْفَ تُسْأَلُونَ﴾ قال: الذكر القرآن و نحن قومه و نحن المستولون.

و امام صادق راجع به همان آیه فرمودند: همانا مراد از ذکر قرآن است و ما هستیم قوم او و ما هستیم پرسش شوندهگان.

(۷) در اصول کافی مجلد ۱ صفحه ۳۰۵ حدیث ۶، آمده است:

محمد بن یحیی، عن محمد بن اسماعیل، عن منصور بن یونس، عن ابی بکر الحضرمی، قال: كنت عند ابی جعفر علیه السلام و دخل علیه الورد اخوالکمیت، فقال: جعلنی الله فداک، اخترت لک سبعین مسألة ما تحضرنی منها مسألة واحدة، قال: و لا واحدة یا ورد؟ قال: بلی، قد حضرنی منها واحدة، قال و ما هی قال: قول الله تبارک و تعالی: ﴿فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾ من هم؟ قال: نحن قال: قلت: علینا ان نسألکم؟ قال: نعم، قلت: علیکم ان تجیبونا، قال: ذاک الینا.

ابوبکر حضرمی گوید: خدمت امام باقر علیه السلام شرفیاب بودم که و رد برادر کمیت (که از شعرا معروف عرب و مداح اهل بیت علیهم السلام است) وارد شد و عرض کرد: خدا مرا قربانت کند، هفتاد سؤال حاضر کرده بودم که از شما پرسم و اکنون یکی از آنها را هم به خاطر ندارم. حضرت فرمود: ای و رد یکی را هم به خاطر نداری؟ عرض کردم: چرا یکی از آنها به خاطر آمد. فرمودند: آن چیست؟ عرض کردم قول خداوند تبارک و تعالی: «اگر نمی دانید از اهل ذکر پرسید.»، ایشان چه کسانی هستند؟ فرمود: ما هستیم. عرض کردم: بر ماست که از شما پرسیم؟ فرمود، آری. عرض کردم: بر شماست که به ما جواب گوید؟ فرمود: اختیار با ماست.

(۸) در اصول کافی مجلد ۱ صفحه ۳۰۶ حدیث ۷، آمده است:

محمد بن یحیی، عن محمد بن الحسین، عن صفوان بن یحیی، عن العلاء بن زرین، عن محمد بن مسلم، عن ابی جعفر علیه السلام قال: ان من عندنا یزعمون ان قول الله عزوجل: ﴿فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾ أنهم اليهود و النصارى، قال: اذا یدعونکم الی دینهم! قال: قال - بیده الی صدره - نحن اهل الذکر و نحن المسئولون.

محمد بن مسلم به امام باقر علیه السلام عرض کرد: همشهریان ما گمان کنند، قول خدای عزوجل «اگر نمی دانید از اهل ذکر پرسید.»، اهل ذکر، یهود و نصاری هستند. فرمود: بنابراین آنها شما را به دین خود دعوت کنند! سپس با دست به سینه اش اشاره کرد و فرمود: ما هستیم اهل ذکر و ما هستیم سؤال شوندگان.

آیه نود و هفتم

● سفیانی در سرزمین بیداء در زمین فرو خواهد رفت.

خداوند در سوره نحل آیه ۴۵، می فرماید:

﴿أَفَأَمِنَ الَّذِينَ مَكَرُوا السَّيِّئَاتِ أَنْ يَخْسِفَ اللَّهُ بِهِمُ الْأَرْضَ أَوْ يَأْتِيَهُمُ
الْعَذَابُ مِنْ حَيْثُ لَا يَشْعُرُونَ﴾

آیا کسانی که بر کارهای زشت مکرها می کنند، ایمن هستند از اینکه خداوند آنان را بر

زمین فرو برد یا عذاب آنان از آنجا که پی نبرند، به سراغشان بیاید؟

(۱) در کتاب تفسیر عیاشی مجلد ۲ صفحه ۲۶۱، آمده است:

العیاشی بالسناده عن ابراهیم بن عمر، عن من سمع ابا جعفر عليه السلام يقول: انّ عهد نبی الله صلى الله عليه وآله صار عند علی بن الحسین عليه السلام، ثمّ صار عند محمّد بن علی عليه السلام ثمّ يفعل الله ما يشاء، فالزم هؤلاء فاذا خرج رجلٌ منهم معه ثلاثمائة رجلٍ و معه رایة رسول الله صلى الله عليه وآله عاملاً الى المدينة حتى يمرّ بالبیداء، فيقول: هذا مكان القوم الذين خسف بهم و هي الآیة التي قال الله عزّوجلّ: ﴿أَفَأَمِنَ الَّذِينَ مَكَرُوا السَّيِّئَاتِ أَنْ يَخْسِفَ اللَّهُ بِهِمُ الْأَرْضَ أَوْ يَأْتِيَهُمُ الْعَذَابُ مِنْ حَيْثُ لَا يَشْعُرُونَ ۝ أَوْ يَأْخُذَهُمْ فِي تَقْلِبِهِمْ فَمَا هُمْ بِمُعْجِزِينَ﴾.

عیاشی به سند خود از ابراهیم بن عمر، از کسی شنیده بود که ابوجعفر باقر عليه السلام می فرماید: به درستی که پیمان پیغمبر خدا صلى الله عليه وآله نزد علی بن الحسین عليه السلام سپرده شد، سپس به محمّد بن علی عليه السلام (خود آن حضرت) رسید و (پس از این) خداوند آنچه را بخواهد انجام می دهد. پس، همیشه با اینان باش و چون مردی از ایشان خروج نمود که سیصد مرد همراهیش می کردند و پرچم رسول خدا صلى الله عليه وآله را با خود داشت که به سوی مدینه روان شود و چون از بیابان «بیداء» بگذرد بگوید: این جای کسانی است که به زمین فرو خواهند شد، و این است آیه ای که خداوند عزّوجلّ فرموده: «آیا کسانی که بر کارهای زشت مکرها می کنند، ایمن هستند از اینکه خداوند آنان را بر زمین فرو برد یا

عذاب آنان، از آنجا که پی نبرند، به سراغشان بیاید O یا اینکه هنگام آمد و شدشان به ناگاه آنها را بگیرد و آنان توان مقابله با قدرت حق را ندارند.»

(۲) در کتاب تفسیر عیاشی مجلد ۱ صفحه ۶۵، آمده است:

عنه بالسناده عن جابر الجعفی، عن ابی جعفر علیه السلام فی حدیث طویل قال له: وایاک و شذاذ من آل محمّد علیه السلام فان لآل محمّد علی رایة و لغيرهم علی رایة، فالزم هؤلاء ابداً، ایاک و من ذكرت لک فاذا خرج رجل منهم معه ثلاثمائة و بضعة عشر رجلاً و معه رایة رسول الله صلی الله علیه و آله عاملاً الی المدينة حتی یمر «بالبيداء» حتی یقول هذا مکان القوم الذین یخسف بهم و هی الآیة الّتی قال الله عزّوجلّ: «أَفَأَمِنَ الَّذِينَ مَكَرُوا السَّيِّئَاتِ أَنْ يَخْسِفَ اللَّهُ بِهِمُ الْأَرْضَ أَوْ يَأْتِيَهُمُ الْعَذَابُ مِنْ حَيْثُ لَا يَشْعُرُونَ» O أَوْ يَأْخُذُهُمْ فِي تَقَلُّبِهِمْ فَمَا هُمْ بِمُعْجِزِينَ».

و از اوست به سند خود از جابر جعفی آورده که حضرت ابی جعفر باقر علیه السلام ضمن حدیثی طولانی به او فرمود: و مبادا که با معدود کسانی که از فرزندان محمّد علیه السلام [به عنوان برپایی عدل و داد و تشکیل دولت حق] خروج کنند، همراهی کنی زیرا که برای آل محمّد و علی پرچم [و دولتی خاص است و دیگران به پرچم‌هایی وابسته می‌شوند [دیگران هم دولت‌هایی دارند]...، پس همیشه با اینان (امامان بر حق از آل محمّد علیه السلام) باش و از آن‌هایی که برایت یاد کردم، جداً، پرهیز. و هرگاه مردی از ایشان، که ۳۱۳ نفر با وی بوده و پرچم رسول خدا صلی الله علیه و آله را همراه دارد، به پاخاست و عازم مدینه شد [با او همراهی کن]، و چون از بیابان «بیداء» بگذرد می‌گوید: اینجا جای کسانی است که به زمین فرو خواهند رفت؛ این است معنی آیه‌ای که خداوند عزّوجلّ فرموده: «آیا کسانی که بر کارهای زشت مکرها می‌کنند، ایمن هستند از اینکه خداوند آنان را بر زمین فرو برد یا عذاب آنان از آنجا که پی نبرند به سراغشان بیاید O یا آنکه هنگام آمد و شدشان، به ناگاه، آنها را بگیرد و آنان توان مقابله با قدرت حق را ندارند.»

(۳) در کتاب تفسیر عیاشی مجلد ۲ صفحه ۲۶۱، آمده است:

و عنه بالسناده عن ابن سنان، عن ابی عبد الله علیه السلام سئل عن قول الله عزّوجلّ: «أَفَأَمِنَ الَّذِينَ مَكَرُوا السَّيِّئَاتِ أَنْ يَخْسِفَ اللَّهُ بِهِمُ الْأَرْضَ أَوْ يَأْتِيَهُمُ الْعَذَابُ مِنْ حَيْثُ

لَا يَشْعُرُونَ» قال: هم اعداء الله و هم يُمسخون و يُقذفون و يسيحون فی الارض.
 و از اوست که به سند خود از ابن سنان از حضرت ابی عبدالله امام صادق علیه السلام آورده
 که از آن حضرت راجع به قول خداوند عزوجل: «آیا کسانی که بر کارهای زشت مکرها
 می کنند، ایمن هستند از اینکه خداوند آنان را بر زمین فرو برد.» سؤال شد، در پاسخ
 فرمود: آنان دشمنان خدایند و آنان مسخ می شوند و دچار پرتاب می گردند و در زمین
 آواره می شوند.

در اینجا خلاصه ای از خصوصیات سفیانی را می آوریم:

۱. سفیانی مردی از فرزندان عتبه بن ابی سفیان است.
۲. خروج سفیانی در ماه رجب است.
۳. خروج او از علایم حتمی ظهور امام زمان علیه السلام است.
۴. خروج سفیانی و ظهور امام زمان علیه السلام در یک سال است.
۵. هم زمان با سفیانی، دو نفر دیگر به نام های خراسانی و یمانی خروج می نمایند.
۶. سفیانی و خراسانی و یمانی، هر سه، در یک سال و یک ماه و یک روز واحد قیام
 می کنند.

۷. خروج سفیانی در شام، یمانی از یمن و خراسانی از خراسان است.
۸. هیچ پرچمی هدایتگرتر از یمانی نیست که مردم را به حق دعوت می کند.
۹. قبل از سفیانی سه پرچم دیگر بلند می شود؛ پرچم حسنیه، پرچم امویه و پرچم
 قیسیه.

۱۰. سفیانی پرچم های حسنیه، امویه و قیسیه را، مانند کشاورزان که محصول را درو
 می کنند، از بین می برد و کشتار عجیب و غریبی به راه می اندازد.
۱۱. مدت خروج سفیانی پانزده ماه طول می کشد.
۱۲. او شش ماه از این پانزده ماه را می جنگد.

۱۳. در این شش ماه بر پنج سرزمین دمشق، فلسطین، حلب، حمص و اردن مسلط

می شود.

۱۴. کشته شدن سفیانی و قیام امام زمان (عج) در یک سال است.
۱۵. سرانجام لشکر سفیانی به همراه فرمانده‌شان، در سرزمینی به نام «بیداء»، بین مکه و مدینه، فرو می‌روند؛ اما خودش در این فرو رفتن از بین نمی‌رود زیرا در آنجا نیست.
۱۶. زمانی که لشکریان سفیانی در «بیداء» فرو می‌آیند، ندایی از آسمان بلند می‌شود که ای زمین «بیداء»، دشمنان خداوند را نابود ساز. زمین همه آنها را در خود فرو می‌برد. سه نفر می‌مانند که صورت‌هایشان از جلو به پشت برمی‌گردد و آنها از طایفه کلب هستند.
۱۷. پس از فتح نجف، حضرت (عج) به کوفه رفته و در مسجد ابراهیم علیه السلام دو رکعت نماز می‌خواند. عده‌ای از لشکریان سفیانی از مرجه خروج می‌کنند و حضرت دستور مقابله با آنها را می‌دهد.
۱۸. حضرت ابتدا او را به توحید خداوند و نبوت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرا می‌خواند، اما قبیله کلب که دایه‌های او هستند نمی‌گذارند و او را تشویق به جنگ می‌کنند. او با حضرت می‌جنگد، اما حضرت باز او را دعوت به صلح می‌کند. او راضی نمی‌شود. حضرت دستور می‌دهد لشکریانش با او بجنگند. سرانجام او را شکست داده، دستگیرش می‌کنند و به قتل می‌رسانند.
۱۹. عده‌ای از بنی امیه فرار کرده و به روم پناهنده می‌شوند. حضرت قاصدی می‌فرستد که آنها را بازگرداند. رومی‌ها را تحویل نمی‌دهند و قاصدان حضرت نزد ایشان می‌آیند. حضرت لشکری مجهز به سمت روم می‌فرستد. رهبر رومی‌ها می‌گوید، بنی امیه را به این‌ها تحویل دهید که لشکری مجهز دارند.

آیه نود و هشتم

● پیروزی واقعی به دست قائم آل محمد علیهم السلام است.

خداوند در سوره اسراء آیات ۴ تا ۶، می فرماید:

﴿وَقَضَيْنَا إِلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ فِي الْكِتَابِ لَتُفْسِدُنَّ فِي الْأَرْضِ مَرَّتَيْنِ وَ
لَتَعْلُنَّ عُلُوًّا كَبِيرًا ۝ فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ أُولَاهُمَا بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَنَا أُولِي
بَأْسٍ شَدِيدٍ فَجَاسُوا خِلَالَ الدِّيَارِ وَكَانَ وَعْدًا مَفْعُولًا ۝ ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ
الْكَرَّةَ عَلَيْهِمْ وَأَمْدَدْنَاكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَجَعَلْنَاكُمْ أَكْثَرَ نَفِيرًا﴾

و ما به بنی اسرائیل در کتاب خبر دادیم که البته شما دو بار در روی زمین فساد بزرگ
خواهید کرد، و تسلط و سرکشی سخت ظالمانه‌ای خواهید داشت. ○ پس هرگاه نوبت
نخستین انتقام فرا رسد. بندگان سخت جنگجوی خویش را بر شما خواهیم
برانگیخت تا آنجا که درون خانه‌هایتان را نیز جستجو کنند و این وعده انتقام، حتمی
خواهد بود. ○ سپس بار دیگر شما را بر آنان سلطه دهیم و به وسیله اموال و فرزندان
مدد نماییم و تعداد (افراد) شما را بیشتر سازیم.

(۱) ابو جعفر محمد بن جریر طبری مفسر، محدث و مورخ بزرگ اهل سنت - در
کتاب دلائل الامامه صفحه ۲۹۶ (در ضمن حدیثی طولانی) در مسند فاطمه علیها السلام
می گوید:

ابو عبدالله محمد بن سهل جلودی روایت نمود از ابوالحسین احمد بن محمد بن
جعفر طائی کوفی، در مسجد ابوابراهیم، موسی بن جعفر علیه السلام به ما گفت: از محمد بن
الحسین ابن یحیی حارثی که او گفت: علی بن ابراهیم بن مهزیار اهوازی رضی الله عنه حدیثمان داد
که گفت: در یکی از سالها به قصد حج به مدینه وارد شدم و در آن اقامت گزیدم. و چند
روزی در آنجا بودم (و شوق فراوانی داشتم که امام زمان حجة بن الحسن
العسکری (عج) را ببینم.)، بنابراین در جستجوی او بودم که شاید در مدینه جدش او را

بیابم، ولی، نه خبر از آن جناب به دستم رسید و نه دیده‌ام به جمال شریفش روشن گردید. بسیار اندوهگین شدم که مبادا به آرزویم نرسم. سپس، از مدینه به مکه رفتم و اعمال حج را به جا آوردم و در تمام این مدت در جستجوی (حبیب و مقصد و مقصودم بودم) در همین حال که به فکر فرو رفته بودم، ناگاه درب کعبه برایم آشکار شد که شخصی را دیدم، گویی، شاخه درخت بان (درخت بان تنه‌ای راست و نرم دارد و از تخم آن روغنی خوشبو می‌گیرند). آن مرد بُردی به کمر بسته بود و بُرد دیگری زیر بغل، بر روی گردن افکنده بود. دلم به دیدن او قرار گرفت و به سویش شتافتم. او نیز متوجه من شد و گفت: اهل کجا هستی؟ گفتم: اهل عراق. فرمود: کدام شهر؟ گفتم: اهواز. فرمود: تو ابن الخطیب را می‌شناسی؟ گفتم: آری. فرمود: خداوند او را رحمت کند که شب‌های زیادی را به عبادت می‌گذرانید و چقدر اشک می‌ریخت. آن‌گاه فرمود: ابن مهزیار کجاست؟ گفتم: خودم هستم. گفت: سلام خداوند بر تو باد ای ابوالحسن، آن‌گاه مرا به گرمی در آغوش گرفت و گفت: ای ابوالحسن، آن نشانی که بین تو و امام ابومحمّد علیه السلام بود چه کردی؟ گفتم: همراه دارم، و دست بردم و انگشتری را که بر آن نام محمّد و علی علیهما السلام نقش بسته بود، از جیبم بیرون آوردم. چون بر آن نظر کرد گریست، تا آنجا که آستینش تر شد و گفت: ای ابومحمّد، خدایت رحمت کند که به راستی زینت اُمت هستی. خداوند به امامت تو را شرافت بخشید و تاج علم و معرفت بر تو عنایت فرمود، ما به سوی شما رهسپاریم. سپس برای بار دوم مرا در آغوش گرفت و گفت: ای ابوالحسن تو چه آرزویی داری؟ گفتم: آرزوی من این است که امامی را که محبوب و غایب است ملاقات کنم. گفت: او از شما مخفی نشده، ولی کارهای بد شما او را مخفی داشته است. قُلْتُ: الْإِمَامُ الْمَحْجُوبُ عَنِ الْعَالَمِ، قَالَ وَ مَا هُوَ مَحْجُوبٌ عَنْكُمْ وَ لَكِنْ حَاجِبُهُ سَوْءُ أَعْمَالِكُمْ. حال برخیز و نزد مرکب برو و آماده دیدار حضرت حجة بن الحسن العسکری باش که چون جوزاء از نظرها غایب شد و ستارگان آسمان درخشان گشتند (بیا)؛ من مابین رکن و صفا منتظر تو هستم.

خوشحال شدم و یقین داشتم که خداوند این فضیلت را به من داده است. پس

لحظه شماری می‌کردم تا لحظه موعود فرا رسید. برخاستم و مرکب خود را سوار شدم. ناگاه صدای دوستم را شنیدم که گفت: ای ابوالحسن به سوی من آی. به سوی او شتافتم و سلام کردم. گفت: بیا برویم برادر. پس حرکت کردیم و از پستی‌ها و بلندی‌ها گذشتیم تا بر طائف مشرف شدیم. به من گفت: فرود آی تا همین جا نمازهای شب را به جا آوریم. پس فرود آمدیم و در همان جا نماز واجب صبح را هم با او به جماعت خواندیم. گفتم: پس آن دو رکعت چطور؟ گفت: آن دو رکعت از نمازهای شب می‌باشد، آن‌ها و قنوت را کوتاه بخوان که همه نمازهای مستحبی را می‌توانی کوتاه بخوانی. سپس گفت: برادر برویم. حرکت کردیم تا سرانجام بر دشتی بزرگ که همچون کافور سفید بود، مشرف شدیم. به ناگاه در آن چادری دیدم که از موی بافته شده بود و نوری از آن درخشید. به من گفت: خوب نگاه کن. آیا غیری می‌بینی؟ گفتم: چادری از مو می‌بینم. گفت: همه امید و سعادت در همین دشت است. در پی او رفتم تا به میان دشت رسیدیم. از مرکبش پیاده شد و آن را واگذارد. من نیز از مرکب پیاده شدم (و مشغول بودم آن را ببندم). به من گفت: آن را رها کن. گفتم: اگر گم شود چطور؟ گفت: این سرزمینی است که جز مؤمن در آن داخل نمی‌شود و جز مؤمن از آن خارج نمی‌گردد. (به من گفت اینجا بایست رخصت بطلبیم) و داخل چادر شد و به سرعت بیرون آمد و گفت: مزدهات باد که اجازه ورود به تو داده شد داخل شدم و دیدم که نور از آن مکان به آسمان کشیده می‌شود.

فَدَخَلْتُ فَإِذَا بَيْتٌ يَسْطَعُ مِنْ جَانِبِهِ النُّورُ، فَسَلَّمْتُ عَلَيْهِ بِالْإِمَامَةِ، فَقَالَ: يَا أبا الْحَسَنِ، كُنَّا نَتَوَقَّعُكَ لَيْلاً وَ نَهَاراً فَمَا الَّذِي أَبْطَأَ بِكَ عَلَيْنَا؟

پس داخل شدم. مشاهده کردم که نور از آن جایگاه به اطرافش کشیده می‌شود. پس بر آن حضرت (عج) سلام کردم، سلامی که مخصوص امام است، آن‌گاه حضرت فرمودند: ای ابوالحسن، ما شب و روز انتظار داشتیم و متوقع بودیم که تو به نزد ما بیایی. چه چیز باعث شد که تو دیر بیایی؟ عرض کردم: ای آقای من، کسی را تا کنون نیافته بودم که مرا راهنمایی کند. به من فرمودند: کسی را نیافتی که راهنمایت کند!

سپس انگشت خود را بر زمین زدند و فرمودند: [لا ولكنکم کثرتم الاموال و تجبرتم علی ضعفاء المؤمنین و قطعتم الرحم الذی بینکم فای عذر لکم (الآن) فقلت: التوبة و التوبة الا قاله]. هرگز، و لیکن امواتان را زیاد کردید و بر ضعیفان مؤمنین ظلم نمودید، و صله رحم نکردید و رحم خود را قطع نمودید پس حالا چه عذری دارید؟ عرض کردم: توبه، توبه (ای آقای من) درگذرید.

ثم قال یابن المهزیار و مدّ یدہ، ألا أتبتک بالخبر انه اذا قعد الصبی و تحرک المغربی و سار العمائی و بویع السفیانی یؤذن لی اللہ فاخرج بین الصفا و المروة فی ثلاثمائة و ثلاثة عشر رجلاً سواء، فاجیء الی الکوفة و اهدم مسجدها و ابنىة علی بنائه الاول و اهدم ما حوله من بناء الجبابرة و اخرج بالناس حجة الاسلام اجمیء الی یثرب فاهدم الحجرة و اخرج من بها و هما طریان أمر بهما تجاه البقیع و أمر بخشبتین یصلبان علیهما فتورق من تحتها فیفتن الناس بهما أشد من الفتنة الاولى فینادی منادی من السماء اییدی و یا ارض خدی.

ای پسر مهزیار (حضرت دستش را به سوی من دراز کردند و فرمودند)، آیا تو را از اخباری آگاه نسازم؟ ای پسر مهزیار، بدان هرگاه کودک بنشیند و مغربی حرکت کند و عمانی راه بیفتد و زمانی که با سفیانی بیعت شود، آنگاه خداوند به من اجازه قیام می دهد. پس من بین صفا و مروه با ۳۱۳ مرد خروج می کنم. به کوفه می آیم و مسجد آن را منهدم می سازم و براساس بنای نخستین. آن را بنا می کنم و آنچه از ساختمان های جباران پیرامون آن هست نیز خراب می کنم. با مردم حج اسلام را به جای می آورم و به یثرب می روم پس حجره را خراب می کنم. آنچه در آن است، بیرون می آورم و آن دو را تازه بیرون می آورم و دستور می دهم در سمت بقیع بر دو [۲] چوب خشک آن ها را به دار آویزند. پس آن دو چوب خشک از زیر آن ها برگ می دهند. آنگاه مردم به فتنه ای شدیدتر از فتنه اول دچار می گردند. پس منادی از آسمان صدا می زند که: ای آسمان، اینان را نابود ساز و ای زمین، این ها را بگیر.

فیومئذ لا یبقی علی وجه الارض الا مؤمن قد اخلص قلبه للایمان قلت: یا سیدی ما یكون بعد ذلك؟ قال: الکررة الرجعة الرجعة ثم تلا هذه الایة ﴿ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْکَرَّةَ عَلَیْهِمْ وَ

أَمَدَدْنَاكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَجَعَلْنَاكُمْ أَكْثَرَ نَفِيرًا^۱.

سپس بر روی زمین باقی نمی ماند جز مؤمنی که دلش را برای ایمان خالص کرده باشد. عرضه داشتم: ای آقای من، پس از آن چه می شود؟ فرمودند: بازگشت، بازگشت (رجعت، رجعت). سپس این آیه را تلاوت کردند: «سپس بار دیگر شما را بر آنان سلطه می دهیم و به وسیله اموال و فرزندان مدد نماییم و تعداد (افراد شما) را بیشتر سازیم.»
(۲) در کتاب روضه کافی صفحه ۲۵۰، آمده است:

محمد بن یعقوب عن عدة من اصحابنا، عن سهل بن زياد، عن محمد بن الحسن بن شموّن، عن عبد الله بن عبد الرحمن الاصم، عن عبد الله بن القاسم البطل، عن ابي عبد الله عليه السلام في قوله تعالى: ﴿وَقَضَيْنَا إِلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ فِي الْكِتَابِ لَتُفْسِدُنَّ فِي الْأَرْضِ مَرَّتَيْنِ﴾ قال: قتلُ علي بن ابي طالب و طعن الحسن عليه السلام، ﴿وَلَتَعْلُنَّ عُلُوًّا كَبِيرًا﴾ قال: قتلُ الحسين عليه السلام، ﴿فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ أُولَاهُمَا﴾ فاذا جاء نفر دم الحسين عليه السلام، ﴿بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَنَا أُولِي بَأْسٍ شَدِيدٍ فَجَاسُوا خِلَالَ الدِّيَارِ﴾ قومٌ يبعثهم الله قبل خروج القائم (عج) فلا يدعون و ترأّال محمد الأقتلوه ﴿وَكَانَ وَعْدًا مَفْعُولًا﴾ خروج القائم (عج) ﴿ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكَرَّةَ عَلَيْهِمْ﴾ خروج الحسين عليه السلام في سبعين من اصحابه عليهم (ال) بيض المذهب لكل بيضة و جهان المؤدّون الى الناس ان هذا الحسين عليه السلام قد خرج (حتى) لا يشكّ المؤمنون (فيه) و انه ليس بدجال و لا شيطان و الحجة القائم (عج) بين اظهركم فاذا استقرت المعرفة في قلوب المؤمنون انه الحسين عليه السلام جاء الحجة الموت، فيكون الذي يغسله و يكفنه و يحنّطه و يلحده في حضرته الحسين (بن علي) عليه السلام و لا يلي الوصي الا الوصي.

حضرت
۴۵

محمد بن یعقوب از عده ای از اصحابمان، از سهل بن زیاد، از محمد بن الحسن بن شموّن، از عبد الله بن عبد الرحمن اصم، از عبد الله بن القاسم بطل، از حضرت ابي عبد الله عليه السلام روایت آورده که آن حضرت درباره قول خدای تعالی: «و به بنی اسرائیل در کتاب خبر دادیم که البته شما دوبار در زمین فساد بزرگی خواهید کرد.» فرمود: یکی کشتن علی بن ابی طالب عليه السلام و دوم ضربت زدن به امام حسن عليه السلام «و تسلط و سرکشی

بسیار ظالمانه‌ای خواهید داشت.» فرمود: کشته شدن امام حسین علیه السلام است، «پس هرگاه نوبت نخستین انتقام فرا رسد؛ چون موعد یاری گرفتن و خونخواهی برای حسین علیه السلام فرا رسد «بندگان سخت جنگجوی خویش را بر شما خواهیم برانگیخت تا آنجا که درون خانه‌هایتان را نیز جستجو کنند.» قومی هستند که خداوند آنان را پیش از قیام حضرت قائم (عج) برمی‌انگیزد، که هیچ کس (مستول) خونی از آل محمد علیهم السلام باقی نگذارند جز اینکه او را بکشند، «و این وعده حتمی خواهد بود.»؛ یعنی، آمدن حضرت قائم (عج) «وعده‌ای حتمی است.» «سپس بار دیگر شما را برآنان تسلط می‌دهیم» خروج امام حسین علیه السلام با هفتاد تن از اصحابش (در زمان رجعت) در حالی که کلاه‌خودهای زرینی که دو رو دارد بر سردارند و اعلام‌کنندگانی به مردم برسانند: این حسین است که خارج شده، تا آنجا که مؤمنان هیچ شک و تردید درباره او نکنند و بدانند که او دجال و شیطان نیست. او حجت قائم (به حق) در میان شما است و چون معرفت پیدا کردند به اینکه آن حضرت همان حسین علیه السلام است در دل‌های شیعیان استقرار یافت، حضرت حجت را مرگ فرا می‌رسد، و کسی که آن جناب را غسل می‌دهد و کفن و حنوط می‌کند و به خاک می‌سپارد همان حسین (بن علی) علیه السلام خواهد بود و جز وصی و امام هیچ کس متصدی (کار کفن و دفن) وصی نشود.

(۳) در کتاب کامل الزیارات صفحه ۶۲، آمده است:

ابوالقاسم جعفر بن محمد بن قولویه فی کامل الزیارات قال: حدّثنی محمد بن جعفر القرشی الرزاز قال: حدّثنی محمد بن الحسین بن ابی الخطاب، عن موسی بن سعدان الحنّاط، عن عبد الله بن قاسم الحضرمی، عن صالح بن سهل، عن ابی عبد الله علیه السلام فی قول الله عزّوجلّ: ﴿وَقَضَيْنَا إِلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ فِي الْكِتَابِ لَتُفْسِدُنَّ فِي الْأَرْضِ مَرَّتَيْنِ﴾ قال: قتل امیر المؤمنین علیه السلام و طعن الحسن بن علی علیه السلام، ﴿وَلَتَعْلَنَ عَلْوًا كَبِيرًا﴾ قال: قتل الحسین بن علی علیه السلام ﴿فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ أُولَاهُمَا﴾ قال: اذا جاء نفر الحسین علیه السلام، ﴿بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَنَا أُولِي بَأْسٍ شَدِيدٍ فَجَاسُوا خِلَالَ الدِّيَارِ﴾ قوماً یبعثهم الله قبل قیام القائم (عج) لا یدعون و تراء آل محمد الا أخذوه، ﴿وَكَانَ وَعْدًا مَفْعُولًا﴾.

ابوالقاسم جعفر بن محمد بن قولویه در کتاب کامل الزیارات گوید: محمد بن جعفر قرشی رزاز حدیثم داد، گفت: محمد بن الحسین بن ابی الخطاب حدیثم گفت از موسی بن سعدان حنّاط، از عبدالله بن قاسم حضرمی، از صالح بن سهل، از حضرت ابی عبدالله امام صادق علیه السلام درباره قول خداوند عزوجل: «و به بنی اسرائیل در کتاب خبر دادیم که البته شما دو بار در زمین فساد بزرگی خواهید کرد.» فرمود: کشتن امیرالمؤمنین علیه السلام و ضربت خوردن حسن بن علی علیه السلام، «و تسلط و سرکشی سخت ظالمانه ای خواهید داشت» فرمود: کشتن حسین بن علی علیه السلام، «پس هرگاه نوبت نخستین انتقام فرا رسد» فرمود: هرگاه وقت پیروزی و نصرت حسین علیه السلام فرا رسید «بندگان سخت جنگجوی خویش را بر شما خواهیم برانگیخت تا آنجا که درون خانه هایتان را نیز جستجو کنند.» قومی را خداوند پیش از قیام حضرت قائم (عج) برانگیزد که هیچ مسئول خونی از آل محمد علیهم السلام را وانگذارد مگر اینکه او را بگیرند، «و این وعده حتمی خواهد بود.»

(۴) در کتاب کامل الزیارات صفحه ۶۴، آمده است:

عنه: قال حدّثنی محمد بن جعفر الکوفی الرزاز، عن محمد بن الحسین بن ابی الخطاب، عن موسی بن سعدان، (عن ابی عبدالله، عن القاسم) الحضرمی، عن صالح بن سهل، عن ابی عبدالله علیه السلام فی قول الله تبارک و تعالی: ﴿وَقَضَّيْنَا إِلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ فِي الْكِتَابِ لَتُفْسِدُنَّ فِي الْأَرْضِ مَرَّتَيْنِ﴾ قال: قتل علی علیه السلام و طعن الحسن علیه السلام، ﴿وَلَتَعْلُنَّ عُلُوقًا كَبِيرًا﴾ قال: قتل الحسین علیه السلام.

و از اوست که گفت: محمد بن جعفر کوفی رزاز حدیثم داد از محمد بن الحسین بن ابی الخطاب، از موسی بن سعدان، (از ابی عبدالله، از قاسم) حضرمی، از صالح بن سهل، از ابی عبدالله امام صادق علیه السلام درباره قول خداوند تبارک و تعالی: «و به بنی اسرائیل در کتاب خبر دادیم که البته شما دو بار در زمین فساد بزرگی خواهید کرد.» فرمود: کشتن حضرت علی علیه السلام و ضربت زدن به امام حسن علیه السلام، «و تسلط و سرکشی سخت ظالمانه ای خواهید داشت.» فرمود: کشتن امام حسین علیه السلام.

(۵) در کتاب تفسیر عیاشی مجلد ۲ صفحه ۲۸۱، آمده است:

العیاشی بالسناده عن صالح بن سهل، عن ابی عبدالله علیه السلام فی قوله: ﴿وَقَضَيْنَا إِلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ فِي الْكِتَابِ لَتُفْسِدُنَّ فِي الْأَرْضِ مَرَّتَيْنِ﴾ قتل علی و طعن الحسن علیهما السلام، ﴿وَلَتَعْلُنَّ عُلُوًّا كَبِيرًا﴾ قتل الحسین، ﴿فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ أُولَاهُمَا﴾ فاذا جاء نفر دم الحسین علیه السلام، ﴿بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَنَا أُولِي بَأْسٍ شَدِيدٍ فَجَاسُوا خِلَالَ الدِّيَارِ﴾ قوم بیعتهم الله قبل خروج القائم (عج) لا یدعون و ترا لآل محمد علیهم السلام الا [أ] حرقوه ﴿وَكَانَ وَعْدًا مَفْعُولًا﴾ [قبل] قیام القائم (عج)، ﴿ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكَرَّةَ عَلَيْهِمْ وَآمَدْنَا كُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَجَعَلْنَا كُمْ أَكْثَرًا نَفِيرًا﴾ خروج الحسین علیه السلام فی الكرة فی سبعین رجلاً من اصحابه الذین قتلوا معه علیهم البیض المذهب لكل بیضة و جهان المؤدی الی الناس ان الحسین قد خرج فی اصحابه حتی لا یشک فیهم المؤمنون و انه لیس بدجال و لا شیطان الا انه الامام الذی بین اظهر الناس یومئذ فاذا استقر عند المؤمن انه الحسین علیه السلام لا یسکون فیہ و بلغ عن الحسین الحجة القائم علیه السلام بین [اظهر] الناس و صدقه المؤمنون بذلک جاء الحجة الموت فیکون الذی یلی غسله و کفنه و حنطه و ایلاحه [فی] حضرته الحسین و لایلی الوصی الا الوصی. و زاد ابراهیم [فی حدیثه] ثم یملکهم الحسین حتی یقع خاجباه علی عینیہ.

و عیاشی به سند خود از صالح بن سهل از حضرت ابی عبدالله صادق علیه السلام روایت آورده راجع به فرموده خداوند «و به بنی اسرائیل در کتاب خبر دادیم که البته شما دوبار در زمین فساد بزرگی خواهید کرد.» کشتن حضرت علی علیه السلام و کشتن حسن علیه السلام «و تسلط و سرکشی سخت ظالمانه ای خواهید داشت.» کشتن حضرت حسین علیه السلام «پس هرگاه نوبت نخستین انتقام فرا رسد» پس چون وقت یاری گرفتن و ظفر یافتن خون حسین علیه السلام فرا رسید، «بندگان سخت جنگجوی خود را بر شما خواهیم فرستاد تا آنجا که درون خانه هایتان را نیز جستجو کنند» قومی هستند که خداوند آنها را پیش از خروج قائم (عج) بر می انگیزد که هیچ جنایتکاری نسبت به آل محمد علیهم السلام وانگذازد مگر اینکه او را بسوزانند، «و این وعده حتمی خواهد بود» (قبل) از قیام حضرت قائم (عج) «سپس بار دیگر شما را بر آن سلطه دهیم و به وسیله اموال و فرزندان مدد نماییم و

تعداد افرادتان را بیشتر سازیم.» خروج امام حسین علیه السلام در رجعت با هفتاد مرد از اصحابش که با او کشته شدند در حالی که کلاه خودهای زرینی بر سر دارند، که دورو است، به مردم ابلاغ خواهد شد. حسین با اصحاب خود [از ستر شهادت] بیرون آمده تا آنجا که مؤمنان درباره اش هیچ شک نکنند و [بدانند] که او دجال و شیطان نیست، امام زمان در میان مردم است، پس چون در دل مؤمن اعتقاد به این که او حسین علیه السلام است استقرار یافت، درباره او شک نکنند و به حدی این عقیده رسوخ می یابد که حسین علیه السلام را حجت قائم به امر امامت دادند و مؤمنان آن حضرت را این چنین تصدیق کنند. در این هنگام، مرگ حضرت حجت (عج) فرا رسد، پس، امام حسین علیه السلام عهده دار غسل و کفن و حنوط او می شود و او را در آرامگاهش به خاک می سپارد، که وصی را جز وصی عهده دار نشود. و ابراهیم (یکی از راویان) در حدیثش افزوده: سپس، امام حسین علیه السلام زمام امورشان را بدست می گیرد تا آنجا که ابروهایش بر روی چشمهایش می افتد.

آیه نود و نهم

● پیروزی واقعی مسلمین در زمان قائم آل محمد (عج) است.

خداوند در سوره اسراء آیه ۸، می فرماید:

﴿عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَنْ يَرْحَمَكُمُ وَإِنْ عُذْتُمْ عُدْنَا وَجَعَلْنَا جَهَنَّمَ لِلْكَافِرِينَ حَصِيرًا﴾

امید است که پروردگار شما باز بر شما مهربانی نماید. ولی چنانچه باز شما (به عصیان و گناه برگردید) ما باز به عقوبت شما بر می گردیم و جهنم را زندان کافران فرار می دهیم.

(۱) در تفسیر برهان مجلد ۲ صفحه ۴۰۹ حدیث ۱، آمده است:

عن علی بن ابراهیم یعنی القائم و اصحابه سیووا و جوهکم یعنی سیود و جوهکم و لیدخلوا المسجد کما دخلوه اول مرة یعنی رسول الله ﷺ و اصحابه و لیتبروا ما علوا بشیرا ای یعلمون علیکم و یفقلونکم ثم عطف علی آل محمد ﷺ فقال ﴿عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَنْ يَرْحَمَكُم﴾ ای ینصرکم علی عدوکم ثم خاطب بنی امیه فقال ﴿وَإِنْ عُذْتُمْ عُدْنَا﴾ یعنی عدتم بالسفیانی عدنا بالقائم من آل محمد (عج) ﴿وَ جَعَلْنَا جَهَنَّمَ لِلْكَافِرِينَ حَصِيرًا﴾ ای حبس یحصرون.

(۲) در تفسیر قمی مجلد ۲ صفحه ۱۴، آمده است:

علی بن ابراهیم فی تفسیره المنسوب الی الصادق علیه السلام قال: ﴿عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَنْ يَرْحَمَكُم﴾ ان ینصرکم علی عدوکم، ثم خاطب بنی امیه فقال: ﴿وَإِنْ عُذْتُمْ عُدْنَا﴾ یعنی عدتم بالسفیانی عدنا بالقائم من آل محمد (عج) ﴿وَ جَعَلْنَا جَهَنَّمَ لِلْكَافِرِينَ حَصِيرًا﴾ ای حسباً یحصرون فیها.

علی بن ابراهیم در تفسیرش که منسوب به امام صادق علیه السلام است گوید: «امید است پروردگارتان باز بر شما مهربانی کند.» یعنی، شما را بر دشمنانتان پیروز فرماید: سپس به بنی امیه خطاب کرد و فرمود: «و چنانچه باز (به عصیان و گناه) باز گردید، ما هم به (عقوبت شما) بر می گردیم.»؛ یعنی، به وسیله سفیان بنی امیه باز گردید و به وسیله قائم آل محمد (عج) باز گردیم «و جهنم را زندان کافران فرار دهیم (یعنی زندانی که در آن محصور بمانند).».

آیه یکصدم

● قرآن مردم را به سوی قائم آل محمد (عج) هدایت می‌کند.

خداوند در سوره اسراء آیه ۹، می‌فرماید:

﴿إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ وَيُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ﴾

این قرآن شما را به محکم‌تر و استوارتر و صواب‌تر هدایت می‌کند و بشیر است و مؤمنان را بشارت می‌دهد.

(۱) در کتاب اصول کافی مجلد ۱ صفحه ۳۱۵ حدیث ۲ باب «ان القرآن یهدی

للإمام»:

علی بن ابراهیم عن أبیه، عن ابن ابی عمیر، عن ابراهیم بن عبد الحمید، عن موسی ابن الاکیل النمیری، عن العلاء بن سیابة، عن ابی عبد الله علیه السلام فی قوله تعالی: ﴿إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ﴾، یهدی الی الامام.

امام صادق علیه السلام راجع به قول خدای تعالی: «همانا این قرآن به آنچه استوارتر است، راهنمایی می‌کند.» فرمود: به سوی امام راهنمایی می‌کند.

(۲) در تفسیر عیاشی مجلد ۲ صفحه ۲۸۳، آمده است:

فی العیاشی عن الفضیل بن یسار، عن ابی جعفر علیه السلام ﴿إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ﴾ قال: یهدی الی الولاية.

از فضیل بن یسار از امام باقر علیه السلام روایت کرده که در ذیل آیه ﴿إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ...﴾ ﴿إِنَّ هَذَا﴾ فرمود: مقصود از ﴿لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ﴾ ولایت است و به آن دعوت می‌کند.

(۳) در تفسیر صافی صفحه ۳۱۱، آمده است:

قال علی بن الحسین علیه السلام: الامام منا لا یكون الا معصوما و لیست العصمة فی ظاهر الخلقه فیعرف بها فلذلك لا یكون الا منصوفا فقیل له: یا بن رسول الله صلی الله علیه و آله فما معنی المعصوم؟ فقال: هو المعتصم بحبل الله و حبل الله هو القرآن لا یفترقان الی یوم القیامة فالامام یهدی الی

القرآن و القرآن یهدی الی الامام و ذلک قول الله عزوجل: ﴿إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمٌ﴾.

امام سجاد علیه السلام فرمود: امام از ما اهل بیت، حتماً، معصوم است و عصمت در ظاهر خلقت مشخص نمی شود. سؤال شد: یا بن رسول الله، پس معصوم چه کسی می باشد؟ فرمود: آن کس که به حبل الله اعتصام جوید و حبل الله، قرآن است. معصوم و قرآن تا روز قیامت از هم جدا نمی گردند. بنا بر این، امام انسان را به قرآن هدایت می نماید و این همان کلام خداست که می فرماید: «این همان قرآن است که به آنچه استوارتر است هدایت می کند.»

پس، قرآن ما را به امام هدایت می کند و هر کس به امام زمان (عج) هدایت شود، هدایت شده قرآن است. او به نصیحت و وصیت رسول خدا صلی الله علیه و آله عمل کرده است؛ یعنی به «کتاب الله و عترتی» چنگ زده است.

آیه یکصد و یکم

● «طائره» افتخار ولایت ولی عصر (عج) بر گردن ماست.

خداوند در سوره اسراء آیه ۱۳، می فرماید:

﴿وَكُلِّ إِنْسَانٍ أَلْزَمْنَاهُ طَائِرَهُ فِي عُنُقِهِ﴾

و ما نتیجه اعمال نیک و بد هر انسانی را طوق گردن او ساختیم.

* علامه فاضل، حافظ و محقق شیخ سلیمان بن ابراهیم حنفی (معروف به خواجه کلان بلخی قندوزی) در کتاب ینابیع المودة صفحه ۴۵۴ حدیثی از مناقب نقل می کند که:

و فی المناقب عن سدید الصیرفی قال دخلت انا و المفضل بن عمرو ابوبصیر و ابان بن تغلب علی مولانا ابی عبدالله جعفر الصادق علیه السلام فرایناه جالسا علی التراب و هو بیکی بکاء شديدا و يقول سیدی غیبتک نفت رقادی و اسبلت منی راحة فوادی. قال سدید تصدعت قلوبنا جزعاً فقلنا لا ابکی الله یا ابن خیرالوری عینیک. فزفزف زفزفة انتفخ منها جوفه نظرت فی کتاب الجفر الجامع صبیحة هذا الیوم و هو الکتاب المشتمل علی علم ما کان و ما یکون الی یوم القیامة و هو الذی حض الله به محمداً و الائمة من بعده علیهم السلام و تأملت فیہ مولد قائمنا المهدی و طول غیبتہ و طول عمره و بلوی المؤمنین فی زمان غیبتہ و تولد الشکوک فی قلوبهم من ابطاء ظهوره و خلعههم ربقة الاسلام عن اعناقهم قال الله عزوجل: ﴿وَكُلِّ إِنْسَانٍ أَلْزَمْنَاهُ طَائِرَهُ فِي عُنُقِهِ...﴾؛ یعنی، ولایة الامام فاخذتنی الوقة و استولت علی الاحزان و قال قدر الله مولده تقدیر مولد موسی و قدر غیبتہ تقدیر غیبتہ عیسی و ابطاء کابطاء نوح و جعل عمر العبد الصالح الخضر لیلاً علی عمره اما مولد موسی علیه السلام فان فرعون لما وقف ان زوال ملکه بید مولود من بنی اسرائیل امر بقتل مولود ذکر من بنی اسرائیل حتی قتل نیفاً و عشرين الفاً مولوداً فحفظ الله موسی. كذلك بنو امیه و بنو العباس وقفوا علی ان زوال الجبابرة علی يد القائم منا قصدوا قتله و یابی الله ان یکشف امره لواحد من الظلمة الا ان یتم نوره و اما

غیبتہ کغیبتہ عیسیٰ علیه السلام فان الیہود و النصارى اتفقّت علی انه قتل فکذبہم اللہ عزّوجلّ ذکرہ
یقولہ و ما قتلوه و ما صلبوه و لکن شبہ لهم.

در مناقب از سدید صیرفی گوید: من و مفضل بن عمر و ابوبصیر و ابان بن تغلب بر
مولا و آقایمان (حضرت صادق علیه السلام) وارد شدیم. مشاهده کردیم کہ حضرت روی زمین
نشسته است (و زار زار می گریند) و می فرمایند:

سیدی غیبتک نفت رقادی و اسبالت منی راحة فوادی.

ای آقای من غیبت تو خواب را از چشمان من ربوده است (و من خواب ندارم) و
راحتی را از قلب و دل و روح من دور کرده است.

سدیر می گوید عرض کردم: مولای من گریه شدید شما قلوب ما را بسیار ناراحت (و
غمگین) و پاره پاره کرده است، خداوند چشمان شما را نگریاند ای فرزند بهترین
انسانها. حضرت آهی عمیق کشیدند و فرمودند: امروز صبح به کتاب «جفر جامع»
نگاه می کردم. آن کتابی است کہ علم «ماکان و ما یکون تا روز قیامت» در آن است. این
کتاب همان کتابی است کہ خداوند سبحان به محمد و امامان علیہم السلام بعد از او اختصاص
داده است. (من در آن کتاب دیدم) درباره تولد قائم ما مهدی (عج) و طول غیبت و
درازی عمر او و بلاهایی کہ بر مؤمنین در زمان غیبت می رسد و اینکه به واسطه طول
غیبت و برگشت مردم از دایره اسلام و انداختن ریسمان ولایت از گردن خودشان،
دردل هایشان شک و شبه پیدا شود و این فرموده خداوند عزّوجلّ است ﴿وَ کُلُّ
إِنْسَانٍ أَلْمَنَاءُ طَائِرَةٌ فِي عُنُقِهِ...﴾ «طائر هر انسانی را در گردنش آویختیم.»؛ یعنی،
ولایت امام را برگردن هر انسانی انداخته ایم. به این جهت قلب من محزون و اندوهگین
است (فاخذتنی الرقت واستولت علی الاحزان).

خداوند متعال تولد آن جناب را مانند مقدرات و تولد حضرت موسی علیه السلام و غیبت
او را مانند غیبت حضرت عیسی علیه السلام قرار داده است و طول عمر شریف او را مانند عمر
حضرت نوح علیه السلام قرار داده است. همچنین خداوند عمر عبد صالح حضرت خضر علیه السلام را
دلیل بر امکان عمر و درستی عمر قرار داده است.

اما مقدرات تولد موسی علیه السلام هنگامی که فرعون آگاه شد که زوال پادشاهی و دولتش به دست نوزادی است که از بنی اسرائیل است، دستور داد هر کس در بنی اسرائیل پسر به دنیا آورد او را بکشند. بیست هزار نوزاد پسر را کشتند ولی موسی علیه السلام متولد شد و خداوند او را حفظ کرد.

بر همین اساس بنو امیه و بنی العباس می دانستند (به وسیله آیات و روایات رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیده بودند که از فرزندان امام یازدهم شیعه؛ یعنی، ابامحمد حسن بن علی العسکری علیه السلام فرزندی متولد می شود) که زوال ملک و دولت ستمکاران به دست قائم ماست و آن ها قصد کشتن آن جناب را داشتند. خداوند نور خود را نگهداری نموده و او را از دشمنانش حفظ فرمود. و اما تقدیر غیبت آن حضرت مانند غیبت حضرت عیسی علیه السلام از آن نظر است که یهود و نصاری به اتفاق گفتند عیسی علیه السلام کشته شده است. خداوند گفته آن ها را رد کرده و فرمود: «و ما قتلوه و ما صلبوه و لکن شبه لهم» نه کشته شده و نه به دار آویخته شده بلکه آن ها شخص دیگری را که شبیه به او بود کشتند، و آن شخص را به دار آویختند.

کذلک غیبة القائم فان الناس استنکرها لطولها فمن قائل بغیر هدی بانه لم یولد و قائل یقول انه ولد و مات و قائل یقول ان حادی عشر ما کان عقیما و قائل یقول انه یتعدی الی ثالث عشر و ما عدا و قائل یقول ان روح القائم ینطق فی هیکل غیر و کلها باطل.

و همچنین غیبت قائم ما (عج) سبب شده برای مردم نظراتی (باطل) پیدا شود، عده ای گفتند که (قائم) هنوز زائیده نشده است، عده ای گفتند او پس از تولد فوت کرده است و عده ای دیگر گفتند امام یازدهم (ابامحمد حسن بن علی العسکری) عقیم و بدون فرزند بوده است. عده ای گفتند امام سیزدهم هم داریم و عده ای گفتند روح آن جناب در قلب (و کالبد) شخص دیگری (حلول کرده) و در قلب دیگری حرف می زند؛ همه این ها دروغ و کذب و باطل است.

به هر حال ما می دانیم که طائره عمل انسان، همان پرونده عمل اوست و مهم ترین چیزی که باید در آن باشد ولایت رسول خدا صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام و ائمه طاهرین علیهم السلام

و در حال حاضر ولایت ولی عصر (عج) است. هر کس این طائره برگردنش نباشد کافر از دنیا رفته است، همان طور که رسول خدا ﷺ فرمودند:

من مات ولم يعرف امام زمانه مات میتة الجاهلیة، میتة الکفر ونفاق.

هر کسی امامی دارد که تمام اعمال او از آن امام سرچشمه می‌گیرد. امام ما ولی عصر (عج) است. هر کس مطابق میل او رفتار کند طائره سفید دارد و هر کس مخالف میل او عمل نماید طائره سیاهی دارد. در زمان ما هر کس اقتدا به ولی عصر کند دارای طائره روشن و شفاف خواهد بود.

خلاصه بیوگرافی حضرت ولی عصر (عج)

۱. حضرت بقیة الاعظم (عج) در شب جمعه پانزدهم ماه شعبان سال ۲۵۵ هجری قمری (یا سال ۲۵۶ ه ق) در شهر سامره از پدرشان حضرت ابامحمد حسن بن علی عسکری علیه السلام و مادرشان ملیکه (با القاب نرجس، سوسن، ریحانه، صیقل) به دنیا آمدند.
۲. پس از تولد ایشان، امام حسن عسکری دستور دادند چهل گوسفند عقیقه کنند و برای شیعیان خاص بفرستند و تولد فرزند را به دیگران بشارت دهند.
۳. حضرت عسکری علیه السلام فرزند را به بسیاری از شیعیان، نظیر عثمان بن سعید و احمد بن اسحاق قمی نشان دادند.
۴. پس از فوت حضرت عسکری یعنی، سال ۲۶۰ (ه ق) ایشان به امامت رسیدند.
۵. ایشان دارای دو غیبت هستند، یکی غیبت صغری و دیگری غیبت کبری.
۶. غیبت صغری امام زمان از سال ۲۶۰ (ه ق) شروع می‌شود و تا سال ۳۲۹ (ه ق) ادامه می‌یابد.

۷. حضرت در این مدت چهار نایب خاص داشتند. نایب اول عثمان بن سعید عمروی، از سال ۲۶۰ (ه ق) تا ۲۶۵ (ه ق) بودند. حضرت عسکری علیه السلام قبل از شهادتش به مردم می‌فرمایند که عثمان بن سعید نایب اول بین فرزندان مهدی و شیعیان است. نایب دوم محمد بن عثمان عمروی است که توسط نایب اول به مردم معرفی

- می شود و نیابت ایشان چهل سال طول می کشد یعنی از سال ۲۶۵ (ه ق) تا سال ۳۰۵ (ه ق). نایب سوم حسین بن روح نوبختی است که به وسیله نایب دوم، به دستور امام زمان (عج) به مردم معرفی می شود و نیابت ایشان از سال ۳۰۵ (ه ق) تا سال ۳۲۶ (ه ق)؛ یعنی، ۲۱ سال طول می کشد. نایب چهارم علی بن محمد السمری است که به وسیله نایب سوم به مردم معرفی می شود و نیابت ایشان تا ۳۲۹ (ه ق) ادامه می یابد.
۸. امام زمان علیه السلام شش روز قبل از رحلت نایب چهارم در توقیعی می فرمایند: ای علی بن محمد السمری، تو تا شش روز دیگر می میری. برای خود جانشینی تعیین مکن، غیبت صغری تمام شده و غیبت کبری شروع شده است. از این پس، هر کس ادعای نیابت خاصه داشته باشد کافر است.
۹. حضرت علیه السلام مردم را از نیابت خاصه به نیابت عامه یا مراجع تقلید و فقهای جامع شرایط معرفی می فرمایند که از آنها تقلید نمایند.
۱۰. هم اکنون امام زمان (عج) در قید حیات هستند و امسال که سال ۱۴۲۸ (ه ق) است، از عمر آن بزرگوار ۱۱۷۲ سال می گذرد.

آیه یکصد و دوم

● قائم آل محمد (عج) «ولی دم» سیدالشهدا علیه السلام است.

خداوند در سوره اسراء آیه ۳۳، می فرماید:

﴿وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُوماً فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيَّهِ سُلْطٰنًا فَلَا يُسْرِفُ فِي الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مَنْصُورًا﴾

و هر کس مظلوم کشته شود، پس برای ولی او (ولی دم او) تسلط و اختیار قرار دادیم (تا ظلم را قصاص کند). پس نباید در قتل زیاده روی کند که همانا او منصور است و یاری می شود.

(۱) حافظ قندوزی حنفی در ینابیع الموده صفحه ۴۲۴، می گوید:

عن عبدالسلام بن سالم بن صالح الهروی قال: قلت لعلی الرضابن موسی الکاظم علیه السلام: یا بن رسول الله صلی الله علیه و آله ما تقول فی حدیث روی عن جدک جعفر الصادق علیه السلام انه قال: اذا قام قائم المهدی (عج) قتل ذراری قتله الحسین علیه السلام بفعال ابائهم. فقال: هو ذلک. قلت: فقوالله عزوجل ﴿لَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرٰی﴾ ما معناه؟ فقال: صدق الله فی جمیع اقواله لکن ذراری قتله الحسین علیه السلام یرضون و یفتخرون بفعال ابائهم و من رضی شیئاً کمن فعله و لو ان رجلاً قتل فی المشرق فرضی بقتله رجل فی المغرب لکان شریک القاتل، فقوله تعالی: ﴿وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُوماً فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيَّهِ سُلْطٰنًا فَلَا يُسْرِفُ فِي الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مَنْصُورًا﴾ نزل فی الحسین و المهدی علیه السلام و عن جابر الجعفی و سلام بن المستنیر هما عن الباقر علیه السلام فی هذه الآیه قال: ان الحسین علیه السلام فیقتل من رضی بقتله حتی یقال قد اسرف فی القتل.

این آیه درباره حسین و مهدی علیه السلام نازل شده است. عبد السلام بن سالم بن صالح هروی می گوید: به امام رضا علیه السلام گفتم: ای پسر رسول خدا صلی الله علیه و آله، چه می فرماید درباره این حدیث که از جد شما امام جعفر صادق علیه السلام نقل شده است که حضرت فرمودند: زمانی که قائم قیام کند فرزندان کسانی که حسین علیه السلام را کشته اند می کشد، به خاطر اینکه

پدرانشان حسین علیه السلام را کشته‌اند. حضرت علیه السلام در جواب فرمودند: خداوند در قرآن می‌فرماید: ﴿وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى﴾ پس معنای آن چیست؟ حضرت فرمودند: مهدی (عج) آن دسته از فرزندان قاتلان سید الشهداء علیه السلام را که به اعمال پدرانشان راضی هستند و به آن افتخار می‌کنند، می‌کشد. کسی که به چیزی راضی شود، مثل این است که آن کار را انجام داده است. اگر شخصی در مشرق باشد و به قتل کسی که در مغرب است راضی شود، او در قتل شریک است همان‌طور که خداوند فرمود: ﴿وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُوماً فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيَّهِ سُلْطٰنًا فَلَا يُسْرِفُ فِي الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مَنْصُورًا﴾. این آیه درباره حسین علیه السلام و مهدی (عج) نازل شده است. باز جابر جعفی و سلام بن مستنیر از امام محمد باقر علیه السلام نقل کرده‌اند که آن حضرت فرمودند: این آیه درباره سید الشهداء علیه السلام می‌باشد.

در روایات دیگر آمده که منظور در این آیه مظلوم سید الشهداء علیه السلام است و ظالم کسانی هستند که آن حضرت را به قتل رساندند و ﴿جَعَلْنَا لَوْلِيَّهِ سُلْطٰنًا﴾ ولی عصر (عج) است که امر می‌کند و قاتلان سید الشهداء علیه السلام رجعت می‌کنند، آن‌گاه حضرت از آن‌ها انتقام می‌گیرند.

(۲) در کتاب کامل زیارات صفحه ۶۳، آمده است:

ابوالقاسم جعفر بن محمد بن قولویه فی کامل زیارات قال: حدثنی محمد بن الحسن بن احمد، عن محمد بن الحسن الصفار، عن العباس بن معروف، عن محمد بن سنان، عن رجل قال: سألت ابا عبد الله علیه السلام عن قوله تعالى: ﴿وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُوماً فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيَّهِ سُلْطٰنًا فَلَا يُسْرِفُ فِي الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مَنْصُورًا﴾ قال: ذلك قائم آل [بیت] محمد علیه السلام يخرج فيقتل بدم الحسين علیه السلام، فلو قتل اهل الارض لم يكن مسرفاً و قوله: ﴿فَلَا يُسْرِفُ فِي الْقَتْلِ﴾ ای لم يكن ليصنع شيئاً فيكون مسرفاً، ثم قال ابو عبد الله علیه السلام: يقتل والله ذراري قتله الحسين علیه السلام بفعال آبائهم [بفعال ابائها].

ابوالقاسم جعفر بن محمد بن قولویه در کتاب کامل زیارات گوید: محمد بن الحسن بن احمد، از محمد بن حسن الصفار، از عباس بن معروف، از محمد بن سنان، از

مردی برایم حدیث آورد که گفت: از حضرت امام ابو عبدالله صادق علیه السلام راجع به فرموده خدای تعالی: «و هر آنکه مظلوم کشته شود پس البته که ما برای ولی او حکومت و تسلط دادیم بر [قاتل] پس مبادا در کشتن اسراف کند که او منصور است» پرسیدم، فرمود: آن قائم آل [بیت] محمد صلی الله علیه و آله است، خروج می کند و به [انتقام] خون حسین علیه السلام [دشمنان را] می کشد، پس چنانچه اهل زمین را به قتل رساند مسرف نخواهد بود، و اینکه فرموده: «پس مبادا در کشتن اسراف کند»؛ یعنی، کاری انجام نمی دهد که به سبب آن اسراف کرده باشد. سپس حضرت ابو عبدالله صادق علیه السلام فرمود: به خدا سوگند ذراری و نوادگان کشتندگان حسین علیه السلام را به سبب کارهای پدرانشان به قتل می رساند.

(۳) در کتاب عیون اخبار الرضا صفحه ۱۵۱، آمده است:

ابن بابویه قال: حدّثنا احمد بن زیاد بن جعفر الهمدانی رضی الله عنه قال: حدّثنا علی بن ابراهیم بن هاشم عن ایبه، عن عبدالسلام بن صالح الهروی قال: قلت لابی الحسن علی بن موسی الرضا علیه السلام: یا بن رسول الله، ما تقول فی حدیث روی عن الصادق علیه السلام انه قال: اذا قام [خرج] القائم (عج) قتل ذراری قتلة الحسین علیه السلام بفعال آبائهم فقال علیه السلام: هو كذلك، فقلت فقول الله عزوجل: ﴿وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى﴾ ما معناه؟ فقال: صدق الله فی جمیع اقواله و لكن ذراری قتلة الحسین یرضون بفعال آبائهم و یفتخرون بها، و من رضی شیئاً [کان] کمن اتاه و لو ان رجلاً قتل فی المشرق فرضی بقتله رجل فی المغرب لکان الراضی عند الله عزوجل شریک القاتل، فانما بقتلهم القائم (عج) اذا خرج لرضاهم بفعال آبائهم، قال: فقلت له بای شیء یبدأ القائم منکم [اذا قام]: قال: یبدأ بنی شیبة فیقطع ایدیهم لانهم سرّاق بیت الله عزوجل.

ابن بابویه گوید: احمد بن زیاد بن جعفر همدانی رضی الله عنه حدیثمان داد، گفت: علی بن ابراهیم بن هاشم از پدرش، از عبدالسلام بن صالح هروی حدیثمان داد که گفت: به حضرت ابوالحسن علی بن موسی الرضا علیه السلام عرض کردم: یا بن رسول الله، چه می فرماید درباره حدیثی که از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمود: هرگاه قائم (عج) قیام [خروج] کند، ذراری و نوادگان قاتلان امام حسین علیه السلام را به خاطر کارهای پدرانشان به قتل خواهد رساند؟ فرمود: همین طور است. عرض کردم: پس قول خدای عزوجل: «و

هیچ نفسی بار دیگری را بر دوش نمی‌گیرد. معنایش چیست؟ فرمود: خداوند در تمامی اقوالش راست گفته، ولی ذراری کشتندگان امام حسین علیه السلام به کرده پدرانیشان راضی هستند و به آن جنایت‌ها افتخار می‌کنند و هر کس به کاری راضی باشد، همچون کسی است که آن را انجام داده است و چنانچه مردی در مشرق کشته شود و مرد دیگری در مغرب به کشته شدن او راضی باشد، آنکه رضا داده، نزد خدای عزوجل شریک قاتل خواهد بود. بنابر این، تنها به این جهت وقتی حضرت قائم (عج) خروج کند آن‌ها را می‌کشد که از کردار پدرانیشان راضی هستند. فرمود: از بنی شیبیه آغاز می‌نماید، پس دست‌هایشان را قطع می‌کند چون آن‌ها دزدان بیت الله عزوجل هستند.

(۴) در کتاب روضة کافی صفحه ۲۵۵، آمده است:

محمد بن یعقوب عن علی بن محمد بن صالح، عن الحجاج، عن بعض اصحابه، عن ابی عبدالله علیه السلام قال: سألته عن قول الله عزوجل: ﴿وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُوماً فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيَّهِ سُلْطٰنًا فَلَا يُسْرِفُ فِي الْقَتْلِ﴾ قال: نزلت فی الحسين علیه السلام لو قتل اهل الارض به ما كان مسرفاً.

محمد بن یعقوب روایت آورده از علی بن محمد بن صالح، از حجاج، از بعض اصحابش، از حضرت ابی عبدالله صادق علیه السلام که راوی گوید: از آن حضرت راجع به قول خدای عزوجل: «و هر آنکه مظلوم کشته شود، پس البته که ما برای ولی او حکومت و تسلط دادیم [بر قاتل] پس مباد در کشتن اسراف کند.» پرسیدم، فرمود: درباره امام حسین علیه السلام نازل شد، اگر [حضرت قائم (عج)] به خاطر آن حضرت همه اهل زمین را بکشد اسرافکار نخواهد بود.

(۵) در تفسیر قمی، آمده است:

علی بن ابراهیم عن ایبه، عن عثمان بن سعید، عن المفضل بن صالح، عن جابر، عن ابی جعفر علیه السلام فی قول الله عزوجل: ﴿وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُوماً فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيَّهِ سُلْطٰنًا فَلَا يُسْرِفُ فِي الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مَنْصُوراً﴾ قال: نزلت فی القتل الحسين علیه السلام.

و علی بن ابراهیم از پدرش، از عثمان بن سعید، از مفضل بن صالح، از جابر، از

حضرت ابو جعفر باقر علیه السلام آورده که درباره قول خدای عزوجل: «و هر آنکه مظلوم کشته شود، البته ما برای ولی او حکومت و تسلط دادیم [بر قاتل] پس مباد در کشتن اسراف کند که او منصور است.»، فرمود: درباره کشته شدن حسین علیه السلام نازل گشت.

(۶) در کتاب تفسیر عیاشی مجلد ۲ صفحه ۲۹۰، آمده است:

العیاشی: بالسناده عن سلام بن المستنیر، عن ابی جعفر علیه السلام فی قوله: ﴿وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُوماً فَقَدْ جَعَلْنَا لَوَلِیِّهِ سُلْطٰنًا فَلَا یُسْرِفُ فِی الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مَنْصُورًا﴾ قال: هو الحسین بن علی علیه السلام قتل مظلوما و نحن اولیاوه و القائم علیه السلام منّا اذا قام طلب بئار الحسین علیه السلام فیقتل حتی یقال قد اسرف فی القتل، قال: المسمی المقتول الحسین علیه السلام و ولیه القائم (عج)، و الاسراف فی القتل ان یقتل غیر قاتله، ﴿إِنَّهُ كَانَ مَنْصُورًا﴾، فانه لا یدهب من الدنیا حتی ینتصر رجلٌ من آل الرسول [رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم] یملاً الارض قسطاً و عدلاً كما ملئت جوراً و ظلماً.

عیاشی به سند خود از سلام بن المستنیر، از حضرت امام ابو جعفر باقر علیه السلام روایت کرده که درباره فرموده خداوند «و هر آن که مظلوم کشته شود پس البته که ما برای ولی او حکومت و تسلط دادیم [بر قاتل] پس مباد در کشتن اسراف کند که او منصور است.» فرمود: او حسین بن علی علیه السلام است که مظلوم کشته شد و ما یم اولیای او و چون قائم علیه السلام از ما به پاخیزد خون حسین علیه السلام را مطالبه می نماید؛ پس آنقدر می کشد تا اینکه گفته می شود در کشتن اسراف کرده فرمود: آنکه مقتول نامیده می شود حسین علیه السلام است و ولی او قائم علیه السلام است، و اسراف در قتل آن است که غیر قاتلش را بکشد، «که او منصور و مؤید است» که همانا دنیا به پایان نرسد تا اینکه مردی از آل رسول (رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم) یاری بگیرد که زمین را از قسط و عدل آکنده سازد، همچنان که از جور و ظلم پر شده است.

(۷) در کتاب تفسیر عیاشی مجلد ۲ صفحه ۲۹۰، آمده است:

عنه باسناده عن جابر، عن ابی جعفر علیه السلام قال: نزلت هذه الایة علیه السلام: ﴿وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُوماً فَقَدْ جَعَلْنَا لَوَلِیِّهِ سُلْطٰنًا فَلَا یُسْرِفُ فِی الْقَتْلِ﴾ قاتل الحسین «انه كان منصوراً» قال الحسین علیه السلام.

و از اوست که به سند خود از جابر، از حضرت ابو جعفر باقر علیه السلام آورده که فرموده: این آیه درباره حسین علیه السلام نازل گشت: «و هر آنکه مظلوم کشته شود، پس البته که ما برای ولی او حکومت و تسلط دادیم [بر قاتل] پس مباد در کشتن اسراف کند.» قاتل حسین که منصور است فرموده [یعنی] حسین علیه السلام منصور است.

(۸) در کتاب تفسیر عیاشی مجلد ۲ صفحه ۲۹۱، آمده است:

و عنه باسناده عن حرمان، عن ابي جعفر علیه السلام قال: قلت له: يابن رسول الله صلی الله علیه و آله زعم ولدا الحسن علیه السلام ان القائم منهم و انهم اصحاب الامر و يزعم ولد [ابن] الحنفية مثل ذلك، فقال: رحم الله عمي الحسن علیه السلام لقد غمه [الحسن] اربعين الف سيف حين اصيب امير المؤمنين علیه السلام و اسلمها الى معاوية و محمد بن علي علیه السلام سبعين الف سيف قاتلة، لو خطر عليهم خطر ما خرجوا منها حتى يموتوا جميعاً و خرج الحسين علیه السلام فعرض نفسه على الله في سبعين رجلاً من احق بدمه منا، نحن والله اصحاب الامر و فينا القائم (عج) و منا السفاح و المنصور، و قد قال الله: ﴿وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُوماً فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيَّهِ سُلْطٰنًا﴾ نحن اولياء الحسين بن علي علیه السلام و علي دینه.

و از اوست که به سند خود از حرمان، از حضرت باقر علیه السلام آورده که حرمان گوید: به آن حضرت علیه السلام عرضه داشتم: ای زاده رسول خدا صلی الله علیه و آله فرزندان امام حسن علیه السلام چنین پنداشته اند که قائم از ایشان است و صاحبان این امر آنهاست، فرزندان [پسر] حنفیه نیز همین طور می پندارند؟ فرمود: خداوند بر عمویم امام حسن علیه السلام رحمت آورد، همانا [امام حسن علیه السلام] تا هنگامی که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام ضربت خورد، چهل شمشیر را در نیام کرد و آن را به معاویه تسلیم نمود و محمد بن علی [منظور خود آن حضرت است] هفتاد هزار شمشیر را به نیام برد که چنانچه خطری بر ایشان وارد می شد تا پای مرگ پایداری می کردند و امام حسین علیه السلام با هفتاد مرد خروج نمود و خود را بر خداوند عرضه داشت، چه کسی به خونخواهی او شایسته تر از ماست، به خدا سوگند صاحبان امر ماییم و در میان ما دست قائم (عج) و سفاح و منصور از ما هستند. (ظاهراً مقصود از سفاح در این گونه روایات امیرالمؤمنین علیه السلام است و مقصود از منصور، امام حسین علیه السلام

است و این مربوط به رجعت می باشد.) و همانا خداوند فرمود: «و هر آنکه مظلوم کشته شود، پس البته که ما برای ولی او حکومت و تسلط دادیم.» ماییم اولیای حسین بن علی علیه السلام و اولیای دین او.

(۹) در کتاب تأویل الآیات الظاهره صفحه ۲۸۰ و حلیة الابرار صفحه ۶۷۸، آمده

است:

شرف الدین النجفی قال: روی بعض الثقات بالسناده [روی الرجال الثقات بالسنادهم] عن بعض اصحابنا، عن ابی عبدالله علیه السلام، قال: سألته عن قول الله عزوجل: «وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُوماً فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيَّهِ سُلْطٰنًا فَلَا يُسْرِفُ فِي الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مَنْصُورًا» قال: نزلت فی الحسين علیه السلام، لو قتل ولیه اهل الارض [به] ما كان مسرفاً و ولیه القائم (عج).

شرف الدین نجفی گوید: بعضی از ثقات به سند خود روایت کرده [مردان مورد وثوق به سندهای خود روایت کرده اند] از بعضی اصحابمان، از حضرت ابی عبدالله صادق علیه السلام که راوی گوید: از آن جناب راجع به فرموده خدای عزوجل: «و هر آنکه مظلوم کشته شود، پس البته ما برای ولی او حکومت و تسلط دادیم [بر قاتل] پس مباد در کشتن اسراف کند که او منصور است.» پرسیدم، فرمود: درباره امام حسین علیه السلام نازل گشت، اگر ولی او همه اهل زمین را [به خاطر او] بکشد، مسرف نخواهد بود و ولی او حضرت قائم (عج) است.

آیه یکصد و سوم

● در قیامت ما را با امام زمان (عج) می خوانند.

خداوند در سوره اسراء آیه ۷۱، می فرماید:

﴿يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمَامِهِمْ﴾

روزی که همه انسان ها را به امامشان می خوانند.

«یوم» به قسمتی از زمان گفته می شود که امکان دارد یک ثانیه باشد یا ممکن است به اندازه یک هزار سال یا پنجاه هزار سال از این روزهایی باشد که ما می شماریم. به هر حال، «یوم» اشاره به قیامت است.

«در کُلُّ أُنَاسٍ» کلمه کل همه انسان ها را شامل می شود، مخصوصاً، کلمه اناس از ریشه انس است. انس اسم نوع است و به هر کسی که انسان گفته شود اطلاق می گردد. «امامهم» امام یعنی پیشوا و رهبر، کسی که جلودار است و دیگران به دنبال او حرکت می کنند. حال با این مقدمه، به بحث درباره این آیه می پردازیم:

(۱) حافظ عبدالرحمن جلال الدین سیوطی در مجلد ۵ صفحه ۳۱۷ کتاب الدر المنثور فی التفسیر المأثور می گوید:

واخرج ابن مردويه عن علي عليه السلام قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: ﴿يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمَامِهِمْ﴾ قال يدعى كل قوم بامام زمانهم و كتاب ربهم و سنة نبهم.

همه اقوام را به امام زمانشان و کتاب پروردگارشان و سنت پیغمبرشان می خوانند. این جا که حافظ عبدالرحمن سیوطی از امیرالمؤمنین عليه السلام ایشان از پیامبر اکرم صلى الله عليه وآله نقل می کنند «به امام زمانشان»، می رساند که هر کس در هر زمانی یک امام زمان مخصوص دارد که زنده است. طبق این حدیث و آن آیه در هر زمانی باید یک امام زنده باشد که مردم از او پیروی کنند. مردم او را رهبر قرار بدهند. در میان تمام ادیان و همچنین در میان تمام مذاهب، تنها فرقه ای که اعتقاد به امام زمان زنده دارد شیعه

اثنی عشریه است. نه مسیحی، نه یهودی، نه زرتشتی، نه شافعی، نه مالکی، نه حنفی و نه حنبلی، هیچکدام، امام زنده معرفی نمی کنند.

همان طوری که از آیه مشخص می شود کلمه «اناس» جمع است و کلمه «امام زمانهم» نیز جمع می باشد. یعنی، در هر عصر و زمانی یک امام زمان وجود دارد که در قیامت هر کس را به آن امام زمان حی و حاضر و زنده می خوانند و هر کس به دنبال آن امام زمان به راه می افتد؛ همان طور که سیوطی می گوید و در سؤالات نکیر و منکر نیز محفوظ است. نکیر و منکر در قبر از انسان سؤال می کنند: مَنْ رَبِّک؟، مَنْ نَبِیک؟ و مَنْ إِمَامک؟ که هر کس باید پاسخ بدهد امامش در دنیا که بوده است.

(۲) در تفسیر عیاشی مجلد ۲ صفحه ۳۰۲، آمده است:

فی العیاشی عن فضیل قال: سالت ابا جعفر علیه السلام عن قول الله: ﴿يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ اُنَاسٍ بِإِمَامِهِمْ﴾ قال: یجی رسول الله صلی الله علیه و آله فی قومه و الحسین فی قومه و کل من مات بین ظهرانی امام جامعه.

از فضیل روایت شده که گفت: از حضرت باقر علیه السلام معنای آیه ﴿يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ اُنَاسٍ بِإِمَامِهِمْ﴾ را پرسیدم، فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله در آن روز با قوم خود و علی علیه السلام با قوم خود و حسن بن علی علیه السلام با قوم خود و حسین بن علی علیه السلام با قوم خود می آیند و هر کسی که در عصر هر امامی از دنیا رفته باشد، آن روز با آن امام محشور می شود. و ما نیز با امام زمانمان قائم آل محمد (عج) محشور می شویم (إنشاء الله).

(۳) در اصول کافی مجلد ۱ صفحه ۳۱۳ حدیث ۱، آمده است:

محمد بن یحیی عن احمد بن محمد، عن الحسن بن محبوب، عن عبد الله بن غالب، عن جابر، عن ابي جعفر علیه السلام قال: قال: لما نزلت هذه الآية: ﴿يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ اُنَاسٍ بِإِمَامِهِمْ﴾ قال المسلمون: یا رسول الله، الی الناس اجمعین و لکن سیکون من بعدی ائمة علی الناس من الله من اهل بیتی. یقومون فی الناس فیکذبون و یظلمهم ائمة الکفر و الضلال و اشیاعهم. فمن والاهم، و اتبعهم و صدقهم فهو منی و معی و سیلقانی، الا و من ظلمهم و کذبهم فلیس منی و لا معی و انا منه برئ.

امام باقر علیه السلام فرمود: چون آیه «روزی که هر دسته از مردم را به امامشان خوانیم» نازل شد، مسلمین عرض کردند: ای فرستاده خدا! مگر شما امام همه مردم نیستید؟ پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمودند: من از جانب خدا به سوی همه مردم فرستاده شده‌ام، ولی بعد از من امامانی از خاندانم بر مردم منصوب شوند، ایشان در میان مردم قیام کنند و مردم آن‌ها را تکذیب کنند و امامان کفر و گمراهی و پیروانشان برایشان ستم کنند. هر که آن‌ها را دوست داشته باشد و از آن‌ها پیروی کند و تصدیقشان نماید از من است و با من است و مرا ملاقات خواهد کرد و آگاه باشید کسی که به ایشان ستم کند و تکذیبشان نماید از من نیست و با من نیست و من از او بیزارم.

(۴) در اصول کافی مجلد ۱ صفحه ۲۶۹ حدیث ۴۹۰، آمده است:

علی بن ابراهیم، عن محمد بن عیسی، عن یونس بن عبد الرحمن، عن حماد بن عبد الاعلی قال: سمعت ابا عبد الله علیه السلام یقول: السمع والطاعة ابواب الخیر، السامع المطیع لا حجة علیه، و السامع العاصی لا حجة له، و امام المسلمین تمت حجته و احتجاجه یوم یلقى الله عزوجل ثم قال: یقول الله تبارک و تعالی: ﴿یَوْمَ نَدْعُوا کُلَّ اُنَاسٍ بِاِمَامِهِمْ﴾.

عبد الاعلی گوید: شنیدم امام صادق علیه السلام می فرمود: شنیدن و اطاعت نمودن از درهای خیر است، بر کسی که بشنود و فرمان برد حجتی نیست، و آنکه بشنود و نافرمانی کند حجت و عذری ندارد و امام مسلمین روزی که خدای عزوجل را ملاقات کند حجت و احتجاجش تمام است (زیرا او امام به حق است و در تبلیغ هم کوتاهی نکرده است)، سپس فرمود: خدای تبارک و تعالی می فرماید: «روزی که همه انسان‌ها را با امامشان می خوانیم.» (یعنی روز قیامت گویند: شیعیان امام صادق علیه السلام! شیعیان ابوحنیفه! شیعیان مالک!)

(۵) در اصول کافی مجلد ۲ صفحه ۱۹۷ حدیث ۲، آمده است:

الحسین بن محمد، عن معلی بن محمد، عن محمد بن جمهور، عن صفوان بن یحیی، عن محمد بن مروان، عن الفضیل بن یسار قال: سألت ابا عبد الله علیه السلام من قول الله تبارک و تعالی: ﴿یَوْمَ نَدْعُوا کُلَّ اُنَاسٍ بِاِمَامِهِمْ﴾ فقال: یا فضیل، اعرف امامک، فانک اذا عرفت

امامک لم یضربک تقدم هذا الامرأ و تاخر و من عرف امامه ثم مات قبل ان يقوم صاحب الامر، كان بمنزلة من كان قاعدأ في عسكره، لا بل بمنزلة من قعد تحت لوائه، قال: وقال بعض اصحابه: بمنزلة من استشهد مع رسول الله ﷺ.

فضیل بن یسار گوید: از امام صادق علیه السلام درباره قول خدای تعالی: «روزی که هر دسته از مردم را به امامشان می خوانیم» پرسیدم، فرمود: ای فضیل! تو امامت را بشناس، زیرا هرگاه امامت را شناختی، تقدم یا تاخر این امر زیانت ندهد. کسی که امامش را بشناسد و پیش از قیامت صاحب الامر بمیرد، مانند کسی است که در لشکر آن حضرت بوده است، نه، بلکه مانند کسی است که زیر پرچم آن حضرت نشسته باشد. در این جا یکی از اصحابش گفت: مانند کسی است که در رکاب رسول خدا صلی الله علیه و آله شهید شده باشد.

(۶) در کتاب اصول کافی مجلد ۲ صفحه ۱۹۹ حدیث ۷، آمده است:

علی بن محمد، عن سهل بن زیاد، عن الحسين بن سعيد، عن فضالة بن ايوب، عن محمد بن ابان قال: سمعت ابا عبد الله عليه السلام يقول: اعرف العلامة. فاذا عرفته لم يضربك، تقدم هذا الامر او تاخر، ان الله عزوجل يقول: ﴿يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ اُنَاسٍ بِاِمَامِهِمْ﴾ فمن عرف امامه كان كمن كان في فسطاط المنتظر عجل الله تعالى فرجه الشريف.

عمر بن ابان گوید: شنیدم امام صادق علیه السلام می فرمود: علامت را بشناس (یعنی امامت را بشناس). چون او را شناختی، تقدم یا تاخر این امر به تو زبانی نرساند، همانا خداوند عزوجل می فرماید: «روزی که هر دسته از مردم را به امامشان [همراه امامشان] می خوانیم.» پس هر که امامش را بشناسد، مانند کسی است که در خیمه امام منتظر باشد.

(۷) در کتاب اصول کافی مجلد ۲ صفحه ۴۸۷ حدیث ۳، آمده است:

علی بن محمد عن سهل بن زیاد، عن محمد بن الحسن بن شمعون، عن عبد الله بن عبد الرحمن، عن عبد الله بن القاسم البطل، عن عبد الله بن سنان قال، قلت لابي عبد الله عليه السلام: ﴿يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ اُنَاسٍ بِاِمَامِهِمْ﴾ قال: امامهم الذي بين اظهرهم و هو قائم اهل زمانه.

عبدالله بن سنان گوید به امام صادق علیه السلام عرض کردم: مقصود از آیه «روزی که هر دسته از مردم را به امامشان خوانیم.» چیست؟ فرمود: مقصود امامی است که در میان آنهاست و او قائم اهل زمان خود است.

آیه یکصد و چهارم

● قائم آل محمد (عج) حق است.

خداوند در سوره اسراء آیه ۸۱، می فرماید:

﴿وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا﴾

و بگو حق آمد و باطل نابود شد که باطل نابود شدنی است.

* در کتاب روضه کافی مجلد ۲ صفحه ۱۱۱، آمده است:

عن محمد بن یعقوب، عن علی بن محمد، عن علی بن عباس، عن الحسن بن عبدالرحمن،

عن عاصم بن حمید، عن ابی حمزه، عن ابی جعفر علیه السلام فی قوله عز وجل: ﴿وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَ

زَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا﴾ قال: اذا قام القائم (عج) ذهب دولة الباطل.

ابی حمزه نقل می کند از امام محمد باقر علیه السلام ﴿وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَ زَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ

الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا﴾، بگو حق آمد و باطل نابود شد، حضرت علیه السلام فرمودند: هنگامی که

قائم قیام کند دولت باطل از میان می رود.

آیه یکصد و پنجم

● اصحاب کھف همراه امام زمان (عج) هستند.

خداوند در سوره کھف آیه ۹، می فرماید:

﴿أَمْ حَسِبْتَ أَنَّ أَصْحَابَ الْكَهْفِ وَالرَّقِيمِ كَانُوا مِنْ آيَاتِنَا عَجَبًا﴾

آیا پنداشته‌ای که اصحاب کھف و اهل غار و رقیم در مقابل این همه آیات ما،

شگفت‌انگیز بوده‌اند؟

(۱) در تفسیر الدر المنثور مجلد ۴ صفحه ۲۱۲، آمده است:

اخرج ابن مردويه عن ابن عباس قال: قال رسول الله ﷺ اصحاب الكهف اعوان

المهدى (عج).

سیوطی می گوید ابن مردویه نقل کرده از ابن عباس که رسول خدا ﷺ فرمودند:

اصحاب کھف یاران حضرت مهدی (عج) هستند.

(۲) در تفسیر برهان مجلد ۲ صفحه ۴۶۰، آمده است:

ابن الفارسی، قال الصادق عليه السلام: يخرج القائم (عج) من ظهر الكعبة سبعة و عشرون رجلا

من قوم موسى عليه السلام الذين كانوا يهدون بالحق و به يعدلون و سبعة من اهل الكهف و يوشع بن

نون و ابودجانة الانصاري و مقداد بن الاسود و مالك الاشر فيكون بين يديه انصاراً و

حکاماً.

ابن فارسی می گوید: امام صادق عليه السلام فرمودند: قیام می کند قائم (آل محمد (عج)) در

پشت کعبه و ۲۷ هزار نفر از قوم موسی عليه السلام با او هستند که به حق هدایت می یابند و با

آن باز می گردند، و هفت نفر از اصحاب کھف هستند و یوشع بن نون و ابودجانة انصاری

و مقداد بن الاسود و مالک اشتر نخعی عليه السلام با امام زمان (عج) هستند و به عنوان یاران

حضرت حکم می نمایند.

آیه یکصد و ششم

● معرفت امامان و در حال حاضر ولی عصر (عج) عمل صالح است.

خداوند در سوره کهف آیه ۱۱۰، می فرماید:

﴿فَمَنْ كَانَ يَرْجُو لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَ لَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ
أَحَدًا﴾

هر کس امید دارد به پیشگاه پروردگار (نیکو) وارد شود، باید عمل صالح و نیکو انجام دهد و هیچکس را در عبادت پروردگار خود شریک قرار ندهد.

(۱) در تفسیر عیاشی مجلد ۲ صفحه ۳۵۳ و در تفسیر صافی مجلد ۲ صفحه ۳۶،

آمده است:

عن سماعة بن مهران قال: سالت ابا عبد الله عليه السلام عن قول الله عز وجل: ﴿فَمَنْ كَانَ يَرْجُو لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَ لَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا﴾ قال: العمل الصالح المعرفة بالامامة و لا يشرك بعبادته ربه احداً التسليم لعلي لا يشرك معه في الخلافة من ليس ذلك له و لا هو من اهله.

سماعة بن مهران می گوید: از امام صادق عليه السلام درباره تفسیر آیه شریفه ﴿... فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَ لَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا﴾ باید عمل صالح و نیکو انجام دهد و هیچکس را در عبادت پروردگار خویش شریک قرار ندهد. حضرت فرمودند: عمل صالح عبارت است از معرفت و شناخت امامان عليهم السلام و مقصود از ﴿وَ لَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا﴾ تسلیم در برابر علی عليه السلام شدن است و دیگران را که صلاحیت مقام خلافت و جانشینی پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیتش عليهم السلام را ندارند، با او شریک و همردیف قرار ندهد.

(۲) در تفسیر قمی و در تفسیر صافی مجلد ۲ صفحه ۳۶، آمده است:

و القمی عن ابا عبد الله عليه السلام: ﴿وَ لَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا﴾ قال لا يتخذ مع ولاية آل

محمد عليهم السلام غیرهم و ولا یتهم العمل الصالح من اشرك بعبادة ربه فقد اشرك بولايتنا و كفر بها

جحد امیرالمؤمنین علیه السلام حقه و ولایتہ.

حضرت صادق علیه السلام فرمودند: ﴿وَلَا يُشْرِكُ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا﴾ و هیچ کس را در عبادت پروردگار خود شریک قرار ندهید؛ یعنی، با ولایت آل محمد علیهم السلام ولایت غیر آنها را نگیرید. ولایت آنها عمل صالح است و هر کس در عبادت پروردگار خود شریک قائل شود به تحقیق، او در ولایت ما شریک قائل شده و کافر است و جحد نمودن در ولایت و حق امیرالمؤمنین علیه السلام شرک است. پس شناخت امامان و در حال حاضر شناخت امام زمان (عج) عمل صالح است و باید در ولایت امامان علیهم السلام شریک قرار ندهند و به جز آنها برای خود امام دیگری قرار ندهند که در حال حاضر امام عالمین حضرت حجة بن الحسن العسکری (عج) است.

آیه یکصد و هفتم

● یکی از علایم ظهور، اختلاف احزاب است.

خداوند در سوره مریم آیه ۳۷، می فرماید:

﴿فَاخْتَلَفَ الْأَحْزَابُ مِنْ بَيْنِهِمْ فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ مَشْهَدِ يَوْمٍ عَظِيمٍ﴾

حزب‌ها در میان خود اختلاف کنند، پس وای بر کافران از دیدن آن روز بزرگ.

(۱) در تفسیر عیاشی مجلد ۱ صفحه ۶۴، آمده است:

العیاشی باسناده عن جابر الجعفی، عن ابی جعفر علیه السلام یقول: الزم الارض لا تحرك یدک و لا رجلک ابدأً حتی تری علامات اذکرها لک فی سنۃ، و تری منادیاً ینادی بدمشق، و خسف بقریة من قراها، و تسقط طائفة من مسجدها، فاذا رایت الترتک جاوزوها فاقبلت الترتک حتی نزلت الجزیره، و اقبلت الروم حتی نزلت الرملة، و هی سنة اختلاف فی کل ارض من ارض العرب، و ان اهل الشام یختلفون عند ذلک علی ثلاث رایات، الا صهب، و الابقع، و السفیانی، مع بنی ذنب الحمد مضر، و مع السفیانی احواله [من] کلب فیظهر السفیانی و من معه علی بنی ذنب الحمار، حتی یقتلوا قتلاً لم یقتله شیء قط، و یحضر رجل بدمشق فیقتل هو و من معه قتلاً [لم یقتله شیء قط] و هو من بنی ذنب الحمار، و هی الآیة الیّی یقول الله تبارک و تعالی: ﴿فَاخْتَلَفَ الْأَحْزَابُ مِنْ بَيْنِهِمْ فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ مَشْهَدِ يَوْمٍ عَظِيمٍ﴾.

عیاشی به سند خود از جابر جعفی، از حضرت ابو جعفر امام محمد باقر علیه السلام روایت کرده که آن حضرت فرمود: خانه نشین باش و [البته] ابدأً دست و پایی مکن تا نشانه‌هایی را برایت یاد کنم؛ در یک سال ببینی و بانگ زننده‌ای را بنگری که درد مشق ندا کند، و فرو رفتنی در یکی از آبادی‌های آن، و قسمتی از مسجد آن فرو خواهد ریخت، پس هرگاه دیدی ترک‌ها از آن گذشتند و پیشروی کردند تا اینکه در جزیره فرود آمدند و رومیان پیش آمدند تا اینکه در رمله فرود آیند، و آن سالی است که در هر یک از

سرزمین‌های عرب اختلاف خواهد بود و به راستی که اهل شام در آن هنگام بر سه پرچم اختلاف کنند؛ اصهب، و ابقع و سفیانی. با بنی ذنب الحمار از قبیلۀ مصر اختلاف می‌نماید، همراهان سفیانی دائی‌هایش [از] قبیلۀ کلب خواهند بود، پس سفیانی و همدستانش بر بنی ذنب الحمار پیروز خواهند شد و چنان کشته شوند که هیچ کشته به مانند آن نبوده است. مردی که از بنی ذنب الحمار است به دمشق می‌آید. پس او و همراهانش به طوری کشته شوند که کسی را آن‌طور نکشته باشند، و این است [معنی] آیه‌ای که خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید: «حزب‌ها در میان خود اختلاف کنند، پس وای بر کافران از دیدن روزی بزرگ».

آیه یکصد و هشتم

● هر کس به سوی قائم آل محمد، هدایت شود خداوند بر این هدایت می افزاید.

خداوند در سوره مریم آیات ۷۳ الی ۷۶، می فرماید:

﴿وَ إِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ آمَنُوا أَيُّ الْفَرِيقَيْنِ خَيْرٌ مَّقَامًا وَ أَحْسَنُ نَدِيًّا ۝ وَ كَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِنْ قَرْنٍ هُمْ أَحْسَنُ أَثَانًا وَ رِثِيًّا ۝ قُلْ مَنْ كَانَ فِي الضَّلَالَةِ فَلْيَمْدُدْ لَهُ الرَّحْمَنُ مَدًّا حَتَّىٰ إِذَا رَأَوْا مَا يُوعَدُونَ إِمَّا الْعَذَابَ وَ إِمَّا السَّاعَةَ فَسَيَعْلَمُونَ مَنْ هُوَ شَرٌّ مَكَانًا وَ أضعْفُ جُنْدًا ۝ وَ يَزِيدُ اللَّهُ الَّذِينَ اهْتَدَوْا هُدًى وَ الْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَ خَيْرٌ مَرَدًّا﴾

و چون آیات و نشانه های ما به روشنی بر آنان خوانده می شود، کسانی که کفر ورزیدند به آنان که ایمان آوردند می گوید: کدام یک از دو گروه (ما و شما) مقام بهتر و جایگاه خوب تری دارند؟ ○ پیش از ایشان چه نسل هایی را هلاک کردیم (از امت های گذشته) که آن نسل ها اثاث و زندگانی جالب تر و بهتری داشتند. ○ بگو هر کس به راه ضلالت رفت، خداوند رحمان او را مهلت و تمکین همی دهد تا آن گاه که وعده (عذاب) را به چشم خود ببینند که یا (به کشته شدن و عقوبت) عذاب دنیا است و یا فرا رسیدن ساعت مقرر، به زودی خواهند داشت که کدام یک (از مؤمنان و کافران) جایگاهش بدتر و سپاهش ضعیف تر است ○ و خدا هدایت یافتگان را بر هدایت می افزاید و اعمال صالحی که اجرش نعمت ابدی است، نزد پروردگار تو بهتر است.»

* در اصول کافی مجلد ۲ صفحات ۳۰۸، ۳۰۹ و ۳۱۰ حدیث ۹۰، آمده است:

محمد بن یحیی، عن سلمة بن الخطاب، عن الحسن بن عبدالرحمن، عن علی بن ابی حمزة، عن ابی بصیر، عن ابی عبدالله علیه السلام فی قول الله عزوجل: ﴿وَ إِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ آمَنُوا أَيُّ الْفَرِيقَيْنِ خَيْرٌ مَّقَامًا وَ أَحْسَنُ نَدِيًّا﴾ قال: کان

رسول الله ﷺ دعا قريشاً الى ولايتنا فنفروا و أنكروا، فقال الذين كفروا من قريش للذين آمنوا: الذين أقروا لأمير المؤمنين عليه السلام و لنا اهل البيت عليهم السلام: أي الفريقين خير مقاماً وأحسن ندياً، تعبيراً منهم، فقال الله ردّاً عليهم: ﴿وَكَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِنْ قَرْنٍ هُمْ أَحْسَنُ أَثَانًا وَرِثِيًّا﴾ قلت: قوله: ﴿قُلْ مَنْ كَانَ فِي الضَّلَالَةِ فَلْيَمْدُدْ لَهُ الرَّحْمَنُ مَدًّا﴾ قال: كلهم كانوا في الضلالة لا يؤمنون بولاية أمير المؤمنين عليه السلام ولا بولايتنا فكانوا ضالين مضلين، فيمد لهم في ضلالتهم طغيانهم حتى يموتوا فيصيرهم الله شرّاً مكاناً أضعف خيراً، قلت: قوله: ﴿حَتَّى إِذَا رَأَوْا مَا يُوعَدُونَ إِمَّا الْعَذَابَ وَ إِمَّا السَّاعَةَ فَسَيَعْلَمُونَ مَنْ هُوَ شَرٌّ مَكَانًا وَ أضعف جُنْدًا﴾؟ قال: أما قوله: ﴿حَتَّى إِذَا رَأَوْا مَا يُوعَدُونَ﴾ فهو خروج القائم وهو الساعة، فسيعلمون ذلك اليوم و ما نزل بهم من الله على يدي قائمه، فذلك قوله: من هو شرّ مكاناً (يعنى عند القائم) و أضعف جنداً، قلت: قوله: ﴿وَيَزِيدُ اللَّهُ الَّذِينَ اهْتَدَوْا هُدًى﴾؟ قال: يزيدهم ذلك اليوم هدى على هدى باتباعهم القائم حيث لا يجحدونه و لا ينكرونه، قلت: قوله: لا يملكون الشفاعة الا من اتخذ عند الرحمن عهداً؟ قال: الا من دان الله بولاية أمير المؤمنين عليه السلام والأئمة من بعده فهو العهد عند الله قلت: قوله: ﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَ عملوا الصالحات سيجعل لهم الرحمن وداً﴾؟ قال: ولاية أمير المؤمنين عليه السلام هي الود الذي قال الله تعالى، قلت: فأنما يسرناه بلسانك لتبشّر به المتقين و تنذر به قوماً لداً؟ قال: إنما يسره الله على لسانه حين أقام أمير المؤمنين عليه السلام علماً، فبشّره المؤمنين و أنذر به الكافرين و هم الذين ذكرهم الله في كتابه لداً أي كفاراً، قال: و سألته، عن قول الله ﴿لَتُنذِرَ قَوْماً مَا أُنذِرَ آبَاؤُهُمْ فَهُمْ غَافِلُونَ﴾ قال: لتنذر القوم الذين انت فيهم كما انذر آباؤهم فهم غافلون عن الله وعن رسوله و عن وعيده ﴿لَقَدْ حَقَّ الْقَوْلُ عَلَى أَكْثَرِهِمْ﴾ «ممن لا يقرون بولاية أمير المؤمنين عليه السلام و الأئمة من بعده» فهُمْ لا يُؤْمِنُونَ﴾ بامامة أمير المؤمنين عليه السلام و الاوصياء من بعده، فلما لم يقروا كانت عقوبتهم ما ذكر الله ﴿إِنَّا جَعَلْنَا فِي أَعْنَاقِهِمْ أَغْلَالًا فَهِيَ إِلَى الْأَذْقَانِ فَهُمْ مُقْمَحُونَ﴾ في نار جهنم، ثم قال: ﴿وَ جَعَلْنَا مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدًّا وَ مِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا فَأَغْشَيْنَاهُمْ فَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ﴾ عقوبة منه لهم حيث أنكروا ولاية أمير المؤمنين عليه السلام و الأئمة من بعده هذا في الدنيا و في الآخرة في نار جهنم مقمحون، ثم قال: يا محمد ﴿وَ سِوَاءَ عَلَيْهِمْ

الَّذِينَ تَنْذَرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿۷۲﴾ بالله وبولاية علي ومن بعده ثم قال: ﴿إِنَّمَا تُنذِرُ مَنِ اتَّبَعَ الذِّكْرَ﴾ (یعنی امیرالمؤمنین علیه السلام) وَ خَشِيَ الرَّحْمَنَ بِالْغَيْبِ فَبَشَّرَهُ (یا محمد) بِمَغْفِرَةٍ وَأَجْرٍ كَرِيمٍ ﴿۷۳﴾.

ابوبصیرگوید: امام صادق علیه السلام راجع به قول خدای عزوجل: «و چون آیه های روشن ما را بر آن ها بخوانند، کسانی که کافرند به کسانی که مؤمن هستند گویند: کدام یک از دو دسته مقام بهتر و مجلس آراسته تری دارند؟» (سوره مریم آیه ۷۳). فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم قریش را به ولایت ما دعوت کرد. آن ها دوری گزیدند و انکار کردند، پس کفار قریش به اهل ایمانی که به امیرالمؤمنین علیه السلام و به خانواده اقرار کرده بودند، از راه سرزنش گفتند: «کدام یک از این دو دسته مقام بهتر و مجلس آراسته تری دارند؟» خدا برای رد ایشان فرمود: «پیش از ایشان چه نسل هایی را (از امت های گذشته) هلاک کرده ایم که اثاث و جلوه زندگی بهتری داشتند» (سوره مریم آیه ۷۴). عرض کردم: خدا می فرماید: «هر که در گمراهی باشد، خدای رحمانش همی کشاند.» فرمود: همه آن ها در گمراهی بودند، نه به ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام ایمان آوردند و نه به ولایت ما. گمراه بودند و گمراه کننده. خدا ایشان را در گمراهی و طغیان کشید تا بمردند و خدا ایشان را به بدترین جایگاه و ناتوان ترین سپاه رسانید. عرض کردم: خدا می فرماید: «تا چون موعود خویش یا عذاب و یا رستاخیز را ببینید، خواهید دانست کیست که مکانش بدتر و سپاهش ناتوان تر است. فرمود: اما اینکه فرماید: «تا چون موعود خویش را ببینید» آن خروج قائم و رستاخیز است، در آن روز خواهند دانست آنچه را که به دست قائمش بر آن ها فرود آورد. این است که می فرماید: «کیست که مکانش بدتر (نزد قائم) و سپاهش ناتوان تر است.» عرض کردم. خدا فرماید: «خدا هدایت شدگان را بیفزاید.» فرمود: خدا در آن روز آنهایی را که هدایت شده اند به سبب پیرویشان از قائم هدایت بر هدایت افزایش دهد، زیرا او را رد نکنند و منکر نشوند. عرض کردم: خدا می فرماید: «اختیار شفاعت ندارد مگر کسی که نزد خدای رحمان پیمان بسته باشد.» (سوره مریم آیه ۸۷). فرمود: یعنی، کسی که با ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام و ائمه بعد از او دینداری خدا کند؛ این است

پیمان نزد خدا. عرض کردم: خدا می فرماید: «کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کردند، خدای رحمان برای آن‌ها محبتی قرار خواهد داد.» (سوره مریم آیه ۹۶). فرمود: آن محبتی که خدای تعالی می فرماید دوستی امیرالمؤمنین علیه السلام است. عرض کردم: «ما تنها این قرآن را به زبان تو روان کرده‌ایم تا پرهیزکاران را بشارت دهی و گروه سرسخت را بدان بیم دهی.» (سوره مریم آیه ۹۷). فرمود: خدا قرآن را به زبان او روان کرد، زمانی که امیرالمؤمنین علیه السلام را به راهنمایی منصوب کرد، پس مؤمنان را بشارت داد و کافران را به آن بیم داد و این کافران همان کسانی هستند که خدا در کتابش آن‌ها را سرسخت، یعنی کافر نامیده. باز از آن حضرت درباره این قول خدا پرسیدم: «تا بیم دهی گروهی که پدرانشان بیم نیافته و خودشان بی خبرند.» (سوره یس آیه ۶). فرمود: یعنی تا بیم دهی گروهی را که تو در میان ایشان هست، چنان‌که پدرانشان بیم داده شده‌اند؛ زیرا، این‌ها از خدا و پیغمبر و تهدیدش بی خبرند، گفتار خدا درباره بیشتر آن‌ها ثابت شده (یعنی درباره کسانی که به ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام و امامان بعد از او اقرار نیاورند) و آن‌ها ایمان نمی آورند به امامت امیرالمؤمنین علیه السلام و اوصیا بعد از او، و چون اقرار نیاوردند، کفرشان همان است که خدا فرماید: «به گردن‌هایشان غل و زنجیر بگذاریم که تا چانه آن‌ها برسد و سرشان بی حرکت ماند.» (سوره یس آیه ۸) در میان آتش دوزخ، سپس فرماید: «و پیش رویشان سدی قرار دهیم و پشت سرشان سدی دیگر و آن‌ها را بپوشانیم که جایی را نبینند.»؛ این عمل کفری است از جانب خدا برای ایشان که ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام و امامان بعد از او را انکار کردند. این کفر دنیای آنهاست و در آخرت در آتش دوزخ (به وسیله غل و زنجیر) سرشان بی حرکت ماند سپس خدا می فرماید: «ای محمد، بیمشان دهی یا بیمشان ندهی برای آن‌ها یکسان است، این مردم ایمان نیاورند.» (سوره یس آیه ۱۰)، به خدا و به ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام و جانشینان او، سپس فرماید: «فقط تو کسی را بیم دهی که از ذکر (یعنی امیرالمؤمنین علیه السلام) پیروی کند و از خدای رحمان نباید ترسید، او را بشارت ده (ای محمد) به آمرزش و پاداشی ارزشمند.

آیه یکصد و نهم

● شرط شفاعت، ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام و امامان معصوم و در حال حاضر ولایت امام زمان (عج) است.

خداوند در سوره مریم آیه ۸۷، می فرماید:

﴿لَا يَمْلِكُونَ الشَّفَاعَةَ إِلَّا مَنِ اتَّخَذَ عِنْدَ الرَّحْمَنِ عَهْدًا﴾

شفاعتی ندارند مگر آنکه از خداوند رحمان عهد و پیمانی گرفته باشند.

(۱) در تفسیر برهان مجلد ۳ صفحه ۲۶، آمده است:

قال الصادق علیه السلام: الا من اذن الله بولاية امير المؤمنين علیه السلام و الائمه بعده فهو العهد عند الله.

امام صادق علیه السلام فرمودند: مگر آنکه از خداوند رحمان به خاطر ولایت علی علیه السلام و امامان بعد از ایشان اذن داده شده‌اند. آری، ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام و امامان بعد از ایشان در پیشگاه خداوند همان عهدی است که در آیه ذکر شده است.

(۲) در اصول کافی مجلد ۲ صفحه ۳۰۹، آمده است:

لا يملكون الشفاعة الا من اتخذ عند الرحمن عهداً الا من دان الله بولاية امير المؤمنين علیه السلام

والائمة من بعده فهو العهد عند الله.

ابابصیر از حضرت صادق علیه السلام روایت می‌کند که آن حضرت فرمودند: «شفاعتی ندارند مگر آنکه از خداوند رحمان عهد و پیمانی گرفته باشند.» مگر کسی که خود را مدیون و موظف به ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام و امامان بعد از او دانسته باشد و این همان عهد و پیمان مورد نظر پروردگار است (و این عهد در نزد خداوند است).

آیه یکصد و دهم

● مودت و محبت امیرالمؤمنین علیه السلام و اهل بیت علیهم السلام و قائم آل محمد علیه السلام در قلوب، فطری است.

خداوند در سوره مریم آیه ۹۶، می فرماید:

﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا﴾

به درستی کسانی که ایمان آوردند و کارهای نیک انجام دادند زود است که خداوند رحمان آنان را در نظر خلق محبوب می گرداند.

(۱) در کتاب شواهد التنزیل آیه ۹۲ (سوره مریم آیه ۹)، آمده است:

حاکم حسکانی گوید: خبر داد ما را ابوعلی خالدی در نامه‌ای که از هرات فرستاد، خبر داد ما را احمد پسر علی... خبر داد ما را علی بن موسی الرضا علیه السلام فرمودند: حدیث کرد برایم موسی بن جعفر علیه السلام و خبر داد به ما جعفر بن محمد علیه السلام از پدرش محمد بن علی علیه السلام و او از پدرش علی بن الحسین علیه السلام و او نقل کرد از پدرش حسین بن علی و او از جابر بن عبدالله رضی الله عنه که گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله به علی بن ابی طالب علیه السلام فرمودند: یا علی، بگو پروردگارا، قرار بده برای من در سینه‌های مؤمنین دوستیم مرا؛ پروردگارا، قرار بده برای من نزد خودت عهدی را؛ پروردگارا قرار بده برای من نزد خودت دوستی را. پس خداوند تعالی نازل فرمود: ﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا﴾ پس برخورد نمی‌کنی با مرد یا زن با ایمانی، مگر اینکه در دلش دوستی اهل بیت باشد.

(۲) در شواهد التنزیل صفحه ۳۱۲، آمده است:

حاکم حسکانی گوید: خبر داد ما را ابوالحسن محمد بن احمد... نقل حدیث کرد مرا ابو عمر، غلام بشر پسر عاصم، از محمد بن حنفیه در فرموده خداوند ﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا﴾ گفت: برخورد نمی‌کنی به مؤمنی، مگر

اینکه در دلش دوستی علی علیه السلام و ذریه او باشد.

(۳) در کتاب شواهد التنزیل نوشته حاکم حسکانی حنفی صفحه ۳۱۳ حدیث ۵۰۷، آمده است:

حاکم حسکانی گوید: خبر داد ما را ابوسعید حافظ... از محمد پسر مرزوق، از حسین، از مندل گفت: یا علی، برخورد نمی کنی به مؤمنی، مگر اینکه در دلش دوستی تو و ذریه تو باشد.

حاکم حسکانی حنفی در ذیل این آیه شریفه، ۲۱ روایت آورده است که ۱۶ روایت آن را رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرمایند این آیه درباره امیرالمؤمنین علی علیه السلام است و در پنج روایت دیگر آمده است که این آیه درباره امیرالمؤمنین علی علیه السلام و اهل بیت او و ذریه اش می باشد یکی از ذریه او و یکی از اهل بیتش، شخصیت با عظمت حجة بن الحسن العسکری (عج) است که خداوند دوستی او را فرض قرار داده است و دوستی این بزرگوار فطری است.

(۴) در کتاب الدر المنثور سیوطی مجلد ۳ صفحه ۲۸۷، آمده است:

اخرج ابن مردويه و الدیلمی عن البراء قال: رسول الله صلی الله علیه و آله لعلی قل: اللهم اجعل لی عندک عهداً و اجعل لی عندک وداً و اجعل لی فی صدور المؤمنین مودة، فانزل الله ﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا﴾ قال: فنزلت فی علی.

ابن مردویه و دیلمی از براء روایت کردند که گفت: رسول خدا به علی علیه السلام فرمود: بگو اللهم اجعل لی عندک عهداً و اجعل لی عندک وداً و اجعل لی فی صدور المؤمنین مودة. بعد از این جریان خدای تعالی این آیه را فرستاد: ﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا﴾ آن گاه اضافه کرد که این آیه در حق علی علیه السلام نازل شده است.

(۵) در کتاب مجمع البیان مجلد ۶ صفحه ۵۳۲، آمده است:

عن ابن عباس و فی تفسیر ابی حمزه الثمالی، حدیثی ابوجعفر الباقر علیه السلام قال: قال رسول الله صلی الله علیه و آله لعلی فقل: اللهم اجعل لی عندک عهداً و اجعل لی فی قلوب المؤمنین وداً؛

فقالهما فنزلت هذه الآية.

از ابن عباس و در تفسیر ابی حمزه ثمالی آمده که امام محمد باقر علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله برایم روایت کرده که به علی علیه السلام فرمود: بگو (اللهم اجعل لی عندک عهدا واجعل لی فی قلوب المؤمنین ودا). امام امیرالمؤمنین علیه السلام این دعا را خواند، به دنبال آن خداوند این آیه را نازل کرد.

(۶) در کتاب مجمع البیان مجلد ۶ صفحه ۵۳۲، آمده است:

عن امیرالمؤمنین علیه السلام انه قال: لو ضربت خیشوم المؤمن بسیفی هذا علی ان لیبغضنی ولو صبیت الدنیا بجملتها علی المنافق علی ان یحبنی ما احبنی.

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: اگر با این شمشیر بر بینی مؤمن بکوبم که بغض من در دل گیرد، با من دشمن نخواهد شد، ولی، اگر تمام دنیا را بر سر منافق بریزم تا مرا دوست داشته باشد، به من علاقه مند نخواهد شد.

آیه یکصد و یازدهم

● قیام امام قائم (عج) در علم و قدرت الهی است.

خداوند در سوره طه آیه ۱۱۰، می فرماید:

﴿يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ بِهِ عِلْمًا﴾

خداوند بر آنچه بر خلاق گذشته و آنچه در آینده بر آنان خواهد آمد آگاه است، هیچ کس را به او آگاهی و احاطه نیست.

* در تفسیر علی بن ابراهیم قمی مجلد ۲ صفحه ۶۲ و تفسیر برهان مجلد ۳ صفحه ۴۴، آمده است:

علی بن ابراهیم قال: قال: ﴿يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ﴾ من اخبار القائم (عج) و لا يحيطون به علماً التوحيد.

علی بن ابراهیم قمی در تفسیرش از حضرت صادق علیه السلام چنین روایت می کند: ﴿يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ﴾ (آنچه از اخبار و جریان های پیامبران گذشته است.)؛ ﴿وَمَا خَلْفَهُمْ﴾ (و آنچه در آینده بر آنان خواهد آمد از اخبار حضرت قائم (عج).)؛ ﴿وَلَا يُحِيطُونَ بِهِ عِلْمًا﴾ (و آنچه که هیچ کس را بر آن احاطه و آگاهی نیست.)، آن، توحید است.

آیه یکصد و دوازدهم

● قائم آل محمد (عج) تذکر و یادآوری نوینی پدید می آورد.

خداوند در سوره طه آیه ۱۱۳، می فرماید:

﴿وَكَذَلِكَ أَنْزَلْنَا قُرْآنًا عَرَبِيًّا وَصَرَّفْنَا فِيهِ مِنَ الْوَعِيدِ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ
أَوْ يُحْدِثُ لَهُمْ ذِكْرًا﴾

و ما این گونه این قرآن را با فصاحت عربی نازل کردیم و در آن از هشدارها بسیار آورده ایم تا شاید تقوا پیشه سازند و تذکر نوینی را پدید آورند.

* در تفسیر علی بن ابراهیم قمی مجلد ۲ صفحه ۶۵ و در تفسیر برهان مجلد ۳ صفحه ۴۵، آمده است:

علی بن ابراهیم فی تفسیره المنسوب الی الصادق علیه السلام وَاَمَّا قَوْلُهُ: ﴿أَوْ يُحْدِثُ لَهُمْ ذِكْرًا﴾
یا پند و تذکر نوینی را پدید آورد؛ یعنی، آنچه از امر و ماجرای حضرت قائم (عج) و
سفیانی پدیدار می شود. پس قائم آل محمد (عج) تذکر و یادآوری نوینی پدید می آورد
و سفیانی در همان سال خروج آن حضرت خروج می کند و به دست مبارک آن حضرت
از بین می رود.

آیه یکصد و سیزدهم

● شرط غفاریت خداوند در توبه، ولاء اهل بیت و حجة بن الحسن (عج) است. خداوند در سوره طه آیه ۸۲، می فرماید:

﴿وَإِنِّي لَغَفَّارٌ لِّمَن تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَى﴾

و به درستی که هر آینه من بسیار آمرزنده‌ام، برای کسانی که توبه کنند و ایمان آورند و عمل صالح انجام دهند، پس هدایت پذیرند.

(۱) حاکم حسکانی حنفی در کتاب شواهد التنزیل آیه ۴۹ صفحه ۳۱۹، آورده است:

حاکم حسکانی گوید: خبر داد ما را ابوبکر حارثی گفت: خبر داد ما را ابو الشیخ اصفهانی، خبر داد ما را محمد بن یحیی، خبر داد ما را اسحاق پسر فیض... خبر داد ما را حضرت ابی جعفر علیه السلام درباره فرموده خداوند تعالی ﴿ثُمَّ اهْتَدَى﴾ فرمودند: به دوستی ما اهل بیت. یعنی، پس از توبه و ایمان و عمل صالح، پذیرفتن ولایت اهل بیت علیهم السلام شرط ظهور غفاریت خداوند است.

(۲) در کتاب شواهد التنزیل صفحه ۳۴۹، حاکم حسکانی گوید:

خبر داد ما را به همین خبر... از جابر، از حضرت ابی جعفر علیه السلام که فرمودند: خداوند می فرماید: ﴿وَإِنِّي لَغَفَّارٌ لِّمَن تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَى﴾، پذیر ولایت ما اهل بیت را.

در کتاب شواهد التنزیل؛ ذیل این آیه، ۵ روایت نقل می کند که همه بیانگر این مهم است: اگر انسان بخواهد غفاریت خداوند را به سوی خود جلب کند، ابتدا باید توبه کند و به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم ایمان آورد و واجبات دین را انجام دهد. سپس، هدایت امیرالمؤمنین علی علیه السلام و اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام را بپذیرد. و این هدایت پذیرفتن هدایت آنهاست که می فرمایند: ولایت علی بن ابی طالب، حصنی فمن دخل

حصنی امن من عذابی.

(۳) در تفسیر برهان مجلد ۳ صفحه ۴۰ حدیث ۴، آمده است:

علی بن ابراهیم قال: حدثنا احمد بن علی، قال حدثنا الحسين بن عبیدالله، عن السندي بن محمد، عن ابان، عن الحادث بن یحیی، عن ابی جعفر علیه السلام فی قول الله عزوجل: ﴿وَإِنِّي لَغَفَّارٌ لِمَن تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَى﴾ الا ترى كيف اشترط ولم تنفعه التوبة ولا الايمان والعمل الصالح حتى اهتدى والله اوجه ان يعمل بعمل ما قبل منه حتى يهتدى. قال: قلت: الى من جعلني الله فداك؟ قال: الينا.

ابان از حارث بن یحیی، از امام محمد باقر علیه السلام در تفسیر کلام خداوند: ﴿وَإِنِّي لَغَفَّارٌ لِمَن تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَى﴾ روایت می کند که حضرت فرمودند: آیا نمی بینی که خداوند چگونه شرط می کند توبه و ایمان و عمل صالح شخص فایده ای ندارد، مگر آنکه بر هدایت استوار باشد؟ قسم به خداوند اگر برای انجام عملی تلاش کند تا به هدایت نرسد از او قبول نخواهد شد. حارث می گوید: عرض کردم فدایت شوم، به سوی چه هدایت شود؟ حضرت فرمودند: به سوی ما (و به سوی امامت و ولایت ما).

(۴) در تفسیر برهان مجلد ۳ صفحه ۴۰ حدیث ۸، آمده است:

الشیخ فی امالیہ فقال: اخبرنا ابو عمر و عبد الواحد بن محمد بن عبد الله بن محمد بن مهدی، قال: اخبرنا احمد. قال: اخبرنا الحسن بن علی بن بزیع، قال: حدثنا القسم بن الضحاک، قال: اخبرنا شهر بن حوشب اخوالعوام، عن ابی سعید الهمدانی، عن ابی جعفر علیه السلام الا من تاب وامن عملا صالحا قال: والله لو انه تاب و عمل صالحا ولم يهتد الى ولايتنا و مودتنا و معرفة فضلنا ما اغنى ذلك عنه.

باز در این حدیث سعید الهمدانی نقل می کند از امام محمد باقر علیه السلام درباره فرموده خداوند که می فرماید: ﴿لِمَن تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا﴾ حضرت فرمودند: به خدا قسم اگر کسی توبه کند و ایمان آورد و عمل صالح انجام دهد اما هدایت به ولایت ما

نشود و دوستی و مودت مان را نداشته باشد و ما را نشناسد، توبه اش قبول نیست.

(۵) در تفسیر برهان مجلد ۲ صفحه ۴۰ حدیث ۱۰، آمده است:

ابوعلی الطبرسی قال ابو جعفر الباقر علیه السلام: ثم اهتدی الی ولایتنا اهل البیت فوالله لو ان رجلا عبد الله عمر ما بین الرکن و المقام ثم مات و لم یجیء بولایتنا لاکبه الله فی النار علی وجهه. و رُوِيَ الحاکم ابوالقاسم الحسکانی باسناده وارده العیاشی فی تفسیره من عدة طرق عن محمد بن سلیمان بالاسناد عن داود بن کثیر الرقی قال: دخلت علی ابی عبد الله علیه السلام فقلت له: جعلت فداک قوله تعالی: ﴿وَ اِنِّي لَغَفَّارٌ لِمَن تَابَ وَ آمَنَ وَ عَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَى﴾ فما هذا الا هتدا بعد التوبة و الايمان و العمل الصالح؟ فقال: معرفة الائمة و الله امام بعد امام. و رُوِيَ علی ابراهیم عن ابیه، عن ابی عمیر، عن ابن اذينة، عن الفضیل، عن زرارة، عن ابی جعفر علیه السلام فی قوله تعالی: ﴿ثُمَّ اهْتَدَى﴾ قال: اهتدی الینا.

راوی می گوید داخل شدم به خدمت حضرت صادق علیه السلام، به ایشان گفتم: جانم فدای شما شود، درباره این قول خداوند که می فرماید: «و به درستی که هر آینه من بسیار آمرزنده هستم برای کسانی که توبه کنند و ایمان آورند و عمل صالح انجام دهند، سپس هدایت می شوند.»، این هدایت بعد از توبه و ایمان آوردن و عمل صالح انجام دادن چیست؟

حضرت صادق علیه السلام در جواب فرمودند: (این هدایت) معرفت و شناخت امامان علیهم السلام است، و الله این هدایت معرفت هر امام بعد از امام است. باز علی بن ابراهیم قمی می گوید از پدرم شنیدم ایشان از ابی عمر نقل کردند و ایشان از فرزند اذنیه روایت نمودند و او از فضیل و فضیل از زراره و او از حضرت امام محمد باقر علیه السلام نقل می کند درباره فرموده خداوند که آن حضرت فرمودند: این هدایت، هدایت به سوی ما (امامان علیهم السلام) است.

(۶) در کتاب مجمع البیان مجلد ۷ صفحه ۲۳، آمده است:

قال ابو جعفر علیه السلام: ثم اهتدی الی ولایتنا اهل البیت علیهم السلام فوالله لو ان رجلا عبد الله عمره ما

بین الرکن و المقام تاب و لم یجیء بولایتنا لاکبه الله فی النار علی وجهه.
 حضرت باقر علیه السلام فرمودند: منظور از «اهتدی» این است که به ولایت اهل بیت علیهم السلام
 نائل آید. به خدا قسم اگر مردی تمام عمر در میان رکن و مقام ابراهیم خدا را عبادت
 کند، آن‌گاه بمیرد و از ولایت ما دور باشد، خداوند او را بر پیشانی در جهنم ساقط
 می‌کند.

توجه می‌فرمایید که شرط اصلی پذیرش و توجه از طرف خداوند پس از
 ایمان آوردن و عمل صالح انجام دادن، ولایت و امامت و رهبریت امامان معصوم
 است و در حال حاضر امام حیّ، حضرت بقیه الله الاعظم امام زمان (عج) روحی و
 ارواح العالمین له الفداء می‌باشد.

آیه یکصد و چهاردهم

● یکی از شروطهای اولی‌العزم شدن پیامبران الهی اقرار به ولایت چهارده معصوم علیهم‌السلام، مخصوصاً امام زمان (عج) است.

خداوند در سوره طه آیه ۱۱۵، می‌فرماید:

﴿وَلَقَدْ عَهِدْنَا إِلَىٰ آدَمَ مِن قَبْلِ قَنَسِيٍّ وَلَمْ نَجِدْ لَهُ عَزْمًا﴾

و به تحقیق ما از پیش به آدم سفارشی نمودیم، پس او فراموش کرد و برایش عزم و تصمیم پایداری نیافتیم.

(۱) در کتاب اصول کافی مجلد ۲ صفحه ۲۸۳ حدیث ۲۲، آمده است:

عدة من أصحابنا عن أحمد بن محمد، عن علي بن الحكم، عن مفضل بن صالح، عن جابر، عن أبي جعفر عليه‌السلام في قول الله عز وجل: ﴿وَلَقَدْ عَهِدْنَا إِلَىٰ آدَمَ مِن قَبْلِ قَنَسِيٍّ وَ لَمْ نَجِدْ لَهُ عَزْمًا﴾ قال: عهدنا إليه في محمد عليه‌السلام و الأئمة من بعده، ترك ولم يكن له عزم أنهم هكذا إنما سمى أولو العزم لأنه عهد إليهم في محمد عليه‌السلام و الأوصياء من بعده و المهدي و سيرته و أجمع عزمهم علي أن ذلك كذلك و الإقرار به.

امام باقر عليه‌السلام درباره قول خدای عزوجل از پیش به آدم سفارشی کردیم، او فراموش کرد و برایش آهنگ پایداری ندیدیم. (سوره طه آیه ۱۱۵)، فرمود: درباره محمد عليه‌السلام و امامان بعد از او به وی سفارش کردیم، او ترک نمود و تصمیم نگرفت که ایشان چنانند و پیغمبر که اولو العزم نامیده شدند از این جهت است که خدا درباره محمد عليه‌السلام و اوصیاء بعد از او، خصوصاً درباره حضرت مهدی عليه‌السلام و روش او، به ایشان سفارش فرمود و آن‌ها تصمیم خود را استوار کردند که مطلب چنین است و اعتراف کردند.

(۲) در کتاب اصول کافی مجلد ۲ صفحه ۲۸۳ حدیث شماره ۲۳، آمده است:

الحسين بن محمد عن علي بن محمد، عن جعفر بن محمد بن عبيد الله، عن محمد بن عيسى القمي، عن محمد بن سليمان، عن عبد الله بن سنان، عن أبي عبد الله عليه‌السلام في قوله: ﴿وَلَقَدْ عَهِدْنَا

إِلَى آدَمَ مِنْ قَبْلُ» کلمات فی محمد و علی و فاطمة و الحسن و الحسین و الأئمة عليهم السلام من ذریتهم «فَنَسِي» هكذا والله نزلت علی محمد صلى الله عليه وآله.

امام صادق عليه السلام راجع به قول خدای متعال فرمود: «از پیش به آدم سفارش کردیم.» (کلماتی را درباره محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین و امامان از نسل ایشان عليهم السلام) و او فراموش کرده، به خدا این چنین بر محمد صلى الله عليه وآله نازل شد.

(۳) در کتاب بصائر الدرجات صفحه ۷۰، کتاب علل الشرایع شیخ صدوق و تفسیر صافی مجلد ۲ صفحه ۸۰، آمده است:

باسناده عن حمران بن اعین، عن ابو حمزه، عن ابی جعفر عليه السلام قال: اخذ الله الميثاق علی النبیین و قال: (الست بر بکم قالوا بلی)، و انّ هذا محمداً صلى الله عليه وآله رسولی و انّ علیاً امیر المؤمنین و الأوصیاء من بعده عليه السلام و لاة امری و خزّان علمی و انّ المهدي عليه السلام انتصر به لديني و اظهر به دولتي و انتقم به من اعدائي و اعبد به طوعاً و کرهاً، قالو: اقررنا ربنا و شهدنا و لم یجحد آدم و لم یقرّ، فثبتت العزيمة لهؤلاء الخمسة فی المهدي عليه السلام و لم یکن لآدم عزيمة علی الاقرار و هو قول الله تبارک و تعالی: ﴿وَلَقَدْ عَهِدْنَا إِلَى آدَمَ مِنْ قَبْلُ فَنَسِيَ وَ لَمْ يَجِدْ لَهُ عَزْماً﴾.

به سند خود از حمران بن اعین، از ابو حمزه، از امام ابو جعفر باقر عليه السلام آورده که آن حضرت فرمود: خداوند از پیغمبران پیمان گرفت و فرمود: «آیا من پروردگارتان نیستم؟ گفتند: چرا» و اینکه این محمد صلى الله عليه وآله رسول من است و اینکه علی امیر المؤمنین است و جانشینان پس از او و الیان امر من و خزّان علم من هستند، و اینکه مهدی عليه السلام کسی است که به وسیله او برای دینم یاری گیرم و دولت من را به او آشکار سازم و به وسیله او از دشمنانم انتقام گیرم و به او - به اطاعت یا کراهت - عبادت شوم. گفتند: پروردگارا، اقرار کردیم و شهادت دادیم، ولی آدم نه انکار کرد و نه اقرار نمود، پس منصب اولوالعزمی برای آن پنج تن - از جهت مهدی عليه السلام - ثابت شد و برای آدم عزمی بر اقرار به آن نبود و این است قول خدای تبارک و تعالی: «و به راستی که ما از پیش به آدم سفارشی کردیم، پس او فراموش کرد و برایش عزم و تصمیم پایداری نیافتیم.»

توجه می فرماید شرط اولوالعزمی پیامبران عبارتست از:

الف: «الست بربکم قالوا بلی» ربوبیت پروردگار عالم

ب: «و ان هذا محمدًا ﷺ رسولی وان علیا امیر المؤمنین و الاوصیاء من بعده ﷺ و لایة

امری و خزّان علمی» این محمد رسول من است و این علی امیر مؤمنان من است و

اوصیاء بعد از ایشان، یعنی، یازده امام، ولایة امر من و مخزن علم من هستند.

ج: «وَ ان المهدی (عج) انتصر به لدینی و اظهر به دولتی و انتقم به من اعدائی.» و این

مهدی کسی است که به وسیله او برای دینم یاری گیرم و ولایت و دوستیم را به او

آشکار سازم و به وسیله او از دشمنانم انتقام گیرم و به وسیله او عبادت شوم (چه کفار

بخواهند، چه نخواهند).

آیه یکصد و پانزدهم

● ایمان به امام زمان (عج) سبب خوشبختی دنیا و آخرت می شود.

خداوند در سوره طه آیات ۱۲۴ تا ۱۲۷، می فرماید:

﴿وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكاً وَ نَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ
أَعْمَى ۝ قَالَ رَبِّ لِمَ حَشَرْتَنِي أَعْمَى وَ قَدْ كُنْتُ بَصِيراً ۝ قَالَ كَذَلِكَ أَتَتْكَ
آيَاتُنَا فَنَسِيَتْهَا وَ كَذَلِكَ الْيَوْمَ تُنْسَى ۝ وَ كَذَلِكَ نَجْزِي مَنْ أَسْرَفَ وَ لَمْ
يَسُؤْمِنْ بِآيَاتِ رَبِّهِ وَ لَعَذَابُ الْآخِرَةِ أَشَدُّ وَ أَبْقَى﴾

هر کسی از ذکر ما روی بگرداند زندگیش تنگ است ○ او را در قیامت کور محشور می کنیم. او می گوید (خداوندا) چرا مرا که بینا بودم کور محشور کردی؟ ○ (خداوند می فرماید): زیرا آیات ما به سوی تو آمد و آن ها را فراموش کردی، حال که شما در دنیا آن ها را فراموش کردید، امروز هم تو فراموش می شوی. ○ (خداوند می فرماید): این چنین جزا می دهم هر کسی را که زیاده روی کند و به آیات پروردگارش ایمان نیاورد، همانا عذاب آخرت سخت تر و پایدارتر است.

(۱) حاکم حسکانی می گوید:

خبر داد ما را ابویحیی حیکانی، خبر داد ما را یوسف ابن احمد... نقل کرد از جابر بن عبدالله، او گفت: رسول خدا ﷺ خطبه خواند برای ما. پس شنیدم می فرماید: هر کس اهل بهشت را دشمن دارد، خداوند روز قیامت او را یهودی محشور می فرماید.

(۲) در کتاب اصول کافی مجلد ۲ صفحه ۳۱۷ حدیث ۹۲ آمده است:

محمد بن یحیی عن سلمة بن الخطاب، عن الحسين بن عبدالرحمن، عن علی بن ابی حمزه، عن ابی بصیر، عن ابی عبدالله علیه السلام فی قول الله عزوجل ﴿وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكاً﴾ قال: یعنی به ولایة امیرالمؤمنین علیه السلام، قلت: ﴿وَ نَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ

أَعْمَى قَالَ: یعنی اعمی البصر فی الآخرة اعمی القلب فی الدنيا عن ولاية امیر المؤمنین علیه السلام قال: وهو متحیر فی القيامة. يقول: ﴿لِمَ حَشَرْتَنِي أَعْمَى وَ قَدْ كُنْتُ بَصِيرًا ۝ قَالَ كَذَلِكَ أَتَتْكَ آيَاتُنَا فَنَسِيَتْهَا﴾ قال: الآيات الائمة ﴿فَنَسِيَتْهَا وَ كَذَلِكَ الْيَوْمَ تُنْسَى﴾ یعنی ترکتها و كذلك اليوم ترک فی النار كما ترکت الائمة فلم تطع امرهم و لم تسمع قولهم، قلت: ﴿أَشَدُّ وَ أَبْقَى﴾ قال: یعنی من اشرك بولاية امیر المؤمنین علیه السلام غيره و لم يؤمن بايات ربه و ترک الائمة معاندة فلم يتبع آثارهم و لم يتولهم، قلت: «الله لطيف بعباده يرزق من يشاء» قال: ولاية امیر المؤمنین علیه السلام، قلت: «مَنْ كَانَ يَرِيدُ حَرْثَ الْآخِرَةِ» قال: معرفة امیر المؤمنین علیه السلام و الائمة علیهم السلام «تردله فی حرثه»؟ قال: تریده منها، قال: يستوفى نصيبه من دولتهم «وَمَنْ كَانَ يَرِيدُ حَرْثَ الدُّنْيَا نُوَّتَهُ مِنْهَا وَ مَالَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ نَصِيبٍ» قال: ليس له فی دولة الحق مع القائم نصيب.

ابوبصیرگوید: امام صادق علیه السلام راجع به قول خدای عزوجل «هر که از یاد من رو بگرداند زندگی اش تنگ است.» فرمود: مقصود از آن (یاد من) امیر المؤمنین علیه السلام است. عرض کردم: «او را روز قیامت کور محشور کنیم.» فرمود: یعنی کوردیده در آخرت، کوردل در دنیا از ولایت امیر المؤمنین علیه السلام است و او در قیامت سرگردان است و می گوید: چرا مرا که بینا بودم، کور محشور کردی؟ گوید: آن چنان که آیات ما سوی تو آمد و آنها را فراموش کردی. فرمود: آیات، ائمه علیهم السلام که تو آنها را فراموش کردی، همچنان امروز فراموش می شوی. یعنی، همچنان که آنها را رها کردی، امروز در آتش رها می شوی، چنان که ائمه علیهم السلام را رها کردی و امرشان را اطاعت نکردی و گفتارشان را نشنیدی عرض کردم و این چنین جزا می دهیم هر کس را که زیاده روی کرده و به آیه های پروردگارش ایمان نیاورده، همانا عذاب آخرت سخت تر و پایدارتر است.» فرمود: یعنی کسی که در ولایت امیر المؤمنین علیه السلام دیگری را شریک کند و به آیات پروردگارش ایمان نیاورد و ائمه علیهم السلام را از روی دشمنی رها کند و از آثارشان پیروی نکند

و دوستشان ندارد. عرض کردم: «خداوند به کار بندگان خود دقیق‌تر (مهربان‌تر) است، هر که را خواهد روزی دهد.» فرمود: یعنی ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام. عرض کردم: «هر کس کشت آخرت خواهد.» فرمود: یعنی معرفت امیرالمؤمنین علیه السلام و ائمه «در کشتش بیفزاییم» معرفتش را بیفزائیم تا بهره خود را از دولت ائمه دریافت کند. عرض کردم: «و هر که کشت دنیا خواهد، از دنیا به او دهیم و در آخرت او را بهره‌ای نیست.» فرمود: برای او از دولت حق با امام قائم بهره‌ای نیست.

آیه یکصد و شانزدهم

● قائم آل محمد (عج) «صراط السّوی» یا صراط مستقیم است.

خداوند در سوره طه آیه ۱۳۵، می فرماید:

﴿فَسْتَغْلَمُونَ مِنْ أَصْحَابِ الصِّرَاطِ السَّوِيِّ وَ مِنَ اهْتَدَى﴾

پس به زودی دانا می گردید که چه کسی از (ما و شما) در راه راست و هموار است و چه کسی هدایت شده است (و چه کسی در گمراهی است).

(۱) حاکم حسکانی حنفی در شواهد التنزیل صفحه ۳۲۴ حدیث ۵۲۷، آورده است:

حاکم حسکانی گوید: خبر داد ما را عقیل بن حسین... خبر داد ما را اعمش، او از ابی صالح و او از ابن عباس نقل می کند که گفت: اصحاب و همراهان، راه راست و هموار به خدا سوگند محمد ﷺ و اهل بیت ﷺ او هستند و صراط، راه آشکاری است که هیچ گونه کجی در آن نیست.

در حال حاضر هر کس به دنبال ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف حرکت کند در صراط مستقیم است و هر کس در این راه نباشد در صراط مستقیم نیست.

(۲) در کتاب تأویل الآیات الظاهرة صفحه ۳۲۳ و تفسیر برهان مجلد ۳ صفحه ۵۰ حدیث ۱۰، آمده است:

محمد بن العباس بن الماهیار فی تفسیره فیما نزل فی اهل البیت ﷺ قال: حدثنا محمد بن همام عن محمد بن اسماعیل العلوی، عن عیسی بن داود النجار، عن ابی الحسن موسی بن جعفر ﷺ، قال: سألت أبی عن قول الله عزوجل: ﴿فَسْتَغْلَمُونَ مِنْ أَصْحَابِ الصِّرَاطِ السَّوِيِّ وَ مِنَ اهْتَدَى﴾ قال الصراط ﴿السَّوِيِّ﴾ هو القائم ﷺ و الهدی من اهتدی الی طاعته، و مثلها فی کتاب الله عزوجل: ﴿وَ إِنِّي لَغَفَّارٌ لِمَنْ تَابَ وَ آمَنَ وَ عَمِلَ صَالِحاً ثُمَّ اهْتَدَى﴾ قال: الی ولایتنا.

محمد بن العباس بن الماهیار در تفسیرش فیما نزل فی اهل البیت علیهم السلام گوید: حدیثمان داد محمد بن همام از محمد بن اسماعیل علوی، از عیسی بن داوود نجار، از حضرت ابوالحسن موسی بن جعفر علیه السلام گفت: از پدرم درباره فرموده خدای عزوجل: «پس به زودی خواهید دانست که (ما و شما) کدام یک اهل راه مستقیم هستیم و چه کسی هدایت شده است.» پرسیدم. فرمود: صراط (سوی: راه میانه) همان حضرت قائم علیه السلام است و هدایت، هر آن کسی است که به طاعت او هدایت گردیده و مانند این است در کتاب خدای عزوجل: «و به راستی که من بر کسی که توبه کند و ایمان آورد و عمل صالح انجام دهد، سپس هدایت شود بسیار آمرزنده‌ام.» فرمود: به سوی ولایتمان (هدایت شود).

آیة یکصد و ہفدہم

● در حکومت قائم آل محمّد (عج) جنایت کاران در امان نخواهند بود.

خداوند در سورہ انبیاء آیات ۱۱ تا ۱۵، می فرماید:

﴿وَكَمْ قَصَمْنَا مِنْ قَرْيَةٍ كَانَتْ ظَالِمَةً وَأَنْشَأْنَا بَعْدَهَا قَوْمًا آخَرِينَ ۝ فَلَمَّا أَحْسَسُوا بِأَسْنَانَا إِذَا هُمْ مِنْهَا يَرْكُضُونَ ۝ لَا تَرْكُضُوا وَارْجِعُوا إِلَى مَا أُتْرِفْتُمْ فِيهِ وَ مَسَاكِينِكُمْ لَعَلَّكُمْ تُسْأَلُونَ ۝ قَالُوا يَا وَيْلَنَا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ ۝ فَمَا زَالَتْ تِلْكَ دَعْوَاهُمْ حَتَّى جَعَلْنَاهُمْ حَصِيدًا خَامِدِينَ﴾

چه بسیار مردمان مقتدری که ستمکار و ظالم بودند و ما آن‌ها را درهم شکستیم و هلاک کردیم و به جای آن‌ها قوم دیگری را خلق نمودیم ○ پس چون عذاب ما را احساس نمودند، از آن گریزان گشتند. ○ نگریزید و باز گردید به سوی آنچه که در آن در حال خوش گذرانی و آسایش بودید و به خانه‌های خودتان روی آورید تا شاید پرسش شوید. ○ گویند: ای وای بر ما که ظالم و ستمگر بودیم ○ و پیوسته این سخن را گویند تا اینکه درو شده و خاموش و بی جانشان سازیم.

(۱) در کتاب روضه کافی مجلد ۱ صفحه ۷۴ حدیث شماره ۱۵، آمده است:

علی بن ابراهیم عن ابیه، عن ابن فضال، عن ثعلبة بن میمون، عن بدر بن الخلیل الأسدی قال: سمعت أبا جعفر علیه السلام يقول فی قول الله عزوجل: ﴿فَلَمَّا أَحْسَسُوا بِأَسْنَانَا إِذَا هُمْ مِنْهَا يَرْكُضُونَ ۝ لَا تَرْكُضُوا وَارْجِعُوا إِلَى مَا أُتْرِفْتُمْ فِيهِ وَ مَسَاكِينِكُمْ لَعَلَّكُمْ تُسْأَلُونَ﴾ قال: إذا قام القائم و بعث إلى بنی امیة بالشام هربوا إلى الروم فيقول لهم الروم: لا ندخلنكم حتى تتصروا فيعلقون في أعناقهم الصلبان فيدخلونهم فاذا نزل بحضرتهم أصحاب القائم طلبوا الأمان و الصلح فيقول أصحاب القائم: لا نفعل حتى تدفعوا إلينا من قبلكم منا، قال: فيدفعونهم إليهم فذلك قوله: ﴿لَا تَرْكُضُوا وَارْجِعُوا إِلَى مَا أُتْرِفْتُمْ فِيهِ وَ مَسَاكِينِكُمْ لَعَلَّكُمْ تُسْأَلُونَ﴾ قال: يسألهم الكنوز و هو أعلم بها قال: فيقولون ﴿قَالُوا يَا وَيْلَنَا إِنَّا كُنَّا

ظالمین ○ فَمَا زَالَتْ تِلْكَ دَعْوَاهُمْ حَتَّى جَعَلْنَاهُمْ حَصِيداً خَامِئِينَ.

بدرین خلیل اسدی گوید: شنیدم از امام باقر علیه السلام که در تفسیر گفتار خدای عزوجل: فرماید: «وچون عذاب ما را احساس کردند از آن گریزان شدند، نگریزید و باز گردید به سوی خوش گذرانی و لذت‌ها و مسکن‌های خویش تا شاید پرسش شوید.» (سوره انبیاء آیه ۱۳). فرمود: چون حضرت قائم (عج) قیام کند و به سراغ بنی امیه در شام بفرستد، آن‌ها به سوی روم فرار کنند. به آن‌ها گویند: ما شما را راه ندهیم تا به دین نصرانیت (و مسیح) در آید، آن‌ها صلیب‌ها به گردن بیاویزند و به این ترتیب رومیان آن‌ها را بپذیرند. چون یاران حضرت قائم (عج) به جنگ رومیان روند، آن‌ها امان خواهند و پیشنهاد صلح کنند. یاران حضرت قائم (عج) گویند: ما صلح نکنیم تا کسانی که از ما به شما پناهنده شده‌اند تسلیم ما کنید، آنان نیز پناهندگان را تسلیم کنند و این است معنای گفتار خدای تعالی: «نگریزید، باز گردید به سوی آن خوش گذرانی و لذتها و مسکن‌های خویش، شاید پرسش شوید.» فرمود: از (جای) گنج‌های ایشان بپرسند با اینکه خود دانایتر است (ولی بپرسند تا بر آن‌ها سخت‌تر آید) در این هنگام است که گویند: «ای وای بر ما که ستمگر بودیم و پیوسته این سخن را گویند تا درو شده و بی‌جان‌شان کنیم.» (سوره انبیاء آیه ۱۴ و ۱۵)؛ یعنی، به وسیله شمشیر.

(۲) در کتاب تأویل الآیات الظاهرة صفحه ۳۲۶، آمده است:

محمد بن العباس قال: حدثنا علي بن عبد الله بن اسدٍ عن ابراهيم بن محمد الثقفی، عن اسماعيل بن بشار، عن علي بن جعفر الحضرمي، عن جابر قال: سالت ابا جعفر علیه السلام عن قول الله عزوجل: ﴿فَلَمَّا أَحْسَبُوا بَأْسَنَا إِذَا هُمْ مِنْهَا يَرْكُضُونَ﴾ قال ذلك عند قيام القائم علیه السلام.

محمد بن العباس گوید: علی بن عبدالله بن اسد از ابراهیم بن محمد ثقفی، از اسماعیل بن بشار، از علی بن جعفر حضرمی، از جابر حدیثمان داد که گفت: از حضرت امام ابو جعفر باقر علیه السلام راجع به قول خدای عزوجل: «چون عذاب ما را احساس نمودند از آن گریزان گشتند.» سؤال نمودم. امام باقر علیه السلام فرمود: این به هنگام قیام حضرت قائم علیه السلام است.

(۳) در کتاب تأویل الآیات الظاهره صفحه ۳۲۶، آمده است:

عنه قال: حدّ ثنا الحسين بن احمد، عن محمد بن عيسى، عن يونس بن منصور، عن اسماعيل بن جابر، عن ابي عبد الله عليه السلام في قول الله عزّوجلّ: ﴿فَلَمَّا أَحْسَسُوا بِأَسْئَانَا﴾ قال: خروج القائم عليه السلام ﴿إِذَا هُمْ مِنْهَا يَرْكُضُونَ﴾ قال: الكنوز التي كانوا يكتزون، ﴿قَالُوا يَا وَيْلَنَا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ﴾ ○ فما زالت تلك دَعْوَاهُمْ حَتَّى جَعَلْنَاهُمْ حَصِيداً [بِالسَّيْفِ] خَامِدِينَ ﴿ لا يبقى منهم عينٌ تطرف.

و از اوست که گوید: حسین بن احمد حدیثمان داد از محمد بن عیسی، از یونس بن منصور، از اسماعیل بن جابر، از حضرت ابی عبدالله، امام صادق عليه السلام درباره قول خدای عزوجل: «پس چون عذاب ما را احساس نمودند.» که خروج قائم عليه السلام است؛ «از آن گریزان گشتند.» فرمود: گنجینه‌هایی که ذخیره می‌کرده‌اند؛ «گفتند: ای وای بر ما که ستمگر بودیم. و پیوسته این سخن را گویند تا اینکه (با شمشیر) درو شده و خاموش و بی‌جان‌شان سازیم» که هیچ چشمی از آنان نگردد.

(۴) در کتاب تفسیر عیاشی مجلد ۲ صفحه ۵۶، آمده است:

العیاشی باسناده عن عبدالاعلی الحلبيّ، قال: قال ابو جعفر عليه السلام في حديث يذكر فيه خروج القائم عليه السلام قال في الحديث: لكانت انظر اليهم (يعني القائم عليه السلام و اصحابه) مصعدين من نجف الكوفة ثلاثمائة و بضعة عشر رجلاً كان في قلوبهم زبر الحديد، جبرئيل عن يمينه و ميكائيل عن يساره يسير الرعب امامه شهراً و خلفه شهراً امده الله بخمسة آلاف من الملائكة مسومين، حتى اذا صعد النجف قال لاصحابه: تعبدوا ليلتكم هذه، فيبيتون بين راع و ساجد يتضرعون الى الله حتى اذا اصبح قال: خذوا بنا طريق النخيلة و على الكوفة خندق فخذق [جند مجند] قلت خندق فخذق [جند مجند] قال: اي والله، حتى ينتهي الى مسجد ابراهيم عليه السلام بالنخيلة فيصلى ركعتين فيخرج اليه من كان بالكوفة من مرجئها و غيرهم من جيش السفيناني، فيقول لاصحابه: استطردوا لهم، ثم يقول كروا عليهم.

قال ابو جعفر عليه السلام: و لا يجوز والله الخندق منهم مخبر، ثم يدخل الكوفة و لا يبقى مؤمن الا كان فيها او حسن اليها و هو قول امير المؤمنين عليه السلام ثم يقول لاصحابه سيروا الى هذه الطاغية

فیدعوه الی کتاب الله و سنّة نبیّه علیہ الصلاة و السّلام، فیعطیه السّفیانی من البیعة مسلماً،
 فیقول له کلبٌ و هم اخواله: [ما] هذا ما صنعت؟ والله ما نبایعک علی هذا ابداً، فیقول: ما
 اصنع؟ فیقولون: استقبله فیستقبله، [ثمّ یقول له القائم علیه السلام]: خذ حذرک فانتی ادیت الیک و انا
 مقاتلک، فیصبح فیقاتلهم [فیمنحه الله اکتافهم، و یأتی [یاخذ] السّفیانی اسیراً فینطلق به و
 یدبّحه بیده. ثمّ یرسل جریده خیل الی الرّوم فیستحدزون [فیستحضرون] بقیّة بنی امیّة فاذا
 انتهوا الی الرّوم قالوا: اخرجوا الینا اهل ملتنا عندکم، فیأبون و یقولون: والله لا نفعل، فتقول
 الجریده: والله لو امرنا لقاتلناکم، ثم ینطلقون الی صاحبهم فیعرضون ذلک علیہ فیقول:
 انطلقوا فاخرجوا الیهم اصحابیهم فانّ هؤلاء قد اتوا بسطان [عظیم] و هو قول الله: ﴿وَ کَمْ
 قَصَمْنَا مِنْ قَرْیَةٍ کَانَتْ ظَالِمَةً وَ اَنْشَانَا بِغَدَا قَوْمًا آخِرِینَ ۝ فَلَمَّا أَحْسَسُوا بِاَسْنَانَا اِذَا هُمْ
 مِنْهَا یَرْکُضُونَ ۝ لَا تَرْکُضُوا وَ اَرْجِعُوا اِلَیَّ مَا اُتْرِفْتُمْ فِیهِ وَ مَسَاکِینَکُمْ لَعَلَّکُمْ
 تُسْأَلُونَ ۝ قَالُوا یَا وِیْلَنَا اِنَّا کُنَّا ظَالِمِینَ ۝ فَمَا زَالَتْ تِلْکَ دَعْوَاهُمْ حَتّٰی جَعَلْنَاهُمْ
 حَصِیدًا خَامِدِینَ﴾ لا یرقی منهم مخبرٌ.

و عیاشی به سند خود از عبد الاعلیٰ حلبی آورده که گفت: حضرت ابو جعفر باقر علیه السلام
 در حدیثی که در آن خروج امام قائم علیه السلام را یاد کرد چنین فرمود: گویی او (یعنی قائم علیه السلام)
 و اصحابش) را می بینم که بر فراز نجف کوفه بالا می آیند، سیصد و ده و چند مرد، انگار
 دل هایشان پاره های آهن است، جبرئیل از سمت راستش، میکائیل از سمت چپش، و رعب
 به مسافت یک ماه پیش رو و یک ماه پشت سر آن حضرت می باشد، خداوند او را به وسیله
 پنج هزار فرشته نشاندار مدد می دهد تا وقتی که به نجف می رسد به اصحابش فرماید:
 امشب را به عبادت بگذرانید. پس ایشان آن شب را بین رکوع و سجود و تضرع به درگاه
 خداوند به صبح می آورند. صبحگاهان حضرت دستور می دهد: راه نخيله را پیش گیرید، در
 حالی که در کوفه ارتشی مجهز (اطراف کوفه خندق عمیق) هست. راوی پرسید: ارتشی
 مجهز؟ (خندق عمیق؟) فرمود: آری به خدا سوگند، پس آن حضرت به سوی نخيله توجه
 می کند تا در نخيله به مسجد ابراهیم علیه السلام می رسد. در آن دو رکعت نماز می گذارد. در آن
 هنگام سپاهیان سفیانی از مرجئه و غیر آنها از کوفه خروج می کند. آن حضرت به

اصحاب خود فرماید: بر آنها حمله کنید، سپس فرماید: با آنها بجنگید.

امام باقر علیه السلام فرمود: به خدا سوگند که احدی از آنان از خندق نمی گذرد که خبر ببرد، سپس آن حضرت داخل کوفه می شود پس هیچ مؤمنی باقی نمی ماند مگر اینکه در آنجا باشد یا شوق آن را در سر دارد و این است قول امیرالمؤمنین علیه السلام. سپس به اصحاب خویش فرماید: برای (نابودی) این طاغوت - یعنی سفیانی - بسیج شوید و او را به کتاب خدا و سنت پیغمبر دعوت می کند، سفیانی ابتدا به تسلیم و صلح قول می دهد، ولی قبیله کلب - که دایی های او هستند - به او می گویند: این چه کاری بود؟ به خدا سوگند که ما به هیچ وجه بر این کار با تو بیعت نکنیم. می گوید: چه کار کنم؟ گویند: با او - یعنی، امام قائم علیه السلام - جنگ کن، پس او برای جنگیدن با آن حضرت می رود. آن جناب او را نصیحت می کند و می فرماید: (از عاقبت کارت) بترس. من آنچه شرط بلاغ است به تو گفتم و (اینک) با تو می جنگم. پس فردای آن روز امام علیه السلام با آنان جنگ می کند. خداوند عالم او را بر آنان غالب می سازد و سفیانی اسیر می گردد که آن جناب او را با دست خود می کشد. بعد از آن قسمتی از سپاهیان سواره خود را به روم می فرستد که بازماندگان از بنی امیه را طلب می نمایند و چون ایشان به روم رسند به اهل آنجا گویند: همکیشان ما را که نزد شما پیدا کنید، ولی آنها از این کار خودداری می ورزند و می گویند: به خدا چنین کاری نمی کنیم. سپاهیان گویند: به خدا اگر مأمور بودیم با شما می جنگیدیم. آن گاه به نزد صاحبشان باز می گردند و جریان را به عرض می رسانند. آن حضرت فرماید: بروید با ایشان بجنگید تا بنی امیه را از ایشان بگیرید. پس بزرگ رومیان گوید: بروید بنی امیه را به دست ایشان بسپارید که با قدرت تمام آمده اند و این است (معنی) قول خداوند: «پس چون عذاب ما را احساس نمودند از آن گریزان گشتند. نگریزید و بازگردید به سوی آنچه که در آن در خوشگذرانی و آسایش بوده اید و به خانه های خود رو آورید تا شاید پرسش بشوید.»؛ یعنی گنجینه هایی که انباشته می کردند. «گویند: ای وای بر ما که ستمگر بودیم و پیوسته این سخن را گویند تا اینکه درو شده و خاموش و بی جانشان سازیم.» که هیچ خبردهنده ای از آنان باقی نماند.

آیه یکصد و هجدهم

مهدی (عج) هفتمین فرزند از نسل امام محمد باقر علیه السلام است.

خداوند در سوره انبیاء آیه ۷۳، می فرماید:

﴿يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَإِقَامَ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءَ الزَّكَاةِ
وَكَانُوا لَنَا عَابِدِينَ﴾

و ما آن‌ها را پیشوایان و امامان قرار دادیم که آن‌ها به فرمان ما امامت و رهبری کنند و به آن‌ها وحی کردیم کارهای نیک انجام دهند و نماز را برپا دارند و زکوة را بپردازند و آن‌ها عابدان و عبادت‌کنندگان ما باشند.

(۱) در کتاب تفسیر برهان مجلد ۳ صفحه ۶۶ حدیث ۱، آمده است:

عن جابر بن عبدالله الانصاری قال: رسول الله ﷺ قال يوماً: يا جابر، اذا ادركت ولدي محمداً فاقراه مني السلام. اما انه سمي و اشبه الناس بي علمه عملي و حكمه حكمي، سبعة من ولده امناء معصومون ائمة ابرار السابغ منهم مهديهم الذي يملأ الارض قسطاً و عدلاً كما ملئت جوراً و ظلماً ثم تلا رسول الله ﷺ: ﴿وَجَعَلْنَا هُمْ ائمةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَإِقَامَ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءَ الزَّكَاةِ وَكَانُوا لَنَا عَابِدِينَ﴾.

جابر بن عبدالله انصاری می گوید: روزی رسول خدا ﷺ به من فرمودند: ای جابر، هرگاه فرزند من محمد (امام محمد باقر علیه السلام) را زیارت کردی، سلام مرا به او برسان. او همانم من و شبیه‌ترین مردم به من است. علم او علم من و حکمت او حکمت من است و پس از او هفت فرزند او نسل اندر نسل (یعنی فرزند یکی پس از دیگری) ابناء او امامان معصوم هستند و هفتمین نسل ایشان، مهدی، از آنهاست. او همان کسی است که زمین را پر از عدل و داد می‌کند پس از اینکه پر از ظلم و جور شده باشد. سپس رسول خدا ﷺ این آیه را تلاوت فرمودند: ﴿وَجَعَلْنَا هُمْ ائمةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَإِقَامَ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءَ الزَّكَاةِ وَكَانُوا لَنَا عَابِدِينَ﴾.

(۲) در کتاب تفسیر برهان مجلد ۳ صفحه ۶۶ حدیث ۳، آمده است:

محمد بن العباس قال حدثنا جعفر بن محمد بن مالک، عن محمد بن الحسن، عن محمد بن علی، عن محمد بن الفضیل، عن ابی حمزة، عن ابی جعفر علیه السلام فی قوله عزوجل: ﴿وَجَعَلْنَا هُمْ ائِمَّةً يَهْتَدُونَ بِاَمْرِنَا وَ اَوْحَيْنَا﴾ قال ابو جعفر علیه السلام: یعنی الائمة من ولد فاطمة علیها السلام یوحى اليهم بالروح فی صدورهم ثم ذکر ما اکرهم الله به فقال فعل الخیرات.

ابی حمزه از امام محمد باقر علیه السلام در تفسیر این آیه ﴿وَجَعَلْنَا هُمْ ائِمَّةً يَهْتَدُونَ بِاَمْرِنَا...﴾ روایت می کند که حضرت فرمودند: یعنی، امامان و ائمه علیهم السلام از فرزندان فاطمه علیها السلام هستند که توسط روح به قلوب آنها وحی و الهام می شود. آن گاه حضرت می فرمایند که خداوند کرامت های فراوانی نسبت به انسان می فرمایند، ایشان را گرامی می دارد و آن گاه تلاوت فرمودند: ﴿فِعَلِ الْخَيْرَاتِ...﴾.

(۳) در کتاب اصول کافی مجلد ۱ صفحه ۳۱۳ حدیث ۲ باب «ان الائمة فی کتاب الله امامان»، آمده است:

محمد بن یحیی عن احمد بن محمد و محمد بن الحسین عن محمد بن یحیی، عن طلحة بن زید، عن ابی عبد الله علیه السلام قال: قال: ان الائمة فی کتاب الله عزوجل امامان قال الله تبارک و تعالی: ﴿وَجَعَلْنَا هُمْ ائِمَّةً يَهْتَدُونَ بِاَمْرِنَا﴾ لا یامر الناس یقدمون امر الله قبل امرهم و حکم الله قبل حکمهم قال: ﴿وَجَعَلْنَا هُمْ ائِمَّةً يَدْعُونَ اِلَى النَّارِ﴾ یقدمون امرهم قبل امر الله و حکمهم قبل حکم الله و یا خذون باهوائهم خلاف ما فی کتاب الله عزوجل.

امام صادق علیه السلام فرمود: ائمه در کتاب خدای عزوجل دو دسته اند: (۱) خدای تبارک و تعالی فرماید: (آیه ۷۴ س ۲۱) «و آن ها را امامانی قرار دادیم که به امر ما هدایت کنند.» نه به امر مردم، امر خدا را بر امر مردم مقدم دارند و حکم خدا را پیش از حکم مردم دانند.

(۲) و باز فرموده است: (آیه ۴۱ سوره ۲۸) «آن ها را امامانی قرار دادیم که به سوی دوزخ بخوانند.» ایشان امر مردم را بر امر خدا مقدم دارند و حکم مردم را پیش از حکم خدا دانند و برخلاف آنچه در کتاب خدای عزوجل است، طبق هوس خویش رفتار کنند.

توجه می فرمایید که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می فرمایند مهدی هفتمین فرزند و از نسل امام باقر علیه السلام است. او جهان را پر از عدل و داد می کند، پس از اینکه پر از ظلم و جور شده است.

آیه یکصد و نوزدهم

● ولایت اهل بیت علیهم السلام و ولی عصر (عج)، بهشت است، بلکه از بهشت بهتر است.

خداوند در سوره انبیاء آیه ۱۰۱ و ۱۰۲، می فرماید:

﴿إِنَّ الَّذِينَ سَبَقَتْ لَهُمْ مِنَّا الْحُسْنَىٰ أُولَٰئِكَ عَنْهَا مُبْعَدُونَ ۚ لَا يَسْمَعُونَ حَسِيسَهَا ۚ وَهُمْ فِي مَا اشْتَهَتْ أَنفُسُهُمْ خَالِدُونَ﴾

و البته مؤمنان آنان که توفیق و عده نیکوی ما شامل حالشان شده است، از دوزخ دورند. ○ آنها هرگز تغییر جهنم را نخواهند شنید و به آنچه مایل هستند در بهشت تا ابد به آن متنعم خواهند شد.

(۱) حاکم حسکانی حنفی در کتاب شواهد التنزیل صفحه ۳۲۵ می گوید:

از ابی بکر سبیعی از احمد بن حسن بن عبدالجبار صوفی از سلمان از ابی عمر نعمان بن بشیر از سمار علی ... و او می گفت:

﴿لَا يَسْمَعُونَ حَسِيسَهَا﴾ نمی شنوند نفیر آتش را، (این آیه) درباره اهل بیت علیهم السلام می باشد.

حاکم حسکانی حنفی در حدیث ۵۳۱ همین کتاب به طریقی دیگر نقل می کند که این آیه درباره اهل بیت علیهم السلام است و ﴿سَبَقَتْ لَهُمْ مِنَّا الْحُسْنَىٰ﴾ آن نعمت های نیکو ولایت این بزرگواران است.

(۲) در تفسیر المیزان مجلد ۱۴ صفحه ۳۶۷، آمده است:

فی امالی الصدوق عن النبی صلی الله علیه و آله فی حدیث: یا علی، انت و شیعتک علی الحوض تسقون من احببتهم و تمنعون من کرهتہم و انتم الامنون یوم الفرع الاکبر فی ظل العرش، یفرع الناس و لا تفرعون و یحزن الناس و لا تحزنون فیکم نزلت هذه الایه ﴿إِنَّ الَّذِينَ سَبَقَتْ لَهُمْ مِنَّا الْحُسْنَىٰ أُولَٰئِكَ عَنْهَا مُبْعَدُونَ﴾ و فیکم نزلت: ﴿لَا يَحْزَنُهُمُ الْفَرْعُ الْأَكْبَرُ وَ تَلَقَّاهُمْ

الْمَلَائِكَةُ هَذَا يَوْمُكُمْ الَّذِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ﴾.

در امالی صدوق از رسول الله ﷺ روایت آورده که در ضمن حدیثی به علی علیه السلام فرمود: تو و شیعیانت کنار حوض هستی و دوستانتان را آب می دهی و دشمنانتان را از آن منع می کنی. شما ایمنان در روز فزع الاکبر هستی، شما در زیر سایه عرش هستی. مردم همه در فزعند و شما فزعی ندارید. مردم همه اندوهناک هستند و شما اندوهی ندارید. درباره شما بود که آیه ﴿إِنَّ الَّذِينَ سَبَقَتْ لَهُمْ مِنَّا الْحُسْنَىٰ أُولَٰئِكَ عَنْهَا مُبْعَدُونَ﴾ نازل شد و درباره شما نازل شد آیه: ﴿لَا يَحْزَنُهُمُ الْفَزَعُ الْأَكْبَرُ وَ تَتَلَقَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ هَذَا يَوْمُكُمْ الَّذِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ﴾.

پس خوشا به حال کسانی که ولایت این خاندان، مخصوصاً، در حال حاضر ولایت آخرین دردانه این بیت را دارند که این ولایت آنان را به بهشت می برد و از جهنم دور می سازد نزدیکی به امام زمان (عج) از بهشت بهتر است.

روز محشر عاشقان را با قیامت کار نیست

کار عاشق جز تمنای رخ دلدار نیست

از سر کویش اگر سوی بهشتم می برند

پای نهم گر در آنجا وعده دیدار نیست

آیه یکصد و بیستم

● در زبور داوود علیه السلام به مهدی (عج) بشارت داده شده است.

خداوند در سوره انبیاء آیه ۱۰۵، می فرماید:

﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ
الصَّالِحُونَ﴾

و همانا ما نوشته ایم در زبور (حضرت داوود) که پس از (یک سلسله یادآوری ها) که سرانجام زمین را بندگان صالح به ارث خواهند برد.

زبور کتاب آسمانی است که بر حضرت داوود پیامبر علیه السلام نازل شده است و ذکر را مفسرین دو گونه بیان کرده اند. عده ای می گویند منظور از ذکر تورات است که زبور بعد از ذکر آمده است و عده ای می گویند که دو باب از زبور داوود به ظهور ولی عصر (عج) اختصاص دارد و شرح مفصل داده شده است.

اگر نظریه اول را در نظر بگیریم باید بگوییم. همانا نوشته ایم در زبور حضرت داوود علیه السلام بعد از تورات که زمین را عباد صالح به ارث می برند، اما، اگر نظریه دوم را در نظر بگیریم باید بگوییم که: همانا نوشته ایم در زبور حضرت داوود علیه السلام پس از یک سلسله یادآوری ها که زمین را سرانجام بندگان صالح به ارث خواهند برد.

(۱) در کتاب ینابیع الموده نوشته حافظ خواجه کلان قندوزی حنفی صفحه ۴۲۵، آمده است:

عن الباقر علیه السلام و الصادق علیه السلام فی قوله تعالی ﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾ قال: لا هم القائم و اصحابه.

حضرت باقر علیه السلام و حضرت صادق علیه السلام درباره این فرمایش خداوند که می فرماید: «همانا ما نوشتیم در زبور داوود پس از یک سلسله یادآوری ها که زمین را سرانجام بندگان صالح به ارث خواهند برد.» فرمودند: این عباد صالح حضرت حجة بن الحسن

العسکری (عج) قائم آل محمد و اصحاب و یاران ایشانند که سرانجام زمین را به ارث خواهند برد.

(۲) در تفسیر علی بن ابراهیم قمی مجلد ۲ صفحه ۷۷، آمده است:

علی بن ابراهیم فی تفسیره منسوب الی الصادق علیه السلام فی معنی الایة قال: الکتب کلها ذکر (الله) «أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ» قال: القائم علیه السلام و اصحابه.

علی بن ابراهیم در تفسیرش که منسوب به امام صادق علیه السلام است، در معنی این آیه گوید: فرموده تمام کتاب‌های آسمانی ذکر (خداوند) است، «البتة بندگان صالح من زمین را به ارث خواهند برد.» فرمود: حضرت قائم علیه السلام و اصحاب اویند.

(۳) در تأویل الآیات الظاهرة آمده است:

محمّد بن العباس قال: حدثنا احمد بن محمد عن احمد بن الحسن (عن ابيه)، عن الحسين بن محمد بن عبدالله بن الحسن، عن ابيه، عن ابي جعفر علیه السلام قال: قوله عزوجل: «أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ» و هم اصحاب المهدي علیه السلام آخر الزمان.

محمّد بن العباس گوید: احمد بن محمد بن احمد بن الحسن (از پدرش) از حسین بن محمد بن عبدالله بن الحسن، از پدرش، از حضرت امام باقر علیه السلام برایمان حدیث گفت که آن بزرگوار فرمود: این که خدای عزوجل فرموده: «البتة بندگان صالح من زمین را به ارث خواهند برد.» آنان اصحاب حضرت مهدی علیه السلام در آخر الزمان می باشند.

(۴) در تفسیر مجمع البیان مجلد ۷ صفحه ۶۶، آمده است که:

الطبرسی: قال ابو جعفر علیه السلام: و هم اصحاب المهدي فی آخر الزمان.

طبرسی آورده: حضرت ابو جعفر باقر علیه السلام فرمود: آنان اصحاب حضرت مهدی علیه السلام در آخر الزمان هستند.

زبور داوود علیه السلام و بشارت به موعود

داوود پیامبر یکی از پیامبران الهی است که قرآن کریم نام او را به عظمت و شکوه برده است. خداوند در قرآن کریم او را خلیفه فی الارض می خواند و ما در قرآن

می خوانیم:

﴿يَا دَاوُودُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ﴾

ای داوود، ما تو را خلیفه و نماینده خود بر روی زمین قرار دادیم تا آنکه در میان مردم به حق داوری نمایی.

از این پیامبر الهی کتابی به جای مانده است به نام زبور و ما در این کتاب آسمانی (کتاب مزامیر یا زبور داوود باب ۳۷ صفحه ۸۵۶) چنین می خوانیم:

از شریران رنجیده مشو و بر بدکاران حسد مبر، زیرا که مثل علف زود بریده می شوند و مثل گیاه سبز پژمرده می گردند. به خداوند متوکل و به نیکویی مشغول باش تا در زمین ساکن بوده و به حقیقت پرورش یابی... . او صداقت را مثل نور و حکمت را مثل نصف النهار بیرون خواهد آورد... . متوکلان به خداوند وارث زمین خواهند شد و اندک است که شریر نیست می شود که هر چند مکانش را استفسار نمایی ناپیدا خواهد بود، اما متواضعان وارث زمین شده، از کثرت سلامتی متلذذ خواهند شد... . زیرا منتظران خداوند وارث زمین خواهند شد و ملعونان وی منقطع خواهند شد. خداوند قدم های انسان را مستحکم می کند و راهش متبجح است. از بدی برگرد و به نیکوئی مشغول شو تا پیوسته ساکن شوی زیرا که خداوند عدالت را دوست دارد و مقدسان خود را و انمی گذارد. تا ابد محفوظ می شوند، در حالی که ذریه شریران منقطع است، صدیقان وارث زمین شده و در آن ساکن خواهند بود... . به خداوند پناه برده، راهش را نگاه دارد که تو را به وراثت زمین برافروزد و در وقت منقطع شدن شریران آن را خواهی دید. (۲۱)

به امید آن روز به سر می بریم که این گفته خداوند در زبور داوود تحقق پذیرد که / مفسدان و شریران و جانیان و استعمارگران و استثمارگران نیست و نابود شوند و مانند علف زود بریده گردند و در مقابل متوکلان به خدا و مستضعفین جهان وارث زمین شوند. به امید آن روز به سر می بریم که نسل ملعونان از روی زمین منقطع شود و بی دینی به اتمام برسد و جامعه توحیدی و الهی مهدی (عج) برپا شود. به امید آن روز

به سر می بریم که آن مرد خدا از سلاله پاک اجداد طاهرینش قیام کند و با قیام دلیرانه خودش به بی عدالتی ها پایان دهد، چه زیباست آن روز.

باز در کتاب زبور داوود، مزمور ۲۷ آمده است: (البته این جملات دعاهایی است که به وسیله داوود پیامبر علیه السلام بیان شده است) «ای خدا احکام خود را به ملکه زاده عطا فرما تا آن که قوم تو را به عدالت و فقرای تو را به انصاف حکم نمایند...، فقیران قوم را حکم نماید و پسران مسکینان را نجات دهد و ظالم را بشکند...، در روزهایش صدیقان شکوفه خواهند نمود و زیادتی سلامتی تا باقی ماندن ماه (خواهد بود)، از دریا تا دریا و از شهر تا اقصی نقاط زمین سلطنت خواهند نمود... بلکه، تمامی ملوک به او کرنش خواهند نمود و تمام امم او را بندگی خواهند کرد، زیرا که فقیر را وقتی که فریاد می کند و مسکین که نصرت کننده ندارد، خلاصی خواهد داد و به ذلیل و محتاج ترحم خواهد فرمود و جان های مسکینان را نجات خواهد داد، جان ایشان را از ستم و ظلم نجات خواهد داد و هم در نظرش خون ایشان قیمتی خواهد بود و زنده مانده زرشب به او بخشیده خواهد شد...»:

اسم او ابدی بماند و دشمنی مثل آفتاب باقی بماند، در او مردمان برکت خواهند یافت و تمامی قبایل او را خجسته خواهند گفت:... بلکه اسم ذوالجلالش ابدی مبارک باد، تمام زمین از جلالش پرشود، آمین و آمین؛ دعاهای داوود پسریشی تمام شد.

توجه می فرمایید که در این کتاب آسمانی باز از ظلم، عدل و قسط، نیکی و بدی، پاکی و ناپاکی... سخن رفته است و به این نکته اشاره شده است که سرانجام فردی قیام خواهد کرد و ظلم و جور و بدی را به عدل و قسط و نیکی تبدیل خواهد کرد.

آیه یکصد و بیست و یکم

● رجعت با ظهور مهدی علیه السلام شروع می شود.

خداوند در سوره حج آیه ۷، می فرماید:

﴿وَأَنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا وَأَنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ﴾

به تحقیق ساعت (یا قیامت) فرا می رسد و در آن هیچ شک و تردیدی نیست و

خداوند برمی انگیزد از قبرها.

همان طوری که قبلاً اشاره کردیم ما دو قیامت داریم؛ یکی قیامت کبری و دیگری قیامت صغری. در قیامت کبری که همان یوم الاخرة است، انسان های اولین و آخرین در آن روز مبعوث شده و از قبرها بیرون می آیند، اما قیامت صغری، قیام و انقلاب حضرت بقیة الله الاعظم (عج) است که در آن نیز عده ای به عنوان «رجعت» از قبرها برانگیخته می شوند و در به وقوع پیوستن این دو قیامت هیچ شک و تردیدی نیست. اهل سنت نیز با ما هم عقیده هستند چنان که:

(۱) حافظ عبدالرحمن بن ابی بکر سیوطی شافعی فقیه و مفسر بزرگ اهل سنت در تفسیر الدر المنثور به نقل از سنن ابی داوود و به روایت ابوسعید خدری یکی از صحابه رسول خدا صلی الله علیه و آله چنین نقل می کند:

عن ابی سعید الخدری رضی الله عنه قال قال رسول الله صلی الله علیه و آله: لا تقوم الساعة حتی یملک الأرض (المهدی) منی، أجلي الجبهة، أقني الأنف، یملأ الارض قسطاً و عدلاً، کمی ملئت قبله ظلماً و جوراً، یكون سبع سنین.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: ساعت بر پا نشود تا زمانی که (مهدی) از من (و از فرزندان من)، در روی زمین به حکومت برسد. (مشخصات او چنین است) پیشانیش

گشاده و بلند و بینی اش کشیده است. او زمین را پراز عدل و داد خواهد کرد، همان گونه که پیش از او پراز ظلم و جور شده است.

(۲) باز حافظ سیوطی در تفسیر الدرالمثور مجلد ۶ صفحه ۵۰ به نقل از امام احمد حنبل (رهبر حنبلی ها) چنین نقل می کند:

و أخرج احمد (ابن حنبل) عن ابي سعيد الخدري رضي الله عنه قال: قال رسول الله ﷺ: أبشركم بالمهدى يبعثه الله في امتي على اختلاف من الزمان و زلازل، فملاً الأرض قسطاً و عدلاً كمى ملئت جوراً و ظلماً، و يرضى عنه ساكنوا السماء و ساكنوا الارض، ليقسم المال صحاحاً فقال له رجل: ما صحاحاً؟ قال ﷺ بالسوية بين الناس و يملأ قلوب امة محمد ﷺ غنى، و يسعهم عدله، حتى يأمر منادى ينادى يقول: من كانت له في مال جاجة؟ فما يقوم من المسلمين الا رجل واحد، فيقول اتت السادن (يعنى الخازن) فقل له: ان المهدى يأمرك أن تعطيني مالاً، فيقول له: احث حتى إذا جعله في حجره و ابرزه ندم فيقول: كنت أجشع امة محمد ﷺ نفساً اذا عجز عني ما وسعهم قال ﷺ: فيرد فلا يقبل منه، فيقال له: إنا لا نأخذ شيئاً اعطيناه.

امام احمد حنبل از ابوسعید خدری رضی الله عنه روایت کرده است که: رسول خدا ﷺ فرمودند: من شما را به مهدی بشارت می دهم، خداوند او را زمانی بر می انگیزاند که مردم در اختلاف شدید به سر می برند و زمین لرزه و زلزله زیاد است، پس مهدی زمین را پراز عدل و داد می کند همان طوری که پراز ظلم و جور شده است، (هنگامی که او ظهور می کند) ساکنان آسمان و زمین از او و ظهورش خشنود و خوشحال هستند او مال و ثروت را به طور صحیح تقسیم می کند، در این هنگام فردی سؤال کرد یا رسول الله، مقصود از تقسیم مال صحیح چیست؟ حضرت ﷺ فرمودند: یعنی به طور مساوی میان مردم تقسیم می نماید (بدون تبعیض) او دل های امت محمد را از غنا آکنده می کند و عدل او آنان را فرا می گیرد تا آنجا که او دستور می دهد (منادی یا سخنگوی او اعلام کند) و می گوید: ای مردم، چه کسی احتیاج به مال و ثروت دارد؟ به

محمد بن العباس روایت می‌کند از محمد بن همام و او روایت می‌کند از محمد بن اسماعیل، او می‌گوید عیسی بن داوود گفت که موسی بن جعفر علیه السلام فرمودند: از پدرم (یعنی امام صادق علیه السلام) سؤال کردم منظور از کلام خداوند که می‌فرمایند «وَبَشِّرِ الْمُخْبِتِينَ» تا آخر آیه (چیست)؟ حضرت صادق علیه السلام فرمودند: (مخبتین ما هستیم) و این آیه مخصوصاً در شأن ما (اهل بیت علیهم السلام) نازل شده است. مخبتین (خبت) به کسانی گفته می‌شود که برای اطاعت خداوند منقادند و از غیر خداوند بریده‌اند.

قرآن کریم برای مُخْبِتِین چند خصوصیت را بیان می‌کند:

۱. هنگامی که در حضور این‌ها یاد خداوند برده می‌شود: «وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ»، قلب ایشان خشیت می‌یابد. این‌ها به قلب مطمئن رسیده‌اند. یاد خداوند تمام وجود آن‌ها را به لرزه در می‌آورد.

۲. این‌ها در مقابل همه مصائب و مشکلات صابرند؛ «وَالصَّابِرِينَ عَلَى مَا أَصَابَهُمْ».

۳. این‌ها نماز را برپا می‌دارند، «وَالْمُقِيمِي الصَّلَاةِ»، مُقِيم (قَوْم) به معنی برپا دارند و «المُقیمی» به معنی برپا دارندگان نماز است؛ نه اینکه نماز می‌خوانند بلکه این‌ها نماز را برپا می‌دارند.

۴. «وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ»، از آنچه که خداوند روزی آن‌ها کرده است، انفاق می‌کنند و می‌بخشند.

مصدق واقعی این‌ها اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام هستند، و در حال حاضر حضرت ولی عصر حجة بن الحسن العسکری (عج) مصداق واقعی این آیه است.

و کسانی که منتظران ظهور این بزرگوار هستند باید این خصوصیات را در وجود خود تقویت نمایند و برنامه‌های خودسازی را فراموش نکنند، زیرا منتظر واقعی کسی است که:

اولاً خودسازی نماید.

ثانیاً زمینه‌سازی کند.

ثالثاً دیگرسازی را فراموش نکند.

تا ظهور به وقوع بپیوندد. (ان شاء الله)

آیه یکصد و بیست و سوم

● بزرگترین مدافع حضرت بقیة الله الاعظم، خدای عزوجل است.

خداوند در سوره حج آیه ۳۸، می فرماید:

﴿إِنَّ اللَّهَ يُدَافِعُ عَنِ الَّذِينَ آمَنُوا﴾

خداوند از کسانی که ایمان آورده اند دفاع می کند.

* در تفسیر برهان مجلد ۳ صفحه ۹۳، آمده است:

محمد بن العباس قال: حدثنا محمد بن الحسن بن علی قال: حدثني ابي، عن ابي عمر بن

منصور بن یونس، عن اسحق بن عمار قال: سئلت ابا عبد الله عليه السلام عن قول الله عزوجل: ﴿إِنَّ

اللَّهُ يُدَافِعُ عَنِ الَّذِينَ آمَنُوا﴾ قال: نحن الذين يدافع الله عنا ما اذاعت شيعتنا.

اسحق بن عمار می گوید از امام صادق عليه السلام درباره تفسیر کلام خداوند که می فرمایند:

﴿إِنَّ اللَّهَ يُدَافِعُ عَنِ الَّذِينَ آمَنُوا﴾، خداوند از کسانی که ایمان آورده اند دفاع می کند،

پرسیدم. حضرت فرمودند: ما بیم کسانی که خداوند از آنها دفاع می کند تا شیعیان ما به

آن خوشحال و مسرور کردند.

آیه یکصد و بیست و چهارم

● نصرت نهایی اسلام به دست ولی عصر (عج) است.

خداوند در سوره حج آیه ۳۹، می فرماید:

﴿أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتَلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلَمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ﴾

و خداوند اذن داد به مؤمنین (آن‌ها که مورد ظلم واقع شدند) برای مبارزه و جنگ نمودن با مشرکین و خداوند بر یاری نمودن آن‌ها قادر و توانا است.

(۱) حاکم حسکانی شافعی در کتاب شواهد التنزیل صفحه ۳۳۶ حدیث ۵۵۱،

می گوید:

حاکم حسکانی گوید: خبر داد به ما ابوالحسن اهوازی و او از ابوبکر بیضاوی... و از

زیاد مدینی و او از زید بن علی بن الحسین علیه السلام نقل می کند که آن بزرگوار فرمودند: ﴿أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتَلُونَ...﴾ این آیه درباره ما (اهل بیت) نازل شده است.

(۲) در تاویل الآیات الظاهرة صفحه ۳۳۱ و تفسیر برهان مجلد ۳ صفحه ۹۳

حدیث ۴، آمده است:

محمّد بن العباس قال: حدثنا الحسين بن احمد الملكی [المالکی] عن محمد بن عیسی،

عن یونس، عن مثنی الحنّاط، عن عبد الله بن عجلان، عن ابی جعفر علیه السلام فی قول الله عزوجل:

﴿أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتَلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلَمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ﴾ قال فی القائم علیه السلام

و اصحابه.

محمّد بن العباس گوید: حسین بن احمد ملکی [مالکی] از محمد بن عیسی، از

یونس، از مثنی حنّاط، از عبد الله بن عجلان، از حضرت ابوجعفر امام باقر علیه السلام حدیثمان

داد که آن جناب درباره فرموده خدای عزوجل: «به کسانی که با آنان نبرد می شود اجازه

جنگ داده شده به خاطر این که به آن‌ها ستم شده و خداوند بر یاری آنان تواناست.»

فرمودند: درباره حضرت قائم علیه السلام و اصحاب اوست.

(۳) در تفسیر علی بن ابراهیم قمی مجلد ۲ صفحه ۸۴ و تفسیر برهان مجلد ۳ صفحه ۹۴ حدیث ۱۰، آمده است:

علی بن ابراهیم قال: حدثنی ابی عن ابن ابی عمیر، عن ابن مسکان، عن ابی عبد الله علیه السلام فی قوله: «أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلَمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ» قال: [أَنَّ] العامّة يقول نزلت فی رسول الله صلی الله علیه و آله لما اخرجته قریش من مکه و انما هو القائم علیه السلام [هی للقائم] اذا خرج يطلب بدم الحسین علیه السلام و هو قوله: نحن اولیاءکم فی الدم و طلب الدیة [اولیاء الدم و طلاب الدیة].

علی بن ابراهیم گوید: پدرم از ابن ابی عمیر، از ابن مسکان، از حضرت ابی عبد الله امام صادق علیه السلام برایم حدیث گفته که آن حضرت راجع به فرموده خداوند «به کسانی که با آنان نبرد می شود اجازه جنگ داده شده به خاطر این که به آنها ستم شده و خداوند بر یاری آنان تواناست.» فرمود: اهل سنت می گویند این آیه درباره پیغمبر صلی الله علیه و آله نازل شد هنگامی که کفار قریش آن حضرت را از مکه بیرون کردند و حال آن که او قائم علیه السلام است که چون خروج کند برای حسین علیه السلام خون خواهی نماید و این است فرمایش او که ما اولیای خون و طالبان دیه هستیم.

(۴) در تفسیر صافی صفحه ۳۶۴، آمده است:

عن الصادق علیه السلام ان العامه يقولون نزلت فی رسول الله صلی الله علیه و آله لما اخرجته قریش من مکه و انما هو القائم اذا خرج يطلب دم الحسین علیه السلام و هو يقول نحن اولیاء الدم و طلاب الثره.
امام صادق علیه السلام می فرمایند: عامه می گویند که این آیه در شأن رسول الله صلی الله علیه و آله نازل شده در آن هنگام که قریش باعث خروج آن حضرت از مکه شدند. ولی (ما می گوئیم) منظور آیه حضرت قائم علیه السلام است، هنگامی که برای طلب خون حسین علیه السلام قیام می کند و می گوید ما یم ولی دم و طلب کنندگان خون حسین بن علی علیه السلام.

آیه یکصد و بیست و پنجم

● قائم آل محمد ﷺ کل جهان را تسخیر می کند.

خداوند در سوره حج آیه ۴۱، می فرماید:

﴿الَّذِينَ إِِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا
بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ لِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ﴾

آنان که ما اگر آنان را در زمین تمکین دهیم (و در زمین استقرار) پیدا کنند، نماز را برپا می دارند و زکوة خود را می پردازند و امر به معروف و نهی از منکر می کنند و عاقبت همه کارها برای خداوند است.

(۱) حاکم حسکانی حنفی در کتاب شواهد التنزیل صفحه ۳۳۷ حدیث ۵۵۴ می گوید:
برای من بیان کرد فرات بن ابراهیم و او از حسین بن سعید نقل کرد و او از ابی جعفر امام
محمد باقر علیه السلام نقل کرده است که ایشان فرمودند: خداوند تعالی می فرماید: ﴿الَّذِينَ إِِنْ
مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ...﴾ فرمودند: به خدا سوگند (این آیه) درباره ما نازل شده است.

(۲) حاکم حسکانی حنفی در کتاب شواهد التنزیل صفحه ۳۳۸ حدیث ۵۵۴ می گوید:
فرات نقل کرد از احمد بن قاسم و او از جعفر بن محمد جمال و او از یحیی بن هاشم
و او از ابو منصور که ابی خلیفه برای ما نقل حدیث کرد که به کنیزی فرمودند: ای کنیز،
فرش مناسبی را بیاور....

پس به حضرت علیه السلام گفتیم: (یا بن رسول الله) ما چگونه امام و صاحب امر (یا
مهدی موعود) را بشناسیم؟ حضرت فرمودند: خداوند فرمودند: ﴿الَّذِينَ إِِنْ مَكَّنَّاهُمْ
فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ﴾
اگر آنان را مستولی گردانیم در زمین و مانع را برایشان برطرف نماییم نماز را برپا
می دارند و زکوات می دهند و امر به معروف و نهی از منکر می نمایند. اگر چنین مودی از
ما را دیدی پس پیروی او کن. به درستی که او صاحب امر است.

(۳) باز حاکم حسکانی حنفی در کتاب شواهد التنزیل صفحه ۳۳۸ حدیث ۵۵۶، می‌گوید:

حاکم حسکانی گوید: فرات گفت: نقل حدیث کرد مرا حسین بن علی بن زریع، از اسماعیل بن ابان، از فضیل بن زبیر، از پدرش که علی علیه السلام فرمود: هنگامی که قائم آل محمد عجل الله تعالی فرجه الشریف ظاهر شود می‌فرمایند: ای مردم، ما یمیم کسانی که خداوند وعده داد شما را در کتابش و فرمودند: ﴿الَّذِينَ إِن مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوْا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ...﴾

(۴) خواجه کلان قندوزی حنفی در کتاب ینابیع المودة صفحه ۴۲۵ می‌گوید:
و قوله تعالی فی سوره الحج ﴿الَّذِينَ إِن مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوْا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ لِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ﴾ عن ابی الجارود عن الباقر علیه السلام قال: هذه الآية نزلت فی المهدي و اصحابه یملكهم الله مشارق الارض و مغاربها و یمظهر الله بهم الدین حتی لا یری اثر من الظلم و البدع.
از ابی جارود از امام باقر علیه السلام که آن حضرت فرمودند: این آیه نزولش در شأن مهدی و اصحاب اوست که مالک شوند شرق و غرب زمین را و ظاهر می‌کند خداوند دین را به وسیله ایشان تا آنجا که باقی نمی‌ماند اثری از ظلم و بدعت؛ از امام صادق علیه السلام نیز مثل آن روایت شده است.

(۵) در کتاب تاویل الآیات الظاهره صفحه ۳۴۳، آمده است:

محمد بن العباس قال: حدثنا محمد بن الحسين بن حميد، عن جعفر بن عبد الله (الكوفي)، عن كثير بن عياش، عن ابی الجارود، عن ابی جعفر علیه السلام فی قوله عزوجل ﴿الَّذِينَ إِن مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوْا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ لِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ﴾ قال: هذه لآل محمد المهدي علیه السلام و اصحابه یملكهم الله مشارق الارض و مغاربها و یمظهر الدین و یمیت الله عزوجل به و باصحابه البدع و الباطل کما امات السفهة الحق حتی لا یری اثر من الظلم و یامرون بالمعروف و ینهون عن المنکر ﴿وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ﴾.

محمد بن عباس گوید: محمد بن الحسین بن حمید، از جعفر بن عبدالله (کوفی)، از کثیر بن عیاش، از ابوالجارود، از امام ابو جعفر باقر علیه السلام برایمان حدیث آورد که آن جناب درباره فرموده خدای عزوجل: «کسانی که اگر در زمین به آنان توانایی دهیم نماز را به پا داشته و زکات (به مستحق) بخشیده و به معروف امر نموده و از منکر نهی کنند و عاقبت کارها به دست خداوند است.»، فرمود: این برای محمد و آل است مهدی علیه السلام و اصحاب او است، خداوند متعال مشارق و مغارب زمین را به تصرف آنها در آورد و دین را آشکار سازد، و خداوند متعال به وسیله او و یارانش بدعتها و باطل را از بین می برد، همچنان که سفیهان، حق را میرانده باشند، تا جایی که اثری از ظلم دیده نشود و امر به معروف و نهی از منکر خواهند نمود «و آخر کارها به دست خدا است.».

(۶) در تفسیر علی بن ابراهیم قمی مجلد ۲ صفحه ۸۷ و تفسیر صافی صفحه ۳۶۵، آمده است:

علی بن ابراهیم قال: فی روایة ابی الجارود عن ابی جعفر علیه السلام (فی قوله): «الَّذِينَ إِن مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ» فهذه (الآية) لآل محمد علیه السلام الى آخر الآية و المهدی علیه السلام و اصحابه یملکهم الله مشارق الارض و مغاربها و ینظر الدین و یمیت الله به و [ب] اصحابه البدع و اباطل کما امات السفهة الحق حتی لا یری اثر الظلم «وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ لِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ».

علی بن ابراهیم گوید: در روایت ابوالجارود است از حضرت ابو جعفر امام باقر علیه السلام (درباره قول خداوند) «کسانی که اگر در زمین به آنان توانایی دهیم، نماز را به پا داشته و زکات (به مستحق) بخشیده» که این (آیه) برای آل محمد علیه السلام است تا آخر آیه. خداوند حضرت مهدی (عج) و اصحابش را مالک و مسلط بر مشارق و مغارب زمین خواهد ساخت و دین را آشکار و غالب خواهد فرمود و خداوند به او و (به دست) اصحابش بدعتها و باطل را از بین خواهد برد، همچنان که سفیهان حق را میرانده باشند تا جایی که اثری از ظلم دیده نشود (و امر به معروف و نهی از منکر نمایند).

آیه یکصد و بیست و ششم

● کافران در ظهور قائم آل محمّد (عج) در عذاب هستند.

خداوند در سوره حج آیه ۵۵، می فرماید:

﴿وَلَا يَزَالُ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي مِرْيَةٍ مِنْهُ حَتَّى تَأْتِيَهُمُ السَّاعَةُ بَغْتَةً أَوْ يَأْتِيَهُمْ عَذَابٌ يَوْمٍ عَقِيمٍ﴾

کسانی که کفر ورزیدند، آن‌ها همیشه در شک به سر می‌برند تا زمانی که ساعت ناگهان آن‌ها را فراگیرد یا تا زمانی که عذاب روز عقیم برای آن‌ها بیاید.

* در تفسیر الدر المنثور مجلد ۶ صفحه ۶۱ نوشته حافظ عبدالرحمن سیوطی

مفسر و فقیه شافعی، آمده است:

أخرج الحاكم و صححه عن عقبه بن عامر رضی الله عنه: سمعت رسول الله صلی الله علیه و آله يقول: لا تنزل عصابة من امتي يقاتلون على أمر الله ظاهرين على العدو لا يضرهم من خالفهم حتى تأتيهم الساعة وهم على ذلك.

فقال عبدالله بن عمر: و يبعث الله ريحاً ريحها المسك، و مسها مس الحرير، فلا تترك نفساً في قلبه مثقال حبة من الايمان الا قبضته، ثم يبقى شرار الناس عليهم تقوم الساعة.

حاکم نیشابوری (صاحب کتاب المستدرک علی الصحیحین) این روایت را صحیح دانسته و از عقبه بن عامر نقل کرده است که: از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که می فرمود: همواره گروهی از امت من در راه خداوند پیکار کرده و بر دشمن غالب می شوند و کسی که با آن‌ها مخالفت کند به آنان زبانی نرساند، تا اینکه ساعت بر آن‌ها فرا برسد و آنان در همین وضع باشند.

پس عبدالله بن عمر گفت: و خداوند بادی را که بوی مشک می دهد و چون حریر نرم است برمی انگیزد، پس، هیچ کس را که به اندازه ذره ای ایمان در قلبش باشد باقی نمی گذارد و جان او گرفته می شود. سپس، بدترین مردم باقی می مانند و ساعت بر آن‌ها پایدار می شود.

آیه یکصد و بیست و هفتم

● مهدی (عج) منتقم حقیقی است.

خداوند در سوره حج آیه ۶۰، می فرماید:

﴿ذَلِكَ وَ مَنْ عَاقَبَ بِمِثْلِ مَا عُوقِبَ بِهِ ثُمَّ بُغِيَ عَلَيْهِ لِيَنْصُرَنَّهُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ لَعَفُوٌّ غَفُورٌ﴾

و هر کس عقوبت کند و انتقام بگیرد به مانند آنچه که به او ظلم شده است و سپس باز بر او ستم شود، هر آینه خداوند او را یاری کند، و همانا خداوند عفو کننده و آمرزنده است.

(۱) در کتاب ینابیع المودة نوشته خواجه کلان قندوزی حنفی صفحه ۴۲۵، آمده

است:

و قوله تعالى: ﴿ذَلِكَ وَ مَنْ عَاقَبَ بِمِثْلِ مَا عُوقِبَ بِهِ ثُمَّ بُغِيَ عَلَيْهِ لِيَنْصُرَنَّهُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ لَعَفُوٌّ غَفُورٌ﴾ عن جعفر الصادق عليه السلام قال في تفسير هذه الآية ان رسول الله صلى الله عليه وآله لما اخرجته قريش من مكة و هرب منهم الى النار و طلبوه ليقتلوه فعوقب ثم في بدر عاقب لانه قتل «عقبة بن ربيعة» و «شيبه بن ربيعة» و «الوليد بن عتبة» و «حنظلة بن ابي سفيان» و «ابو جهل» و غيرهم فلما قبض رسول الله صلى الله عليه وآله بغى عليه «ابن هند بنت عتبة بن ربيعة» بخروجه عن طاعة امير المؤمنين عليه السلام و بقتل ابنه «يزيد» «الامام الحسين عليه السلام» «بغياً و عدواناً».... ثم قال تعالى: ﴿لِيَنْصُرَنَّهُ اللَّهُ﴾؛ يعنى، بالقائم المهدي من ولده صلى الله عليه وآله.

حافظ قندوزی حنفی به اسناد خود از سلام بن مستنیر از امام جعفر صادق عليه السلام در مورد فرموده خداوند متعال: ﴿ذَلِكَ وَ مَنْ عَاقَبَ بِمِثْلِ مَا عُوقِبَ بِهِ ثُمَّ بُغِيَ عَلَيْهِ لِيَنْصُرَنَّهُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ لَعَفُوٌّ غَفُورٌ﴾ روایت نموده است که فرمودند: هنگامی که قریش رسول خدا صلى الله عليه وآله را از مکه بیرون کردند و آن حضرت به غار رفتند و قریش در جستجوی او شدند تا او را پیدا کرده و به قتل برسانند «فعوقب» (پس به آن حضرت ظلم کردند). سپس رسول خدا صلى الله عليه وآله در جنگ بدر آن‌ها را عقاب نمودند «عاقب» (و از آن‌ها انتقام

گرفتند) و در این جنگ عتبه بن ربیعہ، شیبہ بن ربیعہ، ولید بن عتبه، حنظله بن ابی سفیان، ابوجهل و برخی دیگر از آنان را به قتل رسانیدند. سپس هنگامی که رسول خدا ﷺ رحلت نمود فرزند هند، دختر عتبه بن ربیعہ (یعنی معاویة بن ابی سفیان) با بیرون رفتن از تحت اطاعت امیرالمؤمنین علیؑ و با قتل فرزندش یزید، امام حسینؑ را از روی ستم و دشمنی (بر آن حضرت، یعنی رسول خدا ﷺ، سرکشی و ستمگری کردند.)، سپس خداوند متعال فرمودند: ﴿لَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ﴾ (همانا خداوند او را یاری می کند.)؛ یعنی، توسط قائم مهدی، از فرزندانش، او را نصرت خواهد نمود.

(۲) در تفسیر علی بن ابراهیم قمی مجلد ۲ صفحه ۸۲ و تفسیر برهان مجلد ۳ صفحه ۱۰۲، آمده است:

علی بن ابراهیم فی تفسیره: فهو رسول الله ﷺ لَمَّا أَخْرَجْتَهُ قَرِيشَ مِنْ مَكَّةَ وَ تَقَرَّبَ مِنْهُمْ إِلَى الْغَارِ وَ طَلَبُوهُ لِيَقْتُلُوهُ فَعَاقَبَهُمُ اللَّهُ يَوْمَ بَدْرٍ فَقَتَلَ عَتْبَةَ وَ شَيْبَةَ وَ الْوَلِيدَ وَ أَبَا جَهْلٍ وَ حَنْظَلَةَ بْنَ أَبِي سَفْيَانَ وَ غَيْرَهُمْ، فَلَمَّا قَبِضَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ طَلَبَ بَدْمَائِهِمْ فَقَتَلَ الْحُسَيْنَ ﷺ وَ آلَ مُحَمَّدٍ ﷺ بَغْيًا وَ عَدْوَانًا وَ هُوَ قَوْلُ يَزِيدٍ حِينَ تَمَثَّلَ بِهَذَا الشَّعْرِ:

ليت اشياخى ببدر شهدوا	جزع الخزرج من وقع الاسل
لأهلوا واشتهلوا فرحا	ثم قالوا يا يزيد لاتشل
ليست من خندق ان لم انتقم	من نبى احمد ما كان فعل
قد قتلنا القوم من ساداتهم	وعَدَلْنَاهُ ببدر فاعتدل
وقال الشاعر فى مثل ذلك (شعراً):	
وكذلك الشيخ اوصانى به	فاتبعْتُ الشيخَ فيما قد سأل
وقال يزيداً ايضاً (شعراً):	

نقول و الراس مطروح تُقَلِّبُهُ	يا ليت اشياخنا الماضين بالحضر
حتى يقيسوا قياساً لا يقاس به	ايام بعد لكان الوزن بالقدر

فقال الله تبارك و تعالى: «و من عاقب»؛ یعنی، رسول الله ﷺ «بمثل ما عوقب به»؛ یعنی، حسیناً ارادوا ان يقتلوه. ﴿ثُمَّ بُغِيَ عَلَيْهِ لِيَنْصُرَنَّ اللَّهُ﴾؛ یعنی، بالقائم علیؑ من ولده.

علی بن ابراهیم در تفسیرش گوید: او رسول خدا ﷺ است، هنگامی که قریش آن حضرت را از مکه بیرون (آواره) کردند و آن جناب از (دست) آن‌ها به سوی غار گریخت. آن‌ها به جستجویش پرداختند تا حضرت را بکشند. پس، خداوند آن‌ها را روز بدر عقوبت کرد که عتبه و شیبه و ولید و ابوجهل و حنظله بن ابی سفیان و غیرهم کشته شدند. پس از رحلت رسول خدا ﷺ، آن نابکاران به خونخواهی مقتولین خود پرداختند و امام حسین علیه السلام و آل محمد علیهم السلام را از راه ظلم و تعدی کشتند؛ این است (معنی) قول یزید که به این شعر تمثیل زد: ای کاش هم اکنون بزرگان قوم من که در بدر کشته شدند، می‌بودند و شاهد ناله و اندوه خزر جیان از فرود آمدن شمشیرها و نیزه‌ها (بر پیکر پیشوایانشان) می‌شدند که از شادی و خوشحالی به هم تبریک گفته و سپس فریاد برمی‌آوردند: ای یزید، دستت بریده مباد، از تیره خندق نیستم اگر از فرزندان احمد به خاطر آن چه او کرد انتقام نکشم. ما بزرگان این قوم را کشتیم و با بدر آن را هم‌تا و برابر ساختیم. شاعر همانند این معنی را (از زبان یزید پلید) در قالب (شعری) گفته: و این گونه شیخ (خلیفه) به من توصیه کرد، پس آن چه را خواسته بود به جای آوردم.

هم چنین یزید، در حالی که سر مطهر در برابر او بود، چنین (شعر) گفت:

در حالی که این سر افتاده و ما آن را زیر و رو می‌کنیم چنین می‌گوییم: ای کاش هم اکنون بزرگان پیشین ما حاضر بودند تا بین این جریان با روزهای بدر مقایسه می‌کردند، مقایسه‌ای بی نظیر که وزن آن برابر می‌شد.

پس خدای تبارک و تعالی فرموده: «و هر کس عقوبت شده»؛ یعنی، رسول خدا ﷺ (به مانند جریانی که به آن عقوبت شده)، مقصود هنگامی است که خواستند آن حضرت را بکشند «سپس بر او ستم شد خداوند او را یاری می‌کند.»؛ یعنی، به وسیله قائم علیه السلام از فرزندان او.

زمانی که انسان تاریخ اسلام را مطالعه می‌کند، خون می‌گرید و هنگامی که به آینده و ظهور ولی عصر (عج) چشم می‌دوزد، لبخند می‌زند.

چه ظلم‌هایی که کفار قریش به رسول خدا علیه السلام نکردند؛ قبل از هجرت سر راهش خار

می ریختند قبل از هجرت سر راهش خار و بر سرش آتش و خاکستر می ریختند، و در مسجد الحرام هنگامی که حضرت در حال سجده بودند. سیرابی شتر و محتویات داخلش روی سر حضرت می ریختند، یارانش را می کشتند و... سر انجام آن حضرت مجبور شدند به امر الهی هجرت کنند. در جنگ بدر حضرت انتقام خوبی گرفتند، در این جنگ عتبه بن ربیع، شیبه بن ربیع، ولید بن عتبه، حنظله ابن ابی سفیان و ابوجهل و... را به قتل رساندند.

آنها (به دروغ) ایمان آوردند، اما پس از رحلت آن حضرت بنی امیه و بنی العباس و دیگران دخترش را کشتند، امیرالمؤمنین علی علیه السلام را به قتل رساندند، امام حسن علیه السلام را مسموم نمودند و سیدالشهدا علیه السلام را با عده‌ای از بنی هاشم و یاران آن حضرت به قتل رساندند، زن و بچه آنها را اسیر کردند و شهر به شهر می چرخاندند و... و فرزندان امیرالمؤمنین علیه السلام و فاطمه زهرا علیها السلام را، یکی پس از دیگری، به قتل رساندند. این گذشته، دردناک است اما آینده زیبایی در پیش خواهیم داشت. آن آینده زیبا را حدیث چنین بیان می فرماید:

ثم قال تعالى: ﴿لَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ﴾؛ یعنی، بالقائم المهدي (عج) من ولده عليه السلام.

سپس، خداوند متعال فرمودند: «خداوند همانا او را یاری می کند.»؛ یعنی، توسط قائم مهدی از فرزندان او را نصرت خواهد کرد.

و چه زیباست روز قیام

و چه زیباست روز خروج

و چه زیباست روز انقلاب

و چه زیباست روز بقیة الله الاعظم روحی فداک

اللهم اجعلنا من انصاره و اعوانه... ان شاء الله.

آیه یکصد و بیست و هشتم

● ثبات کل عالم، به اذن الله، به وسیله امام زمان (عج) است.

خداوند در سوره حج آیه ۶۵، می فرماید:

﴿... وَ يُمْسِكُ السَّمَاءَ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ﴾

و نگاه دارد آسمان را از اینکه بر زمینی فرو افتد، مگر به اذن او.

* در کتاب غایة المرام صفحه ۶۹۲، نوشته علامه بزرگوار آیت الله سید هاشم

بحرانی، آمده است:

رَوَى الْعَلَمَةُ الْبَحْرَانِي، عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الْفَقِيهِ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ شَاذَانَ مِنْ طَرِيقِ الْعَامَةِ بِحَدْفِ الْأَسْنَادِ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ: حَدَّثَنِي جَبْرِئِيلُ عَنْ رَبِّ الْعِزَّةِ جَلَّ جَلَالُهُ أَنَّهُ قَالَ: «مَنْ عَلَّمَ ابْنَ لَأَلِهِ الْإِنَانِ وَحَدِي وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدِي وَرَسُولِي، وَأَنَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ عَلِيٌّ خَلِيفَتِي، وَأَنَّ الْأَئِمَّةَ مِنْ وَلَدِهِ حَجَّتِي أَدْخَلْتَهُ الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِي وَنَجَيْتَهُ مِنَ النَّارِ بِعَفْوِي.» إِلَى أَنْ قَالَ الرَّاوي: فَقَامَ جَابِرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ أَنْصَارِي، فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ مِنَ الْأَئِمَّةِ مَنْ وَلَدَ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ؟ قَالَ ﷺ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ سَيِّدَا شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ، ثُمَّ سَيِّدَا الْعَابِدِينَ فِي زَمَانِهِ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ، ثُمَّ الْبَاقِرُ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ وَ سَتَدْرِكُهُ يَا جَابِرُ، أَدْرَكَتَهُ فَاقْرَأْهُ مِنِّي السَّلَامَ، ثُمَّ الصَّادِقُ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ، ثُمَّ الْكَاطِمُ مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ، ثُمَّ الرَّضَا عَلِيُّ بْنُ مُوسَى عَلَيْهِمَا السَّلَامُ، ثُمَّ التَّقِيُّ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ ثُمَّ النَّقِيُّ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ ثُمَّ الزُّكِيُّ الْحَسَنُ الْعَسْكَرِيُّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ، ثُمَّ ابْنُهُ (الْقَائِمُ) بِالْحَقِّ (مَهْدِيٌّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ) أُمَّتِي الَّذِي يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا، هَؤُلَاءِ يَا جَابِرُ، خَلْفَائِي وَ أَوْصِيَائِي وَ أَوْلَادِي وَ عَتَرَتِي؛ مَنْ اطَاعَهُمْ فَقَدْ اطَاعَنِي، مَنْ عَصَاهُمْ فَقَدْ عَصَانِي وَ مَنْ أَنْكَرَهُمْ أَوْ أَنْكَرُوا أَحَدًا مِنْهُمْ فَقَدْ أَنْكَرَنِي (وَجْهَهُمْ يُمْسِكُ اللَّهُ السَّمَاءَ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ) وَ بِهِمْ يَحْفَظُ اللَّهُ الْأَرْضَ مِنْ أَنْ تَمِيدَ بِأَهْلِهَا.

اقول ذكر النبي ﷺ هذه الآية الكريمة في هذا المجال دليل ترولها في الاثمة الاثني

عشر عليهم السلام و لو تأويلاً الذي هو حقيقة القرآن و روح الوحي.

علامه بحرانی از ابوالحسن فقیه، محمد بن احمد بن شاذان، از طریق اهل سنت با حذف اسناد از رسول خدا ﷺ نقل کرده است که فرمود: جبرئیل از رب العزة جل جلاله مرا حدیث کرد که خدا فرمود: هر کس بداند که خدایی نیست مگر من به تنهایی و این که محمد ﷺ بنده و رسول من است و علی بن ابی طالب ﷺ خلیفه من است و امامان از اولاد او حجت‌های من می‌باشند، وی را به رحمت خویش در بهشت وارد سازم و به عفو خود از آتش برهانم.» تا آن‌جا که راوی گوید: در این هنگام جابر بن عبدالله انصاری رضی الله عنه برخاست و عرض کرد ای رسول خدا ﷺ، امامان از اولاد علی بن ابی طالب ﷺ کی هستند؟ فرمود: حسن و حسین رضی الله عنهما دو سرور جوانان اهل بهشت، سپس سرور عابدان در زمان خویش علی بن حسین رضی الله عنهما، سپس باقر رضی الله عنهما، محمد بن علی رضی الله عنهما، که تو ای جابر به زودی زمان او را درک خواهی کرد. پس، هنگامی که او را دیدی سلام مرا به او برسان. سپس صادق جعفر بن محمد پس کاظم موسی بن جعفر رضی الله عنهما، سپس رضا علی بن موسی رضی الله عنهما، سپس تقی محمد بن علی رضی الله عنهما، سپس نقی علی بن محمد رضی الله عنهما، سپس زکی حسن بن عسکری رضی الله عنهما، سپس فرزند او «قائم» به حق (مهدی امت من (عج))، آن‌که زمین را از قسط و عدل پر می‌سازد، همان‌گونه که از ظلم و جور آکنده گشته است. اینان ای جابر، جانشینان من و اوصیایم و اولاد و عترتم می‌باشند. هر کس از آنان اطاعت کند، مرا اطاعت کرده است و هر که نافرمانی ایشان کند، مرا نافرمانی کرده است؛ هر کس آنان را و یا یکی از ایشان را انکار کند، مرا انکار کرده است و به واسطه ایشان است که «خدا آسمان را از این که بر زمین فرود آید، نگاه می‌دارد.» و به واسطه آنهاست که خدا زمین را، از این که ساکنینش را فرو برد حفظ می‌کند.

مؤلف: یاد کردن پیامبر اکرم ﷺ این آیه را در این مقام، دلیلی است بر نزول آن در شأن ائمه دوازده گانه رضی الله عنهم، اگر چه از نظر تأویل باشد که حقیقت قرآن و روح وحی است.

آیه یکصد و بیست و نهم

● در حال حاضر امام زمان علیه السلام بهترین عبد صالح خداوند است.

خداوند در سوره حج آیات ۷۷ و ۷۸، می فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَزْكِعُوا وَ أَسْجُدُوا وَ أَعْبُدُوا رَبَّكُمْ وَ أَفْعَلُوا الْخَيْرَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ۝ وَ جَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ هُوَ اجْتَبَاكُمْ وَ مَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ مِلَّةَ أَبِيكُمْ إِبْرَاهِيمَ هُوَ سَمَّاكُمُ الْمُسْلِمِينَ مِنْ قَبْلُ وَ فِي هَذَا لِيَكُونَ الرَّسُولُ شَهِيداً عَلَيْكُمْ وَ تَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ وَ اعْتَصِمُوا بِاللَّهِ هُوَ مَوْلَاكُمْ فَنِعْمَ الْمَوْلَى وَ نِعْمَ النَّصِيرُ﴾

ای کسانی که ایمان آورده اید، رکوع کنید و به سجده بروید و پروردگارتان را عبادت کنید و کار نیک کنید که رستگار شوید ○ و در راه خدا آن چنان که شایسته است، جهاد کنید. او شما را برگزید و بر شما در دین حرجی قرار نداده دین پدرتان ابراهیم. او شما را از قبل و در این قرآن مسلمین نامید تا رسول بر شما شاهد باشد و شما بر مردم شاهدانی باشید. پس نماز را برپا دارید و زکات بدهید و به خدا معتصم شوید. او مولای شماست، پس چه خوب مولایی است و چه خوب یاری است.

(۱) در غایة المرام صفحه ۲۶۴ و ۲۶۵، نوشته علامه بزرگوار سید هاشم بحرانی

آمده است:

روی العلامة السید هاشم بحرانی فی کتابه (غایة المرام) عن العالم الشافعی ابراهیم بن

محمد الحموینی، باسناده المذكور عن سلیم بن قیس هلالی فی حدیث طویل قال:

اقسم علی بن ابی طالب علیه السلام اکثر من ماتی رجل من اصحاب رسول الله صلی الله علیه و آله و التابعین، و

كانوا مجتمعین فی مجلس واحد، ناشدهم بالله علی امور و قال فیما قال: أنشدکم الله أتعلمون

أن الله انزل فی سورة الحج ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَزْكِعُوا وَ أَسْجُدُوا وَ أَعْبُدُوا رَبَّكُمْ وَ

أَفْعَلُوا الْخَيْرَ» الی آخر السورة، فقام سلمان فقال: یا رسول الله ﷺ، من هؤلاء الذین انت علیهم شهید و هم شهداء علی الناس الذین اجتباهم الله و لم یجعل علیهم فی الدین من حرج، ملته ابراهیم؟ قال ﷺ: «عنی بذلک ثلاثه عشر رجلاً خاصة دون هذه الامة.» قال سلمان ﷺ: یتیم لنا یا رسول الله ﷺ. قال ﷺ: «انا و اخی علی و أحد عشر من ولدی.» قالوا: ای اصحاب و التابعین تصدیقاً لعلی بن ابی طالب ﷺ [اللهم، نعم.

اقول و الاحد عشر من ولد النبی ﷺ كما نص علیهم الرسول نفسه فی موارد اخرى، منها فی الایة السابقة (الحج ۶۵)، هم الحسن بن علی ﷺ، و الحسین بن علی ﷺ و علی بن الحسین ﷺ و محمد بن علی الباقر ﷺ و جعفر بن محمد الصادق ﷺ و موسی بن جعفر موسی الکاظم ﷺ و علی بن موسی الرضا ﷺ و محمد بن علی الجواد ﷺ و علی بن محمد الهادی النقی ﷺ و الحسن بن علی النقی العسکری ﷺ و الحجة بن الحسن المهدي المنتظر صلوات الله علیهم اجمعین فهذه الایة الکریمة تشمل - بتفسیرها - الامام المهدي ﷺ.

علامه سید هاشم بحرانی، در کتاب خویش، غایة المرام، از عالم شافعی ابراهیم بن محمد حموینی به اسناد مذکورش، از سلیم بن قیس هلالی - در حدیثی طولانی - چنین نقل می کند: علی بن ابی طالب ﷺ، بیش از ۲۰۰ تن از اصحاب رسول خدا ﷺ و تابعین را، در حالی که همگی در یک مجلس گرد آمده بودند، سوگند داد. آن ها را در چندین مورد قسم داد و از جمله فرمود:

شما را به خدا سوگند، آیا می دانید که خدا در سوره حج نازل فرمود: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ارْكَعُوا وَ أَسْجُدُوا وَ أَعْبُدُوا رَبَّكُمْ وَ أَفْعَلُوا الْخَيْرَ﴾ (تا پایان سوره) و آن گاه سلمان ﷺ برخاست، عرض کرد؛ ای رسول خدا، چه کسانی هستند اینان که تو بر آن ها گواهی و آنان بر مردم گواهان باشند. اینان که خداوند آن ها را برگزید و بر آنان در دین، که همان آئین ابراهیم است، حرجی قرار نداده است؟ آن حضرت ﷺ فرمود: مقصود از این افراد سیزده مرد به طور خاص می باشد و نه تمامی این امت. سلمان ﷺ گفت: ای رسول خدا، آنان را برای ما بیان فرما. فرمود: من و برادرم علی و یازده تن از اولاد من ﷺ، (در این هنگام اصحاب و تابعین به عنوان تصدیق حضرت علی ابن

ابی طالب علیه السلام گفتند: بار خدایا، آری.

مؤلف: این یازده تن از اولاد پیامبر صلی الله علیه و آله همان گونه که در مواردی دیگر، مانند آیه گذشته (سوره حج، آیه ۶۵)، خود حضرت رسول صلی الله علیه و آله از آن ها آشکارا نام برده است. حسن بن علی، حسین بن علی، علی بن الحسین، محمد بن علی باقر، جعفر بن محمد الصادق، موسی بن جعفر کاظم، علی بن موسی الرضا، محمد بن علی جواد، علی بن محمد الهادی نقی، حسن بن علی نقی عسکری، حجة بن الحسن مهدی منتظر صلوات الله علیهم اجمعین می باشند. پس این آیه کریمه بر حسب تفسیر آن، شامل امام مهدی علیه السلام می شود.

(۲) در اصول کافی مجلد ۱ کتاب الحجة صفحه ۲۷۱، آمده است:

علامة بزرگوار محمد بن یعقوب کلینی به نقل از علی بن ابراهیم قمی و ایشان از پدرش و ایشان از محمد بن ابی عمیر، و او از ابن اذینه و او از برید العجلی (در ضمن حدیثی) نقل می کند که به امام محمد باقر علیه السلام گفتم:

...قلت: قوله تعالى ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَلْزَمُوا الْوَجْهَ وَاسْجُدُوا وَاعْبُدُوا رَبَّكُمْ وَافْعَلُوا الْخَيْرَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾ وَ جَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ هُوَ اجْتَبَاكُمْ قَالَ إِيَّانَا عَنِّي وَ نحن المجتوبون و لم يجعل الله تبارك و تعالى في الدين «من ضيق» فالخرج أشد من الضيق «ملة أبيكم ابراهيم» إِيَّانَا عَنِّي خاصة و «سماكم المسلمين» الله سمنا المسلمين «من قبل» في الكتب التي مضت «و في هذا» القرآن ﴿لِيَكُونَ الرَّسُولُ شَهِيداً عَلَيْكُمْ وَ تَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ﴾ فمن صدق يوم القيامة صدقناه و من كذب كذبناه.

به امام باقر علیه السلام گفتم خداوند می فرمایند: «ای اهل ایمان رکوع کنید و سجده کنید و پروردگارتان را بپرستید و نیکی کنید، شاید رستگار گردید و در راه خداوند کار زار کنید چنان که سزاوار کار زار کردن برای اوست. او شما را برگزید.»

حضرت علیه السلام فرمودند: خداوند ما (اهل بیت) را در نظر گرفته، ماییم برگزیدگان او خداوند در زمین حرجی قرار نداده، حرج از تنگ گرفتن سخت تر است و اینکه می فرمایند: «ملة ابيكم ابراهيم» ملت پدرتان ابراهیم، «إِيَّانَا عَنِّي خاصه» تنها ما را در

نظر گرفته (و ملت ابراهیم ما اهل بیت هستیم).

«و سَمَّاكُم الْمُسْلِمِیْنَ» و شما را مسلمان نامیده، خداوند (ما اهل بیت علیهم السلام) را مسلمان نامیده از پیش از این‌ها در کتاب‌های آسمانی قبل (نظیر انجیل و تورات و زبور و صحف و...) و این کتاب؛ یعنی، قرآن.

﴿لَیَكُوْنَنَّ الرَّسُوْلُ شَهِیْدًا عَلَیْكُمْ وَ تَكُوْنُوْنَ شُهَدَاءَ عَلَی النَّاسِ﴾ تا پیامبر بر شما گواه باشد و شما بر مردم گواه باشید، پس رسول خدا صلی الله علیه و آله گواه بر ما است نسبت به آنچه از جانب خداوند تبارک و تعالی تبلیغ نموده‌ایم و ما تا روز قیامت بر مردم گواهیم. هر که ما را تصدیق کند تصدیقش کنیم و هر که تکذیب کند تکذیبش کنیم.

هم اکنون روی کره زمین، بهترین بنده برگزیده خداوند حضرت حجة بن الحسن العسکری علیه السلام است و او بهترین رکوع کننده و بهترین سجده کننده؛ او بهترین عبادت کننده خداوند متعال است. او یک ملت است. او مسلمان واقعی است و خداوند در تمام کتب آسمانی قبل از او سخن گفته و به او بشارت داده است. رسول خدا صلی الله علیه و آله شاهد بر اوست و او شاهد بر «ناس» یا کل انسان‌ها است. هر کس او را تصدیق کند، در روز قیامت تصدیق می‌شود و هر کس این بزرگوار را تکذیب کند، روز قیامت تکذیبش می‌کنند.

آیه یکصد و سی ام

● صراطِ امام زمان صراط مستقیم است.

خداوند در سوره مؤمنون آیات ۷۳ و ۷۴، می فرماید:

﴿وَإِنَّكَ لَسَتَدْعُوهُمْ إِلَىٰ صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ ۝ وَإِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ
بِالْآخِرَةِ عَنِ الصِّرَاطِ لَنَاكِبُونَ﴾

حقیقتاً تو آنها را به راهی راست هدایت می نمائی ○ اما آن کسانی که اعتقاد به عالم آخرت ندارند، از این راه راست روی گردانند.

(۱) در تفسیر برهان مجلد ۳ صفحه ۱۱۷، آمده است:

عن الاصبع بن نباته عن علی علیه السلام: قال قوله عزوجل: ﴿وَإِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ
عَنِ الصِّرَاطِ لَنَاكِبُونَ﴾ قال عن ولايتنا.

اصبع بن نباته می گوید: حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام: در تفسیر این آیه: «آنها که به عالم آخرت ایمان ندارند، از این راه راست روی گردانند.» فرمودند: آنها از ولایت ما (که راه راست است) روی گردانند.

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم مردم را به ولایت و راه راست هدایت فرمودند، اما کسانی که معتقد به قیامت نیستند از راه ولایت خارج می شوند.

(۲) در تفسیر صافی مجلد ۲ صفحه ۱۴۶، آمده است:

﴿وَإِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ عَنِ الصِّرَاطِ لَنَاكِبُونَ﴾ القمی قال: الامال
لحادون.

(۳) در تفسیر صافی مجلد ۲ صفحه ۱۴۶ آمده است:

وفی الکافی عن الصادق علیه السلام قال: قال امیرالمؤمنین علیه السلام: ان الله تبارک و تعالی لو شاء
لعرف العباد نفسه و لکن جعلنا ابوابه و صراطه و سبيله و الوجه الذی یوتی منه فمن عدل عن
ولايتنا او فضل علينا غیرنا فانهم عن الصراط لاناكبون.

در کتاب کافی محمد بن یعقوب کلینی نقل می کند از امام صادق علیه السلام که آن حضرت

فرمودند: امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: اگر خداوند می خواست، نفس خود را به مردم می شناسانید، ولی ما را باب‌ها و درهای معرفت خود قرار داده و وجه خویش نموده، بنابراین، هر کس از ولایت ما روگرداند و یا دیگران را بر ما ترجیح دهد ﴿فَأَنَّهُمْ عَنِ الصِّرَاطِ لَنَّاكِبُونَ﴾ از این راه راست روی گردانیده‌اند. این‌ها باب الله هستند، هر کس بخواهد خداوند را بشناسد باید از این درها وارد معرفت الهی شود.

(۴) در تفسیر برهان مجلد ۳ صفحه ۱۱۷ حدیث ۱۱ آمده است:

محمد بن العباس قال: حدثنا احمد بن المفضل الاهوازی، عن بكر بن محمد بن ابراهيم غلام الخليل، قال: حدثنا زيد بن موسى، عن ابيه موسى، عن ابيه جعفر، عن ابيه محمد، عن ابيه علي بن الحسين، عن ابيه الحسين، عن ابيه علي بن ابي طالب علیه السلام فی قول الله عزوجل: ﴿وَإِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ عَنِ الصِّرَاطِ لَنَّاكِبُونَ﴾ قال عن ولايتنا اهل البيت.

محمد بن عباس نقل می‌کند از احمد بن مفضل اهوازی و او از بکر بن محمد بن ابراهیم و او از زید بن موسی و او از پدرش موسی علیه السلام و حضرت از پدرش جعفر علیه السلام و ایشان از پدرش محمد علیه السلام و او از پدرش علی بن الحسین علیه السلام و حضرت از پدرش حسین بن علی علیه السلام و او از پدرش علی بن ابي طالب علیه السلام درباره این آیه که خداوند می‌فرماید: «کسانی که به قیامت ایمان نیاورده‌اند از این راه راست روی گردانیدند.» فرمود: امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: (این‌ها) از ولایت ما اهل بیت روی می‌گردانند.

(۵) در تفسیر برهان مجلد ۳ صفحه ۱۱۷ حدیث ۱۲، آمده است:

قال حدثنا علي بن العباس رضی الله عنه، عن جعفر الزماني، عن حسن بن حسين بن علوان، عن سعد بن ظريف، عن الاصبع بن نباته، عن علي علیه السلام قال: قوله عزوجل: ﴿وَإِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ عَنِ الصِّرَاطِ لَنَّاكِبُونَ﴾ قال عن ولايتنا.

در این حدیث نیز اصبع بن نباته از امیرالمؤمنین علیه السلام درباره همین آیه نقل می‌کند که حضرت می‌فرمایند این راه راست ولایت ما می‌باشد.

پس کسانی که معتقد به امام زمان (عج) هستند و در مسیر و صراط او حرکت می‌کنند، در صراط مستقیم هستند و کسانی که اعتقاد به ایشان ندارند ذر صراط‌های دیگر، که غیر مستقیم است، قرار دارند و به قیامت عقیده ندارند.

آیه یکصد و سی و یکم

● ظهور ولی عصر علیه السلام با صدای آسمانی همراه است و در آن ظهور، مؤمنین برادر واقعی یکدیگر هستند.

خداوند در سوره مؤمنون آیه (۱۰۱)، می فرماید:

﴿فَإِذَا نُفِخَ فِي الصُّورِ فَلَا أَنْسَابَ بَيْنَهُمْ يَوْمَئِذٍ وَ لَا يَتَسَاءَلُونَ﴾

پس چون در صور دمیده شود در آن روز هیچ نسبی بین آنان نیست و پرسیده نشوند.

(۱) ابوجعفر محمد بن جریر طبری مفسر و مورخ بزرگ اهل سنت در کتاب دلائل

الامامه صفحه ۲۶۰، آورده است:

قال أَخْبَرَنِي أَبُو الْحَسَنِ: عَنْ أَبِيهِ، عَنْ ابْنِ هَمَامٍ قَالَ: حَدَّثَنَا سَعْدَانُ بْنُ مُسْلِمٍ، عَنْ جُهْمِ بْنِ أَبِي جُهْمَةَ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ مُوسَى عليه السلام يَقُولُ: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى خَلَقَ الْأَرْوَاحَ قَبْلَ الْأَجْسَادِ بِكَفَى عَامٍ ثُمَّ خَلَقَ الْأَبْدَانَ بَعْدَ ذَلِكَ، فَمَا تَعَارَفَ مِنْهَا فِي السَّمَاءِ تَعَارَفَ فِي الْأَرْضِ وَمَا تَنَاطَرَ مِنْهَا فِي السَّمَاءِ تَنَاطَرَ فِي الْأَرْضِ فَذَا قَامَ الْقَائِمُ عليه السلام وَرَثَ الْأَخِ فِي الدِّينِ وَلَمْ يَوْرَثِ الْأَخُ فِي الْوِلَايَةِ وَ ذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فِي كِتَابِهِ: ﴿قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ﴾. ﴿فَإِذَا نُفِخَ فِي الصُّورِ فَلَا أَنْسَابَ بَيْنَهُمْ يَوْمَئِذٍ وَ لَا يَتَسَاءَلُونَ﴾.

ابوجعفر محمد بن جریر طبری می گوید: ابوالحسین از پدرش از ابن همام برایم خبر داد که گفت: سعدان بن مسلم از جهم بن ابی جهمه برایمان حدیث گفت که: شنیدم حضرت ابوالحسن موسی بن جعفر علیه السلام می فرمودند: خداوند تبارک و تعالی ارواح را دو هزار سال قبل از ابدان (بدن ها) خلق کرده، ابتدا ارواح را خلق کرد و بعد از دو هزار سال ارواح را خلق نمود. پس هر کدام در آسمان با یکدیگر ناشناس بودند، در زمین نیز با یکدیگر ناشناس خواهند بود. پس چون قائم علیه السلام به پا خیزد، برادر دینی از برادر دینی خود ارث خواهد برد، اما برادرانی که از یک پدر و یک مادر بوده اند از یکدیگر ارث

نمی‌برند. این است فرموده خداوند عزوجل در کتابش که می‌فرمایند: «همانا اهل ایمان به پیروزی و رستگاری رسیدند. پس چون در صور دمیده شود در آن روز هیچ نسبی بین آنان نیست و پرسیده نشوند.»

(۲) این حدیث را علامه بزرگوار آیت‌الله سید هاشم بحرانی در تفسیر برهان مجلد ۳ صفحه ۱۲۰ نیز آورده است:

طبق این دو حدیث آیه «انّما المؤمنون اخوة» در زمان حکومت جهانی ولی عصر (عج) جامه عمل به خود می‌پوشد.

آیه یکصد و سی و دوم

● حضرت قائم (عج) فضل و رحمت خداوند است.

خداوند در سوره نور آیه ۱۰، می فرماید:

﴿وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ وَأَنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ حَكِيمٌ﴾

اگر فضل و رحمت خداوند شامل حال شما نمی شد (چه می شد) که خداوند توبه پذیر و حکیم است.

(۱) در تفسیر برهان مجلد ۳ صفحه ۱۲۶ حدیث آمده است:

العیاشی عن زرارة، عن ابی جعفر علیه السلام و حمران، عن ابی عبد الله علیه السلام قال: ﴿وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ﴾ قال: فضل الله رسوله ورحمته ولا یة الائمة علیهم السلام.

عیاشی از زراره و ایشان از امام محمد باقر علیه السلام و همچنین حمران، از امام صادق علیه السلام نقل می کند که این دو بزرگوار؛ یعنی، امام باقر و امام صادق علیهم السلام نقل می کنند درباره این آیه: «اگر فضل و رحمت خداوند شامل حال شما نمی شد (چه می شد) که خداوند توبه پذیر و حکیم است.»، فرمودند: این رحمت ولایت (دوازده) امام است.

(۲) در تفسیر برهان مجلد ۳ صفحه ۱۲۶ حدیث ۲، آمده است:

عن محمد بن الفضیل، عن ابی الحسن علیه السلام فی قوله ﴿وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ﴾ قال: الفضل رسول الله صلی الله علیه و آله ورحمته علی بن ابی طالب علیه السلام.

محمد بن فضیل نقل می کند از ابی الحسن علیه السلام درباره این فرموده خداوند ﴿وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ﴾ که فرمودند: فضل، رسول خدا صلی الله علیه و آله است و رحمت، علی بن ابی طالب علیه السلام است.

(۳) در تفسیر برهان مجلد ۳ صفحه ۱۲۶ حدیث ۳، آمده است:

عن محمد بن الفضیل، عن العبد الصالح علیه السلام قال: الرحمة رسول الله صلی الله علیه و آله و الفضل علی بن ابی طالب علیه السلام.

محمد بن فضیل نقل می کند از ابی الحسن عبد صالح خداوند درباره این آیه فرمودند: «رحمت» رسول الله است و «فضل» علی بن ابی طالب علیه السلام است.

(۴) در تفسیر برهان مجلد ۳ صفحه ۱۲۶ حدیث ۴، آمده است:

ابن شهر آشوب عن ابن عباس و محمد بن مجاهد، فی قوله تعالی: ﴿وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ﴾ فضل الله محمد صلی الله علیه و آله و رحمته علی علیه السلام و قیل فضل الله علی علیه السلام و رحمته فاطمة علیها السلام.

ابن شهر آشوب از ابن عباس و محمد بن مجاهد روایت می کند درباره این فرموده خداوند «اگر فضل و رحمت خداوند شامل حال شما نمی شد» حضرت فرمودند: فضل الله حضرت محمد صلی الله علیه و آله است و رحمت خداوند علی بن ابی طالب علیه السلام. باز فرمودند: فضل الله علی علیه السلام است و رحمتش فاطمه علیها السلام است. به هر حال چهارده معصوم هم فضل خداوند هستند و هم رحمت مخصوص او و هم اکنون امام زمان (عج) فضل و رحمت خداوند است.

آیه یکصد و سی و سوم

● «یهدی الله لنوره من یشاء» حضرت قائم مهدی (عج) است.

خداوند در سوره نور آیه ۳۵، می فرماید:

﴿اللَّهُ نُورُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ مِثْلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لَا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ نُورٌ عَلَى نُورٍ يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ﴾

خداوند نور (هادی) آسمانها و زمین است، مثل و داستان نورش به مشکاتی ماند که در آن روشن چراغی باشد، آن چراغ در میان شیشه‌ای، آن شیشه همچون ستاره درخشانی تالو کند، از درخت مبارک زیتون روشن باشد که با آنکه شرقی و غربی نیست، شرق و غرب گیتی بدان فروزان است و بی آنکه آتشی زیت آن را برافروزد، خود به خود جهانی را روشنی بخشد، که پرتو آن نور حقیقت بر نور معرفت قرار گرفته و خداوند هر که را خواهد به نور خویش هدایت فرماید و این مثلها را خداوند برای مردم می‌زند و خداوند به همه امور داناست.

* در کتاب تفسیر برهان مجلد ۳ صفحه ۱۳۶ حدیث ۱۶، آمده است:

رَوَى عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيِّ، قَالَ: دَخَلْتُ إِلَى مَسْجِدِ الْكُوفَةِ وَامِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَكْتُبُ بِاصْبَغِهِ وَيَتَبَسَّمُ، فَقُلْتُ لَهُ: يَا امِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، مَا الَّذِي يَضْحَكُ؟ فَقَالَ: عَجِبْتُ لِمَنْ يَقْرَأُ هَذِهِ الْآيَةَ وَلَمْ يَعْرِفْهَا حَقَّ مَعْرِفَتِهَا، فَقُلْتُ لَهُ: وَآيَ آيَةٍ يَا امِيرَ الْمُؤْمِنِينَ؟ فَقَالَ: قَوْلُهُ تَعَالَى ﴿اللَّهُ نُورُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ مِثْلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ﴾ الْمَشْكَاةُ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، ﴿فِيهَا مِصْبَاحٌ الْمِصْبَاحُ﴾ أَنَا الْمِصْبَاحُ، ﴿فِي زُجَاجَةٍ الزُّجَاجَةُ﴾ الزُّجَاجَةُ الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ، ﴿كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ﴾ وَهُوَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ، ﴿يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ﴾ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ،

﴿زَيْتُونَةٍ﴾ جعفر بن محمد، ﴿لَا شَرْقِيَّةٍ﴾ موسى بن جعفر، ﴿وَلَا غَرْبِيَّةٍ﴾ علی بن موسی (الرضا)، ﴿يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ﴾ محمد بن علی، ﴿وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ﴾ علی بن محمد، ﴿نُورٌ عَلَى نُورٍ﴾ الحسن بن علی، ﴿يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ﴾ القائم المهدي عليه السلام، ﴿وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ﴾

از جابر بن عبدالله انصاری روایت شده که گوید: به مسجد کوفه داخل شدم. دیدم حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام با انگشت چیزی می نویسد و تبسم می کند. گفتم: یا امیرالمؤمنین، چه چیزی موجب خنده شما شده؟ فرمود: در شگفتم از کسی که این آیه را می خواند ولی آن طور که شایسته است به معنی آن معرفت ندارد. عرض کردم: حضرت فرمود: آن طور فرموده خداوند ﴿اللَّهُ نُورُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ مِثْلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ﴾. المشكاة حضرت محمد صلی الله علیه و آله است، ﴿فِيهَا مِصْبَاحٌ الْمِصْبَاحُ﴾ مصباح من هستم، ﴿فِي زُجَاجَةٍ الزُّجَاجَةُ﴾ زجاجه: حسن و حسین می باشند، ﴿كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ﴾ و او علی بن الحسین است، ﴿يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ﴾ محمد بن علی است، ﴿زَيْتُونَةٍ﴾ جعفر بن محمد است، ﴿لَا شَرْقِيَّةٍ﴾ موسى بن جعفر است، ﴿وَلَا غَرْبِيَّةٍ﴾ علی بن موسی (الرضا) است، ﴿يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ﴾ محمد بن علی است، ﴿وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ﴾ علی بن محمد است، ﴿نُورٌ عَلَى نُورٍ﴾ الحسن بن علی است، ﴿يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ﴾ قائم مهدی است که درود بر آنان باد، ﴿وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ﴾

آیه یکصد و سی و چهارم

● در بیوت ائمه طاهریں و بیت ولی عصر (عج) نام خداوند بلند است.

خداوند در سوره نور آیات ۳۶ و ۳۷، می فرماید:

﴿فِي بُيُوتِ الَّذِينَ اللَّهُ أَنْ تَرْفَعَ وَ يُذَكَّرَ فِيهَا أَسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ ۝ رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَ لَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَ إِقَامِ الصَّلَاةِ وَ إِيتَاءِ الزَّكَاةِ يَخَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَ الْأَبْصَارُ﴾

در خانه هایی که اجازه داده تا او را ارجمند دارند و هر بامدادان و شامگاهان او را یاد کنند.

(۱) در تفسیر الدر المنثور حافظ عبدالرحمن سیوطی مجلد ۵ صفحه ۵۰، در ذیل

این آیه آورده است:

اخرج ابن مردويه انس بن مالک و بريدة قالوا: قرء رسول الله ﷺ هذه الآية: ﴿فِي بُيُوتِ الَّذِينَ اللَّهُ أَنْ تَرْفَعَ﴾ فقام اليه رجل فقال اي بيوت هذه يا رسول الله؟ قال: بيوت الانبياء اليه، ابوبكر فقال: يا رسول الله، هذا البيت منها لبیت علی و فاطمه. قال: نعم من افاضلها.

ابن مردويه از انس بن مالک و بريدة روایت کرده که گفتند: وقتی رسول خدا ﷺ آیه: ﴿فِي بُيُوتِ الَّذِينَ اللَّهُ أَنْ تَرْفَعَ...﴾ را خواندند، مردی برخاست و گفت: این کدام بیوت است؟ حضرت ﷺ فرمودند: بیوت پیامبران. ابوبکر برخاست و گفت: ای رسول خدا، این بیت نیز از آنهاست (و اشاره کرد به خانه امیرالمؤمنین و فاطمه زهرا علیها السلام)، رسول خدا ﷺ فرمودند: آری، بلکه این بیت از بهترین آنهاست (قال نعم من افاضلها).

(۲) حاکم حسکانی در کتاب شواهد التنزیل صفحات ۳۴۶ و ۳۴۷ احادیث شماره

۵۶۶ و ۵۶۷ می آورد که نظیر گفته حافظ سیوطی است.

(۳) در تفسیر برهان مجلد ۳ صفحه ۱۳۸ حدیث ۹، آمده است:

عنه قال حدثنا محمد بن الحسن بن علی عن ابيه، قال: حدثنا ابي عن محمد بن عبد الحميد، عن محمد بن الفضيل قال: سئلت ابا الحسن عليه السلام عن قول الله عز وجل: ﴿فِي بُيُوتِ

أَذِنَ اللَّهُ أَنْ تُرْفَعَ وَ يُذَكَرَ فِيهَا أَسْمُهُ». قال: بيوت محمد ﷺ ثم بيوت علي ﷺ.

محمد بن الحسن بن علی روایت می کند از پدرش و او نقل می کند و او هم از پدرش روایت می کند و او از محمد بن عبدالحمید و او از محمد بن فضیل که می گوید سؤال کردم از ابا الحسن ﷺ درباره این قول خداوند: ﴿فِي بُيُوتِ أَذِنَ اللَّهُ...﴾. حضرت ﷺ فرمودند: منزل رسول خدا ﷺ و منزل علی ﷺ است.

(۴) در تفسیر برهان مجلد ۳ صفحه ۱۳۹ حدیث ۱۰، آمده است:

محمد بن یعقوب عن محمد بن همام، عن محمد بن اسماعيل، عن عيسى بن داود قال: حدثنا الامام موسى بن جعفر عن ابيه ﷺ في قول الله عز وجل: ﴿فِي بُيُوتِ أَذِنَ اللَّهُ أَنْ تُرْفَعَ وَ يُذَكَرَ فِيهَا أَسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَ الْأَصَالِ ۝ رِجَالٌ﴾ قال بيوت آل محمد بيت علي و فاطمة و الحسن و الحسين و حمزة و جعفر صلوات الله عليهم اجمعين، قلت بالغدو و الاصال؟ قال: الصلوة في اوقاتها. قال: ثم وصفهم الله عز وجل فقال: ﴿لَا تُلْهِهِمْ تِجَارَةٌ وَ لَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَ إِقَامِ الصَّلَاةِ وَ إِيْتَاءِ الزَّكَاةِ يَخَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَ الْأَبْصَارُ﴾. قال: هم الرجال هم يخلط الله معهم غيرهم، ثم قال: ليجزيهم الله احسن ما عملوا و يزيدهم من فضله قال ما اختصهم به من المودة و الطاعة المفروضة و ما صيرو صير ماؤيهم الجنة لهم الجنة والله يرزق من يشاء بغير حساب.

حضرت موسی بن جعفر ﷺ در مورد این فرموده خداوند «در خانه هایی که نامش را ارجمند می دارند...» فرمودند: این بیوت، بیوت آل محمد و بیت علی و فاطمه و حسن و حسین و حمزه و جعفر صلوات الله عليهم اجمعين است. راوی می گوید گفتم: هر صبح و شام؟ حضرت ﷺ فرمودند: در هنگام نمازها و در وقتشان. حضرت ﷺ فرمودند: پس خداوند عزوجل ایشان را چنین وصف کرده است: مردانی که نه تجارت و نه داد و ستدی آنها را از یاد خداوند و برپا داشتن نماز و دادن زکوة غافل نمی کند و از روزی که دلها و دیده ها در آن دگرگون می شود بیم دارند تا خداوند بهتر از آنچه انجام داده اند جزا دهد...

از مجموعه احادیث استنباط می شود که این بیوت، بیوت رسول خدا ﷺ و امیرالمؤمنین ﷺ و فاطمه زهرا ﷺ و یازده امام ﷺ بعد از آنهاست و در حال حاضر این بیت، بیت حضرت حجة بن الحسن العسکری (عج) است.

آیه یکصد و سی و پنجم

● خداوند به ظهور قائم آل محمد (عج) و خلافت او وعده داده است.

خداوند در سوره نور آیه ۵۵، می فرماید:

﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ
كَمَا أَسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لَيُمْكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَ
لَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَ مَنْ كَفَرَ
بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ﴾

خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و عمل صالح انجام داده اند وعده فرموده که
[در ظهور امام قائم علیه السلام] در زمین خلافت دهد چنانچه که امت های صالح پیامبران
گذشته را جانشین پیشینیان خود ساخت و دین پسندیده آنان را بر همه جا مسلط و نافذ
گرداند و بر همه مؤمنان پس از ترس و هراس از دشمنان، ایمنی کامل عطا فرماید که مرا
عبادت کرده، هیچ به من شرک نورزند و هر که بعد از آن [وعده] کافر شود پس آن کرده
همان فاسقان تبهارند.

(۱) در کتاب ینابیع الموده صفحه ۴۲۵ خواجه کلان قندوزی حنفی می گوید:

و قوله تعالى ﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي
الْأَرْضِ كَمَا أَسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لَيُمْكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَ
لَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَ مَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ
فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ﴾ عن اسحق بن عبدالله عن الامام زين العابدين عليه السلام قال هذه الاية
نزلت في القائم المهدي عليه السلام.

از اسحاق بن عبدالله از امام زين العابدين عليه السلام که فرمود: اين آيه در شأن مهدي عليه السلام
نازل شد (يعنى، به دست قائم آل محمد وعده الهی به وقوع می پیوندد و خلافت
جهانی الهی تشکیل می شود).

(۲) در تفسیر علامه نیشابوری مجلد ۱ از سوره بقره، آیه ۵ که در حاشیه تفسیر طبرسی چاپ شده، آمده است:

(الذین یؤمنون بالغیب) قال: المهدی المنتظر الذی وعد الله به فی القرآن بقوله تعالی ﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ﴾ و ما ورد عنه عليه السلام: لو لم یبق من الدنیا الا یوم واحد لطول الله ذلك الیوم حتی یرجع رجل من امتی یواطیء اسمہ اسمی و کینة کینتی، یملاء الارض قسطاً و عدلاً کمی ملئت جوراً و ظلماً. مهدی منتظر که خداوند در قرآن درباره او فرموده است: ﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ﴾، این آیه وعده ای است که خداوند به او داده است و رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره او می فرماید: اگر از عمر جهان جز یک روز باقی نمانده باشد، خداوند آن روز را طولانی می کند تا اینکه مردی از امت من که اسم او چون اسم من و کنیه او مانند کنیه من است (یعنی، اسم حضرت مهدی (عج) محمد است و کنیه آن حضرت ابوالقاسم است) قیام کند، او زمین را همچنان که پر از ظلم و جور شده باشد پر از عدل و داد خواهد کرد.

(۳) در کتاب ینابیع المودة نوشته خواجه کلان قندوزی حنفی صفحه ۴۲۶، آمده است:

و روی عن الباقر عليه السلام و الصادق عليه السلام فی قوله تعالی: ﴿... لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ...﴾ قالوا نزلت فی القائم و اصحابه.

از حضرت باقر و حضرت صادق علیهما السلام روایت شده است درباره این فرموده خداوند ﴿... لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ﴾ آن دو بزرگوار فرمودند: این آیه درباره قائم (عج) و اصحابش نازل شده است.

(۴) در کتاب ینابیع المودة صفحه ۴۲۶، آمده است:

و فی تفسیر العیاشی ان علی بن الحسین علیهما السلام قرء آیه: ﴿... لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ...﴾ قال: والله هم محببنا اهل البيت یفعل الله ذلك بهم علی ید رجل منا و هو مهدی هذه الامة. قال رسول الله صلی الله علیه و آله: لو لم یبق فی الدنیا الا یوم لطول الله ذلك الیوم حتی یأتی رجل من عترتی

اسمه اسمی. یملاً الارض قسطاً و عدلاً کمی ملئت ظلماً و جوراً.

در تفسیر عیاشی آورده است که علی بن الحسین علیه السلام آیه ﴿...لَيْسَتْ خُلْفَانَهُمْ فِي الْأَرْضِ...﴾ قرائت کردند و گفتند: قسم به خداوند ایشان دوستان ما اهل بیت هستند، خداوند (تأویل این آیه را) به دست مردی از ما اهل بیت. به جای می آورد او مهدی این امت است که رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره ایشان فرمودند: اگر از عمر دنیا باقی نماند مگر یک روز، خداوند آن روز را طولانی گرداند تا در آن روز قیام کند و بیاید مردی از عترت ما که اسم او اسم من است. او زمین را پر از عدل و داد می کند، همان طور که از ظلم و جور پر شده است.

(۵) در کتاب الغیبة صفحه ۱۲۶، آمده است:

محمد بن ابراهیم النعمانی فی الغیبة قال: حدثنا احمد بن محمد بن سعید بن عقدة قال: حدثني [ثنا] احمد بن يوسف بن يعقوب الجعفي من كتابه، قال: حدثنا اسماعيل بن مروان [مهران]، قال: قال: علي بن ابي حمزة، عن ابيه و وهيب، عن ابي بصير، عن ابي عبد الله عليه السلام في [معنى] قوله: ﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَ لَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَ مَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ﴾ قال: [نزلت في] القائم و اصحابه.

محمد بن ابراهیم نعمانی در کتاب الغیبة گوید: احمد بن محمد بن سعید بن عقده حدیثمان داد و گفت: حدیثم داد احمد بن یوسف بن یعقوب جعفی از کتاب خود که گفت: برایمان حدیث کرد اسماعیل بن مروان [مهران]، گفت: علی بن ابی حمزه از پدرش و از وهیب، از ابوبصیر از امام ابو عبدالله صادق علیه السلام برایمان حدیث گفت که آن حضرت در [معنی] فرموده خداوند «خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و عمل صالح انجام داده اند وعده فرموده که [در ظهور امام قائم علیه السلام] در زمین خلافت دهد. چنانچه که امت های صالح پیامبران گذشته را جانشین پیشینیان خود ساخت و دین پسندیده آنان را بر همه جا مسلط و نافذ گرداند و بر همه مؤمنان پس از ترس و هراس از

دشمنان، ایمنی کامل عطا فرماید که مرا عبادت کرده، هیچ به من شرک نورزند...»
فرمود: درباره حضرت قائم علیه السلام و اصحاب او نازل گشت.

(۶) در کتاب تأویل الایات الظاهره صفحه ۳۶۸ و کتاب کافی مجلد ۱ صفحه ۱۹۳،

آمده است:

محمد بن العباس عن الحسن [الحسن] بن محمد، عن معلى بن محمد، عن الوشاء،
عن عبد الله بن سنان قال: سألت ابا عبد الله عليه السلام عن قول الله عز وجل: ﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ
آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ
قَبْلِهِمْ﴾ قال: نزلت في علي بن ابي طالب و الأئمة من ولده عليه السلام، ﴿وَ لَيُمْكِنَنَّ لَهُمْ دِينُهُمُ الَّذِي
ارْتَضَى لَهُمْ وَ لَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ﴾ قال: عنى به
ظهور القائم عليه السلام.

محمد بن العباس از حسین [حسن] بن محمد، از معلى بن محمد، از وشاء، از
عبدالله بن سنان روایت آورده که گوید: از حضرت ابو عبدالله امام صادق عليه السلام درباره
فرموده خدای عزوجل: «خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و عمل صالح انجام
داده‌اند وعده فرموده که [در ظهور امام قائم عليه السلام] در زمین خلافت دهد، چنانچه که
امت‌های صالح پیامبران گذشته را جانشین پیشینیان خود ساخت و دین پسندیده آنان
را بر همه جا مسلط و نافذ گرداند و بر همه مؤمنان پس از ترس و هراس از دشمنان،
ایمنی کامل عطا فرماید که مرا عبادت کرده، هیچ به من شرک نورزند.» فرمود: منظور از
آن ظهور حضرت قائم عليه السلام است.

(۷) در کتاب کفایة الاثر صفحه ۵۶ و کتاب تفسیر برهان مجلد ۳ صفحه ۱۴۶، آمده

است:

ابن بابویه قال: حدثنا ابوالمفضل محمد بن عبد الله بن [ابی] المطلب الشیبانی عليه السلام، قال:
حدثنا ابو مزاحم موسى بن عبد الله بن يحيى بن خاقان المقرئ ببغداد، قال: حدثنا ابو بكر
محمد بن عبد الله بن ابراهيم الشافعی قال: حدثنا محمد بن حماد همام الدبایغ ابو جعفر، قال:
حدثنا عيسى بن ابراهيم قال: حدثنا الحارث بن يتهان قال: حدثنا عتبة بن يقظان عن

ابى سعيد، عن مكحول، عن وائله بن الاصقع بن قرضاب، عن جابر بن عبدالله الانصارى رضي الله عنه، قال: دخل جندل بن جنادة رضي الله عنه من جنبر على رسول الله صلى الله عليه وسلم فقال: يا رسول الله، اخبرني عما ليس لله و عما ليس عند الله و عما لا يعلمه الله.

فقال رسول الله صلى الله عليه وسلم: اما ما ليس لله فليس لله شريك و ما ليس عند الله فليس عند الله ظلم للعباد ما و اماما لا يجعله الله، فذلك قولكم. يا معشر اليهود، انّ عزيز ابن الله والله لا يعلم له ولدا، فقال جندل: اشهد ان لا اله الا الله و انك محمد رسول الله حقا، ثم قال: يا رسول الله صلى الله عليه وسلم، انى رأيت البارقه فى النوم موسى بن عمران عليه السلام فقال لى: يا جندل، اسلم على يد محمد صلى الله عليه وسلم و استمسك بالاوصياء من بعده، فقلت اسلمت و رزقنى الله ذلك، فاخبرنى عن الاوصياء بعدك لا تمسك بهم؟ فقال: يا جابر، اوصيائى من بعدى بعدد نقباء بنى اسرائيل، فقال: يا رسول الله صلى الله عليه وسلم، انهم كانوا اثنى عشر، هكذا وجدناهم فى التوراة. قال: نعم الائمة بعدى اثنا عشر، فقال: يا رسول الله، كلهم فى زمن واحد؟ قال: لا و لكن خلف بعد خلف و انك لن تدرك منهم الا ثلاثة: اولهم سيد الاوصياء بعدى ابو الائمة على بن ابى طالب عليه السلام، ثم ابنه الحسن و الحسين عليه السلام، فاستمسك بهم من بعدى و لا يغرنك جهل الجاهلين، فاذا اوقت ولادة ابنه على بن الحسين سيد العابدين عليه السلام يقضى الله عليك و يكون آخر زادك من الدنيا شربة من لبن تشربه. فقال: يا رسول الله، هكذا وجدت فى التوراة اليا يقظوا شبرا و شبيرا، فلم اعرف اسمائهم فكم بعد الحسين من الاوصياء و ما اسمائهم؟

فقال: تسعة من صلب الحسين و المهدي منهم، فاذا انقضت مدة الحسين عليه السلام قام بالامر من بعده على ابنه و يقرب زين العابدين عليه السلام، فاذا انقضت مدة على قام بامر من بعده محمد [ابنه] و يدعى بالباقر عليه السلام، فاذا انقضت مدة محمد قام بالامر بعده ابنه جعفر يدعى بالصادق عليه السلام، فاذا انقضت مدة جعفر قام بالامر ابنه موسى و يدعى بالكاظم عليه السلام، ثم اذا انقضت مدة موسى قام بالامر من بعده على ابنه يدعى بالرضا عليه السلام، فاذا انقضت مدة على قام بالامر بعده محمد ابنه يدعى بالزكى عليه السلام، فاذا انقضت مدة محمد قام بالامر بعده ابنه على يدعى بالنقى عليه السلام، فاذا انقضت مدة على قام بالامر من بعده ابنه الحسن يدعى بالامين عليه السلام، ثم يغيب عنهم امامهم.

قال: یا رسول الله، هو الحسن یغیب عنهم؟ قال: لا و لکن ابنه. قال: یا رسول الله، فما اسمه؟ قال: لا یسمى حتی یشهر فقال جندل: یا رسول الله، وجدنا ذکرهم فی التوراة و قد بشرنا موسی بن عمران عليه السلام بک و بالاوصیاء من ذریتک ثم تلا رسول الله صلی الله علیه و آله: ﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَ لَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا﴾. فقال جندل: یا رسول الله، فما خوفهم؟ قال: یا جندل، فی زمن کل واحد منهم سلطان یعیره و یؤذیه فاذا عجل الله خروج قائمنا یملاً الارض قسطا و عدلا کمی ملئت جورا و ظلما، ثم قال صلی الله علیه و آله: طوبی للصابرین فی غیبتہ، طوبی للمقیمین علی محبتهم، اولئک من وصفهم الله فی کتابه فقال [الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ] ثم قال [اولئک حزب الله الا ان حزب الله هم الغالبون]. قال ابن الاصقع: ثم عاش جندل الی ایام الحسین بن علی عليه السلام ثم خرج الی الطائف فحدثنی نعیم بن [ابی] قیس قال: دخلت علیه بالطائف و هو علیل ثم دعا بشربة من لبن، فقال: هكذا عهد لی رسول الله صلی الله علیه و آله ان یشرب من الدنیا شربة من لبن، ثم مات و دفن بالطائف بالموضع المعروف بالكورا رحمة الله.

ابن بابویه گوید: حدیثمان داد ابوالمفضل محمد بن عبدالله بن [ابی] المطلب شیبانی رضی الله عنه گوید: ابومزاحم موسی بن عبدالله بن یحیی بن خاقان مقری در بغداد حدیثمان داد، وی گفت: ابوبکر محمد بن عبدالله بن ابراهیم شافعی حدیثمان داد گفت: محمد بن حماد بن همام دباغ ابو جعفر حدیثمان داد گوید: عیسی بن ابراهیم حدیثمان داد گفت: حارث بن یتهان حدیثمان داد، او گفت: عتبه بن یقظان از ابوسعید، از مکحول، از وائله بن الاصفع بن مرضاب، از جابر بن عبدالله انصاری حدیثمان داد، گفت که جابر گفت: جندل بن جنادة از جنبر به محضر رسول خدا صلی الله علیه و آله شرفیاب شد و گفت: ای محمد صلی الله علیه و آله، مرا خبر ده از آنچه برای خداوند نیست و از آنچه نزد خداوند نیست و از آنچه خداوند نمی داند؟

آن گاه رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: اما آنچه برای خداوند نیست؛ خداوند را شریکی نیست و اما آنچه نزد خداوند نیست، پس نزد خداوند ظلمی نسبت به بندگان نیست و

اما آنچه خداوند نمی داند؛ آن گفتار شما گروه یهود است که عزیر پسر خداست و خداوند فرزندی برای خود نمی داند. پس جندل عرض نمود: گواهی می دهم که هیچ خدایی جز الله نیست و به حق، تو رسول خدا هستی. پس عرض نمود: ای رسول خدا، من دیشب در خواب موسی بن عمران علیه السلام را دیدم که به من فرمود: ای جندل، به دست محمد صلی الله علیه و آله مسلمان شو، به جانشینان بعد از او دست بیاویز. پس، من مسلمان شدم و خداوند این نعمت را به من روزی فرمود. اکنون مرا از جانشینان بعد از خودت خبر ده تا به آنان متمسک گردم.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: ای جابر، اوصیای پس از من به شماره نقبای بنی اسرائیل می باشند. گفت: آن ها دوازده تن بوده اند، همچنان که در تورات یافته ام. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: آری، امامان بعد از من دوازده تن می باشند. گفت: ای رسول خدا! آیا همگی آن ها در یک زمان خواهند بود؟ فرمودند: نه، بلکه جانشینی پس از جانشین دیگر؛ البته تو جز سه تن از آن ها را درک نخواهی کرد. عرضه داشت: پس ای رسول خدا، نامشان را برابم بگو. فرمود: آری، به درستی که تو سید اوصیا و وارث پیغمبران و پدر امامان، علی بن ابی طالب علیه السلام را بعد از من خواهی دید، سپس فرزندش حسن و سپس حسین را، به آن ها پس از من متمسک شو و نادانی جاهلان تو را نفریبد. پس چون هنگام ولادت فرزندش علی بن الحسین سید العابدین علیه السلام شود، خداوند عمر تو را به سر خواهد آورد و آخرین برخورداریت از دنیا جرعه ای از شیر خواهد بود. جندل رضی الله عنه گفت: ای رسول خدا! همچنین در تورات یافتیم: الیا یقطوا بشراً و بشیراً، ولی نامهایشان را نشناختم. بعد از حسین چند وصی هست و نامشان چیست؟

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: نه تن از فرزندان حسین می باشند و مهدی از آنهاست. چون مدت حسین علیه السلام سپری گشت، بعد از او پسرش علی امر امامت را بعهد می گیرد که لقبش زین العابدین علیه السلام است و چون مدت علی سپری شد امر امامت را بعد از او پسرش (محمد) به عهده می گیرد که باقر علیه السلام خوانده می شود. چون دوران محمد پایان می یابد، بعد از او جعفر که صادق علیه السلام نامیده می شود مسئولیت امامت را بر عهده

می‌گیرد پس هنگامی که دوران جعفر تمام می‌گردد، بعد از او موسی که کاظم علیه السلام خوانده میشود این امر را به عهده می‌گیرد. سپس چون مدت موسی منقضی شود، پس از او پسرش علی این امر را به عهده می‌گیرد که رضاء علیه السلام خوانده می‌شود و هرگاه که دوران علی سپری گردد، بعد از او فرزندش محمد به امر امامت قیام کند که زکی علیه السلام خوانده می‌شود. پس چون مدت محمد منقضی شود، امر امامت را بعد از وی پسرش علی که نقی علیه السلام خوانده میشود خواهد داشت و چون مدت علی به سر آید، امر امامت را بعد از او حسن، پسرش، خواهد داشت که امین علیه السلام خوانده می‌شود. سپس امام مردم از آن‌ها غایب خواهد گشت.

جندل عرضه داشت: ای رسول خدا، او حسن است که از آن‌ها غایب خواهد شد؟ فرمود: نه، ولی فرزندش حجت است، گفت: یا رسول الله، پس اسم او چیست؟ رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: نامش برده نمی‌شود تا اینکه خداوند او را آشکار کند. جندل عرض نمود: ای رسول خدا، ما یاد آن‌ها را در تورات یافته‌ایم و البته موسی بن عمران علیه السلام به تو و جانشینان بعد از تو از حاندانت، به ما، مژده داده است. سپس رسول خدا صلی الله علیه و آله این آیه را تلاوت کردند: «خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و عمل صالح انجام داده‌اند وعده فرموده که [در ظهور امام قائم علیه السلام] در زمین خلافت دهد، چنانچه که امت‌های صالح پیامبران گذشته را جانشین پیشینیان خود ساخت و دین پسندیده آنان را بر همه جا مسلط و نافذ گرداند و بر همه مؤمنان پس از ترس و هراس از دشمنان، ایمنی کامل عطا فرماید.» آن‌گاه جندل عرض کرد: ای رسول خدا، ترس آن‌ها چیست؟ فرمودند: ای جندل، در زمان هریک از آنان کسی هست که معترض او شود و اذیتش کند، پس هرگاه خداوند خروج ما را تعجیل فرماید، زمین را پر از قسط و عدل سازد همچنان‌که از ستم و ظلم آکنده باشد. سپس رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: خوشا به حال صبرکنندگان در زمان غیبت او. خوشا به حال کسانی که بر شیوه آنان پایدار بمانند. آنها ایند که خداوند در کتابش آنان را وصف نموده و فرموده: «و آنان که به غیب ایمان دارند» سپس فرموده: «آن‌ها حزب خدایند توجه کنید که البته حزب خداوند رستگارانند.»

ابن الاصقع [روایت کننده این خبر از جابر بن عبدالله] گوید: سپس جندل بن جناده رضی الله عنه تا زمان حضرت حسین بن علی رضی الله عنه زندگی کرد. آن گاه به طائف رفت. پس از آن نعیم بن ابی قیس برایم گفت: در طائف بر او وارد شدم، در حالی که بیمار بود. سپس شیر درخواست کرد و آن را آشامید و گفت این چنین رسول خدا صلی الله علیه و آله به من وعده فرمود که: آخرین توشه او از دنیا آشامیدن شیر باشد. آن گاه درگذشت. خدای تعالی رحمتش کند. او در طائف در جایی که به کوراء معروف است، دفن شد.

(۸) در کتاب تفسیر برهان مجلد ۳ صفحه ۱۵۰، آمده است:

ابوعلی الطبرسی قال: اختلف فی الایة، و ذکر الاقوال، الی ان قال: و المروی عن اهل البيت رضی الله عنهم انها فی المهدی [من آل محمد رضی الله عنهم].

ثم قال و روی العیاشی باسناده عن علی بن الحسین رضی الله عنهما: انه قرا الایة [وقال]: هم والله شیعتنا اهل البيت، یفعل [الله] ذلک بهم علی ید [ی] رجل منا و هو مهدی هذه الامة و هو الذی قال رسول الله صلی الله علیه و آله: لو لم یبق من الدنیا الا یوم واحد لطول الله ذلک الیوم حتی یاتی [یلی] رجل من عترتی اسمه اسمی، یملا الارض عدلا و قسطا کما ملئت ظلما و جورا. ثم قال الطبرسی: و روی مثل ذلک عن ابی جعفر و ابی عبدالله رضی الله عنهما.

شیخ ابوعلی طبرسی گوید: درباره این آیه اختلاف شده... و اقوال را ذکر کرده تا آنجا که گفته: و آنچه از اهل بیت رضی الله عنهم روایت شده آن است که: درباره مهدی [از آل محمد رضی الله عنهم] است. وی انزوده: و عیاشی به سند خود از حضرت علی بن الحسین رضی الله عنهما روایت آورده که آن حضرت این آیه را تلاوت کرد [و فرمود]: به خدا سوگند آنها شیعیان ما اهل بیت هستند. [خداوند] این کار را به دست مردی از ما انجام خواهد داد و اوست مهدی این امت و هم اوست که رسول خدا صلی الله علیه و آله [درباره اش] فرمود: چنانچه جز یک روز از دنیا باقی نماند، خداوند آن روز را آن قدر طولانی خواهد کرد تا مردی از عترت من که نامش نام من است، بیاید [زمام امور را به دست گیرد] زمین را پر از عدل و قسط می کند، همچنان که از ظلم و جور پر شده است. سپس طبرسی گوید: و مانند همین معنی از امام ابو جعفر باقر و امام ابو عبدالله صادق رضی الله عنهما نیز روایت شده است.

آیه یکصد و سی و ششم

● امام زمان (عج) یکی از ساعات است.

خداوند در سوره فرقان آیه ۱۱، می فرماید:

﴿بَلْ كَذَّبُوا بِالسَّاعَةِ وَ أَعْتَدْنَا لِمَنْ كَذَّبَ بِالسَّاعَةِ سَعِيرًا﴾

بلکه کافران آن ساعت را تکذیب کردند و ما برای کسانی که آن ساعت را تکذیب کنند

آتش دوزخ را مهیا ساختیم.

(۱) در کتاب الغیبة نوشته علامه شیخ محمدبن ابراهیم نعمانی رحمته الله باب ۴، صفحه

۸۴ حدیث ۱۳، آمده است:

اخبرنا عبدالواحد بن عبدالله بن یونس الموصلی، قال: حدثنا احمد بن محمد بن رباح الزهري، قال: حدثنا احمد بن علی الحمیری، قال: حدثنا الحسن بن ایوب، عن عبد الکریم بن عمرو الخثعمی، عن المفضل بن عمر، قال: قلت لابی عبدالله عليه السلام: ما معنی قول الله عزوجل: ﴿بَلْ كَذَّبُوا بِالسَّاعَةِ وَ أَعْتَدْنَا لِمَنْ كَذَّبَ بِالسَّاعَةِ سَعِيرًا﴾؟ قال لی: ان الله خلق السنة اثني عشر شهرا، و جعل الليل اثنتي عشرة ساعة و جعل النهار اثنتي عشرة ساعة و منا اثني عشر محدثا و كان امير المؤمنين عليه السلام من تلك الساعات.

خبر داد ما را عبد الواحد بن عبدالله بن یونس موصلی، او گفت: حدیث کرد ما را احمد بن محمد رباح زهري، او گفت: حدیث کرد ما را از احمد بن علی حمیری، او گفت: حدیث کرد ما را حسن بن ایوب از عبد الکریم بن عمرو خثعمی و او از مفضل بن عمر که گفت خدمت امام صادق عليه السلام عرض کردم معنای این آیه که خداوند می فرماید: ﴿بَلْ كَذَّبُوا بِالسَّاعَةِ وَ أَعْتَدْنَا لِمَنْ كَذَّبَ بِالسَّاعَةِ سَعِيرًا﴾ «بلکه ساعت را دروغ پنداشتند و ما آتش فروزان را برای کسی که ساعت را دروغ پندارد آماده کرده ایم» چیست؟ حضرت به من فرمودند: خداوند سال را دوازده ماه آفرید و شب را دوازده ساعت کرد و روز را دوازده ساعت کرد و از ما دوازده نفر هستند که با فرشتگان حدیث

می‌کنند و امیرالمؤمنین علیه السلام یکی از آن ساعت‌هاست. در این آیه و در این حدیث «ساعة» به دوازده امام تفسیر شده است که حضرت قائم آل محمد علیه السلام دوازدهمین آن‌هاست.

(۲) در کتاب الغیبة باب ۴ صفحه ۸۵ حدیث ۱۵، آمده است:

اخبرنا عبد الواحد بن عبدالله، قال: حدثنا محمد بن جعفر القرشي، قال: حدثنا محمد بن الحسين بن ابي الخطاب، عن عمر بن ابي الكلبی، عن ابن سنان، عن ابي السائب قال: قال ابو عبدالله جعفر بن محمد عليه السلام: الليل اثنا عشرة ساعة و النهار اثنا عشرة ساعة و الشهور اثنا عشر شهرا و الائمة اثنا عشر اماما و النقباء اثنا عشر نقيبا و انّ علياً ساعة من اثنتي عشرة ساعة و هو قول الله عزوجل: ﴿بَلْ كَذَّبُوا بِالسَّاعَةِ وَ اَعْتَدْنَا لِمَنْ كَذَّبَ بِالسَّاعَةِ سَعِيرًا﴾.

عبد الواحد بن عبدالله ما را خبر داد و گفت: ما را محمد بن جعفر قرشی حدیث کرد و گفت: ما را محمد بن الحسین بن ابي الخطاب از عمر بن ابان کلبی حدیث کرد و او از ابن سنان و او از ابي السائب که گفت: ابو عبدالله جعفر بن محمد عليه السلام فرمود: شب دوازده ساعت است و روز دوازده ساعت و ماه‌ها دوازده ماه هستند و علی عليه السلام ساعتی از دوازده ساعت است و اوست که خداوند درباره‌اش می‌فرماید: ﴿بَلْ كَذَّبُوا بِالسَّاعَةِ وَ اَعْتَدْنَا لِمَنْ كَذَّبَ بِالسَّاعَةِ سَعِيرًا﴾ و امام زمان عليه السلام ساعتی از دوازده ساعت است.

(۳) در تفسیر علی بن ابراهیم قمی مجلد ۲ صفحه ۱۱۲ و تفسیر برهان مجلد ۳ صفحه ۱۵۷ حدیث ۳، آمده است:

علی بن ابراهیم قال: حدثنا احمد بن علی قال: حدثني الحسين بن احمد عن احمد بن هلال، عن عمر الكلبی، عن ابي الصامت قال: قال ابو عبدالله عليه السلام: ان الليل و النهار اثنا عشر ساعة و ان علی بن ابي طالب عليه السلام اشرف ساعة من اثنتي عشرة ساعة و هو قول الله تعالى: ﴿بَلْ كَذَّبُوا بِالسَّاعَةِ وَ اَعْتَدْنَا لِمَنْ كَذَّبَ بِالسَّاعَةِ سَعِيرًا﴾.

علی بن ابراهیم روایت می‌کند از احمد بن علی و ایشان حدیث می‌کند از حسین بن احمد و نقل می‌کند از احمد بن هلال و ایشان از عمر الكلبی و ایشان از اباصامت نقل

می‌کند که حضرت جعفر بن محمد الصادق علیه السلام فرمودند: همانا شب دوازده ساعت و روز نیز دوازده ساعت است و علی بن ابی طالب علیه السلام اشرف ساعات است و او اشرف است در میان دوازده ساعت و این قول خداوند متعال است که فرمود: «بلکه آن کافران آن ساعت را تکذیب کردند و ما برای کسانی که ساعت را تکذیب کردند آتش دوزخ را مهیا ساختیم.»

(۴) در تفسیر برهان مجلد ۳ صفحه ۱۵۷، آمده است:

ابن شهر آشوب عن علی بن حاتم فی کتاب الاخبار لابی الفرج بن شاذان انه نزل قوله تعالی: ﴿بَلْ كَذَّبُوا بِالسَّاعَةِ وَاعْتَدْنَا لِمَنْ كَذَّبَ بِالسَّاعَةِ سَعِيرًا﴾؛ یعنی، کذبوا بولایة علی علیه السلام قال و هو المروی عن الرضا علیه السلام.

پس به طور کلی ساعات ائمه اثنی عشر هستند و هر کدام از ائمه یک ساعت هستند. در حال حاضر و خود اقدس قائم آل محمد (عج) یکی از ساعات است.

آیه یکصد و سی و هفتم

● در ظهور امام زمان (عج) فقط خداوند عبادت خواهد شد.

خداوند در سوره فرقان آیه ۲۶، می فرماید:

﴿الْمَلِكُ يَوْمَئِذٍ الْحَقُّ لِلرَّحْمَنِ وَكَانَ يَوْمًا عَلَى الْكَافِرِينَ عَسِيرًا﴾

فرمانروایی حق در آن روز از آن خداوند رحمان است و آن روز بر کافران بسیار سخت خواهد بود.

* در تفسیر برهان مجلد ۳ صفحه ۱۶۲، کتاب تأویل الایات الظاهره صفحه ۳۲۷ و کتاب المحجة فی ما نزل فی القائم الحجة صفحه ۲۷۵، آمده است:

محمد بن العباس: قال: حدثنا محمد بن الحسن بن علی، عن ابيه الحسن، عن ابيه، عن علی بن اسباط قال روى أصحابنا فى قول الله تعالى عزوجل: ﴿الْمَلِكُ يَوْمَئِذٍ الْحَقُّ لِلرَّحْمَنِ وَكَانَ يَوْمًا عَلَى الْكَافِرِينَ عَسِيرًا﴾ قال: ان الملك للرحمن اليوم وقبل اليوم وبعد اليوم، ولكن اذا قام القائم عليه السلام لم يعبد الا الله عزوجل.

محمد بن عباس می گوید: حدیث کرد ما را محمد بن الحسن بن علی از پدرش حسن و او از پدرش علی بن اسباط که گفت: اصحابمان روایت کرده اند درباره قول خداوند تعالی: «فرمانروایی حق در آن روز از آن خداوند رحمان است و آن روز بر کافران بسیار سخت خواهد بود.» که فرمود: همانا فرمانروایی امروز، فرمانروایی پیش از امروز و فرمانروایی بعد از امروز از آن خداوند رحمان است، ولی چون قائم به پاخیزد جز خداوند عزوجل عبادت نخواهد شد.

آری، همیشه ملک از آن خداوند است و مالکیت و ملک حقیقی همیشه از اوست و بقیه مالکیت ها و ملکیت ها اعتباری است. منتهی، بعضی انسان ها فکر می کنند که مالکیت ها و ملکیت اعتباری آن ها حقیقی است.

اذا قام القائم ذهب دولة الباطل.

زمانی که قائم (عج) قیام فرماید، همه دولت‌های باطل از بین می‌روند و حکومت‌های حاکمان پوشالی نابود می‌شود، در آن موقع حکومت حق مهدی موعود (عج) برپا می‌شود. در قیامت کبری نیز همه مالکیت‌های اعتباری از بین می‌رود و سلطنت‌های پوشالی دیگر وجود نخواهد داشت.

«الملك يومئذ للرحمن»

آیه یکصد و سی و هشتم

● امام زمان روشنی چشم رسول خدا ﷺ است.

خداوند در سوره فرقان آیه ۷۴، می فرماید:

﴿رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَ ذُرِّيَّتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَ اجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ
إِمَامًا﴾

پروردگارا ببخش به ما از همسرانمان و فرزندانمان روشنایی چشم و ما را پیشوای اهل
تقوا قرار ده.

(۱) حاکم حسکانی حنفی در شواهد التنزیل صفحه ۳۵۰، می گوید:

عن ابی سعید الخدری فی قول الله عزوجل: ﴿رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَ ذُرِّيَّتِنَا
قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَ اجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا﴾ قال رسول الله ﷺ لجبرئیل علیه السلام من ازواجنا؟ قال:
خدیجه. قال: من ذریاتنا؟ قال: فاطمة. قال: قره اعین؟ قال: الحسن و الحسین [قال:
﴿وَ اجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا﴾؟ قال: امیر المؤمنین علیه السلام.

ابی سعید خدری در تفسیر کلام خداوند: ﴿رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَ ذُرِّيَّتِنَا
قُرَّةَ أَعْيُنٍ﴾ از رسول خدا ﷺ روایت می کند که به جبرئیل علیه السلام گفتم: ازواج ما کیست؟
جبرئیل گفت: خدیجه. گفتم: جبرئیل، ذریات ما کیست؟ جبرئیل گفت: فاطمه. به
جبرئیل گفتم: قره اعین ما کیست؟ جبرئیل گفت: حسن و حسین، گفتم: ﴿وَ اجْعَلْنَا
لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا﴾ کیست؟ گفت: امیر المؤمنین علیه السلام.

(۲) حاکم حسکانی حنفی در شواهد التنزیل صفحه ۳۵۰ حدیث ۵۷۵، آورده است:

حاکم حسکانی گوید: فرات از حسین بن سعید، از حسن پسر سماعه، از حبان، از
ابان بن تغلب گفت: از جعفر بن محمد الصادق علیه السلام پرسیدم از فرموده خداوند متعال:
﴿رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَ ذُرِّيَّتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَ اجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا﴾.

حضرت فرمودند: ما اهل بیت هستیم (کسانی که خواهان گردیدند این معنی را و
ماییم قره اعین الرسول).

(۳) در کتاب بحار الانوار مجلد ۲۳ صفحه ۱۳۳، آمده است:

عن ابی سعید الخدری فی قول الله عزوجل: ﴿رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا﴾ قال رسول الله ﷺ لجبرئیل ﷺ: مَنْ ازواجنا؟ قال: خدیجة. قال: ذریاتنا؟ قال: فاطمه. قال: قره اعین؟ قال الحسن و الحسین. [قال:] ﴿وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا﴾؟ قال: امیر المؤمنین ﷺ.

ابی سعید خدری در تفسیر کلام خدا ﴿رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا﴾ از رسول خدا ﷺ روایت می کند که به جبرئیل ﷺ فرمود: ازواج ما کیست؟ گفت: خدیجه. گفتم: ذریات ما کیست؟ گفت: فاطمه. گفتم: قره اعین؟ گفت: حسن و حسین. گفتم: ﴿وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا﴾ کیست؟ گفت: امیر المؤمنین است.

(۴) در بحار الانوار مجلد ۲۳ صفحه ۱۳۵، آمده است:

عن ابی مالک عن ابن عباس قال: قوله: ﴿رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا﴾ الاية نزلت فی علی بن ابی طالب ﷺ.

ابی مالک از ابن عباس نقل می کند که در تفسیر کلام خداوند ﴿رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا﴾ گفت: در شأن علی بن ابی طالب ﷺ نازل گردیده است.

(۵) در بحار الانوار مجلد ۲۳ صفحه ۱۳۵، آمده است:

عن ابی جعفر فی قوله عزوجل: ﴿رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا﴾ اهـ ۱۰۰ اهـ یهتدی بنا و هذه لآل محمد ﷺ خاصة.

امام محمد باقر ﷺ فرمودند: منظور از کلام خدا ﴿رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا﴾ یعنی هدایت شوندگانی که توسط ما هدایت می شوند و این مخصوص آل محمد صلوات الله علیهم اجمعین است.

پس در این آیه ﴿وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا﴾ عبارتند از «آل محمد ﷺ خاصه» و آن ها نیز دوازده امام و دوازده کوکب درّی و دوازده نجم ثاقب می باشند که حضرت ولی عصر (عج) یکی از آنهاست.

آیه یکصد و سی و نهم

● در ظهور حضرت ولی عصر (عج) گردنکشان تسلیم آن حضرت می‌شوند.

خداوند در سوره شعرا آیه ۴، می‌فرماید:

﴿إِنْ نَشَأْ نُنَزِّلْ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةً فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ﴾

ما اگر بخواهیم از آسمان آیتی فرود آوریم تا آنها بر آن گردن نهند.

(۱) حافظ سلیمان بن ابراهیم قندوزی حنفی در ینابیع المودة صفحه ۴۲۶، آورده

است:

و فی سوره الشعراء ﴿إِنْ نَشَأْ نُنَزِّلْ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةً فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا

خَاضِعِينَ﴾ عن عمر بن حنظله قال: سئلت جعفر الصادق عليه السلام عن علامات قیام القائم قال:

خمس علامات قبل قیام القائم عليه السلام: الصیحة و خروج السفیانی و الخسف و قتل النفس الزکیة

و الیمانی. قال: فتلوت هذه الایة. فقلت له: اهی الصیحة؟ قال: نعم، لو كانت الصیحة خضعت

اعناق اعداء الله عزوجل و عن ابی بصیر و ابی الورد هما عن الباقر عليه السلام قال: هذه الایة نزلت فی

القائم و ینادی مناد باسمه اییه من السماء.

از عمر بن حنظله روایت شده است که می‌گوید از حضرت امام صادق عليه السلام درباره

علامات قیام قائم پرسیدند، حضرت فرمودند: برای قیام قائم پنج نشانه است، پیش از

قیام قائم عليه السلام؛ اول: صیحه، دوم: خروج و قیام سفیانی، سوم: فرورفتن سفیانی در زمین،

چهارم: قتل نفس زکیه و پنجم: قتل یمانی. عمر بن حنظله می‌گوید: من آیه ﴿إِنْ نَشَأْ

نُنَزِّلْ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةً فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ﴾ را خواندم و عرض

کردم: آیا این آیه همان صیحه است؟ حضرت فرمودند: بله، هرگاه ظاهر شود، گردن

دشمنان خداوند خاضع و خاشع شود.

باز ابی بصیر و ابی الورد هر دو از امام باقر عليه السلام نقل می‌کنند که حضرت فرمودند: نازل

شده این آیه درباره قائم (عج) (و هرگاه او قیام نماید)؛ منادی از آسمان به اسم او و به

اسم پدر او ندا دهد.

(۲) حاکم حسکانی حنفی در کتاب شواهد التنزیل صفحه ۳۵۱ حدیث ۵۷۷، می‌فرماید:

حاکم حسکانی گوید: نقل حدیث کرد مرا پسر فنجویه و پسر فنجویه نقل حدیث کرد... از ابو حمزه ثمالی، از کلبی، از ابی صالح غلام ام هانی که عبدالله بن عباس گفت: این آیه درباره ما و بنی امیه نازل شده است و زود باشد که حکومت ما بر آنها بیاید پس گردن‌های آنان فرو رفته می‌گردد پس از سختی و پستی، پس از عزت، سپس این آیه را تلاوت فرمودند: ﴿إِنْ نَشَأْ نُزِّلْ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةٌ فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ﴾.

(۳) در روضة کافی مجلد ۲ صفحه ۱۴۱ حدیث ۴۸۳، آمده است:

محمد بن یحیی، عن احمد بن محمد بن عیسی، عن علی بن الحکم، عن ابی ایوب الخراز، عن عمر بن حنظله قال: سمعت ابا عبد الله عليه السلام يقول خمس علامات قبل قيام القائم؛ الصيحة والسفیانی والخسف والقتل النفس الزکیه والیمانی. فقلت: جعلت فداک، ان خرج احد من اهل بیتک قبل هذه العلامات انخرج معه؟ قال: لا، فلما كان من الغد تلوت هذه الایه: ﴿إِنْ نَشَأْ نُزِّلْ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةٌ فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ﴾ فقلت له: أھی الصيحة؟ فقال: أما لو كانت خضعت اعناق اعداء الله عزوجل.

عمر بن حنظله گوید: شنیدم از امام صادق عليه السلام که می‌فرماید: پنج نشانه پیش از قیام حضرت قائم صورت خواهد گرفت: صیحه آسمانی، خروج سفیانی، فرو رفتن (لشکر سفیانی در بیداء)، کشته شدن نفس زکیه و خروج یمانی. من عرض کردم: قریانت کردم، اگر یکی از خاندان شما پیش از وقوع این نشانه‌ها خروج کند، با او خروج کنیم؟ فرمود: نه. چون فردا شد این آیه را برای آن حضرت خواندم: «اگر بخواهیم برایشان آیه و نشانه‌ای از آسمان نازل کنیم که گردن‌هایشان در مقابل آن خاضع گردد.» و به او عرض کردم: آیا این نشانه همان صیحه آسمانی است؟ فرمود: آگاه باش که اگر آن باشد گردن دشمنان خدا در برابرش خاضع گردد.

(۴) در غیبت نعمانی باب ۱۴ صفحه ۲۵۱ حدیث ۸، آمده است:
 اخبرنا احمد بن محمد بن سعید قال: حدثنا محمد بن المفضل بن ابراهیم ابن قیس قال:
 حدثنا الحسن بن علی بن فضال قال: حدثنا ثعلبة بن میمون عن معمر بن یحیی، عن داوود
 الدجاجی، عن ابی جعفر محمد بن علی علیه السلام قال: سئل امیر المؤمنین علیه السلام عن قوله تعالی:
 «فاختلف الاحزاب من بينهم» فقال: انتظروا الفرغ من ثلاث، فقیل: یا امیر المؤمنین و ما من؟
 فقال: اختلاف اهل الشام بينهم، و الرايات السوء من خراسان و الفزعة فی شهر رمضان. فقیل:
 و ما الفزعة فی شهر رمضان؟ فقال: او ما سمعتم قول الله عزوجل فی القرآن: ﴿إِنْ نَشَأْ
 نُنَزِّلْ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةً فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ﴾ هی آیه نخرج الفتاة من
 حذرها و توقظ القائم و تفرع اليقظان.

خبر داد ما را احمد بن سعید، او گفت: حدیث کرد ما را محمد ابن مفضل بن
 ابراهیم بن قیس، او گفت: حدیث کرد ما را حسن بن علی بن فضال، او گفت: حدیث کرد
 ما را ثعلبة بن میمون از معمر بن یحیی و او از داوود دجاجی و او از ابی جعفر امام
 باقر علیه السلام که فرمود: از امیر المؤمنین علیه السلام معنای آیه شریفه: ﴿فاختلف الاحزاب من بينهم﴾
 پرسیده شد، فرمودند: از سه چیز به انتظار فرج باشید. عرض شد: یا امیر المؤمنین، آن
 سه چیز کدامند؟ فرمودند: اختلاف داخلی که میان شامیان افتد و پرچم‌های سیاه از
 خراسان و وحشتی در ماه رمضان. عرض شد: وحشت در ماه رمضان چیست؟ فرمود:
 مگر نشنیده‌اید فرمایش خدای تعالی را در قرآن: ﴿إِنْ نَشَأْ نُنَزِّلْ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ
 آيَةً فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ﴾، آن همان نشانه‌ای است که دوشیزگان را از پس
 پرده‌هاشان بیرون می‌کشد و خفتگان را بیدار و بیدار را به وحشت می‌اندازد.

(۵) در غیبت نعمانی باب ۱۴ صفحه ۲۶۳ حدیث ۲۳، آمده است:

اخبرنا احمد بن محمد بن سعید قال: حدثنا علی بن الحسن عن ابیه، عن احمد بن عمر
 الحلبي، عن الحسين بن موسى، عن الفضيل بن محمد مولى محمد، عن راشد البجلي، عن
 ابی عبد الله علیه السلام انه قال: «اما ان الفداء من السماء باسم القائم فی کتاب الله یبین» فقلت: فاین
 هو اصلحک الله؟ فقال: فی ﴿طسّم ۝ تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْمُبِينِ﴾ قوله: ﴿إِنْ نَشَأْ نُنَزِّلْ

عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةٌ فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ ﴿ قَالَ: إِذَا سَمِعُوا الصَّوْتَ اصْبَحُوا
وَكَمَا عَلَى رُؤُوسِهِمُ الطَّيْرُ.

خبر داد ما را احمد بن محمد بن سعید، او گفت: حدیث کرد ما را علی بن حسن از پدرش و او از احمد بن عمر حلبی و او از حسین موسی و او از فضیل بن محمد مولای محمد بن راشد بجلی و او از ابی عبدالله علیه السلام که فرمود: آوازی که از آسمان به نام قائم داده خواهد شد در کتاب خدا روشن است. عرض کردم: خداوند حال شما را اصلاح فرماید در کجاست؟ فرمود: در ﴿طَسْم ۝ تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْمُبِينِ﴾ آن جا که فرماید: ﴿إِنْ نَشَأْ نُنَزِّلْ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةً فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ﴾ فرمود: آن گاه که صدا را بشنوید، همچون کسانی که پرنده بر سرشان نشسته باشد بی حرکت می ایستید.

(۶) در غیبت نعمانی باب ۱۴ صفحه ۲۶۱ حدیث ۲۰، آمده است:

قال: و حدثنا احمد بن محمد بن سعید قال: حدثنا القاسم، حدثنا عبيس بن هشام الناشری، عن عبدالله بن جبلة، عن عبد الصمد بن بشير، عن ابی عبدالله جعفر بن محمد علیه السلام و قد سأله عمارة الهمدانی فقال له: اصلحك الله، ان ناساً یغیروننا و یقولون انکم تزعمون انه سیکون صوت من السماء، فقال له: لا تروه عنی و اروه عن ابی کان ابی یقول: هو فی کتاب الله: ﴿إِنْ نَشَأْ نُنَزِّلْ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةً فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ﴾ فیؤمن اهل الارض فی جو السماء ثم ینادی الا ان عثمان قتل مظلومة فاطلبوا بدمه فیرجع من اراد الله عزوجل به سوءاً و یقولون: هذا سحر الشیعة و حتی یتناولونا و یقولون: هو من سحرهم و هو قول الله عزوجل و ان یرو آية یعرضوا و یقولوا سحر مستمر.

او گفت: و حدیث کرد ما را احمد بن محمد بن سعید، او گفت: حدیث کرد ما را قاسم بن محمد بن حسن بن حازم، او گفت: حدیث کرد ما را عیسی بن هشام ناشری از عبدالله بن جبلة و او از عبد الصمد بن بشیر و او از ابی عبدالله جعفر بن محمد علیه السلام نقل کرد که عمارة همدانی از آن حضرت پرسید: خدا حال شما را اصلاح فرماید، مردمی ما را سرزنش می کنند و می گویند: شما چنین می پندارید که به زودی آوازی از آسمان پدید

خواهد شد و حضرت به او فرمودند: از من بازگو مکن، ولی از پدرم آن را بازگو کن که پدرم می فرمودند: این مطلب در کتاب خداست: ﴿إِنْ نَشَأْ نُنَزِّلْ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةً فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ﴾ پس همه مردم روی زمین به آواز نخستین ایمان آوردند. چون فرا شود ابلیس ملعون بالا رود تا آنجا که در هوا از دیدگاه زمین پنهان گردد. سپس آواز می دهد: توجه کنید همانا عثمان مظلوم کشته شد، خونس را بخواهید. پس هر کس درباره او بد خواسته باشد به شک می افتد و می گوید این سحر شیعیان است و حتی به ناسزا گویند و می گویند این سحر شیعیان است و این است که خدای عزوجل می فرماید: ﴿وَإِنْ يَرَوْا آيَةً يُعْرَضُوا وَيَقُولُوا سِحْرٌ مُسْتَمِرٌّ﴾.

(۷) در غیبت نعمانی باب ۱۴ صفحه ۲۶۰ حدیث ۱۹، آمده است:

اخبرنا احمد بن محمد بن سعید قال: حدثنا علي بن الحسن التيملي، قال: حدثنا عمرو بن عثمان عن الحسن بن محبوب، عن عبد الله بن سنان، قال: كنت عند ابي عبد الله عليه السلام فسمعت رجلا من همدان يقول له: ان هؤلاء العامة يعيروننا و يقولون لنا: انكم تزعمون ان مناديا ينادي من السماء باسم صاحب هذا الامر و كان متكئا فغضب و حبس، ثم قال: لا تروه عنى و ارووه عن ابي و لا حرج عليكم فى ذلك، اشهد انى قد سمعت ابي عليه السلام يقول: والله ان ذلك فى كتاب الله عزوجل لبين حيث يقول: ﴿إِنْ نَشَأْ نُنَزِّلْ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةً فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ﴾ فلا يبقى فى الارض يومئذ احداً لا خضع و ذلت رقبتة لها، فيؤمن اهل الارض اذا سمعوا الصوت من السماء الا ان الحق فى على بن ابي طالب عليه السلام و شيعته. قال: فاذا كان من الغد ابليس فى الهواء حتى يتوارى عن اهل الارض، ثم ينادى الا ان الحق فى عثمان بن عفان و شيعته فانه قتل مظلوما فاطلبوا بدمه. قال: فيثبت الله الذين آمنوا بالقول الثابت على الحق و هو النداء الاول و يرتاب يومئذ الذين فى قلوبهم مرض، و المرض والله عداوتنا، فعند ذلك يتبرؤون منا يتناولونا فيقولون: ان المنادى الاول سحر من سحر اهل [هذا] البيت، ثم تلا ابو عبد الله عليه السلام قول الله عزوجل ﴿وَإِنْ يَرَوْا آيَةً يُعْرَضُوا وَيَقُولُوا سِحْرٌ مُسْتَمِرٌّ﴾ قال: و حدثنا احمد بن محمد بن سعید قال: حدثنا محمد بن المفضل بن ابراهيم و سعدان بن اسحاق بن سعید و احمد بن الحسين بن عبد الملك، محمد بن احمد بن

الحسن القطوانی جمیعاً عن الحسن بن محبوب، عن عبدالله بن سنان مثله سواء بلفظه.

خبر داد ما را احمد بن محمد سعید، او گفت: حدیث کرد ما را علی بن حسن تیملی، او گفت: حدیث کرد ما را عمرو بن عثمان از حسن بن محبوب و او از عبدالله بن سنان گفت: در محضر ابی عبدالله امام صادق علیه السلام بودم. شنیدم که مردی از همدان به آن حضرت عرض می‌کند: این‌ها ما را سرزنش می‌کنند و به ما می‌گویند شما چنین می‌پندارید که آواز دهنده‌ای از آسمان به نام صاحب این امر آواز خواهد داد. آن حضرت تکیه داده بود، خشمگین شد و بنشست. سپس، فرمودند: این سخن را از من نقل نکنید و از پدرم نقل کنید و هیچ اشکالی برای شما نخواهد داشت. من گواهی می‌دهم که از پدرم شنیدم که می‌فرمودند: به خدا قسم که این مطلب در کتاب خدا کاملاً روشن است آن‌جا که می‌فرماید: ﴿إِنْ نَشَأْ نُزِّلْ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةٌ فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ﴾، اگر ما بخواهیم، نشانه‌ای از آسمان بر آنان فرو فرستیم که گردن‌هایشان در برابر آن خضوع کند. آن روز در روی زمین کسی نماند مگر آن‌که در مقابل آن نشانه کج خواهد کرد. همه مردم روی زمین چون بشنوند که صدایی از آسمان بلند است: «توجه کنید که حق در علی بن ابی طالب علیه السلام و شیعیان او است.» ایمان آورند. فرمودند: چون فردا شود شیطان بر هوا بلند شود تا آن حد که از دید زمینیان پنهان شود. سپس آواز دهد: «توجه کنید که حق در عثمان بن عفان و شیعیان او است زیرا او مظلوم کشته شد، خونش را مطالبه کنید.» فرمودند: در آن هنگام خداوند مردم با ایمان را به گفتار ثابت برحق، ثابت نگه می‌دارد و گفتار ثابت برحق همان ندای نخستین است، ولی آنان که در دل‌هایشان بیماری هست به شک می‌افتند؛ به خدا قسم بیماری دل کینه ما است که آن هنگام از ما دوری جویند و ما را ناسزا گویند و می‌گویند که آواز دهنده نخستین سحری بود از سحرهای این خاندان. سپس، ابو عبدالله علیه السلام این آیه شریفه را تلاوت فرمودند: ﴿وَإِنْ يَرَوْا آيَةً يُعْرِضُوا وَ يَقُولُوا سِحْرٌ مُّسْتَمِرٌّ﴾ اگر آیه‌ای را ببینند روگردان شده و گویند که سحر سابقه داری است. و گفت حدیث کرد ما را احمد بن محمد بن سعید، او گفت: حدیث کرد ما را محمد بن مفضل بن ابراهیم، سعد

ابن اسحاق بن سعید، احمد بن حسین بن عبد الملک و محمد بن احمد بن حسن قطوانی، همگی از حسن بن محبوب و او از عبدالله بن سنان همین حدیث را عیناً با الفاظش.

(۸) در کتاب تأویل الآیات الظاهرة، آمده است:

محمد بن العباس قال: حدثنا احمد بن الحسن بن علی قال: حدثنا ابي عن ابيه، عن محمد بن اسماعیل، عن حنان بن سدير، [عن ابي بصير] عن ابي جعفر عليه السلام قال: سألته عن قول الله عزوجل: ﴿إِنْ نَشَأْ نُزِّلْ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةٌ فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ﴾ قال: نزلت في قائم آل محمد عليه السلام ينادي باسمه من السماء.

محمد بن العباس گوید: احمد بن الحسن بن علی حدیثمان داد، وی گفت: پدرم برایمان حدیث گفت از پدرش، از محمد بن اسماعیل، از حنان بن سدير، [از ابوبصیر] از حضرت ابوجعفر باقر عليه السلام که راوی گوید: از آن جناب راجع به قول خدای عزوجل: ﴿إِنْ نَشَأْ نُزِّلْ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةٌ فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ﴾ اگر بخواهیم از آسمان آیتی فرود آوریم، پس بر آن گردن نهند، پرسیدم. فرمودند: درباره قائم آل محمد عليه السلام نازل گشته و اسم او از سوی آسمان اعلام خواهد شد.

(۹) در کتاب تأویل الآیات الظاهرة، آمده است:

قال حدثنا علی بن عبدالله بن اسد عن ابراهيم بن محمد [عن احمد] بن معمر الاسدي، عن محمد بن فضيل، عن الكلبي، عن ابي صباح، عن ابن عباس في قوله عزوجل: ﴿إِنْ نَشَأْ نُزِّلْ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةٌ فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ﴾ قال: هي [وهذه] نزلت فينا و في بني امية [يكون] لنا دولة تذل اعناقهم لنا بعد صعوبة و [هوان] بعد عز.

علی بن عبدالله اسد از ابراهیم بن محمد [از احمد] بن معمر اسدی، از محمد بن فضیل، از کلبی، از ابوصباح، از ابن عباس درباره قول خدای عزوجل: «اگر بخواهیم، از آسمان آیتی فرو آوریم پس بر آن گردن نهند» فرمودند: این آیه درباره ما و راجع به بنی امیه نازل شده، برای ما دولتی خواهد بود که گردن هایشان را خوار می سازد پس از سختی و گردنکشی آنها، و پس از عزت، آنها را به پستی می کشاند.

(۱۰) در کتاب تأویل الآیات الظاهرة، آمده است:

محمد بن العباس قال: حدثنا الحسين بن محمد [احمد] عن محمد بن عيسى، عن يونس، عن بعض اصحابنا، عن ابي جعفر عليه السلام قال: سألته عن قول الله عزوجل: ﴿إِنْ نَشَأْ نُنَزِّلْ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةً فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ﴾ قال: تخضع لها رقاب بني امية، قال: ذلك بارز الشمس، قال: و ذلك على بن ابي طالب عليه السلام يبرز عن [عند] زوال الشمس و تركد الشمس على رؤس الناس ساعة حتى يبرز وجهه و يعرف الناس حسبه و نسبه، ثم قال: ان بني امية ليختبى الرجل منهم الى جنب شجرة فتقول خلفي رجل من بني امية فاقتلوه.

محمد بن العباس گوید: حدیثمان داد حسین بن محمد [احمد] از احمد بن عیسی، از یونس، از بعض اصحابمان، از حضرت باقر عليه السلام که راوی گوید: از آن جناب راجع به قول خدای عزوجل: «اگر بخواهیم، از آسمان آیتی فرو آوریم، پس بر آن گردن نهند.» پرسیدم، فرمودند: گردن های بنی امیه برای آن خوار می شود. حضرت افزودند: آن آیت از خورشید آشکار می گردد، فرمودند: و او علی بن ابی طالب عليه السلام است که هنگام زوال خورشید و تابش آفتاب ساعتی بالای سر مردم آشکار شود، تا آن جا که صورتش ظاهر گردد و مردم حسب و نسبش را بشناسند. سپس فرمودند: همانا بنی امیه کارشان به جایی می رسد که هر کدام از آنان پشت درختی پنهان شود. آن درخت گوید: پشت من مردی از بنی امیه است، او را بکشید.

(۱۱) در کتاب تأویل الآیات الظاهرة، آمده است:

محمد بن العباس قال: حدثنا الحسين بن احمد، عن محمد بن عيسى، عن يونس قال: حدثنا صفوان بن يحيى، عن ابي عثمان، عن معلى بن خنيس عن ابي عبد الله عليه السلام قال: قال امير المؤمنين عليه السلام انتظروا الفرج في ثلاث، قيل: وما هي؟ قال: اختلاف اهل الشام [فيما] بينهم و الرايات السود من خراسان و الفزعة في شهر رمضان، فقيل له: و ما الفزعة في شهر رمضان؟ قال: اما سمعتهم قول الله عزوجل في القرآن: ﴿إِنْ نَشَأْ نُنَزِّلْ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةً فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ﴾ قال: انه تخرج الفتاة من خدرها و يستيقظ النائم و يفرع اليقطان.

و محمد بن عباس گفت که حسین بن احمد حدیثمان داد از محمد بن عیسی، از یونس که گفت: صفوان بن یحیی حدیثمان داد از ابو عثمان، از معلی بن خنیس، از حضرت ابی عبدالله صادق علیه السلام فرمودند: فرج را در [ظاهر شدن] سه چیز بخواهید. عرض شد: آن‌ها چه چیزی هستند؟ فرمودند: اختلاف اهل شام در بین خودشان، پرچم‌های سیاه از خراسان و [آیت] ترسناک در ماه رمضان، گفته شد: آن [آیت] ترسناک در ماه رمضان چیست؟ فرمودند: آیا قول خدای عزوجل را در قرآن را نشنیده‌اید که: «اگر بخواهیم، از آسمان آیتی فرو آوریم، پس بر آن گردن نهند.» فرمودند: [این آیت] دوشیزه را از پرده‌اش بیرون می‌کشد، خفته بیدار می‌شود و بیدار به هراس می‌افتد.

(۱۲) در کتاب تأویل الآیات الظاهرة، آمده است:

محمد بن العباس قال: وروی بالاسناد عن ابی الورد عن ابی جعفر علیه السلام فی قوله ﴿إِنْ نَشَاءُ نُنَزِّلْ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةً فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ﴾ قال: النداء باسم رجل و اسم ابیه.

و به طور مستند از ابوالورد از حضرت امام محمد باقر علیه السلام روایت شده که درباره قول خداوند: «اگر بخواهیم، از آسمان آیتی فرود آوریم، پس بر آن گردن نهند.» فرمودند: ندا به نام مردی و به نام پدرش می‌باشد.

آیه یکصد و چهارم

● ظهور قائم آل محمد علیه السلام برای ظالمان عذاب است.

خداوند در سوره شعرا آیات ۲۰۵ تا ۲۰۷، می فرماید:

﴿أَفَرَأَيْتَ إِنْ مَتَّعْنَاهُمْ سِنِينَ ۝ ثُمَّ جَاءَهُمْ مَا كَانُوا يُوعَدُونَ ۝ مَا أَغْنَىٰ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يُمَتَّعُونَ﴾

[ای رسول ما] خواهی دید که چنانچه چندین سال هم آنان را متنعم سازیم، سپس عذاب موعود به آنان رسد، آنچه [از دنیا] برخوردار بوده اند به آنان هیچ سودی نبخشد و عذابی از آن ها دور نکند.

* در کتاب تأویل الآیات الظاهرة صفحة ۳۹۲، آمده است:

محمد بن العباس قال: حدثنا الحسين بن احمد عن محمد بن عيسى، عن يونس، عن صفوان [بن يحيى] عن ابي عثمان، عن معلى بن خنيس، عن ابي عبد الله عليه السلام في قوله عز وجل: ﴿أَفَرَأَيْتَ إِنْ مَتَّعْنَاهُمْ سِنِينَ ۝ ثُمَّ جَاءَهُمْ مَا كَانُوا يُوعَدُونَ ۝ مَا أَغْنَىٰ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يُمَتَّعُونَ﴾ قال: خروج القائم عليه السلام «ما أغنى عنهم ما كانوا يمتعون» قال: هم بنو امية الذين متعوا بدنياهم [في دنياهم].

محمد بن عباس می گوید: حدیث کرد ما را حسین بن احمد از محمد بن عیسی، از یونس، از صفوان [بن یحیی] از ابی عثمان، از معلی بن خنیس، از ابی عبد الله امام صادق علیه السلام که آن جناب درباره قول خداوند: «[ای رسول ما] خواهی دید که چنانچه چندین سال هم آنان را متنعم سازیم، سپس عذاب موعود به آنان رسد» فرمود: خروج قائم علیه السلام «آنچه [از دنیا] برخوردار بوده اند به آنان هیچ سودی نبخشد و عذابی از آن ها دور ننماید.» فرمود: آن ها بنی امیه هستند که به دنیا [در دنیا] بهره مند بوده اند.

البته این نکته قابل ذکر است که هم سفیانی و یارانش از بنی امیه هستند و هم اینکه در ظهور امام زمان (عج) رجعت هایی صورت می گیرد که در آن قاتلان شهدای کربلا نیز رجعت می کنند و حضرت مهدی علیه السلام انتقام خون سیدالشهدا علیه السلام و یارانش را از آنان می گیرد.

آیه یکصد و چهل و یکم

● اطاعت قائم آل محمد علیهم السلام، اطاعت رسول خدا صلی الله علیه و آله است.

خداوند در سوره شعرا آیه ۲۲۷، می فرماید:

﴿وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ﴾

به زودی خواهند دانست که به چه کیفرگاهی و دوزخ انتقامی بازگشت می کنند.

(۱) در تفسیر برهان مجلد ۳ صفحه ۱۹۴ حدیث ۵ و کتاب کمال الدین و تمام

النعمة، اثر شیخ صدوق مجلد ۱ صفحه ۳۷۴، آمده است:

علی عن ابيه، عن علی بن معید، عن الحسين بن خالد، عن علی بن موسی الرضا علیه السلام عن

ایه علیه السلام عن آبائه علیهم السلام قال: قال رسول الله صلی الله علیه و آله: من احب ان يتمسک بدینی و یرکب سفینه

النجاة بعدی، فلیقتد بعلی بن ابی طالب علیه السلام و لیعاد عدوه و لیوال ولیه فانه وصیی و خلیفتی

علی امتی فی حیاتی و بعد وفاتی و هو امیر کل مسلم و امیر کل مؤمن بعدی، قوله قولی و

امره امری و نهیه نهیی و تابعه تابعی و ناصره ناصری و خاذله خاذلی، ثم قال علیه السلام: من فارق

علیاً علیه السلام بعدی لم یرنی و لم اره یوم القيامة، من خالف علیاً علیه السلام حرم الله علیه الجنة و جعل

ماویه النار و من خذل علیاً خذله الله یوم یرض علیه و من نصر علیاً علیه السلام نصره الله یوم یلقاه

و لقنه حجته عند المنازلة، ثم قال علیه السلام: الحسن و الحسين علیهم السلام اماما امتی بعد ایها و سیدا

شباب اهل الجنة و امهما سیده نساء العالمین علیهم السلام و ابوهما سید الوصیین علیهم السلام و من ولد

الحسین تسعة ائمة علیهم السلام تاسعهم القائم من ولدی، طاعتهم طاعتی و معصیتهم معصیتی، الی الله

اشکوا المنکرین لفضلهم و المضعین لحقهم بعدی و کفی بالله ولیاً و کفی بالله نصیراً لعترتی

و ائمة امتی و منتقماً من الجاحدین لحقهم ﴿وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ

يَنْقَلِبُونَ﴾.

ابن بابویه گوید: محمد بن علی ماجیلویه رضی الله عنه حدیث کرد مرا از علی بن ابراهیم از

پدرش، از علی بن معید، از حسین بن خالد، از علی بن موسی الرضا علیه السلام از پدرش و ایشان از پدرانشان علیهم السلام که فرمود: رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: هر کس دوست دارد به دین من دست یابد و پس از من بر کشتی نجات قرار گیرد، باید به علی بن ابی طالب علیه السلام اقتدا نماید. با دشمن او دشمنی و با دوست او دوستی نماید، زیرا او (خلیفه من) وصی من و جانشینم بر امتم، در زندگانیم و پس از وفاتم می باشد و اوست امیر (امام) همه مسلمانان و امیر همه مؤمنان بعد از من. گفته اش گفته من، امرش امر من و نهی او نهی من است. پیرو او پیرو من، یاری کننده اش یاور من و خوار کننده اش خوار کننده من است.

سپس رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر کس بعد از من از علی جدا شود روز قیامت مرا نخواهد دید و من نیز او را نخواهم دید و هر که با علی مخالفت نماید، خداوند بهشت را بر وی حرام کند و عافیتش را جهنم قرار دهد [و بد جایگاهی است] هر آنکه علی را خوار نماید، خداوند او را خوار سازد، روزی که او بر خداوند عرضه شود. هر کس علی را نصرت دهد. خداوند او را نصرت فرماید، روزی که او را ملاقات کند و به هنگام سؤال و جواب، دلیلش را به وی تلقین نماید.

آن گاه حضرت علیه السلام فرمود: حسن و حسین علیهم السلام دو امام امت من بعد از پدرشان و دو سید جوانان اهل بهشت اند و مادرشان بهترین زنان عالمیان می باشد و پدرشان سید اوصیاست. از فرزندان حسین علیه السلام که امام خواهد بود که نهمینشان قائم علیه السلام است از فرزندان من. اطاعتشان اطاعت از من و معصیتشان معصیت من است. به خداوند شکوه می کنم از منکران فضیلت ایشان و تزییع کنندگان حق [حرمت] آنان پس از من و خداوند بس است که ولی و یاور عزت من و امامان امت باشد و از منکران حق ایشان انتقام کشد، «به زودی خواهند دانست که به چه کیفرگاهی و دوزخ انتقامی بازگشت می کنند.»

(۲) در کتاب کمال الدین باب ۲۴ و ترجمه مجلد ۱ صفحه ۳۷۴، آمده است:

حدثنا محمد بن علی ماجیلویه قال: حدثنا علی بن ابراهیم عن ابيه، عن علی بن معید،

عن الحسين بن خالد، عن علي بن موسى الرضا عليه السلام عن آباءه عليهم السلام قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: من أحب أن يتمسك بديني و يركب سفينة النجاة بعدى، فليقتد بعلي بن ابي طالب عليه السلام و ليعاد عدوه و ليوال وليه فانه وصي و خليفتي علي امتي في حياتي و بعد وفاتي و هو امام كل مسلم و امير كل مؤمن بعدى، قوله قولي و امره امرى و نهيه نهى و تابعه تابعى و ناصره ناصرى و خاذله خاذلى، ثم قال عليه السلام: من فارق علياً عليه السلام بعدى لم يرني و لم اره يوم القيامة، من خالف علياً عليه السلام حرم الله عليه الجنة و جعل مأويه النار و بئس المصير و من خذل علياً خذله الله يوم يعرض عليه و من نصر علياً عليه السلام نصره الله يوم يلقاه و نصر حجته عند المسألة، ثم قال عليه السلام: الحسن و الحسين عليهما السلام اماما امتي بعد ابيها و سيدا شباب اهل الجنة و امهما سيدة نساء العالمين و ابوهما سيد الوصيين و من ولد الحسين تسعة ائمة تاسعهم القائم من ولدي، طاعتهم طاعتى و معصيتهم معصيتى. الى الله اشكوا المنكرين لفضلهم و المضيعين لحرمتهم بعدى و كفى بالله ولياً و ناصرأ لعترتى و ائمة امتى و منتقما من الجاحدين لحقهم ﴿وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ﴾.

امام هشتم از پدراناش بازگو فرموده که رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود: هر کس دوست دارد به دین من تمسک جوید و پس از من بر کشتی نجات قرار گیرد، باید به علی بن ابی طالب عليه السلام اقتدا نماید. با دشمن او دشمنی و با دوست او دوستی نماید، زیرا او (خلیفه من) و وصی من و جانشینم بر امتم، در زندگانیم و پس از وفاتم می باشد و اوست امام همه مسلمانان و امیر همه مؤمنان بعد از من. گفته اش گفته من، امرش امر من، نهی او نهی من، پیرو او پیرو من. یاری کننده اش یاور من و خوارکننده اش خوار کننده من است. سپس رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود: هر کس بعد از من از علی عليه السلام جدا شود، روز قیامت مرا نخواهد دید و من نیز او را نخواهم دید و هر که با علی عليه السلام مخالفت نماید، خداوند بهشت را بروی حرام کند و عاقبتش را جهنم قرار دهد و بد جایگاهی است و هر آنکه علی عليه السلام را واگذارد، خداوند او را در روز عرض حساب واگذارد و هر کس علی عليه السلام را نصرت دهد، خداوند او را نصرت فرماید روزی که او را ملاقات کند و به

ہنگام سوال و جواب صحبت خود را بہ وی تلقین نماید۔

آن گاہ آن حضرت فرمود: و حسن و حسین علیہ السلام دو امام امت من بعد از پدرشان هستند و دو سید جوانان اہل بہشت و مادرشان بہترین زنان عالمیان می باشد و پدرشان سید اوصیاست و از فرزندان حسین علیہ السلام نہ امام خواهد بود کہ نهمینشان قائم علیہ السلام است از فرزندان من۔ اطاعتشان اطاعت از من است و معصیتشان معصیت من می باشد۔ بہ خداوند شکوہ می کنم از منکران فضیلت ایشان و تزییع کنندگان حرمت آنان پس از من و خداوند بس است کہ ولی و یاور عزت من و امامان امتم باشد و از منکران حق ایشان انتقام کشد۔ «بہ زودی خواهند دانست کہ بہ چه کیفر گاہی و دوزخ انتقامی بازگشت می کنند۔»

آیه یکصد و چهل و دوم

● مضطر حقیقی حضرت صاحب الزمان (عج) است.

خداوند در سوره نمل آیه ۶۲، می فرماید:

﴿أَمَّنْ يُجِيبُ الْمَضْطَّرَّ إِذَا دَعَاهُ وَ يَكْشِفُ السُّوءَ وَ يَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ إِلَهُ مَعَ اللَّهِ قَلِيلًا مَا تَذَكَّرُونَ﴾.

(آیا خدایی جز خدای یکتا هست؟ (هرگز نیست) ولی اندک از شما متذکر این حقیقت شوند.) آیا آن کیست که دعای مضطر و ناچاری را به اجابت می رساند و رنج و غم را برطرف می سازد و شما را جانشینان زمین قرار می دهد؟

(۱) در کتاب تأویل الآیات الظاهرة صفحه ۴۰۲، آمده است:

محمد بن العباس عن حميد [احمد] بن زياد. عن الحسين بن محمد بن سماعة، عن ابراهيم بن عبد الحميد، عن ابي عبد الله عليه السلام قال: ان القائم عليه السلام اذا خرج دخل المسجد الحرام فيستقبل القبلة [الكعبة] و يجعل ظهره الى المقام. ثم يصلى ركعتين. ثم يقوم فيقول: يا ايها الناس، انا اولى الناس بادم عليه السلام. يا ايها الناس، انا اولى الناس بابراهيم عليه السلام. يا ايها الناس، انا اولى الناس باسماعيل عليه السلام. يا ايها الناس، انا اولى الناس بمحمد عليه السلام. ثم يرفع يديه الى السماء و يدعو و يتضرع حتى يقع على وجهه و هو قول الله عزوجل: ﴿أَمَّنْ يُجِيبُ الْمَضْطَّرَّ إِذَا دَعَاهُ وَ يَكْشِفُ السُّوءَ وَ يَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ إِلَهُ مَعَ اللَّهِ قَلِيلًا مَا تَذَكَّرُونَ﴾.

محمد بن عباس از حميد [احمد] بن زياد، از حسين بن محمد بن سماعة، از ابراهيم بن عبد الحميد، از ابي عبد الله امام صادق عليه السلام آورده که آن جناب فرمود: هرگاه قائم عليه السلام خروج کند، به مسجد الحرام داخل می گردد. پس روی به قبله [کعبه] نموده و پشت به مقام می کند. سپس دو رکعت نماز می گذارد. آن گاه به پا می خیزد و می گوید: ای مردم، من نزدیک ترین مردمان به آدم عليه السلام هستم. ای مردم، من نزدیک ترین

مردمان به ابراهیم علیه السلام هستم. ای مردم، من نزدیکترین مردمان به اسماعیل علیه السلام هستم. ای مردم، من نزدیکترین مردمان به محمد صلی الله علیه و آله هستم. سپس دست‌هایش را به سوی آسمان برمی‌دارد و دعا و تضرع می‌کند تا اینکه بر روی خود می‌افتد و این است [معنای] فرموده خداوند «آن کیست که دعای مضطر و ناچاری را به اجابت می‌رساند و رنج و غم را برطرف می‌سازد و شما را جانشینان زمین قرار می‌دهد؟ آیا خدایی جز خدای یکتا هست؟ (هرگز نیست) ولی اندکی از شما متذکر این حقیقت شوند.»

(۲) در تفسیر برهان مجلد ۳ صفحه ۳۰۸ حدیث ۶، آمده است:

عنه باسناده عن (ابراهیم) بن عبد الحمید، عن محمد بن مسلم، عن ابي جعفر [ابی عبدالله] علیه السلام فی قول الله عزوجل: «أَمَّنْ يُجِيبُ الْمَضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَ يَكْشِفُ السُّوءَ». قال: هذه (الآية) نزلت فی القائم من آل محمد صلی الله علیه و آله اذا خرج تعمم و صلی عند المقام و تضرع الی ربه فلا ترد له رایة ابدًا.

و از اوست به سند خود از (ابراهیم) بن عبد الحمید، از محمد بن مسلم، از ابی جعفر امام باقر [ابی عبدالله امام صادق] علیه السلام درباره قول خداوند: «آیا آن کیست که دعای مضطر و ناچاری را به اجابت می‌رساند و رنج و غم را برطرف می‌سازد؟» فرمود: این (آیه) درباره قائم از آل محمد صلی الله علیه و آله نازل شده است. هرگاه خروج کند معمم شود و در کنار مقام نماز می‌گذارد و به درگاه پروردگارش تضرع می‌نماید. پس، هیچ پرچمی از او رد نشود.

(۳) در تفسیر برهان مجلد ۳ صفحه ۳۰۸ حدیث ۷، آمده است:

علی بن ابراهیم قال: حدثنی ابي، عن الحسن بن علی بن فضال، عن صالح بن عقبه، عن ابي عبدالله علیه السلام قال: نزلت فی القائم من آل محمد صلی الله علیه و آله هو و الله المضطر اذا صلی فی المقام رکعتین و دعا (الی) الله فاجابه و یکشف السوء و يجعله خليفة فی الارض. و هذا ممّا ذکرنا انّ تأویله بعد تنزیله.

علی بن ابراهیم گوید: حدیث کرد مرا پدرم از حسن بن علی بن فضال، از صالح بن عقبه، از ابی عبدالله امام صادق علیه السلام که فرمود: [این آیه] درباره قائم از آل محمد صلی الله علیه و آله نازل

شد. به خدا سوگند اوست آن مضطر، هنگامی که در مقام [ابراهیم] دو رکعت نماز گذارد و (به سوی) خداوند دعا کند. پس او را اجابت نماید و ناراحتی را برطرف سازد و او را خلیفه در زمین قرار دهد.

و این از جمله اموری است که یاد کردیم اینکه تأویلش بعد از تنزیلش می باشد.

(۴) در تفسیر برهان مجلد ۳ صفحه ۳۰۸ حدیث ۸، آمده است:

محمد بن ابراهیم النعمانی قال: اخبرنا احمد بن محمد بن سعید قال: حدثني محمد بن علي التيملي، عن محمد بن اسماعيل بن بزيع و حدثني غير واحد، عن منصور بن يونس بن بزرج، عن اسماعيل بن جابر، عن ابي جعفر محمد بن علي عليه السلام انه قال: يكون لصاحب هذا الامر غيبة في بعض هذه الشعاب - و اومي بيده الى ناحية ذي طوى - حتى اذا كان قبل خروجه انتهى [اتى] المولى الذى معه حتى يلقى بعض اصحابه فيقول: كيف [كم] انتم ههنا؟ فيقولون [فيقول]: نحو من اربعين رجلاً، فيقول: كيف انتم اذا [لو] رايتم صاحبكم؟ فيقولون: و الله لو نادى [بنا] الجبال لناويناهما معه، ثم يأتهم من القابلة فيقول: اشيروا الى رؤسائكم [او خياركم] عشرة فيشيرون له اليهم فينطلق بهم حتى يلقوا صاحبهم و يعدهم الليلة التى تليها. ثم قال ابو جعفر عليه السلام: و الله لكأنى انظر اليه و قد اسند ظهره الى الحجر فينشد الله حقه، ثم يقول: يا ايها الناس، من يحاجنى فى الله، فانا اولى الناس بالله. يا ايها الناس، من يحاجنى فى آدم، فانا اولى الناس بآدم. يا ايها الناس، من يحاجنى فى نوح، فانا اولى الناس بنوح عليه السلام. يا ايها الناس، من يحاجنى فى ابراهيم، فانا اولى الناس بابراهيم عليه السلام. يا ايها الناس، من يحاجنى فى موسى، فانا اولى الناس بموسى عليه السلام. يا ايها الناس، من يحاجنى فى عيسى، فانا اولى الناس بعيسى [فى عيسى]. فانا اولى الناس بعيسى عليه السلام. يا ايها الناس، من يحاجنى فى محمد صلى الله عليه و آله و سلم، فانا اولى الناس بمحمد صلى الله عليه و آله و سلم. يا ايها الناس، من يحاجنى فى كتاب الله، فانا اولى الناس بكتاب الله. ثم ينتهى الى المقام فيصلى عنده ركعتين و ينشد الله حقه.

ثم قال ابو جعفر عليه السلام: و هو و الله المضطر الذى يقول الله [فيه]: «أَمَّنْ يُجِيبُ الْمَضْطَّرَّ إِذَا دَعَاهُ وَ يَكْشِفُ السُّوءَ وَ يَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ» فيه نزلت.

محمد بن ابراهیم نعمانی گوید: خبرمان داد احمد بن محمد بن سعید، وی از

محمد بن علی تیملی، از محمد بن اسماعیل بن بزیر و نیز چندین نفر از منصور بن یونس بن بزرج، وی از اسماعیل بن جابر، از ابی جعفر محمد بن علی باقر علیه السلام که فرمود: برای صاحب این امر در یکی از این دره‌ها - و با دست به سوی ذی طوی اشاره کرد - غیبتی خواهد بود تا هنگامی که خروجش نزدیک باشد، خدمتکار مخصوصش می‌آید تا بعضی از اصحاب آن حضرت را ملاقات نماید. می‌گوید: شما در اینجا چند نفرید؟ می‌گویند: حدود چهل مرد. می‌گوید: چنانچه صاحبان را ببینید چه خواهید کرد؟ گویند: به خدا سوگند اگر [ما را] به از جای کردن کوهها فرا خواند با او همراهی می‌نماییم. سپس فردای آن روز [سال بعد] به نزدشان می‌آید و می‌گوید: از بزرگان و نیکانتان ده نفر را برگزینید. پس ده نفر را انتخاب می‌کنند و او آنان را همراه خود می‌برد تا اینکه صاحبشان را می‌بینند و آنها را به شب بعد وعده می‌دهد.

سپس حضرت باقر علیه السلام فرمود: به خدا سوگند گویی او [قائم علیه السلام] را می‌بینم، در حالی که پشت خود را به حجرا لاسود تکیه داده و از خداوند حش را مطالبه می‌کند. سپس می‌گوید:

ای مردم، هر کس درباره خداوند با من گفتگو دارد، پس منم اولی به خداوند.
 ای مردم هر کس درباره آدم علیه السلام با من بحث دارد پس منم نزدیکترین کسان به آدم.
 ای مردم هر کس درباره نوح علیه السلام با من بحث دارد، پس منم نزدیکترین افراد به نوح.
 ای مردم هر کس درباره ابراهیم علیه السلام با من بحث دارد، پس منم نزدیکترین افراد به ابراهیم.

ای مردم هر کس درباره موسی علیه السلام با من بحث دارد، پس منم نزدیکترین افراد به موسی.

ای مردم هر کس درباره عیسی علیه السلام با من بحث دارد، پس منم نزدیکترین افراد به عیسی.

ای مردم هر کس درباره محمد صلی الله علیه و آله با من بحث دارد، پس منم نزدیکترین افراد به محمد.

ای مردم هر کس درباره کتاب خداوند با من گفتگو دارد، پس منم اولی به کتاب خدا. سپس به سوی مقام ابراهیم می رود و در آنجا دو رکعت نماز می گذارد و حق خود را از خداوند می طلبد.

آن گاه امام باقر علیه السلام فرمود: و به خدا سوگند اوست مضطری که خداوند [درباره اش] می فرماید: «آن کیست که دعای مضطر و ناچاری را به اجابت می رساند و رنج و غم را برطرف می سازد و شما را جانشینان زمین قرار می دهد؟» درباره او نازل گشت.

(۵) در کتاب تفسیر قمی مجلد ۲ صفحه ۲۰۵، آمده است:

علی بن ابراهیم قال: حدثني ابي عن ابن ابي عمير، عن منصور بن يونس، عن ابي خالد الكابلي قال: قال ابو جعفر عليه السلام: و الله لكانني انظر الى القائم عليه السلام و قد اسند ظهره الى الحجر ثم ينشد الله حقه، ثم يقول: يا ايها الناس، من يحاجني في الله، فانا اولى الناس بالله. يا ايها الناس، من يحاجني في آدم فانا اولى الناس بآدم ايها الناس من يحاجني في نوح، فانا اولى الناس بنوح عليه السلام. ايها الناس، من يحاجني في ابراهيم، فانا اولى الناس بابراهيم عليه السلام. ايها الناس، من يحاجني في موسى، فانا اولى الناس بموسى عليه السلام. ايها الناس، من يحاجني بعيسى [في عيسى]، فانا اولى الناس بعيسى عليه السلام. ايها الناس، من يحاجني في رسول الله [محمد صلى الله عليه وآله]، فانا اولى الناس، برسول الله [محمد صلى الله عليه وآله] يا ايها الناس، من يحاجني في كتاب الله، فانا اولى الناس بكتاب الله، ثم ينتهي الى المقام فيصلي ركعتين و ينشد الله حقه.

ثم قال ابو جعفر عليه السلام: و هو و الله [المضطر في كتاب الله] في قوله: «أَمَّنْ يُجِيبُ الْمَضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَ يَكْشِفُ الشُّوْءَ وَ يَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ» فيكون اول من يبايعه جبرئيل ثم الثلاثمائة و الثلاثة عشر رجلاً فمن كان ابتلى بالمسير و افي [و افاه] و من لم يتل بالمسير فقد من فراشه و هو قول امير المؤمنين عليه السلام: «هم المفقودون من [عن] فرشهم» [و] ذلك قول الله: «فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ أَيْنَمَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعاً» [قال]: الخيرات الولاية.

و قال في موضع آخر: «وَ لَئِنْ أَحْرَزْنَا عَنْهُمْ الْعَذَابَ إِلَى أُمَّةٍ مَعْدُودَةٍ» و هم [والله] اصحاب القائم عليه السلام يجتمعون [و الله] اليه في ساعة واحدة. فاذا جاء الى البيداء يخرج اليه

جیش السفیانی فیأمر الله الارض فتأخذ اقدمهم و هو قوله: «و لو ترى اذ فزعوا فلا فوت و أخذوا من مکان قریب و قالوا آمنا به»؛ یعنی، بالقائم من آل محمد علیهم السلام «و انی لهم التناوش من مکان بعید [» الی قوله]: «و حیل بینهم و بین ما یشتهون [» یعنی] الا یعذبوا «کما فعل باشیاعهم من قبل»؛ یعنی، من کان قبلهم من المکذبین هلکوا.

علی بن ابراهیم گوید: پدرم مرا حدیث کرد از ابن ابی عمیر، از منصور بن یونس، از ابی خالد کابلی که وی از ابو جعفر امام باقر علیه السلام روایت کرده که حضرت فرمود: به خدا سوگند گویی قائم علیه السلام را می بینم در حالی که پشت خود را به حجر الاسود تکیه داده و از خداوند حقش را مطالبه می کند. سپس می گوید:

ای مردم، هر کس درباره خداوند با من گفتگو دارد، پس منم اولی به خداوند.
ای مردم، هر کس درباره آدم علیه السلام با من بحث دارد، پس منم نزدیک ترین کسان به آدم.
ای مردم، هر کس درباره نوح علیه السلام با من بحث دارد، پس منم نزدیک ترین افراد به نوح.

ای مردم هر کس درباره ابراهیم علیه السلام با من بحث دارد، پس منم نزدیک ترین افراد به ابراهیم.

ای مردم، هر کس درباره موسی علیه السلام با من بحث دارد، پس منم نزدیک ترین افراد به موسی.

ای مردم، هر کس درباره عیسی علیه السلام با من بحث دارد، پس منم نزدیک ترین افراد به عیسی.

ای مردم، هر کس درباره رسول خدا محمد صلی الله علیه و آله و سلم با من بحث دارد، پس منم نزدیک ترین افراد به رسول خدا محمد صلی الله علیه و آله و سلم.

ای مردم هر کس درباره کتاب خداوند با من گفتگو دارد، پس منم اولی به کتاب خدا. سپس به سوی مقام ابراهیم می رود و در آنجا دو رکعت نماز می گذارد و حق خود را از خداوند خواستار می شود.

آنگاه امام باقر علیه السلام فرمود: و به خدا سوگند اوست مضطری که خداوند [درباره اش]

می فرماید: «آن کیست که دعای مضطر و ناچاری را به اجابت می رساند و رنج و غم را برطرف می سازد و شما را جانشینان زمین قرار می دهد؟» پس نخستین کسی که با او بیعت می کند جبرئیل است. سپس آن ۳۱۳ مرد که هر کدامشان پیش از آن هنگام بیرون از منزل بوده به مقصد، [به خدمت آن حضرت] خواهد رفت و هر کس دچار سفر نبوده از بستر خوابش ریوده خواهد شد و این است قول امیرالمؤمنین علیه السلام: «آنان مفقود شدگان از خوابگاههایشان می باشند.» و آن فرموده خداوند است: «پس به کارهای نیک سبقت و پیشی گیرید. هر کجا باشید خداوند همه شما را خواهد آورد.» فرمود: خیرات ولایت است و [خداوند] در جای دیگر فرموده: «چنانچه عذاب را تا به امت معدوده (افراد معینی) به تعویق افکنیم» آنها [به خدا سوگند] اصحاب قائم علیهم السلام هستند. [به خدا قسم] در یک ساعت برای او جمع خواهند شد.

پس چون به بیدار بیاید، لشکر سفیانی در پی آن حضرت خارج گردد که خداوند زمین را امر می فرماید پاهایشان را بگیرد و این است [معنی] قول او: «و اگر (ای رسول ما) کافران را بنگری، هنگامی که هراسانند، پس هیچ از عذابشان فوت و زایل نشود و از جایگاهی نزدیک گرفته شوند و گویند به او ایمان آوردیم.»: یعنی، به قائم از آل محمد علیهم السلام، «و با این همه دوری کی توانند به آن مقام نایل شوند و میان ایشان و آرزویشان جدایی افتاد.»؛ یعنی، [آرزو داشتند که] عذاب نشوند، «همچنان که نسبت به همکیشانان پیش تر چنین شد.»؛ یعنی، کسانی از تکذیب کنندگانی که پیش از ایشان بودند، هلاک گشتند.

آیه یکصد و چهل و سوم

● علامات ظهور قائم آل محمّد (عج) خروج دجال و نزول حضرت مسیح علیه السلام از آسمان است.

خداوند در سوره نمل آیه ۸۲، می فرماید:

﴿وَ إِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَابَّةً مِّنَ الْأَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ أَنَّ النَّاسَ كَانُوا بِآيَاتِنَا لَا يُوقِنُونَ﴾

و آن گاه که قول (و یا وعده الهی) بر آنها واقع گردد، ما جنبنده‌ای را از زمین بیرون می آوریم که با آنان سخن بگوید به تحقیق مردم به آیات ما یقین نمی کردند.

(۱) حافظ عبد الرحمن سیوطی شافعی در تفسیر الدر المنثور مجلد ۵ صفحه ۱۱۶، ذیل این آیه، آورده است:

و اخرج ابن جریر (الطبری) عن حذیفة بن یمان قال: ذکر رسول الله صلی الله علیه و آله الدابة فقال حذیفة: یا رسول الله، من این تخرج؟ قال صلی الله علیه و آله: من اعظم المساجد حرمة علی الله (یعنی: المسجد الحرام) بینما عیسی (بن مریم) یطوف بالبيت معه المسلمون اذ تضطرب الارض من تحتهم تحرك القنديل و تشق الصفا ما یلی المسعی و تخرج الدابة من الصفا، اول ما یدو رأسها ملمعة ذات وبر و ربش لن یدرکها طالب و لن یفوتها هارب، ثم تعمم الناس مؤمن و کافر اما المؤمن فیری وجهه کانه کوكب درّی و تکتب بین عینیه (مؤمن) و اما الکافر فتکت بین عینیه نکتة سوداء (کافر).

محمّد بن جریر طبری (مفسر بزرگ اهل سنت) از حذیفة بن یمان نقل می کند که گفت: (پس از اینکه این آیه نازل شد به رسول خدا صلی الله علیه و آله عرض کردیم) ای رسول خدا، (این جنبنده) از کجا بیرون می آید؟ حضرت فرمود: از مسجدی بیرون می آید که حرمتش در نزد خداوند از تمامی مساجد بیشتر است (و آن مسجد الحرام است.)، در هنگامی که حضرت عیسی بن مریم علیه السلام طواف خانه خدا می کند و مسلمانان با ایشان

هستند. در آن هنگام زمین زیر پای آنان مانند قندیل به اضطراب لرزه در می آید و آن قسمت از صفا که بعد از محل سعی است، شکافته می شود و دابة الارض از آنجا بیرون می آید. اولین چیزی که از او آشکار می گردد، سرش می باشد که می درخشد و دارای مویی پر پشت است. هرگز کسی نمی تواند به او رسد و هیچ فرارکننده ای نمی تواند از او بگریزد. سپس بندی بر سر کافران و مؤمنان می نهد. اما مؤمن، پس چهره او مانند ستاره ای درخشان می درخشد و میان دو چشم او نوشته می شود (مؤمن) و اما کافر، میان دو چشمان او نقطه سیاهی ظاهر می شود و با خط سیاه نقش می بندد (کافر).

و هم او می گوید: و ابونعیم از وهب بن منبه روایت کرده که گفت: اولین نشانه، روم است. سپس دجال و سومین علامت آن یاجوج و ماجوج هستند. چهارمین علامت (نزول) عیسی بن مریم است. پنجمین نشان آن دخان و دود است و ششمین نشانه دابة الارض است.

(۲) حافظ عبد الرحمن سیوطی شافعی در تفسیر الدرالمنثور مجلد ۵ صفحه ۱۱۶، آورده است:

اخرج سعید بن منصور و عبد بن حمید و ابن المنذر و البیهقی فی البعث عن ابی عمر انه قال: و ساق حدیث الدابة الی ان قال فتقول ای الدابة: ﴿أَنَّ النَّاسَ كَانُوا بِآيَاتِنَا لَا يُوقِنُونَ﴾ سعید بن منصور و عبد بن حمید و ابن منذر و بیهقی در بعث از عبد الله بن عمر روایت کرده اند که او گفت: ... و حدیث دابة به این جا می رسد دابة می گوید: ﴿أَنَّ النَّاسَ كَانُوا بِآيَاتِنَا لَا يُوقِنُونَ﴾.

آیه یکصد و چهل و چهارم

● در ظهور ولی عصر (عج) از هر امتی گروهی رجعت می‌کنند.

خداوند در سوره نمل آیه ۸۳، می‌فرماید:

﴿وَيَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا﴾

و روزی که از هر امت و قومی، فوج و دسته‌ای را محشور گردانیم.

* حافظ عبد الرحمن سیوطی شافعی در تفسیر الدر المنثور مجلد ۵ صفحه ۱۱۷،

ذیل این آیه آورده است:

و اخرج عبد بن حمید و ابن جریر و ابن المنذر و ابن ابی حاتم عن مجاهد فی قوله تعالی:

﴿وَيَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا﴾ قال: زمرة.

عبد بن حمید و ابن جریر طبری و ابن منذر و ابن ابی حاتم، از مجاهد درباره قول خداوند

تعالی: «و روزی که از هر امت و قومی، فوج و دسته‌ای را محشور گردانیم.» گفت که حضرت

فرمودند: «زمرة» (یعنی مقصود از فوج، گروه و دسته‌ای از هر امت می‌باشد).

قبلاً گفتیم که یک قیامت کبری داریم و یک قیامت صغری، در قیامت کبری،

انسان‌های اولین و آخرین، همه محشور می‌شوند همان طور که خداوند در سوره کهف

آیه ۴۷ می‌فرماید: ﴿وَحَشَرْنَاهُمْ فَلَمْ نُغَادِرْ مِنْهُمْ أَحَدًا﴾؛ یعنی، «آنان را محشور

ساختیم و احدی را باقی نگذاشتیم.» پس در حشر قیامت، انسان‌های اولین و آخرین

جمع می‌شوند.

اما در قیامت صغری، از هر قومی و از هر امتی فقط دسته‌ای رجعت کرده و محشور

می‌شوند خداوند می‌فرماید: ﴿وَيَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا﴾، «در آن روز از هر

امتی، قوم و دسته‌ای محشور می‌شوند.» و این قیام قائم موعود (عج) است که از هر امت

فقط عده‌ای محشور می‌شوند که در این زمینه روایات زیادی از شیعه و سنی رسیده است.

آیه یکصد و چهل و پنجم

● «حسنه» ولایت و محبت اهل بیت و ولی عصر علیه السلام است و «سیئه» انکار آن‌هاست.

خداوند در سوره نمل آیه ۸۹، می‌فرماید:

﴿مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ خَيْرٌ مِنْهَا وَ هُمْ مِنْ فَرْعٍ يَوْمَئِذٍ آمِنُونَ ۝ وَ مَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَكُتِبَتْ وَ جُوهُهُمْ فِي النَّارِ﴾

اگر کسی نیکی بیاورد البته برای او بهتر از آن است نزد خداوند و ایشان از ترس شدید قیامت در امانند و اگر کسی بدی بیاورد، از رو و از صورت در آتش جهنم افکننده می‌شود.

(۱) حاکم حسکانی حنفی، از علمای قرن پنجم هجری قمری، در کتاب شواهد التنزیل صفحه ۳۵۵ حدیث ۵۸۱، می‌گوید:

خبر داد ما را احمد بن عبد الله بن احمد... از محمد بن زید از پدرش گفت: شنیدم حضرت ابی جعفر علیه السلام می‌فرمود:

دخل ابو عبد الله الجدلی علی امیر المؤمنین علیه السلام، فقال علیه السلام له: یا ابا عبد الله، الا اخبرک بقول الله عزوجل: ﴿مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ خَيْرٌ مِنْهَا﴾ قال: بلی یا امیر المؤمنین، جعلت فداک. فقال: الحسنه معرفة الولاية و حبنا اهل البيت و السيئه انكار الولاية و بغضنا اهل البيت.

حضرت باقر علیه السلام می‌فرماید: ابو عبد الله جدلی بر امیر المؤمنین علیه السلام وارد گردید، پس حضرت به او فرمود: ای ابا عبد الله. آیا تو را به فرموده خداوند «اگر کسی نیکی بیاورد البته برای او بهتر از آن است نزد خداوند؟» او گفت: بلی ای امیر المؤمنین، جانم فدای شما گردد. آن‌گاه حضرت فرمود: «حسنه» معرفت و شناخت ولایت و حب و دوستی ما اهل بیت علیهم السلام است و «سیئه» انکار ولایت ما و بغض ما اهل بیت می‌باشد.

(۲) حاکم حسکانی حنفی در کتاب شواهد التنزیل صفحه ۳۵۶ حدیث ۵۸۳، می‌گوید:

حاکم نقل می کند از ابو عثمان سعید بن محمد حیری... از ابی زبیر، از جابر بن عبد الله قال: قال رسول الله ﷺ: يا علي، لو ان امتي صاموا حتى صاروا كالحنايا ثم ابغضوك لا كبهم الله علي مناخرهم في النار.

جابر بن عبد الله می گوید: رسول خدا ﷺ فرمودند: يا علي، اگر امت من آن قدر روزه بگیرند که همانند میخ شوند (از لاغری) و آن قدر نماز بخوانند که قد آنها خمیده گردد ولی بغض تو را در دل داشته باشند، خداوند آنها را با صورت به آتش جهنم خواهد افکند.

(۳) حاکم حسکانی حنفی در کتاب شواهد التنزیل صفحه ۳۵۶ حدیث ۵۸۴، نقل می کند:

خبر داد ما را ابورشید محمد... از عطیه، از ابی سعید گفت: در زمان رسول خدا ﷺ شخصی کشته شد. پس، پیامبر به منبر رفتند و خطبه خواندند و فرمودند: به آن کسی که جان محمد ﷺ به دست اوست ﴿والذی نفسی بیده﴾؛ ما اهل بیت ﷺ را کسی دشمنی نمی دارد، مگر اینکه خداوند عزوجل او را به رو در آتش افکند.

(۴) در تفسیر برهان مجلد ۳ صفحه ۲۱۲، آمده است:

عن عبد الرحمن بن كثير، عن ابي عبد الله عليه السلام قال: قال ابو جعفر عليه السلام: دخل ابو عبد الله الجدلي على امير المؤمنين عليه السلام فقال له: يا ابا عبد الله، الا اخبرك بقول الله عزوجل: ﴿مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ خَيْرٌ مِنْهَا﴾ قال: بلى يا امير المؤمنين، جعلت فداك. فقال: الحسنه معرفة الولاية وحبنا اهل البيت والسيئة انكار الولاية وبغضنا اهل البيت.

عبد الرحمن بن كثير از امام صادق عليه السلام نقل می کند که آن حضرت از حضرت باقر عليه السلام روایت نموده که می فرماید: ابو عبد الله جدلی بر امیر المؤمنین عليه السلام وارد گردید، پس حضرت به او فرمود: ای ابا عبد الله، آیا تو را به فرموده خداوند «اگر کسی نیکی بیاورد، البته برای او بهتر از آن است نزد خداوند» او گفت: ای امیر المؤمنین، جانم فدای شما گردد. آن گاه حضرت فرمود: «حسنه» معرفت و شناخت ولایت و حب و دوستی ما اهل بیت ﷺ است و «سیئه» انکار ولایت ما و بغض ما اهل بیت ﷺ می باشد.

(۵) در تفسیر برهان مجلد ۳ صفحه ۲۱۳، آمده است:
 عن جابر الجعفی انه سأل ابا جعفر عليه السلام عن قول الله عزوجل: ﴿مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ خَيْرٌ مِنْهَا وَهُمْ مِنْ قَزَعٍ يَوْمَئِذٍ آمِنُونَ﴾ وَ مَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَكُتِبَتْ وَجُوهُهُمْ فِي النَّارِ قال الحسنه و لاية على عليه السلام و السيئة عداوته و بغضه.

جابر جعفی از امام باقر عليه السلام نقل می کند که شخصی از حضرت درباره کلام خدا: «اگر کسی نیکی بیاورد، البته برای او بهتر از آن است نزد خداوند و ایشان از ترس شدید قیامت در امانند و اگر کسی بدی بیاورد، از رو و از صورت در آتش جهنم افکنده می شود.» سؤال کرد. حضرت عليه السلام فرمود: مقصود از «حسنه» ولایت علی عليه السلام و «سیئه» دشمنی و بغض آن حضرت است.

(۶) در تفسیر برهان مجلد ۳ صفحه ۲۱۳، آمده است:
 عن جابر بن عبدالله قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: يا علي، لو ان امتي صاموا حتى صاروا كاللاوتاد و صلوا حتى صاروا كالحنايا ثم ابغضوك لا كبهم الله علي مناخرهم في النار.
 جابر بن عبدالله می گوید: رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمودند: یا علی، اگر امت من آن قدر روزه بگیرند که همانند میخ شوند (از لاغری) و آن قدر نماز بخوانند که قد آنها خمیده گردد ولی بغض تو را در دل داشته باشند، خداوند آنها را با صورت به آتش جهنم خواهد افکند.

(۷) در تفسیر برهان مجلد ۳ صفحه ۲۱۲ حدیث ۲، آمده است:
 علی بن ابراهیم قال: حدثنا محمد بن سلمة قال: حدثنا يحيى بن زكريا المولوي، عن علي بن حسان، عن عبد الرحمن بن كثير عن ابي عبدالله في قوله: «من جاء بالحسنة فله عشر امثالها» قال: هي للمسلمين عامة و الحسنه الولاية فمن عمل من حسنة كتب له عشر، فان لم يكن ولاية دفع عنه بما عمل من حسنة في الدنيا و ما له في الآخرة من خلاق.

هر کس نیکی بیاورد پس برای او ۱۰ برابر مثل آن داده می شود. پس گفته شد نیکی برای همه مسلمانان است و مراد از نیکی ولایت اهل بیت می باشد. پس هر کس انجام داد برای او ۱۰ برابر نوشته می شود و اگر ولایت نداشته باشد از او نیکی دفع می شود

لذا آنچه که در دنیا انجام می دهد و در آخرت بهره از خیر نمی بینند.
 (۸) در تفسیر برهان مجلد ۳ صفحه ۲۱۲ حدیث ۵، آمده است:

محمد بن عباس قال: حدثنا المنذر بن محمد، عن ابيه، عن الحسين بن سعيد، عن ابيه، عن ابان بن تغلب، عن فضيل الذمي، عن ابي داود السبيعي، عن ابي عبد الله الجدلي قال: قال لي امير المؤمنين عليه السلام: يا ابا عبد الله، هل تدري ما الحسنه التي ﴿مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ خَيْرٌ مِنْهَا وَهُمْ مِنْ قَرَعِ يَوْمَئِذٍ آمِنُونَ﴾ و مَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَكُتِبَتْ وَجُوهُهُمْ فِي النَّارِ﴾ قلت: لا قال: الحسنه مودتنا اهل البيت و السيئه عداوتنا اهل البيت. الحسنه، مودت و محبت ما به اهل بيت عليهم السلام است و السيئه دشمنی با ما اهل بيت عليهم السلام است.

(۹) در تفسیر برهان مجلد ۳ صفحه ۲۱۳ حدیث ۷، آمده است:

عنه قال: حدثنا احمد بن ادریس عن احمد بن محمد بن عیسی، عن الحسن بن محبوب، عن هشام بن سالم، عن عمار الساباطی قال: كنت عند ابي عبد الله عليه السلام و سئله عبد الله بن ابي يعفور عن قول الله عز وجل: ﴿مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ خَيْرٌ مِنْهَا وَهُمْ مِنْ قَرَعِ يَوْمَئِذٍ آمِنُونَ﴾ فقال و هل تدري ما الحسنه؟ انما الحسنه معرفة الامام و طاعته و طاعته من طاعة الله.

هر کس نیکی کند از آن نیکی خیر می بیند و از ترس و هراس روز قیامت امن می باشد. و آیا می دانی الحسنه چیست؟ الحسنه یعنی شناخت و معرفت به امام و اطاعت از او و اطاعت از امام اطاعت از خداوند است.

آیه یکصد و چهل و ششم

● اراده خداوند براین قرار گرفته است تا مهدی (عج) و یارانش را خلیفه الله فی الارض گرداند.

خداوند در سوره قصص آیه ۵، می فرماید:

﴿نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ ۝ وَ نُمَكِّنَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَ نُرِيَ فِرْعَوْنَ وَ هَامَانَ وَ جُنُودَهُمَا مِنْهُمْ مَا كَانُوا يَحْذَرُونَ﴾

و ما اراده کردیم بر آنان که در زمین مستضعف شدند، منت گذاریم و آنان را پیشوایان و وارثان زمین قرار دهیم و در زمین قدرتشان دهیم و به فرعون و هامان و سپاهیانشان چیزی را که از آن حذر داشتند، نشان دهیم.

(۱) در کتاب کشف البیان شیبانی عالم و دانشمند بزرگ حنفی، چنین نقل می کند: عن ابی جعفر علیه السلام و ابی عبدالله علیه السلام قالوا: ان هذه الآية مخصوصة بصاحب الامر الذي يظهر في آخر الزمان و يبید الجبابة و الفراعنة و يملك الارض شرقاً و غرباً فيملأها عدلاً كما ملئت جوراً.

از امام باقر و امام صادق علیه السلام روایت شده که آن دو بزرگوار فرمودند: همانا این آیه مخصوص صاحب الامر علیه السلام (نازل شده است) که او در آخر الزمان ظهور خواهد کرد و فرعونیان و جباران را هلاک خواهد کرد و (همه کره زمین) شرق و غرب عالم را به تصرف خود در می آورد (و همه کره زمین در ید قدرت با کفایت او قرار خواهد گرفت) و زمین را پر از عدل و داد می کند، همان طوری که پر از ظلم و جور شده بود.

(۲) در ینابیع المودة صفحه ۴۵۰ باب ۷۹، خواجه کلان قندوزی حنفی آورده است:

وقال: تكلم يا بُنَيَّ فشهد الشهادتين و صلى على آباءه واحداً بعد واحد ثم تلا: ﴿نُرِيدُ أَنْ

نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجَعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجَعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ».

حضرت امام حسن عسکری علیه السلام [در روز هفتم پس از ولایت مهدی موعود] به ایشان فرمود: ای فرزندانم، سخن بگو و او ابتدا شهادتین را بر زبان جاری نمود و سپس صلوات بر اجداد بزرگوارش، یکی بعد از دیگری، فرستاد، آنگاه این آیه را تلاوت فرمود: «و ما اراده کردیم بر آنان که در زمین مستضعف شدند، منت گذاریم و آنان را پیشوایان و وارثان زمین قرار دهیم.»

در کتاب شواهد التنزیل، حاکم حسکانی حنفی در ذیل این آیه، هشت حدیث می آورد و در تمام این احادیث می خواهد ثابت کند که ضعیف شدگان این امت، ائمه طاهرین هستند و ایشان امامان این کره خاکی می باشند.

(۳) در کتاب دلائل الامامة صفحه ۲۳۷، آمده است:

ابوجعفر محمد بن جریر طبری فی مسند فاطمة علیها السلام قال: اخبرنا ابوالفضل قال حدثني علي بن الحسين المنقري الكوفي قال: حدثني احمد بن زيد الدهان عن المحول [مكحول] بن ابراهيم، عن رشد م [رستم] بن عبد الله بن خالد المخزومي، عن سليمان الاعمش، عن محمد بن خلف الطاهري، عن زاذان عن سلمان رضي الله عنه قال: قال لي رسول الله صلى الله عليه وسلم: ان الله تبارك و تعالي لم يبعث نبياً و لا رسولا الا جعل له اثني عشر نقيباً، فقلت: يا رسول الله، لقد عرفت هذا من اهل الكتابين، فقال: (يا سلمان) هل علمت من نقبائي (و من) الاثنا عشر الذين اختارهم الله للامة من بعدى؟ فقلت: الله و رسوله اعلم، فقال: يا سلمان، خلقني الله من صفوة نوره و دعاني فاطمته و خلق من نوري «علياً عليه السلام» و دعاه فاطاعه و خلق (منّي) و من نور علي عليه السلام «فاطمة عليها السلام» فدعاها فاطعته و خلق منّي و من علي عليه السلام و فاطمة عليها السلام «الحسن عليه السلام»، فدعاها فاطاعه و خلق منّي و من علي عليه السلام و فاطمة عليها السلام «الحسين عليه السلام»، فدعاها فاطاعه.

ثم «سمّانا بخمسة اسماء من اسمائه، فالله المحمود و انا محمد و الله العلي، فهذا علي عليه السلام و الله الفاطر فهذه فاطمة عليها السلام و الله [ذو] الاحسان و هذا الحسن عليه السلام و الله المحسن و هذا الحسين عليه السلام، ثم خلق منا و من نور الحسين عليه السلام تسعة ائمة عليهم السلام، فدعاهم فاطاعوه قبل ان خلق الله [يخلق] سماءً مبنية و لا ارضاً مدحّية و لا ملكاً و لا بشراً (دوننا) [و كُنّا] نوراً فسبح

الله [ثم] [تسمع له] و نطيع.

[قال سلمان]: فقلت: يا رسول الله، يا أبى أنت و امى، فما لمن عرف هؤلاء؟ فقال: يا سلمان، من عرفهم حق معرفتهم و اقتدى بهم و واليه وليهم و تبرأ من عدوهم فهو و الله منا يرد حيث نرد و يسكن حيث نسكن، فقلت: يا رسول الله، فهل يمكن ايمان بهم بغير معرفة باسمائهم و انسابهم؟ فقال: لا [يا سلمان] فقلت: يا رسول الله، فانى لى بهم و قد عرفت الى الحسين عليه السلام؟ قال: ثم سيد العابدين على بن الحسين عليه السلام ثم ابنه محمد بن على عليه السلام باقر علم الاولين و الآخرين من النبيين و المرسلين ثم [ابنه] جعفر بن محمد لسان الله الصادق عليه السلام ثم [ابنه] موسى بن جعفر عليه السلام الكاظم غيظه فى سبيل الله عزوجل [صبراً فى الله]، ثم [ابنه] على بن موسى الرضا لامر الله عليه السلام، ثم [ابنه] محمد بن على عليه السلام المختار من خلق الله، ثم [ابنه] على بن محمد الهادى الى الله، ثم الحسن بن على عليه السلام، الصّامت الامين لسرّ الله، ثم ابنه محمد بن الحسن (الهادى) المهدي (الناطق) القائم بحق الله [يا امر الله] عليه السلام.

ثم قال عليه السلام: يا سلمان، انك مدركه و من كان مثلك و من تولاه بحقيقة المعرفة. قال سلمان: فشكرت الله (كثيراً) ثم قلت: (يا رسول الله) و انى مؤجل الى عهده؟ قال: يا سلمان، اقرأ [فقرأ قوله تعالى]: ﴿فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ أُولَاهُمَا بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَاداً لَنَا أُولِي بَأْسٍ شَدِيدٍ فَجَاسُوا خِلَالَ الدِّيَارِ وَ كَانَ وَعْداً مَّفْعُولاً ۝ ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكَرَّةَ عَلَيْهِمْ وَ أَمَدَدْنَاكُمْ بِأَمْوَالٍ وَ بَنِينَ وَ جَعَلْنَاكُمْ أَكْثَرَ نَفِيرًا﴾ قال سلمان: فاشتد بكائى و شوقى ثم قلت: يا رسول الله ابعد منك؟ فقال: اى و الله الذى ارسل محمداً [ارسلنى] بالحق منى و من على و فاطمة و الحسن و الحسين و التسعة و كل من هو منا [و معنا] و فصام فينا، اى و الله (يا سلمان) ليحضرن ابليس [له] و جنوده و كل من محض الايمان محضاً و محض الكفر محضاً حتى يؤخذ بالقصاص و الوتار (و الاثوار) و لا يظلم ربك احداً، و يحقق [و ذلك] تاويل هذه الآية: ﴿نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ ۝ وَ نَمَكِّنَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَ نُرِيَ فِرْعَوْنَ وَ هَامَانَ وَ جُنُودَهُمَا مِنْهُمْ مَا كَانُوا يَحْذَرُونَ﴾ قال سلمان: فقمتم من بين يدي رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم و ما يبالى سلمان متى لقي الموت او الموت لقاءه [فقمتم من بين يديه و ما ابالى لقيت الموت او لقينى].

ابوجعفر محمد بن جریر طبری در کتاب مسند فاطمه علیها السلام گوید: ابوالفضل نقل می‌کند از علی بن الحسین منقری کوفی، وی از احمد بن زید دهان، او از المحول [مکحول] بن ابراهیم، از رشدم [رستم] بن عبدالله بن خالد مخزومی از سلیمان اعمش از محمد بن خلف طاهری، از زاذان، از سلمان که گفت: رسول الله صلی الله علیه و آله به من فرمود: خداوند تبارک و تعالی هیچ پیامبر و امامی را مبعوث نفرمود مگر اینکه دوازده نقیب برایش قرار داد. عرض کردم: یا رسول الله، این را از اهل دو کتاب (تورات و انجیل) دانسته بودم. فرمود: (ای سلمان) آیا دانسته‌ای که نقبای من چه کسانی هستند؟ و آن دوازده تنی که خداوند آنان را برای امت پس از من برگزیده چه کسانی هستند؟ عرضه داشتم: خدا و رسولش داناترند. فرمود: ای سلمان، خداوند مرا از برگزیده نورش آفرید و مرا دعوت کرد پس او را اطاعت نمودم. و از نور من علی علیه السلام را آفرید و دعوتش فرمود. پس علی علیه السلام او را اطاعت کرد و (از من) و از نور علی علیه السلام فاطمه علیها السلام را خلق فرمود و او را دعوت نمود و او نیز اطاعت کرد و از نور من و علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام، حسن علیه السلام را آفرید. پس دعوتش کرد و او اطاعت نمود و از نور من و علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام، حسین علیه السلام را آفرید. پس دعوتش کرد و او اطاعت نمود.

سپس، ما را به پنج اسم از اسماء خود نامید که خداوند محمود است و من محمد و خداوند علی است و این هم علی بن ابی طالب علیه السلام و خداوند فاطر است و این فاطمه علیها السلام و خداوند صاحب احسان است و این حسن علیه السلام و خداوند محسن است و این هم حسین علیه السلام. آن‌گاه [خداوند] از ما و از نور حسین علیه السلام نه امام آفرید و ایشان را دعوت فرمود که اطاعتش کردند پیش از آنکه خداوند آسمانی ساخته باشد و زمینی پهن کرده باشد و فرشته‌ای و بشری (غیر از ما) خلق کند. نوری بودیم و خدای را تسبیح می‌گفتیم و از او می‌شنیدیم و اطاعت می‌نمودیم. [سلمان گوید]: عرضه داشتم ای رسول خدا، پدر و مادرم فدایت باد. برای کسی که ایشان را بشناسد چه پاداشی خواهد بود؟ فرمود: ای سلمان، هر کس آنان را به راستی بشناسد و ایشان را الگوی خود قرار دهد و دوستانشان را دوست بدارد و از دشمنانشان بیزاری جوید، چنین کسی به خدا

سوگند از ما خواهد بود. هرکجا وارد شویم، او نیز وارد خواهد شد و هرکجا مسکن کنیم، او هم سکنی یابد. عرض کردم: ای رسول خدا ﷺ آیا می توان بدون شناخت نام‌ها و نسب‌هایشان به آنان ایمان داشت؟ فرمود: نه [ای سلمان]

عرضه داشتم: یا رسول الله، چگونه به شناخت ایشان دست یابم درحالی که تا حسین علیه السلام را شناخته‌ام؟ فرمود: پس از او سید العابدین علی بن الحسین علیه السلام است. سپس پسرش محمد بن علی علیه السلام شکافنده (باقر) علم اولین و آخرین از پیغمبران و رسولان، سپس [پسرش] جعفر بن محمد علیه السلام زبان صادق و راستگوی خداوند، سپس [پسرش] موسی بن جعفر علیه السلام آن فرو نشاننده خشم خود در راه خداوند عزوجل [از جهت صبر برای خدا] سپس [پسرش] علی بن موسی علیه السلام آن راضی به امر خداوند، سپس پسرش محمد بن علی علیه السلام آن برگزیده خلق خداوند سپس [پسرش] علی بن محمد علیه السلام آن هدایت کننده به سوی خداوند، سپس حسن بن علی علیه السلام آن صامت امین سر خدا، سپس پسرش محمد بن حسن (هادی) المهدی (ناطق) آن قائم به حق خدا [به امر خدا] علیه السلام. آن‌گاه رسول خدا ﷺ فرمود: ای سلمان، تو او را درک خواهی کرد و هر کس مانند تو باشد و نیز هر کس که با معرفت راستین از او پیروی نماید او را درک خواهد کرد.

سلمان گوید: پس شکر خدای را (بسیار) نمودم. سپس گفتم: (یا رسول الله ﷺ) آیا من تا عهد و زمان او خواهم بود؟ فرمود: ای سلمان، بخوان [پس قول خدای تعالی را خواند]: «پس چون هنگام انتقام اول فرارسید بندگان بسیار جنگجوی خویش را بر شما برانگیزیم تا درون خانه‌هایتان را نیز جستجو کنند و این وعده حتماً تحقق خواهد یافت سپس بار دیگر شما را بر آن‌ها مسلط گردانیم و به وسیله مال و فرزند مدد نمایم و تعدادتان را افزایش دهیم» سلمان گوید: در این هنگام گریه و اشتیاقم شدت یافت. آن‌گاه عرض کردم: یا رسول الله، آیا این جریان در زمان شما خواهد بود؟ فرمود: آری سوگند به خداوندی که مرا به حق فرستاد، من و علی علیه السلام و فاطمه علیه السلام و حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و آن‌ها [معصوم دیگر علیه السلام] و هر کسی که از ماست [و با ما] و در راه ما ستم

دیده، آری به خدا قسم (ای سلمان)، ابلیس [برای مقابله با او] لشکریانش را جمع می‌سازد و تمامی آنان که ایمانشان خالص بوده و نیز همه کافران حقیقی آورده می‌شوند تا از یکدیگر قصاص کشند و خونخواهی کنند و پروردگار تو بر احدی ظلم نمی‌کند و تأویل این آیه تحقق می‌یابد که: «و ما اراده کردیم بر آنان که در زمین مستضعف شدند منت گذاریم و آنان را پیشوایان و وارثان زمین قرار دهیم. و در زمین قدرشان دهیم و به فرعون و هامان و سپاهیانشان چیزی را که از آن حذر داشتند نشان دهیم.»

سلمان گوید: پس از محضر رسول خدا ﷺ برخاستم در حالی که اهمیت نمی‌دهم که چه وقت به آغوش مرگ می‌روم یا مرگ مرا به کامش برکشد.

(۵) در کتاب منتخب الاثر باب ۱ فصل ۲ حدیث ۹۲ صفحه ۱۷۱ آمده است:

غیبة الشیخ: محمد بن علی بن الحسین بن محمد القطعی، عن علی بن حاتم، عن محمد بن مروان، عن عبید بن یحیی، عن محمد بن الحسین، عن ابیه، عن جده، عن علی رضی الله عنه فی قوله تعالی: ﴿نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَلْوَارِثِينَ﴾ قال: هم آل محمد یبعث الله مهديهم بعد جهدهم فيعزهم و يذل عدوهم و قال: فی التبیان فی تفسیر هذه الآیة: و روی قوم من اصحابنا ان الآیة نزلت فی شأن المهدي.

حضرت امیرالمؤمنین رضی الله عنه درباره این فرموده خداوند «و ما اراده کردیم بر آنان که در زمین مستضعف شدند منت گذاریم و آنان را پیشوایان و وارثان زمین قرار دهیم.» فرمودند: این آیه در شأن آل محمد رضی الله عنهم نازل شده است و مهدی (عج) از میان این‌ها قیام خواهد کرد و به آنان عزت می‌دهد و دشمنان آن‌ها را ذلیل می‌کند. سپس می‌افزاید: در تفسیر التبیان درباره تفسیر این آیه آمده است: عده‌ای از اصحاب گفته‌اند که این آیه در شأن حضرت مهدی (عج) نازل شده است.

(۶) در تفسیر برهان مجلد ۳ صفحه ۲۱۸ حدیث ۶، آمده است:

السید الرضی باسناده عن سهل بن کھیل، عن ابیه فی قول الله عزوجل: ﴿وَ وَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ﴾ قال احد الوالدین علی بن ابی طالب رضی الله عنه و قال: قال ابو عبد الله جعفر بن محمد الصادق رضی الله عنه: قال امیرالمؤمنین صلوات الله علیه: لتعطفن علينا الدنيا بعد شماسها

عطف الفروس علی ولدها ثم قرأ عَلَيْهِ: ﴿نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ ۝ وَنُكِّنَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ﴾

سید رضی در کتاب «الخصائص» با سند خودش آورده است از سهل بن کھیل و او از پدرش درباره این قول خداوند: ﴿وَ وَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ﴾ حضرت فرمودند: یکی از والدین انسان علی بن ابی طالب عَلَيْهِ است و آن گاه گفت حضرت صادق عَلَيْهِ فرمودند که امیرالمؤمنین عَلَيْهِ فرمودند: دنیا پس از پشت کردن به ما روزی به ما روی خواهد کرد. آن گاه حضرت این آیه را قرائت فرمودند: «و ما اراده کردیم بر آنان که در زمین مستضعف شدند منت گذاریم و آنان را پیشوایان و وارثان زمین قرار دهیم. و در زمین قدرشان دهیم.»

(۷) در تفسیر برهان مجلد ۳ صفحه ۲۱۸ حدیث ۷، آمده است:

الطبرسی قال صحت الرواية عن امير المؤمنين علي عَلَيْهِ (انه قال و الذي خلق الجنة و براء النسمة لتعطفن علينا الدنيا بعد شماسها عطف الفروس على ولدها و تلا عقيب) ^۱ ذلك: ﴿نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ﴾.

(۸) در تفسیر برهان مجلد ۳ صفحه ۲۱۹ حدیث ۱۰، آمده است:

محمد بن العباس، عن علي بن عبد الله بن اسد، عن ابراهيم بن محمد، عن يونس بن كليب المسعودي، عن عمرو بن عبد الغفار باسناده، عن ربيعة بن ناجد قال: سمعت علياً عَلَيْهِ في هذه الآية و قراها قوله عزوجل: ﴿نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ﴾ و قال: لتعطفن هذه الدنيا على اهل البيت عَلَيْهِمُ كما تعطف الفروس على ولدها.

ملايمت می کند این دنیا به اهل بیت عَلَيْهِمُ همان طور که انسان بر فرزندش ملايمت و مهربانی می کند.

۱. قسم به کسی که بهشت را آفرید و از دم و نفس که دنیا بر ما ملايمت نمی کند از سختی هایش همان طور که انسان بر فرزندانشان و فرزندانشان آینده شان ملايمت می کند.

آیه یکصد و چهل و هفتم

● در ظهور قائم آل محمد علیه السلام از ظالمان انتقام گرفته می شود.

خداوند در سوره قصص آیه ۶، می فرماید:

﴿وَنُمَكِّنْ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَنُرِي فِرْعَوْنَ وَ هَامَانَ وَ جُنُودَهُمَا مِنْهُمْ مَا كَانُوا يَحْذَرُونَ﴾

و آنان را بر روی زمین تمکن خواهیم بخشید و از جانب آن ها به فرعون و هامان و

لشکریان آن دو آنچه را که می ترسیدند و می هراسیدند نشان خواهیم داد.

* عالم بزرگ حنفی شیبانی در کتاب کشف البیان در ذیل این آیه، آورده است:

روی عن الباقر علیه السلام و الصادق علیه السلام انهما قالوا: ان فرعون و هامان هنا شخصان من جبابرة

قریش يحييهما الله تعالى عند قيام (القائم) من آل محمد في آخر الزمان فينتقم منهما بما اسلفا.

روایت شده است از حضرت باقر و حضرت صادق علیه السلام که آن دو بزرگوار در ذیل این

آیه فرمودند: همانا فرعون و هامان دو نفر از جباران و زورگویان قریش هستند که خداوند

متعال به هنگام قیام قائم آل محمد (عج) در آخر الزمان آن دو نفر را زنده می کند و از

آن ها به خاطر آنچه انجام داده اند انتقام می گیرد.

آیه یکصد و چهل و هشتم

● حضرت بقیة الله الاعظم (عج) قول خداوند هستند.

خداوند در سوره قصص آیه ۵۱، می فرماید:

﴿وَلَقَدْ وَصَّلْنَا لَهُمُ الْقَوْلَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ﴾

و این گفتار را برایشان پیایی و متصل کردیم شاید متذکر شوند.

(۱) در کتاب تفسیر برهان مجلد ۳ صفحه ۲۲۹ و اصول کافی مجلد ۲ صفحه ۲۸۱ حدیث ۱۰۹۷، آمده است:

محمد بن یعقوب، عن الحسين بن محمد، عن معلى بن محمد، عن محمد بن جمهور، عن حماد بن عيسى، عن عبد الله بن جندب، قال سئلت ابا الحسن عليه السلام، عن قول الله ﴿وَلَقَدْ وَصَّلْنَا لَهُمُ الْقَوْلَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ﴾ قال امام الى امام.

عبدالله بن جندب می گوید: حضرت ابوالحسن عليه السلام راجع به قول خداوند عزوجل و «ما این قول را برای ایشان پی در پی و متصل کردیم شاید متذکر شوند» حضرت فرمودند: منظور امامی بعد از امام دیگر است که امامی پس از امام دیگر و متصل به هم می آیند تا زمین از حجت خالی نماند.

(۲) در کتاب تفسیر برهان مجلد ۳ صفحه ۲۲۹ حدیث شماره ۲، آمده است:

علی بن ابراهیم، قال حدثنا احمد بن ادریس، عن احمد بن محمد، عن معوية بن حكيم، عن احمد بن محمد، عن يونس بن يعقوب، عن ابي عبد الله عليه السلام، في قول الله: ﴿وَلَقَدْ وَصَّلْنَا لَهُمُ الْقَوْلَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ﴾ قال امام بعد امام.

علی بن ابراهیم قمی نقل می کند از احمد بن ادریس و او از احمد بن محمد و او از معویة بن حکیم و او از احمد بن محمد و ایشان نقل می کند از یونس بن یعقوب و او روایت می کند، از امام صادق عليه السلام درباره این فرموده خداوند متعال که: «این قول را بر ایشان پی در پی و متصل کردیم شاید متذکر شوند.» حضرت فرمودند: این قول امام

بعد از امام است که امامان متصل به هم هستند.

(۳) در کتاب تفسیر برهان مجلد ۳ صفحه ۲۲۹ حدیث شماره ۳، آمده است:

سعد بن عبدالله، عن علی بن عیسی، و احمد، عن الحسین بن سعید، عن حماد بن عیسی، عن بعض اصحابه، عن ابی عبدالله علیه السلام فی قول الله عزوجل ﴿وَلَقَدْ وَصَّلْنَا لَهُمُ الْقَوْلَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ﴾ قال فی امام بعد امام.

سعد بن عبدالله نقل می کند از علی بن عیسی و احمد، از محمد بن سعید و از حماد بن عیسی و از عده ای از اصحاب که حضرت صادق علیه السلام درباره این قول خداوند ﴿وَلَقَدْ وَصَّلْنَا لَهُمُ الْقَوْلَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ﴾ حضرت فرمودند: این قول امام بعد از امام است.

(۴) در کتاب تفسیر برهان مجلد ۳ صفحه ۲۲۹ حدیث شماره ۴، آمده است:

الشیخ فی امالیه باسناده قال: قال الصادق علیه السلام ﴿وَلَقَدْ وَصَّلْنَا لَهُمُ الْقَوْلَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ﴾ قال امام بعد امام.

شیخ در امالیش به اسناد خودش نقل می کند از حضرت صادق علیه السلام درباره این فرموده خداوند ﴿وَلَقَدْ وَصَّلْنَا لَهُمُ الْقَوْلَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ﴾ حضرت فرمودند: این قول متصل و پیوسته امام بعد از امام است.

(۵) در کتاب تفسیر برهان مجلد ۳ صفحه ۲۲۹ حدیث شماره ۵، آمده است: ابن

شهر آشوب، عن عبدالله بن جندب، قال سئلت ابالحسن علیه السلام عن قوله تعالى: ﴿وَلَقَدْ وَصَّلْنَا لَهُمُ الْقَوْلَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ﴾ قال امام بعد امام.

باز ابن شهر آشوب این حدیث را از طریق عبدالله بن جندب بیان می کند.

(۶) در کتاب تفسیر برهان مجلد ۳ صفحه ۲۲۹ حدیث شماره ۶، آمده است:

محمد بن العباس، قال حدثنا الحسين بن احمد، عن يعقوب بن يزيد، عن محمد بن ابي عمير، عن عمر بن اذينة، عن حمران، عن ابی عبدالله علیه السلام فی قول عزوجل: ﴿وَلَقَدْ وَصَّلْنَا لَهُمُ الْقَوْلَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ﴾ قال امام بعد امام.

حمران از امام صادق علیه السلام نقل می کند که حضرت در تفسیر آیه می فرمایند این قول

است چنان‌که به ایشان عطا کرده است، سپس، حضرت این آیه را قرائت فرمودند: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید از خدا باک داشته باشید و به رسولش ایمان آورید تا دو بهره از رحمت خود به شما دهد و برای شما نوری قرار دهد که در پرتوش حرکت کنید» و این همان امامی است که به او اقتدا کنید.

(۲) در کتاب تفسیر برهان مجلد ۳ صفحه ۲۳۰ حدیث شماره ۶، آمده است:
 علی بن ابراهیم فی قوله: «أُولَئِكَ يُؤْتَوْنَ أَجْرَهُمْ مَرَّتَيْنِ بِمَا صَبَرُوا وَ يَذَرُؤْنَ بِالْحَسَنَةِ السَّيِّئَةَ وَ مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ» قال الائمة عليهم السلام قال الصادق عليه السلام: «نحن صابرون شيعتنا اصبر منا وذلك ان صبرنا على ما نعلم و هم صبروا على ما لا يعلمون».^۱
 علی بن ابراهیم درباره این قول خداوند که می‌فرمایند: «اینان را دوبار پاداش و اجر نیکو دهند زیرا صبر نمودند.» این آیه درباره امامان است.

(۳) در کتاب تفسیر برهان مجلد ۳ صفحه ۲۳۰ حدیث شماره ۷، آمده است:
 ثم قال علی بن ابراهیم وحدثنی ابي، عن ابن ابي عمير، عن جميل، عن ابي عبد الله عليه السلام قال: «نحن صابروا شيعتنا اصبر منا لان صبرنا بعلم و صبروا بما لا يعلمون».^۲
 (۴) در کتاب تفسیر برهان مجلد ۳ صفحه ۲۳۰ حدیث شماره ۸، آمده است:
 «قال قوله: و يدرون بالحسنة السيئة ای يدفعون سيئة من اساء اليهم بحسناتهم: ﴿و مما رزقناهم ينفقون﴾ و اذا سمعوا اللغو عرضوا عنه قال قال اللغو الكذب و اللغو واللغناء و هم الائمة عليهم السلام يعرضون عن ذلك كله».^۳

۱. ما صبر کننده‌ایم و شیعیان ما صابرترند از ما و ما صبر می‌کنیم بر آنچه که می‌دانیم و آنها بر آنچه که نمی‌دانند صبر می‌کنند.

۲. ما صبر کنندگانیم و شیعیان ما صابرترند چرا که ما آگاهانه صبر می‌کنیم و آنها به آنچه که نمی‌دانند صبر می‌کنند.

۳. بدی را به وسیله اعمال نیک دفع می‌کنند؛ یعنی، با نیکی کردن به آنها بدی آنها را دفع می‌کنند و از آنچه که به آنها روزی دادیم و آن هنگام که حرف لغوی شنیدند از آن روی می‌گردانند. مراد از اللغو همان دروغ است و سخنان لهو و غناء و آنان که از سخنان لغو دوری می‌کنند همان ۱۴ معصوم عليهم السلام می‌باشند.

آیه یکصد و پنجاهم

● بهترین پدر برای امت ولی عصر (عج) است.

خداوند در سوره عنکبوت آیه ۸، می فرماید:

﴿وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حُسْنًا وَإِنْ جَاهَدَاكَ لِتُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا إِلَيَّ مَرْجِعُكُمْ فَأُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ﴾

و ما به آدمیان سفارش کردیم که در حق پدر و مادر خود نیکی کنند و اگر آن‌ها کوشند تا توبه من که خدای یگانه‌ام از روی جهل و نادانی شرک آوری در اینجا هرگز اطاعت امر آن‌ها مکن که رجوع شما به سوی من است و من شما را به پاداش هر عمل (نیک یا بد) که به جای آورید آگاه می‌گردانم.

(۱) در کتاب تفسیر برهان مجلد ۳ صفحه ۲۴۵ حدیث شماره ۳، آمده است:

الامام ابو محمد العسكري عليه السلام فی قوله تعالى ﴿وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا﴾ قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله افضل والديكم واحقهما بشكركم محمد و علي صلي الله عليهما و آلهما.

حضرت ابا محمد امام حسن عسكري عليه السلام درباره این فرموده خداوند که می فرمایند: «و ما به آدمیان سفارش کردیم که در حق پدر و مادر خود نیکی کنند» فرمودند: حضرت رسول خدا فرمودند: افضل والدين و احق آنها که باید شما از آنها تشکر کنید محمد صلى الله عليه وآله و علي عليه السلام و فرزندان آنها می باشند.

(۲) در کتاب تفسیر برهان مجلد ۳ صفحه ۲۴۵ حدیث شماره ۴، آمده است:

و قال علي بن ابي طالب عليه السلام سمعت رسول الله صلى الله عليه وآله يقول انا و علي ابوا هذه الامة ولحقنا عليهم اعظم من حق ابوي والديهم فانا ننقذهم ان اطاعونا من النار الى دارالقرار و لنلحقهم من العبودية بخيار الاحرار و قالت فاطمه صلوات الله عليها ابوا هذه الامة محمد و علي يقيمان اودهم وينقذانهم من العذاب الدائم ان اطاعوهما يبيحانهم النعيم الدائم ان وافقوهما.

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: که من از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمودند: من و علی علیه السلام پدران این امت هستیم و حق ما بر آنها بالاتر است از حق پدرانشان که بر فرزندان خود دارند.

(۳) در کتاب تفسیر برهان مجلد ۳ صفحه ۲۴۵ حدیث شماره ۷، آمده است:
 وقال علی بن الحسین علیه السلام ان كان الابوان انما اعظم حقهما علی الاولاد لاحسانهما اليهم فاحسان محمد و علی علیهما السلام الی هذه الامة اجل و اعظم منهما بان یكونا ابویهم احق.
 (۴) در کتاب تفسیر برهان مجلد ۳ صفحه ۲۴۵ حدیث شماره ۱۰، آمده است:
 وقال موسی بن جعفر علیه السلام: یعظم ثواب الصلوة علی قدر تعظیم المصلی ابویه الافضل محمد و علی صلی الله علیهما و آلهما.

امام علی بن الحسین علیه السلام می فرماید: بزرگترین حق (دو پدر امت) بر فرزندانشان نیکی به آن دو به آنهاست که نیکی پیامبر صلی الله علیه و آله او علی علیه السلام به این امت بزرگترین و گرامی ترین احسان است. (پیامبر صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام پدران امتند.)

آیة یکصد و پنجاه و یکم

● قائم آل محمد ﷺ به وسیله خداوند یاری می شود.

خداوند در سوره عنکبوت آیة ۱۰، می فرماید:

﴿وَلَئِنْ جَاءَ نَصْرٌ مِنْ رَبِّكَ لَيَقُولُنَّ إِنَّا كُنَّا مَعَكُمْ﴾

و چنانچه نصرت و پیروزی از سوی پروردگارت آید همانا خواهند گفت که ما هم با شما بودیم. (وشما را کمک کردیم)

* در تفسیر علی بن ابراهیم قمی مجلد ۲ صفحه ۱۴۹، آمده است:

علی بن ابراهیم فی تفسیره المنسوب الی صادق ﷺ قال: ﴿وَلَئِنْ جَاءَ نَصْرٌ مِنْ رَبِّكَ لَيَقُولُنَّ إِنَّا كُنَّا مَعَكُمْ﴾ یعنی القائم ﷺ.

علی بن ابراهیم در تفسیرش که منسوب است به حضرت صادق ﷺ آورده است: که آن حضرت فرمودند: ﴿وَلَئِنْ جَاءَ نَصْرٌ مِنْ رَبِّكَ﴾ و چنانچه نصرت و پیروزی از سوی پروردگارت آید... این درباره قائم (عج) است.

آیه یکصد و پنجاه و دوم

● امروزه علم قرآن را خداوند در سینه امام زمان علیه السلام قرار داده است.

خداوند در سوره عنکبوت آیه ۴۹، می فرماید:

﴿بَلْ هُوَ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ فِي صُدُورِ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ وَ مَا يُجْحَدُ بِآيَاتِنَا إِلَّا الظَّالِمُونَ﴾

بلکه (این کتاب یا قرآن) آیه‌ها و معجزاتی بسیار روشن و آشکار است در سینه کسانی که دانش و علم به آن‌ها داده‌ایم و جز ظالمان و ستمگران کس دیگری منکر آیات آن نمی‌شوند.

(۱) در کتاب بحارالانوار مجلد ۲۳ صفحه ۱۸۹، آمده است:

عن محمد البرقی، عن علی بن اسباط قال: قال رجل ابا عبد الله علیه السلام، عن قوله عز وجل ﴿بَلْ هُوَ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ فِي صُدُورِ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ وَ مَا يُجْحَدُ بِآيَاتِنَا إِلَّا الظَّالِمُونَ﴾ قال نحن هم، فقال الرجل: جعلت فداک حتی يقوم القائم علیه السلام قال: کلنا قائم بامر الله واحد بعد واحد حتی یجی صاحب السیف؛ فاذا جاء صاحب السیف جاء امر غیر هذا.

محمد برقی از علی بن اسباط نقل می‌کند که مردی از امام صادق علیه السلام از تفسیر کلام خدا ﴿بَلْ هُوَ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ فِي صُدُورِ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ وَ مَا يُجْحَدُ بِآيَاتِنَا إِلَّا الظَّالِمُونَ﴾ پرسید، حضرت در جواب فرمود: مقصود ما ییم. مرد گفت: فدایت شوم تا قیام حضرت قائم علیه السلام؟ فرمود: همه ما قائم به امر خدا یکی پس از دیگری هستیم تا اینکه صاحب شمشیر بیاید و در هنگامه آمدن صاحب شمشیر، امر به گونه‌ای دیگر خواهد شد.

(۲) در کتاب بصائر الدرجات صفحه ۵۶، آمده است:

عن حمران و عبد الله بن عجلان، عن ابي جعفر علیه السلام فی قول الله عز وجل: ﴿بَلْ هُوَ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ فِي صُدُورِ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ﴾ قال: نحن الائمة خاصه.

از حمران و عبدالله بن عجلان از امام باقر علیه السلام آمده است که در تفسیر کلام خدا: ﴿بَلْ هُوَ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ فِي صُدُورِ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ﴾ فرمود: مقصود فقط ما امامان هستیم. علم قرآن در سینه چا کسانی است؟

به طور خلاصه می‌گوییم قرآن دارای یک ظاهر است که ما به آن تنزیل می‌گوییم اما دارای باطنی بسیار عمیق است که ما به آن تأویل می‌گوییم، ظاهر قرآن همین تنزیل است که همه اگر بخواهند می‌توانند بخوانند، اما قرآن نظیر کتاب‌های بشری نیست بلکه کتاب خداوند است و خداوند در کلامش تجلی نموده است. لذا ابعاد تأویل قرآن محدود نیست.

مثلاً؛

۱. قرآن ظاهر دارد.
۲. قرآن باطن دارد.
۳. قرآن محکمت دارد.
۴. قرآن متشابهات دارد.
۵. قرآن ناسخ دارد.
۶. قرآن منسوخ دارد.
۷. قرآن شأن نزول دارد.
۸. قرآن تفسیر دارد.
۹. قرآن تأویل دارد.
۱۰. قرآن اشارات دارد.
۱۱. قرآن کنایات دارد.
۱۲. قرآن دارای تنزیل مخصوص است.
۱۳. قرآن اسرار و رموز دارد.
۱۴. قرآن استعارات دارد.
۱۵. قرآن تشبیهات دارد.

۱۶. قرآن ضرب المثل دارد.
۱۷. قرآن احکام کلی دارد.
۱۸. قرآن احکام جزئی دارد.
۱۹. قرآن حدود و مجازات دارد.
۲۰. قرآن احکام عبادی دارد.
۲۱. قرآن احکام سیاسی دارد.
۲۲. قرآن احکام اجتماعی دارد.
۲۳. قرآن اخلاقیات دارد.
۲۴. قرآن دارای علوم نفسانی است.
۲۵. قرآن حقایق دارد.
۲۶. قرآن مجازات دارد.
۲۷. قرآن مجملات دارد.
۲۸. قرآن مبسوطات دارد.
۲۹. قرآن کلیات دارد.
۳۰. قرآن معضلات دارد.
۳۱. قرآن مجهولات دارد.
۳۲. قرآن محسنات دارد (علم معانی، علم بیان، علم بدیع).
۳۳. قرآن اعجاز علمی دارد.
۳۴. قرآن طبیعیات دارد.
۳۵. قرآن مسائل ریاضی دارد.
۳۶. قرآن علوم اقتصادی دارد.
۳۷. قرآن علوم قضائی دارد.
۳۸. قرآن علوم شیمیایی دارد.
۳۹. قرآن علوم پزشکی دارد.

۴۰. قرآن روابط فردی دارد.
۴۱. قرآن روابط اجتماعی دارد.
۴۲. قرآن روابط بین المللی دارد.
۴۳. قرآن دارای علوم تغذیه است.
۴۴. قرآن دارای علوم غیبی و پیشگویی است.
۴۵. قرآن دارای علمی است که علمتان بدان نرسیده است.
۴۶. قرآن علوم درباره ملائکه دارد.
۴۷. قرآن علوم درباره جن دارد.
۴۸. قرآن علوم شیطانی را معرفی می کند.
۴۹. قرآن درباره عوالم مختلف صحبت می کند: (عالم ذر، عالم دنیا، عالم قیامت).
۵۰. قرآن دارای علوم روانشناسی است.
۵۱. قرآن دارای علوم نجوم است.
۵۲. قرآن درباره تقدیرات صحبت می کند.
۵۳. قرآن درباره...

پس، ابعاد قرآن بسیار زیاد است اما آیا هر کس اجازه دارد که قرآن را تفسیر کند؟ آیا هر کس علم تفسیر و تأویل دارد؟ خیر، قرآن مشخص می کند که چه کسانی می توانند تأویل و تفسیر نمایند. اینها همه در باطن قرآن است و باطن قرآن دارای کلید است و کلیدش در دست:

«و من عنده علم الكتاب»^۱

خداوند کلیدهایش را در دست کسانی قرار داده است که علم کتاب می دانند، و این علم کتاب را خودش به آنها عنایت فرموده است. علم قرآن در سینه کسانی است که خود خداوند آن را در سینه هایشان قرار داده است.

﴿بَلْ هُوَ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ فِي صُدُورِ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ﴾^۱

این قرآن آیاتش روشن و آشکار است (و بطونی دارد که آن بطون) در سینه‌های کسانی است که دانش و علم قرآن را خداوند در سینه‌های آنها قرار داده است. هر کس هر سؤالی درباره قرآن دارد باید به این‌ها مراجعه کند که خداوند می‌فرماید:

﴿فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾^۲

شما (درباره قرآن) سؤال کنید از اهل ذکر که اهل قرآن هستند. شما درباره قرآن چیزی نمی‌دانید شما درباره قرآن باید به کسانی مراجعه کنید که خداوند آنها را مرجع قرار داده است.

﴿وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَهْتَدُونَ بِأَمْرِنَا وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَإِقَامَ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءَ الزَّكَاةِ وَكَانُوا لَنَا عَابِدِينَ﴾^۳

باید به امامانی مراجعه کنید که خداوند آنها را قرار داده است، و آنها به امر خداوند رهبری و هدایت می‌فرمایند، خداوند به آنها آموخته است کارهای نیک را با برپایی نماز و زکوة دادن آموخته است، به آنها وحی کرده است که بهترین بندگان و عبادت‌کنندگان خداوند باشید.

پس، علم کتاب و تأویل و تفسیر کتاب در ﴿فِي صُدُورِ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ﴾ می‌باشد و ما باید برای استفاده کامل از قرآن به آنها مراجعه کنیم و امروزه در کل عالم ناسوت کسی بجز اعلی حضرت بقیة الله الاعظم علیه السلام دارای این منصب و مقام نیست و مراجعه به او یک اصل است.

۱. سوره عنکبوت، آیه ۴۹.

۲. سوره انبیاء، آیه ۷.

۳. سوره انبیاء، آیه ۷۳.

آیه یکصد و پنجاه و سوم

● اهل بیت و امام زمان (عج) سبیل الله هستند.

خداوند در سوره عنکبوت آیه ۶۹، می فرماید:

﴿وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ﴾

کسانی که در راه ما مجاهدت کرده اند به راه های خویش هدایتشان می کنیم که خداوند با نیکوکاران است.

(۱) حاکم حسکانی حنفی از علمای قرن پنجم هجری در کتاب شواهد التنزیل صفحه ۳۶۸ حدیث ۶۰۶، آورده است:

خبر را داد به ما ابوالحسین اهوازی، از ابوبکر بیضاوی و ایشان از محمد بن قاسم و ایشان از عباد و ایشان از حسن بن حماد و ایشان از زیاد بن منذر نقل می کنند: که حضرت ابی جعفر محمد بن علی باقر علیه السلام در فرموده خداوند متعال: ﴿وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ﴾ فرمودند: کسانی که جهاد می کنند در راه ما هرآینه راه هایمان را نشان می دهیم، فرمودند: درباره ما اهل بیت علیهم السلام نازل شده است.

(۲) باز حاکم حسکانی حنفی در شواهد التنزیل صفحه ۳۶۹ حدیث ۶۰۷، آورده است:

فرات بن ابراهیم گفت: از جعفر بن محمد بن سعید احمسی و باز ایشان نقل می کنند از حسن بن حسین و ایشان از یحیی بن علی و ایشان از ابان بن تغلب نقل می کند: عن ابی جعفر محمد بن علی علیه السلام فی قوله تعالی: ﴿وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ﴾ قالت: نزلت فینا اهل البیت.

حضرت درباره این آیه ﴿وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا...﴾ فرمودند: این آیه درباره ما اهل بیت نازل شده است.

(۳) در کتاب اختصاص صفحه ۱۲۷، آمده است:

عن ابی جعفر محمد بن علی علیه السلام فی قوله: ﴿وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ﴾ قال: نزلت فینا اهل البیت.

ابی جعفر محمد بن علی علیه السلام در بیان کلام خدا ﴿وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ﴾ فرمود: درباره ما اهل بیت علیهم السلام نازل شده است.

(۴) در کتاب المیزان مجلد ۱۶ صفحه ۱۵۹ و در کتاب تفسیر صافی مجلد ۲ صفحه ۲۹۳، آمده است:

و فی تفسیر القمی فی قوله تعالی: ﴿وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ﴾ فی روایت ابی جارود عن ابی جعفر علیه السلام قال: هذه الایه لال محمد علیه السلام و لاشیاعهم.

در تفسیر قمی در ذیل آیه (وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا تا آخر آیه) گفته: در روایت ابی جارود از ابی جعفر علیه السلام آمده که فرمود: این آیه درباره آل محمد علیهم السلام و شیعیان ایشان است.

پس امروز سبیل الله، امام زمان (عج) است و هر که در راه ایشان قرار بگیرد به خداوند وصل می شود.

آیه یکصد و پنجاه و چهارم

● مؤمنان در قبورشان به ظهور ولی عصر (عج) شادمان می شوند.

خداوند در سوره روم آیات ۱ تا ۵، می فرماید:

﴿الْم ۝ غُلِبَتِ الرُّومُ ۝ فِي أَدْنَى الْأَرْضِ وَهُمْ مِنْ بَعْدِ غَلَبِهِمْ سَيَغْلِبُونَ ۝ فِي بَضْعِ سِنِينَ لِلَّهِ الْأَمْرُ مِنْ قَبْلُ وَ مِنْ بَعْدُ وَ يَوْمَئِذٍ يَفْرَحُ الْمُؤْمِنُونَ ۝ بِنَصْرِ اللَّهِ يَنْصُرُ مَنْ يَشَاءُ وَ هُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ﴾

الم ۝ رومیان مغلوب شدند در نزدیکی های سرزمین شما و آن ها پس از این مغلوب شدن به زودی غالب خواهند شد ۝ در چند سالی خواهد شد و همه امور عالم از قبل و بعد از این همه به دست خداوند است (و در آن روز پیروزی) مؤمنان به نصرت و یاری خداوند (نسبت بایشان) شادمان و خرسند خواهند شد.

(۱) در کتاب ینابیع المودة نوشته خواجه کلان قندوزی حنفی باب ۷۱ صفحه

۴۲۶، آمده است:

و فی سوره الروم ﴿وَيَوْمَئِذٍ يَفْرَحُ الْمُؤْمِنُونَ ۝ بِنَصْرِ اللَّهِ﴾ عن ابی بصیر، عن جعفر الصادق عليه السلام قال عند قیام القائم عليه السلام یفرح المؤمنون بنصر الله.

در سوره روم خداوند می فرماید: «و در آن روز مؤمنان به نصرت و یاری خداوند شادمان گردند» ابابصیر از امام صادق عليه السلام نقل می کند که آن حضرت فرمودند: به هنگام قیام و انقلاب و ظهور قائم موعود (عج) مؤمنین به نصرت خداوند متعال. شادمان می گردند.

(۲) ابوجعفر محمد بن جریر طبری در کتاب دلائل الامامة صفحه ۲۴۸، آورده

است:

فی مسند فاطمه قال: حَدَّثَنِي ابُو الْمُفَضَّلِ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ هَمَّامٍ قَالَ حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ مَالِكٍ قَالَ: حَدَّثَنَا اسْحَقُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ سَمِيعٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْوَلِيدِ. عَنْ

یونس بن یعقوب، عن ابی عبدالله الصادق علیه السلام و فی قول الله عزوجل ﴿وَيَوْمَئِذٍ يَفْرَحُ الْمُؤْمِنُونَ﴾ بِنَصْرِ اللَّهِ قال: فی قبورهم بقیام القائم علیه السلام.

ابوجعفر محمد بن جریر طبری در کتاب مسند فاطمه گوید... از یونس بن یعقوب و انسان از حضرت ابی عبدالله صادق علیه السلام درباره قول خداوند عزوجل که فرموده است: «در آن روز مؤمنان به یاری خداوند خرسند و شاد خواهند شد.» فرمودند: مؤمنین در قبورشان به قیام حضرت قائم علیه السلام شادمان می شوند.

(۳) در کتاب تفسیر برهان مجلد ۳ صفحه ۲۵۷ حدیث شماره ۲، آمده است:

عنه قال: حدثنا الحسن بن محمد بن جمهور القمی، عن ابيه، عن جعفر بن بشیر الوشاء، عن ابن مسکان، عن ابی بصیر، عن ابی عبدالله علیه السلام قال سئلته عن تفسیر ﴿الْم﴾ ﴿غَلِبَتِ الرُّومُ﴾ قال: هم بنو امیة و انما انزلها الله عزوجل ﴿الْم﴾ ﴿غَلِبَتِ الرُّومُ﴾ بنو امیة: فی ادنی الارض وهم من بعد علیهم سیغلبون فی بضع سنین لله الامر من قبل و من بعد و یومئذ یفرح المؤمنون بنصر الله عند قیام القائم علیه السلام.

ابن مسکان از ابا بصیر و ایشان از امام صادق علیه السلام نقل می کند: ابا بصیر می گوید: از حضرت صادق علیه السلام درباره تفسیر این آیه سؤال نمودم «الم» رومیان مغلوب شدند» حضرت فرمودند: آنان بنی امیه هستند و خداوند آیه را چنین نازل فرموده است: «الم» رومیان مغلوب شدند، در نزدیکی زمینی و آنها پس از مغلوب شدن فعلی به زودی باز غالب خواهند شد... و آن روز مؤمنان به نصرت و یاری خداوند شاد و خرسند می شوند» و این پیروزی و شادی هنگام قیام قائم علیه السلام است.

آیه یکصد و پنجاه و پنجم

● خداوند درباره ظهور امام عصر (عج) خلف وعده نمی‌کند.

خداوند در سوره روم آیه ۶، می‌فرماید:

﴿وَعَدَ اللَّهُ لَا يَخْلِفُ اللَّهُ وَعْدَهُ وَ لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ﴾

این وعده خداوند است، و خداوند بر خلاف وعده خویش (عمل) نمی‌کند و لیکن بیشتر مردم نمی‌دانند.

* در کتاب عقد الدرر باب چهارم فصل اول علامه دمشقی شافعی، آورده است:

بسند عن حذيفة بن اليسان، عن النبي ﷺ قال: ويل هذه الامة من ملوك جبابرة كيف يقتلون و يخيفون المطيعين الامن اطهروا طاعتهم، فالمؤمن التقى يصانعهم بلسانه يعرفهم بقلبه (فاذا) اراد الله عزوجل ان يعيد الاسلام عزيزاً قصم كل جبار عنيد و هو القادر على ما يشاء ان يصلح امة بعد فسادها. ثم قال ﷺ: يا حذيفة لولم يبق من الدنيا الا يوم واحد لطول الله ذلك اليوم حتى يملك رجل من اهل بيتي تجرى الملاحم على يديه و يظهر الاسلام. ثم قال ﷺ: لا يخلف الله وعده، و هو سريع الحساب.

حافظ دمشقی شافعی نقل می‌کند: از حذیفه بن یمان و ایشان نقل می‌کند از رسول خدا ﷺ که آن حضرت فرمودند: وای بر این امت از پادشاهان و ظالمان و ستمگران و زورگویان، که آن‌ها چگونه می‌کشند و چگونه می‌ترسانند کسانی که از خداوند فرمان می‌برند، مگر آن کس که اظهار اطاعت آنان را کنند، در چنین وضعیتی مؤمن پرهیزگار، به زبان با ایشان می‌سازد اما در دل از آن‌ها می‌برد (و متنفر است).

پس، زمانی که خداوند عزوجل اراده نماید اسلام را دوباره عزیز و غالب می‌گرداند، و هر جبار کینه ورزی را درهم می‌شکند و او برای اینکه بخواهد امتی را پس از فاسد

شدن اصلاح کند قادر و تواناست. آن‌گاه رسول خدا فرمودند: ای حذیفه، اگر از دنیا یک روز باقی نماند، همانا خداوند آن روز را طولانی گرداند تا مردی را از اهل بیت من به حکومت برساند، و حوادث بزرگی به دست او جامه تحقق پوشند، و اسلام (به دست او) آشکار می‌گردد؛ سپس حضرت فرمودند: ﴿لَا يُخْلِفُ اللَّهُ وَعْدَهُ وَهُوَ سَرِيعُ الْحِسَابِ﴾ خداوند خلاف وعده خودش (عمل) نمی‌کند و او سریع الحساب است.

آیه یکصد و پنجاه و ششم

● امامت ائمة طاهرين و بقیه الله الاعظم علیهم السلام فطری است.

خداوند در سورة روم آیه ۳۰، می فرماید:

﴿فَأَقِمْ وَ جِهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفاً فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَ لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ﴾

توجه خودت را به سوی دین حنیف بگردان خداوند (انسان ها را به گونه ای خلق کرده است) که فطرتاً مردم توجه شان به سوی این دین است و خلقت خداوند تغییر پذیر نیست و (این) دین پایدار است اما بیشتر مردم نمی دانند.

(۱) در تفسیر برهان مجلد ۳ صفحه ۲۶۱ حدیث ۱، آمده است:

محمد بن یعقوب، عن علی بن ابراهیم، عن ابیه، عن صالح بن السندی، عن جعفر بن بشیر، عن علی بن ابی حمزة، عن ابی جعفر علیه السلام، فی قوله ﴿فَأَقِمْ وَ جِهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفاً﴾ قال: هی الولاية.

محمد بن یعقوب کلیسی (در کافی) از ابابصیر و ایشان از حضرت صادق علیه السلام در تفسیر این آیه ﴿فَأَقِمْ وَ جِهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفاً﴾ «توجه خودت را به سوی دین حنیف بگردان»، نقل می کند که حضرت فرمودند: منظور ولایت اهل بیت علیهم السلام است.

(۲) در تفسیر برهان مجلد ۳ صفحه ۲۶۲ حدیث ۱۴، آمده است:

و ابن بابویه قال: حدثنا محمد بن الحسن بن احمد بن الولید، قال: حدثنا محمد بن الحسن الصفار، عن علی بن حسان الوسطی، عن الحسين بن یونس، عن عبدالرحمن بن کثیر مولى ابی جعفر، عن ابی عبدالله علیه السلام فی قول الله عزوجل ﴿فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا﴾ قال توحید و محمد رسول الله و علی امیر المؤمنین علیه السلام.

ابن بابویه قمی روایت می کند از محمد بن الحسن بن احمد بن ولید و ایشان حدیث

می نمایند از محمد بن الحسن الصفار و... از حضرت امام صادق علیه السلام درباره این فرموده خداوند «خداوند فطرت انسان‌ها را به گونه‌ای خلق کرده است که توجه‌شان به آن باشد؛ حضرت فرمودند. (آن چیزی که باید توجه مردم به سوی آن باشد» عبارت است از توحید (اشهد ان لا اله الا الله) و محمد رسول الله صلی الله علیه و آله و علی امیر المؤمنین علیه السلام (اشهد ان علی ولی الله).

(۳) در تفسیر برهان مجلد ۳ صفحه ۲۶۲ حدیث ۱۹، آمده است:

علی بن ابراهیم قال: اخبرنا الحسين بن محمد، عن المعلى بن محمد، عن محمد بن جمهور، عن جعفر بن بشیر، عن علی بن ابی حمزة، عن ابی بصیر، عن ابی جعفر علیه السلام فی قوله ﴿فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا﴾ قال هی الولاية.

علی بن ابراهیم قمی نقل می‌کند... از ابابصیر و ایشان از امام محمد باقر علیه السلام درباره این فرموده خداوند نقل می‌کند: ﴿فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا﴾ که حضرت فرمودند: آن ولایت (اهل بیت علیهم السلام است)

(۴) در تفسیر برهان مجلد ۳ صفحه ۲۶۲ حدیث ۲۰، آمده است:

قال: حدثنا الحسين بن علی زکریا قال: حدثنا الهيثم بن عبد الله الرماني قال حدثنا علی بن موسى الرضا عن ابيه عن جده محمد بن علی علیه السلام فی قوله ﴿فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا﴾ قال: هی لا اله الا الله، محمد رسول الله صلی الله علیه و آله، علی امیر المؤمنین ولی الله ابی هیئنا التوحید.

حسین بن علی زکریا نقل می‌کند، از هیثم بن عبد الله الرماني و ایشان نقل می‌کند از علی بن موسی الرضا علیه السلام و ایشان روایت می‌کند از پدرشان (موسی بن جعفر) و ایشان روایت می‌فرمایند از حضرت جعفر بن محمد الصادق و ایشان نقل می‌کند از امام محمد باقر علیه السلام و ایشان روایت می‌فرمایند از علی بن حسین زین العابدین علیه السلام درباره این فرموده خداوند «فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا» حضرت فرمودند: ان لا اله الا الله و

محمد رسول الله ﷺ و امیرالمؤمنین علیاً و لی الله است.

(۵) در تفسیر برهان مجلد ۳ صفحه ۲۶۲ حدیث ۲۳، آمده است:

محمد بن العباس قال: حدثنا احمد بن الحسن المالکی، عن محمد بن عیسی، عن الحسين بن سعید، عن جعفر بن بشیر، عن علی بن ابی حمزة، عن ابی بصیر، عن ابی جعفر علیاً قال: سئلته عن قول الله عزوجل ﴿فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا﴾ قال هي الولاية. محمد بن العباس نقل می کند از علی بن ابی حمزه و او نقل می کند از ابی بصیر و او نقل می کند از حضرت امام محمد باقر علیاً که از آن حضرت سوال کردم درباره این آیه که خداوند می فرماید: ﴿فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا﴾ حضرت فرمودند: منظور خداوند ولایت است.

(۶) در تفسیر برهان مجلد ۳ صفحه ۲۶۲ حدیث ۲۴، آمده است:

محمد بن الحسن الصفار باسناده، عن عبد الرحمن بن كثير، عن ابی عبد الله علیاً فی قوله عزوجل: ﴿فَأَقِمْ وَ جِهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفاً فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا﴾ قال علی التوحید و ان محمداً رسول الله ﷺ و ان علیاً امیرالمؤمنین علیاً. محمد بن حسن الصفار روایت می کند با اسناد خودش از عبد الرحمن بن کثیر و او نقل می کند از حضرت امام جعفر صادق علیاً در مورد این فرموده خداوند ﴿فَأَقِمْ وَ جِهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفاً﴾ حضرت فرمودند: منظور توحید است و محمد رسول الله ﷺ است و علی امیرالمؤمنین علیاً است.

(۷) در تفسیر برهان مجلد ۳ صفحه ۲۶۳ حدیث ۲۷، آمده است:

ابن شهر آشوب عن الرضا، عن ابيه، عن جده علیاً فی قوله تعالی ﴿فَأَقِمْ وَ جِهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفاً فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا﴾ قال هو التوحید و محمد رسول الله ﷺ و علی امیرالمؤمنین علیاً الی هیهنا التوحید.

ابن شهر آشوب روایت می کند از حضرت علی بن موسی الرضا علیاً و ایشان نقل

می‌کند از جدش حضرت صادق علیه السلام در مورد این فرموده خداوند ﴿فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا﴾ حضرت فرمودند: منظور از آن توحید است و محمد رسول الله صلی الله علیه و آله و علی امیرالمؤمنین علیه السلام است.

به هر حال احادیث در این زمینه زیاد است که منظور آیه توحید است (لا اله الا الله) و نبوت می‌باشد (محمد رسول الله صلی الله علیه و آله) و امامت است (علی ولی الله علیه السلام) و رهبریت یازده ستاره درخشان پس از امیرالمؤمنین علیه السلام است (هی الولاية) و هم اکنون آخرین بازمانده از آن یازده ستاره حضرت بقیه الله اعظم علیه السلام است که همچون خورشید در آسمان دین می‌درخشد، دوست داشتن ایشان فطری است، نزدیک شدن به ایشان فطری است، پذیرفتن امامت ایشان فطری است...

آیه یکصد و پنجاه و هفتم

● امام زمان (عج) نعمت باطنی خداوند است.

خداوند در سوره لقمان آیه ۲۰، می فرماید:

﴿أَلَمْ تَرَوْا أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَ أَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعْمَهُ ظَاهِرَةً وَ بَاطِنَةً وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ يُجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَ لَا هُدًى وَ لَا كِتَابٍ مُّبِينٍ﴾

آیا ندید خداوند آنچه در آسمان‌ها و زمین است مسخر شما ساخته و نعمت‌های آشکار و پنهان خود را بر شما کامل کرده است؟ (باز) برخی از مردم بدون هیچ دانش و هدایت و کتاب روشنگری درباره خدا مجادله می‌کنند.

(۱) در کتاب مناقب آل ابی طالب مجلد ۴ صفحه ۱۸۰ حدیث ۲، آمده است:

ابن شهر آشوب عن محمد بن مسلم، عن الكاظم عليه السلام، انه قال: الظاهرة الامام الظاهر، و الباطنة الامام الغائب.

ابن شهر آشوب از محمد بن مسلم از حضرت امام کاظم عليه السلام روایت کرده که آن حضرت فرمودند: نعمت ظاهری امام ظاهر است و نعمت باطنی امام غایب است. (و امام غایب حضرت حجة بن الحسن العسکری (عج) است.)

(۲) در تفسیر برهان مجلد ۳ صفحه ۲۷۸ حدیث ۷، آمده است:

الطبرسی، قال الباقر عليه السلام النعمة الظاهرة النبي صلى الله عليه وآله و ما جاء به النبي من معرفة الله عزوجل و توحیده و اما النعمة الباطنة ولايتنا اهل البيت و عقد مودتنا.

طبرسی نقل می‌کند از حضرت باقر عليه السلام که آن حضرت فرمودند: نعمت ظاهری رسول خدا صلى الله عليه وآله است و آنچه از معارف الهی توسط ایشان آمده است، و نعمت باطنی ولایت اهل بیت عليهم السلام است و پیوند با ولایت و رهبریت و دوستی با اهل بیت عليهم السلام می‌باشد. (الباطنه ولايتنا اهل البيت و عقد مودتنا)

(۳) در کمال الدین مجلد ۲ صفحه ۴۰ باب ۳۴ حدیث ۷، و تفسیر برهان مجلد ۳ صفحه ۲۷۷ حدیث ۲، آمده است:

حدثنا احمد بن زياد بن جعفر الهمداني رضا قال: حدثنا علي بن ابراهيم بن هاشم، عن ابيه، عن حماد بن زياد الازدي قال سألت سيدي موسى بن جعفر عليه السلام، عن قول الله عزوجل ﴿وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعْمَهُ ظَاهِرَةً وَبَاطِنَةً﴾ فقال عليه السلام: النعمة الظاهرة الامام الظاهر و الباطنة الامام الغائب فقلت له ويكون عشر منا سهل الله له كل عسير و يذلل له كل صعب و يظهر له كنوز الارض و يقرب له كل بعيد و يفنى به كل جبار عنيد و يهلك على يديه كل شيطان مرید ذلك ابن سيدة الاماء الذي تخفى على الناس و لادته و لا يحل لهم تسميه حتى يظهر الله فيملاء الارض قسطا و عدلا كما ملئت جوراً و ظلماً قال مصنف هذا الكتاب لم اسمع هذا الحديث الا من احمد بن زياد عليه السلام بهمدان عند منصرفي من حج بيت الله الحرام و كان رحلا ثقة دنيا فاضلا رحمة الله و رضوانه عليه.

حماد بن زياد ازدي می گوید: از آقای خود موسی بن جعفر عليه السلام از تفسیر قول خدای عزوجل فرمود: آورد بر شما نعمت های خود را آشکار و نهان پرسیدم فرمود: نعمت آشکار امام آشکار است و نعمت نهان امام غائب است، عرض کردم در میان امامان کسی است که غائب شود؟ فرمود: آری شخص وی از دیده نهان گردد ولی یاد وی از دل مؤمنان پنهان نباشد و از دوازدهمین ما باشد. خدا هر کار سختی را برای او هموار کند و هر رمنده ای را در برابر او رام کند و گنج های زمین را برای او آشکار سازد و هر دوری را به وی نزدیک کند و هر جبار و سرکشی را به وی فنا کند و هر شیطان متمردی به دست وی نابود گردد. آن است فرزند بهترین کنیزان آن که تولدش بر مردم نهان باشد بردن نامش برای ایشان دوا نباشد تا خدا آشکارش کند و زمین را پر از عدل و داد کند چنانچه پر از جور و ستم شده باشد، مصنف این کتاب گوید: من این حدیث را شنیدم جز از احمد بن زیاد در شهر همدان موقع برگشتم از حج بیت الله الحرام شنیدم و او مردی ثقة و دیندار و فاضلی بود رحمة الله و رضوانه عليه.

آیه یکصد و پنجاه و هشتم

● امامان معصوم علیهم السلام و در حال حاضر حضرت مهدی (عج) عروة الوثقی هستند.

خداوند در سوره لقمان آیه ۲۲، می فرماید:

وَمَنْ يُسْلِمْ وَجْهَهُ إِلَى اللَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ
هر که توجه خویش را بی شائبه سوی خدا کند و نیکوکار باشد به دستاویز محکمی
چنگ زده است.

(۱) در کتاب برهان مجلد ۳ صفحه ۲۷۹، آمده است:

قال رسول الله صلى الله عليه وآله الاثمة من ولد الحسين عليه السلام من اطاعهم فقد اطاع الله و من عصاهم فقد عصى الله هم العروة الوثقى و هم الوسيلة الى الله.

رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود: هر کس امامان از فرزندان حسین عليه السلام را اطاعت کند به تحقیق اطاعت خدا را نموده و هر کس از دستورات ایشان تخلف نماید بدون تردید معصیت خدا کرده زیرا که ایشان عروة الوثقى و وسیله به سوی پروردگار می باشند.

(۲) در کتاب برهان مجلد ۳ صفحه ۲۷۹، آمده است:

عن الرضا عليه السلام عن آبائه عليهم السلام قال: قال رسول الله (ص) سيكون بعدى فتنه مظلمه الناجى منها من تمسك بالعروة الوثقى فقيل: يا رسول الله، و ما العروة الوثقى؟ قال: ولاية سيد الوصيين قيل: يا رسول الله، و من سيد الوصيين؟ قال: امير المؤمنين عليه السلام قيل يا رسول الله، و من امير المؤمنين؟ قال: مولى المسلمين و امامهم بعدى، قيل: يا رسول الله، و من مولى المسلمين و امامهم بعدك؟ قال: اخى على بن ابى طالب عليه السلام.

از امام رضا عليه السلام از پدرانش عليهم السلام فرمود که رسول الله صلى الله عليه وآله فرمودند: بعد از من فتنه‌ای گمراه کننده به وجود می آید که رستگار کسی است که در آن هنگام به عروة الوثقى تمسک جوید. عرض کردند: یا رسول الله، عروة الوثقى چیست؟ فرمود: ولایت سید الوصیین.

عرض کردند: سیدالوصیین کیست؟ فرمود: امیرالمؤمنین. عرض کردند: یا رسول الله، امیرالمؤمنین کیست؟ فرمود: مولای مسلمانان و امامشان بعد از من، گفتند: مولای مسلمین و امام بعد از شما کیست؟ فرمود: برادرم علی بن ابی طالب علیه السلام.

(۳) در کتاب تفسیر برهان مجلد ۳ صفحه ۲۷۸ حدیث شماره ۱، آمده است:

محمد بن العباس، قال: حدثنا احمد بن محمد بن سعيد، عن ابيه، عن حصين بن محارق، عن ابي الحسن موسى بن جعفر، عن ابيه، عن آبائه عليهم السلام «أَسْتَمْسِكُ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى» قال: مودتنا اهل البيت.

محمد بن عباس روایت می کند از احمد بن محمد بن سعید و از پدرش و از حصین بن محارق و ایشان از ابی الحسن موسی بن جعفر علیه السلام و ایشان از پدرش امام صادق علیه السلام و ایشان از پدرانشان علیهم السلام درباره این فرموده خداوند «فَقَدْ أَسْتَمْسِكُ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى» این دستاویز محکم موده و دوستی ما اهل بیت علیهم السلام است.

(۴) در کتاب تفسیر برهان مجلد ۳ صفحه ۲۷۸ حدیث شماره ۲، آمده است:

عنه، قال: حدثنا احمد بن محمد، عن ابيه، عن حصين بن محارق، عن هارون بن سعيد، عن زيد بن علي عليه السلام، قال العروة الوثقى المودة آل محمد صلوات الله عليهم.

هارون بن سعید نقل می کند از زید بن علی بن الحسین علیه السلام که عروۃ الوثقی و دستگیری محکم الهی موده و دوستی آل محمد (عج) است.

پس، عروۃ الوثقی و دستگیری محکم خداوند ائمه طاهرین و در حال حاضر حضرت قائم آل محمد (عج) است.

آیه یکصد و پنجاه و نهم

● ائمه طاهرین علیهم السلام و در حال حاضر امام زمان کلمات الله هستند.

خداوند در سوره لقمان آیه ۲۷، می فرماید:

﴿وَلَوْ أَنَّ مَا فِي الْأَرْضِ مِنْ شَجَرَةٍ أَقْلَامٌ وَالْبَحْرُ يَمُدُّهُ مِنْ بَعْدِهِ سَبْعَةُ
أُبْحُرٍ مَا نَفَدَتْ كَلِمَاتُ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ﴾

اگر همه درختان موجود در زمین قلم شوند و دریاها به کمک هفت دریای دیگر مرکب گردند، (و به وسیله آن قلم ها و این جوهرها بنویسند) کلمات خداوند را بنویسند، کلمات خداوند تمام نشود و خداوند عزیز و حکیم و فرزانه است.

* در کتاب احتجاج مجلد ۱ صفحه ۲۵۸ و در تفسیر برهان مجلد ۳ صفحه ۲۷۹،

آمده است :

سال یحیی بن اکثم ابا الحسن العالم العسکری علیه السلام عن قوله تعالى: ﴿سَبْعَةُ أُبْحُرٍ مَا نَفَدَتْ كَلِمَاتُ اللَّهِ﴾ ما هی؟ فقال هی: عین الکبریت و عین الیمن و عین البرهوت و عین الطبریة و جمعة ما سیدان و جمعة افريقية و عین باهوران و نحن الکلمات التي لاتدرک فضائلنا ولا تستقصی.

یحیی بن اکثم از امام حسن عسکری علیه السلام از کلام خدا ﴿سَبْعَةُ أُبْحُرٍ مَا نَفَدَتْ كَلِمَاتُ اللَّهِ﴾ سؤال کرد که منظور چیست؟ حضرت فرمودند: چشمه هایی به نام کبریت، یمن، برهوت، طبریة، جمه ما سیدان، جمه افریقا و باهوران می باشند؛ و ماییم آن کلماتی که فضایلمان را درک نمی کنی و از چشمه های فضلیمان نمی توانی بنوشی کلمات الله تفسیر و تأویلش وجه های مختلفی دارد یک وجهش قرآن کریم اما وجه های دیگرش ائمه طاهرین علیهم السلام و در حال حاضر امام زمان (عج) است.

مثلاً، در ینابیع المودة صفحه ۴۶۲، در روایتی از حسین بن حمدان... و از دو امام؛ یعنی، امام علی هادی علیه السلام و امام ابی محمد حسن ابن علی العسکری در مورد خلقت و

به وجود آمدن امام حضرت شرح می دهند و در ضمن می فرمایند: «و تكونت نطفته منها فاذا استقرت النطفة في الرحم فمضى لها اربعة اشهر يسمع الصوت و كتب على عقيدة ﴿و تَمَّتْ كَلِمَةُ رَبِّكَ صِدْقًا وَ عَدْلًا لَمْ يَبْدَلْ لِكَلِمَاتِهِ وَ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ﴾»^۱ فاذا ولد قائم بامر الله و دفع له عمود من نور ينظر منه الخلايق و اعمالهم و سرائرهم و العمود نصبت بين عينه حيث تولى و نظرو قالوا: قال ابو محمد الحسن العسكري قصة هبة عمته نرجس له نجوما تقدم.

یعنی، بعد از قرار گرفتن نطفه امام در رحم مادر و گذشتن چهار ماه صدای طفل شنیده می شود و نوشته می شود بر بازوی او ﴿و تَمَّتْ كَلِمَةُ رَبِّكَ صِدْقًا وَ عَدْلًا لَمْ يَبْدَلْ لِكَلِمَاتِهِ وَ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ﴾ زمانی که امام زمان (عج) به دنیا آمد، به امر خداوند می ایستد، عمودی از نور بین دو چشم او نصب می شود. به وسیله آن نور خلائق و اعمال و پنهانشان را و هر چیز را که بخواهد و نظر کند می بیند، و گفتند که ابامحمد حسن بن علی العسكري علیه السلام گفت: قصه بخشیدن عمه آن حضرت نرجس را به او از قبیل نصب عمود نور است.

توجه می فرمایید در این حدیث از امام به «کلمه رب» تعبیر شده است.

آیه یکصد و شصتم

● در ظهور امام زمان (عج) کافران عذابی سخت خواهند داشت.

خداوند در سوره سجده آیه ۲۱، می فرماید:

﴿وَلَنُذِيقَنَّهُمْ مِنَ الْعَذَابِ الْأَدْنَىٰ دُونَ الْعَذَابِ الْأَكْبَرِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ﴾

و به درستی که ما از عذاب کوچک تر (یا نزدیک تر) غیر از عذاب بزرگ تر آنان را می چشانیم تا شاید به سوی خداوند برگردند.

(۱) محمد بن الحسن بن فرقد الشیبانی حنفی در کتاب کشف البیان، روایت می کند:

و روی عن جعفر الصادق ان لادنى القحط و الجذب و الاكبر خروج القائم المهدي بالسيف فى آخر الزمان.

از امام صادق علیه السلام روایت شده است که (عذاب پست) یا عذاب کوچک تر، قحطی و خشک سالی و (عذاب الاکبر) یا عذاب بزرگ تر قیام قائم مهدی (عج) است، که ایشان با شمشیر قیام خواهد کرد در آخر الزمان.

(۲) در کتاب تفسیر برهان مجلد ۳ صفحه ۲۸۸ حدیث شماره ۳ و کتاب تأویل

الایات الظاهر صفحه ۴۴۴، آمده است:

محمد بن العباس، قال حدثنا علی بن حاتم، عن حسن بن محمد، عن عبدالواحد بن حفص بن عمر بن سالم، عن محمد بن حسین بن عجلان، عن مفضل بن عمر، قال سئلت ابا عبد الله علیه السلام عن قول الله عز وجل: ﴿وَلَنُذِيقَنَّهُمْ مِنَ الْعَذَابِ الْأَدْنَىٰ دُونَ الْعَذَابِ الْأَكْبَرِ﴾ قال الادنى عذاب السفر والاكبر المهدي علیه السلام بالسيف.

محمد بن عباس روایت می کند از علی بن حاتم... از حسین ابن عجلان و از مفضل بن

عمر روایت می کند که از حضرت صادق علیه السلام در مورد این فرموده خداوند «به درستی که ما از عذاب کوچک تر (یا نزدیک تر) غیر از عذاب بزرگ تر آنان را می چشانیم» سؤال

کردیم حضرت فرمودند: عذاب کوچک یا عذاب نزدیک تر سفر است و عذاب بزرگ تر ظهور مهدی (عج) است که با شمشیر قیام می فرمایند: (البته بعید نیست که این عذاب السفر عذاب سفر آخرت یا قبر باشد).

(۳) در کتاب تفسیر برهان مجلد ۳ صفحه ۲۸۸ حدیث شماره ۶، آمده است:
 الطبرسی قیل عذاب القبر عن مجاهد قال، وروی ایضاً، عن ابی عبدالله علیه السلام ثم قال:
 والاكثر فی رواية، عن ابی جعفر و ابی عبدالله علیهما السلام ان العذاب الادنی الدابة و الدجال.
 طبرسی در ذیل همین آیه از امام صادق علیه السلام و امام باقر علیهما السلام آورده است که هر دو فرمودند: عذاب نزدیک و کوچک تر دابة الارض و دجال هستند.

آیه یکصد و شصت و یکم

● امامان و رهبران پس از رسول خدا باید از اولاد حضرت فاطمه سلام الله علیها باشند.

خداوند در سوره فصلت آیه ۲۴، می فرماید:

﴿وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا وَ كَانُوا بِآيَاتِنَا يُوْقِنُونَ﴾

و قرار دادیم از ایشان پیشوایان و رهبرانی را که هدایت نمایند به دستور ما، (برای اینکه) بردباری و صبر نمودند، و به آیات ما یقین داشتند.

(۱) در کتاب شواهد التنزیل نوشته حاکم حسکانی حنفی صفحه ۳۷۸ حدیث ۶۲۴ در ذیل همین آیه، آمده است:

حاکم حسکانی می گوید: فرات بن ابراهیم کوفی گفت... از ابی حمزه نقالی: از ابی جعفر امام محمد باقر علیه السلام که آن حضرت فرمودند: ﴿وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا وَ كَانُوا بِآيَاتِنَا يُوْقِنُونَ﴾ این ائمه علیهم السلام اولاد فاطمه علیها السلام هستند.

(۲) باز در کتاب شواهد التنزیل نوشته حاکم حسکانی حنفی در صفحه ۳۷۸ حدیث ۶۲۵، در ذیل همین آیه می گوید:

فرات گفت... از جابر: از امام محمد باقر علیه السلام که آن حضرت درباره این آیه ﴿وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ﴾ فرمودند: تنها در اولاد فاطمه علیها السلام نازل شده (خداوند از ایشان پیشوایانی را قرار داد که (مردم را) به اذن و دستور خداوند راهنمایی می کنند).

(۳) باز در کتاب شواهد التنزیل نوشته حاکم حسکانی حنفی در صفحات ۳۷۸ و ۳۸۹ حدیث ۶۲۶، حاکم حسکانی حنفی می گوید:

خبر داد ما را عقیل... از ابن عباس در فرموده خداوند متعال ﴿...وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا﴾ گفت: خداوند برای بنی اسرائیل پس از مرگ هارون و موسی، از اولاد هارون هفت نفر از امامان را قرار داد، همچنین با علی علیه السلام و فرزندانش هفت نفر از

امامان را قرار داد سپس، خداوند برای بنی اسرائیل پس از آن هفت امام، پنج امام دیگر از فرزندان هارون اختیار فرمود (پس در میان بنی اسرائیل دوازده نفر امام شدند از اولاد هارون).

(و این مسئله باز در اسلام بوده است) خداوند پس از (هفت نفر) پنج نفر دیگر از اولاد علی علیه السلام را امام قرارداد که آنها نیز در مجموع دوازده امام می شوند. پس، امامان هادی به امر خداوند دوازده نفرند و دوازدهمین آنها حضرت حجة بن الحسن العسکری (عج) است.

(۴) در تفسیر برهان مجلد ۳ صفحه ۲۸۸ حدیث ۱، آمده است:

علی بن ابراهیم، قال: قال فی علم الله انهم یصبرون علی ما یصیبهم فجعلهم الائمة.

علی بن ابراهیم قمی در تفسیرش از امام صادق علیه السلام نقل می کند که حضرت فرمودند: (به اذن الله) و آنها می دانند آنچه که به سرشان می آید می دانند و خداوند آنها را امام قرار داده است.

(۵) در تفسیر برهان مجلد ۳ صفحه ۲۸۹ حدیث ۳، آمده است:

علی بن ابراهیم قال: حدثنی ابی، عن القاسم بن محمد، عن القاسم بن محمد، عن سلیمان بن داود المنقری، عن حفص بن غیاث، عن ابی عبدالله علیه السلام، فی حدیث، عن رسول الله صلی الله علیه و آله فصبر رسول الله فی جمیع احواله ثم بشر بالائمة من عترته و صفوا بالصبر فقال: ﴿وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ اُمَّةً یَهْدُونَ بِاَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا وَ كَانُوا بِآیَاتِنَا یُوقِنُونَ﴾.

علی بن ابراهیم قمی نقل می کند به اسناد خودش تا... از حفص بن غیاث و ایشان از حضرت صادق علیه السلام صبر می کند و ایشان از رسول خدا درباره این آیه آورده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله در جمیع احوال و به امام از عترت و خاندانش بشارت دادند که آنها نیز صبر می کنند و آن گاه حضرت فرمودند: ﴿وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ اُمَّةً یَهْدُونَ بِاَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا وَ كَانُوا بِآیَاتِنَا یُوقِنُونَ﴾.

(۶) در تفسیر برهان مجلد ۳ صفحه ۲۸۹ حدیث ۴، آمده است:

محمد بن العباس، قال: حدثنا علی بن عبدالله بن اسد، عن ابراهیم بن محمد الثقفی، عن

علی بن هلال الاحمسی عن الحسن بن وهب العیسی عن جابر الجعفی، عن ابی جعفر محمد بن علی علیه السلام، قال: نزلت هذه الایة فی ولد فاطمة علیها السلام خاصة و ﴿وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ اَئِمَّةً يَهْتَدُونَ بِاَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا وَ كَانُوا بِآيَاتِنَا يُوَقِّنُونَ﴾.

محمد بن عباس روایت می کند... و جابر بن جعفی از حضرت محمد باقر علیه السلام که فرمودند: این آیه نازل شده است درباره فرزندان فاطمه علیها السلام نازل شده است و این آیه مخصوص آنها است؛ ﴿وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ اَئِمَّةً يَهْتَدُونَ بِاَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا وَ كَانُوا بِآيَاتِنَا يُوَقِّنُونَ﴾.

(۷) در تفسیر برهان مجلد ۳ صفحه ۲۸۸ حدیث ۲، آمده است:

ثم قال علی بن ابراهیم حدثنا حمید بن زیاد، قال: حدثنا محمد بن الحسین، عن محمد بن یحیی، عن طلحة بن زید، عن جعفر بن محمد، عن ابيه، قال: الائمة فی کتاب الله امامان عادل و امام جود قال الله: ﴿وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ اَئِمَّةً يَهْتَدُونَ بِاَمْرِنَا﴾ لا بامر الناس یقدمون امر الله قبل امرهم و حکم الله قبل حکمهم قال و ﴿وَجَعَلْنَاهُمْ اَئِمَّةً يَدْعُونَ اِلَى النَّارِ﴾ یقدمون امرهم قبل امر الله و حکمهم قبل حکم الله و یاخذون باهوائهم خلافاً لما فی کتاب الله.

علی بن ابراهیم نقل می کند... از طلحة بن زید و ایشان از جعفر بن محمد علیه السلام و ایشان از پدرش که فرمودند: امامان در کتاب خداوند امامان عادل و امامان جود هستند که خداوند می فرماید: ﴿وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ اَئِمَّةً يَهْتَدُونَ بِاَمْرِنَا﴾ این امامان به امر مردم عمل نمی کنند امر خداوند را مقدم بر امر الناس می دانند و حکم خداوند را مقدم بر حکم آنها دانسته و باز خداوند در قرآن می فرماید: ﴿وَجَعَلْنَاهُمْ اَئِمَّةً يَدْعُونَ اِلَى النَّارِ﴾ «قرار دادیم امامانی را که مردم را به سوی آتش می خوانند» این امامانی که مردم را به آتش می خوانند ائمه ای هستند که امر خودشان را بر امر خداوند مقدم می دانند و حکم خودشان را بر حکم خدا مقدم می شمارند. اینها عمل می کنند بر مبنای هواهای نفسانی خویش عمل می کنند، و امر و کار آنها بر خلاف کتاب خداوند است.

آیه یکصد و شصت و دوم

● روز فتح بزرگ، قیام قائم آل محمّد (عج) است.

خداوند در سوره سجده آیه ۲۹، می فرماید:

﴿قُلْ يَوْمَ الْفَتْحِ لَا يَنْفَعُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِيمَانُهُمْ وَلَا هُمْ يُنظَرُونَ﴾

(ای رسول خدا ﷺ)، بگو روز پیروزی و فتح برای کسانی که کافر شده اند دیگر سودی نخواهد داشت اگر ایمان آورند.

(۱) در کتاب ینابیع الموده صفحه ۴۲۶ باب ۷۱ خواجه کلان قندوزی حنفی، آورده است:

و قوله تعالى ﴿قُلْ يَوْمَ الْفَتْحِ لَا يَنْفَعُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِيمَانُهُمْ وَلَا هُمْ يُنظَرُونَ﴾ عن ابي دراج قال: سمعت جعفر الصادق عليه السلام يقول في هذه الآية يوم الفتح يوم تفتح الدنيا على القائم عليه السلام ولا ينفع احداً تقرب بالايمن ما لم يكن قبل ذلك مؤمناً واما من كان قبل هذا الفتح موقناً بامامته و منتظراً بخروجه فذلك الذي ينفعه ايماحه و يعظم الله عزوجل عنده قدره و شأنه وهذا اجر الموالين لاهل البيت.

حضرت صادق عليه السلام درباره قول خداوند ﴿قُلْ يَوْمَ الْفَتْحِ لَا يَنْفَعُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِيمَانُهُمْ وَلَا هُمْ يُنظَرُونَ﴾ فرمودند: (یوم الفتح) یا روز فتح آن روزی است که دنیا به وسیله قائم (عج) فتح و گشوده می شود، و مسخر او می شود، در آن روز دیگر ایمان آوردن کسانی که قبلاً ایمان نیاورده اند سودی نخواهد بخشید.

اما کسی که قبل از فتح جهان به امامت او یقین داشته است و (هر لحظه) منتظر قیام آن حضرت بوده است (این ایمان) به او سود می بخشد و به او سود می رساند و خداوند عزوجل در نزد قائم موعود (عج) قدر و منزلت و شأن این مؤمن را نشان می دهد، و این پاداش محبین و دوستان و مؤمنین به اهل بیت علیهم السلام می باشد.

(۲) در کتاب تفسیر برهان مجلد ۳ صفحه ۲۸۹، آمده است:

محمد بن یعقوب قال: حدثنا الحسين بن عامر، عن محمد بن الحسين بن ابي الخطاب، عن محمد بن سنان، عن ابن درّاج قال: سمعت ابا عبد الله عليه السلام يقول في قول الله عزوجل: ﴿قُلْ يَوْمَ الْفَتْحِ لَا يَنْفَعُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِيمَانُهُمْ وَ لَا هُمْ يُنظَرُونَ﴾ قال: ﴿يَوْمَ الْفَتْحِ﴾ يوم تفتح الدنيا على القائم لا ينفع احداً تقرب بالايان ما لم يكن قبل ذلك مؤمناً و بعد هذا الفتح موقناً، فذلك الذي ينفعه ايمانه و يعظم الله عنده قدره و شأنه و يزخرف له يوم القيامة و البعث جنانه و تحجب عنه نيرانه، و هذا اجر الموالين لامير المؤمنين و لذريته الطيبين عليهم السلام.

محمد بن يعقوب گوید: حسین بن عامر، از محمد بن حسین بن ابی الخطاب، از محمد بن سنان، از ابن درّاج حدیثمان داد که گفت: شنیدم حضرت ابو عبد الله امام صادق عليه السلام درباره قول خدای عزوجل: «[ای رسول ما] بگو در روز پیروزی ایمان کسانی که کفر ورزیدند سودی به حالشان نخواهد داشت، و مهلت داده نخواهد شد.» فرمود: [روز پیروزی] روزی است که دنیا بر روی حضرت قائم عليه السلام گشوده می شود، کسی که پیش از آن هنگام مؤمن نبوده و بعد از این فتح یقین کند، ایمانش نفعی به حالش نخواهد داشت، ولی هر که پیش از آن ایمان داشته و منتظر ظهورش بوده ایمانش برایش سودمند خواهد بود، و خداوند مقام و شأنش را نزد امام قائم عليه السلام بزرگ خواهد ساخت، و روز قیامت و رستاخیز بهشتش را برایش زینت خواهد کرد، و آتشش را از وی محجوب خواهد فرمود، و این است پاداش دوستان و اهل ولایت امیرالمؤمنین عليه السلام و ذریه طاهرین آن حضرت عليهم السلام.

آیه یکصد و شصت و سوم

● هر کس می‌خواهد بداند که ایمان دارد به قلبش مراجعه کند که چقدر ائمه علیهم‌السلام و امام زمان (عج) را دوست دارد.

خداوند در سوره احزاب آیه ۴، می‌فرماید:

﴿مَا جَعَلَ اللَّهُ لِرَجُلٍ مِنْ قَلْبَيْنِ فِي جَوْفِهِ﴾

خداوند برای هیچ‌کس دو قلب در اندرون وی ننهاده است.

(۱) در کتاب صافی صفحه ۴۲۵ و در کتاب تفسیر برهان مجلد ۳ صفحه ۲۹۰

حدیث شماره ۲، آمده است:

عن الباقر علیه‌السلام قال: قال علی بن ابی طالب علیه‌السلام لا یجتمع حبنا وحب عدونا فی جوف انسان ان الله لم یجعل لرجل قلبین فی جوفه فیحب بهذا و یبغض بهذا فاما محبنا فیخلص الحب لنا یخلص الذهب بالنار لا کدر فیه فمن اراد یعلم حبنا فلیمتحن قلبه فان شارک فی حبنا حب عدونا فلیس منا ولسنامنه و الله عدوهم و جبرئیل و میکائیل و الله عدو الکافرین.

از امام باقر علیه‌السلام روایت شده که علی بن ابی طالب علیه‌السلام فرمود: در ضمیر یک انسان محبت ما و محبت دشمنان ما جمع نمی‌شود همان‌طور که خداوند برای هیچ‌کس دو قلب در درون او قرار نداده است که با یکی دوست بدارد و با دیگری بغض داشته باشد. اما دوست واقعی ما فقط ما را دوست می‌دارد همان‌طور که طلا با ملاقات آتش هیچ‌کدوری در او دیده نمی‌شود. هر کس اراده دارد که بفهمد ما را دوست دارد، قلبش را آزمایش کند اگر در آن دوستی و دوستی دشمنان ما با هم بوده او از ما نیست و ما هم از او نیستیم خدا هم با آنها دشمن است و نیز جبرئیل و میکائیل و خدا دشمن کفار می‌باشند.

(۲) در کتاب تفسیر برهان مجلد ۳ صفحه ۲۹۰ حدیث شماره ۱، آمده است:

محمّد بن العباس، قال: حدثنا محمّد بن الحسین بن حمید الربیع، عن جعفر بن عبد الله المحمّدی، عن کثیر بن عیاش، عن ابی الجارود، عن ابی عبد الله علیه السلام فی قول الله عزوجل: ﴿مَا جَعَلَ اللَّهُ لِرَجُلٍ مِنْ قَلْبَيْنِ فِي جَوْفِهِ﴾ قال: قال علی بن ابی طالب علیه السلام لیس من عبد من عبد الله فمن امتحن قلبه بالایمان آلا و یجد مودتنا فی قلبه فهو یودنا و ما من عبد من عبد الله ممن سخط الله علیه الا و یجد بغضنا علی قلبه فهو یبغضنا فاصبحنا نفرح بحب المحب نغفر له و نبغض المبغض و اصبح محبنا ینظر رحمة الله جل و عز فكان ینظر الی ابواب الرحمة قد فتحت له و اصبح مبغضنا علی شفا جرف هار من النار فكان ذلك الشفا قد انهار به فی نار جهنم فهیاً لاهل الرحمة رحمتهم و تعساً لاهل النار مئوبهم ان الله عزوجل یقول: ﴿فَلْيَبْشُرُوا مَتَوًى الْمُتَكَبِّرِينَ﴾ و انه لیس من عبد من عبید الله یقصر فی حبنا لخیر جعله الله عبده اذ لایستوی من یحبنا و یبغضنا و لایجتمعان فی قلب رجل ابدان الله لم یجعل لرجل من قلبین فی جوفه یحب بهذا و یبغض بهذا اما المحب لنا فیخلص الحب لنا کما یخلص الذهب بالنار لاکدر فیه و مبغضنا علی تلك المنزلة و نحن النجباء و افراطنا افراط الانبیاء و انا وصی الاوصیاء و الفئدة الباغیة من حزب الشیطان و الشیطان منهم فمن اراد ان یعلم حبنا فلیمتحن قلبه فان شارك فی حبنا عدونا فلیس منا و لسانمه والله عدوه و جبرئیل و میکائیل و الله عدو للكافرین و قال علی علیه السلام لایجتمع حبنا و حب عدونا فی جوف انسان ان الله عزوجل یقول: ﴿مَا جَعَلَ اللَّهُ لِرَجُلٍ مِنْ قَلْبَيْنِ فِي جَوْفِهِ﴾.

حضرت صادق فرمودند: در مورد این فرموده خداوند ﴿مَا جَعَلَ اللَّهُ لِرَجُلٍ مِنْ قَلْبَيْنِ فِي جَوْفِهِ﴾ علی بن ابی طالب فرمودند: بنده ای از بندگان خداوند نیست مگر اینکه خداوند قلب او را به ایمان امتحان می کند، و اگر در آن مودت و محبت ما را بیاید او دوست ماست؛ و بر هیچ بنده ای از بندگان خدا سخت گرفته نشود مگر اینکه در آن بغض ما بیاید و او مبغوض ماست. محب ما به خاطر محبت ما نجات می یابد و آمرزیده می شود. بر مبغض ما سخت گرفته می شود به خاطر مبغض بودن ما. محب ما صبح

می‌کند درحالی‌که به رحمت خداوند عزوجل نظری می‌نماید. او می‌نگرد به ابواب رحمت و ابواب رحمت خدا به روی او باز می‌شود. مبغض ما در سختی‌های جهنم دچار می‌شود. هرگز برای متکبرین راه نجات نیست و او از بندگان راستین ما نیست... مساوی نیستند محبین ما و مبغضین ما و جمع نمی‌شود در قلب یک نفر محبت و بغض ما جمع نمی‌شود چنانچه خداوند می‌فرماید: «خداوند هرگز برای هیچ‌کس دو قلب در اندرون وی ننهاده است.»... که با یکی دوست بدارد و با دیگری دشمنی کند، دوست واقعی ما فقط ما را دوست دارد همان‌طوری‌که نزدیکی طلا در آتش، طلا را کدر نمی‌کند....

آیه یکصد و شصت و چهارم

● مردان الهی منتظران واقعی هستند.

خداوند در سوره احزاب آیه ۲۳، می فرماید:

﴿مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَن قَضَىٰ نَحْبَهُ وَ مِنْهُمْ مَن يَنْتَظِرُ وَ مَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا﴾

از جمله مؤمنان مردانند که در پیمان خویش با خدا وفا کرده اند، بعضی از ایشان تعهد خویش به سر برده (و شهادت یافته) و بعضی از ایشان منتظرند و به هیچ وجه تغییر نیافته اند.

(۱) در کتاب برهان مجلد ۳ صفحه ۳۰۳، آمده است:

عن سهیل بن زیاد، عن محمد بن سلیمان قال: کنت عند ابی عبد الله عليه السلام ادخل ابوبصیر و ذکر الحدیث الی ان قال: یا ابا محمد: لقد ذکرکم الله فی کتابه فقال: ﴿مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَن قَضَىٰ نَحْبَهُ وَ مِنْهُمْ مَن يَنْتَظِرُ وَ مَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا﴾ انکم وفیتم بما اخذ الله علیکم میثاقکم من ولایتنا و انکم لم تبدلوا بنا غیرنا و لولم تفعلوا لغیرکم الله کما غیرهم حیث یقول ﴿وَ مَا وَ جَدْنَا لِأَکْثَرِهِمْ مِنْ عَهْدٍ وَ إِنِ وَ جَدْنَا أَكْثَرَهُمْ لَفَاسِقِينَ﴾.

از سهیل بن زیاد و محمد بن سلیمان نقل شده است که گفت: من در خدمت امام صادق عليه السلام بودم که ابوبصیر بر آن حضرت وارد شد و حضرت گفتاری را بیان نمود تا به آنجا که فرمود: یا ابا محمد، خداوند شما را در کتابش یاد کرده و فرموده: ﴿مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَن قَضَىٰ نَحْبَهُ وَ مِنْهُمْ مَن يَنْتَظِرُ وَ مَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا﴾ شما به آن عهد و پیمان الهی که ولایت ما اهل بیت عليهم السلام بود وفادار ماندید و ما را با دیگران عوض نکردید و اگر اینکار را نمی کردید خداوند شما را همانند دیگران تغییر می داد، همان طور که می فرماید: ﴿وَ مَا وَ جَدْنَا لِأَکْثَرِهِمْ مِنْ عَهْدٍ وَ

إِنَّ وَجَدْنَا أَكْثَرَهُمْ لَفَاسِقِينَ»^۱.

«غالب آن‌ها را به پیمانی پابند نیافتیم، ولی بیشترشان را عصیان‌پیشگان یافتیم.»

(۲) در مجمع البیان مجلد ۷ صفحه ۳۵۰، آمده است:

عن عمرو بن ثابت، عن ابي اسحاق، عن علي عليه السلام قال: فينا نزلت ﴿مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ﴾ فانا والله المنتظر و ما بدلت تبديلا.

از عمرو بن ثابت، از ابي اسحاق، از علي عليه السلام روایت نموده که فرمود: ﴿مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ﴾ درباره ما نازل شده، به خدا قسم من منتظر هستم....

(۳) در تفسیر برهان مجلد ۳ صفحه ۳۰۳، آمده است:

عن جعفر بن محمد الأشعري، عن عبد الله بن ميمون القداح، عن ابي عبد الله عليه السلام قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: يا علي، من احبك ثم مات فقد قضى نجه و من لم يمته فهو منتظر و ما طلعت الشمس و ما غربت عليه برزق و ايمان و في نسخة نور جعفر بن محمد اشعري از عبد الله بن ميمون قداح.

از امام صادق عليه السلام روایت نموده که رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمودند: یا علی، هر کس تو را دوست بدارد و بمیرد، به تحقیق به پیمان خویش با خداوند وفا نموده و در صف شهداست و اگر زنده باشد در حال انتظار است. خورشید طلوع و غروب نمی‌کند، مگر آنکه برای چنین شخصی رزق و ایمان سایه افکنند و در نسخه‌ای از نور معنویت قرار می‌گیرد.

آیه یکصد و شصت و پنجم

● قائم آل محمد (عج) از «اهل بیت» است.

خداوند در سوره احزاب آیه ۳۳، می فرماید:

﴿إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً﴾

جز این نیست که خداوند اراده دارد که از شما (اهل البیت) رجس و پلیدی (گناه و زشتی) را ببرد و شما را کاملاً پاک و مطهر سازد.

در این آیه خداوند می فرمایند که: اراده من بر این قرار گرفته است که رجس و پلیدی را از عده ای به نام «اهل البیت» ببرد و این عده را از، هر نظر، پاک و مطهر سازد. ما معتقدیم اهل البیت رسول خدا، که دارای این امتیازات الهی هستند، مصداق واقعی آن امیرالمؤمنین علی علیه السلام و حضرت سیده النساء العالمین فاطمه زهرا علیها السلام و حضرت مجتبی حسن بن علی علیهما السلام و حضرت سیدالشهداء حسین بن علی علیهما السلام است. و مصداق مکمل آن نه امام از نسل سیدالشهداء هستند که مهدی موعود (عج) نهمین آنهاست که ما در این جا برای اثبات ادعای خودمان احادیث زیر را می آوریم.

(۱) در صحیح مسلم مجلد ۷ باب فضائل اهل البیت نبی صلی الله علیه و آله، آمده است:

قالت عائشه: خرج النبي صلی الله علیه و آله غداة و علیه مرط مرحل بن شعرا سود فجاء الحسن ابن علی فادخله. ثم جاء الحسين فدخل معه. ثم جاءت فاطمه فادخلها. ثم جاء علی فادخله ثم قال: ﴿إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً﴾.

عائشه می گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله یکروز هنگام صبح از منزل خارج شدند و عبایی نقشه دار، که آن را با نخ سیاه بافته بودند، بر دوش داشتند. در این هنگام حسن بن علی علیهما السلام به نزد وی آمد. رسول خدا صلی الله علیه و آله او را زیر عبا داخل نمود. سپس حسین بن علی علیهما السلام آمد، او را هم رسول خدا صلی الله علیه و آله داخل عبا کرد. بعد از او فاطمه علیها السلام آمد.

رسول الله ﷺ او را هم داخل عبا نمود. سپس علی علیه السلام آمد، آن حضرت او را نیز داخل عبا کرد، آن گاه این آیه را خواندند: ﴿إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَكُم تَطْهِيراً﴾؛ جز این نیست که خداوند اراده کرده که از شما اهل بیت ﷺ رجس و پلیدی و گناه و زشتی را ببرد و شما را کاملاً پاک و مطهر سازد.

(۲) در مسند امام حنبل مجلد ۱ صفحه ۳۳۱ و مجلد ۳ صفحات ۲۵۹ و ۲۸۵، و ترمذی در تفسیرش مجلد ۶ صفحات ۲۹۲ و ۲۹۸ و ۳۰۴، احادیث شماره ۳۲۰۵ و ۳۸۷۶ باب «و من سورة الاحزاب» و باز ترمذی در مناقب باب «مناقب اهل بیت النبی» مجلد ۵ حدیث شماره های ۳۲۸ و ۶۲۱ و باب «فضائل فاطمه» حدیث ۳۸۷۰ آمده است:

عن ام سلمه انه لما نزل قوله تعالى: ﴿إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَكُم تَطْهِيراً﴾ أدار النبي ﷺ كساءه على «علي عليه السلام و فاطمه عليها السلام و الحسن عليه السلام و الحسين عليه السلام» فقال: اللهم هؤلاء اهل بيتي فأذهب عنهم الرجس و طهرهم تطهيراً.

ام سلمه می گوید: زمانی که این آیه نازل شد: ﴿إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ...﴾ رسول خدا ﷺ علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام و حسن علیها السلام و حسین علیها السلام را در زیر عبا خود قرار دادند و فرمودند: «اللهم هؤلاء اهل بيتي فأذهب عنهم الرجس و طهرهم تطهيراً...»؛ یعنی، خداوند، این ها اهل بیت من هستند، پس دور کن از آن ها هر نوع رجس و پلیدی را و آن ها را پاک و مطهر ساز.

از این دو حدیث که به طور متواتر از اهل سنت نقل شده است معلوم می شود که اهل بیت ﷺ در درجه اول «علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام و حسن علیها السلام و حسین علیها السلام» هستند و دیگر همسران رسول خدا ﷺ جزء این آیه و اهل بیت نیستند، زیرا اگر بودند، آن ها را هم رسول خدا ﷺ به زیر عبا فرا می خواندند. عایشه و ام سلمه می گویند: ما دیدیم رسول خدا ﷺ این چهار نفر را زیر عبا خوانده و فرمودند: «اللهم هؤلاء اهل بيتي.»

(۳) باز ترمذی در تفسیرش باب «و من سورة آل عمران» مجلد ۵ شماره ۲۱۰ و

حاکم در مستدرک مجلد ۳ صفحه ۱۵۰، در صحیح مسلم در «فضائل الصحابة» شماره ۲۴۰۴ و در باب «فضائل علی ابن ابی طالب علیه السلام» مجلد ۴ شماره ۱۸۷ و در صحیح ترمذی در «مناقب علی علیه السلام» مجلد ۵ رقم ۵۹۶، آمده است:

عن سعد بن ابی وقاص قال لما نزل الله هذه الآية: ﴿فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَ أَبْنَاءَكُمْ وَ نِسَاءَنَا وَ نِسَاءَكُمْ وَ أَنْفُسَنَا وَ أَنْفُسَكُمْ﴾^۱ دعا رسول الله صلی الله علیه و آله «علیاً» و «فاطمه» و «حسناً» و «حسیناً» فقال صلی الله علیه و آله: اللهم هؤلاء أهلی.

سعد وقاص در اینجا آیه مباحله را نقل می کند و می گوید زمانی که این آیه نازل شده ﴿فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ...﴾؛ یعنی، بگو ای رسول خدا بخوانیم فرزندانمان و فرزندان شما را و زنهای ما و زنهای شما را و نفسهای ما و نفسهای شما را و مباحله کنیم، رسول خدا صلی الله علیه و آله خواندند «علی و فاطمه و حسن و حسین» را آن گاه فرمودند: خداوندا، اینها اهل بیت من هستند.

(۴) در تفسیر الدر المنثور نوشته حافظ جلال الدین سیوطی شافعی مجلد ۶ صفحه ۶۰۴، آمده است:

وأخرج ابن مردويه و الخطیب عن ابن سعید الخدری رضی الله عنه قال: كان يوم أم سلمه أم المومنین (رضی الله عنهما) فنزل جبرئیل علیه السلام علی رسول الله بهذه الآية: ﴿إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً﴾ قال فدعا رسول الله صلی الله علیه و آله بحسن و حسین و فاطمه و علی فضمهم الیه و نشر علیهم الثوب و الحجاب علی ام سلمة مضروب ثم قال «اللهم هؤلاء اهل بيتي اللهم اذهب عنهم الرجس و طهرهم تطهيراً»، قالت ام سلمة رضی الله عنها: فانا معهم يا نبي الله؟ قال: انت علی مکانک و انک علی خیر.

ابن مردويه و خطیب از ابی سعید خدری روایت کرده که گفت: روزی که نوبت ام سلمه بود که رسول خدا صلی الله علیه و آله در خانه او باشند، جبرئیل بر آن حضرت نازل شد و آیه

۱. سوره آل عمران، آیه ۶۱ که این آیه مباحله معروف است.

«إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً» ام سلمه می گوید: رسول خدا ﷺ حسن و حسین و علی و فاطمه را خواست بعد از آنکه نزدش حاضر شدند، ایشان را به خود چسبانید و جامه ای رویشان افکند و این در حالی بود که ام سلمه در پشت پرده قرار داشت، آن گاه گفت: «اللهم هؤلاء اهل بیتی» بارالها، اینان اهل بیت من هستند. خداوندا، پلیدی را از ایشان ببر و آن طوری که خودت می دانی آن ها را پاک کن. ام سلمه گفت: ای پیامبر خدا، آیا من هم با ایشان هستم؟ حضرت فرمودند: ای ام سلمه تو جای خودت را داری و عاقبتت به خیر است (رسول خدا ﷺ می فرمایند: ام سلمه شما خانم خوبی هستی و جای خود را داری، اما از اهل بیت نیستی.)

(۵) باز مفسر بزرگ اهل سنت حافظ جلال الدین عبدالرحمن سیوطی در کتاب «العرف الوردی فی اخبار المهدی» به سند عقبه در مجلد ۲ صفحه ۶۴، چنین روایت می کند:

قال رسول الله ﷺ: سيكون بعدى خلفاء و من بعد الخلفاء امراء و من بعد الامراء ملوك جبابرة، ثم يخرج من اهل بيتى المهدى، فيملاءها عدلاً كما ملئت جوراً.

رسول الله ﷺ فرمودند: بعد از من خلفاء و بعد از خلفاء امراء و بعد از امراء پادشاهان جبار و ستمگر می آیند. سپس مهدی قیام می کند که او از اهل بیت من است و خداوند به وسیله او عدل و داد می کند، همان طوری که پر از ظلم و جور شده بود.

(۶) در صحیح ابن ماجه مجلد ۲ صفحه ۲۶۹، آمده است:

عن محمد بن الحنفیه، عن علیؑ قال: قال رسول الله ﷺ: «المهدى منا اهل البيت ليصلحه، فى ليلة.»

محمد بن حنفیه نقل می کند از حضرت امیرالمؤمنین علیؑ، از رسول خدا ﷺ که آن حضرت فرمودند: «مهدی از اهل بیت من است و خداوند در یک شب کار او را اصلاح می کند.»

(۷) در مسند امام احمد حنبل مجلد ۱ صفحه ۸۴، آمده است:

قال رسول الله ﷺ: «المهدی منا اهل البيت یصلحه الله فی لیلته.»

رسول خدا ﷺ فرمودند: «مهدی (عج) از اهل بیت من است، خداوند کار او را در

یک شب اصلاح می کند.»

(۸) در صحیح ابی داود مجلد ۴ صفحه ۱۰۷، آمده است:

قال رسول الله ﷺ: «لَوْ لَمْ یَبْقَ مِنَ الدَّهْرِ اِلَّا یَوْمٌ لَّبَعَثَ اللهُ رَجُلًا مِنْ اَهْلِ بَیْتِی یَمْلَأُهَا عَدْلًا

کمی مُلئت جوراً.»

رسول خدا ﷺ فرمودند: اگر (از عمر دنیا) نماند به جز یک روز، (خداوند همان یک

روز را طولانی می کند) تا مردی از اهل بیت مرا برانگیزد، خداوند به وسیله او [زمین را]

پراز عدل و داد می کند، همان طوری که پراز ظلم و جور شده بود.

توجه می فرمایید که: در احادیث فوق مهدی موعود (عج) از اهل بیت است.

کتاب هایی که از اهل سنت که مهدی را از اهل بیت می دانند بسیار زیاد است. ما فقط به

اسامی بعضی از آنها اشاره می کنیم:

الف. «عقد الدرر فی اخبار الامام المنتظر» نوشته سلمی الشافعی دمشقی جلد ۱

حدیث ۱۲.

ب. «کنز العمال» مجلد ۷ صفحه ۱۸۶، نوشته متقی هندی.

ج. «البيان فی اخبار صاحب الزمان» باب دوازدهم.

د. «الفصول المهمة» فصل دوازدهم، نوشته ابن صباغ مالکی.

ه. «ارجح المطالب» نوشته عبیدالله هندی حنفی صفحه ۳۸۰.

و. ابن خلدون در «مقدمه» صفحه ۲۶۶.

ز. منادی در کتاب «کنوز الحقایق» (حاشیه الجامع الصغیر) مجلد ۲ صفحه ۱۲۲.

ح. سیوطی در «الجامع الصغیر» مجلد ۲ صفحه ۱۶۰.

ط. باز سیوطی در «عرف الوردی فی اخبار المهدی» مجلد ۲ صفحه ۷۸.

در دهها کتاب دیگر نیز آمده است که مهدی علیه السلام از اهل بیت است.

(۹) در کتاب «مفاتیح الجنان» نقل از عوالم، آمده است:

عن جابر بن عبدالله انصاری رضی الله عنه عن فاطمه الزهراء علیها السلام بنت رسول الله صلی الله علیه و آله قال: سمعت فاطمه علیها السلام انها قالت: دخل علیّ ابی رسول الله صلی الله علیه و آله فی بعض الايام فقال: السلام علیک یا فاطمه. فقلت: علیک السلام. قال: انی اجد فی بدنی ضعفا. فقلت له: اعیذک باللہ یا ابتاه من الضعف. فقال: یا فاطمه، ایتینی بالکساء الیمانی فغطینی به فاتیته بالکساء الیمانی فغطیته به وصرت انظر الیه و اذا وجهه یتلألو کانه البدر فی لیلہ تمامه و کماله فما کانت الاساعه و اذا بولدی الحسن قد اقبل و قال: السلام علیک یا اماء فقلت و علیک السلام یا قره عینی و ثمره فوادى فقال یا اماء انی اشم عندک رائحه طیبه کانها رائحه جدی رسول الله صلی الله علیه و آله فقلت نعم ان جدک تحت الکساء فاقبل الحسن نحو الکساء و قال: السلام علیک یا جداه، یا رسول الله، اتاذن لی ان ادخل معک تحت الکساء فقال: و علیک السلام یا ولدی و یا صاحب حوضی. قد اذنت لک فدخل معہ تحت الکساء فما کانت الاساعه و اذا بولدی الحسین قد اقبل و قال: السلام علیک یا اماء. فقلت: و علیک السلام یا قره عینی و ثمره فوادى. فقال لی: یا اماء، انی اشم عندک رائحه طیبه، کانها رائحه جدی رسول الله صلی الله علیه و آله. فقلت: نعم ان جدک و اخاک تحت الکساء فدنی الحسین نحو الکساء و قال: السلام علیک یا جداه. السلام علیک یا من اختاره الله. اتاذن لی ان اکون معکم تحت الکساء، فقال: و علیک السلام و یا ولدی و یا شافع. امتی قد اذنت لک فدخل معهما تحت الکساء. فاقبل عند ذلک ابو الحسن علی بن ابی طالب علیه السلام و قال: السلام علیک یا بنت رسول الله فقلت: و علیک السلام یا ابا الحسن و یا امیر المؤمنین. فقال: یا فاطمه، انی اشم عندک رائحه طیبه کانها رائحه اخى و ابن عمی رسول الله. فقلت: نعم ها هو مع ولدیک تحت الکساء فاقبل علی نحو الکساء و قال: السلام علیک یا رسول الله، اتاذن لی ان اکون معکم تحت الکساء. قال له: و علیک السلام یا اخى و یا وصیى و خلیفتی و صاحب لوائى. قد اذنت لک فدخل علی تحت الکساء ثم اتیت نحو الکساء و قلت: السلام

يا ابتاه يا رسول الله اتاذن لي ان اكون معكم تحت الكساء قال: و عليك السلام يا بنتي و يا
بضعتي قد اذنت لك فدخلت تحت الكساء فلما اكتملنا جميعا تحت الكساء اخذ
ابي رسول الله ﷺ بطرفي الكساء و اومى بيده اليمنى الى السماء و قال: «اللهم ان هولاء اهل
بيتي و خاصتي و حامتي لحمهم لحمي و دمهم دمي يوء لمنى ما يؤلمهم و يحزني ما يحزنهم
انا حرب لمن حاربهم و سلم لمن سالمهم و عدو لمن عاداهم و محب لمن احبهم انهم مني و انا
منهم فاجعل صلواتك و بركاتك و رحمتك و غفرانك و رضوانك على و عليهم و اذهب
عنهم الرجس و طهرهم تطهيراً» فقال الله عزوجل: «يا ملائكتي و سكان سمواتي اني
ما خلقت سماء مبنية و لا ارضا مدحيه و لا قمرا منيراً و لا شمساً مضيئه و لا فلكا يدور و لا
بحراً يجري و لا فلكا يسرى الا في محبه هولاء الخمسه الذينهم تحت الكساء» فقال الامين
جبرائيل يا رب و من تحت الكساء فقال عزوجل هم اهل بيت النبوه و معدن الرساله هم
فاطمه و ابوها و بعلاها و بنوها فقال جبرائيل يا رب اتاذن لي ان اهبط الى الارض لاكون معهم
سادساً فقال الله نعم قد اذنب لك فهبط الامين جبرائيل و قال: السلام عليك يا رسول الله
العلی الاعلی، یقرئک السلام و یخصک بالتحیه و الاکرام و یقول لک و عزتی و جلالی انی ما
خلقت سماء مبنیه و لا ارضا مدحیه و لا قمرا منيراً و لا شمساً مضيئه و لا فلکا يدور و لا بحراً
يجرى و لا فلکا يسرى الا لاجلكم و محبتكم و قد اذن لي ان ادخل معكم فهل تاذن لي يا
رسول الله فقال رسول الله و عليك السلام يا امين وحي الله انه نعم قد اذنت لك فدخل
جبرائيل معنا تحت الكساء فقال لابي ان الله قد اوحى اليكم يقول: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ
عَنكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ البَيْتِ وَ يُطَهِّرَكُم تَطْهِيراً» فقال على لابي يا رسول الله، اخبرني ما
لجلوسنا هذا تحت الكساء من الفضل عند الله؟ فقال: النبي و الذي بعثني بالحق نبيا و
اصطفاني بالرساله نجيا ما ذكر خبرنا هذا في محفل من محافل اهل الارض و فيه جمع من
شيعتنا و محبيننا الا و نزلت عليهم الرحمه و خفت بهم الملائكه و استغفرت لهم ابي ان يتفرقوا
فقال: على اذا والله فزنا و فاز شيعتنا و رب الكعبه فقال النبي ثانيا يا على و الذي بعثني بالحق

و اصطفانی بالرساله نجیا ما ذکر خبرنا هذا فی محفل من محافل اهل الارض و فیه جمع من شیعتنا و محبینا و فیهم مهموم الا و فرج الله همه و لا مغموم الا و کشف الله غمه و لا طالب حاجه الا و قضی الله حاجته فقال علی اذا والله فزنا و سعدنا و كذلك شیعتنا فازوا و سعدوا فی الدنيا و الاخره و رب الکعبه.

صاحب عوالم به سند خود از جابر بن عبدالله انصاری نقل نموده و او از فاطمه زهرا علیها السلام دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله که:

شنیدم از فاطمه زهرا علیها السلام که آن بزرگوار فرمود: پدر بزرگوارم رسول خدا صلی الله علیه و آله به منزل من داخل شد در بعضی از روزها پس فرمود: سلام بر تو ای فاطمه. عرض کردم: درود بر تو باد (ای پدر بزرگوارم). فرمود: در بدن خود ضعفی می یابم. عرض کردم: پناه می برم تو را به خداوند ای پدر از ضعف و ناتوانی. فرمود: ای فاطمه، کساء یمانی را بیاور و مرا به آن بپوشان. فاطمه فرمود: پس کساء یمانی را آوردم و او را با آن پوشانیدم و به او نظر کردم، دیدم که صورتش مانند ماه تمام در شب چهارده که بدر است می درخشید.

فاطمه علیها السلام فرمود: نگذشت مگر اندکی که ناگاه فرزندم حسن بر من وارد شد و سلام کرد و گفت: ای مادر، سلام و درود بر تو. پس جواب داده و گفتم: سلام بر تو ای روشنی دیده ام و میوه دل من. پس گفت: ای مادر، من بوی خوشی نزد تو استشمام می کنم گویا بوی جدم رسول خدا صلی الله علیه و آله باشد. گفتم: بلی به درستی که جدت در زیر کساء است. پس حضرت حسن علیه السلام نزد کساء آمد و گفت: سلام بر تو باد ای جد بزرگوار، ای رسول پروردگار. آیا به من اجازه می فرمایی که با شما در زیر کساء داخل شوم؟ پس آن حضرت فرمود: بر تو سلام ای فرزندم و ای صاحب حوض من. به تحقیق اذن دادم تو را، پس داخل شد با آن حضرت و خدمت آن جناب در زیر کساء. پس نگذشت مگر زمانی که ناگاه فرزندم حسین داخل شد و گفت: سلام بر تو ای مادر، پس گفتم و علیک

السلام ای پسر من و ای روشنی دیده ام و ای میوه دلم. پس به من گفت: ای مادر به درستی که من در پیش تو بوی خوبی استشمام می کنم گویی آن بوی جدم رسول الله ﷺ است. پس گفتم: آری، به درستی که جدت و برادرت در زیر کسا می باشند. پس حسین جانب کسا نزدیک آمد و گفت: سلام بر تو باد ای جد بزرگوارم. سلام بر تو باد ای کسی که خداوند او را اختیار فرموده. آیا به من اجازه می فرمایی که با شما دو تن در زیر کسا؟ باشم پس فرمود: و علیک السلام ای فرزندم و ای شفاعت کننده ام من به درستی و به تحقیق اجازهات دادم پس با آنان داخل در زیر کساء گردید. پس در این حال ابوالحسن علی بن ابی طالب علیه السلام وارد شد و گفت: سلام بر تو ای دختر رسول خدا. پس گفتم: و علیک السلام ای ابا الحسن و ای امیر المؤمنین علیه السلام. پس فرمود: ای فاطمه علیها السلام من پیش تو بوی خوشی استشمام می کنم گویا آن بوی برادرم و پسر عم رسول خدا است. پس گفتم: آری آن است او با دو فرزندت در زیر کسا. پس علی علیه السلام جانب کساء رو کرد و عرض کرد که سلام بر تو باد ای رسول خدا. آیا به من اجازه می فرمایی که با شما در زیر کساء باشم؟ حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: و علیک السلام ای برادرم و ای وصی و جانشین و صاحب لوای من. به تحقیق اجازهات دادم. پس در زیر کساء داخل گردیدم. آن گاه من نزد کسا آمدم و گفتم: سلام بر تو باد ای پدر جان، ای رسول خدا. آیا به من اجازه می فرمایی که با شما در زیر کسا باشم؟ فرمود: و علیک السلام ای دخترم و ای پاره تنم. به تحقیق اجازهات دادم، پس داخل در زیر کساء گردیدم. وقتی که جمع ما در زیر کسا کامل شد، رسول الله دو طرف کسا را گرفت و با دست راست خود به سوی آسمان اشاره کرد و گفت: خداوندا، اینها اهل بیت من و خواص من می باشند. گوشت ایشان گوشت من و خونشان خون من است. مرا اذیت می نماید هر آنچه آنها را اذیت نماید و مرا غمگین می کند هر آنچه آنها را غمگین کند. آنها را من طرفم با هر که طرف است با آنها و اهل صلح با هر که با آنها صلح کند و

دشمنم با هر که با آن‌ها دشمنی کند و دوستم با هر که با آن‌ها دوستی کند. خداوند آن‌ها از منند و من از آن‌ها هستم، پس صلوات و برکات و رحمت و آمرزشت و رضای خود را بر من و بر آن‌ها قرار ده و از آن‌ها پلیدی را زایل گردان و پاک گردان آن‌ها را، پاکی کامل. پس خداوند عزوجل فرمود: ای ملائکه من و ای سکان آسمان‌های من، خلق نکردم آسمان بنا شده را و نه زمین کشیده شده را و نه ماه روشنی دهنده را و نه خورشید درخشنده و نه فلک دور زننده را و نه دریای جاری و نه کشتی سیرکننده را، مگر به جهت دوستی این پنج نفر که در زیر کسا آسوده‌اند. پس جبرئیل امین عرض کرد: ای پروردگار من، چه کسانی در زیر کسا هستند؟ خداوند فرمود: ایشان اهل بیت پیغمبر و معدن رسالتند. ایشان فاطمه و پدر او و شوهر او و فرزندان او هستند. جبرئیل گفت: پروردگارا، آیا اجازه می‌دهی که به سوی زمین فرود آیم تا آنکه ششمی آن‌ها باشیم؟ فرمود: آری، اجازه دادم. جبرئیل فرود آمد. به پیغمبر ﷺ سلام کرد و عرض نمود: خدای علی‌اعلی سلامت می‌رساند و به خصوص تحیت و اکرام برایت می‌فرستد و می‌فرماید: سوگند به عزت و جلال من خلق نکردم آسمان بنا شده را و نه زمین کشیده شده و نه ماه نور بخشنده و نه خورشید روشنی دهنده و نه فلک دور زننده، و نه دریای روان و نه کشتی سیار را، مگر برای خاطر شما و دوستی شما. اذن داد مرا که با شما در زیر کسا داخل شوم. آیا مرا اجازه می‌دهی ای رسول خدا؟ پس رسول خدا ﷺ فرمود و بر تو باد سلام ای امین وحی خدا. به درستی که چنین است اجازه دادم. پس جبرئیل با ما در زیر کسا داخل شد و به پدرم عرض کرد: خداوند وحی فرستاد به شما و فرمود: **«إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً»** به تحقیق اراده فرمود خداوند که از شما اهل بیت پلیدی را برطرف نماید و پاک گرداند شما را، پاک گردانیدی کامل. در این هنگام علی علیه السلام به پدرم عرض کرد. ای رسول خدا ﷺ، چه فضیلت و شرافتی در بودن ما زیر کساء می‌باشد؟ پیامبر ﷺ فرمود: قسم به آن خدایی

که مرا به حق به پیامبری برانگیخت و مرا به رسالت و نجات بشریت برگزید، ذکر نمی‌شود این خبر ما در مجلسی از مجالس روی زمین که در آن جمعی از شیعیان و دوستان ما باشند، مگر آن که بر آنها رحمت نازل می‌شود و اطراف آنها را ملائکه احاطه نمایند و برای آنها طلب آموزش کنند تا زمانی که متفرق شوند. پس حضرت علی علیه السلام گفت: در این هنگام قسم به خدا که ما رستگار شدیم و شیعیان ما رستگار شدند. آن‌گاه پدرم رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: یا علی، قسم به آن خدایی که مرا به حق به پیامبری برانگیخت و مرا به رسالت و نجات بشریت برگزید ذکر نمی‌شود این خبر ما در مجلسی از مجالس اهل زمین و در آن جمعی از شیعیان و دوستان ما باشند و در میان ایشان صاحب هم و غمی باشد، مگر آنکه خداوند متعال هم و غم او را برطرف گرداند و نه صاحب حاجتی، مگر آنکه حاجت او را برآورده گرداند. علی علیه السلام گفت: قسم به خدا رستگار شدیم و سعادت یافتیم و نیز شیعیان ما رستگار شدند و سعادت یافتند در دنیا و آخرت، سوگند به پروردگار کعبه.

آیه یکصد و شصت و ششم

● قائم آل محمد (عج) در صلوات با رسول خدا ﷺ و اهل بیت ﷺ شریک است.

خداوند در سوره احزاب آیه ۵۶، می فرماید:

﴿إِنَّ اللَّهَ وَ مَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَ
سَلِّمُوا تَسْلِيمًا﴾

خداوند و فرشتگانش بر پیامبر درود و صلوات می فرستند. ای کسانی که ایمان دارید و

به او ایمان آورده اید، درود و صلوات بفرستید بر او و سلام کنید بر او سلام تمام.

(۱) در تفسیر الدر المنثور نوشته حافظ جلال الدین سیوطی شافعی مجلد ۵

صفحه ۲۱۹، آمده است:

اخرج عبدالرزاق و ابن ابی شیبیه و احمد و عبد بن حمید و البخاری و مسلم و ابوداود و

الترمذی و النسائی و ابن ماجه و ابن مردويه عن كعب بن عجره قال:

قال رجل: يا رسول الله، اما السلام عليك فقد علمناه فكيف الصلاة عليك؟ قال: قل:

(اللهم صل على محمد و على آل محمد كمي صليت على آل ابراهيم انك حميد مجيد. اللهم

بارك على محمد و على آل محمد كمي باركت على آل ابراهيم انك حميد مجيد.)

عبد الرزاق و ابن ابی شیبیه و احمد و عبد بن حمید و بخاری و مسلم و ابوداود و

ترمذی و نسائی و ابن ماجه و ابن مردويه از كعب بن عجره روایت کرده اند که او گفت:

مردی از رسول خدا ﷺ سوال کرد: ما سلام کردن به تو را فهمیدیم که چگونه است.

بفرمایید صلوات را چگونه بفرستیم؟ آن حضرت فرمودند: شما بگویید: (اللهم صل

على محمد و على آل محمد كمي صليت على آل ابراهيم انك حميد مجيد. اللهم بارك على

محمد و على آل محمد كمي باركت على آل ابراهيم انك حميد مجيد.)

شاید در اینجا سوال شود این آیه چه ربطی به امام زمان ﷺ دارد. در جواب باید

بگوییم که در این آیه، خداوند و در حدیث، رسول خدا ﷺ به ما دستور می دهد

بگوئیم: اللهم صلی علی محمد و علی آل محمد. سؤال می شود آل محمد چه کسانی هستند؟ آیا به جز فاطمه و فرزندان فاطمه علیها السلام کس دیگر می ماند که آل رسول خدا صلی الله علیه و آله باشند؟ و حضرت حجة بن الحسن العسکری (عج) از فرزندان فاطمه علیها السلام و از فرزندان رسول خدا صلی الله علیه و آله است و در احادیث به آن حضرت هم فرزند فاطمه و هم فرزند رسول خدا گفته شده است. ما در اینجا به چند حدیث بسنده می کنیم.

(۲) شیخ الاسلام ابراهیم حمّوئی شافعی در کتاب «فرائد السمطین» مجلد ۲ صفحه ۳۱۲ حدیث ۵۶۲ و خواجه کلان قندوزی حنفی در ینابیع المودة باب ۹۴ صفحه ۴۸۷، آورده است:

عن ابن عباس قال رسول الله صلی الله علیه و آله: إِنَّ خَلْفَائِي وَأَوْصِيَاءِي وَحُجَجَ اللَّهِ عَلَى الْخَلْقِ بَعْدِي اثْنِي عَشْرًا وَأَوْلَهُمْ أَخِي آخِرُهُمْ وَوَلَدِي قَيْلٌ: يَا رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله، مَنْ أَخُوكَ؟ قَالَ: عَلِيٌّ؛ قَيْلٌ مَنْ وَوَلَدُكَ؟ قَالَ: الْمَهْدِيُّ، الَّذِي يَمَلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مَلَأْتُ جُورًا وَظُلْمًا.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: همانا خلفا و جانشینان و حجت های خداوند بر مخلوقات دوازده نفرند اولین آنها برادر من است و آخرین آنها فرزندم می باشد. سوال کردند: یا رسول الله، برادر شما کیست؟ حضرت صلی الله علیه و آله فرمودند: علی علیه السلام است. سوال کردند: یا رسول الله، فرزند شما کیست؟ حضرت فرمودند: فرزند من مهدی (عج) است، او کسی است که زمین را پر از قسط و عدل می کند، همان طوری که پر از جور و ظلم شده است.

(۳) در صحیح ابی داود مجلد ۴ صفحه ۱۰۷ «کتاب المهدی»، آمده است:

عن أم سلمة قالت: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ يَقُولُ: الْمَهْدِيُّ مِنْ عَتْرَتِي مِنْ وُلْدِ فَاطِمَةَ.

ام سلمه گوید: شنیدم از رسول خدا صلی الله علیه و آله که آن حضرت فرمودند: مهدی از عترت و از خانواده من است از فرزندان فاطمه.

(۴) در صحیح ابن ماجه «فی سنة» جزء دوم باب «خروج المهدی» از باب های الفتن آورده است:

«عن سعيد بن المسيب قال: كُنَّا عِنْدَ أُمِّ سَلْمَةَ فَتَذَاكَرْنَا الْمَهْدِيَّ. فَقَالَتْ: سَمِعْتُ

رَسُولَ اللَّهِ يَقُولُ الْمَهْدِيُّ مِنْ وُلْدِ فَاطِمَةَ.»

سعید بن مسیب می گوید: ما خدمت ام سلمه بودیم و صحبت و ذکر مهدی موعود (عج) شد. ام سلمه گفت: شنیدم از رسول خدا ﷺ که فرمودند: «المهدی من ولد فاطمه»؛ یعنی، مهدی از فرزندان فاطمه است.

(۵) در کتاب ینابیع المودة صفحه ۴۳۳ باب ۷۳، آمده است:

عن عائشه عن النبی ﷺ انه قال: المهدی رجل من عترتی یقاتل علی سنتی کمی قاتلت انا علی الوحی.

عائشه می گوید: رسول خدا ﷺ فرمودند: مهدی مردی است از خاندان و عترت من. او برای سنت من مبارزه می کند، همچنان که من برای وحی مبارزه کردم.

(۶) نعیم در حلیة الاولیاء و خواجه کلان قندوزی در ینابیع المودة صفحه ۴۳۳ باب ۷۳، آورده است:

عن ابی سلمة بن عبدالرحمن بن عوف، عن ابیه قال: قال رسول الله ﷺ: لیبعثن الله رجلاً من عترتی افرق الثنایا اجل الجبهة یملأ الارض عدلاً و یغیض المال.

از ابی سلمة بن عبدالرحمن بن عوف، از پدرش نقل می کند که رسول خدا ﷺ فرمودند: همانا خداوند مردی را از عترت من برانگیزد که بین دندان های ثنایای او باز باشد پیشانی مبارکش بلند است. او زمین را از عدل و داد پر کند و اموال را می بخشد.

(۷) رویانی، طبرانی، ابونعیم در حلیة الاولیاء، دیلمی و خواجه کلان قندوزی حنفی در ینابیع المودة صفحه ۴۳۳ باب ۷۳، نقل می کنند:

و عن حذیفة بن الیمان قال: قال رسول الله ﷺ: المهدی رجل من ولدی وجهه کالکوکب الدری.

حذیفة بن یمان می گوید: رسول خدا ﷺ فرمودند: مهدی مردی از فرزندان من است که صورتش مانند ستاره درخشان می درخشد.

در این باره روایات در کتب اهل سنت و به حد متواتر است که مهدی از عترت و خاندان و آل رسول خدا ﷺ است و اینکه ما می گوئیم «اللهم صل علی محمد و آل محمد»، این صلوات، شامل حال حضرت حجة بن الحسن العسکری علیهما السلام نیز می شود.

(۸) در کتاب برهان مجلد ۳ صفحه ۳۳۵، آمده است:

محمد بن یعقوب عن محمد بن یحیی، عن احمد بن محمد، عن علی بن الحکم و عبدالرحمن بن ابی نجران جميعاً عن صفوان الجمال، عن ابی عبدالله عليه السلام قال: كل دعاء يدعى الله عزوجل به محجوب عن السماء حتى يصلی علی محمد و آل محمد.

صفوان جمال از امام صادق عليه السلام روایت می کند که فرمود: هر دعائی که در پیشگاه پروردگار می شود به استجابت نمی رسد، مگر هنگامی که صلوات بر محمد و آل محمد به آن ضمیمه گردد.

(۹) در کتاب برهان مجلد ۳ صفحه ۳۳۵، آمده است:

ابن بابویه فی اماليه باسناده عن ابان بن تغلب، عن ابی جعفر محمد بن علی، عن ابیه علی ابن الحسین سید العابدین، عن ابیه الحسین سید الشهداء، عن ابیه ابی طالب سید الاوصیاء صلوات الله علیهم قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: من صلی علیّ و لم یصل علی آلی لم یجد ریح الجنة و ان ریحها لیوجد من مسیر خمسمائه عام.

ابن بابویه در امالی خود و به سند خویش از ابان بن تغلب، از امام باقر عليه السلام از پدرش علی بن الحسین سید العابدین، از پدرش حسین بن علی سید الشهداء، از پدرش علی بن ابی طالب سید الاوصیاء صلوات الله علیهم روایت کرده که رسول خدا صلى الله عليه وسلم فرمود: هر کس بر من صلوات بفرستد و بر آل من نفرستد، بوی بهشتی که از پانصد سال راه استشمام می شود به مشامش نخواهد رسید.

(۱۰) در کتاب برهان مجلد ۳ صفحه ۳۳۵، آمده است:

عن محمد بن مسلم، عن احدهما عليه السلام، قال: ما فی المیزان شیء اثقل من الصلوه علی محمد و ان الرجل لتوضع اعماله فی میزانه فیمیل به فیخرج صلى الله عليه وسلم الصلوه علیه فیضعها فی میزانه فترجح.

محمد بن مسلم از امام باقر و یا از امام صادق عليه السلام روایت می کند که فرمود: در میزان اعمال، هیچ چیزی به سنگینی صلوات بر محمد نمی باشد. اعمال شخص را در ترازوی اعمالش قرار می دهند و رو به بالا می رود. در این هنگام رسول الله صلى الله عليه وسلم

صلوات‌هایی را که بر او فرستاده در کفه اعمالش قرار می‌دهد، در نتیجه کفه اعمالش سنگین می‌شود.

یکی از کامل‌ترین صلوات‌ها صلوات ابوالحسن ضراب است که حضرت بقیة الله الاعظم (عج) به او آموخت و شرح آن چنین است:

«ابی محمد حسن بن وخبای نصیبی (مشهور به ابوالحسن ضراب اصفهانی) نقل می‌کند که: ۵۴ مرتبه به حج بیت الله الحرام مشرف شدم به امید آنکه تشریف به حضور حضرت مهدی (عج) پیدا کنم. در سفر پنجاه و چهارمی که در حجر اسماعیل زیر ناودان طلا نماز عشاء می‌خواندم. پس از نماز، هنگامی که در حالت دعا تضرع می‌کردم، دیدم کسی مرا حرکت می‌دهد. سر بلند کردم. دیدم کنیز زرد چهره لاغر اندامی است که گمان کردم چهل ساله یا بیشتر می‌باشد. پس به من گفت: با من بیا. برخاستم و همراه او رفتم تا به خانه خدیجه کبری رسیدم و داخل شدم. در راهروی خانه، دری به اطاقی باز می‌شد. در وسط آن دیواری بود و در آن پله‌هایی بود که از آنجا بالا می‌رفتند. از داخل اطاق صدایی شنیدم که فرمود: حسن بیا بالا. بالا رفتم و هنوز به اطاق نرسیده بودم که حضرت صاحب الامر (عج) را دیدم. فرمودند: ای حسن، آیا گمان کرده‌ای که امر تو بر من مخفی بود؟ به خدا قسم هر حجی که انجام دادی من با تو بودم. تمام جریاناتی را که در سفرهای متعدد حج برایم رخ داده بود، بیان فرمود. من به خاک افتادم و دست و پای آن حضرت را بوسیدم. حضرت فرمودند: ای حسن، برخیز و به مدینه برو و در خانه منسوب به امام صادق علیه السلام بمان و برای امرار معاش خود هم نگرانی نداشته باش. سپس دفتری به من عطا فرمودند که دعای فرج و صلوات آن حضرت در آن بود و فرمودند: این دعا را بخوان و به این صورت بر من صلوات بفرست و جز به افراد قابل از دوستان ما به کسی مده، خداوند عزوجل تو را توفیق فرماید. عرض کردم: مولای من. آیا بعد از این شما را زیارت خواهم کرد؟ فرمود: ای حسن، اگر خدای تعالی بخواهد و بعد مرا مرخص فرمود. پس از اعمال حج به سوی مدینه رفتم. در مدینه طبق امر آن حضرت در خانه حضرت جعفر بن محمد علیه السلام مجاور شدم و در

آنجا مسکن گزیدم. از آن خانه بیرون نمی رفتم و بر نمی گشتم، مگر به سه علت، برای تجدید وضو، برای خوابیدن یا برای افطار کردن. هر زمانی که به آن خانه داخل می شدم، کوزه خود را پر از آب می دیدم و بر بالای آن مقداری نان و بالای نان هر چیزی که به آن میل داشتم دیده می شد. پس آن را می خوردم و همین مقدار برای من کافی بود. لباس زمستانی در وقت زمستان و لباس تابستانی در وقت تابستان (برایم مهیا بود). من در روز آب به خانه می بردم و در خانه می پاشیدم و کوزه را خالی می گذاشتم. گاهی همسایگان برای من غذا می آوردند و چون مرا به آن حاجتی نبود، برای اینکه بدگمان و متوجه عدم احتیاج من نشوند، می گرفتم و آن را پنهانی به فقرا صدقه می دادم.»

صلواتی که بقیة الله الاعظم (عج) به ابوالحسن ضراب اصفهانی عطا فرمودند چنین است:

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ وَ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَ حُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ،
الْمُنْتَجَبِ فِي الْمِيثَاقِ، الْمُصْطَفَى فِي الظَّلَالِ، الْمُطَهَّرِ مِنْ كُلِّ آفَةٍ، الْبَرِيِّ مِنْ كُلِّ عَيْبٍ،
الْمُؤَمَّلِ لِلنَّجَاةِ، الْمُرْتَجَى لِلشَّفَاعَةِ، الْمَفْوُوضِ إِلَيْهِ. دِينَ اللّٰهِ، اللَّهُمَّ شَرَّفْ بُنْيَانَهُ وَ
عَظِّمْ بُرْهَانَهُ وَ أَفْلِحْ حُجَّتَهُ وَ ارفعْ دَرَجَتَهُ وَ أَضِي نُورَهُ وَ بَيِّضْ وَجْهَهُ وَ اعْطِهِ
الْفَضْلَ وَ الْفَضِيلَةَ وَ الْمَنْزِلَةَ وَ الْوَسِيلَةَ وَ الدَّرَجَةَ الرَّفِيعَةَ وَ ابعثْهُ مَقَاماً مَحْمُوداً،
يَغِيْبُهُ بِهِ الْاَوَّلُونَ وَ الْاٰخِرُونَ.

وَ صَلِّ عَلَى اَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ وَارِثِ الْمُرْسَلِينَ وَ قَائِدِ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِينَ وَ سَيِّدِ
الْوَصِيِّينَ وَ حُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلِّ عَلَى الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ اِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ وَ وَارِثِ
الْمُرْسَلِينَ وَ حُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.

پروردگارا درود فرست بر محمد برترین فرستاده شده و آخرین پیامبر و حجت پروردگار
جهانیان، کسی که در عالم ذر و میثاق انتخاب گردیده و در عالم اشباح و سایه‌ها برگزیده شده
است. کسی که از هر آفتی دور و از هر عیبی منزّه است. آنکه امید نجات و شفاعت به اوست و دین

خداوند به او واگذار شده است.

بارالها، بنیادش را بلند، دلیلش را محکم، حجتش را روشن، درجه اش را بلند، نورش را درخشنده و رویش را سپیدگردان و به او فضل و مرتبه‌ای بلند و رفعت و مقامی برتر عطا فرما و او را در مرتبهٔ پسندیده‌ای مبعوث گردان که اولین و آخرین بر او غبطه خورند.

و (خداوندا) درود فرست بر علی امیرمؤمنان و وارث رسولان و پیشوای سپیدرویان، سید اوصیا و حجت پروردگار جهانیان و سلام و درود فرست بر حسن بن علی امام مؤمنان و وارث رسولان و حجت پروردگار جهانیان.

وَ صَلِّ عَلَى الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ وَ وَارِثِ الْمُرْسَلِينَ وَ حُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلِّ عَلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ، إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ وَ وَارِثِ الْمُرْسَلِينَ وَ حُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.

و درود فرست بر حسین بن علی پیشوای مؤمنان و وارث رسولان و حجت پروردگار جهانیان و درود فرست بر علی فرزند حسین پیشوای مؤمنان و وارث رسولان و حجت پروردگار جهانیان.

وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ، وَ وَارِثِ الْمُرْسَلِينَ وَ حُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَ صَلِّ عَلَى جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ، وَ وَارِثِ الْمُرْسَلِينَ، وَ حُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَ صَلِّ عَلَى مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ، وَ وَارِثِ الْمُرْسَلِينَ، وَ حُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.

(خدا یا) درود فرست بر محمد بن علی پیشوای مؤمنان و وارث رسولان و حجت پروردگار جهانیان و درود فرست بر جعفر بن محمد پیشوای مؤمنان و وارث رسولان و حجت پروردگار جهانیان و درود فرست بر موسی بن جعفر پیشوای مؤمنان و وارث رسولان و حجت پروردگار جهانیان.

وَ صَلِّ عَلَى عَلِيِّ بْنِ مُوسَى إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ وَ وَارِثِ الْمُرْسَلِينَ وَ حُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ وَ وَارِثِ الْمُرْسَلِينَ وَ حُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.

و (خداوندا) درود فرست بر علی بن موسی پیشوای مؤمنان و وارث رسولان و حجت پروردگار جهانیان و درود فرست بر محمد بن علی پیشوای مؤمنان و وارث رسولان و حجت پروردگار جهانیان.

وَ صَلِّ عَلَى عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ وَ وَارِثِ الْمُرْسَلِينَ وَ حُجَّةِ رَبِّ
 الْعَالَمِينَ وَ صَلِّ عَلَى الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ وَ وَارِثِ الْمُرْسَلِينَ وَ حُجَّةِ رَبِّ
 الْعَالَمِينَ وَ صَلِّ عَلَى الْخَلْفِ الْهَادِيِّ الْمَهْدِيِّ إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ، وَ وَارِثِ الْمُرْسَلِينَ وَ
 حُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.

و درود فرست بر علی بن محمد پیشوای مؤمنان و وارث رسولان و حجت پروردگار جهانیان و
 درود فرست بر حسن بن علی پیشوای مؤمنان و وارث رسولان و حجت پروردگار جهانیان و درود و
 سلام فرست بر خلف صالح هدایتگر هدایت شده پیشوای مؤمنان و وارث رسولان و حجت
 پروردگار جهانیان.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ الْأَيْمَّةِ الْهَادِينَ، الْعُلَمَاءِ الصَّادِقِينَ، الْأَبْرَارِ
 الْمُتَّقِينَ، دَعَائِمِ دِينِكَ وَ أَرْكَانِ تَوْحِيدِكَ وَ تَرَاجِمَةِ وَحْيِكَ وَ حُجَجِكَ عَلَى خَلْقِكَ وَ
 خُلَفَائِكَ فِي أَرْضِكَ.

پروردگارا درود فرست بر محمد و خاندانش، امامان هدایتگر، دانشمندان راستگوی، نیکان
 تقوای پشه و پایه‌های توحیدت و بازگوکنندگان وحیت و حجت‌های تو بر آفریدگانت و جانشینان تو
 در زمینت.

الَّذِينَ اخْتَرْتَهُمْ لِنَفْسِكَ وَ اصْطَفَيْتَهُمْ عَلَى عِبَادِكَ وَ ارْتَضَيْتَهُمْ لِدِينِكَ وَ
 خَصَصْتَهُمْ بِمَعْرِفَتِكَ وَ جَلَّلْتَهُمْ بِكِرَامَتِكَ وَ غَشَّيْتَهُمْ بِرَحْمَتِكَ وَ رَبَّيْتَهُمْ بِنِعْمَتِكَ وَ
 غَذَّيْتَهُمْ بِحِكْمَتِكَ وَ أَلْبَسْتَهُمْ نُورَكَ وَ رَفَعْتَهُمْ فِي مَلَكُوتِكَ وَ خَفَفْتَهُمْ بِمَلَائِكَتِكَ وَ
 شَرَّفْتَهُمْ بِنَبِيِّكَ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ.

کسانی که برای خویش اختیار کرده و بر بندگانت برگزیدی و برای دینت پسندیدی و به
 شناخت اختصاص دادی و جامه کرامت را بر اندامشان پوشاندی و مشمول رحمتشان گرداندی و
 به نعمت پرورش دادی و سرشار از حکمت خود نمودی و نور خویش را بر ایشان پوشاندی و در
 اوج ملکوتت بالا بردی و به وسیله فرشتگانت آنان را احاطه نمودی و به خاطر وجود پیامبرت
 شرافتشان بخشیدی.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ عَلَيْهِمْ صَلَوةً زَاكِيَةً نَامِيَةً كَثِيرَةً دَائِمَةً طَيِّبَةً لَا يُحِيطُ بِهَا

إِنَّا أَنْتَ وَ لَاسَيِّعُهَا إِلَّا عِلْمُكَ وَ لَا يُحْصِيهَا أَحَدٌ غَيْرُكَ.

خداوندا بر محمد و خاندانش درود فرست، درودی جاودانه و بسیار پاکیزه که جز ذات تو آن را احاطه نکند و جز علم تو آن را در نیابد و شمارش آن در توان کسی جز تو نباشد.

اللَّهُمَّ وَ صَلِّ عَلَى وَ لِيِّكَ الْمُحْيِي سُنَّتِكَ الْقَائِمِ بِأَمْرِكَ الدَّاعِي إِلَيْكَ الدَّلِيلِ عَلَيْكَ حُجَّتِكَ عَلَى خَلْقِكَ وَ خَلِيفَتِكَ فِي أَرْضِكَ وَ شَاهِدِكَ عَلَى عِبَادِكَ. اللَّهُمَّ أَعِزَّنَا نَصْرَهُ وَ مَدَّنَا فِي عُمُرِهِ وَ زَيَّنَّا الْأَرْضَ بِطَوْلِ بَقَائِهِ.

بارالها درود فرست بر ولایت که احیاگر سنت، بر پا کننده امرت، دعوت کننده به سویت، دلالت کننده بر تو و حجت تو بر خلقت و خلیفیات در زمینت و گواه و شاهد تو بر بستندگانت می باشد. پروردگارا پیرویش را محکم و عمرش را طولانی نما و زمین را با طولانی شدن عمرش زینت بخش. اللَّهُمَّ أَكْفِهِ بَغْيَ الْحَاسِدِينَ وَ أَعِذْهُ مِنْ شَرِّ الْكَائِدِينَ وَ ازْجُرْ عَنْهُ إِرَادَةَ الظَّالِمِينَ وَ خَلِّصْهُ مِنْ أَيْدِي الْجَبَّارِينَ. اللَّهُمَّ أَعْطِهِ فِي نَفْسِهِ وَ ذُرِّيَّتِهِ وَ شَيْعَتِهِ وَ رَعِيَّتِهِ وَ خَاصَّتِهِ وَ عَامَّتِهِ وَ عَدُوَّهُ وَ جَمِيعِ أَهْلِ الدُّنْيَا مَا تُقَرِّبُهُ عَيْنَهُ وَ تَسُرُّ بِهِ نَفْسَهُ وَ بَلِّغْهُ أَفْضَلَ مَا أَمَّلَهُ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

خداوندا از تجاوز حسودان او را نگهدار و از شر نیرنگ بازان در پناه خویش مصونش دار و خواست های (شوم) ستمگران را از او دور فرما. بارالها، در مورد خود و فرزندان و شیعیان و دوستدارانش و خاص و عام او و دشمنش و تمام اهل دنیا به او آنچه که چشمش را به آن روشن ساخته عطا فرما و به آنچه که دلش را با آن خرسندگردانی عطا فرما و او را به برترین آرزویش در دنیا و آخرت برسان که تو بر هر چیز توانایی.

اللَّهُمَّ جَدِّدْ بِهِ مَا أَمْتَحَى مِنْ دِينِكَ وَ أَحْيِ بِهِ مَا بَدَّلَ مِنْ كِتَابِكَ وَ أَظْهِرْ بِهِ مَا غُيِّرَ مِنْ حُكْمِكَ حَتَّى يَعُودَ دِينُكَ بِهِ وَ عَلَى يَدَيْهِ غَضًّا جَدِيدًا خَالِصًا مُخْلِصًا لِاشْكَ فِيهِ وَ لِاشْبَهَةِ مَعَهُ وَ لِابْطِلَ عِنْدَهُ وَ لَا بَدْعَةَ لَدَيْهِ.

پروردگارا، به وسیله او آنچه را از دینت محو شده تجدید و هر چه از کتابت تحریف شده احیا کن و احکامی را که تغییر یافته آشکار ساز تا دین تو به وسیله او و به دست او دوباره تازگی و شادابی و خلوص و بی پیرایگی یابد که شک در آن نباشد و شبه ای به آن راه نیابد و باطلی کنارش نماند و

بدعتی در پیشگاهش یافت نشود.

اللَّهُمَّ نَوِّرْ بِنُورِهِ كُلَّ ظُلْمَةٍ وَ هُدِّ بِرُكْنِهِ كُلَّ بِدْعَةٍ وَ اهْدِم بِعِزِّهِ كُلَّ ضَلَالَةٍ وَ اقْصِمْ بِهِ كُلَّ جَبَّارٍ وَ أَحْمِدْ بِسَيْفِهِ كُلَّ نَارٍ وَ أَهْلِكْ بِعَدْلِهِ جَوْرَ كُلِّ جَائِرٍ وَ أَجِرْ حُكْمَهُ عَلَى كُلِّ حُكْمٍ وَ أَذِلَّ بِسُلْطَانِهِ كُلَّ سُلْطَانٍ.

خداوند، به نور او هر تاریکی را روشن و به استواری او هر بدعتی را از جای برکن و هر گمراهی را با قدرتش منهدم نما و هر سرکشی را با او درهم شکن و با شمشیرش هر آتشی را خاموش ساز و هر ستمگری را به عدالت او هلاک گردان و حکمش را بر هر فرمانی برتری ده و هر سلطه‌ای را برای حکومتش خوار فرما.

اللَّهُمَّ أَذِلَّ كُلَّ مَنْ نَاوَاهُ وَ أَهْلِكْ كُلَّ مَنْ عَادَاهُ وَ امْكُرْ بِمَنْ كَادَهُ وَ اسْتَاصِلْ مَنْ مَجَّدَهُ حَقَّهُ وَ اسْتَهَانَ بِأَمْرِهِ وَ سَعَى فِي إِطْفَاءِ نُورِهِ وَ أَرَادَ إِخْمَادَ ذِكْرِهِ.

بارالها، هر که را با او ستینه کند ذلیل و هر که را با او دشمنی ورزد هلاک کن و نیرنگ هر کس را که به او نیرنگ زند بی اثر ساز و هر کس حقش را انکار نماید و امرش را سبک شمارد و در خاموش کردن نورش تلاش می‌کند و قصد فرو نشانیدن نامش را داشته باشد از ریشه برکن.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَى وَ عَلَى الْمُرْتَضَى وَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ وَ الْحَسَنِ الرَّضَا وَ الْحُسَيْنِ الْمُصَفَّى وَ جَمِيعِ الْأَوْصِيَاءِ مَصَابِيحِ الدُّجَى وَ أَعْلَامِ الْهُدَى وَ مَنَارِ النَّقَى وَ الْعُرْوَةِ الْوُثْقَى وَ الْحَبْلِ الْمَتِينِ وَ الصِّرَاطِ الْمُسْتَقِيمِ.

خدایا، درود فرست بر محمد مصطفی و علی مرتضی و فاطمه زهرا و حسن راضی (به قضا) و حسین برگزیده و تمام اوصیا و جانشینان پیامبر، چراغ‌های روشنگر تاریکی و نشانه‌های هدایت و پرتوهای تقوا و دستگیره محکم و ریسمان قوی راه راست.

وَ صَلِّ عَلَى وَ لِيكَ وَ وُلَاةِ عَهْدِكَ وَ الْأَيْمَةِ مِنْ وُلْدِهِ وَ مُدِّ فِي أَعْمَارِهِمْ وَ زِدْ فِي أَجَالِهِمْ وَ بَلِّغْهُمْ أَقْصَى أَمَالِهِمْ دِيناً وَ دُنْيَاً وَ اخِرَةً إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

(خدایا) درود فرست بر ولی خودت و والیان عهد او و امامان از فرزندان او و عمرهایشان را طولانی کرده و بر اجل‌هایشان بیفزای و آنان را به آخرین مرحله آرزوهایشان در دنیا و آخرت برسان که به راستی تو بر هر چیز توانایی.

آیه یکصد و شصت و هفتم

● ائمه طاهرین و امام زمان علیه السلام «قریه‌های مبارک» هستند و مراجع تقلید و علمای اعلام «قریه‌های ظاهر» هستند.

خداوند در سوره سباء آیه ۱۸، می‌فرماید:

﴿وَجَعَلْنَا بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ الْقُرَى الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا قُرًى ظَاهِرَةً وَقَدَّرْنَا فِيهَا السَّيْرَ سَيْرُوا فِيهَا لِيَالِيٍّ وَ أَيَّاماً آمِنِينَ﴾

ما میان آن‌ها و قریه‌های مبارک، قریه‌های ظاهر و آشکار قرار دادیم و مسیر آن‌ها را به اندازه معینی ساختیم، در شب‌ها و روزهای امن در آن سیر کنید.

در این آیه به سه گروه اشاره می‌شود:

گروه اول امامان معصوم هستند که از آن‌ها به «الْقُرَى الَّتِي بَارَكْنَا» یا قریه‌های مبارک یاد شده است.

گروه دوم مسلمین و شیعیان هستند که خداوند می‌فرماید: ﴿وَجَعَلْنَا بَيْنَهُمْ﴾.

گروه سوم علماء و دانشمندان و خدمتگزاران به ائمه علیهم السلام هستند که از آن‌ها به «فِيهَا قُرًى ظَاهِرَةً» یا قریه‌های ظاهر یاد شده و این قریه‌ها بین امام و مردم‌مند (و مردم را با امام آشنا کرده و رابط بین امام و مردمند).

(۱) حافظ شیخ سلمان بن ابراهیم قندوزی الحنفی در کتاب ینابیع المودة صفحه ۴۲۶، آورده است:

و فی سوره سباء ﴿وَجَعَلْنَا بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ الْقُرَى الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا قُرًى ظَاهِرَةً وَقَدَّرْنَا فِيهَا السَّيْرَ سَيْرُوا فِيهَا لِيَالِيٍّ وَ أَيَّاماً آمِنِينَ﴾ عن محمد بن صالح بن الهمدانی قال: كتبت الى صاحب الزمان عليه السلام ان اهل بيتي يؤذونني بالحديث الذي روى عن آبائك عليهم السلام انهم قالوا: قوامنا شرار خلق الله فكتب و يحكم ما تقرؤن، ما قال الله تعالى: ﴿وَجَعَلْنَا بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ الْقُرَى الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا قُرًى ظَاهِرَةً﴾ فنحن والله القرى التي بارك الله فيها وانتم

القری الظاهرة و هذا التفسیر ایضاً روی عن الباقر علیه السلام و الصادق علیه السلام و کاظم علیه السلام.
 در سوره سباء آمده است: ﴿وَجَعَلْنَا بَيْنَهُمْ وَ بَيْنَ الْقُرَىٰ...﴾ محمد بن صالح
 همدانی می گوید: نوشتیم به صاحب الزمان علیه السلام که اهل خانه من حدیثی نقل می کنند از
 پدران شما که فرموده اند: آن ها که همواره به ما خدمت می کنند شریکترین خلق خداوند
 هستند. آن حضرت در جواب نامه ما مرقوم فرمودند: وای بر شما! آیا نمی خوانید
 فرموده خداوند متعال را در سوره سباء: ﴿وَجَعَلْنَا بَيْنَهُمْ وَ بَيْنَ الْقُرَىٰ الَّتِي بَارَكْنَا
 فِيهَا قُرَىٰ ظَاهِرَةً...﴾ ما قراردادیم بین آن ها (یعنی شیعیان و مسلمین) و بین قریه هایی
 که ما آن ها را مبارک قرار دادیم قریه های ظاهر و آشکاری را «فنحن والله القرى التي بارك
 الله فيها و انتم القوى الظاهرة» قسم به خداوند ماییم مراد به قریه هایی که خداوند آن ها را
 مبارک قرار داده است، و مراد از قریه های ظاهر و آشکار شماست.

این تفسیر را نیز حضرت باقر علیه السلام و حضرت صادق علیه السلام و حضرت کاظم علیه السلام روایت
 کرده اند.

(۲) در کتاب تفسیر برهان مجلد ۳ صفحه ۳۴۷ حدیث شماره ۴، آمده است:

ابن بابویه باسناده عن ابی عبدالله علیه السلام فی حدیث فی معنی الآیة قال: یا ابا بکیر، ﴿السَّيْرُ
 سَيْرٌ وَ فِيهَا لِيَالِي وَ أَيَّاماً آمِنِينَ﴾ فقال: مع قائمنا اهل البيت علیهم السلام.

ابن بابویه به سند خود از حضرت ابی عبدالله امام صادق علیه السلام ضمن حدیثی در معنی
 آیه آورده که فرمود: ای ابوبکیر، (در میان آن ها در شب ها و روزها با ایمنی مسافرت
 نمایند.) فرمود: با قائم ما اهل البيت علیهم السلام.

(۳) در کتاب الغیبة شیخ طوسی صفحه ۲۰۹ و کتاب تفسیر برهان مجلد ۳ صفحه
 ۳۴۷ حدیث شماره ۲، آمده است:

الشیخ الطوسی فی الغیبة قال: روی محمد بن عبدالله بن جعفر الحمیری، عن ابيه، عن
 محمد بن صالح الهمدانی قال: كتبت الى صاحب الزمان علیه السلام ان اهل بيتي يؤذونني (نی) و
 یقرءونني بالحدیث الذی روی عن آبائک علیهم السلام انهم قالوا: خدامنا و قوامنا شرار خلق الله،
 فكتب: و يحکم ما تقرؤون ما قال الله تعالی: ﴿وَجَعَلْنَا بَيْنَهُمْ وَ بَيْنَ الْقُرَىٰ الَّتِي بَارَكْنَا

فِيهَا قُرَىٰ ظَاهِرَةٌ... ﴿ فنحن والله القري التي بارك (الله) فيها و انتم القرى الظاهرة.

شیخ طوسی در کتاب غیبت گوید: محمد بن عبدالله بن جعفر حمیری از پدرش. از محمد بن صالح همدانی روایت کرد که گفت: به حضرت صاحب الزمان نوشتیم که: خاندانم مرا اذیت می کنند و نکوهش می نمایند به آن حدیثی که از پدران شما علیهم السلام روایت شده که ایشان فرموده اند: خدمتگزاران و کارگزاران ما بدترین خلق خدایند. پس آن جناب علیه السلام در جواب نوشت: وای بر شما، مگر نمی خوانید آنچه را خدای عزوجل فرموده: «و ما میان ایشان و قریه هایی که آنها را برکت داده ایم قریه های ظاهری قرار دادیم.» و به خدا سوگند ما ییم آن قریه هایی که خداوند در آنها برکت نهاده و شما یید قریه های ظاهره.

(۴) در کتاب «تفسیر برهان» مجلد ۳ صفحه ۳۴۷ حدیث شماره ۳ و در کتاب «کمال الدین و تمام النعمة» عالم بزرگ سید بن طاووس رحمته الله مجلد ۲ صفحه ۴۸۲، آمده است:

و رواه ابن بابويه في غيبته، قال: حدثنا ابي و محمد بن الحسن، قال: حدثنا عبدالله بن جعفر الحميري عن محمد بن صالح الهمداني، عن صاحب الزمان عليه السلام الحديث الى آخره.

آیه یکصد و شصت و هشتم

● امامان و امام زمان شفاعت کنندگان هستند به اذن الله.

خداوند در سوره سباء آیه ۲۳، می فرماید:

﴿وَلَا تَنْفَعُ الشَّفَاعَةُ عِنْدَهُ إِلَّا لِمَنْ أَذِنَ لَهُ﴾

و شفاعت در پیشگاه (خداوند) سود نمی دهد، مگر از آن کس که اجازه شفاعت به او داده شود.

(۱) در کتاب برهان مجلد ۳ صفحه ۳۵۰، آمده است:

عن ابن ابی عمیر، عن معاویة بن عمار، عن ابی العباس المکبر قال: دخل ابوايمن علی ابی جعفر علیه السلام فقال: یا ابا جعفر، تغرون الناس و تقولون شفاعة محمد صلی الله علیه و آله؟ فغضب ابو جعفر علیه السلام حتی تغیر وجهه ثم قال: ویحک یا ابایمن، اغرک ان عف بطنک و فرجک اما لو رایت افزاع القیامة لقد احتجت الی شفاعه محمد صلی الله علیه و آله و یکک فهل یشفع الالمن و جبت له النار ثم قال ما من احد من الاولین و الاخرین الا و هو محتاج الی شفاعة محمد رسول الله صلی الله علیه و آله یوم القیامة.

از ابن ابی عمیر، از معاویة بن عمار، از ابی العباس مکبر گفت: ابوايمن بر امام باقر علیه السلام وارد شد و گفت: یا ابا جعفر علیه السلام، شما مردم را مغرور می کنید و پی در پی شفاعت محمد صلی الله علیه و آله را وعده می دهید امام باقر علیه السلام از این سخن سخت غضبناک شد به طوری که رنگ چهره اش تغیر کرد و فرمود: وای بر تو ای ابایمن، آیا عفت شکم و غریزه جنسی تو مغرورت کرده اگر فزع روز قیامت را می دیدی، خود را محتاج شفاعت حضرت محمد صلی الله علیه و آله می دانستی. وای بر تو، آیا شفاعت می شود جز کسی که گرفتار جهنم شده باشد. سپس فرمود: احدی از انسان های اولین و آخرین نیست، مگر آنکه محتاج شفاعت حضرت محمد صلی الله علیه و آله در روز قیامت می باشد.

(۲) در کتاب برهان مجلد ۳ صفحه ۳۵۱ و کتاب صافی صفحه ۴۴۱، آمده است:

قال ابو جعفر عليه السلام: ان لرسول الله صلى الله عليه وآله الشفاعة في امته و لنا الشفاعة في شيعتنا و لشيعتنا في اهلهم.

امام باقر عليه السلام فرمود: رسول الله صلى الله عليه وآله اختيار شفاعت امت، ما شفاعت شيعيان و شيعيان هم شفاعت اهل خود را دارند.

(۳) در کتاب تفسير برهان مجلد ۳ صفحه ۳۵۱ و در کتاب صافی صفحه ۴۴۱،

آمده است:

عن ابي جعفر عليه السلام انه قال لا يقبل الله الشفاعة يوم القيامة لاحد من الانبياء و الرسل حتى تاذن له في الشفاعة الا رسول الله صلى الله عليه وآله فان الله قد اذن له في الشفاعة من قبل يوم القيامة فالشفاعة له و لامير المؤمنين عليه السلام و لائمة من ولده عليه السلام ثم بعد ذلك للانبياء عليه السلام.

امام باقر عليه السلام فرمود: خداوند شفاعت را از احدی از پیامبران و رسولان نمی پذیرد، مگر آنکه به او اذن داده باشد؛ ولی چون رسول الله صلى الله عليه وآله از قبل قیامت اذن دارد، اختیار شفاعت برایش محفوظ است.

بنابر این شفاعت برای رسول الله صلى الله عليه وآله و امیرالمؤمنین عليه السلام و ائمه از نسل او می باشد و بعد از آنها نوبت پیامبران عليه السلام می رسد، سپس برای شیعیان واقعی است.

آیه یکصد و شصت و نهم

● یکی از علایم ظهور، خروج سفیانی است.

خداوند در سوره سباء آیات ۵۱ تا ۵۴، می فرماید:

﴿وَلَوْ تَرَىٰ إِذِ فَزَعُوا فَلَافَوْتَ وَ أَخَذُوا مِنْ مَّكَانٍ قَرِيبٍ ۝ وَ قَالُوا آمَنَّا بِهِ وَ
أَنَّىٰ لَهُمُ التَّنَافُوسُ مِنْ مَّكَانٍ بَعِيدٍ ۝ وَ قَدْ كَفَرُوا بِهِ مِنْ قَبْلُ وَ يَظُنُّونَ
بِالْغَيْبِ مِنْ مَّكَانٍ بَعِيدٍ ۝ وَ حِيلَ بَيْنَهُمْ وَ بَيْنَ مَا يَشْتَهُونَ كَمَا فُعِلَ
بِأَشْيَاعِهِمْ مِنْ قَبْلُ إِنَّهُمْ كَانُوا فِي شَكٍّ مُرِيبٍ﴾

و چنانچه آنان را ببینی که هراسانند و وحشت زده، پس دیگر هیچ از عذاب آن‌ها فوت
و زایل نشود و از جای نزدیکی گرفته شوند ۝ و گویند به آن ایمان آوردیم و با این همه
دوری، کی توانند به آن مقام نایل شوند ۝ و حال آن‌که از پیش به آن کفر ورزند ۝ و میان
آن‌ها و آرزوهایشان جدایی و مباینت افتاد، همچنان‌که نسبت به همکیشان آن‌ها که
همانند اینان در شک و ریب بودند، پیش‌تر چنین شد.

(۱) حافظ جلال الدین سیوطی در مجلد ۶ تفسیر الدر المنثور صفحه ۷۱۳، آورده

است:

اخرج ابن ابی شیبة و الطبرانی عن ام سلمة قالت: قال رسول الله ﷺ يبائع الرجل من امتي
بين الركن و المقام كعدد اهل بدر، فيأتيه عصب العراق و ابدال الشام، فيأتيهم جيش من
الشام حتى اذا كانوا بالبيداء خسف بهم كلب.

ابن ابی شیبہ و طبرانی از ام سلمه نقل می کنند که ایشان گفت: رسول خدا ﷺ
فرمودند: با مردی از امت من (که همان مهدی موعود است، در مسجد الحرام و در کنار
کعبه) بین رکن و مقام بیعت می کنند که تعداد آن‌ها به اندازه مبارزین اهل بدر است
(یعنی ۳۱۳ نفر)، آن‌گاه گروه‌هایی از عراق و ابدال شام نزد او می آیند، بعد از آن
لشکری از شام به سوی آن‌ها می آید تا هنگامی که این لشکر به سرزمین بیداء می رسند،

آن سرزمین، این لشکر ظالم را فرو می برد.

(۲) در تفسیر الدر المنثور نوشته حافظ جلال الدین سیوطی مجلد ۶ صفحه ۷۱۲، در ذیل تفسیر همین آیه آورده است:

وأخرج ابن جریر و ابن المنذر و ابن ابی حاتم عن ابن عباس (رضی الله عنهما) فی قوله: ﴿وَلَوْ تَرَىٰ إِذْ فَزَعُوا فَلَاقَوْتَ وَ أَخَذُوا مِنْ مَّكَانٍ قَرِيبٍ﴾ قال هو جيش السفیانی، قال: من أين أخذ؟ قال: من تحت اقدامهم.

محمد بن جریر طبری و ابن منذر و ابن ابی حاتم از ابن عباس رضی الله عنهما در مورد فرموده خداوند متعال: ﴿وَلَوْ تَرَىٰ إِذْ فَزَعُوا فَلَاقَوْتَ وَ أَخَذُوا مِنْ مَّكَانٍ قَرِيبٍ﴾ روایت کرده اند که او گفته است: آن سپاه، سپاه سفیانی هستند. گفت: از کجا گرفته می شوند؟ گفت: «قال من تحت اقدامهم.»؛ از زیر پاهایشان (یعنی، آن ها در زیر پاهایشان فرو می روند).

(۳) در کتاب ینابیع المودة نوشته خواجه کلان قندوزی حنفی صفحه ۴۲۷، آمده است:

قوله تعالى: ﴿وَلَوْ تَرَىٰ إِذْ فَزَعُوا فَلَاقَوْتَ وَ أَخَذُوا مِنْ مَّكَانٍ قَرِيبٍ﴾ وَ قَالَوا آمَنَّا بِهِ وَ أَنَّى لَهُمُ التَّنَاوُشُ مِنْ مَّكَانٍ بَعِيدٍ﴾ الى آخر السورة عن الحارس، عن علي كرم الله وجهه فی هذه الآية قال: قبيل قيام قائمنا المهدي (عج) يخرج السفیانی فيملك قدد حمل المرأة تسعة اشهر و ياتي المدينة جيشه حتى اذا انتهى الى البیداء خسف الله به.

حافظ قندوزی پس از نقل آیه از حارس و او از امیرالمؤمنین علی علیه السلام نقل می کند که آن حضرت فرمودند: نزدیک قیام قائم ما مهدی (عج)، فردی به نام سفیانی خروج می کند و به اندازه بارداری یک زن؛ یعنی نه ماه، حکومت می کند و با سپاهش به طرف مدینه می آید، در نزدیکی مدینه به سرزمینی به نام بیداء می رسد و خداوند او را در زمین فرو می برد.

(۴) در کتاب «الغیبة» صفحه ۳۰۴ باب ۱۸ حدیث شماره ۱۴، آمده است:

أخبرنا علي بن احمد، عن عبيدالله بن موسي العلوي، عن عبدالله بن محمد، قال: حدثنا

محمد بن خالد، عن الحسن بن مبارک، عن ابي اسحاق الهمدانی، عن الحارث الهمدانی، عن امیر المؤمنین علیه السلام أنه قال:

المهدی أقبل، جعدٌ، بخده خال، يكون مبدؤه من قبل المشرق و اذا كان ذلك خرج السفیانی، فیملك قدر حمل امرأة تسعة أشهر، یرج بالشام فینقاد له اهل الشام إلا طوائف من المقیمین علی الحق، یعصمهم الله من الخروج معه، و یأتی المدينة بجیش جرّار حتّی إذا انتهى إلى بیداء المدينة خسف الله به و ذلك قول الله عزوجل فی کتابه: ﴿وَلَوْ تَرَىٰ إِذْ فَزِعُوا فَلَا فَوْتَ وَ أَخَذُوا مِنْ مَّكَانٍ قَرِيبٍ﴾.

خبر داد ما را علی بن احمد از عبیدالله بن موسی علوی و او از عبدالله ابن محمد که گفت: حدیث کرد ما را محمد بن خالد از حسن بن مبارک و او از ابي اسحاق همدانی و او از حارث همدانی و او از امیر المؤمنین علیه السلام که آن حضرت فرمود: مهدی دارای چشمانی [مقبل] مخمور و موهای پیچیده و خال صورت است که آغازش از جانب خاور است و چون چنین شود سفیانی خروج کند و به اندازه دوران حاملگی یک زن، نه ماه، حکومت کند. او در شام خروج می کند و همه اهل شام سر به فرمانش نهند، مگر چند طایفه از کسانی که بر حقّ ما پای بند هستند و خداوند آنان را از اینکه به همراه او خروج کنند، محفوظ نگه می دارد و با سپاهی جرّار به مدینه می آید تا آنکه به بیداء مدینه می رسد. خداوند او را به زمین فرو می برد و این است آنچه خدای عزوجل در قرآن می فرماید: ﴿وَلَوْ تَرَىٰ إِذْ فَزِعُوا فَلَا فَوْتَ وَ أَخَذُوا مِنْ مَّكَانٍ قَرِيبٍ﴾.

(۵) در کتاب تفسیر قمی مجلد ۲ صفحه ۲۰۵، آمده است:

علی بن ابراهیم قال: حدّثني ابي، عن ابن ابي عمير، عن منصور بن يونس، عن ابي خالد الكابلي قال: قال ابو جعفر علیه السلام: والله لكأني انظر الى القائم علیه السلام و قد اسند ظهره الى الحجر ثم ينشد الله حقه، ثم يقول: يا ايها الناس، من يحاجني في الله فانا اولى بالله ايها الناس من يحاجني في آدم علیه السلام فانا اولى بآدم. ايها الناس، من يحاجني في نوح علیه السلام. ايها الناس، من يحاجني في ابراهيم فانا اولى بابراهيم علیه السلام. ايها الناس، من يحاجني في موسى فانا اولى بموسى علیه السلام. ايها الناس، من يحاجني في عيسى فانا اولى بعيسى علیه السلام. ايها الناس، من

یحا جنی فی رسول الله [محمد] ﷺ فأننا أولى برسول الله [محمد] ﷺ أيها الناس، من یحاجنی فی کتاب الله فأننا أولى بکتاب الله ثم ینتھی الی المقام فیصلی رکعتین و ینشد الله حقّه ثم قال ابو جعفر علیه السلام: هو والله [المضطرّ فی کتاب الله] فی قوله: ﴿أَمَّنْ يُجِيبُ الْمَضْطَّرَّ إِذَا دَعَاهُ وَ يَكْشِفُ السُّوءَ وَ يَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ﴾ فیكون أوّل من یبایعه جبرائیل ثمّ الثلاثمائة و الثلاثة عشر رجلاً، فمن كان ابتلی بالمسیر وافی [وإفاه] و من لم یبتل بالمسیر فقد عن فراشه و هو قول امیر المؤمنین علیه السلام: «هم المفقودون من [عن] فرشهم» و ذلك قول الله: ﴿فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ أَيْنَمَا تُكَونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعاً﴾ قال: الخیرات الولاية و قال فی موضع آخر: ﴿وَ لَئِنْ أَخْرْنَا عَنْهُمُ الْعَذَابَ إِلَىٰ أُمَّةٍ مَّعْدُودَةٍ﴾ و هم [والله] أصحاب القائم (عج) یجتمعون [والله] الیه فی ساعة واحدة.

فاذا جاء الی البیداء یرج الیه جيش السفیانی فیأمر الله الارض فتأخذ اقدمهم و هو قوله: ﴿وَ لَوْ تَرَىٰ إِذِ فَزَعُوا فَلَا قُوَّةَ وَ أَخَذُوا مِنْ مَّكَانٍ قَرِيبٍ ۝ وَ قَالُوا آمَنَّا﴾ یعنی بالقائم من آل محمد علیه السلام ﴿وَ أَنَّىٰ لَهُمُ التَّنَافُوسُ مِنْ مَّكَانٍ بَعِيدٍ﴾ الی قوله: ﴿وَ حِیلَ بَيْنَهُمْ وَ بَيْنَ مَا يَشْتَهُونَ﴾ [یعنی]: ان لا یعدبوا کما فعل بأشیاعهم یعنی: من كان قبلهم من المکذبین هلکوا.

علی بن ابراهیم گوید: پدرم حدیثم داد از ابن ابی عمیر، از منصور بن یونس، از ابو خالد کابلی که گفت: حضرت ابو جعفر امام باقر علیه السلام فرمود: به خدا سوگند گویی قائم علیه السلام را می نگرم که پشت خود را به حجر کرده، سپس خداوند را به حق خودش سوگند می دهد، آن گاه می گوید: ای مردم، هر کس درباره خدا با من بحث نماید، [بداند که] من به خداوند اولی هستم. ای مردم، هر کس درباره آدم با من بحث کند، پس من نزدیک تر کسان به آدم هستم. ای مردم، هر کس در مورد نوح با من بحث کند، پس من نزدیک ترین کسان به نوح هستم. ای مردم، هر کس با من درباره ابراهیم گفتگو کند، پس من از همه به ابراهیم نزدیک ترم. ای مردم، هر کس با من درباره موسی بحث کند، پس منم نزدیک ترین کسان به موسی. ای مردم، هر کس درباره عیسی با من بحث کند، پس من نزدیک ترین افراد به عیسی می باشم. ای مردم، هر کس درباره رسول خدا

[محمد] ﷺ با من بحث کند، پس منم نزدیکترین افراد به رسول خدا [حضرت محمد] ﷺ، ای مردم. هر کس درباره کتاب خدا با من بحث نماید، پس منم نزدیکترین کسان به کتاب خدا. سپس، به مقام ابراهیم ﷺ خواهد رفت، دو رکعت نماز می‌گزارد و حقش را از خداوند طلب می‌کند. آنگاه حضرت ابو جعفر [امام باقر] ﷺ فرمود: اوست به خدا سوگند (آن مضطری که در کتاب خدا یاد شده).

در فرموده او: «آیا چه کسی دعای مضطر بیچاره را به اجابت می‌رساند و شما را جانشینان زمین قرار می‌دهد»، پس نخستین کسی که با او بیعت می‌کند جبرئیل است. سپس آن سیصد و سیزده مرد [بیعت کنند] و هر کدام از ایشان، پیش از آن هنگام، بیرون از منزل بوده به مقصد [به آن حضرت] خواهد پیوست، و هر کدام دچار سفر نبوده، از بستر خوابش مفقود خواهد شد؛ همین است معنی فرموده امیرالمؤمنین ﷺ: آنانند مفقود شوندگان از خوابگاه‌هایشان [و] آن قول خداوند است: «پس به کارهای نیک سبقت گیرید. هر کجا باشید، خداوند همگی شما را خواهد آورد.» فرمود: خیرات ولایت است و [خداوند] در جای دیگر فرموده: و «چنانچه عذاب را تا هنگام معینی [افراد معدودی] به تعویق اندازیم.» و ایشان [به خدا قسم] اصحاب قائم (عج) هستند [به خدا سوگند] در یک ساعت نزد او جمع می‌شوند.

پس چون به بیداء بیاید، لشکر سفیانی به سویش خروج کند که خداوند امر فرماید زمین که پاهایشان را بگیرد و این است فرموده خداوند «و اگر [ای رسول ما] ببینی کافران را هنگامی که هراسانند، پس هیچ از عذابشان فوت و زایل نشود و از جایگاه نزدیکی گرفته شود و گویند به او ایمان آوردیم.»؛ یعنی، به قائم از آل محمد ﷺ «و با این همه دوری کی توانند به آن مقام نایل شوند.» تا آنجا که فرموده: «و میان آنها و آرزوهایشان جدایی و مباینت افتاد.» [یعنی] اینکه عذاب نشوند، هم‌چنان که نسبت به همکیشان آنها پیش‌تر چنین شد. یعنی، کسانی که پیش از ایشان بودند، از تکذیب کنندگانی که هلاک گشتند.»

(۶) در کتاب تفسیر قمی مجلد ۲ صفحه ۲۰۵، آمده است:

ثم قال علي بن ابراهيم: وفي رواية ابي الجارود عن ابي جعفر عليه السلام في قوله: ﴿وَلَوْ تَرَىٰ اِذْ فَزَعُوا﴾ [قال] من الصّوت و ذلك الصّوت من السّماء، [و في قوله] ﴿وَ اُخِذُوا مِنْ مَّكَانٍ قَرِيبٍ﴾، قال: من تحت اقدامهم خسف بهم.

سپس علی بن ابراهیم گوید: و در روایت ابوالجارود از حضرت ابوجعفر باقر علیه السلام درباره قول خداوند: «و چنانچه [کافران را] ببینی که هراسانند.» [فرمود]: از صدا و آن صدا از سوی آسمان است، [و درباره فرموده خداوند] «و از جایگاه نزدیکی گرفته شوند.»، فرمود: از زیر پاهایشان زمین آنان را فرو می برد.

(۷) در کتاب تفسیر قمی مجلد ۲ صفحه ۲۰۶، آمده است:

ثم قال: اخبرنا الحسين بن محمد عن المعلی بن محمد بن جمهور، عن ابن محبوب، عن ابي حمزة قال: سألت ابا جعفر عليه السلام عن قوله: ﴿وَ اُنۡى لَهِمُّ التَّنَاوُسُ مِنْ مَّكَانٍ بَعِيدٍ﴾ قال: انهم طلبوا المهدى من حيث لا ينال و قد كان لهم مبدولاً من حيث يناله.

سپس گوید: حسین بن محمد خبرمان داد از معلی بن محمد جمهور، از ابن محبوب، از ابو حمزه که گفت: از حضرت ابوجعفر امام باقر علیه السلام راجع به قول خداوند: «با این همه دوری کی توانند به آن مقام نایل شوند؟»، پرسیدم. آن جناب در جواب فرمودند: اینان از راهی که به دست نمی آید هدایت را جستجو کردند و حال آنکه از راه معمولش برایشان فراهم می شد.

(۸) در کتاب تفسیر عیاشی مجلد ۲ صفحه ۵۶، آمده است:

العیاشی باسناده عن عبدالاعلی الحلبي قال: قال ابو جعفر عليه السلام يكون لصاحب هذا الامر غيبة و ذكر حیناً طویلاً يتضمّن غيبة صاحب الامر عليه السلام و ظهوره الى انى ان قال عليه السلام: فيدعو الناس (يعنى القائم عليه السلام) الى كتاب الله و سنة نبيه عليه و آله السلام و الولاية لعلي بن ابي طالب عليه السلام و البرائة من عدوه و لا يسمّى احداً حتى ينتهى الى البيداء فيخرج اليه جيش السفيناني فيأمر الله الارض فتأخذهم من تحت اقدامهم و هو قول الله عزوجل: ﴿وَ قَدْ كَفَرُوا بِهِ﴾ يعنى بقائم آل محمد (عج)، الى آخر سورة، فلا يبقى منهم الا رجلان يقال لهما وتر و وتر

من مراد، وجوههما فی اقفیتهما یمشیان القهقری فیخبران الناس بما فعل باصحابهما.
عیاشی به سند خود از عبدالاعلیٰ حلبی آورده که گوید: حضرت ابو جعفر علیه السلام
فرمود: البته صاحب این امر را غیبتی خواهد بود و سخنی طولانی بیان داشت که
متضمن غیبت و ظهور حضرت صاحب الامر علیه السلام است، تا آنجا که فرمود: پس مردم را
به کتاب خدا و سنت پیغمبرش علیه و آله السلام و ولایت علی بن ابی طالب علیه السلام و
بیزاری از دشمنش دعوت می کند (یعنی حضرت قائم علیه السلام)، ولی نام کسی [از
دشمنانش] را نمی برد تا آن گاه که به بیداء می رسد. سپاهیان سفیانی به سویش خروج
کنند، پس خداوند به زمین امر خواهد کرد که از زیر پاهایشان آنها را بگیرد و همین
است [معنی] قول خدای عزوجل: «و اگر [ای رسول ما] ببینی کافران را هنگامی که
هراسانند، پس هیچ از عذابشان فوت و زایل نشود و از جایگاه نزدیکی گرفته شوند و
گویند به او ایمان آوردیم،»؛ یعنی [و گویند] به قائم آل محمد علیه السلام ایمان آوردیم، «و حال
آنکه از پیش به آن کفر ورزیده اند.»؛ یعنی به قائم آل محمد علیه السلام تا آخر سوره... پس
کسی از آنان باقی نمی ماند، مگر دو مرد به نام و ترو و تیر از قبیله مراد که صورت هایشان
در پشت هایشان خواهد بود که به پشت راه خواهند رفت و آنچه بر سر یارانشان آمد را
به مردم خبر می دهند.

(۹) در کتاب تأویل الآیات الظاهرة صفحة ۴۷۸، آمده است:

محمد بن العباس قال: حدثنا محمد بن الحسن بن علي بن الصباح المدائني، عن الحسن بن
محمد بن شعيب، عن موسى بن عمر بن يزيد [زيد]، عن ابن ابي عمير، عن منصور بن يونس،
عن اسماعيل بن جابر، عن ابي خالد الكابلي، عن ابي جعفر علیه السلام قال: يخرج القائم علیه السلام فيسير
حتى يمر بمر [و] فيبلغه ان عامله [قد] قتل، فيرجع [اليهم] فيقتل المقاتله ولا يزيد على ذلك
شيئا. عم ينطلق فيدعو الناس حتى ينتهي الى البیداء، فيخرج جيش السفیانی [جيشان
للسفیانی] فيأمر الله عزوجل الارض ان تأخذ باقدامهم و هو قوله عزوجل: ﴿وَلَوْ تَرَىٰ اِذِ
فَزَعُوا فَلَافَوْتَ وَاُخِذُوا مِنْ مَّكَانٍ قَرِيبٍ ۝ وَاَقَالُوا آمَنًا بِهِ﴾ یعنی بقیام القائم علیه السلام ﴿وَقَدْ
كَفَرُوا بِهِ مِنْ قَبْلُ﴾ یعنی بقیام القائم علیه السلام من آل محمد علیه السلام ﴿وَيَقْدِفُونَ بِالْغَيْبِ مِنْ مَّكَانٍ

بَعِيدٍ ۝ وَ حِيلَ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ مَا يَشْتَهُونَ كَمَا فُعِلَ بِأَشْيَاعِهِمْ مِنْ قَبْلُ إِنَّهُمْ كَانُوا فِي شَكٍّ مُرِيبٍ».

محمد بن العباس گوید: محمد بن الحسن بن علی بن مصباح مدائنی حدیثمان داد از حسن بن محمد بن شعیب، از موسی بن عمر بن یزید [یزید]، از ابن ابی عمیر، از منصور بن یونس، از اسماعیل بن جابر، از ابو خالد کابلی، از حضرت ابو جعفر باقر علیه السلام روایت کرده که آن جناب فرمود: حضرت قائم علیه السلام خروج می کند و به سیر ادامه می دهد تا اینکه از مر [و] می گذرد. به او خبر می رسد که عاملش کشته شده، پس به سوی آنان باز می گردد. بعد مقاتلان را می کشد و چیزی بر آن نمی افزاید. سپس در مسیر خود، مردم را [به حق] دعوت می کند تا این که به بیداء می رسد پس لشکر سفیانی [دو لشکر سفیانی] به مقابله با آن جناب بیرون می آیند که خدای عزوجل به زمین امر می فرماید تا از پاهایشان آنها را بگیرد و همین است قول خدای عزوجل: «و چنانچه آنان را بینی که هراسانند پس هیچ از عذابشان فوت و زایل نشود و از جای نزدیکی گرفته شوند و گویند به آن ایمان آوردیم»، یعنی به قیام حضرت قائم علیه السلام «و حال آنکه از پیش به آن کفر ورزیده اند»، یعنی به قیام قائم آل محمد علیهم السلام، «و به رسول ما و حقایق غیب نسبت های بسیار دوری می زدند و میان آنها و آرزوهایشان جدایی و مباینت افتاد همچنان که نسبت به همکیشان آنها که همانند اینان در شک و ریب بودند بیشتر چنین شد.»

آیة یکصد و هفتادم

● عزت مخصوص خداوند است و امام زمان (عج) معز المومنین است.

خداوند در سوره فاطر آیة ۱۰، می فرماید:

﴿مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعاً إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ﴾

هر کس عزت می خواهد، عزت یکسره مخصوص خداست، و کلام نیکو و طیب به سوی او بالا می رود و همچنین عمل صالح را بالا می برد.

(۱) در اصول کافی مجلد ۲ صفحه ۳۰۶ حدیث ۸۵، آمده است:

علی بن محمد و غیره عن سهل بن زیاد، عن یعقوب بن یزید، عن زیاد القندی، عن عماد الاسدی، عن ابی عبد الله علیه السلام فی قول الله عزوجل: ﴿مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعاً إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ﴾ ولا يتناهل البيت واهوى بيده الى صدره، فمن لم يتولنا لم يرفع الله له عملاً.

امام صادق علیه السلام راجع به قول خدای عزوجل در: «سخنان پاک به سوی او بالا رود و کار شایسته را بالا برد.» فرمود: ولایت ما خانواده مقصود است و با دست اشاره به سینه خود نمود و فرمود: کسی که ولایت ما را نداشته باشد، خدا هیچ عملی را از او بالا نمی برد.

(۲) در تفسیر برهان مجلد ۳ صفحه ۳۵۸، آمده است:

و عن الرضا علیه السلام فی قوله تعالى: ﴿إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ﴾ قال الكلم الطيب هو قول المؤمن لا اله الا الله، محمد رسول الله، على ولى الله و خليفته حقا، و خلفاء الله و العمل الصالح يرفعه فهو دليله و عمله اعتقاده الذى فى قلبه بان الكلام صحيح كما قلته بلسانى.

حضرت رضا علیه السلام درباره این قول خداوند: «خداوند کلام طیب و پاک را و عمل صالح را بالا می برد.» فرمودند: کلام طیب قول مؤمن است که می گوید: لا اله الا الله، محمد رسول الله، علی ولی الله و خلیفه حق خداوند و خلیفه های خداوند و عمل صالحی که بالا می رود دلیل او و عمل او اعتقاد اوست. عمل صالح عملی است که هم اعتقاد قلب اوست و هم جاری در لسان و زبان اوست. به هر حال، یکی از مصداق های این آیه ولایت اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام است. هر کس عزت می خواهد باید خود را به معز الاولیاء که امام زمان (عج) باشد نزدیک کند.

آیه یکصد و هفتاد و یکم

● «سابق بالخیرات» امام است، «مقتصد» عارف به حق امام است و «ظالم لنفسه» شیعه‌ای است که معرفت کامل امام را ندارد.

خداوند در سوره فاطر آیات ۳۲ تا ۳۵، می‌فرماید:

﴿ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا فَمِنْهُمْ ظَالِمٌ لِنَفْسِهِ وَمِنْهُمْ مُقْتَصِدٌ وَمِنْهُمْ سَابِقٌ بِالْخَيْرَاتِ بإِذْنِ اللَّهِ ذَلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيرُ ○ جَنَّاتٌ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا يُحَلَّوْنَ فِيهَا مِنْ أَسَاوِرَ مِنْ ذَهَبٍ وَ لُؤْلُؤًا وَ لِبَاسُهُمْ فِيهَا حَرِيرٌ ○ وَ قَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَذْهَبَ عَنَّا الْحَزْنَ إِنَّ رَبَّنَا لَغَفُورٌ شَكُورٌ﴾

سپس کتاب را به ارث دادیم به کسانی که برگزیدیم آن‌ها را از بندگانشان، بعد از ایشان ستم‌کنندگان بر خود هستند و از ایشان میانه‌رو هستند و از ایشان پیش‌گیرندگانند به خوبی‌ها به اذن خداوند، این است فضل بزرگ (خداوند) که بهشت‌های جاودان برآیند و در آن زیور کنند از دستبندهای طلا و مروارید و لباس‌های (بسیار فاخر) که از پرنیان است و گویند سپاس خداوندی را که اندوه را از ما برد، بدرستی که پروردگار ما هر آینه بسیار آمرزنده و سپاسگزار است آن خداوندی که جا داده ما را در سرای ماندن و جاودان از بخشش خودش که دیگر در آنجا به ما سختی نمی‌رسد، و خستگی در آنجا برای ما وجود ندارد.

اگر در این آیات به تدبیر بنگریم و تدبیر را با احادیث و روایات توأم سازیم، می‌یابیم در این آیات به سه دسته اشاره شده است:

دسته اول «سابق بالخیرات» که این‌ها امامان معصوم هستند که آیه تطهیر درباره‌شان نازل شده است و خداوند هر نوع گناه و پلیدی و رجس را از ایشان دور کرده است و این‌ها وارث کتاب هستند.

دسته دوم «مقتصد»، کسانی که به خداوند و رسولش ایمان داشته و در مقابل امامان

معصوم خاضع و خاشعند و حق امام را می شناسند و واجبات را انجام می دهند و از گناهان می پرهیزند. و اینان راه وسط و میانه را طی می کنند اینها نیز وارث کتابند. **دسته سوم ﴿ظَالِمٌ لِّنَفْسِهِ﴾**، اینها ایمان به خدا و رسولش و امامان معصوم دارند، اما در ولایت امام کوتاهی می کنند و در انجام واجبات نیز مسامحه کارند ایشان نیز وارث کتاب هستند.

حال در اینجا احادیثی که در تفسیر این آیات مبارکه آمده است را می آوریم:
 (۱) حاکم حسکانی حنفی در کتاب شواهد التنزیل صفحه ۴۷۰ حدیث ۸۷۲، در تفسیر این آیات آورده است:

... ابی حمزه ثمالی از علی بن الحسین علیه السلام چنین نقل می کند: نزد حضرت سجاد نشسته بودم که دو نفر از مردم عراق بر آن حضرت وارد شدند. به آن حضرت گفتند: یا بن رسول الله، خدمت شما آمدیم تا از حقایق آیاتی از قرآن کریم ما را آگاه سازی. حضرت علیه السلام فرمودند: کدام آیات؟ گفتند: در مورد این آیات: ﴿ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا...﴾ حضرت علیه السلام فرمودند: دیگران درباره این آیات چه می گویند؟ آنها گفتند: می گویند: این آیات درباره امت حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم نازل شده است. حضرت فرمودند: بنا بر این امت محمد صلی الله علیه و آله و سلم همه باید به بهشت بروند (و هیچکدام به جهنم نخواهند رفت). ابو حمزه می گوید: یکی از آنها سؤال کرد: ای پسر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، پس این آیات درباره چه کسانی نازل شده است؟ حضرت فرمودند: والله نازل شده است درباره ما اهل بیت، والله نازل شده است درباره ما اهل بیت، والله نازل شده است درباره ما اهل بیت (حضرت سه بار جمله را تکرار کردند). آنها سؤال کردند: یا بن رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم، به ما خبر بدهید درباره ﴿ظَالِمٌ لِّنَفْسِهِ﴾، آنها که به نفس و خودشان ظلم کرده اند، اینها چه کسانی هستند؟ حضرت فرمودند: آن کس که نیکی ها و بدی هایش برابرند و او هم در بهشت قرار خواهد گرفت. به آن حضرت عرض کردیم: پس ﴿المُقْتَصِدُ﴾ از شما کیست؟ حضرت فرمودند: آن کس که در خانه اش خداوند را می پرستد تا مرگش فرا رسد. عرض کردیم یا بن رسول الله: پس ﴿السَّابِقُ بِالْخَيْرَاتِ﴾ پیش گیرنده ها از شما

کیستند؟ حضرت فرمودند: کسی که شمشیرش را از غلاف بیرون آورده و مردمان را برای پروردگارش می خواند.

(۲) در کتاب اصول کافی مجلد ۱ صفحه ۳۱۱ حدیث شماره ۱، آمده است:

الحسین بن محمد عن معلى بن محمد، عن محمد بن جمهور، عن حماد بن عيسى، عن عبدالمؤمن، عن سالم قال: سألت أبا جعفر عليه السلام عن قول الله عزوجل: ﴿تُمْ أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ الَّذِينَ أَصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا فَمِنْهُمْ ظَالِمٌ لِنَفْسِهِ وَمِنْهُمْ مُقْتَصِدٌ وَمِنْهُمْ سَابِقٌ بِالْخَيْرَاتِ بإذنِ اللَّهِ﴾، قال: ﴿السَّابِقُ بِالْخَيْرَاتِ﴾ الإمام و ﴿المُقْتَصِدُ﴾ العارف للإمام و ﴿الظَّالِمُ لِنَفْسِهِ﴾ الذي لا يعرف الإمام.

سالم گوید از امام باقر عليه السلام پرسیدم راجع به قول خدای عزوجل «آنگاه این کتاب را به کسانی که از میان بندگان خود انتخاب کرده ایم، به ارث دادیم؛ بعضی از ایشان به خود ستم کنند و بعضی معتدلند و بعضی به اذن خدا به سوی نیکی ها شتابانند». فرمود: شتابنده به سوی نیکی ها امام است و معتدل امام شناس است و ستمگر به خویش کسی است که امام را نمی شناسد.

(۳) در کتاب اصول کافی مجلد ۱ صفحه ۳۱۲ حدیث شماره ۲، آمده است:

الحسین عن معلى، عن الوشاء، عن عبدالكريم، عن سليمان بن خالد، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: سألته عن قوله تعالى: ﴿تُمْ أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ الَّذِينَ أَصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا﴾، فقال: أيُّ شيء تقولون أتم؟ قلت: نقول: إنها في الفاطميين؛ قال: ليس حيث تذهب ليس يدخل في هذا من أشار بسيفه و دعا الناس إلى خلاف، فقلت: فأیُّ شيء الظالم لنفسه؟ قال: الجالس في بيته لا يعرف حقَّ الإمام و المقتصد العارف بحقَّ الإمام و السابق بالخيرات الامام.

سليمان بن خالد گوید: از امام صادق عليه السلام راجع به قول خدای تعالی «آنگاه این کتاب را به کسانی که از میان بندگان خود انتخاب کرده ایم، به ارث دادیم». فرمود: شما در این باره چه می گوید؟ عرض کردم: ما می گوئیم این آیه درباره فرزندان فاطمه عليها السلام است، (گویا مقصودش اولاد امام حسن است). فرمود: چنانکه تو پنداری نیست. کسی که شمشیر کشد و مردم را به مخالفت دعوت کند در این آیه داخل نیست. عرض کردم پس

ستمگر به خویش کیست؟ فرمود: کسی است که در خانه خود بنشیند و حق امام را شناسد و معتدل کسی است که حق امام را شناسد و شتابنده به نیکی‌ها امام است.

(۴) در کتاب اصول کافی مجلد ۱ صفحه ۳۱۲ حدیث شماره ۳، آمده است:

الحسین بن محمد عن معلى بن محمد، عن الحسن، عن أحمد بن عمر قال: سألت أبا الحسن الرضا عليه السلام عن قول الله عز وجل: ﴿ثُمَّ أَوْزَنَّا الْكِتَابَ الَّذِينَ أَصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا﴾ الآية، قال: فقال: ولد فاطمة عليها السلام و السابق بالخيرات الامام و المقتصد العارف بالامام و الظالم لنفسه الذي لا يعرف الإمام.

احمد بن عمر گوید: از حضرت رضا عليه السلام راجع به آیه «آن‌گاه این کتاب را به کسانی که از میان بندگان خود انتخاب کرده‌ایم، به ارث دادیم» پرسیدم. فرمود: اولاد فاطمه عليها السلام هستند و شتابنده به سوی نیکی‌ها امام است و معتدل امام شناس است و ستمگر به خویش کسی است که امام را شناسد.

(۵) در کتاب بصائر الدرجات صفحه ۱۳۵، آمده است:

عن ابي الحسن الاول عليه السلام ﴿ثُمَّ أَوْزَنَّا الْكِتَابَ الَّذِينَ أَصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا﴾ فنحن الذين اصطفينا الله فقد ورثنا علم هذا القرآن الذي فيه تبيان كل شيء.

از امام ابی‌الحسن اول عليه السلام درباره کلام خدا: ﴿ثُمَّ أَوْزَنَّا الْكِتَابَ الَّذِينَ أَصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا﴾ روایت شده که فرمود: ما یم کسانی که خداوند انتخابمان کرده و علم قرآن را که بیان‌کننده همه چیز است به میراث به ما داده است.

(۶) در کتاب مجمع البیان مجلد ۸ صفحه ۴۰۹، آمده است:

عن الصادق عليه السلام: الظالم لنفسه منا من لا يعرف حق الامام و المقتصد منا من يعرف حق الامام و السابق بالخيرات هو الامام و هولاء كلهم مغفور لهم.

امام صادق عليه السلام فرمود: ظالم و ستمکار از ما به خود آن است که حق امام را شناخته است و مقتصد و معتدل از ما آن است که عارف به حق امام است و سابق بالخیرات امام است و هر سه این گروه آمرزیده‌اند.

در عصر ما مقتصد کسی است که علاوه بر معرفت امامان گذشته، معرفت کامل نسبت به ولی عصر (عج) داشته باشد.

آیه یکصد و هفتاد و دوم

● حضرت ابراهیم از شیعیان حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام و ائمة معصومین علیهم السلام و امام زمان (عج) است.

خداوند در سورة صافات آیه ۸۳، می فرماید:

﴿وَإِنَّ مِنْ شِيعَتِهِ لِإِبْرَاهِيمَ﴾

و به راستی که از جمله شیعیان او ابراهیم است.

حضرت ابراهیم خلیل الرحمن علیه السلام از خداوند می خواهد تا از شیعیان واقعی امیرالمؤمنین علیه السلام و ائمة طاهرین علیهم السلام باشد خداوند چهارده نور مقدس به او نشان می دهد که یکی از این نورها، نور مقدس حضرت ولی عصر (عج) (الحجة القائم علیه السلام) است، سپس ابراهیم از خداوند می خواهد نشانه های واقعی شیعه را بیان کند.

* در کتاب کشف البیان و در تأویل الآیات الظاهرة صفحه ۴۹۶، آمده است:

الشیخ محمد بن الحسن عن محمد بن وهبان، عن ابی جعفر محمد بن علی بن رحیم، عن العباس بن محمد قال: حدّثنی ابی عن الحسن بن [علی بن] ابی حمزة، عن ابی بصیر یحیی بن ابی القاسم قال: سأل جابر بن یزید الجعفی، جعفر بن محمد الصادق علیه السلام عن تفسیر هذه الآیة: ﴿وَإِنَّ مِنْ شِيعَتِهِ لِإِبْرَاهِيمَ﴾ فقال علیه السلام: انّ الله سبحانه لما خلق ابراهیم علیه السلام کشف له عن بصره فنظر فرأى نوراً الى جنب العرش، فقال: الهی، ما هذا النور؟ فقيل له: هذا نور محمد صلی الله علیه و آله صفوتی من خلقی و رأی نوراً الى جنبه، فقال: الهی، و ما هذا النور؟ فقيل له: هذا نور علی بن ابی طالب علیه السلام ناصر دینی و رأی الي جنبهما ثلاثة انوار، فقال: الهی، و ما هذا الانوار؟ فقيل: هذه [نور] فاطمة علیها السلام فطمت محبّیها من النار و نور ولدیها الحسن و الحسین علیهم السلام، فقال: الهی، و رأی تسعة انوارٍ قد حقوا بهم؟ قيل: یا ابراهیم، هؤلاء الاثمة من ولد علی و فاطمة. فقال ابراهیم علیه السلام: الهی، بحق هؤلاء الخمسة الا ما عرفتنی من التسعة. فقال: یا ابراهیم، اولهم علی بن الحسین و ابنه محمد و ابنه جعفر و ابنه موسی و ابنه علی و ابنه علی و

ابنه الحسن و الحجّة القائم ابنه علیه السلام. فقال ابراهیم علیه السلام: الهی و سیّدی، أری انواراً قد احدقوا بهم لا یحصی عددهم الا انت؟ قیل: یا ابراهیم، هؤلاء شیعة امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام. فقال ابراهیم: و بما تعرف شیعتہ؟ قال: بصلاة احدى و خمسين و الجهر بسم الله الرحمن الرحيم و القنوت قبل الرکوع و التّختم باليمين، فعند ذلك قال ابراهیم: اللهم اجعلنی من شیعة امیر المؤمنین. قال: فاخبر الله فی کتابه فقال: ﴿وَ اِنَّ مِنْ شِيعَتِهِ لِابْرَاهِيمَ﴾.

شیخ محمد بن الحسن از محمد بن وهبان، از ابو جعفر محمد بن علی بن رحیم، از عباس بن محمد روایت آورده که گفت: پدرم برایم حدیث گفت از حسن بن [علی بن] ابی حمزة از ابویسیر یحیی بن ابی القاسم که گفت: جابر بن یزید جعفری از امام جعفر بن محمد صادق علیه السلام راجع به تفسیر این آیه پرسید: «و به راستی که از جمله شیعیان او، ابراهیم علیه السلام است.» آن حضرت علیه السلام فرمود: همانا خداوند سبحان هنگامی که ابراهیم علیه السلام را آفرید، پرده از روی چشمش برگرفت. ابراهیم نگاه کرد و نوری در کنار عرش مشاهده نمود. عرضه داشت: الها، این نور چیست؟ به او گفته شد: این نور محمد صلی الله علیه و آله برگزیده از خلق من است و نوری در کنار آن نور دید، پرسید: خدایا و این نور چیست؟ [از سوی خداوند] به او گفته شد: این نور علی بن ابی طالب علیه السلام یاور دین من است. در کنار آن دو نور، سه نور دیگر دید. پرسید: خدایا این نورها چیستند؟ به او گفته شد: این [نور] فاطمه علیها السلام است که دوستانش را از آتش بازداشته و جدا کرده و نور دو پسرش حسن و حسین علیهما السلام. آن گاه ابراهیم علیه السلام گفت: بارالها، نه نور هم می بینم که پیرامون آنان را گرفته اند گفته شد: ای ابراهیم علیه السلام اینان امامان از فرزندان علی و فاطمه هستند. پس ابراهیم گفت: بار خدایا، به حق این پنج تن تو را سوگند می دهم که به من بشناسانی آن نه تن کیانند؟ [خداوند] فرمود: ای ابراهیم، اولینشان علی بن الحسین است و پسرش محمد و پسرش جعفر و پسرش موسی و پسرش علی و پسرش محمد و پسرش علی و پسرش حسن و حجّت قائم پسر اوست علیه السلام. پس ابراهیم علیه السلام گفت: ای خدا و سیّد من، نورهایی را می بینم پیرامونشان حلقه زده اند که شماره آنها را جز تو کسی نمی داند. گفته شد: ای ابراهیم، اینان شیعیان امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام می باشند.

ابراهیم علیه السلام گفت: به چه [نشانه‌هایی] شیعیان او شناخته می‌شوند؟ [خداوند] فرمود: [خواندن] پنج‌جا و یک رکعت نماز بلند خواندن بسم الله الرحمن الرحیم قنوت گرفتن پیش از رکوع و انگشتی به دست راست کردن. در این هنگام ابراهیم علیه السلام گفت: بار خدایا، مرا از شیعیان امیرالمؤمنین علیه السلام قرار بده. امام صادق علیه السلام فرمود: پس خداوند این را در کتاب خود خبر داد که فرمود: «و به راستی که از جمله شیعیان او ابراهیم است.»

علامات شیعه

در این حدیث شریف، خداوند متعال چند نشانه از نشانه‌های شیعه واقعی در هر عصری را بر می‌شمارد که ما باز تأکید می‌کنیم ان شاء الله همه شیعه واقعی شویم، و آن نشانه‌ها عبارت است از:

۱. خواندن نمازهای واجب و نافله‌ها.
۲. بلند بیان کردن بسم الله الرحمن الرحیم.
۳. در رکعت دوم نمازها قبل از رکوع قنوت گرفتن.
۴. انگشتی به دست راست کردن.

آیه یکصد و هفتاد و سوم

● حضرت امام زمان (عج) از «آل یس» است.

خداوند در سوره صافات آیه ۱۳۰، می فرماید:

﴿سَلَامٌ عَلٰی آلِ یَاسِیْنَ﴾

درود بر آل محمد (یس نام رسول خداست) و آل یس فرزند (خاندان و آل آن حضرت هستند).

(۱) حاکم حسکانی در کتاب شواهد التنزیل صفحه ۴۷۶ حدیث ۷۹۱، آورده

است:

حاکم حسکانی گوید: خبر داد ما را ابوبکر معمري... از ابی صالح، از ابن عباس درباره فرموده خداوند گفت: ﴿سَلَامٌ﴾ علی آل محمد (درود بر آل محمد).

(۲) باز حاکم حسکانی در کتاب شواهد التنزیل صفحه ۴۷۶ حدیث ۷۹۲ آورده

است:

حاکم حسکانی گوید: خبر داد ما را ابو حازم... از اعمش، از مجاهد، از ابن عباس در فرموده خداوند متعال: ﴿سَلَامٌ عَلٰی آلِ یَاسِیْنَ﴾، گفت: ایشان آل محمد ﷺ هستند.

(۳) باز حاکم حسکانی در کتاب شواهد التنزیل صفحه ۴۷۷ حدیث ۷۹۳، آورده

است:

حاکم حسکانی گوید: نقل حدیث کرد مرا ابو جعفر... از وهیب بن نافع، از کادح، از جعفر صادق ﷺ، از پدرش موسی بن جعفر ﷺ... و او از پدرانش و همه از علی ﷺ درباره فرموده خداوند ﴿سَلَامٌ عَلٰی آلِ یَاسِیْنَ﴾، فرمودند: یاسین محمد ﷺ است و ما آل یاسین یا آل محمد ﷺ هستیم.

(۴) باز حاکم حسکانی در شواهد التنزیل حدیث ۷۹۴ آورده است:

حاکم حسکانی گوید: فرات گفت:... از سلیم بن قیس عامری، از حضرت علی ﷺ که

آن حضرت فرمودند: رسول خدا ﷺ یاسین است و ما آل او هستیم.

(۵) باز حاکم حسکانی در شواهد التنزیل آورده است که ما مختصر بیان می‌کنیم:

حدیث ۷۹۵ (از مهران، از ابن عباس «سَلَامٌ عَلٰی آلِ یَاسِیْنَ» می‌گفت سلام

علی آل محمد).

حدیث ۷۹۶ (سفیان ثوری از منصور از مجاهد... «سَلَامٌ عَلٰی آلِ یَاسِیْنَ»؛ یعنی

آل محمد ﷺ).

حدیث ۷۹۷ از ابی مالک: «سَلَامٌ عَلٰی آلِ یَاسِیْنَ»، گفت: یاسین محمد است و

آل او اهل بیتش می‌باشند، یعنی، سلام بر خاندان محمد ﷺ.

بحثی در تفاسیر اهل سنت

درباره اینکه آیه ۱۳۰ سوره صافات: «سَلَامٌ عَلٰی آلِ یَاسِیْنَ» یا «سَلَامٌ عَلٰی

إِلِیَاسِیْنَ» است، در تفاسیر اهل سنت اختلاف است؛ یعنی، تفاسیر مهم اهل سنت

هیچ‌کدام نگفته‌اند که این آیه «سَلَامٌ عَلٰی آلِ یَاسِیْنَ» است، بلکه گفته‌اند قراء در

قرائت این آیه اختلاف دارند و هر دو قول را آورده‌اند؛ به طور مثال:

الف امام فخر رازی در «تفسیر الکبیر» و «مفاتیح الغیب» مجلد ۲۶ صفحه ۱۶۲،

ضمن بحث در این باره سه قرائت و سه تعبیر را می‌آورد و می‌گوید:

(الاول) و هو الأقرب انا ذکرنا أنه إلیاس بن یاسین فکان الیاس آل یاسین.

(الثانی) آل یاسین آل محمد ﷺ.

(والثالث) ان یاسین اسم القرآن کانه قبل سلام الله علی من آمن بکتاب الله الذی هو

یاسین.

توجه می‌فرمایید امام فخر رازی می‌گوید: عده‌ای می‌خوانند: «سَلَامٌ عَلٰی آلِ

یَاسِیْنَ» و آل یاسین آل محمد ﷺ است.

ب ابی جعفر محمد بن جریر الطبری در تفسیر جامع البیان عن تأویل آی قرآن مجلد

۱۲ صفحات ۹۴، ۹۵ و ۹۶ به بحث می‌پردازد که یک بحث در متن تفسیر است و یک

بحث در پاورقی؛ برای نمونه:

در صفحه ۹۴ متن تفسیر آمده است: و اختلف القراء فی قراءة قوله: ﴿سَلَامٌ عَلٰی اِلٰی یَاسِیْنَ﴾؛ یعنی، اختلاف کرده اند قاریان درباره اینکه ﴿سَلَامٌ عَلٰی اِلٰی یَاسِیْنَ﴾ است یا ﴿سَلَامٌ عَلٰی اِلٰی یَاسِیْنَ﴾ است (بعضی قرائت اولی را می خوانند، بعضی قرائت دوم را).

در صفحه ۹۶ متن آمده است: (و قرأ ذلك عامة قراء المدینه ﴿سَلَامٌ عَلٰی اِلٰی یَاسِیْنَ﴾ بقطع آل من یاسین فكان بعضهم يتأول ذلك بمعنی: سلام علی آل محمد. یعنی قاریان مدینه می خوانند: ﴿سَلَامٌ عَلٰی اِلٰی یَاسِیْنَ﴾ و نمی خوانند ﴿سَلَامٌ عَلٰی اِلٰی یَاسِیْنَ﴾ و به این خاطر ﴿سَلَامٌ عَلٰی اِلٰی یَاسِیْنَ﴾ می خوانند که بگویند تأویل آن «سلام علی آل محمد» است.

در صفحه ۹۵ پاورقی آمده است: و قيل لعلی بن ابی طالب: نسألك سنة العمرین: یعنون أبابکر و عمر رضی اللہ عنہما. ثم ذکر ابو عبیدة بعد ذلك وجها آخر، فقال: إن اهل المدينة یقولون: ﴿سَلَامٌ عَلٰی اِلٰی یَاسِیْنَ﴾ أى علی اهل یاسین. فقال سعد بن ابی وقاص و أبو عمر و اهل الشام: هم قومه و من كان معه علی دینه و قالت الشیعة: آل محمد، اهل بیته... جاء التفسیر الکلبی: علی آل یاسین، علی آل محمد صلی اللہ علیہ و آله و سلم.

باز توجه می فرمایند محمد بن جریر طبری نیز نقل می کند که بعضی ها می گویند: ﴿سَلَامٌ عَلٰی اِلٰی یَاسِیْنَ﴾ و بعضی دیگر قرائت می کنند: ﴿سَلَامٌ عَلٰی اِلٰی یَاسِیْنَ﴾. ج الامام عبدالرحمن جلال الدین السیوطی در تفسیر الدر المنثور فی التفسیر المأثور مجلد ۷ صفحه ۱۲۰ به بحث می پردازد و می گوید:

و أخرج ابن المنذر عن مجاهد فی قوله ﴿سَلَامٌ عَلٰی اِلٰی یَاسِیْنَ﴾ و قال: هو الیاس و اخرج ابن ابی حاتم عن الضحاک انه قرأ «سلام علی ادرا سین» و قال: هو مثل الیاس مثل عیسی و المسیح و محمد و احمد و اسرائیل و یعقوب و اخرج ابن ابی حاتم و الطبرانی و ابن مردویه عن ابن عباس رضی الله عنهما فی قوله: ﴿سَلَامٌ عَلٰی اِلٰی یَاسِیْنَ﴾. قال: نحن آل محمد (آل یاسین).

مجاهد می گوید: ﴿سَلَامٌ عَلٰی اِلٰی یَاسِیْنَ﴾ منظور الیاس است.

ابی حاتم از ضحاک نقل می‌کند: «سَلَامٌ عَلٰی اِدْرَاسِیْنَ» مثل الیاس و عیسی و مسیح و محمد و احمد و... علیه السلام است. ابی حاتم و طبرانی و ابن مردویه و ابن عباس می‌گویند: «سَلَامٌ عَلٰی آلِ یَاسِیْنَ» است و می‌گویند منظور از آن آل محمد علیهم السلام هستند.

طبری متوفی سنه ۳۱۰ هجری قمری است و فخر رازی در سنه ۶۰۴-۵۴۴ (ه ق) می‌زیسته است و سیوطی متوفی سال ۹۱۱ (ه ق) است؛ همه اینها اقوال دیگران را در قرائت «الیاسین» مطرح می‌کنند اما آنها که معتقدند «سَلَامٌ عَلٰی آلِ یَاسِیْنَ» صحیح است نظیر حاکم حسکانی حنفی که از علمای قرن پنجم هجری قمری است، هفت حدیث صحیح مستقیماً با اسناد صحیح از قول رسول خدا صلی الله علیه و آله مطرح می‌کند و می‌گوید: «سَلَامٌ عَلٰی آلِ یَاسِیْنَ» صحیح است.

صاحب تفسیر برهان در مجلد ۴ این تفسیر، در صفحات ۳۳ و ۳۴، دوازده حدیث برای اثبات «سَلَامٌ عَلٰی آلِ یَاسِیْنَ» می‌آورد.

نتیجه کلی:

در این جا باز سؤال می‌شود که این آیه چه ربطی به اعلی حضرت قدر قدرت کیهان مکتب قوی شکوت، بقیة الله الاعظم (عج) دارد؟ در جواب می‌گوییم در حال حاضر بر روی کره زمین چه شخصی نزدیک تر به رسول خدا صلی الله علیه و آله از حجة بن الحسن العسکری (عج) است. پس وقتی در قرآن می‌خوانیم: «سَلَامٌ عَلٰی آلِ یَاسِیْنَ»، درود و سلام بر این بزرگوار می‌فرستیم.

(۶) در کتاب معانی الاخبار تألیف علامه بزرگوار شیخ صدوق، معروف به ابن بابویه مجلد ۱ باب ۵۸ صفحه ۲۸۱، آمده است:

حدَّثنا عبدالله بن محمد بن عبد الوهَّاب، قال: حدَّثنا أبو محمد عبدالله بن یحیی بن عبد الباقي، قال: حدَّثنا أبي، قال: حدَّثنا علي بن الحسن بن عبدالغني [قال: [المغاني، قال: حدَّثنا عبدالرزاق عن مندلي، عن الكلبي، عن أبي صالح، عن ابن عباس في قوله عز وجل: «سَلَامٌ عَلٰی آلِ یَاسِیْنَ». قال: السَّلام من ربِّ العالمين علی محمد و آله علیهم السلام لمن تولاهم فی قیامة.

ابن عباس در تفسیر فرمایش خدای عزوجل: ﴿سَلَامٌ عَلٰی آلِ یَاسِیْنَ﴾، گفته است: تحیتی (درودی) است از جانب پروردگار جهانیان بر محمد و خاندانش که رحمت خدا بر ایشان باد، مژده ایمنی در قیامت است برای دوستداران ایشان.

(۷) در کتاب معانی الاخبار مجلد ۱ باب ۵۸ صفحه ۲۸۲، آمده است:

حدَّثنا محمد بن ابراهیم بن إسحاق الطالقانی رضی اللہ عنہ قال: حدَّثنا أبو أحمد عبدالعزیز بن یحیی بن أحمد بن عیسی الجلودی البصری قال: حدَّثنا محمد بن سهل قال: حدَّثنا الخضر بن أبی فاطمه البلخی، قال: حدَّثنا وهب بن نافع، قال: حدَّثنی کادح عن الصادق جعفر بن محمد، عن ابیه، عن آبائه، عن علی رضی اللہ عنہ فی قوله عزوجل: ﴿سَلَامٌ عَلٰی آلِ یَاسِیْنَ﴾ قال: یاسین محمد صلی اللہ علیہ وسلم و نحن آل یاسین.

کادح از امام صادق رضی اللہ عنہ، از اجداد بزرگوارش، از حضرت علی رضی اللہ عنہ روایت کرده است که فرمود: در فرمایش خدای عزوجل: ﴿سَلَامٌ عَلٰی آلِ یَاسِیْنَ﴾ (درود و تحیت بر آل یاسین) منظور از «یاسین» محمد است و ما «آل یاسین» هستیم.

(۸) در کتاب معانی الاخبار مجلد ۱ باب ۵۸ صفحه ۲۸۲، آمده است:

حدَّثنا محمد بن ابراهیم بن إسحاق رضی اللہ عنہ قال: حدَّثنا أبو محمد عبدالعزیز بن یحیی بن أحمد بن عیسی الجلودی البصری، قال: حدَّثنی الحسین بن معاذ، قال: حدَّثنا سلیمان بن داود، قال: حدَّثنا حکم بن ظهیر عن السندی، عن أبی مالک فی قوله عزوجل: ﴿سَلَامٌ عَلٰی آلِ یَاسِیْنَ﴾ قال: یاسین محمد صلی اللہ علیہ وسلم و نحن آل یاسین.

سندی از ابی مالک نقل نموده که در قول خداوند: ﴿سَلَامٌ عَلٰی آلِ یَاسِیْنَ﴾ گفت: «یاسین» محمد صلی اللہ علیہ وسلم است و ما «آل یاسین» هستیم.

(۹) در کتاب معانی الاخبار مجلد ۱ باب ۵۸ صفحه ۲۸۳، آمده است:

حدَّثنا أبی رضی اللہ عنہ قال: حدَّثنا عبدالله بن الحسن المؤدّب عن أحمد بن علی الإصبهانی، عن ابراهیم بن محمد الثقفی، قال: أخبرنی أحمد بن أبی عمر [ة] النهدی، قال: حدَّثنی أبی عن محمد بن مروان، عن محمد بن السائب، عن أبی صالح، عن ابن عباس فی قوله عزوجل: ﴿سَلَامٌ عَلٰی آلِ یَاسِیْنَ﴾ قال: علی آل محمد صلی اللہ علیہ وسلم.

ابوصالح از ابن عباس نقل کرده که در معنای ﴿سَلَامٌ عَلٰی آلِ یَاسِیْنَ﴾ گفت: یعنی سلام بر آل محمد ﷺ.

(۱۰) در کتاب معانی الاخبار مجلد ۱ باب ۵۸ صفحه ۲۸۳، آمده است:

حدَّثنا محمد بن ابراهیم بن إسحاق الطالقانی رضی اللہ عنہ قال: حدَّثنا عبدالعزیز بن یحیی الجلودی، قال: حدَّثنا محمد بن سهل، قال: حدَّثنا ابراهیم بن معمر قال: حدَّثنا عبداللہ بن داهر الأحمري، قال: حدَّثنی ابي، قال: حدَّثنا الأعمش عن یحیی بن وثاب، عن ابي عبدالرحمن السلمي أن عمر بن الخطاب كان یقرأ: سلام علی آل یاسین. قال أبو عبدالرحمن السلمي: آل یاسین آل محمد ﷺ.

از ابي عبدالرحمن سلمی چنین نقل شده که عمر بن خطاب می خواند: ﴿سَلَامٌ عَلٰی آلِ یَاسِیْنَ﴾ سلمی گفت: «آل یاسین» خاندان محمد ﷺ است.

آیه یکصد و هفتاد و چهارم

● یکی از مصادیق «نبأ عظیم» یا خبر بزرگ امام قائم (عج) است.

خداوند در سوره ص آیات ۶۷ و ۶۸، می فرماید:

﴿قُلْ هُوَ نَبَأٌ عَظِيمٌ ۝ أَنْتُمْ عَنْهُ مُعْرِضُونَ﴾

بگو این خبری بزرگ است که شما از آن روگردانید.

(۱) در تفسیر صافی صفحه ۴۶۴، آمده است:

قال الباقر علیه السلام: هو و الله امیر المؤمنین علیه السلام.

امام باقر علیه السلام فرمود: سوگند به خدا که (آن خبر بزرگ) امیر المؤمنین علیه السلام است.

(۲) در تفسیر برهان مجلد ۴ صفحه ۶۳، آمده است:

عن سدير عن ابي عبد الله علیه السلام قلت له قول الله تبارك و تعالى: ﴿قُلْ هُوَ نَبَأٌ عَظِيمٌ ۝ أَنْتُمْ

عَنْهُ مُعْرِضُونَ﴾ قال الذين اوتوا العلم الاثمه و النبا الامامه.

سدير می گوید به امام صادق علیه السلام عرض کردم که منظور خداوند از ﴿قُلْ هُوَ نَبَأٌ

عَظِيمٌ ۝ أَنْتُمْ عَنْهُ مُعْرِضُونَ﴾ چیست؟ فرمود: کسانی که علم به آنها داده شد، یعنی

امامان و خبر بزرگ امامت است.

خبر بزرگ یا ﴿نَبَأٌ عَظِيمٌ﴾ در درجه اول امیر المؤمنین علی علیه السلام است و در درجه

دوم کسانی هستند که ﴿الذين اوتوا العلم﴾، خداوند به آنها «علم وهنی» عنایت

فرموده است. علم آنها علم خداوند است. آنها امامان معصوم از نسل

امیر المؤمنین علیه السلام و فاطمه زهرا علیه السلام هستند. در حال حاضر ﴿نَبَأٌ عَظِيمٌ﴾ حضرت بقیه /

الله الاعظم (عج) می باشند.

آیه یکصد و هفتاد و پنجم

● به شیطان تا ظهور امام زمان (عج) مهلت داده شده است.

خداوند در سوره ص آیه ۷۹ تا ۸۱، می فرماید:

﴿قَالَ رَبِّ فَأَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمٍ يُبْعَثُونَ ۝ قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ ۝ إِلَى يَوْمِ
الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ﴾

(شیطان) گفت: پروردگار من، پس مرا تا روزی که مبعوث شوند، مهلت بده. ○
(خداوند) فرمودند: تو از کسانی هستی که به تو مهلت داده شده است ○ تا روز وقت
معلوم.

اگر به آیات و روایات مراجعه کنیم، مشاهده می کنیم که این ﴿إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ
الْمَعْلُومِ﴾، (روز وقت معلوم) را دانشمندان تا قیامت دانسته اند، منتها ما یک قیامت
صغری داریم و یک قیامت کبری؛ قیامت صغری همان قیام قائم موعود حضرت
حجة بن الحسن العسکری (عج) است و قیامت کبری وقتی است که مردگان از قبر
خارج شده و در پیشگاه عدل الهی حاضر می شوند. آیات قرآن نیز دارای همین معانی
است که هم شیعه این را قبول دارد و هم اهل سنت؛ به طور مثال:

(۱) عالم بزرگ شافعی شیخ الاسلام حافظ الحموینی در کتاب فرائد السمطین
مجلد ۲، آورده است:

عن الحسن بن خالد، عن علی بن موسی الرضا عليه السلام: انه قال فی حدیث: ﴿إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ
الْمَعْلُومِ﴾ و هو یوم خروج قائمنا قلیل له: یا رسول الله صلى الله عليه وآله، و من القائم منکم اهل البیت؟
قال: الرابع من ولدی ابن سیده الإمام یطهر الله به الارض من کل جور و یقدسها من کل جرم
و ظلم.

عالم شافعی حموینی به سند یاد شده از حسن بن خالد، و از حضرت علی بن

موسی الرضا علیه السلام روایت کرده است که آن حضرت در ضمن حدیثی فرمودند: **﴿إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ﴾** و آن روز قیام قائم ما (اهل بیت) است، پس گفته شد: ای پسر رسول خدا صلی الله علیه و آله، قائم شما اهل بیت کیست؟ فرمودند: چهارمین از اولاد من، او پسر سرور کنیزان است؛ خداوند توسط او زمین را از هر ظلم و جور پاک می کند و از هر جنایت و پستی منزه می سازد.

(۲) در تفسیر عیاشی مجلد ۲ صفحه ۲۴۲، آمده است:

عیاشی در تفسیر این آیه از حضرت صادق علیه السلام روایت نموده که از آن حضرت درباره معنی آیه **﴿إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ﴾** پرسیدند، حضرت فرمودند: آیا تو گمان می کنی که مراد از «یوم وقت معلوم» روزی است که مردم در آن محشور می شوند؟ چنین نیست. به درستی که خداوند عالم تا روزی که در آن قائم ما اهل بیت (عج) قیام می کند، به ابلیس مهلت داد. پس وقتی که خداوند متعال قائم ما را برانگیخت، به مسجد کوفه می آید و ابلیس ملعون خدمت آن حضرت حاضر می شود تا آنکه در پیش او به زانوا درآید. پس می گوید: واویلا از این روز. پس، آن حضرت علیه السلام او را از پیشانی می گیرد و گردنش را می زند. پس این روز است «یوم وقت معلوم».

(۳) علی بن ابراهیم قمی در تفسیرش مجلد ۲ صفحه ۲۴۵، می گوید:

حضرت صادق علیه السلام فرمودند: **﴿يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ﴾**، روزی است که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله ابلیس را سر می بُرد.

(۴) در تفسیر برهان مجلد ۱ صفحه ۵۵۸، به نقل از بصائر الدرجات، آمده است:

از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است: شیطان (لعنة الله) از خداوند خواست که او را تا روز وقت معلوم مهلت دهد. چون آن روز رسد شیطان با همه اتباعش، از روزی که خداوند آدم را خلق کرده است تا آن روز ظاهر شود و حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام برگردد و این برگشت آخر حضرت یا آخرین رجعت آن حضرت است. راوی گفت: مگر رجعت های بسیار خواهد کرد؟ فرمودند: بلی و هر امامی که در قرنی، بوده، به همراه

نیکوکاران و بدکاران زمانش برمی گردند تا حق تعالی مؤمنی را بر کافران غالب گرداند و مؤمنان از آن ها انتقام بکشند. چون آن روز شد، حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام با اصحابش برگردد و شیطان هم با اتباعش می آید و ملاقات ایشان در کنار فرات نزدیک به کوفه، واقع شود، پس قتالی صورت گیرد که هرگز مثل آن واقع نشده باشد. گویا می بینم اصحاب حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام را که صد قدم برگردند و پای بعضی در میان آب فرات داخل شود. پس، ابری از آسمان به زیر آید که پر شده باشد از ملائکه و حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله حربه ای از نور بر دست داشته باشد و در پیش آن ابر آید. چون نظر شیطان بر آن حضرت افتد، از عقب برگردد و اتباعش به او گویند: اکنون که ظفر یافتی به کجا می روی؟ او گوید: من می بینم آن چه شما نمی بینید. من از پروردگار عالمیان می ترسم پس، حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله به او برسد و آن حربه را در میان دو کتفش بزند که او و اتباعش همه هلاک می شوند. بعد از آن همه مردم خدا را به یگانگی پرستند و هیچ چیز را با خدا شریک نگردانند. حضرت امیر چهل و چهار هزار سال پادشاهی کند تا آنکه یک مرد از شیعیان آن حضرت، هزار فرزند پسر از صلبش متولد شود؛ هر سال یک فرزند.

آیه یکصد و هفتاد و ششم

● سرانجام ندای آمدن مهدی علیه السلام را خواهید شنید.

خداوند در سوره ص آیات ۸۶ تا ۸۸، می فرماید:

﴿قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ وَ مَا أَنَا مِنَ الْمُتَكَلِّفِينَ ۝ إِنَّهُ هُوَ الْوَالِي ذِكْرُ
لِلْعَالَمِينَ ۝ وَ لَتَعْلَمُنَّ نَبَأَهُ بَعْدَ حِينٍ﴾

بگو مزدی بر این (رسالت) از شما طلب نمی کنم و من از کسانی نیستم که این رسالت را بر خود ببندم ۝ و این جز تذکری برای جهانیان نیست ۝ و هر آینه خبر (آن وعده و وعیدش را) پس از مدتی خواهید دانست.

(۱) در کتاب ینابیع الموده صفحه ۴۲۷ نوشته حافظ سلیمان بن ابراهیم قندوزی

حنفی، آمده است:

﴿وَ لَتَعْلَمُنَّ نَبَأَهُ بَعْدَ حِينٍ﴾ عن عاصم بن حمید، عن الباقر علیه السلام قال: لتعلمنی نبأه ای

نبأ القائم علیه السلام عند خروجه.

عاصم بن حمید از امام باقر علیه السلام درباره فرموده خداوند تعالی: ﴿وَ لَتَعْلَمُنَّ نَبَأَهُ بَعْدَ

حین﴾، روایت می کند که آن حضرت فرمودند: (هر آینه خبر آن را بدانید.)، مقصود از خبر، انقلاب قائم هنگام خروجش است.

(۲) در روضه کافی مجلد ۲ صفحه ۱۱۰ حدیث ۴۳۲، آمده است:

علی بن محمد، عن علی بن العباس، عن الحسن بن عبدالرحمن، عن عاصم بن حمید، عن

ابی حمزه، عن ابی جعفر علیه السلام فی قوله عزوجل: ﴿قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ وَ مَا أَنَا مِنَ

الْمُتَكَلِّفِينَ ۝ إِنَّهُ هُوَ الْوَالِي ذِكْرُ لِلْعَالَمِينَ﴾ قال: هو أميرالمومنین علیه السلام، ﴿وَ لَتَعْلَمُنَّ نَبَأَهُ

بَعْدَ حِينٍ﴾ قال: عند خروج القائم علیه السلام.

و نیز از امام باقر علیه السلام روایت کرده در تفسیر گفتار خدای عزوجل: «بگو من برای نبوت از شما مزدی نمی خواهم و از متصنعان نیستم و این جز تذکری برای جهانیان نیست.» فرمود: او امیرالمؤمنین علیه السلام است. «و پس از مدتی خبر او را خواهند دانست.» فرمود: هنگام خروج حضرت قائم علیه السلام است.

پس منظور از آیه «إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ»، امیرالمؤمنین علیه السلام است و منظور از آیه «وَلَتَعْلَمُنَّ نَبَأَهُ بَعْدَ حِينٍ» خبری است که پس از مدتی شنیده خواهد شد.» هنگام خروج قائم آل محمد (عج) است.

آیه یکصد و هفتاد و هفتم

● اهل بیت علیهم السلام و در حال حاضر امام زمان (عج) ... دانایانند و شیعیان صاحبان خردند.

خداوند در سوره زمر آیه ۹، می فرماید:

﴿قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُوا الْأَلْبَابِ﴾

بگو آیا کسانی که عالمند و دانشمند و آگاهند با کسانی که جاهل و نادان و بی خبرند، مساوی و یکسانند؟ (اما) تنها «اولوالالباب» و صاحبان خرد و دانشمندان و روشنفکران هستند که می دانند (که آنها یکسان نیستند).

(۱) حاکم حسکانی حنفی در کتاب شواهد التنزیل (آیه ۱۳۸) ذیل حدیث ۸۰۵، آورده است:

خبر داد ما را ابوبکر حارثی...، خبر داد ما را ابویعقوب جعفی، از جابر، از ابی جعفر علیه السلام درباره فرموده خداوند متعال: ﴿قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُوا الْأَلْبَابِ﴾، فرمودند: ﴿الَّذِينَ يَعْلَمُونَ﴾ «کسانی که می دانند» ما (اهل بیت علیهم السلام) هستیم؛ ﴿وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ﴾ «کسانی که نمی دانند دشمنان ما (اهل بیت علیهم السلام) هستند و ﴿أُولُوا الْأَلْبَابِ﴾ «صاحبان خرد و روشنفکران» شیعیان ما هستند (که تشخیص می دهند ما با دشمنانمان برابر نیستیم).

(۲) باز حاکم حسکانی حنفی در کتاب شواهد التنزیل ذیل حدیث ۸۰۶، آورده است:

خبر داد ما را سعید از ابی سعید بلخی، از پدرش، از مقاتل، از ضحاک، از ابن عباس درباره فرموده خداوند متعال: ﴿قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُوا الْأَلْبَابِ﴾، در این آیه ﴿الَّذِينَ يَعْلَمُونَ﴾ «کسانی که می دانند» امیرالمؤمنین

علی علیه السلام و اهل بیتش علیهم السلام از ابی هاشم هستند؛ «وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ» «کسانی که نمی دانند» دشمنان ما هستند و «أُولُوا الْأَلْبَابِ» «روشنفکران و صاحبان تشخیص» شیعیان ما (اهل بیت علیهم السلام) هستند.

(۳) در تفسیر برهان مجلد ۴ صفحه ۶۹ حدیث ۳ و کتاب بصائر الدرجات صفحه ۷۴، آمده است:

و عنه، عن علی بن ابراهیم، عن ابيه، عن عبد الله بن المغيرة، عن عبد المؤمن بن القاسم الانصاری، عن سعد، عن جابر، عن ابی جعفر علیه السلام فی قول الله عزوجل: «قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُوا الْأَلْبَابِ» قال ابو جعفر علیه السلام انما نحن الذين يعلمون و الذين لا يعلمون عدونا و شيعتنا اولو الالباب.

در تفسیر قمی، علی بن ابراهیم از پدرش و او نقل می کند از عبد الله بن مغیره و او نقل می کند از قاسم الانصاری و او نقل می کند از سعد و او روایت می کند از جابر و او نقل می کند از امام محمد باقر علیه السلام درباره این فرموده خداوند «بگو آیا کسانی که عالمند با آن ها که نادان و جاهلند مساویند؟ تنها اولوالالباب هستند که می دانند (که آن ها یکسان نیستند).» حضرت فرمودند: به تحقیق کسانی که می دانند ما ایم و کسانی که نمی دانند دشمنان ما هستند و اولوالالباب شیعیان ما می باشند.

(۴) در تفسیر برهان مجلد ۴ صفحه ۶۹ حدیث ۴، آمده است:

و عنه، عن عدة من اصحابنا، عن احمد بن محمد، عن الحسين بن سعيد، عن النضر بن سويد، عن جابر، عن ابی جعفر علیه السلام فی قوله عزوجل: «قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُوا الْأَلْبَابِ» قال: نحن الذين يعلمون و عدونا الذين لا يعلمون و شيعتنا اولو الالباب.

باز در این حدیث عده ای از اصحاب نقل می کنند از احمد بن محمد... و جابر روایت می کند از امام محمد باقر علیه السلام در مورد این فرموده خداوند «قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُوا الْأَلْبَابِ» حضرت فرمودند: ما اهل بیت علیهم السلام دانایان هستیم و دشمنان ما نادانانند و شیعیان ما صاحبان خرد و

اولوالالباب هستند.

(۵) در تفسیر برهان مجلد ۴ صفحه ۷۰ حدیث ۱۲، به نقل از تفسیر قمی، آمده است:

احمد بن محمد بن خالد ابرقی، عن ایبه، عن من ذکره، عن ابی علی حسان العجلی، قال ی سأل رجل اباعده الله ﷺ وانا جالس عن قول الله عزوجل: ﴿قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُوا الْأَلْبَابِ﴾ قال: نحن الذين يعلمون و عدونا الذين لا يعلمون و شيعتنا اولوالالباب.

باز در این حدیث، علی بن حسان العجلی می گوید: از امام صادق ﷺ درباره این آیه: ﴿قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ...﴾ سؤال کردم، حضرت فرمودند: ما (اهل بیت ﷺ) دانایان و عالمان هستیم و دشمنان ما نادانان هستند و شیعیان ما اولوالالباب هستند.

(۶) در تفسیر برهان مجلد ۴ صفحه ۷۰ حدیث ۱۳، به نقل از تفسیر قمی، آمده است:

عنه، عن ابن فضال، عن علی بن عقبه، عن ابن خالد، قال: دخلت انا و معلی بن خنیس علی ابی عبدالله ﷺ و لیس هو فی مجلسه فخرج علینا من جانب البیت من عند سنائه و لیس علیه جلباب فلما نظر الینا رحب فقال: مرحبا بکما واهلا ثم جلس و قال: انتم اولوالالباب فی کتاب الله قال الله تبارک و تعالی: ﴿إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُوا الْأَلْبَابِ﴾.

از ابن فضال، از علی بن عقبه، از ابن خالد گفت: من و معلی بن خنیس بر امام صادق ﷺ وارد شدیم، ولی حضرت در مجلس حضور نداشتند. سپس، آن بزرگوار از داخل خانه، نزد همسرشان داخل شدند در حالی که لباس ساده‌ای بر تن داشتند، وقتی چشمشان به ما افتاد به ما خوش آمد گفتند. بعد نشستند و فرمودند: شما هستید اولوالالباب در کتاب خدا چنانکه می فرماید: ﴿إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُوا الْأَلْبَابِ﴾.

آیه یکصد و هفتاد و هشتم

● خداوند به شیعیان بشارت ظهور را می دهد.

خداوند در سوره زمر آیه ۱۷، می فرماید:

﴿وَالَّذِينَ اجْتَنَّبُوا الطَّاغُوتَ أَنْ يَعْبُدُوهَا وَأَنَابُوا إِلَى اللَّهِ لَهُمُ الْبُشْرَىٰ
فَبَشِّرْ عِبَادِ﴾

و کسانی که از طاغوت پرهیز کرده اند از اینکه بپرستندش و به سوی خداوند بازگشته اند، بشارت [بهشت] ایشان راست؛ پس بندگانم را بشارت ده.

(۱) در تفسیر برهان مجلد ۴ صفحه ۷۲ حدیث ۳، آمده است:

عنه، عن محمد بن یحیی، عن احمد بن محمد، عن الحسن، عن سعید، عن حماد بن عیسی، عن الحسین بن المختاد، عن ابی بصیر، عن ابی عبد الله علیه السلام کل رایة ترفع قبل قیام القائم علیه السلام فصاحبها طاغوت یعبد من دون الله عزوجل.

از امام صادق علیه السلام که فرمودند: قبل از قائم علیه السلام هر پرچمی برافراشته شود (هر قیامی که انجام گیرد) پس صاحب آن طاغوتی است که غیر خدا را عبادت می کند.

(۲) در اصول کافی مجلد ۲ صفحه ۳۰۶، کتاب الحجة حدیث ۱۱۶۲ و تفسیر برهان مجلد ۴ صفحه ۷۲، آمده است:

عَدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ أَبِي نَصْرٍ، عَنْ حَمَادِ بْنِ عَثْمَانَ، عَنْ أَبِي عُبَيْدَةَ الْحَدَّاءِ، قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ علیه السلام عَنِ اسْتِطَاعَةِ وَقَوْلِ النَّاسِ فَقَالَ وَتَلَا هَذِهِ الْآيَةَ: ﴿وَلَا يَزَالُونَ مُخْتَلِفِينَ ۝ إِلَّا مَنْ رَحِمَ رَبُّكَ وَلِذَلِكَ خَلَقَهُمْ﴾، يَا أَبَا عُبَيْدَةَ، النَّاسُ مُخْتَلِفُونَ فِي إِصَابَةِ الْقَوْلِ وَكُلُّهُمْ هَالِكٌ، قَالَ: قُلْتُ: قَوْلُهُ: ﴿إِلَّا مَنْ رَحِمَ رَبُّكَ﴾؟ قَالَ: هُمْ شِيعَتُنَا وَرَحْمَةُ خَلْقِهِمْ وَقَوْلُهُ: ﴿وَلِذَلِكَ خَلَقَهُمْ﴾ يَقُولُ: لَطَاعَةَ الْإِمَامِ، الرَّحْمَةُ الَّتِي يَقُولُ: ﴿وَرَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ﴾ يَقُولُ: عِلْمُ الْإِمَامِ وَوَسِعَ عِلْمُهُ الَّذِي هُوَ مِنْ عِلْمِهِ كُلُّ شَيْءٍ هُمْ شِيعَتُنَا، ثُمَّ قَالَ: ﴿فَسَاكُنْتُمْهَا لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ﴾؛ يَعْنِي، وَوَلَايَةَ غَيْرِ الْإِمَامِ وَطَاعَةَ، ثُمَّ قَالَ:

يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ؛ یعنی، النبی ﷺ و الوصی و القائم (بامرهم بالمعروف (إذ اقام) و ينهاهم عن المنكر) والمنكر من أنكر من فضل الامام و جرده «وَ يُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ» أخذ العلم من أهله «وَ يُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ» الخبائث قول من خالف «وَ يَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ» و هي الذنوب التي كانوا فيها قبل معرفتهم فضل الامام «وَ الْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ» و الأغلال ما كانوا يقولون ممّا لم يكونوا أمروا به من ترك فضل الامام، فلما عرفوا فضل الامام وضع عنهم إصْرهم و الاصر الذنب و هي الاصر، ثم نسبهم. فقال: «فَالَّذِينَ آمَنُوا» «يعنى بالامام» بِهِ وَ عَزَّرُوهُ وَ نَصَرُوهُ وَ اتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أَنْزَلَ مَعَهُ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» يعنى الذين إجتنبوا الجبت و الطاغوت أن يعبدوها و الجبت و الطاغوت فلان و فلان و فلان و العباداة طاعة الناس لهم، ثم قال: «وَ أَنْيَبُوا إِلَيَّ رَبِّكُمْ وَ اسْلِمُوا لَهُ» ثم جازاهم، فقال: لَهُمُ الْبُشْرَى فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ فِي الْآخِرَةِ». و الامام يبشرهم بقيام القائم و بظهوره و بقتل أعدائهم و بالنجاة فى الآخرة و الورود على محمد ﷺ و آله صل الله عليه الصادقين على الحوض.

ابوعبيده الحذاء گوید: از امام باقر عليه السلام راجع به استطاعت و گفتار مردم درباره آن پرسیدم، حضرت این آیه را تلاوت نمود: «مردم پیوسته مختلف خواهند بود (از لحاظ عقیده)، هر آنکه را پروردگارت ترحم کند (و به راه حق هدایتش فرماید) و ایشان را برای ترحم آفریده» (سوره هود آیات ۱۱۸-۱۱۹) و فرمود: ای ابوعبيده، مردم در رسیدن به قول حق مختلفند و همگی در هلاکند (حق را کنار گذاشته و از باطلها پیروی می کنند). من عرض کردم: خدا می فرماید: «جز کسی را که پروردگارت ترحم کند.» فرمود: آنها شیعیان ما هستند و خدا آنها را برای رحمتش آفریده، از این رو فرمود: «ایشان را برای ترحم آفریده» یعنی برای اطاعت امام آفریده و امام همان رحمتی است که خدا می فرماید: «رحمت من همه چیز را فرا گرفته» (سوره اعراف آیه ۱۵۶) آن رحمت علم امام است و علم امام که مأخوذ از علم خداست همه چیز را فرا گرفته، آنها شیعیان ما هستند (که علم امام آنها را فرا گرفته و دیگران چون از علم امام بهره نمی برند، آنها را فرا نمی گیرد.) سپس خدای تعالی فرماید: «رحمت خدا را

برای کسانی که پرهیز کنند مقرر می‌دارد» یعنی از ولایت و طاعت غیر امام پرهیز کنند، سپس فرماید: «او را نزد خود در تورات و انجیل نوشته می‌یابند.» مقصود از او، پیغمبر و وصیش و امام قائم است که ایشان را امر به معروف می‌کنند (زمانی که قیام فرماید) و از منکر بازشان می‌دارند و منکر کسی که فضیلت امام را نپذیرد و منکر شود «و چیزهای پاکیزه را برای ایشان حلال می‌کند» چیز پاکیزه، به دست آوردن علم از اهلش است. «و پلیدی‌ها، را برایشان حرام می‌کند» پلیدی‌ها گفتار مخالفین است «و بار سنگین را از گردنشان بنهد» و آن گناہانی است که پیش از شناختن فضیلت امام، در میانش بودند «و بند و زنجیرهایی که بر دوش داشتند» و زنجیرها همان سخنانی است که درباره ترک فضیلت امام می‌گفتند، در صورتی که به آن دستور نداشتند، پس چون فضیلت امام را شناختند، بار گران را از دوشان بنهد و بار گران همان گناہست.

پس خدای تعالی آن‌ها را معرفی کرده و فرموده است: «کسانی که به او (یعنی به امام) ایمان آورده و گرامیش داشته و یاریش کرده‌اند و از نوری که همراه او نازل شده پیروی کرده‌اند ایشان رستگارانند» (سوره اعراف آیه ۱۵۷) یعنی کسانی که از پرستش جبت و طاغوت دوری گزیدند و جبت و طاغوت فلان و فلان و فلان است و پرستش اطاعت امام است از ایشان.

باز خدا فرماید: «به سوی پروردگار خود بازگردید و تسلیم او شوید.» (سوره زمر، آیه ۵۴). پس ایشان را پاداش داده و فرموده: «و بشارت در زندگی دنیا و آخرت برای آن‌هاست.» سوره یونس، آیه ۶۴. و امام ایشان را به قیام و ظهور حضرت قائم و به کشته شدن دشمنانشان و نجات در آخرت و ورود بر محمد ﷺ الصادقین بشارت دهد.

آیه یکصد و هفتاد و نهم

● ائمه طاهرین و امام زمان علیه السلام رحمت خداوند هستند.

خداوند در سوره زمر آیه ۵۳، می فرماید:

﴿قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ﴾

بگو ای بندگان من که درباره خویش زیاده روی کرده اید (و اسراف نمودید)، بر نفس های خودتان از رحمت خداوند ناامید نشوید که خداوند همه گناهان را می بخشد، او آمرزنده و بخشنده و رحیم و مهربان است.

(۱) در تفسیر برهان مجلد ۴ صفحه ۷۸ حدیث ۲، آمده است:

ابن بابویه قال: حدثنا ابي قال: حدثنا محمد بن يحيى العطار، عن الحسين بن اسحق التاجر، عن علي بن مهزيار، عن الحسين بن سعيد، عن محمد بن الفضيل، عن الثمالي، عن ابي جعفر عليه السلام قال: لا يعذر احد يوم القيامة بان يقول يا رب لم اعلم ان ولد فاطمة هم الولاية و في ولد فاطمة انزل الله هذه الآية الخاصة: ﴿قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ﴾

ابن بابویه قمی رضی الله عنه نقل می کند...، از محمد بن الفضیل و ایشان نقل می کند، از ثمالی و ایشان از امام محمد باقر علیه السلام روایت می کند که آن حضرت فرمودند: هیچ کس فردای قیامت عذر و بهانه ای ندارد که بگوید من نمی دانستم که ولیای امر و امامان و حاکمان جامعه از فرزندان فاطمه علیها السلام بوده اند و این آیه شریفه مخصوص در حق آنها نازل شده است: «ای بندگان من که درباره خودتان زیاده روی کرده اید از رحمت خداوند ناامید نگردید که خداوند همه گناهان را می بخشد که او آمرزنده و بخشنده و رحیم و مهربان است.»

(۲) در تفسیر برهان مجلد ۴ صفحه ۷۸ حدیث ۳، آمده است:

علی بن ابراهیم قال: نزلت فی شیعة امیر المؤمنین علیه السلام ثم قال: حدثنا جعفر بن محمد، قال: حدثنی عبدالکریم، عن محمد بن علی، عن محمد بن الفضیل، عن ابی حمزة قال: قال ابو جعفر علیه السلام: لا یعذر الله یوم القیامة احداً یقول لم اعلم ان ولد فاطمة هم الولاة علی الناس كافة و فی شیعة ولد فاطمة علیها السلام انزل الله هذه الآیة خاصة: ﴿قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ﴾.

محمد بن فضیل از ابی حمزه نقل می کند که امام باقر علیه السلام فرمود: هیچ کس فردای قیامت عذر و بهانه ای ندارد که بگوید من نمی دانستم که رهبران جامعه و انسان ها به طور کلی از فرزندان فاطمه الزهرا علیها السلام بوده اند.

خداوند این آیه شریفه را مخصوصاً در حق شیعیان فرزندان زهرا علیها السلام نازل فرموده: ﴿يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ...﴾.

(۳) در تفسیر برهان مجلد ۴ صفحه ۷۸ حدیث ۴، آمده است:

محمد بن العباس، قال حدثنا احمد بن ادريس، عن احمد بن محمد بن عيسى، عن الحسين بن سعيد، عن ابن فضال، عن محمد بن فضیل، عن ابی حمزة الثمالی، عن ابی جعفر علیه السلام قال: قال ابو جعفر: لا یعذر الله احدا یوم القیامة بان یقول یا رب لم اعلم بان ولد فاطمة هم الولاة و فی ولد فاطمة علیها السلام انزلت هذه الآیة خاصة: ﴿قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعاً إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ﴾.

محمد بن العباس نقل می کند...، از ابی حمزه ثمالی و او نقل می کند، از امام محمد باقر علیه السلام که حضرت فرمودند: هیچ عذر و بهانه ای در روز قیامت برای کسی نمی ماند که بگوید پروردگارا من نمی دانستم که فرزندان فاطمه علیها السلام اولی الامر و حاکمان جامعه بودند، زیرا این آیه مخصوص آنها نازل شده است: ﴿قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعاً إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ﴾.

(۴) در تفسیر برهان مجلد ۴ صفحه ۷۸ حدیث ۵ و کتاب اختصاص صفحه ۱۰۶ آمده است.

ابن بابویه فی حدیث، عن محمد بن الحسن الصفار، عن عباد بن سلیمان، عن محمد بن سلیمان الدیلمی، عن ابيه، قال: كنت عند ابي عبد الله عليه السلام اذ دخل عليه ابوبصير. فقال الامام: يا ابابصير، لقد ذكركم الله عزوجل في كتابه بقول: ﴿قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ﴾ و الله ما اراد بذلك غيركم يا ابامحمد فهل سررتك؟ قال: نعم.

ابن بابویه در ضمن حدیثی از محمد بن حسن صفار، از عباد بن سلیمان، از محمد بن سلیمان دیلمی، از پدرش روایت می کند که گفت: من نزد امام صادق عليه السلام بودم که ابوبصیر بر آن حضرت وارد شد. امام فرمودند: ای ابابصیر خداوند در کتاب خود از شما یاد کرده و می فرماید: ﴿قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ﴾ سوگند به خدا که غیر شما را اراده نکرده. سپس فرمود: آیا خوشحالت کردم؟ عرض کرد: آری.

آیه یکصد و هشتادم

● رسول خدا ﷺ و امیرالمؤمنین علیؑ و ائمه طاهرین علیهم السلام فی جنب الله هستند.

خداوند در سوره زمر آیه ۵۶، می فرماید:

﴿أَنْ تَقُولَ نَفْسٌ يَا حَسْرَتَا عَلَىٰ مَا فَرَّطْتُ فِي جَنْبِ اللَّهِ وَإِنْ كُنْتُ لَمِنَ السَّاخِرِينَ﴾

شخصی می گوید: واحسرتا بر آنچه در جنب خداوند کوتاهی کردم و همانا من از مسخره کنندگان بودم.

(۱) در کتاب ینابیع المودة باب ۹۵ صفحه ۴۹۵، آمده است:

فی المناقب، عن ابی بصیر، عن جعفر الصادق قال: قال امیرالمؤمنین علیؑ فی خطبة: انا الهادی و انا المهتدی و انا ابوالیتامی و المساکین و زوج الارامل و انا ملجأ کل ضعیف و مأمن کل خائف و انا قائد المؤمنین الی الجنة و انا حبل الله المتین و انا عروة الوثقی و کلمة التقوی و انا عین الله و باب الله و لسان الله صادق و انا جنب الله الذی یقول تعالیٰ فیہ: ﴿أَنْ تَقُولَ نَفْسٌ يَا حَسْرَتَا عَلَىٰ مَا فَرَّطْتُ فِي جَنْبِ اللَّهِ﴾ و انا ید الله المبسوطة علی عبادة بالرحمة و المغفرة و انا باب حطة، من عرفنی و عرف حقی فقد عرف ربه لانی و صی نبیه فی ارضی و حجة علی خلقه لاینکر هذا الاراد علی الله و رسوله.

در کتاب مناقب، از ابی بصیر و ایشان، از امام صادق علیهما السلام (و ایشان از اجداد طاهرینش) تا امیرالمؤمنین علیؑ نقل می کند که آن حضرت در ضمن خطبه ای فرمودند: منم هادی و منم مهتدی، و منم پدر یتیمان و مساکین و منم یاری کننده بیوه زنان و منم ملجأ و پناهگاه همه ضعیفان و منم مأمن و محل امن برای همه کسانی که (از ظالمان) ترسیده اند، و منم قائد و رهبر مؤمنان به سوی بهشت و منم «حبل الله المتین» و ریسمان محکم خداوند و منم کلمة تقوی و منم «عین الله» و منم «باب الله» و منم «لسان الله» صادق و منم «جنب الله» مذکور در قول خداوند، منم «یدالله» و دست مبسوط و

گسترده خداوند بر بندگانش (دست رحمت و مغفرت خداوند) و منم باب حطه و آمرزش او، هر کس مرا بشناسد و به حق من عرفان پیدا کند یقیناً رب خود را شناخته است، من وصی و جانشین پیامبر خدا ﷺ و حجت او بر روی زمین هستم، هر کس مرا انکار کند خداوند و رسولش را انکار کرده است.

(۲) باز در ینابیع الموده باب ۹۵ صفحه ۴۹۵، حافظ خواجه کلان قندوزی حنفی به سند خودش آورده است:

و عن علی بن سوید، عن موسی کاظم علیه السلام فی هذه الآیه قال: جنب الله، امیر المؤمنین علی علیه السلام و كذلك ما بعده من الاوصیاء بالمكان الرفیع الی ان ینتهی الامر الی آخر المهدی سلام الله علیهم.

حافظ شیخ سلیمان بن ابراهیم قندوزی حنفی، از علی بن سوید، و ایشان از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام روایت کرده است که در تفسیر آیه: ﴿أَنْ تَقُولَ نَفْسٌ يَا حَسْرَتَا عَلَىٰ مَا فَرَّطْتُ فِي جَنْبِ اللَّهِ﴾ فرمودند: جنب الله، امیر المؤمنین علی علیه السلام است و همچنین اوصیای و الامقام بعد از ایشان هستند تا آخر آنها که آخرین آنها حضرت مهدی (عج) است.

آیه یکصد و هشتاد و یکم

● در زمان قائم آل محمد علیه السلام زمین به نور ربّ روشن می‌شود.

خداوند در سوره زمر آیه ۶۹، می‌فرماید:

﴿وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا﴾

و زمین به نور پروردگار خودش روشنی یافت.

(۱) در کتاب ینابیع المودة صفحه ۴۴۸، حافظ خواجه کلان قندوزی حنفی، آورده

است:

و فيه عن الحسن بن خالد قال: قال: علي بن موسى الرضا عليه السلام لا دين لمن لا ورع له و ان اكرمكم عند الله اتقاكم اي اعملكم بالتقوى. ثم قال: ان الرابع من ولدي ابن سيدة الاماء يظهر الله به الارض من كل جور و ظلم و هو الذي يشك الناس في ولادته و هو صاحب الغيبة فاذا اخرج اشرفت الارض بنور ربها و وضع ميزان العدل بين الناس فلا يظلم احد احداً و هو الذي تطوى له الارض و لا يكون له ظل و هو الذي ينادى مناد من السماء يسمعه جميع اهل الارض الا ان حجة الله قد ظهر عند بيت الله فاتبعوه فان الحق فيه و معه و هو قول الله عزوجل: **إِنْ نَشَأْ نُنَزِّلْ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةً فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ**﴾.

خواجه کلان قندوزی نقل می‌کند، از کتاب فرائد السمطين (نوشته حافظ شیخ محمد بن ابراهیم جوینی الحموینی، (محدث و مفسر و فقیه شافعی) از حسن بن خالد گوید: علی بن موسی الرضا علیه السلام فرمود: آن‌کس که ورع ندارد دین ندارد، و گرامی‌ترین مردم نزد خداوند باتقواترین آن‌ها هستند، یعنی عمل‌کننده‌ترین شما به تقوی. بعد فرمود: فرزند چهارم از فرزندان من، پسر سیده زنهاى کنیزان، خداوند پاک کند به واسطه او زمین را از جور و ستم همان اوست که مردم در ولادتش شک می‌کنند، و همان است که دارای غیبت است و هنگامی که قیام می‌کند ﴿وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا﴾، «زمین روشن می‌شود به نور پروردگارش»، او در میان مردم میزان عدل را

قرار می دهد، احدی به دیگری ظلم و جور روا نمی دارد، و هم اوست که برای داشتن طی الارض، زمین (در زیر پاهای او) می پیچد، و برای او سایه نمی باشد و هم اوست که منادی از آسمان ندا می کند، و همه اهل زمین این ندا می شنوند که آگاه باشید، حجت خداوند ظاهر شده (و قیام نموده است. حرکت کنید) در نزد خانه خدا پیرو او باشید، به راستی حق در گفتار اوست و با اوست و این فرموده خداوند است در سوره شعراء آیه ۲: «اگر خواهیم فرستیم بر آنها از آسمان آیتی را پس می گردد گردن هاشان برای آن خضوع کنندگان».

(۲) ابو جعفر محمد بن جریر الطبری (المتوفی سنه ۳۱۰) در کتاب دلائل الامه صفحه ۲۶۰، آورده است:

قال أَخْبَرَنِي أَبُو الْحَسَنِ مُحَمَّدُ بْنُ هَارُونَ بْنِ مُوسَى، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو عَلِيٍّ مُحَمَّدُ بْنُ هَمَّامٍ قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَمِيرِيِّ قَالَ: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مَيْثَمٍ قَالَ: حَدَّثَنَا سَلِيمَانُ بْنُ صَالِحٍ قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو الْهَيْثَمِ الْقَصَّابُ، عَنِ الْمَفْضَلِ بْنِ عَمْرِو الْجَعْفِيِّ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ: «إِنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا وَاسْتَغْنَى الْعِبَادُ عَنِ ضَوْءِ الشَّمْسِ وَصَارَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ وَاحِدًا (وَذَهَبَتِ الظُّلْمَةُ) وَعَاشَ الرَّجُلُ فِي زَمَانِهِ أَلْفَ سَنَةٍ يُوَلِّدُ لَهُ فِي كُلِّ سَنَةٍ غُلَامًا لَا يُوَلِّدُ لَهُ جَارِيَةٌ يَكْسُوهُ الثَّوْبُ فَيَطُولُ عَلَيْهِ كُلَّمَا طَالَ، وَيَكُونُ (يَسْتَلُونَ) عَلَيْهِ أَيُّ لَوْنٍ شَاءَ».

ابو جعفر محمد بن جریر طبری گوید خبر داد ابو الحسن محمد بن هارون... و خبر داد ابو عبدالله بن جعفر حمیری...، از مفضل بن عمر جعفری حدیث آورد که گفت: شنیدم حضرت ابی عبدالله جعفر بن محمد الصادق عليه السلام فرمودند: همانا هرگاه قائم ما به پاخیزد زمین به نور پروردگارش روشنی یابد، «إِنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا» و مردم از روشنایی خورشید بی نیاز گردند، و شب و روز یکی خواهد شد و تاریکی از میان خواهد رفت و مردم در زمان او عمرشان طولانی شود و هزار سال عمر خواهند کرد هر سال برایش یک پسر متولد می شود و دختر متولد نمی گردد، جامه ای به قامت

خودش بر او پوشیده می شود که هر چه قدش بلندتر می گردد لباس هم بزرگتر می شود و به هر رنگی که بخواهد.

(۳) در کتاب تفسیر قمی مجلد ۲ صفحه ۲۵۳، آمده است:

علی بن ابراهیم قال: حدّثنا محمد بن ابی عبدالله قال: حدّثنا جعفر بن محمد قال: حدّثنا القاسم بن الرّبیع قال: حدّثنا صباح المدائنی قال: حدّثنا المفضل بن عمر، انه سمع ابا عبدالله علیه السلام يقول فی قوله: ﴿وَ أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا﴾ قال: ربّ الارض یعنی امام الارض، قلت: فاذا خَرَجَ یكون ماذا؟ قال: اذا یستغنی الناس عن ضوئِ الشّمس و نور القمر و یجزون بنور الامام.

علی بن ابراهیم گوید: حدیثمان داد محمد بن ابی عبدالله گفت: حدیثمان داد جعفر بن محمد، وی گفت: حدیثمان داد قاسم بن ربیع گفت: حدیثمان گفت: صباح مدائنی گفت: حدیثمان داد مفضل بن عمر اینکه از حضرت ابی عبدالله امام صادق علیه السلام شنیده که درباره فرموده خداوند «و زمین به نور پروردگارش روشنی یافت.» می فرمود: پروردگار زمین یعنی امام زمین عرض کردم: هرگاه ظهور کند چه شود؟ فرمود: در آن صورت مردم از نور آفتاب و نور ماه بی نیاز می شوند و به نور امام اکتفا می کنند.

آیه یکصد و هشتاد و دوم

● ملائکه خادمان محبین اهل بیت علیهم السلام و محبین امام زمان (عج) هستند.

خداوند در سوره غاف آیه ۷، می فرماید:

﴿الَّذِينَ يَحْمِلُونَ الْعَرْشَ وَمَنْ حَوْلَهُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيُؤْمِنُونَ بِهِ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِينَ آمَنُوا﴾

یعنی آنان که عرش خداوند را حمل می کنند، و کسانی که در حول و اطراف آن هستند، تسبیح می کنند پروردگارشان را به حمد خودش، و به او ایمان دارند و برای آنان که ایمان آورده اند استغفار می کنند.

(۱) در کتاب ینابیع الموده باب ۹۳ صفحه ۴۸۵، به نقل از صاحب مناقب، آورده

است:

... حدثنا عبد السلام بن صالح الهرودي، عن علي بن موسى الرضا، عن ابيه، عن ابائه، عن علي بن ابي طالب عليه السلام قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله ما خلق الله خلقاً افضل مني ولا اكرم عليه مني... يا علي، ان الله تبارك و تعالی افضل انبيائه المرسلين على الملائكة المقربين و فضلني على جميع النبيين والمرسلين الفضل بعدى لك. يا علي، و للائمة من ولدك من بعدك فان الملائكة من خدامنا و خدام محبينا. يا علي، ﴿الَّذِينَ يَحْمِلُونَ الْعَرْشَ وَمَنْ حَوْلَهُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِينَ آمَنُوا﴾ بولايتنا. يا علي، لولا نحن ما خلق الله آدم و لاحوا و لالجنة و لالنار و لالسماء و لالارض فكيف لانكون افضل من الملائكة.

حضرت علي بن موسى الرضا عليه السلام روايت می کند از پدرش و ایشان، از آبا طيبين و طاهرينش و سرانجام از اميرالمؤمنين علي عليه السلام که رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمودند: خداوند هيچ مخلوقی را برتر از من و بزرگوارتر از من خلق نکرده است،... ای علي عليه السلام خداوند

تبارک تعالی انبیا مرسلین را بر ملائکه مقربین (نظیر جبرائیل، میکائیل و اسرافیل) فضیلت و برتری داد و مرا بر تمام انبیا و مرسلین و برتری داد و برتری و فضل بعد از من برای تو است. ای علی علیه السلام و برای امامان از فرزندان تو که بعد از تو خواهند آمد. ای علی علیه السلام ملائکه از خدمتگزاران ما و دوستداران ما هستند، ای علی علیه السلام، همان ملائکه ای که حاملان عرش خداوند می باشند و آن ملائکه ای که اطراف عرش قرار دارند، آن ها پروردگارشان را تسبیح می گویند و تحمید می کنند و آن ها طلب مغفرت می کنند برای کسانی که به ولایت ما ایمان آورده اند. ای علی علیه السلام، اگر ما نبودیم خداوند نه آدم، نه حوا، نه بهشت، نه جهنم، نه آسمان و نه زمین را خلق نمی فرمودند، چگونه ما از فرشتگان برتر نباشیم.

وانه لما عرج لی الی السماء... فنودیت یا محمد، اوصیائک المکتوبون علی سراق عرشی فنظرت فرأیت اثنی عشر نوراً و فی کل نور سطراً اخضر علیه اسم وصی من اوصیائی اولهم علی و آخرهم القائم المهدي فقلت یا رب هولاء اوصیائی من بعدی فنودیت یا محمد، هولاء اولیائی و احبائی و اصفائی و حججی بعدک علی بریتی و هم اوصیائک و عزتی و جلالی لاطهرن الارض بآخرهم المهدي من الظلم و لاملکنه مشارق الارض و مغاربها و لاسخرن له الرياح و لاذللن له السحاب الصعاب و لارقینه فی الاسباب و لانهرنه بجندی و لامدنه بملائکتی حتی تعلقو دعوتی و یجمع الخلق علی توحیدی ثم لادیمن ملکه و لاداولن الایام بین اولیائی الی یوم القیامه.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: هنگامی که مرا برای معراج سیر دادند... عرض کردم: خدایا اوصیای من چه کسانی هستند؟ ندا از طرف ذات اقدس الهی رسید: اوصیای تو آن ها هستند که در سراق عرش من نوشته شدند پس نگاه کردم دوازده نور دیدم و در هر نوری سطری سبز بر آن نام و صیبی از اوصیای من اول ایشان علی علیه السلام و آخر آن ها قائم مهدی (عج) نوشته شده؛ عرضه داشتم پروردگار من، ایشان اوصیای من بعد از من هستند، ندا رسید ای محمد، ایشان اولیای منند و اصفیا و حجج من بعد از تو بر خلقم

هستند جانشینان و اوصیای ایشانند؛ به عزت و جلالم البته زمین را با آخر ایشان مهدی (عج) از ظلم و ستم پاک گردانم و او را مالک مشارق و مغارب گردانم و باد را مسخر سازم، ابرهای سخت و سنگین را ذلیل او گردانم و برای او بالاترین اسباب را آماده سازم و او را با لشکر خودم نصرت دهم و به او توسط ملائکه کمک می دهم تا آنکه دعوت مرا به جمیع خلق بر توحید من بلند گرداند سپس قدرت و ملک و پادشاهی را به او ارائه می دهم که مدت زمان زیادی این حکومت برای اولیای من تا روز قیامت ادامه دارد.

(۲) در تفسیر برهان مجلد ۴ صفحه ۹۱ حدیث ۵، آمده است:

ابن بابویه قال: حدثنا الحسين بن محمد بن سعيد الهاشمي الكوفي، بالكوفة سنة اربع و خمسين و ثلث مائة، قال: حدثني فرات بن ابراهيم بن فرات الكوفي، قال: حدثنا احمد بن محمد بن علي الهمداني، قال حدثنا ابو الفضيل العباس بن عبد الله البخاري، قال: حدثنا محمد بن القاسم بن ابراهيم بن محمد، عن عبد الله بن القاسم بن محمد بن ابي بكر، قال: حدثنا عبد السلام بن صالح الهروي، عن علي بن موسى الرضا عليه السلام، عن ابيه، عن ابائه، عن علي بن ابي طالب عليه السلام قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: يا علي، «الَّذِينَ يَحْمِلُونَ الْعَرْشَ وَمَنْ حَوْلَهُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيُؤْمِنُونَ بِهِ وَ يَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِينَ آمَنُوا» بولايتنا.

ابن بابویه از حسین بن محمد بن سعید الهاشمی الكوفی...، از عبد السلام بن صالح الهروی و ایشان روایت می کند، از علی بن موسی الرضا عليه السلام و ایشان، از پدرش، از اجدادش امیرالمؤمنین علی عليه السلام و ایشان روایت می کنند، از رسول خدا صلى الله عليه وآله که آن حضرت فرمودند: ای علی عليه السلام «کسانی که عرش خداوند را حمل می کنند و کسانی که دور عرش خداوند می گردند تسبیح می گویند و حمد ریشان را بجای می آورند و استغفار می کنند» برای کسانی که به ولایت ما ایمان آورند.

(۳) در تفسیر برهان مجلد ۴ صفحه ۹۲ حدیث ۱۱، آمده است:

علی بن ابراهیم، قال: حدثني ابي، عن القاسم بن محمد، عن سليمان بن داود المنقري، عن

حماد، عن ابی عبد الله علیه السلام. انه سئل عن الملائكة اكثر ام بنوادم فقال: و الذي نفسی بیده لعدد الملائكة فی السموات اكثر من عدد التراب فی الارض و ما فی السماء موضع قدم الا و فیها ملك یسبحه و یقدسہ و لا فی الارض شجرة و لا مدرة الا و فیها ملك موکل بها یتاتی الله کل یوم بعلمها و الله اعلم بها و ما منهم احد الا و یتقرب کل یوم الی الله بولایتنا اهل البیت و یتغفر لمحبیننا و یلعن اعدائنا و یسئل الله ان یرسل علیهم العذاب ارسالا.

علی بن ابراهیم قمی از پدرش و ایشان، از قسم بن محمد و ایشان از سلیمان بن داود المنقری، از حماد و بالاخره از امام صادق علیه السلام نقل می کند. می گوید: از حضرت سؤال کردم که ملائکه بیشتر هستند یا فرزندان آدم علیه السلام؟ حضرت فرمودند: به آن خدایی که جانم در دست قدرت اوست عدد ملائکه ای که در آسمان هستند بیشتر از عدد (ذرات) خاک روی کره زمین است و در آسمان موضع و محلی نیست مگر آن که در آنجا فرشته ای است که می گوید: «سبحان الله» و «سبحوٰ قدوس» و بر روی کره زمین درختی نیست مگر اینکه بر آنها یک فرشته موکل است، خداوند در هر روز به علم آنها می افزاید، و به آنها عالم است، و در آنها یکی نیست مگر اینکه هر روز به خداوند به وسیله ولایت ما اهل بیت علیهم السلام تقرب می جوید و برای دوستان و محبین ما استغفار می کند و برای اعدا و دشمنان ما لعنت می فرستد و از خداوند می خواهد که عذابش را بر آنها ارسال کند.

آیه یکصد و هشتاد و سوم

● قبل از قیام امام زمان (عج) عده‌ای مسخ می‌شوند.

خداوند در سوره فصلت آیه ۱۶، می‌فرماید:

﴿لِنُذِيقَهُمْ عَذَابَ الْخِزْيِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا﴾

که به آنان عذاب رسواگر را در زندگانی دنیا بچشانیم.

* در تفسیر برهان مجلد ۴ صفحه ۱۰۷ و تفسیر علی بن ابراهیم قمی باب ۱۴

حدیث ۴۱ صفحه ۲۶۹، آمده است:

محمد بن ابراهیم النعمانی، قال: اخبرنا احمد بن محمد بن ابی سعید، قال: حدثني علي بن الحسن الديلمي، عن علي بن مهران، عن لقمان بن عيسى، عن الحسين بن مختار، عن ابی بصیر، قال: قلت لابی عبدالله عليه السلام قوله عزوجل: ﴿عَذَابَ الْخِزْيِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا﴾ ما هو؟ فقال: وای خزی اخزی یا ابابصیر من ان يكون الرجل في بيته و حجسته علی خوانه و سط عیاله ان شق اهله الجيوب عليه و صرخوا. فيقول الناس ما هذا؟ فيقال: مسخ فلان ساعة. فقلت: قبل القائم او بعده؟ قال: لا، بل قبله.

حدیث کرد ما را احمد بن محمد بن سعید، او گفت: حدیث کرد ما را علی بن حسن دیلمی، از علی بن مهزیار و او از حماد بن عیسی و او از حسین بن مختار و او از ابی بصیر که گفت: به ابی عبدالله امام صادق عليه السلام عرض کردم خدای عزوجل که می‌فرماید: ﴿عَذَابَ الْخِزْيِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا﴾ عذابی که در دنیا خواری آورد، چیست؟ فرمود: ای ابابصیر، کدام خواری بیشتر از این است که مرد در خانه و اتاق خود و در کنار برادران و در میان اهل و عیال خود نشسته باشد که ناگهان اهل و عیالش گریبان‌ها چاک کنند و فریاد برآرند و مردم بگویند: چه شده است؟ گفته شود: که فلان کس در همین ساعت مسخ شد. عرض کردم: پیش از قیام قائم عليه السلام یا پس از قیام؟ فرمود: نه، بلکه پیش از قیام.

آیه یکصد و هشتاد و چهارم

● شیعیانی که به وظایف خود عمل نکنند به شمشیر امام زمان (عج) عذاب می‌شوند.

خداوند در سوره فصلت آیه ۱۷، می‌فرماید:

﴿وَأَمَّا ثَمُودُ فَهَدَيْنَاهُمْ فَاسْتَحَبُّوا الْعَمَىٰ عَلَى الْهُدَىٰ فَأَخَذَتْهُمُ صَاعِقَةٌ
الْعَذَابِ الْهُونِ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ﴾

و اما قوم ثمود را پس راهنمایی و هدایت کردیم، ولی آنان کوری را بر هدایت ترجیح دادند و گمراهی را برگزیدند.

* در کتاب تأویل الآيات الظاهرة صفحه ۸۰۴، آمده است:

شرف الدین النجفی قال: روی علی بن محمد، عن ابی جمیلة، عن الحلبي، و رواه [ایضاً] علی بن الحکم، عن ابان بن عثمان، عن الفضل بن العباس، عن ابی عبدالله عليه السلام قال: قوله ﴿كَذَّبَتْ ثَمُودُ بِطَغْوَاهَا﴾. قال ثمود رهط من الشيعة، فإن الله سبحانه يقول: ﴿وَأَمَّا ثَمُودُ فَهَدَيْنَاهُمْ فَاسْتَحَبُّوا الْعَمَىٰ عَلَى الْهُدَىٰ فَأَخَذَتْهُمُ صَاعِقَةٌ الْعَذَابِ الْهُونِ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ﴾ فهو السيف اذا قام القائم عليه السلام.

شرف الدین نجفی گوید: علی بن محمد، از ابو جمیلة، از حلبی روایت کرده، [و نیز] آن را علی بن الحکم، از ابان بن عثمان، از فضل بن العباس، از حضرت ابی عبدالله عليه السلام صادق عليه السلام روایت کرده که آن حضرت فرمودند: قول خداوند: «قوم ثمود از روی سرکشی [حقایق وحی را] تکذیب کردند» فرمود: ثمود گروهی از شیعه است که خداوند سبحانه می‌فرماید: «و اما قوم ثمود را هدایت کردیم پس آنان کوری و گمراهی را بر هدایت برگزیدند پس صاعقه، عذاب خواری آنان را گرفت» و این عقوبت شمشیر است هرگاه حضرت قائم عليه السلام به پاخیزد.

آیه یکصد و هشتاد و پنجم

● مسلمانان واقعی در مسیر الله در ولایت ثابت قدمند.

خداوند در سوره فصلت (سجده) آیه ۳۰، می فرماید:

﴿إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنتُمْ تُوعَدُونَ﴾

آنان که گفتند محققاً پروردگار ما خدا (یکتا) است و بر این ایمان پایدار ماندند فرشتگان (رحمت) بر آن‌ها نازل شوند که دیگر هیچ ترسی و حزنی و اندوهی نداشته باشید و شما را به همان بهشتی که وعده دادند بشارت باد.

* در کتاب اصول کافی مجلد ۱ صفحه ۳۲۰ حدیث شماره ۲، آمده است:

الحسین بن محمد، عن معلى بن محمد، عن محمد بن جمهور، عن فضالة بن أيوب، عن الحسين بن عثمان، عن أبي أيوب، عن محمد بن مسلم قال: سألت أبا عبد الله عليه السلام عن قول الله عز وجل: ﴿إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا﴾ فقال أبو عبد الله عليه السلام: استقاموا على الأئمة واحداً بعد واحد ﴿تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنتُمْ تُوعَدُونَ﴾.

محمد بن مسلم گوید: از امام صادق عليه السلام درباره قول خدای عزوجل پرسیدم «کسانی که گفتند: پروردگار ما خداست و سپس استوار شدند» فرمود: یعنی بر امامان یکی پس از دیگری استوار بماندند فرشتگان برایشان نازل شوند که بیم مدارید و اندوهگین مباشید و به بهشتی که به آن وعده می یافتید، شادمان باشید.

پس آن‌ها که بگویند:

﴿رَبُّنَا اللَّهُ﴾ خداوند پروردگار ماست.

﴿ثُمَّ اسْتَقَامُوا﴾ یعنی استقامت جویند «استقاموا على الأئمة واحداً بعد واحد»

استقامت جویند بر امامت و ولایت امامان یکی بعد از دیگری و در حال حاضر استقامت جویند بر امامت و ولایت امام زمان (عج) .

﴿تَنْزَلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ﴾ ملائکه رحمت خداوند بر آنها نازل می شوند.

أَلَّا تَخَافُوا وَ لَا تَحْزَنُوا آنها دیگر هیچ ترس و وحشتی نخواهند داشت. نزدیکی به امام زمان (عج) رحمت است، هر کس به حضرت نزدیک شود دیگر برایش خوف و ترس و حزن و غم نخواهد بود و این نتیجه این دنیایی اوست. و ثواب آخرت آنها این است که بشارت داده می شوند به بهشتی که خداوند به آنها وعده داده است.

آیه یکصد و هشتاد و ششم

● در هنگام ظهور قائم آل محمد علیه السلام آیات الهی در حقانیت آن حضرت در آفاق و انفس ظاهر می شود.

خداوند در سوره فصلت آیه ۵۳، می فرماید:

﴿سَنُرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْآفَاقِ وَ فِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ﴾

به زودی آیات و نشانه های خویش را در جمال هستی و در جان خودشان به آنان نشان خواهیم داد تا برایشان روشن گردد که او حق است.

(۱) در کتاب ینابیع المودة صفحه ۴۲۷ باب ۷۱، آمده است:

وقوله تعالى: ﴿سَنُرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْآفَاقِ وَ فِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ﴾

عن ابی بصیر قال: سئل الباقر علیه السلام عن هذه الآية قال يرون قدرة الله في الآفاق و في انفسهم الغرائب و العجائب حتى يتبين لهم ان خروج القائم علیه السلام هو الحق من الله عزوجل يراه الخلق لا بد منه و عن الصادق نحوه.

حافظ قندوزی حنفی به اسناد خود از ابا بصیر روایت می کند که او گفت: از امام باقر علیه السلام در مورد این آیه: «به زودی آیات و نشانه های خویش را در جمال هستی و در جان خودشان به آنان نشان خواهیم داد تا برایتان روشن گردد که او حق است.» سؤال شد. حضرت فرمودند: قدرت خداوند را در آفاق می بینند و در خودشان و نفس هایشان عجایب و غرایب را خواهند دید تا برای آنان آشکار شود که قیام قائم (عج) (موعود) حق است از جانب خداوند عزوجل. خلق آن را می بینند و چاره ای نیست و (این علایم) باید روی دهد و این حدیث از امام صادق علیه السلام نیز نقل شده است.

(۲) در روضه کافی مجلد ۱ صفحه ۱۶۶ و ترجمه آن مجلد ۱ صفحه ۲۴۴ حدیث ۱۸۱، آمده است:

سهل بن زیاد، عن ابن فضال، عن ثعلبة بن میمون، عن الطیار، عن ابی عبد الله علیه السلام فی قول

الله عزوجل: ﴿سَنُرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْآفَاقِ وَ فِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ﴾ قال: خسف و مسخ و قذف، قال: قلت: حتى يتبين لهم؟ قال عليه السلام: ذاك قيام القائم.

طیار از امام صادق عليه السلام روایت کرده که در تفسیر قول خداوند: «به زودی آیات و نشانه‌های خویش را در جمال هستی و در جان خودشان به آنان نشان خواهیم داد تا برایشان روشن گردد که او حق است.» فرمود: نشانه‌ها عبارت است از: به زمین فرورفتن و مسخ شدن و پرتاب شدن سنگ از آسمان و غیره گوید: عرض کردم (و معنای) «تا برایشان روشن گردد که او حق است.» چیست؟ فرمود: آن را واگذار که مقصود ظهور حضرت قائم عليه السلام است.

(۳) در کتاب تأویل الآيات الظاهرة صفحة ۵۴۱، آمده است:

محمد بن العباس قال: حدثنا جعفر بن محمد بن مالك، عن القاسم بن اسماعيل الانباري، عن الحسن بن علي بن ابي حمزة، عن ابيه، عن ابراهيم، عن ابي عبد الله عليه السلام في قوله تعالى: ﴿سَنُرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْآفَاقِ وَ فِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ﴾ [قال: في الآفاق انتقاص الاطراف عليهم و في انفسهم بالمسح حتى يتبين انه الحق] اي انه القائم عليه السلام.

محمد بن عباس گوید: حدیث کرد ما را جعفر بن محمد بن مالک، از قاسم بن اسماعیل انباری، از حسن بن علی بن ابی حمزه، از پدرش، از ابراهیم، از ابی عبد الله امام صادق عليه السلام درباره فرموده خدا: «به زودی آیات و نشانه‌های خویش را در جمال هستی و در جان خودشان به آنان نشان خواهیم داد تا برایشان روشن گردد که او حق است.» [فرمود: در آفاق و جهان هستی نشانه خداوندی تنگ شدن و کاسته شدن وسایل زندگی برای آنان است و در جانشان، مسخ شدن است تا اینکه برای آنان معلوم شود که آن حق است.] یعنی اینکه او قائم عليه السلام است.

(۴) در کتاب الغيبة صفحة ۱۴۳، آمده است:

محمد بن ابراهيم النعماني قال: اخبرنا [حدثنا] احمد بن محمد بن سعيد قال حدثني [حدثنا] احمد بن يوسف بن يعقوب من كتابه قال: حدثنا اسماعيل بن مهرا ن قال: حدثنا الحسن بن علي بن ابي حمزة، عن ابيه و وهيب، عن ابي بصير قال سئل ابو جعفر [الباقر] عليه السلام

عن تفسیر قول الله عزوجل: ﴿سَنُرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْآفَاقِ وَ فِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ﴾ فقال عليه السلام: يريهم في انفسهم المسخ و يريهم في الآفاق انتقاص الآفاق عليهم فيرون قدرة الله في انفسهم و في الآفاق و قوله: ﴿حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ﴾ يعنى بذلك خروج القائم عليه السلام [و] هو الحق من الله عزوجل يراه هذا الخلق لا بد منه.

محمّد بن ابراهيم نعمانی گوید: احمد بن محمد بن سعيد، وی از احمد بن یوسف بن یعقوب حدیث کرد ما را، وی در کتابش برایمان از اسماعیل بن مهران، وی از حسن بن علی بن ابی حمزه، او از پدرش و وهیب از ابی بصیر که گفت: از حضرت ابو جعفر [باقر] عليه السلام راجع به تفسیر فرموده خداوند «به زودی آیات و نشانه‌های خویش را در جمال هستی و در جان خودشان به آنان نشان خواهیم داد تا برایشان روشن گردد که او حق است.» سؤال شد. حضرت فرمود: در جانشان مسخ شدن را نشانشان خواهد داد و در جهان هستی کاسته شدن و تنگ گردیدن آن را برایشان که قدرت خداوند را در خودشان و در جهان هستی می بینند و اینکه فرموده: «تا برایشان روشن گردد که او حق است.» مقصود خداوند از آن خروج حضرت قائم عليه السلام است [و] اوست حق از سوی خدای عزوجل که به ناچار خلق او را خواهند دید.

نتیجه‌ای که از این آیه و روایات می‌گیریم این است که:

اولاً قائم موعود، حق است: ﴿حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ﴾.

ثانیاً ذات اقدس الهی نشان خواهد داد که ایشان حق هستند.

ثالثاً نشانه‌های این حقیقت عجایب و غرایبی است که در دنیا به وقوع می‌پیوندد.

نظیر:

* عده‌ای مثل سفیانی به زمین فرو می‌روند.

* عده‌ای مسخ می‌شوند.

* از آسمان سنگ پرتاب خواهد شد.

آیه یکصد و هشتاد و هفتم

● در حرف مقطع حمعسق، (س) سیادت و بزرگی مهدی (عج) و (ق) نزول عیسی علیه السلام از آسمان است.

خداوند در سوره شوریٰ آیه ۱ و ۲، می فرماید:

﴿حَمَّ ۝ عَسَقٌ﴾

(۱) عالم شافعی حافظ جمال الدین المقدسی السلمی دمشقی در باب ۷ صفحه ۲۱۷، کتاب عقد الدرر، می نویسد:

عن ابی اسحاق الثعلبی فی تفسیر قوله تعالی: ﴿حَمَّ ۝ عَسَقٌ﴾ قال: عبدالله بن عباس: (ح) حرب یکون بین قریش و الموالی فتكون الغلبة لقریش علیهم (م) تلك بنی امیه علیهم السلام علو ولد عباس (س) سنّی المهدی (ق) نزول عیسی و قوته.

ابو اسحاق ثعلبی در تفسیر قول خداوند متعال: ﴿حَمَّ ۝ عَسَقٌ﴾ روایت کرده است که عبد الله بن عباس گفت:

(ح) حرب و جنگی است بین قریش و موالی (یا مسلمانان غیر عرب) روی خواهد داد که سرانجام قریش پیروز خواهد شد.

(م) اشاره به حکومت بنی امیه است.

(ع) علو و برتری یافتن اولاد عباس است.

(س) سنا و علو رتبه و شرف مهدی موعود است.

(ق) فرود آمدن عیسی و قوت نیروی اوست.

(۲) در کتاب تفسیر قمی مجلد ۲ صفحه ۲۶۷ و کتاب تفسیر برهان مجلد ۴ صفحه ۱۱۵، آمده است:

علی بن ابراهیم قال: حدثنا احمد بن علی و احمد بن ادريس قال: حدثنا محمد بن احمد العلوی. عن العمرکی. عن محمد بن جمهور قال حدثنا سلیمان بن سماعة، عن عبدالله بن

القاسم، عن یحیی بن میسرہ [مسیرة] الخثعمی، عن ابی جعفر علیه السلام قال سمعته یقول: ﴿حم ۰ عسق﴾ عدد سنّی القائم علیه السلام و ق [قاف] جبل محیط بالدنیا من زمرد اخضر فخررة السماء من ذلك الجبل و علم کل شیء فی ﴿عسق﴾.

علی بن ابراهیم گوید: احمد بن علی و احمد بن ادریس، آن‌ها از محمد بن احمد علوی، وی از عمرکی از محمد بن جمهور، او از سلیمان بن سماعة، از عبدالله بن قاسم، از یحیی بن میسرہ [مسیرة] خثعمی، از ابی جعفر امام باقر علیه السلام ما را حدیث کرد. راوی گوید: شنیدم آن جناب می فرمود: ﴿حم ۰ عسق﴾ شماره سالیان حضرت قائم علیه السلام است و ق [قاف] کوهی است از زمرد سبز که بر دنیا احاطه دارد و سبزی آسمان از آن کوه می باشد و علم همه چیز در ﴿عسق﴾ است.

(۳) در کتاب تأویل الآیات الظاهرة صفحه ۵۴۲، آمده است:

محمد بن العباس بحذف الاسناد یرفعه الی محمد بن الجمهور، عن السکونی، عن ابی جعفر علیه السلام قال: «حم» حتم و «عین» عذاب و «س» سنون کسنین یوسف و «قاف» قذف [و خسف] و مسخ یكون فی آخر الزمان بالسفیانی و اصحابه و ناس من کلب ثلاثون الف یرجون معه و ذلك حین یرج القائم علیه السلام بمکه و هو مهدی هذه الامة.

محمد بن عباس به حذف سند به طور مرفوع از محمد بن جمهور، از سکونی از ابی جعفر امام باقر علیه السلام روایت آورده که فرمود: «حم» حتم و «عین» عذاب و «س» قحط سالی است همچون قحط سالی زمان یوسف علیه السلام و «قاف» سنگساری [و فرورفتنی در زمین] و مسخ شدنی است که در آخر الزمان خواهد شد نسبت به سفیانی و یاران او و مردمانی از قبیله کلب سی هزار تن که با وی خروج می نمایند و آن هنگامی است که حضرت قائم علیه السلام در مکه خروج می کند و اوست مهدی این امت.

آیه یکصد و هشتاد و هشتم

● یکی از مصادیق «الساعة» قیام قائم آل محمد (عج) است.

خداوند در سوره شوریٰ آیه ۱۷، می فرماید:

﴿اللَّهُ الَّذِي أَنْزَلَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ وَالْمِيزَانَ وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّ السَّاعَةَ قَرِيبٌ﴾

خداوند کسی است که کتاب و میزان عدالت را به حق نازل کرد و توجه می دانی شاید «ساعة» نزدیک باشد.

(۱) در کتاب ینابیع المودة نوشته حافظ قندوزی حنفی صفحه ۴۲۸، آمده است:

عن المفضل، عن الصادق عليه السلام فی قوله تعالى: «إِقْتَرَبَتِ السَّاعَةُ وَ انشَقَّ الْقَمَرُ وَ مَا

يُدْرِيكَ لَعَلَّ السَّاعَةَ قَرِيبٌ» ای الساعة قیام القائم عليه السلام قریب.

مفضل بن عمر از امام صادق عليه السلام در مورد فرموده خداوند «إِقْتَرَبَتِ السَّاعَةُ وَ انشَقَّ

الْقَمَرُ وَ مَا يُدْرِيكَ لَعَلَّ السَّاعَةَ قَرِيبٌ» روایت کرده است که حضرت فرمودند: قیام

«قائم عليه السلام» نزدیک است.

(۲) در تفسیر برهان نوشته آیت الله العظمی سید بحرانی مجلد ۴ صفحه ۱۲۰، در

ذیل این آیه، آمده است:

قال: المیزان امیرالمؤمنین و الدلیل علی ذلك قوله فی سورة الرحمن: ﴿وَالسَّمَاءَ رَفَعَهَا

وَوَضَعَ الْمِيزَانَ﴾ یعنی الامام.

یعنی میزان در این آیه امیرالمؤمنین علی عليه السلام است و دلیل بر آن قول خداوند متعال

در سوره الرحمن است که می فرماید: ﴿وَالسَّمَاءَ رَفَعَهَا وَ وَضَعَ الْمِيزَانَ﴾ یعنی امام

است.

آیه یکصد و هشتاد و نهم

● منکران مهدی موعود علیه السلام زیانکار و در گمراهی هستند.

خداوند در سوره شوریٰ آیه ۱۸، می فرماید:

﴿يَسْتَعْجِلُ بِهَا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِهَا وَالَّذِينَ آمَنُوا مُشْفِقُونَ مِنْهَا وَ
يَعْلَمُونَ أَنَّهَا الْحَقُّ أَإِنَّ الَّذِينَ يُمَارُونَ فِي السَّاعَةِ لَفِي ضَلَالٍ بَعِيدٍ﴾

کسانی که به «ساعة» ایمان ندارند، شتاب در آمدن آن را می خواهند و کسانی که ایمان آورده اند از آن - ر هراسند و می دانند که آن حق است آگاه باشید کسانی که در مورد ساعة (قیامت) جدال می کنند، سخت در گمراهی بسیار دور هستند.

(۱) در کتاب ینابیع المودة نوشته حافظ قندوزی حنفی صفحه ۴۲۸، آمده است:
عن المفضل، عن الصادق علیه السلام قال: ساعة قیام القائم علیه السلام قلت ما معنی: ﴿أَلَا إِنَّ الَّذِينَ يُمَارُونَ فِي السَّاعَةِ لَفِي ضَلَالٍ بَعِيدٍ﴾ قال: يقولون متى ولد و من راه و این هو و متی يظهر كل ذلك شكافي قضائه و قدرته اولئك الذين خسروا انفسهم في الدنيا و الآخرة.
مفضل بن عمر می گوید از حضرت صادق علیه السلام درباره آیه مبارکه: «آگاه باشید کسانی که در مورد ساعة جدال می کنند، سخت در گمراهی بسیار دور هستند.» سؤال کردم یا بن رسول الله، معنی این آیه چیست؟ حضرت فرمودند: ساعة قیام قائم است. (قبل از قیام او، می گویند:) کی به دنیا آمده است؟ و چه کسی او را دیده است؟ و او کجاست؟ و کی ظاهر و آشکار می شود؟ همه این سخنان را از روی شک در قضا و قدر خداوند گویند. آنان کسانی هستند که در دنیا و آخرت زیان دیدند.

(۲) ابی جعفر محمد بن جریر طبری مفسر بزرگ و مورخ نامی اهل سنت در کتاب دلائل الامامة صفحه ۲۳۸، آورده است:

فی مسند فاطمة علیها السلام قال حدثنی ابوالحسن الانباری قال: حدثنا ابوالحسن علی بن الحسن الحصاص...، حدثنی المفضل بن عمر قال: قال لی جعفر بن محمد علیه السلام: یا مفضل، کیف

یقرأ اهل العراق هذه الآیة؟ قال: قول الله تعالى: ﴿يَسْتَعْجِلُ بِهَا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِهَا وَالَّذِينَ آمَنُوا مُشْفِقُونَ مِنْهَا وَيَعْلَمُونَ أَنَّهَا الْحَقُّ﴾ فقال: ويحك أتدری ما هی؟ فقلت: الله ورسوله و ابن رسوله اعلم. فقال: ما هی و الله الا قیام القائم عليه السلام فكیف يستعجل به من لا یؤمن به و الله ما يستعجل به الا المؤمنون ولكنهم حرّفوها حسداً لكم. فاعلم ذلك یا مفضل. طبری می گوید: در مسند فاطمه عليها السلام آمده است که ابوالحسن انباری نقل می کند، از ابوالحسن علی بن الحسن حصّاص... (و سرانجام) مفضل بن عمر می گوید: حضرت صادق عليه السلام به من فرمود: ای مفضل، اهل عراق این آیه را چگونه می خوانند؟ عرض کردم: آقای من کدام آیه را؟ حضرت فرمودند: ﴿يَسْتَعْجِلُ بِهَا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِهَا وَالَّذِينَ آمَنُوا مُشْفِقُونَ مِنْهَا وَيَعْلَمُونَ أَنَّهَا الْحَقُّ﴾ کسانی که به «ساعة» ایمان ندارند، شتاب در آمدن آن را می خواهند و کسانی که ایمان آورده اند از آن در هراسند و می دانند که آن حق است.

حضرت فرمودند: وای بر تو، می دانی (معنی) این آیه چیست؟ عرض کردم: خداوند و رسول و فرزند رسول او آگاه ترند. حضرت فرمودند: به خدا سوگند جز قیام حضرت قائم عليه السلام نیست. پس چگونه کسی که به آن ایمان ندارد عجله می کند؟ به خدا سوگند جز مؤمنان نسبت به آن عجله نکنند ولی این را از روی حسد نسبت به شما تحریف کردند. پس این را بدان ای مفضل.

آیه یکصد و نودم

● هر کس ولایت نداشته باشد در ظهور حضرت مهدی (عج) نصیبی ندارد.

خداوند در سوره شوری آیات ۱۹ و ۲۰، می فرماید:

﴿اللَّهُ لَطِيفٌ بِعِبَادِهِ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ وَ هُوَ الْقَوِيُّ الْعَزِيزُ ۝ مَنْ كَانَ يُرِيدُ
حَرْثَ الْآخِرَةِ نَزِدْ لَهُ فِي حَرْثِهِ وَ مَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَ مَا
لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ نَصِيبٍ﴾

خداوند نسبت به بندگانش لطیف است و لطف بسیار دارد و به هر کس بخواهد روزی می دهد و او بر هر چیزی توانایی مطلق دارد و غالب و مقتدر بر هر چیز است. هر کس که می خواهد در آخرت حاصل خوبی درو کند (باید در دنیا کشت خوب نماید) و ما هم بر حاصل کشت او می افزاییم و هر کس فقط بخواهد (آنچه کاشته است) در دنیا درو کند ما هم از آن سهمی (در همین دنیا به او می دهیم) ولی او دیگر در آخرت بهره ای نخواهد داشت.

(۱) در اصول کافی مجلد ۲ صفحه ۳۱۷ حدیث ۹۲ و کتاب تفسیر برهان مجلد ۴ صفحه ۱۲۱، آمده است:

محمد بن یحیی، عن سلمة بن الخطاب، عن الحسين بن عبد الرحمن، عن علي بن ابي حمزة، عن ابي بصير، عن ابي عبد الله عليه السلام في قول الله عز وجل:

﴿وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكاً﴾ قال: يعني به ولاية امير المؤمنين عليه السلام، قلت: ﴿وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى﴾؟ قال: يعني أعمى البصر في الآخرة أعمى القلب في الدنيا عن ولاية امير المؤمنين عليه السلام، قال: وهو متحير في القيامة يقول: ﴿لِمَ حَشَرْتَنِي أَعْمَى وَ قَدْ كُنْتُ بَصِيراً﴾ ۝ قال كذلك أتتك آياتنا فنسيتها و كذلك اليوم تنسى﴾ قال: الآيات الأئمة عليهم السلام ﴿فنسيتها و كذلك اليوم تنسى﴾ يعني تركتها و كذلك اليوم ترك في النار كما تركت الأئمة عليهم السلام، فلم تطع أمرهم و لم تسمع قولهم، قلت

﴿وَكَذَلِكَ نَجْزِي مَنْ أَسْرَفَ وَلَمْ يُؤْمِنْ بِآيَاتِ رَبِّهِ وَ لَعَذَابُ الْآخِرَةِ أَشَدُّ وَأَبْقَى﴾
 قال: یعنی من آشرك بولاية اميرالمؤمنين عليه السلام غيره و لم يؤمن بآيات ربه و ترك الائمة
 معاندة فلم يتبع آثارهم و لم يتولهم.

ابابصير گوید: امام صادق عليه السلام راجع به قول خداوند عزوجل: «هر که از یاد من رو
 بگرداند زندگیش تنگ است.» فرمود: مقصود از آن (یاد من)، اميرالمؤمنين عليه السلام است.
 عرض کردم: «او را روز قیامت کور محشور کنیم.» فرمود: یعنی کور دیده در آخرت،
 کوردل در دنیا از ولایت اميرالمؤمنين عليه السلام است و او در قیامت سرگردان است و
 می گوید: «چرا مرا که بینا بودم، کور محشور کردی؟ گوید: آن چنان که آیات ما سوی تو
 آمد و آن ها را فراموش کردی.» فرمود: آیات، ائمه عليهم السلام هستند «که تو آن ها را فراموش
 کردی همچنان امروز فراموش می شوی» یعنی همچنان که آن ها را رها کردی، امروز در
 آتش رها می شوی، چنان که ائمه عليهم السلام را رها کردی و امرشان را اطاعت نکردی و
 گفتارشان را نشنیدی. عرض کردم: «و این چنین جزا می دهیم هر کس را که زیاده روی
 کرده و به آیه های پروردگارش ایمان نیاورده، همانا عذاب آخرت سخت تر و پایدارتر
 است.» فرمود: یعنی کسی که در ولایت اميرالمؤمنين عليه السلام دیگری را شریک کند و به
 آیات پروردگارش ایمان نیاورد و ائمه عليهم السلام را از روی دشمنی رها کند و از آثارشان
 پیروی نکند و دوستشان ندارد.

(۲) در اصول کافی مجلد ۲ صفحه ۳۱۸ حدیث ۹۲ و کتاب تفسیر برهان مجلد ۴
 صفحه ۱۲۱، آمده است:

محمد بن یعقوب، عن محمد بن یحیی، عن سلمة بن الخطاب، عن الحسين
 بن عبدالرحمن، عن علی بن ابی حمزة عن ابی بصیر، عن ابی عبدالله عليه السلام قال: قلت: ﴿اللَّهُ
 لَطِيفٌ بِعِبَادِهِ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ﴾؟ قال: ولاية اميرالمؤمنين عليه السلام، قلت: ﴿مَنْ كَانَ يُرِيدُ
 حَرْثَ الْآخِرَةِ﴾؟ قال: معرفة اميرالمؤمنين عليه السلام و الائمة ﴿نَزِدْ لَهُ فِي حَرْثِهِ﴾؟ قال: نزیده
 منها، قال: يستوفى نصيبه من دولتهم ﴿وَمَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَ مَا لَهُ فِي
 الْآخِرَةِ مِنْ نَصِيبٍ﴾ قال: ليس له في دولة الحق مع القائم نصيب.

ابابصیر گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: «خداوند نسبت به بندگانش لطیف است و لطف بسیار دارد و به هر کس بخواهد روزی می دهد» فرمود: یعنی ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام. عرض کردم: «هر کس کشت آخرت خواهد؟» فرمود: یعنی معرفت امیرالمؤمنین علیه السلام و ائمه علیهم السلام. «در کشتش بیفزاییم» فرمود: یعنی معرفتش را بیفزاییم تا بهره خود را از دولت ائمه علیهم السلام دریافت کند. «و هر کس فقط بخواهد (آنچه کاشته است) در دنیا درو کند ما هم از آن سهمی (در همین دنیا به او می دهیم) ولی او دیگر در آخرت بهره ای نخواهد داشت.» فرمود: یعنی برای او از دولت حق با امام قائم بهره ای نیست.

آیه یکصد و نود و یکم

● قائم آل محمد علیهم السلام دشمن سرسخت ظالمین است.

خداوند در سوره شوریٰ آیه ۲۱، می فرماید:

﴿وَلَوْلَا كَلِمَةٌ أَفْضَلُ لِقَضِي بَيْنَهُمْ وَإِنَّ الظَّالِمِينَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾

و چنانچه کلمه فصل (دستور تأخیر عذاب) نبود هرآینه میان ایشان (به نابودی) حکم و قضاوت می شد و همانا برای ستمگران عذاب دردناکی مهیاست.

* در کتاب روضه کافی نوشته علامه بزرگوار محمدبن یعقوب کلینی، مجلد ۲

صفحه ۲۸۷ (عربی) و صفحه ۱۱۰۷ (ترجمه آن) حدیث ۴۳۲۷، آمده است:

قوله عزوجل: ﴿وَلَوْلَا كَلِمَةٌ أَفْضَلُ لِقَضِي بَيْنَهُمْ وَإِنَّ الظَّالِمِينَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾

قال لولا ما تقدم فيهم من الله عزوجل ما ابقى القائم عليه السلام منهم واحداً.

و اما گفتار خدای عزوجل: «و چنانچه کلمه فصل (دستور تأخیر عذاب) نبود هرآینه

میان ایشان (به نابودی) حکم و قضاوت می شد و همانا برای ستمگران عذاب دردناکی

مهیاست.» فرمود: یعنی اگر نبود آنچه از جانب خداوند از پیش درباره آن‌ها گذشته

است، حضرت قائم عليه السلام یک تن از آن‌ها را زنده نگذارد.

لازم به ذکر است که حدیث فوق در تفسیر برهان مجلد ۴ صفحه ۱۲۱، نیز آمده

است.

آیه یکصد و نود و دوم

● دوست داشتن امام زمان (عج) و وظیفه ماست و این حکم قرآن است.

خداوند در سوره شوریٰ آیه ۲۳، می فرماید:

﴿قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ﴾

(ای رسول خدا) بگو: برای تبلیغات رسالت پاداشی از شما نمی خواهم مگر دوستی بستگانم را.

(۱) حاکم حسکانی در شواهد التنزیل صفحه ۴۹۲ حدیث ۸۲۵، آورده است:

حاکم حسکانی گوید: نقل حدیث کرد مرا قاضی ابوبکر حیری...، حدیث کرد مرا قیس بن ربیع، از اعمش، از سعید بن جبیر، از ابن عباس: لَمَّا نَزَلَتْ ﴿قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ﴾ قَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ وَمَنْ هَؤُلَاءِ الَّذِينَ أَمَرْنَا اللَّهُ بِمُودَتِهِمْ؟ قَالَ ﷺ: عَلِيٌّ وَفَاطِمَةُ وَوَلَدُهُمَا، عَلِيٌّ وَفَاطِمَةُ وَوَلَدُهُمَا ثَلَاثَ مَرَّاتٍ يَقُولُهَا.

ابن عباس می گوید زمانی که آیه مودت ﴿قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ﴾ نازل شد «(ای رسول خدا) بگو برای تبلیغات رسالت پاداشی از شما نمی خواهم مگر دوستی بستگانم را.» گفتند: یا رسول الله، ایشان که خداوند ما را به دوستیشان فرمان داده است چه کسانی هستند؟ حضرت فرمودند: علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام و فرزندانشان علیها السلام، علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام و فرزندانشان علیها السلام، حضرت سه بار این جمله را تکرار فرمودند.

(۲) در کتاب ینابیع المودة نوشته حافظ قندوزی حنفی صفحه ۲۴۲، (به نقل از کتاب مودة القربی)، آمده است:

فقد قال الله تعالى: ﴿قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ﴾ وقال

رسول الله ﷺ احبوا الله لما ارقدکم من نعمة و احبونی لحب الله و احبوا اهل بیتی لحبی.
 خداوند متعال می فرماید: «(ای رسول خدا) بگو برای تبلیغات رسالت پاداشی از
 شما نمی خواهم مگر دوستی بستگانم را.» رسول خدا ﷺ فرمودند: خداوند را برای
 نعمت هایی که به شما عطا فرموده است دوست بدارید و مرا برای محبت خداوند
 دوست بدارید و اهل بیت مرا به خاطر من دوست داشته باشد.

می دانیم که در حال حاضر هیچ کس به اندازه امام زمان علیه السلام به رسول خدا صلی الله علیه و آله نزدیک
 نیست. چرا که ایشان از اهل بیت و «فی القربی» می باشد.

(۳) در تفسیر برهان مجلد ۴ صفحه ۱۲۶ حدیث ۲۶، آمده است:

مسلم فی صحیحہ فی الجزء الخامس فی تفسیر قوله: ﴿قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا
 الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى﴾ قال و سأل ابن عباس عن هذه الآية فقال قریبی آل محمد صلی الله علیه و آله.
 مسلم در صحیح خود جزء پنجم در تفسیر آیه «(ای رسول خدا) بگو برای تبلیغات
 رسالت پاداشی از شما نمی خواهم مگر دوستی بستگانم را.» می گوید: ابن عباس
 می گوید منظور از قریبی آل محمد صلی الله علیه و آله است.

(۴) در تفسیر الدر المنثور سیوطی مجلد ۶ صفحه ۷، آمده است:

اخرج ابن جریر عن ابی الدیلم قال: لما جیء بعلی بن الحسین اسیرا فاقیم علی درج
 دمشق قام رجل من اهل الشام فقال: الحمد لله الذی قتلکم و استاصلکم، فقال له علی بن
 الحسین: أقرات القرآن؟ قال: نعم. قال: أقرات آل حم؟ قال: نعم قال: اما قرأت: ﴿قُلْ لَا
 أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى﴾؟ قال: فانکم لانتم هم؟ قال: نعم.

ابن جریر، از ابی الدیلم روایت کرده که گفت: وقتی علی بن الحسین علیه السلام را به اسیری
 آوردند و در بالای پله معروف دمشق نگه داشته بودند، مردی از اهل شام برخاست و
 گفت: حمد خدای را که شما را بکشت و بیچاره تان کرد. علی بن الحسین علیه السلام در
 جوابش فرمود: هیچ قرآن خوانده ای؟ گفت: آری. فرمود: آیا آل حم را خوانده ای؟

گفت: آری. حضرت فرمود: هیچ خواننده‌ای: ﴿قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى﴾ یعنی: (ای رسا، خدا) بگو برای تبلیغات رسالت پاداشی از شما نمی‌خواهم مگر دوستی بستگانم را. «مرد ناگهان متوجه شد و گفت: نکند شما همان قربای رسول الله ﷺ باشید؟ فرمود: بله ما هستیم.

(۵) در کتاب فضائل الخمسه مجلد ۱ صفحه ۲۶۲، آمده است:

روی زاذان عن علی علیه السلام قال: فینا فیء آل حم آیه لا یحفظ مودتنا الا کل مؤمن ثم قرأ: ﴿قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى﴾.

زاذان از علی علیه السلام روایت می‌کند که حضرت فرمودند: در فیء آل حمد درباره ما آیه‌ای هست که طبق آن هیچ کس محبت ما را حفظ نمی‌کند مگر آنکه مؤمن باشد و سپس این آیه را تلاوت فرمود: «(ای رسول خدا) بگو برای تبلیغات رسالت پاداشی از شما نمی‌خواهم مگر دوستی بستگانم را.»

(۶) در کتاب مجمع البیان مجلد ۹ صفحه ۲۹، آمده است:

عن ابن عباس قال: له نزلت: ﴿قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى﴾ قالوا: یا رسول الله، و من هؤلاء الذین امرنا الله بمودتهم؟ قال ﷺ: علی و فاطمة و ولدهما. ابن عباس می‌گوید زمانی که آیه مودت ﴿قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى﴾ نازل شد «ای رسول خدا» بگو برای تبلیغات رسالت پاداشی از شما نمی‌خواهم مگر دوستی بستگانم را» گفتند: یا رسول الله، ایشان که خداوند ما را به دوستیشان فرمان داده است چه کسانی هستند؟ حضرت فرمودند: علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام و فرزندان ایشان علیهم السلام.

(۷) در کتاب مجمع البیان مجلد ۹ صفحه ۱۹، آمده است:

و صح عن الحسن بن علی علیه السلام انه خطب الناس فقال فی خطبته: انا من اهل البيت الذین افترض الله مودتهم علی کل مسلم فقال: ﴿قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى﴾.

از طریق صحیح از حسن بن علی رضی الله عنه روایت شده که برای مردم خطبه خواند و ضمن خطبه خود فرمود: من از آل خاندان هستم که خداوند مودت و دوستی آنان را بر هر مسلمانی واجب کرده است. سپس فرمود: «(ای رسول خدا) بگو برای تبلیغات رسالت پاداشی از شما نمی خواهم مگر دوستی بستگانم را.»

(۸) در تفسیر علی بن ابراهیم قمی، آمده است:

فی القمی عن محمد بن مسلم قال: سمعت ابا جعفر رضی الله عنه يقول: فی قول الله عزوجل: ﴿قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى﴾ یعنی فی اهل بیته.

در تفسیر قمی از محمد بن مسلم روایت شده که گفت: از امام باقر رضی الله عنه شنیدم می فرمود: منظور از قریبا در آیه «(ای رسول خدا) بگو برای تبلیغات رسالت پاداشی از شما نمی خواهم مگر دوستی بستگانم را.» اهل بیت رسول خدا رضی الله عنه هستند.

آیه یکصد و نود و سوم

● دوستی آل محمد و دوستی قائم آل محمد علیه السلام حسنه قرآن است.

خداوند در سوره شوریٰ آیه ۲۳، می فرماید:

﴿وَمَنْ يَّقْتِرِفْ حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ شَكُورٌ﴾

کسی که نیکی را کسب کرد ما برایش نیکی را زیاد می کنیم. خداوند بسیار آمرزنده و پذیرنده شکر بندگان است.

(۱) حاکم حسکانی حنفی شش حدیث می آورد و اثبات می کند که حسنه در آیه مبارکه دوستی آل محمد علیهم السلام است که ما فقط به یک حدیث آن اشاره می کنیم: در شواهد التنزیل صفحه ۵۰۲ حدیث ۸۴۵ آمده است:

حاکم می گوید: ابوسعید معادی، وی از ابوالحسین کهیلی... از سدی در فرموده خداوند متعال: ﴿وَمَنْ يَّقْتِرِفْ حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ شَكُورٌ﴾ «کسی که نیکی را کسب کرد ما برایش نیکی را زیاد می کنیم. خداوند بسیار آمرزنده و پذیرنده شکر بندگان است» رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: منظور از «حسنة» در آیه، دوستی آل محمد است.

(۲) در کتاب تفسیر برهان مجلد ۴ صفحه ۱۲۴ حدیث ۱۱، آمده است:

محمد بن العباس قال. حدثنا الحسن بن محمد بن يحيى العلوى، عن ابي محمد اسماعيل بن محمد بن اسحاق بن محمد بن جعفر قال: حدثني عمي علي بن جعفر، عن الحسين بن زيد، عن الحسن بن زيد، عن ابيه، عن جده عليه السلام قال: خطب الحسن بن علي بن ابي طالب عليه السلام حين قتل علي عليه السلام ثم قال: وانا من اهل بيت من افترض الله مودتهم علي كل مسلم حيث يقول: ﴿قُلْ لَ اَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ اَجْرًا اِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ ۝ وَ مَنْ يَّقْتِرِفْ حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا اِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ شَكُورٌ﴾ فاقتراف الحسنة مودتنا اهل البيت.

محمد بن عباس روایت می کند از حسن بن محمد... از حسن بن زيد، از پدرش، از

جدش (امام سجاد علیه السلام) که حضرت فرمودند: پس از به شهادت رسیدن امیرالمؤمنین علیه السلام حضرت مجتبی علیه السلام مردم را مورد خطاب قرار دادند و فرمودند:.... من از اهل بیت علیهم السلام هستم که خداوند مودت و دوستی آنها را بر تمام مسلمانان واجب کرده است. سپس فرمودند: «(ای رسول خدا) بگو برای تبلیغات رسالت پاداشی از شما نمی خواهم مگر دوستی بستگانم را». «کسی که نیکی را کسب کرد ما برایش نیکی را زیاد می کنیم. خداوند بسیار آمرزنده و پذیرنده شکر بندگان است.» این مودت و دوستی و محبت ما اهل بیت علیهم السلام است که نیکی است (و کسی که آن را کسب کند خداوند به او نیکی و یاری خواهد کرد).

(۳) در کتاب تفسیر برهان مجلد ۴ صفحه ۱۲۵ حدیث ۱۷، آمده است:

الطبرسی ذکر ابو حمزة الثمالی فی تفسیره قال: حدثنی عثمان بن عمیر، عن سعید بن جبیر، عن عبد الله بن عباس قال: ان رسول الله صلی الله علیه و آله حین قدم المدینة و استحکم الاسلام قالت الانصار فیما بینها ناتی رسول الله صلی الله علیه و آله فنقول انه یعروک امور هذه اموالنا تحکم فیها من غیر حرج و لا محذور فاتوه فی ذلک فنزلت: ﴿قُلْ لَا اَسْأَلُکُمْ عَلَیْهِ اَجْرًا اِلَّا الْمَوَدَّةَ فِی الْقُرْبٰی﴾ فقراها علیهم فقال یودون قرابتی من بعدی فخرجوا من عنده مسلمین بقوله فقال المنافقون ان هذا الشیء افتریه فی مجلسه و اراد ان یدلنا لقرابته من بعده. فنزلت انه یقولون افتری علی الله کذبا فارسل الیهم فتلا علیهم فبکوا و اشتد علیهم فانزل الله: وَهُوَ الَّذِی یَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ ﴿الآیة فارسل فی اثرهم فبشرهم و قال: «ویستجیب الذین آمنوا» و هم الذین سلموا القول ثم قال الطبرسی و ذکر ابو حمزة الثمالی، عن السدی انه قال: اقراف الحسنة المودة لآل محمد علیهم السلام.

(۴) در کتاب تفسیر برهان مجلد ۴ صفحه ۱۲۵ حدیث ۱۸، آمده است:

قال و صحّ عن الحسن بن علی علیه السلام انه خطب الناس فقال فی خطبته انا من الذین افترض الله مودتهم علی کل مسلم فقال: ﴿قُلْ لَا اَسْأَلُکُمْ عَلَیْهِ اَجْرًا اِلَّا الْمَوَدَّةَ فِی الْقُرْبٰی ۝ وَمَنْ یَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُ فِیْهَا حُسْنًا اِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ شَکُورٌ﴾. فاقراف الحسنة مودتنا اهل البيت اصحاب الکساء.

حضرت مجتبیٰ علیه السلام برای مردم خطبه خواندند و فرمودند: من از کسانی هستم که خداوند مودت و دوستی آن‌ها را بر تمام مسلمانان واجب کرده است. سپس فرمودند: «(ای رسول خدا) بگو برای تبلیغات رسالت پاداشی از شما نمی‌خواهم مگر دوستی بستگانم را» «کسی که نیکی را کسب کرد ما برایش نیکی را زیاد می‌کنیم. خداوند بسیار آمرزنده و پذیرنده شکر بندگان است.» این مودت و دوستی و محبت ما اهل بیت علیهم السلام و اصحاب کساء است که نیکی و حسنه است.

(۵) در کتاب اصول کافی مجلد ۲ صفحه ۲۷۹، آمده است:

الحسین بن محمد الاشعری، عن معلى بن محمد، عن الوشاء، عن مثنی، عن زرارة، عن عبد الله بن عجلان، عن ابي جعفر علیه السلام فی قوله تعالی ﴿قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى﴾ قال: هم الائمة علیهم السلام.

حسین بن محمد اشعری از معلى بن محمد، از وشاء، از مثنی، از زرارة، از عبدالله بن عجلان از ابي جعفر امام باقر علیه السلام روایت می‌کند در مورد این قول خداوند: «(ای رسول خدا) بگو برای تبلیغات رسالت پاداشی از شما نمی‌خواهم مگر دوستی بستگانم را.» حضرت فرمودند: منظور از خویشاوندان امامان علیهم السلام هستند.

و امروز آخرین این امامان حضرت قائم آل محمد (عج) است که هر کس او را دوست بدارد، این نیکی است و خداوند به او نیکی بیشتر (هم در دنیا و هم در آخرت) خواهد فرمود.

آیه یکصد و نود و چهارم

● خداوند به وسیله قائم آل محمد ﷺ کلماتش را برقرار می‌سازد.

خداوند در سوره ش: ی آیه ۲۴، می‌فرماید:

﴿أَمْ يَقُولُونَ أَخَذْنَا عَلَى اللَّهِ كَذِبًا فَإِنْ يَشَاءُ اللَّهُ يَخْتِمُ عَلَى قَلْبِكَ وَ يَمْنَحُ اللَّهُ الْبَاطِلَ وَ يُحِقُّ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ﴾

بلکه (جاهلان) می‌گویند که رسول خدا بر خداوند دروغ بسته است (که او محبت و پیروی از خاندان، خودش را بر امت واجب کرده است. این چنین نیست زیرا هرگز پیامبری نمی‌تواند بر خداوند دروغ بزند) که اگر خداوند بخواهد بر قلب تو مهر می‌زند و باطل را از بین می‌برد و حق را به کلمات خودش پایدار و برقرار می‌سازد.

* در تفسیر قمی مجلد ۲ صفحه ۲۷۵، آمده است:

علی بن ابراهیم قال: حدثنی ابي، عن ابن ابي نجران، عن عاصم بن حميد، عن محمد بن مسلم قال: سمعت ابا جعفر عليه السلام يقول في قول الله عز وجل: ﴿قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى﴾ يعني في اهل بيته، قال: جاءت الانصار الى رسول الله صلى الله عليه وآله فقالوا: انا قد آوينا و نصرنا فنخذ طائفه من اموالنا [ف] استعين بها على ما [أ]نا بك فانزل الله تعالى: ﴿قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا﴾ يعني على النبوة ﴿إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى﴾ اي في اهل بيته. ثم قال: الا ترى ان الرجل يكون له صديق و في [نفس] ذلك [الرجل] شيء على اهل بيته فلا يسلم صدره، فاراد الله ان لا يكون في نفس رسول الله صلى الله عليه وآله شيء على امته [اهل بيته] ففرض عليهم المودة [في القربى] فان اخذوا اخذوا مفروضاً و ان تركوا تركوا مفروضاً. قال عليه السلام: فانصرفوا من عنده و بعضهم يقول: عرضنا عليه اموالنا فقال قاتلوا عن اهل بيتي [من بعدى] و قالت

طائفة: ما قال هذا رسول الله ﷺ و جحدوه و قالوا كما حكى الله تعالى: ﴿أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَىٰ عَلَىٰ اللَّهِ كَذِبًا فَإِنْ يَشَأُ اللَّهُ يَخْتِمْ عَلَىٰ قَلْبِكَ﴾ قال: لو افتریت ﴿وَيَمْحُ اللَّهُ الْبَاطِلَ﴾ یعنی بیطله ﴿وَيُحِقُّ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ﴾ یعنی [بالنبي] و بالائمة و القائم من آل محمد ﷺ ﴿إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ﴾ ثم قال: ﴿وَهُوَ الَّذِي يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ وَيَعْفُو عَنِ السَّيِّئَاتِ﴾ الى قوله: ﴿وَيَزِيدُهُمْ مِنْ فَضْلِهِ﴾ یعنی الذين قالوا ما قال رسول الله ﷺ ، ثم قال: ﴿وَ الْكَافِرُونَ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ﴾.

علی بن ابراهیم گوید: حدیث کرد مرا پدرم، از ابن ابی نجران، از عاصم بن حمید، از محمد بن مسلم که گفت شنیدم از امام باقر علیه السلام راجع به قول خدای عزوجل: «(ای رسول خدا) بگو برای تبلیغات رسالت پاداشی از شما نمی خواهم مگر دوستی بستگانم را.» فرمود یعنی در مورد اهل بیت او، فرمود: انصار به حضور رسول خدا صلی الله علیه و آله آمدند و عرضه داشتند: ما [شما را] پناه دادیم و یاری کردیم. پس بخشی از اموالمان را بگیر و در حوائج خود صرف کن. پس خدای تعالی این آیه را نازل کرد: «بگو از شما اجر رسالت نمی خواهم» یعنی بر نبوت «مگر مودت با خاندانم» یعنی درباره اهل بیتش علیهم السلام.

سپس فرمود: نمی بینی که چنانچه مرد دوستی داشته باشد و در [دل] آن [مرد] نسبت به خاندانش چیزی باشد سینه اش قرار نخواهد یافت. پس خداوند خواست که در دل رسول خدا صلی الله علیه و آله ، امتش [اهل بیتش] چیزی نباشد پس مودت در مورد قربی را برایشان فرض و واجب کرد که اگر آن را انجام دهند واجب را به جای آورده باشند و چنانچه واگذارند فریضه ای را ترک گفته اند.

امام باقر علیه السلام افزود: پس [انصار] از خدمت آن حضرت بیرون رفتند در حالی که بعضی از آنان می گفتند: ما اموالمان را عرضه داشتیم و او در جواب گفت: به دفاع از خاندان من [پس از من] جنگ کنید و گروهی دیگر گفتند: این را رسول خدا نگفته و این

مطلب را انکار نمودند و چنانکه خدای تعالی از آنها حکایت کرده گفتند: «او بر خدا دروغ بسته» که خداوند فرمود: «اگر خدا خواهد بر قلب تو مهر زند» فرمود: یعنی اگر افترا بندی «و باطل را محو می کند» یعنی ابطال می نماید «و حق را به کلمات خود پایدار و برقرار می سازد» یعنی به وسیله پیغمبر و امامان و قائم آل محمد علیهم السلام [کلمات خویش را برقرار می سازد] «همانا او به اسرار دلها آگاه است» سپس خداوند فرمود: «و اوست خدایی که توبه بپندگانش را می پذیرد و از گناهان می گذرد» تا آنجا که فرموده: «و از فضل خود بر آنان می افزاید» منظور آنان هستند که مانند فرموده رسول خدا صلی الله علیه و آله را گفتند [و از فرموده آن جناب پیروی کردند] سپس فرمود: «ولی برای کافران عذاب سختی خواهد بود.»

آیه یکصد و نود و پنجم

● قائم آل محمد ﷺ منتقم حقیقی است.

خداوند در سوره شوری آیه ۴۱، می فرماید:

﴿وَلَمَنِ اتَّصَرَ بَعْدَ ظُلْمِهِ فَأُولَئِكَ مَا عَلَيْهِمْ مِّنْ سَبِيلٍ﴾

و هر کس که پس از ظمی که بر او شده است انتقام جویی کند، پس بر چنین کسی هیچ گونه مؤاخذه و گناهی نیست.

(۱) در کتاب تأویل الآیات الظاهرة صفحة ۵۴۹، آمده است:

محمد بن العباس قال: حدثنا علي بن عبد الله، عن ابراهيم بن محمد، عن علي بن هلال الاخمسي، عن الحسن بن وهب، عن جابر الجعفي، عن ابي جعفر ﷺ في قوله عز وجل: ﴿وَلَمَنِ اتَّصَرَ بَعْدَ ظُلْمِهِ فَأُولَئِكَ مَا عَلَيْهِمْ مِّنْ سَبِيلٍ﴾ قال: ذلك القائم ﷺ اذا قام انتصر من بنى امية و من المكذبين و النصاب.

محمد بن عباس گوید: حدیث کرد برایمان علی بن عبد الله، از ابراهیم بن محمد، از علی بن هلال اخمسی، از حسن بن وهب، از جابر جعفی که امام باقر ﷺ درباره قول خداوند: «و هر کس که پس از ظمی که بر او شده است انتقام جویی کند، پس بر چنین کسی هیچ گونه مؤاخذه و گناهی نیست.» فرمودند: آن حضرت قائم ﷺ است. هرگاه به پا خیزد، از بنی امیه و تکذیب کنندگان و ناصبیان انتقام خواهد گرفت.

(۲) در کتاب تفسیر قمی مجلد ۲ صفحه ۲۷۸، آمده است:

علی بن ابراهیم قال: اخبرنا [حدثنا] احمد بن جعفر [جعفر بن احمد] قال: حدثنا عبدالکریم بن عبدالرحیم، عن محمد بن علی، عن محمد بن الفضیل، عن ابي حمزة الثمالي، عن ابي جعفر ﷺ قال: سمعته يقول: ﴿وَلَمَنِ اتَّصَرَ بَعْدَ ظُلْمِهِ﴾ یعنی القائم ﷺ و اصحابه ﴿فَأُولَئِكَ مَا عَلَيْهِمْ مِّنْ سَبِيلٍ﴾ و القائم اذا قام انتصر من بنى امية و من المكذبين و النصاب هو و اصحابه و هو قول الله [تبارک و تعالی]: ﴿إِنَّمَا السَّبِيلُ عَلَى الَّذِينَ يَظْلِمُونَ

النَّاسِ وَيَبْتَغُونَ فِي الْأَرْضِ بَغْيًا بِغَيْرِ الْحَقِّ أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ.

علی بن ابراهیم گوید: احمد بن جعفر [جعفر بن احمد] از عبد کریم بن عبدالرحیم، از محمد بن علی، از محمد بن فضیل، از ابی حمزة ثمالی، ما را حدیث کرد از ابی جعفر امام باقر علیه السلام که حضرت می فرمود: «و هر کس که پس از ظلمی که بر او شده است انتقام جویی کند» یعنی قائم علیه السلام و اصحاب او «پس بر چنین کسی هیچ گونه مؤاخذه و گناهی نیست.» و چون قائم علیه السلام به پاخیزد، از بنی امیه و تکذیب کنندگان و ناصبیان، خود و اصحابش، انتقام خواهند گرفت و این است [معنی] فرموده خداوند [تبارک و تعالی]: «تنها راه مؤاخذه بر کسانی است که بر مردم ظلم می کنند و در زمین به ناحق تباهی نمایند. برای آنان عذاب دردناکی است.»

آیه یکصد و نود و ششم

● قیام قائم آل محمد ﷺ اول ذلت ظالمین است.

خداوند در سوره شوری آیه ۴۵، می فرماید:

﴿و تَرَاهُمْ يُعْرَضُونَ عَلَيْهَا خَاشِعِينَ مِنَ الذُّلِّ يَنْظُرُونَ مِنْ طَرْفٍ خَفِيٍّ﴾

و آن ستمگران را می بینی که با ذلت و خواری به سوی عذاب متوجهشان ساخته اند. از گوشه چشم بر آن نگاه می کنند.

* در کتاب آیات الظاهرة صفحه ۵۵۰ و تفسیر برهان، نوشته آیت الله سید هاشم

بحرانی مجلد ۴ صفحه ۱۲۹ حدیث ۲، آمده است:

محمد بن العباس قال: حدثنا احمد بن القاسم، عن احمد بن محمد السیاری، عن البرقی،

عن محمد بن مسلم، عن ایوب البزاز، عن عمرو بن شمر، عن جابر بن یزید، عن ابی جعفر ﷺ

قال: قوله عز وجل: ﴿خَاشِعِينَ مِنَ الذُّلِّ يَنْظُرُونَ مِنْ طَرْفٍ خَفِيٍّ﴾ یعنی القائم ﷺ.

محمد بن عباس گوید: احمد بن قاسم، از احمد بن محمد سیاری، از برقی، از

محمد بن مسلم، از ایوب بزاز، از عمرو بن شمر، از جابر بن یزید، از ابی جعفر امام

باقر ﷺ روایت کرده که آن حضرت این آیه را تلاوت کرده: «و آن ستمگران را می بینی که

با ذلت و خواری به سوی عذاب متوجهشان ساخته اند. از گوشه چشم بر آن نگاه

می کنند.» فرمودند: یعنی به سوی حضرت قائم ﷺ.

آیه یکصد و نود و هفتم

● مهدی موعود (عج) از فرزندان سید الشهداء حسین بن علی علیه السلام است.

خداوند در سوره زخرف آیه ۲۸، می فرماید:

﴿ وَجَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقِبِهِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ﴾

و قرار داد این (رهبریت و امامت و خداپرستی را) در ذریه و فرزندان و اعقاب خودش کلمه باقی تا (به سوی خداوند) بازگردند.

(۱) در کتاب کفایة الاثر صفحه ۲۴۶ و تفسیر برهان مجلد ۴ صفحه ۱۳۹ حدیث

۸ آمده است:

ابن بابویه: عن محمد بن عبدالله الشیبانی رحمة الله قال: حدثنا ابو عبدالله جعفر بن محمد بن جعفر بن الحسن العلوی قال: حدثنی ابونصر احمد بن عبدالمنعم الصیداوی قال: حدثنی عمرو بن شمر الجعفری، عن جابر بن یزید الجعفی، عن ابی جعفر محمد بن علی الباقر علیه السلام قال: قلت له: یا بن رسول الله، ان قوماً یقولون ان الله تبارک و تعالی جعل الائمة فی عقب ولد الحسن دون الحسين قال: کذبوا و الله اولم یسمعوا ان الله تعالی ذکره یقول: ﴿ وَجَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقِبِهِ ﴾ فهل جعلها الا فی عقب الحسين علیه السلام.

فقال علیه السلام: یا جابر، ان الائمة هم الذين نصّ عليهم رسول الله صلی الله علیه و آله بالإمامة و هم الذين قال رسول الله صلی الله علیه و آله: لما اسرى بی الی السماء وجدتُ اسمائهم مكتوبة علی ساق العرش بالنور اثنی عشر اسماً منهم علی و سبطاه و علی و محمد و جعفر و موسی و علی و محمد و علی و الحسن و الحجة القائم علیه السلام فهذه الائمة من اهل بیت الصفوة و الطهارة و الله ما يدّعیه احد غیرنا الا حشره الله تبارک و تعالی مع ابلیس و جنوده.

ثم تنفس علیه السلام فقال: لا رعی الله حق هذه الامة فانها لم ترع حق نبیها [اما] و الله لو تركوا الحق علی اهله لما اختلف فی الله اثنان ثم انشأ علیه السلام یقول:

ان الیهود لحبیبهم لنسبهم امنوا بسوائق حادث الازمان

و ذروا الصلیب بحب عیسیٰ اصبحوا
 و المؤمنون بحب آل محمد
 عیشون رهوا فی قری نجران
 یرمون فی الآفاق بالنیران
 قلت: یا سیدی، الیس هذا الامر لکم؟ قال: نعم. قلت: فلم قعد ثم عن حقکم و دعواکم و
 قد قال الله تبارک و تعالیٰ: «و جاهدوا فی اللہ حقّ جهادِهِ هُو اجْتِبَاکُمْ» فما بال
 امیر المؤمنین علیه السلام قعد عن حقه؟

قال: فقال علیه السلام: حیث لم یجد ناصرا الم تسمع الله یقول فی قصة لوط علیه السلام قال: «لَوْ اَنْ لِّی
 بِکُمْ قُوَّةٌ اَوْ اَوْی اِلَی رُکْنٍ شَدِیدٍ» و یقول حکایة عن نوح علیه السلام: «فَدَعَا رَبِّهٗ اَنِّی مَغْلُوبٌ
 فَانْتَصِرْ» و یقول فی قصة موسی علیه السلام: «قَالَ رَبِّ اِنِّی لَا اَمْلِکُ اِلَّا نَفْسِی وَاخِی فَاَفْرِقْ
 بَیْنَنَا وَ بَیْنَ الْقَوْمِ الْفَاسِفِیْنَ» فاذا کان النبی هكذا فالوصی اعذر.
 یا جابر، مثل الامام مثل الکعبة توئی و لا تاتی.

ابن بابویه: از محمد بن عبدالله شیبانی رحمة الله گوید: حدیث کرد برایمان
 ابو عبدالله جعفر بن محمد بن جعفر بن حسن علوی، وی از ابونصر احمد بن عبد منعم
 صیداوی، وی نقل حدیث می کند از عمرو بن شمر جعفری، از جابر بن یزید جعفی
 برایمان حدیث کرد از ابی جعفر محمد بن علی باقر علیه السلام که گوید: به آن حضرت عرضه
 داشتم: ای زاده رسول خدا، گروهی می گویند: خدای تبارک و تعالی امامان را در اعقاب
 فرزندان امام حسن علیه السلام قرار داد نه امام حسین علیه السلام. فرمود: به خدا سوگند آن ها دروغ
 می گویند. آیا شنیده اند که خدای تعالی می فرماید: «و این [خداپرستی و امامت] را
 کلمه باقی در ذریه خودش قرار داد.» آیا آن [امامت] را جز در خاندان حسین علیه السلام قرار
 داد؟ آن گاه امام باقر علیه السلام فرمود: ای جابر، به راستی که امامان آنهاست که رسول خدا صلی الله علیه و آله
 بر امامتشان نص فرموده و همان هاینکه رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هنگامی که به آسمان
 برده شدم، نام هایشان را یافتم که با نور بر ساق عرش دوازده اسم از آنها علی علیه السلام و دو
 سبط او، علی، محمد، جعفر، موسی، علی، محمد، علی، حسن علیه السلام و حجت قائم علیه السلام
 نوشته شده بود. پس اینان ائمه ای از اهل بیت برگزیده و پاکیزه اند. به خدا سوگند کسی
 غیر از ما آن (مقام امامت) را ادعا نکند مگر اینکه خداوند تبارک و تعالی او را با ابلیس و

لشکریانش محشور نماید. سپس امام باقر علیه السلام آهی کشید. آن‌گاه فرمود: خداوند حق این امت را رعایت نکند که آن‌ها حق پیغمبرشان را رعایت نکردند. به خدا سوگند چنانچه حق را بر اهلش وا می‌گذاشتند دو نفر درباره خداوند اختلاف نمی‌کردند [و هیچ‌کس کافر نمی‌ماند]. آن‌گاه حضرت علیه السلام چنین انشا فرمود:

همانا قوم یهود از جهت محبتشان نسبت به پیغمبرشان از حوادث ناگوار زمانه ایمن شدند و صاحبان صلیب (مسیحیان) به سبب دوست داشتن حضرت عیسی علیه السلام با کمال آسودگی خاطر در آبادی‌های نجران آمد و شد دارند.
ولی مؤمنان به خاطر محبت آل محمد علیهم السلام در اطراف و اکناف عالم به آتش می‌سوزند.

جابر گوید: عرضه داشتم ای آقای من، آیا این امر حق شما نیست؟ فرمود: چرا، عرض کردم: پس چرا از گرفتن حق خودتان کنار نشستید و از دعوی آن دست برداشتید. در حالی که خداوند تبارک و تعالی فرموده: «و در راه خداوند، حق جهادش را انجام دهید. او شما را برگزیده» پس چرا امیرالمؤمنین علیه السلام از مطالبه حق خود کنار نشست؟ فرمود: چون یآوری برای خود نیافت. آیا شنیده‌ای که خداوند در قصه لوط علیه السلام می‌فرماید: «لوط به قومش گفت: ای کاش قدرت داشتم که شما را از کارهای زشت باز دارم یا اینکه پشت و پناهی محکم بود که پناه می‌بردم» و نیز در حکایت از نوح علیه السلام می‌فرماید: «پروردگارش را فراخواند که همانا من مغلوب شده‌ام پس تو مرا یاری فرمای» و در جریان موسی علیه السلام از زبان او فرموده: «پروردگارا، من جز نفس خودم و برادرم [هارون] بر کسی تسلط و قدرت ندارم. پس تو میان ما و قوم فاسق و زیانکار جدایی افکن.» پس هرگاه حال پیغمبران چنین بوده عذر و صی پیغمبر موجه‌تر و قوی‌تر است.

ای جابر، امام به‌سان کعبه است که مردم باید به سویش روند و کعبه به سوی کسی نرود.

(۲) در کتاب تفسیر برهان مجلد ۴ صفحه ۱۴۰ حدیث ۹ از علامه بحرانی و در

کتاب کفایة الاثر صفحہ ۸۶، آمدہ است:

عنه قال: حدثنا ابو عبد الله احمد بن محمد بن عبد الله الجوهرى قال: حدثنا عبد الصمد بن على بن محمد بن مكرم قال: حدثنا الطيالسى ابو الوليد، عن ابى زياد عبد الله بن ذكوان، عن ابيه، عن الاعرج، عن ابى هريره قال: سألت رسول الله ﷺ عن قوله عز وجل: ﴿وَجَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقِبِهِ﴾ قال ﷺ: جعل الائمة فى عقب الحسين يخرج من صلبه تسعة من الائمة و منهم مهديّ هذه الامة، ثم قال: لو ان رجلاً ظعن بين الركن و المقام ثم لقي الله مبغضاً لاهل بيتى دخل النار.

و از اوست كه گوید: ابو عبد الله احمد بن محمد بن عبد الله جوهرى حدیثمان داد، گفت: عبد الصمد بن على بن محمد بن مكرم، وی حدیث کرد از طيالسى ابو الوليد از ابى زياد عبد الله بن ذكوان از پدرش، از اعرج، از ابى هريره كه وی گوید: از رسول الله ﷺ درباره قول خداوند عزوجل: «و قرار داد اين (رهبريت و امامت و خداپرستى را) در ذریه و فرزندان و اعقاب خودش کلمه باقى تا (به سوى خداوند) بازگردند.» سؤال کردم آن حضرت ﷺ فرمود: خدا امامان را در اعقاب حسين ﷺ قرار داد، از صلب او نه تن از امامان را بیرون خواهد آورد و از آنهاست مهدى ﷺ این امت. سپس فرمود: چنانچه مردى پیوسته بين ركن و مقام [برای عبادت] در حال رفت و آمد باشد، آن گاه با کینه خاندان من خداوند را ملاقات نماید، داخل آتش می سوزد.

(۳) در کتاب کمال الدین و تمام النعمة مجلد ۲ صفحہ ۳۲۳، آمدہ است:

وعنه قال: حدثنا محمد بن [محمد بن] عصام الكليني قال: حدثنا محمد بن يعقوب [الكليني] قال: حدثنا القاسم بن العلاء قال: حدثني [ثنا] اسماعيل بن علي القزويني قال: حدثني علي بن اسماعيل، عن عاصم بن حميد الحناط، عن محمد بن قيس، عن ثابت الثمالي، عن علي بن الحسين [بن علي بن ابى طالب ﷺ] انه قال: فينا نزلت هذه الآية: ﴿وَأُولُوا الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ﴾ و فينا نزلت هذه الآية: ﴿وَجَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقِبِهِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ﴾ و الامامة فى عقب الحسين بن على بن ابى طالب ﷺ الى يوم القيامة، فان للغائب [للقائم ﷺ] منا غيبتين إحدیهما اطول من الاخرى

اما الاولى فسته ايام او ستة اشهر او ست سنين و اما الاخرى فيطول أمدها حتى يرجع عن هذا الامر اكثر من يقول به، فلا يثبت عليه الا من قوى يقينه و صحت معرفته و لم يجد في نفسه حرجاً مما قضينا و سلم لنا اهل البيت.

و از اوست که گوید: محمد بن [محمد بن] عصام کلینی رضی اللہ عنہ گوید: ما را محمد بن یعقوب [کلینی] وی از قاسم بن علاء، او از اسماعیل بن علی قزوینی، وی از علی بن اسماعیل، از عاصم بن حمید حناط، از محمد بن قیس، از ثابت ثمالی از علی بن حسین [بن علی بن ابی طالب رضی اللہ عنہ] حدیثم داد که آن جناب فرمود:

در باره ما نازل شد این آیه: «و خویشاوندان نسبی در کتاب خدا نسبت به یکدیگر اولی هستند.» و در باره ما نازل شد این آیه: «و آن را کلمه باقی در اعقابش قرار داد.» و امامت در بازماندگان حسین بن علی بن ابی طالب رضی اللہ عنہ است تا روز قیامت که همانا غایب [قائم رضی اللہ عنہ] از ما را دو غیبت خواهد بود. یکی طولانی تر از دیگری. اما اولی: شش روز یا شش ماه و یا شش سال می باشد و اما دومی: آنقدر مدتش طول خواهد کشید تا اینکه بیشتر گروندگان از این امر برخوردارند گشت. پس بر آن [اعتقاد به امامت] ثابت نمی ماند مگر کسی که یقینش قوی و معرفتش صحیح باشد و از آنچه ما بخواهیم در دل چیزی احساس نکند و نسبت به ما اهل بیت رضی اللہ عنہم تسلیم باشد.

در این که مهدی رضی اللہ عنہ از فرزندان سید الشهداء و نهمین فرزند آن حضرت است ما هیچ شکی نداریم و در اینجا برای شما به احادیثی اشاره می کنیم:

۱) محمد صالح الحسین الترمذی در المناقب مرتضویه باب ۲ صفحه ۱۲۹ و عبدالله بسل در ارجع المطالب فی عدد مناقب اسد الله الغالب صفحه ۴۳۶ حدیث ۴ و موفق بن احمد خوارزمی حنفی در مقتل الحسین مجلد ۱ فصل ۷ صفحه ۱۴۶ و حافظ شیخ سلیمان بن ابراهیم قندوزی حنفی در ینابیع المودة باب ۵۴ صفحه ۱۶۸، می گوید:

عن سلیم بن قیس الهمدانی، عن سلمان الفارسی قال: دخلت علی النبی صلی اللہ علیہ و آله و سلم فاذا الحسین بن علی علی فخدیه و هو یقبل خدیہ و یلثم فاه و یقول انت سید، ابن سید اخو سید و انت امام، ابن امام، اخو امام و انت حجة ابن حجة، اخو حجة و انت ابو حجة تسعة تاسعهم قائمهم.

سلمان فارسی رضی اللہ عنہ می گوید: خدمت رسول خدا صلی اللہ علیہ وسلم رسیدم. دیدم حسین بن علی رضی اللہ عنہما بر روی زانوی آن حضرت نشسته است. حضرت چشمان و دهان سید الشهدا را می بوسید و می فرمود: (ای حسین رضی اللہ عنہ) تو، آقا، فرزند آقا و برادر آقا هستی. تو امام، فرزند امام و برادر امام هستی. تو حجت، فرزند حجت و برادر حجت می باشی. تو پدر حجت های نه گانه هستی که نهمین آنها قائم (عج) بر آنهاست.

(۲) در مسند امام احمد حنبل و کتاب کشف الیقین، آمده است:

قال النبی صلی اللہ علیہ وسلم: للحسین هذا ابنتی امام، اخوا امام، ابوالائمة تسعة تاسعهم قائمهم.

حضرت رسول صلی اللہ علیہ وسلم درباره سید الشهدا رضی اللہ عنہ فرمودند: این فرزند من امام، برادر امام و پدر نه امام می باشد که نهمین آنها قائم بر آنهاست.

آیة یکصد و نود و هشتم

● پس از قیام قائم آل محمد (عج) حضرت عیسیٰ علیه السلام نزول می کند.

خداوند در سوره زخرف آیة ۶۱، می فرماید:

﴿وَإِنَّهُ لَعِلْمٌ لِلسَّاعَةِ فَلَا تَمْتَرُنَّ بِهَا وَاتَّبِعُونِ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ﴾

و او علمی است برای ساعت. پس در آن شک نکنید و مرا پیروی کنید. این است صراط و راه مستقیم.

(۱) در کتاب اسعاف الراغبین (که در حاشیة نورالابصار صفحه ۱۴۰ چاپ شده

است.) و کتاب ینابیع المودة صفحه ۴۷۰، آمده است:

قال مقاتل بن سلیمان و من تبعه من المفسرین فی قوله تعالی: ﴿وَإِنَّهُ لَعِلْمٌ لِلسَّاعَةِ﴾ انها

نزلت فی المهدی علیه السلام.

مقاتل بن سلیمان و بسیاری از مفسران که از او تبعیت نموده اند در مورد قول خداوند

متعال: «و او علمی است برای ساعت» گفته اند که در شأن مهدی علیه السلام نازل شده است.

(۲) در کتاب الدر المثور فی التفسیر المأثور از حافظ امام عبد الرحمن جلال

الدین سیوطی مجلد ۷ صفحه ۳۸۶ و ۳۸۷، آمده است:

واخرج الفریابی و سعید بن منصور و مسدد و عبد بن حمید و ابن ابی حاتم و طبرانی

از راه های مختلف از ابن عباس نقل کرده اند، درباره آیة ﴿وَإِنَّهُ لَعِلْمٌ لِلسَّاعَةِ﴾ او گفت:

خروج عیسی بن مریم علیه السلام قبل از قیامت است.

سیوطی در مدرک بالا هفت حدیث می آورد و در تمام این احادیث گفته شده است

منظور از ﴿وَإِنَّهُ لَعِلْمٌ لِلسَّاعَةِ﴾ خروج عیسی بن مریم علیه السلام قبل از قیامت است.

حال سؤال می شود اگر این آیه درباره خروج حضرت عیسی علیه السلام باشد، حضرت

عیسی علیه السلام برای چه کاری می آید؟ احادیث زیر به این مسأله پاسخ می دهد:

(۳) در صحیح بخاری مجلد ۲ صفحه ۱۵۸، آمده است:

عن ابی هریره قول النبی ﷺ : کیف انتم اذا نزل ابن مریم فیکم و امامکم منکم.
 ابی هریره از رسول خدا ﷺ نقل می کند که آن حضرت فرمود: شما چگونه خواهید بود زمانی که (عیسی) بن مریم نزول خواهد کرد و مابین شما خواهد بود و امام شما نیز در بین شماست.

(۴) در کتاب تذکرة الخواص الامة نوشته سبط بن جوزی حنفی صفحه ۳۷۷، آمده است:

قال السدی: یجتمع المهدی و عیسی بن مریم فیجی وقت الصلوة فیقول المهدی لعیسی: تقدم فیقول عیسی انت اولی بالصلوة فیصلى عیسی ورائه مأموها.

سدی از رسول خدا ﷺ نقل می کند که مهدی علیه السلام و عیسی بن مریم در یک جا قرار خواهند گرفت. در وقت نماز مهدی (عج) به عیسی می فرماید: شما امام جماعت شوید. عیسی علیه السلام در جواب می فرماید: شما در این باره اولی هستید (به نماز) سپس عیسی پشت سر مهدی (عج) نماز می خواند.

(۵) در منتخب کنز العمال نوشته متقی هندی صفحه ۳۰ مجلد ۶ و البیان فی اخبار صاحب الزمان نوشته حافظ گنجی شافعی و کتاب المهدی نوشته حافظ ابونعیم، آمده است:

قال رسول الله ﷺ : منّا الذی یصلی عیسی من خلفه.

رسول خدا ﷺ فرمود: از ماست کسی که عیسی علیه السلام پشت سر او نماز می خواند.
 (۶) در تفسیر صافی نوشته ملا محسن فیض کاشانی مجلد ۲ صفحه ۵۳۶، آمده است:

«وَإِنَّهُ لَعِلْمٌ لِلسَّاعَةِ» القمی ثم ذکر خطر امیر المؤمنین علیه السلام : فقال: «وَإِنَّهُ لَعِلْمٌ لِلسَّاعَةِ فَلَا تَمْتَرَنَّ بِهَا وَاتَّبِعُونِ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ» قال یعنی امیر المؤمنین علیه السلام و قیل یعنی نزول عیسی بن مریم علیه السلام من اشرط الساعة یعلم به قربها فلا تمترن بها.

آیه یکصد و نود و نهم

● قیام قائم آل محمد (عج) ناگهانی است.

خداوند در سوره زخرف آیه ۶۶، می فرماید:

﴿هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ أَنْ تَأْتِيَهُمْ بَغْتَةً وَ هُمْ لَا يَشْعُرُونَ﴾

آیا جز «ساعة» را چشم به راهند که ناگهان بر آنها فرا رسد در حالی که آگاه نیستند.

(۱) در کتاب ینابیع المودة نوشته حافظ قندوزی حنفی صفحه ۴۲۸، آمده است:

فی قوله تعالى: ﴿هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ أَنْ تَأْتِيَهُمْ بَغْتَةً وَ هُمْ لَا يَشْعُرُونَ﴾ عن

زرارة بن اعین قال سألت الباقر عليه السلام عن هذه الآية. فقال هي الساعة القائم تأتيهم بغتة.

حافظ قندوزی حنفی نقل می کند در مورد فرموده خداوند متعال: «آیا جز «ساعة» را

چشم به راهند که ناگهان بر آنها فرا رسد در حالی که آگاه نیستند.» از زرارة بن اعین

روایت کرده است که می گوید: از امام باقر عليه السلام درباره این آیه پرسیدم. حضرت در پاسخ

فرمود: آن ساعت قائم است که ناگهان بر آنها فرا رسد.

(۲) در کتاب تأویل الآيات الظاهرة صفحه ۵۷۱ و تفسیر برهان مجلد ۴ صفحه

۱۵۲، آمده است:

عن محمد بن العباس قال: حدثنا علي بن عبد الله بن اسد، عن ابراهيم بن محمد، عن

اسماعيل بن بشار، عن علي بن جعفر الحضرمي، عن زرارة بن اعين قال: سألت ابا جعفر عليه السلام

عن قول الله عز وجل: ﴿هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ أَنْ تَأْتِيَهُمْ بَغْتَةً وَ هُمْ لَا يَشْعُرُونَ﴾ قال

هي ساعة القائم عليه السلام تأتيهم بغتة.

محمد بن عباس می گوید: علی بن عبد الله بن اسد، از ابراهیم بن محمد، از اسماعیل بن

بشار، از علی بن جعفر حضرمی، از زرارة بن اعین نقل می کند که از ابا جعفر امام باقر عليه السلام

درباره این آیه: «آیا جز «ساعة» را چشم به راهند که ناگهان بر آنها فرا رسد در حالی که

آگاه نیستند.» پرسیدم (که این ساعة چه وقت است؟) حضرت فرمودند: آن ساعت،

ساعت قائم عليه السلام است که ناگهان حضرت مهدی عليه السلام قیام می کند و بر آنها می رسد.

آیه دوایستم

● قرآن در شب قدر به رسول خدا ﷺ القا گردید و آن حضرت به امیرالمؤمنین علیه السلام القا فرمودند و هم اکنون به امام زمان علیه السلام القا می شود.

خداوند در سوره دخان آیه ۱ الی ۴، می فرماید:

﴿حَمَّ ۝ وَ الْكِتَابِ الْمُبِينِ ۝ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةٍ مُبَارَكَةٍ إِنَّا كُنَّا مُنذِرِينَ ۝ فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ﴾

حم ○ سوگند به کتاب مبین و روشن ○ همانا ما آن را در شب مبارکی نازل ساختیم تا خلق را به وسیله آن بترسانیم و به آن ها هشدار دهیم و راهنمایی کنیم آن ها را و ○ در آن شب مبارک هر امری با حکمت تعیین و ممتاز می شود. (و آن شب، شب قدر است.)

(۱) در کتاب ینابیع الموده نوشته حافظ قندوزی حنفی باب ۷۱ صفحه ۴۲۸، آمده است:

و فی سورة الدخان: ﴿حَمَّ ۝ وَ الْكِتَابِ الْمُبِينِ ۝ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةٍ مُبَارَكَةٍ إِنَّا كُنَّا مُنذِرِينَ ۝ فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ﴾ عن عبدالله بن مسکان، عن الباقر و الصادق و کاظم رضی الله عنهما قالوا: انزل الله تبارک و تعالی القرآن فی لیلة مبارکة و هی لیلة القدر انزل القرآن فیها الی البیت المعمور جملة واحدة ثم انزل من البیت المعمور علی رسول الله ﷺ فی طول ثلاث و عشرين سنة یقدر الله کل امر من الحق و الباطل و ما ینزل فی تلك السنة و له فیها البداء المشیة یقدم ما یشاء و ینخر ما یشاء من الاجال و الارزاق و الامن و السلامة و العافبة و غیر ذلك و ینزل فی رسول الله ﷺ الی امیرالمؤمنین علی علیه السلام و هو الی الائمة من اولاده علیهم السلام حتی ینتهی الی صاحب الزمان المهدی علیه السلام.

در سوره دخان: «حم ○ سوگند به کتاب مبین و روشن ○ همانا ما آن را در شب مبارکی نازل ساختیم تا خلق را به وسیله آن بترسانیم و به آن ها هشدار دهیم و راهنمایی کنیم آن ها را و در آن شب مبارک هر امری با حکمت تعیین و ممتاز می شود (و آن شب، شب قدر است.)» از عبدالله بن مسکان روایت شده از امام باقر و صادق و کاظم علیهم السلام

فرمودند: خداوند سبحان قرآن را در شب مبارکی که شب قدر باشد، به بیت المعمور به صورت یک جا و دفعی نازل نمود. سپس، بر رسول خدا ﷺ در طول بیست و سه سال نازل فرمود؛ امور حق و باطل و آنچه در این سالها جاری شود سالها تقدیر و اندازه گیری نمود و خداوند است بداء و مشیت از آن خداست و خواست اوست که هر چه بخواهد انجام می دهد؛ هر چه بخواهد جلو می اندازد و هر چه بخواهد به تأخیر می افکند از اجلها و ارزاق و امنیت و سلامت و عافیت و غیر ذلک را هر چه بخواهد آن را به رسول خدا ﷺ و به امیرالمؤمنین علی ﷺ و آن را به امامان از اولاد خود ﷺ القا می کند تا می رسد به صاحب الزمان مهدی ﷺ.

(۲) در کتاب تفسیر بی هان مجلد ۴ صفحات ۱۶۰ و ۱۶۱ حدیث ۹ و تفسیر قمی مجلد ۲ صفحه ۲۹۰، آمده است:

علی بن ابراهیم قال: حدثنی ابي، عن ابن ابي عمير، عن عبد الله بن مسكان، عن ابي جعفر و ابي عبد الله و ابي الحسن ﷺ: ﴿حَمَّ ۝ وَ الْكِتَابِ الْمُبِينِ ۝ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ مُبَارَكَةٍ إِنَّا كُنَّا مُنذِرِينَ وَ هِيَ لَيْلَةُ الْقَدْرِ أَنْزَلَ اللَّهُ الْقُرْآنَ فِيهَا إِلَى الْبَيْتِ الْمَعْمُورِ جُمْلَةً وَاحِدَةً ثُمَّ نَزَلَ مِنَ الْبَيْتِ الْمَعْمُورِ عَلَى النَّبِيِّ [رَسُولَ اللَّهِ ﷺ] فِي طَوْلٍ [ثَلَاثَ وَ] عَشْرِينَ سَنَةً ﴿فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ﴾ يَعْنِي فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ «كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ» أَي يَقْدَرُ اللَّهُ كُلَّ أَمْرٍ مِنَ الْحَقِّ وَ [مِنَ] الْبَاطِلِ وَ مَا يَكُونُ فِي تِلْكَ السَّنَةِ وَ لَهُ فِيهَا [فِيهِ] الْبَدَاءُ الْمَشِيَّةُ يَقْدَمُ مَا يَشَاءُ وَ يُؤَخَّرُ مَا يَشَاءُ مِنَ الْأَجَالِ وَ الْأَرْزَاقِ وَ الْبَلَايَا [وَ الْأَعْرَاضِ] وَ الْأَمْرَاضِ وَ يَزِيدُ فِيهَا مَا يَشَاءُ وَ يَنْقُصُ مَا يَشَاءُ وَ يَلْقِيهِ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ ﷺ وَ يَلْقِيهِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ إِلَى الْإِمَامَةِ ﷺ حَتَّى يَنْتَهِيَ ذَلِكَ إِلَى صَاحِبِ الزَّمَانِ ﷺ وَ يَشْرَطُ لَهُ مَا فِيهِ الْبَدَاءُ وَ الْمَشِيَّةُ وَ التَّقْدِيمُ وَ التَّأخِيرُ.

علی بن ابراهیم گوید: پدرم، از ابن ابی عمیر، از عبد الله بن مسکان، از ابی جعفر امام باقر و ابی عبد الله امام صادق و ابی الحسن امام کاظم ﷺ: «حَمَّ ۝ سَوَّغْنَا بِهِ كِتَابَ رُشْنِ هَمَانَا مَا نَزَلَ كَرْدِيمِ (قرآن را) در شب مبارکی تا خلق را [از عذاب آخرت] بترسانیم و هشدار دهیم» و آن شب قدر است. خداوند در آن شب قرآن را یکجا به بیت المعمور نازل فرمود، سپس از بیت المعمور بر پیغمبر [رسول خدا ﷺ] در طول

بیست [و سه] سال [به تدریج] نازل گشت. «در آن شب هر امری با حکمت تعیین و ممتاز می شود.» یعنی در شب قدر «هر امری با حکمت» یعنی خداوند هر امری را از حق و [از] باطل و آنچه در آن سال می شود همه را تقدیر می فرماید و بداء و مشیت [در آنها] برایش هست آنچه را بخواهد از اجلها و روزیها و ابتلائات [و عوارض] و بیماریها را پس و پیش سی کند و آنچه بخواهد در آنها می افزاید و آنچه بخواهد از آنها می کاهد و رسول خدا ﷺ آن [مقدرات] را به امیرالمؤمنین علیه السلام القا می نماید و امیرالمؤمنین علیه السلام به امامان علیهم السلام القا می نماید تا کار به حضرت صاحب الزمان علیه السلام منتهی می گردد و آنچه در بداء و مشیت و تقدیم و تأخیر هست برای او [به طور] مشروط بیان می گردد.

(۳) در تفسیر برهان مجلد ۴ صفحه ۱۵۹ حدیث ۵، آمده است:

الطبرسی فی الاحتجاج عن امیرالمؤمنین علیه السلام فی حدیث له طویل قال علیه السلام فیہ و انما اراد الله بالحق اظهار قدرته و ابداء سلطانه و تبیین براهین حکمته فخلق ما شاء کما شاء و اجری فعل بعض الاشیاء علی ایدی من اصطفی من امنائه فکان فعلهم فعله و امرهم امره کما قال: ﴿يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ﴾ و السماء و الارض و عاء لمن يشاء من خلقه ليميز الخبيث من الطيب مع سابق علمه بالفريقين من اهلها و ليجعل ذلك مثالا لاوليائه و امنائه و عرف الخليقة فضل منزلة اوليائه و فرض عليهم من طاعتهم مثل الذي فرضه منه لنفسه و الزمهم الحجة بان خاطبهم خطاباً يدل على انفرادهم و توحيده و ابان لهم اولياء اجرى افعالهم و احكامهم مجرى فعله فهم العباد المكرمون لا يسبقونه بالقول و هم بامرهم يعملون هم الذين ايدهم بروح عنه و عرف الخلق اقتدارهم بقوله عالم الغيب فلا يظهر على غيبه احداً الا من ارتضى من رسول و هم النعيم الذي يسئل عنه ان الله تبارك و تعالى انعم بهم على من اتبعهم من اوليائهم قال السائل من هؤلاء الحجج؟ قال هم رسول الله و من حل محله من اصفياء الله بنفسه و برسوله قرنهم الله بنفسه و برسوله و فرض عليه السلام العباد من طاعتهم مثل الذي فرض عليهم منها لنفسه و هم و لا تامر الدين الذين قال الله فيهم: ﴿أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ﴾ و قال الله فيهم: ﴿وَلَوْ رَدُّوهُ إِلَى الرَّسُولِ وَ إِلَى أُولِي الْأَمْرِ مِنْهُمْ لَعَلِمَهُ الَّذِينَ يَسْتَنْبِطُونَهُ مِنْهُمْ﴾ قال السائل ما ذلك الامر؟ قال علیه السلام الذي به تنزل

الملائكة فی الیلة التي یفرق فیها کل امر حکیم من خلق و رزق و اجل و عمل و حیاة و موت و عالم غیب السموات و الارض و المعجزات التي لا تنبغی الا الله و اصفیائه و السفارة بینہ و بین خلقه و هم وجه الله الذي قال فاینما تولوا فثم وجه الله هم بقیة الله یعنی المهدی عليه السلام الذي یاتی عند انقضاء هذه النظرة فیملاء الارض عدلا كما ملئت جورا و من آیاته الغیب و الاکتتام عند عموم الطغیان و حلول الانتقام و لو کان هذا الامر الذي عرفتک نبأه للنبی صلى الله علیه و آله دون غیره لکان الخطاب یدل علی فعل ماض غیر دائم و لا مستقبل و لقال نزلت الملائكة و فرق کل امر حکیم و لو یقل تنزل الملائكة و یفرق کل امر حکیم و الحدیث طویل یاتی انشاء الله تعالی فی آخر الكتاب بطوله.

طبرسی در احتجاج از حضرت امیرالمؤمنین عليه السلام در حدیثی طولانی می فرماید: که خداوند خواست که به حق قدرتش را آشکار کند و حاکمیتش را آغاز کند و دلایل حکمتش را تبیین کند پس آنچه را که می خواست، خلق کرد و خواست انجام دادن بعضی از امور را به دستان کسانی از بزرگان که آنها را انتخاب کرده بود پس کار آنها، کار خداوند بود و امر آنها، امر خداوند همچنان که می فرماید (هرکس رسول صلى الله علیه و آله را اطاعت کند از خداوند اطاعت کرده است.) آسمان و زمین ظرفی هستند برای کسی که می خواهد در آن آفریننده اش را تا ناپاک از پاک و ظاهر تمیز دهد. و علمش را بین دو گروه از اهالی آن دو (آسمان و زمین) سبقت داد. و آن را امثالی برای دوستانش و بزرگانش قرار داد و به آفرینندگانش برتری منزلت و شأن دوستانش را شناساند و به آنها طاعتشان را واجب کرد همان طور که آنرا بر خود واجب کرده است.

و آنها بندگان گرامی شان است که به گفتار و حرف سبقت نمی گیرند و آن ها کسانی هستند که به امر خداوند عمل می کنند و مردم را به قدرت آنها شناساند با گفته و (عالم الغیب) پس خداوند عالم غیبش را برای کسی آشکار نمی کند مگر کسی که برگزیده شد از حضرت رسول صلى الله علیه و آله.

نعمت داد خداوند به کسانی که پیروی کند اولیائش را. پس سؤال کند گفت (حجج) یعنی حجتها چه کسانی هستند؟ گفت ایشان رسول الله صلى الله علیه و آله و کسانی که برگزیده

خداوند و جانشین رسوا ﷺ می شوند و پس خداوند خودش و رسولش را همنشین آنها می کند و اطاعت و پیروی آنها را بر بندگان واجب می کند همان طور که اطاعت از خود را واجب می کند و خداوند می فرماید خدا و رسولش و صاحبان امرش را اطاعت کنید و همچنین می فرماید «أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ» سؤال کننده گفت موضوع چیست؟ خداوند فرشتگان را در شبی که در آن همه امور سرانجام مردم و رزق و روزی و مرگ و زندگی و عالم غیب آسمانها و زمین و معجزاتی که شایسته خداوند و برگزیده گانش می باشد، نازل فرمود (و فرشتگان بین خدا و بین بندگان) آنها وجه الهی هستند که فرمود هر کجا بنگری آنجا وجه خداوند است و آنها بقية الله یعنی حضرت مهدی (عج) که هنگام از بین بردن این نظر می آید پس زمین را پر از عدل می کند آن هنگام که ستم و ظلم زمین را پر کرده و از نشانه هایش غیب و پنهان داشتن همه طغیانها و گرفتن انتقام و اگر می گفت ينزل الملائكة و يفرق كل امر حكيم و این حدیث طولانی است ان شاء الله در آخر کتاب مفصلاً آورده می شود.

آیه دویت و یکم

● دخان و نزول عیسی علیه السلام و دجال و خروج آتش از یمن از علایم حتمی ظهور است.

خداوند در سوره دخان آیات ۱۰ الی ۱۳، می فرماید:

﴿فَارْتَقِبْ يَوْمَ تَأْتِي السَّمَاءُ بِدُخَانٍ مُّبِينٍ ۝ يَغْشَى النَّاسَ هَذَا عَذَابٌ أَلِيمٌ
 ۝ رَبَّنَا اكْشِفْ عَنَّا الْعَذَابَ إِنَّا مُؤْمِنُونَ ۝ أَتَى لَهُمُ الذِّكْرَىٰ وَقَدْ جَاءَهُمْ
 رَسُولٌ مُّبِينٌ﴾

پس چشم به راه باش روزی را که آسمان دودی آشکار آورد و این عذاب بسیار دردناک مردم را فرا گیرد. پروردگارا عذاب را از ما برطرف فرما که ما ایمان خواهیم آورد. چگونه امکان دارد اینان متذکر شوند (و ایمان آورند) در حالی که رسولی با حقانیت آشکار ایشان را بیاید (و باز به او ایمان نیاورده و نگرینند).

(۱) در کتاب الدر المنثور فی التفسیر المأثور از حافظ امام عبد الرحمن جلال الدین سیوطی مجلد ۷ صفحه ۴۰۶ در ذیل این آیه، آمده است:

و اخرج عبد بن حمید، عن محمد بن سیرین قال: قال ابن مسعود: كل ما وعدنا الله ورسوله فقد رأيناه غير أربع، طلوع الشمس بين مغربها و الدجال و دابة الارض و يأجوج و مأجوج. ابن مسعود در این روایت می گوید: خداوند و رسولش به چهار وعده حتمی اشاره فرموده اند: اول طلوع خورشید از مغرب دوم دجال سوم ظاهر شدن دابة الارض چهارم ظهور یا جوج و مأجوج.

(۲) در کتاب الدر المنثور فی التفسیر المأثور از حافظ امام عبد الرحمن جلال الدین سیوطی مجلد ۷ صفحه ۴۰۸ در ذیل این آیه، آمده است:

و اخرج ابن جرير، عن حذيفة بن اليمان مرفوعاً: اول الآيات الدخان و نزول عيسى و نار تخرج من قعر عدن.

سیوطی از محمد بن جریر طبری و ایشان از حذیفه بن یمان در تفسیر این آیات می‌گویند: اول آیات دخان است و نزول عیسی بن مریم علیه السلام از آسمان و خارج شدن آتش از قعر عدن.

(۳) در کتاب الدر المنثور فی التفسیر المأثور از حافظ امام عبد الرحمن جلال الدین سیوطی مجلد ۷ صفحه ۴۰۸ در ذیل این آیه، آمده است:

و اخرج ابن جریر و الطبرانی بسند، جيد عن ابی مالک الاشعری رضی الله عنه قال: قال رسول الله صلی الله علیه و آله: ان ربکم اندرکم ثلاثاً الدخان... و الثانية الدابة و الثالثة الدجال.

سیوطی از طبری و ایشان از جید و او از پدرش مالک اشعری روایت می‌کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: همانا پروردگار شما همه شما را از سه چیز می‌ترساند: اول دخان، دوم خروج دابة الارض و سوم خروج دخان.

(۴) در تفسیر صافی مجلد ۲ صفحه ۵۴۱، آمده است:

فی حدیث اشراط الساعة اول الآيات الدخان و نزول عیسی و نار تخرج من قعر عدن ابین تسوق الناس الی المحشر قبل و ما الدخان فتلا رسول الله صلی الله علیه و آله هذه الآية و قال یملاء ما بین المشرق و المغرب یمکث اربعین یوما و لیلة اما المؤمن فیصیبه کهيئة الزکام و اما الکافر فهو کالسكران ینخرج من منخریه و اذنیه و دبره اقول ابین بسکون الموحدة و فتح المثناة من تحت رجل ینسب الیه عدن.

در حدیث سه شرط ساعة اول آیات دخان و تنزیل عیسی علیه السلام و خروج آتش از قعر عدن.

مردم را به سوی محشر سوق می‌دهد و سؤال می‌شود که دخان چیست؟ پس حضرت رسول صلی الله علیه و آله این آیه را تلاوت می‌کند و می‌فرماید دخان آنچه که بین مشرق و مغرب است پرمی‌کند و جهل شبانه روز مکث می‌کند و پس شخص مؤمن به زکام دچار می‌شود و کافر همچون شخص مجنون در حالی که از سوراخ دماغش و گوشه‌هایش و پشتش دود خارج می‌شود.

(۵) در تفسیر صافی مجلد ۲ صفحه ۵۴۱، آمده است:

و فی الجوامع عن علی علیه السلام دخان یاتی من السماء قبل قیام الساعة یدخل فی اسماع الکفرة حتی یراس الراحد کالراس الحنیز و یرتری المؤمن منه کهیئة الزکام و یرکون الارض کلها کبیت او قد فیہ لیس فیہ خصاص یرتد ذلک اربعین یوما و القمی قال ذلک اذا خرجوا فی الرجعة.

در جوامع از حضرت علی علیه السلام آمده که دخان از آسمان قبل از قیامت می آید و در گوش کافران داخل می شود تا اینکه سر آنها همچون سر پخته شده می شود و مؤمن همچون شخص زکام شده است و همه زمین همچون خانه‌ای از آتش است که در آن شکافی ایجاد شده که ۴۰ روز امتداد داده می شود و قمی می گوید که مراد از آنها رجعت است.

آیه دویمت و دوم

● سه روز شیرین برای مؤمنین عبارت است از: روز قیام مهدی علیه السلام، روز رجعت، روز قیامت

خداوند در سوره جاثیه آیه ۱۴، می فرماید:

﴿قُلْ لِلَّذِينَ آمَنُوا يَغْفِرُوا لِلَّذِينَ لَا يَرْجُونَ أَيَّامَ اللَّهِ لِيَجْزِيَ قَوْمًا بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ﴾

(ای رسول خدا) بگو به کسانی که ایمان آورده اند بگذرند از کسانی که ایمان ندارند به بازگشت به ایام الله. تا (خداوند) جزا دهد قومی را به سبب آنچه مرتکب می شدند.

(۱) در کتاب ینابیع الموده نوشته حافظ قندوزی حنفی باب ۷۱ صفحه ۷۱، آمده است: ﴿قُلْ لِلَّذِينَ آمَنُوا يَغْفِرُوا لِلَّذِينَ لَا يَرْجُونَ أَيَّامَ اللَّهِ لِيَجْزِيَ﴾ عن الصادق علیه السلام قال ایام المرجو ثلاثة يوم قیام القائم المهدی علیه السلام و يوم الكرة و يوم القيامة و قد تقدم فی قوله تعالی و ذکرهم بايام الله فی سورة ابراهیم.

از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که فرمودند: ایام مرجو و امیدواری در آیه سه چیز است: اول روز قیام قائم موعود علیه السلام دوم روز رجعت و سوم روز قیامت کبری (و در سابق گفته شد در قول خداوند متعال و ذکرهم بايام الله در سوره ابراهیم).

(۲) در بحار الانوار مجلد ۵۳ صفحه ۶۳ حدیث ۵۳ به نقل از خصائص شیخ صدوق علیه السلام آمده است:

عن موسى الحنطاط قال سمعت ابا عبد الله علیه السلام يقول: ایام الله ثلاثة يوم يقوم القائم علیه السلام و يوم الكرة و يوم القيامة.

موسی الحنطاط می گوید که از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمودند: ایام الله سه روز است: اول روز قیام قائم (عج)، دوم روز رجعت و سوم روز قیامت.

اگر به این حدیث دقت کنیم مشاهده می کنیم که هم در قیام امام زمان (عج) و هم در رجعت و هم در قیامت کبری مردگان زنده شده و محشور می گردند. بنابراین بی ربط نیست که بگوییم، قیام امام زمان (عج) قیامت صغری است.

آیه دویست و سوم

● ائمه طاهرین و در حال حاضر امام زمان علیه السلام کتاب ناطق هستند.

خداوند در سوره جاثیه آیه ۲۹، می فرماید:

﴿هَذَا كِتَابُنَا يَنْطِقُ عَلَيْكُمْ بِالْحَقِّ﴾

این کتاب ماست که بر حق سخن بر ضرر شما می گوید.

* علامه مجلسی در بحار الانوار مجلد ۲۳ صفحه ۱۹۸ آورده است:

عن محمد البرقی، عن محمد بن سلیمان، عن ابی بصیر قال: قلت لابی عبد الله علیه السلام قوله تعالی: ﴿هَذَا كِتَابُنَا يَنْطِقُ عَلَيْكُمْ بِالْحَقِّ﴾ قال: ان الكتاب لا تنطق ولكن محمد و اهل بيته علیهم السلام هم الناطقون بالكتاب.

محمد برقی، از محمد بن سلیمان، از ابی بصیر نقل می کند که به حضرت صادق علیه السلام عرض کردم منظور کلام خداوند که می فرماید: «این کتاب ماست که بر حق سخن بر ضرر شما می گوید.» چیست؟ حضرت فرمودند: کتاب که سخن نمی گوید ولیکن (منظور از کتاب ناطق) محمد صلی الله علیه و آله و اهل بیت او علیهم السلام هستند که ناطقون می باشند (و کتاب ناطق هستند).

آیه دویت و چهارم

● نشانه‌هایی از قبل از ظهور

خداوند در سوره محمد ﷺ آیه ۱۸، می‌فرماید:

﴿فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ أَنْ تَأْتِيَهُمْ بَغْتَةً فَقَدْ جَاءَ أَشْرَاطُهَا فَأَنَّى لَهُمْ إِذَا جَاءَتْهُمْ ذِكْرَاهُمْ﴾

پس آیا جز ساعت را انتظار دارند که ناگهان بر آنان فرارسد، پس نشانه‌های آن آمده است. پس چه (سود می‌بخشد) یاد آوردن ایشان (حق را) آن‌گاه که (ساعت بر آنان آید).

همان‌طور که ما قبلاً اشاره کردیم کلمه «الساعة» قیامت است. منتهی ما دو قیامت داریم. اول قیامت صغری که قیام قائم موعود حجة ابن الحسن العسکری (عج) است. دوم قیامت کبری که همان برانگیخته شدن مردگان می‌باشد. این عقیده را هم اهل سنت بیان کرده‌اند هم شیعیان. مثلاً سیوطی در این زمینه و در ذیل همین آیه احادیث زیادی می‌آورد که این عقیده را اثبات می‌کند. مثلاً:

(۱) در کتاب الدر المنثور مجلد ۷ صفحه ۴۷۱، (در ذیل همین آیه)، آمده است:

و اخرج احمد و الطبرانی عن ابن عمر: سمعت رسول الله ﷺ يقول: ليكونن قبل يوم القيامة المسيح الدجال و كذابون ثلاثون أو أكثر.

احمد و طبرانی از عبدالله بن عمر نقل می‌کنند که از رسول خدا ﷺ شنیده‌ایم که آن حضرت می‌فرمودند: قبل از قیامت کبری مسیح عليه السلام و دجال و دروغگویان می‌آیند.

(۲) در کتاب الدر المنثور مجلد ۷ صفحه ۴۸۳، (ذیل همین آیه)، آمده است:

اخرج احمد عن ابي سعيد الخدري رضي الله عنه قال: قال رسول الله ﷺ: أبشركم بالمهدى يبعثه الله في امتي على اختلاف من الزمان و زلازل فيملا الأرض قسطاً و عدلاً كما ملئت جوراً و ظلماً و يرضى عنه ساكنو السماء و ساكنو الأرض يقسم الأرض ضحاحاً، فقال له رحل ما

ضحاحاً؟ قال: بالسویة بین الناس و یملاً قلوب امة محمد عنی و یسمعهم عدله حتی یأمر مناد منادی یقول: من كانت له فی مال حاجة فما یقوم من المسلمین الا رجل واحد. فیقول: ائت السادن یعنی الخازن فقل له: ان المهدی یامرک أن تعطینی مالاً فیقول له: أحت حتی اذا جعله فی حجره و ابرزه ندم فیقول: کنت اجشع امة محمد نفساً اذ عجز عنی ما وسعهم قال: فیرد فلا یقبل منه فیقال له: انا لا ناخذ شیئاً أعطیناه فیکون کذلک سبع سنین او ثمان سنین او تسع سنین ثم لاخیر فی العیش بعده قال: ثم لاخیر فی الحیاة بعد.

(این حدیث را امام احمد حنبل در مسند مجلد ۳ صفحه ۳۷ و جلد ۳ صفحه ۵۲ و منتخب کنز العمال نوشته متقی هندی مجلد ۶ صفحه ۲۹ و کتاب اسعاف الراغبین باب ۲ صفحه ۱۳۷ نوشته ابوالعرفان شیخ محمد بن صبان مالکی و نور الابصار نوشته شیخ الاسلام شبلینجی شافعی باب ۲ صفحه ۱۵۵ و صواعق المحرقة نوشته ابن حجر و ینابیع المودة نوشته خواجه کلان قندوزی حنفی صفحه ۴۶۹ نیز آمده است.)

ابوسعید خدری می گوید: مژده باد بر شما بر انقلاب و قیام مهدی، خداوند او را برمی انگیزاند در میان امت من در زمانی که آن‌ها در اختلاف به سر می برند و زلزله‌هایی خواهد آمد. خداوند زمین را به او پراز قسط و عدل می کند همان طوری که پراز ظلم و جور شده بود و زمانی که او قیام می کند ساکنین آسمان و زمین از آمدن او راضی و خشنود می شوند. او زمین را براساس ضحاحا تقسیم می کند. مردی از رسول خدا ﷺ سؤال کرد: ضحاحا چیست؟ حضرت فرمودند: او به طور مساوی و براساس (عدل) تقسیم می کند. (و چون حکومت او ثبات دارد) دل‌های امت محمد پراز غنا و بی نیازی می شود و عدل او در همه جا گسترش می یابد تا جایی که منادی صدا می زند هر که هر حاجتی دارد و ثروت می خواهد بیاید و بگیرد و کسی نمی آید مگر مردی نزد او می آید. حضرت او را پیش خادم و خزانة دار خود می فرستد و او می گوید: من فرستاده مهدی ﷺ هستم تا به من مال بدهی. خادم و خزانة دار می گوید: برو هر قدر می خواهی بردار. او می رود و آن قدر برمی دارد که نمی تواند حمل کند. بعد بیرون می آید و می گوید: این چه کاری بود که من کردم؟ من از همه طمع کارتر هستم زیرا همه آن‌ها را

خواندند و کسی توجه نکرد و نیامد، جز من. او برمی‌گردد، می‌خواهد آن را پس بدهد. خزانه‌دار می‌گوید: ما هرچه داده‌ایم دیگر پس نمی‌گیریم آن جناب درنگ می‌کند هفت یا هشت یا نه سال و بعد از او خیری در زندگی نخواهد بود.

(۳) امام احمد حنبل در مسند و ابوداود در صحیح و حافظ سیوطی در الدرالمنثور مجلد ۷ صفحه ۴۸۳، آورده‌اند:

و اخرج احمد و ابوداود عن ابی سعید الخدری رضی الله عنه قال رسول الله ﷺ: لا تقوم الساعة حتی یملك الارض رجل من اهل بیتی اجلی اُقتنی و لفظ ابی داود المهدی من اجلی الجبهه اُقتنی الانف یملاً الارض قسطاً و عدلاً كما ملئت قبله جوراً و ظلماً و یموت سبع سنین.

احمد و ابوداود از ابی سعید خدری رضی الله عنه نقل می‌کنند که رسول الله ﷺ فرمودند: قیامت برپا نمی‌شود مگر اینکه مردی از اهل بیت من حاکم و مالک و فرمانروای کل کره زمین شود و او دارای بینی کشیده است. و ابی داود آورده است که رسول خدا ﷺ فرمودند: مهدی از من (دوازده نواده من است). او دارای پیشانی بلند و بینی کشیده است. زمین را پر از عدل و داد می‌کند همان طوری که قبل از او پر از ظلم و جور شده بود و او هفت سال می‌ماند.

(۴) حافظ سیوطی در الدر المنثور مجلد ۷ صفحه ۴۸۳، در ذیل همین آیه آورده است:

و اخرج احمد و الترمذی و حسنه و ابن ماجه عن ابی سعید الخدری رضی الله عنه عن النبی ﷺ قال: یموت المهدی فی امتی خمساً او سبعاً - شک ابوالجوری - قلنا ای شیء قال: سنین، ثم یرسل السماء علیهم مدراراً و لا تدخر الارض من بناتها شیئاً و یموت المال کرساً یموت الرجل الیه فیقول یا مهدی اعطنی اعطنی فیحیی له فی ثوبه ما استطاع ان یموت.

(۵) حافظ سیوطی در الدر المنثور مجلد ۷ صفحه ۴۸۳، در ذیل همین آیه آورده است:

و اخرج احمد و مسلم: یموت فی آخر الزمان خلیفة یموت المال و لا یعده.

(۶) حافظ سیوطی در الدرالمشور مجلد ۷ صفحه ۴۸۴ در ذیل همین آیه آورده است:

و اخرج ابن ابی شیبہ عن ابی سعید الخدری رضی اللہ عنہ عن النبی صلی اللہ علیہ وسلم قال: یخرج فی آخر الزمان خلیفة ینعطی الحق بغير عدد.

ابو سعید خدری رضی اللہ عنہ نقل می کند که رسول الله صلی اللہ علیہ وسلم فرمودند: در آخر الزمان خلیفه ای خواهد آمد که حق را بسیار زیاد و بدون عدد می دهد.

(۷) حافظ سیوطی در الدرالمشور مجلد ۷ صفحه ۴۸۴، آورده است:

و اخرج ابن ابی شیبہ عن ابی سعید الخدری رضی اللہ عنہ قال: قال رسول الله صلی اللہ علیہ وسلم: یخرج رجل من اهل بیتی عند انقطاع من الزمان و ظهور من الفتن ینکون عطاؤه حیثا.

ابو سعید خدری رضی اللہ عنہ نقل می کند که رسول الله صلی اللہ علیہ وسلم فرمودند: قیام می کند مردی از اهل بیت من در زمانی که فتنه ها بسیار زیاد شده است و بسیار می بخشند.

(۸) در کتاب الدرالمشور مجلد ۷ صفحه ۴۸۴، (در ذیل همین آیه)، آمده است:

و اخرج ابن ابی شیبہ و احمد و ابوداود عن علی رضی الله عنه قال: قال رسول الله صلی اللہ علیہ وسلم: لو لم یبق من الدنیا الا یوم، لیبعث الله رجلاً منا یملوها عدلاً كما ملئت جوراً.

امیرالمؤمنین از رسول خدا صلی اللہ علیہ وسلم نقل می کند: اگر از عمر دنیا جز یک روز باقی نماند، خداوند در آن روز مبعوث می کند مردی را از ما که جهان را پر از عدل و داد می کند همان طوری که پر از جور شده بود.

(۹) حافظ سیوطی در الدرالمشور مجلد ۷ صفحه ۴۸۴، در ذیل همین آیه آورده است:

و اخرج ابن ابی شیبہ و احمد و ابن ماجه، عن علی رضی اللہ عنہ قال: قال رسول الله صلی اللہ علیہ وسلم: المهدی منّا اهل البیت ینصلحه الله فی لیلۃ.

ابن ابی شیبہ و احمد و ابن ماجه، از علی رضی اللہ عنہ نقل می کنند که رسول خدا صلی اللہ علیہ وسلم فرمودند: مهدی (عج) از ما اهل بیت است. خداوند به وسیله او در یک شب کار جامعه را اصلاح می کند.

(۱۰) حافظ سیوطی در الدر المنثور مجلد ۷ صفحه ۴۸۴، در ذیل همین آیه آورده است:

و اخرج ابی داود و ابن ماجه و الطبرانی و الحاکم، عن ام سلمه رضی الله عنها: سمعت رسول الله ﷺ يقول: المهدی من عترتی و من ولد فاطمة.

ابی داود و ابن ماجه و طبرانی و حاکم از ام سلمه رضی الله عنها نقل می کنند که می گوید شنیدم از رسول الله ﷺ که فرمودند: مهدی از عترت و خانواده من است. او از فرزندان فاطمه علیها السلام است.

حافظ سیوطی در الدر المنثور جلد ۷ از صفحه ۴۶۷ الی ۴۹۲، در ذیل این آیه به بحث می پردازد و در این صفحات از احادیث نبوی استخراج می شود که قبل از قیامت کبری مهدی موعود (عج) قیام می کند.

۱. مهدی موعود (عج) قیام می کند.

۲. مهدی (عج) از رسول خدا ﷺ است.

۳. مهدی علیه السلام از اهل بیت رسول خدا ﷺ است.

۴. مهدی علیه السلام از فرزندان فاطمه علیها السلام دختر رسول خدا ﷺ است.

۵. رسول خدا ﷺ می فرماید: ابشکم بالمهدی (عج): شما را مژده و بشارت می دهم به مهدی (عج).

۶. خداوند مهدی علیه السلام را مبعوث در میان امت اسلامی می فرماید: یبعثه الله فی امتی.

۷. مهدی (عج) بینی کشیده ای دارد.

۸. مهدی (عج) دارای پیشانی بلند است.

۹. مهدی (عج) خلیفه الله فی الارض است.

۱۰. اگر از عمر دنیا جز یک روز باقی نماند، خداوند آن روز را طولانی می کند تا مهدی (عج) قیام نماید.

۱۱. قبل از قیامت کبری در هنگام قیام قائم موعود، حضرت مسیح علیه السلام نازل خواهد

۱۲. قبل از قیام مهدی (عج) دجال قیام می کند.

۱۳. قبل از قیام مهدی (عج) فتنه ها ظاهر می شود مانند: گواهی کاذب پذیرفته می شود. خائن در امنیت کامل به سر می برد و افراد امین را خائن می دانند. در بازارها فاسقین و فجار به داد و ستد می پردازند. قلب ها خراب می شود. مرد به مرد و زن به زن اکتفا می کند. دنیا رو به خرابی می رود. فتنه ها ظاهر می شود. رباخواری عادی می شود و شرب خمر آشکار می گردد.

به هر حال سیوطی حدود صد حدیث در ذیل این آیه درباره مهدی موعود علیه السلام می آورد.

(۱۱) در کتاب الهدایة صفحه ۳۹۲ و ۳۹۳، آمده است:

الحسین بن حمدان الحضین قال: حدثنا محمد بن اسماعیل و علی بن عبدالله الحسینیان، عن ابی شعیب محمد بن نصیر، عن عمر بن الوان، عن محمد بن الفضل، عن المفضل بن عمر قال: سألت سیدی اباعبدالله الصادق علیه السلام: هل للمأمول المنتظر المهدي علیه السلام وقت موقت تعلمه الناس؟ فقال: حاش لله ان یوقت له وقتاً، قال: قلت مولای و لم ذلك؟ قال: لانه الساعة التي قال الله تعالی: ﴿يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَاهَا قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ رَبِّي لَا يُجَلِّيهَا لِوَقْتِهَا إِلَّا هُوَ ثَقُلَتْ فِي السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ لَا تَأْتِيكُمْ إِلَّا بَغْتَةً يَسْأَلُونَكَ كَأَنَّكَ حَفِيٌّ عَنْهَا قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ اللَّهِ وَ لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ﴾ قوله: ﴿عِنْدَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ﴾ و لم یقل عند احد دونها و قوله: ﴿فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ أَنْ تَأْتِيَهُمْ بَغْتَةً فَقَدْ جَاءَ أَشْرَاطُهَا فَأَنَّى لَهُمْ إِذَا جَاءَتْهُمْ ذِكْرَاهُمْ﴾ و قوله: ﴿إِقْتَرَبَتِ السَّاعَةُ وَ أَنْشَقَّ الْقَمَرُ﴾ و قوله: ﴿وَ مَا يُدْرِيكَ لَعَلَّ السَّاعَةَ قَرِيبٌ ۝ يَسْتَعْجِلُ بِهَا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِهَا وَ الَّذِينَ آمَنُوا مُشْفِقُونَ مِنْهَا وَ يَعْلَمُونَ أَنَّهَا الْحَقُّ إِلَّا الَّذِينَ يُمارُونَ فِي السَّاعَةِ لَفِي ضَلَالٍ بَعِيدٍ﴾ قلت: یا مولای ما معنی یمارون؟ قال: یقولون متی ولد؟ و من رآه؟ و این هو؟ و متی یظهر؟ کلّ ذلك استعجالاً لامره و شكاً فی قضائه و قدرته [اولئك الذين خسروا انفسهم فی الدنيا و الآخرة و إنّ للكافرين لشرّ مآب. قال المفضل: یا مولای فلا توقت له وقتاً؟ قال: یا مفضل لا توقت فانّ من وقت لمهدینا وقتاً فقد شارك الله فی علمه و ادّعی انه اظهره علی علمه و سرّه.

حسین بن حمدان حضین گوید: حدیث کرد ما را محمد بن اسماعیل و علی بن عبدالله حسنی، از ابی شعیب محمد بن نصیر، از عمر بن الوان، از محمد بن فضل، از مفضل بن عمر که گفت: از آقایم حضرت اباعبدالله امام صادق علیه السلام پرسیدم: آیا برای امید منتظر مهدی علیه السلام وقت معینی است که مردم آن را بدانند؟ فرمود: حاشا که خداوند وقتی برای آن تعیین فرماید. گوید: عرضه داشتم برای چه ای مولای من؟ فرمود: زیرا آن همان ساعت است که خدای تعالی فرموده: «از تو درباره هنگام ساعت می پرسند که چه وقت خواهد بود، بگو البته علم آن نزد پروردگار من است. کسی جز او آن ساعت را ظاهر و روشن نتواند کرد [شأن و عظمت] آن ساعت در آسمانها و زمین بسی سنگین است. جز به طور ناگهانی شما را نیاید. از تو می پرسند گویی که تو کاملاً بدان آگاهی. بگو علم آن ساعت فقط نزد خداوند است اما بیشتر مردم [این حقیقت را] نمی دانند.» و فرموده: «و علم ساعت نزد اوست» و فرموده نزد کس دیگری غیر او. و نیز فرموده: «آیا [ناگروندگان] جز این انتظار دارند که آن ساعت بناگاه آنان را فرا رسد که شرایط و علایم آن [هم اکنون] آمده و پس از آن دیگر تذکرشان چه سودی به حالشان دارد؟» و باز فرموده: «آن ساعت نزدیک آمد و ماه شکافته شد» و فرموده: «و تو چه دانی شاید که آن ساعت نزدیک باشد، آنان که به ساعت ایمان ندارند [از روی تمسخر] تقاضای زودتر شدن آن را دارند و [اما آنان که ایمان آورده اند از آن ساعت، سخت بیمناک هستند و می دانند که آن روز بر حق است. توجه کنید آنان که درباره ساعت جدال می کنند در گمراهی دوری هستند.» عرض کردم: ای مولای من معنی «بیمارون: جدال می کنند» چیست؟ حضرت فرمودند: می گویند: قائم کی متولد شده و چه کسی او را دیده و در کجاست و کی ظاهر می شود؟ تمام اینها از جهت عجله کردن در امر خداوند و شک در قضای الهی است. آنان در دنیا و آخرت زیان کرده اند و پایان بد از آن کافران است.

مفضل گوید: عرضه داشتم ای مولای من، پس وقتی برای آن تعیین نمی کنید؟ فرمود: ای مفضل برای آن وقتی مگذار که هر کس برای ظهور، وقت تعیین کند، مدعی شده که خدای تعالی او را از اسرار خویش آگاه ساخته است.

آیه دویت و پنجم

● در حکومت امام زمان (عج) انسان‌های ناخالص به هلاکت خواهند رسید.

خداوند در سوره فتح آیه ۲۵، می‌فرماید:

﴿لَوْ تَزَيَّلُوا لَعَذَّبْنَا الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَاباً أَلِيماً﴾

اگر آنان (کافر و مؤمن) از هم جدا می‌گشتند، همانا افرادی از ایشان را به عذابی دردناک معذب می‌ساختیم.

(۱) در کتاب ینابیع المودة باب ۷۱ صفحه ۴۲۸، آمده است:

و فی سوره الفتح ﴿لَوْ تَزَيَّلُوا لَعَذَّبْنَا الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَاباً أَلِيماً﴾ عن الصادق علیه السلام

قال فی هذه الآیة ان الله ودایع مؤمنین فی اصلاب قوم کافرین و منافقین و قائمنا لن ینظر حتی تخرج ودائع الله فاذا خرجت ظهر فیقتل الکافر و المنافقین.

در سوره فتح آمده است: «اگر آنان (کافر و مؤمن) از هم جدا می‌گشتند، همانا افرادی از ایشان را به عذابی دردناک معذب می‌ساختیم.» حضرت صادق علیه السلام فرمودند: در مورد این آیه که خداوند ودایعی در صلب کفار و منافقین قرار داده است که این ودایع، مؤمنین هستند و هرگز قائم ما ظهور نخواهد کرد تا ودایع خداوند بیرون آیند و زمانی که این مؤمنین از صلب کفار و منافقین بیرون آیند و ظاهر و آشکار شوند، او کافران و منافقان را می‌کشد.

(۲) در کمال الدین شیخ صدوق مجلد ۲ صفحه ۳۵۵ حدیث ۱، آمده است:

حدثنا جعفر بن محمد بن مسرور رضی الله عنه قال: حدثنا الحسن بن محمد بن عامر، عن عمه

عبدالله بن عامر، عن محمد بن ابی عمیر، عن ذکره، عن ابی عبد الله علیه السلام قال: قلت له ما بال

امیر المؤمنین علیه السلام لم یقاتل مخالفیه فی (فلاناً و فلاناً) الاول قال لانه فی کتاب الله تعالی: ﴿لَوْ

تَزَيَّلُوا لَعَذَّبْنَا الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَاباً أَلِيماً﴾ قال: قلت و ما یعنی تزیلهم قال ودائع

مؤمنون فی اصلاب قوم کافرین و كذلك القائم علیه السلام لم ینظر ابدا حتی یخرج ودائع الله

عزوجل فاذا خرجت ظهر علی من ظهر من اعداء الله عزوجل فقتلهم.

راوی گوید به امام ششم گفتیم چرا امیرالمؤمنین در آغاز با مخالفان خود نجنگید؟ فرمود: چون در کتاب خداست که: «اگر آنان (کافر و مؤمن) از هم جدا می‌گشتند، همانا افرادی از ایشان را به عذابی دردناک معذب می‌ساختیم.» گوید که عرض کردم مقصود از پاک شدن آنها چیست؟ فرمود: بیرون شدن مؤمنانی که به طور امانت در اصلاب کافرانند و همچنان است حضرت قائم علیه السلام هرگز ظهور نکند تا ودایع خدای عزوجل بیرون آید و چون بیرون آمد بر آنان که از دشمنان خداوند، ظاهر شود و آنها را بکشد.

(۳) در کتاب تفسیر قمی مجلد ۲ صفحه ۳۱۶، آمده است:

علی بن ابراهیم قال: حدثنا احمد بن علی قال حدثنا الحسين بن عبد الله السعدي قال: حدثنا الحسن بن موسى الخشاب، عن عبد الله بن الحسن [الحسين]، عن بعض اصحابه، عن فلان الكرخي قال: قال رجل لابي عبد الله عليه السلام: الم يكن علي عليه السلام قويا في بدنه قويا بامر [في امر] الله؟ قال ابو عبد الله عليه السلام: بلى، قال [له] فما منعه الا يدفع او يمتنع؟ قال عليه السلام: سالت فافهم الجواب، منع علياً من ذلك آية من كتاب الله، فقال: و اي آية؟ فقرا: ﴿لَوْ تَزَيَّلُوا لَعَذَّبْنَا الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَاباً أَلِيماً﴾ انه كان لله ودائع مؤمنين في اصلاب قوم كافرين و منافقين، فلم يكن علي عليه السلام ليقتل الاباء حتي تخرج الودائع، فلما خرج ظهر علي من ظهر و قتله.

و كذلك قائمنا اهل البيت لن [لم] يظهر ابدا حتى تخرج ودائع الله فاذا خرجت ظهر علي من ظهر فيقتله.

علی بن ابراهیم گوید حدیث کرد برایمان احمد بن علی، وی از حسین بن عبد الله سعدي، وی گوید حدیث کرد ما را حسن بن موسی خشاب، از عبد الله بن حسن [حسین]، از بعض اصحابش، از فلان الکرخی که گفت: مردی به امام صادق علیه السلام عرضه داشت: آیا حضرت علی علیه السلام از لحاظ بدن نیرومند نبود؟ و به امر [در امر] خداوند قوی نبود؟ امام صادق علیه السلام فرمودند: چرا، آن مرد عرض کرد: پس چه چیز او را باز داشت از اینکه [از حقش] دفاع کند یا [از غضب حقش] جلوگیری نماید؟ حضرت فرمود: سؤال کردی پس جواب را بفهم. یک آیه از کتاب خدا علی علیه السلام را از این کار بازداشت. پرسید:

کدام آیه؟ حضرت این آیه را خواندند: «اگر آنان (کافر و مؤمن) از هم جدا می‌گشتند، همانا افرادی از ایشان را به عذابی دردناک معذب می‌ساختیم.» همانا خداوند را سپرده‌های مؤمنی بود در اصلاب قومی کافر و منافق که حضرت علی علیه السلام پدران را نمی‌گشت تا اینکه آن سپرده‌ها بیرون آیند و چون آن‌ها بیرون آمدند به قتال منحرفان پرداخت.

همین طور است قائم ما اهل بیت که هیچ‌گاه ظاهر نخواهد شد تا اینکه ودایع و سپرده‌های الهی بیرون آیند. پس چون خارج شدند بر کسانی که بنا هست ظاهر گردد [معاندان] را به قتل رسانند.

در اینجا بد نیست که به یک نکته ظریف اشاره کنیم و آن این است که رسول خدا صلی الله علیه و آله ابوجهل را نفرین نمی‌فرمودند با وجود اینکه او بسیار پیامبر را مورد اذیت و آزار قرار می‌داد تا اینکه یک‌سال به جنگ بدر مانده بود و ابوجهل دارای فرزند پسری شد به نام اکرمه. سپس در جنگ بدر ابوجهل کشته شد. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند که ما منتظر بودیم این فرزند به دنیا بیاید که از صالحین است و در صلب ابوجهل قرار داشت. و باز امیرالمؤمنین علیه السلام در جنگ‌ها بسیاری از افراد در مقابل شمشیرشان قرار می‌گرفتند و آن حضرت به راحتی می‌توانست آن‌ها را به درک واصل نماید ولی این کار را نمی‌کردند و موقعی که سؤال می‌شد یا امیرالمؤمنین چرا او را نکشتید، حضرت می‌فرمودند: فرزند خوبی در صلب او به دنیا خواهد آمد.

درباره حضرت بقیه الله (عج) می‌خوانیم که ایشان با شمشیر قیام می‌فرماید و افرادی که حتی یک ذر صد قابل هدایت نیستند را به قتل خواهد رسانید زیرا در طول تاریخ انبیاء و امامان، همیشه طاغوتیان و ظالمان و جانیان سد راه آن‌ها بودند. حضرت دیگر نمی‌ایستد تا آن‌ها به شیطنت خود ادامه دهند. آن‌ها را نابود خواهند فرمود و این زمانی است که قرآن کریم می‌فرماید:

﴿لَوْ تَزَيَّلُوا لَعَذَّبْنَا الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَاباً أَلِيماً﴾

و کسی که به دست امم زمان (عج) کشته شود در ﴿عَذَاباً أَلِيماً﴾ قرار خواهد گرفت.

آیه دویست و ششم

● در زمان حکومت قائم آل محمد (عج) اسلام، جهانی می شود و امنیت سراسر جهان را فرا خواهد گرفت.

خداوند در سوره فتح آیه ۲۸، می فرماید:

﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَ دِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ كَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا﴾

و اوست آن خدایی که رسولش را با هدایت و دین حق فرستاد تا او را بر همه دین ها و ادیان مسلط و غالب گرداند.

(۱) حافظ گنجی شافعی در کتاب البیان فی اخبار صاحب الزمان صفحه ۷۳ و علامه شبلینجی شافعی در کتاب نورالابصار آورده اند:

عن سعید بن جبیر فی تفسیر قوله تعالی: ﴿لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ﴾ قال هو المهدي من ولد فاطمه (رضی الله عنهما).

سعید بن جبیر در مورد فرموده خداوند «(سرانجام) این پیامبر (دینش) بر همه ادیان مسلط و غالب می گردد.» گفت این آیه درباره مهدی است (که به دست او دین اسلام چیره و غالب خواهد شد.) و او از فرزندان فاطمه (رضی الله عنهما) است.

(۲) در کتاب کمال الدین و تمام النعمة مجلد ۲ صفحه ۳۸۶ باب ۶۲ (نوادر الكتاب) حدیث ۱۶، آمده است:

حدثنا محمد بن موسى المتوكل رضی الله عنه قال: حدثنا علي بن الحسين السعد آبادی، عن احمد بن ابی عبدالله البرقی، عن ابيه، عن محمد بن ابی عمیر، عن علی بن ابی حمزة، عن ابی بصیر قال: قال ابو عبدالله عليه السلام فی قول الله عزوجل: ﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَ دِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ﴾

فقال و الله ما نزل تأویلها بعد و لا ینزل تأویلها حتی ینزل القائم عجل الله فرجه فاذا خرج القائم لم یبق کافر بالله العظیم و لا مشرک بالامام الا کره خروجه حتی ان لو کان کافراً او مشرکاً فی بطن صخرة لقاتل یا مؤمن فی بطنی کافر فاکسرنی و اقتله.

ابابصیر گوید امام ششم عجل الله فرجه در تفسیر قول خداوند عزوجل (در سوره توبه آیه ۳۳) «اوست آنچه آنچنان کسی که فرستاد رسول خود را برای رهبری و دین درست تا او را بر همه دین ها چیره کند. اگرچه شرکان را بد آید.» فرمود: به خدا سوگند هنوز تأویلش فرود نیاید تا قائم عجل الله فرجه ظهور کند و چون قائم عجل الله فرجه ظهور کند کافری به خدای بزرگ به جا نماند و هیچ مشرکی به امام نباشد جز آنکه از ظهور او بدش آید تا آنجا که اگر کافر یا مشرکی در دل سنگی باشد آن سنگ فریاد کشد ای مؤمن در دل من کافری است؛ آن را بشکن و او را بکش.

(۳) در کتاب منتخب الاثر فصل ۲ باب ۱ صفحه ۱۶۱ حدیث ۵۹، آمده است:

فی تفسیر قوله تعالی: **لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ** فی سورة التوبة قال ابو جعفر عجل الله فرجه: انّ ذلك یكون عند خروج المهدي من آل محمد عجل الله فرجه فلا یبقی احد الا اقرّ بمحمد عجل الله فرجه و قال فی مفاتیح الغیب «التفسیر الکبیر» فی تفسیرها قال السدی: عند خروج المهدي و قال فی السراج المنیر فی تفسیرها ایضاً قال السدی: ذلك عند خروج المهدي.

در کتاب منتخب الاثر درباره تفسیر آیه **لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ** در سوره توبه آمده است که حضرت امام محمد باقر عجل الله فرجه فرمودند: این در زمان ظهور مهدی (موعود) قرآن محمد عجل الله فرجه است که در آن زمان هیچ فردی باقی نمی ماند مگر آنکه (به نبوت) حضرت محمد عجل الله فرجه اقرار خواهد کرد (و امام فخر رازی) در تفسیر مفاتیح الغیب و تفسیر الکبیر در تفسیر این آیه از سدی آورده است که (تأویل این آیه) در زمان قیام مهدی خواهد بود و گفتا شده است در کتاب سراج المنیر در تفسیر این آیه از قول سدی که (تأویل این آیه) در زمان قیام مهدی است.

(۴) در کتاب منتخب الاثر فصل ۲ باب ۳۵ صفحه ۲۹۴ حدیث ۴، آمده است:
 قال: حدثنا جعفر بن احمد معنعناً، عن ابي عبد الله عليه السلام: ﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ
 بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ
 الْمُشْرِكُونَ﴾ قال: اذا خرج القائم لم يبق مشرك بالله العظيم ولا كافر الا كره خروجه حتى
 لو كان في بطن صخرة لقالت الصخرة: يا مؤمن فيّ مشرك فاكسرنى واقتله، وروي نحوه في
 ينابيع المودة، عن ابي بصير و سماعة عن الصادق عليه السلام و في البحار، عن كنز جامع الفوائد
 بسنده، عن ابي بصير عنه عليه السلام.

حضرت صادق عليه السلام فرمودند: درباره این آیه ﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَ
 دِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ﴾
 هنگامی که قیام نماید قائم (موعود) باقی نماند مشرکی به خداوند عظیم و یا کافری
 مگر اینکه (یا ایمان می آورند و اگر ایمان نیاوردند و در درون سنگی مخفی شوند) آن
 سنگ به زبان آمده و می گوید: ای مؤمن مرا بشکن و کافر را که در درون من است هلاک
 کن و نظیر این روایت در ینابیع المودة از ابي بصير و سماعة از امام صادق عليه السلام آمده است
 و در بحار الانوار این حدیث از کتاب جامع الفوائد به سند خودش از ابا بصير از حضرت
 صادق عليه السلام آمده است.

(۵) در کتاب منتخب الاثر فصل ۲ باب ۳۵ صفحه ۲۹۵ حدیث ۱۰، آمده است:

کنز جامع الفوائد، عن يوسف بن يعقوب، عن محمد بن ابي بكر المقرئ، عن نعيم بن
 سليمان، عن ليث، عن مجاهد، عن ابن عباس في قوله تعالى ﴿لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ
 لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ﴾ قال: لا يكون ذلك حتى لا يبقى يهودي و لا نصراني و لا صاحب
 ملة الا دخل في الاسلام حتى يأمن الشاة و الذئب و البقر و الاسد و الانسان و الحية، و حتى لا
 تقرض فارة جراباً، و حتى توضع الجزية و يكسر الصليب و يقتل الخنزير و ذلك قوله ﴿لِيُظْهِرَهُ
 عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ﴾ و رواه في ينابيع المودة صفحه ۴۲۳ مختصراً.

در کتاب کنز جامع الفوائد از یوسف بن یعقوب، از محمد بن ابی بکر مقری، از نعیم بن سلیمان، از لیث، از مجاهد، از ابن عباس درباره قول خداوند: ﴿لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ﴾ آورده است که مجاهد و ابن عباس گفتند: (تأویل این آیه نمی آید) مگر اینکه بانی نماز یک یهودی و یا یک نصرانی و مسیحی و یا فردی از یک ملت دیگر مگر اینکه همه در اسلام در آیند (یعنی همه مسلمان خواهند شد.) و در آن حکومت (همه حیوانات) حتی گوسفند و گاو و شیر و انسان و ماهی های دریا (حیوانات برّ و بحر و انسانها) همه در امنیت خواهند بود و در آن زمان اسلام بر همه ادیان غالب می شود هر چند مشرکان کراهت داشته باشند: ﴿لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ﴾ و این حدیث در ینابیع المودة صفحه ۴۲۳ نیز آمده است.

آیه دوپست و هفتم

● در هنگام ظهور قائم آل محمد (عج) صیحه آسمانی و ندای منادی به نام آن بزرگوار شنیده می‌شود.

خداوند در سوره ق آیات ۴۱ و ۴۲، می‌فرماید:

﴿وَأَسْمِعُ يَوْمَ يُنَادِ الْمُنَادِ مِنْ مَكَانٍ قَرِيبٍ ۝ يَوْمَ يَسْمَعُونَ الصَّيْحَةَ بِالْحَقِّ ذَلِكَ يَوْمُ الْخُرُوجِ﴾

و آن روزی که منادی حق از جای نزدیکی ندا خواهد کرد، گوش فرا دار. روزی که آن صیحه را به حق بشنوند و آن هنگام روز خروج و قیام و انقلاب است.

(۱) حافظ سلیمان بن ابراهیم قندوزی حنفی در ینابیع المودة باب ۷۱ صفحه ۴۲۹ چنین آورده است:

و فی سوره ق: ﴿وَأَسْمِعُ يَوْمَ يُنَادِ الْمُنَادِ مِنْ مَكَانٍ قَرِيبٍ ۝ يَوْمَ يَسْمَعُونَ الصَّيْحَةَ بِالْحَقِّ ذَلِكَ بَرُّمُ الْخُرُوجِ﴾ عن الصادق عليه السلام قال: یناد المنادی باسم القائم و اسم ابیه علیهما السلام و الصیحه فی هذه الآیه صیحه من السماء و ذلك یوم خروج القائم عليه السلام.

در سوره ق: «و آن روزی که منادی حق از جای نزدیکی ندا خواهد کرد، گوش فرا دار. روزی که آن صیحه را به حق بشنوند و آن هنگام روز خروج و قیام و انقلاب است.» حضرت صادق عليه السلام در این باره فرمودند: منادی در آن روز ندا می‌کند به اسم قائم و به اسم پدرش عليه السلام و صیحه در این آیه صیحه آسمانی است که در روز خروج قائم عليه السلام است.

(۲) حافظ سلیمان بن ابراهیم قندوزی حنفی در ینابیع المودة باب ۷۸ صفحه ۴۴۸، چنین آورده است: (به نقل از کتاب فرائد السمطین حافظ محمد بن ابراهیم جوینی حموی شافعی).

و فیہ عن الحسن بن خالد قال: قال علی بن موسی الرضا عليه السلام لا دین لمن لا ورع له و ان

اکرمکم عندالله اتقیکم ای اعملکم بالتقوی ثم قال ان الرابع من ولدی ابن سیده الاماء یظهر الله به الارض من کل جور و ظلم و هو الذی یشک الناس فی ولادته و هو صاحب الغیبة فاذا خرج اشرفت الارض بنور ربها و وضع میزان العدل بین الناس فلا یظلم احدا احداً و هو الذی تطوی له الارض و لا یشکون له ظل و هو الذی ینادی مناد من السماء یسمعه جمیع اهل الارض الا ان حجة الله قد ظهر عند بیت الله فاتبعوه فان الحق فیہ و معه و هو قول الله عزوجل ان نشاء نزل علیهم آیة من السماء فظلت اعناقهم لها خاضعین و قول الله عزوجل ﴿وَاسْتَمِعْ یَوْمَ یُنَادِ الْمُنَادِ مِنْ مَّكَانٍ قَرِیبٍ ۝ یَوْمَ یَسْمَعُونَ الصَّیْحَةَ بِالْحَقِّ ذَٰلِكَ یَوْمُ الْخُرُوجِ﴾ ای خروج ولدی القائم المهدی علیه السلام .

حافظ قندوزی حنفی . نقل از کتاب فرائد السمطین می گوید: از حسن بن خالد که علی بن موسی الرضا رضی الله عنه فرمودند: هر کس که ورع ندارد دین ندارد. گرامی ترین مردم نزد خداوند با تقواترین آنهاست یعنی عمل کننده ترین شما به تقوی. سپس فرمودند: فرزند چهارم از فرزندان من پسر سیده کنیزان است. خداوند پاک می کند به وسیله او زمین را از ظلم و جور. او همان کسی است که مردم در ولادتش شک می کنند و همان اوست که صاحب غیبتی (طولانی) است و زمانی که قیام می کند، خداوند با قیامش زمین را روشن می کند و او میان مردم میزان عدل را برقرار می کند و هیچکس به کس دیگر ظلم و جور روا نمی دارد و همان اوست که دارای طی الارض است و زمین از زیر پاهای او پیچیده می شود. او سایه ندارد (نور او همه انوار را مغلوب می کند.) و همان اوست که (هنگام خروجش) منادی از آسمان ندا می کند که تمام اهل زمین این ندا را می شنوند که: آگاه باشید حجت خداوند ظاهر شده است در کنار خانه خداوند. شما از او پیروی کنید و به راستی (بدانید) او حق است و با حق است (الحق فیہ و معه) و این گفتار خداوند تبارک و تعالی است (در سوره شعرا آیه ۲) اگر خواهیم فرستیم بر آنها از آسمان آیتی را (و زمانی که مردم این نشانه ها را ببینند) در مقابل آن حضرت به خضوع و خشوع در می آیند. و نیز در سوره ق آمده است: «و آن روزی که منادی حق از جای نزدیکی ندا خواهد کرد، گوش فرا دار. روزی که آن صیحه را به حق

بشنوند و آن هنگام روز خروج و قیام و انقلاب است.» این کدام خروج است؟ این خروج فرزند من قائم مهدی علیه السلام است.

(۳) در کتاب تفسیر قمی مجلد ۲ صفحه ۳۲۷، آمده است:

علی بن ابراهیم فی تفسیره المنسوب الی الصادق علیه السلام قال: قال ینادی المنادی صیحة القائم و اسم ابیه علیه السلام، قوله: ﴿يَوْمَ يَسْمَعُونَ الصَّيْحَةَ بِالْحَقِّ ذَلِكَ يَوْمُ الْخُرُوجِ﴾ قال: باسم القائم علیه السلام من السماء (و) ذلك يوم الخروج.

علی بن ابراهیم در تفسیرش که منسوب به امام صادق علیه السلام است، گوید: فرمود: منادی، صیحه حضرت قائم علیه السلام و نام پدرش را ندا می‌کند. اینکه فرموده: «روزی که آن صیحه را به حق بشنوند و آن هنگام روز خروج و قیام و انقلاب است.» فرمود: به نام قائم علیه السلام از سوی آسمان (و) آن روز خروج است.

(۴) در کتاب تفسیر برهان مجلد ۴ صفحه ۲۲۹ حدیث ۳، آمده است:

قوله: ﴿يَوْمَ يَسْمَعُونَ الصَّيْحَةَ بِالْحَقِّ ذَلِكَ يَوْمُ الْخُرُوجِ﴾ قال صیحة القائم من السماء و ذلك يوم الخروج.

در تفسیر برهان در مورد آیه: ﴿يَوْمَ يَسْمَعُونَ الصَّيْحَةَ بِالْحَقِّ ذَلِكَ يَوْمُ الْخُرُوجِ﴾ آمده است که این صیحه در زمان قائم آل محمد (عج) است که از آسمان منادی (به نام ایشان) ندا خواهد داد.

(۵) در کتاب تفسیر برهان مجلد ۴ صفحه ۲۲۹ حدیث ۲، آمده است:

علی بن ابراهیم فی قوله: ﴿وَأَسْتَمِعُ يَوْمَ يُنَادِ الْمُنَادِ مِنْ مَكَانٍ قَرِيبٍ﴾ قال: قال ینادی المناد باسم القائم و اسم ابیه علیه السلام.

علی بن ابراهیم در تفسیرش درباره آیه: ﴿وَأَسْتَمِعُ يَوْمَ يُنَادِ الْمُنَادِ مِنْ مَكَانٍ قَرِيبٍ﴾ آورده است که حضرت صادق علیه السلام فرمودند: منادی ندا می‌دهد (در آن روز) به نام قائم و نام پدرش.

آیه دویت و هشتم

● ظهور قائم آل محمد (عج) حق است.

خداوند در سوره ذاریات آیات ۲۲ و ۲۳، می فرماید:

﴿وَفِي السَّمَاءِ رِزْقُكُمْ وَ مَا تُوعَدُونَ ۝ فَوَرَبَّ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ إِنَّهُ لَحَقٌّ مِثْلَ مَا أَنَّكُمْ تَنطِقُونَ﴾

و در آسمان ها رزق شما هست و هم آنچه که به شما وعده داده شده است. سپس سوگند به پروردگار آسمان و زمین که آنچه بدان وعده داده شده اید حق است عیناً مثل اینکه شما ادعا می کنید (و سخن می گوید) که حق است.

(۱) حافظ سلیمان بن ابراهیم قندوزی حنفی در ینابیع المودة باب ۷۱ صفحه

۴۲۹، چنین آورده است:

و فی سوره الذاریات: ﴿فَوَرَبَّ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ إِنَّهُ لَحَقٌّ مِثْلَ مَا أَنَّكُمْ تَنطِقُونَ﴾
 عن اسحاق بن عبدالله، عن الامام زین العابدین رضی الله عنه قال فی هذه الآیه ان قیام القائم عليه السلام لحق و فيه نزلت وعد الله الذین آمنوا و عملوا الصالحات لیستخلفنهم فی الارض الی آخرها.
 از اسحاق بن عبد الله از امام زین العابدین عليه السلام نقل شده که حضرت فرمودند: قیام قائم ما حق است و این آیه در حق او نازل شده است (و در سوره نور آیه ۵۵ آمده است) خداوند وعده داده است به کسانی که ایمان آورده اند و اعمال صالح انجام می دهند که آنها را خلیف و جانشین در روی زمین گرداند...

(۲) در کتاب تفسیر برهان مجلد ۴ صفحه ۲۳۲ حدیث ۲، آمده است:

محمّد بن العباس رحمة الله قال: حدثنا علی بن عبدالله، عن ابراهیم بن محمد الثقفی، عن الحسن بن الحسین، عن سعید بن ابراهیم، عن عمرو بن هاشم، عن اسحاق بن عبدالله، عن علی بن الحسین عليه السلام فی قونه عزوجل: ﴿فَوَرَبَّ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ إِنَّهُ لَحَقٌّ مِثْلَ مَا أَنَّكُمْ تَنطِقُونَ﴾ قال قوله: ﴿انه الحق﴾ قیام القائم عليه السلام و فيه نزلت: ﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ

وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لِيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ
لِيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَ لِيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا.

محمد بن عباس رحمة الله از علی بن عبدالله روایت می کند و وی از ابراهیم بن محمد ثقفی از حسن بن حسین، وی از سعید بن ابراهیم از عمرو بن هاشم از اسحاق بن عبدالله از علی بن الحسین علیه السلام در مورد فرموده خداوند «سپس سوگند به پروردگار آسمان و زمین که آنچه بدان وعده داده شده اید حق است عیناً مثل اینکه شما ادعا می کنید (و سخن می گوید) که حق است.» حضرت فرمودند: اینکه خداوند می فرماید «انه الحق» این قیام قائم آل محمد (عج) است و این قول خداوند در سوره نور آیه ۵۵ ﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لِيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لِيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَ لِيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا﴾ نیز درباره اوست.

(۳) در کتاب منتخب الاثر فصل ۲ باب ۱ صفحه ۱۷۱ حدیث ۹۱، آمده است:

الشریف ابو محمد المحدثی، عن محمد بن علی بن تمام، عن الحسین بن محمد القطعی، عن علی بن احمد بن حاتم البزاز، عن محمد بن مروان، عن الكلبي، عن ابي صالح، عن عبدالله بن العباس فی قول الله تعالی: ﴿وَفِي السَّمَاءِ رِزْقُكُمْ وَ مَا تُوَعَدُونَ ۝ فَوَرَبِّ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ إِنَّهُ لَحَقٌّ مِثْلَ مَا أَنَّكُمْ تَنطِقُونَ﴾ قال: قیام القائم علیه السلام و مثله ﴿أَيْنَمَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعًا﴾ قال: اصحاب القائم علیه السلام یجمعهم الله فی یوم واحد.

شریف ابو محمد... از عبدالله بن عباس در مورد این فرموده خداوند متعال: «و در آسمان ها نیز رزق شما هست و هم آنچه که به شما وعده داده شده است. سپس سوگند به پروردگار آسمان و زمین که آنچه بدان وعده داده شده اید حق است عیناً مثل اینکه شما ادعا می کنید (و سخن می گوید) که حق است.» نقل کرده که فرمود: (تأویل این آیه) در زمان ظهور قائم آل محمد (عج) است و مانند آیه: «هر کجا که باشید خداوند همه شما را در یک محل و یک نقطه می آورد.» حضرت فرمودند: این آیه درباره اصحاب قائم علیه السلام است که خداوند جمع می کند آنها را در یک روز واحد.

آیه دویت و نهم

● شناخت امام زمان (عج) بر هر فردی واجب است.

خداوند در سوره ذاریات آیه ۵۶، می فرماید:

﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾

و من نیافریدم جن و انس را مگر اینکه مرا عبادت کنند.

* در تفسیر صافی صفحه ۵۰۸، آمده است:

عن الصادق عليه السلام قال خرج الحسين بن علي عليه السلام على اصحابه فقال ايها الناس ان الله جل ذكره ما خلق العباد الا ليعرفوه فاذا عرفوه عبده و اذا عبده استغنوا بعبادته عن عباده سواه فقال له رجل يا بن رسول الله بابي انت و امي فما معرفة الله قال معرفة اهل كل زمان امامهم الذي تجب عليهم طاعته.

حضرت صادق عليه السلام فرمودند: حسین بن علی عليه السلام بر اصحاب خود فرمود: ای مردم خداوند خلق نکرد بندگان را مگر برای معرفت به خودش و هر کس معرفت یافت، خدا را عبادت می کند و وقتی بنده او شد خود را از دیگران و عبادت آن ها بی نیاز می داند. مردی به آن حضرت عرض کرد: ای پسر رسول خدا، پدر و مادرم فدایت باد. منظور از معرفت خدا چیست؟ فرمود: معرفت اهل هر زمانی (نسبت به) امام خود را که خداوند اطاعت از امرشان را واجب نموده است.

توجه بفرمایید در این حدیث حضرت عليه السلام می فرماید:

ايها الناس ان الله جل ذكره ما خلق العباد الا ليعرفوه فاذا عرفوه عبده و اذا عبده استغنوا بعبادته عن عباده سواه.

خداوند خلق نکرد بندگان را مگر برای معرفت به خودش و هر کس او را شناخت، او را عبادت می کند و وقتی بنده او شد، به این درجه از آگاهی می رسد که خداوند به عبادت او نیاز ندارد و انسانی که خداوند را عبادت می کند به وسیله این عبادت رشد

پیدا خواهد کرد و وقتی رشد یافت به او نزدیک خواهد شد و از بندگان مقرب می‌گردد. پس خداوند نیاز به عبادت ما ندارد بلکه این ما هستیم که برای تقرب به او نیاز به عبادت کردن داریم.

انسان نمی‌داند که باید چگونه خدا را عبادت کند. چون نمی‌داند، خداوند صد و بیست و چهار هزار پیامبر را برای هدایت او فرستاده است. باز با وجود این همه پیامبر یک روز هبل و لات و عزیه و منات و... را می‌پرستید. یک روز آتش پرست می‌شد و اگر چهل روز پیامبرش از ما بین او به کوه طور می‌رفت گوساله پرست می‌شد. پس برای رسیدن به این تقرب باید خداوند را به واقع عبادت کند. اگر بخواهد خداوند را به واقع عبادت کند باید در هر زمانی: معرفه اهل کل زمان امامهم هر کس باید در هر عصری امامش را بشناسد. اگر بشناسد، عبادت واقعی خواهد کرد و مقرب درگاه الهی خواهد شد. چنان‌که:

۱. امام احمد حنبل در مسندش

۲. شیخ الاسلام حمیدی در الجمع بین الصحیحین

۳. متقی هندی در کنز العمال

۴. زمخشری در ربیع الأبرار

۵. حاکم نیشابوری در مسندش

۶. علامه ملا تفتازانی در شرح تجرید العقائد

۷. شیخ عبد الوهاب شعرانی مصری شافعی در الیواقیت و الجواهر

و بسیاری از کتب دیگر آورده‌اند:

قال رسول الله ﷺ: من مات و لم يعرف امام زمانه مات میتة الجاهلیة میتة الکفر و

النفاق.

رسول خدا ﷺ فرمودند: هر کس بمیرد و امام زمانش را نشناسد (مانند کسی است

که در زمان جاهلیت مرده است و او مرده است در کفر و نفاق).

حال سؤال می‌شود چه کنیم تا امام زمان خود را بشناسیم؟ و چه کنیم که مانند کفار

جاهلیت کافر از دنیا نرویم؟... حضرت صادق علیه السلام به این چراها پاسخ داده است.
 در اصول کافی مجلد ۲ صفحه ۱۳۴ حدیث ۸۸۵ و باز در اصول کافی مجلد ۲
 صفحه ۱۴۴ حدیث ۹۱۰، آمده است:

زرارة بن اعین گوید: امام صادق علیه السلام (در باره امام زمان (عج)) فرمودند:... آن جوان
 ناچار غیبت می کند. عرض کردم چرا؟ فرمودند: می ترسد. و حضرت با دست به
 شکمش اشاره کرد (یعنی ترس دارد او را بکشند.) و اوست که چشم به راهش باشند و
 اوست که مردم در ولادتش تردید می کنند. برخی می گویند: او در شکم مادرش (از دنیا
 رفته است.) برخی دیگر گویند: پدرش مُرد و فرزندی نداشت و بعضی می گویند: در
 سال پیش از وفات پدرش متولد شد. زراره می گوید: من عرض کردم چه دستور
 می فرمایید اگر من در آن زمان باشم؟ حضرت فرمودند: خداوند را با این دعا بخوانید:

اللهم عرفنی نفسک فانک ان لم تعرفنی نفسک لم اعرف نبيک
 اللهم عرفنی رسولک فانک ان لم تعرفنی رسولک لم اعرف حجتك
 اللهم عرفنی حجتك فانک ان لم تعرفنی حجتك ضللت عن دینی
 اللهم لا تمتنی مיתה الجاهلية و لا تزغ قلبی بعد اذ هدیتنی.

آیه دویست و دهم

● در هنگام ظهور قائم آل محمد علیه السلام روح مقدس رسول خدا صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام همراه با جبرئیل به کوه حراء فرود می آیند و پیامبر صلی الله علیه و آله صحیفه ای می فرماید و امیرالمؤمنین علیه السلام می نویسد.

خداوند در سوره طور آیات ۱ الی ۴، می فرماید:

﴿وَ الطُّورِ ۝ وَ كِتَابٍ مَسْطُورٍ ۝ فِي رَقٍّ مَنشُورٍ ۝ وَ النَّبِئِ الْمَعْمُورِ﴾

سوگند به طور و سوگند به کتاب مسطور در صحیفه گشوده شده و خانه معمور.

* ابوجعفر محمد بن جریر طبری (محدث و مفسر و مورخ بزرگ اهل سنت) در کتاب دلائل الامامه صفحه ۲۵۶ آورده است:

قال: عن ابی الحسین محمد بن هارون، عن ایبه هارون بن موسی قال: حدثنا محمد بن سماعة الصیرفی، عن المفضل بن عیسی عن محمد بن علی الهمدانی، عن ابی عبدالله علیه السلام قال: اللیلة التي يقوم فيها قائم آل محمد علیه السلام ينزل رسول الله صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام و جبرئیل علیه السلام علی حراء فيقول له جبرائیل أجب فيخرج رسول الله صلی الله علیه و آله رقاً من حجة ازراره فيدمعه الى علی علیه السلام فيقول (له): أكتب بسم الله الرحمن الرحيم (هذا) عهد من الله و من رسوله و من علی بن ابی طالب لفلان بن فلان باسمه و اسم ایبه و ذلك قول الله عزوجل و كتابه: ﴿وَ الطُّورِ ۝ وَ كِتَابٍ مَسْطُورٍ ۝ فِي رَقٍّ مَنشُورٍ﴾ و هو الكتاب الذي كتبه علی بن ابی طالب علیه السلام و الرق المنشور الذي اخرجه رسول الله صلی الله علیه و آله من حجة ازراره: قلت ﴿وَ النَّبِئِ الْمَعْمُورِ﴾ و هو رسول الله صلی الله علیه و آله؟ قال: نعم المملی رسول الله و الكاتب علی علیه السلام.

ابوجعفر محمد بن جریر طبری می گوید: از ابوالحسین محمد بن هارون، از پدرش هارون بن موسی که وی گوید: حدیث کرد برایمان محمد بن سماعة صیرفی، از مفضل بن عیسی، از محمد بن علی همدانی، از ابی عبدالله امام صادق علیه السلام که فرمود: آن شب که حضرت قائم آل محمد علیه السلام قیام می کند رسول خدا صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام و

جبرائیل علیه السلام بر فراز حراء فرود می آیند. سپس جبرئیل به او می گوید: اجابت کن. آن گاه رسول خدا صلی الله علیه و آله صحیفه ای را بیرون آورد و آن را به علی علیه السلام می دهد و به او می فرماید: بنویس به نام خداوند بخشنده مهربان. (این عهدنامه ای است از خداوند و از رسول خدا صلی الله علیه و آله و از علی بن ابی طالب برای فلانی فرزند فلانی به نام او و به نام پدرش و این است معنی قول خداوند عزوجل در کتابش: «سوگند به طور ○ و سوگند به کتاب مسطور ○ در صحیفه گشوده شده» و این نامه ای است که علی بن ابی طالب علیه السلام نوشته و صحیفه گشاده شده همان است که رسول خدا صلی الله علیه و آله آن را از آستین جامه اش بیرون آورد. گفتم سوگند به بیت معمور، او رسول خدا صلی الله علیه و آله است؟ فرمود: آری، املا کننده رسول خداست و نویسنده علی علیه السلام است.

آیه دویت و یازدهم

● سرانجام ائمه طاهرین و امام زمان علیه السلام به رسول خدا صلی الله علیه و آله ملحق خواهند شد.

خداوند در سوره طور آیه ۲۱، می فرماید:

﴿وَالَّذِينَ آمَنُوا وَ اتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّيَّتُهُمْ بِإِيمَانٍ أَلْحَقْنَا بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَ مَا أَلْتَنَاهُمْ مِنْ عَمَلِهِمْ مِنْ شَيْءٍ كُلُّ أُمَّرٍ بِمَا كَسَبَ رَهِيْنٌ﴾

و آنان که به خداوند ایمان آوردند و فرزندانشان در ایمان پیرو ایشان شدند، ما آن فرزندان را به آن‌ها برسانیم و از پاداش عمل فرزندان هیچ نکاهیم که هر نفسی در گرو عملی است که خود اندوخته است.

* در اصول کافی مجلد ۲ صفحه ۲۱، آمده است:

محمد بن یحیی، عن احمد بن ابی زاهر، عن الخشاب، عن علی بن حسان، عن عبد الرحمن بن کثیر، عن ابی عبد الله علیه السلام قال: قال [الله تعالی]: ﴿وَالَّذِينَ آمَنُوا وَ اتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّيَّتُهُمْ بِإِيمَانٍ أَلْحَقْنَا بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَ مَا أَلْتَنَاهُمْ مِنْ عَمَلِهِمْ مِنْ شَيْءٍ﴾ قال: ﴿الَّذِينَ آمَنُوا﴾ النبی صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام و ذرّیّته الائمة و الاوصیاء صلوات الله علیهم، أَلْحَقْنَا بِهِمْ وَ لَمْ نَنْقُصْ ذُرِّيَّتَهُمُ الْحِجَةَ الَّتِي جَاءَ بِهَا مُحَمَّدٌ صلی الله علیه و آله فِي عَلِيٍّ علیه السلام وَ حِجَّتَهُمْ وَاحِدَةً وَ طَاعَتَهُمْ وَاحِدَةً.

امام صادق علیه السلام درباره آیه «انان که به خداوند ایمان آوردند و فرزندانشان در ایمان پیرو ایشان شدند، ما آن فرزندان را به آن‌ها برسانیم و از پاداش عمل فرزندان هیچ نکاهیم» فرمود: کسانی که ایمان آوردند پیغمبر و امیرالمؤمنین علیه السلام هستند و فرزندان او، امامان و اوصیاء علیهم السلام می باشند که خداوند فرماید: به آن‌ها ملحق می کنیم و حجتی را که محمد صلی الله علیه و آله درباره علی علیه السلام آورد، نسبت به اولادش کاهش ندهیم و حجت هم یکی است و طاعتشان هم یکی است.

آیه دویت و دوازدهم

● ظهور مهدی علیه السلام همان ساعه است و حتمی است.

خداوند در سوره قمر آیه ۱، می فرماید:

﴿إِقْتَرَبَتِ السَّاعَةُ وَ أَنْشَقَّ الْقَمَرُ﴾

ساعت نزدیک شد و قمر بشکافت.

(۱) حافظ سلیمان بن ابراهیم قندوزی حنفی در ینابیع الموده باب ۷۱ صفحه

۴۲۸، چنین آورده است:

﴿إِقْتَرَبَتِ السَّاعَةُ وَ أَنْشَقَّ الْقَمَرُ﴾ و در آیه دیگر ﴿وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّ السَّاعَةَ تَكُونُ

قَرِيبًا﴾ ای الساعه قیام القائم علیه السلام قریب.

ساعت نزدیک شد و قمر بشکافت. و درک نمی کنند قیامت را تا آنکه یکباره آنها را

فرا بگیرد این ساعت قیام قائم است که نزدیک است.

(۲) درباره این آیه در ذیل آیه ۱۸ از سوره محمد شرح داده شد.

(۳) حضرت آیه الله محدث جلیل القدر سید حسین موسوی ارومی (معروف به

عرب باغی) در کتاب تحفة الشیعه در اثبات رجعت و ظهور ائمه علیهم السلام در صفحات

۱۳۲ الی ۱۳۶، آورده است:

و در تفسیر قمی از اهل بیت رسالت روایت کرده که مراد از ساعت در این آیه ظهور

حضرت قائم آل محمد علیه السلام است و در بعضی از اخبار وارد شده که مراد، قیامت است و

منافات در بین احادیث ندارد زیرا قیامت تنزیل آیه است و ظهور قائم آل محمد علیه السلام

تأویل آیه است و در بین تنزیل و تأویل منافاتی نیست چنانکه بیان این گذشت در

تفسیر آیات سابق و یا آنکه ظهور قائم آل محمد علیه السلام تنزیل آیه است و قیامت تأویل آن.

و شاهد بر این از اخبار صحیح و معتبر حدیث مفضل است که در کتب علمای

امامیه مشهور و در ذیل عنایدشان مسطور و مذکور است و آن حدیث را علامه مجلسی

از کتاب منتخب البصائر نقل نموده است از مفضل بن عمر که گفت: از حضرت صادق علیه السلام سؤال کردم که آیا آن امامی که مردم انتظار ظهور او را می کشند و امیدوار فرج او هستند یعنی مهدی صاحب الزمان وقت معلوم و معینی برای ظهورش هست؟ فرمود: خداوند تعالی ابا و منع نموده از اینکه برای ظهور آن حضرت وقتی تعیین فرماید که شیعیان بدانند. پس حضرت فرمود: آیاتی که حق تعالی در امر قیام ساعت در قرآن مجید فرموده است، همگی در باب قیام آن حضرت نازل است و هر کس برای ظهور مهدی (عج) وقتی معین قرار دهد خود را با خدا در علم غیب شریک گردانیده است و دعوی اطلاع بر اسرار خدا کرده است تا آخر آن حدیث.

پس، از این حدیث و از تفسیر قمی معلوم شد مراد از ساعت در این آیه بدون شبهه وقت ظهور قائم آل محمد (عج) است بدون شبهه، بلکه از این حدیث واضح گردید که تمام آیات که در قیام ساعت است همگی در خصوص ظهور آن حضرت نازل شده است و آیاتی که در قیام ساعت نازل شده، بسیار است و حقیر به طریق اجمال آن‌ها را در اینجا نقل می‌کنم تا به ذکر آن‌ها این کتاب مزین گردد:

اول از آن‌ها قوله تعالی: ﴿حَتَّىٰ إِذَا جَاءَهُمُ السَّاعَةُ﴾ (در سوره انعام آیه ۳۱)؛ یعنی، تا زمانی که بر آن‌ها ساعت آید.

دوم ﴿أَوِ اتَّكُمُ السَّاعَةُ﴾ در سوره انعام آیه ۴۰ یعنی، یا به شما ساعت آمد.

سوم ﴿يَسْئَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ﴾ سوره اعراف آیه ۱۸۷ یعنی، می‌پرسند از تو ساعت

چهارم ﴿أَوِ تَأْتِيهِمُ السَّاعَةُ بَغْتَةً﴾ سوره یوسف آیه ۱۰۷ یعنی، یا بیاید بر آن‌ها

ساعت به طور ناگهانی.

پنجم ﴿لَا تَأْتِيْنَا السَّاعَةُ﴾ سوره سبأ آیه ۳۰ یعنی، نمی‌آید بر ما ساعت.

ششم ﴿حَتَّىٰ تَأْتِيَهُمُ السَّاعَةُ بَغْتَةً﴾ سوره حج آیه ۵۵ یعنی، تا بیاید بر آنان ساعت

ناگهانی.

هفتم ﴿وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ﴾ سوره روم آیه ۱۲ یعنی، و روزی که ساعت برپا می‌شود.

هشتم ﴿ما ندری ما الساعة﴾ سورة جائیه آیه ۳۲ یعنی، ما نمی دانیم ساعت چیست.

نهم ﴿و یوم تقوم الساعة﴾ سورة جائیه آیه ۲۷ یعنی، و روزی که ساعت برپا می شود.

دهم ﴿اقتربت الساعة﴾ سورة قمر آیه ۱؛ یعنی، ساعت نزدیک شد.

یازدهم ﴿یوم تقوم الساعة﴾ سورة روم آیه ۵۵؛ یعنی، و روزی که ساعت برپا می شود.

دوازدهم ﴿بل الساعة موعدهم﴾ سورة قمر آیه ۴۶؛ یعنی، بلکه ساعت وعده گاه آنان است.

سیزدهم ﴿و یوم تقوم الساعة﴾ سورة مؤمن آیه ۴۶؛ یعنی، و روزی که ساعت برپا می شود.

چهاردهم ﴿وما اظن الساعة قائمة﴾ سورة كهف آیه ۳۶؛ یعنی، گمان نمی کنم ساعت را قیام کننده.

پانزدهم ﴿اما العذاب و اما الساعة﴾ سورة مریم آیه ۷۵؛ یعنی، یا عذاب و یا ساعت شانزدهم ﴿و ما اظن الساعة قائمة﴾ سورة فصلت آیه ۵۰؛ یعنی، گمان نمی کنم ساعت را قیام کننده.

هفدهم ﴿هل ينظرون الا الساعة﴾ سورة زخرف آیه ۶۶؛ یعنی، آیا منتظرند ساعت را؟

هجدهم ﴿فهل ينظرون الا الساعة تأتيهم﴾ سورة محمد آیه ۱۸؛ یعنی، آیا منتظرند تا ساعت بیاید؟

نوزدهم ﴿ان الساعة لآتية لا ريب فيها﴾ سورة مؤمن آیه ۵۹؛ یعنی، البته ساعت در آینده است. شکی در آن نیست.

بیستم ﴿ان الساعة آتية﴾ سورة طه آیه ۱۵؛ یعنی، البته ساعت خواهد آمد.

بیست و یکم ﴿و ان الساعة آتية لا ريب فيها﴾ سورة حج آیه ۷؛ یعنی، و ساعت در آینده است. شکی در آن نیست.

بیست و دوم ﴿و ان الساعة لآتية﴾ سورة حجر آیه ۸۵؛ یعنی، و البته ساعت در آینده است.

بیست و سوم ﴿و ان الساعة لا ريب فيها﴾ سورة كهف آیه ۲۱؛ یعنی، و ساعت در آن هیچ شکی نیست.

بیست و چهارم ﴿لعل الساعة تكون قريباً﴾ سورة احزاب آیه ۶۳؛ یعنی، شاید ساعت نزدیک باشد.

بیست و پنجم ﴿لعل الساعة قريب﴾ سورة شوری آیه ۱۷؛ یعنی، شاید ساعت نزدیک است.

بیست و ششم ﴿و ما امر الساعة الا كلمح البصر﴾ سورة نحل آیه ۷۷؛ یعنی، و نیست در امر ساعت مگر مانند یک چشم بر هم زدن.

بیست و هفتم ﴿ان الله عنده علم الساعة﴾ سورة لقمان آیه ۳۴؛ یعنی، خداوند در پیش اوست علم ساعت.

بیست و هشتم ﴿اليه يرد علم الساعة﴾ سورة فصلت ۴۷؛ یعنی، بازگشت علم ساعت به سوی اوست.

بیست و نهم ﴿و عنده علم الساعة﴾ سورة زخرف آیه ۸۵؛ یعنی، و در نزد اوست علم ساعت

سی ام ﴿بل كذبوا بالساعة﴾ سورة فرقان آیه ۱۱؛ یعنی، بلکه تکذیب کردند ساعت را.

سی و یکم ﴿و اعتدنا لمن كذب بالساعة﴾ سورة فرقان آیه ۱۱؛ یعنی، و ما مهیا کردیم بر آن کسی که ساعت را تکذیب کرد.

سی و دوم ﴿يسئلونك عن الساعة﴾ سورة نازعات آیه ۴۲؛ یعنی، از تو ساعت را می پرسند سی و سوم ﴿يسئلك الناس عن الساعة﴾ سورة احزاب آیه ۶۳؛ یعنی، مردم از تو ساعت را سؤال می کنند.

سی و چهارم ﴿ان الذين يمارون في الساعة﴾ سورة شوری آیه ۱۸؛ یعنی، آنان که مجادله می کنند در ساعت.

سی و پنجم ﴿و انه لعلم للساعة﴾ سورة زخرف آیه ۶۱؛ یعنی، و او البته دانستن است
مر ساعت را.

سی و ششم ﴿و هم من الساعة مشفقون﴾ سورة انبیاء آیه ۴۹؛ یعنی، و آنان از
ساعت هراسانند.

سی و هفتم ﴿و الساعة لا ریب فیها﴾ سورة جاثیه آیه ۳۲؛ یعنی، و ساعت در او شک
نیست.

سی و هشتم ﴿و الساعة ادهی و امر﴾ سورة قمر آیه ۴۶؛ یعنی، و عذاب ساعت
سخت تر و تلخ تر است.

و این ها جمله آن آیات بود که در قیام ساعت نازل شده است و بنا بر حدیث مفضل
همه این آیات در قیام قائم آل محمد (عج) نازل شده است و در بیان ظهور آن حضرت
است و در اکثر این آیات خداوند فرموده است که علم آن در نزد خدای تعالی است
چنان که در حدیث مفضل هم بدین نحو فرموده است و تفسیر این همه آیات، حدیث
مفضل است و آن در بیان تفسیر این هاست.

آیه دویت و سیزدهم

● قبل از قیام قائم آل محمد علیهم السلام صیحه آسمانی مردم را به ایشان می خواند و روز بعد صیحه شیطانی مردم را به گمراهی فرا می خواند.

خداوند در سوره قمر آیه ۲، می فرماید:

﴿وَإِنْ يَرَوْا آيَةً يُعْرِضُوا وَ يَقُولُوا سِحْرٌ مُّسْتَمِرٌّ﴾

و چون آیتی و نشانه ای (الهی را) ببینند، روی برمی گردانند و می گویند: سحر و جادویی پی در پی است.

(۱) در کتاب غیبت نعمانی صفحه ۲۶۰ باب ۱۴ حدیث ۱۹، آمده است:

اخبرنا احمد بن محمد بن سعید قال: حدثنا علی بن الحسن التیملی قال: حدثنا عمرو بن عثمان، عن الحسن بن محبوب، عن عبد الله بن سنان قال: كنت عند ابي عبد الله عليه السلام فسمعت رجلاً من همدان يقول له: ان هؤلاء العامة يعيروننا و يقولون لنا: انكم تزعمون ان منادياً ينادى من السماء باسم صاحب هذا الامر و كان متكئاً فغضب و جلس، ثم قال: لا ترووه عني و ارووه، عن ابي و لا حرج عليكم في ذلك، أشهد أني قد سمعت ابي عليه السلام يقول: و الله ان ذلك في كتاب الله عزوجل لبين حيث يقول: ﴿إِنْ نَشَأْ نُنَزِّلْ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةً فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ﴾ فلا يبقى في الارض يومئذ احد الا خضع و ذلت رقبتة لها، مؤمن اهل الارض اذا سمعوا الصوت من السماء «الا ان الحق في علي بن ابي طالب عليه السلام و شيعته» قال: فاذا كان من الغد صعد ابليس في الهواء حتى يتواري عن اهل الارض، ثم ينادى «الا ان الحق في عثمان بن عفان و شيعته، فإنه قتل مظلوماً فاطلبوا بدمه» قال: فيثبت الله الذين آمنوا بالقول الثابت على الحق و هو النداء الاول و يرتاب يومئذ الذين في قلوبهم مرض و المرض و الله عداوتنا فعند ذلك يتبروون منا و يتناولونا فيقولون: ان المنادى الاول سحر من سحر اهل [هذا] البيت، ثم تلا ابو عبد الله عليه السلام قول الله عزوجل: ﴿وَإِنْ يَرَوْا آيَةً يُعْرِضُوا وَ

یَقُولُوا سِحْرٌ مُّسْتَمِرٌّ» فال: و حدثنا احمد بن محمد بن سعید قال: حدثنا محمد بن المفضل بن ابراهیم و سعدان بن اسحاق بن سعید و احمد بن الحسین بن عبد الملك و محمد بن احمد بن الحسن القطوانی جميعاً، عن عبد الله بن سنان مثله سواء بلفظه.

خبر داد ما را احمد بن محمد بن سعید، از علی بن حسن تیملی از عمرو بن عثمان، از حسن بن محبوب، از عبد الله بن سنان که گفت: در محضر ابی عبد الله امام صادق علیه السلام بودم. شنیدم که مردی از همدان به آن حضرت عرض می کند این عامّه (اهل سنت) ما را سرزنش می کنند و به ما می گویند شما چنین می پندارید که آواز دهنده ای از آسمان به نام صاحب این امر آواز خواهد کرد. آن حضرت تکیه داده بود. خشمگین شد و بنشست. سپس فرمود: این سخن را از من نقل نکنید و از پدرم نقل کنید و هیچ اشکالی برای شما نخواهد داشت. من گواهی می دهم که از پدرم علیه السلام شنیدم که می فرمود: به خدا قسم که این مطلب در کتاب خدا کاملاً روشن است. آنجا که می فرماید: (سوره شعرا آیه ۳) ﴿إِنْ نَشَأْ نُنَزِّلْ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةً فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ﴾؛ یعنی، اگر ما بخواهیم نشانه ای از آسمان برای آنان فرو فرستیم که گردن هایشان در برابر آن خضوع کند. آن روز در روی زمین کسی نماند مگر آنکه گردن در مقابل آن نشانه کج خواهد کرد. همه مردم روی زمین چون بشنوند که صدایی از آسمان بلند است: «توجه کنید که حق در علی بن ابی طالب علیه السلام و شیعیان اوست.» ایمان آورند.

فرمود: چون فردا شود، شیطان بر هوا بلند شود تا آن حد که از دیدگاه زمینیان پنهان شود. سپس آواز دهد: «توجه کنید که حق در عثمان بن عفان و شیعیان اوست زیرا او مظلوم کشته شد. خونس را مطالبه کنید.»

فرمود: خداوند در آن هنگام مردمان با ایمان را به گفتار ثابت بر حق ثابت نگه

می دارد و گفتار ثابت بر حق همان ندای نخستین است ولی آنان که در دل هایشان بیماری هست به شک می افتند و بیماری دل به خدا قسم کینه ماست که آن هنگام از ما دوری جویند و ما را ناسزا گویند و می گویند که آواز دهنده نخستین سحری بود از سحرهای این خاندان. سپس ابو عبدالله علیه السلام این آیه شریفه را تلاوت فرمود: «و چون آیتی و نشانه ای (الهی را) ببینند، روی برمی گردانند و می گویند: سحر و جادویی پی در پی است.» (و گفت: حدیث کرد ما را احمد بن محمد بن سعید، از محمد بن مفضل بن ابراهیم و سعدان بن اسحاق بن سعید و احمد بن حسین بن عبدالملک و محمد بن احمد بن حسن قطوانی، همگی از حسن بن محبوب، وی از عبدالله بن سنان همین حدیث را عیناً با الفاظش روایت کرده اند.

(۲) در کتاب غیبت نعمانی صفحه ۲۶۱ باب ۱۴ حدیث ۲۰، آمده است:

قال: و حدثنا احمد بن محمد بن سعید قال: حدثنا القاسم بن محمد بن الحسن بن حازم قال: حدثنا عیسی بن هاشم الناشری، عن عبد الله بن جبلة، عن عبد الصمد بن بشیر، عن ابي عبد الله جعفر بن محمد علیه السلام و قد سأله عمارة الهمدانی فقال له: أصلحك الله ان ناساً یعیروننا و یقولون انکم تزعمون انه سیکون صوت من السماء فقال له: لا ترو عنی و اروه عن ابي، کان ابي یقول: هو نى کتاب الله: ﴿إِنْ نَشَأْ نُنَزِّلْ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةً فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ﴾ فیؤمن اهل الارض جميعاً للصوت الاول فاذا کان من الغد سعد ابليس اللعين حتى يتوارى من الارض فی جو السماء، ثم ینادی «الا ان عثمان قتل مظلوماً فاطلبوا بدمه» فیرجع من اراد الله عزوجل به سوءاً و یقولون: هذا سحر الشيعة و حتی تینا و لونا و یقولون: هو من سحرهم و هو قول الله عزوجل: ﴿وَإِنْ يَرَوْا آيَةً يُعْرِضُوا وَ يَقُولُوا سِحْرٌ مُّسْتَمِرٌّ﴾.

او گفت: و حدیث کرد ما را احمد بن محمد بن سعید، از قاسم بن محمد بن حسن بن حازم، از عیسی بن هاشم ناشری، از عبدالله بن جبلة، از عبد الصمد بن بشیر، از

ابی عبدالله جعفر بن محمد علیه السلام که عماره همدانی از آن حضرت پرسید و عرض کرد: خداوند حال شما را اصلاح فرماید. مردمی ما را سرزنش می کنند و می گویند شما چنین می پندارید که به زودی آوازی از آسمان پدید می آید. حضرت به او فرمود: از من بازگو مکن ولی از پدرم آن را بازگو کن که پدرم می فرمود: این مطلب در کتاب خداست: ﴿إِنْ نَشَأْ نُنَزِّلْ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةً فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ﴾ پس همه مردم روی زمین به آواز نخستین ایمان آورند و چون فردا شود ابلیس ملعون بالا رود تا آنجا که در هوا از دیدگاه زمین پنهان گردد. سپس آواز می دهد: «توجه کنید که همانا عثمان بن عفان مظلوم کشته شد. خونس را مطالبه کنید.» پس هر کس که خداوند درباره او بد خواسته باشد به شک می افتد و می گویند این سحر شیعیان است و حتی به ما ناسزا گویند و می گویند این از سحر آنان است و این است که خدای عزوجل می فرماید: ﴿وَإِنْ يَرَوْا آيَةً يُعْرِضُوا وَيَقُولُوا سِحْرٌ مُّسْتَمِرٌّ﴾.

آیه دویمت و چهاردهم

● محبت امام زمان و ائمه طاهرین علیهم السلام سبب می شود که انسان در بهشت با آنها باشد.

خداوند در سوره قمر آیات ۵۵ و ۵۴، می فرماید:

﴿إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَ نَهْرٍ ۝ فِي مَقْعَدِ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِيكٍ مُّقْتَدِرٍ﴾

اهل تقوا و پرهیزکاران در باغها و جویبارها هستند در مکان و جایگاهی پسندیده نزد ملکی مقتدر.

* در کتاب تفسیر برهان مجلد ۴ صفحه ۲۶۲، آمده است:

قال النبی صلی الله علیه و آله: ابشر یا علی، ما من عبد ینتحل مودتک الا بعثه الله معنا یوم القیامة و جاء

فی روایة اخری. یا علی، اما علمت انه من احبنا و انتحل محبتنا اسکنه الله معنا و تلا هذه

الآیة: ﴿إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَ نَهْرٍ ۝ فِي مَقْعَدِ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِيكٍ مُّقْتَدِرٍ﴾.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: یا علی، مزده دهم که هیچ بنده ای از بندگان خداوند

نیست مگر آنکه دوستی تو را در دل داشته باشد جزاین که با ما در قیامت محشور

خواهد شد و در روایت دیگر آمده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: یا علی، آیا

می دانی که هر کس ما را دوست بدارد و به ما پیوندد خداوند او را با ما (در بهشت) در

یک جا مسکن دهد؟ و سپس این آیه را تلاوت فرمود: «اهل تقوا و پرهیزکاران در باغها

و جویبارها هستند در مکان و جایگاهی پسندیده نزد ملکی مقتدر.»

آیه دویت و پانزدهم

● ائمه طاهرین و امام زمان علیه السلام وجه الله هستند.

خداوند در سورة الرحمن آیات ۲۶ و ۲۷، می فرماید:

﴿كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ ۝ وَ يَبْقَىٰ وَجْهُ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ﴾

هر چه هست فانی شدنی است. فقط «وجه رب» است که باقی و ماندنی است و او

صاحب جلال و اکرام و بزرگواری است.

(۱) در تفسیر صافی صفحه ۵۱۷، آمده است:

عن علی بن الحسین علیه السلام : نحن وجه الله.

امام زین العابدین علی بن الحسین علیه السلام فرمودند: ما وجه خداوند هستیم.

(۲) در تفسیر برهان مجلد ۴ صفحه ۲۶۷، آمده است:

ابن بابویه باسناده، عن عبد السلام بن صالح الهروی قال: قلت لعلی بن موسی الرضا علیه السلام :

یا بن رسول الله، فما معنی الخیر الذی رووه ان ثواب لا اله الا الله النظر الی وجه الله تعالی؟

فقال علیه السلام : یا اباصلت، من وصف الله تعالی بوجه کالوجه فقد کفر ولكن وجه الله تعالی انبیائه

و رسله و حججه علیهم السلام، هم الذین بهم یتوجه الی الله عزوجل و الی دینه و معرفته و قال الله

تعالی: ﴿كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ ۝ وَ يَبْقَىٰ وَجْهُ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ﴾.

ابن بابویه به سند خود: از عبد السلام بن صالح هروی نقل می کند که به امام علی بن

موسی الرضا علیه السلام عرض کردم: ای پسر رسول خدا، معنای این روایت چیست که ثواب

لا اله الا الله نظر به وجه، الله تعالی می باشد؟

حضرت فرمودند: ای اباصلت، هر کس خدا را به وجهی از وجوه توصیف کند به

تحقیق کافر شده اما وجه الله، پیامبران و رسولان و حجج اویند. این ها کسانی هستند که

مردم توسط آنها به خدا توجه پیدا می کنند و نیز به دین و معرفت به او متوجه

می شوند. خداوند در این باره می فرماید: ﴿كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ ۝ وَ يَبْقَىٰ وَجْهَ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ﴾

یعنی: هر چه هست فانی شدنی است. فقط «وجه رب» است که باقی و ماندنی است و او صاحب جلال و اکرام و بزرگواری است.

(۳) در تفسیر برهان مجلد ۴ صفحه ۲۶۶، آمده است:

قال علی بن الحسین علیه السلام: نحن الوجه الذی یؤتی الله منه.

امام زین العابدین علی بن الحسین علیه السلام فرمودند: ما وجه الهی هستیم که هر کس در آن قرار گیرد به خداوند می رسد.

(۴) در اصول کافی مجلد ۱ صفحه ۱۹۵ باب النوادر حدیث ۳۴۹، آمده است:

محمد بن یحیی، عن احمد بن محمد بن عیسی، عن علی بن النعمان، عن سیف بن عمیرة عن ذکره، عن الحارث بن المغیرة النصری قال: سئل ابو عبدالله علیه السلام، عن قول الله تبارک و تعالی: ﴿كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ ۝ وَ يَبْقَىٰ وَجْهَ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ﴾ فقال: سبحان الله لقد قالوا قولاً عظیماً. انما عنی بذلك وجه الله الذی یؤتی منه.

حارث بن مغیره می گوید: از امام صادق علیه السلام درباره قول خداوند تبارک و تعالی که می فرماید: «هر چه هست فانی شدنی است. فقط «وجه رب» است که باقی و ماندنی است و او صاحب جلال و اکرام و بزرگواری است.» سؤال شد. حضرت فرمودند: در این باره چه می گویند؟ عرض کردم: می گویند همه چیز هلاک شود جز وجه خداوند. حضرت فرمودند: منزّه است خداوند (از این نسبت ها که صورت و وجه داشته باشد.) این سخن بسیار درستی است که گفته اند. مقصود از وجه، راهی است که به سوی خداوند روند.

(پس، در این حدیث نیز که می فرمایند: وجه الله الذی یؤتی منه: راهی است که به

سوی خداوند روند، همان ائمه طاهرین و در حال حاضر امام زمان (عج) است.)

(۵) در اصول کافی مجلد ۱ صفحه ۱۹۶ باب النوادر حدیث ۳۵۱، آمده است:
 محمد بن یحیی، عن احمد بن محمد بن عیسی، عن محمد بن سنان، عن ابی سلام النخّاس،
 عن بعض اصحابنا، عن ابی جعفر علیه السلام قال:

نحن المثنی الذی اعطاء الله نبینا محمداً صلی الله علیه و آله و نحن وجه الله نتقلب فی الارض بین
 أظهرکم و نحن عین الله فی خلقه و یده المبسوطة بالرحمة علی عباده عرفنا من عرفنا و
 جهلنا من جهلنا و امامة المتقین.

امام باقر علیه السلام فرمودند: ماییم آن مثنی که خداوند به پیغمبر ما، محمد صلی الله علیه و آله عطا
 فرموده است و ماییم وجه الّهی که در زمین میان شما رفت و آمد داریم و ماییم عین الله
 میان خلقش (و شاهد و ناظر بر خلقیم) و ماییم ید رحمت مبسوطة، خداوند بر
 بندگانش. (معرفت واقعی پیدا کرده است و شناخت واقعی دارد،) هر کس به ما
 معرفت پیدا کند و ما را بشناسد و شناخت هر کس ما را شناخت و او شناخته است
 امام متقین را.

آیه دویمت و شانزدهم

● در زمان امام زمان (عج) مجرمان از صورت‌هایشان شناخته می‌شوند.

خداوند در سوره الرحمن آیه ۴۱، می‌فرماید:

﴿يُعْرِفُ الْمَجْرِمُونَ بِسِيْمَاهُمْ فَيُؤْخَذُ بِالنَّوَاصِي وَ الْأَقْدَامِ﴾

مجرمان به سیمایشان شناخته می‌شوند و آن‌ها را از موهای جلوی سر و پاهایشان می‌گیرند (و عذاب می‌کنند).

(۱) در ینابیع الموده باب ۷۱ صفحه ۴۲۹ حافظ قندوزی حنفی، چنین آورده است:

و فی سوره الرحمن: ﴿يُعْرِفُ الْمَجْرِمُونَ بِسِيْمَاهُمْ فَيُؤْخَذُ بِالنَّوَاصِي وَ الْأَقْدَامِ﴾ عن معاوية بن عمار، عن الصادق عليه السلام قال: لو قام قائمنا عليه السلام يعرف اعدائنا بسيماهم فيؤخذ بنواصيهم و اقدامهم يخبط هو و اصحابه بالسيف خبطاً.

در سوره الرحمن آیه ۴۱ آمده است: «مجرمان به سیمایشان شناخته می‌شوند و آن‌ها را از موهای جلوی سر و پاهایشان می‌گیرند (و عذاب می‌کنند).» معاویه بن عمار، از حضرت صادق رضی الله عنه روایت کرده است درباره این قول خداوند متعال که آن حضرت فرمودند: آن‌گاه که قائم ما قیام کند دشمنان ما به سیمای خویش شناخته می‌شوند. پس ایشان را از موی جلوی سر و قدم‌هایشان می‌گیرند و آن حضرت و اصحابش آن‌ها را با شمشیر به قتل می‌رسانند (البته همان‌طوری که در آیه و حدیث آمده است این سرنوشت مجرمینی است که قابل هدایت نیستند و در مقابل فرمان‌های آن حضرت سر تعظیم فرود نمی‌آورند تا اصلاح شوند.

(۲) در کتاب الغیبه صفحه ۱۲۷، آمده است:

محمد بن ابراهیم النعمانی: قال اخبرنا علی بن احمد قال اخبرنا عبد [عبید] الله بن موسی، عن احمد بن محمد بن خالد، عن ابيه، عن محمد بن سليمان الديلمي، عن ابي بصير عن

ابی عبد الله علیه السلام فی قوله تعالی: ﴿يُعْرِفُ الْمُجْرِمُونَ بِسِيْمَاهُمْ فَيُؤْخَذُ بِالنَّوَاصِي وَ الْأَقْدَامِ﴾ قال: الله يعرفهم ولكن [أ] نزلت فی القائم علیه السلام يعرفهم بسیماهم فیخبطهم بالسيف هو واصحابه خبطاً.

محمد بن ابراهیم نعمانی گوید خبرمان داد علی بن احمد، وی از عبد [عبید] الله بن موسی، از احمد بن محمد بن خالد، از پدرش، از محمد بن سلیمان دیلمی، از ابی بصیر، از ابی عبد الله امام صادق علیه السلام درباره فرموده خداوند ﴿يُعْرِفُ الْمُجْرِمُونَ بِسِيْمَاهُمْ فَيُؤْخَذُ بِالنَّوَاصِي وَ الْأَقْدَامِ﴾؛ یعنی، مجرمان به سیمایشان شناخته می شوند و آنها را از موهای جلوی سر و پاهایشان می گیرند (و عذاب می کنند). حضرت فرمود: خداوند آنها را می شناسد ولی این آیه درباره قائم علیه السلام نازل شده و اوست که آنها را به چهره هایشان می شناسد. پس او و اصحابش آنها را از دم شمشیر می گذرانند.

(۳) در کتاب بصائر الدرجات صفحه ۳۵۹، آمده است:

محمد بن الحسن الصفار، عن ابراهیم بن هاشم، عن سلیمان الديلمی (او عن سلمان)، عن معاوية الدهنی، عن ابی عبد الله علیه السلام فی قول الله تبارک و تعالی: ﴿يُعْرِفُ الْمُجْرِمُونَ بِسِيْمَاهُمْ فَيُؤْخَذُ بِالنَّوَاصِي وَ الْأَقْدَامِ﴾ فقال: یا معاویه ما يقولون فی هذا؟ قلت: یزعمون ان الله تبارک و تعالی يعرف المجرمین بسیماهم فی القيامة فیأمر بهم فیؤخذ بنواصیهم و اقدامهم فیلقون فی النار.

فقال علیه السلام لی: و کیف یحتاج تبارک و تعالی الی معرفة خلق انشاهم و هو خلقهم فقلت: جعلت فداک، و ما ذاک [ذلک]؟ قال: [ذلک] لو قام قائمنا علیه السلام اعطاه الله السیما فیأمر بالکافر فیؤخذ بنواصیهم و اقدامهم ثم یخبط بالسيف خبطاً.

و قرأ ابو عبد الله علیه السلام: هذه جهنم التي کنتما بها تکذبان تصلیانها لا تموتان و لا تحیان.

محمد بن حسن صفار، از ابراهیم بن هاشم، از سلیمان دیلمی (یا از سلمان)، از معاویه الدهنی، از ابی عبد الله حضرت صادق علیه السلام درباره فرموده خداوند تبارک و تعالی: ﴿يُعْرِفُ الْمُجْرِمُونَ بِسِيْمَاهُمْ فَيُؤْخَذُ بِالنَّوَاصِي وَ الْأَقْدَامِ﴾ یعنی: مجرمان به سیمایشان شناخته می شوند و آنها را از موهای جلوی سر و پاهایشان می گیرند (و

عذاب می کنند.) حضرت فرمود: ای معاویه در این باره چه می گویند؟ عرضه داشتم: می پندارند که خداوند تبارک و تعالی در قیامت مجرمین را به چهره هایشان می شناساند. پس امر می شود از پیشانی و پاهایشان آنان را می گیرند و آنان را به آتش در می افکنند. امام علیه السلام فرمود چگونه خداوند تبارک و تعالی نیاز دارد به شناختن خلایقی که آن ها را آفریده؟ گفتم: فدایت شوم. پس [معنی] این چیست؟ فرمود: هرگاه قائم علیه السلام به پا خیزد خداوند شناخت چهره ها را به آن حضرت عطا فرماید. پس امر می کند کافران را با پیشانی ها و قدم هایشان بگیرند. سپس از دم شمشیر بگذرانند. آن گاه حضرت صادق علیه السلام چنین خواند: این جهنم است که شما آن را تکذیب می کردید. به آن می رسید؛ نه می میرید و نه زنده باشید.

(۴) در کتاب الاختصاص صفحه ۳۰۴، آمده است:

الشیخ المفید فی الاختصاص: عن ابراهیم بن هاشم، عن محمد بن سلیمان، عن ابیه، عن سلیمان [الدیلمی]، عن معاویة بن عمار [الدّهنی]، عن ابی عبدالله علیه السلام فی قول الله تبارک و تعالی: ﴿يُعْرِفُ الْمُجْرِمُونَ بِسِيْمَاهُمْ فَيُؤْخَذُ بِالنَّوَاصِي وَ الْأَقْدَامِ﴾ قال علیه السلام: یا معاویه ما یقولون فی هذا؟ قال: قلت: یزعمون ان الله تبارک و تعالی یعرف المجرمین بسیماهم فی القيامة فیأمر بهم فیؤخذ بنواصیهم و اقدامهم فیلقون فی النار.

فقال علیه السلام لی: و کیف یخاج الجبار تبارک و تعالی الی معرفة خلق بسیماهم و هو خلقهم؟ قلت: فما ذاک جعلت فداک؟ فقال: ذلک لو قام قائمنا علیه السلام اعطاه الله سیما اعدائنا [السیماء] فیأمر بالكافر فیؤخذ بنواصی و الاقدام [ثم] یخبط بالسیف خبطا.

شیخ مفید در کتاب اختصاص، از ابراهیم بن هاشم، از محمد بن سلیمان، از پدرش، از سلیمان [دیلمی]، از معاویه بن عمار [دّهنی]، از ابی عبدالله حضرت صادق علیه السلام درباره قول خداوند تبارک و تعالی: مجرمان به سیمایشان شناخته می شوند و آن ها را از موهای جلوی سر و پاهایشان می گیرند (و عذاب می کنند.) فرمود: ای معاویه در این باره چه می گویند؟ راوی گوید: عرضه داشتم: می پندارند که خداوند تبارک و تعالی در قیامت مجرمین را به چهره هایشان می شناساند. پس امر می شود از پیشانی و پاهایشان

آنان را می گیرند و را به آتس دوزخ در می افکنند. امام علیه السلام فرمود: چگونه خداوند جبار تبارک و تعالی نیاز دارد به شناختن خلایقی که آن ها را خود آفریده؟ گفتم: فدایت شوم. پس [معنی] این چیست؟ فرمود: هرگاه قائم علیه السلام به پا خیزد خداوند شناخت چهره ها را به آن حضرت عطا فرماید. پس امر می کند کافران را با پیشانی ها و قدم هایشان بگیرند. سپس از دم شمشیر بگذرانند.

(۵) در کتاب نفیس المحجة فی ما نزل فی الحجة نوشته علامه بزرگوار بحرانی صفحه ۳۷۲، آمده است:

عنه: باسناده عن ابی بصیر، عن ابی عبد الله علیه السلام فی قوله عزوجل: ﴿يُعْرِفُ الْمُجْرِمُونَ بِسِيمَاهُمْ فَيُؤْخَذُ بِالنَّوَاصِي وَ الْأَقْدَامِ﴾ قال: سبحانه و تعالی يعرفهم ولكن هذه نزلت فی القائم علیه السلام هو يعرفهم بسیماهم فیخبطهم بالسيف هو و اصحابه خبطاً.

و از اوست که به سند خود از ابوبصیر از حضرت ابی عبد الله امام صادق علیه السلام درباره قول خداوند تبارک و تعالی: مجرمان به سیمایشان شناخته می شوند و آن ها را از موهای جلوی سر و پاهایینان می گیرند (و عذاب می کنند). فرمود: خداوند - سبحانه و تعالی - آنان را می شناسد ولی این آیه درباره حضرت قائم علیه السلام نازل گردیده که او آن ها را از چهره هایشان می شناسد. پس او و اصحابش آن ها را از دم شمشیر می گذرانند.

آیه دویست و هفدهم

● السابِقون رسول خدا ﷺ و امیرالمؤمنین ﷺ و امامان از نسل ایشان هستند.

خداوند در سوره واقعه آیات ۱۰ و ۱۱، می فرماید:

﴿وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ ۝ أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ﴾

و سبقت گرفتگان که سبقت گرفته اند آن ها خودشان مقربانند.

(۱) در غیبت نعمانی باب ۴ صفحه ۹۰ حدیث ۲۰، آمده است:

اخبرنا علی بن الحسین، عن محمد بن یحیی، عن محمد بن حسان الرازی، عن محمد بن علی، عن محمد بن سنان، عن داود بن کثیر الرقی قال: قلت لابی عبدالله جعفر بن محمد علیهما السلام: جعلت فداک اخبرنی عن قول الله عزوجل: ﴿وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ ۝ أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ﴾ قال: نطق الله بها يوم ذرأ الخلق فی الميثاق قبل ان یخلق الخلق بالفی عام فقلت: فسّر لی ذلك فقال: ان الله عزوجل لما اراد ان یخلق الخلق خلقهم من طین و رفع لهم ناراً فقال: ادخلوها، فکان اول من دخلها محمد رسول الله ﷺ و امیرالمؤمنین ﷺ و الحسن ﷺ و الحسین ﷺ و تسعة من الائمة ﷺ امام بعد امام ثم اتبعهم بشیعتهم فهم و الله السابِقون.

خبر داد ما را علی بن الحسین، از محمد بن یحیی، از محمد بن حسان رازی، از محمد بن علی، از محمد بن سنان، از داود بن کثیر الرقی که وی گوید: عرضه داشتم به ابی عبدالله جعفر بن محمد ﷺ: فدایت کردم معنای این آیه چیست؟ «و سبقت گرفتگان که سبقت گرفته اند آن ها خودشان مقربانند.» فرمود: دو هزار سال پیش از آنکه خداوند خلق را بیافریند، در روزی که خلق را در عالم میثاق بذر افشانی می کرد این سخن را فرمود. عرض کردم: توضیح بیشتری بفرمایید. فرمود: خدای عزوجل هنگامی که خواست خلق را بیافریند، آنان را از گل آفرید. سپس آتشی برافروخت و فرمود به میان

آتش بروید. نخستین کسی که به میان آتش رفت، محمد ﷺ رسول خدا بود و امیرالمؤمنین علیؑ و حسنؑ و حسینؑ و نه امام یکی پس از دیگری. سپس شیعیان آنان از آنان پیروی کردند. پس به خدا قسم که سابقون ایشان هستند.

(۲) در تفسیر صافی صفحه ۵۱۹، آمده است:

وفی الکافی عن الصادقؑ قال: قال ابی لانس من الشیعة انتم شیعة الله وانتم انصار الله وانتم السابقون الاولون و السابقون الآخرون و السابقون فی الدنیا الی ولایتنا و السابقون فی الآخرة الی الجنة.

در کتاب صافی از حضرت صادقؑ آمده است که فرمودند: پدرم به عده‌ای از شیعیان می‌فرمودند: شما شیعیان خداوند و انصار او هستید و شما باید سابقون و سبقت گیرندگان اولین و آخرین و سبقت گیرندگان به ولایت ما در دنیا و سبقت گیرندگان به سوی بهشت در آخرت.

آیه دویت و هجدهم

● در روز قیامت یاران مهدی با او حرکت می‌کنند.

خداوند در سوره حدید آیه ۱۲، می‌فرماید:

يَوْمَ تَرَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ يَسْعَى نُورُهُمْ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَ
بِأَيْمَانِهِمْ ﴿

روزی که مردان و زنان مؤمن را ببینی که نور آنها جلوی رویشان و از سمت راستشان می‌درخشد.

(۱) در تفسیر برهان مجلد ۴ صفحه ۲۸۹ حدیث ۱، آمده است:

محمد بن یعقوب، عن علی بن محمد و محمد بن الحسن، عن سهل بن زیاد، عن الحسن بن محمد بن الشمون، عن عبد الله بن القسم، عن صالح بن سهل الهمدانی قال: قال ابو عبد الله عليه السلام: نُورُهُمْ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَ بِأَيْمَانِهِمْ ائمة المؤمنین يوم القيامة يسعی بین یدی المؤمنین و بایمانهم حتی ينزلوهم منازل اهل الجنة.

صالح بن سهل همدانی گوید: ابو عبد الله امام صادق عليه السلام در ذیل آیه ﴿يَسْعَى نُورُهُمْ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَ بِأَيْمَانِهِمْ﴾؛ یعنی، روزی که مردان و زنان مؤمن را ببینی که نور آنها جلوی رویشان و از سمت راستشان می‌درخشد. فرمودند: امامان مؤمنین در روز قیامت از جلوی مؤمنین و سمت راستشان حرکت می‌کنند تا اینکه آنها را در منزلگاهشان در بهشت جای می‌دهند.

(۲) در تفسیر برهان مجلد ۴ صفحه ۲۸۹ حدیث ۳، آمده است:

محمد بن العباس قال: حدثنا محمد بن همام، عن عبد الله بن العلی، عن محمد بن الحسن، عن عبد الله بن عبد الرحمن، عن عبد الله بن القسم، عن صالح بن سهل قال: سمعت ابا عبد الله عليه السلام و هو يقول: ﴿يَسْعَى نُورُهُمْ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَ بِأَيْمَانِهِمْ﴾ قال: نور ائمة

المؤمنین یوم القیامة یسعی بین ایدی المؤمنین و بایمانهم حتی ینزلوا بهم منازلهم فی الجنة. صالح بن سهل گوید: شنیدم از ابو عبد الله امام صادق علیه السلام درباره آیه ﴿يَسْعَى نُورُهُمْ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَ بِأَيْمَانِهِمْ﴾؛ یعنی، روزی که مردان و زنان مؤمن را ببینی که نور آنها جلوی رویشان و از سمت راستشان می درخشد. فرمودند: امامان مؤمنین در روز قیامت از جلوی مؤمنین و سمت راستشان حرکت می کنند تا اینکه آنها را در منزلگاه (راحتشان) در بهشت جای می دهند.

آیه دویست و نوزدهم

● قبل از قیام قائم موعود (عج) قساوت و سختی، قلوب را فرا خواهد گرفت.

خداوند در سوره حدید آیه ۱۶، می فرماید:

﴿وَلَا يَكُونُوا كَالَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلُ فَطَالَ عَلَيْهِمُ الْأَمَدُ فَقَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ﴾

و (شما) نباشید همچون کسانی که از پیش کتاب آسمانی برایشان آمد. پس در دوران طولانی که بر آن ها گذشت و دل هایشان را قساوت گرفت و بسیاری از آنان فاسق شدند.

(۱) در کتاب الغیبة صفحه ۶، آمده است:

محمد بن ابراهیم النعمانی: قال حدثنا محمد بن همام قال: حدثنا [محمد بن] حمید بن زیاد الكوفي قال: حدثنا الحسن بن محمد بن سماعة قال: حدثنا احمد بن الحسن الميثمي، عن رجل من اصحاب ابي عبد الله جعفر بن محمد عليه السلام [انه] قال: سمعته يقول: نزلت هذه الآية التي في سورة الحديد: ﴿وَلَا يَكُونُوا كَالَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلُ فَطَالَ عَلَيْهِمُ الْأَمَدُ فَقَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ﴾ في اهل زمان الغيبة، ثم قال عزوجل: ﴿إِعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا قَدْ بَيَّنَّا لَكُمْ آيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ﴾ وقال عليه السلام: إن [انما] الأمد أمد الغيبة.

محمد بن ابراهیم نعمانی گوید: حدیثمان داد محمد بن همام، از [محمد بن] حمید بن زیاد کوفی، از حسن بن محمد بن سماعة، وی از احمد بن حسن میثمی، از مردی از اصحاب ابي عبد الله جعفر بن محمد عليه السلام که گفت شنیدم آن حضرت می فرمود: این آیه که در سوره حدید است «و (شما) نباشید همچون کسانی که از پیش کتاب آسمانی برایشان آمد. پس در دوران طولانی که بر آن ها گذشت و دل هایشان را قساوت گرفت و بسیاری از آنان فاسق شدند.» درباره اهل زمان غیبت نازل شد. سپس خدای عزوجل فرموده: «بدانید که البته خداوند زمین را پس از مردن زنده خواهد کرد. ما آیات

و ادله قدرت خود را برای شما بیان کردیم تا مگر تعقل کنید.» و آن حضرت علیه السلام فرمود:
همانا (آمد: مدت) دوران غیبت است.

(۲) شیخ مفید آورده است:

الشیخ المفید: باسناده عن محمد بن همام، عن رجل من اصحاب ابی عبد الله علیه السلام قال: سمعته یقول: نزلت هذه الآیة: ﴿وَلَا یَكُونُوا كَالَّذینَ أُوتُوا الْکِتَابَ مِنْ قَبْلُ فَطَالَ عَلَیْهِمُ الْأَمَدُ فَقَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَ کَثِیرٌ مِنْهُمْ فَاسِیقُونَ﴾ فتأویل هذه الآیة جارٍ فی زمان الغیبة و ایامها دون غیرهم و الامد آمد الغیبة.

شیخ مفید به سند خود از محمد بن همام، از مردی از اصحاب حضرت ابی عبدالله امام جعفر صادق علیه السلام روایت نموده که گفت: شنیدم که آن حضرت می فرمود: این آیه نازل شد «و (شما) نباشید همچون کسانی که از پیش کتاب آسمانی برایشان آمد. پس در دوران طولانی که بر آن ها گذشت و دل هایشان را قساوت گرفت و بسیاری از آنان فاسق شدند.» پس تأویل این آیه در زمان و روزگار غیبت جاری است نه در غیر آن ها و «آمد»، مدت غیبت است.

(۳) در کتاب کمال الدین و تمام النعمة مجلد ۲ صفحه ۶۶۸ باب ۵۸ (نوادر الكتاب) بخش عربی و ترجمه آن مجلد ۲ صفحه ۳۸۴، آمده است:

حدثنا علی بن حاتم فیما کتب الی قال: حدثنا احمد بن زیاد، عن الحسن بن علی بن سماعه، عن احمد بن الحسن المیثمی، عن سماعه و غیره، عن ابی عبد الله علیه السلام قال: نزلت هذه الآیة فی القائم علیه السلام: ﴿وَلَا یَكُونُوا كَالَّذینَ أُوتُوا الْکِتَابَ مِنْ قَبْلُ فَطَالَ عَلَیْهِمُ الْأَمَدُ فَقَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَ کَثِیرٌ مِنْهُمْ فَاسِیقُونَ﴾.

امام ششم علیه السلام فرمود: این آیه از سوره حدید: «و (شما) نباشید همچون کسانی که از پیش کتاب آسمانی برایشان آمد. پس در دوران طولانی که بر آن ها گذشت و دل هایشان را قساوت گرفت و بسیاری از آنان فاسق شدند.» درباره قائم علیه السلام نازل شده است.

آیه دویست و بیستم

● در ظهور امام زمان (عج) زمین مرده، زنده می شود و برکاتش را به مردم ارزانی خواهد داشت.

خداوند در سوره حدید آیه ۱۷، می فرماید:

﴿إِعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ﴾

بدانید که البته خداوند زمین را پس از مردنش زنده خواهد کرد. ما آیات خود را برایتان بیان کردیم تا شما در آن تعقل کنید.

(۱) حافظ قندوزی حنفی در ینابیع الموده صفحه ۴۲۹ آورده است:

قوله تعالی: ﴿إِعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ﴾ عن سلام بن المستنیر، عن الباقر علیه السلام قال: یحییها الله بالقائم علیه السلام فیعدل فیها فیحیی الارض بالعدل بعد موتها بانظلم (و عن الصادق و الکاظم و ابن عباس رضی الله عنهم نحوه). خداوند تعالی در قرآن فرمودند: «بدانید که البته خداوند زمین را پس از مردنش زنده خواهد کرد. ما آیات خود را برایتان بیان کردیم تا شما در آن تعقل کنید.» سلام بن مستنیر در ذیل این آیه از حضرت باقر علیه السلام روایت می کند که آن حضرت فرمودند: خداوند زنده می کند زمین را به قائم علیه السلام و عدل و داد رواج می یابد به قائم (عج) بعد از مردن زمین به وسیله ظلم و جور و ستم (مثل این حدیث از حضرت صادق علیه السلام و حضرت کاظم علیه السلام و ابن عباس علیه السلام روایت شده است).

(۲) حافظ قندوزی حنفی در ینابیع الموده صفحه ۴۲۳ آورده است:

و عن زراره عن الباقر علیه السلام قال: یقاتلون حتی یوحدوا الله و لا یشرک به شیئاً و تخرج العجوزة الضعیفة من المشرق ترید المغرب لا یؤذیها احد و ینزل من السماء قطرها.

زراره گوید: حضرت باقر علیه السلام فرمودند: (مهدی و یارانش) جهاد می کنند تا وقتی که جمیع مردم موحد شوند و قرار ندهند برای خداوند شریکی. (در زمان مهدی) بیرون می آید پیرزنی ضعیف از شرق که قصد دارد به مغرب برود. احدی مزاحم او نمی شود و به او آزار نمی رساند. خداوند بیرون آورد از زمین برکات و سبزی ها و رستنی های آن را و قطرات باران و برکاتش را از آسمان می باراند.

(۳) در کتاب تأویل الآیات الظاهرة صفحة ۶۶۳، آمده است:

محمد بن العباس، عن حمید بن زیاد، عن الحسن بن محمد بن سماعة، عن الحسن بن محبوب، عن ابی جعفر الاحول، عن سلام بن المستنیر، عن ابی جعفر علیه السلام فی قوله عزوجل: ﴿إِعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا﴾ یعنی بموتها کفر اهلها و الکافر میّت فیحییها الله بالقائم علیه السلام فیعدل فیها فیحیی الارض و یحیی اهلها بعد موتهم.

محمد بن عباس، از حمید بن زیاد، از حسن بن محمد بن سماعة، از حسن بن محبوب، از ابی جعفر احول، از سلام بن مستنیر، از ابی جعفر امام باقر علیه السلام آورده که آن جناب راجع به فرموده خداوند عزوجل: «بدانید که البته خداوند زمین، را پس از مردنش زنده خواهد کرد.» فرمودند: منظور از مردن زمین، کفر ورزیدن اهل آن است و کافر، مرده است. پس خداوند آن را به ظهور حضرت قائم علیه السلام زنده خواهد کرد که در زمین عدالت می نماید. پس زمین را زنده می سازد و اهل آن را پس از مرگشان زنده می نماید.

(۴) در کتاب الغیبة صفحة ۱۱۰، آمده است:

الشیخ الطوسی: قال روی ابراهیم بن سلمة، عن احمد بن مالک الفزاری، عن حیدر بن محمد الفزاری، عن عبّاد بن یعقوب، عن نصر بن مزاحم، عن محمد بن مروان الكلبي، عن ابی صالح، عن ابن عباس فی قوله تعالی: ﴿إِعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا﴾ یعنی یصلح الارض بقائم آل محمد علیه السلام ﴿بعد مَوْتِهَا﴾ یعنی [من] بعد جور اهل هلكتها [مملکتها] ﴿قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ الْآيَاتِ﴾ بقائم آل محمد علیه السلام ﴿لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ﴾.

شیخ طوسی گوید: ابراهیم بن سلمه، از احمد بن مالک فزاری، از حیدر بن محمد

فزاری، از عبّاد بن یعقوب، از نصر بن مزاحم، از محمّد بن مروان کلبی، از ابی صالح، از ابن عباس درباره قول خداوند: «بدانید که البته خداوند زمین را پس از مردنش زنده خواهد کرد.» روایت کرده که گفت: یعنی زمین را به قائم آل محمّد علیه السلام اصلاح می فرماید. «پس از مردن آن» یعنی پس از جور و ستم اهل مملکت آن «به تحقیق که ما آیات خود را برایتان بیان کردیم.» به قائم آل محمّد علیه السلام «شاید که تعقل کنید.»

(۵) در کتاب کافی مجلد ۷ صفحه ۱۷۴، آمده است:

محمّد بن یعقوب، عن احمد بن مهران، عن محمّد بن علی، عن موسی بن سعدان، عن عبد الرحمن الحجاج، عن ابی ابراهیم علیه السلام فی قول الله عزوجل: «يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا» قال: ليس يحييها بالقطر ولكن يبعث الله عزوجل رجالاً فيحيون العدل فتحيي الارض لاهياء العدل و لإقامة الحدّ (فيها) انفع في الارض من القطر اربعين صباحاً.

محمّد بن یعقوب، از احمد بن مهران، از محمّد بن علی، از موسی بن سعدان، از عبد الرحمن حجاج، از حضرت ابی ابراهیم موسی بن جعفر علیه السلام در مورد قول خداوند: «خداوند زمین را پس از مردنش زنده خواهد کرد.» روایت کرده که فرمود: نه به وسیله باران بلکه خداوند عزوجل مردانی برمی انگیزد. پس به خاطر برپایی و زنده شدن عدالت، زمین احیا می گردد و همانا اقامه حد در آن از چهل روز باران سودمندتر است.

(۶) در کتاب روضه کافی مجلد ۲ صفحه ۸۳ حدیث ۳۹۰، آمده است:

محمّد بن احمد بن الصلت، عن عبد الله بن الصلت، عن يونس، عن المفضل بن صالح، عن محمّد الحلبي أنه سأل ابا عبد الله علیه السلام عن قول الله عزوجل: «إِعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا» قال: العدل بعد الجور.

محمّد حلبي از امام صادق علیه السلام درباره آیه: «بدانید که البته خداوند زمین را پس از مردنش زنده خواهد کرد.» پرسید، فرمود: (زنده می کند) به عدالت و داد پس از (مردنش به) جور و ستم.

(۷) در کتاب الاکمال الدین و الاتمام النعمة شیخ صدوق باب ۵۸ (نوادر الکتاب)

صفحه ۶۶۸ (عربی) و ترجمه آن مجلد ۲ صفحه ۳۸۵ حدیث ۱۳، آمده است:

و بهذا الاسناد، عن احمد بن الحسن المیثمی، عن الحسن بن محبوب، عن مؤمن الطاق، عن سلام بن المستنیر، عن ابی جعفر علیه السلام فی قول الله عزوجل: ﴿إِعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا﴾ قال: يحييها الله عزوجل بالقائم علیه السلام بعد موتها یعنی بموتها کفر اهلها و الکافر میت.

امام پنجم علیه السلام درباره قول خداوند (سوره حدید آیه ۱۷) «بدانید که البته خداوند زمین را پس از مردنش زنده خواهد کرد.» فرمود: خدای عزوجل زمین را به قیام قائم علیه السلام زنده می کند بعد از آنکه مرده است. مقصود از مردن زمین، کفر اهل زمین است. کافر همان مرده است.

زمین زمانی زنده است که در آن کفری وجود نداشته باشد. پس اگر کفر سراسر زمین را فرا گرفت، زمین مرده است و قبل از قیام حضرت صاحب الزمان علیه السلام این مردگی، زمین را فرا خواهد گرفت به وسیله اهل زمین.

از طرفی دیگر اگر مردم بر روی زمین فساد کنند، زمین هم برکاتش را از آنها دریغ خواهد کرد. بنابراین مردم مبتلا می شوند به خوف و ترس و نقص در اموال و انفس. دیگر زمین برکاتش را به آنها نخواهد داد تا زمانی که امام زمان علیه السلام قیام کند. آن گاه زمین، محل عبادت کنندگان می شود و زمین هم برکاتش را بر آنها ارزانی خواهد داشت. لذا در ظهور امام زمان (عج) یک انقلاب ارضی و سماوی روی خواهد داد.

آیه دویست و بیست و یکم

● هر کس منتظر ظهور امام زمان علیه السلام باشد و بمیرد مانند کسی است که در حضور امام زمان علیه السلام به شهادت رسیده است.

خداوند در سوره حدید آیه ۱۹، می فرماید:

﴿وَالَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ وَالشُّهَدَاءُ عِنْدَ رَبِّهِمْ لَهُمْ أَجْرُهُمْ وَنُورُهُمْ﴾

کسانی که به خدا و پیامبران او ایمان آورده اند، آن ها نزد پروردگارشان صدیقون و راستی پیشگان و شهداء مستند و برای آنهاست اجر و نور خودشان.

(۱) در اصول کافی مجلد ۱ صفحه ۱۹۵ آمده است:

عن صالح بن سهل الهمدانی قال قال ابو عبد الله علیه السلام ﴿يَسْعَى نُورُهُمْ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِمْ﴾ ائمه المؤمنین يوم القيامة تسعی بین یدی المؤمنین و بایمانهم حتی ینزلوهم منازل اهل الجنة.

صالح بن سهل همدانی می گوید: امام صادق علیه السلام در ذیل آیه ﴿يَسْعَى نُورُهُمْ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِمْ﴾ فرمودند: امامان مؤمنین در روز قیامت از جلوی مؤمنین و سمت راستشان حرکت می کنند تا این که آن ها را در منزل گاهشان در بهشت جای می دهند.

(۲) در تفسیر برهان مجلد ۴ صفحه ۲۸۹، آمده است:

ابن بابویه باسناده عن جابر بن عبد الله الانصاری، قال كنت ذات يوم عند النبي صلی الله علیه و آله و سلم اذا قبل بوجهه علي بن ابي طالب علیه السلام فقال الا ابشرک يا ابا الحسن؟ قال: بلى يا رسول الله. قال: هذا جبرائيل يخبرني عن الله جل جلاله انه قد اعطى شيعتك و محبيک سبع خصال الرفق عند الموت و الانس عند الوحشة و النور عند الظلمة و الا من عند الفرع و القسط عند الميزان و الجواز على الصراط و دخول الجنة قبل الناس نورهم يسعی بین ایديهم و بایمانهم.

ابن بابویه به سند خود از جابر بن عبد الله انصاری نقل می کند که گفت یک روز نزد

رسول الله ﷺ بودم که آن حضرت خطاب به امیرالمؤمنین علیؑ فرمود: آیا مژده بدهم تو را یا ابالحسن؟ عرض کرد: آری یا رسول الله. فرمود: اکنون جبرئیل به من از جانب پروردگار خبر داد که خداوند شیعیان و دوستان تو را هفت خصلت عنایت نمود:

۱. مدارا در هنگام مرگ.
۲. انس در هنگام وحشت.
۳. نورانیت در هنگام ظلمت.
۴. امنیت در هنگام فزع.
۵. قسط در هنگام سنجش اعمال.
۶. جواز عبور از پل صراط.
۷. ورود در بهشت قبل از همه مردم ﴿نُورٌ یَسْعَى نُورُهُمْ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَ بِأَيْمَانِهِمْ﴾.

(۳) در کتاب صافی صفحه ۵۲۲، آمده است:

فی العیاشی عن الباقرؑ قال: العارف منکم هذا الامر المنتظر له المحتسب فیہ الخیر کمن جاهدوا الله مع القائمؑ بسیفه ثم قال: بلی والله کمن جاهد مع رسول الله ﷺ بسیفه ثم قال الثلاثة بل والله کمن استشهد مع رسول الله ﷺ فی فسطاطه و فیکم آیه من کتاب الله قیل و ای آیه قال قول الله ﴿وَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَ رُسُلِهِ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ وَ الشُّهَدَاءُ عِنْدَ رَبِّهِمْ لَهُمْ أَجْرُهُمْ وَ نُورُهُمْ﴾.

در تفسیر عیاشی از امام باقرؑ روایت شده که فرمود: هر که از شما به این امر آشنا باشد و انتظار ظهور صاحب امرؑ را داشته باشد برای او خیر به حساب می آید و همانند کسی است که با حضرت قائمؑ و اسلحه او جهاد نموده است.

سپس فرمود: بلکه قسم به خدا همانند کسی است که با اسلحه رسول خدا ﷺ و همراه آن حضرت جهاد نموده است و بعد برای بار سوم فرمود: بلکه قسم بخدا همانند کسی است که در خیمهٔ پیامبر حضور داشته است و در شأن شما در کتاب خدا آیه ای

است، عرض شد کدام آیه؟ فرمود: کلام خدا: «وَالَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ وَالشُّهَدَاءُ عِنْدَ رَبِّهِمْ لَهُمْ أَجْرُهُمْ وَنُورُهُمْ».

(۴) در کتاب صافی صفحه ۵۲۲، آمده است:

فی المحاسن عن الصادق علیه السلام: قال ان المیت منکم علی هذه الامر شهید قبل و ان مات علی فراشه قال ای والله و ان مات علی فراشه فی عند ربه رزق.

در کتاب محاسن از امام صادق علیه السلام روایت می‌کند که فرمود: از شما (شیعیان) هر کس به مرگ طبیعی بمیرد در صف شهدا خواهد بود. عرض شد اگر چه در بسترش بمیرد؟ فرمود: قسم به خدا اگر چه در بسترش بمیرد در پیشگاه پروردگار زنده است و روزی می‌برد.

(۵) در کتاب صافی صفحه ۵۲۲ آمده است:

عن الحكم بن عتيبة قال: لما قتل امير المؤمنين علیه السلام الخوارج يوم النهروان قال اليه رجل فقال يا امير المؤمنين علیه السلام طوبى لنا اذ شهدنا معك هذا لموقف و قتلنا معك هؤلاء الخوارج فقال: امير المؤمنين علیه السلام والذي خلق الحبه و برىء النسمة لقد شهدنا فى هذا الموقف اناس لم يخلق الله آبائهم و لا اجدادهم بعد فقال الرجل و كيف شهدنا قوم لم يخلقوا قال: بل قول يكونون فى آخر الزمان يشركوننا فيما نحن فيه و يسلمون لنا فاولئك شركاونا حقا حقا.

حکم بن عتیبه می‌گوید: هنگامی که امیر المؤمنین علیه السلام خوارج را در روز نهروان به قتل رسانید مردی در برابر حضرت ایستاد و گفت: یا امیر المؤمنین علیه السلام، خوشا به حال ما با این موفقیتی که داشتیم و در رکاب شما این خوارج را کشتیم.

حضرت فرمود: قسم به آن خدایی که دانه را می‌شکافد و نسیم را می‌ورزد کسانی با ما شاهد در این موقف هستند که خداوند هنوز پدران و اجدادشان را خلق نفرموده، عرض کردند، چگونه مردمی که هنوز خلق نشده شاهد ما هستند؟ حضرت فرمود: آن‌ها جمعیتی هستند که در آخر الزمان می‌باشند با ما در آنچه در او هستیم شریک هستند و تسلیم ما می‌باشند و به طور حقیقی و جدی آن‌ها شریکان ما هستند.

آیه دویت و بیست و دوم

● خداوند به محبین اهل بیت علیهم السلام و امام زمان علیه السلام نور مخصوصی عطاء می فرماید.

خداوند در سوره حدید آیه ۲۸، می فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَآمِنُوا بِرِسُولِهِ يُؤْتِكُمْ كِفْلَيْنِ مِنْ رَحْمَتِهِ وَيَجْعَلْ لَكُمْ نُورًا تَمْشُونَ بِهِ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾

ای کسانی که ایمان آورده‌اید بترسید از نافرمانی خداوند متعال و ایمان بیاورید به رسولش، به شما می‌دهد دو کفل (یا دو بال) از رحمت خودش و برایتان نوری قرار می‌دهد که بوسیله آن راه می‌روید (هم در دنیا و هم در آخرت) و شما را می‌بخشد و خداوند بسیار آمرزنده مهربانست.

(۱) حاکم حسکانی گوید: فرات بن ابراهیم کوفی گفت...، از محمد بن مروان، از کلبی، از ابی صالح، از ابن عباس در فرموده خداوند متعال: ﴿يُؤْتِكُمْ كِفْلَيْنِ﴾ می‌دهد به شما دو جناح از رحمتش، گفت آن دو جناح رحمت حسن علیه السلام و حسین علیه السلام هستند ﴿وَيَجْعَلْ لَكُمْ نُورًا﴾ قرار می‌دهد برای شما نوری که به وسیله آن راه می‌پیمایید. گفت: آن نور، علی ابن ابی طالب علیه السلام است حاکم حسکانی سه حدیث به شماره‌های ۹۴۴، ۹۴۵ و ۹۴۶ می‌آورد. در هر سه حدیث می‌فرماید ﴿يُؤْتِكُمْ كِفْلَيْنِ مِنْ رَحْمَتِهِ﴾ حضرت امام حسن و حضرت امام حسین علیهم السلام است و ﴿نُورًا تَمْشُونَ بِهِ﴾ آن نور علی ابن ابی طالب علیه السلام است.

(۲) حاکم حسکانی در شواهد التنزیل صفحه ۵۸۷ ذیل همین آیه در حدیث ۹۴۷، آورده است:

حاکم حسکانی می‌گوید: خبر داد ما را به این روایت عبدالرحمن بن حسن...، از ابی عبید غلام ابن عباس گفت: شنیدم ابی سعید خدری می‌گفت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم

فرمودند: به خدا سوگند، بنده‌ای که اهل بیت علیهم‌السلام مرا دوست نمی‌دارد مگر اینکه خداوند عزیز و جلیل نوری به او عطا می‌فرماید تا نزد کوثر بر من در آید و دشمن نمی‌دارد اهل بیت مرا بنده‌ای مگر اینکه (نور) خداوند از او روز قیامت پوشیده می‌گردد.

(۳) حاکم حسکانی هندی در شواهد التنزیل صفحه ۵۸۷ حدیث ۹۴۸، آورده است:

حاکم حسکانی گوید: نقل حدیث کرد تو را ابو جعفر کامل بن احمد مستعلی... از مالک بن انس از زهری از سالم از پدرش از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به من فرمودند: منورترین شما روز قیامت کسانی هستند که آل محمد را بیشتر دوست دارند. از مجموعه این احادیث چنین استنباط می‌شود که اگر مؤمنی تقوا پیشه کند و بر رسول خداوند یعنی محمد مصطفی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم ایمان واقعی داشته باشند و فرمان‌های او را به درستی اجرا نمایند یعنی رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم که امیرالمؤمنین علیه‌السلام را به عنوان هادی و ولی و امام و وصی بعد از خود معرفی کرد، به واقع بپذیرند، و شیعه او شوند و مطابق آنچه که قرآن و احادیث بیان کرده است اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام را دوست بدارند، و محب اهل بیت رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم شوند، خداوند هم دو کفل رحمت یعنی امام حسن علیه‌السلام و امام حسین علیه‌السلام را به آنها عنایت می‌کند تا به وسیله این دو کفل اوج بگیرند، و به درگاه الهی نزدیک شوند و خداوند نور ولایت امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام را به آنها عنایت می‌فرماید تا در دنیا و آخرت به وسیله این نور حرکت نمایند.

و امروز در روی کره زمین از امام زمان حجة بن الحسن العسکری (عج) که از اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام است نزدیک‌تر نداریم، او از هر نظر به رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نزدیک است و از اهل بیت و عترت آن حضرت است، هر کس این بزرگوار را دوست بدارد و به او عشق بورزد، یقیناً خداوند را به او **﴿يُؤْتِكُمْ كِفْلَيْنِ مِنْ رَحْمَتِهِ﴾** عنایت خواهد فرمود، **﴿وَيَجْعَلْ لَكُمْ نُورًا تَمْشُونَ﴾** را به او عنایت خواهند فرمود، و مغفرت خداوند شامل حال او خواهد شد.

آیه دویت و بیست و سوم

● یاران امام زمان علیه السلام متقین و حزب الله هستند.

خداوند در سوره مجادله آیه ۲۲، می فرماید:

﴿... أَوْلَئِكَ حِزْبُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾

... آنانند حزب خداوند هوشیار باشید که حزب خداوند رستگارانند.

* حافظ قندوزی حنفی در کتاب ینایع المودة صفحة ۴۴۲ حدیث مفصلی را از مناقب احمد خوارزمی نقل می کند، وراوی حدیث جابر بن عبدالله الانصاری، و حدیث بحثی بین رسول خدا صلی الله علیه و آله با فردی یهودی به نام جندل بن جنادة بن جبیر الیهودی و در این حدیث رسول خدا صلی الله علیه و آله جانشینان خود را معرفی می کند و می فرماید:

اولهم سید الاوصیاء ابوالائمة علی ثم ابناه الحسن و الحسین... فمن بعد الحسین و ما اسامیهم قال اذا انتقضت مدة الحسین فالامام ابنه علی و یلقب بزین العابدین فبعده ابنه محمد یلقب بالباقر، فبعده ابنه جعفر یدعی بالصادق فبعده ابنه موسی یدعی بالكاظم فبعده ابنه علی یدعی بالرضا فبعده ابنه محمد یدعی بالتقی والزکی فبعده ابنه علی یدعی بالتقی والهادی فبعده ابنه الحسن بدعی بالعسکری فبعده ابنه محمد یدعی بالمهدی و القائم و الحجة فیغیب ثم یخرج فاذا خرج یملاء الارض قسطاً و عدلاً کمی ملئت جوراً و ظلماً طوبی للصابرین فی غیبه طوبی للمتقین علی محبتهم اولئک الذین وصفهم الله فی کتابه و قال ﴿هُدًى لِّلْمُتَّقِیْنَ ۝ الَّذِیْنَ یُؤْمِنُونَ بِالْغَیْبِ﴾ ثم قال تعالی ﴿... أَوْلَئِكَ حِزْبُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾.

رسول خدا صلی الله علیه و آله به جندل یهودی درباره اوصیا بعد از خود فرمودند اول آنها آقای اوصیاء و پدر امامان علی بن ابی طالب علیه السلام است و بعد از او امام حسن علیه السلام و بعد از او امام حسین علیه السلام است که این دو فرزند او هستند. و بعد از حسین علیه السلام، علی بن الحسین علیه السلام

ملقب به زین العابدین است و بعد از او محمد ملقب به باقر علیه السلام است و بعد از او فرزندش جعفر علیه السلام است که او را با لقب صادق می خوانند و بعد از او فرزندش موسی علیه السلام است که او را با لقب کاظم علیه السلام می خوانند و بعد از او فرزندش علی علیه السلام است که او را با لقب رضا علیه السلام می خوانند و بعد از او فرزندش محمد علیه السلام است که با لقب تقی و زکی علیه السلام خوانده می شود و بعد از او فرزندش علی علیه السلام است که با لقب تقی الهادی خوانده می شود و بعد از او فرزندش حسن علیه السلام است که او را با لقب عسکری می خوانند، و بعد از او فرزند «محمد» (عج) است که او با القاب «مهدی» و «القائم» و «الحجة» خوانده می شود. او غایب می شود آن گاه ظاهر می گردد و هنگامی که ظاهر شود دنیا را پر از عدل و داد می کند، همان طوری که پر از ظلم و جور شده است. خوشا به حال کسانی که در غیبت او ثابت می مانند در محبت و دوستی او. آن ها کسانی هستند که خداوند در وصف آن ها در کتابش فرموده: ﴿هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ ۝ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ...﴾ (سوره بقره آیه ۲) و باز خداوند در وصف آن ها فرموده است: ﴿أُولَئِكَ حِزْبُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾ آن ها حزب خداوند هستند و آگاه باشید که حزب الله یا حزب خداوند رستگارانند.

آیه دوست و بیست و چهارم

● خداوند، پیامبر و امامان و امام زمان علیهم السلام را تربیت کرد، به بهترین تربیت. خداوند در سوره حشر آیه ۷، می فرماید:

﴿وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَ مَا نَهَاكُمُ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ﴾

هر چه رسول خدا صلی الله علیه و آله به شما می دهد آن را بگیرید و هر آنچه را که شما را از آن منع می کند، از آن پرهیز کنید و تقوای خداوند را در خود ایجاد کنید که خداوند شدید العقاب است.

(۱) در اصول کافی مجلد ۲ صفحه ۵ حدیث ۳، آمده است:

عدة من اصحابنا، عن احمد بن محمد، عن الحجال، عن ثعلبة: عن زرارة قال: سمعت ابا جعفر و ابا عبد الله عليهما السلام يقولان، ان الله عزو جل فوض الى نبيه صلی الله علیه و آله امر خلقه لينظر كيف طاعتهم، ثم تلا هذه الاية ﴿وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَ مَا نَهَاكُمُ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ﴾.

زراره گوید: من از امام باقر و امام صادق علیهم السلام شنیدم که می فرمودند: خدای عزوجل امر خلقش را به پیغمبرش و اگذار فرمود تا ببیند چگونه اطاعت می کنند (پیغمبرش را و چون اطاعت پیغمبر بر نفوس مردم دشوارتر از اطاعت خداست اجرش بیشتر است). سپس این آیه را تلاوت فرمود: «آنچه را رسول برای شما آورده بگیرید و از آن چه منعتان کرده باز ایستید.»

(۲) در اصول کافی مجلد ۲ صفحه ۷ حدیث ۵، آمده است:

ابوعلی الا شعری عن محمد بن عبد الجبار، عن ابن فضال، عن ثعلبة بن ميمون، عن زرارة: انه سمع ابا جعفر و ابا عبد الله عليهما السلام يقولان: ان الله تبارك و تعالی فوض الى نبيه صلی الله علیه و آله

اجر خلقه لينظر كيف طاعتهم، ثم تلا هذه الآية ﴿وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَ مَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ﴾ زراره گوید: شنیدم که امام باقر و امام صادق علیهما السلام می فرمودند: خدای تبارک و تعالی امر خلقتش را به پیغمبرش صلی الله علیه و آله و اگذار فرمود تا ببیند چگونه اطاعت می کنند، سپس این آیه را تلاوت فرمود: «آنچه را رسول برای شما آورده بگیرید و از آن چه منعتان کرده باز ایستید.»

(۳) در اصول کافی مجلد ۲ صفحه ۸ حدیث ۹، آمده است:

محمّد بن یحیی عن محمد بن الحسن، عن یعقوب بن یزید، عن الحسن بن زیاد، عن محمد بن الحسن المبسمی، عن ابی عبد الله علیه السلام قال: سمعته یقول: ان الله عزوجل ادب رسوله حتى قومه علی ما اراد، ثم فوض الیه فقال عز ذکره: ﴿وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَ مَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ﴾ فما فوض الله الی رسوله صلی الله علیه و آله فقد فوضه الینا.

امام صادق علیه السلام فرمودند: نه، به خدا سوگند که خدا امری را به خلقتش و اگذار نفرموده است، مگر به پیغمبر صلی الله علیه و آله. خدای عزوجل فرموده است: «ما این کتاب را به حق و درستی بر تو نازل کردیم تا به آنچه خدایت ارائه داده حکم کنی.» و این آیه درباره اوصیای پیغمبر هم جاری است.

(۴) در اصول کافی مجلد ۲ صفحه ۴ حدیث ۲، آمده است:

علی بن ابراهیم عن ابيه، عن یحیی بن ابی عمران، عن یونس، عن بکار بن بکر، عن موسی بن اشیم قال: كنت عند ابی عبد الله علیه السلام فسأله رجل عن آية من كتاب الله عزوجل فاخبره بها، ثم دخل علیه داخل فسأله عن تلك الآية فاخبره بخلاف ما اخبر [به] الاول فدخلنی من ذلك ماشاء الله حتی كان قلبی بشرح بالسكاكين فقلت فی نفسی: ترکت ابا قتاده بالشام لأیخطيء فی الواو و شبهه و جئت الی هذه یخطيء هذا الخطاء کله فبینا انا كذلك اذ دخل علیه آخر فسأله عن تلك الآية فاخبره بخلاف ما اخبرنی و اخبر صاحبی و فسكنت

نفسی، فعلمت ان ذلك منه تقیه، قال: ثم التفت الی فقال لی: یا ابن اشیم، ان الله عزوجل فوض الی سلیمان بن داود فقال: ﴿هَذَا عَطَاؤُنَا فَامْنُنْ أَوْ أَمْسِكْ بِغَيْرِ حِسَابٍ﴾ و فوض الی نبیه ﷺ فقال: ﴿وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَ مَا نَهَاكُمُ عَنْهُ فَانْتَهُوا﴾ فما فوض الی رسول الله ﷺ فقد فوضه الینا.

موسی بن اشیم گوید: خدمت امام صادق ﷺ بودم که مردی راجع به آیه ای از قرآن پرسید و حضرت جوابش فرمود. سپس مردی وارد شد و همان آیه را پرسید. حضرت بر خلاف آن چه به اولی فرموده بوده به او جواب گفت، از اختلاف گویی آن حضرت آنچه خدا خواهد در دلم وارد شد. بطوری که گویا دلم را با کاردها می برند. با خودم گفتم من ابوقناده را که در یک «واو» اشتباه نمی کرد، در شام رها کردم و نزد این مرد آمدم که چنین اشتباه بزرگی می کند، در آن میان که من آن افکار را داشتم، مرد دیگری وارد شد و از همان آیه سؤال کرد، حضرت بر خلاف آنچه به من و [دو] رفیقم گفته بود به او جواب داد، دلم آرام گرفت. زیرا دانستم اختلاف گویی آن حضرت به خاطر بقیه است. سپس آن حضرت به من توجه کرد و فرمود: پسر اشیم، خدای عزوجل امر را به سلیمان بن داود واگذار کرد و فرمود: «این است عطاء ما خواهی ببخش یا نگهدار، حسابی بر تو نیست.» و پیغمبرش ﷺ واگذار کرد و فرمود: «آن چه را رسول برای شما آورده بگیری و از آن چه منعتان کرده بازایستید» و آن چه بر رسول خدا ﷺ واگذار نموده به ما واگذار کرده است.

(۵) در کتاب اصول کافی مجلد ۲ صفحه ۵ حدیث شماره ۴، آمده است:

علی بن ابراهیم، عن ابیه، عن ابن ابی عمیر، عن عمیر بن اذینه، عن فضیل بن یسار قال: سمعت ابا عبد الله ﷺ یقول بعض اصحاب قیس الماصر: ان الله عزوجل ادب نبیه فأحسن أدبه، فلها أكمل له الادب قال: ﴿إِنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ﴾ ثم فوض الیه امر الدین والأئمه لیسوس عباده، فقال عزوجل، ﴿وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَ مَا نَهَاكُمُ عَنْهُ فَانْتَهُوا﴾ و

ان رسول الله ﷺ كان مسدداً موقفاً مؤيداً بروح القدس، لا يزل و لا يحظىء في شيء مما يسوس به الخلق، فتادب به آداب الله ثم ان الله عزوجل فرض الصلاة ركعتين ركعتين عشر ركعات، فأضاف رسول الله ﷺ الى الركعتين ركعتين و الى المغرب ركعه فصارت عدل الفريضة لا يجوز تركهن الا في سفر و أفرد الركعة في المغرب فتركها قائمة في السفر و الحضر فأجاز الله عزوجل له ذلك كله فصارت الفريضة سبع عشرة ركعة، ثم سن رسول الله ﷺ النوافل اربعاً و ثلاثين ركعة مثلى الفريضة فأجاز الله عزوجل له ذلك و الفريضة و النافلة إحدى و خمسون ركعة، منها ركعتان بعد العنمة جالساً تعدد بركعة مكان الوتر و فرض الله في السنة صوم شهر رمضان و سن رسول الله ﷺ صوم شعبان و ثلاثة ايام في كل شهر مثلى الفريضة فأجاز الله عزوجل له ذلك و حرم الله عزوجل الخمر بعينها و حرم رسول الله ﷺ المسكر من كل شراب فأجاز الله له ذلك كله و عاف رسول الله ﷺ أشياء و كرهها و لم ينه عنها نهى حرام إنما نهى عنها نهى إعافه و كراهة، ثم رخص فيها فصارا لأخذ برخصه واجباً على العباد كوجوب ما يأخذون بنهيه و عزائمه و لم يرخص لهم رسول الله ﷺ فيما نهاهم عنه نهى الحرام و لا فيما أمر به أمر فرض لازم فكثير المسكر من الأشربة نهاهم عنه نهى حرام لم يرخص فيه الأحد و لم يرخص رسول الله ﷺ لأحد تقصير الركعتين اللتين ضمهما الى ما فرض الله عزوجل، بل ألزمهم ذلك إلزاماً واجباً، لم يرخص لاحد في شيء من ذلك الا للمسافر و ليس لأحد أن يرخص [شيئاً] ما لم يرخصه رسول الله ﷺ، فوافق أمر رسول الله ﷺ أمر الله عزوجل و نهيه نهى الله عزوجل و وجب على العباد التسليم له كالتسليم لله تبارك و تعالی.

فضیل بن یسار گوید: شنیدم امام صادق علیه السلام به بعضی از اصحاب قیس ماصر می فرمود: همانا خدای عزوجل پیغمبرش را تربیت کرد و نیکو پرورش داد و تربیت کرد، چون تربیت او را تکمیل نمود، فرمود: «تو بر خلق عظیمی استواری» (آیه ۴ سوره ۶۸) سپس امر دین و امت را به او واگذار فرمود تا سیاست بندگان را به عهده گیرد،

سپس فرمود: «آنچه را رسول برای شما آورده بگیرید و از آنچه شما را نهی کرده باز ایستید.»

همانا رسول خدا ﷺ استوار و موفق و مؤید به روح القدس بود. نسبت به سیاست و تدبیر خلق هیچ گونه لغزش و خطایی نداشت، به آداب خدا تربیت شد. خدای عزوجل نمازهای پنج گانه را دو رکعت دو رکعت واجب ساخت تا ده رکعت شد. سپس رسول خدا ﷺ به دو رکعت (ظهر و عصر و عشاء) دو رکعت و بمغرب یک رکعت افزود، و این اضافات با واجب خدای تعالی همدوش گشت، به طوری که ترک آنها جز در سفر جایز نیست و چون در نماز مغرب یک رکعت افزود آن را در سفر و حضر بر جا گذاشت. خدای عزوجل تمام این اضافات پیغمبر را قبول کرد و نمازهای یومیه واجب هفده رکعت گشت.

سپس رسول خدا ﷺ نمازهای نافله را که سی و چهار رکعت در برابر نمازهای واجب است مستحب قرار داد. خدای عزوجل هم آن را اجازه داد و نمازهای واجب و مستحب پنجاه و یک رکعت گشت دو رکعت نماز نشسته بعد از عشاء بجای نماز وتر است و یک رکعت بحساب می آید.

و خدا در میان سال، تنها روزه ماه رمضان را واجب ساخت و رسولش ﷺ روزه ماه شعبان و سه روز از هر ماه را سنت کرد تا برابر مقدار واجب شد. (زیرا اگر در ده ماه غیر از رمضان و شعبان ماهی سه روز روزه ندارد، سی روز می شود و به اضافه ماه شعبان، دو برابر سی روز رمضان می گردد) خدای عزوجل این را هم برای او اجازه داد.

و باز خدای عزوجل اختصاصاً شراب انگور را حرام ساخت و رسول خدا ﷺ هر نوشابه مست کننده ای را حرام کرد، خدا هم برای او اجازه داد و رسول خدا ﷺ از چیزهایی خودداری کرد و آنها را بد دانست ولی به طور حرمت از آنها نهی نکرد و تنها امر به خودداری و کراهت نمود و در ارتکاب آنها رخصت داد، گرفتن بر رخصت

او هم بر بندگان واجب گشت؛ مانند، واجب بودن اخذ به نهی و قدغن‌های او، رسول خدا ﷺ نسبت به آنچه نهی حرام نمود و امر واجب فرمود، به مردم رخصت تخلف نداد، از این جهت بیشتر نوشابه‌های مست‌کننده را که از آن نهی حرام فرمود، رخصت ارتکاب آن نداد و نیز نسبت به دو رکعت نمازی که به واجب خدای تعالی اضافه فرموده بود، به هیچ کس رخصت تقصیر نداد، بلکه آن را به طور واجب برایشان ملزم ساخت، برای هیچ کس جز مسافر رخصت تقصیر نداد و هیچ کس را نرسد که نسبت به آنچه رسول خدا ﷺ رخصت نداده رخصت دهد، پس امر رسول خدا ﷺ با امر خدای عزوجل و نهی او با نهی موافق و برابر است، بر بندگان لازم است تسلیم او باشند همچنان که تسلیم خدای تبارک و تعالی هستند.

همان طوری که توجه می‌فرمایید مری رسول خدا ﷺ خداوند است و مری امیرالمؤمنین ﷺ رسول خدا ﷺ می‌باشد و هر کدام از ائمه طاهرین ﷺ مری امام بعد از خود بودند، در حقیقت اصل تربیت آنها از آن خداوند است. بنابراین خداوند اطاعت از آنها را اطاعت از خود می‌داند، در این آیه هم می‌فرماید: «هر چه پیامبر ﷺ بیاورد بپذیرید و قبول کنید و هر چه او نهی می‌کند، شما هم نهی کنید.» و باز در همین احادیث آمده است: «فما فوض الله الی رسوله ﷺ فقد فوضه الینا» این آیه درباره رسول خدا و اوصیاء ایشان است. و امروزه عهده دار این عهد الهی حضرت بقیه الله الاعظم، حجة بن الحسن (عج) است.

آیه دویت و بیست و پنجم

● مؤمنین واقعی در فراز و نشیب زندگی هرگز مایوس نمی‌شوند تا امام زمان علیه السلام قیام کند.

خداوند در سوره ممتحنه آیه ۱۳، می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ قَدْ يَئِسُوا مِنَ
الْآخِرَةِ كَمَا يَئِسَ الْكُفَّارُ مِنْ أَصْحَابِ الْقُبُورِ﴾

ای کسانی که ایمان آورده‌اید هرگز قومی را که خداوند بر آنان غضب کرده یار و دوست خود مگیرید که آن‌ها از جهان آخرت مایوس و نا امید هستند همچنان که کافران از اهل قبور نا امیدند.

* در کتاب تأویل الآیات الظاهره صفحه ۶۸۴، آمده است:

محمد بن العباس: قال: حدّثنا علی بن عبدالله، عن ابراهیم بن محمد المثقفی قال: سمعتُ
محمد بن صالح بن مسعود قال: حدّثنی ابی الجارود زیاد بن المنذر، عن مَنْ سمع علیاً علیه السلام
يقول: العجب کلّ العجب بین الجمادی و رجب، مقام رجلٌ فقال: یا امیر المؤمنین، ما هذا
العجب الذی لا تزال تعجب منه؟ فقال: شکلتک امّک، و آیی العجب [عجب] اعجب من
اموات یضربون کلّ عدوٍ لله و لرسوله و لاهل بیته؟ و ذلك تأویل هذه الایة: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ
آمَنُوا لَا تَتَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ قَدْ يَئِسُوا مِنَ الْآخِرَةِ كَمَا يَئِسَ الْكُفَّارُ مِنْ
أَصْحَابِ الْقُبُورِ﴾ فاذا اشتد القتل قلت: مات و هلك، و ای واد سلك، و ذلك تأویل هذه
الایة: ﴿ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكُرَّةَ عَلَيْهِمْ وَ أَمَدَدْنَاكُمْ بِأَمْوَالٍ وَ بَنِينَ وَ جَعَلْنَاكُمْ أَكْثَرَ
نَفِيرًا﴾.

محمد بن العباس گوید. علی بن عبدالله، از ابراهیم بن محمد ثقفی حدیثمان داد، وی
گفت: شنیدم محمد بن صالح بن مسعود گفت: ابوالجارود زیاد بن المنذر از کسی برایم
حدیث گفت که شنیده بود امیر المؤمنین علی علیه السلام می‌فرماید: عجب و همه عجب بین

جمادی و رجب است، پس مردی به پناخت و عرضه داشت یا امیرالمؤمنین علیه السلام این چه شگفتی است که شما پیوسته از آن در تعجب هستید؟ فرمود: مادرت در غرابت بگرید، کدام شگفتی از این عجیب تر است که مردگان هر دشمن خدا و رسول او صلی الله علیه و آله و اهل بیتش علیهم السلام را بزنند؟... و این است تاویل آیه «ای کسانی که ایمان آورده اید هرگز قومی را که خداوند بر آنان غضب کرده یار و دوست خود مگیرید که آنها از جهان آخرت مأیوس و ناامید هستند همچنان که کافران از اهل قبور نا امیدند.» هنگامی که کشتار شدت یابد گویند: مرده و هلاک گشته، و به کدام وادی رفته است، و همان است تاویل این آیه: «سپس بار دیگر شما را بر آنان سلطه دهیم و به وسیله اموال و فرزندان مدد نماییم و تعداد [افراد]تان را بیشتر سازیم.»
و همه اینها در زمان ظهور قائم آل محمد علیه السلام صورت می گیرد.

آیه دویست و بیست و ششم

● امامت، نوراست و در زمان امام زمان (عج) کامل می‌گردد.

خداوند در سوره صف آیه ۸، می‌فرماید:

﴿يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ﴾

اراده می‌کنند که نور خداوند را با گفتار باطل خاموش سازند، اما خداوند نور خود را به اتمام می‌رساند و لو کافران کراهت داشته باشند.

(۱) حافظ سلیمان بن ابراهیم حنفی معروف به خواجه کلان در کتاب ینابیع المودة صفحه ۴۲۹، چنین آورده است:

و فی سوره الصف ﴿يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ﴾ عن محمد بن الفضیل بن علی بن الحسین رضی الله عنهما قال النور فی هذه الایة الامامة والله متم الامامة عند قیام القائم عجل الله فرجه.

در سوره صف خداوند می‌فرماید: «اراده می‌کنند که نور خداوند را با دهان‌هایشان خاموش سازند اما، خداوند نور خود را به اتمام می‌رساند، حتی اگر کافران کراهت داشته باشند» محمد بن فضیل از حضرت علی بن الحسین (زین العابدین) عجل الله فرجه روایت می‌کند که حضرت فرمودند: «نور» در این آیه اصل امامت و ولایت و جانشینی رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم است و خداوند نور خود را کامل کرده و به اتمام می‌رساند، این همان امامت است که در قیام و انقلاب قائم (به اتمام) می‌رسد.

(۲) در کتاب تفسیر قمی مجلد ۲ صفحه ۳۶۵، آمده است:

علی بن ابراهیم: فی تفسیر: قال: و(اما) قوله: ﴿يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ﴾ قال: (قال): القائم من آل محمد عجل الله فرجه اذا خرج يظهره الله علی الدین كله حتى لا یعبد غیر الله، و هو قوله صلی الله علیه و آله و سلم: یملا الارض قسطا و عدلا، كما ملئت

جورا و ظلما [ظلما و جورا].

علی بن ابراهیم: در تفسیرش گوید: (و اما) فرموده خداوند «می خواهند نور خداوند را با پف دهان هایشان خاموش سازند و خداوند تمام کننده نور خود است.» گوید: (فرمود:) قائم آل محمد علیه السلام است، هرگاه خروج نماید خداوند او را بر همه دین‌ها آشکار می گرداند، تا آنجا که جز خداوند پرستیده نشود، و همین است (معنی) فرموده پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله: او (حضرت قائم علیه السلام زمین را آکنده از قسط و عدل خواهد ساخت همچنان که از جور و ظلم پر شده باشد.

(۳) در کتاب اصول کانی مجلد ۲ صفحه ۳۱۱ شماره ۹۱، آمده است:

علی بن محمد، عن بعض اصحابنا، عن ابی محبوب، عن محمد بن الفضیل، عن ابی الحسن الماضي علیه السلام قال: سألته عن قوله الله عزوجل: ﴿يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ﴾ قال: ﴿يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا﴾ ولاية امير المؤمنين علیه السلام بافواههم قلت: والله متم نوره؟ قال: والله متم الامامة، لقوله عزوجل: ﴿الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالنُّورِ الَّذِي أَنْزَلْنَا﴾ فالنور هو الامام. قلت: هو الذي أرسل رسوله بالمهدى ودين الحق؟ قال: هو الذي أمر رسوله بالولاية لوصية والولاية هي دين الحق، قلت: ليظهره على الدين كله؟ قال: يظهره على جميع الأديان عند قيام القائم، قال: يقول الله والله متم نوره ولاية القائم ﴿وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ﴾ بولاية علي علیه السلام، قلت: هذا تنزيل؟ قال: نعم اما هذه الحرف فتزليل واما غيره فتأويل.

قلت: لا ذلك بانهم آمنوا ثم كفروا؟ قال: ان الله تبارك وتعالى سمي من لم يتبع رسوله في الاية وصية منافقين وجعل من جحد وصية [وامامة] كمن جحد محمداً و أنزل بذلك قرآناً فقال: يا محمد، إذا جئت المنافقون (بولاية وصيك) قالوا: نشهد أنك لرسول الله يعلم أنك لرسوله والله يشهد ان المنافقين (بولاية علي علیه السلام) لكاذبون. اتخذوا ايمانهم جنة فصدوا عن سبيل الله (و السبيل هو الوصي) أنهم ساء ما كانوا يعملون. ذلك بانهم آمنوا (برسالتك) و كفروا (بولاية وصيك) فطبع (الله) على قلوبهم فهم لا يفقهون. قلت: ما معنى لا يفقهون؟ قال: يقول: لا يعقلون بنبوتك قلت: واذا قيل لهم تعالوا استغفر لكم رسول الله؟ قال: واذا قيل لهم ارجعوا إلى ولاية علي يستغفر لكم النبي من ذنوبكم لوؤا رؤوسهم قال الله: و رأيتهم يصدون

(عن ولاية علي عليه السلام) وهم مستكبرون عليه ثم عطف القول من الله بمعرفته بهم فقال: ﴿سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أَسْتَغْفَرْتَ لَهُمْ أَمْ لَمْ تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ لَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ﴾ يقول: الظالمين لوصيتك.

قلت: ﴿أَفَمَنْ يَمْشِي مُكِبًّا عَلَى وَجْهِهِ أَهْدَىٰ أَمْ مَنْ يَمْشِي سَوِيًّا عَلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ﴾ قال: ان الله ضرب مثل من حاد عن ولاية علي كمن يمشى على وجهه لا يهتدى لأمره وجعل من تبعه سوياً على صراط مستقيم، والصراط المستقيم امير المؤمنين عليه السلام.

قال: قلت: قوله: إنه لقول رسول كريم؟ قال: يعنى جبرئيل عن الله في ولاية علي عليه السلام قال: قلت: ﴿وَ مَا هُوَ بِقَوْلِ شَاعِرٍ قَلِيلاً مَا تُؤْمِنُونَ﴾ قال: قالوا: ان محمدا كذاب على ربه و ما أمره الله بهذا في علي، فأنزل الله بذلك قرآنا فقال: (ان ولاية علي) تنزيل من رب العالمين «ولو تقول علينا (محمدا) بعض الأقاويل لأخذنا منه باليمين» ثم لقطعنا منه والوتين ثم عطف القول فقال: ان (ولاية علي) لتذكرة للمتقين (للعالمين) وايها لنعلم أن منكم مكذبين وان (عليا) لحسرة على الكافرين وان (ولايته) لحق اليقين.

فسبح (يا محمد) باسم ربك العظيم يقول أشكر ربك العظيم الذي أعطاك هذا الفضل. قلت: قوله ﴿لَمَّا سَمِعْنَا الْهُدَىٰ آمَنَّا بِهِ﴾ قال: الهدى الولاية، آمنا بمولانا فمن آمن بولاية مولاه ﴿فَلَا يَخَافُ بَخْسًا وَلَا رَهَقًا﴾ قلت: تنزيل؟ قال: لا، تأويل، قلت: قوله: ﴿لَا أَمْلِكُ لَكُمْ خَيْرًا وَلَا رَشْدًا﴾ قال، إن رسول الله صلى الله عليه وآله دعا الناس الى ولاية علي فاجتمعت اليه قريش فقالوا يا محمد اعفنا من هذا، فقال لهم رسول الله صلى الله عليه وآله: هذا إلى الله ليس إلي، فاتهموه و خرجوا من عنده فأنزل الله: ﴿قُلْ إِنِّي لَا أَمْلِكُ لَكُمْ ضَرًّا وَلَا رَشْدًا ۝ قُلْ إِنِّي لَنْ يُجِيرَنِي مِنَ اللَّهِ (إن عصبته) أَحَدٌ وَلَنْ أُجِدَ مِنْ دُونِهِ مُلْتَحِدًا﴾ الا بلاغا من الله و رسالاته (في علي) قلت: هذا تنزيل؟ قال: نعم، ثم قال توكيدا: ﴿وَ مَنْ يَعَصِ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ﴾ (في ولاية علي) ﴿فَإِنَّ لَهُ نَارَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا﴾ قلت: ﴿مَا يُوعَدُونَ فَسَيَعْلَمُونَ مَنْ أَضَعَفُ نَاصِرًا وَأَقَلُّ عَدَدًا﴾ يعنى بذلك القائم وأنصاره.

قلت: ﴿وَ أَصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ﴾ قال: «يقولون فيك واهجرهم هجراً جميلاً و ذرني (يا محمد) و المكذبين (بوصيتك) أولى النعمة ومهلهم قليلاً» قلت: إن هذا تنزيل؟ قال: نعم.

قلت: «ليستيقن الذين اتوا الكتاب؟» قال: يستيقنون ان الله ورسوله ووصيه حق، قلت: الذين آمنوا ايماناً؟ قال: ويزدادون بولاية الوصى ايماناً، قلت: «ولا يرتاب الذين اتوا الكتاب والمؤمنون؟» قال: بولاية على عليه السلام قلت: ما هذا الارتياب؟ قال: يعنى بذلك أهل الكتاب و المؤمنين الذين ذكر الله فقال: ولا يرتابون فى الولاية، قلت: «وما هى إلا ذكرى للبشر؟» قال: نعم ولاية على عليه السلام ، قلت: «انها لإحدى الكبر» قال: الولاية، قلت: «لمن شاء منكم أن يتقدم أو يتأخر؟» قال: من تقدم إلى ولايتنا أخرج عن سقر و من تأخر عنا تقدم إلى سقر «إلا أصحاب اليمين؟» قال: هم والله شيعتنا، قلت: «لم نك المصلين؟» قال: أنا لن نتول وصى محمد و الاوصيا من بعده - ولا يصلون عليهم - قلت: «فما لهم التذكرة معرضين؟» قال: عن الولاية معرضين، قلت: «كلاً أنها تذكرة؟» قال: الولاية. قلت: قوله «يوفون بالنذر؟» قال: يوفون بالنذر الذى أخذ عليهم فى الميثاق من ولايتنا قلت: «إنا نحن نزلنا عليك القرآن تنزيلاً؟» قال: بولاية على عليه السلام تنزيلاً، قلت: هذا تنزيل؟ قال: نعم ذا تأويل، قلت: «إن هذه تذكرة؟» قال: الولاية، قلت: «يدخل من يشاء فى رحمته؟» قال: فى ولايتنا، قال: «والظالمين أعدّ لهم عذاباً أليماً» ألا ترى أن الله يقول: «وما ظلمونا ولكن كانوا أنفسهم يظلمون» قال: إن الله أعر و أمتع من أن يظلم أو ينسب نفسه الى ظلم ولكن الله خلطنا بنفسه فجعل ظلمنا ظلمه و ولايتنا ولايته ثم انزل بذلك قرآنا على نبيه فقال: «وما ظلمناهم ولكن كانوا أنفسهم يظلمون» قلت: هذا تنزيل؟ قال: نعم. قلت: «ويل يومئذ للمكذبين؟» قال: يقول: ويل للمكذبين يا محمد بما أوصيت اليك من ولاية [على بن ابي طالب عليه السلام] «ألم نهلك الاولين ثم نتبعهم الاخرين» قال: الاولين الذين كذبوا الرسل فى طاعة الوصياء «كذلك تفعل بالمجرمين» قال: من أجرم انى آل محمد و ركب من وصيه ما ركب، قلت: «إن المتقين؟» قال: نحن و الله و شيعتنا ليس على ملة ابراهيم غيرنا و سائر الناس منها برآء، قلت: «يوم يقوم الروح والملائكة صفا لا يتكلمون...» الآية؟ قال: نحن والله المأذون لهم يوم القيامة والقاتلون صواباً قلت: ما تقولون إذا تكلمتم؟ قال: نمجد ربنا و نصلى على نبينا و نشفع شيعتنا، فلا يردنا

ربنا. قلت: «کلا این کتاب الفجار لفی سجین؟» قال: هم الذین فجرُوا فی حق الأئمة واعتدوا علیهم. قلت: ثم یقال: «هذا الذی کنتم به تکذبون؟» قال: یعنی امیرالمومنین، قلت: تنزیل؟ قال: نعم.

محمد بن فضیل گوید: از حضرت ابوالحسن علیه السلام راجع به قول خدای عزوجل «می خواهند با پف دهانشان نور خدا را خاموش کنند» پرسیدم، فرمود: یعنی می خواهند ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام را با پف دهانشان خاموش کنند، عرض کردم: خدا تمام کننده نور خود است فرمود: خدا تمام کننده امامت است، به دلیل قول خدای عزوجل «کسانی که به خدا و رسولش و نوری که فرو فرستاده ایم ایمان آورند» پس نور همان امامت است.

عرض کردم: «اوست خدایی که رسول خود را به هدایت و دین حق فرستاده است.» فرمود: یعنی اوست که رسولش را به ولایت و وصیش امر کرد و ولایت همان دین حق است.

عرض کردم: «تا آن را برهر دینی غالب کند» فرمود: یعنی آن را در زمان قیام قائم بر همه دین ها غلبه دهد، خدا می فرماید: «و خدا تمام کننده نور خود است» یعنی ولایت قائم (عج) گرچه کافران (به ولایت علی علیه السلام) نخواهند. عرض کردم: این تنزیل است؟ فرمود: آری این حرف تنزیل است و اما غیر آن تأویل است.

عرض کردم: (تفسیر این آیه چیست؟) «این برای آن است که آن ها ایمان آورده، سپس کافر شدند» (آیه ۳ سوره منافقون) فرمود: خدای تبارک و تعالی کسانی را که از پیغمبرش در امر ولایت و وصیش پیروی نکرده، منافق نامیده و کسی را که وصیت و امامت او را منکر شده، مانند منکر محمد قرار داده و برای این مطلب آیه ای نازل کرده و فرموده است: چون منافقین (به ولایت وصیت) نزد تو آیند، گویند: شهادت می دهیم که تو پیغمبر خدایی، خدا نیز داند که تو پیغمبر او هستی و خدا شهادت می دهد که

منافقین (به ولایت علی علیه السلام) دروغ گویند.» سوگندهای دروغین خویش را سپر خود ساخته‌اند و از راه خدا برگشته‌اند (راه خدا همان وصی است) و بد است آنچه انجام می‌دهند. «این برای آن است که (به رسالت تو) ایمان آورده و (به ولایت وصیت) کافر شدند پس (خدا) بر دل‌هایشان مهرنهاد و آن‌ها فهم نمی‌کنند.» (آیه ۳ سوره منافقون) عرض کردم: معنی «فهم نمی‌کنند» چیست؟ فرمود: خدا می‌فرماید: نبوت تو را تعقل نمی‌کنند. عرض کردم: «و چون به آن‌ها گویند: بیایید تا رسول خدا برای شما آموزش طلبد.» فرمود: یعنی و چون به آن‌ها گویند به ولایت علی علیه السلام برگردید تا پیغمبر برای گناهان شما آموزش طلبد «سرهای خویش بپیچند» خدا فرماید: «و آن‌ها را ببینید که برگردند» از ولایت علی «درحالی که متکبرند» از آن.

سپس گفتار خدا متوجه معرفی آن‌ها شده، می‌فرماید: «برای آن‌ها برابر است، برایشان آموزش خواهی یا آموزش نخواهی خدا آن‌ها را نخواهد آمرزید، که خدا گروه فاسقان را هدایت نکند.» یعنی ستمگران به وصی تو را.

عرض کردم: «آیا آنکه نگویند بر چهره خویش راه رود، هدایت یافته‌تر است یا آنکه با قامت راست به راه مستقیم می‌رود؟» (آیه ۲۲ سوره ملک) فرمود: خدا کسی را که از ولایت علی علیه السلام برگشته به کسی مثل زده است که به رو افتاده، راه می‌رود و درکار خود گمراه است و کسی را که از علی پیروی کند، با قامت راست و به راه مستقیم قرار داده و راه مستقیم همان امیرالمؤمنین علیه السلام است.

عرض کردم: خدا فرماید: «آن گفتار رسولی ارجمند است» (آیه ۴۰ سوره الحاقه) فرمود: یعنی گفتار جبرئیل از جانب خدا درباره ولایت علی علیه السلام است.

عرض کردم: «گفتار خیال پردازی نیست، شما اندکی ایمان می‌آورید.» (آیه ۴۱ سوره الحاقه) فرمود: آن‌ها گفتند: محمد به پروردگارش دروغ بسته و خدا او را درباره علی علیه السلام چنین دستوری ناده است، پس خدا آیه‌ای فرستاده و فرمود: «همانا (ولایت

علی (علیه السلام) از جانب پروردگار جهانیان نازل شده است. اگر (محمد ﷺ) بعضی از گفته‌ها را به دروغ به ما نسب دهد، دست راستش را می‌گیریم (او را به شدت بگیریم) و شاهرگش را ببریم. سپس سخن را متوجه این موضوع کرده و فرموده است: «همانا (ولایت علی (علیه السلام) یادآوری است برای پرهیزگاران (جهانیان) و ما می‌دانیم که بعضی از شما تکذیب کنندگانید. و همانا (علی (علیه السلام) مایهٔ افسوس کافران است. و همانا (ولایت او) حقیقت یقین است. تسبیح بگو (ای محمد ﷺ) به نام پروردگار بزرگت.» می‌فرماید: پروردگار بزرگت را که این فضیلت به تو عطا فرموده سپاسگزاری کن.

عرض کردم: خدا فرماید: «و همین که هدایت را شنیدیم به آن ایمان آوردیم» فرمود: هدایت همان ولایت است، یعنی به مولای خود ایمان آوردیم. پس هر که به ولایت مولای خود ایمان آورد «از نقصان و ستم نترسد» عرض کردم: این تنزیل است؟ فرمود: نه تأویل است (یعنی آنچه دربارهٔ ولایت گفتم آیهٔ قرآن نیست ولی مقصود و معنی آن است.)

عرض کردم: خدا فرماید: «من اختیار زیان زدن و هدایت کردن شما را ندارم» فرمود رسول خدا ﷺ مردم را به ولایت علی (علیه السلام) دعوت فرمود، قریش نزد آن حضرت انجمن کردند و گفتند: محمد ما را از این امر معاف کن، پیغمبر ﷺ به آن‌ها فرمود: این امر با خداست با من نیست، آن‌ها حضرت را متهم کردند و از نزدش بیرون آمدند. پس خدا این آیه نازل فرمود: «بگو من اختیار زیان زدن و هدایت کردن شما را ندارم.»

«بگو هیچ کس مرا در برابر خدا پناه ندهد (اگر نافرمانی کنم) و جز او پناهگاهی نیابم، مگر اینکه از جانب خدا ابلاغ کنم و پیغام‌های او را (دربارهٔ علی (علیه السلام) برسانم.» عرض کردم: این تنزیل است؟ فرمود: آری، سپس خدا برای تأکید مطلب فرموده است: «و هر که نافرمانی خدا و رسولش کند (دربارهٔ ولایت علی (علیه السلام) آتش دوزخ همیشه و جاودان برای اوست.» عرض کردم: «تا زمانی که که عذاب موعود را ببینند

خواهند دانست کیست که یاورش ناتوان تر و سپاهش کمتر است.» فرمود: مقصود از این آیه امام قائم و یاران اوست. عرض کردم: «برآنچه می گویند شکیبیا باش» فرمود: یعنی آنچه درباره تو می گویند «و از آن ها ببر، بریدنی نیکو. و مرا واگذار (ای محمد) با تکذیب کنندگان (نسبت به وصیت) که صاحب نعمت هستند و اندکی مهلتشان ده» عرض کردم (آیه ۳۱ سوره مدثر): این تنزیل است؟ فرمود: آری (یعنی کلمه بوضیك نیز نازل شده است).

عرض کردم: «تا به یقین رسند کسانی که به آن ها کتاب داده شده»؟ فرمود: یعنی تا یقین کنند که خدا و پیغمبر و وصیش بر حق هستند.

عرض کردم: «و آن ها که ایمان آورده اند، ایمانشان بیفزاید؟» فرمود: یعنی ایمانشان به ولایت وصی افزوده گردد. عرض کردم: «و اهل کتاب و مؤمنان شک نکنند»؟ فرمود: یعنی به ولایت علی علیه السلام. عرض کردم: مقصود از شک چیست؟ فرمود: مقصود اهل کتاب است و مؤمنینی که خدا ذکر کرده سپس فرمود: و آن ها درباره ولایت شک نکنند. عرض کردم: «و این جز یادآوری برای بشر نیست؟» فرمود: آری، ولایت علی علیه السلام است. عرض کردم: «آن یکی از حواث بزرگ است؟» فرمود: یعنی ولایت. عرض کردم: «برای هر کس از شما که خواهد جلو رود یا عقب افتد؟» فرمود: یعنی کسی که به ولایت ما جلو رود از دوزخ عقب افتد و آن که از ما عقب کشد، به دوزخ جلو رود. عرض کردم: «جز اصحاب یمین؟» فرمود: «آن ها به خدا شیعیان ما باشند. عرض کردم ما از نمازگزاران نبودیم؟» فرمود: یعنی ما وصی محمد و اوصیاء بعد از او را دوست نداشتیم و بر آن ها درود نمی فرستادند. عرض کردم: «آن ها را چه شده که از این تذکر روی گردانند؟» فرمود: یعنی از ولایت روی گردانند.

عرض کردم: «نه این یادآوری است؟» فرمود: یعنی ولایت. عرض کردم: خدا فرماید: «به نذروفا می کنند» (آیه ۷ سوره دهر) فرمود: یعنی به پیمانی که خدا در میثاق

راجع به ولایت ما از آن‌ها گرفته وفا می‌کنند.

عرض کردم: «ما این قرآن را به تو نازل کردیم، نازل کردنی» فرمود: یعنی نازل کردنی به ولایت علی علیه السلام.

عرض کردم: «این تنزیل است» فرمود: یعنی ولایت. عرض کردم: «خدا هر که را که بخواهد در رحمت خود داخل کند.» فرمود: یعنی در ولایت ما. فرمود: «و خدا برای ستمگران عذابی دردناک آماده ساخته (آیه ۵۴ سوره ۲) مگر نبینی که خدا فرماید: «به ما ستم نکردند ولی به خودشان ستم می‌کنند»؟ امام فرمود: همانا خدا گرامی‌تر و عالی‌تر از آن است که ستم ببیند یا خود را به ستم نسبت دهد، ولی خدا ما را به خود مربوط ساخت و ستم به ما را ستم به خود قرار داد و ولایت ما را ولایت خویش سپس برای این موضوع آیه‌ای بر پیغمبرش نازل کرد و فرمود: «ما به آن‌ها ستم نکردیم، ولی آن‌ها به خود ستم نمودند» (آیه ۱۱۸ سوره نحل) گفتم این تنزیل است؟ فرمود: آری. عرض کردم: «در آن روز وای بر تکذیب‌کنندگان» فرمود: یعنی ای محمد وای بر تکذیب‌کنندگان ولایت علی بن ابی طالب که به تو وحی کردیم. «مگر پیشینیان را هلاک نکردیم؟ و دیگران را نیز دنبال آنان بریم؟» فرمود: پیشینیان آنها را که پیغمبران را راجع به اطاعت از اوصیاء تکذیب نمودند. «با نافرمانان این گونه رفتار می‌کنیم؟» فرمود: یعنی آن‌ها که نسبت به آل محمد علیهم السلام نافرمانی نموده و کردند آنچه کردند. عرض کردم: «همانا پرهیزگاران» فرمود: به خدا ما هستیم و شیعیان ما، جز ما کسی ملت ابراهیم را ندارد، و مردم دیگر از آن برکنارند. عرض کردم: «روزی که روح و فرشتگان صف کشیده سخن نگویند...» که فرماید: «مگر کسی که خدا به او اجازه دهد و او درست گوید.» فرمود: به خدا ما هستیم که روز قیامت اجازه داریم (سخن گوئیم) و درست گوئیم. عرض کردم: آن‌گاه که گوئید چه خواهید گفت؟ فرمود: بزرگی پروردگار خود گوئیم و بر پیغمبر خود درود فرستیم و از شیعیان خود شفاعت کنیم، و پروردگار ما،

را رد نکند. عرض کردم: «نه، چنین نیست. بدکاران با نامه عمل سیاهشان در عذاب سجین هستند.» (آیه ۷ سوره مطفین) فرمود: آن‌ها کسانی هستند که نسبت به حق ائمه نافرمانی خدا کردند و بر ایشان ستم نمودند. عرض کردم: «این است، آنچه تکذیبش می‌کردید؟» فرمود: یعنی امیرالمؤمنین علیه السلام. عرض کردم: تنزیل است؟ فرمود: آری.

(۴) در کتاب اصول کافی مجلد ۱ صفحه ۲۷۹ حدیث شماره ۶، آمده است:

احمد بن ادريس، عن الحسين عبيدالله، عن محمد بن الحسن و موسى بن عمر، عن الحسن المحبوب، عن محمد بن الفضيل، عن أبي الحسن عليه السلام قال: سألته عن قول الله تبارك و تعالى: ﴿يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ﴾ قال يريدون ليطفئوا ولاية امير المؤمنين عليه السلام بأفواههم، قلت: قوله تعالى: ﴿وَاللَّهُ مَتِّمٌ نُورِهِ﴾ قال: «يقول: والله متم الإمامة والإمامة هي النور وذلك قوله عزوجل: آمنوا بالله ورسوله و النور الذي أنزلنا قال: النور هو الامام.

محمد بن فضيل گوید: از حضرت ابوالحسن عليه السلام راجع به قول خدای تعالی (آیه ۸ سوره صف) «می‌خواهند نور خدا را با پف دهانشان خاموش کنند.» پرسید فرمود: یعنی می‌خواهند ولایت امیرالمؤمنین عليه السلام را. پف دهانشان خاموش کنند، گفتم سپس خدای تعالی فرماید: «و خدا کامل کننده نور خویش است.» فرمود: یعنی و خدا کامل کننده امامت است و امامت همان نور است که خدای عزوجل فرماید: «به خدا و رسولش و نوری که فرو فرستاده‌ایم ایمان آورید.» مقصود از نور همان امام است.

آیه دو یست و یست و هفتم

● پیروزی قائم آل محمد به امر الهی حتمی است و هرگز در انقلاب ایشان شکست وجود ندارد.

خداوند در سوره صف آیه ۱۳، می فرماید:

﴿وَأُخْرَىٰ تُحِبُّهَا نَصْرٌ مِّنَ اللَّهِ وَفَتْحٌ قَرِيبٌ﴾

و باز (تجارت) دیگری که آن را دوست دارید نصرت و یاری از طرف خداوند و فتح و پیروزی نزدیک است.

* در تفسیر علی بن ابراهیم قمی مجلد ۲ صفحه ۳۶۶ و تفسیر صافی مجلد ۲ صفحه ۶۹۷، آمده است:

علی بن ابراهیم، عن الصادق علیه السلام فی قوله تعالی: ﴿وَأُخْرَىٰ تُحِبُّونَهَا نَصْرٌ مِّنَ اللَّهِ وَفَتْحٌ قَرِيبٌ﴾ قال یعنی فی الدنیا بفتح القائم (عج).

علی بن ابراهیم در تفسیر خودش به نقل از امام صادق علیه السلام نقل می کند که آن حضرت درباره این فرموده خداوند «و باز (تجارت) دیگری که آن را دوست دارید نصرت و یاری از سوی خداوند و فتحی نزدیک است.» فرمودند: یعنی در دنیا با فتح و پیروزی حضرت قائم علیه السلام.

در کتاب تحفة الشیعه در اثبات رجعت و ظهور ائمه علیهم السلام نوشته آیت الله سید حسینی موسوی ارومی معروف به عرب باغی، آمده است:

قوله تعالی در سوره صف «نَصْرٌ مِّنَ اللَّهِ وَفَتْحٌ قَرِيبٌ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ» یعنی نصرت و یاری از خداوند است و فتح و ظفر نزدیک است و بشارت بده بر مؤمنان از این افتح نزدیک. وقتی در تفسیر این آیه فرموده که فتح قریب، فتح قائم آل محمد (عج)

پس، از تفسیر مذکور معلوم شد که این آیه در شأن قائم آل محمد (عج) است و مراد از فتح قریب و ظفر آن حضرت است که خداوند به ایشان در این آیه وعده داده، و دلالت می‌کند بر این آنچه که در نجم الثاقب از کتاب تنزیل و تعریف احمد بن عامه یساری نقل کرده که فرمودند: در آیه شریف «إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ» که مراد از فتح در این آیه فتح و ظفر حضرت قائم آل محمد علیه السلام است.^۱

چنانچه مراد از فتح، فتح آن حضرت است. همچنین «نصر» در این آیه و یک علت فتح و ظفر آن حضرت معلوم شد که بودن رایت رسول خدا صلی الله علیه و آله است با او، و یک علت دیگر قوی بودن آن جناب و اصحاب او است زیادتیر عادت و خارق عادت بودن قوت ایشان است، چنانکه در کافی از عبدالملک بن اعین روایت شده که گفت: برخاستم در نزد حضرت باقر علیه السلام پس تکیه کردم بر دستم پس گریستم و گفتم آرزو داشتم که درک نمایم این اسرار را یعنی سلطنت طاهره ائمه را و در من قوتی باشد. پس فرمود: آیا راضی نیستید که دشمنان بکشند بعضی بعضی را و شما در خانه‌های خود آسوده باشید، به درستی که اگر امر چنان شد یعنی فرح عظیم آمد، داده می‌شود به هر مردی از شما قوت چهل مرد و گردانده می‌شود دل‌های شما مانند پاره آهن اگر خواسته باشید با آن قوت کوه را بکنید خواهید کند و شما یید اقوام زمین و خزان او.^۲

و در کمال الدین از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که فرموده: نگفت حضرت لوط به قوم خود «لَوْ أَنَّ لِي بِكُمْ قُوَّةً أَوْ آوِي إِلَىٰ رُكْنٍ شَدِيدٍ» مگر به جهت آرزوی قوت قائم آل محمد (عج) و ذکر نکرد مگر شدت اصحاب او را، پس به درستی که به یک مرد از ایشان قوت چهل مرد داده می‌شود.^۳

هم‌چنین در همان کتاب از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت شده که فرمود: قائم آل محمد (عج) دست خود را بر سر عباد بگذارد پس نماند مؤمنی مگر آنکه دلش

۱. نجم الثاقب، ۵۵.

۲. نجم الثاقب، ص ۱۰۲.

۳. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۶۷۳.

سخت تر از پاره آهن شود و خداوند به آن مؤمن قوت چهل مرد را بدهد.^۱
 و در «بصائر الدرجات» از حضرت باقر علیه السلام روایت نموده که فرمود: چون واقع شود
 امر ما و بیاید قائم مهدی (عج) ما پایمال می کند یک مرد از شیعیان ما جری تر از شیر و
 گذارنده تر از نیزه دشمن ما را با پای خود پایمال می کند و او را با کف خود می زند و این،
 در وقت نزول رحمت خداوند و فرج اوست بر بندگان.^۲
 پس، از این احادیث معلوم شد که فتح و ظفر نصرت خارج از عادت است و قوت
 قائم آل محمد صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم و اصحاب او غیر متعارف است و معلوم گردید که ﴿نَصْرٌ مِنَ اللَّهِ وَ
 فَتْحٌ قَرِيبٌ﴾ آن حضرت است و بشارت بر مؤمنان با آن جناب است.

۱. الخرایج و الجرایح، ص ۱۹۵.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۱۸.

آیه دویست و بیست و هشتم

● در ظهور امام زمان (عج)، اسلام بر همه ادیان ظفر می‌یابد.

خداوند در سوره صفه آیه ۹، می‌فرماید:

﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَ دِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ﴾

اوست خداوندی که رسول خویش را به هدایت و دین حق فرستاد تا او را بر همه (ادیان) دیگر غلبه دهد؛ هر چند که مشرکان (از آن) اکراه دارند.

همان طوری که قبلاً ملاحظه فرمودید این آیه مبارکه در سه سوره قرآن آمده است و خداوند می‌خواهد، تأکید بر این مسئله مهم بنماید و ما نیز آن را در سه قسمت این نوشته آورده‌ایم و هیچ کدامشان را تکراری عادی، مانند افعال تکراری که خودمان انجام می‌دهیم، نمی‌دانیم.

(۱) خواجه کلان قندوزی حنفی در ینابیع الموده صفحه ۴۲۳ آورده است:

و عن ابی بصیر و عن سماعه هما عن جعفر الصادق رضی الله عنه فی قوله تعالی: ﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَ دِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ﴾ قال والله ما یجئ تأویلها حتی یخرج القائم المهدي علیه السلام فاذا خرج القائم لم یبق مشرک الا کره خروجه و لا یبقی کافر الا قتل حتی لو کان کافر فی بطن صخرة قالت یا مؤمن فی بطنی کافر فاکسرنی و اقتله.

ابی بصیر و سماعه هر دو از امام صادق علیه السلام درباره فرموده خداوند ﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَ دِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ﴾ روایت کرده‌اند که آن حضرت فرمودند: به خدا قسم تأویل آن نمی‌آید تا زمانی که قائم مهدی علیه السلام قیام کند. پس، هنگامی که قائم خروج کند مشرکی بجای نمی‌ماند مگر آنکه از این قیام کراهت و ناراحتی (جاهلان) دارد. و کافری دیگر نمی‌ماند مگر اینکه کشته

شود تا آنجا که اگر کافر در شکم صخره‌ای (مخفی باشد)، آن صخره (به زبان آمده) و خواهد گفت: ای مؤمن در درون من کافری (مخفی شده است) پس مرا بشکن (و او را خارج کن) و بکش.

(۲) در کتاب کمال الدین و تمام النعمة شیخ صدوق مجلد ۲ صفحه ۳۸۶ حدیث شماره ۱۶، آمده است:

حدثنا محمد بن موسى المتوكل رضى الله عنه قال حدثنا علي بن الحسين اسعد آبادي، عن احمد بن ابي عبدالله البرقي، عن ابنه، عن محمد بن ابي عمير، عن علي بن ابي حمزة، عن ابي نصر قال: قال ابو عبدالله عليه السلام في قول الله عزوجل: ﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَىٰ الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ﴾ فقال والله ما نزل تأويلها بعد ولا ينزل تأويلها حتى يخرج القائم عليه السلام فاذا خرج القائم لم يبق كافر بالله العظيم ولا مشرك بالامام الا كره خروجه حتى ان لو كان كافراً او مشركاً في بطن صخرة لقالت يا مؤمن في بطني كافر فاكسرنى واقتله.

ابوبصیر گوید امام ششم عليه السلام در تفسیر فرموده خدای عزوجل (در سوره توبه آیه ۳۳) «اوست کسی که فرستاد رسولش را برای رهبری و دین درست تا او را بر همه دین‌ها چیره کند و اگر چه مشرکان را بد آید.» فرمود: به خدا هنوز تأویلش فرود نیامده تا قائم عليه السلام ظهور کند و چون قائم عليه السلام ظهور کند به خدای بزرگ کافری به جا نماند و هیچ مشرکی به امام نباشد جز آنکه از ظهور او بدش آید، تا آنجا که اگر کافر یا مشرکی در دل سنگی باشد آن سنگ فریاد کشد ای مؤمن در دل من کافر هست آن را بشکن و او را بکش.

(۳) در کتاب منتخب الاثر فصل ۲ باب ۱ صفحه ۱۶۱ حدیث شماره ۵۹، آمده است:

فی تفسیر قوله تعالى: ﴿لِيُظْهِرَهُ عَلَىٰ الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ﴾ فی سورة التوبه قال ابو جعفر عليه السلام: ان ذلك يكون عند خروج المهدي من آل محمد عليهم السلام فلا يبقى احد الا اقر به محمد عليه السلام وقال في مفاتيح الغيب «التفسير الكبير» في تفسيرها قال اسدي: ذلك

عند خروج المهدي. و قال في السراج المنير في تفسيرها ايضاً قال السدي: ذلك عند خروج المهدي.

در تفسير فرموده خداوند ﴿لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ﴾ خداوند اسلام را بر همه ادیان دیگر غلبه دهد. حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمودند: می آید تاویل آن آیه در هنگام قیام و انقلاب مهدی (عج) از آل محمد علیهم السلام و در آن زمان هیچ کس نمی ماند مگر اینکه (به نبوت) رسول خدا صلی الله علیه و آله اقرار خواهد کرد. در تفسير مفاتيح الغيب التفسير الكبير (نوشته امام فخر رازی) آمده است که سدی گفت: تاویل این آیه در ظهور امام زمان (عج) صورت می گیرد (و در آن زمان اسلام دین جهانی خواهد شد)، باز در «السراج المنير» درباره تفسیر این آیه از قول السدی آمده است؛ که تاویل این آیه در خروج و انقلاب امام زمان (عج) است.

(۴) در کتاب منتخب الاثر فصل ۲ باب ۳۵ صفحه ۲۹۴ حدیث ۴، آمده است:
قال حدثنا جعفر بن احمد معنعناً، عن ابي عبدالله عليه السلام ﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ﴾ قال اذا خرج القائم يبق مشرك بالله العظيم ولا كافر الا كره خروجه حتى لو كان في بطن صخره لقاتل الصخره: يا مؤمن في مشرك فاكسرنى واقتله وروى نحوه فى ينابيع المودة، عن ابي بصير و سماعه، عن الصادق عليه السلام و فى البحار. عن كثر جامع الفوائد بسنده، عن ابي بصير عنه عليه السلام.

در این حدیث جعفر بن احمد، از حضرت امام صادق علیه السلام نقل می کند درباره این آیه ﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَ دِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ﴾. حضرت امام صادق علیه السلام فرمودند: هنگامی که قائم (عج) قیام کند به خداوند عظیم در روی زمین مشرکی نمی ماند و دیگر کافری پیدا نمی شود، و اگر مشرک و یا کافری باشد و در دل سنگ سختی مخفی شود آن سنگ فریاد می زند و به مؤمن می گوید: بیا مرا بشکن. در درون من کافر یا مشرکی مخفی شده است و این حدیث در ینابيع المودة از ابابصیر و سماعه، از حضرت امام صادق علیه السلام نقل شده است و همچنین در «بحار الانوار»، و در «جامع الفوائد» بسندش، از ابی بصیر، از امام

صَادِقٌ عَلَيْهِ السَّلَامُ نَقَلَ شَدَهُ اسْت

(۵) در کتاب منتخب الاثر فصل ۲ باب ۳۵ صفحه ۲۵۹ حدیث شماره ۱۰، آمده

است:

کنز جامع الفوائد، عن یوسف بن یعقوب، عن محمد بن ابی بکر المقرئ، عن نعیم بن سلیمان عن لیث مجاهد، عن ابن عباس فی قوله تعالی: ﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ﴾. قال: لا يكون ذلك حتى لا يبقى يهودي ولا نصراني ولا صاحب ملة الا دخل في الاسلام حتى يأمن الشاة والذنب والبقر والاسد والانسان والحيّة وحتى لا تقرض فارة جراباً وحتى توضع الجزية ويكسر الصليب ويقتل الخنزير وذلك قوله: ﴿لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ﴾ ورواه فی ینابیع المودة صفحه ۴۲۳ مختصراً.

آن نمی باشد (اتفاق نمی افتد) مگر اینکه یهودی و نه مسیحی و نه صاحب ملة باقی نمی ماند مگر اینکه اسلام آورد و پناه داده می شود گوسفند و گاو و شیر و انسان و موش کیسه ای را پاره نمی کند (دزدی باقی نمی ماند) و جزیه ما برداشته می شود و صلیب ها شکسته می شود و خوک صفتان کشته می شوند. (همه دین را آشکار می کند).

آیه دویت و بیست و نهم

● فضل واقعی خداوند ائمه طاهرین علیهم السلام و در حال حاضر امام زمان (عج) است.

خداوند در سوره جمعه آیه ۴، می فرماید:

﴿ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ﴾

این کرم و فضل خداوند است که آن را به هر کس که بخواهد می دهد، و خداوند صاحب فضل و کرم بسیار عظیم است.

* در تفسیر برهان مجلد ۴ صفحه ۳۳۳، اثر پر ارزش آیت اله سید هاشم بحرانی، و اصول کافی مجلد ۳ صفحه ۲۶۹ در کتاب الایمان و الکفر حدیث ۲۱۱۹، آمده است:

عن ابی عبدالله علیه السلام قال: ان الملائکه الذین فی سماء الدنيا لیطلعون الی الواحد و الاثنین و الثلثه و هم یذکرون فضل آل محمد علیهم السلام فیقولون اما ترون هؤلاء فی قتلهم و کثره عدد هم یصفون فضل آل محمد؟ فتقول الطائفة الاخری ﴿ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ﴾.

امام صادق علیه السلام می فرماید: فرشتگان آسمانی از تک تک و دو نفر و سه نفر افرادی که فضیلت آل محمد علیهم السلام را متذکر می شوند مطلع هستند، به همدیگر می گویند آیا نمی بینید این اقلیت را با دشمنان زیادشان در عین حال مشغول وصف فضائل آل محمد علیهم السلام هستند؟ جمع دیگر فرشتگان پاسخ می دهند که آری ﴿ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ﴾. این کرم و فضل خداست که آن را به هر که خواهد دهد و خدا کرمی بزرگ دارد. پس هر کس از طایفه ای باشد که در حدیث آمده است: «و هم یذکرون فضل آل محمد علیهم السلام» اینها ذکر فضایل اهل بیت علیهم السلام را

می گویند ، ملائکه آسمانی مطلع بر احوال اینان است و ذکر خیر اینها بر زبان آنها جاری است ، و این ذکر فضایل گفته ذات اقدس الهی است که می فرماید: ﴿ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ﴾. این کرم و فضل خداوند است که اینها ذکر فضایل اهل بیت علیهم السلام را می گویند و در حال حاضر خوشا بر احوال کسانی که مُبَلِّغ صاحب الزمان (عج) می شوند و همیشه تبلیغات آن حضرت را می کنند که این خود سعادت می خواهد و این فضل خداوند است که باید خداوند شامل حال آنها بنماید .

آیه دویت و سی ام

● رسول خدا ﷺ و ائمه طاهرین علیهم السلام و امام زمان (عج) نور هستند.

خداوند در سوره التغابن آیه ۸، می فرماید:

﴿فَأْمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالنُّورِ الَّذِي أَنْزَلْنَا وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ﴾

پس ایمان آورید به خداوند و رسولش و نوری که فرود آوردیم، و خداوند به آنچه انجام می دهید آگاه است.

(۱) در کتاب «ماذا في التاريخ» مجلد ۳ صفحات ۱۴۵ الی ۱۴۷، آمده است:

علامه القبیبسی نقل می کند و همچنین حافظ ابو جعفر محمد بن جریر طبری مفسر و

مورخ بزرگ اهل سنت در کتاب «الولاية» نقل می کند:

عن زید بن ارقم قال. لما نزل النبي ﷺ بغدير خم في رجوعه من حجة الوداع، وكان في

وقت الضحى و حر شديد امر بالدومات فقامت و نادى الصلوة جامعة، فاجتمعنا فخطب خطبة

بالغة و سرد الخطبة الى أن قال: قال ﷺ:

معاشر الناس: ﴿فَأْمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالنُّورِ الَّذِي أَنْزَلْنَا﴾ ثم قال ﷺ: النور في،

ثم في على، ثم في النسل منه الى القائم المهدي (عج).

زید بن ارقم می گوید: هنگامی که رسول خدا ﷺ در بازگشت از حجة الوداع در

غدیر خم فرود آمدند، هنگام ظهر بود و گرما بسیار شدید بود، به حرکت به سوی

درختان بزرگ و پر شاخ و برگ فرمان دادند، پس ایستادند و ندا دادند: نماز جماعت،

پس گرد آمدیم و آن حضرت خطبه بلیغی خواندند و ذکر خطبه را آغاز می کند تا آنجا که

می فرمایند: ای مردم ﴿فَأْمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالنُّورِ الَّذِي أَنْزَلْنَا وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ

خَبِيرٌ﴾ سپس فرمودند: نور در من است سپس در علی علیه السلام است و بعد در نسل وی باقی

می ماند تا قائم، مهدی (عج).

(۲) در کتاب اصول کافی مجلد ۱ صفحه ۲۷۶ حدیث شماره ۱، آمده است:

الحسین بن محمد، عن معلى بن محمد، عن علی بن مرداس قال: حدّثنا صفوان ابن یحیی و الحسن بن محبوب، عن ابی ایوب، عن ابی خالد الکابلی قال: سألت ابا جعفر عليه السلام عن قول الله عزوجل: ﴿فَأَمِنُوا بِاللَّهِ وَ رَسُوْلِهِ وَ النُّوْرِ الَّذِي اُنزَلْنَا﴾ فقال: يا ابا خالد، النور و الله الأئمة من آل محمد عليه وآله وسلم الى يوم القيامة و هم و الله نور الله الذي أنزل، و هم و الله نور الله في السموات و في الارض، و الله يا ابا خالد، النور الامام في قلوب المؤمنین أنور من الشمس المضيئة بالنهار، و هم و الله ينورون قلوب المؤمنین، و يحجب الله عزوجل نورهم عمّن يشاء فتظلم قلوبهم، و الله يا ابا خالد، لا يحبنا عبد و يتولانا حتّى يطهر الله قلبه و لا يطهر الله قلب عبد حتّى يسلم لنا و يكون سلماً لنا، فإذا كان سلّمه الله من شديد الحساب و آمنه من فزع القيامة الأكبر.

ابو خالد کابلی گوید: از امام باقر عليه السلام پرسیدم تفسیر قول خدای عزوجل را (آیه ۸ سورة تغابن) «و به خدا و رسولش و نوری که فرستاده ایم ایمان آورید»؛ فرمود: ای ابا خالد، به خدا سوگند که مقصود از نور، ائمه از آل محمد عليه وآله وسلم باشند تا روز قیامت، به خدا که ایشانند همان نور خدا که فرو فرستاده، به خدا که ایشانند نور خدا در آسمانها و زمین، به خدا ای ابا خالد، نور امام در دل مؤمنین از نور خورشید تابان روز، روشن تر است. به خدا که ائمه دل های مؤمنین را منور سازند و خدا از هر کس خواهد نور ایشان را پنهان دارد، پس دل آنها تاریک گردد، به خدا ای ابا خالد، بنده ای ما را دوست ندارد و از ما پیروی نکند تا اینکه خدا قلبش را پاکیزه کرده باشد و خدا قلب بنده ای را پاکیزه نکند تا اینکه با ما خالص شده باشد و آشتی کرده باشد (یک رنگ شده باشد و سازگار) و چون با ما سازش کرد خدا از حساب سخت نگاهش دارد و از هراس بزرگ روز قیامت ایمنش سازد.

(۳) در کتاب اصول کافی مجلد ۱ صفحه ۲۷۹ حدیث شماره ۶، آمده است:

احمد بن ادريس، عن احسين بن عبيدالله، عن محمد بن الحسن و موسى بن عمر، عن الحسن بن محبوب، عن محمد بن الفضيل، عن أبي الحسن عليه السلام قال: سألته عن قول الله تبارك و تعالى ﴿يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ آلِهِ بِأَفْوَاهِهِمْ﴾ قال يريدون ليطفؤا ولاية امر المؤمنين عليه السلام بأفواههم، قلت: قوله تعالى: والله متم نوره قال: يقول: والله متم الامامة و الامامة هي النور و ذلك قوله عزوجل: ﴿آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالنُّورِ الَّذِي أَنْزَلْنَا﴾ قال: النور هو الامام.

محمد بن فضيل می گوید: از حضرت ابوالحسن عليه السلام راجع به قول خدای تعالی (آیه ۸ سوره ۶۱) «می خواهند نور خدا را با پف دهان خود خاموش کنند.» پرسیدم، فرمود: یعنی می خواهند ولایت امیرالمؤمنین عليه السلام را با پف دهانشان خاموش کنند. گفتم: خدای تعالی فرمود: و خدا کامل کننده نور خویش است، فرمود: یعنی خدا کامل کننده امامت است و امامت همان نور است و همان است که خدای عزوجل می فرماید: «به خدا و رسولش و نوری که فرو فرستاده ایم ایمان آورید.» مقصود از نور، همان امام است.

آیه دویست و سی و یکم

● رسول خدا ﷺ، ذکر است و اهل بیت و امام زمان علیه السلام اهل ذکر هستند.

خداوند در سوره طلاق آیه ۱۰، می فرماید:

﴿فَاتَّقُوا اللَّهَ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ الَّذِينَ آمَنُوا قَدْ أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكُمْ ذِكْرًا﴾

پس در خود ملکتا تقوا را ایجاد کنید ای صاحبان خرد و عقل (و ای روشنفکران واقعی)

و ای کسانی که ایمان آورده اید که خداوند ذکر را به شما نازل کرده است.

* در کتاب برهان مجلد ۴ صفحه ۳۵۰، آمده است:

عن الريان بن الصلت، عن الرضا عليه السلام قال في حديث المأمون قال: الذكر رسول الله و نحن اهله و ذلك بين في كتاب الله حيث بقول في سوره طلاق ﴿فَاتَّقُوا اللَّهَ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ الَّذِينَ آمَنُوا قَدْ أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكُمْ ذِكْرًا﴾ قال الذكر رسول الله و نحن اهله.

ریان بن صلت از امام رضا عليه السلام نقل می کند که در ضمن حدیثی برای مأمون فرمود: منظور از ذکر، رسول الله ﷺ است و ما یم اهل ذکر و این در کتاب خدا در سوره طلاق بیان شده ﴿فَاتَّقُوا اللَّهَ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ الَّذِينَ آمَنُوا قَدْ أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكُمْ ذِكْرًا﴾ ذکر رسول الله ﷺ و ما اهل او هستیم.

همان طوری که ملاحظه می فرمایید حضرت می فرمایند: الذكر رسول الله و نحن اهله، ذکر رسول الله ﷺ و اهل ذکر اهل بیت علیهم السلام هستند و هم اکنون امام زمان (عج) اهل ذکر است. در ذیل آیه ﴿فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ﴾ بیان کردیم که اهل ذکر ائمه طاهرین هستند و اینها «و من عنده علم الكتاب» می باشند و اینها می توانند پاسخگوی سوالات درباره آیات قرآنی باشند.

آیه دویت و سی و دوم

● امام زمان علیه السلام ماء معین است و از این ماء «و جعلنا من الماء کل شیء حی» است.

خداوند در سوره ملک آیه ۳۰، می فرماید:

﴿قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَّعِينٍ﴾

بگو اگر آب شما فرو کشد، کیست که آب گوارا برای شما آورد؟

(۱) در کتاب ینابیع المودة صفحه ۴۲۹، خواجه کلان قندوزی حنفی آورده است: و فی سوره الملك ﴿قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَّعِينٍ﴾ عن علی بن جعفر الصادق، عن اخیه موسی کاظم علیه السلام فی هذه الآیه قال: اذا غاب عنکم امامکم فمن یأتیکم بامام جدید غیره.

در سوره ملک آمده است: «بگو اگر آب شما فرو کشد، کیست که آب گوارا را برای شما آورد؟» علی بن جعفر (فرزند حضرت صادق علیه السلام) از برادرش امام موسی بن جعفر علیه السلام نقل می کند که: حضرت امام موسی کاظم علیه السلام فرمودند: هرگاه امام شما غایب شود، کیست که برای شما امامی غیر او را بیاورد (در این حدیث منظور از امام غایب حجة بن الحسن العسکری (عج) می باشد).

(۲) در کتاب کفایة الاثر صفحه ۱۲۰، آمده است:

ابن بابویه قال: اخبرنا محمد بن عبدالله بن المطلب الشیبانی قال: حدثنا محمد بن الحسین بن حنص الخثعمی الکوفی قال: حدثنا عبّاد بن یعقوب قال: حدثنا علی بن هاشم عن محمد بن عبدالله، عن ابی عبیده بن محمد بن عمار، عن ابیه، عن جده عمار قال: کنت مع رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فی بعض غزواته و قتل علی علیه السلام اصحاب الالویه و فرّق جمعهم و قتل عمر بن عبدالله الجمعی و قتل شیبیه بن نافع، اتیت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فقلت له: یا رسول الله، ان علیاً قد جاهد فی الله حق جهاده، فقال: لانه منی و انا منه و انه وارث علمی و قاضی دینی و منجز

وَعَدِي وَ الْخَلِيفَةُ مِنْ بَعْدِي وَ لَوْلَاهُ لَمْ يَعْرِفِ الْمُؤْمِنُ الْمُحَضُّ بَعْدِي، حَرْبُهُ حَرْبِي وَ حَرْبِي حَرْبُ اللَّهِ وَ سَلَمُهُ سَلَمِي وَ سَلَمِي سَلَمُ اللَّهِ إِلَّا أَنَّهُ أَبُو سَبْطَى وَ الْأَئِمَّةُ مِنْ صَلْبِهِ يُخْرِجُ اللَّهُ تَعَالَى الْأَئِمَّةَ الرَّاشِدِينَ وَ مِنْهُمْ مَهْدِيّ هَذِهِ الْأُمَّةُ.

فَقُلْتُ: يَا أَبِي وَ أُمِّي يَا رَسُولَ اللَّهِ، مِنْ هَذَا الْمَهْدِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ؟

فَقَالَ ﷺ: يَا عِمَارُ، إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ عَهْدَ الَّذِي أَنَّهُ يُخْرِجُ مِنْ صَلْبِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أُمَّةً تَسْعَةُ وَ الثَّلَاثِينَ مِنْ وَلَدِهِ يَغِيبُ عَنْهُمْ وَ ذَلِكَ قَوْلُهُ عَزَّ وَجَلَّ: ﴿قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ﴾ تَكُونُ لَهُ غَيْبَةٌ طَوِيلَةٌ يَرْجِعُ بَعْضُهَا قَوْمٌ وَ يَثْبُتُ عَلَيْهَا آخَرُونَ، فَإِذَا كَانَ فِي آخِرِ الزَّمَانِ يُخْرِجُ فِيْمَلَا الدُّنْيَا قِسْطًا وَ عَدْلًا كَمَا مَلَّتْ جَوْرًا وَ ظُلْمًا وَ يُقَاتِلُ عَلِيَّ التَّأْوِيلُ كَمَا قَاتَلْتَ عَلِيَّ التَّنْزِيلُ وَ هُوَ سَمِّيَ وَ أَشْبَهَ النَّاسَ بِي.

يَا عِمَارُ، اسْتَكُونُ بَعْدِي فَتْنَةٌ فَإِذَا كَانَ ذَلِكَ مَا تَبِعَ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ أَصْحَبَهُ فَإِنَّهُ مَعَ الْحَقِّ وَ الْحَقِّ مَعَهُ. يَا عِمَارُ، أَنْكَ سَتُقَاتِلُ بَعْدِي مَعَ عَلِيٍّ صَنْفِينَ النَّكَثِينَ وَ الْقَاسِطِينَ ثُمَّ تَقْتُلُكَ الْفِتْنَةُ الْبَاغِيَّةُ، قَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَلَيْسَ ذَلِكَ عَلِيٌّ رَضِيَ اللَّهُ وَ رِضَاكَ؟ قَالَ: نَعَمْ، عَلِيٌّ رَضِيَ اللَّهُ وَ رِضَايَ، وَ يَكُونُ آخِرُ زَادِكَ مِنَ الدُّنْيَا شَرْبَةً مِنْ لَبَنٍ تَشْرَبُهُ.

فَلَمَّا كَانَ يَوْمَ صَفِّينَ خَرَجَ عِمَارُ بْنُ يَاسِرٍ إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ لَهُ: يَا أَخَا رَسُولِ اللَّهِ ﷺ، أَتَأْذِنُ لِي فِي الْقِتَالِ؟ فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَهْلًا رَحِمَكَ اللَّهُ، فَلَمَّا كَانَ بَعْدَ سَاعَةٍ أَعَادَ عَلَيْهِ الْكَلَامَ فَاجَابَهُ بِمِثْلِهِ، فَأَعَادَ عَلَيْهِ ثَالِثًا فَبَكَى أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَنَظَرَ إِلَيْهِ عِمَارُ فَقَالَ: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، أَنَّهُ الْيَوْمَ الَّذِي وَصَفَهُ لِي رَسُولُ اللَّهِ ﷺ فَنَزَلَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَنْ بَغْلَتِهِ وَ عَانَقَ عِمَارًا وَ وَدَّعَهُ، ثُمَّ قَالَ: يَا أَبَا الْيَقْظَانَ، جَزَاكَ عَنْ نَبِيِّكَ وَ عَنِّي خَيْرًا فَنَعَمْ الْأَخُ كُنْتُ وَ نَعَمْ الصَّاحِبُ كُنْتُ، ثُمَّ بَكَى عَلَيْهِ وَ بَكَى عِمَارًا. ثُمَّ قَالَ: وَاللَّهِ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، مَا تَبِعْتُكَ إِلَّا بِبَصِيرَةٍ فَإِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ يَوْمَ خَبِيرٍ: يَا عِمَارُ، سَتَكُونُ بَعْدِي فَتْنَةٌ، فَإِذَا كَانَ ذَلِكَ فَاتَّبِعْ عَلِيًّا وَ حَزْبَهُ فَإِنَّهُ مَعَ الْحَقِّ . الْحَقُّ مَعَهُ وَ سَتُقَاتِلُ بَعْدِي النَّكَثِينَ وَ الْقَاسِطِينَ، فَجَزَاكَ اللَّهُ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَنِ الْإِسْلَامِ أَفْضَلَ الْجَزَاءِ فَلَقْدَ أَدَيْتَ وَ أَبْلَغْتَ وَ نَصَحْتَ، ثُمَّ رَكِبَ وَ رَكِبَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ.

ثُمَّ بَرَزَ إِلَى الْقِتَالِ، ثُمَّ دَعَا بِشَرْبَةٍ مِنْ مَاءٍ، فَقِيلَ مَا مَعْنَى مَاءٍ، فَقَامَ إِلَيْهِ رَجُلٌ مِنَ الْإِنصَارِ وَ

سقاءه شربة من لبن فشربه، ثم قال: هكذا عهد الى رسول الله ﷺ ان يكون آخر زادي من الدنيا شربة لبن، ثم حمل على القوم فقتل ثمانية عشر نفساً، فخرج اليه رجلان من اهل الشام فطعناه و قتل رحمه الله.

فلما كان من الليل طاف امير المؤمنين عليه السلام في القتلى و وجد عمار ملقى بين القتلى فجعل رأسه على فخذه، ثم بكى عليه و انشأ يقول:

ارجعى فقد فنيت كل خليلي	الا ايها الموت الذى ليس تاركى
فلست تبقى خلة لخليل	ايا موت كم هذا التفرق عنوة
كأنك تمضى نحوهم بدليل	اراك بصيراً بالذين بحبهم

ابن بابويه گوید: محمد بن عبدالله بن المطلب شیبانی خبرمان داد، گفت: محمد بن الحسین بن حفص خثمی کوفی حدیثمان داد، گفت: عباد بن یعقوب برایمان حدیث آورد، گفت: علی بن هاشم از محمد بن عبدالله از ابو عبیده بن محمد بن عمار، از پدرش، از جدش عمار برایمان حدیث آورد که گفت: با رسول خدا صلی الله علیه و آله در یکی از غزواتش همراه بودم و حضرت علی رضی الله عنه پرچم داران را به هلاکت رسانید و جمعیتشان را متفرق ساخت و عمر بن عبدالله جمعی و شیبه بن نافع کشته شدند. به حضور رسول خدا صلی الله علیه و آله رسیدم و عرضه داشتم، یا رسول الله، همانا علی رضی الله عنه در راه خداوند حقّ جهاد را ادا کرد. رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: چرا که او از من است و من از اویم و اوست وارث علم من و پرداخت کننده دین مایم و اجرا کننده وعده ام و جانشین پس از من، و اگر او نبود مؤمن خالص پس از من شناخته نمی شد. جنگ با او جنگ با من است و جنگ با من جنگ با اوست، و مسالمت با او مسالمت با من است و مسالمت با من مسالمت با خداوند است. توجه کنید که او پدر دو بسط من است، و امامان از صلب اویند، خدای تعالی امامان ارشاد کننده و از جمله آنها مهدی این امت را خداوند (از او) متولد خواهد ساخت.

عرضه داشتم: پدر و مادرم فدایت ای رسول خدا، این مهدی صلی الله علیه و آله کیست؟ رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: ای عمار، خداوند تبارک و تعالی با من پیمان بسته که از صلب حسین

نه امام بیرون آورد، و نهمین آنها از نظر مردم غایب می شود، و ههمین است که خداوند عزوجل می فرماید: «[به کافران] بگو اگر آب [که مایه حیات است] همه به زمین فرو رود، کیست که باز آب گوارا برایتان پدید آرد؟» غیبتی طولانی برای او خواهد بود که گروهی از عقیده شان بر می گردند و عده ای دیگری ثابت قدم می مانند. پس، هرگاه آخر زمان شود خروج می کند، دنیا را پر از قسط و عدل می نماید، چنان که از ظلم و جور پر شده است و بر مبنای تأویل مقاتله می کند، همان طور که من بر مبنای تنزیل جهاد نمودم. او هم نام و شبیه ترین مردم به من است. ای عمار، پس از من به زودی فتنه ای خواهد بود. هرگاه فتنه پیش آمد از علی علیه السلام پیروی کن و مصاحب او باش که او با حق است و حق با اوست. ای عمار، تو پس از من در کنار علی با دو گروه ناکشین و قاسطین مقاتله خواهی کرد، سپس گروه ستمکار تو را خواهد کشت، عمار پرسید: یا رسول الله، آیا این کشته شدن به رضای خداوند و رضای شما [از من] خواهد بود؟ فرمود: آری، با رضای خداوند و رضای من است و آخرین توشه تو از دنیا جرعه شیری است که خواهی آشامید.

و چون روز صفین فرا رسید عمار بن یاسر به حضور امیرالمؤمنین علیه السلام شرفیاب گشت و به آن جناب عرضه داشت: ای برادر رسول خدا صلی الله علیه و آله، آیا به من اجازه جنگ می دهی؟ حضرت فرمود: صبر کن خدایت رحمت کند. ساعتی بعد باز سخنش را تکرار کرد و آن حضرت همان پاسخ را داد مرتبه سوم نیز کلام خود را باز گفت، پس حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام گریست. عمار متوجه آن بزرگوار شد و عرضه داشت: یا امیرالمؤمنین، این همان روزی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله آن را برایم توصیف کرد، پس امیرالمؤمنین علیه السلام از مرکب خود پیاده شدند و دست به گردن عمار درآوردند و با او وداع کردند. سپس، فرمود: ای ابوالیقظان، خداوند از سوی پیغمبرت و از سوی من به تو جزای خیر دهد که تو خوب برادر و خوب دوستی بودی، آن گاه گریه کرد. عمار نیز گریست و عرضه داشت: یا امیرالمؤمنین، به خدا سوگند جز از روی بینش از تو پیروی نکردم، زیرا که من شنیدم رسول خدا صلی الله علیه و آله روز خیبر می فرمود: ای عمار، پس از من فتنه ای خواهد بود.

پس، چون آن فتنه پیش آید تو از علی و حزب او پیروی کن که او با حق است و حق با او و به زودی بعد از من با تکتین و قاسطین جنگ خواهی کرد. پس یا امیرالمؤمنین، خداوند از جهت اسلام تو بهترین جزا و پاداش دهد که به راستی [حق] را ادا کردی و ابلاغ فرمودی و نصیحت نمودی. آنگاه او [به قصد رفتن به میدان] تا سوار مرکب شد، امیرمؤمنان علیه السلام نیز سوار شد. سپس، به میدان نبرد رفت و بعد [در قتال با دشمنان حق] آب طلب کرد. گفته شده آبی با ما نیست. مردی از انصار به پا خاست، و ظرف شیری به عمار داد. عمار شیر را آشامید، آنگاه گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله به من فرمود که آخرین توشه‌ام از دنیا مقداری شیر خواهد بود. سپس، بر دشمنان حمله کرد و هجده تن را به هلاکت رسانید، پس دو تن از اهل شام به مقاتله با او آمدند و ضربتی به وی زدند و کشته شد، رحمت خدا بر او باد.

شب هنگام امیرالمؤمنین علیه السلام در میان مقتولین گشت، عمار را بین کشتگان یافت. سر او را به دامن گرفت و گریه کرد و چنین فرمود:

ای مرگ که مرا و نخواهی گذاشت، راحتم کن که همه دوستانم را فانی ساختی.
ای مرگ، تا کی این جدایی‌ها را بر ما تحمیل می‌کنی که هیچ دوستی برای هیچ دوست بر جای نمی‌گذاری.

چنینت می‌بینم کسانی را که ما دوست می‌داریم تو خوب می‌شناسی و [نشانه می‌گیری]، انگار که با راغنمایی به سوی آنها روی می‌آوری!
(۳) در کتاب تفسیر قه‌می مجلد ۲ صفحه ۳۷۹، آمده است:

علی بن ابراهیم قال: حدّثنا محمد بن جعفر قال: حدّثنا محمد بن احمد عن القاسم بن العلا [محمد خ ل] قال: حدّثنا اسماعیل بن علی الفزاری عن محمد بن جمهور، عن فضالة بن ایوب، قال: سئل الرضا علیه السلام عن قول الله عزوجل: ﴿قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ﴾ فقال، علیه السلام: ماؤکم ابوابکم ای الائمة و الائمة ابواب الله بینہ و بین خلقه فمن یأتیکم بماء معین یعنی بعلم الامام.

علی بن ابراهیم گوید: محمد بن جعفر حدیثمان داد، وی گفت: محمد بن احمد

حدیثمان داد، از قاسم بن العلاء [محمد خ ل] که گفت: اسماعیل بن علی فزاری از محمد بن جمهور، از فضاله ابن ایوب حدیثمان داد که گفت: حضرت امام رضا علیه السلام راجع به قول خدای عزوجل: «[به کافران] بگو اگر آب [که مایه حیات است] همه به زمین فرو رود، کیست که باز آب گوارا برایتان پدید آورد؟ سؤال شد، آن حضرت علیه السلام فرمودند: «ماؤکم» به معنی «ابوابکم» می باشد؛ یعنی، امامان که ائمه ابواب الهی بین او و بین خلق اویند، پس کیست که باز آب گوارا برایتان پدید آرد؛ یعنی، علم امام.

(۴) در تفسیر قمی مجلد ۲ صفحه ۳۸۰، آمده است:

المفید بالسناده عن علی بن جعفر، علی اخیه موسی بن جعفر علیه السلام قال: قلت له ما تأویل ویل هذه الآیة: «قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ»؛ فقال علیه السلام: تأویله ان فقدتم امامکم فمَنْ یأتیکم بامام جدید.

شیخ مفید: بسند خود از علی بن جعفر، از برادرش حضرت موسی بن جعفر علیه السلام آورده است که می گوید: به آن جناب عرضه داشتم تأویل این آیه چیست؟ «[به کافران] بگو اگر آب [که مایه حیات است] همه به زمین فرو رود، کیست که باز آب گوارا برایتان پدید آورد؟». آن حضرت علیه السلام فرمودند: تأویل این است که اگر امامتان را نیافتید پس چه کسی امام جدیدی برایتان خواهد آورد.

(۵) در کتاب اصول کافی مجلد ۲ صفحه ۱۳۹ حدیث شماره ۱۴، آمده است:

علی بن محمد عن سهل بن زیاد، عن موسی بن القاسم بن معاویه البجلی، عن علی بن جعفر، عن اخیه موسی بن جعفر علیه السلام فی قول الله عزوجل: «قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ»؛ قال: اذا غاب عنکم امامکم فمَنْ یأتیکم بامام جدید.

موسی بن جعفر علیه السلام درباره قول خدای عزوجل: بگو بمن بگوئید که اگر آب شما به زمین فرو رود چه کسی برای شما آب روان می آورد. (آیه ۳۰ سوره ملک) فرمود: زمانی که امام شما غایب شود، کیست (غیر خدا) که برای شما امام تازه ای آورد؟ (امام غایب شما را ظاهر کند تا از علومش، که چون چشمه صاف جاری است، بهره گیرید).

(۶) در کتاب کمال الدین و تمام النعمة مجلد ۲ صفحه ۲۹ حدیث شماره ۳، آمده

است:

حدثنا ابي عليه السلام قال: حدثنا سعد بن عبدالله، قال: حدثنا احمد بن محمد بن محمد بن عيسى عن موسى بن القاسم، عن معاوية بن وهب البجلي و ابن قتاده عن علي بن محمد بن حفص عن علي بن جعفر عن اخيه موسى بن جعفر عليه السلام قال قلت تاويل قول الله عزوجل: ﴿قُلْ اَرَأَيْتُمْ اِنْ اَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَّعِينٍ﴾؟ فقال اذا فقدتم امامكم فلم تروه فماذا تصنعون. علي بن جعفر گوید از امام هفتم پرسیدم؛ از تاویل گفته خدای عزوجل (در سوره الملك آیه ۳۰) «بگو اگر آب شما فرو کشد کیست که آب گوارا برای شما آورد؟» فرمود: چون امام شما مفقود گردد و او را نبینید چه خواهید کرد؟

(۷) در کتاب غیبت نعمانی صفحه ۱۷۶ حدیث شماره ۱۷، آمده است:

حدثنا محمد بن همام [رحمة الله] قال: حدثنا احمد بن مابنداذ، قال: حدثنا احمد بن هلال، عن موسى بن القاسم بن معاوية البجلي، عن علي بن جعفر، عن اخيه موسى بن جعفر عليهما السلام قال: قلت له: ما تاويل هذه الاية: ﴿قُلْ اَرَأَيْتُمْ اِنْ اَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَّعِينٍ﴾؟ قال: اذا فقدتم امامكم فمن ياتيكم بامام جديد.

حدیث کرد ما را محمد بن همام [رحمة الله] او گفت: حدیث کرد ما را احمد بن مابنداذ او گفت: حدیث کرد ما را احمد بن هلال از موسی بن قاسم ابن معاویه بجلی و او از علی بن جعفر و او از برادرش موسی بن جعفر عليه السلام، علی بن جعفر گوید: به آن حضرت عرض کردم: تاویل این آیه چیست؟ ﴿قُلْ اَرَأَيْتُمْ اِنْ اَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَّعِينٍ﴾ بگو اگر دیدید که چشمه آب شما فرورفت، چه کسی آب گوارا خواهد رساند؟ فرمود: هرگاه امامتان را از دست دادید چه کسی برای شما امامی از نو خواهد آورد.

و ما به امید روزی به سر می بریم که امامان برگردد، و ارواح تشنه ما را با ماء معین و

حضورش سیراب کند.

آیه دویمت وسی و سوم

● در ظهور قائم آل محمد از ظالمین دفع بلا نمی شود.

خداوند در سوره معارج آیه ۱ الی ۳، می فرماید:

﴿سَأَلْ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَاقِعٍ ۝ لِلْكَافِرِينَ لَيْسَ لَهُ دَافِعٌ ۝ مِنَ اللَّهِ ذِي الْمَعَارِجِ﴾

سوال کننده ای از (رسول خدا ﷺ) از عذاب حتمی الوقوع سوال کرد؛ (بداند که این عذاب) از کافران دفع نشود که آن عذاب از سوی خداوند مالک آسمان است.

(۱) در کتاب تفسیر قمی مجلد ۲ صفحه ۳۸۵، آمده است:

علی بن ابراهیم: قال: سئل ابو جعفر عليه السلام عن معنى هذا فقال: نار تخرج من المغرب و ملك يسوقها من خلفها حتى يأتي دار سعد بن همام عند مسجد هم فلا تدع داراً لبني امية الا احرقتها، و اهلها و لا تدع داراً فيها و تر لآل محمد الا احرقتها و ذلك المهدي عليه السلام.

علی بن ابراهیم گوید: از حضرت ابو جعفر باقر عليه السلام درباره معنی این آیه سوال شد، آن بزگوار فرمودند: آتشی است که از سوی غرب بر می آید و پادشاهی از پشت سر آن را بسیج می کند تا این که به خانه ی بنی سعد بن همام نزد مسجدشان برسد، پس خانه ای برای بنی امیه باقی نمی گذارد، مگر اینکه آن را و اهل آن را می سوزاند و خانه ای که در آن خونی از آل محمد عليه السلام [ستمگری نسبت به آل محمد عليه السلام] باشد رها نمی سازد مگر اینکه آن را می سوزاند، و او مهدی عليه السلام است.

(۲) در کتاب غیبت نعمانی صفحه ۲۷۲ حدیث شمار ۴۸، آمده است:

حدَّثنا محمد بن همام قال: حدَّثنا جعفر بن محمد بن مالك، قال: حدَّثنا محمد بن الحسين بن ابي الخطاب، عن الحسين بن علي، عن صالح بن سهل، عن ابي عبد الله جعفر بن محمد عليه السلام في قوله تعالى: ﴿سَأَلْ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَاقِعٍ﴾ قال: تأويلها فيما يأتي: عذاب يقع في الثوية - يعني ناراً - حتى ينتهي الى الكناسة كناسة بنى أسد حتى تمر بثقيف لا تدع و تراً

لال محمد الاُحرقتة - و ذلك قبل خروج القائم عليه السلام.

حدیث کرد ما را محمد بن همام او گفت: حدیث کرد ما را جعفر بن محمد بن مالک او گفت: حدیث کرد ما را محمد بن حسین بن ابی الخطاب از حسن ابن علی و او از صالح بن سهل و او از ابی عبدالله جعفر بن محمد علیه السلام در معنای آیه شریفه ﴿سَأَلْ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَاقِعٍ﴾ (سوره معارج آیه ۱) «پرسش کننده از عذابی که واقع خواهد شد پرسید» فرمود: تاویل این آیه در آینده است عذابی که در ثویه واقع می شود - آتشی - تا کناسه بنی اسد سرکشد و تا قبیله ثقیف نیز بگذرد و هیچ جایگاه ستم بر آل محمد نمی ماند و مگر آنکه می سوزاند، و این پیش از قیام قائم (عج) خواهد بود.

(۳) در کتاب غیبت نعمانی صفحه ۲۷۲ حدیث شماره ۴۹، آمده است:

حدَّثنا ابوسلیمان احمد بن هوزة قال: حدثنا ابراهيم بن اسحاق النهاوندي، عن عبدالله بن حماد الأنصاري، عن عمرو بن شمر، عن جابر قال: قال ابو جعفر عليه السلام: كيف تقرؤون هذه السورة؛ قلت: و آية سورة؟ قال: سورة ﴿سَأَلْ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَاقِعٍ﴾ فقال: ليس هو ﴿سَأَلْ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَاقِعٍ﴾ انما هو سال سيل، و هي نار تقع الثويه ثم تمضي الى كناسة بنی أسد، ثم تمضي الى ثقیف، فلا تدع و ترا لآل محمد الاُحرقتة.

حدیث کرد ما را ابوسلیمان احمد بن هوزة او گفت: حدیث کرد ما را ابراهیم بن اسحاق نهاوندی از عبدالله بن حماد انصاری و او از عمر بن شمر از جابر که گفت: ابو جعفر (امام باقر) علیه السلام فرمود: این سوره را چگونه می خوانید؟ عرض کردم کدام سوره؟ فرمود: سوره ﴿سَأَلْ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَاقِعٍ﴾ فرمود: ﴿سَأَلْ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَاقِعٍ﴾ نیست بلکه (سأل سيل) است و آن آتشی است که در ثویه می افتد و از آنجا به کناسه بنی اسد راه می یابد و سپس به ثقیف می رسد پس جایگاه ظلمی بر آل محمد را نمی گذارد مگر آنکه می سوزاند.

آیة دویست و سی و چهارم

● در قیام قائم آل محمّد (عج) همه مؤمنین آن حضرت را تصدیق می کنند.

خداوند در سوره معارج آیة ۲۶، می فرماید:

﴿وَالَّذِينَ يُصَدِّقُونَ بِيَوْمِ الدِّينِ﴾

و کسانی که روز جزا را تصدیق می کنند.

* در کتاب روضه کافی صفحه ۲۸۷ عربی و در صفحه ۱۱۱ ترجمه به فارسی،

آمده است:

(محمّد بن یعقوب کلینی) ... عن ابی جعفر علیه السلام: ﴿وَالَّذِينَ يُصَدِّقُونَ بِيَوْمِ الدِّينِ﴾؛ قال:

بمخرج القائم علیه السلام.

حضرت امام محمّد باقر علیه السلام درباره این فرموده خداوند عزوجل که فرمودند: «آنان که

روز جزا را تصدیق می کنند» فرمودند: این روز ظهور حضرت قائم (عج) است.

آیه دویت و سی و پنجم

● در ظهور قائم آل محمد کافران خوار و ذلیل خواهند شد.

خداوند در سوره معارج آیه ۴۴، می فرماید:

﴿خَاشِعَةً أَبْصَارُهُمْ تَرْهَقُهُمْ ذِلَّةٌ ذَلِكَ الْيَوْمُ الَّذِي كَانُوا يُوعَدُونَ﴾

در حالی (آن روز مرا می رسد که) چشمهایشان به خواری فرو افتاده و ذلت، آنان را فرا

گرفته است آن همان روز است که (رسولان خداوند) به آن وعده داده اند.

* در کتاب تأویل الآیات الظاهره صفحه ۷۲۶ نوشته ابی العباس بن ماهیار، آمده

است:

عن سليمان بن خالد، عن ابن سماعه عن عبدالله بن القاسم، عن يحيى بن ميسر، عن

ابی جعفر عليه السلام في قوله عزوجل: ﴿خَاشِعَةً أَبْصَارُهُمْ تَرْهَقُهُمْ ذِلَّةٌ ذَلِكَ الْيَوْمُ الَّذِي كَانُوا

يُوعَدُونَ﴾ قال: يوم خرج القائم.

سليمان بن خالد از سماعه از عبدالله بن القاسم از يحيى بن ميسر از حضرت امام

محمد باقر عليه السلام آورده است که آن جناب درباره فرموده خداوند عزوجل چنین فرمودند:

«در حالی آن روز فرا می رسد که چشمهایشان به خواری فرو افتاده و ذلت آنان را

فرا گرفته است آن همان روزی است که (رسولان خداوند) به آن وعده داده اند.» فرمود:

یعنی روز خروج قائم (عج) است.

در دعای ندبه می خوانیم: «أين معز الاولياء و مذل الأعداء» کجاست آن (رادمردی)

که دوستان خداوند را عزیز و دشمنان خداوند را ذلیل خواهد کرد.

دویست و سی و ششم

● کسانی که ولایت امیرالمؤمنین و ائمه طاهرین و امام زمان (عج) را داشته باشند خداوند آن‌ها را به وسیله علم الهی سیراب خواهد کرد.

خداوند در سوره جن آیه ۱۶، می‌فرماید:

﴿وَأَنْ لَّوِ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقِينَهُمْ مَاءً غَدَقًا﴾

اگر بر این طریق و راه پایدار و استوار شوند آبی فراوانشان دهیم.

(۱) در مجمع البیان مجلد ۱۰ صفحه ۳۷۲، آمده است:

عن برید العجلی، عن ابی عبدالله علیه السلام قال: معنا لاذقناهم علماً کثیراً یتعلمونه من الائمة.

برید العجلی از امام صادق علیه السلام روایت می‌کند که آن حضرت فرمودند: معنای آیه این

است که: «ما می‌چشانیم به آن‌ها علمی فراوان که از طریق امامان به آن‌ها آموخته

می‌شود.»

(۲) در تفسیر برهان مجلد ۴ صفحه ۳۹۳، آمده است:

عن ابی بصیر، عن ابی عبدالله قال: سألته عن قول الله عزوجل ﴿وَأَنْ لَّوِ اسْتَقَامُوا عَلَى

الطَّرِيقَةِ﴾؛ یعنی، ای لا مددناهم علماً کی یتعلمونه من الائمة علیهم السلام.

ابی بصیر می‌گوید: از امام صادق علیه السلام درباره کلام خداوند «اگر بر این طریق و راه

پایدار و استوار شوند آبی فراوانشان دهیم» پرسیدم حضرت فرمودند: یعنی، ما آن‌ها را

با دادن علم و آگاهی از طریق ائمه علیهم السلام است مدد و یاری می‌کنیم.

(۳) در کتاب اصول کافی مجلد ۱ صفحه ۳۱۹ حدیث شماره ۱، آمده است:

احمد بن مهران، عن عبدالعظیم بن عبدالله الحسنی. عن موسی بن محمد عن یونس ابن

یعقوب، عن ذکره، عن ابی جعفر علیه السلام فی قوله تعالی: ﴿وَأَنْ لَّوِ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ

لَأَسْقِينَهُمْ مَاءً غَدَقًا﴾ قال: یعنی، لو استقاموا علی ولایة علی بن ابی طالب امیرالمؤمنین و

الأوصیاء من ولده علیه السلام و قبلوا طاعتهم فی أمرهم و نهیهم لأسقیناهم ماء غدقاً، یقول: لأشربنا قلوبهم الایمان و الطریقه هی الایمان بولایة علی و الأوصیاء.

حضرت ابی جعفر علیه السلام درباره قول خدای تعالی: «و اگر بر آن روش استوار شوند، ابی فراوانشان نوشانیم.» فرمود: یعنی، اگر بر ولایت علی بن ابی طالب امیر مؤمنان و اوصیا از فرزندان او استوار شوند و اطاعت آنها را در امر و نهیشان بپذیرند، آب فراوانی به آنها نوشانیم؛ به این معنی که، ایمان را در دلشان جایگزین کنیم و مقصود از «طریقه» روش ایمان به ولایت علی علیه السلام و جانشینان اوست.

آیه دویست و سی و هفتم

● در زمان امام زمان علیه السلام دشمنان دین، ضعیف و تعدادشان کم می شود.

خداوند در سوره جن آیه ۲۴، می فرماید:

﴿حَتَّىٰ إِذَا رَأَوْا مَا يُوعَدُونَ فَيَسْئَلُونَ مَنْ أضعفُ ناصِراً وَ أَقْلُ عَدَدًا﴾

تا وقتی که ببینند آنچه را که وعده داده می شوند، پس بزودی بدانند که چه کسی از حیث یار ناتوان تر و از حیث عدد کمتر است.

(۱) حافظ علامه شیخ سلیمان بن ابراهیم قندوزی حنفی در ینابیع المودة صفحه

۴۲۹، آورده است:

و فی سوره الجن ﴿حَتَّىٰ إِذَا رَأَوْا مَا يُوعَدُونَ فَيَسْئَلُونَ مَنْ أضعفُ ناصِراً وَ أَقْلُ عَدَدًا﴾ عن محمد بن الفضیل رضی الله عنه عن علی بن الحسین رضی الله عنه قال: ما یوعدون فی هذه الایة القائم المهدی و اصحابه و انصاره و اعدائه تكون اضعف ناصراً و اقل عدداً اذا ظهر القائم (عج).

در سوره جن می فرماید: «تا وقتی که ببینند آنچه را که وعده داده می شوند، پس به زودی بدانند که چه کسی از حیث یار ناتوان تر و از حیث عدد کمتر است.» از محمد بن فضل از حضرت علی بن الحسین (زین العابدین علیه السلام) در مورد قول خداوند آن حضرت فرمودند: ما یوعدون (آنچه وعده داده می شوند) در این آیه، قائم مهدی و اصحاب و یاران او هستند و دشمنان او هنگامی که قائم (عج) ظهور کند، یارانشان ضعیف تر و عددشان کمتر است.

(۲) در تفسیر قمی مجلد ۲ صفحه ۳۹۱، آمده است:

علی بن ابراهیم: فی تفسیر فی قوله: ﴿حَتَّىٰ إِذَا رَأَوْا مَا يُوعَدُونَ﴾ قال علیه السلام: القائم و امیر المؤمنین علیه السلام فی الرجعة ﴿فَسْئَلُونَ مَنْ أضعفُ ناصِراً وَ أَقْلُ عَدَدًا﴾ قال: قال: هو قول امیر المؤمنین علیه السلام بزفر: والله یابن صهاک لولا عهد من رسول الله و عهد [کتاب] من الله

سبق لعلمت اینا اضعف ناصراً و اقلّ عدداً، قال: فلما اخبرهم رسول الله ﷺ ما يكون من الرجعة قالوا متى يكون هذا، قال [الله] «قل» يا محمد «إن ادري اقريب ما توعدون ام يجعل له ربّي امداً.»

علی بن ابراهیم در تفسیر خود درباره فرموده خداوند «تا آن گاه که عذاب موعود خود را به چشم ببینند.» گوید حضرت فرمود: [مقصود] قائم و امیرالمؤمنین علیه السلام در دوران رجعت می باشد خواهند دانست که کدام یک [شما یا ایشان] یارانشان ضعیف تر و افرادشان کمتر است گوید حضرت فرمود: این فرموده امیرالمؤمنین علیه السلام است به زفر: به خدا سوگند ای پسر صهاک، چنانچه عهدی از رسول خدا صلی الله علیه و آله و عهدی [نوشته ای] از خداوند صدور نیافته بود هر آینه می دانستی که کدام یک از ما یارانش ناتوان تر و افرادش کمتر است، گوید: پس هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله آنچه از رجعت واقع می شود را به آنان خبر داد گفتند: این جریان کی تحقق می یابد [خداوند] فرمود: [بگو] ای محمد، نمی دانم آیا «عذابی را که وعده می شوید نزدیک است یا پروردگارم مدتی [طولانی] را برای آن قرار می دهد.»

(۳) در کتاب اصول کافی مجلد ۱ صفحه ۴۳۴، آمده است:

محمد بن یعقوب: عن عنی بن محمد، عن بعض اصحابنا، عن ابن محبوب، عن محمد بن الفضیل، عن ابی الحسن الماضی علیه السلام: قال: قلت: ﴿حَتَّىٰ إِذَا رَأَوْا مَا يُوعَدُونَ فَسَيَعْلَمُونَ مَنْ أضعفُ ناصِراً وَّ اقلُّ عدداً﴾ یعنی بذلك القائم علیه السلام وانصاره.

محمد بن یعقوب از علی بن محمد، از بعضی اصحابمان، از ابن محبوب، از محمد بن الفضیل، از ابوالحسن ماضی (امام کاظم) علیه السلام آورده است که راوی گوید: عرضه داشتم: «آن گاه که عذاب موعود خود را به چشم ببینند، خواهند دانست که کدام یک (شما یا ایشان) یارانشان ضعیف تر و افرادشان کمتر است» فرمود: منظور از آن حضرت قائم علیه السلام و یاران او می باشد.

(۴) در کتاب تفسیر صافی مجلد ۲ صفحه ۷۵۳، آمده است:

﴿حَتَّىٰ إِذَا رَأَوْا مَا يُوعَدُونَ فَسَيَعْلَمُونَ مَنْ أضعفُ ناصِراً وَّ اقلُّ عدداً﴾ هو او هم

قال یعنی بذلك القائم علیه السلام و انصاره و القمّی قال القائم و امیر المؤمنین علیهما السلام و فی الخرائج عن الرضا علیه السلام فیها فرسول الله صلی الله علیه و آله عند الله مرتضی و نحن ورثة ذلك الرسول الذي اطلعه الله على ما يشاء من غيبه فعلمنا ما كان و ما يكون الى يوم القيمة.

(۵) در کتاب اصول کافی مجلد ۲ صفحه ۳۱۴، آمده است:

قلت: ﴿حَتَّىٰ إِذَا رَأَوْا مَا يُوعَدُونَ فَسَيَعْلَمُونَ مَنْ أَضْعَفُ نَاصِرًا وَّ أَقْلُ عَدَدًا﴾

یعنی بذلك القائم و انصاره.

قلت: «واصبر على ما يقولون»؟ قال: يقولون فيك «و اهجرهم هجراً جميلاً و ذرني (يا محمد) و المكذبين (توصيک) اولی النعمة و مهلهم قليلاً» قلت: «إنّ هذا تنزيل؟» قال: نعم. قلت: «ليستيقن الذين اتوا الكتاب»؟ قال: يستيقنون أنّ الله و رسوله و وصيّه حقّ، قلت: «و يزداد الذين آمنوا ايماناً؟» قال: و يزدادون بولاية الوصي ايماناً.

عرض کردم: تا زمانی به عذاب موعود را ببینند خواهند دانست کیست که یاورش ناتوان تر و سپاهش کمتر است. فرمود: مقصود از این آیه امام قائم و یاران اوست. عرض کردم: بر آنچه می گویند شکیباً باش. فرمود: یعنی، آنچه درباره تو می گویند و از آن ها ببر، بریدنی نیکو و مرا واگذار (ای محمد) با تکذیب کنندگان (نسبتاً به وصیت) که صاحب نعمت هستند و اندکی مهلتشان ده. عرض کردم: این آیه تنزيل است؟ فرمود: آری. (کلمه بوصيک نیز نازل شده است). عرض کردم: تا به یقین برسند کسانی که به آن ها کتاب داده شده؟ فرمود: یعنی، تا یقین کنند که خدا و پیغمبرش و وصیش بر حق هستند.

عرض کردم: و آن ها که ایمان آورده اند، ایمانشان بیفزایند؟ فرمود: یعنی، ایمانشان به ولایت وصی افزوده گردد.

آیه دویت و سی و هشتم

● رسول خدا صلوات الله علیه عالم به غیب باذن الله است و ائمه طاهرین و امام زمان علیه السلام با واسطه رسول خدا صلی الله علیه و آله غیب می دانند.

خداوند در سوره جن آیات ۲۶ و ۲۷، می فرماید:

﴿عَالِمُ الْغَيْبِ فَلَا يُظْهِرُ عَلَىٰ غَيْبِهِ أَحَدًا ۝ إِلَّا مَنِ ارْتَضَىٰ مِنْ رَسُولٍ﴾

دانای غیب خداوند است و هیچ کس را از غیب خویش مطلع نخواهد کرد، مگر پیامبر و رسولی را که برای این امر بپسندد.

* در تفسیر صافی مجلد ۲ صفحه ۷۵۳، آمده است:

عن الرضا علیه السلام فیها فرسول الله صلی الله علیه و آله عند الله مرتضی و نحن ورثة ذلك الرسول الذي اطلعه الله على ما يشاء من غيبه فعلمنا ما كان و ما يكون الى يوم القيامة.

از حضرت رضا علیه السلام روایت شده است که شخص مورد رضای خداوند در آیه، رسول خدا صلی الله علیه و آله است و نیز ما وارثین این رسول هستیم که خداوند وی را از اسرار غیبی خود مطلع نمود در نتیجه، دانستیم آنچه در گذشته بوده و آنچه در آینده خواهد آمد تا قیامت.

ما می دانیم که خداوند در قرآن می فرماید: ﴿وَعِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ﴾ هیچ کس بجز خداوند غیب نمی داند و کلیدهای درب های بسته غیب در نزد خداوند است اما در این آیه می فرماید: ﴿إِلَّا مَنِ ارْتَضَىٰ مِنْ رَسُولٍ﴾ بجز خداوند کسی غیب نمی داند مگر پیامبر که برای این امر بپسندد. پس علم غیب به رسول خدا صلی الله علیه و آله آموخته شده است و آن بزرگوار آن را به امیر المؤمنین علیه السلام آموخته اند و امیر المؤمنین به امامان بعد از خود و هم اکنون آن علم به امام زمان (عج) آموخته شده است که حضرت رضا علیه السلام در حدیث می فرماید: «ونحن ورثة ذلك الرسول الذي اطلعه الله على ما يشاء من غيبه فعلمنا ما كان و ما يكون الا يوم القيامة.»

ما وارثان این پیامبر هستیم که خداوند وی را از اسرار غیبی خود مطلع ساخت (و با هم به وسیله این پیامبر) به علم غیب آگاه شدیم و به ما آموخته شد آنچه که در گذشته صورت گرفته و آنچه در آینده صورت خواهد گرفت.

آیه دویست و سی و نهم

● در هنگام ظهور امام زمان (عج) صدایی در آسمان و زمین بلند می شود.

خداوند در سوره مدثر آیات ۸ تا ۱۰، می فرماید:

﴿فَإِذَا نُقِرَ فِي النَّاقُورِ ۝ فَذَلِكَ يَوْمَئِذٍ يَوْمٌ عَسِيرٌ ۝ عَلَى الْكَافِرِينَ غَيْرُ

يَسِيرٍ﴾

پس آن گاه که در صور دمیده شود ۰ آن روز، روز سختی خواهد بود ۰ و بر کافران آسان نیست.

(۱) حافظ قندوزی حنفی در ینابیع المودة صفحه ۴۲۹، آورده است:

و فی سوره المدثر ﴿فَإِذَا نُقِرَ فِي النَّاقُورِ ۝ فَذَلِكَ يَوْمَئِذٍ يَوْمٌ عَسِيرٌ ۝ عَلَى الْكَافِرِينَ غَيْرُ يَسِيرٍ﴾ عن المفضل عن الصادق عليه السلام الاثمة قال اذا نودی فی اذن القائم عليه السلام بالاذن فی قیامه فیقوم فذلک الیوم عسیر علی الکافرین قال القران ضرب فیہ الامثال ونحن نعلمه فلا یعلمه غیرنا.

در سوره المدثر آمده است: ﴿فَإِذَا نُقِرَ فِي النَّاقُورِ ۝ فَذَلِكَ يَوْمَئِذٍ يَوْمٌ عَسِيرٌ ۝ عَلَى الْكَافِرِينَ غَيْرُ يَسِيرٍ﴾ مفضل می گوید حضرت صادق عليه السلام در این باره فرمودند: وقتی که در گوش قائم اذن و اجازه قیامش نداد داده شود، پس او قیام می کند و آن روز برای کافران بسیار سخت است. حضرت صادق عليه السلام فرمودند: پاره ای آیات قرآنی ضرب امثال (یا اشارات و کنایات است) و ما آن را می دانیم و غیر ما آن را نمی دانند.

(۲) در تأویل الآیات الظاهره صفحه ۷۳۲، آمده است:

عن ابی عبدالله عليه السلام: قال اذا نقر فی اذن الامام القائم عليه السلام اذن له فی القیام.

حضرت امام صادق عليه السلام فرمودند: هرگاه، در گوش قائم عليه السلام دمیده شود، اذن قیامش تحقق یابد.

(۳) در کتاب اصول کافی مجلد ۲ صفحه ۱۴۵، آمده است:

ابوعلی الاشعری، عن محمد بن حسان، عن محمد بن علی، عن عبدالله بن القاسم عن المفضل بن عمر، عن ابي عبدالله عليه السلام في قول الله عزوجل: ﴿فَإِذَا نُقِرَ فِي النَّاقُورِ﴾ قال: إن منا إماماً مظفراً مستتراً، فإذا اراد الله عز ذكره اظهار أمره، نكت في قلبه نكتة فظهر فقام بأمر الله تبارك و تعالی.

مفضل بن عمر گوید: امام صادق عليه السلام درباره قول خدای عزوجل: «زمانی که در صور دمیده شود» (آیه ۸ سوره ۷۴) فرمود: همانا امام پیروز و پنهان، از ما خاندان است و چون خدای عز ذکره اراد، کند که امر او را ظاهر سازد، در دلش نکته ای گذارد، سپس، ظاهر شود و به امر خدای تبارک و تعالی قیام کند.

(۴) در کتاب غیبت نعمانی صفحه ۱۸۷ حدیث شماره ۴۰، آمده است:

محمد بن یعقوب قال: حدّثنا أبوعلی الأشعری، عن محمد بن حسان، عن محمد بن علی، عن عبدالله بن القاسم، عن المفضل بن عمر، عن ابي عبدالله عليه السلام، «أنه سئل عن قول الله عزوجل: ﴿فَإِذَا نُقِرَ فِي النَّاقُورِ﴾ قال: إن منا إماماً مستتراً فإذا اراد الله عز ذكره اظهار أمره نكت في قلبه نكتة فظهر فقام بأمر الله عزوجل.

محمد بن یعقوب گنت: حدیث کرد ما را ابوعلی اشعری از محمد بن حسان و او از محمد بن علی و او از عبدالله بن قاسم و او از مفضل بن عمره و او از ابی عبدالله (امام صادق عليه السلام) که از آن حضرت پرسش شد از معنای آیه شریفه ﴿فَإِذَا نُقِرَ فِي النَّاقُورِ﴾ «زمانی که بصور دمیده شود» فرمود: همانا از ما امامی در پشت پرده خواهد بود و آن گاه که خداوند عز ذکره بخواهد که امر او را اظهار کند در دل او نکته و اثری ظاهر می شود سپس نمایان گشته و به امر خدا قیام کند.

(۵) در کتاب تأویل الآیات الظاهرة صفحه ۷۳۲، آمده است:

و روی: عن عمرو بن شمر، عن جابر بن یزید، عن ابي جعفر عليه السلام قال: قوله عزوجل: ﴿فَإِذَا نُقِرَ فِي النَّاقُورِ﴾ قال: الناقور هو النداء من السماء الا انّ وليکم فلان بن فلان القائم بالحقّ منادی به جبرائیل عليه السلام فی ثلاث ساعات من ذلك، ﴿فَذَلِكَ يَوْمَئِذٍ يَوْمٌ عَسِيرٌ﴾ ○ علی

الْكَافِرِينَ غَيْرَ يَسِيرٍ؛ یعنی، «بالکافرین» المرجئة الذین کفروا بنعمة الله و بولاية علی بن ابی طالب علیه السلام.

روایت شده از عمر بن شمر، از جابر بن یزید، از حضرت امام جعفر باقر علیه السلام که درباره قول خدای عزوجل: «پس آن گاه، که در آن صور دمیده شود» فرمود: ناقر همان ندا از سوی آسمان است که: «توجه کنید که ولی شما فلانی فرزند فلانی همان قائم به حق است». جبرئیل علیه السلام این را ندا می کند در سه ساعت از آن، «آن روز بسیار سخت روزی است بر کافران که هیچ آسودگی برایشان نیست.» منظور از «کافرین» مرجئه هستند که به نعمت خداوند و به ولایت علی بن ابی طالب علیه السلام کفر ورزیده اند.

(۶) در کتاب کمال الدین و تمام النعمة مجلد ۲ باب ۳۳ صفحه ۳۴۹ حدیث ۴۲،

داریم:

حدثنا ابی، و محمد بن الحسن علیهما السلام قال، حدثنا عبدالله بن جعفر الحمیری قال: حدثنا محمد بن الحسين بن ابی الخطاب، عن موسی بن سعدان، عن عبدالله بن القاسم، عن المفضل بن عمر قال: سألت ابا عبدالله علیه السلام عن تفسیر جابر فقال: لا یحدث به اسفل فیذیعوه، أما تقرأ فی کتاب الله عزوجل: ﴿فَإِذَا نُقِرَ فِي النَّاقُورِ﴾ انّ منّا اماماً مستتراً فاذا اراد الله عزوجل اظهار امره نکت فی قلبه نکتة فظهر و أمر بأمر الله عزوجل.

مفضل بن عمر گوید: امام ششم علیه السلام را از تفسیر جابر جعفی پرسیدم فرمود: آن را برای سفلگان باز نگوید تا شهرت بدهند. آیا در کتاب خدای عزوجل (آیه ۸ سوره مدثر) نخواندی؟ «چون در ناقور نقر شود.» به درستی که از ما امامی است پنهان و چون خدا خواست عیانش کند در دلش انگشتی زند و ظهور کند و به دستور خدا فرمان دهد.

آیه دوپست و جهلم

● شیطان، معاند و دشمن امامان و امام زمان (عج) است و به غیر راه ایشان می‌خواند.

خداوند در سوره مدثر آیه ۱۱، می‌فرماید:

﴿ذَرْنِي وَ مَنْ خَلَقْتُ وَ حِيداً﴾

آن کس که من او را تنها (بدون پدر و مادر) آفریدم کارش را به من واگذار.

* در کتاب تأویل الآيات الظاهرة صفحه ۷۳۴، آمده است:

شرف الدین النجفی: قال: جاء في تفسير اهل البيت عليهم السلام رواه الرجال عن عمرو بن شمر،

عن جابر [بن يزيد] عن ابي جعفر عليه السلام في قوله عزوجل: ﴿ذَرْنِي وَ مَنْ خَلَقْتُ وَ حِيداً﴾.

قال: يعني بهذه الآية ابليس اللعين خلقه وحيداً من غير اب و لا امّ و قوله: ﴿وَ جَعَلْتُ لَهُ

مَالاً مَمْدُوداً﴾؛ يعني هذه الدولة الى يوم الوقت المعلوم يوم يقوم القائم عليه السلام، ﴿وَ بَيْنَ شُهُوداً

وَ مَهْدَتْ لَهُ تَمْهِيداً﴾ ◦ ثُمَّ يَطْمَعُ أَنْ أَزِيدَ ◦ كَلَّا إِنَّهُ كَانَ لِآيَاتِنَا عَنِيداً﴾ يقول

معانداً للائمة عليهم السلام يدعوا الى غير سبيلها و يصدّ الناس عنها و هي آيات الله.

شرف الدین نجفی گوید: در تفسیر اهل البيت عليهم السلام آمده و رجال حدیث آن را از از

عمرو بن شمر، از جابر [بن يزيد] روایت کرده‌اند از حضرت ابو جعفر باقر عليه السلام که درباره

قول خدای عزوجل: «آن کس که من او را تنها آفریدم کارش را به من واگذار.» فرمود:

منظور از این آیه، ابلیس لعین است که بدون پدر و مادر او را آفرید، و اینکه فرموده: «و

برای او ثروت و مال فراوان قرار دادم.» و پسران آماده به خدمت به او دادم و زمینه‌های

اقتدار و مکنّت برایش فراهم آوردم. آن‌گاه طمع دارد که [با وجود کفران نعمت‌ها و

جنایت‌هایش] باز هم بر او بیفزایم، هرگز که او با آیات ما عناد و دشمنی دارد

می‌فرماید: او معاند و مخالف امامان عليهم السلام است به غیر راه ایشان دعوت می‌کند و مردم

را از آن باز می‌دارد، و ایشان آیات الله هستند.

آیه دویت و چهل و یکم

● امام زمان (عج) عذاب پس از عذاب بر شیطان وارد خواهد کرد.

خداوند در سوره مدثر آیات ۱۷ الی ۲۰، می فرماید:

﴿سَأَرْهُقُهُ صَعُوداً ۝ إِنَّهُ فَكَّرَ وَقَدَّرَ ۝ فَقَتَلَ كَيْفَ قَدَّرَ ۝ ثُمَّ قَتَلَ كَيْفَ قَدَّرَ﴾

به زودی او را در آتش دوزخ بیافکنیم ۝ اوست که فکر و اندیشه بدی کرد ۝ پس

خداوند بکشد او را که چه فکر غلطی کرد. ۝ باز خدایش بکشد او را که چه فکر بدی

نمود.

* در کتاب تفسیر قمی مجلد ۲ صفحه ۳۹۵، آمده است:

علی بن ابراهیم: قال: حدثنا ابوالعباس قال: حدثنا يحيى بن زكريا، عن علي بن حسان،

عن عمه عبدالرحمن بن كثير، عن ابي عبدالله عليه السلام في قوله: ﴿ذَرْنِي وَ مَنْ خَلَقْتُ وَ حِيداً﴾

قال: الوحيد ولد الزنا و هو زفر، ﴿وَ جَعَلْتُ لَهُ مَالاً مَمْدُوداً﴾ قال: أجل ممدود [اجلاً الى

مدّة] الى مدّة ﴿وَ بَنِينَ شُهُوداً﴾ قال: اصحابه الذين شهدوا ان رسول الله صلى الله عليه و آله لا يورث،

﴿وَ مَهَّدْتُ لَهُ تَمْهِيداً﴾؛ ملكه الذي ملك ملكته مهّده له [ملكه الذي ملكه مهّده له] ﴿ثُمَّ

يَطْمَعُ أَنْ أَزِيدَ ۝ كَلَّا إِنَّهُ كَانَ لِآيَاتِنَا عَنِيداً﴾؛ قال: لولاية امير المؤمنين عليه السلام جاحداً معانداً

[عانداً] لرسول الله صلى الله عليه و آله [فيها]، ﴿سَأَرْهُقُهُ صَعُوداً ۝ إِنَّهُ فَكَّرَ وَقَدَّرَ﴾ [فكر] فيما امر به من

الولاية و قد رأى [وقدّر ان] مضى رسول الله [أن] لا سلّم لامير المؤمنين البيعة التي بايعه بها

على عهد رسول الله صلى الله عليه و آله ﴿فَقَتَلَ كَيْفَ قَدَّرَ ۝ ثُمَّ قَتَلَ كَيْفَ قَدَّرَ﴾ قال: عذاب بعد عذاب

يعذبه القائم عليه السلام، ﴿ثُمَّ نَظَرَ﴾ الى رسول الله [النبي] صلى الله عليه و آله و امير المؤمنين عليه السلام فلبس و بسر

مما امر به ﴿ثُمَّ أُدْبِرَ وَ اسْتَكْبَرَ ۝ فَقَالَ إِنَّ هَذَا إِلا سِحْرٌ يُؤْتَرُ﴾ قال: ان زفر قال ان

[زفران] النبي صلى الله عليه و آله سحر الناس لعلّي [بعلي] عليه السلام ﴿إِنَّ هَذَا إِلا قَوْلُ الْبَشَرِ﴾ اي ليس بوحي

من الله عزوجل: ﴿سَأُضِلِّيهِ سَقَرَ﴾ الى آخر الآية فيه نزلت .

علی بن ابراهیم: گوید: ابوالعباس حدیثمان داد، وی گفت: یحیی بن زکریا حدیثمان

داد، از علی بن حسان از عمویش عبدالرحمن بن کثیر، از حضرت ابی عبدالله صادق علیه السلام راجع به قول خداوند: امر واگذار با کسی که او را تنها و وحید آفریدم. فرمود: وحید (در اینجا) زنازاده است و او «زفر» می باشد، و برایش مالی فراوان و دراز قرار دادم. فرمود: (یعنی) اجل ممدود و دراز تا مدتی و پسران آماده به خدمت فرمود: همکاران و رفقای او که گواهی دادند به اینکه رسول خدا صلی الله علیه و آله ارث بر جای گذاشته [و زمینه های قدرت و حکومت را برایش فراهم آوردیم] دوران زمامداری و ریاستش که جلویش را باز گذاردیم، سپس [با آن همه ظلم و جنایت] طمع دارد که [نعمت هایم را] بر او بیفزایم. هرگز که او با آیات ما عناد می ورزید فرمود: ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام را منکر بود، و در مورد آن با رسول خدا صلی الله علیه و آله عناد ورزید، به زودی او را به آتش دوزخ در افکنم. او با خود اندیشید و نقشه ای طرح کرد در مورد ولایت که به آن مأمور شده بود فکر کرد و همین نقشه کشید که چون رسول خدا از دنیا رحلت کرد نسبت به بیعتی که با امیرالمؤمنین علیه السلام در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله انجام داده بود وفادار نماند و کار خلافت را تسلیم آن حضرت ننماید، پس او کشته باد که چه فکر غلطی کرد باز هم کشته باد که چه اندیشه نادرستی کرد؛ فرمود: عذابی پس از عذابی دیگر که حضرت قائم علیه السلام نسبت به او خواهد کرد، سپس نگرست به رسول خدا (پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله) و امیرالمؤمنین علیه السلام پس روی ترش کرد و چهره در هم کشید از جهت دستوری که به او داده شده بود سپس روی بر تافت و کبر ورزید. آن گاه گفت: این جر سحر و جادوی خیره کننده هیچ نیست. فرمود: (یعنی) زفر گفت: پیغمبر صلی الله علیه و آله مردم را برای [پیروی] علی علیه السلام سحر کرده است. [این جز قول و گفتار بشر نیست] یعنی [او گفت] تا این وحی از سوی خدای عزوجل نیست «او را به آتش سقر در خواهم افکنم.» درباره او نازل شد.

آیه دوست و چهل و دوم

● قیام قائم آل محمد علیهم السلام بر ایمان مؤمنین می افزاید و لریزه بر اندام کفار می اندازد.

خداوند در سوره مدثر آیه ۳۱، می فرماید:

﴿وَمَا جَعَلْنَا أَصْحَابَ النَّارِ إِلَّا مَلَائِكَةً وَ مَا جَعَلْنَا عِدَّتَهُمْ إِلَّا فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا لِيَسْتَيَقِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَ يَزِدَادَ الَّذِينَ آمَنُوا إِيمَانًا وَ لَا يَزْتَابَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَ الْمُؤْمِنُونَ وَ لِيَقُولَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَ الْكَافِرُونَ مَاذَا أَرَادَ اللَّهُ بِهَذَا مَثَلًا كَذَلِكَ يُضِلُّ اللَّهُ مَنْ يَشَاءُ وَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَ مَا يَعْلَمُ جُنُودَ رَبِّكَ إِلَّا هُوَ وَ مَا هِيَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْبَشَرِ﴾

و ما خازن های دوزخ را جز فرشتگانی (مخصوص برای عذاب) و شماره آنان را جز برای آزمایش و محنت کافران قرار ندادیم. تا آنکه اهل کتاب یقین بدانند، و ایمان کسانی که ایمان دارند فزونی یابد و در دل اهل کتاب تردیدی واقع گردد، و تا آنان که در دلهایشان مرضی هست و کافران بگویند، خداوند منظورش از این مثل چه بوده، این چنین خداوند هر که را بخواهد به حالت گمراهی وا گذارد و هر که را مشیتش تعلق گیرد رهبری و هدایت فرماید و سپاهیان پروردگارت را جز خودش کسی نمی داند و این آیات جز پند و تذکری برای بشر نیست.

(۱) در کتاب تأویل الآیات الظاهره صفحه ۷۳۵، آمده است:

شرف الدین النجفی: فی الحدیث السابق عن عمرو بن شمر، عن جابر، عن ابی جعفر علیه السلام قال قوله تعالى: ﴿وَمَا جَعَلْنَا أَصْحَابَ النَّارِ إِلَّا مَلَائِكَةً﴾ قال: فالنار هو القائم علیه السلام الذی [قد] انا رضوته و خروجه لاهل المشرق و المغرب و الملائكة هم الذین یملكون علم آل محمد صلوات الله علیهم [أجمعین] و قوله: ﴿وَمَا جَعَلْنَا عِدَّتَهُمْ إِلَّا فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا﴾ قال علیه السلام یعنی المرجئة و قوله: ﴿لِيَسْتَيَقِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ﴾ هم الشيعة و هم اهل الكتاب و هم

الذین او تو الکتاب و الحکم و النبوة.

و قوله [تعالی]: وَ يَزِدَادَ الَّذِينَ آمَنُوا إِيمَانًا وَ لَا يَزْتَابُ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ ۙ اى لا يشك الشيعة فى شىء من امر القائم عليه السلام، و قوله: ﴿وَلَيَقُولَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ﴾ يعنى بذلك الشيعة و ضعفاؤها [ضعفاء الشيعة] «وَالْكَافِرُونَ مَاذَا أَرَادَ اللَّهُ بِهَذَا مَثَلًا» فقال الله عز و جل لهم: ﴿كَذَلِكَ يُضِلُّ اللَّهُ مَنْ يَشَاءُ وَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ﴾، فالمؤمن يسلم و الكافر يشك. و قوله: ﴿وَمَا يَعْلَمُ جُنُودَ رَبِّكَ إِلَّا هُوَ﴾ فجنود ربك هم الشيعة و هم شهداء الله [الشهداء لله] فى الارض، و قوله: ﴿وَمَا هِيَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْبَشَرِ﴾ لمن شاء منكم ان يتقدم او يتأخر [قال]: يعنى اليوم قبل خروج القائم عليه السلام من شاء قبل الحق و تقدم اليه، و من شاء تأخر عنه [و قوله]: «كُلَّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِينًا إِلَّا أَصْحَابَ الْيَمِينِ»، قال: هم اطفال المؤمنين: قال الله تبارك و تعالى: ﴿وَ اتَّبَعْتَهُمْ ذُرِّيَّتَهُمْ بِإِيمَانٍ أَلْحَقْنَا بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ﴾؛ قال: انهم [آمنوا] بالميثاق، و قوله: ﴿وَ كُنَّا نُكَذِّبُ بِيَوْمِ الدِّينِ﴾، قال عليه السلام: بيوم (الدين) خروج القائم عليه السلام و قوله: ﴿فَمَا لَهُمْ عَنِ التَّذْكَرَةِ مُعْرِضِينَ﴾ قال: يعنى بالتذكرة ولاية امير المؤمنين عليه الصلاة و السلام، و [قوله]: ﴿كَأَنَّهُمْ حُمُرٌ مُسْتَنْفِرَةٌ ۖ فَرَّتْ مِنْ قَسْوَرَةٍ﴾؛ قال: كأنهم حمر و حش فرت من الاسد حين رآته، و كذلك المرجئة اذا سمعت بفضل آل محمد عليهم السلام نفرت عن الحق، ثم قال الله تعالى: ﴿بَلْ يُرِيدُ كُلُّ امْرِئٍ مِنْهُمْ أَنْ يُؤْتَى صُحُفًا مُنشَرَةً﴾؛ قال: يريد كل رجل من المخالفين [ان] ينزل عليهم [عليه] كتاب من السماء، ثم قال الله تعالى: ﴿كَأَلَّا بَلْ لَا يَخَافُونَ الْآخِرَةَ﴾؛ قال: هى دولة القائم عليه السلام.

ثم قال تعالى بعد ان عرفهم التذكرة [انها] هى الولاية: ﴿كَأَلَّا إِنَّهُ تَذْكِرَةٌ ۖ فَمَنْ شَاءَ ذَكَرْهُ ۖ وَ مَا يَذْكُرُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ هُوَ أَهْلُ التَّقْوَى وَ أَهْلُ الْمَغْفِرَةِ﴾ قال عليه السلام: فالتقوى فى هذا الموضع (هر) النبى صلى الله عليه وآله و المغفرة امير المؤمنين عليه السلام.

شرف الدين نجفى در حديثى كه سابقاً آورديم از عمرو بن شمر، از جابر، از امام ابو جعفر باقر عليه السلام آورده كه آن حضرت درباره قول خداى تعالى: «ما خازنان دوزخ را جز فرشتگانى (مخصوص براى عذاب) قرار نداديم» فرمود: پس آتش حضرت قائم عليه السلام است، آنكه پرتو نور و خروجش اهل مشرق و مغرب را روشن نمايد، و ملائكه همان هايند كه علم آل محمد عليهم السلام را در دست دارد، و اينكه فرموده: «شماره آنان را جز

برای آزمایش و محنت کافران قرار ندادیم» فرمود: یعنی، مرجئه و اینکه فرموده: تا آنکه اهل کتاب یقین بدانند، حضرت علیه السلام فرمود: آنان شیعیان هستند و آن‌ها ایند که کتاب و حکم و نبوت به ایشان داده شد.

و فرموده خدای [تعالی]: و ایمان کسانی که ایمان دارند فزونی یابد و در دل اهل کتاب تردیدی واقع نگردد؛ یعنی، تا مبادا شیعیان در چیزی از امر حضرت قائم (عج) شک کنند، و اینکه فرموده: «و تا آنان که در دل‌هایشان مرضی هست بگویند»؛ منظور از آن شیعیان و ضعفای ایشان [ضعفای شیعه] است و [نیز] کافران [بگویند]: خداوند منظور از این مثل چه برده؟ پس خدای عزوجل به آنان فرمود: هم‌چنین خداوند هر که را خواهد به حالت گمراهی واگذارد و هر که را مشیتش تعلق گیرد رهبری و هدایت فرماید، پس مؤمن تسلیم می‌شود و کافر شک می‌کند.

و اینکه خداوند فرموده: «و سپاهیان پروردگارت را جز خودش کسی نمی‌داند.» سپاهیان پروردگارت همان شیعیان هستند، آنان گواهان خداوند [شاهدان برای خداوند] در زمین هستند، و اینکه فرموده: «و این آیات جز پند و تذکری برای بشر نیست تا هر که خواهد [در ایمان خود] پیشرفت کند یا عقب بماند» [حضرت فرمود: یعنی، امروز پیش از خروج حضرت قائم علیه السلام، هر که خواهد حق را بپذیرد و به سوی آن روی آورد و هر که خواهد از آن عقب بیفتد]. و اینکه فرموده: «هر کس در گرو عملی است که انجام داده مگر اصحاب یمین (سمت راست)» فرمود: آنان اطفال مؤمنین هستند، خدای تبارک و تعالی فرموده: «و فرزندانشان در ایمان به آن‌ها ملحق شدند» فرمود: آنان به پیمان [ایمان آوردند] و فرموده خداوند [و همانا ما روز دین [جزا] را تکذیب می‌کردیم] امام علیه السلام فرمود: [منظورشان] روز خروج حضرت قائم علیه السلام است. اینکه فرموده: «پس ایشان را چه می‌شود که از تذکر اعراض می‌کنند.» فرمود: منظور از «تذکر» ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام است، [و اینکه فرموده]: «انگار آن‌ها خران گریزانی هستند که از شیر فرار می‌کنند.» فرمود: گویی آنان خران وحشی هستند که وقتی شیر را ببینند از او بگریزند، و این‌طور هستند مرجئه که وقتی فضیلت آل محمد علیهم السلام را بشنوند از حق نفرت نمایند، سپس، خدای تعالی فرموده: بلکه هر کدام از آنان می‌خواهد

آیه دویت و چهل و چهارم

● ائمه طاهرین و امام زمان علیه السلام از شیعیان نشان شفاعت خواهند فرمود.

خداوند در سوره نباء آیه ۳۸، می فرماید:

﴿يَوْمَ يَقُومُ الرُّوحُ وَ الْمَلَائِكَةُ صَفًّا لَا يَتَكَلَّمُونَ إِلَّا مَنْ أذِنَ لَهُ الرَّحْمَنُ وَ
قَالَ صَوَابًا﴾

روزی که حضرت روح با فرشتگاه صف زده و به نظم برخیزند، هیچ کس سخنی نگوید
جز آن را که خدای مهربانش اجازه دهد و او را به صواب سخن گوید.

* در اصول کافی مجلد ۲ صفحه ۳۱۱ (کتاب الحجة حدیث ۹۱)، آمده است:

علی بن محمد، عن بعض أصحابنا، عن ابن محبوب، عن محمد بن الفضیل، عن ابی الحسن
الماضی علیه السلام ... قلت: یوم یقوم الرُّوح صفاً لا یتکلمون... الایة قال: نحن و الله المأذون لهم یوم
القیامة و القائلون صواباً. قلت: ما تقولون إذا تکلمتم قال: نمجد ربنا و نصلی و علی نبینا و
نشفع لشیعتنا، فلا یردنا ربنا.

علی بن محمد نقل می کند از ابن محبوب و ایشان روایت می کند از محمد بن
الفضیل و ایشان روایت می کند از حضرت ابوالحسن علیه السلام ... که به آن حضرت عرض
کردم منظور از آیه «روزی که حضرت روح با فرشتگان صف زده و به نظم برخیزند و
هیچ کس سخن نگوید جز آن را که خدای مهربانش اجازه دهد و او به صواب سخن
گوید.» حضرت فرمودند: به خدا قسم ما هستیم کسانی که از خداوند اجازه سخن گفتن
به صواب داریم. عرض کردم: در هنگام سخن گفتن چه خواهید فرمود؟ حضرت
فرمودند: حمد پروردگاران کنیم و بر پیامبران درود فرستیم و برای شیعیانمان
شفاعت نمائیم و خداوند نیز شفاعت ما را می پذیرد. پس، در روز قیامت هیچ کس
اجازه حرف زدن ندارد مگر اینکه خداوند مهربان اجازه فرماید. و این اجازه به امامان
شیعه داده می شود تا حمد خداوند را به جای آورند از شیعیان نشان شفاعت کنند و ما
امید داریم انشاء الله در روز قیامت امام زمان (عج) از ما شفاعت نمایند.

آیه دویست و چهل و پنجم

● امام زمان ستاره‌ای است که پنهان می‌شود سپس به اذن الله ظاهر می‌گردد.

خداوند در سوره تکویر آیات ۱۵ و ۱۶، می‌فرماید:

﴿فَلَا أُقْسِمُ بِالْخُنُوسِ ۝ الْجَوَارِ الْكُنُوسِ﴾

قسم به ستاره‌ای که دور شود و غایب گردد و سپس بگرددش درآید و ظاهر شود.

۱) خواجه کلان قندوزی حنفی در کتاب ینابیع المودة صفحه ۴۳۰ باب ۷۱،

آورده است:

فی قوله تعالى: ﴿فَلَا أُقْسِمُ بِالْخُنُوسِ ۝ الْجَوَارِ الْكُنُوسِ﴾ عن ام‌هانی^۱ قال سئلت هذه

الآية عن الباقر عليه السلام قال الخنس امام یخنس ای يرجع من الظهور الى الغيبة سنة ستین و ماتین

ثم بیده كالشهاب الثاقب.

حافظ حنفی می‌گوید: از ام‌هانی از امام محمد باقر عليه السلام در مورد قول خداوند ﴿فَلَا

أُقْسِمُ بِالْخُنُوسِ ۝ الْجَوَارِ الْكُنُوسِ﴾ سوال کردم حضرت فرمودند: «خنس امامی است

که پنهان شود؛ یعنی، در سال دویست و شصت از حالت ظهور به غیبت و پنهانی باز

گردد سپس مانند شهاب، درخشنده آشکار شود.»

لازم به ذکر است که سال ۲۶۰ (هق) سال شهادت حضرت عسکری عليه السلام و سال به

امامت رسیدن حضرت بقیه‌الله است و عده‌ای آن را آغاز غیبت صغری می‌دانند.

۲) در کتاب کافی مجلد ۲ «باب فی الغیبه» حدیث ۲۳ صفحه ۱۴۲ آورده است:

عن ام‌هانی؛ قالت: لَقِيتُ ابا جعفر محمد بن علی عليه السلام فسألته عن هذه الآية ﴿فَلَا أُقْسِمُ

بِالْخُنُوسِ ۝ الْجَوَارِ الْكُنُوسِ﴾؛ قال: الخنس امام یخنس فی زمانه عند انقطاع من علمه عند

۱. در کتاب ینابیع المودة آمده است: عن هانی. اما مدارک زیادی داریم که این حدیث از

ام‌هانی است نه از هانی بنابراین در این جا ما به جای عن هانی اسم حقیقی را که ام‌هانی است

آورده‌ایم.

الناس سنة ستین و مأتین ثم یبدو کاشهاب الواقه ظلمة اللیل فان ادركت ذلک وقرت عینک. ام هانی می گوید: امام محمد باقر علیه السلام را ملاقات نمودم و از ایشان راجع به آیه ﴿فَلَا أُقْسِمُ بِالْخُنُوسِ ۝ الْجَوَارِ الْكُنُوسِ﴾ سوال کردم و آن حضرت فرمودند: خنس امامی است که در زمان خود هنگامی که مردم از وجود او خبر ندارند پنهان می شود، در سال ۲۶۰ سپس، مانند شعله درخشان تار در شب تاریک ظاهر می شود. اگر آن زمان را درک کنی چشمت روشن شود.

(۳) در کتاب کافی مجلد ۲ «باب فی الغیبه» حدیث ۲۲ و در غیبت نعمانی صفحه ۱۵۰، باب العائیه، آمده است:

عن ام هانی قالت سألت ابا جعفر محمد بن علی علیه السلام عن قول الله تعالى: ﴿فَلَا أُقْسِمُ بِالْخُنُوسِ ۝ الْجَوَارِ الْكُنُوسِ﴾؛ قالت: فقال: امام یخنس سنة ستین و مأتین ثم یمظهر کالشهاب. یتوقه فی اللبلة الظلماء فان أدركت کانه قرّت عینک.

ام هانی گوید از حضرت اباجعفر محمد بن علی علیه السلام راجع به قول خداوند متعال سوال کردم که می فرمایند «قسم به ستارگان غروب کننده که ظاهر شوند» پرسیدم: آن حضرت فرمودند آن امامی است که در سال ۲۶۰ غایب شود سپس؛ مانند، شعله ای در شب تاریک فروزان شود اگر زمان او را درک کنی چشمت روشن می شود.

(۴) در کتاب غیبت نعمانی صفحه ۱۳۹ و در کتاب بحار الانوار مجلد ۱۳ صفحه ۳۴، آمده است:

عن ام هانی قالت: قلت لابی جعفر محمد بن علی الباقر علیه السلام ما بعضی قول الله عزوجل: ﴿فَلَا أُقْسِمُ بِالْخُنُوسِ ۝ الْجَوَارِ الْكُنُوسِ﴾ فقال یا ام هانی یخنس نفسه حتی ینقطع عن الناس علیه سنة ستین و مأتین ثم یبدو کاشهاب الواقه فی اللیلة الظلماء فان ادركت ذلک الزمان قرّت عینک.

ام هانی می گوید: به حضرت باقر علیه السلام عرض کردم معنی آیه: ﴿فَلَا أُقْسِمُ بِالْخُنُوسِ ۝ الْجَوَارِ الْكُنُوسِ﴾ چیست؟ آن حضرت فرمودند: امامی است که پنهان می کند تا علم به او از خلق منقطع شود [مردم از راه عادی آگاهی بر احوالات و افعال او نداشته باشند] و

در سال ۲۶۰ غایب می‌گردد و آن‌گاه مانند شعله‌ای در شب تاریک آشکار می‌گردد و اگر در آن زمان او را درک کنی چشمت روشن می‌گردد.

(۵) در کتاب موائب الامر فصل ۲ باب ۲۷ صفحه ۲۵۶، آمده است:

عن ام هانی الثقفه قال: عذرت علی سیدی محمد بن علی الباقر علیه السلام فقلت یا سیدی آیه من کتاب الله عرضت بقلبی قد اقیصتنی واسهرت عینی قالی سلی یا ام هانی قلت یا سیدی قول الله عزوجل: ﴿فَلَا أُقْسِمُ بِالْخُنَّسِ ۝ الْجَوَارِ الْكُنَّسِ﴾؛ قال نعم المسأله سألتی یا ام هانی هذا مولود فی آخر الزمان و هو المهدی من هذه العترة یكون به حیره و غیبة تضیل فیها قوم و یهتدی فیها قوم فیاطوبی لک ان ادركته و یا طوبی لمن أدركه.

ام‌هانی می‌گوید: بامدادان خدمت آقایم محمد بن علی باقر علیه السلام رسیدم و عرض کردم ای آقای من، یک آیه از کتاب خدای عزوجل به دلم عرضه شده است و من را پریشان دل ساخته و چشمم را بی‌خواب کرده. فرمود: ای ام‌هانی، سوال کن. پس من عرض کردم ای آقای من، خدای عزوجل گفته ﴿فَلَا أُقْسِمُ بِالْخُنَّسِ ۝ الْجَوَارِ الْكُنَّسِ﴾ فرمود: ای ام‌هانی، چه مسئله نیکویی سوال کردی، این مولودی است که در آخر الزمان متولد شود اوست مهدی از این خاندان (آل محمد صلی الله علیه و آله) برای او یک حیرت و غیبتی باشد که مردمی در آن گمراه شوند و مردمی هدایت یابند خوشا بر تو اگر او را دریابی و خوشا به کسی که او را دریابد.

(۶) عالم جلیل القدر و مفسر بزرگ حاج سید عبدالحسین طیب در تفسیر اطیب البیان مجلد ۱۴ در ذیل آیه فوق، می‌فرمایند:

در اخباری که کلینی در کافی و نعمانی به اسناد مختلف از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده‌اند که تفسیر فرموده به وجود بقیه الله الاعظم علیه السلام که مخصوص حضرت است و وقت آن را هم تعیین فرمود در سنه دوست و شصت هجری غیبت می‌فرمایند و مستور می‌شوند سپس، مثل شهاب قیس ظاهر می‌گردد. می‌فرماید به راوی که: اگر درک کردی زمان او را چشمت روشن می‌شود. اشاره به اینکه هر که درک کند زمان ظهور را چشمش روشن می‌گردد.

(۷) در کتاب کافی مجلد ۲ باب فی الغیبة حدیث ۸ صفحه ۱۳۷، آمده است:
 عن ابی جعفر علیه السلام قال: انما نحن کنجوم السماء كلما غاب نجم طلع نجم حتی اذا ابشرتم
 باصابعکم و ماسلتم باعناقکم غیب الله عنکم نجمکم فاستوت بنوع عبدالمطلب فلم یعرف ای
 من امی فاذا طلع نجمکم فاحمد ربکم.

یعنی معروف بن خربوز می گوید امام باقر علیه السلام فرمودند ما ائمه مانند اختران و
 ستارگان آسمانیم که هرگاه اختری غروب کند، اختر دیگری طالع بشود یا زمانی که با
 انگشت اشاره کنید و گردن بسویش کج کنید خداوند ستاره اش را از شما پنهان کند و
 فرزندان عبدالمطلب مساوی شوند و امام شناخته نشود از غیر امام. پس، چون ستاره
 اش طالع شود و (مهدی موعود ظاهر گردد) پروردگارتان را سپاس می گوید.

(۸) در کتاب منتخب الاثر صفحه ۱۰۰، آمده است:

ثقة الاسلام ابوالقاسم خراز رازی یکی از شاگردان شیخ صدوق در کتاب نفیس
 «کفایت الاثر» از سلمان فارسی نقل می کند که: روزی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله خطبه ای نقل
 می فرمایند و در ضمن خطبه به مردم از رحلت خود صحبت می کردند و مردم را نسبت
 به عترت خودشان آگاه می کردند و سپس رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرمایند:

معاشر الناس من افتقد الشمس فليتمسك بالقمر و من افتقد القمر فليتمسك بالفرقدين
 فليتمسك بالنجوم الزاهرة بعدی.

یعنی ای مردم هرکس خورشید را از دست داد پس به ماه مستمسک می شود هرکس
 ماه را از دست بدهد به فرقدین (دو ستاره نورانی نزدیک قطب شمال) مستمسک
 می شود و هرکس فرقدین یا آن دو ستاره روشن را از دست داد پس به ستارگان نورانی
 دیگر مستمسک می شود.

سلمان گوید: پس، از این خطبه همراه پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به منزل آن حضرت رفتم و از
 وی در مورد این مطالب توضیح بیشتری خواستم آن حضرت فرمودند:

أما الشمس فانا و أما القمر فعلى... و أما الفرقدان فالحسن و الحسين و أما النجوم الزاهرة
 فالائمة التسعة من صلب الحسين و التاسع مهديم، انهم هم اوصياء و الخلفاء بعدی ائمة أبرار

عدد اسباط یعقوب و حواری عیسی قلت قسمتہم یا رسول اللہ ﷺ قال اولہم و سیدہم علی بن ابی طالب و سبطای بعدہما زین علی بن الحسین ﷺ و بعدہ محمد بن علی باقر علم النبیین والصادق جعفر بن محمد و ابنہ الکاظم سمی موسی بن عمران و الذی یقتل بارض خراسان علی ثم ابنہ محمد و الصادقان علی و الحسن و الحجۃ القائم المنتظر فی غیبۃ فانہم عترتی من امی و لحمی علمہم علمی و حکمہم حکمی من اذانی فیہم فلا انا لہ الله تعالی شفاعتی.

اما منظور و مقصود از خورشید من ہستم و منظور از ماہ علی بن ابی طالب ﷺ است و مراد از فرقدین حسن و حسین ﷺ ہستند و ستارگان نورانی ائمہ نہ گانہ ای ہستند کہ از پشت حسین می باشند و نہمین آنہا مہدی آنہاست سپس فرزند ایشان اوصیاء و جانشینان بعد از من و پیشوایان نیکوکارانند تعداد آنہا برابر فرزندان یعقوب (یعقوب دوازده پسر داشت) و حواریون مسیح است (مسیح دوازده حواری داشت) در اینجا سلمان از نام آنان سوال می کند پیامبر خدا ﷺ می فرماید:

اول آنہا علی بن ابی طالب ﷺ و دوم و سوم آنہا حسن و حسین ﷺ ہستند چہارمشان زین العابدین علی بن الحسین ﷺ می باشد و پنجمشان محمد بن علی باقر علم نبیین ﷺ می باشد و ششم آنہا جعفر صادق ﷺ و ہفتم آنہا موسی بن جعفر ﷺ و ہشتمشان علی بن موسی الرضا ﷺ است کہ در سرزمین خراسان بہ قتل خواہد رسید و نہمشان محمد بن علی ﷺ و دہم آنہا علی بن محمد ﷺ و یازدہمینشان امام حسن عسکری ﷺ است و دوازدهمین ستارہ حضرت حجت القائم ﷺ کہ در ایام غیبتش چشم بہ راہش خواہند بود ایشان عترت من و از گوشت و خون من ہستند. علم آنہا علم من و حکم آنہا حکم من است ہر کس ایشان را بیازارد شفاعت من بہ او نخواہد رسید.

آیه دویت و چهل و ششم

● مشرکین زمان قائم آل محمد همان بهانه‌هایی را می‌آورند که مشرکین زمان رسول خدا ﷺ برای آن حضرت می‌آوردند.

خداوند در سوره المطففین آیه ۱۳، می‌فرماید:

﴿إِذَا تُلِيٰ عَلَيْهِ آيَاتُنَا قَالَ أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ﴾

هرگاه آیات ما را بر او بخوانند گوید: (این‌ها) افسانه‌های پیشینیان است.

* در کتاب تأویل الایات الظاهره صفحه ۱۷۲، آمده است:

محمد بن العباس: عن احمد بن ابراهيم بن عباد باسناده الى عبدالله بن بكير يرفعه الى

ابي عبدالله عليه السلام قال في قوله عز وجل:

﴿إِذَا تُلِيٰ عَلَيْهِ آيَاتُنَا قَالَ أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ﴾؛ قال: يعني يكذب بالقائم عليه السلام اذ يقول

له: لسنا نعرفك و لست من ولد فاطمة عليها السلام كما قال المشركون محمد صلى الله عليه وآله.

محمد بن عباس از احمد بن ابراهيم بن عباد روايت کرده به سند خود تا عبدالله بن

بکیر بطور مرفوع از حضرت ابی‌عبدالله امام صادق عليه السلام آورده که درباره فرموده خدای

عزوجل: «هرگاه آیات ما بر او خوانده شود گوید؛ افسانه‌های پیشینیان است» فرمود:

یعنی، او را از جهت [ایمان به] حضرت قائم عليه السلام دروغگو شمارند که به آن حضرت

گویند: تو را نمی‌شناسیم و تو از فرزندان فاطمه عليها السلام نیستی، همان‌طور که مشرکین به

حضرت محمد صلى الله عليه وآله چنین گفتند.

آیه دوستان و چهل و هفتم

● خداوند سیر سنت‌های انبیاء گذشته را درباره قائم آل محمد (عج) اجرا می‌کند.

خداوند در سوره انشقاق آیه ۱۹، می‌فرماید:

﴿لَتَرْكَبُنَّ طَبَقًا عَنْ طَبَقٍ﴾

البته که شما احوال گوناگون و حوادث مختلفی خواهید یافت.

* در کتاب کمال الدین و تمام النعمه باب ۴۴ حدیث ۶ صفحه ۴۸۰ (و مجلد ۲ کمال الدین صفحه ۱۵۷ ترجمه)، آمده است:

حدثنا المظفر بن جعفر بن المظفر العلوی رضی الله عنه قال حدثنا جعفر بن محمد بن مسعود و حیدر بن محمد السمرقندی جميعاً قال حدثنا محمد بن مسعود قال حدثنا جبرئیل بن أحمد عن موسی بن جعفر البغدادی قال حدثنا الحسن بن محمد الصیرفی عن حنان بن سریر عن ابيه عن ابي عبد الله عليه السلام قال: ان القائم منا غيبة يطول امدها فقلت له ولم ذلك يا بن رسول الله؟ قال: لان الله عزوجل ابي الا ان يجرى فيه سير (سنن) الانبياء عليهم السلام في غيبتهم و انه لا بد له يا سدير من انتهاء مدة غيبتهم قال الله تعالى ﴿لَتَرْكَبُنَّ طَبَقًا عَنْ طَبَقٍ﴾ اي سنن (سیر) من كان قبلکم.

سدير از امام ششم روايت کرده است که فرمود قائم ما غیبتی دارد که طولانی است به او عرض کردم یا بن رسول الله برای چه؟ فرمودند: برای آنکه خدای عزوجل ابا کرده است جز اینکه روشی در غیبت پیغمبران را درباره او مجری دارد و ناچار است ای سدير، که مدت غیبت همه پیغمبران را بسر برد، خدای تعالی فرموده است (در سوره انشقاق آیه ۱۹) هر آینه طبقه طبقه بر یکدیگر سوار شوید؛ یعنی، دوستی کسانی که پیش از شما بوده‌اند.

آیه دویست و چهل و هشتم

● امامان بُرج‌های آسمان هستند و امام زمان (عج) آخرین این بُرج‌هاست.

خداوند در سوره بروج آیه ۱، می‌فرماید:

﴿وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْبُرُوجِ﴾

سوگند به آسمان که دارای برج‌ها است.

(۱) حافظ قندوزی حنفی در ینابیع المودة صفحه ۴۳۰، آورده است:

قوله تعالى ﴿وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْبُرُوجِ﴾ عن الاصبغ بن نباته قال سمعت ابن عباس رضی اللہ عنہما يقول قال رسول الله صلی اللہ علیہ وسلم انا السماء واما البروج فالائمة من اهل بيتي و عترتي اولهم علي و آخرهم المهدي و هم اثنا عشر.

حافظ سلیمان بن ابراهیم قندوزی حنفی می‌گوید: از اصبع بن نباته از ابن عباس در مورد قول خداوند متعالی ﴿وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْبُرُوجِ﴾ روایت شده است که آن حضرت فرمودند: رسول خدا صلی اللہ علیہ وسلم فرمودند: آسمان منم، و اما برج‌ها پس امامان از اهل بیت و عترت من می‌باشند، اولین آن‌ها امیرالمؤمنین علی رضی اللہ عنہ است و آخرین شان مهدی است و آنان دوازده نفرند.

(۲) در کتاب اختصاص صفحه ۲۳، آمده است:

المفيد: فی کتاب الاختصاص: عن محمد بن علی بن بابويه قال: حدثنا محمد بن موسى بن المتوكل، عن محمد بن ابي عبدالله الكوفي، عن موسى بن عمران، عن عمه الحسين بن يزيد، عن علي بن سالم عن ابيه، عن سالم بن دينار، عن سعد بن ظريف، عن الاصبغ بن نباته قال: سمعت ابن عباس يقول:

قال رسول الله صلی اللہ علیہ وسلم: ذكر الله عزوجل عبادة و ذكرى عبادة، و ذكر علي عبادة، و ذكر الائمة من ولده عبادة، والذي بعثني بالنبوة و جعلني خيرا البرية، ان وصي لافضل الاوصياء و انه لحجة الله على عباده و خليفته على خلقه، و من ولده الائمة الهداة بعدى، بهم يحبس الله العذاب عن اهل الارض، و بهم يمسك السماء ان تقع على الارض الا باذنه، و بهم يمسك

الجبال ان تمید بهم، و بهم یسقی خلقه الغیب، و بهم یشرف النبات، اولئک اولیاء الله حقاً و خلفاؤه [خلفائی] صدقاً، عدّتهم عدة الشهور و هی اثنا عشر شهراً، و عدّتهم عدة نقباء موسی بن عمران، ثمّ تلا علیه الصّلاة والسلام هذه الآية: ﴿وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْبُرُوجِ﴾ ثمّ قال: اتقدر یا ابن عباس انّ الله یقسم بالسماء ذات البروج و ینعی به السماء و بروجها؟ قلت: یا رسول الله فماذاک؟ قال: اما السماء فانا و اما البروج فالائمة بعدی اولهم علیّ و آخرهم المهدي [صلوات الله علیهم اجمعین].

شیخ مفید: در کتاب اختصاص از محمد بن علی بن بابویه آورده که گوید: محمد بن موسی بن المتوکل از محمد بن ابی عبدالله کوفی، از موسی بن عمران، از عمرو بن حسین بن یزید، از علی بن سالم، از پدرش، از سالم بی دینار، از سعد بن ظریف، از اصبع بن نباته حدیثمان داد که گفت: شنیدم ابن عباس می گفت: رسول خدا ﷺ فرمود: ذکر خداوند عزوجل عبادت است، و یاد من عبادت است، یاد علی عبادت است، یاد امامان از فرزندان ایشان عبادت است، سوگند به آنکه مرا به نبوت برانگیخت و بهترین مخلوقات قرارم داد اینکه وصی من برترین اوصیاست و همانا او حجت خداوند بر بندگانش و خلیفه او بر خلقش می باشد، و از فرزندان او امامان هدایتگر بعد از من هستند به آنان خداوند عذاب را از اهل زمین حبس می کند، و به سبب آنان آسمان را نگاه می دارد که جز به اذن او بر زمین افتد، و به [میمنت وجود] آنان کوهها را نگه می دارد که به حرکت در آیند، و به [واسطه ی] ایشان بر آفریدگان خویش باران می بارد، و به [خاطر] آنان گیاه می رویاند، ایشانند به حق اولیای خداوند و خلفای راستین من، شماره های ایشان همان تعداد ماه هاست، که دوازده ماه است، و به شماره نقبای موسی بن عمران، سپس این آیه را تلاوت فرمود: «سوگند به آسمان که دارای برجها و کاخهای با عظمت است.» آن گاه فرمود: ای ابن عباس، آیا چنین می پنداری که خداوند به آسمان دارای برجها سوگند یاد کند و منظورش همان آسمان و برجهای آن باشد، عرض کردم: یا رسول الله پس (معنی آن) چیست؟ فرمود: اما آسمان من هستم، و اما برجها؛ پس امامان بعد از من می باشند و اولیانشان علی و آخرینشان مهدی است که صلوات خداوند بر همه آنان باد.

آیه دوستان و چهل و نهم

● کافران در مقابل رسول خدا و امیرالمؤمنین و فاطمه زهرا علیها السلام مکر و حيله (کید) ورزیدند و خداوند متعال به وسیله قائم آل محمد (عج) مکر و حيله (کید) خواهد کرد.

خداوند در سوره طارق آیات ۱۵ الی ۱۷، می فرماید:

﴿إِنَّهُمْ يَكِيدُونَ كَيْدًا ۝ وَأَكِيدُ كَيْدًا ۝ فَمَهْلِ الْكَافِرِينَ أَمْهَلُهُمْ رُوَيْدًا﴾

البته آنان [دشمنان اسلام] هر چه بتوانند کید و مکر می کنند ○ و من [خدای متعال] هم [در مقابل آنان] کید خواهم کرد ○ پس تو [ای رسول ما] مهلت ده کافران را مهلت کمی.

* در کتاب تفسیر قمی مجلد ۲ صفحه ۴۱۶، آمده است:

علی بن ابراهیم: قال: حدثنا جعفر بن احمد، عن عبد [عبید] الله بن موسى: عن الحسن بن علی، [عن] ابن ابی حمزه [عن ابیه]، عن ابی بصیر فی قوله: «فما له من قوّة ولا ناصر» قال علیه السلام: ما [له] قوّة یقوی بها علی خالقه و لا ناصر من الله ینصره ان اراد به سوءاً. قلت: ﴿إِنَّهُمْ يَكِيدُونَ كَيْدًا ۝ وَأَكِيدُ كَيْدًا﴾ قال: کادوا رسول الله صلی الله علیه و آله و کادوا علیاً علیه السلام و کادوا فاطمه علیها السلام، فقال [الله] یا محمد ﴿إِنَّهُمْ يَكِيدُونَ كَيْدًا ۝ وَأَكِيدُ كَيْدًا ۝ فَمَهْلِ الْكَافِرِينَ أَمْهَلُهُمْ رُوَيْدًا﴾ یا محمد ﴿أَمْهَلُهُمْ رُوَيْدًا﴾ لوقت بعث القائم علیه السلام فینتقم له من الجبابرة [الجبارین] و الطّواغیت من قریش و بنی امیّة و سائر الناس.

علی بن ابراهیم گوید: حدیثمان داد جعفر بن احمد، از عبد [عبید] الله بن موسى، از حسن بن علی، [از] ابن ابی حمزه [از پدرش] از ابوبصیر درباره فرموده خداوند پس او را [در آن روز قوت و توانی در خود و یاوری بر جان نیست آن حضرت علیه السلام فرمود: برای او قوت و نیرویی نیست که علیه خالقش به وسیله آن نیرو گیرد، هیچ یاوری از سوی خداوند نمی باشد تا اگر خداوند اراده فرماید او را عذاب کند یا یارش نماید. عرضه

داشتم: «آنان هر چه بتوانند کید و مکر کنند (و من هم کید خواهم کرد)» فرمود: با رسول خدا ﷺ کید نمودند، و با حضرت علی علیه السلام کید کردند، و نسبت به فاطمه علیها السلام با کید و مکر رفتار نمودند، پس [خداوند] فرمود: ای محمد، آنان هر چه بتوانند کید و مکر می کنند، و من هم در مقابل آنان کید خواهم کرد، پس تو (ای محمد) کافران را مهلت ده، مهلت کمی؛ تا وقت برانگیختن قائم علیه السلام که برای او از جباران و طاغوت های قریش و بنی امیه و سایر مردم انتقام خواهد گرفت.

آیه دویت و پنجاهم

● در قیام قائم موعود علیه السلام، چهره‌های ستمگران ترسناک و ذلیل می‌گردد.

خداوند در سوره غاشیه آیات ۱ الی ۴، می‌فرماید:

﴿هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ الْغَاشِيَةِ ۝ وَجُوهُ يَوْمَئِذٍ خَاشِعَةٌ ۝ عَامِلَةٌ نَاصِبَةٌ ۝ تَصَلِّي نَارًا حَامِيَةً﴾

آیا حدیث آن [عقوبت] فراگیر به تو رسیده چهره‌هایی که در آن روز ترسناک و ذلیل است همه کارشان رنج و مشقت است و به آتش سوزاننده می‌رسند.

* در کتاب روضه کافی مجلد ۱ صفحه ۵۰ و ترجمه روضه کافی نوشته محمد بن

یعقوب کلینی مجلد ۱ صفحه ۷۲ حدیث ۱۳، آمده است:

سهل، عن محمد، عن ابيه عن ابي عبد الله عليه السلام قال: قلت: ﴿هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ الْغَاشِيَةِ﴾؟ قال: يغشاهم القائم بالسيف. قال: قلت: ﴿وَجُوهُ يَوْمَئِذٍ خَاشِعَةٌ﴾؟ قال: خاضعة لا تطيق الامتناع قال: قلت: عاملة؟ قال: عملت بغير ما أنزل الله. قال: قلت: ناصية؟ قال: نصبت غير ولاة الامر. قال: قلت: ﴿تَصَلِّي نَارًا حَامِيَةً﴾؟ قال: تصلي نارالحرب في الدنيا على عهد القائم وفي الآخرة نار جهنم.

محمد از پدرش روایت کرده که گفت: از امام صادق عليه السلام راجع به گفتار خدای تعالی پرسیدم که می‌فرمایند: «آیا داستان حادثه فراگیرنده به تو رسیده.» (سوره غاشیه) فرمود: حضرت قائم عليه السلام که آن‌ها را با شمشیر فراگیرد، عرض کردم، «چهره‌هایی در آن روز ترسانند» (یعنی چه؟) فرمود: فروتن و زیون هستند که توانایی جلوگیری ندارند، عرض کردم: عامله عمل کننده (یعنی چه؟) فرمود: یعنی، به غیر آنچه خدا نازل فرموده عمل کرده‌اند، عرض کردم: ناصبه نصب کننده (یعنی چه؟) فرمود: یعنی، غیر زمامداران به حق را منصوب کرده‌اند. عرض کردم: «داخل آتش سوزان شوند» (معنایش چیست؟) فرمود: داخل آتش جنگ دنیا در زمان حضرت قائم عليه السلام گردند و در آخرت در آتش دوزخ بسوزند.

آیه دویست و پنجاه و یکم

● در ظهور مهدی موعود شب تار زمان به روز روشن ظهور مبدل می شود.

خداوند در سوره فجر آیات ۱ الی ۴، می فرماید:

﴿وَالْفَجْرِ ۝ وَ لَيَالٍ عَشْرٍ ۝ وَ الشَّفْعِ وَ الْوَتْرِ ۝ وَ اللَّيْلِ إِذَا يَسْرِ﴾

سوگند به فجر (سپیده دم) که جهان روی روشنایی می بیند و شب های دهگانه و سوگند

به حق جفت و بحق فرد قسم به شب آن گاه که به روز روشنی مبدل شود.

* در کتاب تأویل الآیات الظاهره صفحه ۷۹۲ و تفسیر برهان مجلد ۴ صفحه

۴۵۷، آمده است:

شرف الدین النجفی: قال: روی بالاسناد مرفوعاً عن عمرو بن شمر، عن جابر بن یزید

الجعفی، عن ابی عبدالله علیه السلام قال: قوله عزوجل: ﴿وَالْفَجْرِ﴾ الفجر هو القائم علیه السلام، ﴿وَلَيَالٍ

عَشْرٍ﴾ الائمة علیهم السلام من الحسن الی الحسن، ﴿وَ الشَّفْعِ﴾ امیر المؤمنین و فاطمه علیهم السلام و

﴿وَ الْوَتْرِ﴾ هو الله وحده لا شریک له، ﴿وَ اللَّيْلِ إِذَا يَسْرِ﴾ هی دولة حبتز فهی تسری الی

دولة [قیام] القائم علیه السلام.

شرف الدین نجفی گوید: به طور مسند مرفوع از عمرو بن شمر از جابر بن یزید

جعفی، از حضرت ابی عبدالله امام صادق علیه السلام روایت کرده که آن جناب فرمودند:

فرموده خدای عزوجل: «و الفجر» فجر همان قائم علیه السلام است، «لیال عشر» امامان علیهم السلام از

حسن [مجتبی] تا حسن [عسکری] هستند، «والشفع» امیر المؤمنین و فاطمه علیهم السلام

می باشند، «والوتر» همان خداوند یکتا است که هیچ شریک ندارد، «واللیل اذا یسر»

منظور دولت حبتز است که سرایت می کند تا دولت [قیام] حضرت قائم علیه السلام منتهی

گردد.

آیه دویست و پنجاه و دوم

● قیام قائم آل محمد ﷺ مانند روز روشنی است که تاریکی و ظلمت را از بین می برد.

خداوند در سوره شمس آیات ۱ الی ۴، می فرماید:

﴿وَالشَّمْسِ وَضُحَاهَا ۝ وَالْقَمَرِ إِذَا تَلَّهَا ۝ وَالنَّهَارِ إِذَا جَلَّاهَا ۝ وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَاهَا﴾

سوگند به خورشید و هنگام اوج درخشندگیش، و سوگند به ماه که در پی آن تابان است و سوگند به روز که تاریکی را می زداید و جهان را روشن می سازد و به شب گاهی که عالم را در پرده سیاهی برکشید.

(۱) در کتاب تأویل الآیات الظاهره صفحه ۸۰۵، آمده است:

محمد بن العباس، [فی المعنی] عن محمد بن القاسم، عن جعفر بن عبدالله، عن محمد بن عبدالله [الرحمن]، عن محمد بن عبدالرحمن (الله) عن ابی جعفر القمی، عن محمد بن عمر، عن سلیمان الدیلمی، عن ابی عبدالله علیه السلام قال: سألته عن قول الله عز وجل: ﴿وَالشَّمْسِ وَضُحَاهَا﴾ قال: الشمس رسول الله صلی الله علیه و آله اوضح للناس دینهم، قلت: ﴿وَالْقَمَرِ إِذَا تَلَّهَا﴾ قال: ذاك امیر المؤمنین علیه السلام تلا رسول الله صلی الله علیه و آله، قلت: ﴿وَالنَّهَارِ إِذَا جَلَّاهَا﴾ قال: ذاك الامام من ذریة فاطمة نسل رسول الله صلی الله علیه و آله، فیجلی ظلام الجور والظلم، فحکی الله سبحانه عنه فقال: ﴿وَالنَّهَارِ إِذَا جَلَّاهَا﴾ یعنی به القائم علیه السلام، قلت: ﴿وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَاهَا﴾ قال: ذاك ائمة الجور الذین استبدوا بالامور دون آل الرسول صلوات الله علیهم اجمعین و جلسوا مجلساً كان آل الرسول اولی به منهم، فعشوا دین الله بالجور والظلم، فحکی الله سبحانه فعلهم فقال: ﴿وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَاهَا﴾.

محمد بن العباس [در معنی آیات] از محمد بن القاسم، از جعفر بن عبدالله، از

محمد بن عبدالله، [الرحمن]، از محمد بن عبدالرحمن، [الله]، از ابو جعفر قمی، از محمد بن عمر، از سلیمان دیلمی، از جعفر ابو عبدالله امام صادق علیه السلام روایت آورده که گفت: از آن جناب راجع به فرمایش خدای عزوجل: «سوگند به خورشید و هنگام اوج درخشندگیش» پرسیدم، فرمود: خورشید، رسول خدا صلی الله علیه و آله می باشد، برای مردم دینشان را واضح و روشن ساخت، عرض کردم: «و سوگند به ماه که در پی آن تابان است.» فرمود: او امیرالمؤمنین است که در پی رسول خدا صلی الله علیه و آله است، گفتم: «و سوگند به روز که تاریکی را می زداید و جهان را روشن می سازد.» فرمود: آن امام از ذریه فاطمه نسل رسول الله صلی الله علیه و آله است که تاریکی جور و ظلم را می زداید، پس، خداوند سبحان از او حکایت آورده که فرمود: «و سوگند به روز که تاریکی را می زداید و جهان را روشن می سازد.» منظور از آن حضرت قائم علیه السلام می باشد. پرسیدم: «و سوگند به شب گاهی که عالم را در پرده سیاهی برکشد» فرمود: آن امامان جور و ستم هستند که به استبداد خود جدای از خاندان رسول صلی الله علیه و آله زمام امور را به دست گرفتند. و به مسندی تکیه زدند که آل رسول از آن ها نسبت به آن شایسته تر بودند، پس، دین خدای را با ظلم و ستم پوشاندند که خدای سبحان کار آنان را حکایت کرد و فرمود: «سوگند به شب گاهی که عالم را در پرده سیاهی برکشد.»

(۲) در کتاب تأویل الآیات الظاهره صفحه ۸۰۳، آمده است:

شرف الدین النجفی: قال: روی علی بن محمد، عن ابی جمیلة، عن الحلبي، و رواه [ایضاً] علی بن الحکم، عن ابان بن عثمان، عن الفضل بن العباس، عن ابی عبدالله علیه السلام انه قال: ﴿وَالشَّمْسِ وَ ضُحَاهَا﴾ الشمس امیرالمؤمنین علیه السلام و ضحاها قیام القائم علیه السلام لان الله سبحانه قال: ﴿و ان یحشر الناس ضحی﴾ ﴿وَالقَمَرِ اِذَا تَلَّاهَا﴾ الحسن و الحسین علیه السلام. ﴿وَالنَّهَارِ اِذَا جَلَّاهَا﴾ هو قیام القائم علیه السلام ﴿وَاللَّیْلِ اِذَا یَغْشَاهَا﴾ حبر و دولته [و] قد غشی علیه الحق و اما قوله: [و السماء و ما بناها] قال: هو محمد صلی الله علیه و آله هو السماء الذی

یسمو الیه الخلق فی العلم و قوله: ﴿وَالْأَرْضِ وَ مَا طَحَاهَا﴾ قال: الارض الشیعة، و ﴿وَنَفْسٍ وَ مَا سَوَّاهَا﴾ قال: هو المومن المستوی علی الخلق [المستور و هو علی الحق] و قوله: ﴿فَاللَّهُمَّهَا فُجُورَهَا وَ تَقْوَاهَا﴾ قال: عرفت [عرّفها] الحق من الباطل فذلک قوله ﴿وَنَفْسٍ وَ مَا سَوَّاهَا... قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا﴾ قال: قد افلحت نفس زکّاهَا الله، و قد خابت من دسّاهَا الله.

قوله: ﴿كَذَّبَتْ ثَمُودُ بِطَغْوَاهَا﴾ قال: ثمود رهط من الشیعة، فان الله سبحانه یقول: «و اما ثمود فهدیناهم، فاستحبّوا العمی علی الهدی فاخذتهم صاعقة العذاب الهون» فهو السیف اذا قام القائم عليه السلام و قوله: «فقال لهم رسول الله [«هو النبی»] ناقة الله و سقياها» قال: الناقة الامام الذی فهم عن الله [و فهم عن الله] و [سقياها] ای عنده مستقی العلم «فكذبوه فعقروها فدمدم عليهم ربهم بذنبهم فسواها» قال: فی الرجعة، [ولا یخاف عقباها] قال: لا یخاف من مثلها اذا رجع.

شرف الدین نجفی می گوید: علی بن محمد، از ابو جمیله روایت کرده، از حلبی و [نیز] این حدیث را علی بن الحکم روایت کرده، از ابان بن عثمان، از فضل بن عباس، از حضرت ابی عبدالله صادق عليه السلام که فرمود: سوگند به خورشید و هنگام اوج درخشندگی؛ شمس، امیر المؤمنین عليه السلام است و هنگام اوج درخشندگی قیام حضرت قائم عليه السلام است (زیرا که خدای سبحان فرموده: و اینکه مردم هنگام اوج درخشندگی خورشید جمع شوند) و سوگند به ماه که در پی آن تابان است. حسن و حسین عليهما السلام هستند. و سوگند به روز که تاریکی را می زداید؛ قیام حضرت قائم عليه السلام است و سوگند به شب گاهی که عالم را در پرده سیاهی برکشد؛ حبترو دولت اوست و این در حالی است که حق او را خواهد پوشاند، و اینکه فرموده: و سوگند به آسمان بلند و آنکه این کاخ رفیع را بنا نهاد. فرمود: او حضرت محمد صلی الله علیه و آله است، اوست آسمانی که خلائق در علم و دانش به سوی او بالا می روند، و اینکه فرموده؛ و سوگند به زمین و آنکه آن را

گستراند. فرمود: ارض، شیعه است و سوگند به نفس و آنکه او را مستقیم بیافرید. فرمود: او مؤمن است که آفرینش معتدلی دارد [که پنهان است و برحق] و اینکه فرموده: و بر او شر و خیرش را الهام نمود فرمود: حق را از باطل به او [آن نفس] شناسانید، و این است که فرموده: و سوگند به نفس و آنکه او را مستقیم بیافرید، به راستی هر که آن را پاک دارد رستگار است. فرمود: نفسی که خداوند آن را پاکیزه گرداند البته رستگار شده و هر که را به پلیدی انداخت زیانکار گشته است.

و اینکه فرموده: «قوم ثمود از روی سرکشی [حقایق وحی را] تکذیب کردند» فرمود: ثمود گروهی از شیعه است که خداوند سبحان فرماید: «و اما قوم ثمود را هدایت کردیم پس آنان کوری و گمراهی را بر هدایت برگزیدند پس صاعقه عذاب خواری آنان را گرفت» و این عقوبت شمشیر است هرگاه حضرت قائم عجل الله فرجه بپا خیزد؛ و اینکه فرموده: «پس، رسول خدا به آنان فرمود او پیغمبر اکرم است این ناقه خداوند است و آبشخور آن» فرمود: ناقه امام است که از سوی خداوند فهمانیده [و آبشخوران] یعنی: آبشخور علم نزد اوست پس او را تکذیب کردند و ناقه را پی نمودند که خداوند هم به کیفر گناهانشان هلاکشان ساخت فرمود: [این] در رجعت است. «از پایان کار بیم ندارد» فرمود: از مانند آن چنانچه بازگردد ترسی ندارد.

آیه دویت و پنجاه و سوم

● قیام قائم آل محمد (عج) جهان تاریک را روشن می‌سازد.

خداوند در سوره لیل آیات ۱ و ۲، می‌فرماید:

﴿وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَىٰ ۝ وَالنَّهَارِ إِذَا تَجَلَّىٰ﴾

سوگند به شب آن‌گاه که همه جا را در پرده سیاهی پوشاند و سوگند به روز هنگامی که جهان را روشن سازد.

(۱) در کتاب تفسیر قمی مجلد ۲ صفحه ۴۲۵، آمده است:

علی بن ابراهیم قال: اخبرنا احمد بن ادریس قال: حدثنا محمد بن عبد الجبار، عن ابن ابی عمر، عن حماد بن عثمان، عن محمد بن مسلم قال: سألت ابا جعفر عليه السلام عن قول الله عز وجل ﴿وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَىٰ﴾ قال: اللیل فی هذا الموضوع الثانی یغشی [فلان غشی] امیر المؤمنین عليه السلام فی دولته التي جرت له علیه، و امیر المؤمنین یصبر فی دولتهم حتی تنقضي، قال: ﴿وَالنَّهَارِ إِذَا تَجَلَّىٰ﴾ قال: النهار هو القائم عليه السلام من اهل البيت اذا قام غلبت دولته الباطل، والقران ضرب فيه الامثال للناس و خاطب [الله] نبیه [به] و نحن فلیس یعلمه غیرنا.

علی بن ابراهیم گوید: احمد بن ادریس خبرمان داد، وی گفت: محمد بن عبد الجبار حدیثمان داد، از ابن ابی عمر، از حماد بن عثمان، از محمد بن مسلم که گفت: از حضرت ابو جعفر باقر عليه السلام راجع به قول خدای عزوجل: «سوگند به شب آن‌گاه که همه جا را در پرده سیاه پوشاند». پرسیدم: فرمود: «لیل» شب، در اینجا دومی است که پرده سیاهش را در دولتش که برایش فراهم آمد بر امیر المؤمنین عليه السلام قرار داد، امیر المؤمنین در دولت آن‌ها صبر می‌کند تا وقتی که به پایان رسد، فرمود: «و سوگند به روز، هنگامی که جهان را روشن می‌سازد.» امام باقر عليه السلام فرمود: «النهار» روز، همان قائم عليه السلام از ما اهل البيت است که هرگاه بپاخیزد دولت او بر باطل غالب شود، و در قرآن مثل‌هایی برای مردم آورده شده و خداوند آن را به پیغمبرش و ما خطاب فرموده که جز ما کسی آن را نمی‌داند.

(۲) در کتاب تأویل الایات الظاهره صفحه ۸۰۷، آمده است:

شرف الدین النجفی: فی معنی السّورة قال: جاء مرفوعاً عن عمرو بن شمر، عن جابر بن یزید، عن ابی عبد الله علیه السلام فی قوله [قول الله تبارک و تعالی]: ﴿وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَى﴾ قال: دولة ابلیس (لعنة الله) الی یوم القیامة و هو یوم قیام القائم علیه السلام، ﴿وَالنَّهَارِ إِذَا تَجَلَّى﴾ و هو القائم علیه السلام: اذا قام، و قوله: ﴿فَأَمَّا مَنْ أُعْطِيَ وَ اتَّقَى﴾ اعطى نفسه الحق، و اتقى الباطل، ﴿فَسَنُيَسِّرُهُ لِلْيُسْرَى﴾ ای الجنة ﴿وَأَمَّا مَنْ بَخِلَ﴾ یعنی بنفسه علی الحق و استغنى بالباطل عن الحق، ﴿وَكَذَّبَ بِالْحُسْنَى﴾ بولاية علی بن ابی طالب و الائمة من بعده، ﴿فَسَنُيَسِّرُهُ لِلْعُسْرَى﴾ یعنی النار، و اما قوله: ﴿إِنَّ عَلَيْنَا لَلْهُدَى﴾، یعنی انّ علیاً هو الهدى، ﴿وَإِنَّ لَنَا لَلْآخِرَةَ [له الآخرة] وَالْأُولَى] فَانذَرْتُكُمْ نَارًا تَلَظَّى﴾ قال: [هو] القائم علیه السلام اذا قام بالغضب فيقتل من كل الف تسعمائة و تسعة و تسعين، ﴿لَا يَصْلَاهَا إِلَّا الْأَشْقَى﴾ قال: هو عدو آل محمد علیه السلام، [و سيجنبها الاتقى] قال: ذاك امير المؤمنين علیه السلام و شيعته.

شرف الدین نجفی در معنی این سوره گوید: به طور مرفوع از عمرو بن شمر، از جابر بن یزید، از حضرت ابی عبد الله صادق علیه السلام روایت آمده که درباره قول خدای تبارک و تعالی: «و سوگند به شب آن گاه که همه جا را در پرده سیاه بپوشاند.» فرمود: دولت ابلیس لعنت الله تا روز قیامت، و آن روز قیام حضرت قائم علیه السلام است. «و سوگند به روز هنگامی که جهان را روشن سازد.» و او قائم علیه السلام است آن گاه که بپاخیزد، و اینکه فرموده: «و اما کسی که عطا و بخشش کرد و تقوی پیشه ساخت» خودش را به حق سپرد و از باطل پرهیز کرد، «ما البته کار او را به آسانی خواهم رسانید.»؛ یعنی، به بهشت، «و اما آنکه بخل ورزید؛» یعنی، از تسلیم خودش به حق بخل نمود و به باطل از حق قناعت و اظهار بی نیازی کرد، و نیکی را تکذیب نمود؛ یعنی: ولایت علی بن ابی طالب و امامان بعد از او «زمینه رهسپار شدن به سختی را پیش رویش قرار دهیم.» یعنی: آتش دوزخ. و اما اینکه فرموده: «همانا هدایت برماست.» یعنی اینکه علی علیه السلام همان هدایت است «و همانا ملک آخرت و دنیا از آن ماست» «من شما را از آتش شعله ور تر رسانیدم.» فرمود: [او] حضرت قائم علیه السلام است هرگاه با غضب بپاخیزد، پس از هر هزار تن [از مخالفان] نهصد و نود و نه تن را می کشد و «به آن [آتش] گرفتار نشود مگر شقی ترین خلق.» فرمود: او دشمن آل محمد علیه السلام است «و متقی ترین مردم از آن دور خواهد بود.» فرمود: او امیر المؤمنین علیه السلام و شیعیان او می باشند.

آیه دویت و پنجاه و چهارم

● شب قدر شب تقدیر ولایت امیرالمؤمنین و ائمه طاهرین و امام زمان علیه السلام است.

خداوند در سوره قدر آیه ۱، می فرماید:

﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ﴾

ما آن را در شب قدر نازل کردیم.

* در معانی الاخبار صفحه ۳۱۵، آمده است:

عن الاصبع بن نباته عن علی بن ابی طالب علیه السلام قال: قال لی یا رسول الله صلی الله علیه و آله: یا علی اتدری ما معنی لیلۃ القدر؟ فقلت: لا یا رسول الله فقال صلی الله علیه و آله: ان الله تبارک و تعالی قدر فیها ما هو کائن الی یوم القیامة فکان فیما قد رعزوجل ولایتک و ولایة الائمه من ولدک الی یوم القیامة.

اصبع بن نباته از مولای متقیان علی علیه السلام روایت می کند که گفت رسول خدا صلی الله علیه و آله به من فرمود: یا علی، آیا می دانی معنای لیلۃ القدر را؟ عرض کردم نه یا رسول الله صلی الله علیه و آله، فرمود: خداوند در آن شب قدر آن چه را که باید به وجود آورد، تا قیامت تقدیر می کند و از جمله مقدورات الهی ولایت تو ولایت امامان از نسل تو تا روز قیامت است.

این شب در عالم ذر اولی بوده است که در آن خداوند از همه انسان ها و از همه انبیاء از سه کلمه عهد و پیمان می گیرد و آن سه کلمه عبارت بوده اند از: لا اله الا الله، محمد رسول الله، و امیرالمؤمنین علی علیه السلام و فرزندانش یکی بعد از دیگری حجت الله و در حال حاضر حضرت بقیه الله الاعظم حجت خداوند بر روی کره زمین است و ولایت این ها فطری است.

■ آیه دویت و پنجاه و پنجم

● سلام بر صبح قیام قائم آل محمد (عج).

خداوند در سوره قدر آیه ۵، می فرماید:

﴿سَلَامٌ هِيَ حَتَّى مَطْلَعِ الْفَجْرِ﴾

سلام و رحمتی پیوسته تا هنگام طلوع فجر.

(۱) در کتاب تأویل الآیات الظاهره صفحه ۸۲۰، آمده است:

محمد بن العباس، عن احمد بن هودة، عن ابراهيم بن اسحاق، عن عبدالله بن حماد، عن ابي يحيى الصنعاني، عن ابي عبدالله عليه السلام قال: سمعته يقول: قال لي ابي محمد عليه السلام: قرا علي بن ابي طالب عليه السلام انا انزلناه في ليلة القدر و عنده الحسن والحسين عليه السلام فقال له الحسين يا ابتاه كان بها من فيك حلاوة، فقال له: يا بن رسول الله [و ابني] اني اعلم فيها مالا تعلم، انها لما انزلت بعث الي جدك رسول الله صلى الله عليه وسلم، فقراها علي ثم ضرب علي كتفي الايمن و قال: يا اخي و وصيي و وليي (علي) امّتي بعدى و حرب اعدائي الي يوم يبعثون، هذه السورة لك من بعدى و لولديك (ولولدك) من بعدك ان جبرئيل اخي عليه السلام من الملائكة حد شالي احداث امّتي في سنتها والله وانه ليحدث ذلك اليك كاحداث النبوة ولها نور ساطع في قلبك و قلوب اوصيائك الي مطلع فجر القائم عليه السلام.

محمد بن العباس: از احمد بن هوده، از ابراهيم ابن اسحاق، از عبدالله بن حماد، از ابويحيى صنعاني، از حضرت ابو عبدالله صادق عليه السلام آورده که راوی گوید: شنیدم آن حضرت می فرمود: پدرم محمد (باقر) عليه السلام به من فرمود: حضرت علی بن ابی طالب عليه السلام در حالی که حسن و حسین عليه السلام نزدش بودند سوره انا انزلناه فی لیلہ القدر را خواند، حسین به آن جناب عرضه داشت: ای پدر، گویی از دهان شما شیرینی دیگری دارد. امیرالمؤمنین عليه السلام به او فرمودند: ای فرزند، رسول خدا و فرزند من، البته من در این سوره می دانم آنچه را که تو نمی دانی، هنگامی که این سوره نازل شد جدت رسول خدا صلى الله عليه وسلم

در پی من فرستادند پس آن را بر من خواندند، سپس، بر شانه راست من زدند و فرمودند:

ای برادر و جانشین و ولی من بر اتم بعد از من، و جنگ دشمنانم تا روزی که برانگیخته شوند، این سوره برای تو است پس از من، و برای دو فرزندت [فرزندانت] بعد از تو، همانا جبرئیل برادرم از فرشتگان، حوادث و کارهای اتم در این سالشان را به اطلاع من رسانید. به خدا سوگند همانا این جریان اطلاع دادن از حوادث و کارها برای تو نیز خواهد بود همچون خبر گرفتن نبوت، و برای آن نور درخشانی است در دل تو و دل های اوصیای تو تا طلوع فجر حضرت قائم علیه السلام.

(۲) در کتاب تأویل الایات الظاهره صفحه ۸۱۸، آمده است:

شرف الدین النجفی: عن محمد بن جمهور، عن موسی بن بکر، عن زرارة، عن حمران قال: سألت ابا عبد الله علیه السلام عما یفرق فی ليله القدر هل هو ما یقدر سبحانه و تعالی فیها؟ قال علیه السلام لا توصف قدرة الله [لأنه قال]: «فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ» فكيف يكون حكيماً إلا ما فرّق [و لا یوصف قدرة الله سبحانه لأنه يحدث ما یشاء، و اما قوله: «حَيَّرَ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ»، یعنی فاطمة علیها السلام و قوله تعالی: «تَنْزَلُ الْمَلَائِكَةُ وَ الرُّوحُ فِيهَا» و الملائكة فی هذا الموضع المؤمنون الذین، یملکون علم آل محمد علیهم السلام و الرُّوح، روح القدس و هی [هو فی] فاطمة علیها السلام، «مِنْ كُلِّ أَمْرٍ» یقول کل امر سلّمه مسلّمه «هِيَ حَتَّى مَطْلَعِ الْفَجْرِ» یعنی (حتی) یقوم القائم علیه السلام.

شرف الدین نجفی: از محمد بن جمهور، از موسی بن بکر، از زراره، از حمران آورده که گفت از حضرت ابو عبدالله صادق علیه السلام پرسیدم از آنچه را که در شب قدر ممتاز و پراکنده می شود آیا همان اموری است که خدای سبحانه و تعالی در آن تقدیر می کند؟ امام صادق علیه السلام فرمود: قدرت خداوند توصیف نمی شود زیرا که او فرموده: «در آن شب هر امری با حکمت ممتاز و جدا می شود» پس چگونه امری با حکمت خواهد بود مگر آنچه را که او ممتاز ساخته؟ و قدرت خداوند سبحان وصف ناپذیر است. زیرا که او آنچه را بخواهد پدید می آورد و اینکه فرموده: از هزار ماه بهتر است؛ یعنی، حضرت

فاطمه علیها السلام و اینکه خدای تعالی فرموده: «فرشتگان و روح در آن شب فرود می آیند.» فرشتگان در اینجا مؤمنانی هستند که علم آل محمد علیهم السلام را دارند، «و روح القدس است و آن [در] فاطمه علیها السلام می باشد.» از هر امر [و فرمان و سرنوشتی] سلام و رحمت است.» می فرماید: هر امری که تسلیم کننده اش آن را تسلیم کند، «تا طلوع سپیده دم»؛ یعنی، (تا وقتی که) قائم علیه السلام قیام کند.

آیه دویست و پنجاه و ششم

● امام زمان (عج) اسلام را استوار می کند.

خداوند در سوره بینه آیه ۵، می فرماید:

﴿وَذَلِكَ دِينَ الْقِيَمَةِ﴾

و دین درست و استوار، این است.

* در کتاب تأویل الآیات الظاهره صفحه ۸۳۱، آمده است:

شرف الدین نجفی: روی علی بن اسباط، عن ابی حمزة، عن ابی بصیر، عن ابی عبدالله علیه السلام فی قوله عزوجل: ﴿وَذَلِكَ دِينَ الْقِيَمَةِ﴾ قال: [انما] هو ذلك دین القائم علیه السلام.

شرف الدین نجفی: از (ابن) اسباط، از ابو حمزه، از ابوبصیر، از حضرت ابو عبدالله امام صادق علیه السلام روایت آورده که درباره قول خدای عزوجل: «و آن است دین استوار و آئین محکم و درست» فرمود: همانا این دین حضرت قائم علیه السلام است.

آیه دویت و پنجاه و هفتم

● خداوند با کلمه «والعصر» به عصر طلایی ظهور قائم آل محمد (عج) سوگند می خورد.

خداوند در سوره عصر آیات ۱ تا ۳ می فرماید:

﴿وَالْعَصْرِ ۝ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ ۝ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ
وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ﴾

قسم به عصر ۰ که انسان همه در خسارت و زیان است ۰ مگر آنان که به خدا ایمان آورده و نیکوکار شدند و به درستی و راستی و پایداری در دین یکدیگر را سفارش کردند.

* در کتاب کمال الدین و تمام النعمة مجلد ۲ صفحه ۳۷۵ حدیث را باب فی نوادر الكتاب آمده است:

حدثنا احمد بن هرون القاضي و جعفر بن محمد بن مسرور و علی بن الحسين بن شاذویه المؤدب رضی الله عنهم قالوا حدثنا محمد بن عبدالله بن جعفر بن جامع الحمیری قال: حدثنا ابی عن محمد بن الحسين بن ابی الخطاب الدقاق، عن محمد بن سنان، عن المفضل بن عمر قال: سألت الصادق جعفر بن محمد عليه السلام عن قول الله عز وجل ﴿وَالْعَصْرِ ۝ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ﴾ قال عليه السلام: والعصر عصر خروج القائم عليه السلام ﴿إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ﴾ یعنی اعدتئنا الا الدین آمنون یعنی بآیاتنا و عملوا الصالحات یعنی بمواساة الاخوان ﴿وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ﴾: یعنی، بالامامة و تواصوا بالصبر یعنی بافترة. قال مصنف هذا الكتاب عليه السلام ان قوماً قالوا بالفترة واحتجوا بها وزعموا ان الامامة منقطعة كما انقطعت النبوة والرسالة من النبی الی نبی و رسول الی رسول بعد محمد عليه السلام فاقول و بالله التوفیق ان هذا القول مخالف الحق لكثرة الروایات التي وردت ان الارض لا تخلو من حجة الی یوم القيامة ولمتخل من لدن آدم عليه السلام

الی هذا الوقت وهذه الاخبار كثيرة شایعة قد ذکرتها فی هذا کتاب وهي شایعة فی طبقات الشیعة و فرقتها لا ینکرها منهم منکر ولا یجحدھا جاحد ولا یتأولھا متأول ان الارض لا تخلو من حجة (امام خ ل) حی معروف اما ظاهر مشهور او خافی مستور و لم یزل اجماعهم علیه الی زماننا هذا فالامامة لا تتقطع ولا یجوز انقطاعها لانها متصلة ما اتصل اللیل والنهار.

مفضل بن عمر گوید: از امام صادق جعفر بن محمد علیه السلام پرسیدم از گفته خداوند عزوجل ﴿وَالْعَصْرِ ۝ اِنَّ الْاِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ﴾ فرمود: مقصود از عصر ظهور قائم (عج) است که انسان در زیان است یعنی دشمنان ما زیانمند هستند مگر آنان که ایمان آوردند یعنی به آیات ما ائمه و کار نیک کردند یعنی همراهی با برادران خود نمودند و در حق هم عهدهی کردند یعنی در امامت و در صبر و بردباری همکاری کردند؛ یعنی، در دوران فترت و غیبت امام مصنف این کتاب گوید جمعی از شیعه در موضوع امامت به دوران فترت معتقدند و دلیل بر آن آورده گمان برده اند که امامت از امت برداشته می شود تا امام تازه ای پدید گردد چنانچه رسالت و نبوت از دوران پیغمبری تا دوران پیغمبر آینده که به محمد صلی الله علیه و آله ختم شده دچار فترت می گردد و بریده می شود. من به توفیق خدا می گویم این قول مخالف حق است برای اینکه اخبار بسیاری وارد شده است که زمین هیچ گاه از حجتی خالی نماند تا روز قیامت و از دوران آدم علیه السلام هم تا کنون خالی نبوده است و این اخبار بسیار شایع است که در این کتاب ذکر کردم و این اخبار در میان همه طبقات و فرق شیعه شایع است و منکری ندارد و کسی آن ها را تأویل نکرده است و مضمون آن ها این است که زمین بی حجت و امامی زنده نباشد که یا آشکار و مشهود است و یا پنهان و مستور و همیشه این موضوع مورد انفاق شیعه بوده است تا زمان ما. پس امامت منقطع نشود و انقطاعش روا نبود زیرا تا روزگار باقی است پیوسته است.